



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

ع

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد ششم - حرف ج
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۲۴	جادو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۳۷	جاسوسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۱	جالوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۷	جامعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۲۰	جان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۳۰	جانداران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۳۶	جاودانگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۹۳	جاه طلبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۹۷	جاهل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۸۷	جایزه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۰۸۹	جبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۲۶	جبرئیل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۱۸۷	جرایم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۵۶	جزع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۵۸	جزیره العرب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۷۴	جزیه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۸۰	جعل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۸۸	جمادات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۹۲	جمعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۱۰	جمعیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

- ۱۳۲۲ ----- جن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۰۳ ----- جنابت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۰۸ ----- جنایت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۱۰ ----- جنبندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۲۷ ----- جنسیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۶۳۴ ----- جنگ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۸۱۹ ----- جنگل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۸۲۲ ----- جنون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۸۳۹ ----- جنین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۸۶۳ ----- جو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۸۶۷ ----- جوامع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۸۹۶ ----- جوانان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۸۹۸ ----- جوانمردی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۹۰۴ ----- جوانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۹۱۷ ----- جهاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۳۱۰ ----- جهان بینی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۴۶۷ ----- جهل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۲۶۵۶ ----- جهنم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۳۶۷ ----- جهنمیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۵۹۳ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد ششم - حرف ج / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د ۵۷۷۴ آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف، فایده،

پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنج‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانش‌های نوین زبان‌شناسی است می‌باشد. زبان‌شناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک و متودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متأسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلاً به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه مراکز

قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصورات اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را در منظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و صداها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتنای عرفان الهی و بحر موج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادب‌بنی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآوردند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلامی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهاى معرفتى او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه هاى درونى آدمى است. ثانياً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به ديگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمى به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایى لفظى را که نمایانگر آن معنى باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتى است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. يعنى علامتى است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه اى بیش نیست و فقط هنگام رویارویى با ديگران بکار می رود. اما آدمى مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته هاى خود را به مکانهاى دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و يك سلسله علايم ديگر نیز وضع کرده که همان خط یا علايم مکتوب یا الفباست. علايمى به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، اين علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علايم مکتوب یا خط یا وجود کتبى دلالت بر حفظ، يعنى اصوات معين ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبى دال بر وجود لفظى است ، همانطور که وجود لفظى دال بر معنای ذهنى است و معنای ذهنى دال بر شیء خارجى.

وجود کتبى (علايم کتبى یا خطى) - وجود لفظى

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر خواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانی که

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکین اصفهانی

جادو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جادو

آثار استفاده از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۰

۲۰ - به کارگیری سحر و سوء استفاده از آن آدمی را به ورطه کفر می کشاند .

إنما نحن فتنه فلا تکفر

آثار تعلم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۱

۴۱ - یهود در عین آگاهی به اینکه فراگیری سحر موجب محروم شدن آنان از همه مواهب اخروی خواهد شد ، به آموزش آن پرداختند .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق

<خلاق> به معنای بهره وافر و نصیب نیکوست. نکره بودن کلمه <خلاق> به همراه <من> زائیده، دلالت بر قلت دارد و ظاهر آن است که ضمیر در <علموا> به یهودیان بر می گردد.

آثار تعلم جادوی زیانبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۳

۴۳ - یهودیان با آموزش سحر های زیان آور ، خویشتن را تباه و بهای بدی را کسب کردند .

ماله فی الآخره من خلق و لبئس ماشرؤا به أنفسم

آثار جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ سحر ، عامل فساد است و ساحران اهل فسادند .

ما جئتم به السحر . . . إن الله لا یصلح عمل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ -

۱۰ - سحر ، حقیقت اشیا را تغییر نمی دهد .

يَخْتَلِ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُمْ تَسْعَى

آثار جادو با ترشحات دهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۲

۲ - دمیدن در گره ها و رساندن ذرات آب دهان به آن به شکلی خاص ، نوعی جادو و دارای آثاری نامطلوب بر انسان است .

و مِنْ شَرِّ النَّفْثَاتِ فِي الْعُقَدِ

آثار جادو با گره زدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۲

۲ - دمیدن در گره ها و رساندن ذرات آب دهان به آن به شکلی خاص ، نوعی جادو و دارای آثاری نامطلوب بر انسان است .

و مِنْ شَرِّ النَّفْثَاتِ فِي الْعُقَدِ

آثار روانی جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۸

۸ - سحر ، دارای تأثیر و نفوذ بر قوای ادراکی و قوه مخیله

يَخْتَلِ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ

آثار سوء استفاده از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴۰ - کسانی که علم سحر را برای سوء استفاده و ضرر رسانی فراگیرند ، از مواهب آخرت محروم خواهند شد .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق

ضمیر مفعولی در <اشتره> به <ما یضرهم و لاینفعهم> - که مراد آن سحرهای زیان آور است - بر می گردد.

ابطال جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۶

۶ - خداوند ، توانا بر ابطال

سحر و بی اثر کردن نَفَس جادوگران

و من شرّ النفث في العقد

احکام جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۴، ۳۶

۳۴ - رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته ... و یتعلمون مایضرهم و ل

۳۶ - جواز فراگیری و به کارگیری علم سحر در جهت منافع مردم

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۹

۹ - سحر ، کاری نامشروع و پرهیز از آن ضروری است .

کید سحر و لایفلیح الساحر حیث أتى

مکر بودن سحر و بسته بودن راه موفقیت بر ساحر که در این آیه بیان گردیده است بیانی کافی بر مشروعیت نداشتن و مجاز نبودن آن است.

اختلاف افکنی با جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۸

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

إنما نحن فتنه فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

استغفار از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۸

۸ - سحر و ساحری ، گناهی نیازمند توبه و مغفرت خداوند

ليغفر لنا .. و ما اكرهتنا عليه من السحر

نیازمندی سحر و ساحری به غفران الهی، نشان از گناه بودن آن دارد، اشاره

ساحران به اکراهی بودن آن، نوعی اعتذار از صدور آن گناه، برای جلب مغفرت الهی است.

استفاده از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۶

۳۶ - جواز فراگیری و به کارگیری علم سحر در جهت منافع مردم

یتعلمون ما یضرهم و لاینفعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۱

۱ - فرعون برای مقابله با موسی (ع) به وسیله سحر مصمم شد .

فلنأتینک بسحر مثله

<لنأتینک> حاوی لام تأکید و نون تأکید ثقلیه است و بر اعلان تصمیم قطعی فرعون برای مقابله با موسی (ع) دلالت می کند.

استمداد فرعون از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۹ - ۴

۴ فرعون ، برای مبارزه با موسی و هارون (ع) به سحر و جادو متوسل شد .

و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۰ - ۳

۳ - تهیه و تدارک برای ارائه سحری بزرگ در برابر موسی (ع) ، از حیل های فرعون

فلنأتینک بسحر ... فجمع کیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۴،۴۰

۳۴ - رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته .. و یتعلمون ما یضرهم و ل

- کسانی که علم سحر را برای سوء استفاده و ضرر رسانی فراگیرند ، از مواهب آخرت محروم خواهند شد .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق

ضمیر مفعولی در <اشتره> به <ما یضرهم و لاینفعهم> - که مراد آن سحرهای زیان آور است - بر می گردد.

افساد با جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۴

۳۴ - رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته .. و یتعلمون ما یضرهم و ل

اقسام جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۳

۳۳ - برخی از سحرها ضرر آفرین و بعضی سودمند است .

یتعلمون ما یضرهم و لاینفعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۲

۲ - دمیدن در گره ها و رساندن ذرات آب دهان به آن به شکلی خاص ، نوعی جادو و دارای آثاری نامطلوب بر انسان است .

و من شرّ النفث فی العقد

اهل بابل و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۲، ۲۵، ۲۴، ۱۵

۱۵ - هاروت و ماروت به مردمان بابل سحر می آموختند .

و ما أنزل علی الملکین . . . و ما یعلمان من أحد

۲۴ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش

جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما يفرقون به بين المرء و زوجته

۲۵ - نقش مردم بابل در رواج علم سحر

فیتعلمون منهما ما يفرقون به بين المرء و زوجته

۳۲ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحرهایی را فرا گرفتند که نتیجه ای جز ضرر برای آنان نداشت .

یتعلمون ما یضرهم و لا ینفعهم

اهمیت اجتناب جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۹

۹ - سحر ، کاری نامشروع و پرهیز از آن ضروری است .

کید سحر و لا یفلح الساحر حیث اُتی

مکر بودن سحر و بسته بودن راه موفقیت بر ساحر که در این آیه بیان گردیده است بیانی کافی بر مشروعیت نداشتن و مجاز نبودن آن است.

بطلان جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۶ - ۷

۷ سحر و جادوگری ، باطل و عاری از حقیقت است .

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۹

۹- سحر ، از مقوله باطل

قال الذین کفروا .. هذا سحر

از تقابل کلمه <حقّ> در آیه با <سحر>، مطلب یاد شده استفاده می شود.

بی ارزشی جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۱۰

۱۰- سحر ، عملی بی ارزش است و تغییر مکان دادن ساحر ، تأثیری در ثمربخشی آن ندارد .

و لا یفلح السّاحر حیث أتى

پوچی جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۳ - معجزه ، امری واقعی ، و سحر عملی خیالی و فاقد حقیقت و واقعیت است .

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

<إفك> در اصل به سخنی گفته می شود که اصل و ریشه نداشته و دروغ است. بنابراین سحر را بدان جهت <إفك> می نامند که فاقد حقیقت و واقعیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۵

۵ - وجود نشانه هایی تردیدناپذیر در تفاوت معجزه موسی با هر گونه افسون ، در نظر سحرشناسان

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدِينَ

برداشت یاد شده از سجده بی درنگ ساحران، در پی مشاهده معجزه موسی استفاده می شود.

پیدایش جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۱

۵۱ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: >... فلما هلك سليمان وضع ابليس السحر و كتبه في كتاب ثم طواه و كتب على ظهره > هذا ما وضع آصف بن برخيا لملك سليمان بن داود من ذخائر كنوز العلم من أراد كذا و كذا فليفعل كذا و كذا < ثم دفنه تحت السرير ثم استثاره لهم فقرأه فقال الكافرون ما كان سليمان (ع) يغلبنا إلا بهذا و قال المؤمنون بل هو عبد الله و نبیه فقال الله جلّ ذكره > واتبعوا ما تتلوا الشياطين على ملك سليمان و ما كفر سليمان و لكن الشياطين كفروا يعلمون الناس السحر... ;

آن هنگام که سلیمان (ع) وفات یافت ابلیس سحر را پایه گذاری کرد و در کتابی نوشت ؛ سپس آن

را پیچیده و بر روی آن چنین نوشت: این چیزی است که آصف بن برخیا ساخته است برای برپایی حکومت سلیمان بن داود(ع) که در آن ذخیره های علم انباشته شده است. هر کس چنین می خواهد چنان کند. سپس ابلیس آن را زیر تخت سلیمان(ع) پنهان نمود؛ سپس آن نامه را بیرون آورده برای آنان خواند. پس کافران در آن جلسه گفتند: سلیمان بر ما چیره نگشت و حکومت نیافت مگر از راه سحر و مؤمنانشان گفتند: هرگز این چنین نیست؛ بلکه او بنده و پیامبر خدا بود. خداوند می فرماید: واتبعوا ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان و لکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر ...>

تأثیر جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۹

۲۹ - تأثیر سحر بر روان و افکار انسان های سحر شده

یفرقون به بین المرء و زوجته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۴

۴ جادوی ساحران فرعونی ، مایه هراس شدید مردم گشت .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس و استرهبوه

>استرهاب> به معنای ترسانیدن است. جمله >استرهبوهم> هم می تواند عطف بر جزای شرط، یعنی >سحروا ...> باشد و هم می تواند عطف بر >فلما ألقوا ...> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی: سحروا أعین الناس و استرهبوهم بسحرهم.

تأثیر جادو در انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱۲

۱۲ - امکان تأثیر سحر بر قوه خیال و وهم پیامبران الهی

یخیل

إليه من سحرهم

ترسیم چیزی در دیدگان انسان، برخلاف شکل واقعی آن (مانند شکسته وانمود شدن چوبی که در آب موج دار قرار دارد) مانع شناخت حقیقت آن چیز نیست؛ تا نقصی برای درک و فهم انسان به شمار آید و با نبوت ناسازگار باشد.

تأثیر جادو در قوای ادراکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۸

۸ - سحر، دارای تأثیر و نفوذ بر قوای ادراکی و قوه مخیله

یخیل إليه من سحرهم

تأثیر جادو در موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ - دیدگان و قوه خیال موسی (ع) نیز، تحت تأثیر سحر ساحران فرعون قرار گرفت.

یخیل إليه من سحرهم آنها تسعی

تاریخ جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۵، ۲۵، ۵۲

۱۵ - هاروت و ماروت به مردمان بابل سحر می آموختند.

و ما أنزل علی الملکین... و ما یعلمان من أحد

۲۵ - نقش مردم بابل در رواج علم سحر

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

۵۲- از امام جعفر صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید: <... و ما أنزل علی الملکین بیابیل هاروت و ماروت >
روایت شده که فرمود: < و کان بعد نوح (ع) قد کثر السحره ... >

بعد از حضرت نوح(ع) ساحران نیرنگباز زیاد گشتند و خداوند دو فرشته رابه سوی پیامبر آن زمان فرستاد تا آنان به آن پیامبر،

شیوه های سحر ساحران و کارهایی را که با آن، سحر باطل و مردود می شود بیاموزند. سپس آن پیامبر شیوه های سحر را فرا گرفت و به فرمان خداوند آن را به بندگان خدا نیز آموخت و به آنان گفت: جلو سحر ساحران را بگیرید و آن را باطل نمایید و آنان را نهی کرد از اینکه مردم را سحر کنند ... و (کلام خدا که فرمود): <آن دو فرشته هیچ کس را تعلیم سحر نمی دادند مگر اینکه از قبل می گفتند ما وسیله آزمایش هستیم>؛ یعنی، آن پیامبر به دو فرشته دستور داد که به صورت بشر ظاهر شوند و آنچه از خدا درباره سحر و ابطال آن آموخته اند به مردم یاد بدهند ... پس خدای عز و جل به آنان فرمود: با سحر و ضربه زدن به دیگران و دعوت مردم به این که ما بر قدرت احیا و اماتة داریم و کارهایی می کنیم که فقط خداوند به آن قدرت دارد، کافر نشوید و خداوند فرموده: <و ما هم بضارین به من أحد إلا یاذن الله>؛ یعنی، آنان که سحر را فرا گرفته بودند نمی توانستند بدون اجازه و علم خدا به کسی زیانی برسانند؛ زیرا اگر خدا می خواست، با زور جلوی آنها را می گرفت. و نیز فرموده: <آنان از علوم سحر چیزهایی را یاد می گرفتند که در جهت زیان آنها بود نه نفعشان> (یعنی) آنان چیزهایی فرا می گرفتند که موجب ضرر در دینشان بود و نفعی در آن نبود ... و (نیز خداوند) فرمود: <و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق>؛

زیرا آنان معتقد بودند که آخرتی در کار نیست پس آنان معتقد بودند وقتی که آخرتی نباشد بهره و نصیبی هم بعد از دنیا نیست و به فرض بعد از دنیا آخرتی باشد، آنان به سبب کفرشان از آن محروم خواهند بود...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۲

۲ رواج سحر در سرزمین مصر به هنگام بعثت موسی (ع)

يَأْتُوكَ بَكْلٍ سِحْرِ عَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۹ - ۳

۳ سحر و جادو در عصر فرعون ، دانشی رایج بود و ساحران چیره دست بسیاری در کشور مصر می زیستند .

قالوا إن هذا لسحر .. و لا یفلح السحرون ... و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۴

۴ - وجود سحر و ساحر ، در مصر باستان

فلنأتینک بسحر مثله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۷

۷ - سحر متداول در عصر فرعون ، محدود به نوعی خاص و در قالب نمایش سحر بر اشیای افکنده شده بر زمین بود . *

إِذَا مَا أَنْ تَلْقَىٰ وَإِذَا مَا أَنْ نَكُونُ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ

تعبیری که ساحران در بیان خویش به کار گرفتند (یا می افکنی و یا نخست ما می افکنیم)، می تواند حاکی از آن باشد که کسی انتظار سحری از نوع دیگر را نداشت. فراهم آوردن ریسمان ها و عصاها که آیه بعد بر آن دلالت

دارد نیز گویای همین نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۲

۲ - رواج سحر و ساحری در قلمرو حکومت فرعون

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحرّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۴

۴ - فرعون و مردم عصر وی ، عقیده مند به افسون و جادو بوده و ساحران دارای جایگاه و منزلت ویژه در نزد آنان بودند .

لعلنا نتبع السحره إن كانوا هم الغلبین

دعوت همگانی از مردم برای شرکت در هم‌آوردی فرعون با موسی(ع) و تصریح به پیروی همگی از ساحران، در صورت پیروزی آنها بر موسی(ع)، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۷

۷ - اطلاع ثمودیان ، از مسأله افسون و سحرزدگی

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۷

۷ - اطلاع مردم < آیکه > از مسأله جادو و سحرزدگی

قالوا إنّما أنت من المسحّرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آشنایی مردم عصر موسی (ع)، با مقوله سحر و آثار شگفت آن

و قالوا یاٰیہ السّاحر

متهم کردن موسی (ع)، به سحر پس از مشاهده آیات شگفت الهی، نشان می دهد که فرعونیان مشابه آن کارها را در توان ساحران می دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- وجود پدیده سحر و جادو ، در جامعه عصر بعثت

هذا سحر مبين

تعلم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۶،۴۰

۳۶- جواز فراگیری و به کارگیری علم سحر در جهت منافع مردم

یتعلمون ما یضرهم و لاینفعهم

۴۰- کسانی که علم سحر را برای سوء استفاده و ضرر رسانی فراگیرند ، از مواهب آخرت محروم خواهند شد .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق

ضمیر مفعولی در <اشتره> به <ما یضرهم و لاینفعهم> - که مراد آن سحرهای زیان آور است - بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۹،۱۲

۹- فراگرفتن سحر از موسی (ع) و هم دستی با او در توطئه علیه فرعون ، از اتهامات فرعون به ساحران مؤمن بود .

إِنَّه لکبیر کم الذی علمکم السحر

۱۲- سحر ، از علوم قابل تعلیم و یادگیری

علمکم السحر

تعلیم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳،۹،۱۱،۱۵،۵۲

۳ - شیاطین علومی از سحر را بر مردم عصر سلیمان تلاوت کرده و به آنها جادوگری می آموختند .

ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان .. یعلمون الناس السحر

فعل <تتلوا> از مصدر تلاوت (خواندن و قرائت کردن) است. مراد از <ما>ی موصوله - به قرینه فراهای بعد - سحر و مانند آن می باشد. متعلق <تتلوا> به دلیل <یعلمون الناس> <علی الناس> می باشد. یعنی، یهود دنباله رو سحری بودند که شیاطین آن را برای مردم می خواندند.

۹ - کفرورزی

شیاطین با تعلیم سحر به مردم

و لكن الشیطان کفروا یعلمون الناس السحر

۱۱ - گروهی از یهودیان به آموختن سحر های تعلیم داده شده از سوی شیاطین روی آورده و به جادوگری پرداختند .

واتبعوا ما تتلوا الشیطان

ضمیر در <اتبعوا> به <فریق من الذین أوتوا الكتاب> در آیه قبل بر می گردد.

۱۵ - هاروت و ماروت به مردمان بابل سحر می آموختند .

و ما أنزل علی الملکین . . . و ما یعلمان من أحد

۵۲ - از امام جعفر صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : < . . . و ما أنزل علی الملکین ببابل هاروت و ماروت > روایت شده که فرمود : < و کان بعد نوح (ع) قد کثر السحره . . . >

بعد از حضرت نوح(ع) ساحران نیرنگباز زیاد گشتند و خداوند دو فرشته رابه سوی پیامبر آن زمان فرستاد تا آنان به آن پیامبر، شیوه های سحر ساحران و کارهایی را که با آن، سحر باطل و مردود می شود بیاموزند. سپس آن پیامبر شیوه های سحر را فرا گرفت و به فرمان خداوند آن را به بندگان خدا نیز آموخت و به آنان گفت: جلو سحر ساحران را بگیرید و آن را باطل نمایید و آنان را نهی کرد از اینکه مردم را سحر کنند ... و (کلام خدا که فرمود): < آن دو فرشته هیچ کس را تعلیم سحر نمی دادند مگر اینکه از قبل می گفتند ما وسیله آزمایش هستیم >؛ یعنی، آن پیامبر به دو فرشته دستور داد که به صورت بشر ظاهر شوند و آنچه از خدا درباره سحر و ابطال آن آموخته

اند به مردم یاد بدهند ... پس خدای عز و جل به آنان فرمود: با سحر و ضربه زدن به دیگران و دعوت مردم به این که ما بر قدرت احیا و اماتة داریم و کارهایی می کنیم که فقط خداوند به آن قدرت دارد، کافر نشوید و خداوند فرموده: <و ما هم بضارین به من أحد إلا یاذن الله>؛ یعنی، آنان که سحر را فرا گرفته بودند نمی توانستند بدون اجازه و علم خدا به کسی زیانی برسانند؛ زیرا اگر خدا می خواست، با زور جلوی آنها را می گرفت. و نیز فرموده: <آنان از علوم سحر چیزهایی را یاد می گرفتند که در جهت زیان آنها بود نه نفعشان> (یعنی) آنان چیزهایی فرا می گرفتند که موجب ضرر در دینشان بود و نفعی در آن نبود ... و (نیز خداوند) فرمود: <و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق>؛ زیرا آنان معتقد بودند که آخرتی در کار نیست پس آنان معتقد بودند وقتی که آخرتی نباشد بهره و نصیبی هم بعد از دنیا نیست و به فرض بعد از دنیا آخرتی باشد، آنان به سبب کفرشان از آن محروم خواهند بود ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - سحر، از علوم قابل تعلیم و یادگیری

عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

تعلیم جادو در بابل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۳

۱۳ - یهودیان برای مبارزه با پیامبر (ص) علاوه بر انکار بشارت های تورات، از سحر و جادو مدد می

گرفتند .

نبذ فریق . . . كتب الله وراء ظهورهم ... واتبعوا ما تتلوا الشيطان

در آیه قبل گذشت که جمله <نبذ فریق> پس از <لما جاءهم> می رساند که: یهود به خاطر اینکه بتوانند رسالت پیامبر(ص) را انکار کنند بشارتهای تورات را درباره آن حضرت، نادیده گرفتند. عطف جمله <اتبعوا...> بر <نبذ فریق> نیز اقتضا می کند که دنبال کردن سحر به همین منظور بوده است.

تفاوت معجزه با جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۸

۸- آگاهی مشرکان در عصر بعثت ، از ماهیت معجزه و فرق آن با سحر و خواب های پریشان و شعر

بل قالوا أضغث أحلم بل افتريه بل هو شاعر

مشرکان در مخالفت با پیامبر(ص) ابتدا سخن او را سحر، یا شعر و یا خواب های آشفته می دانستند. سپس برای اثبات رسالت پیامبر(ص) از ایشان خواستار معجزه شدند. این می رساند که آنان از معجزه و فرق آن با سحر و شعر و... آگاه بودند و به آن اعتراف داشتند.

تفاوت معجزه و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۷

۷- بصیرت بخشی و بینش دهی معجزه ، ملاک تمایز آن از سحر و جادو گری

إني لأظنك يموسى مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا ... بصائر

تأکید موسی(ع) بر <بصائر> بودن معجزاتش در قبال اتهام سحر به معجزات او از سوی فرعون، می تواند خود ردی باشد بر اتهام فرعون با ارائه ملاک، یعنی، سحر هرگز بصیرت آفرین نیست در حالی که معجزه، بصیرت آفرین است.

توبه از جادو

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۸

۸ - سحر و ساحری ، گناهی نیازمند توبه و مغفرت خداوند

لیغفر لنا .. و ما أكرهتنا عليه من السحر

نیازمندی سحر و ساحری به غفران الهی، نشان از گناه بودن آن دارد، اشاره ساحران به اکراهی بودن آن، نوعی اعتذار از صدور آن گناه، برای جلب مغفرت الهی است.

تهمت جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱،۴

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبني

۴ اتهام سحر، وسیله ای برای مبارزه کافران با رسالت پیامبر(ص) و آیات الهی

لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبين

تهمت جادو به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۳

۳ - سحر خواندن معجزات پیامبران ، دروغ بستن به خداوند است .

لا تفتروا على الله كذباً

إفتراف یعنی، دروغ بافتن و به قرینه <على الله>، مراد دروغی است که در باره خداوند ساخته و پرداخته شده باشد. اضافه کلمه <كذباً> برای تأکید است.

تهمت جادو به پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۳

۳ فرعونیان ایمان به رسالت موسی را سحرزدگی می دانستند .

مهما تأتانا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنین

تهمت جادو به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ - قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهرا

تهمت جادو به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الكفرون إن هذا لسحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲ - نسبت ناروای سحر به قرآن و جادوگری به پیامبر (ص) از سوی مشرکان ستم پیشه

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

۱۳ - مشرکان ستم پیشه ، ضمن ایراد اتهام سحر به قرآن ، آن را هرگز شایسته پیروی نمی دانستند .

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

استفهام در جمله <أفتأتون السحر> انکاری است و جمله <و أنتم تبصرون> حال برای فاعل <تأتون> می باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: آیا شما با چشم باز و آگاهی به دنبال قرآن که سحر است می روید؟ یعنی این که شایسته نبودن قرآن برای پیروی، امری است روشن و بدیهی.

۱۵ - سحر بودن قرآن و ساحر بودن پیامبر (ص) ، دلیل واهی و بهانه دیگر مشرکان ستم پیشه برای ایمان نیاوردنشان

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

مشرکان برای رد ادعای نبوت پیامبر(ص)، دو دلیل واهی و بهانه جویانه می آوردند: ۱ بشر بودن آن حضرت (هل هذا إلا بشر

مثلکم)، ۲ ساحر بودن ایشان (أفتأتون السحر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸

۱۱ - قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۵

۱۵ - اتهام بی پرده کافران ، مبنی بر جادوی آشکار بودن قرآن کریم

و قال الذين كفروا للحق لما جاءهم إن هذا إلا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۲،۴

۲ - قرآن ، سحری آشکار در دیدگاه مشرکان

و قالوا إن هذا إلا سحر مبين

۴ - اصرار و پافشاری مشرکان بر متهم کردن قرآن و معجزه الهی به سحر و جادوگری

و قالوا إن هذا إلا سحر مبين

برداشت فوق از به کار رفتن نفی و استثنا در آیه شریفه که دلالت بر حصر و قطعی بودن مفاد آن است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، از سوی ولیدبن مغیره

فقال إن هذا إلا سحر

۲ - اتهام سحر و جادوگری به قرآن ، طرحی حساب شده از سوی ولیدبن مغیره

إنه فکّر و قدر .. فقال إن هذا إلا سحر

۳- قرآن ، در دیدگاه غرض آلود ولیدبن مغیره ، سحری برگرفته شده از ساحران پیشین بود .

فقال إن هذا إلا سحر يؤثر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یؤثر> از ماده <أثر> (روایت و مطلب نقل شده از پیشینیان) باشد.

تهمت جادو به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ -

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الكفرون إن هذا لسحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۲

۱۲- نسبت ناروای سحر به قرآن و جادوگری به پیامبر (ص) از سوی مشرکان ستم پیشه

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

تهمت جادو به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵ - ۱

۱ - مشرکان صدر اسلام ، معجزات الهی را سحری آشکار و بی تردید می دانستند .

و قالوا إن هذا إلا سحر مبين

مشارالیه <هذا> هم می تواند معجزه باشد که در آیه قبل از آن به <آیه> یاد شده است و هم می تواند قرآن کریم باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

تهمت جادو به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۱

۱ فرعونیان با سحر خواندن تمامی معجزات موسی ، به وی گفتند که هرگز رسالتش را تصدیق نخواهند کرد .

مهما تأتتا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنين

<مهما> از أسماء شرط و به معنای <ای شیء> است. و <من> در <من آیه> بیان <مهما> است. بنابراین جمله <مهما

تأتتا ... > یعنی <هر چیزی را که به عنوان معجزه بیاوری ... >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷۶ - ۵،۶

۵ فرعون و اطرافیانش ، علی رغم مشاهده معجزه بزرگ موسی

(ع)، آن را سحری آشکار خوانده و حضرتش را متهم به جادوگری کردند .

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

۶- تهمت سحر به معجزه بزرگ حضرت موسی (ع) از سوی فرعون و اطرافیانش ، برخاسته از روحیه سرکشی و تبه کاری آنان بود .

فاستكبروا و كانوا قومًا مجرمين. فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۲

۲- موسی (ع) ، پس از مشاهده عمل ساحران ، برای رفع اتهام ساحری از خود ، سحر بودن آن عمل را به آنان گوشزد نمود .

فلما ألقوا قال موسی ما جئتم به السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۲

۲- شرک و سحر خواندن معجزات موسی و ادعای آوردن همانند برای آن و تکذیب رسالت الهی آن حضرت ، از جمله افترا های فرعونیان به خداوند بود .

لا تفتروا علی الله کذبًا

با توجه به آیات پیشین که مشتمل بر بیان توحید از زبان موسی(ع) و نیز ارائه معجزات، و عکس العمل فرعون در سحر خواندن آنها بود، می توان به مواردی از افتراهای فرعونیان اشاره کرد.

تهمت جادو به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۳

۳- اتهام سحر و ساحری به پیامبران و وحی ، زشت ترین موضع گیری تکذیب گران علیه آنان *

أفسح هذه

اختصاص به ذکر یافتن موضوع <سحر>، بیانگر مطلب بالا است.

جادو با

۱ - زنانی ، در عصر بعثت با گره زدن و افشاندن ترشحات دهان بر گره ها ، مردم را جادو می کردند .

النَّفَثُ فِي الْعَقْدِ

فعل <نَفَثَ>، زمانی گفته می شود که شخص ترشحاتی از دهان بیرون افکند (مصباح) و <نَفَثَ> شبیه دمیدن و کمتر از آب دهان افکندن است (صحاح). حرف <ال> در <النَّفَاثَاتِ>، گرچه برای تعریف جنس است ولی در مقایسه با <غاسق> و <حاسد> که نکره آورده شده است ممکن است به معروف بودن کسانی که <نَفَاثَه> (افسون گر) بودند، نظر داشته باشد.

جادو با گره زدن

۱ - زنانی ، در عصر بعثت با گره زدن و افشاندن ترشحات دهان بر گره ها ، مردم را جادو می کردند .

النَّفَثُ فِي الْعَقْدِ

فعل <نَفَثَ>، زمانی گفته می شود که شخص ترشحاتی از دهان بیرون افکند (مصباح) و <نَفَثَ> شبیه دمیدن و کمتر از آب دهان افکندن است (صحاح). حرف <ال> در <النَّفَاثَاتِ>، گرچه برای تعریف جنس است ولی در مقایسه با <غاسق> و <حاسد> که نکره آورده شده است ممکن است به معروف بودن کسانی که <نَفَاثَه> (افسون گر) بودند، نظر داشته باشد.

جادو پس از نوح(ع)

۵۲ - از امام جعفر صادق (ع) درباره سخن خداوند که می فرماید : <... و

ما أنزل علی الملکین بیابل هاروت و ماروت < روایت شده که فرمود: > و کان بعد نوح (ع) قد کثر السحره ... ۱

بعد از حضرت نوح(ع) ساحران نیرنگباز زیاد گشتند و خداوند دو فرشته رابه سوی پیامبر آن زمان فرستاد تا آنان به آن پیامبر، شیوه های سحر ساحران و کارهایی را که با آن، سحر باطل و مردود می شود بیاموزند. سپس آن پیامبر شیوه های سحر را فرا گرفت و به فرمان خداوند آن را به بندگان خدا نیز آموخت و به آنان گفت: جلو سحر ساحران را بگیرید و آن را باطل نمایید و آنان را نهی کرد از اینکه مردم را سحر کنند ... و (کلام خدا که فرمود:) > آن دو فرشته هیچ کس را تعلیم سحر نمی دادند مگر اینکه از قبل می گفتند ما وسیله آزمایش هستیم > یعنی، آن پیامبر به دو فرشته دستور داد که به صورت بشر ظاهر شوند و آنچه از خدا درباره سحر و ابطال آن آموخته اند به مردم یاد بدهند ... پس خدای عز و جل به آنان فرمود: با سحر و ضربه زدن به دیگران و دعوت مردم به این که ما بر قدرت احیا و اماته داریم و کارهایی می کنیم که فقط خداوند به آن قدرت دارد، کافر نشوید و خداوند فرموده: < و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن الله > یعنی، آنان که سحر را فرا گرفته بودند نمی توانستند بدون اجازه و علم خدا به کسی زیانی برسانند زیرا اگر خدا می خواست، با زور جلوی آنها را می گرفت. و

نیز فرموده: <آنان از علوم سحر چیزهایی را یاد می گرفتند که در جهت زیان آنها بود نه نفعشان> (یعنی) آنان چیزهایی فرا می گرفتند که موجب ضرر در دینشان بود و نفعی در آن نبود... و (نیز خداوند) فرمود: <و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق> زیرا آنان معتقد بودند که آخرتی در کار نیست پس آنان معتقد بودند وقتی که آخرتی نباشد بهره و نصیبی هم بعد از دنیا نیست و به فرض بعد از دنیا آخرتی باشد، آنان به سبب کفرشان از آن محروم خواهند بود...>.

جادو در جدایی همسران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۴،۲۸

۲۴ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

إنما نحن فتنه فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

جادو در دوران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۳

۳ - آشنایی مردم عصر موسی (ع) ، با مقوله سحر و آثار شگفت آن

و قالوا یاأیه الساحر

متهم کردن موسی(ع)، به سحر پس از مشاهده آیات شگفت الهی، نشان می دهد که فرعونیان مشابه آن کارها را در توان ساحران می دیدند.

جادو در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۳ - شیاطین علومی از سحر را بر مردم عصر سلیمان تلاوت کرده و به آنها جادوگری می آموختند .

ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان .. یعلمون الناس السحر

فعل <تتلوا> از مصدر تلاوت (خواندن و قرائت کردن) است. مراد از <ما>ی موصوله - به قرینه فراهای بعد - سحر و مانند آن می باشد. متعلق <تتلوا> به دلیل <یعلمون الناس> <علی الناس> می باشد. یعنی، یهود دنباله رو سحری بودند که شیاطین آن را برای مردم می خواندند.

۱۰ - رواج سحر در زمان حضرت سلیمان (ع)

ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان .. یعلمون الناس السحر

جادو در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۲

۲ - رواج سحر و ساحری در قلمرو حکومت فرعون

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۴

۴ - فرعون و مردم عصر وی ، عقیده مند به افسون و جادو بوده و ساحران دارای جایگاه و منزلت ویژه در نزد آنان بودند .

لعلنا تتبع السحره إن كانوا هم الغلبین

دعوت همگانی از مردم برای شرکت در هماوردی فرعون با موسی(ع) و تصریح به پیروی همگی از ساحران، در صورت پیروزی آنها بر موسی(ع)، گویای برداشت یاد شده است.

جادو در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- وجود پدیده سحر و جادو ، در جامعه عصر بعثت

هذا سحر مبین

جادو در دوران

موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۳

۳ - آشنایی مردم عصر موسی (ع) ، با مقوله سحر و آثار شگفت آن

و قالوا یاأیه الساحر

متهم کردن موسی(ع)، به سحر پس از مشاهده آیات شگفت الهی، نشان می دهد که فرعونیان مشابه آن کارها را در توان ساحران می دیدند.

جادو در عصر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۹ - ۳

۳ سحر و جادو در عصر فرعون ، دانشی رایج بود و ساحران چیره دست بسیاری در کشور مصر می زیستند .

قالوا إن هذا لسحر... و لا یفلح السحرون... و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جادو در فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۷

۷ - فرعونیان ، در سخنان و تبلیغات خویش ، سحر برتر و بی رقیب را ، نشانگر حقانیت مرام ساحر و عقاید او قلمداد می کردند .

و قد أفلح الیوم من استعلی

بسیج ساحران برای ابطال ادعاهای موسی(ع)، حاکی از آن است که در نظر فرعونیان، قدرت ساحر میزان حق و باطل بود.

جادو در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۴

۴ - وجود سحر و ساحر ، در مصر باستان

فلأنتینک بسحر مثله

جادو گری در دوران موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۲

۲ رواج سحر در سرزمین مصر به هنگام بعثت

موسی (ع)

یأتوک بکل سحر علیم

جادو و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۷،۲۸،۳۴

۷ - به کارگیری سحر گناهی بزرگ و به منزله کفر است .

و ما کفر سلیمن

چنانچه گذشت، مراد از جمله فوق نفی جادوگری از سلیمان است. ولی از آن جا که از جادوگری به کفرورزی، تعبیر شده، به دست می آید که: جادوگری خود نوعی کفر است و یا گناهی است به منزله کفر.

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

إنما نحن فتنه فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

۳۴ - رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته ... و یتعلمون مایضرمهم و ل

جادوگران فرعون و ترک جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران رها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحرأ أعین الناس

جادوی چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران رها کردند و چشم

های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعين الناس

جادوی زیانبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۲،۳۳

۳۲ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحرهایی را فرا گرفتند که نتیجه ای جز ضرر برای آنان نداشت .

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

۳۳ - برخی از سحرها ضرر آفرین و بعضی سودمند است .

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

جادوی سودمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۳

۳۳ - برخی از سحرها ضرر آفرین و بعضی سودمند است .

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

جادوی مباح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۶

۳۶ - جواز فراگیری و به کارگیری علم سحر در جهت منافع مردم

یتعلمون مایضرهم و لاینفعهم

حرمت جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۹

۹ - سحر ، کاری نامشروع و پرهیز از آن ضروری است .

کید سحر و لایفلاح الساحر حیث اُتی

مکر بودن سحر و بسته بودن راه موفقیت بر ساحر که در این آیه بیان گردیده است بیانی کافی بر مشروعیت نداشتن و مجاز نبودن آن است.

حقیقت جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۶

۶ سحر ، امری ناپایدار در برابر معجزه

فإذا هی تلقف ما یأفکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۳

۳ - معجزه ، امری واقعی ، و

سحر عملی خیالی و فاقد حقیقت و واقعیت است .

فألقي موسى عصاه فإذا هي تلقف ما يأفكون

<إفك> در اصل به سخنی گفته می شود که اصل و ریشه نداشته و دروغ است. بنابراین سحر را بدان جهت <إفك> می نامند که فاقد حقیقت و واقعیت است.

دانش جادو در اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۷

۷ - اطلاع مردم <ایکه> از مسأله جادو و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

دانش جادو در قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۷

۷ - اطلاع ثمودیان ، از مسأله افسون و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

درخواست جادو از موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۸

۸ - فرعونیان ، پذیرش دعوت های موسی (ع) را ، به توان مندی او در آوردن سحری بی نظیر مشروط کرده بودند .

وقد أفلح اليوم من استعلى

دلایل بطلان جادو جادوگران فرعون

۷ - بلعیده شدن سحر ساحران به وسیله عصای موسی ، نشانه بطلان سحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا إنما صنعوا کید سحر

جمله <إنما صنعوا..> تعلیل برای <تلقف> است؛ یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

زمینه تأثیر جادو بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، در معرض خطر از سوی جادوگران و کسانی که با دمیدن در گره هایی مخصوص ، درصدد آزار دادن آن حضرت بودند .

و من شرّ النَّفْثِ فِي الْعَقْدِ

زیان جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۶

۲۶ - تأثیر سحر و زیان رسانی آن ، به اذن خدا و خواست اوست .

و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن الله

سلیمان(ع) و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۶

۶ - حضرت سلیمان (ع) منزّه از جادوگری و گرایش پیدا کردن به کفر

و ما کفر سلیمان

سوء استفاده از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۹،۲۰

۱۹ - هاروت و ماروت ، پیش از تعلیم سحر به مردم ، ایشان را از به کارگیری نا به جای آن و سوء استفاده از آن ، بر حذر می داشتند .

و ما يعلمان من أحد حتى يقولاً إنما نحن فتنه فلا تكفر

۲۰- به کارگیری سحر و سوء استفاده از آن آدمی را به ورطه کفر می کشاند .

إنما نحن فتنه فلا تكفر

شیاطین و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵

۵ - شیاطین ، دستیابی سلیمان رابه سلطنت ، دستاورد سحر و جادو قلمداد می کردند

علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان

نفی جادوگری از سلیمان - پس از بیان اینکه شیاطین نوشته هایی از علم سحر را برای مردم، علیه سلطنت سلیمان می خواندند - رسای به این معناست که: شیاطین چنین وانمود می کردند که آنچه را تلاوت می کنند همان است که سلیمان را به سلطنت رساند و با این شیوه در صدد نفی پیامبری از او بودند.

ضعف جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۶

۶ - ظهور ناتوانی سحر هر چند بزرگ ، در برابر معجزه

فإذا هی تلقف ما یأفکون

به کارگیری <ما> که واژه ابهام است نشانگر عظمت سحر ساحران می باشد.

عوامل شیوع جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۵

۲۵ - نقش مردم بابل در رواج علم سحر

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

کیفر جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۳

۵۳ - عمرو بن عبید وارد بر امام صادق (ع) شد ... و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از روی قرآن بشناسم ، امام فرمود

: > ... والسحر لان الله عز و جل یقول: و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق ... ;

.. از جمله گناهان کبیره <سحر> است چون خداوند می فرماید: مسلماً آنان (ساحران) می دانستند هر کس خریدار این متاع (سحر) باشد در آخرت هیچ نصیبی برای وی نخواهد

بود ...>.

گناه تعلیم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۴

۳۴ - رساندن زیان به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته .. و یتعلمون مایضرهم و ل

گناه جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۳، ۷

۷ - به کارگیری سحر گناهی بزرگ و به منزله کفر است .

و ما کفر سلیمان

چنانچه گذشت، مراد از جمله فوق نفی جادوگری از سلیمان است. ولی از آن جا که از جادوگری به کفرورزی، تعبیر شده، به دست می آید که: جادوگری خود نوعی کفر است و یا گناهی است به منزله کفر.

۵۳ - عمرو بن عبید وارد بر امام صادق (ع) شد ... و گفت : دوست دارم گناهان کبیره را از روی قرآن بشناسم ، امام فرمود : > ... والسحر لان الله عز و جل یقول : و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق ... ;

.. از جمله گناهان کبیره <سحر> است چون خداوند می فرماید: مسلماً آنان (ساحران) می دانستند هر کس خریدار این متاع (سحر) باشد در آخرت هیچ نصیبی برای وی نخواهد بود ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۸

۸ - سحر و ساحری ، گناهی نیازمند توبه و مغفرت خداوند

لیغفر لنا .

.. و ما أكرهتنا عليه من السحر

نیازمندی سحر و ساحری به غفران الهی، نشان از گناه بودن آن دارد، اشاره ساحران به اکراهی بودن آن، نوعی اعتذار از صدور آن گناه، برای جلب مغفرت الهی است.

ماروت و تعلیم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۴

۱۵ - هاروت و ماروت به مردمان بابل سحر می آموختند .

و ما أنزل علی الملکین . . . و ما یعلمان من أحد

۱۸ - هاروت و ماروت ، تعالیم خود (سحر) را آزمونی برای مردم دانسته و به آنان هشدار می دادند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه

۱۹ - هاروت و ماروت ، پیش از تعلیم سحر به مردم ، ایشان را از به کارگیری نا به جای آن و سوء استفاده از آن ، بر حذر می داشتند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه فلا تکفر

۲۴ - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

معجزه و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۹ - ۲، ۳

۲ اشراف و بزرگان دربار فرعون بر مبنای ساحر بودن موسی و سحر بودن معجزات وی ، جلسه مشورتی خویش را آغاز کردند .

قال الملاء من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

جمله <إن هذا .. > می تواند از نتایج بحث و گفتگوی اشراف باشد. یعنی در ابتدا این مسأله مطرح شد که

امور خارق العاده موسی از چه سنخی است. همچنین می تواند بیانگر این باشد که آنان ساحر بودن موسی را مفروض گرفته بودند و درباره روش مبارزه با وی تبادل نظر می کردند. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۳ اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از تبادل نظر در جلسه مشورتی به این نتیجه رسیدند که موسی (ع) بدون هیچ تردید ساحری زبردست و معجزه وی سحر است .

قال الملائم من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

برداشت فوق بر اساس اولین احتمالی است که در توضیح فیش قبل درباره جمله <إن هذا .. > بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إما أن تلقى و إما أن نکون نحن الملقین

به کارگیری <تلقى> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <القاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۶

۶ سحر ، امری ناپایدار در برابر معجزه

فإذا هی تلقف ما یأفکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۱

۱ عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران ، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد .

فوقع الحق و بطل ما کانوا یعملون

دربرداشت فوق ضمیر <کانوا> و <یعملون> به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا

مراد از <ما> در <ما کانوا...> همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در چشم بینندگان به صورت جانورانی
پر تحرک جلوه داده بودند.

منشأ تأثیر جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۶

۲۶ - تأثیر سحر و زیان رسانی آن ، به اذن خدا و خواست اوست .

و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن الله

منشأ تهمت جادو به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۳

۳ - اتهام بی دلیل سحر به قرآن و تورات از سوی کافران صدراسلام ، برخاسته از هواپرستی آنان بود .

قالوا سحران تظھرا .. فاعلم انما يتبعون أهواءهم

منشأ تهمت جادو به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۳

۳ - اتهام بی دلیل سحر به قرآن و تورات از سوی کافران صدراسلام ، برخاسته از هواپرستی آنان بود .

قالوا سحران تظھرا .. فاعلم انما يتبعون أهواءهم

موانع پیروی از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۱۶

۱۶- مشرکان صدراسلام ، پیروی از سحر را با عقل و خرد ناسازگار می دیدند .

أفتأتون السحر و أنتم تبصرون

ناپایداری جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۶

۶ سحر ، امری ناپایدار در برابر معجزه

فإذا هی تلقف ما یأفکون

نقش جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۵

۵ - سحر ، مکر و حيله ساحر است و واقعيات را تغيير نمي دهد .

إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدَ سِحْرٍ

نقش مکان در جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ - سحر ، عملي بي ارزش است و تغيير مکان دادن ساحر ، تأثيري در ثمربخشي آن ندارد .

و لا يفلح الساحر حيث أتى

ویژگیهای جادو در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۷

۷ - سحر متداول در عصر فرعون ، محدود به نوعی خاص و در قالب نمایش سحر بر اشیای افکنده شده بر زمین بود . *

إِذَا أَن تَلْقَىٰ وَ إِذَا أَن نَكُونَ أَوَّلَ مِن أَلْقَىٰ

تعبیری که ساحران در بیان خویش به کار گرفتند (یا می افکنی و یا نخست ما می افکنیم)، می تواند حاکی از آن باشد که کسی انتظار سحری از نوع دیگر را نداشت. فراهم آوردن ریسمان ها و عصاها که آیه بعد بر آن دلالت دارد نیز گویای همین نکته است.

یهود و تعلم جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۳، ۴۱

۴۱ - یهود در عین آگاهی به اینکه فراگیری سحر موجب محروم شدن آنان از همه مواهب اخروی خواهد شد ، به آموزش

آن پرداختند .

و لقد علموا لمن اشترىه ماله في الآخره من خلق

<خلاق> به معنای بهره وافر و نصیب نیکوست. نکره بودن کلمه <خلاق> به همراه <من> زائده، دلالت بر قلت دارد و ظاهر

آن است که ضمیر در <علموا> به یهودیان بر می گردد.

۴۳- یهودیان با آموزش سحر های زیان آور ، خویشتن را تباه و بهای بدی را کسب کردند .

ماله فی الآخره من خلق و لبئس ماشروا به أنفسهم

جادوگران

آثار ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲۱

۲۱- پایه های حکومت فرعون پس از ماجرای ساحران و ایمان آنان به موسی (ع) ، بسیار متزلزل شد .

و لتعلمنّ آئنا أشدّ عذابًا و أبقى

تفاوت برخوردهای اولیه فرعون با برخوردهای پس از ایمان ساحران، نشان از تزلزل حکومت فرعون و احساس خطر شدید او از ناحیه موسی(ع) و مؤمنان به او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱

۱ - خشم و برآشفتن فرعون از ایمان سریع ساحران به موسی (ع) ، بدون رخصت و اجازه وی

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

آثار پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۶

۶- فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند .

و قد أفلح اليوم من استعلى

آثار ترس جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا .. إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ

جمله <إِنَّهٗ من يَأْتِ.. > تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

آثار جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ - دیدگان و قوه خیال موسی (ع) نیز، تحت تأثیر سحر ساحران فرعون قرار گرفت .

يَخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُمْ تُسْعَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۱

۱ - موسی (ع) ، پس از مشاهده سحر ساحران فرعون ، در دل خویش از پی آمده های احتمالی آن احساس نگرانی کرد .

من سحرهم .. فأوجس في نفسه خيفة موسى

<أوجس> به معنای <أحسَّ> و نیز به معنای <أضمر(اخفاکرد)> آمده است (لسان العرب). در این آیه، معنای <أحسَّ> به نظر مناسب تر می رسد؛ چرا که معنای <اخفا> در <في نفسه> آمده است. بنابراین <أوجس في نفسه...> یعنی، موسی(ع) در دل خود نگرانی و ترسی را احساس کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - دل قوی داشتن و نگران نبودن از پی آمده های سحر ساحران فرعون ، مفاد وحی خداوند به موسی (ع) در میدان مقابله با ساحران

فأوجس .. قلنا لاتخف

۳ - موسی (ع) از القای شبهه و احتمال گمراهی مردم به واسطه سحر ساحران نگران بود .

قلنا لاتخف إنك أنت الاعلى

جمله <إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى> تعلیل برای <لاتخف> است و دلالت می کند که موسی (ع) از این نگران بود که معجزه او با سحر ساحران مشتبّه گردد و مردم به حقانیت

او پی نبرند. خداوند با بیان برتری قطعی او، زمینه هراسش را از بین برد.

آخرت طلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۷، ۱۴

۱۴ - ساحران مؤمن با تحقیر قدرت فرعون، به او اعلام کردند که بالاترین شکنجه های او، تنها به زندگانی دنیایی آنان خاتمه می دهد و به آخرتشان آسیبی نخواهد رسانید.

فاقص ما أنت قاض إنما تقضى هذه الحيوه الدنيا

چنانچه <هذه الحياه> مفعولٌ به برای <تقضى> باشد، مراد از <قضا>، منقضی ساختن خواهد بود. اهل لغت می گویند: تمام معانی <قضا> به انقطاع یافتن و تمام شدن بازگشت دارد (لسان العرب). بنابراین مفاد آیه چنین می شود: ای فرعون! با حکم خود به هرچه می توانی فیصله بده و آن را تمام کن زیرا تو فقط این زندگانی دنیا را خاتمه می دهی.

۱۷ - ساحران مؤمن به موسی (ع)، دارای ایمان و اعتقاد محکم به آخرت بودند.

فاقص .. إنما تقضى هذه الحيوه الدنيا

آگاهی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند.

قالوا امننا برب العلمين

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی (ع)، بیانگر این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۲

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

آمادگی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۷

۷ ساحران پس از اعلام آمادگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

جمله <إن لنا ..> استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إن لنا ... نکره آمدن کلمه <أجراً> دلالت بر بزرگی و گرانسنگی پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۲

۲ - ساحران فرعون ، آمادگی خویش را برای پیش قدم شدن در ارائه سحر خود ، اعلام کردند .

إِذَا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أُولَٰئِكَ مِنَ الْغَٰفِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۱

۱۱ - ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمّل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ

ایمان خویش اعلام کردند .

لن نؤثرک .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فاقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است؛ یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

ابزار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۵،۹

۵ - ریسمان و عصا، از وسایل کار ساحران فرعون

فإذا حبالهم و عصيهم

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصی>) به معنای چوب دستی است.

۹ - ساحران فرعون، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع)، ریسمان ها و عصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فإذا حبالهم و عصيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصيهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عِصِي> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

ابطال جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۲،۷

۲ - بلعیده شدن سحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده

یا بلعیده گردد (لسان العرب).

۷- بلعیده شدن سحر ساحران به وسیله عصای موسی، نشانه بطلان سحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا إنما صنعوا کید سحر

جمله <إنما صنعوا..> تعلیل برای <تلقف> است؛ یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱

۱ - عصای موسی با اعجاز او، تمامی ابزار و آلات سحر جادوی ساحران فرعون (بندها و عصاها) را بلعید.

تلقف ما صنعوا .. فألقى السحره

<فاء> در <فألقى> فصیحه و حاکی از جملاتی محذوفی است. مفاد آیه با تقدیرات آن چنین می شود: موسی (ع) عصای خود را انداخت و عصا آلات سحر را بلعید، آن گاه ساحران به سجده افتادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۲،۵

۲ - بلعیده شدن ابزار ساحران (ریسمانها و عصاها) به وسیله عصای موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون

۵ - عصای موسی با بلعیدن ابزار جادویی ساحران، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد.

فإذا هی تلقف ما یأفکون

برداشت یاد شده از آن جا است که <إذا> برای مفاجات است و نشانگر آن است که جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

اتحاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ ساحران دربار فرعون ، یکدل و یکزبان و یار یکدیگر در مبارزه با موسی (ع)

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی ست ساحران جمله های <إما أن تلقی> و <إما أن نکون نحن الملقین> را دسته جمعی و یا یک به یک نگفتند. بنابراین استناد این جمله ها به آنان حکایت از همیاری و یکدلی آنان در مبارزه با موسی(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۹

۹ - ساحران فرعون ، یک دل و یک زبان و یار یکدیگر ، در مبارزه با موسی (ع) بودند .

و إما أن نکون أوّل من ألقى

صدق <أوّل من ألقى> بر همه ساحران، گویای هدف مشترک و وحدت رویه آنان است.

احترام جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۵

۵ - ساحران ، دارای موقعیت و احترام در میان جامعه فرعونی *

و قالوا یاّیه السّاحر

برداشت یاد شده بدین احتمال است که خطاب <یاّیه السّاحر>، استهزایی نباشد بلکه برای احترام ادا شده باشد. و مؤید آن، ذیل آیه شریفه است که فرعونیان از موسی(ع) تقاضای رفع عذاب کردند.

احضار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۲

۲ - گردآوری ساحران در سریع ترین وقت ، پس از پیشنهاد مشاوران فرعون

قالوا .. وابعث في المدائن ... فجمع السحرة

برداشت یاد شده با توجه به آمدن <فء> که بیانگر نبودن فاصله

زمانی است استفاده می شود.

ادب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۴

۴ - برخورد و گفت و گوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إِمَّا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا

احاله انتخاب آغاز گر به موسی(ع) و پرهیز از تحکم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

اذیتهای جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۳،۴

۳ - افسون گران ، انسان هایی شرور و آزاردهنده دیگران

و من شرِّ النَّفْثِ فِي الْعَقْدِ

اضافه شرّ در آیه قبل و بعد، به نکره و در این آیه به معرفه، بیانگر تعمیم شر بودن به تمام کسانی است که <نَفْثًا> (افسون گر) بودند.

۴ - پیامبر (ص) ، در معرض خطر از سوی جادوگران و کسانی که با دمیدن در گره هایی مخصوص ، درصدد آزار دادن آن حضرت بودند .

و من شرِّ النَّفْثِ فِي الْعَقْدِ

استعاذه از جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۵

۵ - پناه بردن به خداوند از شرّ جادوگران ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص)

قل أعوذ . . و من شرّ النَّفْثِ فِي الْعَقْدِ

استغفار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۹

۹ - ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام

به سحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

ليغفر لنا .. ما أكرهتنا عليه من السحر

استقامت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۱

۱ اظهار پایداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۸،۱۰

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان ، به دعا به درگاه خدا پرداختند .

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۱،۲

۲ - ساحران مؤمن ، برتری دادن فرعون بر خداوند و بهادادن به تهدیدات او در برابر دلایل روشن موسی (ع) را ، به کلی منتفی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند .

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

۱۱ - ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند .

لن نؤثرک .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فاقض...>

از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است، یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱

۱ - ساحران مؤمن ، در برابر فرعون و تهدید های وی ، بر ایمان خود به پروردگارشان تأکید کردند .

لن نُؤثِرَكَ .. إنا ءامنا برَبِّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۱،۲

۱ - اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لأُظْعِنَ أَيْدِيكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ .. قَالُوا لِأَضِير

۲ - خشم و تهدید شدید فرعون ، فاقد کمترین تأثیر در ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأُظْعِنَ أَيْدِيكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ .. قَالُوا لِأَضِير

استمداد از جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۴،۵

۴ خنثی سازی معجزه موسی (ع) با استمداد از ساحران زبردست ، از آرای تصویب شده از جلسه سران و بزرگان حکومت فرعونیان

و أرسل في المدائن حشرين

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل في المدائن حشرين

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین>

می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

اطمینان به پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۹ - ۲

۲ - اطمینان فرعون و درباریان او به غلبه ساحران کارآزموده بر موسی (ع)

و قیل للناس هل أنتم مجتمعون

دعوت از مردم، می تواند نشانگر اطمینان فرعونیان به پیروزی ساحران باشد. گفتنی است که تعبیری چون: <لعلنا> و <إن كانوا> که بیانگر نوعی تردید بوده و در آیه بعدی آمده است شگردی تبلیغی برای تهییج ساحران بود تا آنان توان خویش را در این راه به کار گیرند.

اطمینان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۴

۴ ساحران دربار فرعون مطمئن به غلبه سحرشان بر معجزه موسی (ع)

إِذَا مَا أَنْ تَلْقَىٰ وَإِذَا مَا أَنْ نَكُونُ نَحْنُ الْمَلْقِينَ

از اینکه ساحران اختیار شروع کننده مبارزه را به موسی (ع) واگذاشتند و جمله مربوط به خویش را با تأکید بیان داشتند، معلوم می شود آنان به غلبه خویش اطمینان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۳،۶

۳ - ساحران فرعون ، نسبت به غلبه و پیروزی خود بر موسی (ع) در میدان مبارزه ، اطمینان داشتند .

إِذَا مَا أَنْ تَلْقَىٰ وَإِذَا مَا أَنْ نَكُونُ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ

پیشنهاد به موسی(ع) برای تعیین آغازکننده، حکایت از اطمینان ساحران به کار خود و نتیجه آن و یا لاقفل تظاهر

به آن از سوی آنان دارد.

۶- ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سحر ، حتمی دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند . *

إِذَا أَنْ تَلْقَى وَ إِذَا أَنْ نَكُونُ أَوْلَ مِنْ أَلْقَى

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی(ع) ابزار سحر خود را بیفکند، کار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از این رو وصف <أَوْلَ مِنْ أَلْقَى> را در باره موسی(ع) به کار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳- غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغالبون

افساد جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ سحر ، عامل فساد است و ساحران اهل فسادند .

ما جئتم به السحر . .. إن الله لا یصلح عمل المفسدین

افساد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۶

۶ موسی (ع) ، با خطاب به ساحران ، آنان را گروهی مفسد و مقابله آنان با خود را عملی فسادانگیز خواند .

قال موسی ما جئتم به السحر . .. إن الله لا یصلح عمل المفسدین

اقرار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ٦

۱ - ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمین . رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إِنَّا ءامْنَا بربَّنَا لیغفر لنا خطینا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۱

۱ - اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فألقی موسی عصاه .. قالوا ءامْنَا بربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۸ - ۳

۳ - اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا ءامْنَا بربّ العلمین

قید <ربّ موسی و هارون> اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمنتم له...) این مطلب را تأیید می کند.

اکراه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- ساحران مؤمن ، برخلاف میل باطنی و با اجبار حکومت فرعونى ، وادار به مقابله با موسى (ع) شده بودند .

و ما أكرهتنا عليه من السحر

<إكراه>؛ یعنی، وادار

کردن کسی به کاری که خود تمایل به آن نداشته باشد. گفتنی است که <أکرهتنا> سخن ساحران مؤمن، خطاب به فرعون است؛ یعنی، تو ما را به سحر و مبارزه علیه موسی(ع) وادار کردی. اقداماتی که ساحران در شیوه اجرای سحر انجام دادند، گرچه اختیاری بود؛ ولی احضار آنان در صحنه مبارزه با موسی(ع) اجباری بوده است.

امتیازخواهی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۵

۵ - امتیازخواهی ساحران از فرعون ، با قرار دادن پیروزی خود در هاله ای از ابهام

أئنّ لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

تردید ساحران در پیروزی خود، فرعون را در وحشت از شکست فرو می برد و اشتیاق به پیروزی را به هر قیمت در وجود او مشتعل می ساخت. ساحران از این زمینه برای دست یافتن به امتیازات بیشتر سود جستند. گفتنی است که آیه ۴۴ همین سوره که در آن ساحران پس از مطمئن شدن به دریافت مزد از فرعون پیروزی خود را بر موسی(ع) قطعی اعلام کردند (قالوا بعزّه فرعون إنا نحن الغالبون) مؤید همین برداشت است.

امیدواری به پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۱

۱ - امیدواری فرعونیان به غلبه ساحران بر موسی (ع) و پیروی مردم از آنان

لعلنا نتبع السحرة إن كانوا هم الغلبين

واژه <لعلّ> برای اظهار امید است.

امیدواری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و

خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطِيئَنَا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۱

۱ - اظهار امیدواری ساحران مؤمن به موسی (ع) ، به برخورداری از غفران الهی

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبِّنَا خَطِيئَنَا

انقیاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ

ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۲،۳

۲ ساحران ، ایمانشان را به خداوند به همگان اعلام کردند .

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

کلمه <قالوا> بیانگر این است که ساحران ایمانشان را به خدا و ربوبیت مطلق او علنی ساختند و به همگان اعلام کردند.

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقى السحرة سجدين. قالوا ءامنا رب العلمين

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا .. > حال برای <السحرة> و یا بدل اشتمال برای <القی السحرة ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به

خداوند اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱،۲،۴،۵

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع)، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامننا برب العلمین. رب موسی و هرون

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع)، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبدا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

۴ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند .

ءامننا برب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص <موسی و هارون>، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

۵ ساحران ، ایمان خویش را به موسی (ع) و هارون به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامننا برب العلمین. رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۱،۴،۶،۸

۱ فرعون در پی گرایش ساحران به رسالت موسی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداوند ، بشدت بر آشفت و آنان را به سبب

ایمانشان توییح کرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لكم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی(ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمكر مكرتموه فی المدینه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

۶ فرعون ، ایمان ساحران را به موسی (ع) ، خطری برای موقعیت و حکومت خویش احساس کرد .

إن هذا لمكر مكرتموه فی المدینه لتخرجوا منها أهلها

۸ بیرون راندن و آواره ساختن مردم پایتخت مصر ، تحلیل فرعون از داستان مبارزه ساحران با موسی و ایمان آوردن آنان

إن هذا لمكر مكرتموه فی المدینه لتخرجوا منها أهلها

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <أهلها> همه مردم مصر (عوامل حکومت و توده مردم) باشد، نه خصوص عوامل حکومتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۳، ۲، ۱

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن .. ثم لأصلبنكم

حرف <لام> در <لأقطعن> در <لأصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر ، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أيدىكم و أرجلكم من خلف

۳ فرعون ، ساحران مؤمن به موسی (ع) را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست .

ثم لأصلبنكم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱ اظهار پایداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا . . . و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است و <أن ءامنا> مفعولٌ له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشیء إلا لایماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما

و اداشته ایمان ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهامهایت واقعیت ندارد.

۳ ساحران گرویده به موسی (ع)، برخوردار از ایمانی راسخ به آیات خداوند

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بآیات ربنا

۴ ساحران گرویده به موسی (ع) به مجرد آگاهی به آیات الهی، آنها را باور کردند و بدآنها ایمان آوردند.

ءامنا بآیات ربنا لما جاءتنا

برداشت فوق با توجه به کلمه <لما> استفاده شده است.

۵ ساحران گرویده به موسی (ع) مؤمنانی در کمال شجاعت و شهامت

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا

۶ ساحران مؤمن به موسی (ع)، در ایمان خویش متکی به آیات و براهینی متعدد بودند.

أن ءامنا بآیات ربنا لما جاءتنا

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان، به دعا به درگاه خدا پرداختند.

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۷، ۶، ۵

۵ - ساحران به جهت تخصص در سحر، حقانیت گفته های موسی (ع) و سحر نبودن کار او را به روشنی درک کردند.

فألقي السحرة سجداً قالوا ءامنا

از ظاهر آیه برمی آید، که در میدان مبارزه، تنها ساحران بودند که ایمان خود را اعلام کردند و یا لاقلاً اولین افراد بودند. این سبقت در ایمان از سوی ساحران، به جهت شناخت آنان از کار خود و تفاوت آن با معجزه بود.

ساحران با مشاهده بطلان سحرشان ، ربوبیت خداوند بر همه موجودات را باور کرده و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنّا برّب هرون و موسى

۷ - ساحران فرعون ، با صراحت ، ایمان خویش به خداوند را اعلام کردند .

قالوا ءامنّا برّب هرون و موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۱، ۲، ۱

۱ - ساحران به خاطر ایمان به موسی (ع) ، مورد توبیخ و بازخواست فرعون قرار گرفتند .

قالوا ءامنّا .. قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

<آمنتّم> چه جمله خبری باشد و چه استفهامی (به تقدیر همزه)، مراد از آن توبیخ است و ضمیر <له> به قرینه حرف لام که برای ربط <أمن> به غیر خداوند به کار می رود و به تناسب ضمیر <إنّه> در <إنّه لكبيركم> به موسی (ع) برمی گردد.

۲ - ساحران فرعون ، موسی و هارون (ع) را پیامبر خدا دانسته و به آنان ایمان آوردند .

ءامنتم له

تعبیر ساحران در آیه قبل، <آمنّا برّب هارون و موسى> بود؛ ولی فرعون در توبیخ خود، آنان را مؤمن به موسی (ع) معرفی کرد. گفتنی است که این نکته گویای تلازم ایمان به <رّب موسى و هارون> با ایمان به رسالت آن دو در دعوت به ربوبیت خداوند است.

۱۱ - در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم إنه لكبيركم الذى علمكم السحر

جلد - نام سوره -

۲ - ساحران مؤمن ، برتری دادن فرعون بر خداوند و بهادادن به تهدیدات او در برابر دلایل روشن موسی (ع) را ، به کلی منتفی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند .

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

۳ - ساحر مؤمن مصر ، تحت تأثیر آیات و بینات الهی ، قرار گرفتند و خدا را بر فرعون ترجیح دادند .

لن نؤثرک علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

۷ - ساحران مؤمن ، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق آنان

علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

۱۱ - ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند .

لن نؤثرک .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فاقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است؛ یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

۱۴ - ساحران مؤمن با تحقیر قدرت فرعون ، به او اعلام کردند که بالاترین شکنجه های او ، تنها به زندگانی دنیایی آنان خاتمه می دهد و به آخرتشان آسیبی نخواهد رسانید .

فاقض ما أنت قاض إنما تقضی هذه الحیوه الدنیا

چنانچه <هذه الحیاه> مفعولٌ به برای <تقضی> باشد، مراد از <قضا>، منقضی ساختن خواهد بود. اهل لغت می گویند: تمام معانی <قضا> به انقطاع یافتن و تمام شدن بازگشت

دارد (لسان العرب). بنابراین مفاد آیه چنین می شود: ای فرعون! با حکم خود به هرچه می توانی فیصله بده و آن را تمام کن؛ زیرا تو فقط این زندگانی دنیا را خاتمه می دهی.

۱۷ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، دارای ایمان و اعتقاد محکم به آخرت بودند .

فاقص .. إنما تقضى هذه الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱،۹

۱ - ساحران مؤمن ، در برابر فرعون و تهدید های وی ، بر ایمان خود به پروردگارشان تأکید کردند .

لن نؤثرک .. إنا ءامنّا برّبنا

۹ - ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

ليغفر لنا .. ما أكرهتنا عليه من السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إنا ءامنّا برّبنا .. إنه من یأت ربّه مجرماً فإنّ له جهنّم

جمله <إنه من یأت..> تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۸ - ۱،۲،۳

۱ - ساحران پس از مشاهده معجزه موسی ، بیزاری خود را از فرعون و ادعای ربوبیت او ، به صراحت و در حضور وی ، اعلام داشتند .

قالوا ءامنّا برّب العلمین . ربّ موسی و هرون

جمله <ربّ موسى و هارون> كه

عطف بیان برای <بربّ العالمین> می باشد تعریضی است به فرعون و نیز کنایه از این نکته است که دیگر ربّ بودن تو، پذیرفتنی نیست.

۲ - تأکید ساحران بر ایمان خویش به پروردگار یگانه هستی ، به گونه ای صریح و بی ابهام

قالوا ءامنّا برّب العلمین . ربّ موسی و هرون

۳ - اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا ءامنّا برّب العلمین

قید <ربّ موسی و هارون> اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمنتّم له...) این مطلب را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ - ایمان همه ساحران به موسی (ع) و تهدید فرعون به شکنجه و کشتن تمامی آنان

قال ءامنتم له . . . ولأصلبّکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۱،۲،۳

۱ - اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لأقّطعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف . . . قالوا لاضیر

۲ - خشم و تهدید شدید فرعون ، فاقد کمترین تأثیر در ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقّطعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف . . . قالوا لاضیر

۳ - اعتقاد ساحران مؤمن به زیان نکردن انسان از تحمل دشواری ها در راه خدا

قالوا لاضیر إنّنا إلی ربّنا منقلبون

جمله <إنّنا إلی ربّنا..> تعلیل برای <لاضیر> و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء

۶ - ساحرانِ گرویده به موسی (ع) ، از نخستین مؤمنان به وی

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ... .. إِنَّ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

بسیج جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۵،۶

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

۶ بسیج نیرو های حکومتی به تمامی شهر های تحت نفوذ فرعون ، طرح کار گزاران دربار برای گردآوری و احضار ساحران زبردست

و أرسل فی المدائن حشرین

<ال> در <المدائن> عهد ذهنی است و اشاره به شهر های تحت نفوذ حکومت فرعون دارد. زیرا معهود بین فرعون و اشراف دربار همان شهر های کشور خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ ساحرانی زبردست و کارآمد پس از فراخوانی آنان برای مبارزه با موسی ، به درگاه فرعون حاضر شدند .

و جاء السحرة فرعون

<ال>

در <السحره> عهد ذکری است و اشاره به <کل سحر علیم> دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۵

۵ - تدبیر مشاوران فرعون ، مبنی بر اعزام اشخاصی به تمام شهرها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا .. و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلی به <ال> و مفید عموم است، یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۱

۱ - گردآوری تمامی ساحران کارآموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح مشاوران فرعون بود .

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحر علیم

بشارت به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۲

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران ، از مقرّبان درگاهش خواهند شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

بطلان جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقى السحره سجدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ٨١ - ٣

٣ موسى (ع)، شكست ساحران و ابطال سحر آنان را، قطعی و غير قابل تردید اعلام کرد.

قال موسى ما جئتم

به السحر إن الله سيطله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هي تلقف ما يأفكون . فألقى السحرة سجدین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <ألقى> بر آیه پیش به دست می آید.

بینش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۶

۶ - ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سحر ، حتمی دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود

احساس نمی کردند . *

إمّا أن تلقى و إمّا أن نکون أول من ألقى

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی (ع) ابزار سحر خود را بیفکند، کار او تمام است و ناتوانی

او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از

این رو وصف <أول من ألقى> را در باره موسی (ع) به کار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۳

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فألقى السحرة سجدا قالوا آمنا برب هرون و موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۲

و حاکمیت موقت فرعون در آن ، از سوی ساحران مؤمن

إِنَّمَا تَقْضَىٰ هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

فعل <تقضی> خطاب به فرعون و <هذه الحياه> مفعول فيه آن است، یعنی، <إِنَّمَا تَقْضَىٰ مَدَّةَ هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا> (دایره حکم رانی تو، همین زندگی دنیایی است و فراتر از آن در دسترس تو نیست).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۵

۵ - فرعون ، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود .

فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَ . . . وَقَالُوا بَعْزُهُ فِرْعَوْنُ

پاداش به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۲

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران ، از مقربان درگاهش خواهند شد .

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ

پاداش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

إِن لَّنَا لِأَجْرًا . . . قَالَ نَعَمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱،۳

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئن لنا لأجرًا إن كنا نحن الغلبين

۳ - اهتمام ساحران به دریافت پاداش و نه پیروزی فکری و عقیدتی

أئن لنا لأجرًا إن كنا نحن الغلبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا .. قال نعم

۳ - فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا .. و إنکم إذا لمن المقربین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

پرسش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن کنا نحن الغلین

پشیمانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۹

۹ - ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

لیغفر لنا .. ما أکرهتنا علیه من السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۲،۱۰

۲ - ندامت ساحران از گذشته شرک آلود و غفلت بار خود در پیشگاه خدا

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَتَنَا

۱۰ - اظهار ندامت ساحران ، از قرار دادن دانش خویش در خدمت فرعون ، برای مبارزه با موسی (ع)

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَتَنَا

کلمه

<خطایانا> می تواند اشاره به اقدامی باشد که ساحران در خدمت نظام فرعون، برای مبارزه با حق انجام داده اند.

پوچی جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۱

۱ عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد.

فوق الحق و بطل ما کانوا یعملون

دربرداشت فوق ضمیر <کانوا> و <یعملون> به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <ما> در <ما کانوا ... > همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۲

۲ - اطمینان موسی به غلبه خویش و پوچی افسون ساحران

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

شتاب نداشتن موسی (ع) در ارائه معجزه خویش، حاکی از اطمینان او و تعبیر <ألقوا ما أنتم ملقون> نشانگر بی اعتنایی وی به همه دست مایه های ساحران است.

پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۵

۵ - امتیاز خواهی ساحران از فرعون، با قرار دادن پیروزی خود در هاله ای از ابهام

أَنْ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَلِيْبِ

تردید ساحران در پیروزی خود، فرعون را در وحشت از شکست فرو می برد و اشتیاق به پیروزی را به هر قیمت در وجود او مشتعل می ساخت. ساحران از این زمینه برای دست یافتن به امتیازات بیشتر سود

جستند. گفتنی است که آیه ۴۴ همین سوره که در آن ساحران پس از مطمئن شدن به دریافت مزد از فرعون پیروزی خود را بر موسی (ع) قطعی اعلام کردند (قالوا بعزّه فرعون إنا نحن الغالبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنا نحن الغالبون

پیشنهاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إنا أن تلقی . . . ألقى

تبری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۸ - ۱

۱ - ساحران پس از مشاهده معجزه موسی ، بیزاری خود را از فرعون و ادعای ربوبیت او ، به صراحت و در حضور وی ، اعلام داشتند .

قالوا ءامنّا برّب العلمین . ربّ موسی و هرون

جمله <ربّ موسی و هارون> که عطف بیان برای <برّب العالمین> می باشد تعریضی است به فرعون و نیز کنایه از این نکته است که دیگر ربّ بودن تو، پذیرفتنی نیست.

تبلیغ جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

جاءنا من الیئنت و الذی فطرنا فاقض ما أنت قاض إنما تقضی هذه الحیوه الدنیا

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

تجدیدنظر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۲

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقى السحره سجدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۱،۲،۳

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

۲ ساحران ، ایمانشان را به خداوند به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

کلمه <قالوا> بیانگر این است که ساحران ایمانشان را به خدا و ربوبیت مطلق او علنی ساختند و به همگان اعلام کردند.

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقى السحره سجدين. قالوا ءامنا برب العلمین

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا .. > حال برای <السحره> و یا بدل اشتمال برای <القی السحره ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند اظهار کردند.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱،۴

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع)، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند.

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

۴ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند.

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص <موسی و هارون>، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

تصلیب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳،۱۵

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود.

فَلأَقْطَعَنَّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلبَنَّکم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

۱۵ - تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم خود بر اجرای آن، تصمیمی قاطع و مستبدانه بود.

لأَقْطَعَنَّ ... لأصلبَنَّکم ... لتعلمنَّ أننا أشدَّ عذابًا و أبقى

فرعون در واکنش های قبلی خود در برابر موسی (ع)

با اطرافیان خویش به مشورت می نشست؛ ولی در مجازات ساحران، تصمیم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام کرد و بالام قسم و نون تأکید ثقیله و فعل هایی از باب تفعیل، قاطعیت خود را در این تصمیم ابراز کرد. گفتنی که فعل های <لأَقْطَعَنَّ> و <لَأَصْلِبَنَّ> که از باب تفعیل اند، با ثلاثی مجرد در معنا یکسان بوده و تفاوتی جز تأکید افزون تر ندارند.

تکبر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

تلاش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۳

۳ - تلاش ساحران برای انجام کاری شبیه به معجزه موسی

ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۷

۷ - سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فألقوا حبالهم و عصيهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای اژدها شوند) موسی(ع) استفاده کردند.

تملق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۸

۸ - اقدام ساحران به ستایش فرعون در لحظه شروع عملیات خود ، با هدف جلب حمایت او و نزدیک ساختن خویش بهوی

فألقوا .

.. و قالوا بعزّه فرعون إنّنا لنحن الغلبون

تنبه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون . فألقى السحره سجّدين

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <ألقى> بر آیه پیش به دست می آید.

تواضع جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۳

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فألقى السحره سجّدا قالوا ءامنا ربّ هرون و موسی

توطئه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۲

۲ ساحران در مدتی طولانی و به طور مستمر در تدارک سحر خویش علیه موسی (ع) بودند .

و بطل ما کانوا یعملون

فعل مضارع <یعملون> پس از <کانوا> حکایت از مداومت ساحران به مهیاسازی خویش برای جادوگری دارد.

تهدید جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۹

۹ فرعون بر پایه تحلیل دروغین خویش و توطئه گر خواندن ساحران ، آنان را به مجازاتی شدید تهدید کرد .

إن هذا لمكر .. فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۳

۳ فرعون ، ساحران مؤمن به موسی (ع)

را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست .

ثم لأصلبکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۲

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۸،۹،۱۳

۸ - تهدید ساحران مؤمن از سوی فرعون به داشتن فرجامی تیره و وحشتناک

فلسوف تعلمون

۹ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به قطع دست و پا و کشیده شدن بر صلیب

لأُفَطِّنَنَّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأُصلبَنَّکم أجمعین

۱۳ - ایمان همه ساحران به موسی (ع) و تهدید فرعون به شکنجه و کشتن تمامی آنان

قال ءامنتم له .. و لأُصلبَنَّکم أجمعین

تهمت به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۴،۷

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمكر مكرتموه في المدینه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

۷ فرعون با توطئه گر خواندن موسی (ع) و

ساحران ، براندازی حکومت فرعونیان و بیرون راندن ایشان را ، از پایتخت مصر از اهداف توطئه آنان شمرد .

إِن هَذَا لَمَكْرٌ .. لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا

مراد از <أهلها> هم می تواند فرعون، درباریان و وابستگان به او باشد و هم می تواند مراد از آن تمامی ساکنان مصر باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و مَا تَنْقُمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ أَمَانًا بَايْتِ رَبَّنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۹

۹ - فراگرفتن سحر از موسی (ع) و هم دستی با او در توطئه علیه فرعون ، از اتهامات فرعون به ساحران مؤمن بود .

إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۷

۷ - اتهام ساحران از سوی فرعون ، به شاگردی موسی (ع) و یادگرفتن سحر در مکتب او

إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

تهمت تبانی به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۰، ۱۱

۱۰ - فرعون ، شکست ساحران از موسی (ع) را ، امری تصنعی و بر اثر تبانی قبلی با موسی (ع) دانست و آنان را به سهل

انگاری عمدی متهم ساخت .

إنه لكبيركم الذي

عَلَّمَكُم السَّحْرَ

۱۱ - در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم إنَّه لكبيركم الذي علَّمكم السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۴

۴ - اتهام ساحران از سوی فرعون ، به هم دستی با موسی (ع) برای توطئه علیه وی

إنَّه لكبيركم الذي علَّمكم السحر

جادوگران در دربار فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۱،۳

۱ ساحرانی زبردست و کارآمد پس از فراخوانی آنان برای مبارزه با موسی ، به درگاه فرعون حاضر شدند .

و جاء السحرة فرعون

<ال> در <السحرة> عهد ذکری است و اشاره به <کل سحر علیم> دارد.

۳ ساحران بدون هیچ اجباری از سوی نیرو های فرعونی برای مبارزه با موسی (ع) به دربار فرعون حاضر شدند .

و جاء السحرة فرعون

بیان حضور ساحران به دربار فرعون با جمله <و جاء السحرة> (ساحران آمدند) و نه با جمله ای همانند <و اتوا بالسحرة> (ساحران را آوردند)، حکایت از این دارد که ساحران به دلخواه خویش، و نه از روی اجبار و اکراه، به دربار حاضر شدند.

جادوگران در سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۹ - ۳

۳ سحر و جادو در عصر فرعون ، دانشی رایج بود و ساحران چیره دست بسیاری در کشور مصر می زیستند

قالوا إن هذا لسحر... ولا يفلح السحرون... وقال فرعون ائتوني بكل سحر عليم

جادوگران فرعون و ترک جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران رها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحرُوا أعین الناس

جادوگران فرعون و تعالیم موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۲

۲ - آگاهی قبلی ساحران از پیام توحیدی موسی (ع) و تنها نیازمند مشاهده دلیلی روشن

قالوا ءامنَّا برَبِّ العلمین

جادوگران فرعون و دعوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنَّا برَبِّ هرون و موسی

جادوگران فرعون و دعوت هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنًا برّب هرون و موسی

جادوگران فرعون و رب العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۳

۳ پیشگیری از فریبکاری و خدعه گری فرعون ، از اهداف

ساحران در تفسیر < رب العلمین > به < رب موسی و هرون >

رب موسی و هرون

جادوگران فرعون و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱ اظهار پایداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱،۱۰

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامننا بآیت ربنا

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - فرعون ، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود .

فلما جاء السحرة .. و قالوا بعزه فرعون

جادوگران فرعون و مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ جادوی ساحران فرعونی ، مایه هراس شدید مردم گشت .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس و استرهبوهم

<استرهاب> به معنای ترسانیدن است. جمله <استرهبوهم> هم می تواند عطف بر جزای شرط، یعنی <سحروا...> باشد و هم می تواند عطف بر <فلما ألقوا...> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی: سحروا أعین الناس و استرهبوهم بسحرهم.

۵ ساحران فرعونی پس از چشمبندی مردم به ترسانیدن آنان پرداختند .

فلما ألقوا .. و استرهبوهم

برداشت فوق بر این اساس است که <استرهبوا> عطف بر <فلما ألقوا ..> باشد. بر این مبنا <استرهبوهم> دلالت می کند که ساحران پس از چشمبندی با حرکات و سکنات خویش سعی می کردند مردم را کاملاً مرعوب سحر خویش سازند.

۶ ساحران فرعونی با افکندن ابزار سحر خویش و ایجاد هول و هراس در مردم ، سحری بس بزرگ و شگفت آور را به نمایش گذاشتند .

سحروا أعین الناس و استرهبوهم و جاءو بسحر عظیم

جادوگران فرعون و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۳

۳ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، معتقد به معاد و بازگشت به خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

إنا إلی ربنا منقلبون

جادوگران فرعون و معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱،۲

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقى

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقى السحره سجدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمين. رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فَألقى السحره سجداً

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فَألقى السحره سجداً قالوا ءامنا برب هرون و موسی

جادوگران فرعون و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ ساحران پس از اجتماع در صحنه رویارویی با موسی (ع)، شروع کننده مبارزه را به انتخاب وی وانهادند .

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی است هر یک از طرفین

(موسی از یک سو و ساحران از سوی دیگر) برای عرضه کار خود در صحنه مبارزه حاضر شده بودند. بنابراین تخییرِ مستفاد از جمله <إما أن تلقى ... >، ناظر به شروع کننده کار است، نه به اصل انجام آن.

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إما أن تلقى و إما أن نکون نحن الملقین

به کارگیری <تلقى> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <اللقاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

۳ ساحران دربار فرعون ، یکدل و یکزبان و یار یکدیگر در مبارزه با موسی (ع)

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی ست ساحران جمله های <إما أن تلقی> و <إما أن نکون نحن الملقین> را دسته جمعی و یا یک به یک نگفتند. بنابراین استناد این جمله ها به آنان حکایت از همیاری و یکدلی آنان در مبارزه با موسی(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۲

۲ ساحران در مدتی طولانی و به طور مستمر در تدارک سحر خویش علیه موسی (ع) بودند .

و بطل ما کانوا یعملون

فعل مضارع <یعملون> پس از <کانوا> حکایت از مداومت ساحران به مهیاسازی خویش برای جادوگری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۵

۵ برخورد و ملاقات ساحران با موسی (ع) در پایتخت مصر ، پیش از حضورشان در صحنه مبارزه

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱،۳،۴،۵

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إِمَّا أَنْ تُلْقَى . . . أَلْقَى

۳ - ساحران فرعون ، نسبت به غلبه و پیروزی خود بر موسی (ع) در میدان مبارزه ، اطمینان داشتند .

إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى

پیشنهاد به موسی(ع) برای تعیین آغازکننده، حکایت از اطمینان ساحران به کار خود و نتیجه آن و یا لااقل تظاهر به آن از سوی آنان دارد.

۴ - برخورد و گفت و گوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَ إِمَّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

۵ - علاقه مندی ساحران فرعون ، به پیشدستی در ارائه سحر خویش ، قبل از اقدام موسی (ع) به ارائه آیات *

إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى

تفاوت تعبیر در بخش دوم پیشنهاد، نشانگر این نکته است که ساحران برای شروع کردن، انگیزه بیشتری داشتند و بدین وسیله آن را ابراز می کردند؛ زیرا به جای <أَنْ نَكُونَ . . .> می توانستند بگویند <أَمَّا أَنْ نَلْقَى>

جادوگران فرعون و نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها

و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامنا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی(ع)، بیانگر این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

جادوگران و حکومتهای باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۶

۶ خدمت فن سحر و ساحران به حکومت های باطل

و جاء السحرة فرعون

جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارك دیده بودند .

إما أن تلقى و إما أن نکون نحن الملقین

به کارگیری <تلقى> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <اللقاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۳،۴،۶

۳ جادوی ساحران فرعونى از نوع چشمبندی و نشان دادن اشیا بر خلاف واقع آن بوده است .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

۴ جادوی ساحران فرعونى ، مایه هراس شدید مردم گشت .

فلما ألقوا سحروا أعين الناس واسترهبوهم

<استرهاب> به معنای ترسانیدن است. جمله <استرهبوهم> هم می تواند عطف بر جزای شرط، یعنی <سحروا ...> باشد و هم می تواند عطف بر <فلما ألقوا ...> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی:

سحروا أعین الناس و استرهبوهم بسحرهم.

۶ ساحران فرعونى با افکندن ابزار سحر خویش و ایجاد هول و هراس در مردم ، سحرى بس بزرگ و شگفت آور را به نمایش گذاشتند .

سحروا أعین الناس و استرهبوهم و جاءو بسحر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۱

۱ خداوند پس از جادوگرى ساحران به موسى فرمان داد تا عصای خویش را در صحنه مبارزه رها سازد .

و أوحینا إلی موسى أن ألق عصاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱

۱ پس از درخواست موسى (ع) ، ساحران با به میدان ریختن آنچه داشتند (چوب ها و طناب ها) به کار سحر پرداختند .

قال لهم موسى ألقوا .. فلما ألقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۸

۸ - ساحران فرعون ، جادویی هم نوع با معجزه موسى (ع) تدارک دیده بودند .

أن تلقى .. من ألقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۴،۶

۴ - ساحران فرعون ، به مجرد اجازه موسى (ع) ، ابزار سحر خود را به کار انداختند و سحر خویش را آغاز کردند .

قال بل ألقوا فإذا

سرعت عمل ساحران است. از این رو مفاد آیه چنین است: >موسی گفت شما سحرتان را بیندازید و آنان سحر خویش را ارائه کردند که ناگهان ریسمان ها و...<.

۶- ساحران فرعون ، با

سحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فإذا جبالهم و عصيهم يخيّل إليه من سحرهم أنّها تسعى

<انّها تسعی> نائب فاعل <يخيّل> است و فعل <يخيّل إليه> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند؛ نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند که بر اثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱،۲،۷

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا جبالهم و عصيهم

<جبال> (جمع <جبل>) به معنای ریسمان ها و <عصی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

۲ - اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا .. فألقوا جبالهم و عصيهم

۷ - سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فألقوا جبالهم و عصيهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای ازدها شوند) موسی (ع) استفاده کردند.

جذابیت جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۳

۳ - سحر ارائه شده از سوی ساحران فرعون ، سحری چشمگیر و جذاب و اغواکننده بود .

فأوجس في نفسه خيفة موسى

<خيفة> به معنای نوعی از خوف و نگرانی است. بروز این نگرانی برای موسی (ع)،

پس از سحر ساحران فرعون، از چشمگیر و هنرمندانه بودن کار آنان حکایت دارد، به گونه ای که موسی (ع) خطر فریب خوردن مردم را به وضوح می دید.

جلب رضایت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۵

۵ - اقدام فرعون به جلب رضایت و حمایت هر چه بیشتر ساحران

أئن لنا لأجراً .. قال نعم وإنكم إذا لمن المقربين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که فرعون علاوه بر پاداش مورد نظر ساحران، به آنان وعده مقام های فزون تر را نیز داد.

جنگ روانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا .. و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

چوب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصيهم

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عصی> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

حق پذیری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فَأُلْقِيَ السَّحَرَهُ سَجْدِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی (ع) و حقانیت رسالت وی پی

بردند.

حمایت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۶

۶ - فرعون از پیروزی خود در برابر معجزه موسی (ع) مأیوس شده و تنها به حمایت ساحران چشم دوخته بود .

قال نعم و إنکم إذا لمن المقربین

تلاش فرعون برای جلب حمایت ساحران از خود، به هر قیمت ممکن و بیش از انتظار آنها، گویای برداشت یاد شده است.

خالق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۷

۷ - ساحران مؤمن ، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق آنان

علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

خداشناسی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ - ساحران در پاسخ فرعون ، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را ، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند .

إنما تقضی هذه الحیوه الدنیا . . . واللّه خیر و أبقى

خدمات جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۶

۶ خدمت فن سحر و ساحران به حکومت های باطل

و جاء السحرة فرعون

خطر جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، در معرض خطر از سوی جادوگران و کسانی که با دمیدن در گره هایی مخصوص ، درصدد آزار دادن آن حضرت بودند .

و من شرّ

خواسته های جادو گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۷

۷ ساحران پس از اعلام آمادگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

جمله <إن لنا .. > استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إن لنا ... نکره آمدن کلمه <أجراً> دلالت بر بزرگی و گرانشنگی پاداش دارد.

خواسته های جادو گران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً .. قال نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

خیال انگیزی جادوی جادو گران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- سحر ساحران فرعون ، دارای تأثیر بر قوای ادراکی مردم و ایجاد خیال و تصور در آنان

يَخْيَلُ اِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ اَنْهَا تَسْعٰى

<يَخْيَلُ اِلَيْهِ>؛ یعنی، به وهم و خیال موسی (ع) چنین وانمود شد که ریسمان ها و عصاها حرکت می کنند. ضمیر <اِله> گرچه به موسی (ع) بازمی گردد ولی روشن است که همه مردم حاضر در

آن صحنه نیز چنین احساسی داشتند.

دعای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۸،۹

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان، به دعا به درگاه خدا پرداختند.

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین

دعوت از جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۵

۵ - تدبیر مشاوران فرعون، مبنی بر اعزام اشخاصی به تمام شهرها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا... و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلّی به <ال> و مفید عموم است، یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهرها، مورد پذیرش فرعون

قالوا... و ابعث فی المدائن... فجمع السحره

دلایل بطلان جادو جادوگران فرعون

۷ - بلعیده شدن سحر ساحران به وسیله عصای موسی ، نشانه بطلان سحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا إنما صنعوا کید سحر

جمله <إنما صنعوا..> تعلیل برای <تلقف> است؛ یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی

بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

دنیاطلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۳،۴

۳ - اهتمام ساحران به دریافت پاداش و نه پیروزی فکری و عقیدتی

أَنْ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

۴ - ساحران عصر فرعون، قشری سودجو و دنیاگرا

أَنْ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران یا موسی(ع) را حق می دانستند و یا باطل؛ در هر دو صورت درخواست مزد و پاداش در برابر احیای حق و یا نابودی آن، بیانگر سودجویی و دنیامداری است.

ذلت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شکست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند .

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

روش برخورد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۴

۴ - برخورد و گفت و گوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن

حضرت بود .

يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا

احاله انتخاب آغازگر به موسى (ع) و پرهيز از تحكّم در اين زمينه، خالى از ابراز ادب و نزاکت از سوى ساحران نيست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا .. و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

ریسمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۹، ۶، ۵

۵ - ریسمان و عصا، از وسایل کار ساحران فرعون

فإذا حبالهم و عصيهم

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصی>) به معنای چوب دستی است.

۶ - ساحران فرعون، با سحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان‌ها و عصاهای آنان به هر طرف شتافته و حرکت می‌کند.

فإذا حبالهم و عصيهم یخیل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<أنّها تسعی> نائب فاعل <یخیل> است و فعل <یخیل إلیه> دلالت دارد که ریسمان‌ها و چوب دستی‌ها در واقع بی حرکت بودند؛ نه آن که با ماده‌ای آغشته شده باشند که بر اثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

۹ - ساحران فرعون، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع)، ریسمان‌ها و عصاهای فراوانی را تدارک دیده بودند.

فإذا حبالهم و عصيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱، ۲

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألقوا حبالهم و عصيهم

<جبال> (جمع <جبل>) به معنای ریسمان ها و <عَصَى> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

۲ - اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا .. فألقوا

حبالهم و عصيهم

زمینه ارتداد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱

۱ - بازگشت ساحران مؤمن به کفر (ارتداد) و پیروی از آیین فرعونیان، از هدف های تهدید فرعون در مورد آنان

لأَقْطَعَنَّ .. قالوا لن نؤثرک

پاسخ ساحران مؤمن به فرعون (لن نؤثرک)، حکایت از آن دارد که تهدیدات فرعون، برای بازگرداندن ساحران از راه ایمان بوده است.

زهد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ - ساحران در پاسخ فرعون، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند.

إِنَّمَا تَقْضَىٰ هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا .. وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

زیرکی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۲

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع)، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند.

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبدا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از

هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

سبقت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

سجده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقى السحرة سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقى السحرة سجدین. قالوا ءامنا برب العلمین

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا .. > حال برای <السحرة> و یا بدل اشتمال برای <القی السحرة ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۲

۲ - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فَألقى السحرة سجدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۲

۲ - به سجده در افتادن بی درنگ ساحران ، با مشاهده معجزه پیروز موسی

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ

به کارگیری <فاء> تعقیب و فعل مجهول <أُلْقِيَ> بیانگر آن است که

ساحران با مشاهده آن منظره عجیب، اختیار از کف دادند و بلافاصله به سجده درافتادند.

سرزنش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۱

۱ فرعون در پی گرایش ساحران به رسالت موسی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداوند، بشدت بر آشفت و آنان را به سبب ایمانشان توبیخ کرد.

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لكم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی(ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱

۱ - ساحران به خاطر ایمان به موسی (ع)، مورد توبیخ و بازخواست فرعون قرار گرفتند.

قالوا ءامنّا .. قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

<آمنتّم> چه جمله خبری باشد و چه استفهامی (به تقدیر همزه)، مراد از آن توبیخ است و ضمیر <له> به قرینه حرف لام که برای ربط <أمن> به غیر خداوند به کار می رود و به تناسب ضمیر <إنّه> در <إنّه لكبيركم> به موسی(ع) برمی گردد.

سودجویی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۸

۸ سودجویی، از انگیزه های ساحران برای مبارزه با موسی (ع)

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

سوگند جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۶

۶ - سوگند ساحران

به عزت و قدرت فرعون

و قالوا بعزّه فرعون

سهولت ابطال جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۶

۶ - خداوند با بیان هم سنخ بودن سحرِ ارائه شده از سوی همه ساحران فرعون، ابطال آن را برای موسی (ع)، امری سهل و آسان جلوه داد.

کید سحر

<ساحر> نکره است و بر وحدت دلالت دارد؛ یعنی، یک ساحر. مراد از آن، واحد حقیقی نیست؛ بلکه مراد این است که کید همه ساحران به جهت تشابه و هم سنخی، به منزله مکر یک ساحر است و کثرت ساحران برپیچیده بودن آن نیافزوده است.

شجاعت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۵

۵ ساحران گرویده به موسی (ع) مؤمنانی در کمال شجاعت و شهامت

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا

شرارت جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۴ - ۳

۳ - افسون گران، انسان هایی شرور و آزاردهنده دیگران

و من شرّ النفث فی العقد

اضافه شَرّ در آیه قبل و بعد، به نکره و در این آیه به معرفه، بیانگر تعمیم شر بودن به تمام کسانی است که <نَفَّاث> (افسون گر) بودند.

شعبده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۳،۵

۳ جادوی ساحران فرعونى از نوع چشمبندى و نشان دادن اشيا بر خلاف واقع آن بوده است .

فلما ألقوا سحروا أعين الناس

ساحران فرعونى پس از چشمبندى مردم به ترسانيدن آنان پرداختند .

فلما ألقوا .. و استرهبوهم

برداشت فوق بر اين اساس است كه <استرهبوا> عطف بر <فلما ألقوا .. > باشد. بر اين مبنا <استرهبوهم> دلالت مى كند كه ساحران پس از چشمبندى با حرركات و سكنات خويش سعى مى كردند مردم را كاملا مرعوب سحر خويش سازند.

شكست جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۸

۸ - راه موفقيت و پيروزي بر ساحران بسته است .

و لا يفلح الساحر حيث أتى

<ال> در <الساحر> براى جنس است و <حيث أتى> يعنى، <حيث أقبل> (هرجا رو آورد).

شكست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۳،۴،۵

۳ عصای موسى (ع) پس از افكنده شدن ، تمام بافته هاى جادويى ساحران را بلعيد و به كام خويش فروبرد .

فإذا هي تلقف ما يأفكون

<لَقْف> (مصدر تلقف) به معنای گرفتن چیزی با سرعت است و در آیه شریفه به مناسبت مورد به <بلعیدن> تفسیر شده است. جمله <فإذا هي ... > مى تواند خبر از رخدادى باشد كه در صحنه مبارزه اتفاق افتاده است. در اين صورت تقدير جمله چنین خواهد بود: أوحينا إلی موسى أن ألق عصاك فإلقتها فإذا هي تلقف.

۴ خداوند به موسى (ع) بشارت داد كه عصای وی پس از رها شدن ، تمام ساخته هاى دروغين ساحران را خواهد بلعيد .

أن ألق عصاك فإذا هي تلقف ما يأفكون

در برداشت فوق جمله <فإذا هي ... >، همانند <أن

ألقى عصاك، تفسیر <أوحينا> گرفته شده است. بر این مبنا تقدیر جمله بدین صورت خواهد شد: ألقى عصاك فإذا القيتها إذا هي تلقف ما يأفكون.

۵ عصای موسی (ع) با بلعیدن ابزار جادویی ساحران، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد.

فإذا هي تلقف ما يأفكون

<إذا> برای مفاجات است و دلالت می کند که جمله پس از آن در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹ - ۱،۲

۱ فرعونیان با ناکامی ساحران خویش در حضور انبوه تماشاچیان مغلوب گشتند و با ذلت، صحنه مبارزه را ترک کردند.

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

در برداشت فوق ضمیر در <فغلبوا> و <انقلبوا> به فرعونیان بازگردانده شده است.

۲ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شکست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند.

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۴

۴ فرعون، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد.

إن هذا لمكر مكرتموه في المدينة

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۲

تحقق معجزه موسی (ع) و شکست ساحران، تنها گروه اندکی از بنی اسرائیل به وی گرویده و ایمان آوردند.

فما آمن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق بر اساس ارجاع ضمیر <من قومه> به <موسی> است؛ ضمناً تنکیر <ذریه> دلالت بر تقلیل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - فرعون، شکست ساحران از موسی (ع) را، امری تصنعی و بر اثر تبنانی قبلی با موسی (ع) دانست و آنان را به سهل انگاری عمدی متهم ساخت.

إنه لكبير كم الذي علمكم السحر

شکنجه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۵، ۱۸

۱۵ - تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم خود بر اجرای آن، تصمیمی قاطع و مستبدانه بود.

لأقطعن... لأصلبنکم... لتعلمن أننا أشدّ عذاباً و أبقى

فرعون در واکنش های قبلی خود در برابر موسی (ع) با اطرافیان خویش به مشورت می نشست؛ ولی در مجازات ساحران، تصمیم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام کرد و با لام قسم و نون تأکید ثقیله و فعل هایی از باب تفعیل، قاطعیت خود را در این تصمیم ابراز کرد. گفتنی که فعل های <لأقطعن> و <لأصلبن> که از باب تفعیل اند، با ثلاثی مجرد در معنا یکسان بوده و تفاوتی جز تأکید افزون تر ندارند.

۱۸ - فرعون، دوران مجازات ساحران مؤمن (قطع دست و پا و بستن به چوبه دار

(را در مقایسه با مدت عذاب های موعود موسی (ع) ، طولانی تر و پایدارتر اعلام کرد .

و لتعلمنَّ أئنا أشدَّ عذابًا و أبقى

<عذاباً> تمیز برای <أشدَّ> و قرینه بر تمیز محذوف <أبقى> است؛ یعنی، <و أبقى عذاباً>.

عجز جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۷ - ۸

۸ جادوگران ، از رسیدن به پیروزی و دستیابی به آرزو های خود ناتوانند .

لا یفلح السحرون

عجز جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۴

۴ - جاذبه نیرومند معجزه موسی ، توان هرگونه درنگ و مقاومت را از ساحران فرعون سلب کرد .

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ

فعل <ألقى> مجهول است و دلالت دارد که ساحران وادار به سجده شدند، به گونه ای که گویا عاملی آنها را بر سجده مجبور ساخته است.

عصای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۵،۶،۹

۵ - ریسمان و عصا ، از وسایل کار ساحران فرعون

فَإِذَا حَبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصی>) به معنای چوب دستی است.

۶- ساحران فرعون، با سحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان‌ها و عصاهای آنان به هر طرف شتافته و حرکت می‌کند.

فَإِذَا حَبَالَهُمْ وَعَصِيَّتُهُمْ يَخِيلُ إِلَيْهِمْ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى

<أَنَّهَا تَسْعَى> نائب فاعل <يَخِيلُ> است و فعل <يَخِيلُ إِلَيْهِ> دلالت دارد که ریسمان‌ها و چوب دستی‌ها در واقع بی حرکت بودند؛ نه آن که با ماده‌ای آغشته شده باشند

که بر اثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

۹ - ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها و عصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فَإِذَا جَاءَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۲

۲ - اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا .. فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ

عقیده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۲

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و أَلْقَى السِّحْرَ سَجْدِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۲،۳،۴

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

<إلى ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلى> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

۳ ساحران مؤمن به موسی (ع)، معتقد به معاد و بازگشت به

خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

إنا إلی ربنا منقلبون

۴ ساحران مؤمن به موسی ، معتقد به دستیابی کشته شدگان راه خدا به موهبت‌هایی برتر از نعمت‌ها و آسایش‌های دنیوی

إنا إلی ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۰

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه‌های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد‌های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۳،۴

۳ - اعتقاد ساحران مؤمن به زیان نکردن انسان از تحمل دشواری‌ها در راه خدا

قالوا لا ضیر إنا إلی ربنا منقلبون

جمله <إنا إلی ربنا..> تعلیل برای <لا ضیر> و بیانگر مطلب یاد شده است.

۴ - توجه و اعتقاد ساحران گرویده به موسی (ع) ، نسبت به معاد هم پای عقیده به پروردگار یگانه هستی

قالوا ءامنا ربّ العلمین .. إنا إلی ربنا منقلبون

علائق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۵

۵ - علاقه مندی ساحران فرعون ، به پیشدستی در ارائه سحر خویش ، قبل از اقدام موسی (ع) به ارائه آیات *

إِذَا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَٰ مِنْ أَلْقَىٰ

تفاوت تعبیر در بخش دوم پیشنهاد، نشانگر این نکته است که ساحران برای شروع کردن، انگیزه بیشتری داشتند و بدین وسیله آن را ابراز می کردند؛ زیرا به جای <أَنْ نَكُونَ...> می

توانستند بگویند <أما أن نلقى>

علم جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۲

۲ - آگاهی قلبی ساحران از پیام توحیدی موسی (ع) و تنها نیازمند مشاهده دلیلی روشن

قالوا ءامنا ربّ العلمین

عوامل استقامت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إنا ءامنا برّنا .. إنه من یأت ربّه مجرماً فإنّ له جهنّم

جمله <إنه من یأت ..> تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

عوامل ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۱

۱ - اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فألقی موسی عصاه .. قالوا ءامنا ربّ العلمین

عوامل شجاعت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۶،۹

۶ باور به معاد و بازگشت به خدا پس از مرگ ، عامل نه‌راسیدن ساحران مؤمن از مجازات‌ها و شکنجه‌های فرعون

إنا إلی ربنا منقلبون

۹ نجات از شرک و پذیرش ربوبیت خداوند ، عامل بی‌پروایی ساحران مؤمن در برابر مجازات‌ها و شکنجه‌های فرعون

إنا إلی ربنا منقلبون

در برداشت فوق‌جمله <إنا إلی ربنا منقلبون> توصیف تحولات عقیدتی ساحران و انقلاب درونی آنان گرفته شده است. در این صورت مراد از آن جمله، بازگشت به خدا

با رها شدن از باورهای باطل و پذیرش ربوبیت وی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۶

۶ - عقیده به معاد و بازگشت انسان به سوی خدا پس از مرگ ، عامل نهرا سیدن ساحران مؤمن از مجازات مرگ

قال ... لأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ ... قَالُوا لَأُضِيرَ إِيَّانَا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُو

غضب بر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱

۱ - خشم و برآشفتن فرعون از ایمان سریع ساحران به موسی (ع) ، بدون رخصت و اجازه وی

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

فرجام جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۸

۸ - تهدید ساحران مؤمن از سوی فرعون به داشتن فرجامی تیره و وحشتناک

فلسوف تعلمون

فرعون و بسیج جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۹ - ۱

۱ فرعون ، برای مبارزه با حضرت موسی (ع) و مقابله با معجزه بزرگ او ، دستور داد تا تمام جادوگران کاردان و ماهر را به پایتختش احضار کنند .

و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۰ - ۱

۱ مأموران حکومت ، پس از دستور فرعون ، تمام ساحران چیره دست و ماهر را از اطراف و اکناف کشور فراخوانده و در پایتخت گرد آوردند .

و قال فرعون ائتونی بکل سحر

علیم. فلما جاء السحرة

فرعون و جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱،۲

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجرًا .. قال نعم

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران ، از مقربان درگاهش خواهند شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۷

۷ فرعون با توطئه گر خواندن موسی (ع) و ساحران ، براندازی حکومت فرعونیان و بیرون راندن ایشان را ، از پایتخت مصر از اهداف توطئه آنان شمرد .

إن هذا لمکر .. لتخرجوا منها أهلها

مراد از <أهلها> هم می تواند فرعون، درباریان و وابستگان به او باشد و هم می تواند مراد از آن تمامی ساکنان مصر باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

فرعونیان و احضار جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع)، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

يَا تُوَكُّلُ بَكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۲،۳

۲ مأموران بسیج شده برای جلب ساحران با موفقیت کامل مأموریت خویش را به انجام رساندند .

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ. و جاء السحرة فرعون

با توجه به اینکه ال در <السحرة> عهد ذکری است و مراد از آن همان <کل سحر علیم> است که در فرمان فرعون آمده بود، معلوم می شود مأموران بدون هیچ کم و کاستی موفق به اجرای فرمان فرعون شدند.

۳ ساحران بدون هیچ اجباری از سوی نیرو های فرعونی برای مبارزه با موسی (ع) به دربار فرعون حاضر شدند .

و جاء السحرة فرعون

بیان حضور ساحران به دربار فرعون با جمله <و جاء السحرة> (ساحران آمدند) و نه با جمله ای همانند <و أتوا بالسحرة> (ساحران را آوردند)، حکایت از این دارد که ساحران به دلخواه خویش، و نه از روی اجبار و اکراه، به دربار حاضر شدند.

فضایل جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۶

۶ - ساحرانِ گرویده به موسی (ع) ، از نخستین مؤمنان به وی

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ... إِنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

فلسفه تهدید جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱

۱ - بازگشت ساحران مؤمن به کفر (ارتداد) و پیروی از آیین فرعونیان ، از هدف های تهدید فرعون در مورد آنان

لَأَقْطَعَنَّ... قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ

پاسخ ساحران مؤمن به فرعون (لَنْ نُؤْتِرَكَ)، حکایت از آن دارد که تهدیدات فرعون،

برای بازگرداندن ساحران از راه ایمان بوده است.

قبول خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۱

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئن لنا لأجراً... قال نعم

قتل جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ - > عن رسول الله (ص) قال : إذا أخذتم الساحر فاقتلوه ثم قرأ < و لا يفلح الساحر حيث أتى > قال : لا يأمن حيث وجد ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: هرگاه بر ساحری دست یافتید او را بکشید؛ سپس این آیه را قرائت فرمود: > لا يفلح الساحر حيث أتى < [آن گاه] فرمود: ساحر هر جا یافت شود در امان نیست <.

قطع پای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلا فطعن أيديكم و أرجلكم من خلف و لأصلبكم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

قطع دست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره -

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود.

فَلأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَأَلْصَبَنَّكُمْ

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

کیفر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱،۲

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد.

لأَقْطَعَنَّ... ثُمَّ لَأَلْصَبَنَّكُمْ

حرف <لام> در <لأَقْطَعَنَّ> در <لأَصْلَبَنَّ> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

(ع)

لأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۲،۱۱

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرَجُوا... وَ مَا تَنْقُمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است

و <أنءامنا> مفعولٌ له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشیء إلا لایماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما واداشته ایمان ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهامهایت واقعیت ندارد.

۱۱ کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن ، شکنجه هایی طاقتفرسا و تحمل آن نیازمند صبری وافر بود .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلاَ تَطْعَنَ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلبکم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

گناه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إناءامنا برّبنا لیغفر لنا خطینا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

مبارزه با جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۳

۳ معجزه موسی (ع) در صحنه مبارزه با ساحران ، عامل تثبیت حقانیت وی و از میان رفتن تمام دستاورد های دیرینه فرعون و اشراف دربارش شد .

فوق الحق و بطل ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر <کانوا> و <یعملون> فرعون و فرعونیان باشد. بر این مبنا مقصود از <ما> در <ما کانوا> تلاشهای فرعونیان برای تثبیت ربوبیت فرعون و مانند آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۴

۴ - هارون ، همگام موسی (ع) در مبارزه با فرعون و حاضر در صحنه مقابله موسی و ساحران

إن هذن لسحرن

مبارزه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامننا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی(ع)، بیانگر این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

محرومیت جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۷ - ۵

۵ ساحران ، محروم از رستگاری اند .

لا يفلح السحرون

مدحهای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴

۸ - اقدام ساحران به ستایش فرعون در لحظه شروع عملیات خود ، با هدف جلب حمایت او و نزدیک ساختن خویش بهوی

فألقوا .. و قالوا بعزه فرعون إنا لنحن الغلبون

مکر جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۵

۵ - سحر ، مکر و حيله ساحر است و واقعیات را تغییر نمی دهد .

إنما صنعوا كيد سحر

مناظره با جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۴

۴ - ترساندن فرعونیان از عذاب به خاطر افترای بر خداوند سرلوحه سخنان موسی (ع) در صحنه مقابله با ساحران فرعون

قال لهم موسى ويلکم لا تفتروا علی الله کذباً فیسحتکم بعذاب

<ویل> یعنی ، <اندوه> و <هلاکت> و <هر سختی که از ناحیه عذاب پدید آید> (لسان العرب). <ویلکم> نفرین است ، یعنی ، عذاب باد بر شما. برخی آن را مفعول برای فعل محذوف دانسته اند ، یعنی ، أَلْزَمُوا ویلکم (با هلاکت و عذابتان همدم باشید). جمله <فیسحتکم بعذاب> روشنگر مفاد <ویلکم> است.

منشأ امیدواری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۳

۳ قرار گرفتن در صف نخستین مؤمنان ، سرمایه امید ساحران به آمرزش الهی

إننا نطمع أن یغفر .. أن کنا أول المؤمنین

عبارت <أن كنا..> تعلیل برای امید داشتن به غفران الهی است، یعنی، چون ما در صف نخستین ایمان آوردگان به موسی قرار گرفتیم این ما را امیدوار به غفران می نماید.

منفعت طلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۴

۴ - ساحران عصر فرعون ، قشری سودجو و دنیاگرا

أئنَّ لنا لأجرًا إن كُنَّا نحن الغلبيين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران یا موسی(ع) را حق می دانستند و یا باطل در هر دو صورت درخواست مزد و پاداش در برابر احیای حق و یا نابودی آن، بیانگر سودجویی و دنیامداری است.

مواعظ جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ - ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما جاءنا من البینت و الذی فطرنا فاقض ما أنت قاض إنما تقضی هذه الحیوه الدنیا

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

موسی(ع) و جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ موسی (ع) با بی اعتنایی به جادوگری ساحران شروع مبارزه را به آنان وا گذاشت .

قال ألقوا

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران رها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۰ - ۲

۲ حضرت موسی (ع) ، پس از رویارویی

با انبوه ساحران ، از آنان خواست تا با به کار گرفتن تمام توان خود آنچه را که به قصد میدان انداختن آورده اند ، به زمین بیندازند .

فلما جاء السحرة قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۶، ۲، ۱

۱ پس از درخواست موسی (ع) ، ساحران با به میدان ریختن آنچه داشتند (چوب ها و طناب ها) به کار سحر پرداختند .

قال لهم موسى ألقوا .. فلما ألقوا

۲ موسی (ع) ، پس از مشاهده عمل ساحران ، برای رفع اتهام ساحری از خود ، سحر بودن آن عمل را به آنان گوشزد نمود .

فلما ألقوا قال موسى ما جئتم به السحر

۶ موسی (ع) ، با خطاب به ساحران ، آنان را گروهی مفسد و مقابله آنان با خود را عملی فسادانگیز خواند .

قال موسى ما جئتم به السحر .. إن الله لا يصلح عمل المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱

۱ - موسی (ع) ، شروع مبارزه را به ساحران فرعون واگذار نمود و بر آغاز کار از سوی آنان تأکید کرد .

إِذَا أَن تَلْقَى .. قَالَ بَلْ أَلْقُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۱

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

موسی (ع) و شکست جادوگران فرعون

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۳،۴،۵

۳ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، قطعی و غیر قابل تردید اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم به السحر إن الله سیطله

۴ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، به خدا مرتبط نموده و خود را صرفاً واسطه فعل او اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم به السحر إن الله سیطله إن الله لایصلح عمل المفسدین . و یحق ال

۵ موسی (ع) ، از پیش بر پیروزی خود و شکست ساحران و ابطال سحرشان ، اطمینان داشت .

قال موسی ما جئتم به السحر إن الله سیطله

موقعیت اجتماعی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۵

۵ - ساحران ، دارای موقعیت و احترام در میان جامعه فرعونی *

و قالوا یأیه الساحر

برداشت یاد شده بدین احتمال است که خطاب < یأیه الساحر > ، استهزایی نباشد؛ بلکه برای احترام ادا شده باشد. و مؤید آن، ذیل آیه شریفه است که فرعونیان از موسی(ع) تقاضای رفع عذاب کردند.

نامنی جادوگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ - > عن رسول الله (ص) قال : إذا أخذتم الساحر فاقتلوه ثم قرأ < و لایفلح الساحر حیث أتى > قال : لایأمن حیث وجد

;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: هرگاه بر ساحری دست یافتید او را بکشید؛ سپس این آیه را قرائت

فرمود: <ولا يفلح الساحر حيث أتى> [آن گاه] فرمود: ساحر هر جا یافت شود در امان نیست.>

نقش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۲

۲ - ناتوانی فرعونیان در مبارزه با موسی (ع) و منحصر شدن تمام قدرت و تدبیر نظام فرعونی در وجود ساحران

لعلنا نتبع السحرة إن كانوا هم الغلبين

با این که در نظام فرعونی تلاش بر حذف همه نیروها و منحصر دانستن فرعون در جایگاه رهبری بوده است، اما ناتوانی او از مقابله با موسی (ع) و نیاز وی به کارآیی ساحران، سبب گشت تا به جای فرعون، ساحران پیشوای مردم قلمداد شوند.

وعده به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - تأکید فرعون بر قرار گرفتن ساحران در زمره مقربان وی، با پیروزی بر موسی (ع)

و إنكم إذا لمن المقربين

۳ - فرعون، برای جلب حمایت ساحران، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد.

قالوا لفرعون أئن لنا لأجراً... و إنكم إذا لمن المقربين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند، ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

وقت مبارزه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۳،۴

۳ - گردآوری ساحران، برای هموردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید

(بود .

فجمع السحره لميقت يوم معلوم

<ميقات> به زمان معين گفته می شود و مراد از آن در این جا به قرینه آیه ۵۹ سوره طه پیش از ظهر (ضحی) می باشد. مقصود از <يوم معلوم> به دلیل آیه یاد شده روز جشن (يوم الزينه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

۴- اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب هموردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحره لميقت يوم معلوم

تصریح به زمان معين، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

ویژگیهای ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۸

۸- ساحران ، ایمان خود به خداوند را به گونه ای اعلام کردند که فرعون نتواند آن را تحریف و از آن سوء استفاده کند .

قالوا ءامنا برب هرون و موسی

از آن جایی که موسی(ع) مدتی در خانه فرعون پرورش یافته بود، اگر ساحران <رب موسی> می گفتند، این احتمال وجود داشت که فرعون سجده آنان و گفته هایشان را به نفع خود توجیه کند و خود را <رب موسی> بداند. آنان با آوردن اسم هارون در کنار اسم موسی(ع) (رب هارون و موسی) راه سوء استفاده از کلام خود را به روی فرعون بستند.

هدایتگری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۶

۱۶- ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما جاءنا من البینت و الذی فطرنا فاقض ما أنت قاض إنما تقضی هذه

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

جادوگران فرعون

{جادوگران فرعون}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۷

۷ - سحر ساحران فرعون ، دارای تأثیر بر قوای ادراکی مردم و ایجاد خیال و تصور در آنان

يَخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُمْ تُسْعَى

<يَخِيلُ إِلَيْهِ>؛ یعنی، به وهم و خیال موسی(ع) چنین وانمود شد که ریسمان ها و عصاها حرکت می کنند. ضمیر <إليه> گرچه به موسی(ع) بازمی گردد؛ ولی روشن است که همه مردم حاضر در آن صحنه نیز چنین احساسی داشتند.

آثار ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ - پایه های حکومت فرعون پس از ماجرای ساحران و ایمان آنان به موسی (ع) ، بسیار متزلزل شد .

و لتعلمنّ أئنا أشدّ عذابًا و أبقى

تفاوت برخوردهای اولیه فرعون با برخوردهای پس از ایمان ساحران، نشان از تزلزل حکومت فرعون و احساس خطر شدید او از ناحیه موسی(ع) و مؤمنان به او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱

۱ - خشم و برآشفتن فرعون از ایمان سریع ساحران به موسی (ع) ، بدون رخصت و اجازه وی

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

آثار پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ -

۶- فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند .

و قد أفلح اليوم من استعلى

آثار ترس جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳- هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا .. إِنَّهُ مِن يَأْت رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ

جمله <إِنَّهُ مِن يَأْت ..> تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

آثار جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱۱

۱۱- دیدگان و قوه خیال موسی (ع) نیز ، تحت تأثیر سحر ساحران فرعون قرار گرفت .

يَخْتَلِ إِلِيهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُ تَسْعَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۱

۱- موسی (ع) ، پس از مشاهده سحر ساحران فرعون ، در دل خویش از پی آمده های احتمالی آن احساس نگرانی کرد .

من سحرهم .. فأوجس في نفسه خيفة موسى

<أوجس> به معنای <أحس> و نیز به معنای <أضمر(اخفاکرد)> آمده است (لسان العرب). در این آیه، معنای <أحس> به نظر مناسب تر می رسد چرا که معنای <اخفا> در <في نفسه> آمده است. بنابراین <أوجس في نفسه...> یعنی، موسی(ع) در دل خود نگرانی و ترسی را احساس کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - دل قوی داشتن و نگران نبودن

از پی آمد های سحر ساحران فرعون ، مفاد وحی خداوند به موسی (ع) در میدان مقابله با ساحران

فأوجس .. قلنا لاتخف

۳ - موسی (ع) از القای شبهه و احتمال گمراهی مردم به واسطه سحر ساحران نگران بود .

قلنا لاتخف إنك أنت الاعلی

جمله <إنك أنت الاعلی> تعلیل برای <لاتخف> است و دلالت می کند که موسی(ع) از این نگران بود که معجزه او با سحر ساحران مشتبه گردد و مردم به حقانیت او پی نبرند. خداوند با بیان برتری قطعی او، زمینه هراسش را از بین برد.

آخرت طلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۷، ۱۴

۱۴ - ساحران مؤمن با تحقیر قدرت فرعون ، به او اعلام کردند که بالاترین شکنجه های او ، تنها به زندگانی دنیایی آنان خاتمه می دهد و به آخرتشان آسیبی نخواهد رسانید .

فافض ما أنت قاض إنما تقضى هذه الحیوه الدنيا

چنانچه <هذه الحیاه> مفعولٌ به برای <تقضى> باشد، مراد از <قضا>، منقضی ساختن خواهد بود. اهل لغت می گویند: تمام معانی <قضا> به انقطاع یافتن و تمام شدن بازگشت دارد (لسان العرب). بنابراین مفاد آیه چنین می شود: ای فرعون! با حکم خود به هرچه می توانی فیصله بده و آن را تمام کن؛ زیرا تو فقط این زندگانی دنیا را خاتمه می دهی.

۱۷ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، دارای ایمان و اعتقاد محکم به آخرت بودند .

فافض .. إنما تقضى هذه الحیوه الدنيا

آگاهی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامننا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی(ع)، بیانگر این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۲

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

آمدگی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۷

۷ ساحران پس از اعلام آمدگی برای مبارزه با موسی (ع) از فرعون خواستند تا در صورت پیروزی از پاداشی گران برخوردار شوند .

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبین

جمله <إن لنا .. > استفهامی است و حرف استفهام مقدر می باشد. یعنی: إن لنا نکره آمدن کلمه <أجراً> دلالت بر بزرگی و گرانبگی پاداش دارد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۲

۲ - ساحران فرعون ، آمادگی خویش را برای پیش قدم شدن در ارائه سحر خود ، اعلام کردند .

إِذَا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَٰمِنَ أَلْقَىٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۱

۱۱ - ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند .

لَنْ نُوْثِرَكَ .. فَاَقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فأقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است؛ یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

ابزار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۵،۹

۵ - ریسمان و عصا ، از وسایل کار ساحران فرعون

فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيَّهُمْ

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصی>) به معنای چوب دستی است.

۹ - ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها و عصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيَّهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألَقُوا حبالَهُمْ و عَصِيَّتَهُمْ

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عَصِيَّتَهُمْ> (جمع <عصا>) به معنای

چوبدستی ها است.

ابطال جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۲،۷

۲ - بلعیده شدن سحر ساحران فرعون و بطلان گردیدن ساخته های آنان با عصای موسی (ع) ، وعده خداوند به آن حضرت

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا

فعل <تلقف> و نظایر آن (نزد برخی از اهل لغت) در موردی به کار می رود که چیزی گرفته شود و خورده یا بلعیده گردد (لسان العرب).

۷ - بلعیده شدن سحر ساحران به وسیله عصای موسی ، نشانه بطلان سحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا إنما صنعوا کید سحر

جمله <إنما صنعوا..> تعلیل برای <تلقف> است؛ یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱

۱ - عصای موسی با اعجاز او ، تمامی ابزار و آلات سحر جادوی ساحران فرعون (بند ها و عصا ها) را بلعید .

تلقف ما صنعوا .. فألقى السحره

<فألقى> در <فألقى> فصیحه و حاکی از جملاتی محذوفی است. مفاد آیه با تقدیرات آن چنین می شود: موسی(ع) عصای خود را انداخت و عصا آلات سحر را بلعید، آن گاه ساحران به سجده افتادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۲،۵

ها) به وسیله عصای موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون

۵ - عصای موسی با بلعیدن ابزار جادویی ساحران، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد.

فإذا هی تلقف ما یأفکون

برداشت یاد شده از آن جا است که <إذا> برای مفاجات است و نشانگر آن است که جمله پس از آن، در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

اتحاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۳

۳ ساحران دربار فرعون، یکدل و یکزبان و یار یکدیگر در مبارزه با موسی (ع)

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی ست ساحران جمله های <إما أن تلقی> و <إما أن نکون نحن الملقین> را دسته جمعی و یا یک به یک نگفتند. بنابراین استناد این جمله ها به آنان حکایت از همیاری و یکدلی آنان در مبارزه با موسی (ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۹

۹ - ساحران فرعون، یک دل و یک زبان و یار یکدیگر، در مبارزه با موسی (ع) بودند.

و إما أن نکون أول من ألقى

صدق <أول من ألقى> بر همه ساحران، گویای هدف مشترک و وحدت رویه آنان است.

احترام جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۵

۵- ساحران ، دارای موقعیت و احترام در میان جامعه فرعونى *

و قالوا يآئيه الساحر

برداشت یاد شده بدین احتمال است که خطاب <يآئيه الساحر>،

استهزایی نباشد؛ بلکه برای احترام ادا شده باشد. و مؤید آن، ذیل آیه شریفه است که فرعونیان از موسی (ع) تقاضای رفع عذاب کردند.

احضار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۲

۲ - گردآوری ساحران در سریع ترین وقت ، پس از پیشنهاد مشاوران فرعون

قالوا .. و ابعث فی المدائن ... فجمع السحرة

برداشت یاد شده با توجه به آمدن <فاء> که بیانگر نبودن فاصله زمانی است استفاده می شود.

ادب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۴

۴ - برخورد و گفت و گوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إِمَّا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا

احاله انتخاب آغاز گر به موسی (ع) و پرهیز از تحکم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

استغفار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۹

۹ - ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

ليغفر لنا .. ما أكرهتنا عليه من السحر

استقامت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۱

۱ اظهار پایداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسی (

ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۸،۱۰

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان، به دعا به درگاه خدا پرداختند.

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان، نیازمند امداد های الهی دانستند.

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۲،۱۱

۲ - ساحران مؤمن، برتری دادن فرعون بر خداوند و بهادادن به تهدیدات او در برابر دلایل روشن موسی (ع) را، به کلی منتفی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند.

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

۱۱ - ساحران مؤمن، آمادگی خود را برای تحمل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند.

لن نؤثرک .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فاقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است؛ یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱

۱ - ساحران مؤمن ، در برابر فرعون و تهدید

های وی ، بر ایمان خود به پروردگارشان تأکید کردند .

لن نُؤثِرَكَ .. إنا ءامنَّا بِرَبِّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۱،۲

۱ - اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لأُفْطِنَنَّ أیدیکم و أرجلکم من خلف .. قالوا لاضیر

۲ - خشم و تهدید شدید فرعون ، فاقد کمترین تأثیر در ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأُفْطِنَنَّ أیدیکم و أرجلکم من خلف .. قالوا لاضیر

استمداد از جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۴،۵

۴ خنثی سازی معجزه موسی (ع) با استمداد از ساحران زبردست ، از آرای تصویب شده از جلسه سران و بزرگان حکومت فرعونیان

و أرسل فی المدائن حشرین

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

اطمینان به پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۹ - ۲

۲ - اطمینان فرعون و درباریان او به غلبه ساحران کارآزموده بر موسی (ع)

وقیل للناس

دعوت از مردم، می تواند نشانگر اطمینان فرعونیان به پیروزی ساحران باشد. گفتنی است که تعبیری چون: <لعلنا> و <إن كانوا> که بیانگر نوعی تردید بوده و در آیه بعدی آمده است شگردی تبلیغی برای تهییج ساحران بود تا آنان توان خویش را در این راه به کار گیرند.

اطمینان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۴

۴ ساحران دربار فرعون مطمئن به غلبه سحرشان بر معجزه موسی (ع)

إِذَا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمَلْقِينَ

از اینکه ساحران اختیار شروع کننده مبارزه را به موسی (ع) وا گذاشتند و جمله مربوط به خویش را با تأکید بیان داشتند، معلوم می شود آنان به غلبه خویش اطمینان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۳،۶

۳ - ساحران فرعون ، نسبت به غلبه و پیروزی خود بر موسی (ع) در میدان مبارزه ، اطمینان داشتند .

إِذَا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَٰ مِنْ أَلْقَىٰ

پیشنهاد به موسی (ع) برای تعیین آغاز کننده، حکایت از اطمینان ساحران به کار خود و نتیجه آن و یا لاقفل تظاهر به آن از سوی آنان دارد.

۶ - ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سحر ، حتمی دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند . *

إِذَا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَٰ مِنْ أَلْقَىٰ

ساحران دو شق تخییر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی (ع) ابزار سحر خود را بیفکند،

کار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از این رو وصف <أول من ألقى> را در باره موسی(ع) به کار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

افساد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۶

۶ موسی (ع) ، با خطاب به ساحران ، آنان را گروهی مفسد و مقابله آنان با خود را عملی فسادانگیز خواند .

قال موسی ما جئتم به السحر .. إن الله لا یصلح عمل المفسدین

اقرار جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنّا برب العلمین . رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إنا ءامنّا بربّنا لیغفر لنا خطینا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ . . . قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَلَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَلَمِينَ

قید <رَبِّ موسی و هارون> اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمنتم له...) این مطلب را تأیید می کند.

اکراه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - ساحران مؤمن ، برخلاف میل باطنی و با اجبار حکومت فرعونی ، وادار به مقابله با موسی (ع) شده بودند .

و ما أكرهتنا عليه من السحر

<إكراه> یعنی، وادار کردن کسی به کاری که خود تمایل به آن نداشته باشد. گفتنی است که <أكرهتنا> سخن ساحران مؤمن، خطاب به فرعون است؛ یعنی، تو ما را به سحر و مبارزه علیه موسی(ع) وادار کردی. اقداماتی که ساحران در شیوه اجرای سحر انجام دادند، گرچه اختیاری بود؛ ولی احضار آنان در صحنه مبارزه با موسی(ع) اجباری بوده است.

امتیازخواهی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - امتیاز خواهی ساحران از فرعون ، با قرار دادن پیروزی خود در هاله ای از ابهام

أَتْنَنَّا لَنَا لِأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

تردید ساحران در پیروزی خود،

فرعون را در وحشت از شکست فرو می برد و اشتیاق به پیروزی را به هر قیمت در وجود او مشتعل می ساخت. ساحران از این زمینه برای دست یافتن به امتیازات بیشتر سود جستند. گفتنی است که آیه ۴۴ همین سوره که در آن ساحران پس از مطمئن شدن به دریافت مزد از فرعون پیروزی خود را بر موسی (ع) قطعی اعلام کردند (قالوا بعزّه فرعون إنّنا نحن الغالبون) مؤید همین برداشت است.

امیدواری به پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۱

۱ - امیدواری فرعونیان به غلبه ساحران بر موسی (ع) و پیروی مردم از آنان

لَعَلَّنَا تَتَّبِعَ السَّحْرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

واژه <لعلّ> برای اظهار امید است.

امیدواری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

۲ - ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۱

۱ - اظهار امیدواری ساحران مؤمن به موسی (ع) ، به برخوردارگی از غفران الهی

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبَّنَا خَطِيئَتَنَا

انقیاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات

، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۲،۳

۲ ساحران ، ایمانشان را به خداوند به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامنا برب العلمين

کلمه <قالوا> بیانگر این است که ساحران ایمانشان را به خدا و ربوبیت مطلق او علنی ساختند و به همگان اعلام کردند.

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقى السحرة سجدین. قالوا ءامنا برب العلمين

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا .. > حال برای <السحرة> و یا بدل اشتمال برای <القی السحرة ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱،۲،۴،۵

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمين. رب موسی و هرون

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمين> به <رب موسی و هرون> این

باشد که مبادا فرعونیان پس از خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون دارد.

۴ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص <موسی و هارون>، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

۵ ساحران ، ایمان خویش را به موسی (ع) و هارون به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۱،۴،۶،۸

۱ فرعون در پی گرایش ساحران به رسالت موسی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداوند ، بشدت بر آشفت و آنان را به سبب ایمانشان توبیخ کرد .

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لكم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی (ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

کلمه <هَذَا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

۶ فرعون ، ایمان ساحران را به موسی (ع) ، خطری

برای موقعیت و حکومت خویش احساس کرد .

إن هذا لمكر مكرتموه فى المدینه لتخرجوا منها أهلها

۸ بیرون راندن و آواره ساختن مردم پایتخت مصر ، تحلیل فرعون از داستان مبارزه ساحران با موسی و ایمان آوردن آنان

إن هذا لمكر مكرتموه فى المدینه لتخرجوا منها أهلها

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <أهلها> همه مردم مصر (عوامل حکومت و توده مردم) باشد، نه خصوص عوامل حکومتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱،۲،۳

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن .. ثم لأصلبنکم

حرف <لام> در <لأقطعن> در <لأصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر ، از کیفرهای تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

۳ فرعون ، ساحران مؤمن به موسی (ع) را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست .

ثم لأصلبنکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱ اظهار پایداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز

خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا . .. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است و <أن ءامنا> مفعولٌ له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشیء إلا- لایماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما واداشته ایمان ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهامهایت واقعیت ندارد.

۳ ساحران گرویده به موسی (ع) ، برخوردار از ایمانی راسخ به آیات خداوند

و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

۴ ساحران گرویده به موسی (ع) به مجرد آگاهی به آیات الهی ، آنها را باور کردند و بدآنها ایمان آوردند .

ءامنا بایت ربنا لما جاءتنا

برداشت فوق با توجه به کلمه <لما> استفاده شده است.

۵ ساحران گرویده به موسی (ع) مؤمنانی در کمال شجاعت و شهامت

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون. و

ما تنقم منا إلا أن ءامنا

۶ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، در ایمان خویش متکی به آیات و براهینی متعدد بودند .

أن ءامنا بآیت ربنا لما جاءتنا

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان ، به دعا به درگاه خدا پرداختند .

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۷، ۶، ۵

۵ - ساحران به جهت تخصص در سحر ، حقانیت گفته های موسی (ع) و سحر نبودن کار او را به روشنی درک کردند .

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدًا قَالُوا ءامْنَا

از ظاهر آیه برمی آید، که در میدان مبارزه، تنها ساحران بودند که ایمان خود را اعلام کردند و یا لااقل اولین افراد بودند. این سبقت در ایمان از سوی ساحران، به جهت شناخت آنان از کار خود و تفاوت آن با معجزه بود.

۶ - ساحران با مشاهده بطلان سحرشان ، ربوبیت خداوند بر همه موجودات را باور کرده و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برَبِّ هرون و موسی

۷ - ساحران فرعون ، با صراحت ، ایمان خویش به خداوند را اعلام کردند .

قالوا ءامنا برَبِّ هرون و موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۱، ۲، ۱

۱ - ساحران به خاطر ایمان به موسی (ع) ، مورد توبیخ و بازخواست فرعون قرار گرفتند .

قالوا ءامنا .. قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

<آمنتکم> چه جمله خبری باشد و چه استفهامی (به تقدیر همزه)، مراد از آن

توییخ است و ضمیر <له> به قرینه حرف لام که برای ربط <أمن> به غیر خداوند به کار می رود و به تناسب ضمیر <إنه> در <إنه لکبیرکم> به موسی (ع) برمی گردد.

۲ - ساحران فرعون ، موسی و هارون (ع) را پیامبر خدا دانسته و به آنان ایمان آوردند .

ءامنتم له

تعبیر ساحران در آیه قبل، <آمنّا برّ هارون و موسی> بود؛ ولی فرعون در توییخ خود، آنان را مؤمن به موسی (ع) معرفی کرد. گفتنی است که این نکته گویای تلازم ایمان به <برّ موسی و هارون> با ایمان به رسالت آن دو در دعوت به ربوبیت خداوند است.

۱۱ - در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم إنه لكبیرکم الذی علمکم السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۷، ۱۴، ۱۱، ۷، ۳، ۲

۲ - ساحران مؤمن ، برتری دادن فرعون بر خداوند و بهادادن به تهدیدات او در برابر دلایل روشن موسی (ع) را ، به کلی منتقی دانسته و ثبات و استحکام ایمان خود را نشان دادند .

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

۳ - ساحر مؤمن مصر ، تحت تأثیر آیات و بینات الهی ، قرار گرفتند و خدا را بر فرعون ترجیح دادند .

لن نؤثرک علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

۷ - ساحران مؤمن ، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق

علی ما جاءنا من البینت والذی فطرنا

۱۱ - ساحران مؤمن ، آمادگی خود را برای تحمل هرگونه شکنجه و کشتار در جهت حفظ ایمان خویش اعلام کردند .

لن نُؤثرک .. فاقض ما أنت قاض

<قضا> به معنای حکم کردن و داوری است. جمله <فاقض...> از زبان ساحران مؤمن و خطاب به فرعون است؛ یعنی، هر حکمی را که می توانی و قضاوت آن از تو ساخته است، صادر کن. ما آماده پذیرش هر نوع شکنجه و عذاب در راه ایمان خود هستیم.

۱۴ - ساحران مؤمن با تحقیر قدرت فرعون ، به او اعلام کردند که بالاترین شکنجه های او ، تنها به زندگانی دنیایی آنان خاتمه می دهد و به آخرتشان آسیبی نخواهد رسانید .

فاقض ما أنت قاض إنما تقضی هذه الحیوه الدنیا

چنانچه <هذه الحیاه> مفعولٌ به برای <تقضی> باشد، مراد از <قضا>، منقضی ساختن خواهد بود. اهل لغت می گویند: تمام معانی <قضا> به انقطاع یافتن و تمام شدن بازگشت دارد (لسان العرب). بنابراین مفاد آیه چنین می شود: ای فرعون! با حکم خود به هرچه می توانی فیصله بده و آن را تمام کن؛ زیرا تو فقط این زندگانی دنیا را خاتمه می دهی.

۱۷ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، دارای ایمان و اعتقاد محکم به آخرت بودند .

فاقض .. إنما تقضی هذه الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۹

۱ - ساحران مؤمن ، در برابر فرعون و تهدید های وی ، بر ایمان خود به پروردگارشان تأکید کردند .

لن نُؤثرک .. إنا ءامنَّا برَبِّنا

ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

ليغفر لنا .. ما أكرهتنا عليه من السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا .. إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ

جمله <إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ..> تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۸ - ۱،۲،۳

۱ - ساحران پس از مشاهده معجزه موسی ، بیزاری خود را از فرعون و ادعای ربوبیت او ، به صراحت و در حضور وی ، اعلام داشتند .

قالوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ . رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ

جمله <رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ> که عطف بیان برای <بَرِّ الْعَالَمِينَ> می باشد تعریضی است به فرعون و نیز کنایه از این نکته است که دیگر ربّ بودن تو، پذیرفتنی نیست.

۲ - تأکید ساحران بر ایمان خویش به پروردگار یگانه هستی ، به گونه ای صریح و بی ابهام

قالوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ . رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ

۳ - اعتراف و ایمان ساحران به رسالت موسی و هارون (ع)

قالوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

قید <رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ> اعتراف ضمنی بر ایمان آوردن ساحران به رسالت موسی و هارون(ع) است. آیه بعد (قال آمتمم له...) این مطلب را تأیید می کند.

۱۳ - ایمان همه ساحران به موسی (ع) و تهدید فرعون به شکنجه و کشتن تمامی آنان

قال ءامنتم له .. ولأصلبنيكم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۱،۲،۳

۱ - اعلام آمادگی ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون برای پذیرش هر شکنجه در راه ایمان خویش

لأقطعن أيديكم و أرجلكم من خلف .. قالوا لاضرير

۲ - خشم و تهدید شدید فرعون ، فاقد کمترین تأثیر در ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أيديكم و أرجلكم من خلف .. قالوا لاضرير

۳ - اعتقاد ساحران مؤمن به زیان نکردن انسان از تحمل دشواری ها در راه خدا

قالوا لاضرير إنا إلى ربنا منقلبون

جمله <إنا إلى ربنا..> تعلیل برای <لاضرير> و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۶

۶ - ساحرانِ گرویده به موسی (ع) ، از نخستین مؤمنان به وی

إنا نطمع أن يغفر .. إن كنا أول المؤمنين

بسیج جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۵،۶

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از

اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود

<حشرین>

مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

۶ بسیج نیرو های حکومتی به تمامی شهر های تحت نفوذ فرعون ، طرح کار گزاران دربار برای گردآوری و احضار ساحران زبردست

و أرسل فی المدائن حشرین

<ال> در <المدائن> عهد ذهنی است و اشاره به شهر های تحت نفوذ حکومت فرعون دارد. زیرا معهود بین فرعون و اشراف دربار همان شهر های کشور خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

يأتوك بكل سحر عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۱

۱ ساحرانی زبردست و کارآمد پس از فراخوانی آنان برای مبارزه با موسی ، به درگاه فرعون حاضر شدند .

و جاء السحرة فرعون

<ال> در <السحرة> عهد ذکری است و اشاره به <کل سحر عليم> دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۵

۵ - تدبیر مشاوران فرعون ، مبنی بر اعزام اشخاصی به تمام شهر ها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا .. و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلی به <ال> و مفید عموم است؛ یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۱

۱ - گردآوری تمامی ساحران کارآزموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح

مشاوران فرعون بود .

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحر علیم

بشارت به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۲

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران ، از مقرّبان درگاهش خواهند شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

بطلان جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقى السحره سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۳

۳ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، قطعی و غیر قابل تردید اعلام کرد .

قال موسی ما جئتم به السحر إن الله سیبطله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون . فألقى السحره سجدین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <ألقى> بر آیه پیش به دست می آید.

بینش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۶

۶ - ساحران فرعون ، شکست موسی (ع) را در صورت اقدام او به سحر ، حتمی

دیده و نیازی به وارد عمل شدن خود احساس نمی کردند . *

إِذَا أَنْ تَلْقَى وَ إِذَا أَنْ نَكُونُ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى

ساحران دو شق تخیر را، به گونه ای بیان کردند که گویا اگر موسی(ع) ابزار سحر خود را بیفکند، کار او تمام است و ناتوانی او بر همگان روشن خواهد شد و تنها در صورتی که آنها دست به کار شوند، نوبت <اول> و <دوم> معنا پیدا می کند از این رو وصف <أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى> را در باره موسی(ع) به کار نبردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۳

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - تحقیر دنیا و حاکمیت موقت فرعون در آن ، از سوی ساحران مؤمن

إِنَّمَا تَقْضَى هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

فعل <تقضى> خطاب به فرعون و <هذه الحياه> مفعول فيه آن است ، یعنی ، <إِنَّمَا تَقْضَى مَدَّةَ هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا> (دایره حکم رانی تو، همین زندگی دنیایی است و فراتر از آن در دسترس تو نیست).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۵

۵ - فرعون ، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود .

فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ .. وَ قَالُوا بَعْزُهُ فِرْعَوْنُ

پاداش به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران، از مقربان درگاهش خواهند شد.

قال نعم و إنکم لمن المقربین

پاداش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی)، پاسخ مثبت داد.

ان لنا لأجراً .. قال نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱،۳

۱ - پرسش ساحران، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا الفرعون أئنّ لنا لأجراً إن کنا نحن الغلبین

۳ - اهتمام ساحران به دریافت پاداش و نه پیروزی فکری و عقیدتی

أئنّ لنا لأجراً إن کنا نحن الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - پاسخ مثبت فرعون، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قالوا الفرعون أئنّ لنا لأجراً .. قال نعم

۳ - فرعون، برای جلب حمایت ساحران، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد.

قالوا الفرعون أئنّ لنا لأجراً .. و إنکم إذا لمن المقربین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند و ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

پرسش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون ائن لنا لأجرًا إن كنا نحن الغلبين

پشیمانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۹

۹ - ساحران فرعون ، پس از ایمان به موسی (ع) از اقدام به سحر به نفع فرعون ، اظهار پشیمانی کرده و خواستار بخشش الهی شدند .

ليغفر لنا .. ما أكرهتنا عليه من السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۱۰، ۲

۲ - ندامت ساحران از گذشته شرک آلود و غفلت بار خود در پیشگاه خدا

إننا نطمع أن يغفر لنا ربنا خطينا

۱۰ - اظهار ندامت ساحران ، از قرار دادن دانش خویش در خدمت فرعون ، برای مبارزه با موسی (ع)

إننا نطمع أن يغفر لنا ربنا خطينا

کلمه <خطایانا> می تواند اشاره به اقدامی باشد که ساحران در خدمت نظام فرعون، برای مبارزه با حق انجام داده اند.

پوچی جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۱

۱ عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران ، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد .

فوق الحق و بطل ما کانوا یعملون

در برداشت فوق ضمیر <کانوا> و <یعملون> به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <ما> در <ما کانوا ... > همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در

چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۲

۲ - اطمینان موسی به غلبه خویش و پوچی افسون ساحران

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

شتاب نداشتن موسی(ع) در ارائه معجزه خویش، حاکی از اطمینان او و تعبیر <ألقوا ما أنتم ملقون> نشانگر بی اعتنایی وی به همه دست مایه های ساحران است.

پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۵

۵ - امتیاز خواهی ساحران از فرعون ، با قرار دادن پیروزی خود در هاله ای از ابهام

أئن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

تردید ساحران در پیروزی خود، فرعون را در وحشت از شکست فرو می برد و اشتیاق به پیروزی را به هر قیمت در وجود او مشتعل می ساخت. ساحران از این زمینه برای دست یافتن به امتیازات بیشتر سود جستند. گفتنی است که آیه ۴۴ همین سوره که در آن ساحران پس از مطمئن شدن به دریافت مزد از فرعون پیروزی خود را بر موسی(ع) قطعی اعلام کردند (قالوا بعزّه فرعون إنا نحن الغالبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

وقالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

پیشنهاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱

۱ - ساحران فرعون ، در میدان

مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إِمَّا أَنْ تُلْقَى . . . أَلْقَى

تَبْرَى جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۸ - ۱

۱ - ساحران پس از مشاهده معجزه موسی ، بیزاری خود را از فرعون و ادعای ربوبیت او ، به صراحت و در حضور وی ، اعلام داشتند .

قالوا ءامنا ربَّ العلمین . ربَّ موسی و هرون

جمله <ربَّ موسی و هارون> که عطف بیان برای <ربَّ العالمین> می باشد تعریضی است به فرعون و نیز کنایه از این نکته است که دیگر ربِّ بودن تو، پذیرفتنی نیست.

تبلیغ جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ - ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما جاءنا من الیئینت و الذی فطرنا فاقض ما أنت قاض إنَّما تقضی هذه الحیوه الدنیا

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

تجدیدنظر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۲

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقى السحره سجدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف -

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

۲ ساحران ، ایمانشان را به خداوند به همگان اعلام کردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

کلمه <قالوا> بیانگر این است که ساحران ایمانشان را به خدا و ربوبیت مطلق او علنی ساختند و به همگان اعلام کردند.

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقى السحرة سجدین. قالوا ءامنا برب العلمین

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا .. > حال برای <السحرة> و یا بدل اشتمال برای <القی السحرة ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱،۴

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

۴ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) به پیامبری وی و برادرش هارون ایمان آوردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

می توان گفت از اهداف ساحران در نام بردن خصوص <موسی و هارون>، پذیرش ایشان به عنوان پیامبران الهی بوده است.

تصلیب جادوگران فرعون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳، ۱۵

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود.

فَلأَقْطَعَنَّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلبَنَّکم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

۱۵ - تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم خود بر اجرای آن، تصمیمی قاطع و مستبدانه بود.

لأَقْطَعَنَّ .. لأصلبَنَّکم ... لتعلمنَّ أننا أشدَّ عذابًا و أبقى

فرعون در واکنش های قبلی خود در برابر موسی (ع) با اطرافیان خویش به مشورت می نشست؛ ولی در مجازات ساحران، تصمیم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام کرد و با لام قسم و نون تأکید ثقیله و فعل هایی از باب تفعیل، قاطعیت خود را در این تصمیم ابراز کرد. گفتنی که فعل های <لأَقْطَعَنَّ> و <لأصلبَنَّ> که از باب تفعیل اند، با ثلاثی مجرد در معنا یکسان بوده و تفاوتی جز تأکید افزون تر ندارند.

تکبر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی ()

و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

تلاش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۳

۳ - تلاش ساحران برای انجام کاری شبیه به معجزه موسی

ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۷

۷ - سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فألقوا حبالهم و عصيهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای اژدها شوند) موسی (ع) استفاده کردند.

تملق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۸

۸ - اقدام ساحران به ستایش فرعون در لحظه شروع عملیات خود ، با هدف جلب حمایت او و نزدیک ساختن خویش بهوی

فألقوا .. و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

تنبه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هي تلقف ما يأفكون . فألقى السحره سجدين

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <ألقى> بر آیه پیش به دست می آید.

تواضع جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۳

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی

دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَرُونَ وَ مُوسَى

توطئه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۲

۲ ساحران در مدتی طولانی و به طور مستمر در تدارک سحر خویش علیه موسی (ع) بودند .

و بطل ما كانوا يعملون

فعل مضارع <يعملون> پس از <كانوا> حکایت از مداومت ساحران به مهیاسازی خویش برای جادوگری دارد.

تهدید جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۹

۹ فرعون بر پایه تحلیل دروغین خویش و توطئه گر خواندن ساحران ، آنان را به مجازاتی شدید تهدید کرد .

إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ... فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۳

۳ فرعون ، ساحران مؤمن به موسی (ع) را تهدید کرد که پس از بریدن دست و پایشان تمامی آنان را به چوبه دار خواهد بست .

ثُمَّ لَأَصْلِبْنَكُمْ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۲

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۸،۹،۱۳

۸ - تهدید ساحران

مؤمن از سوی فرعون به داشتن فرجامی تیره و وحشتناک

فلسوف تعلمون

۹ - ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به قطع دست و پا و کشیده شدن بر صلیب

لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَأُصْلَبُكُمْ أَجْمَعِينَ

۱۳ - ایمان همه ساحران به موسی (ع) و تهدید فرعون به شکنجه و کشتن تمامی آنان

قال ءامنتم له . . . ولأصلبنيكم أجمعين

تهمت به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۴،۷

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمكر مكرتموه في المدينة

کلمه <هَذَا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

۷ فرعون با توطئه گر خواندن موسی (ع) و ساحران ، براندازی حکومت فرعونیان و بیرون راندن ایشان را ، از پایتخت مصر از اهداف توطئه آنان شمرد .

إن هذا لمكر . . . لتخرجوا منها أهلها

مراد از <أهلها> هم می تواند فرعون، درباریان و وابستگان به او باشد و هم می تواند مراد از آن تمامی ساکنان مصر باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه

مردود دانستند .

و ما تنقم

منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۹

۹ - فراگرفتن سحر از موسی (ع) و هم دستی با او در توطئه علیه فرعون ، از اتهامات فرعون به ساحران مؤمن بود .

إنّه لكبير كم الذي علمكم السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۷

۷ - اتهام ساحران از سوی فرعون ، به شاگردی موسی (ع) و یادگرفتن سحر در مکتب او

إنّه لكبير كم الذي علمكم السحر

تهمت تبانی به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - فرعون ، شکست ساحران از موسی (ع) را ، امری تصنعی و براثر تبانی قبلی با موسی (ع) دانست و آنان را به سهل انگاری عمدی متهم ساخت .

إنّه لكبير كم الذي علمكم السحر

۱۱ - در دیدگاه فرعون ، ساحران پیش از حضور در میدان مبارزه ، به موسی (ع) ایمان داشتند و ایمان آنان در صحنه مبارزه ، ایمانی صوری و برنامه ریزی شده بود .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم إنه لكبير كم الذي علمكم السحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۴

۴ - اتهام ساحران از سوی فرعون ، به هم دستی با موسی (ع) برای توطئه علیه وی

إِنَّهٗ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

جادوگران فرعون و ترك جادو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٦ - اعراف -

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران رها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

جادوگران فرعون و تعالیم موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۲

۲ - آگاهی قبلی ساحران از پیام توحیدی موسی (ع) و تنها نیازمند مشاهده دلیلی روشن

قالوا ءامنّا ربّ العلمین

جادوگران فرعون و دعوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنّا ربّ هرون و موسی

جادوگران فرعون و دعوت هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - ساحران فرعون ، از دعوت موسی (ع) و هماهنگی هارون با او ، پیش از اقدام به مبارزه با آنان آگاه بودند .

ءامنّا ربّ هرون و موسی

جادوگران فرعون و رب العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۳

۳ پیشگیری از فریبکاری و خدعه گری فرعون ، از اهداف ساحران در تفسیر < رب العلمین > به < رب موسی و هرون >

رب موسی و هرون

جادوگران فرعون و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۱ اظهار پایداری بر طریق ایمان و به هیچ انگاشتن مجازات های فرعون ، عکس العمل ساحران مؤمن به موسی (ع) در برابر فرعون

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱،۱۰

۱ ساحران مؤمن با بیان انگیزه فرعون بر نابودی آنان ، اتهام های دروغین وی (توطئه گری و آواره سازی مردمان) را قاطعانه مردود دانستند .

و ما تنقم منا إلا أن ءامننا بآیت ربنا

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۵

۵ - فرعون ، دارای عزت و جلال در چشم و دل ساحران عصر خود .

فلما جاء السحره . . . و قالوا بعزه فرعون

جادوگران فرعون و مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۴،۵،۶

۴ جادوی ساحران فرعونی ، مایه هراس شدید مردم گشت .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس و استرهبوهم

<استرهاب> به معنای ترسانیدن است. جمله <استرهبوهم> هم می تواند عطف

بر جزای شرط، یعنی <سحروا ... > باشد و هم می تواند عطف بر <فلما ألقوا ... > باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی: سحروا أعین الناس و استرهبوهم بسحرهم.

۵ ساحران فرعونى پس از چشمبندی مردم به ترسانیدن آنان پرداختند .

فلما ألقوا .. و استرهبوهم

برداشت فوق بر این اساس است که <استرهبوا> عطف بر <فلما ألقوا .. > باشد. بر این مبنا <استرهبوهم> دلالت می کند که ساحران پس از چشمبندی با حرکات و سکنات خویش سعی می کردند مردم را کاملاً مرعوب سحر خویش سازند.

۶ ساحران فرعونى با افکندن ابزار سحر خویش و ایجاد هول و هراس در مردم ، سحرى بس بزرگ و شگفت آور را به نمایش گذاشتند .

سحروا أعین الناس و استرهبوهم و جاءو بسحر عظیم

جادوگران فرعون و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۳

۳ ساحران مؤمن به موسى (ع) ، معتقد به معاد و بازگشت به خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

إنا إلی ربنا منقلبون

جادوگران فرعون و معجزه موسى (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱،۲

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسى (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقى السحرة سجدین

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسى (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقى السحرة سجدین

- فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۱

۱ ساحران دربار فرعون پس از مشاهده معجزه موسی (ع) ، به ربوبیت خدای موسی (ع) و هارون بر تمام هستی ایمان آورده و بدان اعتراف کردند .

ءامنا برب العلمین. رب موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فَأَلْقَى السَّحْرَ سَجْدًا

۳ - ساحران ، با مشاهده معجزه موسی ، آن را قدرتی الهی دانسته و در برابر عظمت خداوند اظهار فروتنی کردند .

فَأَلْقَى السَّحْرَ سَجْدًا قَالُوا ءامنا برب هرون و موسی

جادوگران فرعون و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱ ساحران پس از اجتماع در صحنه رویارویی با موسی (ع) ، شروع کننده مبارزه را به انتخاب وی وانهادند .

قالوا یموسی إما أن تلقی و إما أن نکون نحن الملقین

بدیهی است هر یک از طرفین (موسی از یک سو و ساحران از سوی دیگر) برای عرضه کار خود در صحنه مبارزه حاضر شده بودند. بنابراین تخییرِ مستفاد از جمله <إِذَا أَنْ تَلْقَى ... >، ناظر به شروع کننده کار است،

نه به اصل انجام آن.

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إما أن تلقى و إما أن نكون نحن الملقين

به کارگیری <تلقى> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <اللقاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

۳ ساحران دربار فرعون ، یکدل و یکزبان و یار یکدیگر در مبارزه با موسی (ع)

قالوا يموسى إما أن تلقى و إما أن نكون نحن الملقين

بدیهی ست ساحران جمله های <إما أن تلقى> و <إما أن نكون نحن الملقين> را دسته جمعی و یا یک به یک نگفتند. بنابراین استناد این جمله ها به آنان حکایت از همیاری و یکدلی آنان در مبارزه با موسی(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۲

۲ ساحران در مدتی طولانی و به طور مستمر در تدارک سحر خویش علیه موسی (ع) بودند .

و بطل ما كانوا يعملون

فعل مضارع <يعملون> پس از <كانوا> حکایت از مداومت ساحران به مهیاسازی خویش برای جادوگری دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۵

۵ برخورد و ملاقات ساحران با موسی (ع) در پایتخت مصر ، پیش از حضورشان در صحنه مبارزه

إن هذا لمكر مكرتموه فى المدينة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۴،۳،۱

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به

آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إِمَّا أَنْ تَلْقَى .. أَلْقَى

۳ - ساحران فرعون ، نسبت به غلبه و پیروزی خود بر موسی (ع) در میدان مبارزه ، اطمینان داشتند .

إِمَّا أَنْ تَلْقَى و إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى

پیشنهاد به موسی(ع) برای تعیین آغازکننده، حکایت از اطمینان ساحران به کار خود و نتیجه آن و یا لااقل تظاهر به آن از سوی آنان دارد.

۴ - برخورد و گفت و گوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یموسی إِمَّا أَنْ تَلْقَى و إِمَّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکم در این زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

۵ - علاقه مندی ساحران فرعون ، به پیشدستی در ارائه سحر خویش ، قبل از اقدام موسی (ع) به ارائه آیات *

إِمَّا أَنْ تَلْقَى و إِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى

تفاوت تعبیر در بخش دوم پیشنهاد، نشانگر این نکته است که ساحران برای شروع کردن، انگیزه بیشتری داشتند و بدین وسیله آن را ابراز می کردند؛ زیرا به جای <أَنْ نَكُونَ ..> می توانستند بگویند <أَمَّا أَنْ نَلْقَى>

جادوگران فرعون و نبوت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءامنا برب العلمین

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی(ع)، بیانگر

این است که آنان پیش از حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۵ - ۲

۲ ساحران ، جادویی همانند معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

إِذَا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمَلْقِينَ

به کارگیری <تلقى> و <ملقین>، که هر دو از مصدر <اللقاء> به معنای افکندن است، می رساند که جادوی آنان مشابهت صوری با معجزه موسی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۳،۴،۶

۳ جادوی ساحران فرعونی از نوع چشمبندی و نشان دادن اشیا بر خلاف واقع آن بوده است .

فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ

۴ جادوی ساحران فرعونی ، مایه هراس شدید مردم گشت .

فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَ اسْتَرْهَبُوهُمْ

<استرهاب> به معنای ترسانیدن است. جمله <استرهبوهم> هم می تواند عطف بر جزای شرط، یعنی <سحروا ...> باشد و هم می تواند عطف بر <فلما ألقوا ...> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. یعنی: سحروا أعین الناس و استرهبوهم بسحرهم.

۶ ساحران فرعونی با افکندن ابزار سحر خویش و ایجاد هول و هراس در مردم ، سحری بس بزرگ و شگفت آور را به نمایش گذاشتند .

سحروا أعین الناس و استرهبوهم و جاءو بسحر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند پس از جادوگری ساحران به موسی فرمان داد تا

عصای خویش را در صحنه مبارزه رها سازد .

و أوحينا إلى موسى أن ألق عصاك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱

۱ پس از درخواست موسی (ع) ، ساحران با به میدان ریختن آنچه داشتند (چوب ها و طناب ها) به کار سحر پرداختند .

قال لهم موسى ألقوا .. فلما ألقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۸

۸ - ساحران فرعون ، جادویی هم نوع با معجزه موسی (ع) تدارک دیده بودند .

أن تلقى .. من ألقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۴،۶

۴ - ساحران فرعون ، به مجرد اجازه موسی (ع) ، ابزار سحر خود را به کار انداختند و سحر خویش را آغاز کردند .

قال بل ألقوا فإذا

سرعت عمل ساحران است. از این رو مفاد آیه چنین است: <موسی گفت شما سحرتان را بیندازید و آنان سحر خویش را ارائه کردند که ناگهان ریسمان ها و...> .

۶ - ساحران فرعون ، با سحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فإذا جبالهم و عصيهم يخيل إليه من سحرهم أنها تسعى

<أنها تسعى> نائب فاعل <يخيل> است و فعل <يخيل إليه> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند؛ نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند که بر اثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت

درآمده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱،۲،۷

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فَأَلْقُوا حَبَالَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عَصِيَّتَهُمْ> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

۲ - اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا .. فَأَلْقُوا حَبَالَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ

۷ - سعی ساحران بر ارائه کاری قوی تر و چشمگیرتر از معجزه موسی و در عین حال هم سنخ با آن

فَأَلْقُوا حَبَالَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران از ریسمان ها و عصاهای متعدد برای مبارزه با معجزه (عصای اژدها شوند) موسی (ع) استفاده کردند.

جذابیت جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۳

۳ - سحر ارائه شده از سوی ساحران فرعون ، سحری چشمگیر و جذاب و اغواکننده بود .

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةَ مُوسَى

<خيفه> به معنای نوعی از خوف و نگرانی است. بروز این نگرانی برای موسی (ع)، پس از سحر ساحران فرعون، از چشمگیر و هنرمندانه بودن کار آنان حکایت دارد، به گونه ای که موسی (ع) خطر فریب خوردن مردم را به وضوح می دید.

جلب رضایت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اقدام فرعون به جلب رضایت و حمایت هر چه بیشتر ساحران

أئنّ لنا لأجرًا .. قال نعم وإنّكم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که فرعون علاوه بر پاداش مورد نظر ساحران، به آنان وعده مقام های فزون تر را نیز داد.

جنگ روانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فَأَلْقُوا .. و قالوا بعزّه فرعون إِنَّا لَنَحْنُ الْغَلْبُونَ

چوب جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فَأَلْقُوا حَبَالَهُمْ وَ عَصِيَّتَهُمْ

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عَصِي> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

حق پذیری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فَأُلْقَى السِّحْرَ سَجْدِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی (ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

حمایت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۶

۶- فرعون از پیروزی خود در برابر معجزه موسی (ع) مأیوس شده و تنها به حمایت ساحران چشم دوخته بود.

قال نعم و إنکم إذا لمن المقربین

تلاش فرعون برای جلب حمایت ساحران از خود، به هر قیمت ممکن و بیش از انتظار آنها، گویای برداشت یاد

شده است.

خالق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۷

۷ - ساحران مؤمن ، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق آنان

علی ما جاءنا من البیت والذی فطرنا

خداشناسی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ - ساحران در پاسخ فرعون ، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را ، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند .

إنما تقضى هذه الحیوه الدنيا .. واللّه خیر و أبقى

خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً .. قال نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات ، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

خیال انگیزی جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۷

۷ - سحر ساحران فرعون ، دارای تأثیر بر قوای ادراکی مردم و ایجاد خیال و تصور در آنان

يَخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُمْ تُسْعَى

<يَخِيلُ إِلَيْهِ> یعنی، به وهم و خیال موسی(ع) چنین وانمود شد که ریسمان ها و

عصاها حرکت می کنند. ضمیر <إليه> گرچه به موسی(ع) بازمی گردد؛ ولی روشن است که همه مردم حاضر در آن صحنه نیز چنین احساسی داشتند.

دعای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۸،۹

۸ ساحران مؤمن به موسی (ع) پس از اعلان پایداری بر طریق ایمان، به دعا به درگاه خدا پرداختند.

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمین

دعوت از جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۵

۵ - تدبیر مشاوران فرعون، مبنی بر اعزام اشخاصی به تمام شهرها و گردآوری نیروی لازم جهت مبارزه با موسی (ع) و برادرش

قالوا... و ابعث فی المدائن حشرین

<المدائن> جمع محلی به <ال> و مفید عموم است؛ یعنی، همه شهرها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهرها، مورد پذیرش فرعون

قالوا... و ابعث فی المدائن... فجمع السحره

دلایل بطلان جادو جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۷

۷ - بلعیده شدن سحر ساحران به وسیله عصای موسی ، نشانه بطلان سحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف

ما صنعوا إنّما صنعوا كيد سحر

جمله <إنّما صنعوا..> تعلیل برای <تلقف> است؛ یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

دنیاطلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۳،۴

۳ - اهتمام ساحران به دریافت پاداش و نه پیروزی فکری و عقیدتی

أَنْنَ لَنَا لِأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَلْبِينَ

۴ - ساحران عصر فرعون، قشری سودجو و دنیاگرا

أَنْنَ لَنَا لِأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَلْبِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران یا موسی(ع) را حق می دانستند و یا باطل؛ در هر دو صورت درخواست مزد و پاداش در برابر احیای حق و یا نابودی آن، بیانگر سودجویی و دنیامداری است.

ذلت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹ - ۲

۲ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شکست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند .

فَغَلَبُوا هِنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

روش برخورد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۴

۴- برخورد و گفت و گوی ساحران فرعون با موسی (ع) در میدان مبارزه ، همراه با نزاکت و اظهار ادب نسبت به آن حضرت بود .

یَمُوسَى إِمَّا أَنْ تَلْقَىٰ وَ إِمَّا

احاله انتخاب آغازگر به موسی(ع) و پرهیز از تحکم در این

زمینه، خالی از ابراز ادب و نزاکت از سوی ساحران نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا .. و قالوا بعزّه فرعون إنا لنحن الغلبون

ریسمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۵،۶،۹

۵ - ریسمان و عصا، از وسایل کار ساحران فرعون

فإذا جبالهم و عصيهم

جبل (مفرد <جبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصی>) به معنای چوب دستی است.

۶ - ساحران فرعون، با سحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان‌ها و عصاهای آنان به هر طرف شتافته و حرکت می‌کند.

فإذا جبالهم و عصيهم یخیل إلیه من سحرهم أنّها تسعی

<انّها تسعی> نائب فاعل <یخیل> است و فعل <یخیل إلیه> دلالت دارد که ریسمان‌ها و چوب دستی‌ها در واقع بی حرکت بودند؛ نه آن که با ماده‌ای آغشته شده باشند که بر اثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

۹ - ساحران فرعون، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع)، ریسمان‌ها و عصاهای فراوانی را تدارک دیده بودند.

فإذا جبالهم و عصيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۱،۲

۱ - استفاده ساحران از ریسمان و چوب برای انجام سحر خود

فألَقُوا حِبَالَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ

<حبال> (جمع <حبل>) به معنای ریسمان ها و <عَصِيَّتَهُمْ> (جمع <عصا>) به معنای چوبدستی ها است.

۲ - اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع)

، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا .. فألقوا حبالهم و عصيهم

زمینه ارتداد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱

۱ - بازگشت ساحران مؤمن به کفر (ارتداد) و پیروی از آیین فرعونیان ، از هدف های تهدید فرعون در مورد آنان

لأقطعنّ .. قالوا لن نؤثرک

پاسخ ساحران مؤمن به فرعون (لن نؤثرک)، حکایت از آن دارد که تهدیدات فرعون، برای بازگرداندن ساحران از راه ایمان بوده است.

زهد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ - ساحران در پاسخ فرعون ، خداوند را برتر از او و وصول به خدا را ، ارجمندتر از آسایش دنیوی و پاینده تر از زندگانی در دنیا معرفی کردند .

إنما تقضى هذه الحيوه الدنيا .. والله خير و أبقى

زیرکی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۲ - ۲

۲ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مردمی هوشیار و به ترفند ها و سیاست بازی های فرعون و اشرافیان دربار وی آگاه بودند .

رب موسی و هرون

به نظر می رسد از اهداف ساحران در تفسیر <رب العلمین> به <رب موسی و هرون> این باشد که مبدا فرعونیان پس از

خاتمه ماجرا چنین وانمود کنند که ساحران به فرعون سجده کردند و او را <رب العلمین> خواندند. و این معنا حکایت از هوشیاری ساحران و آگاهی آنان به ترفندهای فرعون

دارد.

سبقت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۱

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

سجده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) و بطلان سحر خویش ، به خاک افتادند و به درگاه خداوند سجده کردند .

و ألقى السحرة سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ ساحران به هنگام سجده به درگاه خداوند ، ایمانشان را به ربوبیت وی اعلام داشتند .

و ألقى السحرة سجدین. قالوا ءامنا برب العلمین

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <قالوا ءامنا .. > حال برای <السحرة> و یا بدل اشتمال برای <القی السحرة ... > باشد. بر این دو مبنا آیه مورد بحث دلالت می کند که ساحران به هنگام سجده به درگاه خدا برای اینکه توهم نشود به فرعون سجده می کنند، ایمان خویش را به خداوند اظهار کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۲

۲ - ساحران با مشاهده معجزه موسی و بلعیده شدن سحرشان با اعجاز او ، در برابر خداوند به سجده افتادند .

فَأَلْقَى السَّحْرَ سَجْدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۲

۲ - به سجده در افتادن بی درنگ ساحران

، با مشاهده معجزه پیروز موسی

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدِينَ

به کارگیری <فاء> تعقیب و فعل مجهول <ألقى> بیانگر آن است که ساحران با مشاهده آن منظره عجیب، اختیار از کف دادند و بلافاصله به سجده درافتادند.

سرزنش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۱

۱ فرعون در پی گرایش ساحران به رسالت موسی (ع) و ایمانشان به ربوبیت خداوند، بشدت بر آشفت و آنان را به سبب ایمانشان توبیخ کرد.

قال فرعون ءامنتم به قبل أن ءاذن لكم

ضمیر در <به> هم می تواند به موسی (ع) برگردانده شود و هم می تواند به <رب> برگردانده شود. در هر صورت برداشت فوق از آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱

۱ - ساحران به خاطر ایمان به موسی (ع)، مورد توبیخ و بازخواست فرعون قرار گرفتند.

قالوا ءامنا .. قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

<آمنتم> چه جمله خبری باشد و چه استفهامی (به تقدیر همزه)، مراد از آن توبیخ است و ضمیر <له> به قرینه حرف لام که برای ربط <أمن> به غیر خداوند به کار می رود و به تناسب ضمیر <إنَّه> در <إنَّه لکبیر کم> به موسی (ع) برمی گردد.

سودجویی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۸

۸ سودجویی ، از انگیزه های ساحران برای مبارزه با موسی (ع)

قالوا إن لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

سوگند جادوگران فرعون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۶

۶ - سوگند ساحران به عزت و قدرت فرعون

و قالوا بعزه فرعون

سهولت ابطال جادوی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۶

۶ - خداوند با بیان هم سنخ بودن سحرِ ارائه شده از سوی همه ساحران فرعون ، ابطال آن را برای موسی (ع) ، امری سهل و آسان جلوه داد .

کید سحر

<ساحر> نکره است و بر وحدت دلالت دارد؛ یعنی، یک ساحر. مراد از آن، واحد حقیقی نیست؛ بلکه مراد این است که کید همه ساحران به جهت تشابه و هم سنخی، به منزله مکر یک ساحر است و کثرت ساحران برپیچیده بودن آن نیافزوده است.

شجاعت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۵

۵ ساحران گرویده به موسی (ع) مؤمنانی در کمال شجاعت و شهامت

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا

شعبده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۳،۵

۳ جادوی ساحران فرعونی از نوع چشمبندی و نشان دادن اشیا بر خلاف واقع آن بوده است .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

۵ ساحران فرعونی پس از چشمبندی مردم به ترسانیدن آنان پرداختند .

فلما ألقوا .. و استرهبوهم

برداشت فوق بر این اساس است که <استرهبوا> عطف بر <فلما ألقوا .. > باشد. بر این مبنا <استرهبوهم> دلالت می کند که ساحران پس

از چشمبندی با حرکات و سکانات خویش سعی می کردند مردم را کاملاً مرعوب سحر خویش سازند.

شکست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۷ - ۳،۴،۵

۳ عصای موسی (ع) پس از افکنده شدن، تمام بافته های جادویی ساحران را بلعید و به کام خویش فروبرد.

فإذا هی تلقف ما یأفکون

<لَقَفَ> (مصدر تلقف) به معنای گرفتن چیزی با سرعت است و در آیه شریفه به مناسبت مورد به <بلعیدن> تفسیر شده است. جمله <فإذا هی ...> می تواند خبر از رخدادی باشد که در صحنه مبارزه اتفاق افتاده است. در این صورت تقدیر جمله چنین خواهد بود: أوحینا إلی موسی أن ألق عصاک فآلقیها فإذا هی تلقف.

۴ خداوند به موسی (ع) بشارت داد که عصای وی پس از رها شدن، تمام ساخته های دروغین ساحران را خواهد بلعید.

أن ألق عصاک فإذا هی تلقف ما یأفکون

در برداشت فوق جمله <فإذا هی ...>، همانند <أن ألق عصاک>، تفسیر <أوحینا> گرفته شده است. بر این مبنا تقدیر جمله بدین صورت خواهد شد: ألق عصاک فإذا القیتها إذا هی تلقف ما یأفکون.

۵ عصای موسی (ع) با بلعیدن ابزار جادویی ساحران، صحنه ای شگفت و به دور از انتظار همگان به وجود آورد.

فإذا هی تلقف ما یأفکون

<إذا> برای مفاجات است و دلالت می کند که جمله پس از آن در یک حالت غیر منتظره واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۹

۱ فرعونیان با ناکامی ساحران خویش در حضور انبوه تماشاچیان مغلوب گشتند و با ذلت ، صحنه مبارزه را ترک کردند .

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

در برداشت فوق ضمیر در <فغلبوا> و <انقلبوا> به فرعونیان بازگردانده شده است.

۲ ساحران دربار فرعون پس از بطلان سحرشان شکست خوردند و در صحنه مبارزه به ذلت افتادند .

فغلبوا هنالك و انقلبوا صغرين

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <فغلبوا> و <انقلبوا> ساحران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۳ - ۴

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمكر مكرتموه فی المدینه

کلمه <هَذَا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۲

۲ در پس تحقق معجزه موسی (ع) و شکست ساحران ، تنها گروه اندکی از بنی اسرائیل به وی گرویده و ایمان آوردند .

فما آمن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق بر اساس ارجاع ضمیر <من قومه> به <موسی> است ؛ ضمناً تنکیر <ذریه> دلالت بر تقلیل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۰

۱۰- فرعون ، شکست ساحران از موسی (ع) را ، امری تصنعی و براثر تبانی قبلی با موسی (ع) دانست

و آنان را به سهل انگاری عمدی متهم ساخت .

إِنَّهٗ لَكَبِيرٌ كَمِ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ

شکنجه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۸، ۱۵

۱۵ - تصمیم فرعون بر شکنجه و به صلیب کشیدن ساحران مؤمن و نظارت مستقیم خود بر اجرای آن ، تصمیمی قاطع و مستبدانه بود .

لَأَقْطَعَنَّ ... لِأَصْلِبَنَّكُمْ ... لِتَعْلَمَنَّ أَنِنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى

فرعون در واکنش های قبلی خود در برابر موسی (ع) با اطرافیان خویش به مشورت می نشست؛ ولی در مجازات ساحران، تصمیم مستبدانه و شخصی خود را با سوگند بر اجرای آن اعلام کرد و با لام قسم و نون تأکید ثقیله و فعل هایی از باب تفعیل، قاطعیت خود را در این تصمیم ابراز کرد. گفتنی که فعل های <لَأَقْطَعَنَّ> و <لَأَصْلِبَنَّ> که از باب تفعیل اند، با ثلاثی مجرد در معنا یکسان بوده و تفاوتی جز تأکید افزون تر ندارند.

۱۸ - فرعون ، دوران مجازات ساحران مؤمن (قطع دست و پا و بستن به چوبه دار) را در مقایسه با مدت عذاب های موعود موسی (ع) ، طولانی تر و پایدارتر اعلام کرد .

و لِتَعْلَمَنَّ أَنِنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى

<عذاباً> تمیز برای <أشدّ> و قرینه بر تمیز محذوف <أبقى> است؛ یعنی، <و أبقى عذاباً>.

عجز جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۴

۴ - جاذبه نیرومند معجزه موسی ، توان هرگونه درنگ و مقاومت را از ساحران فرعون سلب کرد .

فَأَلْقَى السَّحْرَ

فعل <ألقى> مجهول است و دلالت دارد که ساحران وادار

به سجده شدند، به گونه ای که گویا عاملی آنها را بر سجده مجبور ساخته است.

عصای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۵،۶،۹

۵ - ریسمان و عصا ، از وسایل کار ساحران فرعون

فَإِذَا حَبَالَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ

حبل (مفرد <حبال>) به معنای ریسمان و <عصا> (مفرد <عصی>) به معنای چوب دستی است.

۶ - ساحران فرعون ، با سحر خود چنین وانمود کردند که ریسمان ها و عصا های آنان به هر طرف شتافته و حرکت می کند .

فَإِذَا حَبَالَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ يَخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهُمْ تَسْعَى

<أنَّهُمْ تَسْعَى> نائب فاعل <يَخِيلُ> است و فعل <يَخِيلُ إِلَيْهِ> دلالت دارد که ریسمان ها و چوب دستی ها در واقع بی حرکت بودند؛ نه آن که با ماده ای آغشته شده باشند که بر اثر تابش آفتاب، واقعاً به حرکت درآمده باشند.

۹ - ساحران فرعون ، پیش از حضور در صحنه مقابله با موسی (ع) ، ریسمان ها و عصا های فراوانی را تدارک دیده بودند .

فَإِذَا حَبَالَهُمْ وَعَصِيَّتَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۲

۲ - اقدام ساحران ، پس از پیشنهاد موسی (ع) ، به افکندن ریسمان ها و عصا های خود برای نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا .. فألقوا حبالهم و عصيتهم

عقیده جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۲

۲ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) به عظمت خداوند پی بردند و او را

شایسته و بایسته پرستش یافتند .

و ألقى السحرة سجدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ ساحران با مشاهده معجزه موسی (ع) ربوبیت خداوند را بر تما هستی باور کردند و به آن ایمان آوردند .

قالوا ءامنا برب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۲،۳،۴

۲ ساحران در پاسخ فرعون و تهدید های وی اظهار کردند که با کشته شدن به سوی خدای خویش باز خواهند گشت .

قالوا إنا إلی ربنا منقلبون

<إلی ربنا> متعلق به <منقلبون> است و کلمه <انقلاب>، در صورتی که به <إلی> متعدی شود، به معنای بازگشتن است.

۳ ساحران مؤمن به موسی (ع) ، معتقد به معاد و بازگشت به خدا پس از سپری کردن حیات دنیا

إنا إلی ربنا منقلبون

۴ ساحران مؤمن به موسی ، معتقد به دستیابی کشته شدگان راه خدا به موهبتهایی برتر از نعمت ها و آسایش های دنیوی

إنا إلی ربنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۰

۱۰ ساحران مؤمن در عین اظهار استقامت در برابر فرعون ، خود را برای مقاومت در برابر شکنجه های فرعون و پایداری بر طریق ایمان ، نیازمند امداد های الهی دانستند .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۳،۴

۳ - اعتقاد ساحران مؤمن به زیان نکردن انسان از تحمل دشواری ها در راه خدا

قالوا لا ضير إننا إلى ربنا منقلبون

جمله

<إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا..> تعلیل برای <لاضیر> و بیانگر مطلب یاد شده است.

۴- توجه و اعتقاد ساحران گرویده به موسی (ع) ، نسبت به معاد هم پای عقیده به پروردگار یگانه هستی

قالوا ءامنا ربَّ العلمین .. إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا منقلبون

علائق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۵

۵- علاقه مندی ساحران فرعون ، به پیشدستی در ارائه سحر خویش ، قبل از اقدام موسی (ع) به ارائه آیات *

إِذَا أَن تَلْقَىٰ وِإِذَا أَن نَكُونُ أَوْلَ من أَلْقَىٰ

تفاوت تعبیر در بخش دوم پیشنهاد، نشانگر این نکته است که ساحران برای شروع کردن، انگیزه بیشتری داشتند و بدین وسیله آن را ابراز می کردند؛ زیرا به جای <أَن نَكُونُ ..> می توانستند بگویند <أَمَا أَن نَلْقَىٰ>

علم جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۲

۲- آگاهی قبلی ساحران از پیام توحیدی موسی (ع) و تنها نیازمند مشاهده دلیلی روشن

قالوا ءامنا ربَّ العلمین

عوامل استقامت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳- هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إِنَّا ءامنا برَبِّنَا .. إِنَّهُ من يَأْت رَبَّهُ مجرمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ

جمله <إنَّه من یأت.. > تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

عوامل ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ -

۱ - اعتراف ساحران به پروردگار جهانیان و ایمان به توحید ربوبی ، پس از مشاهده معجزه موسی و بطلان سحر خویش

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ .. قَالُوا يَا رَبِّ الْعَلَمِينَ

عوامل شجاعت جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۵ - ۹، ۶

۶ باور به معاد و بازگشت به خدا پس از مرگ ، عامل نه‌راسیدن ساحران مؤمن از مجازات ها و شکنجه های فرعون

إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

۹ نجات از شرک و پذیرش ربوبیت خداوند ، عامل بی پروایی ساحران مؤمن در برابر مجازات ها و شکنجه های فرعون

إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

در برداشت فوق جمله <إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ> توصیف تحولات عقیدتی ساحران و انقلاب درونی آنان گرفته شده است. در این صورت مراد از آن جمله، بازگشت به خدا با رها شدن از باورهای باطل و پذیرش ربوبیت وی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۰ - ۶

۶ - عقیده به معاد و بازگشت انسان به سوی خدا پس از مرگ ، عامل نه‌راسیدن ساحران مؤمن از مجازات مرگ

قَالَ .. لِأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ ... قَالُوا لَأَضِيرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

غضب بر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱

۱ - خشم و برآشفتن فرعون از ایمان سریع ساحران به موسی (ع) ، بدون رخصت و اجازه وی

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

فرجام جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - تهدید ساحران مؤمن از سوی فرعون به داشتن فرجامی تیره و وحشتناک

فلسوف تعلمون

فضایل جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۶

۶ - ساحرانِ گرویده به موسی (ع) ، از نخستین مؤمنان به وی

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ... إِنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

فلسفه تهدید جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱

۱ - بازگشت ساحران مؤمن به کفر (ارتداد) و پیروی از آیین فرعونیان ، از هدف های تهدید فرعون در مورد آنان

لَأَقْطَعَنَّ... قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ

پاسخ ساحران مؤمن به فرعون (لَنْ نُؤْتِرَكَ)، حکایت از آن دارد که تهدیدات فرعون، برای بازگرداندن ساحران از راه ایمان بوده است.

قبول خواسته های جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۱

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتیازطلبی ساحران برای غلبه بر موسی (ع)

قَالُوا لَفَرَعُونَ أَتُنُّ لَنَا لَأَجْرًا... قَالَ نَعَمْ

قطع پای جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود.

فَلأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَأَصْلَبَنَّاكُمْ

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون

در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

قطع دست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود.

فَلأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَأَصْلَبْنَكُمْ

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

کیفر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱،۲

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد.

لأَقْطَعَنَّ .. ثم لأَصْلَبْنَكُمْ

حرف <لام> در <لاقطعن> در <لاصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إن هذا لمكر مكرتموه في المدينة لتخرجوا .. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بآيت ربنا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است و <أن ءامنا> مفعولٌ له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشيء إلا-لايماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما واداشته ایمان ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهامهات واقعیت ندارد.

۱۱ کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن ، شکنجه هایی طاقتفرسا و تحمل آن نیازمند صبری وافر بود .

ربنا أفرغ علينا صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلا تقطعن أيديكم و أرجلكم من خلف و لأصلبكم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

گناه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۲

ساحران مؤمن ، به گناه و خطای خویش معترف و به آمرزش خداوند امیدوار بودند .

إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا

<خطایا> (جمع <خطیئه>) به معنای گناهانی است که از روی عمد انجام شود (لسان العرب).

مبارزه با جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۳

۳ معجزه موسی (ع) در صحنه مبارزه با ساحران ، عامل تثبیت حقانیت وی و از میان رفتن تمام دستاورد های دیرینه فرعون و اشراف دربارش شد .

فوق الحق و بطل ما كانوا يعملون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر <كانوا> و <يعملون> فرعون و فرعونیان باشد. بر این مبنا مقصود از <ما> در <ما كانوا> تلاشهای فرعونیان برای تثبیت ربوبیت فرعون و مانند آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۴

۴ - هارون ، همگام موسی (ع) در مبارزه با فرعون و حاضر در صحنه مقابله موسی و ساحران

إِن هَذَا لَسِحْرٌ

مبارزه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ ساحران به رسالت ها و پیام های موسی (ع) قبل از اقدام به مبارزه با وی آگاه بودند .

قالوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

تأکید ساحران به ربوبیت خداوند و پذیرش سریع آن پس از آگاهی به حقانیت موسی (ع)، بیانگر این است که آنان پیش از

حضور در صحنه مبارزه به پیامهای وی، که بارزترین آن اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند است، آگاه شده بودند.

مدحهای جادوگران فرعون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۸

۸ - اقدام ساحران به ستایش فرعون در لحظه شروع عملیات خود ، با هدف جلب حمایت او و نزدیک ساختن خویش بهوی

فألقوا .. و قالوا بعزه فرعون إنا لنحن الغلبون

مناظره با جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۴

۴ - ترساندن فرعونیان از عذاب به خاطر افترای بر خداوند سرلوحه سخنان موسی (ع) در صحنه مقابله با ساحران فرعون

قال لهم موسى ويلكم لا تفتروا على الله كذباً فيسحتكم بعذاب

<ویل< یعنی، <اندوه> و <هلاکت> و <هر سختی که از ناحیه عذاب پدید آید> (لسان العرب). <ویلکم> نفرین است؛ یعنی، عذاب باد بر شما. برخی آن را مفعول برای فعل محذوف دانسته اند؛ یعنی، أَلْزَمُوا وَيَلْكُمْ (با هلاکت و عذابتان همدم باشید). جمله <فیسحتکم بعذاب> روشنگر مفاد <ویلکم> است.

منشأ امیدواری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۳

۳ قرار گرفتن در صف نخستین مؤمنان ، سرمایه امید ساحران به آمرزش الهی

إنا نطمع أن يغفر .. أن كنا أول المؤمنين

عبارت <أن كنا..> تعلیل برای امید داشتن به غفران الهی است؛ یعنی، چون ما در صف نخستین ایمان آوردگان به موسی قرار گرفتیم این ما را امیدوار به غفران می نماید.

منفعت طلبی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - شعراء - ٢٦ - ٤١ - ٤

٤ - ساحران عصر فرعون ، قشري سودجو و دنياگرا

أئن

لنا لأجراً إن كنا نحن الغلبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران یا موسی(ع) را حق می دانستند و یا باطل^۲ در هر دو صورت درخواست مزد و پاداش در برابر احیای حق و یا نابودی آن، بیانگر سودجویی و دنیامداری است.

مواعظ جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ - ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما جاءنا من البینت و الذی فطرنا فاقض ما أنت قاض إتما تقضی هذه الحیوه الدنیا

اشاره ساحران به بینات موسی(ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

موسی(ع) و جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ موسی (ع) با بی اعتنایی به جادوگری ساحران شروع مبارزه را به آنان وا گذاشت .

قال ألقوا

۲ ساحران پس از رخصت دهی موسی (ع) آنچه را برای جادوگری تدارک دیده بودند ، در مقابل تماشاگران رها کردند و چشم های آنان را سحر کردند .

فلما ألقوا سحروا أعین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۰ - ۲

۲ حضرت موسی (ع) ، پس از رویارویی با انبوه ساحران ، از آنان خواست تا با به کار گرفتن تمام توان خود آنچه را که به

آورده اند ، به زمین بیندازند .

فلما جاء السحره قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۶، ۲، ۱

۱ پس از درخواست موسی (ع) ، ساحران با به میدان ریختن آنچه داشتند (چوب ها و طناب ها) به کار سحر پرداختند .

قال لهم موسى ألقوا .. فلما ألقوا

۲ موسی (ع) ، پس از مشاهده عمل ساحران ، برای رفع اتهام ساحری از خود ، سحر بودن آن عمل را به آنان گوشزد نمود .

فلما ألقوا قال موسى ما جئتم به السحر

۶ موسی (ع) ، با خطاب به ساحران ، آنان را گروهی مفسد و مقابله آنان با خود را عملی فسادانگیز خواند .

قال موسى ما جئتم به السحر .. إن الله لا يصلح عمل المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۶ - ۱

۱ - موسی (ع) ، شروع مبارزه را به ساحران فرعون واگذار نمود و بر آغاز کار از سوی آنان تأکید کرد .

إِذَا أَنْ تَلْقَى .. قَالَ بَلْ أَلْقُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۱

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

موسی (ع) و شکست جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧- يونس - ١٠ - ٨١ - ٣،٤،٥

٣ موسى (ع)

، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، قطعی و غیر قابل تردید اعلام کرد .

قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيطله

۴ موسی (ع) ، شکست ساحران و ابطال سحر آنان را ، به خدا مرتبط نموده و خود را صرفاً واسطه فعل او اعلام کرد .

قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيطله إن الله لا يصلح عمل المفسدين . و يحق ال

۵ موسی (ع) ، از پیش بر پیروزی خود و شکست ساحران و ابطال سحرشان ، اطمینان داشت .

قال موسى ما جئتم به السحر إن الله سيطله

موقعیت اجتماعی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۵

۵ - ساحران ، دارای موقعیت و احترام در میان جامعه فرعونی *

و قالوا یاایه الساحر

برداشت یاد شده بدین احتمال است که خطاب <یاایه الساحر>، استهزایی نباشد؛ بلکه برای احترام ادا شده باشد. و مؤید آن، ذیل آیه شریفه است که فرعونیان از موسی(ع) تقاضای رفع عذاب کردند.

نقش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۲

۲ - ناتوانی فرعونیان در مبارزه با موسی (ع) و منحصر شدن تمام قدرت و تدبیر نظام فرعونی در وجود ساحران

لعلنا تتبع السحره إن كانوا هم الغلبين

با این که در نظام فرعونی تلاش بر حذف همه نیروها و منحصر دانستن فرعون در جایگاه رهبری بوده است؛ اما ناتوانی او از مقابله با موسی(ع) و نیاز وی به کارآیی ساحران، سبب گشت تا به جای فرعون، ساحران پیشوای مردم

قلمداد شوند.

وعده به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - تأکید فرعون بر قرار گرفتن ساحران در زمره مقربان وی ، با پیروزی بر موسی (ع)

و إِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

۳ - فرعون ، برای جلب حمایت ساحران ، بیش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئن لنا لأجراً .. و إِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ساحران تنها درخواست مزد داشته اند ولی فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرب به درگاه خود را نیز به آنان داد.

وقت مبارزه جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۳،۴

۳ - گردآوری ساحران ، برای همآوردی با موسی (ع) در وقت و روزی معین (پیش از ظهر روز عید) بود .

فجمع السحرة لميقت يوم معلوم

<میقات> به زمان معین گفته می شود و مراد از آن در این جا به قرینه آیه ۵۹ سوره طه پیش از ظهر (ضحی) می باشد. مقصود از <یوم معلوم> به دلیل آیه یاد شده روز جشن (یوم الزینه) است و روز جشن همان روز عید می باشد.

۴ - اهمیت زمان و روز خاص در بازتاب همآوردی موسی (ع) با ساحران در نگاه فرعونیان

فجمع السحرة لميقت يوم معلوم

تصریح به زمان معین، نشانگر اهمیت و نقش آن است .

ویژگیهای ایمان جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه -

۸ - ساحران ، ایمان خود به خداوند را به گونه ای اعلام کردند که فرعون نتواند آن را تحریف و از آن سوء استفاده کند .

قالوا ۱۱ء امنا برب هرون و موسی

از آن جایی که موسی (ع) مدتی در خانه فرعون پرورش یافته بود، اگر ساحران <رب موسی> می گفتند، این احتمال وجود داشت که فرعون سجده آنان و گفته هایشان را به نفع خود توجیه کند و خود را <رب موسی> بداند. آنان با آوردن اسم هارون در کنار اسم موسی (ع) (رب هارون و موسی) راه سوء استفاده از کلام خود را به روی فرعون بستند.

هدایتگری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ - ساحران مؤمن با وجود تهدیدات فرعون ، در صدد نصیحت و ارشاد و هدایت وی بودند .

ما جاءنا من البینت و الذی فطرنا فاقض ما أنت قاض إنما تقضی هذه الحیوه الدنیا

اشاره ساحران به بینات موسی (ع) و خالقیت خداوند و محدودیت قدرت فرعون، پس از موضع گیری خصمانه او، می تواند به منظور رام ساختن و پند و اندرز دادن به او باشد.

جاسوسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جاسوسی

آثار جاسوسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۳

۴۳ پیشتازی در کفر ، دروغپردازی ، جاسوسی و تحریفگری ، مایه خواری در دنیا و عذاب بزرگ در آخرت

الذین یسرعون فی الکفر .. لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جاسوسی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر، مردمی دروغ پرداز، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مناست که <للکذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۳۶ خداوند هرگز جان و دل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

۴۵ پیشتازی در کفر، تحریفگری، دروغپردازی و جاسوسی، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۹

۹ نفوذ در میان رزمندگان اسلام به منظور جاسوسی و فتنه انگیزی، از ترفند های منافقان

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا .. و فیکم سمعون لهم

۲۳ > عن أبي عبد الله (ع) قال: إن الله تعالى بعث أربعه أملاك في إهلاك قوم لوط... فأتوا لوطاً... فسلموا عليه... فقال لهم: المنزل؟ فقالوا: نعم... ثم مشى فلما بلغ باب المدينة... دخل و دخلوا معه حتى دخل منزله فلما رأتهم إمرأته... صعدت فوق السطح و صفقت فلم يسمعو فدخلت فلما رأوا الدخان أقبلوا إلى الباب يهرعون...؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: خداوند چهار فرشته برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد... آنان نزد لوط رفتند و بر او سلام کردند... لوط آنان را دعوت به منزل کرد و آنان موافقت کردند؛ سپس رفت تا به دروازه شهر رسید... او با فرشتگان وارد شهر شدند تا به منزلش وارد شد همسر لوط وقتی که آنان را دید... بالای بام رفت و دست بر هم زد، ولی قوم لوط نشنیدند. پس دود به پا کرد؛ همین که آن قوم دود را دیدند شتابان به درب خانه لوط رفتند...<

جاسوسی یهود

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر، مردمی دروغ پرداز، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخرين لم يأتوك يحرفون الكلم

برداشت فوق بر این مناسبت که <للكذب> و <لقوم>

مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون لقوم ءاخیرین>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لا یحزنک الذین یسرعون .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

۳۶ خداوند هرگز جان و دل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم

۴۵ پیشتازی در کفر، تحریفگری، دروغپردازی و جاسوسی، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

جالوت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جالوت

تجاوزگری جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۷

۱۷ دفع تجاوز جالوتیان توسط طالوت و همراهانش، جلوگیر فساد در آن عصر

فهم موهوم باذن الله و قتل داود جالوت .. و لو لا دفع الله الناس ... لفسدت الار

جنگ جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۶

۶ شرکت جالوت در صف مقدم لشکریان خود *

و لما برزوا الجالوت و جنوده

تقدیم ذکری

<جالوت> نشانه این است که مؤمنان اول با او روبرو شدند و سپس با لشکریانش ؛ و لازمه آن، در صف مقدم بودن جالوت است.

جهاد با جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۳

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لما برزوا الجالوت .. و انصرنا على القوم الكافرين

حکومت جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۹

۱۹ جالوت ، زمامدار ستمگر عصر بنی اسرائیل پس از حضرت موسی (ع)

لا طاقة لنا اليوم بجالوت

رهبری جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۹

۱۹ جالوت ، زمامدار ستمگر عصر بنی اسرائیل پس از حضرت موسی (ع)

لا طاقة لنا اليوم بجالوت

سپاه جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۵

۵ جالوت و سپاهیان وی از زُمره کافران

و لَمَّا بَرَزْنَا الْجَالُوتَ وَ جُنُودَهُ ... وَ انصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۴

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی ، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ

شکست سپاه جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۵،۸،۲۴

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قَالُوا رَبَّنَا

... و انصرنا على القوم الكافرين. فهزموهم باذن الله

۸ هزیمت و شکست سپاه جالوت ، پس از کشته شدن وی *

فهموهم باذن الله و قتل داود جالوت

بنابر اینکه <واو> در <وقتل...> حائیه باشد؛ به تقدیر <قد>.

۲۴ چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تفضّل جهانشمول الهی

فهموهم باذن الله... و لكن الله ذو فضل على العالمين

ظلم جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۹

۱۹ جالوت ، زمامدار ستمگر عصر بنی اسرائیل پس از حضرت موسی (ع)

لا طاقة لنا اليوم بجالوت

فرماندهی جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۶

۶ شرکت جالوت در صف مقدم لشکریان خود *

ولما برزوا الجالوت و جنوده

تقدیم ذکری <جالوت> نشانه این است که مؤمنان اول با او روبرو شدند و سپس با لشکریانش؛ و لازمه آن، در صف مقدم بودن جالوت است.

کفر جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۵

۵ جالوت و سپاهیان وی از زُمره کافران

و لَمَّا بَرَزْنَا الْجَالُوتَ وَ جُنُودَهُ .. وَ انصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

هلاکت جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۷

۷ هلاکت جالوت ، به دست داود

و قتل داود جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۲ - ۲

۲ داستان طالوت و هلاکت جالوتیان ، از

الم تر الى المأ من بنی اسرائیل . . . تلك ایات اللّٰه
کلمه <تلك> اشاره به داستان طالوت و جالوت است.

جامعه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۵

۵ تفاوت صلاحیت زن و مرد در عصر تولد مریم ، برای احراز مشاغل و مسؤولیت های اجتماعی

ربّ انّی وضعتها انثی . . . و لیس الذکر کالانثی

بنابراینکه <لیس الذکر کالانثی> ، کلام مادر مریم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ جواز حضور زنان همراه مردان ، در مسائل مهم اجتماعی

و نساءنا و نساءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۷

۷ وظیفه رسولان الهی ، راهنمایی و پیام آوری است و وظیفه مردم ، پیمودن آن راه بر اساس پیام های آن رسولان

و ما محمّد الّا رسول قد خلت من قبله الرّسل افین مات

جمله <و ما محمّد . . . > ، تعیین کننده وظیفه رسولان الهی (پیام آوری) است و جمله <افائن مات ... > ، تعیین کننده وظیفه مردم است که باید همواره (چه رسولان در میانشان باشند و یا نباشند) پایبند به آن پیامها باشند.

آثار اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۳

۳ - طهارت و پاکدامنی و تلاش در راه اصلاح جامعه ، مایه نجات از امواج بلا و کیفر الهی

أخرجوا آل لوط .. إنهم أناس يتطهرون . فأنجینه و أهله إلاّمرأته

قوم لوط، وی و خاندانش

را به جرم پاکی و پارسایی محکوم به تبعید و اخراج کردند؛ اما خداوند ایشان را به همین دلیل از کیفر دامنگیر آن قوم نجات داد.

آثار اقتدار جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۰

۴۰- جامعه مقتدر و اصیل اسلامی ، برانگیزاننده خشم کافران و نه دوستی ایشان

کز ع آخرج شطه . . لیغیظ بهم الکفار

از تعبیر <لیغیظ> استفاده می شود که کافران، ناگزیر در قبال رشد امت اسلامی موضع خصمانه می گیرند و انتظار دوستی از آنان بی جا و بی مورد است.

آثار بصیرت رهبران جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۷

۷ بصیرت امت ها در گرو بصیرت رهبران ایشان است .

علی بصیره أنا و من اتبعنی

نیابردن <علی بصیره> در <من اتبعنی> علی رغم مقصود بودن آن ، اشاره به این دارد که بصیرت پیروان پیامبر (رهبر) در گرو بصیرت اوست.

آثار تشکیل جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۳

۳- تبلیغ دین و تشکیل جامعه اسلامی ، در پی دارنده سخنان ناروا و تبلیغات سوء دشمنان و مخالفان دین

و اصبر علی ما یقولون

۱۲ - جامعه شناسی ، باستان شناسی و تاریخ ، زمینه ساز شناخت سنت های الهی و ره یابی به واقعیت پیام وحی

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً .. هل من محیص

آثار جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۵۷ - ۴

۴ - انسان ها در جامعه فاسد و محیط منحرف ، بدون ایمان به خدا و لطف او ، در معرض انحراف و هلاکت اند .

و لولا نعمه ربّی لکننت من المحضرين

آثار جامعه گریزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۵

۵ - جامعه گریزی و سطح پایین فرهنگ اجتماعی ، عامل سستی در تعهدات اجتماعی و پایبندی به قوانین *

المخلفون من الأعراب

وصف <الأعراب> ممکن است مشعر به علیت باشد یعنی، بادیه نشینی در تخلف آنان نقش داشته است.

آثار رشد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ نبود مفساد اقتصادی و اجتماعی در یک جامعه ، نشانه برخورداری آن جامعه از رحمت خداوند *

لا تاكلوا اموالکم .. لا تقتلوا ... انّ الله کان بکم رحیماً

آثار روابط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۹

۱۹ پیروزی و سعادت جامعه ایمانی ، در گرو ایجاد پیوند و ارتباط با یکدیگر

و رابطوا .. لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - زندگی مختلط و شراکت در امور اقتصادی ، زمینه ساز تضييع حقوق و لغزشگاه بسيارى از مردم

و إنّ كثيرًا من الخلقاء ليبيغى .. إلا الذين ءامنوا ... و قليل ما هم

آثار زندگى در جامعه فاسد

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۷

۷- زندگی در جامعه آلوده و فاسد ، مایه رنج و محنت مؤمنان و غیر قابل تحمل برای آنان است .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

آثار فساد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- عذاب جامعه فسادگر ، آن چنان شدید است که مایه نابودی و هدم کامل آن می شود .

ففسقوا فيها فحقَّ عليها القول فدمرناها تدميراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - دگرگونی ارزش ها ، در جامعه فساد زده و منحرف

قالوا أخرجوا آل لوط .. إنَّهم أناس يتطهَّرون

در جامعه فسادزده قوم لوط، پاکی و پارسایی مورد ریشخند واقع شده و پاکدامنان آن جامعه (لوط و خاندانش) به جرم طهارت، محاکمه و محکوم شدند.

آثار کفر جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۵

۵ کفرورزی جوامع و ستیزه جویی با پیامبران ، از عوامل از میان رفتن شایستگی آنان برای دستیابی به نعمت های الهی

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مَغْبِرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

آثار گرایشهای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۹

۹ گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، زمینه ساز دستیابی آنان به نعمت و یا گرفتار شدن به سختیها

إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

آثار یأس از اصلاح

جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۴

۴ - لزوم دوری جستن از محیط فساد ، در صورت یأس از اصلاح آن

رَبِّ نَجْنِي وَ أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

آرزوی رهبری جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۷

۱۷ آرزوی در دست گرفتن مدیریت جامعه و رهبری امت اسلامی ، امری پسندیده و روا است .

و اجعلنا للمتقين إمامًا

آرمان جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۴

۴ جامعه ای که دارای یک ایده و آرمان باشد ، به منزله یک پیکر است .

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

چون خداوند جراحتهای وارد شده به گروهی از مسلمانان و یا کافران را به تمام آنها نسبت داده است، با اینکه قطعاً یکایک افراد مجروح نشدند، معلوم می شود که از نظر قرآن هر جامعه ای که دارای آرمانی واحد باشد، به منزله یک پیکر است.

آرمان جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ اصلاح جوامع بشری ، هدف مشترک جامعه آرمانی اسلام

کنتم خیر أُمَّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

با توجه به واژه <امّه> که در لغت به معنای گروه دارای هدف و مقصد مشترک است، مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۲

۱۲ پیروزی بر دشمنان دین ، خواسته

و آرمان جامعه ایمانی

من بعد ما اریکم ما تحبّون

مراد از <ما تحبّون> (آنچه آرزوی شما بود)، پیروزی بر دشمن است.

آسیب شناسی اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۵۸

۵- نقش مؤثر و محوری رهبران و سردمداران فاسد در سقوط و نابودی ملت ها و جامعه های بشری

الم تر إلى الذین ... و أحلّوا قومهم دار البوار

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

الم تر إلى الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدّلوا .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۵

۵- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدینه ... قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۶

۶- جلوگیری از نفوذ ادیان الهی و رواج بی دینی ، زمینه ساز رواج فساد و تبه کاری در جامعه است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله .. بما کانوا یفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۵- قرار گرفتن جامعه در معرض کفران نعمت های الهی پس از آسایش و رفاه مادی

قریه کانت ءامنه مطمئنه یأتیها رزقها رغداً .. فکفرت بأنعم الله

۶- مبتلا شدن جامعه به فقر ، گرسنگی و ناامنی ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۱۲- گناهان و ناسپاسی های اجتماعی ، دارای آثار شوم برای کل جامعه

قریه کانت ءامنه .. فکفرت ... فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۱۵- فقر و گرسنگی مردم ، زمینه ساز ناامنی اجتماعی است . *

فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از اینکه خداوند در کيفر کفران نعمت، ابتدا فقر و گرسنگی و سپس ترس و ناامنی را مطرح ساخته است، می توان به دست آورد که فقر و گرسنگی زمینه ناامنی اجتماعی، همچون دزدی و ... را فراهم می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- فسق و گناه بر خورداران از مکتب و ثروتمندان هر جامعه ، عامل هلاکت و نابودی آن جامعه است .

و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

<مترف> از واژه <ترفه> گرفته شده و <ترفه> هم به معنای روزی و نعمت فراوان است (مفردات راغب).

۶- افزایش تعداد مترفان و ثروتمندان فاسق و تبهکار در جامعه ، از عوامل هلاکت و نابودی آن جامعه براساس سنت های خداوند

و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

برخی برآنند <أمرنا> به معنای <کثرنا> (فزونى دادیم) است (مفردات راغب) که بر

اساس آن، مراد از <أمرنا مترفيها> افزایش مترفان در جامعه است.

۷- فسق و فساد طبقه ثروتمند در گرایش دیگر طبقات به فساد و تباهی، تأثیر و نقش مهمی دارد.

أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

اختصاص به ذکر یافتن مترفان از میان دیگر طبقات، بیانگر این است که فسق و فساد این طبقه تأثیر بیشتر و نقش مهم تری در مقایسه با دیگر طبقات در فاسد شدن جامعه و نابودی آن دارد.

۱۰- گسترش و فراگیری فساد در سطح جامعه، مایه نزول حتمی عذاب الهی است.

ففسقوا فيها فحقّ عليها القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۵،۱۰

۵- بسیاری از جوامع و ملل پس از حضرت نوح (ع) بر اثر وجود مترفان فاسق و تبهکار در میان آنان، به هلاکت و نابودی دچار شدند.

و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا فيها .. و کم أهلکنا من القرون من

۱۰- گناه، عامل اصلی هلاکت جوامع بشری است.

کم أهلکنا من القرون .. و کفی برّبک بذنوب عباده خبیراً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۷

۷- عمل ناشایست زنا، دارای فرجامی بد و ناگوار برای فرد و جامعه

و ساء سبیلاً

از جمله <راههای بد> راهی است که منتهی الیه و فرجام آن، ناشایست باشد. بنابراین <ساء سبیلاً> می تواند مشعر به این معنا باشد که: زنا نه تنها خود فاحشه است بلکه راهی است بد که فرجام و پیامد آن برای فرد و جامعه نیز، بد و ناپسند است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۱۰

۱۰- نقش مهم رهبران و زمامداران فاسد ، در تباهی و هلاکت امتهای

فقال له فرعون . .. فأراد ... فأغرقته و من معه جميعًا

در داستان هلاکت فرعون، همواره شخص فرعون به عنوان عنصر اصلی جریان کفر، به صورت ضمیمه مفرد و جدا از مجموعه یارانش ذکر شده است و این بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵ - ۶

۶- فقدان آگاهی و دانش ، زمینه ساز گرفتاری افراد و جوامع به تقلید های ناروا و کورکورانه

و قالوا اتخذ الله ولداً . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

کلمه <لأبائهم> اشاره به این نکته دارد که پندارهای مشرکان، از سر تقلید بوده است و جمله <ما لهم به من علم و ..> بر این نکته دلالت دارد که مشرکان و پدران شان، در گزینش این اعتقاد پایه های علمی نداشته اند. مجموع این دو قضیه، گویای آن است که <جهل> در کشاندن افراد و جوامع به تقلید کورکورانه، نقشی مهم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۹ - ۵

۵- اعراض از آیات الهی و نشنیده انگاشتن آن و غفلت از گناهان گذشته خویش ، ستم ، و موجب سقوط و نابودی امت ها است .

و من أظلم . .. و تلك القرى أهلكنهم لما ظلموا

مراد از ظلم در <لم اظلموا> به دلیل ارتباط این آیه با آیات قبل همان اموری است که در آیه پنجاه و

هفت بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۸

۸- فریفته شدن به دنیا و امکانات فناپذیر آن و اصیل پنداشتن آنها، از زمینه های سقوط تمدن ها و نابودی دنیاگرایان است .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا... و كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - بهره گیری از شخصیت های محبوب جامعه و وابسته نشان دادن افکار و رفتار خویش به آنان، از ترفند های رهبران ضلالت است .

فَقَالُوا هَذَا... إله موسى فنسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۱۰، ۹

۹ - تسویلات و وسوسه های نفس، زمینه ساز به کارگیری دین و دانش برای ایجاد انحراف و گمراه ساختن مردم

بصرت... فنبدتها و كذلك سؤلت لی نفسی

آنچه که سامری در اختیار داشت و موجب گمراهی او و مردم بسیاری شد، علوم و معارفی بود که وی آن را در راه گمراه کردن مردم به کار گرفت.

۱۰ - تسویلات نفس (زیبانهایی کارهای زشت و ناروا)، خطری در کمین افراد و جوامع

و كذلك سؤلت لی نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱ - ۲

۲- ظلم و ستم، عامل انحطاط و انهدام کامل جوامع و تمدن ها است .

و کم قصمنا من قریہ کانت ظالمہ

توصیف <قریہ> (مردم شهرها) به <ظالمہ> (ستمکار) بیانگر نقش ظلم در نابودی و انهدام است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۳ - ۶

۶- مترفان و ستمگران جامعه ، عامل نابودی تمدن ها و هلاکت افراد جامعه

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه .. ارجعوا إلی ما أترفتم فیه

مخاطبان این آیات، گروه خاصی از مردم اند؛ زیرا خداوند در توصیف آنان دو صفت ستمگری و تنعم را مطرح ساخته است و این دو صفت نوعاً در قشر خاصی از جامعه وجود دارد و بیشتر مردم نه ظالم اند و نه مترف.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۸

۸- هلاکت و بدبختی جوامع بشری ، بازتاب زشت کاری و رفتار نامناسب خود آنها است .

الذین کذبوا بآیتنا إنا نهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند دو عامل (تکذیب آیات الهی و سوء پیشینه) را موجب هلاکت برشمرد و هر دو عامل را به خود انسان نسبت داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۴

۴ - سلامت جامعه بشری و مصون ماندن آن از فساد و تباهی ، در گرو اجرای قوانین الهی و ایستادگی در برابر تمایلات حق ستیزان

و لو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۷

۷- جامعه های گرفتار بی بند و باری جنسی (بی عفتی و زناکاری) ، در معرض زوال و نابودی است .

و لولا فضل الله علیکم و رحمته

وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <و لولا- فضل الله عليكم.. > به تقدیر <و لولا فضل الله عليكم... لاختل نظام حیاتکم و لهلکتکم > باشد؛ یعنی، <اگر فضل و رحمت خدا نبود... نظام زندگی شما با وجود همه فساد و بی بند و باری از هم می پاشید و شما نابود می شدید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۵

۵ - شایعات و پخش خبر های دروغ ، از میان برنده اعتماد متقابل و حسن ظن افراد جامعه نسبت به یکدیگر

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خيراً و قالوا هذا إفك مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۷

۲۷ - دل بستگی به مادیات و دنیامداری ، زمینه رواج فحشا و فساد جنسی در یک جامعه است .

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء .. لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ جامعه بی خبر از تعالیم دینی و از یادبرنده خدا ، در معرض هلاکت و محکوم به نابودی است .

حتّٰی نسوا الذکر و کانوا قومًا بورًا

برداشت فوق، از تقدم جمله <حتّٰی نسوا الذکر > بر <کانوا قومًا بورًا > و ارتباط میان آن دو، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۷

۷ تکذیب آیات خداوند و پذیرفتن دعوت انبیا ، در پی دارنده سقوط و نابودی

فقلنا اذهبوا إلى القوم الذين كذبوا بآيتنا فدمرناهم تدميراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۴ - ۵

۵ - پابندی مطلق و بی دلیل به سنت های ملی و قومی ، مایه تخدیر جامعه و سدّ راه خردورزی و مانع شناخت

قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۳ - ۵

۵ - نادرستی روابط اقتصادی ، سبب فراگیری فساد و تباهی در جامعه

أوفوا الكيل . . . و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله < و لاتعتوا .. > عطف تفسیری بر جمله پیشین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۹

۹ - فسادگری ، ریشه بلاها و تباهی های جامعه فرعونی

فانظر كيف كان عقبه المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳

۳ - ویرانی شهرها ، تباهی جامعه و ذلّت عزّتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إنّ الملوک إذا دخلوا قرية أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - نقش سردمداران کفر و فساد در هلاکت و بدبختی تمامی جامعه

أنا دمرنهم و قومهم

ضمیر <هم> به گروه های نُه گانه بازمی گردد که طرح ترور شبانه صالح و خانواده اش را ریخته بودند. و از این که نام آنان به صورت مجزا و مقدم بر نام قومشان یاد شده است، مطلب فوق

استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۳

۳ - ظلم و گناه ، بنیان برافکن جوامع بشری

يقوم لم تستعجلون بالسئئه قبل الحسنه. .. فتلك بيوتهم خاويه بما ظلموا

ثمودیان، به صورت جامعه ای متشکل بودند که در نتیجه ظلم و گناه خود به گونه دسته جمعی و فراگیر هلاک شدند و این نشان می دهد که هر جامعه ای که معصیت و ستم در آن رواج پیدا کند، در معرض خطر نابودی قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - افزایش نامتعادل تعداد زنان بر مردان در یک جامعه ، در پی دارنده ضعف و زبونی آن

يستضعف طائفه منهم .. و يستحيى نساءهم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، زنده گذاشته شدن دختران بنی اسرائیل را، یکی دیگر از نموده‌های زبون سازی فرعون به شمار آورده است.

۱۳ - تفرقه میان مردم و افزایش بسیار و نامتعادل زنان بر مردان در یک جامعه ، از عوامل فساد و تباهی آن جامعه و مردم

جعل أهلها شیعاً يستضعف طائفه منهم یندبج أبناءهم و يستحيى نساءهم إنّه کان من المف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۳، ۶

۳ - سرمستی و غرور ، عامل هلاکت جوامع پیشین

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

<بَطْر> (مصدر <بطرت>) به غرور و طغیان که آدمی بر اثر فراوانی نعمت دچار آن شود گفته می شود. بنابراین <بطرت معیشتها>؛ یعنی، <طغت فی معیشتها> (در زندگی اش طغیان

کرد). گفتنی است که عبارت <بطرت معیشتها> وصف و مفید تعلیل است؛ یعنی، جوامع گذشته بدان جهت به هلاکت رسیدند که گرفتار سرمستی و غرور بودند.

۶- سرمستی و غرور ناشی از نعمت و رفاه فراوان، از عوامل هلاکت جوامع بشری است.

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱۳

۱۳ - ظلم و بیدادگری، عامل نابودی جوامع پیشین با عذاب استیصال

و ما کنا مهلکی القری إلا و أهلها ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۱

۲۱ - زراندوزی و انباشتگی ثروت در دست افراد، از زمینه های پیدایش فساد و تباهی در جامعه

و لاتبع الفساد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۶

۶ - قوم نوح، به دنبال قبول نکردن رسالت نوح (ع) دچار سیلی عظیم و بنیان کن شدند و به هلاکت رسیدند.

و لقد أرسلنا نوحا إلى قومه .. فأخذهم الطوفان

<طوفان> هر حادثه ای را می گویند که انسان را احاطه کند. این واژه در <آب فراوان (سیل)> متعارف شده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۲ - ۵

۵ - اختلاف دینی، از عوامل دسته بندی و گروه بندی های اجتماعی است.

فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا

احتمال دارد ذکر <و کانوا شیعیاً> پس از <فَرَّقُوا> به خاطر توجه به این واقعیت است که: اختلاف دینی، گروه بندی اجتماعی

را به دنبال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۵

۱۵ - بی حجابی ، از جمله عوامل ناهنجاری در محیط دینی است .

يَدِينِ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيهِنَّ ذَلِكُ اُدْنِي اَنْ يَعْرِفْنَ فَلَائِيْذِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ - منافقان ، از جمله عوامل پیدایش ناهنجارهای اجتماعی اند .

لئن لم ينته المنفقون .. لنغرينك بهم

۱۱ - بیمار دلان ، آسیب رسانان به هنجارهای اجتماعی اند .

لئن لم ينته .. و الذين في قلوبهم مرض ... لنغرينك بهم

۱۲ - شایعه پراکنان ، برهمزنان آرامش جامعه و آسیب رسان به آن اند .

لئن لم ينته المنفقون و .. المرجفون في المدينة لنغرينك بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۸

۸ - کفران نعمت های الهی ، در پی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

و اشكروا له .. فأعرضوا ... و مّرّتهم كلّ ممزّق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۹

۹ - کفر ، موجب خسارت جامعه بشری بوده و حاصلی جز آن ندارد .

و لا يزيد الكافرين كفرهم إلا خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۳ - ۳

۳ - مردم گمراه و فاسد ، در پیدایش نظام اجتماعی فاسد و ظاهر شدن رهبران گمراه گر و انحراف ساز در جامعه ، مؤثر بوده و دارای نقش اند .

فإنهم يومئذ في العذاب

مشترک بودن عذاب مردم اغوا شده با رهبران اغواگر خود، می رساند که اغوا شدن مردم، هرچند به وسیله رهبران آنان است ولی آنان نیز در این گمراهی نقش داشته و مؤثر بوده اند. گفتنی است که نقش آنان می تواند در رابطه با پیدایش نظام فاسد و ظهور رهبران گمراه کننده در جامعه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - گناهان، زمینه ساز عذاب الهی و نابود شدن تمدن ها، قدرت ها و آثار ملی

فأخذهم الله بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۴

۴ - کفر و انکار رسالت پیامبران، زمینه ساز فروپاشی تمدن ها و نابودی قدرت ها و آثار ملی

كانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا فى الأرض .. فكفروا فأخذهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۹، ۱۰

۹ - خطر ساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و روز حساب برای جامعه

كلّ متكبر لا يؤمن بيوم الحساب

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

كلّ متكبر لا يؤمن بيوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۹

۹ - نابودی بسیاری از اقوام

نیرومند و دارای تمدن و آثار ملی ، در گذشته تاریخ به خاطر کفر و شرکشان

فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون

جمله <فما أغنی عنهم ما كانوا یکسبون> (ولی آنچه به دست می آورند، به حالشان سودی نبخشید)، به نزول عذاب گریز ناپذیر و سود نبخشیدن تلاش های کافران محکوم به عذاب اشاره دارد. گفتنی است چون این آیه درباره کافران و مشرکان می باشد، می توان استفاده کرد که سبب محکومیت آنان به عذاب، همان کفر و شرک آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۷ - ۷

۷ - جامعه متکاثر و رفاه زده ، گرفتار طغیان و سرکشی

و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۵

۵ - بی توجهی به پیام وحی و استهزای آن ، از جمله عوامل نابودی جوامع در طول تاریخ

كانوا به يستهزءون . فأهلکنا أشدّ منهم بطشاً و مضی مثل الأولین

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود که استهزای پیام وحی از سوی جوامع شرک پیشه، موجب نابودی آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - کفر پیشگی ، از عوامل عمده نابودی ملت ها

دمر الله علیهم و للکفرین أمثلها

وصف کفر در <للکافرین>، بیانگر این نکته است که کفر، عامل اصلی نابودی ملت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۱،۵

۱- ترک جهاد ، زمینه محو ارزش ها و به فساد کشیده

فهل عسيتم إن توليتم أن تفسدوا في الأرض

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته به دست می آید: ۱ <تولیتیم> به معنای روی گرداندن از جهاد باشد که در آیه قبل مطرح شده است. ۲ تعبیر <عسيتم... أن تفسدوا في الأرض> در معنا، جواب <إن توليتم> به شمار آید.

۵- گناه ترك واجبات از سوی فرد، دارای پیامد های ناگوار اجتماعی

فهل عسيتم إن توليتم أن تفسدوا في الأرض

واژه <في الأرض>، می رساند که فساد روی گردانان از دین و تکالیف الهی، محدود و منحصر در قلمرو وجود خودشان نیست؛ بلکه همچون بیماری مسری در بستر جامعه شیوع می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ نقش ثروت اندوزی و عدم انفاق، در زوال جامعه و پیدایش تحولات ویرانگر اجتماعی *

تدعون لئنفقوا .. و إن تتولوا يستبدل قوماً غيركم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <يستبدل قوماً غيركم> اشاره به یکی از سنت های اجتماعی خداوند داشته باشد؛ زیرا امت های گرفتار در انحرافات اقتصادی، از درون پوسیده و یا به وسیله ملتی دیگر مقهور می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۸

۸- نقش ویرانگر منابع خبری فاسد، در مناسبات و امنیت جوامع

إن جاءكم فاسق بنبأ .. أن تصيبوا قوماً بجهله

از تعلیل <أن تصيبوا قوماً بجهاله> و متفرع شدن آن بر فسق مخبر، مطلب بالا نتیجه گیری می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۴

- نقش مهم رهبری کفر، در گمراهی و انحراف ارکان جامعه

فتوئی برکنه

در صورتی که مراد از <رکن>، ارکان جامعه بوده و <باء> برای تعدیه باشد، از منتسب شدن انحراف ارکان جامعه، به شخص فرعون، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۱

۱۱ - جوامعی که خود را در پناه تعالیم وحی قرار ندهند، خطر گرفتار شدن در ورطه انواع گمراهی ها، آنان را تهدید می کند.

هو الذی ینزل علی عبده آیت ینت لیخرجکم من الظلمت إلی النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۹

۹ - استثمار و بی عدالتی اقتصادی، از مشکلات عمده و اساسی جوامع در طول تاریخ

لقد أرسلنا رسلنا .. و أنزلنا معهم الكتب و المیزان

با توجه به این که <میزان> (ترازو) ابزاری است که در مبادلات اقتصادی به کار می رود و با آن کالاها را توزین می کنند، می توان گفت که: این واژه در آیه شریفه استعاره از خصوص عدالت اقتصادی است. بنابراین، پیام عدالت اقتصادی که در این آیه به عنوان رسالت همه پیامبران برشمرده است نشان می دهد که موضوع استثمار توده ها و ظلم و اجحاف اقتصادی به آنان، در تاریخ بشر ریشه داشته است و همه جوامع با آن مشکل دست به گریبان بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۷

۷ - تکذیب قرآن و معاد، از عوامل و زمینه های

سقوط تدریجی جوامع بشری

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۶

۱۶ - طغیان گری در مورد نعمت های خداوند ، خطری در کمین جوامع رها شده از حاکمیت ستم گران

أنجینکم من عدوکم .. کلوا ... لا تطغوا فیه

نهی شدن بنی اسرائیل از طغیان گری، پس از عبور آنان از دریا و نجات از ستم و حاکمیت فرعونیان مطرح شده است. طرح این مسأله در آن موقعیت، گویای وجود زمینه هایی برای طغیان گری در آن شرایط است.

آسیب شناسی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۷

۷ - سران و بزرگان گمراه ، دارای نقشی بسزا در گمراهی مردم

إذ تبرأ الذین اتبعوا من الذین اتبعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۸

۸ شرکورزی و مخالفت با تعالیم و توصیه های پیامبران ، از عوامل مهم نابودی جامعه ها و تحولات تاریخ و دگرگونی های آن است .

فإن تولّوا .. یستخلف ربی قومًا غیرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ وفاداری جوامع به آرا و اندیشه های باطل قومی و قبیله ای ، بازدارنده بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان

أَتْنَهِنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ جوامع مرفّه ، در خطر انحرافات اقتصادی و گسترش دادن ظلم و ستم در پهنه

إني أرىكم بخير... أو فوا المكيال... و لاتعتوا في الأرض مفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۸

۸ پایبندی جوامع به آرا و آداب باطل پیشینیان ، مانع بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان است .

أن نترك ما يعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۷ - ۵

۵ فرمان های فرعون ، هرگز هدایتگر مردم به راه صواب و صحیح نبود .

و ما أمر فرعون برشید

مرشد (راهنمای به درستی و راستی) نیز می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۵

۵ فساد ها و تباهیها ، آن گاه که رواج یابد و فراگیر شود ، امت ها را در خطر عذاب های الهی قرار می دهد .

ينهون عن الفساد في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۹

۹ گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، زمینه ساز دستیابی آنان به نعمت و یا گرفتار شدن به سختیها

إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴- جرم پیشگی و تبه کاری ، زمینه ساز هلاکت و نابودی جوامع بشری

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

آسیب شناسی جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ - دنیاطلبی ، از ریشه های بروز جنگ ها و

درگیری های خونین میان گروه های معتقد به آیین الهی است .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسكم .. أولئك الذين اشتروا الحيوة الدنيا

آسیب شناسی دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۱۰

۱۰- سرگرمی انسان به دنیا ، عامل بی توجهی به وحی و دین الهی

ما یأتیهم من ذکر . . . و هم یلعبون

جمله <و هم یلعبون> حال برای ضمیر فاعلی <استمعوه> و بیانگر وضعیت مشرکان و مردم حق گریز است. این وضعیت می تواند در حق گریزی و بی اعتنایی به پیام های الهی مؤثر باشد. گفتنی است جمله <لاهیة قلوبهم> در صدر آیه بعد که حال برای مبتدا در جمله <و هم یلعبون> است همین برداشت را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۲،۳،۹

۲- کافران ، همواره درصدد جلوگیری از راه خدا و در پی ممانعت از گسترش تعالیم الهی هستند .

للكفرین .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله

۳- کافران ، همواره در پی کج جلوه دادن راه و تعالیم الهی هستند .

للكفرین .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً

۹- دل بستگی به دنیا و ترجیح دادن آن بر آخرت ، زمینه ساز دین ستیزی و کفر است .

الذین یستحبّون الحیوة دنیا علی الآخره و یصدّون عن سبیل الله

تقدیم <یستحبّون الحیاه دنیا> بر جمله <و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً> احتمالاً بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ -

۳- لجاجت و هدایت ناپذیری ، عامل عدم تسلیم و مقاومت در برابر تعالیم آسمانی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظّلوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۰ - ۴

۴- التقاط در دین (پذیرش قسمتی از دین و انکار برخی دیگر) گناهی بزرگ و زمینه ساز نزول عذاب الهی است .

كما أنزلنا علی المقتسمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما یفتری الکذب الذین لایؤمنون بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۶ - ۱

۱- نسبت دادن برداشت های شخصی ، بی اساس و دروغین خود به دین ، حرام و ممنوع است .

و لاتقولوا لما تصف ألسنتکم الکذب هذا حلل و هذا حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۵

۵- پیش داوری های مبتنی بر ملاک های غلط ، مانع برخورد صحیح با تعالیم انبیاست .

و ما منع الناس .. إذ جاءهم الهدی إلا أن قالوا أبعث الله بشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- غفلت از معاد و تردید در آن ، معلول دل بستگی شدید به دنیا است .

أنا أكثر منك مالاً .. قال ما أظنّ أن تبید هذه أبداً . و ما أظنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۸ - ۱۶

۱۶- انكار معاد ، نكوهيده تر از دل بستگي به زندگاني دنيا و داراي نقشي مؤثرتر در آن در پيدايش شرك

لقد جئتمونا كما خلقناكم أول مرّه بل زعمتم أنّ نجعل لكم موعدًا

حرف <بل> برای اضراب و نشان نابرابر بودن مابعد و ماقبل آن است. در این برداشت، تشبیه در <كما خلقناكم>، ناظر به مال و فرزند نداشتن انسان در آغاز خلقت و هنگام اعاده آن، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۵

۵- رفاه طلبی و قدرت خواهی ، از عوامل ارتداد

كفر بأيتنا و قال لأتينا مالا و ولدًا

ظاهر عبارت <كفر بأيتنا> به قرینه <لأتينا> که برای استقبال است حدوث کفر است نه استمرار آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۵،۶

۵ - كافران به آيين و برنامه های الهی ، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند . *

فاعبدني .. فلا یصدنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید، لزوم عبادت و نماز، معاد و کيفر و پاداش الهی) باشد.

۶ - پیروی از هواها و امیال نفسانی ، در پی دارنده کفر و بی ایمانی به قیامت است .

من لایؤمن بها واتبع هویه

<اتبع> ماضی است و عطف بر <لایؤمن> که مضارع است ، بنابراین پیروی از هوس ها که در زمان قبل

انجام گرفته است، سبب بی ایمان در زمان بعد خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ روحیه خود بر تربینی و خوی تجاوزگری ، از موانع پذیرفتن حق و ایمان آوردن

لقد استكبروا فی أنفسهم و عتو عتوًا كَبِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۵

۵ - اشرافیت و بینش غلط طبقاتی ، مانع از ایمان آوردن به پیامبران

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأذلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۳

۳ - رفاه و توانمندی قوم عاد ، زمینه ساز کفر و لجاجت آنان در برابر هود (ع)

و اتَّقوا الذی أمَدَّکم .. أمَدَّکم بأنعم و بنین ... قالوا سواء علينا أوعظت أم ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۳

۳ - سرمستی ، رفاه زدگی ، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالوا إنما أنت من المسحّرين

بیان رفاه مندی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالح(ع)، می تواند نشان دهنده این حقیقت باشد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را، کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند؛ این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فساد گری شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - دنیاطلبی و فسادانگیزی مردم آیکه ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام شعیب (ع))

قالوا إنما أنت من المسخرين

بیان تقلب مردم <ایکه> در معاملات و روحیه فسادانگیزی آنان (پیش از ذکر موضع گیری آنها در مقابل شعیب (ع) می تواند نشانگر این باشد که آنچه سبب شد تا مردم آیکه مفاهیم مهم معرفتی آن حضرت را جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آورده و او را فردی افسون شده بخوانند، این بود که آنان گرفتار دنیاطلبی و فسادانگیزی شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۱

۱ - محیط و عادت های شرک آلود ، مانع هدایت بلقیس به راه راست و یکتاپرستی در گذشته عمر وی

و صدّها ما کانت .. إنّها کانت من قوم کفرین

<صَيِّدًا> (مصدر <صَيَّدَ>) به معنای منع و بازداشتن است. متعلق <صَيِّدًا> محذوف و به تقدیر <صدّها عن السبيل> می باشد. برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه یاد شده ناظر به پاسخ این پرسش باشد که بلقیس چرا پیش از این ماجرا (ماجرای میان او و سلیمان (ع)) با فراستی که داشت، از راه راست منحرف شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲ - ۳

۳ - ایمان ، در عین فضیلت آفرینی ، ممکن است که انسان را دچار خودفریبی کند .

أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا ءامنا و هم لا یفتنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۱،۱۰

۱ - اغواگران کافر

، برای مرتد ساختن مسلمانان ، در تلاش بودند .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم

برعهده گرفتن بار خطای مسلمانان، از سوی کافران، با بیان فعل امر (لنحمل خطایاکم) هنگام دعوت از آنان برای تبعیت از خط و راه کافران، حکایت از نوعی برخورد اغواگرانه دارد.

۱۰- فریب دادن با تمسک به دروغ و پذیرش مسؤلیت خطا ، از راه های ایجاد انحراف دینی است .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم إنهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ - گروهی از مردم ، به هنگام برخورداری از رفاه و آسایش و رهیدن از خطرات و سختی ها ، ناسپاسی می کنند و شرک میورزند .

و إذا مسّ الناس ضرّ .. ثمّ إذا أذاقهم ... إذا فریق منهم برّبهم یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۲، ۵، ۴، ۳، ۲

۲ - برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّٰه

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لهو> چیست؟>، مفسران گفته اند، بعضی از کافران مکه، به کشورهایمانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به

ذکر است که مراد از <سبیل الله> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

۳ - کافران ، به منظور منحرف ساختن جامعه از راه خدا و ترویج باطل ، سرمایه گذاری می کردند .

و من الناس من یشتري لهو الحديث لیضلّ عن سبیل الله

آورده شدن فعل مضارع <یشتري> و <یضلّ> دلالت بر تلاش های مستمر می کند.

۴ - داستان های خرافی و سرگرمی های واهی ، ابزار کافران برای مبارزه با دین بود .

و من الناس من یشتري لهو الحديث لیضلّ عن سبیل الله

۵ - کافران مکه برای بازداشتن مردم از گوش فرا دادن به آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) کنیزان آوازه خوان را می خریدند و مردم را به آواز مشغول می کردند .

و من الناس من یشتري لهو الحديث لیضلّ عن سبیل الله

منظور از <لهو الحديث> طبق برخی از شأن نزول ها، غنا است که به وسیله کنیزانی خوانده می شد. لازم به گفتن است که طبق این معنا <اشترء> حقیقی است.

۸ - غنا و نغمه های مفسده انگیز ، ابزار کافران برای گمراه کردن مردم از راه خدا است .

و من الناس من یشتري لهو الحديث لیضلّ عن سبیل الله

۱۲ - از اهداف رواج دهندگان افسانه های باطل و خرافی در میان مردم ، به تمسخر گرفتن راه خدا است .

یشتري لهو الحديث لیضلّ . . . و یتخذها هزوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۷

۷ - برخورد منفی با آیات الهی ، مانع از پذیرش آنها است .

و من الناس من یشتري لهو الحديث

ليضلّ عن سبيل الله .. و إذا تتلى عليه آيتنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۲،۹،۱۴

۲ - تعصب و تقلید کور از نیاکان ، مانع گرایش کافران به پیروی از قرآن و تعالیم آسمانی است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا

۹ - آداب و رسوم اقوام ، در هدایت و یا گمراهی نسل ها آنان ، تأثیری قابل توجه دارد .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا

۱۴ - شیطان ، بازدارنده انسان ها از تبعیت از دین است .

اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع .. أو لو كان الشيطان يدعوهم إلى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا .. و

برداشت بالا، براساس این احتمال است که <لا يعلمون> مفعول به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفی علم از مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۹

۱۹ - رحمانیت خدا ، مورد سوء استفاده اغواکنندگان ، در غافل ساختن انسان از قیامت و کیفر اعمال است .

و لا يغرنكم بالله الغرور

<باء> در <بالله> سببی است و مراد از آن، این است که شیطان

و یا هر موجود فریبنده ای، به وسیله ذکر خدا و برخی از اوصاف او، همانند رحمانیت و یا غفاریت، چه بسا انسان را مغرور کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۳

۳ - پیروی بی چون و چرا (و بی منطق) از بزرگان، راهزن خرد دینی است.

رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كِبْرَاءَنَا فَأُضَلُّونَا السَّبِيلَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۱ - ۹

۹ - تردید هر چند اندک درباره اصول عقیده، در پی دارنده فاجعه ای عقیدتی و رفتاری

فَاتَّبِعُوهُ .. و ما كان له عليهم من سلطان إلا لنعلم ... ممن هو منها في شك

تئین <شک> برای تقلیل است و دلالت بر ناچیزی و اندکی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۸

۸ - تأثیر تبلیغات منحرفانه در آسیب زدن به آیین درست و جای گزین کردن اعتقاد باطل به جای آن

و قال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. تأمرونا أن نكفر بالله و نجعل له أنداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۷

۷ - پافشاری بر تقلید از آیین نیاکان و گذشتگان، از جمله موانع پذیرش دین حق

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قالوا ما هذا إلا رجل يريد أن يصدكم عما كانى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - برخورداری ملت های کفرپیشه از مال

و امکانات فراوان ، سبب ایستادگی آنها در مقابل پیامبران و تکذیب آنان شد .

و ما بلغوا معشار ما ءاتینهم فکذبوا رسلی

جمله <و ما بلغوا..> معترضه است و <فا> در <فکذبوا> عاطفه می باشد. ذکر جمله معترضه بین معطوف و معطوف علیه، می رساند که تکذیب پیامبران از سوی ملت های دارای امکانات، متأثر از برخورداری آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۸

۸- دین و معارف الهی ، در معرض کج فهمی و تحریف معنوی با توطئه فریبکاران

و لایغرنکم بالله الغرور

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فریب خوردن انسان به وسیله فریبکاران درباره خداوند و دین او، می تواند با تحریف معارف الهی و معرفی نادرست آن صورت پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۱

۱- استکبار و حيله گری مشرکان ، دو عامل تنفر و دوری آنان از گرایش به اسلام و دین الهی

فلما جاءهم نذیر ما زادهم إلا نفورا . استکباراً فی الأرض و مکر السیّی

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <استکباراً> مفعول لأجله بوده و <مکر السیّی> نیز بر آن عطف شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۵ - ۱۲

۱۲- بی تقوایی ، زمینه ساز انحراف از مسیر حق و افتادن در دام آیین شرک و بت پرستی

إذ قال لقومه ألا تتقون . أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

برداشت یاد شده به دلیل این نکته است که الیاس(ع)، پیش از

سرزنش قوم خود به جهت گرویدن آنان به آیین شرک، آنان را به دلیل بی تقوایی سرزنش کرده است و این مطلب می رساند که بی تقوایی، زمینه ساز گرایش به آیین های باطل (همچون بت پرستی) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

كذلك يُؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذين يجدلون في آيت الله .. الذين كذبوا بالكتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۳

۳ - افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذين كذبوا بالكتب .. ذلكم بما كنتم تفرحون في الأرض بغير الحق و بما كنتم تم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه <ذلكم> تکذیب کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۹،۲۰

۱۹ - اختلافات پیروان شریعت ، مانع حیات و قوام دین در جامعه .

أن أقيموا الدين و لاتتفرقوا فيه

برداشت بالا- بر این اساس است که عطف جمله <لا-تتفرقوا فيه> بر <أقيموا الدين>، عطف تفسیری و از نوع یکی از متلازمین بر دیگری باشد.

شریعت ، خطری برای کلیت دین

أقيموا الدين و لا تتفرقوا فيه

برداشت یاد شده باتوجه به دو مطلب زیر است: الف) مراد از <لا تتفرقوا> عمل به برخی از دستورات و ترك بعضی دیگر باشد. ب) فعل <لا تتفرقوا> تفسیر و تأکید برای <أقيموا الدين> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۵

۵ - دل بستگی به زندگی دنیایی ، منشأ اصلی مجادله در آیات الهی و انکار آن است .

و يعلم الذين يجدلون .. فما أوتيتم من شيء فمتع الحيوه الدنيا

با توجه به فای تفریع در <فما أوتيتم> ، می توان استفاده کرد که مجادله در آیات الهی و انکار آن، از دنیامحوری برخاسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۷

۱۷ - دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فإن أعرضوا .. فإن الإنسن كفور

جمله <و إننا إذا .. كفور> می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کفران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - عنصر رفاه و استکبار ، مایه انکار تمامی پیامبران و مقابله با همه ادیان الهی

قالوا إننا بما أرسلتم به كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۱

۱ - تصور ناقص انسان از خداوند و گستره علم وی ، زمینه ساز فروغلتیدن وی در دام حق ستیزی و مبارزه با پیامبران

أَمْ أُبْرَمُوا أَمْرًا

.. أم يحسبون أننا لانسمع سرهم و نجويهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۴

۴- سرگرمی در میدان تردید و توقف در وادی شک و مصمم نبودن برای رسیدن به یقین ، مایه محرومیت انسان از درک پیام مستدل وحی

إن كنتم موقنين .. بل هم في شك يلعبون

تعبیر <في شك> استقرار در شك را می رساند؛ به علاوه آن که <يلعبون> آن را تأکید می کند. از مقابله این آیه با <إن كنتم موقنين>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۵

۵- فراگیری فساد و غوطه‌وری مردم در جرم و گناه ، مانع نفوذ منطق مستدل وحی در ایشان

فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

دعای موسی(ع)، شکوه ای از روی یأس و ناامیدی از ایمان فرعونیان به درگاه خداوند بود. تعبیر <أن هؤلاء...> بیانگر علت ناامیدی موسی(ع) از تأثیر سخنانش در فرعونیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - تأثیرپذیری از خواسته ها و امیال ناآگاهان ، ناسازگار با اجرای صحیح و بایسته شریعت

ثم جعلنك على شريعه من الأمر فاتبعها . و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۷

۷- بینش طبقاتی ، عامل کفر و حق ناپذیری

و قال الذين كفروا .. لو كان خيرا ما سبقونا إليه

از آیه شریفه استفاده می شود که کافران، به نوعی روحیه استکباری ناشی از اشرافیت گرفتار

بودند و مؤمنان را از طبقه حقیر و پایین به شمار می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸،۱۱

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص)، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا .. ماذا قال ... أولئك الذين طبع الله على قلوبهم واتبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع الله على قلوبهم> به عنوان علت <يستمع إليك .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

۱۱- هواپرستی، مانع درک حقایق وحی و عامل مهر شدن قلب انسان به اراده خداوند *

أولئك الذين طبع الله على قلوبهم واتبعوا أهواءهم

جمله <وأتبعوا أهواءهم> می تواند بیانگر علت <طبع الله ..> باشد؛ چه این که <طبع الله> می تواند بیانگر علت ناتوانی کافران و منافقان از درک پیام وحی به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۴

۴ - بادیه نشینی، از عوامل کندی نفوذ فرهنگ و معارف عمیق دین در میان اعراب *

قالت الأعراب ءامنا قل لم تؤمنوا

از این که خداوند وصف بدویت [اعراب] را مورد اشاره و موضوع سخن قرار داده است، احتمال معنای یاد شده می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۳

۳ - روحیه ناباوری و سطحی نگری، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

ءآيت للموقنين .. أفلا تبصرون

تصریح به <موقنین> و تویخ کافران با عبارت <أفلا تبصرون>، می رساند

که مشکل اصلی آنان که آیات الهی را در زمین و وجود انسان، نمی بینند و یا پیام آن را درک نمی کنند سست اندیشی، ناباوری و سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۳

۳ - کفر و لجاجت ، مانع درک حقیقت نشانه های الهی

و إن یروا .. یقولوا سبحان

آنچه حقیقتاً پاره های عذاب را در چشم کافران تکه های متراکم ابر جلوه می دهد، لجاجت و حق ستیزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۴

۴ - ناباوری به معاد ، زمینه ساز پیدایش و رشد عقاید خرافی و انحرافی در دین

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى

از این که عدم ایمان به آخرت، موضوع برای عقاید انحرافی و خرافی مشرکان قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۹ - ۲

۲ - دنیامداری و پندارگرایی ، مانع اصلی نفوذ تبلیغ پیامبر (ص) در مشرکان

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ .. إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ ... فَأَعْرَضَ عَنِ مَنْ تَوَلَّى

از فای تفریع در <فأعرض>، استفاده می شود که بی اعتقادی مشرکان به آخرت و نیز اتکای آنان بر حدس و گمان، موجب شده بود که آنان قابلیت خود را برای تأثیرپذیری از رهنمودهای پیامبر(ص)، از دست بدهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۳۱

احکام دین و انطباق آن با مصالح واقعی بشر، از عوامل عدم پابندی به آن *

ذلکم حکم الله .. و الله علیم حکیم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پس از بیان حکم الهی، برای تأکید بیشتر بر اهمیت این حکم و پابندی مؤمنان به آن، موضوع علم و حکمت صادرکننده آن حکم تذکر داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۹

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلا خساراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۵

۵ - رفاه و قدرت اقتصادی، از زمینه های حق ناپذیری و دین گریزی

و المکذبین أولی النعمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۴

۴ - هواهای نفسانی، مانع پذیرش حقایق دینی و ایمان و اذعان به آن

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - علاقه و دل بستگی به دنیا، از علت های کفر به قیامت و پرسش های انکارآمیز کافران درباره معاد

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أتیان یوم القیمه ... کلاً بل تحبون العاجله

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه مرتبط با آیه ۵ و ۶ همین سوره (بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل
أیان یوم القیامه) باشد.

۲ - نقدطلبی و نداشتن دورانیشی

، ریشه دلبستگی به دنیا و رها کردن آخرت

كَلَّا بِلْ تَحَبُّونَ الْعَاجِلَةَ

کاربرد واژه <عاجله> (از ماده <عجله>) به جای <الدنيا> می رساند که نقد بودن متاع دنیا و امکان دستیابی سریع تر به آن، نقش عمده ای در دنیاخواهی و آخرت گریزی کافران دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۵

۵ - باور نداشتن معاد ، زمینه ساز انکار تعالیم الهی و آموزه های دینی است .

لا یرجون حسابًا . و کذبوا بایتنا کذابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۵ - ۳

۳ - ثروت و امکانات مادی ، زمینه ساز بازماندن از تلاش برای درک معارف الهی و غافل سازنده انسان از عاقبت خویش *

أَمَا مِنْ اسْتغْنَى

مراد از <استغناء> ممکن است داشتن مال و ثروت باشد. در این صورت به قرینه <جاءك یسعی و هو یخشی> در توصیف جبهه مقابل می توان گفت ثروتمندان در معرض ترک حضور در مجالس دینی و خودداری از تلاش برای آموختن دین و دچار محرومیت از خشیت هستند.

ابتلاى جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۵

۵ تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول ، مایه بروز فتنه هایی فراگیر و نزول عذابی شدید بر تمامی جامعه ایمانی

إذا دعاكم لما یحییکم .. و اتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه

از مصادیق مورد نظر برای ستمکاری (ظلموا)، به قرینه آیه قبل، تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول است.

ابتلائات جامعه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ گرفتاری های جوامع انسانی ، کیفر اعمال ناشایست خود آنان است .

فأخذنهم بما كانوا يكسبون

ابتلائات جامعه بی تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۶

۶ گرفتار ساختن جوامع کفرپیشه و بی تقوا به سختی ها و محنت ها برای روی آوردن آنان به خداوند از سنت های الهی است .

و ما أرسلنا .. أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء لعلهم يضرعون

اتحاد جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۴

۴ حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة و البغضاء

اجرت کارگزاران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ کارگزاران حکومت و ارائه کنندگان خدمات به جامعه اسلامی ، دارای استحقاق دریافت اجرت در قبال عمل خویش

إنما الصدقت للفقراء .. و العملین علیها

برداشت فوق بدین احتمال است که استحقاق اجرت در برابر کار، اختصاص به کار جمع آوری صدقات نداشته باشد؛ بلکه تمامی کارگزاران حکومت، مستحق دریافت اجرت باشند.

اجل جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۱

۱- هلاکت و نابودی هر جامعه انسانی، دارای قانون و اجلی مکتوب و معین

و ما أهلكنا من قبله إلا و لها كتاب معلوم

احتجاج

رهبران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی از بصیرت و بینایی و داشتن حجت روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه سبیلی أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بصیره أنا

احسان به جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۱

۲۱ همه حرکت های دینی ، حتی مبارزه و جهاد ، در راه سازندگی و احسان به جامعه بشری است .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصة فی سبیل اللّٰه . . . إن اللّٰه لا یضیع أجر المحسن

اختلاف جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۹

۹ اختلاف و نزاع در جامعه ایمانی بر سر دنیا و غنایم آن ، به دور از شأن مؤمنان واقعی

یسئلونک عن الأنفال . . . إنما المؤمنون ... و جلت قلوبهم ... و علی ربهم

بیان ویژگیهای یاد شده پس از اشاره به اختلاف و نزاع مسلمانان بر سر غنایم جنگی، اشاره به این دارد که رسیدن به مقام بلند ایمان، آدمی را از شیفتگی به مال دنیا و متأثر شدن از آن و در نتیجه نزاع کردن بر سر آن، باز خواهد داشت.

ادیان و جامعه قدرتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۴

۱۴ به وجود آوردن جامعه های نیرومند و توانا ، از هدف های پیامبران وادیان الهی است .

و یزدکم قوه إلی قوتکم

ارزش

خدمت به جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۳

۳ ارزش والای خدمت به جامعه

من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس

استفاده از جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۳

۳ - بهره بردن از مزایای جامعه اسلامی و به کنار نشستن به هنگام دشواری ها و سختی ها ، از ویژگی های منافقان است .

و إذا أظلم عليهم قاموا

استقلال جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۶

۳۶- جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلاق

کز ع أخرج شطه فازه فاستغلظ فاستوی علی سوجه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است از: <استغلظ> (استحکام)، <استوی علی سوجه> (استقلال) و <یعجب الزراع> (زاینده گی و خلاقیت).

استهزای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴ - ۶

۶ - استهزای مسلمانان و به تمسخر گرفتن جامعه ایمانی ، هدف منافقان در تظاهر به اسلام

قالوا ءامنا .. إنما نحن مستهزءون

اسرار جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۵

۵ افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم (ص) و مؤمنان است .

لاتخونوا الله و الرسول

شان نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی

جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

اسلام شناس در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۸

۸ هر جامعه و قومی نیاز به اسلام شناس و فقیه و مبلغی برخاسته از میان خودشان دارد .

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین و لینذروا قومهم

اسلام و جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۱۳

۱۳ مناسبات تنگاتنگ میان احکام و قوانین فردی اسلام با مصالح جامعه

فکفرته اطعام عشره مسکین . . . او تحریر رقبه

اصالت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ تأثیر عقاید و اعمال امت ها در تحولات اجتماعی آنان

ذلک بأن الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۷

۷ هر جامعه ای ، جدا از افرادش ، دارای حقیقتی مستقل و از مرگ و زندگی ویژه برخوردار است .

لکل أمة أجل

اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۲۰

۲۰ قوانین الهی ، برای اصلاح و پاکسازی خانواده و جامعه

فلا تعضلوهنَّ ان ینکحن . . . ذلکم ازکی لکم و اطهر و اللّٰه یعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران

۷ اصلاح جوامع بشری ، مسؤولیت جامعه اسلامی

کنتم خیر أمه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

۹ نظارت همگانی و اصلاح جوامع (امر به معروف و نهی از منکر) ، نگهدار ایمان به خداوند *

کنتم خیر أمه أخرجت للناس تأمرون . . . و تؤمنون بالله

تقدم <امر به معروف و نهی از منکر> در آیه شریفه بر <ایمان>، علی رغم تقدم ذاتی ایمان بر آنها، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۵

۱۵ اصلاح امور جامعه بنی اسرائیل از دستورالعمل های موسی به برادر و خلیفه خود هارون

و أصلح

چون فرمان به اصلاح پس از انتخاب هارون به سرپرستی بنی اسرائیل آمده است، معلوم می شود مراد، اصلاح امور اجتماعی، فرهنگی و . . . بنی اسرائیل است، نه درستکاری هارون در امور شخصی خودش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ تلاش برای اصلاح جامعه و نهی از منکر ، امری لازم بر عهده همگان

قالوا معذرة إلی ربکم و لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۴، ۲۱

۲۱ شعيب (ع) تا حد توان و استطاعتش در اصلاح جامعه کوشید و با فساد مبارزه کرد .

إن أُرید إلاّ الإصلاح ما استطعت

حرف <ما> در <ما استطعت> ظرفیه مصدریه است، یعنی، به معنای مدت و زمان می باشد و فعل پس از خود را به تأویل مصدر می برد. بنابراین <إن

أريد... > یعنی: >مده استطاعتی الإصلاح ما أريد إلا الإصلاح<؛ من در مدت و زمانی که توان اصلاح امور را دارم به جز اصلاح امور را نخواهم خواست.<

۲۴ شعب (ع) ، موفقیت خویش در اصلاح جامعه را ، در گرو امداد الهی می دانست .

إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت و ما توفیقی إلا بالله علیه توکلت

>توفیق< در آیه شریفه ، مصدر مجهولی است که به نایب فاعلش (یای متکلم) اضافه شده است و >باء< برای استعانت است. بنابراین >و ما توفیقی...<؛ یعنی ، تنها به کمک خداوند بر انجام کارهای خیر ، موفق خواهم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۲ - ۶،۷

۶- اصلاح جامعه و از میان بردن فساد ، از اهداف صالح (ع)

و أطيعون . و لا تطيعوا أمر المسرفين . الذين يفسدون في الأرض و لا يصلحون

۷- اصلاح جوامع بشری و از میان بردن فساد ، از اهداف مهم پیامبران است .

و أطيعون . و لا تطيعوا أمر المسرفين . الذين يفسدون في الأرض

اصلاح در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۱۵

۱۵ تلاش برای اصلاح بین مسلمانان و رعایت تقوا ، زمینه برخورداری از غفران و رحمت الهی

و إن تصلحوا و تتقوا فإن الله كان غفوراً رحيماً

اصول رابطه اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۷

۷ حرمت ایجاد روابط دوستی با کسانی که حتی برخی از احکام و شعایر دین را به بازی

گرفته و مورد تمسخر قرار می دهند . *

لاتتخذوا الذین . . . و إذا نادیتم إلى الصلوة اتخذوها هزواً و لعباً

تحریم دوستی با استهزا کنندگان نماز پس از تحریم دوستی با استهزا کنندگان دین، می تواند گویای این نکته باشد که تمسخر هر یک از احکام اسلام، مصداق استهزای دین است و همان حکم (حرمت ایجاد روابط) را در پی خواهد داشت.

اضرار به جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۷

۷ آسیب رساندن به جامعه اسلامی ، در رأس آرمان ها و اهداف منافقان و کافران

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً

برداشت فوق با توجه به این است که در رأس همه اهداف <ضراراً> مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً . . . و إرصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

اعراض از جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۲

۲ مسلمانان بریده از جامعه اسلامی و رویگردان از هجرت ، منافق و کافرند .

فما لكم فی المنافقین . . . كما كفروا

اعراض از جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۱۰، ۶

۶ بریدن از جامعه ایمانی و سر باز زدن از هجرت ، نشانه نفاق و بی ایمانی است .

فلا

تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

۱۰ لزوم تعقیب و کشتن منافقان ، در صورت سر باز زدن آنان از هجرت در راه خدا و پیوستن به جامعه ایمانی

فان تولّوا فخذوهم و اقلّوهم حیث وجدتموهم

افساد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۷

۷ کشاندن جامعه به فساد و تباهی ، از گناهان کبیره

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل .. و لا تقتلوا انفسکم ... ان تجتنبوا کبائر ما

افساد در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۸

۲ محاربین در صورت فسادانگیزی در جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید)

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله .. او ینفوا فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که واو عاطفه در <و یسعون> و او جمع باشد. یعنی حد ذکر شده از آن محاربی است که فسادگر باشد. تکرار نشدن <الذین> در <یسعون> مؤید این معناست.

۸ تلاش برای فساد و تباهی جامعه ایمانی ، ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) است .

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

برداشت فوق بر این مبناست که <واو> در <و یسعون> تفسیریه باشد. یعنی فسادگری در جامعه ایمانی، مصداقی از محاربه با خدا و رسول است.

اقدامات امنیتی در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۵

۵ رهبران جامعه باید احراز

کنند که بیگانگان وارد شده به قلمرو حکومتی آنان ، خرابکار و فسادگر نیستند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

امتحان جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۵

۵ - کشته شدن راه خدا ، وسیله ای برای آزمون جامعه ایمانی هستند .

و لنبلونکم بشیء .. و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرت

مصدق مورد نظر برای <نقص الأنفس> - به قرینه آیات قبل - کشته شدگان راه خداست.

امتحان رهبران جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - لزوم آزمون و احراز شایستگی افراد ، قبل از انتخاب آنان برای مدیریت و رهبری جامعه

و إذ ابتلی إبرهیم ربه بکلمت فاتمهن قال إنی جاعلک للناس إماماً

امنیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۸،۹

۸ وعده خداوند به مصونیت جامعه ایمانی از آسیب مشرکان مکه در صورت شرکت مسلمانان در جنگ بدر (بدر صغرا)

فقاتل .. و حرّض المؤمنین عسی الله ان یکفّ بأس الذین کفروا

۹ جهاد ، مایه مصونیت جوامع ایمانی از گزند کافران و مشرکان

حرّض المؤمنین عسی الله ان یکفّ بأس الذین کفروا

امنیت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۵

۵ جامعه ایمانی به دور از هر گونه شرک و ظلم، از خشم و عذاب خداوند در امان است.

فأى الفريقين أحق بالأمن .. الذين ءامنوا

... أولئك لهم الأمن

چون در آیه قبل از موحدان و مشرکان به عنوان دو گروه یاد شده و در این آیه نیز از موحدان با صیغه ها و ضمائر جمع یاد شده، چنین برمی آید که امنیت از آن جامعه با هویت جمعی آن است، گر چه آحاد نیز مشمول آن باشند.

انبیا و اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۸، ۲۵، ۱۸، ۱۳، ۱۱

۱۱ جامعه بشری، نیازمند بعثت پیامبران برای حل اختلافات (هدایت جامعه)

فبعث الله النبيين... ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه

۱۳ حکومت، داوری و حل اختلافات مردم، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

۱۸ اتحاد و تشکل جوامع بشری، از اهداف پیامبران و ادیان الهی

فبعث الله... و أنزل... ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه

۲۵ ارتباط نزدیک میان محتوای تعالیم انبیا و مشکلات مردم

و أنزل معهم الكتاب ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه

۲۸ سرکشی و ظلم (بغی) عالمان دین، مانع تحقق اهداف انبیا (اتحاد مردم بر اساس دین حق)

و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغياً بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۷

۷ وظیفه رسولان الهی، راهنمایی و پیام آوری است و وظیفه مردم، پیمودن آن راه بر اساس پیام های آن رسولان

و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات

محمّد .. >، تعیین کننده وظیفه رسولان الهی (پیام آوری) است و جمله <افائن مات ... >، تعیین کننده وظیفه مردم است که باید همواره (چه رسولان در میانشان باشند و یا نباشند) پایبند به آن پیامها باشند.

انبیا و جامعه قدرتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۴

۱۴ به وجود آوردن جامعه های نیرومند و توانا، از هدف های پیامبران وادیان الهی است .

و یزدکم قوه إلی قوتکم

انحطاط جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ یادآوری وضعیّت نابهنجار یک جامعه در هنگام رکود و انحطاط، از روش های تربیتی قرآن در تصحیح حرکت آن جامعه

و اذ غدوت من اهلک .. و اذ همّت طائفتان ... و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

انحطاط معنوی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۷

۷ تخلف جوامع از فرامین خدا، موجب سقوط معنوی آن جوامع و زمینه ساز گرفتاری آنان به عذاب دنیوی (عذاب استیصال).

و لاتتبعوا .. و کم من قریه أهلکنها

برداشت فوق بر این اساس است که <فاء> در <فجاءها> بیانگر ترتیب باشد. بر این مبنا مراد از هلاکت، هلاکت معنوی خواهد بود. یعنی جوامعی در گذشته منحرف شدند و پس از آن گرفتار عذاب الهی گشتند.

انذار جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۳

۱۳ انذار جامعه ، از هدف های اصلی و

محور تفقه در دین است .

لیتفقها فی الدین و لینذروا قومهم

اولیاء الله و جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۳

۳ - محیط آلوده به انحراف و فساد ، غیرقابل تحمل برای مردان خدا

رَبِّ نَجْنِي و أَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

اهتمام به رفع گرسنگی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۴ - ۶

۶ - اهتمام شدید اسلام ، به رفع گرسنگی در جامعه و تغذیه بینوایان

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ . و لَا يَحْضُرُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ

از این که تکلیف تغذیه بینوایان و گرسنگان، در ردیف ایمان به خدا و به عنوان عامل عذاب الهی قرار گرفته است؛ می توان به حقیقت یاد شده پی برد.

اهداف جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۳

۱۳ نقش مؤثر حضور دسته جمعی ، در پیشبرد اهداف

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير . . . و اولئك هم المفلحون

<اولئك هم المفلحون>، یعنی: هم المفلحون فیما قصدوا، که قصد آنها، همان دعوت به خیر است. گفتنی است که حضور دسته جمعی، از واژه <امّه> استفاده شده است.

اهل کتاب در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۸

۸ - حق سکونت و زندگی اهل کتاب در جامعه اسلامی ، مشروط به عدم ستیزه جویی و معارضه با حاکمیت اسلام است .

هو الذی أخرج الذین کفروا من أهل الکتاب .. ذلک بأنهم شاقوا لله ورسوله

از تعلیل > ذلک

بأنهم... < استفاده می شود که اگر یهود بنی نضیر، به معارضة با خدا و حکومت پیامبر(ص) نمی پرداختند، محکوم به تبعید نمی شدند و همچون گذشته در کنار مسلمانان زندگی می کردند.

اهمیت اتحاد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۰، ۱۶

۱۰ ایجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه ، در عین برخورداری از رفاه و آسایش ، کفران و ناسپاسی نعمت های خداوند است .

و لقد بؤأنا بنی إسرءیل مَبوءاً صدق .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۱۶ ایجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه از روی عمد ، دارای کیفر اخروی است .

إن ربك یقضی بینهم یوم القیمه فیما كانوا فیه یختلفون

اهمیت اصلاح اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۱

۱۱- لزوم اصلاح جامعه بشری ، بر مبنای عدالت و اکتفا نکردن به خودسازی

و من یأمر بالعدل و هو علی صرط مستقیم

برداشت فوق، برای این است که خداوند در عین اهمیت دادن به خودسازی با بیان <و هو علی صرط مستقیم>، موضوع دعوت به عدل و اصلاح جامعه را مطرح فرمود و حتی آن را مقدم آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۸

۸ - نخستین وظیفه مبلغان دینی ، پرداختن به هدایت و اصلاح جامعه خویش

لتندر أمّ القری و من حولها

از این که انذار <أمّ القری> به عنوان اولین وظیفه پیامبر در آیه مطرح شده، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

اهمیت اصلاح جامعه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۶

۶ اصلاح جامعه و حفظ کشاورزی و نسل ، از ویژگی های حکومت صالح

و اذا تولى .. ليفسد فيها و يهلك الحرث و النسل

از اینکه خداوند، فساد و ... را از کارهای حکومتی منافقان می داند؛ معلوم می شود که در حکومت صالحان، چنین اعمالی نباید باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۳، ۱۲، ۵

۵ ایمان به خدا و اصلاح جامعه (امر به معروف و نهی از منکر) ، دو عامل رُشد جوامع انسانی

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون .. و تؤمنون بالله

رشد و تکامل جوامع از مصادیق خیر است و آیه فوق، خیر بودن امت را منوط به ایمان و اصلاح اجتماع (امر به معروف و نهی از منکر) کرده است.

۱۲ اصلاح جوامع بشری ، هدف مشترک جامعه آرمانی اسلام

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

با توجه به واژه <أمّه> که در لغت به معنای گروه دارای هدف و مقصد مشترک است، مطلب فوق استفاده می شود.

۱۳ اصلاح جوامع بشری ، فلسفه ای برای ظهور ادیان

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

حرف <لام> در <لنناس>، بیانگر رعایت و فلسفه ظهور دین است و جمله <خیر امه .. >، دلالت دارد که همه ادیان عهده دار رسالت اصلاح بشر بوده اند که از میان آنها، امت اسلامی بهترین امت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ -

۱۳ ایجاد خوشبینی و اصلاح بین مردم حتی با سخن دروغ ، عملی پسندیده

لا خیر فی کثیر من نجوبهم الا .. اصلح بین الناس

امام صادق(ع) درباره <اصلاح بین الناس> فرمود: تسمع من الرجل کلاماً یبلغه فتحبث نفسه فتلغاه فتقول سمعت من فلان قال فیک من الخیر کذا و کذا خلاف ما سمعت منه.

کافی، ج ۲، ص ۳۴۱، ح ۱۶، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۰، ح ۵۶۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۲۰

۲۰ اصلاح امور اجتماعی مردم و پرهیز از پیروی از افکار مفسدان ، از وظایف مهم انبیا و رهبران الهی است .

و أصلح و لا تتبع سبیل المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ لزوم اهتمام مؤمنان به اصلاح جامعه و تأمین نیازهای معیشتی آنان ، همپای اهتمام به تکالیف عبادی و فردی

و المؤمنون .. یا مرون بالمعروف ... و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

امر به معروف و نهی از منکر، در راستای اصلاح جامعه و پرداخت زکات در جهت تأمین نیازهای مالی مؤمنان و اقامه نماز از عبادات فردی انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۵

۵ - وظیفه پیامبران در مراحل نخست ، اصلاح جامعه است ؛ نه محاکمه مردم بر اعمال جاهلانه گذشته شان .

إن حسابهم إلا علی ربی لو تشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۴ - ۲

۲ - لزوم پرداختن به

اصلاح نزدیکان خود، قبل از اقدام به اصلاح جامعه و تودهای مردم

فلاتدع مع الله .. و أنذر عشیرتک الأقرین

با توجه به این که رسالت پیامبر(ص) جهانی است ولی در این آیات خداوند نخست انذار بستگان را فرمان داده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۷

۷ - انسان متعهد، علاوه بر پرداختن به خود، باید به اصلاح دیگران نیز همت بگمارد.

بینی أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۹

۹ - اصلاح جامعه در کنار اصلاح خویشان، ضرورتی اجتناب ناپذیر در ثمربخشی وجود انسان

لفی خسر. إلا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

اهمیت اعراض از جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۹ - ۴

۴ - لزوم دوری جستن از محیط فساد، در صورت یأس از اصلاح آن

ربّ نجنی و أهلی ممّا یعملون

اهمیت امنیت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ اجرای حدود الهی ، روشی برای مبارزه با فساد اجتماعی و پاسداری از امنیت جامعه

انما جزؤا الذين يحاربون الله و رسوله و يسعون في الارض فساداً ان يقتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۳

۱۳ برخورداری جوامع از امنیت و نبود هراس برای

تأمین معیشت ، امری مطلوب از دیدگاه قرآن و پیامبران

قال ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

اهمیت امور اقتصادی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۳

۱۳ دانش و امانت داری ، شرط تصدّی امور مالی جامعه

اجعلنی . . . إنی حفیظ علیم

اهمیت پاکی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۰

۱۰ تطهیر و تکامل روحی و معنوی جامعه ، هدف اصلی برنامه های اجتماعی و اقتصادی اسلام است .

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۴

۴ - سلامت و پاکی مردم در جامعه از فحشا و انحرافات جنسی ، مورد اهتمام دین اسلام است .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه . . لهم عذاب ألیم

تعیین کیفر سخت دنیوی و اخروی برای اشاعه دهندگان فحشا در جامعه حاکی از آن است که اسلام برای سلامت و پاکی جامعه اسلامی ، بسیار اهمیت قائل است .

اهمیت تأمین نیازهای جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ لزوم اهتمام مؤمنان به اصلاح جامعه و تأمین نیازهای معیشتی آنان، همپای اهتمام به تکالیف عبادی و فردی

و المؤمنون .. یأمرون بالمعروف ... و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

امر به معروف و نهی از منکر، در راستای اصلاح جامعه و پرداخت زکات در جهت تأمین نیازهای مالی مؤمنان و اقامه نماز از عبادات فردی انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۴

۴ اهمیت حفظ نظم اجتماعی و عدم اخلال در مسایل و نیاز های ضروری جامعه

و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند از روی آوردن همه مردم به یک وظیفه (جهاد) و معطل گذاردن سایر امور و وظیفه ها چون کسب دانش دین منع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۳

۱۳ کتمان دانش به ویژه در هنگام نیاز جامعه به آن ، امری به دور از شأن انسان های پاک و نیکوکار

قال تزرعون .. إلا قليلاً مما تأكلون

اهمیت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۰ - ۲

۲- فرستادن انبیا از جانب خداوند ، برای جوامع و امتهاست نه افراد . *

و لقد أرسلنا من قبلك في شيع الأولين

ذکر <شيع> در جمله، در حالی که بدون آن هم معنا تمام بود، مشعر به نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۴، ۱۰

۱۰- اهتمام اسلام به سالم سازی روابط اجتماعی انسان ها و تحکیم بخشیدن به آن و پاک سازی جامعه از فحشا ، بزهکاری ، ستم و سرکشی

إن الله يأمر بالعدل والإحسن و... و ينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى

۱۴- مردم ، در قبال مسائل جامعه خویش چون : بی عدالتی ، فحشا ، بزهکاری ، ستم ، فقر

و نیازمندی های اقتصادی مردم ، مسئولند .

إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذی القربى وینهى عن الفحشاء والمنکر و

اهمیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۷

۷ اهمیت خاص ایجاد جامعه واحد اسلامی در لوای رهبری الهی *

و من یرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۶

۶ جامعه اسلامی و مصالح ملی آن ، دارای حرمتی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله و الرسول

اهمیت جامعه شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۷

۷ اهمیت و ارزش جامعه شناسی و دقت در تحولات و حوادث تاریخی

فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

اهمیت حفظ نظام اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ لزوم توجه به پیامد های یک حکم و پیش بینی و تدارک تنش های اقتصادی اجتماعی آن *

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام .. و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله

خداوند در این آیه، پس از بیان حکم ممنوعیت ورود مشرکان به مسجدالحرام، بلافاصله به پیامد اقتصادی آن برای مسلمین اشاره فرموده و با وعده به تدارك خسارت، این مشکل را حل کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۴

۴ اهمیت حفظ نظم اجتماعی و عدم اخلال در مسایل

و نیازهای ضروری جامعه

و ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند از روی آوردن همه مردم به یک وظیفه (جهاد) و معطل گذاردن سایر امور و وظیفه ها چون کسب دانش دین منع کرده است.

اهمیت رفع مشکلات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- مردم ، در قبال مسائل جامعه خویش چون : بی عدالتی ، فحشا ، بزهکاری ، ستم ، فقر و نیازمندی های اقتصادی مردم ، مسؤولند .

إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذی القربى وینهى عن الفحشاء والمنکر و

اهمیت رفع مشکلات اقتصادی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۹ - ۴

۴ - اهتمام دین به مسائل اجتماعی و رفع خلأ های اقتصادی جامعه ، همپای تعالی بخشیدن به معنویات و پرداختن به مسائل فردی

و بالأسحار هم یستغفرون . و فی أموالهم حقّ للسائل والمحروم

اهمیت رهبری جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - لزوم آزمون و احراز شایستگی افراد ، قبل از انتخاب آنان برای مدیریت و رهبری جامعه

و إذ ابتلی إبرهیم ربه بکلمت فاتمهن قال إنی جاعلک للناس إماماً

اهمیت سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۴

۴ - سلامت و پاکی مردم در جامعه از فحشا و انحرافات جنسی ،

مورد اهتمام دین اسلام است .

إِنَّ الدِّينَ يَجُوبُ أَنْ تُشِيعَ الْفَحْشَةُ .. لَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

تعیین کیفر سخت دنیوی و اخروی برای اشاعه دهندگان فحشا در جامعه حاکی از آن است که اسلام برای سلامت و پاکی جامعه اسلامی، بسیار اهمیت قائل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - هدف الهی از بعثت پیامبران، ایجاد جوامع سالم، رشید و بالنده است.

لقد أرسلنا رسلنا .. ليقوم الناس

<قیام> (مصدر <يقوم>) به معنای ایستادن است. در این جا در معنای سلامت و صلاح به کار رفته است.

اهمیت فرهنگ جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۱، ۹

۹ اهتمام اسلام به تقویت مبانی فرهنگی دینی جامعه همپای جنگ و جهاد

فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا في الدين

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند پس از ترغیب مکرر مؤمنان به شرکت در جهاد و تحذیر آنان از تخلف، در این آیه طلب فقاقت را ضروری شمرده و طالبان فقاقت را از شرکت در جنگ معاف کرده است.

۱۱ تحصیل کنندگان دانش دین، معاف از شرکت در جنگ در صورت نیاز جامعه به دانش آنان و عدم نیاز جدی به حضورشان در جنگ

ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليفقهوا في الدين

اهمیت قدرت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب

از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

اهمیت مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۷

۷ حرمت ماه های چهارگانه ، در راستای مصالح جامعه و مایه قوام و استواری آن

منها أربعه حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم

اهمیت مصونیت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۲

۲ - وضع کیفر سخت (عذاب دردناک) ، به منظور جلوگیری از آلوده شدن جامعه ایمانی به مفسد اخلاقی و فحشا ، جلوه ای از فضل و رحمت خداوند به امت اسلامی

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَحْشَةُ .. لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ... و لولا فضل الله عليكم و

اهمیت هجرت از جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۹ - ۹

۹ - هجرت از محیط اجتماعی ناسالم و نامساعد برای هدایت و ابلاغ دین به جامعه ای مستعد ، امری لازم برای مبلغان دین و دین داران مجاهد

و قال إني ذاهب إلى ربّي سيهدين

اهمیت هوشیاری جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۹

۹ لزوم هشیاری همیشگی جوامع اسلامی ، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولکم من الأعراب

ایمان جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۶

۶ جامعه اسلامی صدر اسلام پس از نایل شدن به مراحل عالی ایمان

، به تنزل در درجات ایمانی گرایید .

علم أن فيكم ضعفا

برهنگی در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ برهنگی و بی حیایی جوامع بشری نشانه نفوذ شیطان و سلطه وی بر آنان است.

لا يفتننكم الشيطان .. يتزع عنهما لباسهما ليريهما سوءتهما

بصیرت رهبران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی از بصیرت و بینایی و داشتن حجت روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه سبيلي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا

بی تفاوتی در مشکلات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - فروهستن مسؤولیت های دینی و بی تفاوتی در برابر مشکلات جامعه ، بی تقوایی است .

فَأَصْلِحُوا .. وَ اتَّقُوا اللَّهَ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر به وظایف یاد شده در صدر آیه عمل نشود و مؤمنان خود را در قبال دیگر برادران ایمانی مسؤول ندانند، تقوا را رعایت نکرده اند.

بینش جامعه دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۵ - ۵،۶

۵- جامعه اصحاب كهف ، فاقد هرگونه دليل و برهان بر عقايد شرك آلود خویش بودند .

هؤلاء قومنا .. لولا یأتون علیهم بسلطن بین

۶- بی منطقی در عقیده و سستی اندیشه ، بزرگ ترین مشکل جامعه اصحاب كهف از دیدگاه خود آنان

اتخذوا من دونه ءالهه لولا یأتون علیهم

بسلطن یّین

پاسداری از ایمان جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۹

۹ مؤمنان وظیفه دار پاسداری از حریم ایمان جامعه خویش

یا ایها الذین ءامنوا علیکم انفسکم

<انفس> می تواند ناظر به هر فرد نسبت به خودش باشد و می تواند به هر فرد نسبت به فرد و یا افراد دیگر باشد. همانند (فسلموا علی انفسکم، نور ۶۱) بر این مبنا <علیکم انفسکم> یعنی مراقب ایمان یکدیگر باشید.

تأثیر پذیری از جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۴

۴- جوّ اجتماعی و جبر محیطی، عذری پذیرفته شده برای توجیه رنگ پذیری از جامعه نیست.

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

بیان گرایش اصحاب کهف به توحید و ایمان آنان در محیطی سراسر کفر، اشاره به این نکته دارد که انسان ها می توانند از محیط، رنگ پذیرفته، بلکه در مسیر حق، برخلاف جریان عمومی جامعه، حرکت کنند.

تأمین مصالح جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۵

۵- ادیان الهی، در جهت تأمین خیر و صلاح جامعه بشری است.

الذین کفروا... بما کانوا یفسدون

بازگشت معنای <افساد> به این است که: انسان خیری را از میان ببرد و یا از تحقق خیری مانع شود. بنابراین مبارزه ادیان

الهی با مفسدان، در حقیقت دفاع از خیر و صلاح در جامعه است.

تأمین منافع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۲

۱۲- منافع همه طبقات جامعه ، حتی

ثروتمندان ، در گرو انفاق و نوعی تعدیل ثروت *

تدعون لتنفقوا .. و الله الغنی و أنتم الفقراء

تعبیر <و أنتم الفقراء> ممکن است هم شامل نیاز انسان به پاداش الهی و هم شامل نوعی نیاز طبیعی و اجتماعی انسان ها باشد. یعنی، اصولاً جامعه بدون انفاق، دوام نمی یابد و تشریح انفاق از سوی خداوند، در واقع تضمینی بر ثبات و پایداری جوامع بشری است.

تأمین نیازهای جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۵

۵ - ارتباط اهل ایمان با خدا و تأمین نیازهای جامعه ، فراهم کننده شرایط و زمینه های وعده خداوند (فرمان به مبارزه با توطئه گران)

فاعفوا و اصفحوا حتی یأتی الله بأمره .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۵

۵ نیایش به درگاه الهی ، برای تأمین نیازهای جامعه امری پسندیده و ارزشمند

قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا أنزل علینا مائده من السماء .. و ارزقنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳ - ۴

۴ مؤمنان راستین همواره احیاگر ارزش های معنوی و برطرف کننده نیازهای مادی جامعه

الذین یقیمون الصلوه و مما رزقنهم ینفقون

اقامه نماز می تواند به عنوان نمونه ای بارز از احیای امور معنوی یاد شده باشد. فعل مضارع <یقیمون> و <ینفقون> حاکی از استمرار اقامه نماز و انفاق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶

۸- مسلمانان در قبال مسائل و نیاز های جامعه خویش ، مسؤولند .

و اءات .. و المسكين و ابن السبيل

تأمين نيازهاي جامعه اسلامي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۱

۱ - انفاق و رفع نيازهاي جامعه اسلامي وظيفه اي بر عهده اهل ايمان

و أنفقوا

تأمين نيازهاي جامعه ديني

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ رفع نيازهاي جامعه ايماني از سوي خود مسلمانان ، منشأ تشريع خمس ، نه ناتواني خداوند بر تأمين آن نيازها

و اعلموا أنما غنمتم من شيء .. و الله على كل شيء قدير

تجاوزگري جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - شوري - ۴۲ - ۱۴ - ۵

۵ - فزون طلبی و تجاوزگري ، آفت شایع و رایج در میان جوامع انساني

و ما تفرقوا إلا .. بغيا بينهم

از اين كه تمامی پیروان ادیان پیشین به واسطه تجاوزگري دچار اختلاف شده اند، شیوع و رواج آن استفاده می شود.

تحولات جامعه هنگام خواب اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۰

۲۰- جوامع پدید آمده در طول خواب چندین ساله اصحاب کهف ، در عقاید خویش ، دستخوش تحولات مهمی شده بودند .

إذ يتنزعون بينهم أمرهم

در جامعه ای که اصحاب کهف از آن کناره گیری کردند، طبقه حاکم مشرکانی بودند که در صدد نابود ساختن موحدان برآمده بودند؛ ولی در عصر بیداری آنها اعتقاد به معاد و بحث و مناظره درباره

آن، در میان مردم رواج کامل داشت و جو حاکم به سود مؤمنان بود.

تحولات در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۸

۲۸ حاکمیت اذن الهی، بر تحولات اجتماعی

کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيرة باذن الله

پیروزی بر دشمنان و در نتیجه حاکمیت دین الهی، یک تحول اجتماعی است که تحت اراده و حاکمیت الهی (باذن الله) انجام می پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۹

۱۹ دفع تجاوزها، تنها راه جلوگیری از فسادهای فراگیر در زمین

و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۹

۱۹ حاکمیت اراده الهی بر افعال اختیاری انسان و تحولات اجتماعی تاریخی

و لو شاء الله ما اقتتل... و لكن الله يفعل ما يريد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۱۱

۱۱ خداوند، تنها محور جریان همه هستی و تمامی تغییرات و تحولات اجتماعی

یمددکم ربکم بخسمة الاف... و ما جعله الله الا بشری... و ما النصر الا من ع

چنانچه ملائکه نقش تعیین کننده ای نداشته باشند، بلکه نقش بشارتی آنان نیز به جعل خداوند باشد (و ما جعله الله ..) و تنها باید پیروزی از جانب خداوند اعطا شود، معلوم می شود که سررشته تمام امور به دست و خواست خداوند است و هیچ چیز نمی

تواند آدمی و جهان را از خدا بی نیاز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ نگرش توحیدی و خدا محوری به تاریخ و تحلیل حوادث بر اساس آن ، دیدگاه اسلام در فلسفه تاریخ

و لقد نصرکم اللہ بیدر و انتم اذله . . . یمددکم ربکم ... ليقطع طرفاً ... یغفر ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۲،۳،۴،۷،۱۰

۲ تحولات و تغییرات اجتماعی و تاریخی ، بر اساس قوانین و سنت های الهی *

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

۳ پیش بینی تحولات اجتماعی و واکنش های تاریخی ، بر اساس شناسایی قوانین و سنت های الهی حاکم بر آنها

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض

از آنجا که تحولات اجتماعی و تاریخی جوامع انسانی دارای قوانین ثابت هستند، با شناخت آن قوانین می توان تحولات اجتماعی آینده را پیش بینی کرد.

۴ ضرورت کند و کاو در تحولات و حوادث اجتماعی تاریخی برای شناسایی قوانین و سنت های حاکم بر جوامع

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

۷ اهمیت و ارزش جامعه شناسی و دقت در تحولات و حوادث تاریخی

فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

۱۰ جهانگردی و کاوش در حوادث و تحولات اجتماعی تاریخی ، راهی برای شناخت سنت های الهی

فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا... ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلک الایام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیت خویش دانسته است.

۱۰ شکست ها و پیروزی ها (تغییرات اجتماعی)، دارای گردش قانونمند و هدفدار

و تلک الایام نداولها بین الناس و لیعلم الله الذین امنوا و یتخذ منکم شهداء

جمله <و لیعلم الله...> و آنچه بر آن عطف شده، یعنی <یتخذ> و <لیمحص> و <یمحق>، اهدافی است که خداوند برای <نداولها> (گردش ایام و تغییرات اجتماعی) بیان داشته و فعل هدفدار، حکایت از قانونمندی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۱

۱۱ شکست ها و سختی ها، زمینه ساز پراکندگی جامعه از پیرامون رهبران خود، و مدارای ایشان با آنان از میان برنده آن زمینه هاست. *

فبما رحمہ من اللہ لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، که شکست نبرد احد و مشکلات ناشی از آن را مطرح ساخت، می توان نتیجه گرفت که شکست و مشکلات آن نبرد، زمینه پراکندگی مسلمانان را از پیرامون رسول خدا (ص)

فراهم ساخت و آنچه در این میان مانع از گسیختن مردم از پیرامون پیامبر (ص) شد، خُلق خوش و مدارای آن حضرت با مردم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۳

۳ جریان حوادث و امور عالم (شکست ها ، سختی ها و دشواری های مردمان) در حیطة اذن الهی

و ما اصابکم .. فباذن الله

تداوم جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۸

۸ سلامت و دوام جامعه ایمانی ، در گرو پاسداری از حریم ارزش های دینی در برابر فرهنگ کفر

علیکم انفسکم لایضركم من ضل إذا اهتدیتم

مراد از <ضرر> در <لایضركم> ممکن است ضرر معنوی بوده و اشاره به خطرهایی باشد که ایمان مؤمنان را تهدید می کند و ممکن است مراد آسیبهایی باشد که بنیه و توان جوامع مؤمن را تضعیف و یا نابود می سازد. برداشت فوق ناظر به دومین معناست.

تدبیر جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۱

۲۱ - تخفیف قانون قصاص (جواز تبدیل آن به دیه) در جهت تدبیر امور جامعه اسلامی است .

ذلک تخفیف من ربکم

برداشت فوق از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است، استفاده شده است.

تشویق به فقرزدایی از جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - کسانی که در تنگنای اقتصادی به سر می‌برند ، در صورت احترام به یتیمان

و ترغیب دیگران به فقرزدایی از جامعه، نزد خداوند گرامی بوده و از حقارت و خواری مبرا خواهند بود.

فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَن . كَلَّا بَلْ لَاتَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ . وَ لَاتَحْضُونَ عَلَي طَعَامِ الْمَسْكِينِ

تعاون در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۸

۸ انفاق و وفای به نذر، از عوامل ایجاد و بسط تعاون اجتماعی *

و ما انفقتم من نفقه او نذرتم من نذر .. و ما للظالمين من انصار

به نظر می رسد از مصادیق یاوران (انصار) همان مردمی باشند که از اموال انفاق کنندگان بهره مند می شوند؛ یعنی انفاق کنندگان و وفا کنندگان به نذر، برخوردار از یاری مردم هستند و نیز آنان، مددکار مردم و اجتماعند؛ بنابراین انفاق از عوامل بسط تعاون اجتماعی خواهد شد.

تقدم مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۴

۴ - تقدم مصالح جامعه بر مصلحت فرد

و لكم في القصاص حيوة يا اولي الألب

از اینکه قرآن قانون قصاص را - که مرگ و نابودی فرد در آن است - برای حیات جامعه مقرر کرده است، می توان به این نکته رسید که: از نظر قرآن مصالح جامعه بر مصلحت فرد مقدم است.

توطئه علیه جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۲

۲ - ضربه زدن به اهل ایمان و توطئه علیه آنان، از اهداف منافقان در اظهار ایمان

يخدعون الله و الذين ءامنوا

<خدع> به معنای پنهان کردن امری و اظهار کردن امری دیگر است

به منظور ضربه زدن و ایجاد ناگواری.

جامعه ابتدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۷، ۶، ۴، ۱

۱ وحدت و یگانگی انسان ها در جامعه ابتدایی

کان الناس امه واحده

۴ عدم تضاد منافع جوامع ابتدایی *

کان الناس امه واحده

با توجه به اینکه اختلافات انسانها غالباً از برخورد منافع آنان با یکدیگر برمی خیزد، از وحدت جوامع نخستین استفاده می گردد که آنان تضادی از نظر منافع نداشته اند.

۶ عدم بعثت پیامبر به سوی جوامع نخستین تا زمان پیدایش اختلاف بین آنها

کان الناس امه واحده فبعث الله النبيين .. ليحكم .. فيما اختلفوا

جمله <ليحكم بين الناس فيما اختلفوا>، بیانگر این معناست که قبل از بروز اختلاف در بین جوامع نخستین، پیامبری مبعوث نشده بود.

۷ بعثت پیامبران از سوی خداوند ، به دنبال بروز اختلاف در جامعه نخستین

کان الناس امه واحده فبعث الله النبيين .. ليحكم .. فيما اختلفوا فيه

جمله <ليحكم .. > بیان می کند که انبیا به هنگام بروز اختلاف در جوامع ابتدایی مبعوث شدند نه قبل از آن. بنابراین جمله <فاختلفوا> پس از <کان الناس ... > مقدر است.

جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۶

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم

مفهوم <فاذا بلغن .. > با توجه به خطاب در کلمه <علیکم> حاکی از مسؤولیت جامعه ایمانی در مورد جلوگیری از ازدواج زنان شوهر مُرده در زمان عده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۲

۱۲ لزوم رعایت شؤونات و ارزش افراد در جامعه اسلامی

متَّعوهنَّ .. بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۰

۱۰ حُسن رعایت حال غیر مسلمانان در جامعه اسلامی

لیس علیک هدیهم .. و ما تنفقوا من خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۷

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالک الملک .. لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۷

۷ اصلاح جوامع بشری ، مسؤولیت جامعه اسلامی

کنتم خیر أمّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۰ - ۷،۸

۷ ایمان جامعه اسلامی ، زیر بنا و اساس پذیرش قوانین الهی در اقتصاد

يا ايها الذين امنوا لا تأكلوا الربوا

مخاطب قرار دادن جامعه اسلامی با عنوان <يا ايها الذين آمنوا> و سپس نهی از رباخواری، اشاره به این حقیقت دارد که پذیرش حکم ربا، منوط به ایمان است.

۸ پرهیز از رباخواری در جامعه ایمانی، نشانه تقوای پیشگی آن جامعه است.

يا ايها الذين امنوا لا تأكلوا الربوا .. و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران

۵ توجه به سنت های الهی در فرجام شوم تکذیب کنندگان دین خداوند ، از میان برنده هر گونه حزن و اندوه و سستی از جامعه ایمانی

فسیروا .. فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین ... و لاتهنوا و لاتحزنوا

اگر جمله < و لا تهنوا .. > ، عطف بر جمله < فانظروا کیف ... > باشد، معنای این دو آیه چنین می شود: شما محزون نباشید، عاقبت تکذیب کنندگان آیات الهی (دشمن شما مسلمانان)، نابودی است.

۱۱ ایمان جامعه دینی ، موجب مسؤول گردیدن در جهت کوششی مستمر برای حاکمیت بر همه جوامع بشری

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

خداوند از مسلمانان خواسته که بر دیگران برتر باشند و انتم الاعلون. و از مصادیق بارز برتری، حاکمیت آنان و دینشان بر تمامی جهان است و این، در گرو ایمان واقعی است: ان کنتم مؤمنین. بنابراین ایمان واقعی، تحریک کننده آدمی به توانی مستمر (و لا تهنوا) برای حاکمیت بخشیدن به دین الهی بر تمام جوامع بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۸

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی ، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلک الایام ن

بنابر اینکه < فقد مسّ القوم > ، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست

و چه پیروزی) برخاسته از مشیت خویش دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۹

۹ پذیرش ولایت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او ، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردو کم علی اعقابکم فتقلبوا خاسرین. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

پیامد پذیرش ولایت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین پذیرش ولایت خداوند به قرینه مقابله آن با پذیرش ولایت کافران باعث رشد و سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۴

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۱،۲،۵

۱ خداوند ، جامعه ایمانی را به حالت مشخص نبودن خوبان از بدان رها نمی کند .

ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه

مراد از جمله <علی ما انتم علیه> به قرینه <حتی یمیز .. >، مشخص نبودن خوبان از بدان است.

۲ جداسازی صفوف ناپاکان از پاکان در جامعه ایمانی ، سنت تغییرناپذیر الهی

ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب

۵ آزمایش الهی ، مشخص کننده صفوف ناپاکان جامعه ایمانی از پاکان آن

ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب

مشخص کردن پاکان از ناپاکان و خالصها از ناخالصها دو وجه

متعارف دارد: آزمایش و ابتلاء ۷ و خیر دادن خداوند از واقعیت افراد. چون راه دوّم سنّت الهی نیست، بنابراین تنها راه متعارف آزمایش است. پس در جمله <حتّی یمیز... >، کلمه <بابتلاء هم و امتحانهم >، مقدّر است.

جامعه اسلامی و دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۹

۹ لزوم آمادگی نظامی جامعه اسلامی در برابر دشمنان شناخته شده و ناشناخته

ترهبون... وءاخريين من دونهم لاتعلمونهم

جامعه اسلامی و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۲

۲ تلاش کفرپیشگان برای واداشتن جامعه ایمانی به پیروی از خویش

ان تطيعوا الذين كفروا يردّوكم على اعقابكم

جامعه اسلامی و منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۹

۹ لزوم هشیاری همیشگی جوامع اسلامی، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولکم من الأعراب

جامعه بی طبقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - جامعه بی طبقه ، امری خیالی و موجب اختلال و به هم ریختن نظام اجتماعی است .

و رفعنا بعضهم .. لِتَّخَذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا

این که خداوند اصل تفاوت را به خویشتن نسبت می دهد و سپس فایده آن را در گردش نظام اجتماعی بیان می دارد، سستی و بی پایگی اندیشه جامعه بی طبقه را می رساند.

جامعه پس از نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹

۱۰ قوم عاد نخستین جامعه سامان یافته در پی هلاکت قوم نوح

اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۱

۱ - شکل گیری جامعه ای جدید پس از طوفان نوح

ثم أنشأنا من بعدهم قرناً اخرین

<إنشاء> (مصدر <أنشأنا>) به معنای پدید آوردن است. ضمیر <هم> در <من بعدهم> به قوم نوح بازمی گردد. <قرن> به مجموعه ای از انسان ها که کنار هم زندگی کنند گفته می شود.

جامعه پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۸

۱۸ جامعه قوام یافته در پرتو تعالیم دین ، جامعه ای آماده برای شناخت خداوند و صفات او

قیماً للناس . . . يعلم ما فی السموت و ما فی الارض و إنّ الله بکل شیء علیم

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به <قیماً للناس> باشد. یعنی هدف از اینکه خداوند می خواهد جامعه انسانی دارای ثبات باشد این است که زمینه خداشناسی و علم انسانها به اسماء و صفات الهی فراهم آید.

جامعه جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۴،۱۵

۱۴ جهالت و نارسائی عقل و اندیشه ، عامل رواج بدعت ها و افترا ها در جامعه کفرپیشه عصر جاهلی

و لكن الذین كفروا یفترون علی الله الكذب و اكثرهم لایعقلون

۱۵ وجود اقلیت اندیشمند در جامعه بدعتگزار جاهلیت

و اکثرهم لایعقلون

جامعه دوران ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع) ، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلى الأرض التي برکنا فيها

جامعه دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱

۱- اصحاب کهف ، گروهی بودند که از خطر جامعه ناسالم کفر ، به سوی پناهگاهی در کوه گریختند .

إذ أوى الفتيه إلى الكهف

<أوى إلى كذا> یعنی: <به آن جا پیوست و آن را مأوا و مسکن خود قرار داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۸

۸- محیط اجتماعی اصحاب کهف ، محیطی شرک آلود و نامساعد برای ابراز توحید بود .

و ربطنا علی قلوبهم إذ قاموا فقالوا

چنان چه محیط برای اظهار نظر اصحاب کهف مساعد بود، نیازی به قیام نبود و امدادهای ویژه الهی (ربطنا ..) ضرورتی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۱۴، ۱

۱- جامعه اصحاب کهف ، جامعه ای مشرک و معتقد به معبودهایی متعدّد بود .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

۱۴- جامعه اصحاب کهف ، موجوداتی دارای شعور و خرد را ، معبود خود پنداشته و به پرستش آنها پرداخته بودند .

لولا یأتون علیهم بسلطن ینین

کاربرد ضمیر <هم> نوعاً در مواردی است که مرجع آن، جمعی از موجودات با شعور باشند. بنابراین مراد از <ءالهه> که مرجع ضمیر <هم> است، معبودانی از جنس بشر یا فرشتگان و مانند این ها خواهد بود.

جامعه دوران لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۲

۲- حضرت ابراهیم و لوط (ع)، از جامعه آلوده خود به سرزمینی برکت خیز هجرت کردند .

إلى الأرض التي برکتنا فیها

جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۵

۱۵ ایجاد پیوند های اجتماعی در جامعه ایمانی، نشانه پرهیزکاری مؤمنان

یا ایها الذین امنوا .. و رابطوا و اتقوا الله

بنابر اینکه معنای <رابطوا>، ایجاد پیوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۸،۱۱

۸ تلاش برای فساد و تباهی جامعه ایمانی، ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) است .

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

برداشت فوق بر این مبناست که <واو> در <و یسعون> تفسیریه باشد. یعنی فسادگری در جامعه ایمانی، مصداقی از محاربه با خدا و رسول است.

۱۱ ضرورت پاسداری از امنیت و سلامت جامعه ایمانی با سرکوب آشوبگران و فسادانگیزان

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال -

۲ برخی از گناهان و ستمکاری ها در جامعه ایمانی مایه گرفتار شدن همگان (مرتکبان گناه و غیر آنها ، یعنی ظالم و غیر ظالم) به عذاب های الهی است .

و اتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منکم خاصه

<لا> در <لاتصیین> نافییه و <خاصه> حال برای <الذین> است. جمله <لاتصیین الذین ...> تبیین و توضیحی است برای <فتنه>. و مراد از اتقاء فتنه، پرهیز از عامل آن می باشد که به قرینه <ظلموا>، ستمکاری است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ای اهل ایمان از گناهانی که موجب فتنه ای عظیم می شود پرهیزید ؛ آن گونه فتنه ای که نه تنها دامنگیر گناهکار می شود، بلکه همگان را در شعله های خود خواهد سوزانید.

۳ اهل ایمان موظف به مبارزه با فتنه هایی که شعله های آن دامنگیر کل جامعه است .

و اتقوا فتنه لاتصیین الذین

عامل فتنه در مورد بحث چنانچه گذشت گناه و ستمکاری است و مرتکب این گناه به دلیل <ظلموا منکم> تنها برخی از افراد جامعه هستند. بنابراین امر به اتقا (اتقوا فتنه) نسبت به مخاطبان متفاوت خواهد بود. یعنی نسبت به گناهکاران و ستم پیشگان، پرهیز از خود گناه است و نسبت به آنان که مرتکب نمی شوند، جلوگیری از ارتکاب آن است.

۴ مؤمنان وظیفه دار اهتمام بیشتر در پرهیز از گناهانی که آثار شوم آن فراگیر جامعه ایمانی است .

و اتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منکم خاصه

بدیهی است هیچ گناه و ستمی را نباید مرتکب شد. بنابراین نهی از ارتکاب گناهی که فتنه ای فراگیر دارد، حاکی از تأکید

بیشتر نسبت به پرهیز از چنین گناهی است.

جامعه زنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۵

۵ جامعه ای از حیات واقعی برخوردار است که به دعوت پیامبران پاسخ مثبت دهد.

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ

جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱

۱ جوامع کفرپیشه همواره مهیای صرف دارایی های خویش برای جلوگیری از گسترش اسلام

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا

انفاق مال به معنای مصرف کردن دارایی و هزینه کردن آن است و مراد از <ینفقون>، به قرینه <سینفقونها>، که اخبار از تحقق سرمایه گذاری است، بیان حالت کافران می باشد. یعنی کافران برای جلوگیری از انتشار اسلام آماده سرمایه گذاری هستند و از انفاق مال دریغی ندارند.

جامعه مبعوض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۳

۳ جامعه آلوده به دشمنی و کینه توزی ، جامعه ای شیطان زده و مطرود در پیشگاه خداوند

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

جامعه مجرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۸۴ - ۵

۵ جوامع مبتلا به لواط و فحشا، جوامعی مجرم و در معرض نابودی با عذاب های سخت الهی

فانظر كيف كان عقبه المجرمين

جامعه منحط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ امکان شمول رحمت و مغفرت الهی حتی بر جوامع منحط و آلوده به خون

فريقاً يقتلون .. فعموا و صموا ثم تاب الله عليهم

جامعه نخستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۹ - ۱

۱ انسان ها در جامعه نخستین به صورت امت واحد می زیستند .

و ما كان الناس إلا أمه وحده

جبر محیط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۸

۸- تأثیر جامعه بر فرد ، جبری و غیر قابل اجتناب نیست و حفظ سلامت اخلاقی در محیط کاملاً فاسد و آلوده ، ممکن است .

و نجينه من القرية التي كانت تعمل الخبث

برداشت یاد شده به خاطر این است که حضرت لوط(ع) توانسته بود در محیط آلوده و فاسد قومش، پاک و بی گناه بماند و سرانجام نجات یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۹ - ۳

۳ محیط اجتماعی ، در عین تأثیر گذاشتن بر خصلت های روحی و گرایش های عقیدتی انسان ، از وی سلب اختیار و انتخاب نمی کند .

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً .. و من الأعراب من يؤمن بالله

تصریح به وجود مؤمنان راستین در میان اعراب بادیه نشین به دنبال بیان خصلت کفر ورزی و نفاق شدید آنان، می تواند إشعار به مطلب فوق داشته باشد.

جوامع تحت امر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۳

۳ جوامعی که به پندار اجرای فرمان خدا به رسوم ناروای نیاکان خویش پایبندند، جوامعی تحت نفوذ شیاطین می باشند.

إنا جعلنا الشیطين أولیاء للذین

لا يؤمنون .. الله أمرنا بها

جمله <إذا فعلوا .. > عطف بر <لا- يؤمنون> است و در حقیقت صله برای <الذین > می باشد. یعنی: إنا جعلنا الشیاطین أولیاء للذین إذا فعلوا فاحشه

جوامع کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها .. قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

جوامع مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۱

۱- جامعه اصحاب کهف ، جامعه ای مشرک و معتقد به معبودهایی متعدّد بود .

هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها .. قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

جوامع منحرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۶

۶

هشدار و تهدید الهی نسبت به جوامع منحرف و زشتکردار

قل إنما حرم ربي الفواحش... و لكل أمه أجل

حسابرسی جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۵

۵ - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حسابًا شديدًا و عذبنها عذابًا نکرًا

<نکر> (مرادف <منکر>) به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

حقوق جوامع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیوار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیوارکم = خانه های تان و وطن تان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

حقیقت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۷ - ۴

۴ مجموعه افراد جامعه به منزله پیکری واحدند .

الذین یختانون انفسهم

چون قرآن خیانت به دیگران را خیانت به خویش می داند، معلوم می شود تمامی افراد جامعه در دیدگاه قرآن به منزله یک پیکر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۷

۷- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا

از افراد آن جامعه

و ما أهلكنا من قريه إلا و لها كتاب معلوم

حمایت از جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۳

۳ خداوند با حمایت خویش از پیامبر (ص) و جامعه ایمانی ، نیرنگ کافران را بی اثر خواهد کرد .

و إن یریدوا أن یخدوعوك فإن حسبك الله

جواب شرط <إن یریدوا .. > محذوف است و جمله <فإن حسبك الله > جانشین آن شده است ؛ یعنی: إن یریدوا أن یخدوعوك فالله یكفیک شرمم.

حمایت از جوامع دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - خدا ، حامی و مدافع مراکز دینی و جوامع الهی

و لولا دفع الله .. لهدمت صومع ... و مسجد

حیات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۵

۵ جامعه ای از حیات واقعی برخوردار است که به دعوت پیامبران پاسخ مثبت دهد.

إنما یرتجیب الذین یسمعون و الموتی یرتجیبهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا از افراد آن جامعه

و ما أهلکنا من قریه إلا و لها کتاب معلوم

حیات جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷- هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

حیات در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۹

۹ لزوم هجرت در راه خدا و پیوستن به جامعه اسلامی

حتی یهاجروا فی سبیل الله

خطر انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۲

۱۲ خطر انقراض و نابودی نسل یک جامعه، هشدار خداوند به جوامع کافر ستم پیشه

إن یشأ ینذهبکم .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

خلاقیات جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۶

۳۶- جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلاق

کزرع أخرج شطه فازه فاستغلظ فاستوی علی سوجه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است

از: <استغلاظ> (استحکام)، <استوی علی سوجه> (استقلال) و <یعجب الزّاع> (زایندهگی و خلاقیت).

خیانت به امانت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۷

۷ پیامدهای شوم خیانت به خدا و رسول و زشتی خیانت آدمی به امانت های جامعه ، امری روشن و بی نیاز از برهان

لاتخونوا الله .. و أنتم تعلمون

در اینکه مفعول <تعلمون> چیست، نظرهای مختلفی ایراد شده که از جمله آنهاست، زشتی خیانت، پیامدهای شوم آن و حرمت آن از دیدگاه عقل و

شرع.

درخواست مدیریت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۶

۱۶ بندگان خالص خدا، از خداوند خواستار در دست داشتن اداره جامعه متقین و مردم تقوا پیشه اند.

و اجعلنا للمتقین إماماً

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که مقصود از <امام> امامت و پیشوایی سیاسی و اجتماعی باشد.

دشمنان جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۷

۱۷ ضرورت تحلیل و دستیابی به علل و عوامل جهت گیری های گوناگون جوامع و پیروان ادیان در برابر جامعه اسلامی

لتجدن اشد الناس .. ذلك بان منهم قسيسين و رهباناً و انهم لا يستكبرون

دشمنان جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۸،۱۱

۸ جامعه ایمانی در عصر پیامبر (ص) مواجه به دو گروه از دشمنان: دشمنانی شناخته شده و دشمنانی ناشناخته

عدو الله و عدوكم و اءاخرين من دونهم لا تعلمونهم

۱۱ تنها خداوند آگاه به دشمنانی است که برای جامعه ایمانی ناشناخته اند.

لا تعلمونهم الله يعلمهم

دین و جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ لزوم تلاش برای محور قرار دادن کتب آسمانی در کلیه شؤن جامعه

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

اقامه کتب آسمانی به معنای ادای کامل حق آنها و کنایه از حضور تعالیم آنها در تمامی شؤن زندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۶

۷ احکام خداوند و قوانین دین ، فراگیر امور مادی و مسائل اجتماعی انسانها

قل الأنفال لله و الرسول

رفاه جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۸

۸ رفاه ، آسایش و امتیّت جامعه ایمانی ، مایه غم و اندوه بیگانگان

وَدَّوَا مَا عَنَّا

از مفهوم جمله <وَدَّوَا مَا عَنَّا>، استفاده شده است.

روابط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱۴، ۳

۳ حرمت برگزیدن کافران و مقدم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

۱۴ جواز برقراری ارتباط دوستانه با کافران ، در صورت تقیّه ، اضطرار و هراس

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ .. . إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقْيَه

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۸

۸ ترغیب به خوش خلقی و مدارا و نکوهش از سنگدلی و خشونت ، در برخورد های اجتماعی

و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۲۳

۲۳ لزوم حسن معاشرت در روابط اجتماعی

و بالوالدین احساناً .. و ما ملکت ایمانکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۸

۸ ادیان الهی در بردارنده حد و مرز روابط و مناسبات اجتماعی با دیگر ملتها

و لو كانوا

یؤمنون .. ما اتخذوهم أولیاء

روابط اجتماعی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۵، ۱۰

۱۰ صبر و شکیبایی، زمینه ای برای استحکام پیوند های اجتماعی

اصبروا و صابروا و رابطوا

بیان لزوم ارتباط و هماهنگی افراد با یکدیگر، پس از طرح ضرورت صبر و شکیبایی، می تواند اشاره به نفس صبر در ایجاد ارتباط و پیوند بین افراد جامعه ایمانی داشته باشد.

۱۵ ایجاد پیوند های اجتماعی در جامعه ایمانی، نشانه پرهیزکاری مؤمنان

یا ایها الذین امنوا .. و رابطوا و اتقوا الله

بنابر اینکه معنای <رابطوا>، ایجاد پیوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۴

۴ اهمیت روابط عاطفی و اخلاقی و برخورد های نیکو در جامعه اسلامی

و اذا حیّتم بتحیه فحیّوا باحسن منها او ردّوها

توصیه خداوند به پاسخگویی بهتر در برابر درود و تحیت دیگران، برای ایجاد روابط عاطفی و اخلاقی در جامعه اسلامی است.

روابط بین الملل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱۴، ۳، ۲

۲ حرمت و ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی کافران، برای مؤمنان

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

۳ حرمت برگزیدن کافران و مقدم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين

۱۴ جواز برقراری ارتباط دوستانه با کافران ، در صورت تقیّه ، اضطرار و هراس

لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء .. الا ان تتقوا منهم تقیه

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۵

۵ جامعه ایمانی وظیفه دار برقراری روابط مسالمت آمیز با جوامعی که خواهان این نوع مناسبات هستند .

و اذا حیّتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردّوها

با توجه به معنای لغوی <تحیّت> (درخواست سلامتی)، جمله <اذا .. > به این معناست که اگر فردی یا گروهی خواهان سلامت و امنیت شما باشند، شما نیز خواهان سلامت و امنیت آنان باشید.

روش برخورد با مفسداجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - هماهنگی مبلغان دینی در شیوه برخورد با مفسد جامعه ، کارسازتر و به موفقیت نزدیک تر است .

اذهبا .. فقولا له قولاً لئنا لعله یتذکر

موسی و هارون(ع)، هر دو به یک شیوه برخورد با فرعون مأمور شدند.

رهبران دینی و اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۲

۲۲ رهبران و مبلغان دین ، تا توان دارند باید در اصلاح جامعه و ابلاغ معارف الهی تلاش کنند .

إن أُریدُ إلاّ الإصلاحُ ما استطعت

رهبران ظالم و جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۳ - ۶

۶ تمامی جوامع بشری در معرض تهدید حيله و مکر سردمداران مجرم خویش

و كذلك جعلنا فی کل قریه أكبر مجرمیها لیمکروا فیها

زمینه اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۳

۲۳ اصلاح جوامع بشری ، در گرو گرایش آنان به توحید و یکتاپرستی

و رعایت عدل و انصاف در مبادلات و امور اقتصادی است .

قال يقوم اعبدوا الله .. أوفوا المكيال و الميزان بالقسط ... إن أريد إلا الإص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۴

۴ - در تبلیغ دین ، نخست باید به رفع موانع و اصلاح پایگاه ها و عناصر اصلی جامعه پرداخت .

و لقد أرسلنا موسى .. إلى فرعون و ملائجه

زمینه اعتماد جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۶

۶ - ایمان ، زمینه ساز اعتماد افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خيراً و قالوا هذا إفك مبين

توصیف مردان و زنان صدر اسلام به <ایمان>، حکایت از این حقیقت دارد که ایمان و دین داری با بی اعتمادی و بدگمانی سازگاری ندارد و هر جا ایمان حقیقی وجود داشته باشد، اعتماد و حسن ظن هم وجود خواهد داشت. آیه <يعظكم الله أن تعودوا لمثله أبداً إن كنتم مؤمنين> نیز، تأیید کننده همین برداشت است.

زمینه انحراف جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ نقش تحریف کتب آسمانی و عالمان تحریفگر در انحراف جوامع

و أنّ منهم لفريقاً .. و يقولون على الله الكذب و هم يعلمون

از ذکر تحریف و بیان کیفیت آن و لحن تند آیه نسبت به علمای اهل کتاب برمی آید که این عمل در گمراه کردن مردم سهم بسزایی داشته است.

زمینه انحطاط جامعه

جلد - نام سوره - سوره -

۵ - ترک انفاق و خودداری از تأمین هزینه های جهاد ، زمینه ساز هلاکت ترک کنندگان انفاق و از عوامل سقوط جامعه است .

و أنفقوا فی سبیل اللّٰه و لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکة

جمله <لا-تلقوا ..> را می توان با مسأله تأمین هزینه های جهاد (أنفقوا فی سبیل اللّٰه) معنا کرد و می توان آن را در ارتباط با خود جهاد و مبارزه (قاتلوا فی سبیل اللّٰه) دانست و نیز می توان آن را بیانی برای آداب انفاق شمرد. برداشت فوق ناظر به وجه اول است؛ یعنی، هزینه های جهاد را تأمین کنید و با ترک آن خویشتن را به هلاکت نیفکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ خودداری از انفاق ، زمینه گرایش جامعه به زشتیها

الشيطان یعدکم الفقر و یأمرکم بالفحشاء

گویا جمله <یأمرکم بالفحشاء>، توضیح و تفسیر جمله <یعدکم الفقر> است. یعنی شما را از انفاق بازمی دارد و در نتیجه، شما را به فحشا می کشاند. (از یک سو صفت بخل را در انسان رشد می دهد و از سوی دیگر عده ای در فقر و فلاکت خواهند ماند که نتیجه ای جز خیانت و جنایت در جامعه نخواهد داشت).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ ترک نهی از منکر از سوی عالمان دینی ، مایه شکل گیری جامعه با چهره ای زشت و ناپسند

لبس ما کانوا یصنعون

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ما>ی موصوله، جامعه

اهل کتاب باشد ، یعنی عالمان یهود و نصارا با ترک نهی از منکر جامعه بدی را می سازند.

زمینه انذار جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۲

۱۲ کسب معارف دینی ، مقدمه ای برای انذار و هدایت جامعه است .

لِتَفْقَهُوا فِی الدِّینِ وَ لِنُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ

زمینه انقراض جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۵

۵ ترک جهاد و سستی در امر پیکار با دشمن ، زمینه ساز نابودی جامعه و جایگزین شدن جامعه دیگری به جای آن

إِلَّا تَنْفَرُوا یُعَذِّبُکُمْ عَذَابًا أَلِیْمًا وَ یَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَیْرَکُمْ

زمینه پاکی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۱

۱۱ پرداخت صدقه (زکات) ، تضمین کننده پاکی جامعه و شکوفایی اقتصاد آن *

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّیْهِمْ

برداشت فوق بر این اساس است که تطهیر و رشد، صرفاً فردی نباشد و نظر به حیثیت اجتماعی آن نیز داشته باشد. به تعبیر دیگر، صدقه و زکات، از آن جهت که تعدیل ثروت را به دنبال دارد، عدالت اجتماعی را تضمین می کند.

زمینه حفظ مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- جهاد در راه خداوند ، تضمین کننده صلاح جامعه و حافظ روابط عاطفی اجتماعی

فهل عسيتم إن توليتم أن تفسدوا في الأرض و تقطعوا أرحامكم

<توليتم> به معنای روی گرداندن از جهاد است و مفهوم آیه

بر مطلب بالا دلالت دارد.

زمینه حیات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۴

۴- < وحی > حیات بخش انسان و جامعه است .

يُنزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

چنان که مفسران گفته اند، مراد از <الروح> می تواند وحی باشد. به کار بردن کلمه <الروح> به جای وحی، استعاره است. وجه شبه این استعاره حیات بخش بودن وحی است؛ همان گونه که روح حیات بخش موجودات می باشد.

زمینه خدمات متقابل در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۸

۸- طبقات مختلف اجتماعی و تفاوت سطح زندگی آنان، در جهت گردش نظام اجتماعی و بهره‌وری انسان‌ها از نیروی خدماتی یکدیگر است .

و رفعنا بعضهم... بعضاً سخرياً

زمینه رفع گرسنگی از جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۳

۳- ریشه کن ساختن گرسنگی در جامعه، نیازمند همکاری مردمی و تلاش همگانی است .

و لا تحضون علی طعام المسکین

زمینه سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نقش بنیادین عدالت اقتصادی در قوام ، سلامت و بالندگی جامعه

و أنزلنا معهم .. و المیزان ليقوم الناس بالقسط

<قسط> به معنای عدل است و مراد از آن به قرینه <المیزان> عدالت در روابط و مناسبات اقتصادی است.

زمینه عذاب جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ -

۵- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدينة .. قال إن هؤلاء ضيفى فلا تفضحون ... فأخذتهم الصيحة ... فجعلن

زمینه فساد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۷

۷- فسق و فساد طبقه ثروتمند در گرایش دیگر طبقات به فساد و تباهی ، تأثیر و نقش مهمی دارد .

أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

اختصاص به ذکر یافتن مترفان از میان دیگر طبقات، بیانگر این است که فسق و فساد این طبقه تأثیر بیشتر و نقش مهم تری در مقایسه با دیگر طبقات در فاسد شدن جامعه و نابودی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۳ - ۵

۵ - نادرستی روابط اقتصادی ، سبب فراگیری فساد و تباهی در جامعه

أوفوا الكيل .. و لاتعتوا فى الأرض مفسدين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله < و لاتعتوا .. > عطف تفسیری بر جمله پیشین باشد.

زمینه قدرت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ آبادانی و رونق اقتصادی ، زمینه ساز قدرت و نیرومندی جوامع است .

یرسل السماء علیکم مدرارًا و یزدکم قوه إلى قوتکم

زمینه قوام جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ دستیابی اهل ایمان به جامعه ای با قوام در پرتو حراست از حرمت کعبه و انجام مناسک حج ، موجب آگاهی آنان به علم گسترده و همه جانبه خداوند .

جعل

اللّٰهُ .. ذلِكَ لتعلموا إنّ اللّٰهُ يعلم ما فى السموت و ما فى الارض

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلِكَ> اشاره به خود حقایق بیان شده باشد نه بیان آن حقایق، یعنی آنگاه که انسانها در پرتو احترام به کعبه و ماههای حرام و انجام مناسک آن به جامعه ای با قوام رسیدند، در می یابند که خداوند دارای علمی گسترده است.

زمینه کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم أهلکنا .. و کفی برّبک بذنوب عباده خبیراً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۳

۳ - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسراً

زمینه کیفر جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم أهلکنا .. و کفی برّبک بذنوب عباده خبیراً بصیراً

زمینه هدایت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ کسب معارف دینی ، مقدمه ای برای انذار و هدایت جامعه است .

لیتفقها فی الدین و لیندروا قومهم إذا رجعوا إلیهم

زمینه هلاکت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۴

۴- جرم پیشگی و تبه کاری ، زمینه ساز هلاکت و نابودی جوامع بشری

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

زمینه هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۵

۵- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدينة .. قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلن

زن در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۵

۵ تفاوت صلاحیت زن و مرد در عصر تولد مریم ، برای احراز مشاغل و مسؤولیت های اجتماعی

ربّ ائی وضعتها ائتی ... و لیس الذکر کالائتی

بنابراینکه <لیس الذکر کالائتی> ، کلام مادر مریم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ جواز حضور زنان همراه مردان ، در مسائل مهم اجتماعی

و نساءنا و نساءکم

زیانکاری جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۲،۳

۲ - جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان عقبه أمرها خسراً

۳ - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامدهای سنگین کردار خویش و

دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت و بال أمرها و کان عقبه أمرها خسراً

ساختار جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۵

۵ ارزش و اهمیّت کشاورزی و نیروی انسانی و نقش آن در قوام جامعه

و اذا تولى... و يهلك الحرث والنسل

از اینکه نابود ساختن این دو، فساد در زمین معرفّی شده، اهمیّت و ارزش آن به دست می آید.

سازندگی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۱

۲۱ همه حرکت های دینی ، حتی مبارزه و جهاد ، در راه سازندگی و احسان به جامعه بشری است .

لا يصيبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصة في سبيل الله... إن الله لا يضيع أجر المحسن

سعادت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۹

۱۹ پیروزی و سعادت جامعه ایمانی ، در گرو ایجاد پیوند و ارتباط با یکدیگر

و رابطوا... لعلکم تفلحون

سلامت اقتصاد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ - نقش بسزای قاضیان در سلامت اقتصاد جامعه و حفظ حقوق مردم

و لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بها إلى الحكام .. و أنتم تعلمون

سنتهای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۸

۸- جامعه و تحولات آن ، دارای سنت و قانونمندی مشخصی است .

و إذا أردنا أن نهلك .. ففسقوا فيها ... فدمرنها

<قریه> در لغت به معنای مجتمع انسانی است (مفردات

راغب). اینکه خداوند می فرماید: <وقتی ثروتمندان و مرفهین جامعه فاسق شدند، سخن ما درباره آنان قطعی می شود > (فحقّ علیها القول)؛ حکایت از آن دارد که تحولات جامعه، دارای قانون مشخصی است.

سنتهای حاکم بر جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۴

۴ ضرورت کند و کاو در تحولات و حوادث اجتماعی تاریخی برای شناسایی قوانین و سنت های حاکم بر جوامع

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۸ - ۳،۵

۳ توجه به سنت های الهی در جوامع بشری و سرنوشت شوم تکذیب کنندگان ، روشنگر مردم است .

قد خلت من قبلکم سنن .. هذا بیان للناس

بنابر اینکه <هذا>، اشاره به معارفی باشد که در آیه قبل (قد خلت ..) بیان شده است.

۵ توجه به سنت های الهی در جوامع بشری و سرنوشت شوم تکذیب کنندگان ، هدایتگر تقوایندگان و پندی برای آنان

قد خلت من قبلکم سنن .. هدی و موعظه للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۲

۲ سنت الهی ، بر استمرار هدایت و ادامه فیض و نعمت های خویش بر جوامع انسانی قرار گرفته است .

ما کان الله لیضل قوماً بعد إذ هدیهم

واژه <قوماً> ممکن است اشاره به این مطلب باشد که سنت یاد شده، مربوط به جامعه بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، در تدبیر امور جوامع و امت ها ، سنت ها و قوانین محکم و ثابتی قرار داده است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک

مقصود از <کلمه> در این آیه به مناسبت بحث در باره جوامع و مهلت به آنها سنت های الهی و قوانین حاکم بر تاریخ و جوامع است.

۲ - سرنوشت امت های کفرپیشه و هلاکت و بقای آنان ، دارای سنت ها و قوانین معین و زمان های مشخص

کم أهلكنا قبلهم .. و لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لزاماً

به قرینه آیه قبل که در باره هلاکت جوامع کفرپیشه است، مفاد <لولا کلمه..> این است که خداوند، زمان عذاب کافران و نیز دیگر معیارهای آن را مشخص ساخته و آنها را از پیش تعیین کرده است.

سوءاستفاده از محبوبان جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - بهره گیری از شخصیت های محبوب جامعه و وابسته نشان دادن افکار و رفتار خویش به آنان ، از ترفند های رهبران ضلالت است .

فقالوا هذا .. إله موسى فنسی

شخصیت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

شرایط اصلاح جامعه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۲ - ۵

۵ - اصلاح جوامع بشری ، تنها در پرتو رهبری دین و پیامبران میسر است .

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا . وَلَا تَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ . الَّذِينَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ

شرایط رهبری جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - لزوم آزمون و احراز شایستگی افراد ، قبل از انتخاب آنان برای مدیریت و رهبری جامعه

و إِذْ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَمَهَا قَالَ إِنْ جَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا

شناخت عوامل انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهی صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فَنَجَّيْنَاهُ .. وَ جَعَلْنَاهُمْ خُلَفَاءَ وَ أَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِ

شناخت عوامل رشد جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهی صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فَنَجَّيْنَاهُ .. وَ جَعَلْنَاهُمْ خُلَفَاءَ وَ أَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِ

ضعف جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۴

۴ بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام ، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان شد .

الئن خفف الله عنکم و علم أن

فیکم ضعفا

طبقات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۱ - ۴

۴ - خطر پیدایش طبقه مسرف و متجاوز ، در شرایط رفاه و توانمندی اقتصادی جامعه و تسلیم شدن توده های ناآگاه در برابر آنان

فی جَنَّت و عیون . و زروع و نخل ... و لاتطیعوا أمر المسرفین

از ارتباط عبارت <فی جَنَّت و عیون> با <ولاتطیعوا أمر المسرفین> می توان استفاده کرد که در محیط رفاه و ثروت، رهبران اسراف گر ظهور می کنند و توده های ناآگاه نیز به اطاعت از آنان، گردن می نهند.

طبقات اجتماعی صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱،۱۰

۱- پیامبر (ص) در ابلاغ پیام الهی به مردم ، با مؤمنانی تهیدست و دنیاگرایانی رفاه مند ، مواجه بود .

و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم .. و لاتطع من أغفلنا قلبه

از تعبیر <ترید زینه الحیاه الدنیا> استفاده می شود که در آیه، دو گروه، با دو مشخصه، یاد شده اند: نخست، مؤمنان خالصی که از زینت دنیا بی بهره بودند و گروه دوم، کسانی که زینت دنیایی داشتند.

۱۰- توجه به ربوبیت خداوند ، سوق دهنده آدمی به استغاثه و دعا به درگاه او است .

یدعون ربهم

طبقات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۷

۱۷ ایمان و کفر ، محور طبقه بندی افراد جامعه

فمنهم من امن و منهم من کفر

ظلم به جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ شکستن حرمت ماه های حرام (پرداختن به جنگ در آن) ، ظلم به خویش و جامعه بشری است .

فلا تظلموا فیهن أنفسکم

ظلم به جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱ - ۲

۲ تلاش دشمنان اسلام برای تجاوز به حریم جامعه اسلامی در صدر اسلام

اذ هم قوم ان یسطوا الیکم ایدیهم

عبودیت در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۸

۸ - اقامه نماز ، عبودیت و بندگی خدا و انجام کار های نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

یا ایها الذین ءامنوا .. و افعالوا الخیر

عدالت در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۲۱

۲۱ حاکمان ، عهده دار اجرای عدالت در جامعه

و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. انهم هم الحکام او لا تری انه خاطب بها الحکام.

غیبت نعمانی، ص ۲۵، باب ما جاء فی الامامه و الوصیه ؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۵ ؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۱۵۴، ۱۶۷ ؛ الدر المثور، ج ۲، ص ۵۷۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۷

۷ لزوم نظارت مؤمنان بر اجرای قسط در جامعه *

كونوا قومين لله شهداء بالقسط

<شاهد> در لغت به معنای حاضر آمده است. بنابراین حضور مؤمنان به قسط، به معنای نظارت آنان

بر اجرای قسط است.

عذاب جامعه فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۱۲

۱۲ نهی از منکر مایه رهایی یافتن از عذاب های تعیین شده برای جوامع گناهکار است .

أنجینا الذین ینھون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئس

عذاب جامعه گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۲

۲ عذاب سهمگین خداوند در انتظار جوامع مختلف از قوانین دین و پذیرنده ولایتهای غیر خداوند

و لا تتبعوا من دونه .. و کم من قریه أهلکنها

بیان هلاکت جوامع پیشین پس از فرمان به رعایت قوانین دین و سرپیچی از ولایت غیر خدا <اتبعوا ما أنزل الیکم ..>، بیانگر آن است که عذاب امتهای پیشین به سبب تخلف آنان از این فرمان بوده است.

عذاب جامعه مجرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۲

۱۲ جامعه مجرم خود را از شمول رحمت خداوند محروم و سزاوار عذاب او می گرداند.

و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

<بأس> در لغت به معنای شدت است و در این آیه کنایه از عذاب است.

عذاب جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۵

۵ - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حساباً شديداً و عذبنها عذاباً نكراً

<نکر> (مرادف <منکر>) به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته

است.

عذاب جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- عذاب جامعه فسادگر، آن چنان شدید است که مایه نابودی و هدم کامل آن می شود.

ففسقوا فیها فحقّ علیها القول فدمّرنها تدمیراً

عذر جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۴

۱۴ تنها مصلحان و نهی کنندگان از منکر در جوامع فسادپیشه، دارای عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند هستند.

لم تعظون قوماً .. قالوا معذره إلی ربکم

عظمت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۷

۷ جامعه ایمانی در صدر اسلام پس از پیکار بدر برخوردار از ابهت و قوتی چشمگیر، حتی در نظر دشمنان

و تذهب ریحکم

عفت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۸

۲۸ اهتمام اسلام به عفت و پاکدامنی جامعه

و المحصنت من المؤمنت و المحصنت .. محصنین غیر مسفحین و لا متخذی اخدان

عوامل اتحاد جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۶

۶ اطاعت از خدا و رسول در پی دارنده وحدت و عظمت جامعه اسلامی

و أطيعوا الله .. و لا تنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

برحذر داشتن اهل ایمان از نزاع و اختلاف، پس از فراخوانی آنان به اطاعت از خدا و رسول می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که تنها راه برای دور ماندن از

نزاعها و اختلافات، پیروی کردن از خدا و رسول اوست.

عوامل اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۷

۷ ضرورت وجود مبلغان و تبیین کنندگان کتب آسمانی در جامعه

و اذ اخذ الله میثاق الذین اتوا الکتب لتبیینته للناس

گرفتن میثاق از عالمان و تأکید خداوند بر لزوم تبیین آن برای مردم، مبین مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ نقش سازنده ایمان در اصلاح فرد و جامعه و زدودن فقر و فساد از سیمای جامعه بشری

المؤمنون ... یأمرون بالمعروف ... و یؤتون الزکوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۷

۱۷ هدف از تبلیغ و انذار جامعه ، دور داشتن آن از فساد و تباهی است .

و لینذروا ... لعلهم یحذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۳

۳ - نقش تعیین کننده انذار و هشدار ، در هدایت و اصلاح جامعه های بشری

إن أنا إلا نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۳، ۲۴

۲۳ - نقش تعیین کننده ثروت ، در صلاح و فساد جامعه

و لاتبع الفساد فی الأرض

۲۴ - لزوم به کارگیری ثروت در راه اصلاح جامعه

و لاتبع الفساد فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۷

۷ - اصلاح و تربیت دینی اعضای خانواده ، زیر

بنا و خشت اول اصلاحات در جامعه

قوا أنفسکم و أهلیکم ناراً

از فرمان خداوند به مؤمنان، مبنی بر تربیت و اصلاح اعضای خانواده خود با آن که آنان وظیفه جهاد با کافران و منافقان را نیز برعهده دارند (آیه ۹ همین سوره) می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

كما أرسلنا إلی فرعون رسولاً

عوامل افساد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳

۳ - ویرانی شهرها ، تباهی جامعه و ذلت عزّتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إِنَّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۷ - ۲۳

۲۳ - نقش تعیین کننده ثروت ، در صلاح و فساد جامعه

و لاتبغ الفساد فی الأرض

عوامل انحراف جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۱

۱۱ حاکمیت طاغوت ، منحرف کننده جامعه ، به سوی ظلمت ها و تباہیها

اولیائهم الطّاغوت یخرجونهم من النّور الی الظّلمات

عوامل انحطاط جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۶

۶ - ترک جهاد و دفاع ، موجب هلاکت و سقوط جامعه اسلامی است .

قتلوا فی سبیل اللّٰه . . . و لاتلقوا بأیدیکم الی التهلکة

در

برداشت فوق جمله <لا تلقوا ..> در ارتباط با جمله <قاتلوا فی سبیل اللّٰه> معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۸

۲۸ سرکشی و ظلم (بغی) عالمان دین، مانع تحقق اهداف انبیا (اتحاد مردم بر اساس دین حق)

و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغياً بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲۷

۲۷ فقدان زمامدار الهی در یک جامعه، موجب پراکندگی صفوف آن جامعه و تسلط اجانب بر آنان *

من بعد موسی .. و قد أخرجنا من ديارنا

درخواست بنی اسرائیل از پیامبر خویش برای تعیین زمامداری الهی، حاکی است که چنین مقامی در میان آنها نبوده و در نتیجه، سلطه ستمگرانی را به دنبال داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۳

۳ رباخواری، موجب انحراف و نابسامانی نظام اقتصادی جامعه می گردد.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۳۹

۳۹ مراعات نکردن عدالت در حقوق افراد جامعه و بی ثباتی در تعیین حدود روابط اقتصادی، از عوامل مفسده انگیز در روابط اجتماعی

ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا

چون <ذَلِكُمْ أَقْسَطُ ..> بیان علت احکام ذکر شده است، نشانگر یک قاعده کلی است. یعنی عدالت اجتماعی و ثبات

و روابط اقتصادی، یک اصل و قانون است که با عدم رعایت آن، جامعه رو به فساد خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۶

۱۶ کشتن انبیای الهی و عدالتخواهان، موجب گرفتاری جامعه به مشکلات توانفرساست.

و یقتلون النبیین بغیر حق... فبشرهم بعذاب الیم

بنابراینکه <فبشرهم بعذاب الیم>، نظر به مشکلات دنیوی و اخروی داشته باشد، به قرینه آیه بعد که می فرماید: <حبطت اعمالهم فی الدنیا و الآخرة>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۲۲، ۲۳

۲۲ جامعه جزیره العرب در عصر بعثت پیامبر (ص)، به خاطر تفرقه و نزاع، در معرض نابودی و هلاکت

و کنتم علی شفا حفرة من النار

بنابراینکه <النار>، استعاره از هلاکت و نابودی باشد.

۲۳ تفرقه و دشمنی افراد یک جامعه با یکدیگر، قراردنده آن جامعه، بر لبه پرتگاه نابودی و هلاکت

اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم... و کنتم علی شفا حفرة من النار

بنابراینکه <النار>، استعاره از هلاکت و نابودی به واسطه نزاعها و کشمکشها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۹

۱۹ مناسبات صمیمانه جامعه اسلامی با بیگانگان، هموارکننده نفوذ ایشان در آن جامعه و اخلال در آن

لا تتخذوا بطانه من دونکم لا یألونکم خیالاً

جمله <لا یألونکم...>، بیان علت برای <لا تتخذوا...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴

۱۰ خطر ارتداد و واپسگرایی برای جامعه ، پس از فقدان رهبر دینی آن جامعه

و ما محمّد الّا رسول قد خلت من قبله .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۱۲

۱۲ تکیه بر غیر خدا ، موجب خذلان و خواری جوامع بشری

و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم .. و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۳

۳ شکستن حریم قوانین الهی در روابط جنسی ، رنج آفرین و موجب مشقت برای جوامع انسانی است .

و یرید الذین یتبعون الشهوات .. یرید الله ان یخفف عنکم

چنانچه رعایت احکام الهی در ازدواج موجب سبکباری باشد، زیر پا گذاردن آن قوانین، رنج آور و مشقتبار خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ جابجایی نامشروع و باطل اموال در جامعه ، موجب تباهی و نابودی آن جامعه

لا تاكلوا .. و لا تقتلوا انفسکم

جمله <و لا تقتلوا> می تواند بیانگر علت حکم در معطوف علیه، یعنی جمله <لا تاكلوا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ بی گناهان جامعه ، در خطر گرفتار آمدن به کیفر گناهکاران

قال فانها محرمة عليهم اربعين سنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۷

۷ تخلف جوامع از فرامین خدا،

موجب سقوط معنوی آن جوامع و زمینه ساز گرفتاری آنان به عذاب دنیوی (عذاب استیصال).

و لاتتبعوا .. و کم من قریه أهلکنها

برداشت فوق بر این اساس است که <فء> در <فجاءها> بیانگر ترتیب باشد. بر این مبنا مراد از هلاکت، هلاکت معنوی خواهد بود. یعنی جوامعی در گذشته منحرف شدند و پس از آن گرفتار عذاب الهی گشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۸

۸ جوامع بی اعتنا به پیام های الهی و بیزار از خیرخواهی نصیحت گران ، در خطر هلاکت و نابودی

فأخذتهم الرجفة .. نصحت لكم و لكن لاتحبون النصحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۴ - ۵

۵ جوامع مبتلا به لواط و فحشا ، جوامعی مجرم و در معرض نابودی با عذاب های سخت الهی

فانظر کیف کان عقبه المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدّلوا .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۵

۵- فراگیری جرم و جنایت در جامعه ، موجب انحطاط

و زوال آن خواهد شد .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين .. أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحين

از اینکه ملائکه عذاب قوم لوط به آن حضرت اعلام می کنند که: <آن دابر هؤلاء مقطوع> (نسل آن قوم قطع می شود) و نمی گویند: نسل گنهکاران قطع می شود و نیز در آیه بعد کار <آمدن> به همه اهل شهر نسبت داده شده (و جاء أهل المدینه)، حاکی است که همه مردم شهر قوم لوط آلوده به گناه بوده اند. تعبیر <مجرم> از آنان و نجات خانواده لوط (ع) از عذاب به جز همسر او نیز مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ - تسویلات نفس (زیبانهایی کارهای زشت و ناروا)، خطری در کمین افراد و جوامع

و كذلك سؤلت لی نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ جامعه بی خبر از تعالیم دینی و از یادبرنده خدا، در معرض هلاکت و محکوم به نابودی است .

حتی نسوا الذکر و کانوا قومًا بورًا

برداشت فوق، از تقدم جمله <حتی نسوا الذکر> بر <کانوا قومًا بورًا> و ارتباط میان آن دو، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۷

۷ تکذیب آیات خداوند و پذیرفتن دعوت انبیا، در پی دارنده سقوط و نابودی جوامع بشری

فقلنا اذهبا إلى القوم الذین کذبوا بآیتنا فدمرناهم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴

۹ - فسادگری ، ریشه بلاها و تباهی های جامعه فرعونى

فانظر كيف كان عقبه المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۳

۳ - ظلم و گناه ، بنیان برافکن جوامع بشرى

يقوم لم تستعجلون بالسيئه قبل الحسنه .. فتلك بيوتهم خاويه بما ظلموا

ثمودیان، به صورت جامعه ای متشکل بودند که در نتیجه ظلم و گناه خود به گونه دسته جمعی و فراگیر هلاک شدند و این نشان می دهد که هر جامعه ای که معصیت و ستم در آن رواج پیدا کند، در معرض خطر نابودى قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۳

۱۳ - تفرقه میان مردم و افزایش بسیار و نامتعادل زنان بر مردان در یک جامعه ، از عوامل فساد و تباهی آن جامعه و مردم

جعل أهلها شيئاً يستضعف طائفه منهم يذبح أبناءهم ويستحي نساءهم إنه كان من المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ نقش ثروت اندوزى و عدم انفاق ، در زوال جامعه و پیدایش تحولات ویرانگر اجتماعى *

تدعون لتنفقوا .. و إن تتولوا يستبدل قوماً غيركم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <يستبدل قوماً غيركم> اشاره به یکی از سنت های اجتماعى خداوند داشته باشد زیرا امت های گرفتار در انحرافات اقتصادى، از درون پوسیده و یا به وسیله ملتى دیگر مقهور مى شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۷

تکذیب قرآن و معاد ، از عوامل و زمینه های سقوط تدریجی جوامع بشری

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

عوامل انحطاط جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۷۸

۷ ارتداد و واپسگرایی جامعه ایمانی و پیروی آنان از کفرپیشگان ، حرکتی زیانبار و خسارت آفرین

ان تطیعوا الذین کفروا یردوکم علی اعقابکم فتتقلبوا خاسرین

۸ از دست دادن ارزش های اصیل ایمانی ، از پیامدهای تبعیت از کفرپیشگان

ان تطیعوا . . . فتتقلبوا خاسرین

از مصادیق روشن خسارت جامعه ایمانی، از دست دادن ارزشهای اسلامی و ایمانی است.

عوامل انحطاط جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۵

۵- نقش مؤثر و محوری رهبران و سردمداران فاسد در سقوط و نابودی ملت ها و جامعه های بشری

الم تر إلی الذین . . . و أحلّوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۷

۷ - جامعه های گرفتار بی بند و باری جنسی (بی عفتی و زناکاری) ، در معرض زوال و نابودی است .

و لولا فضل الله علیکم و رحمته و أنّ الله توّاب حکیم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <و لولا- فضل الله علیکم.. > به تقدیر <و لولا فضل الله علیکم... لاختل

نظام حیاتکم و لهلکتکم > باشد؛ یعنی، > اگر فضل و رحمت خدا نبود ... نظام زندگی شما با وجود همه فساد و بی بند و باری از هم می پاشید و شما نابود می شدید.<

عوامل

انقراض جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۶

۶ - سرمستی و غرور ناشی از نعمت و رفاه فراوان ، از عوامل هلاکت جوامع بشری است .

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۸

۸ - کفران نعمت های الهی ، در پی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

و اشکروا له .. فأعرضوا ... و مزقنهم کل ممزق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۲

۲ - اراده الهی ، محرک اصلی عوامل طبیعی در انهدام جوامع حق ستیز

إنا أرسلنا علیهم حاصباً

تأکید بر انتساب یافتن عذاب و کیفر به مبدأ الهی (إنا أرسلنا)، بیانگر مطلب یاد شده است.

عوامل انقراض جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۳

۳ تخلف از جنگ با دشمنان اسلام و جامعه اسلامی ، موجب نابودی جامعه اسلامی و سقوط آن *

إلا تنفروا یعذبکم ... و یتبدل قوماً غیرکم

<نفر> به معنای خروج برای امر مهیج و تحریک آمیز است که بیشتر در مورد خروج برای جنگ به کار می رود و فعل

مجزوم <يعذب> و <يستبدل> جواب شرط برای <لاتنفروا> است. بنابراین پیام آیه چنین می شود: اگر مسلمانان به جنگ نروند عذاب می شوند و نابود خواهند شد و مردم دیگری به جای آنان خواهند نشست.

عوامل انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام -

۹ کفر موجب هلاکت بسیاری از جوامع گذشته، در عین قدرتمندتر بودن آنها از کافران عصر پیامبر(ص)

ألم يروا كم أهلكننا من قبلهم من قرن مكنهم فى الأرض ما لم نمكن لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۷ - ۵

۵ ظلم موجب نابودی و هلاکت اقوام است.

هل يهلك إلا القوم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۵

۵- نقش مؤثر و محوری رهبران و سردمداران فاسد در سقوط و نابودی ملت ها و جامعه های بشری

ألم تر إلى الذين .. و أحلوا قومهم دار البوار

عوامل ایمان جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

كما أرسلنا إلى فرعون رسولا

عوامل تحولات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۰، ۶۸

۶ خداوند در پی تحوّل و تغییر در گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، وضعیّت و سرنوشت آنان را تغییر می دهد .

إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

۸ انسان دارای نقشی بسزا در وضعیت اجتماعی و معیشتی و سرنوشت خویش

إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

۱۰ جوامع بشری در رقم زدن سرنوشت خویش نه مستقل از اراده خداوندند و نه مجبور از ناحیه او

إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

جمله <إن الله لا يغير ما بقوم>

تغییر دهنده و از میان برنده را خدا می داند و عبارت <حتی یغیروا ما بأنفسهم> انسانها را در رقم زدن سرنوشت خویش دخیل می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱۱

۱۱- خداوند ، خواست و اراده خویش را در تحولات اجتماعی ، از طریق اسباب طبیعی انجام می دهد .

و أمددکم بأمول و بنین و جعلکم أكثر نفیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۱ - ۸

۸ - نقش شخصیت ها در رویداد های تاریخی و اجتماعی

ثم اتخذتم العجل من بعده

آوردن کلمه <من بعده> - که مراد از آن غیاب موسی است - به این نکته اشاره دارد که: تا موسی در میان بنی اسرائیل حضور داشت، آنان به شرک گرایش پیدا نکردند و این گویای نقش شخصیتها در رویدادهای مهم تاریخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۶

۶ - نقش شخصیت ها در رویداد های تاریخی و اجتماعی

لقد جاء کم موسی .. ثم اتخذتم العجل من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ تأثیر عقاید و اعمال امت ها در تحولات اجتماعی آنان

ذلک بأن الله لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

عوامل تشکیل جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۵

۵ ارزش و اهمیت کشاورزی و نیروی انسانی و نقش آن در قوام جامعه

و

إذا تولى . . . و يهلك الحرث و النسل

از اینکه نابود ساختن این دو، فساد در زمین معرفی شده، اهمیت و ارزش آن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۴

۴ جامعه ای که دارای یک ایده و آرمان باشد، به منزله یک پیکر است .

ان یمسسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله

چون خداوند جراحتهای وارد شده به گروهی از مسلمانان و یا کافران را به تمام آنها نسبت داده است، با اینکه قطعاً یکایک افراد مجروح نشدند، معلوم می شود که از نظر قرآن هر جامعه ای که دارای آرمانی واحد باشد، به منزله یک پیکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۹

۹ ثروت ها و اموال ، وسیله برپایی و قوام جامعه

اموالکم الّتی جعل الله لکم قیاماً

کلمه <قیاماً>، به معنی برپادارنده است. (لسان العرب).

عوامل تشکیل جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ نقش اساسی عالمان و دانشمندان دینی در ساختار دینی و اخلاقی جامعه

لبئس ما کانوا یصنعون

عوامل حیات جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی است .

و لكم فى القصاص حيوه

۳ - بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درك فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لكم فى القصاص حيوه یاولى الألب

زندگی در پرتو قانون قصاص

و اجرای آن، برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألباب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خور خردی ناب است.

عوامل ذلت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۲

۱۲ - افزایش نامتعادل تعداد زنان بر مردان در یک جامعه، در پی دارنده ضعف و زبونی آن

یستضعف طائفه منهم .. و يستحیی نساءهم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، زنده گذاشته شدن دختران بنی اسرائیل را، یکی دیگر از نمودهای زبون سازی فرعون به شمار آورده است.

عوامل رشد اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶- دستیابی جامعه به امنیت، رشد و رفاه اقتصادی و یا ابتلای آن به فقر، گرسنگی، ناامنی و ترس، در گرو اعمال افراد آن جامعه است.

و ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنه .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس

عوامل رشد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۱،۱۳

۱۱ جامعه بشری، نیازمند بعثت پیامبران برای حل اختلافات (هدایت جامعه)

فبعث الله النبیین .. لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه

۱۳ حکومت، داوری و حل اختلافات مردم، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

وَأَنْزَلَ مَعَهُمَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۲ - بقرہ - ۲ -

۱۱ جلوگیری نکردن از ازدواج زنان مُطَلَّقه ، موجبِ رشد و طهارت فزونتر برای جامعه

و اذا طَلَّقْتُم النِّسَاءَ .. فلا تَعْضِلُوهُنَّ ... ذَلِكُمْ اِزْكِ لَكُمْ و اطهر

۱۳ قوانین الهی برای رشد و طهارت جامعه ، مفیدتر از قوانین و رسوم مردم است .

و اذا طَلَّقْتُم النِّسَاءَ .. فلا تَعْضِلُوهُنَّ ... ذَلِكُمْ اِزْكِ لَكُمْ و اطهر

۲۰ قوانین الهی ، برای اصلاح و پاکسازی خانواده و جامعه

فلا تَعْضِلُوهُنَّ اِنْ يَنْكِحْنَ .. ذَلِكُمْ اِزْكِ لَكُمْ و اطهر و اللّٰه يعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۸

۱۸ پیکار در راه خداوند ، عزّت بخش و رهاکننده جامعه از قید تجاوز و اسارت

و ما لنا الا نقاتل في سبيل الله و قد اخرجنا من ديارنا و ابنائنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱۳

۱۳ ایمان و عمل صالح به ویژه نماز و زکات زمینه نفی ربا در جامعه

يُمَحِّقُ اللّٰهُ الرِّبَا .. امنوا و عملوا الصّٰلِحٰت

ذکر این آیه پس از آیات قبل (در مورد ربا) رهنمودی است برای از بین بردن ربا در جامعه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۱۴

۱۴ سلامت تفکر و حرکت جامعه ، در گرو سلامت قلبها

فاما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تأويله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱۹

تأمین سعادت جامعه در پرتو ایمان ، خدمات انبیا و تلاش عدالتخواهان است .

انّ الذّین یکفرون ... فبشرهم بعذاب الیم

نبود ایمان، انبیا و مصلحان در جوامع موجب رنج و بدبختی است، معلوم می شود وجود آنها زمینه ساز سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۲۵

۲۵ رهایی از آتش تفرقه و دشمنی میان افراد یک جامعه ، نعمتی الهی

و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء .. و کنتم علی شفا حفرة من النار فانقذ

جمله <کنتم علی>، عطف است بر <کنتم اعداء>. در نتیجه هر یک بیانی است از نعمت الهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۱۱

۱۱ نقش بنیادین دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر ، در رستگاری جامعه

و لتکن منکم امّه .. و اولئک هم المفلحون

بنابراینکه مشارالیه <اولئک> جامعه اسلامی باشد؛ یعنی تنها خود امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر رستگار نیستند، بلکه افراد جامعه بخاطر وجود چنین افرادی بهره مند از رستگاری هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۵،۶،۸

۵ ایمان به خدا و اصلاح جامعه (امر به معروف و نهی از منکر) ، دو عامل رُشد جوامع انسانی

کنتم خیر امّه أخرجت للناس تأمرون .. و تؤمنون بالله

رشد و تکامل جوامع از مصادیق خیر است و آیه فوق، خیر بودن امت را منوط به ایمان و اصلاح اجتماع (امر به معروف

و نهی از منکر) کرده است.

۶ امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه عمومی جامعه اسلامی برای رُشد خویش

کنتم خیر أمه أخرجت للناس تأمرون .. و تؤمنون بالله

از مصادیق بارز <خیر> برای جامعه، رُشد آن جامعه است.

۸ ایمان مصلحان (امرکنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر) به خداوند، شرط اعتلای جامعه

کنتم خیر امه .. و تؤمنون بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ یادآوری وضعیّت نابهنجار یک جامعه در هنگام رکود و انحطاط، از روش های تربیتی قرآن در تصحیح حرکت آن جامعه

و اذ غدوت من اهلک .. و اذ همّت طائفتان ... و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ پرهیز از رباخواری و رعایت تقوای الهی در امور اقتصادی، زمینه فلاح و رستگاری جامعه

لا تأکلوا الرّبوا .. و اتّقوا الله لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۱

۱۱ ادیان الهی، راه و روش رشد و تعالی انسان و جامعه

افین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

چون مراد از <انقلبتم علی اعقابکم>، بازگشت از دین الهی است و از آن تعبیر به واپسگرایی شده، معلوم می شود که دین الهی، رشد و تعالی مردم را تضمین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۱

ثروت باید برای رشد اقتصادی جامعه به کار گرفته شود .

اموالکم التی جعل الله لکم قیاماً

از اینکه خداوند مال را برای برپایی جامعه قرار داده و به همین جهت پرداخت آن را به سفیهان منع کرده، معلوم می شود که ثروتها باید در جهت رشد اقتصادی، که قوام جامعه به آن بستگی دارد، به کار گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۷

۲۷ فراهم آوردن ازدواج های سهل و آسان در جامعه ، راه جلوگیری از مفساد جنسی

و من لم یستطع .. فمن ما ملکت ایمانکم ... ذلک لمن خشی العنت منکم

چون ازدواج با کنیزان سهل است و خداوند برای جلوگیری از زنا و مفساد جنسی آن را پیشنهاد و تجویز کرده، معلوم می شود که بهترین راه برای جلوگیری از مفساد جنسی، فراهم آوردن ازدواج سهل و آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۲

۲ پایبندی به مقررات الهی در ازدواج و روابط جنسی ، زمینه سبکباری و دور ماندن جوامع از مشقت ها و رنجهاست .

یرید الله ان یخفف عنکم

بیان خواست الهی به سبکباری انسانها پس از تبیین احکام و مقررات ازدواج، اشاره به این است که دوری جوامع بشری از رنجها و مشقتها در گرو پیروی از آن احکام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ سلامت جامعه از مفساد اجتماعی ، از اهداف ارائه احکام اقتصادی از سوی خداوند

لا تاکلوا .. لا تقتلوا

... ان الله كان بكم رحيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ قضاوت و حکومت بر مبنای کتب آسمانی، جاری ساختن نور و هدایت در جامعه است.

فيها هدى و نور يحكم بها النبيون... و الربنيون و الاحبار

یادآوری قضاوت پیامبران بر اساس تورات، پس از توصیف آنان به هدایتگری و نورانیت، بیانگر آن است که پیاده کردن احکام آن در جامعه، موجب هدایت و نورانیت مردمان خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۶

۶ سلامت و سعادت جوامع در گرو پیروی از رهبران الهی و عمل به قوانین دین

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل إليه ما اتخذوهم أولياء

با توجه به آیات گذشته که در آن جامعه ای منحط از بنی اسرائیل ترسیم گردیده بود، معلوم می شود آیه مورد بحث، رهنمودی است برای نجات جوامع از انحطاط، بنابراین <ما اتخذوهم أولياء> تنها، بیان یکی از نتایج ترک پیروی از رهبران الهی و عمل به قوانین دینی است و نتایج دیگر که از آنها به سلامت و سعادت تعبیر شد با توجه به آیات گذشته به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۶

۶- حیات و پویایی جوامع، در پرتو ارزش های معنوی علاوه بر نعمت های مادی است.

يأتيها رزقها رغداً من كلّ مكان... و لقد جاءهم رسول منهم

جمله <يأتيها رزقها..> می تواند اشاره به نعمتهای مادی و

> و لقد جاءهم رسول منهم < اشاره به ارزشهای معنوی داشته باشد.

عوامل رشد جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۴

۴ ادیان الهی ، راه رشد و تعالی انسان و جامعه

ان تطيعوا الذين كفروا يردوكم على اعقابكم

خداوند با تعبیر واپسگرایی به جای کفر و شرک، اشاره به این معنا دارد که دین الهی، راه رشد و تعالی واقعی انسان است.

عوامل زیان به جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲ - ۱

۱ - برخورد دوگانه تاجران ، هنگام فروش کالا و خرید آن و به کار بردن سنجش دقیق با پیمانانه کامل تنها به هنگام خرید ، مایه زیان جامعه و زمینه ساز عذاب الهی است .

ويل للمطففين . الذين إذا اکتالوا علی الناس یستوفون

<اكتالوا>؛ یعنی، با پیمانانه کالا- را دریافت کردند. حرف <علی> در آیه شریفه جایگزین حرف <من> شده است تا نشانگر متضرر شدن مردم از این گونه تجارت باشد.

عوامل سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۸

۸ لزوم مبارزه با ریشه ها و علل گناه ، برای تأمین سلامت جامعه

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل . . . و لا تقتلوا انفسکم ... و لا تتمنوا ما فضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ - دين و عدالت ، مايه قوام و سلامت جامعه است .

و أنزلنا معهم الكتب و الميزان ليقوم الناس بالقسط

عوامل شقاوت جامعه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۸

۸- هلاکت و بدبختی جوامع بشری ، بازتاب زشت کاری و رفتار نامناسب خود آنها است .

الذین کذبوا بآیتنا انهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند دو عامل (تکذیب آیات الهی و سوء پیشینه) را موجب هلاکت برشمرد و هر دو عامل را به خود انسان نسبت داد.

عوامل ضعف جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوت جامعه اسلامی

و لاتترعوا فتنفسلوا و تذهب ریحکم

عوامل عظمت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۶

۶ اطاعت از خدا و رسول در پی دارنده وحدت و عظمت جامعه اسلامی

و أطيعوا الله .. و لاتترعوا فتنفسلوا و تذهب ریحکم

برحذر داشتن اهل ایمان از نزاع و اختلاف، پس از فراخوانی آنان به اطاعت از خدا و رسول می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که تنها راه برای دور ماندن از نزاعها و اختلافات، پیروی کردن از خدا و رسول اوست.

عوامل فساد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۱

۱ - منافقان ، عناصری فسادگر و تباه کننده جامعه

و إذا قيل لهم لا تفسدوا في الأرض

کلمه <في الأرض> نشانگر این است که فسادگری منافقان محدود به خود و اطرافیانشان نبوده، بلکه فسادی

است فراگیر و سرایت کننده به جامعه ای که در آن به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

كما أرسلنا إلى فرعون رسولا

عوامل فساد جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۲

۲ - منافقان ، سرچشمه و منشأ فساد ها و تبهکاری ها در جوامع دینی هستند .

ألا إنهم هم المفسدون

در آیاتی از قرآن غیر منافقان نیز فسادگر خوانده شده اند بنابراین حصر در جمله <ألا إنهم...> (تنها منافقان فسادگرند) حصر ادعایی است و اشاره به این معنا دارد که: فسادگری غیر منافقان در قیاس با منافقان چیزی به حساب نمی آید، و یا اینکه فساد دیگران نیز به گونه ای به نفاق و منافقان باز می گردد.

عوامل قوام جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷

۷ ماه های حرام و قربانی های بی نشان و بانشان حج ، دارای نقشی خاص در قوام و برپایی جوامع

جعل الله الكعبة قيماً للناس و الشهر الحرام و الهدى و القلئد

الشهر الحرام و ما بعد آن عطف بر <الكعبة> و در حقیقت آنها نیز مفعول اول برای <جعل> می باشند و مفعول دوم آن یعنی <قيماً للناس> به قرینه ماقبل حذف شده است.

۸ تأثیر حج در قوام و برپایی جوامع *

جعل الله الكعبة .. قيماً للناس و الشهر

ماه حرام به قرینه ذکر کعبه و هدی و قلئد بدان جهت مایه قوام جامعه شمرده شده است که مناسک حج در آن واقع می شود بنابراین <قیماً للناس> در حقیقت ثمره مناسک حج است.

۹ حجی که عامل قوام و برپایی جوامع نباشد حج واقعی نیست . *

جعل الله الكعبه البيت الحرام قیماً للناس

۱۰ نقش اساسی تر کعبه در قوام جامعه نسبت به ماه های حرام و قربانی حج

جعل الله الكعبه البيت الحرام قیماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلئد

تقدیم ذکری کعبه و نیز حذف <قیماً للناس> نسبت به <الشهر الحرام ..> اشاره به این دارد که نقش ماههای حرام و قربانی حج و ... در قوام جوامع بواسطه کعبه می باشد.

۱۱ آگاهی انسان ها به علم گسترده خداوند ، از اهداف بیان نقش کعبه و ماه های حرام و قربانی در قوام جامعه

جعل الله .. ذلك لتعلموا إن الله يعلم ما فی السموت و ما فی الارض

<ذلك> می تواند اشاره به بیان مطالب یاد شده باشد، یعنی خداوند فلسفه ایجاد کعبه و نیز احکام مربوط به آن را بیان کرد تا انسانها بدانند افعال خداوند و احکام او عالمانه و دارای اهدافی والاست و این را نشان و علامتی از علم گسترده خداوند بشمارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۱

۱- قرآن و تعالیم آن ، قوام بخش و رهبری کننده جامعه بشری است .

أنزل علی عبده الکتب و لم يجعل له عوجاً قیماً

<قیم> به معنای <مقیم> یعنی <برپادارنده و سامان بخش> است.

<قیم القوم> به معنای <مدیر و مدبر امور قوم> است. (اقتباس از لسان العرب). لازم به ذکر است که قیماً یا مفعول برای فعل مقدر <جعل> است یعنی: <جعله قیماً> و یا حال برای <الكتاب>.

عوامل کفر جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

كما أرسلنا إلى فرعون رسولا

عوامل گمراهی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۴

۴ - نقش مهم رهبری کفر، در گمراهی و انحراف ارکان جامعه

فتوئی برکنه

در صورتی که مراد از <رکن>، ارکان جامعه بوده و <بء> برای تعدیه باشد، از منتسب شدن انحراف ارکان جامعه، به شخص فرعون، مطلب یاد شده استفاده می شود.

عوامل محرومیت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۷

۷ محرومیت جوامع بشری از نعمت های الهی، پیامد گرفتار شدن آنان به کفر و گناه است.

ذلك بأن الله لم يك مغيرا نعمه أنعمها على قوم حتى يغيروا

عوامل مؤثر در اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دعوت و برخورد از سر مهربانی و شفقت ، مؤثر در هدایت و اصلاح جامعه

قال یقوم

عوامل مؤثر در سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۹

۹ - زنان ، همچون

مردان ، دارای نقش در سلامت معنوی یا بیماری اخلاقی جامعه

و لا نساء من نساء

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که برای حفظ برادری اجتماعی و حاکمیت رحمت بر کل جامعه، زنان و مردان سهمی همسان دارند. پس همچنان که مردان باید از استهزا پرهیزند، زنان نیز مکلف اند.

عوامل مؤثر در قوام جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۷

۷ - تشخیص و تمیز انسان ها به وسیله یکدیگر ، امری مهم در قوام جامعه و مناسبات اجتماعی

و جعلنکم شعوباً و قبائل لتعارفوا

از این که شناخت اعضای جامعه بشری نسبت به یکدیگر، غایت و هدف پیدایش تکوینی <شعوب و قبائل> معرفی شده است. دانسته می شود که تعارف و شناسایی انسان ها نسبت به یکدیگر دارای نقشی مهم در قوام و پایداری زندگی اجتماعی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۹ - ۴

۴ - اهمیت عدالت اقتصادی ، در قوام جامعه و برخورداری از رحمت الهی *

الرحمن . . . و أقيموا الوزن بالقسط و لاتخسروا الميزان

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ارتباط این آیه با آیات پیشین که در زمینه قانون مندی نظام جهان و نیز رحمانیت خداوند بود بیانگر مطلب بالا باشد؛ یعنی، اگر قانون مندی شرط قوام هستی است و در پرتو این قوانین، رحمت الهی شامل بشر شده، رعایت قوانین اقتصادی نیز شرط استواری جامعه است و آنان در پرتو همین اصل از رحمت عام الهی (شکوفایی اقتصادی و رابطه صحیح اجتماعی) برخوردار خواهند شد.

عوامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۷

۷- فقر ، ناامنی و عذاب دنیوی ، دستاورد تکذیب کنندگان انبیا و رسولان الهی

فأذقها الله لباس الجوع والخوف .. رسول منهم فكذبوه فأخذهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۶، ۹، ۷، ۶

۶- مبتلا شدن جامعه به فقر ، گرسنگی و ناامنی ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه كانت ءامنه مطمئنه .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع والخوف

۷- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . *

فأذقها الله لباس الجوع والخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <اذاق> اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و <لباس> اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

۹- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا ، عامل پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فكفرت بأنعم الله .. بما كانوا يصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه <يصنعون> که در بردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبق به عدم است، استفاده گردید.

۱۶- دستیابی جامعه به امنیت ، رشد و رفاه اقتصادی و یا ابتلای آن به فقر ، گرسنگی ، ناامنی و ترس ، در گرو اعمال افراد آن جامعه است .

و ضرب الله مثلاً قریه كانت ءامنه مطمئنه .. فكفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس

عوامل نابودی جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۸ شرک‌ورزی و مخالفت با تعالیم و توصیه‌های پیامبران، از عوامل مهم نابودی جامعه‌ها و تحولات تاریخ و دگرگونی‌های آن است.

فإن تولوا .. يستخلف ربی قوماً غیر کم

عوامل ناهنجاری اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ - منافقان، از جمله عوامل پیدایش ناهنجاری‌های اجتماعی اند.

لئن لم ینته المنفقون .. لنغرینک بهم

۱۱ - بیمارزدلان، آسیب‌رسانان به هنجارهای اجتماعی اند.

لئن لم ینته .. و الذین فی قلوبهم مرض ... لنغرینک بهم

۱۲ - شایعه‌پراکنان، برهم‌زنان آرامش جامعه و آسیب‌رسان به آن اند.

لئن لم ینته المنفقون و .. المرجفون فی المدینه لنغرینک بهم

عوامل هدایت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ قضاوت و حکومت بر مبنای کتب آسمانی، جاری ساختن نور و هدایت در جامعه است.

فیها هدی و نور یحکم بها النبیون .. و الرنبیون و الاحبار

یادآوری قضاوت پیامبران بر اساس تورات، پس از توصیف آنان به هدایتگری و نورانیت، بیانگر آن است که پیاده کردن احکام آن در جامعه، موجب هدایت و نورانیت مردمان خواهد شد.

عوامل هدایت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهی صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجینه .. و جعلنهم خلف و أغرقنا الذین کذبوا بآیتنا

فانظر كيف كان عقبه المنذر

عوامل هلاکت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۸

۸- هلاکت و بدبختی جوامع بشری ، بازتاب زشت کاری و رفتار نامناسب خود آنها است .

الذین کذبوا بآیتنا إنهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند دو عامل (تکذیب آیات الهی و سوء پیشینه) را موجب هلاکت برشمرد و هر دو عامل را به خود انسان نسبت داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۷

۷ تکذیب آیات خداوند و نپذیرفتن دعوت انبیا ، در پی دارنده سقوط و نابودی جوامع بشری

فقلنا اذهبا إلى القوم الذین کذبوا بآیتنا فدمرنهم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۵

۵ - نقش سردمداران کفر و فساد در هلاکت و بدبختی تمامی جامعه

أنا دمرنهم و قومهم

ضمیر <هم> به گروه های نه گانه بازمی گردد که طرح ترور شبانه صالح و خانواده اش را ریخته بودند. و از این که نام آنان به صورت مجزا و مقدم بر نام قومشان یاد شده است، مطلب فوق استفاده می شود.

عوامل هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۵

۵ ارتکاب ظلم و گناه در عین آگاهی، موجب هلاکت جامعه می شود.

ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكِ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفْلُونَ

جمله <و أهلها غافلون>، یعنی خداوند جامعه ستمکاری را که اهل آن از تعالیم انبیا غافل بوده

اند و پیام آنان را دریافت نکرده باشند، هلاک نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱۶، ۱۶

۱- فسق و گناه بر خورداران از مکنت و ثروتمندان هر جامعه ، عامل هلاکت و نابودی آن جامعه است .

و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

<مترف> از واژه <ترفه> گرفته شده و <ترفه> هم به معنای روزی و نعمت فراوان است (مفردات راغب).

۶- افزایش تعداد مترفان و ثروتمندان فاسق و تبهکار در جامعه ، از عوامل هلاکت و نابودی آن جامعه براساس سنت های خداوند

و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

برخی برآنند <أمرنا> به معنای <کثرنا> (فزونی دادیم) است (مفردات راغب) که بر اساس آن، مراد از <أمرنا مترفيها> افزایش مترفان در جامعه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۵، ۱۰

۱- جوامع و ملت های بسیاری پس از دوران نوح (ع) در نتیجه فسق و گناه و به اراده خداوند نابود شدند .

ففسقوا .. و کم أهلکنا من القرون

<قرن> (مفرد قرون) به معنای قومی است که نزدیک به یک زمان و در یک عصر زندگی می کنند (مفردات راغب).

۵- بسیاری از جوامع و ملل پس از حضرت نوح (ع) بر اثر وجود مترفان فاسق و تبهکار در میان آنان ، به هلاکت و نابودی دچار شدند .

و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا فيها .. و کم أهلکنا من القرون من

۱۰- گناه ، عامل اصلی هلاکت جوامع بشری است .

کم أهلکنا من القرون .

.. و کفی برّیک بذنوب عباده خبیراً بصیراً

فرار منافقان از جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۷

۷ علاقه و تلاش شدید منافقان به یافتن پناهگاه و محل مناسب برای زندگی (خارج از محیط اسلامی) دلیل بی ایمانی و همگام نبودنشان با مؤمنان

و ما هم منکم .. لو یجدون ملجئاً ... لولوا إلیه و هم یجمعون

جمله <لو یجدون ..> می تواند به منزله دلیل و ارائه شاهی برای <و ما هم منکم> در آیه قبل باشد.

فرجام جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۱،۲،۳

۱ - بسیاری از جوامع انسانی، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند.

و کأین من قریه عتت عن أمر ربّها.. فذاقت وبال أمرها

<وبال> به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

۲ - جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سر باز زدند، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند.

و کان عقبه أمرها خسراً

۳ - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسراً

فرد و جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۷

۷ هر

جامعه ای ، جدا از افرادش ، دارای حقیقتی مستقل و از مرگ و زندگی ویژه برخوردار است .

لکل أمه أجل

فساد اکثریت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۵

۵ فساد ها و تباهیها ، آن گاه که رواج یابد و فراگیر شود ، امت ها را در خطر عذاب های الهی قرار می دهد .

ینهون عن الفساد فی الأرض

فلسفه انذار جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۷

۱۷ هدف از تبلیغ و انذار جامعه ، دور داشتن آن از فساد و تباهی است .

و لینذروا .. لعلهم یحذرون

فلسفه سیاستهای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۰

۱۰ تطهیر و تکامل روحی و معنوی جامعه ، هدف اصلی برنامه های اجتماعی و اقتصادی اسلام است .

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

فهم جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه ، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لایفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننده توانایی و ناتوانی دانسته شده، معلوم می شود مفعول حذف شده از <لایفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

قانونمندی نابودی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۱

۱- هلاکت و نابودی هر جامعه انسانی ، دارای قانون

و اجلی مکتوب و معین

و ما أهلكنا من قرية إلا و لها كتاب معلوم

قانونمندی تحولات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۸

۸- جامعه و تحولات آن ، دارای سنت و قانونمندی مشخصی است .

و إذا أردنا أن نهلك .. ففسقوا فيها ... فدّمّرنا

<قریه> در لغت به معنای مجتمع انسانی است (مفردات راغب). اینکه خداوند می فرماید: <وقتی ثروتمندان و مرفهین جامعه فاسق شدند، سخن ما درباره آنان قطعی می شود> (فحقّ علیها القول)؛ حکایت از آن دارد که تحولات جامعه، دارای قانون مشخصی است.

قانونمندی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۳

۳ امتها و جوامع بشری، ناتوان از کمترین شتاب در سپری ساختن تاریخ حیات خویش

فإذا جاء أجلهم ... لا يستقدمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۷

۷- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا از افراد آن جامعه

و ما أهلكنا من قرية إلا و لها كتاب معلوم

قانونمندی جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- جامعه و تحولات آن ، دارای سنت و قانونمندی مشخصی است .

و إذا أردنا أن نهلك .. ففسقوا فيها ... فدمرنا

<قریه> در لغت به معنای مجتمع انسانی است (مفردات راغب). اینکه خداوند می فرماید: <وقتی ثروتمندان و مرفهین جامعه فاسق شدند، سخن ما درباره آنان قطعی می شود> (فحقّ علیها القول)؛ حکایت از آن دارد که تحولات

جامعه، دارای قانون مشخصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۶

۶- اعلام یکسان بودن رفتار امت ها در برخورد با آیات الهی و تعمیم عکس العمل پیشینیان به نسل های بعد ، برخواسته از اشراف و احاطه خداوند به همه انسانهاست .

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن کذب بها الأولون .. إن ربک أحوط بالناس

خداوند، رفتار معجزه طلبان پیشین با معجزه خواهان بعدی را یکسان تلقی کرده و برخورد خود را به همه آنها تعمیم داده است و این آیه، در مقام تعلیل آن می فرماید: <پروردگار به مردم احاطه دارد>.

قدرت نظامی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل الله > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم .. و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله

قوام جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۷، ۱۵

۱۵ فرمان به انجام مناسک حج و محترم شمردن کعبه برای رسیدن به جامعه ای با قوام ، فرمانی برخاسته از علم گسترده خداوند

جعل الله الکعبه .. ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما فی السموت و ما فی الارض

چون توجه به نقش کعبه و ماههای حرام و قربانی در قوام جامعه آدمی را به علم خداوند رهنمون می سازد، الزاماً باید جعل آنها برای تأمین این هدف، عالمانه باشد.

و استوار برای بندگان خویش

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس

کافران در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

کتمان علم هنگام نیازهای جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۳

۱۳ کتمان دانش به ویژه در هنگام نیاز جامعه به آن ، امری به دور از شأن انسان های پاک و نیکوکار

قال تزرعون .. إلا قليلاً مما تأكلون

کفران نعمت در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۵

۵- قرار گرفتن جامعه در معرض کفران نعمت های الهی پس از آسایش و رفاه مادی

قریه کانت ءامنه مطمئنه یأتیها رزقها رغداً .. فکفرت بأنعم الله

کیفر استهزای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۲

۲ - استهزای منافقان از سوی خدا ، کیفر تمسخر آنان نسبت به اسلام و جامعه ایمانی است .

إنما نحن مستهزءون. الله يستهزئ

آیه مورد بحث، بیانگر سزا و کیفر منافقان استهزا کننده است.

کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۱

۱ - بسیاری از جوامع انسانی ، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند .

و کأین من قریه

عتت عن أمر ربّها. .. فذاقت وبال أمرها

<وبال> به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

گروههای اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱

۱ دسته ای از مردم جوینده رضا و خشنودی خدا و گروهی زمینه ساز خشم و غضب الهی بر خود

افمن اتّبع رضوان الله کمن بآء بسخط من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۳ - ۲

۲ جویندگان خشنودی و غضب الهی ، هر کدام دارای درجه و جایگاه متفاوت در پیشگاه خداوند هستند .

افمن اتّبع رضوان الله کمن بآء بسخط . .. هم درجات عند الله

در برداشت فوق ضمیر <هم> به دو گروه مذکور در آیه قبل برگردانده شده و کاربرد درجه در مورد غضب شدگان از جهت تغلیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲

۲ جداسازی صفوف ناپاکان از پاکان در جامعه ایمانی ، سنّت تغییرناپذیر الهی

ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیب

گروههای جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۴

۱۴ ناسپاسی بیشتر مردم در برابر تفضّلات الهی

لذو فضل ... و لكنّ اكثر الناس لا يشكرون

مبارزه با ناهنجاری اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۸، ۱۳

۱۳ - برای جلوگیری از ناهنجاری

اجتماعی ، تنها جنبه دیوار دفاعی ایجاد کردن ، کافی نیست و باید با ریشه های آن نیز به مبارزه برخاست .

يدنين عليهنّ من جليبيهنّ ذلك أدنى أن يعرفن فلا يؤذین . . . لئن لم ينته المنفقون

۱۸ - پیامبر (ص) در صورت نیاز ، به ریشه کنی عوامل ناهنجاری های اجتماعی ، اقدام می کرد .

لئن لم ينته المنفقون . . . لنغريتنك بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلاً

مبلغان و اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۲۲

۲۲ رهبران و مبلغان دین ، تا توان دارند باید در اصلاح جامعه و ابلاغ معارف الهی تلاش کنند .

إن أريد إلا الإصلاح ما استطعت

محرومیت جامعه مجرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۲

۱۲ جامعه مجرم خود را از شمول رحمت خداوند محروم و سزاوار عذاب او می گرداند.

و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

<بأس> در لغت به معنای شدت است و در این آیه کنایه از عذاب است.

محمد(ص) و منافع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۸

۸ گوش فرادادن پیامبر (ص) به سخن همه مردم ، در جهت منافع آنان و به خطر و صلاح جامعه

و يقولون هو أذن قل خير لكم

برداشت فوق بدین احتمال است که اضافه <أذن> به <خیر>، از باب اضافه موصوف به صفت باشد، یعنی، پیامبر(ص)
شنوای خوبی است برای شما و این صفت در جهت صلاح جامعه ایمانی است.

مدیریت جامعه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۵

۵ ولایت و سرپرستی ، ضرورت نظام اجتماعی *

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

به نظر می آید تعیین ولی و سرپرست در آیه، مفروغ عنه گرفته شده و تنها نسبت به مصداق آن تذکر داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۶

۶ رهبری قوای نظامی ، بخشی ضروری از مدیریت جامعه اسلامی

و اذ غدوت من اهلك تبوء المؤمنین مقاعد للقتال

چون پیامبر (ص) به عنوان مدیر جامعه اسلامی، امور مربوط به قوای نظامی را نیز رهبری می کرده، برداشت فوق به دست می آید.

مدیریت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۴،۶،۱۰

۴ سرپرستی و مدیریت در جامعه اسلامی ، مخصوص مؤمنان است .

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

۶ ایمان ، ملاکی مهم برای شایستگی مدیریت و سرپرستی در نظام اسلامی

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

۱۰ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ ... و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

مدیریت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۳

۳ ناشایستگی کافران برای ولایت و سرپرستی و یاری جامعه ایمانی

ان تطيعوا الذين كفروا .. بل الله مولیکم و هو خير التاصرین

مرگ جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

۸ خداوند جوامع کفرییشه را به اندیشه در امکان نزدیک بودن مرگ و هلاکتشان فراخواند .

أو لم ينظروا في .. أن عسى أن يكون قد اقترب أجلهم

مرگ جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

مسؤول هدايت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۰

۱۰ فقیهان و عالمان ، مسؤول ارشاد و هدایت جامعه خویش

ليتفقها في الدين و لينذروا قومهم إذا رجعوا إليهم

مسؤوليت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۲،۱۶

۱۲ مسؤولیت جامعه در نظارت بر اجرای قوانین

فلا جناح علیکم فی انفسهنّ بالمعروف

۱۶ مسؤولیت جامعه ایمانی در مراقبت از قانون عده وفات

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح علیکم

مفهوم <فاذا بلغن ... > با توجه به خطاب در کلمه <علیکم> حاکی از مسؤولیت جامعه ایمانی در مورد جلوگیری از ازدواج زنان شوهر مُرده در زمان عده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۸ - ۴

۴ لزوم نظارت اجتماعی بر رعایت نماز و آداب دینی در جامعه اسلامی

حافظوا علی الصلوات

چون <حافظوا> به صورت جمع آورده

شده، می توان چنین فهمید که خطاب به جامعه ایمانی است. بدیهی است که این معنا منافاتی با فرمان محافظت بر نماز بر آحاد مردم ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۹

۹ جامعه اسلامی مسئول نظارت بر رفتار زنان بیوه و بی سرپرست

فان خرجن فلا جناح علیکم . . . من معروف

اگر چه آیه درباره زنان شوهر مُرده است و ولی بنا بر اینکه خطاب به جامعه ایمانی باشد، نه خصوص اولیاء، معلوم می شود که تنها زن شوهر مرده مراد نیست و چون از نظر اجتماعی تفاوتی بین زن شوهر مرده و غیر او نخواهد بود و بلکه ملاک لزوم نظارت، بی سرپرست بودن زن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۳ - ۲

۲ تأمین مخارج زندگی افرادی که انجام وظایف الهی آنان مانع از تحصیل هزینه زندگیشان می گردد، بر عهده جامعه اسلامی است .

للفقراء الذین احصروا فی سبیل اللّٰه لا یستطیعون ضرباً فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۶۱

۶۱ پیوند همگان و تعهد متقابل مؤمنان در جامعه، نسبت به یکدیگر

یا ایها الذین امنوا .. و لا یأب کاتب .. و لا یأب الشّهداء ... و اشهدوا ...

آیه شریفه برای طرفین قرارداد، کاتب و شاهد، وظایف و حقوقی را معین کرده است که گویای تعهد و مسئولیت متقابل آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۴

جامعه اسلامی ، در برابر انحرافات اعتقادی

اولئك جزاؤهم انّ عليهم .. و الناس اجمعين

بنابراینکه مراد از <الناس>، مسلمانان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۴ - ۹

۹ دعوت به نیکی ها و امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی) ، وظیفه همه افراد جامعه اسلامی

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر

بنابراینکه من در <منکم> بیائیه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۶،۷

۶ امر به معروف و نهی از منکر ، وظیفه عمومی جامعه اسلامی برای رُشد خویش

کنتم خیر اُمَّه أخرجت للناس تأمرون .. و تؤمنون بالله

از مصادیق بارز <خیر> برای جامعه، رُشد آن جامعه است.

۷ اصلاح جوامع بشری ، مسؤولیت جامعه اسلامی

کنتم خیر اُمَّه أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۲۳

۲۳ پاسداری جامعه ایمانی از خطر نفوذ بیگانگان و دشمنان دین ، وظیفه و مسؤولیت همه اهل ایمان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانه من دونکم

به نظر می رسد هدف از دستور خداوند مبنی بر اینکه کافران را محرم اسرار قرار ندهید، جلوگیری از نفوذ آنان در جامعه

اسلامی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ ایمان جامعه دینی ، موجب مسئول گردیدن در جهت کوششی مستمر برای حاکمیت بر همه جوامع بشری

ولا

تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان كنتم مؤمنين

خداوند از مسلمانان خواسته که بر دیگران برتر باشند و انتم الاعلون. و از مصادیق بارز برتری، حاکمیت آنان و دینشان بر تمامی جهان است و این، در گرو ایمان واقعی است: ان كنتم مؤمنين. بنابراین ایمان واقعی، تحریک کننده آدمی به توانی مستمر (و لا تهنوا) برای حاکمیت بخشیدن به دین الهی بر تمام جوامع بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۶

۶ ضرورت دفاع جامعه ایمانی از معارف و عقاید دین، در برابر هجوم تبلیغاتی دشمن

لا تكونوا كالذين كفروا و قالوا لاخوانهم اذا ضربوا في الارض

دفاع خداوند از معارف و عقاید دینی اسلام (لا تكونوا ..)، درسی است برای مسلمانان که از آن معارف و عقاید دفاع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۲، ۶

۶ جامعه دارای حقوقی نسبت به اموال شخصی افراد

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

نسبت دادن اموال شخصی سفیهان به جامعه، می رساند که جامعه در اموال شخصی افراد، حقوقی دارد.

۱۲ تأمین خوراک و پوشاک (مخارج زندگی) سفیهان، بر عهده جامعه است.

و ارزقوهم فیها و اکسوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۵ - ۳

۳ مسؤولیت تمامی افراد جامعه در برابر اختلافات خانوادگی زن و شوهر

و ان خفتم شقاق .. فابعثوا

ظاهراً مراد از مخاطبان جمله <فابعثوا>، عموم مسلمانان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء -

۲۰ حفظ حقوق یتیمان و استیفای کامل آن ، وظیفه ای همگانی

و إن تقوموا للیتمی بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۴

۴ کیفر حق ناپذیران ، در راستای ربوبیت الهی بر جامعه انسانی است .

قد وقع علیکم من ربکم رجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۳

۳ لزوم هجرت گروهی از هر جامعه ، به سوی مراکز علمی ، برای کسب شناخت اسلام و تفقه در دین

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین

مسئولیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ مسئولیت بین المللی جامعه اسلامی در برابر مستضعفان خداپرست تحت ستم

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین .. الذین یقولون ربنا اخرجنا م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۵

۵ جامعه ایمانی وظیفه دار برقراری روابط مسالمت آمیز با جوامعی که خواهان این نوع مناسبات هستند .

و اذا حییتم بتحیه فحیوا باحسن منها او ردوها

با توجه به معنای لغوی < تحیت > (درخواست سلامتی)، جمله < اذا .. > به این معناست که اگر فردی یا گروهی خواهان سلامت و امتیّت شما باشند، شما نیز خواهان سلامت و امنیت آنان باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۳

۳ لزوم وفاداری جامعه اسلامی به همپیمان ها و

معاهده های بین المللی خود

أَلَا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۸

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت آمیز با آنان

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ.. تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۳

۳ - جامعه اسلامی وظیفه دار اجرای قانون قصاص است . *

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقَصَاصُ فِي الْقَتْلِ

بدیهی است که حق قصاص از آن اولیای مقتول می باشد و اجرای آن تنها در مورد قاتل است. بنابراین مخاطب قرار دادن همه مسلمانان برای بیان حقیقت مذکور، می تواند اشاره به این باشد که: همگان باید پی گیر استیفای آن بوده و شرایط اجرای آن را فراهم سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۴،۵،۹

۴ جامعه اسلامی باید به پیشرفته ترین ادوات رزمی زمان مجهز باشد .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

۵ قوای نظامی جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که دشمنان دین را همواره به هراس افکند .

ترهبون به عدو الله و عدوكم

۹ لزوم آمادگی نظامی جامعه اسلامی در برابر دشمنان شناخته شده و ناشناخته

ترهبون . . . وءاخرين من دونهم لاتعلمونهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ١٠١ - ٩

٩ لزوم هشارى هميشگى جوامع

اسلامی ، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولکم من الأعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۵

۵ فرمان الهی به غفلت نورزیدن جامعه اسلامی از خطر نفوذ و کارشکنی دشمنان همجوار

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۲

۲ - جامعه اسلامی ، موظف به فراهم آوردن امکانات ازدواج مؤمنان غیر متأهل

و أنکحوا الأیمی منکم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مخاطب در خطاب جمع <و أنکحوا الأیمی منکم> به قرینه <أیه المؤمنون> در آیه قبل که خطاب به یکایک مؤمنان است تمامی مردم و جامعه اسلامی باشد، نه فقط اولیای آنان.

مسئولیت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۵۸

۵ جامعه ایمانی ، وظیفه دار پیکار در راه خدا و یا دست کم دفاع از وطن و کیان خویش

تعالوا قاتلوا فی سبیل الله او ادفعوا

۸ پیکار با دشمنان دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی) ، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل الله او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، بیان حکم جهاد باشد، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی. بنابراین جمله <قاتلوا ...>، ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او ادفعوا> ناظر به جهاد دفاعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء -

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الى الذين .. ان تضلوا السبيل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۶

۶ جامعه ایمانی ، موظف به پذیرش توبه کنندگان واقعی

الا الذين تابوا و أصلحوا .. فأولئك مع المؤمنين

از جمله <فأولئك مع المؤمنين>، استفاده می شود که جامعه اسلامی باید پذیرای منافقین تائب باشد و آنان را به عنوان عضوی از جامعه اسلامی بپذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ جامعه ایمانی وظیفه دار هشیاری در برابر موضعگیری های گمراه کننده کافران

يايها الذين ءامنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل إذا اهتديتم

<لا> در لا يضركم می تواند نافیه باشد بر این مبنا مراد از جمله <لا يضركم ..> این است که چنانچه از ایمان خود مراقبت کنید از دام گمراهان می رهید و می تواند <لا> ناهیه باشد، یعنی ای مؤمنان مبادا گمراهان شما را از راه بدر برده و ایمان شما را برابیند برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. گفتمی است که مراد از <من ضل> به قرینه <ءامنوا> کفرپیشگان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۱،۴

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

جنحوا للسلم فاجنح لها

۴ جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه <إن جنحوا .. > استفاده می شود.

مسؤولیت رهبران جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۸

۸ - مریبان و مدیران جامعه ، باید مشکلات راه های پیشنهادی را برای سالکان آن راه ها ، بیان کنند و عوامل موفقیت را نیز یاد آور شوند .

و لنبلونکم بشيء من الخوف .. و بشر الصبرین

ارائه راه صحیح و بیان مشکلات آن و نیز طریق پیروزی بر آنها - که از آیات قبل و آیه مورد بحث به دست می آید - درسی است به همه مریبان و مدیران که تنها به پیشنهاد راه صحیح اکتفا نکنند؛ بلکه مشکلات و روش پیروزی بر آنها را نیز بیان دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۲۰

۲۰ لزوم اهتمام حاکمان جامعه به برنامه ریزی ، محاسبه و پیش بینی شرایط اقتصادی

تزرعون سبع سنین .. مما تأکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۵

۵ رهبران جامعه باید احراز کنند که بیگانگان وارد شده به قلمرو حکومتی آنان ، خرابکار و فسادگر نیستند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

مشکلات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۹

۹ - استثمار و بی عدالتی اقتصادی

، از مشکلات عمده و اساسی جوامع در طول تاریخ

لقد أرسلنا رسلنا .. و أنزلنا معهم الكتب و الميزان

با توجه به این که <میزان> (ترازو) ابزاری است که در مبادلات اقتصادی به کار می رود و با آن کالاها را توزین می کنند؛ می توان گفت که: این واژه در آیه شریفه استعاره از خصوص عدالت اقتصادی است. بنابراین، پیام عدالت اقتصادی که در این آیه به عنوان رسالت همه پیامبران برشمرده است نشان می دهد که موضوع استثمار توده ها و ظلم و اجحاف اقتصادی به آنان، در تاریخ بشر ریشه داشته است و همه جوامع با آن مشکل دست به گریبان بوده اند.

مشکلات جامعه دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۶

۶- بی منطقی در عقیده و سستی اندیشه ، بزرگ ترین مشکل جامعه اصحاب کهف از دیدگاه خود آنان

اتخذوا من دونه ءالهه لولا یأتون علیهم بسطن بین

مصالح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۱۰

۱۰ افرادی که اموال خویش را در غیر مصالح جامعه به کار می گیرند ، در تلقی دین ، سفیه هستند . *

اموالکم الّتی جعل الله لکم قیاماً

جمله <لا تؤتوا السّفیهاء اموالکم الّتی .. قیاماً>، می رساند که خداوند از آن جهت پرداخت اموال سفیهان را به آنان ممنوع کرده که آن را در غیر مصالح جامعه و قوام و برپایی آن مصرف می کنند. بنابراین، مصرف مال در غیر مصلحت جامعه، مصرفی سفیهانه و مصرف کننده آن، سفیه

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - تمسک به قرآن و پیروی از رهنمود های آن ، به خیر و صلاح جامعه و ترک آن ظلم به خویشان است .

ثم أورثنا الكتب .. فمنهم ظالم لنفسه

ملاکهای برتری جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۴

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، (نظارت همگانی) و ایمان به خدا ، معیار و ملاک بهتر بودن یک جامعه در میان جوامع انسانی

كنتم خير أمه أخرجت للناس تأمرون .. و تؤمنون بالله

منافقان در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

منافقان در جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۴

۴ - منافقان ، در جامعه قرآنی و در برابر اسلام ، خود را در معرض زوال و نابودی می بینند .

يجعلون أصعبهم فيءاذانهم من الصوعق حذر الموت

منافقان و جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۵۶

۵ محیط جامعه اسلامی ، محیطی بسیار سخت و غیر قابل تحمل و دشوار برای منافقان

لو يجدون ملجئاً .. لو لؤا إليه و هم يجمعون

<جُمُوح> (مصدر يجمعون) به معنای به سرعت دویدن و

به پشت سر نگاه نکردن است. اینکه اگر منافقان پناهگاهی می یافتند بی درنگ و بدون اینکه پشت سرشان را بنگرند به آن پناه می بردند، نشان می دهد که زندگی برای آنان در جامعه اسلامی بسیار نگران کننده و دشوار بوده است.

۶ رنج و اضطراب منافقان در جامعه اسلامی ، با وجود داشتن مال و فرزند بسیار ، نمودی از عذاب دنیوی آنان *

فلا تعجبك أموالهم و لا أولادهم إنما يريد الله ليعذبهم بها في الحياه الدنيا .. ل

برداشت فوق بدین احتمال است که بیان زندگی دشوار منافقان، نمودی از عذاب دنیوی آنان باشد که در آیات قبل ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و كفراً و تفریقاً .. و إرصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

منشأ استقلال جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۲

۱۲- دعوت به عدالت و بر صراط مستقیم بودن ، منشأ قدرت ، استقلال و خیرات برای جامعه است .

أحدهما أبکم لا یقدر علی شیء .. هل یستوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم

برداشت فوق، از تقابل <من یأمر بالعدل..> و <أحدهما أبکم... لا یأت بخیر> به دست آمد.

منشأ استقلال جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۷

۳۷- نقش اساسی

پیامبر (ص)، و رهبری الهی در استحکام، استقلال و خلاقیت امت اسلامی

کزرع أخرج شطه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوجه

با توجه به این که ضمیر <شطئه> و <آزره> به <زرع> بازمی گردد؛ استفاده می شود که در این روند بالندگی، اصلی وجود دارد و شاخه ها و فروع، در پرتو آن تغذیه شده و رشد می یابند. بدون شک در فرایند بالندگی نظام اسلامی، وجود پیامبر(ص) و رهبری الهی همان اصل به شمار آمده و نقش اساسی دارد.

منشأ امنیت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۶

۶ تأمین سلامت و امنیت جامعه های بشری و ایجاد نعمت برای آنان، به دست خدا و در اختیار اوست .

اهبط بسلم منا و برکت علیک و علی أمم ممن معک و أمم سمتعهم

برداشت فوق، از <منا> استفاده می شود. قابل ذکر است که کلمه <منا> در مورد <برکات> مقدر است، چنان چه کلمه <علیک> در مورد <بسلام> مقدر می باشد؛ یعنی: بسلام منا علیک و برکات منا علیک.

منشأ انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۶

۶- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی، صحنه جوامع بشری و روند آن را دگرگون می سازد .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمین ... و قضینا ... أن دابر هؤلاء مقطوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۲۱

۲۱ پیدایش و انقراض تمدنها، تحت اراده و سیطره الهی

الم یروا کم

أهلكتنا من قبلهم من قرن مكنهم في الأرض . . . فأنشأنا من بعدهم قرناً آخر

منشأ پیدایش جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۸

۱۸ خداوند جایگزین کننده ملت‌هایی به جای ملت‌های هلاک شده پیشین

فأهلكتهم بذنوبهم و أنشأنا من بعدهم قرناً آخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۳

۳ - حاکمیت اراده خدا، در شکل‌گیری و نیز نابودی جوامع بشری

ثم أنشأنا من بعدهم قرناً آخرین

منشأ تحولات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ تدبیر امور انسان‌های مؤمن و کافر، تحولات جوامع بشری و سرنوشت آنها، به دست خدا و در اختیار اوست .

اهبط بسلم منا . . . و أمم سنمتهم ثم یمسهم منا عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۷

۷ تحولات اجتماعی و معیشتی بشر در اختیار خداوند و به دست اوست .

إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع و روند آن را دگرگون می سازد .

و جاء أهل المدینه یستبشرون .. قال هؤلاء بناتی إن كنتم فعلین ... فأخذتهم الصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ تحولات تاریخی و

اجتماعی نسل بشر ، تحت اراده و مشیت الهی است .

و اذکروا اذ جعلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۷

۷ تحولات تاریخی و اجتماعی بشر در اختیار خدا و به دست اوست .

جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۲

۲ تحولات تاریخی و اجتماعی بشر به دست خدا و در اختیار اوست .

و قَطَعْنَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا .. و بلونهم بالحسنت و السيئات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۶

۶- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع بشری و روند آن را دگرگون می سازد .

إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين ... و قضينا ... أن دابر هؤلاء مقطوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۷

۷- دخالت خداوند در رخداد های تاریخ و تحولات اجتماعی به نفع جبهه حق

فألقيوه في الجحيم . فأرادوا به كيدًا فجعلناهم الأسفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۵

۵- نقش خداوند در سرنوشت اجتماعی و تحولات تاریخ

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومها ... و نصرنهم فکانوا هم الغلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۶

۶- قوانین الهی ، حاکم بر تحولات جامعه و تاریخ

سنّه

اللّٰهُ الَّذِي قَدْ خَلَقَ مِنْ قَبْلِ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۸

۸ - اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ و جوامع بشری

و ترکنا فیها ءایه

خداوند، به اراده و قدرت خویش جامعه مفسد لوط را آن چنان از صفحه زمین محو گردانید که تنها نشانه ای از آن برجای ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۶

۶ - اراده الهی ، حاکم بر همه تحولات فردی و اجتماعی در زندگی بشر

ما أصاب من مصیبه فی الأرض . . . من قبل أن نبرأها

ضمیر <ها> در <نبرأها> به مصیبت بازمی گردد و <برء> (مصدر <نبرأ>) به معنای آفریدن و پدید آوردن است. نسبت دادن همه پدیده های فردی و اجتماعی به خداوند، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۶

۶ - خداوند ، قادر به ایجاد تحوّل در روابط ملت ها و تبدیل خصومت ها به مودّت

عسى اللّٰهُ . . . و اللّٰهُ قَدِير

منشأ تحولات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۵

۱۵ مالکیت خدا بر زمین ، نفوذ مشیت او بر حاکمان آن و سیر تحولات جوامع بشری به سوی حاکمیت تقوایندگان ، از تعالیم

موسى (ع) به قوم خویش

قال موسى . . . إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده و العقبه للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۲

۲- مرگ و میرها و تحولات طبیعی در جوامع، به دست خداوند و به تقدیر اوست.

و ما أهلكنا من قرية إلا و لها كتاب معلوم

منشأ تکامل جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۳

۳- ره یابی انسان و جامعه به رشد و تعالی دینی، فضل و نعمت خداوندی است.

أولئك هم المرشدون . فضلاً من الله و نعمة

منشأ خلاقیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۷

۳۷- نقش اساسی پیامبر (ص)، و رهبری الهی در استحکام، استقلال و خلاقیت امت اسلامی

کزرع أخرج شطه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه

با توجه به این که ضمیر <شطئه> و <آزره> به <زرع> بازمی گردد، استفاده می شود که در این روند بالندگی، اصلی وجود دارد و شاخه ها و فروع، در پرتو آن تغذیه شده و رشد می یابند. بدون شک در فرایند بالندگی نظام اسلامی، وجود پیامبر(ص) و رهبری الهی همان اصل به شمار آمده و نقش اساسی دارد.

منشأ سرنوشت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۶ - ۵

۵- تحولات تاریخ بشر و سرنوشت اقوام و جوامع، به دست خداوند است.

فعل رَبَّكَ

منشأ قدرت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۲

۱۲- دعوت به عدالت و بر صراط مستقیم بودن ، منشأ قدرت ، استقلال و

خیرات برای جامعه است .

أحدهما أبکم لا یقدر علی شیء .. هل یستوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی صرط مستقیم
برداشت فوق، از تقابل <من یأمر بالعدل..> و <أحدهما أبکم... لا یأت بخیر> به دست آمد.

منشأ هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۵

۵- تحولات تاریخ و نابود شدن جوامع و تمدن ها ، وابسته به اراده الهی است .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۳

۳ - حاکمیت اراده خدا ، در شکل گیری و نیز نابودی جوامع بشری

ثم أنشأنا من بعدهم قرناً اخرین

موانع اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۲۳

۲۳ پیروی از راه و رسم مفسدان و اندیشه های آنان ، مانع اصلاح جامعه است .

و أصلح و لا تتبع سبیل المفسدین

موانع رشد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۲۱

۲۱ فسق ، عامل بازدارنده جامعه از رشد و تکامل

و لو أمن . . . و اکثرهم الفسقون

<خیر> نتیجه ایمان است و واژه <فسق> در آیه شریفه، مقابل ایمان قرار گرفته است. در نتیجه، اهل فسق، محروم از خیر و تکامل هستند.

مؤمنان در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۶۱

۶۱ پیوند همگان و تعهد متقابل مؤمنان در جامعه ، نسبت به یکدیگر

یا ایها الذین

امنوا .. ولا یأب کاتب ... ولا یأب الشّهداء ... و اشهدوا ...

آیه شریفه برای طرفین قرارداد، کاتب و شاهد، وظایف و حقوقی را معین کرده است که گویای تعهد و مسؤولیت متقابل آنان است.

مؤمنان و اصلاح جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ لزوم اهتمام مؤمنان به اصلاح جامعه و تأمین نیازهای معیشتی آنان، همپای اهتمام به تکالیف عبادی و فردی

و المؤمنون .. یأمرون بالمعروف ... و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

امر به معروف و نهی از منکر، در راستای اصلاح جامعه و پرداخت زکات در جهت تأمین نیازهای مالی مؤمنان و اقامه نماز از عبادات فردی انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۳

۱۳ اهتمام مؤمنان واقعی به خودسازی، قبل از پرداختن به اصلاح جامعه *

التّبیون العبدون الحمدون .. الأمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر

تقدم لفظی صفات فردی (توبه، عبادت و ...) بر صفات اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) می تواند اشاره به تقدم حقیقی و رتبی آن داشته باشد.

مؤمنان و تأمین نیازهای جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ لزوم اهتمام مؤمنان به اصلاح جامعه و تأمین نیازهای معیشتی آنان، همپای اهتمام به تکالیف عبادی و فردی

و المؤمنون .. یأمرون بالمعروف ... و یقیمون الصلوه و یؤتون الزکوه

امر به معروف و نهی از منکر، در راستای اصلاح جامعه و

پرداخت زکات در جهت تأمین نیازهای مالی مؤمنان و اقامه نماز از عبادات فردی انسانهاست.

مؤمنان و جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ دستیابی اهل ایمان به جامعه ای با قوام در پرتو حراست از حرمت کعبه و انجام مناسک حج ، موجب آگاهی آنان به علم گسترده و همه جانبه خداوند .

جعل الله .. ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما في السموت و ما في الارض

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلك> اشاره به خود حقایق بیان شده باشد نه بیان آن حقایق، یعنی آنگاه که انسانها در پرتو احترام به کعبه و ماههای حرام و انجام مناسک آن به جامعه ای با قوام رسیدند، در می یابند که خداوند دارای علمی گسترده است.

نجات از جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۶

۶- نجات از جامعه فاسد و آلوده ، نشانگر رحمت خاص الهی است . *

و نجینه .. و أدخلنه فی رحمتنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که عطف جمله <أدخلناه..> بر جمله <آیناه>، از نوع عطف تفسیری باشد.

نشانه های جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۷

۷ امر به معروف و نهی از منکر ، مهمترین وظیفه مؤمنان و بارزترین مشخصه جامعه اسلامی

و المؤمنون و المؤمنات .. یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

از اینکه در رأس همه کارها و ارزشها، از امر به معروف و نهی از منکر یاد شده

است، اهمیت برتر آن استفاده می شود.

نظام اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۵،۷،۱۰

۵ ولایت و سرپرستی ، ضرورت نظام اجتماعی *

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

به نظر می آید تعیین ولی و سرپرست در آیه، مفروغ عنه گرفته شده و تنها نسبت به مصداق آن تذکر داده شده است.

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالك الملك .. لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است.

۱۰ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ .. و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

نعمت نجات از جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۲

۱۲- نجات از جامعه فاسد و ناپاک ، نعمتی بزرگ و درخور شکر و سپاس است .

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَسَقِينَ

آیه شریفه در مقام امتنان بر حضرت لوط(ع) است. بنابراین نجات از دست قوم فاسد، نعمتی است که خداوند با آن کار بر حضرت لوط(ع) منت نهاد.

نقش جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۲۴

۲۴- وضعیت اجتماعی فرهنگی ، تأثیری چشمگیر در بینش و عقیده نسل های آینده دارد .

تریدون أن تصدّونا عمّا کان یعبداً أبائونا

کفار، بی آنکه پذیرش آیین نیاکان خویش را براساس عقل و منطق قلمداد

کنند و یا از درستی آن دم بزنند، از آن متعصبانه سخن می گفتند و این حاکی از آن است که فرهنگ و رسوم گذشتگان در نسلهای آتی، تأثیر زیادی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵ - ۴

۴- پدران و نیاکان و محیط خانوادگی و اجتماعی، دارای نقشی مؤثر در باورهای هر نسل

قالوا اتخذ الله ولداً . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

ذکر <لأبائهم> اشاره به یکی از زمینه های اصلی گرایش ها و عقاید مردم عصر بعثت که همان روحیه تقلید و دنباله روی از نیاکان است دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۳ - ۷

۷- تأثیرپذیری انسان، از خانواده و جامعه خویش

قالوا وجدنا ءاباءنا لها عبدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۸ - ۳

۳ نقش مؤثر جامعه در شکل گیری افکار و عقاید و رفتار و سلوک آدمی

یویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۲

۲ - تعلق بقلیس به جامعه شرک و کفر، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

و أوتینا العلم من قبلها و کنا مسلمین . و صدّها... إنها کانت من قوم کفرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بقلیس علی رغم علم و اذعان قلبی

خود، پیش از این رسماً

تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی نگرویده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۹ - ۴

۴ - انسان از شرایط و محیط بیرونی خویش ، سریعاً تأثیر می پذیرد .

إذاهم يستبشرون . و إن كانوا من قبل ... لمبلسین

تکرار <من قبل> در آیه، می تواند به منظور تأکید بر این نکته باشد که انسان، در برخورد با حوادث خوش حال کننده و یا غم آور، به سرعت تغییر می کند و حالی به حالی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - نقش عملکرد جوامع ، در هدایت و گمراهی نسل آینده

و ما تفرقوا .. إن الذين أورثوا الکتب من بعدهم لفی شک منه مریب

نقش جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۲

۲ - محیط ناسالم و نظام اجتماعی فاسد ، موجب تبرئه انسان گمراه و مردم فاسد از مجازات الهی نمی شود .

فإنهم يومئذ فی العذاب مشترکون

اشتراک مردم گمراه با رهبران گمراه کننده که معمولاً نظام اجتماعی مردم را نیز در دست دارند در مجازات الهی، می تواند گویای حقیقت بالا باشد.

نیازهای جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۱۶

۱۶ امت ها و جوامع بشری نیازمند رهبری اصلاحگر

اخلفنی فی قومی و أصلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۸

۸ هر جامعه و قومی نیاز به

اسلام شناس و فقیه و مبلغی برخاسته از میان خودشان دارد .

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین و لینذروا قومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۱۲

۱۲- نیاز همواره جوامع بشری ، به وجود انذار گرانی الهی

و قد خلت النذر من بین یدیه و من خلفه

بنابراین که آیه شریفه نظر به استمرار خط نبوت و انذار گری در قبل و بعد از هود(ع) داشته باشد، نیاز همواره بشر به وجود انذار گران استفاده می شود.

نیازهای جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۹

۹ لزوم تشکیل حکومت و برقراری نظام قضایی عادلانه در جامعه اسلامی *

انّ الله یأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا ب

لازمه ادای امانت به اهلش و سپردن مسؤولیتها به افراد لایق و قضاوت عادلانه در میان مردم، وجود تشکیلات حکومتی و قضایی میان مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۸

۸- نیاز همیشگی جامعه اسلامی ، به تبلیغ روح برادری و تحکیم مودت میان اعضای آن

إنّما المؤمنون إخوه فأصلحوا بین أخویکم

از این که خداوند، به گونه ای مؤکد، روح برادری، دوستی و مسالمت را در میان مؤمنان زنده ساخته و این حقایق را به ایشان یاد آور شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

نیازهای مادی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۸

۸ کتب آسمانی ، مشتمل بر

رهنمود های اقتصادی و راهگشای تأمین نیاز های جامعه *

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم لاکلوا

ترتیب رفاه اقتصادی بر عمل به تورات و انجیل می تواند به این معنا باشد که خداوند به عنوان پاداش، برکتهای زمین و آسمان را به روی عمل کنندگان بگشاید و می تواند به این معنا باشد که در خود تورات و انجیل رهنمودهایی است که عمل به آنها رونق اقتصادی را برای جامعه در پی دارد. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است.

نیازهای معنوی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۹

۱۹ جوامع انسانی ، نیازمند به هدایت الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

محرومیت از هدایت الهی زمانی می تواند برای ستمگران تهدید بشمار آید که تمامی مردمان به آن نیازمند باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۳

۳ - نیاز جوامع بشری به انذار و انذار گرانی از جانب خداوند

و ما أهلكنا من قرية إلا لها منذرون

وجود جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۷

۷- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا از افراد آن جامعه

و ما أهلكنا من قرية إلا و لها كتاب معلوم

وحدت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۸

۸ - هر ملت و جامعه ای به منزله پیکری واحد است و افراد آن به منزله اجزای آن هستند .

لاتسفکون دماء کم و

لاتخرجون أنفسكم من دیرکم

مقصود از جمله های فوق (لا-تسفکون ..) خودکشی و بیرون راندن خویش نیست؛ بلکه مقصود کشتن یکدیگر و بیرون راندن طایفه ای است طایفه دیگر را. تعبیر کردن از دیگران به خویشتن، حکایت از آن دارد که: افراد یک ملت و معتقدان به یک آیین، به منزله یک امت واحد هستند.

ویژگی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۶

۲۶ حاکمیت رهبری واحد، همراه با پذیرش اصل شورا، از ویژگی های نظام اسلامی

و شاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۴

۱۴ خدامحوری در نظام اسلامی

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم .. فردوه الی الله و الرسول

ویژگی جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لا یفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننده توانایی و ناتوانی دانسته شده، معلوم می شود مفعول حذف شده از <لا یفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

ویژگیهای جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۸

۸ - اقامه نماز ، عبودیت و بندگی خدا و انجام کار های نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و اَفْعَلُوا الْخَيْر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۴

۴ جامعه اسلامی، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر، گرفتار ناکامی‌ها و تلخی‌ها

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تمثیل باشد؛ به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۸

۸ - نظام اجتماعی مسلمانان، متکی بر اصل شور و مشورت

و أمرهم شوری بینهم

اضافه <أمر> به <هم>، نشانگر آن است که امور اجتماعی و مربوط به همگان، مورد مشورت مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۶

۳۶ - جامعه اسلامی در عصر بعثت، جامعه ای مستحکم، مستقل و خلاق

کززع أخرج شطه فازه فاستغلظ فاستوی علی سوجه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است از: <استغلظ> (استحکام)، <استوی علی سوجه> (استقلال) و <یعجب الزراع> (زاینده گی و خلاقیت).

ویژگیهای جامعه زمان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۷

۷ نظام اجتماعی حاکم بر جامعه فرعونى ، مبتنى بر فرهنگ و عقاید جاهلی و موروثی بود .

أجئنا

لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا و تكون لكما الكبرياء في الأرض

هجرت از جامعه ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۹

۹- هجرت از جوامع ستم پیشه ، از راه های گریز از ستم و زمینه ساز پیروزی

و الذين هاجروا في الله من بعد ما ظلموا

هجرت از جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰ - ۵

۵- هجرت و گریز از محیط فاسد ، به منظور حفظ ایمان و ارزش ها ، کاری جوانمردانه و مورد تمجید خداوند است .

إذ أوى الفتيه إلى الكهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۱ - ۶

۶- هجرت از محیط آلوده و بلاد کفر و شرک به سرزمین پاک و برکت خیز امری است بایسته و سزاوار .

و نَجِّينَهُ و لوطًا إلى الأرض التي برکنا فيها

هجرت از جامعه مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۶ - ۵۸

۵- لزوم هجرت از محیط کفر و شرک ، برای حفظ عقیده

و إذ اعتزلتموهم .. فأووا إلى الكهف

بیان اعتزال اصحاب کَهِف از جامعه شرک و مردم مشرک، در حقیقت، بیان الگو و رهنمودی برای موحدان و مؤمنان است که به هنگام تعارض، حفظ ایمان را بر ماندن در جامعه، ترجیح داده و از محیط کفر هجرت کنند.

۸- اطمینان اصحاب کَهِف به برخورداری از رحمت الهی در صورت هجرت کردن از حاکمیت شرک و جامعه مشرک

فَأُووُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ

فعل <ینشر> در

جواب امر قرار گرفته و جزا برای شرط مقدر است؛ یعنی <إِنْ تَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ..> و مفاد آن، حتمی بودن نشرِ رحمت الهی در صورت هجرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۱۶، ۹، ۶، ۵

۵- ابراهیم (ع)، هجرت از محیط شرک و بت پرستی را جهت حراست از عقیده توحیدی خود و عبادت پروردگار یگانه برگزید.

و أعتزلکم و ما تدعون من دون الله و أدعوا ربی

از جمله معانی <دعاء> عبادت است. در این آیه نیز <أدعوا> به قرینه <لِمَ تَعْبُدُ> در آیات قبل می تواند به معنای <عبادت می کنم> باشد. بر این مبنا ابراهیم، هجرت خود را برای میسر شدن عبادت خداوند دانسته است.

۶- هجرت از محیط شرک، در صورت بی تأثیر بودن تبلیغ، بر ماندن در آن جا ترجیح دارد.

و أعتزلکم و ما تدعون من دون الله

حضرت ابراهیم پس از آن که سرسختی و لجاجت آزر را مشاهده نمود، چند راه در پیش داشت ۱ ماندن در محیط شرک و اختفای عقیده و دست برداشتن از مبارزه ۲ مبارزه با بت پرستی و گرفتار شدن به رجم ۳ بیرون رفتن از محیط شرک. حضرت از این سه راه، راه سوم را برگزیده است که نشان ترجیح آن در شرایط خاص خود است.

۸- لزوم هجرت از محیطی که نتوان در آن، خدای یگانه را عبادت کرد.

و أعتزلکم و ما تدعون .. و أدعوا ربی

۹- ابراهیم (ع) در هجرت منفردانه خود از جامعه مشرک، تنها متکی بر خداوند و یاری او بود.

و أدعوا

رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا

۱۶ ابراهیم (ع) ، در آستانه هجرت خود از دیار بت پرستان ، به رفع سختی ها و کسب سعادت خود امیدوار بود و دعا به درگاه خداوند را عامل آن می دانست .

عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) از محیط شرک و بت پرستی هجرت کرد و از بت پرستان و معبود های آنان کناره گیری کرد .

فَلَمَّا أَعْتَرَلَهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ

هلاکت جامعه فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۶

۶- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع بشری و روند آن را دگرگون می سازد .

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مَّجْرِمِينَ .. و قَضَيْنَا ... أَن دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ

هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۲،۴

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكِ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ

<بظلم> می تواند حال برای <ربک> باشد. در این صورت معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

۴ خداوند مردم جامعه ای را که از روی غفلت و ناآگاهی ستم کنند، به عذاب دنیوی نابود نمی کند.

ذلك أن لم

يكن ربك مهلك القرى بظلم و أهلها غفلون

برای جار و مجرور <بظلم> متعلقهای مختلفی می توان در نظر گرفت، از آن جمله اینکه متعلق به <مهلك> باشد. یعنی: <مهلك القرى بسبب ظلم>. برداشت فوق بر این اساس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۴، ۹، ۸

۱۸ اگر خداوند بخواهد مردم ستمگر و کافر را نابود می کند و نسلهای دیگری را جانشین آنان می سازد.

إن یشأ یذهبکم و یتخلف من بعدکم ما یشاء

۹ اگر خداوند بخواهد نسلی از آدمیان را قبل از موعد طبیعی خود نابود می سازد و نسلهای دیگری را جایگزین آن می کند.

إن یشأ یذهبکم و یتخلف من بعدکم ما یشاء

چون آمد و شد نسلها امری عادی و طبیعی است، جمله <إن یشأ ..> باید بیان امری خلاف عادت و سیر طبیعی باشد. از موارد محتمل آن است که نسلی قبل از درنگ عادی خود از صحنه تاریخ حذف و نابود گردد.

۱۴ پدید آوردن نسلها و جوامع موجود به جای اقوام پیشین، نشان قدرت الهی بر نابود ساختن جوامع ستم پیشه

إن یشأ یذهبکم .. كما أنشأکم من ذریه قوم ءاخیرین

هلاکت جوامع قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۱

۱- تمامی شهرها و تمدن ها و جوامع بشری، قبل از قیامت، توسط خداوند یا به کلی نابود و یا به وسیله عذابی، به ویرانی کشیده خواهد شد.

و إن من قریه إلا نحن مهلكوها قبل یوم القیمه

<قریه> در لغت به معنای مجتمع

و محل سکونت است و بر اعم از روستا و شهر اطلاق می شود (بر گرفته از لسان العرب).

هلاکت جوامع ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۸

۸ سنت خداوند، نابود ساختن جوامع ظالم قبل از فرستادن پیامبران و اتمام حجت نیست.

ألم یأتکم رسل منکم .. ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و أهلها غفلون

هلاکت جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۱

۱۱- نابودی جوامع عصیانگر ، توسط خداوند ، عالمانه و بر اساس بصیرت است .

و کم أهلکنا .. و کفی بر بک .. خبیراً بصیراً

هلاکت جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۸

۸- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع و روند آن را دگرگون می سازد .

و جاء أهل المدینه یستبشرون .. قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین ... فأخذتهم الصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- عذاب جامعه فسادگر ، آن چنان شدید است که مایه نابودی و هدم کامل آن می شود .

ففسقوا فیها فحقّ علیها القول فدمّرنها تدمیراً

هوشیاری جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۲

۱۲ لزوم هوشیاری مستمر جامعه ایمانی ، در برابر توطئه ها و نفوذ های دشمنان دین

یا ایها الذین امنوا... لا یألونکم خیبالا

... ودوا ما عنتم ... قد بدت البغضاء

بیان دشمنی و کینه بیگانگان، دلالت بر لزوم هوشیاری جامعه ایمانی در قبال آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۵

۵ فرمان الهی به غفلت نورزیدن جامعه اسلامی از خطر نفوذ و کارشکنی دشمنان همجوار

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جامعه اسلامی

{جامعه اسلامی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۴

۴ - جامعه متحد ایمانی ، همچون دیگر جوامع ، همواره در معرض تفرقه و اختلاف

و لا تكونوا کالذین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۷،۸،۹،۱۵

۷ تفرقه و اختلاف در میان جامعه ایمانی پس از اتمام حجّت ، موجب کفر و ارتداد

و لا تكونوا کالذین تفرّقوا و اختلفوا .. اکفرتم بعد ایمانکم

گویا ارتداد (اکفرتم ..)، نتیجه تفرقه و اختلاف است که در آیه قبل از آن نهی شده است.

۸ تفرقه و اختلاف در میان جامعه ایمانی پس از اتمام حجّت ، کفر و ارتداد است . *

و لا تكونوا کالذین تفرّقوا و اختلفوا .. اکفرتم بعد ایمانکم

ارتداد (اکفرتم ..)، به قرینه آیه قبل، می تواند همان تفرقه و اختلاف مسلمانان پس از اتحاد آنان باشد.

۹ اختلاف و تفرقه در جامعه ایمانی ، مستلزم روسیاهی و عذاب در قیامت

و لا تكونوا كالذين تفرقوا .. فاما الذين اسودّت وجوههم ... فذوقوا العذاب

۱۵ هواپرستان و

بدعتگزاران در جامعه اسلامی ، روسیاهان در قیامت

فأما الذين أسودت وجوههم

امیرالمؤمنین (ع): <فأما الذين أسودت وجوههم .. >، انهم اهل البدع و الاهواء من هذه الامه.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۸۰۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۳۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۹، ۱۵، ۹، ۷، ۶، ۴

۴ منزلت والای جامعه ایمانی ، در برابر بیگانگان و جوامع غیر ایمانی *

یا ایها الذین امنوا .. من دونکم

استعمال کلمه <دون> به جای <غیر>، می تواند اشاره به حقارت جوامع غیر ایمانی باشد.

۶ توطئه و تلاش پیگیر بیگانگان و غیر مؤمنان ، برای ایجاد اخلال و فساد در میان اهل ایمان و جامعه ایمانی

یا ایها الذین امنوا .. لا یألونکم خیالاً

۷ بیگانگان ، خواهان گرفتاری جامعه ایمانی به رنج ، مشقت و ضرر

وَدُوا مَا عَنْتُمْ

<ما> در <ما عنتم>، مصدریّه است و <عنت> به معنای شدت گرفتاری و رنج است.

۹ دشمنی بیگانگان با اسلام و جامعه ایمانی ، آشکار از لابلای گفتار ایشان

قد بدت البغضاء من افواههم

۱۵ بدخواهی ، توطئه گری و عداوت قلبی اهل کتاب نسبت به مؤمنان ، و خطر ایجاد روابط صمیمانه جامعه ایمانی با آنان

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا بطنانه من دونکم .. صدورهم اکبر

بنابر اینکه مراد از <من دونکم>، اهل کتاب باشند؛ به قرینه آیات قبل.

۱۹ مناسبات صمیمانه جامعه اسلامی با بیگانگان ، هموارکننده نفوذ ایشان در آن جامعه و اخلال در آن

لا تتخذوا بطنه من دونکم لا یألونکم خیالاً

جمله <لا یألونکم...>، بیان علت برای <لا تتخذوا...> است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۲

۱۵ ایمان جامعه اسلامی ، مورد خشم و کینه دشمنان دین

و تؤمنون بالکتاب کله . . . و اذا خلوا عَضُوا علیکم الانامل من الغیظ

۱۷ عنایت خاص خداوند ، بر حفظ سلامت جامعه ایمانی از گزند دشمنان دین

وَدُوا ما عَنَّمْ قَد بدت البغضاء . . . و اذا خلوا عَضُوا علیکم الانامل من الغیظ قل مو

افشای کینه ها و دشمنیهای کافران و ارائه راه حل برای مقابله با توطئه آنها، نشانه عنایت ویژه خداوند به مؤمنان است.

۱۹ علم و آگاهی همه جانبه خداوند ، به خشم و کینه ای که دشمنان دین ، از اسلام و جامعه ایمانی به دل دارند .

عَضُوا علیکم الانامل من الغیظ . . . انّ الله علیم بذات الصدور

۲۲ هشدار خداوند به دشمنان دین ، نسبت به عواقب توطئه های ایشان علیه جامعه اسلامی

و اذا خلوا عَضُوا علیکم . . . انّ الله علیم بذات الصدور

جمله <ان الله...> پس از جمله <و اذا خلوا...> در حقیقت هشدار است به کافران که نپندارند اگر در خفا علیه مسلمانان کینه توزی و توطئه می کنند، خداوند آگاه به آن نیست؛ چرا که خداوند نه تنها به جلسات مخفی آنان آگاه است، بلکه به درون سینه های آنان که مخفیت از جلسات سری آنان است، نیز دانا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۰

۱۰ لزوم تأثیرپذیری و استواری جامعه ایمانی در برابر جنگ روانی و دسیسه های دشمنان

اذ

هَمَّت طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا

جمله <وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا>، در واقع تذکری است به مؤمنان و معتقدان ولایت الهی که در هنگامه های دشوار، ولایت و حمایت الهی را فراموش نکنند و به عناصری همچون عبدالله بن ابی، که در صدد سستی آفرینی و ایجاد دلهره در بین آنان است، گوش فرابدهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۴ - ۴

۴ تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی ، از ویژگی های اهل تقوا

أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يَنْفِقُونَ ... وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ

آثار اقتدار جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۰

۴۰- جامعه مقتدر و اصیل اسلامی ، برانگیزاننده خشم کافران و نه دوستی ایشان

كَرَّرَ عَ أَخْرَجَ شَطْرَهُ ... لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ

از تعبیر <لِيَغِيظَ> استفاده می شود که کافران، ناگزیر در قبال رشد امت اسلامی موضع خصمانه می گیرند و انتظار دوستی از آنان بی جا و بی مورد است.

آثار تشکیل جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۳

۳ - تبلیغ دین و تشکیل جامعه اسلامی ، در پی دارنده سخنان ناروا و تبلیغات سوء دشمنان و مخالفان دین

و اصبر علی ما یقولون

آرزوی رهبری جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۱۷

۱۷ آرزوی در دست گرفتن مدیریت جامعه و رهبری امت اسلامی ، امری پسندیده و روا است

و اجعلنا للمتقين إمامًا

آرمان جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ اصلاح جوامع بشری ، هدف مشترک جامعه آرمانی اسلام

کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

با توجه به واژه <امه> که در لغت به معنای گروه دارای هدف و مقصد مشترک است، مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۲

۱۲ پیروزی بر دشمنان دین ، خواسته و آرمان جامعه ایمانی

من بعد ما اریکم ما تحبون

مراد از <ما تحبون> (آنچه آرزوی شما بود)، پیروزی بر دشمن است.

اجرت کار گزاران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ کار گزاران حکومت و ارائه کنندگان خدمات به جامعه اسلامی ، دارای استحقاق دریافت اجرت در قبال عمل خویش

إنما الصدقات للفقراء ... و العملین علیها

برداشت فوق بدین احتمال است که استحقاق اجرت در برابر کار، اختصاص به کار جمع آوری صدقات نداشته باشد ؛ بلکه تمامی کار گزاران حکومت، مستحق دریافت اجرت باشند.

احتجاج رهبران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی از بصیرت و بینایی و داشتن حجت روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه سبیلی أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا

استفاده از جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۳- بهره بردن از مزایای جامعه اسلامی و به کنار نشستن به هنگام دشواری ها و سختی ها ، از ویژگی های منافقان است .

و إذا أظلم عليهم قاموا

استقلال جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۶

۳۶- جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلاق

کز ع أخرج شطه فازه فاستغظ فاستوی علی سوجه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است از: <استغظ> (استحکام)، <استوی علی سوجه> (استقلال) و <یعجب الزراع> (زاینده گی و خلاقیت).

اسرار جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۵

۵ افشای اسرار جامعه اسلامی ، خیانت به خدا ، رسول اکرم (ص) و مؤمنان است .

لاتخونوا الله و الرسول

شان نزول آیه درباره فردی از مسلمانان صدر اسلام است که برخی از اسرار نظامی جامعه را فاش کرد. بنابراین افشای اسرار نظامی جامعه ایمانی، از مصادیق مورد نظر برای خیانت به خدا و رسول است.

اضرار به جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۷

۷ آسیب رساندن به جامعه اسلامی ، در رأس آرمان ها و اهداف منافقان و کافران

اتخذوا مسجداً ضراراً و كفراً

برداشت فوق با توجه به این است که در رأس همه اهداف <ضراراً> مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۳

منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراباً و کفراً و تفریقاً .. و إحصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

اعراض از جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۲

۲ مسلمانان بریده از جامعه اسلامی و رویگردان از هجرت ، منافق و کافرند .

فما لکم فی المنافقین .. کما کفروا

امتیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۸

۸ رفاه ، آسایش و امتیت جامعه ایمانی ، مایه غم و اندوه بیگانگان

وَدَّوَا مَا عَنَّتُمْ

از مفهوم جمله <وَدَّوَا مَا عَنَّتُمْ>، استفاده شده است.

اهل کتاب در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۸

۸ - حق سکونت و زندگی اهل کتاب در جامعه اسلامی ، مشروط به عدم ستیزه جویی و معارضه با حاکمیت اسلام است .

هو الذی أخرج الذین کفروا من أهل الکتاب .. ذلک بأنهم شاقوا لله ورسوله

از تعلیل <ذلک بأنهم..> استفاده می شود که اگر یهود بنی نضیر، به معارضه با خدا و حکومت پیامبر(ص) نمی پرداختند، محکوم به تبعید نمی شدند و همچون گذشته در کنار مسلمانان زندگی می کردند.

اهمیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۷

۷ اهمیت خاص ایجاد جامعه واحد اسلامی در لوای رهبری الهی *

و من یرج من

بیته مهاجراً الى الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۷ - ۶

۶ جامعه اسلامی و مصالح ملی آن ، دارای حرمتی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا الله و الرسول

اهمیت قدرت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم

اهمیت هوشیاری جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۹

۹ لزوم هشیاری همیشگی جوامع اسلامی ، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولکم من الأعراب

ایمان جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۶

۶ جامعه اسلامی صدر اسلام پس از نایل شدن به مراحل عالی ایمان ، به تنزل در درجات ایمانی گرایید .

علم أن فيكم ضعفا

بصیرت رهبران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ لزوم بهره مندی رهبران جامعه اسلامی و مبلغان دینی از بصیرت و بینایی و داشتن حجت روشن بر اتخاذ راه ها و روشها

قل هذه سبیلی أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا

تأمین نیازهای جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۱

۱ - انفاق و رفع نیازهای جامعه اسلامی وظیفه ای بر عهده اهل ایمان

و أنفقوا

تدبیر جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۱

۲۱ - تخفیف قانون قصاص (جواز تبدیل آن به دیه) در جهت تدبیر امور جامعه اسلامی است .

ذلك تخفیف من ربكم

برداشت فوق از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است، استفاده شده است.

توطئه علیه جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۲

۲ - ضربه زدن به اهل ایمان و توطئه علیه آنان ، از اهداف منافقان در اظهار ایمان

يخدعون الله و الذين ءامنوا

<خدع> به معنای پنهان کردن امری و اظهار کردن امری دیگر است به منظور ضربه زدن و ایجاد ناگواری.

جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۶

۱۶ مسؤولیت جامعه ایمانی در مراقبت از قانون عده وفات

فاذا بلغن اجلهنّ فلا جناح عليكم

مفهوم <فاذا بلغن .. > با توجه به خطاب در کلمه <علیکم> حاکی از مسؤولیت جامعه ایمانی در مورد جلوگیری از ازدواج زنان شوهر مُرده در زمان عده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۲

۱۲ لزوم رعایت شؤونات و ارزش افراد در جامعه اسلامی

متَّعوهنَّ ... بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۰

۱۰ حُسن رعایت حال غیر مسلمانان در جامعه اسلامی

لیس علیک هدیهم ... و ما تنفقوا من خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

۷ اعتقاد به ولایت تکوینی خداوند ، مستلزم پذیرش ولایت مؤمنان در نظام اجتماعی اسلام

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه مترتب بر اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۷

۷ اصلاح جوامع بشری ، مسئولیت جامعه اسلامی

کنتم خیر أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۰ - ۷۸

۷ ایمان جامعه اسلامی ، زیر بنا و اساس پذیرش قوانین الهی در اقتصاد

يا ايها الذين امنوا لا تأكلوا الرِّبوا

مخاطب قرار دادن جامعه اسلامی با عنوان <يا ايها المؤمنون آمنوا> و سپس نهی از رباخواری، اشاره به این حقیقت دارد که پذیرش حکم ربا، منوط به ایمان است.

۸ پرهیز از رباخواری در جامعه ایمانی ، نشانه تقوای پیشگی آن جامعه است .

يا ايها الذين امنوا لا تأكلوا الرِّبوا .. و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۵،۱۱

۵ توجه به سنت های الهی در فرجام شوم تکذیب کنندگان دین خداوند ، از میان برنده هر گونه حزن و اندوه و سستی از جامعه ایمانی

فسيروا .. فانظروا كيف كان عاقبه المكذبين ... و لاتهنوا و لاتحزنوا

اگر جمله <و لا تهنوا...>، عطف بر جمله <فانظروا كيف...> باشد، معنای این دو آیه چنین می شود: شما محزون

نباشید، عاقبت تکذیب کنندگان آیات الهی (دشمن شما مسلمانان)، نابودی است.

۱۱ ایمان جامعه دینی، موجب مسؤول گردیدن در جهت کوششی مستمر برای حاکمیت بر همه جوامع بشری

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

خداوند از مسلمانان خواسته که بر دیگران برتر باشند و انتم الاعلون. و از مصادیق بارز برتری، حاکمیت آنان و دینشان بر تمامی جهان است و این، در گرو ایمان واقعی است: ان کنتم مؤمنین. بنابراین ایمان واقعی، تحریک کننده آدمی به توانی مستمر (و لا تهنوا) برای حاکمیت بخشیدن به دین الهی بر تمام جوامع بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۸

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلک الایام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیت خویش دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۹

۹ پذیرش ولایت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردوکم علی اعقابکم فتقلبوا خاسرین. بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

پیامد پذیرش ولایت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین

پذیرش ولایت خداوند به قرینه مقابله آن با پذیرش ولایت کافران باعث رشد و سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۴

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۱،۲،۵

۱ خداوند ، جامعه ایمانی را به حالت مشخص نبودن خوبان از بدان رها نمی کند .

ما كان الله ليدر المؤمنين على ما انتم عليه

مراد از جمله <علی ما انتم علیه> به قرینه <حتی یمیز ... >، مشخص نبودن خوبان از بدان است.

۲ جداسازی صفوف ناپاکان از پاکان در جامعه ایمانی ، سنت تغییرناپذیر الهی

ما كان الله ليدر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

۵ آزمایش الهی ، مشخص کننده صفوف ناپاکان جامعه ایمانی از پاکان آن

ما كان الله ليدر المؤمنين على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب

مشخص کردن پاکان از ناپاکان و خالصها از ناخالصها دو وجه متعارف دارد: آزمایش و ابتلاء؛ و خبر دادن خداوند از واقعیت افراد. چون راه دوم سنت الهی نیست، بنابراین تنها راه متعارف آزمایش است. پس در جمله <حتی یمیز ... >، کلمه <بابتلاء هم و امتحانهم>، مقدر است.

جامعه اسلامی و دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۹

۹ لزوم آمادگی نظامی جامعه اسلامی در برابر دشمنان

شناخته شده و ناشناخته

ترهبون . . . و آخرین من دونهم لاتعلمونهم

جامعه اسلامی و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۲

۲ تلاش کفرپیشگان برای واداشتن جامعه ایمانی به پیروی از خویش

ان تطيعوا الذين كفروا يردوكم على اعقابكم

جامعه اسلامی و منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۹

۹ لزوم هشیاری همیشگی جوامع اسلامی ، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولکم من الأعراب

حیات در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۹

۹ لزوم هجرت در راه خدا و پیوستن به جامعه اسلامی

حتی یهاجروا فی سبیل الله

خلاقیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۶

۳۶- جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلاق

كزرج أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوجه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است از: <استغلظ> (استحکام)، <استوی علی سوجه> (استقلال) و <یعجب الزراع> (زاینده گی و خلاقیت).

دشمنان جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۷

۱۷ ضرورت تحلیل و دستیابی به علل و عوامل جهت گیری های گوناگون جوامع و پیروان ادیان در برابر جامعه اسلامی

لتجدن اشد الناس .. ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایستکبرون

رفاه جامعه اسلامی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۸

۸ رفاه، آسایش و امنیت جامعه ایمانی، مایه غم و اندوه بیگانگان

وَدَّوَا مَا عَنَّتُمْ

از مفهوم جمله <وَدَّوَا مَا عَنَّتُمْ>، استفاده شده است.

ظلم به جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱ - ۲

۲ تلاش دشمنان اسلام برای تجاوز به حریم جامعه اسلامی در صدر اسلام

اِذْ هَمَّ قَوْمٌ اَنْ يَّبْسُطُوا اِلَيْكُمْ اَيْدِيَهُمْ

عبودیت در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۸

۸ - اقامه نماز، عبودیت و بندگی خدا و انجام کارهای نیک، مشخصه های جامعه اسلامی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَاَفْعَلُوا الْخَيْرَ

عظمت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۷

۷ جامعه ایمانی در صدر اسلام پس از پیکار بدر برخوردار از ابهت و قوتی چشمگیر، حتی در نظر دشمنان

و تَذَهَّبَ رِيحُكُمْ

عوامل اتحاد جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۶

۶ اطاعت از خدا و رسول در پی دارنده وحدت و عظمت جامعه اسلامی

و أطيعوا الله... ولا تنزعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم

برحذر داشتن اهل ایمان از نزاع و اختلاف، پس از فراخوانی آنان به اطاعت از خدا و رسول می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که تنها راه برای دور ماندن از نزاعها و اختلافات، پیروی کردن از خدا

و رسول اوست.

عوامل انحطاط جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۷،۸

۷ ارتداد و واپسگرایی جامعه ایمانی و پیروی آنان از کفرپیشگان ، حرکتی زیانبار و خسارت آفرین

ان تطيعوا الذین کفروا یردوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین

۸ از دست دادن ارزش های اصیل ایمانی ، از پیامد های تبعیت از کفرپیشگان

ان تطيعوا . . . فتنقلبوا خاسرین

از مصادیق روشن خسارت جامعه ایمانی، از دست دادن ارزشهای اسلامی و ایمانی است.

عوامل انقراض جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۳

۳ تخلف از جنگ با دشمنان اسلام و جامعه اسلامی ، موجب نابودی جامعه اسلامی و سقوط آن *

إلا تنفروا یعذبکم . . . و یردوکم قوماً غیرکم

<نفرو> به معنای خروج برای امر مهیج و تحریک آمیز است که بیشتر درمورد خروج برای جنگ به کار می رود و فعل مجزوم <یعذب> و <یردو> جواب شرط برای <لا تنفروا> است. بنابراین پیام آیه چنین می شود: اگر مسلمانان به جنگ نروند عذاب می شوند و نابود خواهند شد و مردم دیگری به جای آنان خواهند نشست.

عوامل حیات جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۱،۳

۱ - قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی است .

و لكم فى القصاص حيوه

۳- بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درك فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لكم فى القصاص حيوه یاولى الألب

زندگی در پرتو قانون قصاص و اجرای آن،

برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألیاب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خور خردی ناب است.

عوامل رشد جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۴

۴ ادیان الهی، راه رشد و تعالی انسان و جامعه

ان تطیعوا الذین کفروا یردوکم علی اعقابکم

خداوند با تعبیر واپسگرایی به جای کفر و شرک، اشاره به این معنا دارد که دین الهی، راه رشد و تعالی واقعی انسان است.

عوامل ضعف جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین، موجب از میان رفتن ابهت و قوت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

عوامل عظمت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۶

۶ اطاعت از خدا و رسول در پی دارنده وحدت و عظمت جامعه اسلامی

و أطيعوا الله... و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

برحذر داشتن اهل ایمان از نزاع و اختلاف، پس از فراخوانی آنان به اطاعت از خدا و رسول می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که تنها راه برای دور ماندن از نزاعها و اختلافات، پیروی کردن از خدا و رسول اوست.

فرار منافقان از جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۷

۷ علاقه و تلاش شدید

منافقان به یافتن پناهگاه و محل مناسب برای زندگی (خارج از محیط اسلامی) دلیل بی ایمانی و همگام نبودنشان با مؤمنان

و ما هم منکم ... لو یجدون ملجئاً ... لو لؤا إلیه و هم یجمعون

جمله < لو یجدون ... > می تواند به منزله دلیل و ارائه شاهی برای < و ما هم منکم > در آیه قبل باشد.

قدرت نظامی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ انفاق امکانات برای تقویت بنیه نظامی جامعه اسلامی ، از مصادیق انفاق < فی سبیل الله > است .

و أعدوا لهم ما استطعتم .. و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله

کافران در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

مدیریت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱۰، ۶، ۴

۴ سرپرستی و مدیریت در جامعه اسلامی ، مخصوص مؤمنان است .

لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۶ ایمان ، ملاکی مهم برای شایستگی مدیریت و سرپرستی در نظام اسلامی

لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۱۰ جایگاه مهم ولایت و سرپرستی در نظام اجتماعی اسلام

لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ .. و من يفعل ذلك فليس من الله في شيء

مسئولیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۳ - جامعه اسلامی وظیفه دار اجرای قانون قصاص است . *

يايها الذين ءامنوا كتب عليكم القصاص في القتلى

بدیهی است که حق قصاص از آن اولیای مقتول می باشد و اجرای آن تنها در مورد قاتل است. بنابراین مخاطب قرار دادن همه مسلمانان برای بیان حقیقت مذکور، می تواند اشاره به این باشد که: همگان باید پی گیر استیفای آن بوده و شرایط اجرای آن را فراهم سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۴،۵،۹

۴ جامعه اسلامی باید به پیشرفته ترین ادوات رزمی زمان مجهز باشد .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

۵ قوای نظامی جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که دشمنان دین را همواره به هراس افکند .

ترهبون به عدو الله و عدوكم

۹ لزوم آمادگی نظامی جامعه اسلامی در برابر دشمنان شناخته شده و ناشناخته

ترهبون .. و ءاخرين من دونهم لاتعلمونهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۹

۹ لزوم هشیاری همیشگی جوامع اسلامی ، نسبت به وجود و عملکرد منافقان مرموز

و ممن حولكم من الأعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۵

۵ فرمان الهی به غفلت نورزیدن جامعه اسلامی از خطر نفوذ و کارشکنی دشمنان همجوار

قتلوا الذين يلونكم من الكفار وليجدوا فيكم غلظه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٢ - نور - ٢٤ - ٣٢ - ٢

٢ - جامعه اسلامي ، موظف به فراهم

آوردن امکانات ازدواج مؤمنان غیر متأهل

و أنكحوا الأیمی منکم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مخاطب در خطاب جمع <و أنكحوا الأیمی منکم> به قرینه <أیه المؤمنون> در آیه قبل که خطاب به یکایک مؤمنان است تمامی مردم و جامعه اسلامی باشد، نه فقط اولیای آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ مسؤولیت بین المللی جامعه اسلامی در برابر مستضعفان خداپرست تحت ستم

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین .. الذین یقولون ربنا اخرجنا م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۵

۵ جامعه ایمانی وظیفه دار برقراری روابط مسالمت آمیز با جوامعی که خواهان این نوع مناسبات هستند .

و اذا حیّتم بتحیه فحیوا باحسن منها او ردوها

با توجه به معنای لغوی <تحیّت> (درخواست سلامتی)، جمله <اذا ..> به این معناست که اگر فردی یا گروهی خواهان سلامت و امنیّت شما باشند، شما نیز خواهان سلامت و امنیّت آنان باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۳

۳ لزوم وفاداری جامعه اسلامی به همپیمان ها و معاهده های بین المللی خود

الّا الذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۸

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت

آمیز با آنان

كانوا لا يتأهون عن منكر .

.. ترى كثيراً منهم يتولون الذين كفروا

منافقان در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

منافقان و جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۷ - ۵،۶

۵ محیط جامعه اسلامی ، محیطی بسیار سخت و غیر قابل تحمل و دشوار برای منافقان

لو یجدون ملجئاً .. لؤلوا إلیه و هم یجمحون

<جُمُوح> (مصدر یجمحون) به معنای به سرعت دویدن و به پشت سر نگاه نکردن است. اینکه اگر منافقان پناهگاهی می یافتند بی درنگ و بدون اینکه پشت سرشان را بنگرند به آن پناه می بردند، نشان می دهد که زندگی برای آنان در جامعه اسلامی بسیار نگران کننده و دشوار بوده است.

۶ رنج و اضطراب منافقان در جامعه اسلامی ، با وجود داشتن مال و فرزند بسیار ، نمودی از عذاب دنیوی آنان *

فلا تعجبک أمولهم ولا أولدهم إنما یرید الله لیعذبهم بها فی الحیوه الدنیا .. ل

برداشت فوق بدین احتمال است که بیان زندگی دشوار منافقان، نمودی از عذاب دنیوی آنان باشد که در آیات قبل ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً وكفراً وتفريقاً ..

و إِرصاداً... فانهار به فی نار جهنم

منشأ استقلال جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۷

۳۷- نقش اساسی پیامبر (ص)، و رهبری الهی در استحکام، استقلال و خلاقیت امت اسلامی

کززع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوجه

با توجه به این که ضمیر <شطئه> و <آزره> به <زرع> بازمی گردد؛ استفاده می شود که در این روند بالندگی، اصلی وجود دارد و شاخه ها و فروع، در پرتو آن تغذیه شده و رشد می یابند. بدون شک در فرایند بالندگی نظام اسلامی، وجود پیامبر(ص) و رهبری الهی همان اصل به شمار آمده و نقش اساسی دارد.

منشأ خلاقیت جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۷

۳۷- نقش اساسی پیامبر (ص)، و رهبری الهی در استحکام، استقلال و خلاقیت امت اسلامی

کززع أخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوجه

با توجه به این که ضمیر <شطئه> و <آزره> به <زرع> بازمی گردد؛ استفاده می شود که در این روند بالندگی، اصلی وجود دارد و شاخه ها و فروع، در پرتو آن تغذیه شده و رشد می یابند. بدون شک در فرایند بالندگی نظام اسلامی، وجود پیامبر(ص) و رهبری الهی همان اصل به شمار آمده و نقش اساسی دارد.

نشانه های جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۷

۱۷ امر به معروف و نهی از منکر، مهمترین وظیفه مؤمنان و بارزترین مشخصه جامعه اسلامی

... یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

از اینکه در رأس همه کارها و ارزشها، از امر به معروف و نهی از منکر یاد شده است، اهمیت برتر آن استفاده می شود.

نیازهای جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۹

۹ لزوم تشکیل حکومت و برقراری نظام قضایی عادلانه در جامعه اسلامی *

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ

لازمه ادای امانت به اهلش و سپردن مسؤلیت‌ها به افراد لایق و قضاوت عادلانه در میان مردم، وجود تشکیلات حکومتی و قضایی میان مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۸

۸ - نیاز همیشگی جامعه اسلامی ، به تبلیغ روح برادری و تحکیم مودت میان اعضای آن

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ

از این که خداوند، به گونه ای مؤکد، روح برادری، دوستی و مسالمت را در میان مؤمنان زنده ساخته و این حقایق را به ایشان یاد آور شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

ویژگی جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۶

۲۶ حاکمیت رهبری واحد ، همراه با پذیرش اصل شورا ، از ویژگی های نظام اسلامی

و شاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ خدامحوری در نظام اسلامی

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم .. فردّوه الى الله

و الرسول

ویژگیهای جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۸

۸ - اقامه نماز ، عبودیت و بندگی خدا و انجام کارهای نیک ، مشخصه های جامعه اسلامی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و افعَلُوا الخَيْر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۴

۴ جامعه اسلامی ، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر ، گرفتار ناکامی ها و تلخی ها

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أُجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تمثیل باشد؛ به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۸ - ۸

۸ - نظام اجتماعی مسلمانان ، متکی بر اصل شور و مشورت

و أمرهم شوری بینهم

اضافه <أمر> به <هم>، نشانگر آن است که امور اجتماعی و مربوط به همگان، مورد مشورت مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۶

۳۶ - جامعه اسلامی در عصر بعثت ، جامعه ای مستحکم ، مستقل و خلاق

کززع أخرج شطه فآزره فاستغلظ فاستوى على سوقه

خداوند، در مقام توصیف پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، اوصافی را که برای آنان یاد کرده است. این اوصاف عبارت است از:

<استغلاظ> (استحکام)، <استوی علی سوجه> (استقلال) و <یعجب الزراع> (زاینده گی و خلاقیت).

هوشیاری جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۲

۱۲ لزوم هوشیاری مستمر جامعه ایمانی، در برابر توطئه ها و نفوذ های دشمنان دین

یا ایها الذین امنوا... لا یألونکم خیبالا... ودّوا ما عنتم... قد بدت البغضاء

بیان دشمنی و کینه بیگانگان، دلالت بر لزوم هوشیاری جامعه ایمانی در قبال آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۵

۵ فرمان الهی به غفلت نوزیدن جامعه اسلامی از خطر نفوذ و کارشکنی دشمنان همجوار

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جامعه دینی

آسیب شناسی جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ - دنیاطلبی، از ریشه های بروز جنگ ها و درگیری های خونین میان گروه های معتقد به آیین الهی است.

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم... أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا

ابتلای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۵

۵ تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول ، مایه بروز فتنه هایی فراگیر و نزول عذابی شدید بر تمامی جامعه ایمانی

إذا دعاكم لما يحييكم . . . و اتقوا فتنه لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة

از مصادیق مورد نظر برای ستمکاری (ظلموا)، به قرینه آیه قبل، تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول است.

اتحاد جامعه دینی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۱ - ۴

۴ حراست از وحدت جامعه ایمانی و دور نگاهداشتن آن از کینه و دشمنی فلسفه تحریم شراب خواری و قماربازی

انما یرید الشیطن ان یوقع بینکم العدوه و البغضاء

اختلاف جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲ - ۹

۹ اختلاف و نزاع در جامعه ایمانی بر سر دنیا و غنائیم آن ، به دور از شأن مؤمنان واقعی

یسئلونک عن الأنفال .. . إنما المؤمنون ... وجلت قلوبهم ... و علی ربهم

بیان ویژگیهای یاد شده پس از اشاره به اختلاف و نزاع مسلمانان بر سر غنائیم جنگی، اشاره به این دارد که رسیدن به مقام بلند ایمان، آدمی را از شیفتگی به مال دنیا و متأثر شدن از آن و در نتیجه نزاع کردن بر سر آن، باز خواهد داشت.

استهزای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴ - ۶

۶ - استهزای مسلمانان و به تمسخر گرفتن جامعه ایمانی ، هدف منافقان در تظاهر به اسلام

قالوا ءامنا .. . إنما نحن مستهزءون

اعراض از جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۱۰، ۶

۶ بریدن از جامعه ایمانی و سر باز زدن از هجرت ، نشانه نفاق و بی ایمانی است .

فلا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

۱۰ لزوم تعقیب و کشتن منافقان ، در صورت سر باز زدن آنان از هجرت در راه خدا و پیوستن

به جامعه ایمانی

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم حیث وجدتموهم

امتحان جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۵

۵ - کشته شدن راه خدا ، وسیله ای برای آزمون جامعه ایمانی هستند .

و لنبلونکم بشیء .. و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرت

مصدق مورد نظر برای <نقص الأنفس> - به قرینه آیات قبل - کشته شدگان راه خداست.

امنیت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۵

۵ جامعه ایمانی به دور از هر گونه شرک و ظلم، از خشم و عذاب خداوند در امان است.

فأی الفریقین أحق بالأمن .. الذین ءامنوا ... أولئک لهم الأمن

چون در آیه قبل از موحدان و مشرکان به عنوان دو گروه یاد شده و در این آیه نیز از موحدان با صیغه ها و ضمائر جمع یاد شده، چنین برمی آید که امنیت از آن جامعه با هویت جمعی آن است، گرچه آحاد نیز مشمول آن باشند.

تأمین نیازهای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ رفع نیازهای جامعه ایمانی از سوی خود مسلمانان ، منشأ تشریح خمس ، نه ناتوانی خداوند بر تأمین آن نیازها

و اعلموا أنما غنمتم من شیء .. و الله علی کل شیء قدیر

تداوم جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۸

۸ سلامت و دوام جامعه ایمانی ، در گرو پاسداری از

حریم ارزش های دینی در برابر فرهنگ کفر

علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا اهدیتکم

مراد از <ضرر> در <لایضرکم> ممکن است ضرر معنوی بوده و اشاره به خطرهایی باشد که ایمان مؤمنان را تهدید می کند و ممکن است مراد آسیبهایی باشد که بنیه و توان جوامع مؤمن را تضعیف و یا نابود می سازد. برداشت فوق ناظر به دومین معناست.

جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۵

۱۵ ایجاد پیوند های اجتماعی در جامعه ایمانی ، نشانه پرهیزکاری مؤمنان

یا ایها الذین امنوا .. و رابطوا و اتقوا الله

بنابر اینکه معنای <رابطوا>، ایجاد پیوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۸،۱۱

۸ تلاش برای فساد و تباهی جامعه ایمانی ، ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) است .

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

برداشت فوق بر این مبناست که <واو> در <و یسعون> تفسیریه باشد. یعنی فسادگری در جامعه ایمانی، مصداقی از محاربه با خدا و رسول است.

۱۱ ضرورت پاسداری از امنیت و سلامت جامعه ایمانی با سرکوب آشوبگران و فسادانگیزان

انما جزؤا الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد

بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۴، ۳، ۲

۲ برخی از گناهان و ستمکاری ها در جامعه ایمانی مایه گرفتار شدن همگان (مرتکبان گناه و غیر آنها ، یعنی ظالم و غیر ظالم) به عذاب های الهی است .

و اتقوا فتنه لاتصیین الذین ظلموا منکم خاصه

<لا> در <لاتصیین> نافی و <خاصه> حال برای <الذین> است. جمله <لاتصیین الذین ...> تبیین و توضیحی است برای <فتنه>. و مراد از اتقاء فتنه، پرهیز از عامل آن می باشد که به قرینه <ظلموا>، ستمکاری است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ای اهل ایمان از گناهایی که موجب فتنه ای عظیم می شود پرهیزید؛ آن گونه فتنه ای که نه تنها دامنگیر گناهکار می شود، بلکه همگان را در شعله های خود خواهد سوزانید.

۳ اهل ایمان موظف به مبارزه با فتنه هایی که شعله های آن دامنگیر کل جامعه است .

و اتقوا فتنه لاتصیین الذین

عامل فتنه در مورد بحث چنانچه گذشت گناه و ستمکاری است و مرتکب این گناه به دلیل <ظلموا منکم> تنها برخی از افراد جامعه هستند. بنابراین امر به اتقا (اتقوا فتنه) نسبت به مخاطبان متفاوت خواهد بود. یعنی نسبت به گناهکاران و ستم پیشگان، پرهیز از خود گناه است و نسبت به آنان که مرتکب نمی شوند، جلوگیری از ارتکاب آن است.

۴ مؤمنان وظیفه دار اهتمام بیشتر در پرهیز از گناهایی که آثار شوم آن فراگیر جامعه ایمانی است .

و اتقوا

فتنه لاتصیین الذین ظلموا منکم خاصه

بدیهی است هیچ گناه و ستمی را نباید مرتکب شد. بنابراین نهی از ارتکاب گناهی که فتنه ای فراگیر دارد، حاکی از تأکید بیشتر نسبت به پرهیز از چنین گناهی است.

حمایت از جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۳

۳ خداوند با حمایت خویش از پیامبر (ص) و جامعه ایمانی ، نیرنگ کافران را بی اثر خواهد کرد .

و إن یریدوا أن یخدوعوک فإن حسبک الله

جواب شرط <إن یریدوا .. > محذوف است و جمله <فإن حسبک الله > جانشین آن شده است ؛ یعنی: إن یریدوا أن یخدوعوک فالله یکفیک شرمم.

دشمنان جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۸،۱۱

۸ جامعه ایمانی در عصر پیامبر (ص) مواجه به دو گروه از دشمنان: دشمنانی شناخته شده و دشمنانی ناشناخته

عدو الله و عدوکم و ءاخرین من دونهم لاتعلمونهم

۱۱ تنها خداوند آگاه به دشمنانی است که برای جامعه ایمانی ناشناخته اند .

لاتعلمونهم الله یعلمهم

سعادت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۹

۱۹ پیروزی و سعادت جامعه ایمانی ، در گرو ایجاد پیوند و ارتباط با یکدیگر

و رابطوا .. لعلکم تفلحون

ضعف جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۴

۴ بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام ، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان

شد .

الئن خفف الله عنكم و علم أن فيكم ضعفا

عوامل تشکیل جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ نقش اساسی عالمان و دانشمندان دینی در ساختار دینی و اخلاقی جامعه

لبئس ما كانوا يصنعون

عوامل فساد جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۲

۲ - منافقان ، سرچشمه و منشأ فساد ها و تبهکاری ها در جوامع دینی هستند .

ألا إنهم هم المفسدون

در آیاتی از قرآن غیر منافقان نیز فسادگر خوانده شده اند بنابراین حصر در جمله <ألا إنهم...> (تنها منافقان فسادگرند) حصر ادعایی است و اشاره به این معنا دارد که: فسادگری غیر منافقان در قیاس با منافقان چیزی به حساب نمی آید؛ و یا اینکه فساد دیگران نیز به گونه ای به نفاق و منافقان باز می گردد.

کیفر استهزای جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۲

۲ - استهزای منافقان از سوی خدا ، کیفر تمسخر آنان نسبت به اسلام و جامعه ایمانی است .

إنما نحن مستهزون. الله يستهزئ

آیه مورد بحث، بیانگر سزا و کیفر منافقان استهزا کننده است.

مدیریت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۳

۳ ناشایستگی کافران برای ولایت و سرپرستی و یاری جامعه ایمانی

ان تطيعوا الذين كفروا .. بل الله مولیکم و هو خير الناصرین

مسئولیت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

۴ جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه <إن جنحوا... > استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۵۸

۵ جامعه ایمانی ، وظیفه دار پیکار در راه خدا و یا دست کم دفاع از وطن و کیان خویش

تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّٰه او ادفعوا

۸ پیکار با دشمنان دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی) ، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل اللّٰه او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، بیان حکم جهاد باشد، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی. بنابراین جمله <قاتلوا... >، ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او ادفعوا > ناظر به جهاد دفاعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ لزوم هشیاری جامعه ایمانی در مقابل تلاش برای گمراه ساختن مسلمانان

الم تر الی الذین... ان تضلوا السبیل

هدف از بیان تصمیم عالمان یهود، هشیار ساختن مسلمانان نسبت به تلاش پیگیر آن عالمان برای گمراه ساختن جامعه ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

جامعه ایمانی ، موظف به پذیرش توبه کنندگان واقعی

الا الذين تابوا و أصلحوا .. فأولئك مع المؤمنين

از جمله <فأولئك مع المؤمنين>، استفاده می شود که جامعه اسلامی باید پذیرای منافقین تائب باشد و آنان را به عنوان عضوی از جامعه اسلامی بپذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ جامعه ایمانی وظیفه دار هشیاری در برابر موضعگیری های گمراه کننده کافران

يايها الذين ءامنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل إذا اهتديتم

<لا> در لا يضركم می تواند نافیه باشد بر این مبنا مراد از جمله <لا يضركم ..> این است که چنانچه از ایمان خود مراقبت کنید از دام گمراهان می رهید و می تواند <لا> ناهیه باشد، یعنی ای مؤمنان مبادا گمراهان شما را از راه بدر برده و ایمان شما را بر بایند برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. گفتمی است که مراد از <من ضل> به قرینه <ءامنوا> کفرپیشگان می باشد.

منافقان در جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۴

۴ - منافقان ، در جامعه قرآنی و در برابر اسلام ، خود را در معرض زوال و نابودی می بینند .

يجعلون أصبعهم في ءاذانهم من الصوعق حذر الموت

جامعه شناسی

{جامعه شناسی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ مقایسه میان رخداد های تاریخی و سرنوشت ساز در یک جامعه ، از روش های قرآن در شناسایی نقاط ضعف و قوت آن جامعه

و اذ غدوت من اهلک . . .

و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

خداوند در این آیه و آیات قبل، برای شناساندن نقاط قوت و ضعف جامعه ایمانی، به دو رخداد تاریخی بدر و احد و مقایسه بین آنها اشاره می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۵

۵ کلیه جوامع، همواره دارای روش ها و شیوه های خاص زندگی اجتماعی و جهتگیری های خاص تاریخی هستند.

قد خلت من قبلکم سنن .. فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۶

۶ ناهماهنگی و دوگانگی باور ها و عملکرد برخی از مسلمانان صدر اسلام

و لقد کنتم تمون الموت .. فقد رایتموه و انتم تنظرون

آثار جامعه شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - جامعه شناسی، باستان شناسی و تاریخ، زمینه ساز شناخت سنت های الهی و ره یابی به واقعیت پیام وحی

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشد منهم بطشاً .. هل من محیص

اهمیت جامعه شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۷

۱۷ اهمیت و ارزش جامعه شناسی و دقت در تحولات و حوادث تاریخی

فسيروا فى الارض فانظروا كيف كان عاقبه المكذبين

جان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جان

آثار ایثار با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۴

۴ ایمان ، شرط تأثیر ایثار های مالی

و جانی انسان در دستیابی به بهشت

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ

قید <من المؤمنین> اشعار دارد به اینکه تنها انسانهای مؤمن در این معامله شرکت دارند.

ارزش جان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۹

۹ دین الهی و حمایت از آن ، دارای ارزش برتر از جان و مال انسانها

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ .. يَقتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

ارزش جان قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ خون و جان قاتلان نابحق و مفسدان در زمین ، فاقد ارزش و احترام

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض

<باء> در <بغير نفس> برای مقابله است. بنابراین مفهوم جمله شرطیه <من قتل نفساً...> این است که قتل نفس آنگاه که در مقابل کشتن کسی (قصاص) و یا در مقابل فسادانگیزی باشد، کیفر ندارد.

ارزش جان مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ خون و جان قاتلان نابحق و مفسدان در زمین ، فاقد ارزش و احترام

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض

<باء> در <بغیر نفس> برای مقابله است. بنابراین مفهوم جمله شرطیه <من قتل نفساً...> این است که قتل نفس آنگاه که در مقابل کشتن کسی (قصاص) و یا در مقابل فسادانگیزی باشد، کیفر ندارد.

ارزش جان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۵

ارزش والای جان و مال مؤمنان در پیشگاه خداوند

إن الله اشترى .. بأن لهم الجنة

امتحان با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۲،۳،۲۳

۲ مال و تن و جان مؤمنان ، وسیله آزمایش آنان

لتبلون فی اموالکم و انفسکم

۳ آزمایش به وسیله تن و جان ، مرحله ای پس از آزمایش به وسیله مال *

لتبلون فی اموالکم و انفسکم

تقدم ذکرى <اموال> بر <انفس>، می تواند اشاره به دو مرحله ترتیبی از آزمایش باشد.

۲۳ پرداخت زکات ، مصداق آزمایش در اموال و واداشتن خویش به صبر ، آزمایش در انفس است .

لتبلون فی اموالکم و انفسکم

امام رضا (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: <لتبلون فی اموالکم> باخراج الزکاه و <فی انفسکم> بتوطين الانفس على الصبر.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۸۹ ح ۱ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۴۷۴.

اهمیت حفظ جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳ تضمین پاداش عظیم در برابر حفظ جان هر انسان ، نویدی از جانب خداوند بر بنی اسرائیل

کتبنا علی بنی اسرائیل . . . من احیایا فکانما احیا الناس جمیعاً

همسنگی حفظ حیات یک انسان با تمامی انسانها، می تواند کنایه از پاداش عظیم باشد.

۱۴ اهمیت و ارزش والای حفظ حیات انسانها

و من احیایا فکانما احیا الناس جمیعاً

۱۶ جلوگیری از تکرار رخدادی همچون کشته شدن هاییل ، فلسفه تعلق پاداش های عظیم خداوند بر پاسداری از جان انسانها

من اجل ذلک کتبنا . . . و من احیایا فکانما

احیا الناس جميعاً

پاداش ایثار با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۴

۲۴ ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن الله اشترى من المؤمنين .. فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به

پیدایش حیات از موجودات بی جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۲،۳،۴

۲ خداوند پدید آورنده حیات از دل طبیعت بی جان و مرده است.

إن الله ... يخرج الحي من الميت

۳ رویش گیاهان و درختان از دانه ها و هسته ها، نمودی از بیرون آوردن موجود زنده از مرده است.

إن الله فالق الحب و النوى يخرج الحي من الميت و مخرج الميت من الحي

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

يخرج الحي من الميت و مخرج الميت من الحي

جمله <يخرج الحي>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم

(مخرج الميت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

پیدایش موجودات بی جان از جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۴،۵

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

جمله <يُخْرِجُ الْحَيَّ>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع

آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج المیت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

۵ خداوند از نهاد موجودات جاندار، موجوداتی بی جان و فاقد حیات پدید می آورد.

إن الله .. و مخرج المیت من الحی

جهاد با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۲

۲ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذین ءامنوا و هاجروا .. أولیاء بعض

مشارالیه <أولئک> و مرجع ضمیر در <بعضهم>، <الذین> اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر مثلاً اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

حفظ جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ حفظ حیات یک انسان و جلوگیری از نابودی وی در پیشگاه خداوند به منزله حفظ حیات همه انسانهاست .

و من احیایا فکانما احیا الناس جمعاً

مراد از <احیاء> نمی تواند زنده کردن مردگان باشد، بلکه به معنای حفظ حیات انسانها و جلوگیری از هلاکت آنان است. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ سؤال از معنای <من احیایا> در آیه فوق فرمود: نجاها من غرق او حرق او سبع او عدو

ح ۸۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۱۱.

سوگند به جان انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۷ - ۱

۱ - سوگند خداوند به جان انسان ها

و نفس

<نفس>، به معنای روح و نیز جسد آمده است (صحاح اللغه). آیات بعد که ویژگی های روح انسان را مطرح می کند قرینه بر اراده معنای اول است. کلمه <نفس> گرچه نکره است ولی بر ابهام دلالت ندارد. بلکه مراد جنس نفس است زیرا آنچه بعد از آن، درباره نفس ذکر شده مربوط به تمام نفس ها است. نکره در این موارد، مفید تفخیم است.

عوامل ایثار با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۶

۶ ایمان راستین ، مستلزم ایثار جان و مال در راه خدا

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

قصاص جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۴

۴ جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان ، قانون قصاص در تورات

و كتبنا عليهم ... والعين بالعين و الأنف بالأنف و الأذن بالأذن و السن بالسن

مشتري جان مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة

ناخوشایندی ایثار با جان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۸

۸ کراهت و ناخرسندی از ایثار مال و جان در راه خدا ، نشانه نفاق

و کرهوا أن یجهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل اللّٰه

نقش جان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۳

۳ جان و مال مؤمنان ، ابزاری برای آنان در دستیابی به ارزش های جاودان

إن اللّٰه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنه

جانداران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جانداران

آثار زوجیت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۵

۵ - حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . .. و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

اقسام جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - بعضی از جانداران ، بر شکم خود راه می روند .

فمنهم من یمشی علی بطنه

۶ - بعضی از جانداران ، بر روی دو پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی رجليه

۷ - بعضی از جانداران ، بر روی چهار پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی أربع

پیدایش موجودات بی جان از جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۴،۵

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ

جمله <يُخْرِجُ الْحَيَّ>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مُخْرِجُ الْمَيِّتِ ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

۵ خداوند از نهاد موجودات جاندار، موجوداتی بی جان و فاقد حیات پدید می آورد.

إِنَّ اللَّهَ... وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ

جانداران دو پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۶

۶ - بعضی از جانداران، بر روی دو پا راه می روند.

و مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ

زوجیت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۴،۷

۴ - حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) بر تمامی موجودات دارای حیات (گیاهان، حیوانات و...)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا... وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

۷ - جهان، دارای پدیده های جان داری است که چگونگی حاکمیت قانون زوجیت بر آنها، برای بشر ناشناخته است.

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا... وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

متعلق علم در <لايعلمون> ذکر نشده است، ولی به تناسب این که آیه شریفه در صدد بیان حاکمیت قانونِ زوجیت بر پدیده های جان دار جهان است، می تواند حاکمیت همین قانون باشد.

عبرت از خلقت جانداران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۸

۸ - طبیعت (پیدایش انواع گوناگون جانداران از جسمی مایع و ...) ، بستر مناسب برای عبرت آموزی و پندگیری

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ . وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ

جمله < و الله خلق .. > عطف بر جمله < يَلْبَسُ اللَّهُ اللَّيْلُ... > است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که همان گونه که گردش و جابه جایی شب و روز مایه عبرت صاحبان بصیرت است آفرینش انواع جانداران نیز می تواند چنین تأثیری داشته باشد.

عنصر خلقت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۱۳، ۲، ۳، ۱

۱ - خداوند ، [در آغاز] هر جاندار را از آب آفرید .

و الله خلق كل دابة من ماء

به حیوانات و جانداران روی زمین چه بزرگ و قابل رؤیت باشند و چه کوچک و غیر قابل دیدن <دابه> گویند (لسان العرب).

۲ - آب ، از عناصر نخستین پیدایش حیات حیوانی است .

و الله خلق كل دابة من ماء

۳ - خداوند ، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب خود آفرید .

و الله خلق كل دابة من ماء

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که تنکیر <ماء> برای تنويع باشد. بر این اساس معنای <ماء> انواع جسم مایع است و مقصود این است که عنصر اولی و منشأ پیدایش حیات جانداران، از جسم مایع است و حیات هر جاندار از مایعی متناسب خود می باشد.

۱۳ - آفرینش انواع جانداران از جسمی مایع ، جلوه ای از

قدرت مطلق خداوند است .

و الله خلق كل دابة من ماء .. . يخلق الله ما يشاء ان الله على كل شيء قدير

عوامل نابودی جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۱

۱ - در صورت مؤاخذة شدن مردم در دنیا از سوی خداوند ، هیچ جنبنده ای در سطح زمین باقی نخواهد ماند .

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهورها من دابة

کیفیت حرکت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۵،۶،۷

۵ - بعضی از جانداران ، بر شکم خود راه می روند .

فمنهم من يمشى على بطنه

۶ - بعضی از جانداران ، بر روی دو پا راه می روند .

و منهم من يمشى على رجلين

۷ - بعضی از جانداران ، بر روی چهار پا راه می روند .

و منهم من يمشى على أربع

منشأ زوجیت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۲

۲ - خداوند تمامی رویدنی های زمین ، انسان و پدیده های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفریده است

سبحن الذی خلق الأزواج کلها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

<زوج> (مفرد <أزواج>) برای دو معنا به کار می رود: ۱. مقابل طاق و مرادف جفت؛ ۲. به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جاودانگی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جاودانگی

آثار جاودانگی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- ظهور حیات حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحی القیوم

آثار جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۵۹ - ۲

۲- سرور و شادمانی بهشتیان ، از نمردن و جاودانه زیستن و نیز رهایی از عذاب الهی در آخرت

إلّا موتتنا الأولى و ما نحن بمعذبین

آثار جاودانگی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۷

۷- آسایش خاطر بهشتیان ، در پرتو اطمینان از زوال ناپذیری نعمت ها

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <ذلک یوم..> در مقام تعلیل برای <ادخلوها بسلام> باشد، یعنی، چون در بهشت جاودانه اید، دیگر مجال هیچ اندوه ندارید و خاطرتان آسوده باد.

آثار ذکر جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۷

۷- توجه یکتاپرستان استوار بر ایمان به جاودانگی در بهشت ، زداینده هر گونه بیم و اندوه از ایشان

فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون . أولئک أصحاب الجنّه خلدین فیها

با توجه به ارتباط این آیه با <فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون> در آیه قبل، توجه به وعده خداوند به بهشتی بودن موحدان نیک کردار، می تواند زداینده ترس و اندوه آنان باشد.

آرزوی جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۵۹ -

۳ - حیات جاودانه از خواسته ها و آرزو های انسان ها و دستیابی به آن ، مایه سرور و شادمانی آنان

أفما نحن بميتين . إلا موتنا الأولى و ما نحن بمعذبين

شگفتی از نمردن و جاودانه زیستن و اظهار سرور و خوشحالی کردن از دستیابی به حیات جاودانه، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن بهشتیان دستیابی به حیات ابدی را فوز بزرگ می شمرند (إِنَّ هَذَا لَهُو الْفَوْز الْعَظِيمُ) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۱۰

۱۰ - حیات جاویدان و سرای پایدار ، خواسته طبیعی انسان ها است .

و إِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

تذکر به ناپایداری زندگی دنیوی و جاودانگی حیات اخروی، خود گویای مطلب یاد شده است.

ارزش جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۷

۱۷ الوهیت و خدایی ، تنها از آن کسی است که ازلی ، ابدی و منزه از هر گونه نیازمندی باشد .

ما المسيح ابن مريم الا رسول قد خلت من قبله الرسل . .. كانا ياكلان الطعام

اهمیت جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۱ - ۱،۲

۱ - نجات از عذاب الهی و دستیابی به زندگی جاودانه بهشتی و رستگاری بزرگ ، سزاوار هر گونه عمل و تلاش است .

و ما نحن بمعذبين . إِنَّ هَذَا لَهُو الْفَوْز الْعَظِيمُ . لمثل هذا فليعمل العملون

<لام> در <لمثل> برای تعلیل و <هذا> اشاره به مضامین آیات گذشته

است که درباره رهایی از عذاب الهی و نیل به بهشت جاودان بود.

۲- رهایی از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی (رستگاری بزرگ) ، تنها هدف شایسته برای هرگونه سعی و تلاش در زندگی آدمی

لمثل هذا فليعمل العملون

از تقدم جار و مجرور (لمثل) بر عامل خود (فليعمل) که مفید حصر است برداشت یاد شده به دست می آید.

ایصال به درخت جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۶

۶- راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملک و سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه درخت ممنوع

هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملک> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملک لا يبلى> مالکیت و حاکمیتی است که زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

پندار جاودانگی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۳،۴

۳- جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران ، بر پایه گمان است نه برهان و یقین .

إنه ظنّ

۴- جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دل بستگی به خانواده و خاندان است .

إنه كان في أهله مسرورًا . إنه ظنّ أن لن يحور

حرف <إن> در <إنه ظنّ> ، برای بیان علت سُروری است که در <كان في أهله مسرورًا> بیان شده است.

پندار جاودانگی نعمت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۷،۹

۷- ثروت مند مغرور ، باغ و بوستان و نعمت های خود را جاودانه و فناپذیر می پنداشت .

قال ما أظنّ أن تبيد هذه أبداً

<تبیّد> از <بید> به معنای هلاک و نابود شدن است.

۹- ثروت مندان و قدرت مندان ، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیایند .

أنا أكثر منك مالاً .. قال ما أظنّ أن تبيد هذه أبداً

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

تلاش برای جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۱ - ۱

۱ - نجات از عذاب الهی و دستیابی به زندگی جاودانه بهشتی و رستگاری بزرگ ، سزاوار هر گونه عمل و تلاش است .

و ما نحن بمعذبين . إنّ هذا لهو الفوز العظيم . لمثل هذا فليعمل العملون

<لام> در <لمثل> برای تعلیل و <هذا> اشاره به مضامین آیات گذشته است که درباره رهایی از عذاب الهی و نیل به بهشت جاودان بود.

جاودانگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۳

۳ - دوزخ و آتش آن دائمی و همیشگی است .

هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - هود -

۲ جهنم و آتش آن ، همیشه و پایدار است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ سرای آخرت ، پایان ناپذیر است و دوزخ و آتش آن جاویدان است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۱

۱۱- آتش دوزخ ، آتشی خاموش نشدنی و دارای نوسان و همواره فروزان است .

کَلَّمَا خَبِتْ زِدْنَهُمْ سَعِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۳

۳- آتش دوزخ همیشه است و دشمنان خدا در آن جاودانه اند .

ذَلِكْ جِزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۶ - ۳

۳- عذاب و آتش دوزخ ، جاودانه است .

و ما هم عنها بغائبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - آتش دوزخ ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مَخْلَدَانَد .

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى

مراد از <لایحیی>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها>، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آتش جهنم ، همواره شعلهور است و زبانه

می کشد .

نَارًا تَلْظِي

<تَلْظِي> (که در اصل <تَلْظِي> بوده است)؛ یعنی، زبانه کشیده و برافروخته می شود. مضارع در صورتی که حال قرار گیرد، بر تکرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۵

۵ - آتش جهنم ، همواره برافروخته شده و شعله های تازه پیدا می کند .

الموقده

<ایقاد> (مصدر <موقده>) یا از <وَقَدَّ> (آتش و برافروخته شدن آن) و یا از <وَقُود> (هیزم ویژه آتش)، گرفته شده است. توصیف آتش جهنم به <موقده> با آن که آتش از افروخته شدن و افروزنده انفکاک ندارد اشاره به حدوث پیاپی این وصف دارد؛ به گونه ای که نه تنها هرگز خاموش نمی شود؛ بلکه همواره شعله های جدید دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۲

۲ - آتش جهنم ، جاودان و گرفتاری زراندوزان استهزاگر در آن ، همیشگی است .

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّوَةٌ

جاودانگی آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲۰

۲۰ جهان آخرت و نعمت های آن پایدار و زوال ناپذیر است .

عرض هذا الأَدْنَى . . . و الدار الأخره خیر

بیان برتری آخرت در مقابل توصیف متاع دنیا به زوال پذیری، می رساند که از علل برتری آخرت بر دنیا همیشگی بودن

نعمتهای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۱

۱ جهان آخرت ، جهانی جاودان و فناپذیر

و جنت لهم فیها نعیم مقیم. خلدین فیها أبداً

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۸

۸ جهان آخرت ، سرایی است جاودان .

أولئك أصحاب الجنة هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ سرای آخرت ، پایان ناپذیر است و دوزخ و آتش آن جاویدان است .

هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۴

۴ - جهان آخرت ، جهانی ابدی و زوال ناپذیر

هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۲

۲ - آخرت ، سرای پایدار و پاینده

و إنّ الآخره هی دار القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۷ - ۲

۲ - جهان آخرت طولانی تر و پاینده تر از دنیا است .

و الآخره .. أبقى

جاودانگی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۴

۴ - بهره مندی ابرار از نعمت های آخرت ، همیشگی است .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

حرف <فی> در آیه شریفه، برای ظرفیت مجازی است و بر استقرار ابرار در نعمت دلالت دارد. اسمیه بودن جمله <إِنَّ الْأَبْرَارَ...>، تأکیدی بر مداومت و ثبوت و حرف <لام> در <لفی نعیم>، تأکید بر تمام محتوا است.

جاودانگی ابو لهب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۱

۱ - ابو لهب در آخرت ، به آتش گرفتار شده و

در آن باقی خواهد ماند .

سیصلی نارًا

<صلی النار>؛ یعنی، به سختی گرفتار حرارت آتش شد (قاموس). <صلاه> (ریشه <یصلی> در نظر زجاج) در اصل بر ملازمت دلالت دارد (لسان العرب). بنابراین <یصلی النار>، بیانگر خلود است.

جاودانگی ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۶ - ۷

۷- شریعت ها و ادیان توحیدی ، در برابر دین ستیزان ، استوارتر از کوه ، پایدار و جاودانه خواهند ماند .

فیقول الذین ظلموا ربنا أخرجنا .. نجب دعوتك و تتبع الرسل ... و قد مکروا ... و

از اینکه خداوند فرمود: مکر و نقشه های ستمگران در برابر نیروی حق و رسولان الهی، هر چند در قدرت و توانمندی کوه شکن باشد، مؤثر نخواهد بود، به دست می آید که ادیان توحیدی و شرایع رسولان الهی استوارتر از کوه بوده و پایدار و ضربه ناپذیرند.

جاودانگی ارزش های معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۱،۲

۱- دستاورد های مادی انسان ، فناپذیر و ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، باقی و جاودانه است .

ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

۲- جاودانگی ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، راز برتری مطلق آنها بر دستاورد های مادی انسان

إنما عند الله هو خیر لكم .. ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

جاودانگی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ اراده خداوند بر حیات جاودانه و فروغ پیوسته اسلام ، در پرتو حضور مؤمنان

با صلابت و سرافراز

فسوف يأتي الله يقوم.. اعزه على الكافرين يجهدون في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۹

۹ قرآن و اسلام ، كتاب و آيينی جاودان و ماندگار

و يابى الله إلا أن يتم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۱ - ۴

۴ رسالت پیامبر اسلام (ص) ، رسالتی جهانی و مکتب اسلام ، مکتبی جاودانه

و لو شئنا لبعثنا في كل قرية نذيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ - اسلام ، دين پاينده و جاودان ، برای همیشه تاريخ است .

ذلك الدين القيم

<قيم> صيغه مبالغه، به معنای <ثابت و استوار> است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۴۸

۴ - تلاش برای خاموش کردن نور اسلام ، تلاشی مذبحانه و بی فرجام است .

يريدون ليطفوا نور الله .. و الله متم نوره

۸ - قرآن و اسلام ، كتاب و آيينی جاودان

و الله متم نوره

جاودانگی الگو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۴

۴ - الگوها و چهره های ارزشی و الهی ، همواره زنده و آسیب ناپذیر با گذشت زمان

قد کانت لکم أسوه حسنه

فعل <کانت> به صورت ماضی، چهره ای را به عنوان الگوی شایسته به مسلمانان می نمایاند که ابعاد ارزشی آن، در گذشته تاریخ تحقق یافته است.

جاودانگی امکانات مادی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۹

۹- توجه به مشیت نافذ و نیروی قاهرِ خداوند ، بازدارنده آدمی از مغرور شدن به اموال دنیا و ابدی پنداشتن آن است .

و لولا إذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله لا قوة إلا بالله

جاودانگی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸ - ۴

۴- بی نیازی پیامبران از تغذیه و جاودانگی آنان در دنیا ، پندار باطل مشرکان

و ما جعلنهم جسداً لا يأكلون الطعام و ما كانوا خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۲

۲- مشرکان ، می پنداشتند پیامبران باید در دنیا عمر جاوید داشته باشند .

و ما جعلنا لبشر من قبلك الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ - > عن الرضا (ع) . . . وجه الله أنبیاؤه و رسله و حججه (صلوات الله عليهم) هم الذين يتوجه بهم إلى الله و إلى دینه و معرفته . . . و قال عزوجل > كل شيء هالك إلا وجهه < . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده که <وجه الله> پیامبران خدا و رسولان و حجت های او هستند که به وسیله آنان به خدا و دین و معرفت او توجه می شود. .. خداوند عزوجل فرموده است: < كل شيء هالك إلا وجهه > . . . < .

جاودانگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨- رعد - ١٣ - ٥ - ١٤

١٤ انسان

در آخرت فنا شدنی نیست و برای همیشه باقی می ماند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۷

۷ - انسان ، موجودی جاودان در بینش ادیان الهی و پدیده ای فناپذیر در نگرش شرک پیشگان تاریخ

بل قالوا .. قالوا أءذا متنا ... أءنَّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۴ - ۴

۴ - انسان ، موجودی جاودانه است .

إن كل نفس لما عليها حافظ

<نفس> یا به معنای روح است و یا شخص (مصباح). حفاظت از روح انسان، بلکه حتی شخص او، بر پیشگیری از نابودی او توقف دارد که مستلزم جاودانگی انسان است، گرچه در قالبی غیر از این جسم به حیات خود ادامه دهد.

جاودانگی باغهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۰ - ۱

۱ - باغ های جاویدان بهشت ، فرجام تقوای پیشگان

و إن للمتقين لحسن مئاب . جنت عدن

<جَنّات> (جمع <جَنَّة>) به معنای باغ ها و <عدن> به معنای خلود و استقرار است و جمله <جَنّات عدن> عطف بیان برای <لحسن مئاب> می باشد.

جاودانگی بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - بهشت جایگاهی است زوال ناپذیر و بهشتیان در آن جاودان خواهند بود .

و هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۲ - ۳

۳ - بهشت جایگاهی است ابدی و همیشگی .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره -

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی، پاداش تضمین شده از جانب خداوند، برای تقوای پیشگان

لَّذِينَ اتَّقَوْا... جنات... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّٰه

۸ پرهیز از شیفتگی به تمایلات نفسانی، عامل دستیابی به بهشت جاودان و رضوان الهی

لَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ

به قرینه آیه قبل می توان مفعول <اتَّقَوْا> را موارد ذکر شده در آن آیه دانست. موارد یاد شده عبارت است از حب و شیفتگی به شهوات و... گفتنی است معنای لغوی <اتَّقَوْا>، پرهیز و دوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ آمرزش الهی و جاودانگی در بهشت، پاداش تقوای پیشگان

اعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ... اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات... خالدین فیها

<اولئک>، اشاره به تقوای پیشگان است؛ یعنی آنان که به ویژگیهای یاد شده، ستوده شدند.

۲ آنان که پشیمان از کرده های ناشایست و ستم بر خویش هستند و اصراری بر گناهان ندارند، بهره مند از آمرزش الهی و بهشت جاودانه خواهند بود.

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا... اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات... خالدین فیها

۷ ورود بندگان به بهشتی جاودانه، در گرو آمرزش گناه آنان

اولئک جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات تجری... خالدین فیها

تقدّم ذکری مغفرت و آمرزش بر بهشت (جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات)، حکایت از تقدّم واقعی و خارجی آن بر بهشت دارد؛ یعنی نخست باید آمرزش صورت گیرد، آنگاه

اجازه ورود به بهشت داده شود.

۸ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش انفاق در توانگری و تنگدستی و فرو خوردن خشم و گذشت از خطای دیگران

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ .. اولئك جزاؤهم مغفره من ربهم و جنّات

۹ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش احسان و نیکوکاری

و الله يحب المحسنين .. اولئك جزاؤهم مغفره من ربهم

۱۰ بهشت ها ، جایگاهی جاودانه و دارای نهلهایی جاری

و جنّات تجرى من تحتها الانهار خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۱، ۷، ۱

۱ بی ارزشی بهره ها و قدرت محدود کافران در دنیا ، نسبت به نعمت جاودانه بهشت

متاع قليل ثم ماويهم جهنم .. لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنّات ... خالدین فیه

۷ توجه به بهشت جاودانه ، موجب گرایش به تقوا و فریفته نشدن در برابر بهره های اندک دنیا

متاع قليل .. لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنّات ... خالدین فیها

۱۱ بهشت جاودان با نهلهای روان ، مهیا برای پذیرایی از پرهیزکاران

لهم جنّات تجرى من تحتها الانهار .. نزلا من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۶۸

۶ تعدّد و جاودانگی بهشت

یدخله جنّات .. خالدین فیها

لازمه خلود بهشتیان در بهشت، جاودانگی خود بهشت است.

۸ دخول در بهشت جاودان ، رستگاری بزرگ است .

يدخله جنّات .. و ذلك الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۱۵

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۸، ۹، ۵، ۲، ۱

۱ ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فأثبهم الله بما قالوا جنت

۲ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن عامل ورود به بهشت جاویدان

فأثبهم الله بما قالوا جنت

۵ بهشت ، جاودانه و دارای درختانی انبوه و نهلهایی روان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها

۸ صالحان بهره مند از بهشت جاویدان

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین . فأثبهم الله بما قالوا جنت

۹ بهشت جاودانه ، پاداش محسنان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها و ذلک جزاء المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۷

۷ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت .. و ما فیهن و هو علی کل شیء قدیر

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۲ - ۶، ۱

۱ بهشت جاودان ، جایگاه کسانی که به آیات الهی ایمان آورند و اعمال نیک انجام دهند .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت .. اولئك اصحب الجنة هم فيها خالدون

متعلق <ءامنوا> به دلیل آیه ۴۰، آیات الهی است.

بهشت جایگاه ابدی و بهشتیان در آن جاویدان هستند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ رهیابی به بهشت جاودان ، جز در پرتو هدایت الهی میسر نیست .

و ما كنا لنهتدی لو لا أن هدینا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون الله و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۷

۷ بهشت ، جایگاهی همیشگی و زوال ناپذیر

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ بهشت و موهبت های آن ، از میان نخواهد رفت و از بهشتیان باز پس گرفته نخواهد شد .

عطاء غیر مجذوذ

<عطاء> حال برای <الجنة> است و <مجذوذ> به معنای مقطوع می باشد. بنابراین <عطاء غیر مجذوذ> یعنی ، [وارد بهشت می شوند] در حالی که آن بهشت ، عطایی تمام نشدنی و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۴

۴- بهشت ، سرایی جاودان و دل خواه و نعمت های آن

ارضا کننده تمامی امیال و خواسته های آدمی است .

و هم فی ما شتهت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۳،۴،۵

۳ بهشت ، جاودانه است و متقین در آن جاویدان اند .

أم جنّ الخلد التي وعد المتّقون

جاودانگی تقوایبندگان، از وعده ای که خداوند به آنان برای دخول در بهشت جاوید داده است، قابل استفاده می باشد و در واقع این سخن، کنایه از جاوید بودن خود متقین در بهشت است.

۴ زندگی در بهشت جاویدان ، وعده خداوند به تقوایبندگان

جنّ الخلد التي وعد المتّقون

۵ بهشت جاودان ، پاداش و سرانجام تقوایبندگان

جنّ الخلد التي وعد المتّقون كانت لهم جزاء و مصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۳

۳ بهشت ، سرایی جاودانه است و بهشتیان در آن جاویدان اند .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۷،۱۰

۷ - بهشت ، جاودانه و ابدی است .

من الجنّ . . . خلدین فیها

۱۰ - بهشت جاودان ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، پاداشی نیکو است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوئنهم من الجنة .. خلدین فیها نعم أجمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۲

۲ - بهشت ، مکانی جاودان است .

جَنَّت النعیم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۲

۲ - بهشت ، سرای همیشگی

دارالمقامه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۵

۵ - بهشت و جریان نهر های آن ، جاودانه است .

جَنَّتِ عَدْنُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلْدِينَ فِيهَا أَبَدًا

جاودانگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - بهشت جایگاهی است زوال ناپذیر و بهشتیان در آن جاودان خواهند بود .

و هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۲

۲ پرهیزکاران ، جاودان در بهشت و برخوردار از نعمت های آن

لكن الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ .. خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۷

۷ سکونت مؤمنان در بهشت همیشگی و دایمی است .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۷

۷ بهشتیان برای همیشه بهره مند از بهشت جاویدان و نعمت های آن

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۲ - ۴

۴ انسان ها در باورشان به معارف دین و انجام تکالیف الهی ، برخوردار از توانایی های متفاوت هستند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لانکلف نفساً إلا وسعها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۸

۸ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

أولئک أصحاب الجنة هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۲،۶

۲ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

۶ خلود بهشتیان در بهشت ، بسته به مشیت خداوند است .

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین .. إلا ما شاء ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۴

۴ - بهشتیان در بهشت های عدن ، جاودانه و مخلداند .

جنت عدن .. خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۳

۳- بهشتیان ، غرق و جاودان در نعمت های دل خواه خویش خواهند بود .

و هم فی ما اشتھت أنفسهم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱ - ۵

۵ - اهل بهشت در آن ، جاودان می مانند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۳

۳ بهشت ، سرایی جاودانه است و بهشتیان در آن جاویدان اند .

۱ - شگفتی بهشتیان ، از جاودانه زیستن و نمردن خود در حیات اخروی

أفما نحن بمیتین

استفهام در <أفما..> از نوع استفهام تقریری و متضمن معنای تعجب است. گفتنی است که این تعجب از فرط سرور و خوشحالی می باشد.

۲ - بهشتیان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۰ - ۴

۴ - جاودانگی بهشتیان ، در ناز و نعمت بهشتی

جَنّت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۲

۲- بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لا ینذوقون فیها الموت

جاودانگی پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۷

۷- پاداش مؤمنان نیک کردار ، هرگز کاهش نیافته و پایان نمی پذیرد .

فلهم أجر غیر ممنون

<مَنَّ> (مصدر <ممنون>)، به معنای <قطع کردن> است و معنای <کاهش دادن> نیز برای آن گفته شده است. (صحاح اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۵

۵ - دستیابی مؤمنان دارای عمل صالح به پاداش بی منت و پایان ناپذیر ، حقیقتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب است .

فما یکذّبک بعد بالدین

چنانچه <دین> به معنای جزا باشد (مفردات)، از مصادیق بارز آن اجری خواهد بود که در آیه قبل، به مؤمنان بشارت داده شد.

جاودانگی پادشاهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۱،۲

۱- دستاورد های مادی انسان ، فناپذیر و ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، باقی و جاودانه است .

ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

۲- جاودانگی ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، راز برتری مطلق آنها بر دستاورد های مادی انسان

إنما عند الله هو خیر لكم . . ما عندکم ینفد و

ما عند الله باق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳ - ۲

۲- نعمت ها و پاداش های الهی ، در آخرت زوال ناپذیر است .

أَنْ لَّهُمْ أَجْرًا حَسَنًا . مَكْتَبِينَ فِيهِ أَبَدًا

جاودانگی پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى

<فلاح> یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>، <نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکی> از باب تفعّل است و بر تکلف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه> یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه> یعنی، پاکی، رشد و نمو، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

جاودانگی تمایلات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۰

۱۰ - خواهش ها و کشش های درونی انسان ، همراه با او حتی در بهشت و جهان آخرت

و فیها ما تشتهیه الأنفس

از این که انسان حتی در بهشت دارای شهوات و خواهش ها است، مطلب بالا استفاده می شود.

جاودانگی توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ،

حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جاودانگی توحید در نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱،۴،۵،۷

۱ - بقای آیین توحید در نسل ابراهیم (ع) ، ره آورد تلاش آن حضرت برای استمرار بخشیدن به آن

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

آیات قبل، می تواند قرینه باشد که فاعل <جعل> ابراهیم(ع) است.

۴ - کلمه توحید ، کلمه ای ماندگار در نسل ابراهیم (ع) ، به اراده و لطف الهی

إِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ . إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي ... و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

فاعل <جعل> به قرینه آیه بعد می تواند خداوند باشد.

۵ - استمرار دین توحیدی در نسل ابراهیم (ع) ، پاداش الهی به آن حضرت در قبال تلاش های او در مسیر اعتلای کلمه

توحید

و إذ قال إبراهيم . . . و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <جعلها> در مقام بیان لطف خداوند در برابر مجاهدت ها و تلاش های حضرت ابراهیم(ع) باشد.

۷ - استمرار کلمه < توحید > در نسل ابراهیم (ع) و در پهنه قرن ها ، تدبیری خداوندی و به منظور بازگشت مشرکان هر

نسل به توحید

و جعلها کلمه

باقیه فی عقبه لعلّهم یرجعون

جاودانگی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۳

۳ - دوزخ و آتش آن دائمی و همیشگی است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۹

۹ - دوزخ جایگاهی است ابدی و همیشگی .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۸،۹

۸ جهنم ، ابدی و همیشگی است .

الا طریق جهنم خلدین فیها ابداً

۹ جاودانه ساختن دوزخ و دوزخیان ، امری سهل و آسان برای خداوند

الا طریق جهنم خلدین فیها ابداً و کان ذلک علی الله یسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۳

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئک أصحاب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۷۸

۷ عذاب جاودان جهنم ، مجازاتی بس سنگین و کافی برای منافقان و کافران

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنافقین . . . و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۲

۲ جهنم و آتش آن ، همیشگی و پایدار است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ سرای آخرت ، پایان ناپذیر است و دوزخ و آتش آن جاویدان است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۷

۷- جهنم ، جایگاهی ابدی و جاودانه

جهنم خلدین فیها

وقتی که جهنمیان به عنوان مظلوف همواره در جهنم می مانند، مستلزم آن است که خود جهنم به عنوان ظرف ابدی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۳

۳ - جهنم ، جاودانه است .

سعیرا . خلدین فیها

چون <سعیراً> ظرف برای <الکافرین> خواهد بود و کافران، در آن مخلد خواهند بود، به دست می آید که خود <سعیر> هم جاودانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتع بکفرک قليلاً إنک من أصحاب النار

جمله <إنک من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - مرگ و فنا ، در دوزخ راه ندارد .

لیقض علینا ربّک . .. إنّکم مکثون

جاودانگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۵

۱۵ کافران ، اهل آتش و ماندگار در آن برای همیشه

اولئک اصحاب

النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۹

۹ هیچکس دوزخیان را از عذاب الهی نجات نخواهد داد .

رَبَّنَا أَنْتَكَ مِنْ تَدَخَّلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

مراد از <انصار> به قرینه <من تدخل النار>، یاری در جهت رهاسازی از عذاب دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۹

۹ جاودانه ساختن دوزخ و دوزخیان ، امری سهل و آسان برای خداوند

الْأَطْرِيقِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فَتَكُونُ مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جِزَاءُ الظَّالِمِينَ

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۱، ۲۲

۲۱ خلود و عدم خلود دوزخیان وابسته به مشیت خداوند است.

خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

۲۲ سزاواران خلود در جهنم ممکن است با مشیت خداوند از آن رهایی یابند.

خلدین فیہا إلا ما شاء اللہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۸

۸ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلداً فیہا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۶

۶ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار

جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۶

۶- اهل جهنم دچار مرگ و میر نمی شوند .

يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ

اگرچه مورد آیه کافران جبار است، اما با توجه به آیات دیگر، که عذاب جهنم و جهنمیان را جاودانی می داند، می توان حکم آیه را عام و شامل گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۵

۵ - خلود دوزخیان در جهنم

يصلونها

فعل <يصلون> در نظر زجاج از ریشه <صلاه> (ملازم شدن) است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۳

۳ - خلود دوزخیان در جهنم

و يصلی سعیراً

<صلاه> (ریشه <یصلی> در نظر زجاج) در اصل بر ملازمت دلالت دارد (لسان العرب). بنابراین فعل <یصلی>، بر جاودانگی دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۱

۱ - گرفتاران آتش دوزخ، هرگز نخواهند مرد .

ثم لا يموت فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۴

۴ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۲

۲ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

فعل <تصلی> از ریشه <صلاه> به معنای ملازم و همراه بودن است. (لسان العرب به نقل از زجاج)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸

۱ - راه خروج از آتش جهنم ، بر دوزخیان بسته خواهد بود .

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّؤَصَّدَةٌ

<وصیده> به اتافی گفته می شود که برای نگه داری اموال، در کوه ایجاد می کنند. فعل <آصده> یعنی، درب آن را بستم و محکم ساختم (مفردات)؛ بنابراین <مؤصده>، به معنای مکان بسته و غیر قابل خروج است.

جاودانگی چشمه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۲ - ۱

۱ - بهشت برین ، دارای چشمه ای با عظمت و همیشه جاری

فیها عین جاریه

<عین> نکره است و دلالت بر آن دارد که عظمت چشمه بهشت، فراتر از آن است که بتوان شناخت. توصیف آن با کلمه <جاریه> یا <تجری>، دلالت دارد که جریان آن، مداوم است.

جاودانگی حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۳

۱۳- خداوند ، دارای اقتدار و سلطه کامل و زوال ناپذیر ، بر هر کار و هر چیز است .

و كان الله على كل شيء مقتدرًا

<مقتدر> و <قدیر> در باره خدای تعالی به یک معنا است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۵

۵ - مالکیت و فرمان روایی خداوند بر هستی ، حقیقتی ثابت و فنا ناپذیر است .

<حقّ> یعنی، واجب و ثابت (مصباح) و <الحقّ> در آیه می تواند صفت برای <الملک> باشد و نیز ممکن است صفتی دیگر برای <اللّه> گرفته شود که با توجه به ذکر آن بعد از وصف <الملک>، نکته یاد شده استفاده می شود.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۶

۶ فرمان روایی و حاکمیت خداوند بر جهان آفرینش ، ابدی بوده و هیچ کس وارث آن نیست .

له ملك السموت و الأرض و لم يتخذ ولداً

جمله <لم يتخذ ولداً> می تواند کنایه از این باشد که خداوند، حاکم آسمان ها و زمین، فرزندی انتخاب نکرده است تا حاکمیتش را به او منتقل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۲

۲ - حاکمیت خدای یگانه بر نظام هستی ، پاینده و زوال ناپذیر

و تبارك الذى له ملك السموت و الأرض و ما بينهما

<تبارك> می تواند اخبار از پایداری و جاودانگی باشد.

جاودانگی حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۲

۲ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا ... و جنت لهم فيها نعيم مقيم. خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۸

۸ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلدأ فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۶

۶ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در

باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین . . . تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - حیات اخروی ، حیاتی است ابدی و جاودانه .

فإنّ له نار جهنّم خلدین فیها أبداً

جاودانگی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۲

۲ خداوند ، تنها زنده جاوید و همواره پاینده ای است که قائم به ذات خویش و همه کائنات قائم به اوست .

الله لا اله الا هو الحیّ القیوم

کلمه <قیوم> به معنای پاینده ای است که حفظ و نگهداری همه چیز به اوست. (القائم الحافظ لكل شیء و المعطى له ما به قوامه.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ خداوند ، ذاتی پاینده و همیشگی است .

تبارک الله رب العلمین

<تبارک> ، مصدر <تبارک> ، چنانچه از بَرک (لزم و ثبت) گرفته شده باشد به معنای جاودانگی و همیشگی است و اگر از برکت گرفته شده باشد به معنای افزایه برکتها و خیرهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - خداوند خیر محض و پاینده ترین موجود است .

والله خیر و أبقى

<خیر> در دو معنا به کار می رود: ۱ معنای وصفی (خیر مقابل شر) ۲ معنای تفضیلی در این آیه گرچه هر دو معنا قابل توجیه است، ولی در برداشت یاد شده معنای وصفی مورد نظر است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۰

۱۰- همه موجودات زنده ، مردنی و فنا شدنی اند و تنها خداوند زنده و جاوید است .

أنت خیر الورثین

بهترین وارث بودن خداوند، ممکن است به این خاطر باشد که همه ارث برندگان، خود روزی خواهند مرد و آن چه را که به ارث برده اند به دیگران واگذر خواهند کرد؛ ولی خداوند وارثی است جاوید و فناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۳،۱۱

۳ - کیفر های الهی در روز رستاخیز ، بر پایه حق و عدل و به دور از هر شایبه ظلم و بی دادگری

یومئذ یوفّیهم الله دینهم الحَقّ

<الحَقّ> در جمله <دینهم الحَقّ> صفت برای <دین> است؛ یعنی، جزای عادلانه و به حق.

۱۱ - خدا ، حقیقتی ثابت و جاودان

أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ

برداشت فوق براساس یکی از کاربردهای واژه <حَقّ> است که به معنای <موجود ثابت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۲

۲ خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبارک الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۲

۲ خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبارک الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۴

۴ خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ در نمی یابد .

الحيّ الذی لایموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱

۲ خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبارک الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۷۸

۷ - هر چه جز خدا ، در معرض هلاکت و نابودی است .

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ

۸ - تنها خدا ، چهره جاوید و فناپذیر جهان هستی است .

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۷

۷ - خداوند ، تنها حقیقت ثابت و زوال ناپذیر است .

بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

<حقّ> به چیزی اطلاق می شود که ثبات داشته باشد و هیچ گونه بطلانی در آن راه پیدا نکند. لازم به ذکر است که تأکید جمله با <أَنَّ> و آوردن ضمیر فصل <هو> و معرفه شدن خبر با <ال>، حصر مبتدا در خبر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

فتبارک الله ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تنها خداوند ، ذات دارای حیات حقیقی ، مستقل و جاوید است .

هو الحیّ

جمله < هو الحیّ > مفید حصر است. انحصار حیات برای خداوند با آن که موجودات بسیاری از حیات بر خورداراند گویای این حقیقت است که حیات خداوند، حیاتی است ذاتی، حقیقی و جاوید و حیات دیگر موجودات، حیاتی وابسته و رو به زوال است.

۴ - اختصاص حیات حقیقی به خداوند ، دلیل نبودن هیچ معبودی جز او

در جهان است .

هو الحی لا إله إلا هو

جمله <لا إله إلا هو> به منزله نتیجه برای <هو الحی> است؛ یعنی، چون خداوند زنده جاوید است، پس جز او کسی مدبر عالم و نیز شایسته معبود بودن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - تنها حقیقت باقی در نظام هستی ، ذات یگانه پروردگار است .

كَلِّمَن عَلِيهَا فَاَن . و ببقی وجه رَبِّكَ

مفسران <وجه> را در آیه شریفه به معنای ذات گرفته اند.

۲ - فنای زمینیان ، بی تأثیر در ساحت اقتدار ، شکوه ، کرامت و بزرگواری جاودان پروردگار

كَلِّمَن عَلِيهَا فَاَن . و ببقی وجه رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ

گفتنی است که قدرت، اقتدار و شکوه فرمانروایان، به وجود رعیت و فرمانبران ایشان وابسته است؛ اما این آیه چنین وابستگی را از ذات پروردگار نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۴

۴ - خداوند ، ذاتی پاینده و جاودان

تَبْرَكَ اسْمُ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تَبْرَكَ

<تَبَارُكٌ> (مصدر <تَبَارَكَ>) چنانچه از <بَرَكَتٌ> (لَزَمَ وَ تَبَّتَ) گرفته شده باشد، به معنای جاودانگی و همیشگی و اگر از <برکت> گرفته شده باشد، به معنای افاضه برکت ها و خیرها خواهد بود (برگرفته از لسان العرب). برداشت یاد شده، براساس معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۵،۱۳

۵ - خداوند ، جاودانه

، ازلی و ابدی است .

اللّٰه الصمد

<صمد> یعنی، دائم (قاموس) و کسی که همواره بوده و خواهد بود. (مجمع البیان)

۱۳ - > قال وَهَبُ بْنُ وَهَبٍ الْقُرَشِيُّ سَمِعْتُ الصَّادِقَ (ع) يَقُولُ: قَدِمَ مِنْ أَهْلِ فَلَسْطِينَ عَلِيُّ الْبَاقِرِ (ع) ... ثُمَّ سَأَلُوهُ عَنِ الصَّمَدِ فَقَالَ: تَفْسِيرُهُ فِيهِ هُوَ الصَّمَدُ خَمْسَةُ أَحْرَفٍ، فَالْأَلْفُ دَلِيلٌ عَلَى إِنْثَيْهِ، ... وَاللَّامُ دَلِيلٌ عَلَى إِلَهِيَّتِهِ بِأَنَّهُ هُوَ اللَّهُ ... وَأَمَّا الصَّادِقُ فَدَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ عَزَّوَجَلَّ صَادِقٌ ... وَأَمَّا الْمِيمُ دَلِيلٌ عَلَى مُلْكِهِ وَأَنَّ الْمَلِكَ الْحَقَّ ... وَأَمَّا الدَّالُ فَدَلِيلٌ عَلَى دَوَامِ مُلْكِهِ وَأَنَّ عَزَّوَجَلَّ دَائِمٌ تَعَالَى عَنِ الْكُونِ وَالزَّوَالِ

وهب بن وهب گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: هیئتی از فلسطین خدمت امام باقر(ع) رسیدند و از او درباره معنای <صمد> سؤال کردند .. امام فرمود: تفسیر آن در خود آن است. <الصمد> پنج حرف است: <الف> دلیل است بر ائیت (حقیقت داشتن ذات) او ... و <لام> دلیل است بر الاهییت او یعنی که او اللّٰه است ... و <صاد> دلیل است بر این که او عزوجلّ صادق است ... و <میم> دلیل است بر مَلِکُتِ بودن او و این که او پادشاه حق است ... و <دال> دلیل دوام سلطنت او است و این که خداوند عزوجلّ ابدی و برتر از حدوث و زوال است.

جاودانگی خوردنیهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه

ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُكَلِّهَا دَائِمًا وَظِلَّهَا

<ظَلَّهَا> مبتدأست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جاودانگی در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۴

۱۴ انسان در آخرت فنا شدنی نیست و برای همیشه باقی می ماند .

هم فیها خلدون

جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ حیات جاودانه متقین در بهشت

لَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ .. خالدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۲

۱۲ بهشت و بشارت خلود در آن ، تنها بخشی از ضیافت الهی برای تقوایندگان است .

نزلا من عند الله

کلمه <نزل>، به چیزهایی گفته می شود که در آغاز ورود میهمان برای پذیرایی از وی فراهم می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۲

۲ اطاعت از خدا و رسولش ، عامل دخول و جاودانگی در بهشت

و من یطع الله و رسوله یدخله جنّات .. خالدين فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۷

۷ جاودانگی مؤمنانِ دارای اعمال صالح در بهشت

و الذین امنوا .. خالدين فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۵

۵ مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، در بهشت ، جاودان و پاینده اند

و الذين آمنوا .. سندخلهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها ابدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۲، ۱

۱ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهتا شده از جانب خدا برای پیامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها ابدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۸

۸ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

أولئك أصحاب الجنة هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۲، ۶، ۸

۲ بهشتیان ، برای همیشه در بهشت ماندگار خواهند بود .

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

۶ خلود بهشتیان در بهشت ، بسته به مشیت خداوند است .

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین .. إلا ما شاء ربك

۸ وعده خداوند بر مخلمد ساختن بهشتیان در بهشت ، مشیت او را محدود نخواهد ساخت و مانع او در موقت قرار دادن آن نخواهد شد .

خلدین فیها .. إلا ما شاء ربك عطاءً غیر مجذوذ

<عطاءً غیر مجذوذ> حاکی از دوام بهشت و

نعمتهای آن و تأکیدی بر <خالدین فیها> است. استثنای <ما شاء ربك> در ضمن بیان خلود و دوام نعمتهای بهشت گویای این نکته است که وعده های خداوند، موجب آن نمی شود که مشیت او مقید شود و وی را از این که برخلاف آن عمل کند، ناتوان سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۳

۳- خلود در بهشت، هیچ ملالت و خستگی برای اهل بهشت فراهم نمی آورد.

خلدین فیها لایبغون عنها حوالاً

جمله <لایبغون> مانند <خالدین> حال است برای <هم> در آیه قبل؛ یعنی، آنان، در عین خلود در بهشت، چیزی غیر آن نمی طلبند، گرچه، نوعاً، ماندن در یک مکان، قدری ملالت همراه دارد، ولی بهشت، به گونه ای است که چنین ملالتی در پی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۴

۱۴- > عن رسول الله (ص) : إذا دخل أهل الجنة النار و أهل النار النار . . . يقال : يا أهل الجنة خلود فلاموت و يا أهل النار خلود فلاموت ثم قرأ رسول الله (ص) : > و أنذرهم يوم الحسرة إذ قضى الأمر و هم فی غفله > و أشار بیده و قال : أهل الدنيا فی غفله ؛

از رسول خدا(ص) روایت شده: آن گاه که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم در آیند . . . گفته می شود: ای اهل بهشت! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست و ای اهل آتش! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست، سپس رسول خدا(ص)

این آیه را خواند <و أنذرهم يوم الحسره إذ قضى الأمر و هم فى غفله> (آن گاه حضرت) با دست خود اشاره کرد و فرمود:
اهل دنیا در غفلت اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۲

۲- بهشت ، جایگاه ماندن و استقرار و سرشار از امنیت و آسایش

جنت عدن

برخی <عدن> را مصدر و به معنای اقامت کردن می دانند و برخی دیگر آن را علم برای زمین بهشت دانسته و گفته اند: این نام بدان جهت بر بهشت نهاده شده که جایگاه اقامت و استقرار است (کشاف، ج ۳). در هر صورت این کلمه بر این که بهشت محل استقرار است، دلالت دارد. لازم به ذکر است محل استقرار در مقام تمجید به جایی گفته می شود که همه شرایط اقامت را دارا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۲

۲ متقین ، در بهشت موعود خویش همواره جاودان خواهند بود .

لهم فیها ما یشاءون خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخوردارى از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون على الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون العرفه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ - بشارت به عالمان خدا ترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار ، مبنی بر تجارتی از بین نرفتنی (بهشت برین) از ناحیه خداوند

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

<بوار> (ریشه <لن تبور>) به معنای شدت کسادی است و از آن جا که کسادی شدید موجب فساد و نابودی می شود، این واژه در معنای <هلاک> به کار می رود (بر گرفته از مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۵ - ۱

۱ - سپاس گزاری بهشتیان از خداوند ، به خاطر وارد کردن آنان به سرای همیشگی

الْحَمْدُ لِلَّهِ .. الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۹ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) قال : إذا دخل أهل الجنة الجنة و أهل النار النار ... يقال : خلود فلا موت أبداً . فيقول أهل الجنة : > أفما نحن بميتين . إلا موتتنا الأولى ... < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند.. .. گفته می شود: این جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: <أفما نحن بميتين...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۰ - ۱

۱ - رهایی

از عذاب الهی و دستیابی به حیات جاودانه بهشتی ، فوز عظیم و رستگاری بزرگ برای انسان ها است .

فی جَنَّتِ النِّعِمِ . . . و ما نحن بمُعذِّبِین . إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۲

۲ - بهشت جاودانه ، وعده الهی به تقوای پیشگان

صدقنا وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۴،۵

۴- بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ . . . جزاء بما كانوا يعملون

۵- آمیخته ساختن ایمان با عمل صالح ، شرط بهرهوری مؤمنان از بهشت جاودان

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ . . . أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ . . . جزاء بما كانوا يعملون

در آیه قبل، دو عنصر ایمان و استقامت، زمینه ورود به بهشت جاودان معرفی شده است و در این آیه عمل، به عنوان اساس و ملاک ره یافتن به بهشت جاودان مطرح گشته است. از این نکته می توان استفاده کرد که تجلی عقیده در عمل، برای یکتاپرستان کارساز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۶

۶ - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلك يوم الخلود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان

جنت .. خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۸ - ۱،۶

۱ - استقرار

در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکو کردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. جزاؤهم عند ربهم جنّ عدن تجري من تحتها الأن

۶ - وجود تمامی امکانات ، برای اقامت دائمی انسان در بهشت

جنّ عدن .. خلدین فیها أبداً

<عدن>، معرفه است؛ خواه علم برای مصدر <العدن> (اقامت گزیدن) باشد و خواه علم برای زمین بهشت. در صورت دوم نیز، تناسب معنای لغوی آن مورد نظر بوده است؛ یعنی، بهشت دارای تمام امکاناتی است که لازمه اقامت دائمی انسان در آن است.

جاودانگی در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۹

۹ - آدم (ع) به سکونت جاودانه خویش در بهشت اطمینان نداشت .

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ .. هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ

خداوند، تأمین بودن آدم(ع) از نظر غذا، پوشاک، آب، و مسکن را به او خبر داد؛ ولی گویا آدم در عین تضمین این نعمت ها، نسبت به جاوید بودن خود در آن بهشت اطمینان نداشت. از همین رو وسوسه شیطان در او اثر کرد.

جاودانگی در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۴

۴ - بهشتیان در بهشت های عدن ، جاودانه و مخلدانند .

جنّ عدن .. خلدین فیها

جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کفر پیشگان و تکذیب کنندگان آیات الهی ، برای همیشه در دوزخ خواهند بود .

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۳

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و ما هم بخرجین من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۲،۳۳

۳۲ کسی که مُرتدّ بمیرد ، همیشه در عذاب دوزخ است .

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت . . و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

۳۳ کفر و ارتداد ، موجب خلود در جهنّم و حبط عمل در دنیا و آخرت

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم . . و اولئک اصحاب ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۸

۸ نمرود ، نمونه ای از منحرفان راه رشد ، محرومان از ولایت الهی ، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبین الرّشد . . الله ولیّ الذّین ... الم تر الی الذّی حاجّ ابرهیم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت <الله> و <طاغوت> در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان

ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱۶،۱۷

۱۶ بازگشت به رباخواری پس از آگاهی از حرمت آن ، موجب جاودانگی در آتش

فمن جاءه موعظه . . و من

عاد فاؤلئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جمله <فمن جاءه موعظه> به این معناست که حکم الهی به او ابلاغ شود^۲ یعنی پس از بیان حکم، به آن آگاهی یابد. گفتنی است جمله <و من عاد> در برداشت فوق، بازگشت به رباخواری تفسیر شده است.

۱۷ اعتقاد به همگونی بیع و ربا پس از بیان ربا و حکم آن، موجب جاودانگی در آتش

قالوا انما البیع .. و من عاد فاؤلئک اصحاب النار هم فیها خالدون

در برداشت فوق متعلق <عاد>، پندار غلط همسانی بیع و ربا گرفته شده است، بنابراین جمله <و من عاد ..> به این معناست: اگر کسی پس از بیان حکم الهی درباره ربا، همچنان بر این پندار باشد که بیع همانند رباست در آتش مخلد خواهد بود. چون وی در حقیقت کافر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۳،۹

۳ احساس مصوئیت از خلود در آتش دوزخ، عامل فریب و گمراهی اهل کتاب

ثم یتولّی فریق .. ذلک بانهم قالوا لن تمسنا النار ... و غرهم

۹ اعتقاد به مصوئیت از خلود در عذاب، دروغی که اهل کتاب، آن را ساخته و خود را فریب دادند.

و غرهم فی دینهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰،۱۱

۱۰ کافران، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الذین کفروا .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

۱۱ کفر، موجب جاودانگی در آتش دوزخ

انّ الذین کفروا ..

و اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱۰، ۶، ۴، ۱

۱ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی، عامل دخول و جاودانگی در آتش جهنم

و من يعص الله و رسوله و يتعدّ حدوده يدخله ناراً

۴ عمل نکردن به احکام ارث، نافرمانی خدا و رسول (ص) و موجب جاودانگی در آتش جهنم است.

تلك حدود الله .. و من يعص الله و رسوله و يتعدّ حدوده يدخله ناراً خالداً فيها

۶ نافرمانی مستمر و تجاوز دائمی از حدود الهی، موجب جاودانگی در آتش

و من يعص الله .. و يتعدّ حدوده يدخله ناراً خالداً فيها

۱۰ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود، آنگاه که از روی سرکشی باشد، موجب خلود در آتش است. *

و من يعص الله و رسوله .. و له عذاب مهين

کلمه <مهین> به معنای خوارکننده است و چون عذابهای الهی متناسب با گناه آدمی است، بنابراین مراد از عصیان، نافرمانی از سر طغیان و سرکشی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ حضور جاودانه در آتش دوزخ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصلّيه ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو في نار جهنم خالداً فيها قال الله تعالى: <و لا تقتلوا انفسكم .. فسوف نصلّيه ناراً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۱

۱ خلود در جهنم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد
و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۵

۵ هیچ راه نجات و گریزی از جهنم ، پس از ورود به آن نیست .

أولئك ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

جمله <لایجدون...> می تواند بیان و توصیف اهل جهنم پس از ورود به آن باشد. کلمه <محیص>، اسم مکان و به معنای گریزگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۵،۶،۷

۵ کفر و ظلم گروهی از اهل کتاب ، موجب خلود آنها در جهنم

إِنَّ الذین کفروا و ظلموا .. و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم خلدین فیها
با توجه به آیات قبل مصداق مورد نظر از آیه کافران اهل کتاب می باشند.

۶ کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، مایه خلود در جهنم

إِنَّ الذین کفروا و ظلموا .. خلدین فیها ابدأً

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إِنَّ الذین کفروا و ظلموا .. خلدین فیها ابدأً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۳

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۹

۹ رسوایی بزرگ و ذلت واقعی، در مخلد شدن انسان در آتش دوزخ است.

فان له نار جهنم خلداً فيها ذلك الخزي العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱،۱۳

۱ خلود در آتش دوزخ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد الله المنافقين والمنفقت والكفار نار جهنم خلدین فیها

۱۳ خلود در آتش جهنم، موجب عادت کردن دوزخیان یا کاسته شدن از رنج و عذاب نیست . *

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم .. و لهم عذاب مقیم

تکرار <و لهم عذاب مقیم> پس از <نار جهنم> ممکن است در جهت دفع این توهم باشد که دوزخیان در اثر خلود، بدان انس می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱،۵،۱۱

۱ آتش دوزخ ، جایگاه ابدی تیره بختان صحنه قیامت است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

عبارت <مادامت السماوات و الأرض> (تا آن زمان که آسمانها و زمین وجود دارد) کنایه از دوام و همیشگی است و تأکید برای خلودی می باشد که از <خالدین> استفاده می شود.

۵ خلود و عدم

خلود جهنمیان در دوزخ ، بسته به مشیت الهی است .

خلدین فیها . .. إلا ما شاء ربك

۱۱ اخبار خداوند به خلود جهنمیان در دوزخ ، نمی تواند مانع او بر موقت قرار دادن آن باشد .

خلدین فیها . .. إلا ما شاء ربك إن ربك فعال لما يريد

جمله <إن ربك .. > تعلیل برای حقایقی است که از آیه مورد بحث استفاده می شود؛ یعنی، چون حاکمیت او مطلق است و چیزی نمی تواند مانع نفوذ اراده او شود؛ اگر خواست دوزخیان برای همیشه در آتش بمانند، چنین خواهد شد و اگر خواست همه و یا برخی از آنان را نجات دهد، چنین خواهد کرد و حتی اگر وعده و وعیدی را که بر خلود داده، بخواهد عمل نکند، چیزی مانع و رادع او نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ > عن أبي عبدالله (ع) [فی قوله تعالى] < و لا تتركوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار > قال : أما انه لم يجعلها خلوداً و لكن تمسكم النار فلا تتركوا إليهم ;

از امام صادق(ع) [درباره سخن خداوند] <ولا تتركوا.. > روایت شده است که فرمود: آگاه باشید خداوند [سزای تمایل و اطمینان به ستمگران] را آتش دائمی قرار نداد، ولی آتش به شما می رسد. بنابراین از تمایل و اطمینان به ظالمان پرهیز کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۸

۸- کفر ، عامل گرفتار شدن به عذاب ابدی جهنم

الكفرین . .. فادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۴

۱۴- > عن رسول الله (ص) : إذا دخل أهل الجنة الجنة و أهل النار النار . . . يقال : يا أهل الجنة خلود فلاموت و يا أهل النار خلود فلاموت ثم قرأ رسول الله (ص) : > و أنذرهم يوم الحسره إذ قضى الأمر و هم في غفله < و أشار بيده و قال : أهل الدنيا في غفله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: آن گاه که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم در آیند . . . گفته می شود: ای اهل بهشت! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست و ای اهل آتش! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست، سپس رسول خدا(ص) این آیه را خواند > و أنذرهم يوم الحسره إذ قضى الأمر و هم في غفله < (آن گاه حضرت) با دست خود اشاره کرد و فرمود: اهل دنیا در غفلت اند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

والله خير و أبقى . إنه من يأت ... لايموت فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۹ - ۵

۵- شرک ، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است .

إنکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم . . . و کلُّ فيها خلدون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۱

۱ - اهل دوزخ ، هرگز از آن خارج نخواهند شد .

كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا

<إرادہ> (مصدر <أرادوا>) در این جا کنایه از نزدیک شدن است. ضمیرهای <منها> و <فيها> به <نار> بازمی گردد. <غم> نیز مصدر و به معنای ستر و پوشیدن است که مضاف الیه آن حذف شده و تقدیرش <غمها> می باشد. <من غمها> نیز در این جا بدل اشتمال از ضمیر <منها> است؛ یعنی، دوزخیان هر وقت که بخواهند از پوشش آتش خارج شوند، به آن بازگردانده خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۶

۶ - عذاب فاسقان ، پایان ناپذیر و غیرقابل گریز است .

كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

عبارت <كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا> می تواند کنایه از پایان ناپذیری و خلود در آتش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۱

۱ - کفرپیشگان ، همواره در آتش جهنم باقی خواهند ماند .

الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا . خَلْدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶،۷

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

كَذَلِكَ نَجْزِي كَلَّ كَفُورٍ

< کفور > صیغه مبالغه از ماده < کفر > و یا < کفران > می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

۷- عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر ناسپاسان نعمت های الهی

کذلک نجزی کلّ کفور

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۲

۲ - دوزخیان ، هرگز از آتش دوزخ جدا نشده و پیوسته در آن خواهند سوخت .

اصولها اليوم

<صلا> در اصل به معنای لزوم است. از این رو <اصولها> به معنای <الزموها> (باید ملازم و هم راه عذاب دوزخ باشید) خواهد بود (لسان العرب و مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۹ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) قال : إذا دخل أهل الجنة الجنة و أهل النار النار . . . يقال : خلود فلا موت أبداً . فيقول أهل الجنة : > أفما نحن بميتين . إلا موتتنا الأولى . . . < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند.. .. گفته می شود: این جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: <أفما نحن بميتين...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی ، موجب عذاب ذلت بار دنیایی و عذاب فراگیر و دائمی دوزخ

من يأتيه عذاب يخزيه و يحلّ عليه عذاب مقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن دائمی در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن توانا هستند .

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفؤا للذين استكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳- فانی نشدن کالبد دوزخیان و نمردن آنان ، با وجود شکنجه ها و قطعه قطعه شدن

خلد فی النار .. فقطع أمعاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمی میرند .

نزاعه للشوی

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود؛ می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مظفین - ۸۳ - ۱۶ - ۵

۵ - خلود دوزخیان در جهنم

لصالوا الجحیم

<صَلَى> یعنی، ملازم و همراه شد. (لسان العرب به نقل از زجاج)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۴

۴ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۳

۳ - خلود در آتش جهنم ، ویژه کسانی است که در بالاترین مرحله شقاوت اند .

لا یصلیها إلا الأشتی

<صَلَى> یعنی، ملازم و همراه شد (لسان العرب، از قول زجاج) و ملازمت با آتش به جاودانگی در آن است. حصر موجود در آیه مربوط به ملازمت است یعنی، جاودانگی در آتش، مخصوص کسانی است که در آیه بعد اهل تکذیب و اعراض معرفی شده اند و در بدترین نوع شقاوت به سر می برند.

جاودانگی در عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۳،۴

۳ - کفرپیشگانی که بدون توبه می میرند ،

برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار می شوند .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

۴ - کتمان کنندگان احکام و معارف دین و حقایق کتب آسمانی ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار خواهند بود .

إن الذین کفروا و ماتوا .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۸

۱۸ خلود در عذاب مظهر خشم و غضب خداوند

ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خلدون

جمله <و فی العذاب ..> بیان نمودی از خشم الهی (ان سخط الله) بر گنهکاران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۲

۲ - عقوبت و پی آمده های اخروی روی گردانان از قرآن ، ابدی و جدایی ناپذیر است .

وزراً . خلدین فیه و ساء لهم

مرجع ضمیر <فیه> ، <وزراً> در آیه قبل است . خلود در <وزر> ، به معنای جاودانگی در آثار و تبعات آن است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۲ - ۱

۱ - زندگی همیشگی در میان باد بسیار گرم و شدید ، فرجام اخروی اصحاب الشمال

فی سموم

<فی سموم> خبر برای مبتدای محذوف و به تقدیر <أولئك فی سموم> است . <سموم> به باد گرم گفته می شود (قاموس المحيط) و نکره آمدن آن بیانگر شدت وزش باد و نیز درجه بالای گرمای آن است . جمله اسمیه نیز بیانگر آن است که این دسته ، برای همیشه گرفتار آن خواهند بود و هرگز از آن خلاص نخواهند شد .

جاودانگی در عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۹ - ۳

۳ عذاب های اخروی کفرپیشگان ، عذابی دایمی و همیشگی است .

و يحلّ عليه عذاب مقيم

حلول (مصدر يحلّ) به معنای فرود آمدن است و <مقيم> از <أقام بالمكان> (درنگ کرد و ماندگار شد) می باشد. بنابراین <عذاب مقيم> یعنی ، عذاب ماندگار و زوال ناپذیر.

جاودانگی دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۲

۲ - پیامبر اکرم (ص) ، استمراردهنده خط توحید ابراهیمی در جامعه بشری

و إذ قال إبراهيم .. بل متعت هؤلاء و ءاباءهم حتى جاءهم الحق و رسول مبين

جاودانگی ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جاودانگی رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲ - ۳

۳ - خداوند ، رحمان (دارای رحمتی فراگیر) و رحیم (دارای مهری پایان ناپذیر) است .

تنزیل من الرحمن الرحيم

<رحمان> صیغه مبالغه و بیانگر گستردگی و فراگیری رحمت خداوند است. <رحیم> که بر وزن فعیل است (این وزن غالباً

حاکی از عدم انفکاک صفت از ذات می باشد) بیانگر پایان ناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۱۰

۱۰- اقتدار و عزت خداوند ، آمیخته با رحمت گسترده و جاودان او است .

هو العزیز الرحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- رضا و رحمت حق ، اصلی ازلی و جاری در نظام آفرینش ، و خشم الهی زاینده اعمال آدمیان *

اتَّبِعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ وَ كَرِهُوا رِضْوَانَهُ

<أسخط> (از باب افعال) بیانگر ایجاد است؛ ولی <رضوان> (به صورت اسم) می نمایاند که رضا و رحمت حق، همواره گسترده بوده و خواهد بود و تنها کافی است که انسان بدان تمایل داشته و از آن بهره گیرد، برخلاف خشم و کیفر الهی که با نفس عمل انسان، پدید آمده و ایجاد می شود.

جاودانگی رضایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- رضا و رحمت حق ، اصلی ازلی و جاری در نظام آفرینش ، و خشم الهی زاینده اعمال آدمیان *

اتَّبِعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ وَ كَرِهُوا رِضْوَانَهُ

<أسخط> (از باب افعال) بیانگر ایجاد است؛ ولی <رضوان> (به صورت اسم) می نمایاند که رضا و رحمت حق، همواره گسترده بوده و خواهد بود و تنها کافی است که انسان بدان تمایل داشته و از آن بهره گیرد، برخلاف خشم و کیفر الهی که با نفس عمل انسان، پدید آمده و ایجاد می شود.

جاودانگی روح

- حج - ۲۲ - ۵ - ۲۶

۲۶ - جان آدمی ، حقیقتی است باقی و فناپذیر .

و منکم من یتوفی

دریافت کامل روح انسان به هنگام مرگ (و منکم من یتوفی) بیانگر بقای روح پس از مرگ و فناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ - روح و جان آدمی ، حقیقتی است باقی و فناپذیر .

و منکم من یتوفی

دریافت کامل روح انسان به هنگام مرگ، بیانگر بقای روح، پس از مرگ و فناپذیری آن است.

جاودانگی زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۸ - ۳

۳ - حیات آخرت ، حیاتی است جاودانه و به دور از مرگ و نیستی .

أفما نحن بمیتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۱

۱ - برپا شدن قیامت پس از مرگ انسان و استمرار حیات بشر و جاودانگی او در عالم هستی

إِنَّهُمْ مِیتُونَ . ثُمَّ إِنَّكُمْ یَوْمَ الْقِیمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۳،۴

۳- پایداری و پایداری زندگی اخروی، دلیل برتری آن بر زندگی دنیایی است.

إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

برداشت یاد شده به این خاطر است که آیه شریفه با مقایسه کردن زندگی دنیایی و حیات اخروی، درصدد بیان برتری زندگی در آخرت می باشد.

۴- دنیا، گذرگاه و مقدمه برای حیات جاودانه آخرت است.

إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ

واژه <متاع> در برخی از موارد به چیزی گفته می شود که بهره انسان از آن کم و ناپایدار باشد. بنابراین توصیف زندگی دنیایی به <متاع> و زندگی اخروی به <دارالقرار> (سرای پایدار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۰

۲۰ - زندگی در آخرت ، جاودان و بی انت ها است .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۱

۱ - جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا ، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است .

و الآخره خیر و ابقى . إِنَّ هَذَا لَفِي الصَّحْفِ الْأُولَى

<الصحف>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

جاودانگی زیباطلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۶

۶ - لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل .. جَنَّتْ تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن <جَنَّتْ تجری..>، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذت جویی در انسان اخروی است.

جاودانگی سایه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بهشت اصحاب الیمین ، دارای سایه ای پایدار و زایل نشدنی

و ظلّ ممدود

<ممدود>؛ یعنی، کشیده شده. مفسران عبارت <ظلّ ممدود> را به

سایه دائم و همیشگی تفسیر کرده اند.

جاودانگی سد ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۸

۸- ذوالقرنین ، از بقا و جاودانگی سدش تا قیامت خبر داد . *

فَإِذَا جَاءَ وَعْدَ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ

اگر مراد از <وعد ربی> قیامت باشد، در این صورت، از آیه چنین برمی آید که تا قبل از قیامت، این سد برپا است. <دکاء> به معنای <مستوی و مسطح>، صفت برای موصوف محذوف است (جعلهُ أرضاً دكّاء). مفاد آیه، این است که هرگاه قیامت فرا رسد، خداوند آن سد را زمینی مسطح خواهد ساخت.

جاودانگی سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۴ - ۵

۵ - روزگار خوش بهشت ، روزگاری جاودان

ادخلوها بسلم ذلک يوم الخلود

جاودانگی سعادت‌مندی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸ - ۲

۲ - خوشبختی برای <اصحاب المیمنه> در آخرت ، پایدار و زوال ناپذیر است .

فأصحاب المیمنه ما أصحاب المیمنه

<صاحب> (مفرد <اصحاب>) به معنای یار، همراه و ملازم است. بنابراین <اصحاب المیمنه>؛ یعنی، کسانی که با میمنت و نیک بختی ملازم اند و هرگز از آن جدا نمی شوند.

جاودانگی شقاوت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹ - ۲

۲ - گرفتاری و بدبختی برای اصحاب المشمه در آخرت ، جاودان و غیرقابل زوال

و أصحاب المشمه ما أصحاب المشمه

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار و ملازم است. بنابراین <أصحاب المشمه>؛ یعنی، کسانی که ملازم با نکبت

و بدبختی بوده و هرگز از آن خلاصی نمی یابند.

جاودانگی شقاوتمندان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۳ - ۵

۵ - آتش دوزخ ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مخلصند .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

مراد از <لایحیی> ، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش ، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها> ، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جاودانگی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۱

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إِنَّ الدِّينَ ءَامَنُوا .. جَنَّ النِّعَمِ خَلْدِينَ فِيهَا

جاودانگی عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۴

۴ - ظلم آدمی بر خویشتن ، مایه ابتلای او به عذاب اخروی و نبود راه رهایی برای وی

و لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۳

۳- کفر و گناه پیشگی ، موجب عذاب پیوسته و اندوه پایان ناپذیر در قیامت

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ .. و هم فیها مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳- انکار آیات الهی ، آزاد نکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحم ، مایه گرفتاری به آتش

فراگیر و گریزناپذیر

فَكَ رقبه .. و الذین كفروا ... علیهم نار مؤصده

جاودانگی عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۸

۸- خلود کافران در عذاب اخروی

و لا هم ینظرون

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <لا هم ینظرون> نفی تعلق رحمت و عنایت خداوند به کافران باشد. لازمه چنین نفی مطلق، رهایی نیافتن کافران از عذاب و جاودانگی آنان در آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۲

۲ - عذاب کافران ، همیشگی و فناناپذیر است .

علیهم نار مؤصده

بسته بودنِ در، کنایه از استمرار عذاب است.

جاودانگی عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۸

۸ - عذاب دوزخ جاودان است و کافران در آن مخلد خواهد بود .

لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۱

۲۱ - عذاب دوزخ ، همیشگی و دائمی است .

عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۶ - ۳

۳ - عذاب و آتش دوزخ ، جاودانه است .

و ما هم عنها بغائبین

جاودانگی عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۵

۵ - عذاب دوزخ جاودانه است و جهنمیان ، آینده جز افزایش عذاب ندارند . *

فلن نزيدكم إلا عذاباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷

۳ - اهل دوزخ ، هرگز لذت زندگی را نخواهند چشید .

و لایحیی

مراد از نفی حیات به قرینه <لایموت> نفی حیات مطلوب است.

۴ - باقی ماندن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زندگی نامیده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر است .

ثم لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثم>، برای تراخی رتبی است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجه تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۱

۱ - چشیدن آتش سوزان و گرفتاری به رنج و مشقت آن ، فرجام کسانی است که حضورشان در صحنه قیامت ، همراه با خفت و خواری است .

وجوه یومئذ خشعه . . . تصلی نارًا حامیه

<صلی النار> یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید (قاموس).

جاودانگی عذاب عبرت ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۱

۱ - کسانی که از تذکرات قرآن ، فاصله گرفته ، آن را نپذیرند ، به بزرگ ترین و سوزان ترین آتش ها ، گرفتار شده و در آن باقی خواهند ماند .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

زجاج گفته است: <صلی> یعنی، ملازم و همراه شد (لسان العرب) و <صلی النار> یعنی، حرارت آتش را به سختی

چشید. (قاموس). <کبری> یعنی، بزرگ تر و بزرگی آتش به گستردگی و افروخته تر بودن آن است.

جاودانگی عذاب فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار

۵ - گرفتاری فاسقان کافر در آتش دوزخ ، همیشگی است .

و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

جمله اسمیه، بر ثبوت دلالت دارد و در این آیه ممکن است به قرینه مقابله با <إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ> که استقرار مجازی در آن حاکی از خلود بود بر خلود نیز دلالت کند. مراد از <فَجَّارَ> به قرینه <بَلْ تَكْذِبُونَ بِالْدِينِ> فاسقانی است که منکر معاد و کافرند.

جاودانگی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۳

۳ - کفرپیشه گان مکذبان آیات الهی ، همواره در عذاب خواهند ماند .

و أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا .. فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

<محضرون> اسم مفعول <إِحْضَارَ> به چیزی گفته می شود که همواره حاضر باشد. چنین نکته ای، مستلزم این است که افراد یاد شده، هیچ گاه از عذاب غایب نباشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب کافران ، متناسب با نوع عملکرد آنان است .

لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءَ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

<باء> در <بما كانوا> برای مقابله است؛ یعنی، جاودانگی کافران در دوزخ، در برابر شیوه مستمر آنان در عناد و لجاجت با پیامبر(ص) و آیات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران تکذیب گر آیات الهی ، به صورت دائمی و جاودانه در دوزخ جای دارند .

و الذین کفروا .. أصحاب النار خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۶

۶ - عذاب جهنم برای کافران ، جاودانه و پایان ناپذیر است .

فی نار جهنم خلدین فیها

جاودانگی عذاب مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۱

۱ - عذاب دوزخ ، عذابی همیشگی و تخفیف ناپذیر ، برای مجرمان

لا یفتّر عنهم و هم فیہ مبلسون

<تفتیر> (مصدر <یفتّر>) به معنای تخفیف و تقلیل است.

جاودانگی عذاب معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۱

۱ - کسانی که از تذکرات قرآن ، فاصله گرفته ، آن را نپذیرند ، به بزرگ ترین و سوزان ترین آتش ها ، گرفتار شده و در آن باقی خواهند ماند .

و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

زجاج گفته است: <صلی> یعنی، ملازم و همراه شد (لسان العرب) و <صلی النار> یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید. (قاموس). <کبری> یعنی، بزرگ تر و بزرگی آتش به گستردگی و افروخته تر بودن آن است.

جاودانگی عذاب مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۳

۳ - کفرییشه گان مکذبان آیات الهی ، همواره در عذاب خواهند ماند .

و أما الذین کفروا .. فی العذاب محضرون

<محضرون> اسم مفعول <إحضار> به چیزی گفته می شود که همواره حاضر باشد. چنین نکته ای، مستلزم این است که افراد یاد شده، هیچ گاه از عذاب غایب نباشند.

جاودانگی عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ عذاب جهنم ، پیوسته و گریزناپذیر است .

إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

<گرام> به معنای عذاب، شرّ دائم و بلای گریزناپذیر است (لسان العرب).

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذين يقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

جمله <إِنَّ عَذَابَهَا..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است یعنی، به این سبب بندگان خدا از پروردگار خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را می رساند.

۵ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، مقتضی ترس ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی برای رهایی از آن

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

جاودانگی علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۲

۱۲- علم و قدرت انسان ، ناپایدار و علم و قدرت خداوند ، همیشگی است .

و منکم من یردّ إلى أرذل العمر لکی لایعلم بعد علم شیئاً إن الله علیم قدیر

جاودانگی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ ضرورت توجه مجاهدان به ناپایداری مظاهر دنیوی و جاودانگی مواهب اخروی

تریدون عرض الدنيا و الله يريد الآخرة

جاودانگی عمل صالح

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۳

۳- کار های شایسته ، دارای ثبات بوده و ماندگار هستند .

و البقیة الصلحت خیر

طبیعی سخن آن بود که <الباقیات> وصف برای <الصالحات> باشد؛ زیرا، اَعمال صالح هستند که مَتَّصِف به ماندگاری می شوند، ولی این جابه جایی در تعبیر، به جهت مناسبت با مطالب آیات قبل و تکیه بر بقای عمل صالح در برابر اضمحلال حیات دنیا و زینت های آن است.

جاودانگی فیض خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۸

۸- جاودانگی بهشتیان و برخورداری ابدی آنان از نعمت ها ، متکی به مبدأ لایزال و پایان ناپذیر فیض الهی است .

خلدین فیها .. قل لو كان البحر مدادًا لكلمت ربّي لنفد البحر

جاودانگی قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۲

۱۲- علم و قدرت انسان ، ناپایدار و علم و قدرت خداوند ، همیشگی است .

و منکم من یردّ الی أرذل العمر لکی لا یعلم بعد علم شیئاً إن الله علیم قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۴، ۱۳

۱۳- خداوند ، دارای اقتدار و سلطه کامل و زوال ناپذیر ، بر هر کار و هر چیز است .

و كان الله علی کلّ شیء مقتدرًا

<مقتدر> و <قدیر> در باره خدای تعالی به یک معنا است (مفردات راغب).

۱۴- پدیدار شدن حیات بر روی زمین ، جلوه ای از قدرت لایزال خداوند است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا

... و كان الله على كل شيء مقتدرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۴

۴ - قدرت خداوند ، گسترده و بی پایان است .

الله خلق كل شيء و هو على كل شيء وكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۶

۶ - قدرت خداوند ، مطلق و بی پایان است .

و هو على كل شيء قدير

جاودانگی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۹

۹ قرآن و اسلام ، کتاب و آیینی جاودان و ماندگار

و يابى الله إلا أن يتم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۴

۴ قرآن ، کتابی است پاینده و خلل ناپذیر .

الكتب الحكيم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <محکم> باشد ؛ زیرا <إحکام> (مصدر محکم) به معنای بازداشتن و مصون ساختن چیزی از فساد و تباهی است. توصیف <کتاب> به <حکیم> بیانگر اتقان، پایداری و خلل ناپذیری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۵

۵- قرآن ، معجزه جاودان الهی که همواره کتابی بی مانند بوده و تا ابد نیز بی همانند خواهد ماند .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. لایأتون بمثله و لو كان بعضهم لبعض ظهیرًا

از اینکه آیه تصریح می کند هیچ انس و جنی توان آوردن مانند قرآن را ندارد، به دست می آید که قرآن، همواره

کتابی بی مانند خواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است جاودانه و تعالیم آن تأثیرناپذیر از گذشت زمان .

و بالحقّ أنزلنه و بالحقّ نزل

برداشت فوق، مبتنی بر یکی از معانی و موارد استعمال <حق> است که عبارت است از: امر ثابت و زوال ناپذیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۱ - ۸

۸ - خداوند ، از ماندگاری قرآن در میان مردم و خوانده شدن اش بر آنان ، خبر داده است .

أنا أنزلنا عليك الكتب يتلى عليهم

فعل مضارع <یتلی> دلالت بر استمرار می کند و تعیین نشدن فاعل آن نیز، نکته یاد شده را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است پاینده ، استوار و خلل ناپذیر .

و القرءان الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۴

۴ - تأثیر نداشتن گذشت زمان ، در حقانیت معارف قرآن

لایأتیة البطل من بین یدیه و لا من خلفه

بنابراین که مراد از <باطل> زوال حقانیت باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - قرآن ، کتابی جاودان و کهنه نشدنی

و ما نزل من الحقّ

یکی از معانی واژه <حقّ> ثابت و استوار است. در این صورت توصیف قرآن به <حقّ>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۸

۸ - قرآن و اسلام ، کتاب و آیینی جاودان

و الله متّم نوره

جاودانگی کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۸

۸ - عذاب دوزخ جاودان است و کافران در آن مخلد خواهد بود .

لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتّخذتم آیت الله هزواً و غرتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جاودانگی گرسنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۳

۳ - خوردن گیاه < ضریع > ، دوزخیان را از گرسنگی نجات نخواهد داد .

و لایغنی من جوع

جاودانگی لاغری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - گیاه خوراکی دوزخیان ، فاقد انرژی است و از لاغری آنان نمی کاهد .

لایسمن

<سِمَن>، نقطه مقابل لاغری است. (مفردات راغب)

جاودانگی لذایذ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۶

۶ - لذت جویی ها و زیبایی طلبی های انسان ، همراه با وی در جهان آخرت

لیدخل .. جَنَّت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

نوید بودن <جَنَّت تجری ..>، متوقف بر وجود حسّ زیبایی پسندی و لذت جویی در انسان اخروی است.

جاودانگی لذایذ بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - جاودانگی در بهشت و لذت های آن ، مهم ترین نوید به بهشتیان ، در آغاز ورود

ادخلوها بسلم ذلک يوم الخلود

جاودانگی مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۵

۵ - مالکیت و فرمان روایی خداوند بر هستی ، حقیقتی ثابت و فنا ناپذیر است .

الملک الحقّ

<حقّ> یعنی، واجب و ثابت (مصباح) و <الحقّ> در آیه می تواند صفت برای <الملک> باشد و نیز ممکن است صفتی دیگر برای <الله> گرفته شود که با توجه به ذکر آن بعد از وصف <الملک>، نکته یاد شده استفاده می شود.

جاودانگی متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۷

۷ - تجلی فرمانروایی و اقتدار یگانه خداوند برای متقین ، در جایگاه جاودانه بهشت

فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر

جاودانگی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۵

۵ بر خورداری از حیات جاوید ، مرز میان معبود حقیقی و غیر حقیقی

و توکل علی الحیّ الذی لا یموت

برداشت فوق، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد محکوم کردن شرک و بت پرستی و اثبات توحید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۶

۶ - فناپذیری و بقا، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لا إله إلا هو كل شيء هالك إلا وجهه

جمله < كل شيء .. > تعلیل برای عدم

شایستگی غیر خدا برای معبود بودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۵

۵ - داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحی لا إله إلا هو

جاودانگی معجزه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۸ - ۴

۴ قرآن ، معجزه جاودان حضرت محمد (ص) و گواه صدق نبوت آن حضرت

أم یقولون افتریه قل فأتوا بسوره مثله

جاودانگی معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۶ - ۷

۷- ارزش های معنوی ماندگار و در پی دارنده پاداش الهی ، شایسته دل بستگی و امید انسان است .

خیر عند ربك ثوابًا و خیر أَملاً

جاودانگی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۷

۷ جاودانگی مؤمنان دارای اعمال صالح در بهشت

و الذین امنوا .. خالدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۱

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّتِ النَّعِيمِ خَلِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۱

۱۱ - مؤمنانِ دارای عمل صالح ، در بهشت جاودانه اند .

وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا .. يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ... خَلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵

۱۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، به صورت جاودانه در بهشت خواهند ماند .

خلدین فیها أبداً

جاودانگی مؤمنان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۱

۱ بهشت ، جایگاه ابدی مؤمنان نیک کردار

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۷

۷ - زنان و مردان مؤمن ، برخوردار از حیات جاودان و پرنشاط در باغ های بهشت

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جاودانگی میوه های بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُكَلِّهَا دَائِمًا وَظِلَّهَا

<ظِلَّهَا> مبتدأست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جاودانگی نعمت های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۳

۳ نعمت های جاودان اخروی ، اجرت و مزدی

است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا ... جنت لهم ... خلدین فیها أبداً إن اللّٰه عنده أج

<أجر> اجرت و مزد در برابر عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳ - ۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۶ - ۳،۸

۳ - نعمت ها و بهره‌وری های جهان آخرت ، جاویدان و زوال ناپذیر است .

و ما عند اللّٰه خیر و أبقى

۸ - اهل ایمان و توکل کنندگان به خداوند ، برخوردار از نعمت های برتر و جاودان اخروی

خیر و أبقى للذین ءامنوا و علی ربّهم یتوکلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۴

۴ - بهره مندی ابرار از نعمت های آخرت ، همیشگی است .

إنّ الأبرار لفی نعیم

حرف <فی> در آیه شریفه، برای ظرفیت مجازی است و بر استقرار ابرار در نعمت دلالت دارد. اسمیه بودن جمله <إنّ الأبرار...>، تأکیدی بر مداومت و ثبوت و حرف <لام> در <لفی نعیم>، تأکید بر تمام محتوا است.

جاودانگی نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۸ - ۶

۶- زوال ناپذیر شمردن نعمت های دنیا و نادیده گرفتن نقش خدا در پیدایش و زوال آنها ، مستلزم شرک در ربوبیت است .

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

جاودانگی نعمتهای اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۲ - ۲

۲ - بهره

مندی ابرار از نعمت های آخرت ، همیشگی است .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

حرف <فی> در این آیه، برای ظرفیت مجازی است و بر استقرار ابرار در نعمت دلالت دارد. جمله اسمیه <إِنَّ الْأَبْرَارَ...>، تأکیدی بر مداومت و ثبوت است.

جاودانگی نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۸

۸ نعمت سرشارِ باغ ها و بوستان های بهشت ، جاودان و زوال ناپذیر است .

جنت لهم فيها نعيم مقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدين فيها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ بهشت و موهبت های آن ، از میان نخواهد رفت و از بهشتیان باز پس گرفته نخواهد شد .

عطاءً غير مجذوذ

<عطاء> حال برای <الجنة> است و <مجذوذ> به معنای مقطوع می باشد. بنابراین <عطاءً غير مجذوذ> یعنی ، [وارد بهشت می شوند] در حالی که آن بهشت ، عطایی تمام نشدنی و مداوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و زوال ناپذیر است .

أُكَلِّهَا دَائِمًا وَظِلَّهَا

<ظَلَّهَا> مبتدأست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۴ - ۲

۲ - نعمت های بهشت ، جاویدان و پایان ناپذیر است .

ما

<نفاد>، به معنای زوال و انقطاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۱۵

۱۵ - نعمت های بهشتی ، تمام ناشدنی و پایان ناپذیر

و فيها ما تشتهي الأنفس و تلذ الأعین و أنتم فيها خلدون

از جاودانگی تقوایبندگان در بهشت (أنتم فيها خالدون) و فراهم بودن تمامی خواسته ها و لذت های آنان (و فيها ما تشتهي الأنفس)، استفاده می شود که نعمت های پایان ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۲ - ۱

۱ - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلك الجنة التي أورثتموها بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۳

۳ - لذت ها و نعمت های بهشتی ، پایدار و جاودان است ، نه چون نعمت های دنیا زوال پذیر .

فی جنت و نهر . فی مقعد صدق عند ملیك مقتدر

در صورتی که عبارت <فی مقعد صدق>، در بیان اوصاف همان استقرار در باغ ها و نهرها باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - دستیابی به غفران الهی و نعمت های جاودان بهشت ، رستگاری بزرگی است .

يغفر لكم ذنوبكم .. ذلك الفوز العظيم

جاودانگی نور خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۲

۲ موضع گیری ها و تبلیغات سوء یهود و نصارا

، علیه اسلام به مثابه پفی ناچیز در مقابل نور فروزنده و جاودان الهی

یریدون أن یطفئوا نور الله بأفوههم

جاودانگی نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۵

۵ - بهشت و جریان نهر های آن ، جاودانه است .

جئت عدن تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها أبداً

جاودانگی ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۳

۳ - تنها ولایت پایدار و ماندگار در دنیا و آخرت ، ولایت خداوند است .

و قیضنا لهم قرناء .. قال الذین کفروا ... نجعلهما تحت أقدامنا ... نحن أولیاءکم

از ارتباط آیات، می توان استفاده کرد که ولایت خدایی فرشتگان، تا قیامت پا برجا خواهد بود و ولایت های غیر خدایی در قیامت تبدیل به دشمنی خواهد شد.

جاودانگی هوای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۶

۶ میوه ها و خوراکی های بهشت و هوای مطبوع آن ، دائمی و

زوال ناپذیر است .

أُكَلِّهَا دَائِمًا وَظَلِّهَا

<ظَلِّهَا> مبتدأست و خبر آن (دائم) در تقدیر است.

درخت ممنوعه و جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۵

۵ - شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَلَكِينَ أَوْ تَكُونَ مِنَ الْخَالِدِينَ

ذکر جاودانگی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲،۳

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربِّک ذو الجلال و الإکرام . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّکَمَا تَكْذِبَانَ

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به ناپایداری زندگی دنیایی و اقتدار و کرامت جاودان پروردگار هستی

کَلَّ مِنْ عَلَيْهَا فَا ن . و یبقی وجه ربِّک ... فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّکَمَا تَكْذِبَانَ

پرسش سرزنش آمیز آیه شریفه، در مورد نعمت های انکارناپذیر، درصدد توجه دادن انسان به نعمت هایی است که در آیات پیشین مطرح شده است (از جمله ناپایداری دنیا و بقای اقتدار خداوند).

زمینه جاودانگی حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۳

۳ - حکمت و علم گسترده خداوند ، پشتوانه فرمانروایی زوال ناپذیر او بر نظام هستی

و هو الحکیم العلیم . و تبارک الذی له ملک

السموت و الأرض و ما بينهما

زمینه جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۷

۷ هجرت در راه خدا و یاری دین ، سبب جلب رضایت الهی و دستیابی به حیات جاودان در بهشت

من المهجرین و الأنصار .. رضی الله عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۲

۲ - اطمینان و آرامش معنوی ، در پی دارنده کمال ایمان در دنیا و بهشت جاودان در آخرت

أنزل السکینه .. لیزدادوا ایمناً ... لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن سعادت اخروی و بهشت جاودانه

و من یؤمن بالله و یعمل صلحاً یدخله جنّت .. خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۹

۹ - ایمان و عمل ، مکمل یکدیگر در رساندن انسان به بهشت جاویدان

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن ... خلدین فیہ

زمینه جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - غیبت ، عیب جویی و انباشتن ثروت ، زمینه محبوس ماندن در آتشی مسلط و فراگیر در جهنم

إنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّوَةٌ

حرف <علی> در <علیهم>، بر احاطه و سلطه دلالت دارد.

زیان جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۴

۲۴ - گرفتار شدن به آتش و عذاب ابدی ، خسران واقعی است .

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ .. فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ

شرایط جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۶

۶- ورود به بهشت و جاودان ماندن مؤمنان صالح در آن به اذن خداوند است .

وَأَدْخِلِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ .. بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

عقیده به جاودانگی با ثروت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۳ - ۱

۱ - شیفتگان ثروت ، بقای خود را در گرو انباشتن آن دانسته و آن را نشانه جاودانگی می نمایند .

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ

جمله <يحسب..> استعاره است؛ یعنی، زراندوزان مانند کسی عمل می کنند که خود را جاودان می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۱

۱ - مؤثر دانستن ثروت ، در جاودانگی و رهایی از نابودی و مرگ ، پنداری نادرست و ناروا است .

أَخْلَدَهُ . كَلًّا

حرف <كَلًّا>، مخاطب را از پذیرش گفتارهای بیان شده در جملات پیش، باز می دارد.

علاقه به جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۸ - ۴

۴- دور بودن از رنج و تعب ، زندگی توأم با سلامتی و امنیت و ماندگاری و جاودانگی ، از اموری که مورد علاقه شدید انسان است .

لایمسهّم فیها نصب و ما هم منها بمخرجین

ذکر وضعیت متقین در بهشت، به منظور تشویق انسانها جهت پیوستن به

صفوف تقوایپیشگان است. طبیعی است ذکر این وضعیت، باید به گونه ای باشد که مطلوب انسانها و مورد علاقه آنها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۸

۸ - بشر ، شیفته جاودانگی و ارزش های جاودان

لیدخل ... جنت ... خلدین فیها

نوید، همواره به چیزی صورت می گیرد که مورد اشتیاق و تمایل است. از این که خداوند، بشارت به خلود در نعمت ها داده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۸

۸ - انسان ، شیفته ابدیت و دوستدار زندگی جاودانه است .

خلدین فیها أبداً

نوید، آن گاه برای شخص سودمند است که باب طبع و موافق خواسته های او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۳ - ۲،۴

۲ - انسان ، خواهان بقا و پویای عوامل آن است .

یحسب أن ماله أخلده

آیه شریفه کسانی را ملامت می کند که عامل جاودانه شدن را ثروت می پندارند؛ ولی علاقه آنان به جاودانگی را مذموم ندانسته و وجود آن را مفروض گرفته است.

۴ - انباشتن ثروت ، نشانه احساس کاذب جاودانگی است .

الذی جمع مالاً و عدده . یحسب أن ماله أخلده

عوامل جاودانگی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل > كل شيء هالك إلا وجهه < قال من أتى الله بما أمر به من طاعه محمد
)

ص) و الأئمة من بعده صلوات عليهم فهو الوجه الذي لا يهلك ... ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ که فرموده: <كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ> روایت شده که فرمود: کسی که به پیشگاه خدا بیاورد آنچه را که به آن امر شده است؛ از اطاعت محمد(ص) و ائمه بعد از وی درود خدا بر آنان باد پس این وجهی است [که دارنده آن] هلاک نمی شود.

عوامل جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۲ - ۱،۲

۱ - مؤمنان به پیامبر (ص) ، که دارای اعمال صالح باشند ، اهل بهشت بوده و در آن جاودان خواهند بود .

و الذين آمنوا و عملوا الصلحت أولئك أصحاب الجنة هم فيها خالدون

مراد از ایمان در آیه مورد بحث - به قرینه آیه ۷۵ (أفتطمعون أن يؤمنوا لكم) - ایمان به پیامبر(ص) و اسلام است.

۲ - ایمان بدون عمل صالح و عمل صالح بدون ایمان ، در پی دارنده پاداش (خلود در بهشت) نخواهد بود .

و الذين آمنوا و عملوا الصلحت ... هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۷

۷- مؤمنان دارای عمل صالح ، مورد عنایت پروردگار خویش بوده و ورود و جاودان ماندنشان در بهشت برخاسته از ربوبیت اوست .

أَدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا .. جَنَّتْ ... خَلْدِينَ فِيهَا يَأْتُونَ رَبَّهُمْ

اضافه شدن <رَبِّ> به ضمیر <هم> ، که مرجع آن <الذين آمنوا> است ، مشعر به معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۳

۳- درنگِ جاودانه مؤمنان در بهشت، نتیجه مداومت آنان بر اعمال نیک است.

يعملون الصلحت .. مکثین فیہ ابدًا

ذکر <مکثین فیہ ابدًا> پس از جمله <يعملون الصلحات> که بر استمرار دلالت دارد می تواند نشاندهنده این مطلب باشد که جاودانگی آنان در بهشت، نتیجه مداومت شان بر اعمال نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱۵

۱۵ - تقوا، عامل جاودانگی در بهشت

الذین اتَّقوا ربَّهم إلى الجنَّة زمراً .. فادخلوها خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۴

۱۴ - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح، در به دست آوردن کامیابی اخروی و بهشت جاویدان

و من یؤمن بالله و یعمل صلحًا یکفّر عنه سیئاته .. ذلك الفوز العظيم

عوامل جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۷، ۸، ۶، ۴، ۳

۳ - خداوند، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده؛ بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد.

أتخذتم عند الله عهداً .. بلی من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

۴ - گنهکارانی که گناهانشان سراسر وجود آنان را فرا گیرد، در آتش دوزخ برای همیشه گرفتار خواهند شد.

من كسب سيئه و أحطت به خطيئته فأولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

<سيئه> و <خطيئته> هر دو به معنای بدی و گناه است.

- کفر به پیامبر (ص) و اسلام، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد.

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... من كسب سيئه... هم فيها خلدون

آیه مورد بحث (من کسب ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أفتطمعون أن يؤمنوا لكم> (آیه ۷۵) به دست می آید - از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

۷- یهودیان، در صورت انکار رسالت پیامبر (ص)، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد.

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... من كسب سيئه... هم فيها خلدون

۸- بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت.

فويل للذين يكتبون الكتب... من كسب سيئه... هم فيها خلدون

از مصداق مورد نظر برای <سیئه> به دلیل <فويل للذين...> بدعتگذاری است که اصرار بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۴

۴- اصرار بر کفر و تکذیب آیات الهی، در پی دارنده عذاب ابدی دوزخ

فی جهنم خلدون... ألم تكن ءايتى تتلى عليكم فكنتم بها تكذبون

جمله <كنتم بها تكذبون> ماضی استمراری و بیانگر پافشاری کافران بر کفر و تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ گناه شرک، آدم کشی و زنا، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فيه مهاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۲

۲ - عذاب دائمی دوزخ، کیفر رفتار ناشایست انسان ها است.

نعمل صلحاً غیر الذی کنا نعمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۷

۷ - کفر و انکار مغرورانه آیات الهی، عامل جاودانگی در دوزخ

قیل ادخلوا ابواب جهنم خلدین فیها فبئس مثوی المتکبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۷

۷ - تکبر، غرور و سرمستی، عامل جای گرفتن دائمی در دوزخ

جهنم خلدین فیها فبئس مثوی المتکبرین

توصیف کافران دوزخی به <متکبران>، بیانگر این حقیقت است که آنچه موجب دوزخی شدن آنان می شود، وجود صفت تکبر، غرور و سرمستی آنان در زندگی دنیایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵ - انکار آیات الهی، از سر عناد و حق ستیزی، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فيها دار الخلد بما كانوا بأيتنا يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۲

۲ - گناه پیشگی ، عامل ورود به جهنم و جاودانگی در عذاب

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَلْدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱۱

- خلود و جاودانگی در جهنم ، نتیجه ظلم و ستم پیشگی است .

كانوا هم الظلمين . . . إنكم مكنون

با توجه به واژه <ماکنون> و ارتباط این آیه با آیات قبل، استفاده می شود که خلود، نتیجه ظلم مجرمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتخذتم آیت الله هزواً و غرتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۷

۷ - نفاق ، عامل خلود در آتش دوزخ

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۴

۴ - کفرورزی و نیز دعوت به آن ، موجب خلود در آتش

قال للانسین اکفر فلما کفر . . . فکان عقبتهما أنهما فی النار خلدین فیها

عوامل جاودانگی در عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم الله و لهم عذاب مقیم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقیم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

عوامل جاودانگی عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۷

۷ راه خدا ، راه بقا و جاودانگی اعمال نیک انسان

و صدّوا عن سبیل اللّٰه أضلّ أعمالهم

چنانچه <أضلّ أعمالهم> بیان این واقعیت باشد

که انحراف از مسیر خدا، به طور طبیعی و ناگزیر به حبط عمل و پوچی منتهی می گردد. مفهوم آن این خواهد بود که پیمودن راه خدا سبب بقا و ثمربخشی اعمال ارزشمند آدمی، در گستره جهان آخرت است.

گرایش به جاودانگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۴

۴ تمایل طبیعی و غریزی انسان به بوستان ، آب ، خانه های دلپذیر و جاودانگی ، وسیله ای در جهت گرایش دادن وی به ارزش های معنوی

وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنت تجری

با توجه به اینکه خداوند، همین گرایشهای طبیعی را وسیله هدایت انسانها و سوق دادن آنان به کسب ارزشها قرار داده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۵

۵ بهره گیری از گرایش انسان به زیبایی و جاودانگی ، در جهت هدایت وی به ایمان و جهاد ، امری است شایسته و بایسته .

جهدوا بأمولهم .. أعد الله لهم جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳ - ۴

۴- بهره گیری قرآن از گرایش های انسان (گرایش به ابدیت) در ترغیب به ارزش های معنوی ، بهره می گیرد .

يَبْشُرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا . مَكْتَبِينَ فِيهِ أَبَدًا

روشن است که تمایل به جاودانگی، در نهاد انسان ها وجود دارد و قرآن مجید، از همین علاقه ها، برای سوق دادن آدمی به سوی ارزش ها، بهره برداری کرده

است.

ملاک جاودانگی همسری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۲

۲ - همسری متکی بر ایمان و تقوا ، پایدار تا قیامت و ورود به بهشت

ادخلوا الجنة أنتم و أزواجکم

با توجه به این که در آیه ۶۷ بیان شده بود که تمامی دوستان با یکدیگر دشمن خواهند شد، جز تقوای پیشگان، قید <متقی> برای همسران استفاده می شود زیرا رابطه زن و شوهری یکی از مصادیق دوستی ها است که در صورتی که طرفین متقی باشند، دوستی آنان تا قیامت پایدار خواهد ماند.

منشأ جاودانگی بکارت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۴

۴ - باقی ماندن حوران بهشت بر دوشیزگی ، معلول اراده الهی درباره آنان

فجعلنهنَّ أبکارًا

از آن جایی که ممکن بود مسأله <همواره باکره ماندن> در ذهن مخاطبان صدراسلام غیر قابل باور جلوه کند، خداوند آن را به خواست خود نسبت داده و فرموده است: این را ما اراده کرده ایم و اراده ما تخلف ناپذیر است.

منشأ جاودانگی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۸

۸- جاودانگی بهشتیان و برخورداری ابدی آنان از نعمت ها ، متکی به مبدأ لایزال و پایان ناپذیر فیض الهی است .

خلدین فیها .. قل لو کان البحر مدادًا لکلمت ربی لنفد البحر

منشأ جاودانگی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۴

۱۴ - بهشت جاودان و نعمت های آن ، کسب رضایت خداوند و راضی

شدن از او، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند، پی برده و از او هراس دارند.

جَنَّتْ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلْدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ

<خشیت>، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

منشأ جاودانگی در نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۴

۱۴ - بهشت جاودان و نعمت های آن، کسب رضایت خداوند و راضی شدن از او، ویژه کسانی است که به عظمت خداوند، پی برده و از او هراس دارند.

جَنَّتْ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلْدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ

<خشیت>، به معنای ترس آمیخته با احساس عظمت است. (مفردات)

منشأ جاودانگی سنتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۵

۵ - اتکای سنن الهی، بر علم و قدرت ازلی و گسترده او، راز جاودانگی و تبدیل ناپذیری آن *

قد أحاط الله بها و كان الله على كل شيء قديرًا... و لن تجد لسنة الله تبديل

در آیات پیشین، خداوند دو وصف از اوصاف خویش را یادآور شده است: ۱ علم ازلی و محیط ۲ قدرت ازلی و نامحدود و در این آیه، سخن از جاودانگی قوانین خویش به میان آورده است. از ارتباط این دو بیان، مطلب بالا به دست می آید.

منشأ جاودانگی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۹ - ۸

۸- جاودانگی بهشتیان و برخورداری ابدی

آنان از نعمت ها ، متکی به مبدأ لایزال و پایان ناپذیر فیض الهی است .

خلدین فیها .. قل لو کان البحر مداداً لکلّم ربّی لنفد البحر

موانع جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۷ - ۳

۳ - مؤمنان نیک کردار ، گرفتار عذاب ابدی جهنم نخواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. فِي نَارِ جَهَنَّمَ ... إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتُ أُولَئِكَ

موجبات جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۱

۱ جبهه گیری در برابر خدا و رسول (ص) و خصومت با آنان ، مستلزم خلود در آتش دوزخ است .

مَنْ يَحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خُلْدًا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۲

۲۲ - ظلم و ستمگری ، موجب جاودانگی انسان در آتش دوزخ است .

أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۳

۳ - اعراض و روی گردانی از پیام حق ، موجب جاودانگی در آتش جهنم

إِنَّكُمْ مَكْنُونٌ .. أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۰

۲۰- بی تقوایی و هواپرستی ، منتهی به خلود در آتش دوزخ

زین له سوء عمله و اتبعوا أهواءهم . . . هو خلد فی النار

موجبات جاودانگی در عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ارتداد از دین ، گناهی نابخشودنی و درپی دارنده عذاب جاودان اخروی است .

و من الناس من يعبد الله على حرف . . . خسر الدنيا و الآخره

نشانه های جاودانگی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۳

۳ - ایمان و عمل صالح ، هماهنگ با ساختار وجودی انسان و نشان باقی ماندن او ، در کامل ترین نظام خلقت است .

أحسن تقويم . . . الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

نشانه های جاودانگی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۸

۸ آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .) جلوه ای از حیات جاویدان خداوند

الحيّ الذي لا يموت . . . الذي خلق السموت و الأرض

برداشت فوق ، بر این اساس استوار است که <الذي خلق> صفت برای <الحيّ> باشد.

نعمت جاودانگی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و يبقى وجه ربك ذو الجلل و الإكرام . فبأي ءالاء ربكما تكذبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

جاه طلبان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جاه طلبان

افساد جاه طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ -

۸ - ظلم و جاه طلبی ، فسادگری است .

ظلمًا و علوًا . فانظر كيف كان عقبه المفسدين

جاه طلبی

آثار جاه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۸

۸- کفرورزی به آیات الهی ، فریفتگی به جاه و مقام و دل بستن به هم فکran در برابر مؤمنان ، از نمود های کامل گمراهی

قل من كان في الضلالة

جمله <من كان في الضلالة ..> پاسخی است به گفته کافران که هنگام شنیدن آیات خدا، به مؤمنان می گفتند: <أَيُّ الفریقین خیر...>. در این آیه کافران به آیات الهی، اهل ضلالت معرفی شده اند و در آیه بعد مؤمنان به آیات الهی، اهل هدایت قلمداد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۱

۱ - تلاش برای برتری یافتن بر دیگران در ثروت و منزلت ، مردم را به خود مشغول ساخته ، از اهداف مهم تر باز داشته است .

ألهيكم التكاثر

<الهاه كذا> یعنی، او را مشغول ساخته و از امر مهم تر باز داشت (مفردات). تکاثر، به معنای <مکاتره> است؛ یعنی، افزون تر بودن را ابزار غلبه بر دیگران قرار دادن (تاج العروس) و یا رقابت با یکدیگر در فراوانی مال و عزت. (مفردات)

آثار جاه طلبی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۷ - ۴

۴ - اختلاف بنی اسرائیل در مسائل دینی و اجتماعی ، اختلافی آگاهانه و معلول جاه طلبی و تجاوزگری آنان

فما اختلفوا إلا من بعد ما جاءهم العلم بعیا بینهم

<فاء>

در <فما اختلفوا> اختلاف بنی اسرائیل را بر <آتینا بنی اسرائیل الكتاب و الحکم..> تفریع کرده است، یعنی، ما به بنی اسرائیل هم شریعت دادیم و هم اقتدار و حکومت اما آنان به اختلاف گراییدند. این اختلاف در آیه شریفه مطلق است که می تواند شامل مسائل دینی و اجتماعی (کتاب و حکومت) باشد.

آثار جاه طلبی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۴

۴ - رویارویی سران شرک با پیامبر اسلام (ص) ، برخاسته از حسادت و خوی جاه طلبی آنان بود .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <بیننا> خود سران کفر و شرک باشد. بر این اساس اعتراض آنان به انتخاب پیامبر اسلام (ص) از میان آنها، می تواند ناشی از جاه طلبی و حسادت آنان به آن حضرت باشد.

آثار جاه طلبی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۳

۳ - روحیه ستمگری و جاه طلبی فرعونیان ، عامل موضع گیری آنان در برابر آیات الهی

و جحدوا بها.. ظلماً و علواً

جاه طلبی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - اختلاف یهود درباره رسالت پیامبر اکرم (ص) ، اختلافی مغرضانه و جاه طلبانه *

و آتینهم بینت من الأمر فما اختلفوا إلا من بعد ما جاءهم العلم .. إن ربک

برداشت بالا بدان احتمال است که <الأمر> نظر به رسالت پیامبر اکرم (ص) داشته باشد. در این صورت اختلاف بنی اسرائیل

نیز مربوط به همین مسأله می شود.

۱۳ - تهدید یهود از سوی خداوند ، به خاطر اختلاف های مغرضانه و جاه طلبانه آنان در امر رسالت پیامبر اکرم (ص) *

بیت من الأمر .. إن ربك يقضى بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

سرزنش جاه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۲

۲ - تفاخر بر دیگران و رقابت با یکدیگر در مقام و ثروت ، نکوهیده و ناروا است .

ألهيكم التكاثر

موانع جاه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۴

۴ - پیام و رسالت پیامبران الهی ، ناسازگار با روحیه ظلم و جاه طلبی

و جحدوا بها و استيقنتها أنفسهم ظلماً و علواً

جاهل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جاهل

اطاعت از جاهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۵،۱۸

۱۵ جاهلان و گمراهان هرگز شایسته پیروی نمی باشند .

او لو كان ءاباؤهم لايعلمون شيئاً و لايهتدون

۱۸ ناپسندی تقلید و پیروی از جاهلان و گمراهان امری وجدانی و روشن

او لو کان ءاباؤهم لایعلمون شیئاً و لایهتدون

استفهام در <او لو کان ..> برای تقریر است و حکایت از آن دارد که ناپسندی تقلید از جاهلان امری است که وجدان هر انسانی بدان اعتراف دارد.

بینش کافران جاهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۷

۷ در بینش کافران زشتکردار عصر جاهلی، روش پدرانشان مهمتر از امر خداوند بود.

قالوا وجدنا علیها ءاباءنا و الله أمرنا بها

از اینکه زشتکاران

در توجیه کردار خویش قبل از استناد به امر خدا به روش پدرانشان تمسک جستند، برداشت فوق استفاده می شود.

تقلید از جاهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ تقلید از جاهلان گمراه کاری ناپسند و باطل

او لو کان ءاباؤهم لایعلمون شیئاً و لایهتدون

لحن مذمت بار آیه دلالت بر بطلان و زشتی تقلید از جاهلان دارد.

جاهل قاصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ جاهل قاصر ، معذور است .

ان تقولوا ما جاءنا من بشیر و لاندیر

از اینکه ارسال پیامبر(ص) سد کننده راه عذر معرفی شده است، معلوم می شود که اگر انجام نمی گرفت عذر باقی بود.

جاهل معذور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ جاهل قاصر ، معذور است .

ان تقولوا ما جاءنا من بشیر و لاندیر

از اینکه ارسال پیامبر(ص) سد کننده راه عذر معرفی شده است، معلوم می شود که اگر انجام نمی گرفت عذر باقی بود.

کافران جاهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا .. الله أمرنا بها

جاهلان

{جاهلان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - مشرکان ، مردمی جاهل هستند .

كذلك قال الذين لا يعلمون

<لا يعلمون> در جمله فوق،

به منزله فعل لازم و بی نیاز از مفعول است. بنابراین <الذین لایعلمون>؛ یعنی، جاهلان.

۱۱ - امت ها، بدون داشتن کتاب آسمانی و تدین به ادیان الهی، مردمی جاهلند.

كذلك قال الذین لایعلمون مثل قولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۴

۴ - شرک برخاسته از جهل و مشرکان مردمی نادانند.

و قال الذین لایعلمون

مراد از <الذین لایعلمون>، مشرکان است. توصیف مشرکان به نادانان، اشاره به دو حقیقت دارد: اول اینکه ریشه شرک، جهل است و دوم اینکه، پیشنهاد آنان مبنی بر سخن گفتن با خدا با آنها و یا آمدن معجزه، نشانه نادانی ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۴، ۱۰

۴ گناهکار، جاهل است.

یعملون السوء بجهاله

با توجه به توضیح فیش قبل.

۱۰ گناهکار، جاهل و سبک مغر است، اگر چه آگاه به گناه بودن عملش باشد.

أما التوبة على الله للذین يعملون السوء بجهاله

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: کلّ ذنب عمله العبد و ان كان به عالما فهو جاهل حين خاطر بنفسه في معصية ربّه . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ اهل کتاب و دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دینکم هزواً .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

برداشت فوق بر این مناست

که <لايعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند. اسناد <لايعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ کسانی که با اندیشه های مبتنی بر تمایلات خود دیگران را به گمراهی می کشانند، مردمی نادان هستند.

و إن كثيرا ليضلون بأهوائهم بغير علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۶

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسرو الذين قتلوا أولدهم سفها بغير علم

<باء> در <بغير علم> به معنای ملامت و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۴

۱۴ قوم موسی مردمی جاهل و ناآگاه به ویژگی ها و صفات معبود راستین و شایسته پرستش

قالوا ي موسى اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه قال إنكم قوم تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۱۱

۱۱ مشرکان صدر اسلام، مردمانی نادان و گرفتار جهل بودند.

ذلك بأنهم قوم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ کسانی که پیامبران الهی را تکذیب کنند و به آیات و نشانه های خدا ایمان نیاورند ، مردمی بی خرد و نادان هستند .

و يجعل الرجس على الذين لا يعقلون

مراد

از <الذین لایعقلون> به قرینه مقابله با <ما کان لنفس أن تؤمن ..> تکذیب کنندگان و کافران هستند. گفتنی است ذکر <لایعقلون> به جای <لایؤمنون> برداشت فوق را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۲۱

۲۱ اسیران دام هوس و تمایلات جنسی نامشروع ، از زمره سفیهان و بی خردانند .

أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقایق آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن یعلم أنما أنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۶

۶ - کافران مجرم ، مردمانی جاهل و نادان به حقایق اند .

المجرمون.. الذین کفروا... الذین لایعلمون

<لایعلمون> می تواند صفت دیگری علاوه بر <المجرمون> برای <الذین کفروا> باشد که درباره آنان و موضع گیری هایشان در این آیات، بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۴ - ۳

۳ - مشرکان ، مردمی نادان اند .

أفغیر الله تأمرؤنی أعبد أیها الجهلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <جاهلون> لازم بوده و متعلق نداشته باشد. در این صورت این واژه حاکی

از سجیه و صفت دائمی مشرکان خواهد بود.

اجتناب از پیروی جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۸ - ۸

۸ - پیامبر (ص

(، مأمور به پیروی نکردن از هوس ها و خواسته های افراد بی دانش و ناآگاه

و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون

اجتناب از مقابله به مثل با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۲

۲ - پرهیز ایمان آوردگان از اهل کتاب ، از مقابله به مثل کردن در برابر سخنان یاوه و بی ادبانه افراد نادان

و إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

اجتناب از همنشینی با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ - لزوم پرهیز از هم نشینی با افراد نادان و یاوه گو

لا تبتغي الجهلين

اعراض از جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : إنَّ الله أدب نبيّه حتّى إذا أقامه على ما أراد قال له : > و أمر بالعرف و أعرض عن
الجاهلين < فلما فعل ذلك له رسول الله (ص) زكاه الله ، فقال : > إنك لعلی خلق عظیم . . . < ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خداوند پیامبر خود (محمّد(ص)) را تربیت کرد تا آن گاه که او را بر آنچه
اراده کرده بود پابرجا داشت، به او فرمود: (و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلين) چون رسول خدا آن فرمان را برای او انجام
داد، خداوند او را به پاکی ستود و فرمود: (إنك لعلی خلق عظیم).<

اعراض از راه جاهلان

۱۵ ضرورت اجتناب از راه و روشهای جاهلان و تأثیرپذیری از آنان

فلا تکونن من الجهلین

بی ادبی جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۹

۹ بندگان خالص خدا، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند.

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلماً

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعول به مقدر باشد، یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

بینش جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۱

۱- برخی از ناآگاهان کفر به آیات الهی را، موجب دستیابی خود به مال و فرزند فراوان می پندارند.

كفر بآيتنا و قال لأتین مالا و ولداً

جمله <قال لأتین...> بر <كفر بآيتنا> مترتب است، یعنی، گوینده این سخن به گمان این که کفر او، موجب دستیابی به مال و فرزند می گردد، کفر را برگزیده است.

تأثیرپذیری از جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - تأثیرپذیری از خواسته ها و امیال ناآگاهان ، ناسازگار با اجرای صحیح و بایسته شریعت

ثمّ جعلنک علی

شريعته من الأمر فاتبعها . و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون

۱۲ - تأثیرپذیری از عناصر ناآگاه ، از آفات رهبری است .

و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون

از این که شخص پیامبر(ص) که رهبر امت اسلامی است مخاطب <لا تتبع> قرار گرفته، مطلب بالا استفاده می شود.

تربیت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۸ - ۱۰

۱۰- تربیت انسان های مبتلا به رسوم و اخلاق جاهلی و نجات دادن آنان از آنها ، نیازمند رعایت مراحل تربیتی ویژه است .

و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لئن صبرتم لهو خیر . . و اصبر ... إن الل

فراز <إن عاقبتهم ..> برای ایجاد محدودیت در انتقام و مقابله به مثل است که شروع کار تربیتی است و سپس به صبرپیشگی و دست کشیدن از انتقام توصیه می کند و آن گاه به مرحله توصیه به تقوا و احسان می رسد. ذکر این نکته ها با این ترتیب می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

تفاوت علما با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۱

۱ - انسان عالم و روشن بین با انسان جاهل و کوردل ، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سان نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

تواضع با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ تشویق خداوند به فروتنی و مدارا با مردم و برخورد کریمانه و شایسته با افراد جاهل و ناسزاگو

وإذا خاطبهم الجاهلون

قالوا سلماً

از سیاق و آهنگ آیه شریفه، چنین برمی آید که خداوند در صدد تشویق و تحریص انسان ها به آراسته شدن به چنین اوصاف و خصلت هایی است.

جاهلان به امامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۴

۱۴ عن أبي جعفر(ع) في قول الله تبارك و تعالی: <أو من كان ميتا فأحييناه و جعلنا له نورا يمشى به في الناس > فقال: <ميتا > لا- يعرف شيئاً <و نورا يمشى به في الناس > اماما يأتهم به <كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها > قال: الذي لا يعرف الإمام.

امام باقر(ع) درباره آیه <أو من كان ميتا .. > فرمود: منظور از <ميتا > کسی است که هیچ شناختی ندارد و منظور از <نورا يمشى به في الناس >، امامی است که به او اقتدا کند و مراد از <كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها >، کسی است که امام را نمی شناسد.

جاهلان به تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۵

۱۵ ناآگاهان به معارف الهی ، بی خبران واقعی و مردمی غفلت زده اند .

أولئك هم الغفلون

جاهلان به ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۷ - ۱

۱ - ربوبیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، امری ناشناخته برای قوم مشرک ابراهیم (ع)

فما ظنكم ربّ العلمين

فعل <ظن> هرگاه با حرف <با> متعدی شود، غالباً به ظن غیرصادق و بد‌اشعار دارد؛ یعنی، گمان شما به خدا، گمانی غیرصادق و نادرست است. گفتنی

است <عالم> (مفرد <عالمین>) به مجموعه و دسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین <عالمین>؛ یعنی، تمامی پدیده های موجود در جهان از هر دسته و مجموعه ای.

جاهلان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۱۳، ۱۰، ۹

۹- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بلی وعدًا علیه حقًا و لكنَّ أكثر الناس لا يعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لا يعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۰- اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

بلی وعدًا علیه حقًا و لكنَّ أكثر الناس لا يعلمون

برداشت فوق، بر اساس این نکته است که <ال> در <الناس> عهد ذکر کرده و مراد از آن مشرکانی باشند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

۱۳- اکثریت انسان ها ، درباره حقیقت معاد چیزی نمی دانند .

و لكنَّ أكثر الناس لا يعلمون

احتمال دارد مفعول به <لا يعلمون>، <شیئًا> محذوف باشد و بنابراین نکته یاد شده قابل استفاده است.

جاهلان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۱۰

۱۰- جبهه ضد توحیدی در صدراسلام ، متشکل از گروهی جاهل ، بی منطق و پیرو بی چون و چرای شیطان بود .

ومن الناس من یجدل فی اللّٰه بغیر علم و یتبع کلّ شیطن مرید

جاهلان و تعاليم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جايه - ۴۵ - ۱۹ - ۳

۳ - عناصر نا آگاه

و جاهل به وحی ، فاقد طرح و برنامه ای ثمربخش در برابر فرمان و برنامه خداوند

إِنَّهُمْ لَن يَغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

جاهلان و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۲

۱۲- انسان های ناآگاه برای رفع جهل خویش در امور ، باید به عالمان رجوع کنند .

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

جاهلان و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۹

۹ - پیامبر اکرم (ص) ، تحت فشار از سوی عناصر نابخرد برای پذیرش طرح ها و پیشنهاد های جاهلانه آنان

و لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

با توجه به تبعیت بی چون و چرای پیامبر(ص) از وحی، نهی <لَا تَتَّبِعْ> تعبیری کنایی برای بازداشتن دیگر مؤمنان خواهد بود و یا این که فشارهای ناآگاهان جدی بوده و خداوند به پیامبر در این باره هشدار داده است برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

ختم قلب جاهلان به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۴

۴ - بر قلب بی خبران از روز معاد ، مهرخورده و غیرقابل نفوذ است .

فهذا يوم البعث و لکنکم کنتم لاتعلمون.. .. کذلک یطبع اللہ علی قلوب الذین لایعل

احتمال دارد که مراد از <الذین لایعلمون> به قرینه آیه پنجاه و ششم، بی خبران از معاد و قیامت باشد.

خواسته های جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۹

۹ - پیامبر اکرم (ص)، تحت فشار از سوی

عناصر نابخرد برای پذیرش طرح ها و پیشنهاد های جاهلانه آنان

و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون

با توجه به تبعیت بی چون و چرای پیامبر(ص) از وحی، نهی <لا تتبع> تعبیری کنایی برای بازداشتن دیگر مؤمنان خواهد بود و یا این که فشارهای ناآگاهان جدی بوده و خداوند به پیامبر در این باره هشدار داده است برداشت یاد شده ناظر به دومین احتمال است.

خوشرفتاری با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳

۹ بندگان خالص خدا، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند.

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعول به مقدر باشد، یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگووارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است.

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجاهلون..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این

صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

۱۲ برخورد کریمانه و شایسته با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق، از آثار بندگی خدای رحمان و ایمان به او است.

و عباد الرحمن الذين .. و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

آغاز شدن آیه شریفه با عنوان <عباد> (بندگان) و سپس طرح شدن مسأله برخورد کریمانه و شایسته با گفتار جاهلانه و .. می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۳ تشویق خداوند به فروتنی و مدارا با مردم و برخورد کریمانه و شایسته با افراد جاهل و ناسزاگو

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

از سیاق و آهنگ آیه شریفه، چنین برمی آید که خداوند در صدد تشویق و تحریص انسان ها به آراسته شدن به چنین اوصاف و خصلت هایی است.

دشمنی جاهلان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۲

۲ - جبهه ضد توحیدی در صدراسلام، متشکل از گروهی نادان، متکبر و استکبارپیشه

و من الناس من یجدل فی الله بغير علم .. ثانی عطفه

راه جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۸

۸ سستی و ناپایداری در مسیر حق طلبی و خداخواهی، عملی جاهلانه و پیمودن راه جاهلان است.

فاستقیما ولا تتبعان سبیل الذین لا یعلمون

رسوم جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لکم ألا

تأكلوا مما ذكر اسم الله عليه

۳ برخی از مسلمانان صدر اسلام تحت تأثیر سنتهای جاهلی و اجتماعی عصر خود بودند.

و ما لكم ألا تأكلوا مما ذكر اسم الله عليه

روش برخورد با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۳

۱۳- خوش گفتاری ، برخورد نیک و سعه صدر با جاهلان ، بدگویان و مخالفان ، شیوه ای نیکو و روشی ابراهیمی است .

قال سلم عليك سأستغفر لك ربّي

بیان عمل و گفتار حضرت ابراهیم(ع) و امر به یادآوری آن، دلالت بر نیکویی آن عمل و روش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۱، ۱۳، ۹

۹ بندگان خالص خدا ، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل ، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند .

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعول به مقدر باشد، یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

۱۱ برخورد کریمانه و بزرگوارانه بندگان خالص خدا در برابر گفتار جاهلانه افراد نادان ، برخاسته از روح فروتنی و نرم خویی آنان است .

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

عطف جمله <و إذا خاطبهم الجاهلون..> بر جمله قبل بدون تکرار شدن اسم

موصول (الذین)، نشانگر وجود وحدت و ارتباط نزدیک میان این دو صفت است. از سوی دیگر تقدم بیان صفت تواضع بر صفت برخورد کریمانه با افراد جاهل، حاکی از آن است که این صفت، سبب چنین برخورد پسندیده ای است.

۱۳ تشویق خداوند به فروتنی و مدارا با مردم و برخورد کریمانه و شایسته با افراد جاهل و ناسزاگو

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

از سیاق و آهنگ آیه شریفه، چنین برمی آید که خداوند در صدد تشویق و تحریص انسان ها به آراسته شدن به چنین اوصاف و خصلت هایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۱

۱ - مواجه شدن ایمان آوردگان از اهل کتاب، با یاوه گویی مخالفان نادان

الذین ءاتینهم الکتب من قبله .. و إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

روش برخورد جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۹

۹ بندگان خالص خدا، به هنگام روبه رو شدن با گفتار جاهلانه و به دور از ادب و منطق افراد جاهل، با گفتار شایسته و عالمانه و به دور از بیهودگی و بی ادبی به آنان پاسخ می گویند.

و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلماً

برداشت فوق، بر این مبنا است که <سلاماً> صفت برای مفعول به مقدر باشد، یعنی، <قالوا قولاً سلاماً> در این صورت معنای <سلاماً> به قرینه جمله قبل که سخن از گفتار جاهلانه و ناشایست افراد جاهل است سخن عالمانه و شایسته و دور از بیهودگی و بی ادبی می باشد.

رهبری و جاهلان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۱۱

۱۱ ثبات و استقامت و تأثیرناپذیری از افراد نادان ، از وظایف رهبر جامعه اسلامی است .

فاستقما و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون

زندگی مسالمت آمیز با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ بندگان خالص خداوند ، به هنگام رو به رو شدن با گفتار جاهلانه و بدور از ادب و منطق جاهلان ، از آنان خواستار سلامت و امنیت و همزیستی مسالمت آمیز می شوند .

و إذا خاطبهم الجهلون قالوا سلماً

برداشت فوق ، بر این اساس استوار است که <سلاماً> مفعولٌ به برای فعل مقدر باشد یعنی ، <نتسلم منکم تسليماً> . در این صورت <سلام> به جای <تسلیم> نشسته است .

سرزنش جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۴

۱۴ جاهلان ، مورد سرزنش خداوند

فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا

سرزنش مجادله با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۹

۱۹- مناظره با جاهلان ، جز بحثی سطحی و کوتاه ، نکوهیده و ناروا است .

مايعلّمهم إلاً قليلاً فلاتمار فيهم إلاً مرأً ظهراً

تفريع <لاتمار> بر جمله <مايعلّمهم..> به وسيله حرف <فاء>، بيانگر نکته ياد شده است.

سرنوشت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و كوردل با انسان عالم و روشن بين ، از نظر شخصيت و سرنوشت ، برابر و

هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۲

۱۲ - اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

شخصیت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۲

۱۲ - اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

عجز جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۹ - ۳

۳ - عناصر ناآگاه و جاهل به وحی ، فاقد طرح و برنامه ای ثمربخش در برابر فرمان و برنامه خداوند

إِنَّهُمْ لَن يَغْنُوا عَنْكَ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا

عفو جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۳

۳ خداوند از پیامبرش خواست تا با جاهلان و سفیهان مدارا کند و کردار جاهلانه آنان را نادیده انگارد .

و أَعْرَضَ عَنِ الْجَاهِلِينَ

<اعراض> به

معنای روی گرداندن است و رویگردانی گاهی کنایه از مدارا کردن و نادیده گرفتن است و گاهی به معنای بی‌اعتنایی کردن و دوری گزیدن. با توجه به صدر آیه می‌توان گفت مراد از اعراض، معنای اول است.

علما در میان جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ زندگانی عالمان در میان نادانان رنج آور و مشکل است .

إِنِّي لِأَجِدُ رِيحَ يَوْسُفَ لَوْلَا أَن تَفْنَدُونَ

علما و جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۰

۲۰ - پندپذیر و حقیقت جو بودن عالمان ، دلیل برتری آنان بر جاهلان است .

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

جمله <إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ>، در مقام تعلیل برای جمله پیشین (هل يستوی الذین یعلمون ..) است یعنی، عالمان با نادانان برابر نیستند زیرا صاحبان خردناب که همان عالمان اند پندپذیر و حقیقت جو هستند.

گناه جاهلان قاصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۶

۶ صدور خلاف از انسان ، قبل از دستیابی وی به شناخت رهنمود های الهی ، مایه محکومیت او به گمراهی نیست .

مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ . . . حَتَّىٰ يَبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ

مدارا با جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ خداوند از پیامبرش خواست تا با جاهلان و سفیهان مدارا کند و کردار جاهلانه آنان را نادیده انگارد .

و أَعْرَضَ عَنِ الْجَاهِلِينَ

<اعراض > به

معنای روی گرداندن است و رویگردانی گاهی کنایه از مدارا کردن و نادیده گرفتن است و گاهی به معنای بی اعتنایی کردن و دوری گزیدن. با توجه به صدر آیه می توان گفت مراد از اعراض، معنای اول است.

۴ گذشت از لغزش ها ، دعوت مردم به کار های نیک و مدارا کردن با جاهلان و سفیهان ، از وظایف اساسی مبلغان دین

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجهلین

مسئولیت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۹

۹- لزوم پیروی ناآگاهان از آگاهان

قد جاءنی من العلم ما لم یأتک فاتبعنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱۶

۱۶- > عن رسول الله (ص) : لا ینبغی للعالم أن یسکت علی علمه و لا ینبغی للجاهل أن یسکت علی جهله و قد قال الله >
فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: برای عالم سزاوار نیست که با داشتن علم سکوت کند [و آن را کتمان نماید] و برای جاهل سزاوار نیست که با وجود جهل، سکوت کند [و مجهول خود را نپرسد]؛ در حالی که خدا فرموده است: >فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون<».

معدوریت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ؛ و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقیا فی جهنم کل کفار عنید

وصف <كفّار> و <عنید> مشعر به علیت است، یعنی، آنچه آدمی را

به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق؛ گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

معذوریت جاهلان قاصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۸

۱۸ جاهل قاصر معذور است.

و أوحى إلیّ هذا القرآن لأنذرکم به و من بلغ

موسی (ع) و جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - استعاده موسی (ع) به خدا از اینکه در زمره جاهلان باشد .

أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۹

۹ خداوند ، موسی و هارون (ع) را از پیروی راه و روش افراد نادان برحذر داشت .

و لاتتبعان سبیل الذین لایعلمون

نهی از تبعیت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۹

۹ خداوند ، موسی و هارون (ع) را از پیروی راه و روش افراد نادان برحذر داشت .

و لا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون

هارون(ع) و جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۸۹ - ۹

۹ خداوند ، موسى و هارون (ع) را از پيروي راه و روش افراد نادان بر حذر داشت .

و لا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون

جاهليت

{جاهليت}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ -

۱۲ گمراهی آشکار مردم ، پیش از بعثت پیامبر (ص)

و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

۱۳ هواپرستی و رواج ضد ارزش ها ، جهل و محرومیت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)

يزكهم و يعلمهم الكتب و الحكمه و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

۱۵ یادآوری وضعيت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ الله .. و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

جمله < ان كانوا .. > به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

آثار پیروی از رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - پیروی از سنت های جاهلی ، عامل اصلی ایمان نیاوردن کافران و موضع گیری در برابر پیامبران

إنا وجدنا ءاباءنا على أمة .. قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

آثار تعصب بر رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۴

۴ تعصب بر آیین و سنت های جاهلی نیاکان ، از موانع رشد است .

قالوا أجتئنا لتلفتنا عما وجدنا عليه ءاباءنا

اجتناب از رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱۲ - ترك سنت جاهلی و ورود به خانه های از راه های متعارف آن ، فرمان و توصیه خدا به مسلمانان

لیس البر .. و أتوا البيوت من أبوابها

ادعای مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۸

۸- مشرکان مدعی بودند بهشت ، از آن آنان است .

و تصف ألسنتهم الكذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از <أن لهم الحسنی> ، به قرینه فراز بعدی (أن لهم النار) بهشت باشد.

ارث در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷ - ۵

۵ لغو سنت جاهلی ، در محروم ساختن زنان از ارث

و للنساء نصیب

مرحوم طبرسی نقل می کند که اعراب در زمان جاهلیت زنان را از ارث محروم می ساختند و آیه در ردّ چنین روشی نازل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۷

۷ به ارث بردن زنان ، از سنن جاهلی

لا یحلّ لکم ان ترثوا النساء کرهاً

با توجه به شأن نزول در مجمع البیان، ذیل آیه.

ارث زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۹

۲۹ محرومیت زنان یتیم، از حق ارث خویش، در عصر جاهلیت

لا تُؤْتونهن ما کتب لهن

امام باقر(ع) در مورد <ما کتب لهن> در آیه فوق فرمود: ای من المیراث.

مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۸۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۷، ح ۵۹۵.

ازدواج در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۳ - نساء - ۴ - ۲۲ - ۴

۴ ازدواج با همسر پدر ، از سنن جاهلی

و لا تنكحوا ما نکح اباؤکم من النساء الا ما قد سلف

ازلام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیر های قمار ، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است .

و الازلم رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی <ازلام> در آیه فوق روایت شده: قد احهم التی یستقسمون بها.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۳، ح ۲، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۸، ح ۳۴۰.

استخاره در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۶

۶ لزوم اجتناب از تفأل ها و استخاره های مرسوم در جاهلیت

و الازلم رجس .. فاجتنبوه

<ازلام> به معنای چوبهای تیر که در قرعه به کار می رود نیز آمده است یعنی سه قطعه چوبی که بر یکی <افعل> و بر دیگر <لاتفعل> و سومی بدون نوشته و به اصطلاح پوچ بوده است، در عصر جاهلی به هنگام مسافرت و یا انجام امری مهم با قرار دادن آن چوبها در کیسه و بیرون آوردن یکی از آنها تکلیف خویش را برای انجام آن امر مشخص می کردند.

استقامت بر رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۶

۶ - تحمّل آداب و رسوم دوران جاهلیت، بر پیامبر (ص) سنگین و دشوار بود.

وزرک

<وزرک>، مطلق است و قابلیت

دارد که بر مصادیقی گوناگون از جمله <سنت های سخت دوران جاهلیت> تطبیق یابد. هم چنین می تواند ناظر به تمام مصادیقی باشد که به ذهن خطور می کند.

اشاعه فحشا در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۴

۲۴ - واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی جهت کسب در آمد و رفاه بیشتر ، امری رایج در جاهلیت

و لا تکرهوا فیتکم علی البغاء .. لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

افترا به خدا در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۶،۷

۶ مشرکان عصر جاهلی قوانین و سنتهای ساختگی و پنداری خود را به خداوند نسبت می دادند.

و قالوا هذه أنعم .. افتراء علیه

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۸

۸ شیوع کردار زشت، رفتار نکوهیده، ستمگری، شرک و افترا بر خدا در میان مردم جاهلی

قل من حرم زینه الله .. إنما حرم ربی الفوحش ... و أن تقولوا علی الله ما لا تعلم

مراد از حصر در جمله <انما حرم ...> می تواند حصر حقیقی باشد. یعنی اساس محرمات الهی منحصر در آن پنج امر ذکر شده است و دیگر محرمات به این امور بازمی گردند. و نیز می تواند مراد از آن، حصر

قلب، که از اقسام حصر اضافی است،\$باشد. این گونه حصر نظارت بر اعتقاد و روش مخاطب دارد و به هدف رد پندار و روش او و اثبات عکس آن ایراد می شود. یعنی زینتها و روزیهایی که شما تحریم کرده اید و از آن پرهیز دارید، حلال است و فواحش و ... حرام است.

افتراهای مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱

۱- مشرکان دوران جاهلیت، چیزهایی را به خداوند نسبت می دادند که برای خود، خوش نداشتند.

و يجعلون لله ما يكرهون

مراد از <يجعلون> (قرار می دهند) به قرینه آیات قبل (و يجعلون لله البنات) اسناد دادن و متصف کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۸ - ۱

۱- فرزند گزینی، از نسبت های ناروای شرک پیشگان عصر بعثت، به خداوند

و قالوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

فعل <اتَّخَذَ> گویای آن است که گویندگان این سخن، معتقد بودند: خداوند یکی از موجودات را به فرزندگی برگزیده است؛ نه آن که فرزندگی از او متولد شده باشد.

اقرار مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۸ - ۴

۴- مشرکان عصر بعثت، به رحمانیت خدا اعتراف داشتند.

و قالوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

اقلیت علمای جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۵

۱۵ وجود اقلیت اندیشمند در جامعه بدعتگزار جاهلیت

و اکثرهم لایعقلون

الحاق زنازاده به شوهر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

آن لایشرکن ... لایسرقن ... لایزنین ... ولایقتلن أولدهنّ ولایأتین بیهن

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده؛ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

الله در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۹ - ۲

۲ مشرکان مکه معتقد به <الله> بودند و به آن قسم یاد می کردند.

و أقسموا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۶

۶ مشرکان در کنار اعتقاد به بتها به <الله> نیز معتقد بودند.

فقالوا هذا لله بزعمهم و هذا لشركائنا

انحرافات اخلاقی زنان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أن لا يشركن .. لا يسرقن ... لا يزنيبن ... ولا يقتلن أولدهنّ و لا يأتين بيهتن

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده، بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

انحرافات اعتقادی زنان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ،

فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أَنْ لَا يَشْرِكْنَ ... لَا يَسْرِقْنَ ... لَا يَزْنِينَ ... وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده؛ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

انذار مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۲

۱۲- هشدار خداوند به مشرکان ، در مورد تصمیم آنان درباره نوزادان دختر

أَيْمِسْكُهُ عَلَيَّ هُونٌ أَمْ يَدْسُهُ فِي التَّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

اهل کتاب دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۷

۷- اهل کتاب و مشرکان در عصر جاهلیت ، خود را در انتظار پیام های مکتوب و پیراسته از باطل قلمداد می کردند که آن را از رسولی الهی دریافت کنند .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْيَقِينَةُ . رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

بت پرستی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۳

۲۳ اعراب جاهلی ، مرمانی شرک پیشه و بت پرست

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۲

۲ عرب جاهلی ، مردمی بودند مشرک و بت پرست .

فکفی . . . إن کنا عن عبادتکم لغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۲

۲ عرب های جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه

و بت پرست .

قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۲

۲ اعراب جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شركائكم من يهدى إلى الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْاَنْعَامُ اِلَّا مَا يَتْلُو عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْاَوْثَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۱ - ۱

۱ - بت پرستی ، آیین رایج عرب های پیش از اسلام

و يعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۳

۳ - شرک و بت پرستی ، اندیشه و مرام عرب جاهلی

يَأْتِيهَا النَّاسُ .. إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

بتهای جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - < لات > و < عزی > در مرتبه بالاتر از < منات > ، در نزد عرب جاهلی *

أفرءیتم اللّٰت و العزّٰی

از تقدیم < لات و عزی > و توصیف منات به < الثالثه > (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - < منات > ، در مرتبه ای پایین تر از < لات > و

> عزی < در نزد عرب جاهلی

أفرء یتیم اللت و العزی . و منوه الثالثه الأخری

از تأخیر <منات> و توصیف آن به <الثالثه> (سومی)، مطلب بالا استفاده می شود.

بدعتگذاران در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۵

۱۵ وجود اقلیت اندیشمند در جامعه بدعتگذار جاهلیت

و اکثرهم لایعقلون

برتری مرد در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۳

۳ - اعتقاد عرب جاهلی ، به امتیاز و برتری مردان بر زنان

أم له البنت و لکم البنون

از این که خداوند، مشرکان را مدعی اختصاص پسران به خویش شمرده است، استفاده می شود که آنان، از داشتن دختر احساس ننگ می کرده اند.

بی ارزشی دختر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۵

۵- زنان و دختران در دوران جاهلیت ، بی ارزش بوده و مایه ننگ و عار به شمار می آمدند .

أیمسکه علی هون أم یدسه فی التراب

بی ارزشی زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۵

۵- زنان و دختران در دوران جاهلیت ، بی ارزش بوده و مایه ننگ و عار به شمار می آمدند .

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

بی منطقی رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۰

۱۰ قوانین و مقررات ساختگی مشرکان عصر جاهلی بی پایه و به دور از حکمت و جاهلانیه

بوده است.

و قالوا ما فی بطون . . . سیجزیهم و صفهم إنه حکیم علیم

جمله <إنه حکیم علیم> به منزله تعریض به کسانی است که بدون علم و حکمت به جعل احکام بر اساس تصورات خویش می پردازند، چنانکه مشرکان عصر جاهلیت این چنین بودند.

بی منطقی قوانین جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۰

۱۰ قوانین و مقررات ساختگی مشرکان عصر جاهلی بی پایه و به دور از حکمت و جاهلانیه بوده است.

و قالوا ما فی بطون . . . سیجزیهم و صفهم إنه حکیم علیم

جمله <إنه حکیم علیم> به منزله تعریض به کسانی است که بدون علم و حکمت به جعل احکام بر اساس تصورات خویش می پردازند، چنانکه مشرکان عصر جاهلیت این چنین بودند.

بینش اعراب جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۲

۲ - دختر بودن فرزند در دیدگاه برخی از اعراب جاهلی موجب استحقاق قتل بود .

بأی ذنب قتلت

بینش غلط مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۵

۵ - تصور جاهلانیه و غلط مشرکان عرب جاهلی از < مشیت الهی >

و قالوا لو شاء الرحمن . . . ما لهم بذلك من علم

بینش مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۸

۸ - برخی از مردم پیش از اسلام، فرزند داشتن و متولد شدن را مانع خدایی نمی دانستند.

لم یلد و لم یولد

ماضی آوردن فعل های >لم

یلد < و >لم یولد< با آن که نفی ولادت همیشگی است به چنین پنداری در بین مردم آن زمان، اشاره دارد.

بینش مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۶۸

۶- مشرکان صاحب دختر در دوران جاهلیت ، نگهداری دختران را برای خود عار و ذلت می دانستند .

أیمسکه علی هون

برداشت فوق بر این اساس است که <علی هون> حال برای ضمیر فاعلی <یمسک> باشد.

۸- مشرکان صاحب دختر ، حیثیت اجتماعی خود را با داشتن دختر در مخاطره می دیدند .

یتوری من القوم من سوء ما بشر به أيمسکه علی هون أم یدسه فی التراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۴

۴- داشتن دختر در دیدگاه مشرکان جاهلی ، صفتی زشت محسوب می شد .

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

<مثل السوء>، مثلی است که مشرکان جاهلی برای صاحبان دختر به کار می بردند و مرادشان از آن، ضرب المثل بد حالی و بدی بود. اینکه خداوند پس از ذکر دیدگاه آنها درباره نوزادان دختر و محکومیتشان، <مثل السوء> را به خود آنان نسبت می دهد، می تواند قرینه ای باشد بر مطلب یاد شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۹

۹- مشرکان ، تداوم نسل خویش را از طریق داشتن پسر ، برای خود فرجامی نیک تلقی می کردند . *

و يجعلون لله ما یکرهون و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از <الحسنی> به قرینه <و يجعلون لله البنات ..>

و لهم ما يشتهون > و <يجعلون لله ما يكرهون> ادامه نسل مشرکان از طریق پسرانی باشد که آنان برای خویش مدعی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۲

۲ - پسر مایه سرور و مباحات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبئین . و إذا بشر أحدہم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسوداً و هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۴

۴ - لطافت طبیعی زن و فرودستی او در میدان جدال و درگیری ، دو عامل آسیب پذیری و دو نقیصه برای زن در فرهنگ خشن جاهلی

و هو فی الخصام غیر مبین

در آیه قبل (و إذا بشر أحدہم ..) ناراحتی عرب جاهلی از داشتن دختر بیان شده است. این آیه می تواند اشاره به علت آن ناراحتی داشته باشد، یعنی، این دو ویژگی از نظر عرب جاهلی، نقص زن به حساب می آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۴ - ۸

۸ - طبیعت گرایی و انکار حیات اخروی ، دارای ریشه در جاهلیت عرب

و قالوا ما ہی إلاّ حیاتنا الدنیا . .. و ما یهلکنا إلاّ الدھر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۳

۳ - اعتقاد عرب جاهلی ، به امتیاز و برتری مردان بر زنان

أم له البنت و لکم البنون

از این که خداوند، مشرکان را مدعی اختصاص پسران به خویش شمرده است، استفاده می شود که آنان،

از داشتن دختر احساس ننگ می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

فكلوا منها

تجویز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۳

۳ - ممنوعیت استفاده از دام های قربانی ، در پندار مشرکان عصر بعثت

لکم فیها منفع إلی أجل مسئی

تصریح به جواز بهره برداری از دام های قربانی، نشان می دهد که اعتقاد عمومی پیش از نزول آیه، برخلاف آن بوده است.

پسردوستی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۹

۹- قرار دادن دختر برای خدا و پسر برای خود از سوی مشرکان ، قضاوتی بس زشت و ناروا بود .

و يجعلون لله البنت سبحنه و لهم ما یشتهون . . . ألا ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۹

۹- مشرکان ، تداوم نسل خویش را از طریق داشتن پسر ، برای خود فرجامی نیک تلقی می کردند . *

و يجعلون لله ما یکرهون و تصف ألسنتهم الکذب أن لهم الحسنی

احتمال دارد مراد از <الحسنی> به قرینه <و يجعلون لله البنات .. و لهم ما يشتهون> و <يجعلون لله ما يكرهون> ادامه نسل مشرکان از طریق پسرانی باشد که آنان برای خویش مدعی بودند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۲

۲ - پسر مایه سرور و مباحات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی و اَصْفِیْکُمْ بِالْبَنِیْنِ . و اِذَا بَشَّرْ اَحَدَهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوَدًّا و هُو

پیروی از رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید اُکید الهی ، به کسانی که به حدود و احکام ظهار تن در ندهند و بر سنت جاهلی پایبند بمانند .

و الذین یظهرون من نسائهم .. . اِنَّ الذین یحادون الله و رسوله

چنان که قبلاً گفته شد، <ظهار> سنتی باقی مانده از عرب جاهلی بود. خداوند در آیات پیشین این سنت را لغو کرد و برای مرتکبان آن مجازات کفاره تعیین فرمود. با توجه به ارتباط آیه بالا با آیات قبل، آیه شریفه ناظر به کسانی خواهد بود که ممکن است همچنان بر آن سنت غلط پایبند بمانند و حدود الهی را زیر پا بگذارند.

تاریخ جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۶

۱۶ گمراهی مردم ، پیش از اسلام

و ان کنتم من قبله لمن الضالین

تبعیض در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۰

۱۰- تفاوت قائل شدن بین دختران و پسران از سوی مشرکان عصر جاهلی ، قضاوتی زشت و ناروا بود .

و يجعلون لله البنت سبحانه و لهم ما يشتهون .. ألا ساء ما يحكمون

تبعيض نژادی مشرکان جاهلیت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۵

۵ - مشرکان جزیره العرب ، مردمی نژادپرست و متعصب بودند .

و أقسموا بالله .. لئن جاءهم نذیر لیکوننَّ أهدى من إحدى الأمم

برداشت یاد شده از تأکید مشرکان بر آمدن پیامبری ویژه برای آنان استفاده می شود؛ زیرا تأکید آنان در حالی بود که پیامبران بسیاری برای هدایت بشر آمده و عده ای از مردم ساکن در جزیره العرب به آنان گرویده بودند.

تحریم چهارپایان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۴

۴ توییح خداوند نسبت به مشرکان عصر جاهلی به سبب تحریم بی دلیل بعضی از چهارپایان و جنین آنها

قل الذکرین حرم أم الأثینین .. نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

تحریم حیوانات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳،۶

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افتراءات مشرکان اشاره شده و آیه با <فذرهم و ما یفترون> پایان یافته و آیات بعد در مقام توییح و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

۶ تحریم برخی حیوانات از سوی مشرکان صدر اسلام، فاقد هر گونه دلیل و مستند قابل قبول

قل الذکرین حرم .. نبئونی بعلم ... أم کنتم شهداء

استفهام در آیه برای انکار و یا توییح است و مفاد جملات <نبئونی> و <أم>

کنتم ... < نیز نفی وجود دلیل بر مدعاهای مشرکان است.

تحریم گوشت قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

فکلوا منها

تجویز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

تحریم مباحات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱

۱ برخی از مردم عصر جاهلیت خوردن گوشت حیوانی را که با نام خدا ذبح شده باشد حرام می دانستند.

و ما لکم ألا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۷

۷ مشرکان عصر جاهلی فاقد هر گونه دلیل علم آور بر تحریمهای بی جای خود بودند.

قل ءالذکرین حرم ... نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳،۶

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل الذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افتراءات مشرکان اشاره شده و آیه با >فذرهم و ما

یفترون < پایان یافته و آیات بعد در مقام توبیخ و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

۶ تحریم برخی حیوانات از سوی مشرکان صدر اسلام، فاقد هر گونه دلیل و مستند قابل قبول

قل الذکرین حرم .. نبئونی بعلم ... أم کنتم شهداء

استفهام در آیه برای انکار و یا توبیخ است و مفاد جملات <نبئونی> و <أم کنتم ...> نیز نفی وجود دلیل بر مدعاهای مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۵

۱۵ اگر مشرکان بر تحریمهای ادعایی خود گواه و دلیلی نیز بیاورند، ساختگی و بی اساس است.

قل هلم .. فإن شهدوا فلا تشهد معهم

تحریر مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۴

۴- دودلی و تحریر مشرکان در نگهداری از نوزادان دختر به حالت ذلت و یا در گور کردن آنان

أیمسکه علی هون أم یدسه فی التراب

مرجع ضمیر در <ایمسکه>، مبشربه است و منظور از آن نوزاد دختر می باشد و <علی هون> حال برای ضمیر مفعولی <ایمسکه> است. <هون> به معنای خواری و ذلت است و <یدس> (از مصدر دس) به معنای پنهان کردن آمده است.

تعصب قومی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۳

۳ - قوم گرایی، پایه اصلی فرهنگ و اعتقاد عرب جاهلی

بل قالوا إنّنا وجدنا آباءنا على أمة و إنّنا على آثرهم مهتدون

از این که عرب های جاهلی تنها به عقاید نیاکان

خویش تکیه می کردند و آن را موجب هدایت می دانستند، قوم گرایی آنان استفاده می شود.

تعصب مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۵

۵ - مشرکان جزیره العرب ، مردمی نژادپرست و متعصب بودند .

و أقسموا بالله .. لئن جاءهم نذیر لیکوننَّ أهدى من إحدى الأمم

برداشت یاد شده از تأکید مشرکان بر آمدن پیامبری ویژه برای آنان استفاده می شود؛ زیرا تأکید آنان در حالی بود که پیامبران بسیاری برای هدایت بشر آمده و عده ای از مردم ساکن در جزیره العرب به آنان گرویده بودند.

تعلیم ادب در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۵ - ۴

۴ - تعلیم ادب از سوی خداوند ، به اعراب در معاشرت با پیامبر (ص)

لا تَقْدَمُوا .. لا تَرْفَعُوا .. ولا تَجْهَرُوا له ... إِنَّ الَّذِينَ يَغْضُّونَ ... و لو أَنَّهُمْ ص

تعویض همسران در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۴

۴ - پیامبر (ص) مجاز نبود بر اساس سنت جاهلی ، زنان خود را با همسران دیگران تعویض کند .

لا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ .. و لا أن تبدل بهن من أزواج

احتمال دارد که مراد از <تبدیل همسران>، طلاق آنها و ازدواج با دیگران باشد و احتمال دارد که اشاره به سنت جاهلی باشد که مردان، همسران خود را تعویض می کرده اند. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

تغذیه در جاهلیت

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۹

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم ... و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلیم

تفأل در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۶

۶ لزوم اجتناب از تفأل ها و استخاره های مرسوم در جاهلیت

و الازلیم رجس ... فاجتنبوه

<ازلیم> به معنای چوبهای تیر که در قرعه به کار می رود نیز آمده است یعنی سه قطعه چوبی که بر یکی <افعل> و بر دیگر <لاتفعل> و سومی بدون نوشته و به اصطلاح پوچ بوده است، در عصر جاهلی به هنگام مسافرت و یا انجام امری مهم با قرار دادن آن چوبها در کیسه و بیرون آوردن یکی از آنها تکلیف خویش را برای انجام آن امر مشخص می کردند.

تفکر طبقاتی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۵

۵- پذیرش امور از سوی طبقه اشراف ، ملاک ارزشی بودن آن امور در جامعه جاهلی

لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

تناقض گویی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۶ - ۲

۲ - اعتقاد به دختر داشتن خدا، در عین برتر دانستن پسر، تناقضی آشکار در باور های جاهلی

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفِيكُمْ بِالْبَنِينَ

آیه شریفه، در مقام نکوهش از مشرکان، به این

نکته اشاره می کند که به پندار شما دختر از مقام پایین تر و پست تری برخوردار است؛ پس چگونه خود را بر خدا ترجیح داده و سهم او را دختر و سهم خود را پسر می دانید؟!

توجیه گری مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۲

۲ - پیروی از نیاکان ، امری موجه و دلیلی قانع کننده در فرهنگ عرب جاهلی

بل قالوا إنا وجدنا ... ءاثرهم مهتدون

توقعات مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۷

۷ - بر دوش داشتن مسؤولیت انذار و اخطار ، انتظار مردم پیش از نزول قرآن از پیامبران الهی

و أقسموا بالله .. لئن جاءهم نذیر ... فلما جاءهم نذیر ما زادهم إلا نفورا

تولد فرزند در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۴

۴ - رسم مژده دهی به هنگام تولد فرزند در میان عرب های جاهلی

و إذا بشر أحدهم بالأنثی

تولیت مسجد الحرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۳

۳ سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقايه الحاج و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله . . . و جهد في سبيل اللّ

جامعه جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۴،۱۵

۱۴ جهالت و نارسائی عقل و اندیشه ، عامل

رواج بدعت ها و افترا ها در جامعه کفرپیشه عصر جاهلی

و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب و اكثرهم لا يعقلون

۱۵ وجود اقلیت اندیشمند در جامعه بدعتگزار جاهلیت

و اكثرهم لا يعقلون

جهل در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ هواپرستی و رواج ضد ارزش ها ، جهل و محرومیت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)

يزكّيهم و يعلمهم الكتب و الحکمه و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

جهل مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۶

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذين قتلوا اولدهم سفها بغير علم

<باء> در <بغير علم> به معنای ملامت و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

حج در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۷،۲۴

۷ - ورود از پشت خانه ها و نه از درب های ورودی ، از آداب حج در سنت های مردم عصر جاهلی

و ليس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

بیان رسم جاهلیت، مبنی بر وارد شدن به خانه از پشت آنها و نه از درب ورودی - پس از ذکر حج - دلالت بر این دارد که سنت یاد شده از آداب حج در زمان جاهلیت بوده است.

۲۴ - از امام باقر (ع) درباره آیه > ليس البر بأن تأتوا البيوت من

ظهورها < روایت شده است: انه كان المحرمون لا يدخلون بيوتهم من أبوابها و لكنهم كانوا ينقبون في ظهر بيوتهم أي في مؤخرها نقباً يدخلون و يخرجون منه فنهوا عن التدین بذلك ;

[در جاهلیت] کسانی که برای مناسک حج مُحرم می شدند، از درب خانه هایشان وارد آن نمی شدند؛ بلکه از حفره ای که در پشت خانه و در انتهای آن باز می کردند، رفت و آمد می نمودند و خداوند آنان را از پایبندی به این عمل نهی فرمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۷، ۱۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلُو عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

۱۷ - وجود شعارهای شرک آمیز و ضد توحیدی در مراسم حج عصر جاهلیت

و اجتنبوا قول الزور

<زور> به معنای باطل و اضافه در <قول الزور> اضافه بیانیه است؛ یعنی، از سخنانی که باطل و یاوه است، دوری کنید. با توجه به این که آیه مورد بحث از جمله آیات مربوط به حج است. می توان گفت که مراد از <سخن یاوه> در این جا شعارهای شرک آمیزی بود که مشرکان در مراسم حج و احتمالاً به هنگام ذبح قربانی بر پای بت هایشان که در منا نصب کرده بودند سر می دادند.

حنت سوگند مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۶۸

۶ - مشرکان جزیره العرب ، مردمی سوگندشکن و غیرصادق در ادعای ایمان

به پیامبر الهی ویژه خود

و أقسموا بالله .. فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورًا

۸ - نفرت شدید مشرکان از بعثت رسول اکرم (ص) ، به رغم سوگند مؤکد قبلی خود مبنی بر ایمان به پیامبر برخاسته از میان نژاد آنان

و أقسموا بالله .. فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورًا

حیوانات حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۱،۲،۷

۱ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لا يطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۲ اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلوا الله .. و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<هذه> اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه ۱۳۶ بیان گردیده است.

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما كانوا یفترون

حیوانات موقوفه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای

هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء

خداشناسی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۴

۴- مشرکان دوران جاهلیت ، باورمند به خداوند علی رغم اسناد امور ناروا به او

و يجعلون لله ما يكرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۳

۳ - مشرکان عرب جاهلی ، معتقد به خداوند رحمان و مرتبت والای او در مقایسه با دیگر خدایان

و قالوا لو شاء الرحمن ما عبدنهم

از این که مشرکان، عبادت دیگر خدایان را در گرو مشیت خدای رحمان دانسته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

خرافات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۶ - ۱

۱ اعراب جاهلی ، مردمانی بودند کوتاه نظر ، خرافاتی و پیرو موهومات .

فما لكم كيف تحكمون. و ما يتبع أكثرهم إلا ظناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۴

۴ - مشرکان ، گرفتار عقایدی خرافی و فاقد هر گونه برهان و دلیل

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین . أم له البنت و لکم البنون

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود. بدین معنا که این آیه، ارائه دهنده نمودی از بی برهانی کافران در اعتقادات خویش است.

خودآرایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ،

خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لا تبرجن تبرج الجهنیه الأولى

خودنمایی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵- زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لا تبرجن تبرج الجهنیه الأولى

خوردن جنین در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۳،۴

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

۴ خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

دامداری در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۴

۴ کشاورزی و دامداری از منابع درآمد مردم در عصر جاهلیت بوده است.

مما ذراً من الحرث و الأنعم

دختر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۴

۴- داشتن دختر در دیدگاه مشرکان جاهلی

، صفتی زشت محسوب می شد .

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مِثْلُ السُّوءِ

<مثل السوء>، مثلی است که مشرکان جاهلی برای صاحبان دختر به کار می بردند و مرادشان از آن، ضرب المثل بد حالی و بدی بود. اینکه خداوند پس از ذکر دیدگاه آنها درباره نوزادان دختر و محکومیتشان، <مثل السوء> را به خود آنان نسبت می دهد، می تواند قرینه ای باشد بر مطلب یاد شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۲

۲- مشرکان دوران جاهلی ، از دختردار شدن نفرت داشتند .

و يجعلون لله البنات . . . و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه مسوداً و هو كظیم ..

مراد از <ما> در <ما یکرهون> به قرینه آیه <و يجعلون لله البنات> (۵۷) می تواند <بنات> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - خشم و ناراحتی شدید عرب جاهلی ، به هنگام اطلاع یافتن از تولد فرزندی دختر برای او

و إذا بشر أحدهم . . . و هو كظیم

۲ - پسر مایه سرور و مباحات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبنین . و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسوداً و هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۵

۵ - عرب جاهلی ، خود بیزار از داشتن دختر / ولی معتقد به وجود دختر برای خداوند

أَوْ مِنْ . . . و هو فی الخصام غیر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۳

۳ - بی رغبتی برخی از مردم عصر جاهلیت ، به نگه داری دختران

و إذا الموءودة سئلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۲

۲ - دختر بودن فرزند در دیدگاه برخی از اعراب جاهلی موجب استحقاق قتل بود .

بأی ذنب قتلت

دختر در دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۱

۱ - چهره مشرکان دوران جاهلی ، به هنگام دریافت خبر دختردار شدن ، از شدت غضب و ناراحتی ، دگرگون می شد .

و إذا بشر أحدهم بالأنثی ظلّ وجهه مسودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۱، ۱۲ - ۴، ۸، ۲

۲ - خبر دختردار شدن برای مشرکان ، خبری ناگوار و بد بود .

یتوری من القوم من سوء ما بشر به

۴ - دودلی و تحیر مشرکان در نگهداری از نوزادان دختر به حالت ذلت و یا در گور کردن آنان

أیمسکه علی هون أم یدسه فی التراب

مرجع ضمیر در <یمسکه>، مبشربه است و منظور از آن نوزاد دختر می باشد و <علی هون> حال برای ضمیر مفعولی

<یمسکه> است. <هون> به معنای خواری و ذلت است و <یدس> (از مصدر دس) به معنای پنهان کردن آمده است.

۸- مشرکان صاحب دختر، حیثیت اجتماعی خود را با داشتن دختر در مخاطره می دیدند.

یتوری من القوم من سوء ما بشر به أيمسكه على هون أم يدسه في التراب

۱۱- تصمیم مشرکان به نگهداری ذلیلانه نوزادان دختر و یا در گور کردن آنان،

تصمیمی بس ناروا و زشت

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب ألساء ما يحكمون

۱۲- هشدار خداوند به مشرکان ، در مورد تصمیم آنان درباره نوزادان دختر

أيمسكه على هون أم يدسه في التراب ألساء ما يحكمون

دروغگویی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۵

۵- مشرکان دوران جاهلی ، مردمانی دروغ پرداز و آرایش دهنده مطالب دروغ

و تصف ألسنتهم الكذب

<الكذب> مفعول <تصف> است. آوردن چنین وصفی برای مشرکان به جای فعل <یکذب> حاکی از این است که آنان، مطالب دروغ را توصیف کرده و آرایش می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۶

۶ - مشرکان جزیره العرب ، مردمی سوگندشکن و غیرصادق در ادعای ایمان به پیامبر الهی ویژه خود

و أقسموا بالله .. فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورًا

دزدی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أن لايشركن .. لايسرقن ... لايزنين ... ولا يقتلن أولدهنّ ولاياتين بيهتن

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده، بیانگر وجود چنین زمینه‌هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

دفن میت در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۸

۸ - خاک سپاری مردگان ، شیوه ای سابقه

دار در دوران جاهلیت

فأقبره

یادآوری مراسم خاک سپاری در ضمن بر شمردن نعمت های خداوند برای مردم عصر بعثت، نشانه جاری بودن آن مراسم در آن روزگار است.

دین ستیزی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۷

۱۷ - وجود شعار های شرک آمیز و ضد توحیدی در مراسم حج عصر جاهلیت

و اجتنبوا قول الزور

<زور> به معنای باطل و اضافه در <قول الزور> اضافه بیانیه است یعنی، از سخنانی که باطل و یاوه است، دوری کنید. با توجه به این که آیه مورد بحث از جمله آیات مربوط به حج است. می توان گفت که مراد از <سخن یاوه> در این جا شعار های شرک آمیزی بود که مشرکان در مراسم حج و احتمالاً به هنگام ذبح قربانی بر پای بت هایشان که در منا نصب کرده بودند سر می دادند.

ذبح حیوانات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۵

۵ - تعمد مشرکان عصر جاهلی به نبرد نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

و أنعم لایذکرون اسم الله علیها

ذبح در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۹

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم ... و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلیم

ذلت دختر در جاهلیت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۶

۶- مشرکان صاحب دختر در دوران جاهلیت ، نگهداری دختران را برای خود عار و ذلت می دانستند .

أيمسكه على هون

برداشت فوق بر این اساس است که <علی هون> حال برای ضمیر فاعلی <ایمسک> باشد.

راههای کسب در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۴

۲۴ - واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی جهت کسب در آمد و رفاه بیشتر ، امری رایج در جاهلیت

ولا تکرهوا فیتکم علی البغاء .. لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

ربا در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۸ - ۴

۴ رباخواری از عادات و رسوم جاهلیت

یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی من الربوا

رباخواری در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۰ - ۴

۴ رواج رباخواری در عصر بعثت و زمان جاهلیت

لا تأکلوا الربوا اضعافاً مضاعفه

برخی برآنند که <اضعافاً مضاعفه> قید حرمت است، یعنی در این آیه، تنها از رباخواری به چندین برابر نهی شده و در مرحله ای دیگر، اصل رباخواری حرام شده است. و حرمت تدریجی، حکایت از رواج و شیوع فراگیر رباخواری دارد.

رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۷۸،۱۱،۲۴

۷ - ورود از پشت خانه ها و نه از درب های ورودی ، از آداب حج در سنت های مردم عصر جاهلی

و لیس البر بان تأتوا البيوت

بیان رسم جاهلیت، مبنی بر وارد شدن به خانه از پشت آنها و نه از درب ورودی - پس از ذکر حج - دلالت بر این دارد که سنت یاد شده از آداب حج در زمان جاهلیت بوده است.

۸ - ورود حاجیان به خانه ، از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، عملی نیکو در دیدگاه مردم عصر جاهلیت

و لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

نفی نیکی از رسم یاد شده (لیس البر)، دلالت می کند که آن رسم در نزد مردم جاهلی، رسمی نیکو و ارجمند بوده است.

۱۱ - مسلمانان صدر اسلام بر اساس سنت عصر جاهلی ، به هنگام حج از راه های متعارف به خانه ها وارد نمی شدند .

و لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

از اینکه مسلمانان مورد خطاب قرار گرفته اند، معلوم می شود: گروهی از آنان تا پیش از نازل شدن آیه شریفه، به این سنت پایبند بوده اند.

۲۴ - از امام باقر (ع) درباره آیه < لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها > روایت شده است : انه كان المحرمون لا يدخلون بيوتهم من أبوابها ولكنهم كانوا ينقبون في ظهر بيوتهم أي في مؤخرها نقباً يدخلون و يخرجون منه فنهوا عن التدنن بذلك ;

[در جاهلیت] کسانی که برای مناسک حج مُحَرَّم می شدند، از درب خانه هایشان وارد آن نمی شدند؛ بلکه از حفره ای که در پشت خانه و در انتهای آن باز می کردند، رفت و آمد می نمودند و خداوند آنان را از پایبندی به این عمل نهی فرمود.

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند .

الشهر الحرام بالشهر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۲

۲ تفخر به نیاکان پس از مناسک حج ، از سُنن جاهلی

فاذکروا لله کذکرکم اباءکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۹

۹ سُنن سوگند بر ترک کار های خیر در عصر جاهلیت

و لا تجعلوا لله عرضه لایمانکم ان تبرؤا و تتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۲

۲۲ جامعه جاهلی عصر بعثت ، هیچ حقی را برای زنان معتبر نمی شمرد .

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

با توجه به اینکه حقوق مردان بر زنان (علیهنّ) را مُسلم گرفته و در صدد اثبات حقوق زنان بر مردان (لهنّ) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲

۲ نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیت و محدود شدن آن در اسلام

الطَّلَاق مَرَّتَانِ

با توجّه به شأن نزول: كان الرجل في الجاهليّة اذا طلق امرأته ثم راجعها قبل ان تنقضى عِدَّتْهَا . . . و إن طلقها الف مرّه ... فذكرت ذلك لرسول الله (ص) فنزلت: <الطَّلَاق مَرَّتَانِ ... >. (مجمع البيان، ذيل آيه.)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۸

۸ جلوگیری از ازدواج

مجدد زنان مُطلَّقه ، از سُنَّت های جاهلیت

و اذا طَلَّقْتُم النِّسَاء فَبَلَّغْنِ اجْلِهِنَّ فَلَ تَعْضَلُوهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۸ - ۴

۴ رباخواری از عادات و رسوم جاهلیت

يا ايُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷ - ۵

۵ لغو سُنَّت جاهلی ، در محروم ساختن زنان از ارث

و لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ

مرحوم طبرسی نقل می کند که اعراب در زمان جاهلیت زنان را از ارث محروم می ساختند و آیه در ردّ چنین روشی نازل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۷

۷ به ارث بردن زنان ، از سنن جاهلی

لا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا

با توجه به شأن نزول در مجمع البیان، ذیل آیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۲ - ۴۸

۴ ازدواج با همسر پدر ، از سنن جاهلی

و لا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ اٰبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ اِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ

۸ تنفرآمیز بودن ازدواج با همسر پدر ، حتی در نظر مردم جاهلی

اِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً وَّ مَقْتًا

چون آنان ازدواج با همسر پدر را <نکاح مقت> می نامیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ ازدواج با محارم و جمع بین دو خواهر در ازدواج ، از سنن جاهلی

حَرَمَتْ .. و ان تَجْمَعُوا بَيْنَ الْاِخْتَيْنِ اِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۲۰

۲۰ کشتار و تعرض نابجا به افراد به خاطر دستیابی به غنیمت ، از روش های ناپسند دوران جاهلیت

و لا تقولوا .. لست مؤمناً تبتغون عرض الحیوه الدنیا ... كذلك كنتم من قبل

ظاهراً <كذلك> اشاره است به جمله <تبتغون عرض .. > بر این اساس، مقصود از <من قبل>، قبل از اسلام، یعنی دوران جاهلیت است که به خاطر مال دنیا، بدون هیچ دلیلی دیگران را می کشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۳،۲۹

۱۳ بیزاری از ازدواج با دختران یتیم ، از اخلاق و رسوم جاهلی

فی یتیمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

بنابر اینکه پس از <ترغبون> کلمه <عن> مقدر باشد که در این صورت، <رغبت> به معنای اعراض کردن خواهد بود.

۲۹ محرومیت زنان یتیم ، از حق ارث خویش ، در عصر جاهلیت

لا تؤتونهن ما كتب لهن

امام باقر(ع) در مورد <ما كتب لهن> در آیه فوق فرمود: ای من المیراث.

مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۸۱ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۷، ح ۵۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۹

۹ خوردن مردار ، خون و گوشت خوک ، بردن غیر نام خدا در ذبح ، قربانی برای بت ها و تقسیم گوشت حیوانات با قمار ، از اعمال مردم در جاهلیت

حرمت علیکم .. و ما ذبح علی النصب و إن تستقسموا بالازلیم

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱،۲

۱ بسیاری از مردمان عصر بعثت ، خواستار داوری پیامبر (ص) بر اساس قوانین جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون

۲ بسیاری از مسیحیان و یهودیان ، در صدد جایگزینی گرایش ها و قوانین جاهلی به جای احکام و قوانین الهی

افحکم الجهلیه یبغون

<بغی>، به معنای طلب کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۲،۶

۲ شراب خواری ، قمار بازی ، گرایش به مظاهر شرک و تفأل های مرسوم در جاهلیت ، کرداری شیطانی است

انما الخمر . . من عمل الشیطن

۶ لزوم اجتناب از تفأل ها و استخاره های مرسوم در جاهلیت

و الازلّم رجس . . فاجتنبوه

<ازلام> به معنای چوبهای تیر که در قرعه به کار می رود نیز آمده است یعنی سه قطعه چوبی که بر یکی <افعل> و بر دیگر <لائفعل> و سومی بدون نوشته و به اصطلاح پوچ بوده است، در عصر جاهلی به هنگام مسافرت و یا انجام امری مهم با قرار دادن آن چوبها در کیسه و بیرون آوردن یکی از آنها تکلیف خویش را برای انجام آن امر مشخص می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۵

۵ کفرپیشگان بدعت گذار ، گرفتار تقلید های کورکورانه از سنت های جاهلی نیاکان خویش اند

قالوا حسبنا ما وجدنا علیہ ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر

جاهلیت بوده است.

ساء ما یحکمون. و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولدهم

در آیه شریفه تزیین کشتن فرزندان به <شركاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و .. فرزندان خود را می کشتند.

۷ فرزندی در نظر گروهی از مشرکان عصر جاهلیت، علی رغم نظر بسیاری دیگر، کاری شایسته تلقی نمی شده است.

کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۱،۴،۵

۱ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا یطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لا یطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۴ مشرکان عصر جاهلیت سوار شدن بر برخی از چهارپایان را حرام می دانستند.

و أنعم حرمت ظهورها

۵ تعمد مشرکان عصر جاهلی به نبرد نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

و أنعم لایذکرون اسم الله علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۲،۳،۴،۵

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

خوردن از دامهایی که به گمان مشرکان عصر جاهلی سهم خدا و یا سهم دیگر معبود بود، از نظر آنان غیر مجاز شمرده می شد.

و قالوا هذه الأنعم و حرث حجر لا يطعمها .. و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه

<هذه الأنعام> اشاره به چهارپایان خاصی است که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بود. از این آیه نیز که در مورد جواز خوردن جنین آن حیوانات است، تحریم اصل آن از دیدگاه مشرکان استفاده می شود.

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

۴ خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

۵ مشرکان عصر جاهلی زن را موجودی پست و مرد را دارای برتری و شرافت بر آنها می دانستند. *

خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

حلیت جنین زنده برای مردان و حلیت جنین مرده برای زنان از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت، حکایت از نگرش آنان به زن دارد. زیرا تنها در صورت مرده به دنیا آمدن جنین خوردن آن را برای زنان مجاز می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱،۶

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه

بودند.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملامت و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۹

۹ مشرکان عصر جاهلیت در اسارت گامها و راههای شیطان بودند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر . . . کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۴،۷

۴ توبیخ خداوند نسبت به مشرکان عصر جاهلی به سبب تحریم بی دلیل بعضی از چهارپایان و جنین آنها

قل الذکرین حرم أم الأثنین . . . نبئونی بعلم إن کتم صدقین

۷ مشرکان عصر جاهلی فاقد هر گونه دلیل علم آور بر تحریمهای بی جای خود بودند.

قل الذکرین حرم . . . نبئونی بعلم إن کتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳،۶

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشملت علیه أرحام الأثنین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افتراءات مشرکان اشاره شده و آیه با <فذرهم و ما یفترون> پایان یافته و آیات بعد در مقام

توبیخ و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

۶ تحریم برخی حیوانات از سوی مشرکان صدر اسلام، فاقد هر گونه دلیل و مستند قابل قبول

قلء الذكرين حرم .. نبيونى بعلم ... أم كنتم شهداء

استفهام در

آیه برای انکار و یا توییح است و مفاد جملات <نبئونی> و <أم کنتم...> نیز نفی وجود دلیل بر مدعاهای مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۰ - ۵

۵ اگر مشرکان بر تحریمهای ادعایی خود گواه و دلیلی نیز بیاورند، ساختگی و بی اساس است.

قل هلم... فإن شهدوا فلا تشهد معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۸

۱۸ رواج کشتار فرزندان به سبب فقر و تنگدستی در عصر جاهلی

و لا تقتلوا أولادکم من إملق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۱۱، ۸، ۷، ۱

۱ جا به جا کردن ماه حرام و ماه حلال (انتقال دادن حرمت ماه محرم به ماه صفر و حلیت ماه صفر به محرم) از کار های

نادرست عرب های جاهلی

إنما النسئیء زیاده فی الکفر

برای عربهای جاهلی که با داشتن خوی جنگ طلبی و غارتگری، تحمل ترک جنگ در سه ماه متوالی (ذیقعد، ذیحجه و محرم) بسیار شاق و دشوار بود، به زعم خود، ماههای محرم و صفر را پس و پیش می کردند؛ یعنی، در ماه محرم الحرام می جنگیدند و در ماه صفر متارکه جنگ داشتند؛ سال بعد دوباره محرم را به جای خود بر می گرداندند و به این کار <نسئیء> (تأخیر انداختن) می گفتند.

۷ پایبندی عرب های جاهلی به تعداد ماه های حرام ، علی رغم جا به جا کردن آنها

لبواطئوا عده ما حرّم الله

۸ نتیجه جا به جا شدن

ماه های حرام از سوی عرب های جاهلی ، چیزی جز حلال شمردن حرام الهی نبود .

فیحلوا ما حرم الله

۱۱ < نسیء > ، (جا به جا کردن ماه های حلال و حرام) ، از اعمال زشت عرب های جاهلی و کاری پسندیده و زیبا در دیدگاه آنان

إنما النسیء زیاده فی الکفر . .. زین لهم سوء أعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۴

۴- رسم مزده دهی به هنگام تولد فرزند در میان عرب های جاهلی

و إذا بشر أحدهم بالأنثی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۱، ۳، ۱

۱- متواری و مخفی شدن مشرکان دختردار شده در دوران جاهلیت ، به خاطر شدت ناراحتی ناشی از خبر دختردار شدن

و إذا بشر أحدهم بالأنثی . .. یتوری من القوم من سوء ما بشر به

۳- مردسالاری ، در دوران جاهلی بر خانواده ها سایه افکنده بود .

و إذا بشر أحدهم بالأنثی ظلّ وجهه . .. یتوری من القوم من سوء ما بشر به أيمسکه

۱۱- تصمیم مشرکان به نگهداری ذلیلانه نوزادان دختر و یا در گور کردن آنان ، تصمیمی بس ناروا و زشت

أيمسکه علی هون أم یدسه فی التراب ألا ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۱

۱- ایمان نداشتن به عالم آخرت ، زمینه ساز دخترکشی مشرکان عصر جاهلی

وإذا بشر أحدهم بالأنثى .. يتورى من القوم ... أم يدسه فى التراب ... للذين ل

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۲

۲- مشرکان دوران جاهلی ، از دختردار شدن نفرت داشتند .

و يجعلون لله البنت . . . و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه مسوداً و هو كظیم ..

مراد از <ما> در <ما یکرهون> به قرینه آیه <و يجعلون لله البنات> (۵۷) می تواند <بنات> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۲

۲- ترس از فقر و ناداری ، عامل روی آوردن اعراب جاهلی به کشتن فرزندان خود

و لا تقتلوا أولادكم خشیه إملق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۵

۵- زنا ، عملی شایع و رایج در میان اعراب جاهلی [پیش از اسلام]

و لا تقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سییلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۹

۹- تصرف بی جا در اموال یتیمان و حیف و میل آنها ، امری رایج و شایع در میان اعراب جاهلی

و لا تقربوا مال الیتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار باطل عرب های جاهلی

تجويز استفاده از گوشت قربانی، ناظر به پندار باطل عرب های جاهلی است که استفاده از آن را حرام می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۷، ۱۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر

وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

۱۷ - وجود شعارهای شرک آمیز و ضد توحیدی در مراسم حج عصر جاهلیت

و اجتنبوا قول الزور

<زور> به معنای باطل و اضافه در <قول الزور> اضافه بیانیه است؛ یعنی، از سخنانی که باطل و یاوه است، دوری کنید. با توجه به این که آیه مورد بحث از جمله آیات مربوط به حج است. می توان گفت که مراد از <سخن یاوه> در این جا شعارهای شرک آمیزی بود که مشرکان در مراسم حج و احتمالاً به هنگام ذبح قربانی بر پای بت هایشان که در منا نصب کرده بودند سر می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار عرب عصر جاهلیت

فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۷

۷ - ورود ناگهانی و بدون سلام کردن و اذن خواستن ، به محل سکونت و خانه یکدیگر ، از رسوم و اخلاق جاهلیت پیش از اسلام بود .

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۴،۳۹

۲۴ - واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی جهت کسب در آمد و رفاه بیشتر ، امری رایج در جاهلیت

و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء . . . لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

٣٩ > عن علي ابن أبي طالب (ع) في قوله : > ولا تكروهوا فتياتكم علي

البغاء > قال : كان أهل الجاهلية يبيغون إمامهم فنهوا عن ذلك في الإسلام ;

حضرت علی بن ابی طالب (ع) درباره سخن خدا <ولا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء> فرمود: اهل جاهلیت کنیزان خود را به زنا وادار می کردند. سپس در اسلام از این کار نهی شدند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۸

۳۸ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله <ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج> وذلك أن أهل المدينة قبل أن يسلّموا كانوا يعزلون الأعمى والأعرج والمريض وكانوا لا يأكلون معهم وكان الأعمى والمريض يقولون : لعلنا نؤذيهم إذا أكلنا معهم فاعتزلوا مواكلتهم فلما قدم النبي (ص) سأله عن ذلك فأنزل الله <ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعاً أو أشتاتاً ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <ليس على الأعمى حرج..> فرمود: اهل مدینه قبل از آنکه مسلمان شوند، نابینایان، لنگان و بیماران را از خود جدا می کردند و با آنان هم غذا نمی شدند... و کوران و بیماران می گفتند: شاید اگر ما با دیگران هم غذا شویم، موجب اذیت آنان باشیم. از این رو از هم غذا شدن با دیگران کناره می گرفتند. پس هنگامی که پیامبر(ص) وارد مدینه شد، از آن حضرت سؤال کردند. خداوند این آیه را نازل فرمود: ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعاً أو أشتاتاً.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۱، ۱۲، ۷

۷ - در جاهلیت ، ظهار

همسر از سوی شوهر ، امری رایج بوده است .

و ما جعل أزواجكم الی تظهرون منهنّ أمهتکم

از کاربرد فعل مضارع <تظهرون> که دلالت بر استمرار دارد استفاده می شود که ظهار، امر متداولی بوده است.

۱۱ - در جاهلیت ، فرزندخوانده شدگان ، فرزند حقیقی تلقی می شدند .

و ما جعل أدياءكم أبناءكم

آیه، ناظر به واقعیتی موجود در عصر ظهور اسلام و باقی مانده از دوران جاهلی است. چنان که نوع مفسران، به آن تصریح کرده اند، آیه درباره زیدبن حارثه، پسرخوانده رسول الله(ص) نازل شده است.

۱۲ - فرزند حقیقی تلقی شدن فرزند خوانده شدگان ، در عصر جاهلیت ، خودساخته بود و منشأ الهی نداشت .

و ما جعل أدياءكم أبناءكم ذلكم قولكم بأفوهكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لا تبرجن تبرج الجهنیه الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۶

۲۶ - در صدراسلام ، ازدواج با مطلقه پسرخوانده ، امری ناروا شمرده می شد .

زوّجنکها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزواج أديائهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۴

۴ - پیامبر (ص) مجاز نبود بر اساس سنت جاهلی ، زنان خود را با همسران دیگران تعویض کند .

لا يحلّ لك النساء .. ولا أن تبدل بهنّ من أزواج

احتمال دارد که مراد از <تبدیل همسران>، طلاق آنها و

ازدواج با دیگران باشد و احتمال دارد که اشاره به سنت جاهلی باشد که مردان، همسران خود را تعویض می کرده اند. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲ - ۴

۴ - در طلاق از نوع ظهار، پندار مردم جزیره العرب این بود که زن ظهار شده، برای شوهرش حکم مادر را پیدا کرده و حرام مؤبد می شود.

الذین یظهرون منکم من نسائهم ما هنّ أمهتهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - قرار دادن مهریه برای زنان، از آداب همسری در میان عرب قبل از اسلام

و ءاتوهم ما أنفقوا

بیشتر مفسران مسأله انفاق در آیه شریفه را، به <مهریه> تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۸

۸ - خاک سپاری مردگان، شیوه ای سابقه دار در دوران جاهلیت

فأقبره

یادآوری مراسم خاک سپاری در ضمن بر شمردن نعمت های خداوند برای مردم عصر بعثت، نشانه جاری بودن آن مراسم در آن روزگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۲

۲ - زنده به گور کردن دختران، از رفتار های ناپسند برخی از اعراب جاهلی

و إذا الموءودة سئلت

ظاهر آیه شریفه این است که بین مردم دوران بعثت، نمونه هایی از دفن دختران زنده پدیدار شده بود و این آیه در صدد بازداشتن مردم از ارتکاب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۱

۱ - برخی از اعراب جاهلی ، دختران خود را بی هیچ گناه و جرمی زنده به گور می کردند .

بأی ذنب قتلت

استفهام تقریری در آیه شریفه، متوجه مقتول شده است؛ با آن که مراد از آن مؤاخذه قاتل است. این گونه بیان، تأکید بر نبود عذر و بهانه برای قاتل است.

رسوم جاهلیت در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۷

۷ برخی از تحریمهای ساختگی دوران جاهلی همچنان در افکار مسلمانان صدر اسلام به جا مانده بود و در میان آنان رواج داشت.

قل من حرم زینه الله التي أخرج لعباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۱

۲۱ - برخی از سنت های جاهلی ، به قدری در جامعه صدر اسلام رخنه و نفوذ داشت که شکستن آن ، نیاز به اقدام عملی پیامبر (ص) با پشتیبانی خداوند داشت .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزواج أذعیائهم

روش برخورد مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۵

۵- مشرکان دوران جاهلی ، مردمانی دروغ پرداز و آرایش دهنده مطالب دروغ

و تصف ألسنتهم الكذب

<الكذب> مفعول <تصف> است. آوردن چنین وصفی برای مشرکان به جای فعل <یکذب> حاکی از این است که آنان، مطالب دروغ را توصیف کرده و آرایش می دادند.

زراعت موقوفه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء

زکات چهارپایان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱،۲

۱ قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی از آن برای شریکان موهوم او (مانند بت، جن و ..) از سنتهای مشرکان در عصر جاهلیت

و جعلو الله مما ذراً .. فقالوا هذا لله

به قرینه آیه ۱۰۰ همین سوره (و جعلوا لله شركاء الجن)، از جمله عقاید موهوم مشرکان، شریک بودن جنیان با خداوند بوده است.

۲ سنت جاهلی مشرکان در قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذراً .. هذا لله بزعمهم

<زعم> به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

زکات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۳،۹

۳ قرار دادن سهم برای خداوند، از آنچه خود آفریده، از پندارهای پوچ مشرکان

و جعلو الله مما ذراً من الحرث و الأنعم نصيباً فقالوا هذا لله بزعمهم

۹ مصرف سهم خداوند برای بتها و دیگر شریکان خیالی و مصرف نکردن سهم بتها برای خداوند، از داوریه‌های ناپسند مشرکان عصر جاهلی بوده است.

فما كان لشركائهم .. ساء ما يحكمون

مراد از فعلهای <يصل> و <لايصل>،

آن گونه که مفسران گفته اند، در مقام خیر از انشای مشرکان است. یعنی مشرکان آنچه را سهم خداوند تلقی می نمودند، مصرفش را برای بتها (مانند مخارج بتکده و ...) مجاز می دانستند، ولی عکس آن را روا نمی شمردند.

زکات غلات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱،۲

۱ قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی از آن برای شریکان موهوم او (مانند بت، جن و ...) از سنتهای مشرکان در عصر جاهلیت

و جعلو الله مما ذرأاً .. فقالوا هذا لله

به قرینه آیه ۱۰۰ همین سوره (و جعلوا لله شركاء الجن)، از جمله عقاید موهوم مشرکان، شریک بودن جنیان با خداوند بوده است.

۲ سنت جاهلی مشرکان در قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذرأاً .. هذا لله بزعمهم

<زعم> به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

زمینه دخترکشی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۱

۱- ایمان نداشتن به عالم آخرت، زمینه ساز دخترکشی مشرکان عصر جاهلی

و إذا بشر أحدهم بالأُنثى .. يتورى من القوم ... أم يدسه فى التراب ... للذین ل

زمینه علاقه به جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ فسق ، سوق دهنده آدمی به فرهنگ و قوانین جاهلی

و إن كثيراً من

الناس لفسقون. افحکم الجہلیہ بیغون

زن در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۲

۲۲ جامعه جاهلی عصر بعثت ، هیچ حقی را برای زنان معتبر نمی شمرد .

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

با توجّه به اینکه حقوق مردان بر زنان (علیهنّ) را مُسلّم گرفته و در صدد اثبات حقوق زنان بر مردان (لهنّ) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۳ - ۵

۵ - زنان ، در دوران هایی پیش از اسلام ، خودآرایی نموده و در معرض نگاه نامحرمان قرار می گرفتند .

و لاتبرجن تبرج الجہلیۃ الأولى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۳

۳ - زن ، موجودی بی مقدار در دیدگاه عرب جاهلی

و إذا بشر أحدہم . . . و هو کظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۱

۱ - زن ، در فرهنگ جاهلیت پرورش یافته در زینت و تجمل ، و فرودست در میدان جدال و درگیری های کلامی

أو من ینشوا فی الحلیہ و هو فی الخصام غیر مبین

لحن آیه شریفه به گونه ای است که به اعتقاد و باور عرب جاهلی یا موقعیت زن در محیط و فرهنگ خاص آنان اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۳

۳ - اعتقاد عرب جاهلی ، به امتیاز و برتری مردان بر زنان

أم له البنت و لكم البنون

از این که خداوند، مشرکان را

مدعی اختصاص پسران به خویش شمرده است؛ استفاده می شود که آنان، از داشتن دختر احساس ننگ می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۷

۷ به ارث بردن زنان، از سنن جاهلی

لا یحلّ لکم ان ترثوا النساء کرهاً

با توجه به شأن نزول در مجمع البیان، ذیل آیه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۵

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۵ مشرکان عصر جاهلی زن را موجودی پست و مرد را دارای برتری و شرافت بر آنها می دانستند. *

خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

حلیت جنین زنده برای مردان و حلیت جنین مرده برای زنان از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت، حکایت از نگرش آنان به زن دارد. زیرا تنها در صورت مرده به دنیا آمدن جنین خوردن آن را برای زنان مجاز می شمردند.

زنا در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۲ - ۵

۵- زنا، عملی شایع و رایج در میان اعراب جاهلی [پیش از اسلام]

و لا تقربوا الزنی إنه کان فحشه و ساء سییلاً

سختی رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۲ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را از گرفتاری به سنت های دوران جاهلیت رهانید .

و وضعنا عنک وزرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۳ - ۵

۵ - آداب و رسوم عصر جاهلی برای پیامبر (ص) ، کوبنده ، آزاردهنده و کمرشکن بود .

الذی أنقض ظهرك

در آیه قبل، برای <وزرک>، مصادیقی احتمالی ذکر شد که از جمله آنها، آداب و رسوم دوران جاهلیت بود. این احتمالات، گرچه شاهی قوی ندارد ولی ممکن است هدف از مطلق آوردن کلمه <وزرک>، تعمیم آن به تمام مصادیق احتمالی باشد.

سرزنش مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ - ۷

۷ - نکوهش خداوند ، نسبت به باور های بی دلیل مشرکان جاهلی

و جعلوا الملئکه إناثاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - توبیخ عرب عصر بعثت ، از سوی خداوند بر ترک آیین نیاکان یکتاپرست خویش و روی آوردن به شرک

بل قالوا إنا وجدنا آباءنا .. و إذ قال إبرهیم ... و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

سرزنش مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۴

۴ توبیخ خداوند نسبت به مشرکان عصر جاهلی به سبب تحریم بی دلیل بعضی از چهارپایان و جنین آنها

قل الذکرین حرم أم الأئیین . . . نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

سفاهت مشرکان دوران جاهلیت

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۶

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملامت و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

سقاییت حاجیان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۳

۳ سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجدالحرام کمن ءامن بالله... و جهد فی سبیل اللّ

سنتهای جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۷

۷ احترام ماه های حرام (ممنوعیت جنگ در آنها) ، در عصر جاهلیت و تأیید آن در اسلام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

ظاهر این است که در سؤال سائل نیز کلمه <الحرام> (به معنای دارای حرمت) آمده است، بنابراین آن ماهها، پیش از اعلام قرآن مبنی بر تحریم جنگ در آن، از احترام ویژه ای برخوردار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۸

۸ بازگشت به کینه ها ، عداوت ها و دیگر ویژگی های جاهلیت پس از گرایش به اسلام ، نمودی از کفر

یردو کم بعد ایمانکم کافرین

اوس و خزرج پس از تحریک یهود، کینه های گذشته را اظهار کردند و آماده جنگ شدند. این کینه‌ورزی را

آیه شریفه، گرایش به کفر قلمداد کرده است. (المیزان ج ۳).

سوارکاری حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۴،۷

۴ مشرکان عصر جاهلیت سوار شدن بر برخی از چهارپایان را حرام می دانستند.

و أنعم حرمت ظهورها

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما كانوا یفترون

سوگند در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۹

۹ سُتت سوگند بر ترک کارهای خیر در عصر جاهلیت

و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم آن تبرّوا و تتقوا

سوگندهای مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۱

۱ - سوگند مؤکد مشرکان، پیش از بعثت رسول اکرم (ص)، بر ایمان و پذیرش دین الهی در صورت آمدن پیامبری برای آنان

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لئن جاءهم نذیر لیکوننّ أهدى من إحدى الأمم

شتر در جاهلیت

۲ - شتری که ده ماه از آبستنی آن گذشته ، مرغوب ترین سرمایه عرب در عصر بعثت

و إذا العشار عطّلت

<عشار>، جمع <عُشْرَاءَ> است و <ناقه عُشْرَاءَ> شتری است که ده ماه از آبستنی آن گذشته باشد. از دیدگاه شترداران، شتر در این دوران زیباترین حالت و مرغوب ترین وضعیت را دارد. (لسان العرب)

شرایط

الوهیت در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۸

۸ - برخی از مردم پیش از اسلام، فرزند داشتن و متولد شدن را مانع خدایی نمی دانستند .

لم یلد و لم یولد

ماضی آوردن فعل های <لم یلد> و <لم یولد> با آن که نفی ولادت همیشگی است به چنین پنداری در بین مردم آن زمان، اشاره دارد.

شرایط ایمان مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۳ - ۱

۱ - سوگند مؤکد مشرکان، پیش از بعثت رسول اکرم (ص)، بر ایمان و پذیرش دین الهی در صورت آمدن پیامبری برای آنان

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن جاءهم نذير لیکوننَّ أهدى من إحدى الأمم

۳ - مشرکان جزیره العرب پیش از اسلام، شرط ایمان و پذیرش دین الهی را، آمدن پیامبری ویژه برای آنان از جانب خداوند می دانستند .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن جاءهم نذير لیکوننَّ أهدى من إحدى الأمم

بیشتر مفسران بر این باورند که این گفتار از مشرکان، در دوران پیش از اسلام بوده و آنان این سخن را به اهل کتاب که گاهی آنان را به دین الهی دعوت می کردند می گفتند.

شرك در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲۳

۲۳ اعراب جاهلی ، مرمادنی شرک پیشه و بت پرست

ذلكم الله ربكم فاعبدوه أفلا تذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸

۱ عرب جاهلی ، مردمانی شرک پیشه و منکر ربوبیت خداوند

و يعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲۹ - ۲

۲ عرب جاهلی ، مردمی بودند مشرک و بت پرست .

فكفى ... إن كنا عن عبادتكم لغفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۴ - ۲

۲ عرب های جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شركائكم من يبدؤا الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۲

۲ اعراب جاهلی ، مردمانی بودند شرک پیشه و بت پرست .

قل هل من شركائكم من يهدى إلى الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش

از اسلام

أن لا يشرکن ... لا یسرقتن ... لا یزنین ... ولا یقتلن أولدهنّ و لا یأتین بیهتن

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده، بیانگر وجود چنین زمینه‌هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۲

۱۲ جامعه جاهلی در عصر بعثت جامعه‌ای آلوده به شرک و بی‌اهتمام نسبت به پدران و مادران بود.

و بالولدين احسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَمُ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

طلاق در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲

۲ نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیت و محدود شدن آن در اسلام

الطَّلَاقِ مَرَّتَانِ

با توجه به شأن نزول: كان الرجل في الجاهلية اذا طلق امرأته ثم راجعها قبل ان تنقضى عِدَّتِهَا .. و إن طلقها الف مره ... فذكرت ذلك لرسول الله (ص) فنزلت: <الطلاق مَرَّتَانِ ... >. (مجمع البيان، ذیل آیه).

ظلم در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۸

۸ شیوع کردار زشت، رفتار نکوهیده، ستمگری، شرک و افترا بر خدا در میان مردم جاهلی

قل من حرم زينه الله .. إنما حرم ربي الفواحش ... و أن تقولوا على الله ما لا تعلم

مراد از حصر در جمله <انما حرم ... > می تواند حصر حقیقی باشد. یعنی اساس محرمات الهی منحصر در آن پنج امر ذکر شده است و دیگر محرمات به این امور بازمی گردند. و نیز می تواند مراد از آن، حصر قلب، که از اقسام حصر اضافی است، باشد. این گونه حصر نظارت بر اعتقاد و روش مخاطب دارد و به هدف رد پندار و روش او و اثبات عکس آن ایراد می شود. یعنی زینتها و روزیهایی که شما تحریم کرده اید و از آن پرهیز دارید، حلال است و فواحش و ... حرام

است.

ظهار در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۷۸،۹

۷ - در جاهلیت ، ظهار همسر از سوی شوهر ، امری رایج بوده است .

و ما جعل أزواجكم الّٰی تطهرون منهنّ أمّهتکم

از کاربرد فعل مضارع <تظاهرون> که دلالت بر استمرار دارد استفاده می شود که ظهار، امر متداولی بوده است.

۸ - ظهار ، از بدعت های عصر جاهلی بود و منشأ الهی نداشت .

و ما جعل أزواجكم الّٰی تطهرون منهنّ أمّهتکم .. ذلکم قولکم بأفوهکم

این که خداوند ظهار را از خود نفی کرده، حاکی است که چنین امری، از بدعت های دوران جاهلیت بوده است.

۹ - در عصر جاهلیت ، مردان ، با ظهار همسر خود ، او را در ردیف مادر خود قرار داده و با او ، ترک مرادده می کردند .

و ما جعل أزواجكم الّٰی تطهرون منهنّ أمّهتکم

این که خداوند فرموده است، ظهار، همسر را در منزلت مادر قرار نمی دهد، به دست می آید که مردان، با ظهار همسر، می خواسته اند با آنان ترک مرادده کنند؛ چون، بر این باور بودند که خلوت با مادر قطعاً، امر نادرستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲ - ۳،۴

۳ - ابراز ناخرسندی از سوی یک زن ، سبب شد خداوند ، رسم جاهلی ظهار را که تا آن زمان در میان مسلمانان رواج داشت ملغا اعلام کند .

قد سمع الله قول الّٰتی .. الذین یظهرون منکم ... ما هنّ أمّهتھم

۴ - در طلاق از نوع ظهار ،

پندار مردم جزیره العرب این بود که زنظهار شده، برای شوهرش حکم مادر را پیدا کرده و حرام مؤید می شود.

الذین یظهرون منکم من نساءهم ما هنّ أمهتهم

عزى در جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۹ - ۴

۴ - < لات > و < عزى > در مرتبه بالاتر از < منات >، در نزد عرب جاهلی *

أفرء یتیم اللّٰت و العزّٰى

از تقدیم < لات و عزى > و توصیف منات به < الثالثه > (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

عقیده باطل مشرکان جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۶ - ۵

۵ - مشرکان جاهلی، با وجود اعتقاد به مخلوق بودن فرشتگان، آنان را دختر خدا می پنداشتند.

أم اتّخذ ممّا یخلق بنات

لحن آیه شریفه نشان می دهد که مشرکان مکه، مخلوق بودن فرشتگان را پذیرفته بودند و خداوند آنان را مورد سرزنش قرار می دهد که چگونه در میان مخلوقات، آنچه را که خود نمی پسندند، به او نسبت می دهند.

عقیده جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۲

۲ ممنوعیت فعالیت های اقتصادی در حج، پندار غلط برخی از مسلمانان صدر اسلام

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

برخی از مسلمانان، خرید و فروش را در حج گناه می شمردند که با این آیه، این تصوّر دفع شد. (مجمع البیان).

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۲.

عقیده مردم دوران جاهلیت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴ - ۱

۱- اعتقاد به وجود فرزند برای خدا، عقیده ای مطرح و شایع در عصر نزول قرآن بوده است.

لینذر بأسًا .. و ینذر الذین قالوا اتخذ الله ولداً

از میان همه کسانی که مورد انذار قرآن اند، معتقدان به فرزند داشتن خدا، ذکر شده است، مطلب فوق استفاده می شود.

عقیده مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۱

۱- مشرکان دوران جاهلیت، معتقد به وجود دخترانی برای خداوند

و يجعلون لله البنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۳

۳- مشرکان عصر جاهلی، منکر عالم آخرت بودند.

للذین لایؤمنون بالآخره

این آیه، در سیاق آیاتی است که در مذمت مشرکان بود و این خود قرینه ای است بر اینکه مراد از <الذین>، مشرکانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۴

۴- مشرکان دوران جاهلیت، باورمند به خداوند علی رغم اسناد امور ناروا به او

و يجعلون لله ما یکرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - اعتقاد مشرکان عرب ، به محدود بودن قلمرو رسالت پیامبران الهی چون ابراهیم ، موسی و عیسی (ع) به امت ها و اقوام غیر ایشان

و أقسموا بالله .. لئن جاءهم نذیر لیکوننَّ أهدى من إحدی الأمم

از این که مشرکان، آمدن پیامبری ویژه برای خود را شرط ایمان خود برمی شمردند، می توان استفاده

کرد که آنان اعتقاد نداشتند که قلمرو ادیان الهی در گذشته شامل آنان نیز می شود؛ و گرنه این تقاضا لغو و غیر منطقی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۴۹ - ۲

۲ - عقیده مشرکان به وجود دختران برای خداوند

الرَّبِّكَ الْبَنَات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۵

۵ - عرب جاهلی ، خود بیزار از داشتن دختر ؛ ولی معتقد به وجود دختر برای خداوند

أَوْ مِنْ ... وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرَ مَبِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۹ - ۱،۷

۱ - مشرکان عصر جاهلیت ، معتقد به مؤنث بودن فرشتگان

و جعلوا الملائكة .. إِنثًا

۷ - نکوهش خداوند ، نسبت به باور های بی دلیل مشرکان جاهلی

و جعلوا الملائكة إِنثًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۳،۴

۳ - مشرکان عرب جاهلی ، معتقد به خداوند رحمان و مرتبت والای او در مقایسه با دیگر خدایان

و قالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم

از این که مشرکان، عبادت دیگر خدایان را در گرو مشیت خدای رحمان دانسته اند، مطلب بالا استفاده می شود.

۴ - مشیت الهی و نقش آن در عمل انسان ، مورد پذیرش مشرکان عصر جاهلی

و قالوا لو شاء الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۱ - ۲،۳

۲ - مزیت پسران بر دختران ، از عقاید عرب جاهلی

ألكم الذکر و له الأُنثی

۳ - اعراب جاهلی ، معتقد

به دختر بودن فرشتگان

أفریتم اللت و العزى . . ألكم الذکر و له الأثنى

از ارتباط میان آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان، فرشتگان را دختران خدا و بت ها را مظهري برای آنها می پنداشتند. بدین جهت اسامی مؤنث برای بت ها، (لات و...) برمی گزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، دارای پیشینه تاریخی در میان مردم عرب جاهلی

سمیتموها أنتم و ءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۳

۳ - شرک و بت پرستی ، اندیشه و مرام عرب جاهلی

يأيتها الناس . . إن الذين تدعون من دون الله

علاقه به رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۳،۶

۳ گریز از احکام الهی و گرایش به احکام جاهلی ، شیوه و منشی ناپسند

افحکم الجهلیه ییغون

۶ خواسته های نفسانی ، ریشه گرایش به احکام جاهلی

و لاتتبع اهواءهم . . افحکم الجهلیه ییغون

علايق مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۱

۱ - علاقه فراوان به مال ، از ویژگی های مردم در عصر جاهلیت

و تحبّون المال حبًّا جَمًّا

<جَمًّا>، به معنای زیاد بودن و انباشته شدن است. (مقایس)

عمل ناپسند در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۸

۸ شیوع کردار زشت، رفتار نکوهیده، ستمگری، شرک و افترا بر خدا در میان مردم

قل من حرم زینه الله .. إنما حرم ربی الفوحش ... و أن تقولوا علی الله ما لا تعلم

مراد از حصر در جمله <انما حرم .. > می تواند حصر حقیقی باشد. یعنی اساس محرّمات الهی منحصر در آن پنج امر ذکر شده است و دیگر محرّمات به این امور بازمی گردند. و نیز می تواند مراد از آن، حصر قلب، که از اقسام حصر اضافی است، باشد. این گونه حصر نظارت بر اعتقاد و روش مخاطب دارد و به هدف رد پندار و روش او و اثبات عکس آن ایراد می شود. یعنی زینتها و روزیهایی که شما تحریم کرده اید و از آن پرهیز دارید، حلال است و فواحش و ... حرام است.

عوامل اندوه مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۱

۱ - خشم و ناراحتی شدید عرب جاهلی ، به هنگام اطلاع یافتن از تولد فرزندی دختر برای او

و إذا بشر أحدهم .. و هو کظیم

عوامل بدعت در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۴

۱۴ جهالت و نارسائی عقل و اندیشه ، عامل رواج بدعت ها و افترا ها در جامعه کفرپیشه عصر جاهلی

و لكن الذین كفروا یفترون علی الله الكذب و اكثرهم لایعقلون

عوامل ذلت مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۲

۲ - پسر مایه سرور و مباحات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبنین .

و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظل وجهه مسوداً و هو

عوامل سرور مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۲

۲ - پسر مایه سرور و مباحات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبین . و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظل وجهه مسوداً و هو

عوامل غضب مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۷ - ۱

۱ - خشم و ناراحتی شدید عرب جاهلی ، به هنگام اطلاع یافتن از تولد فرزندی دختر برای او

و إذا بشر أحدهم . . . و هو کظیم

غصب ارث در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۱

۱ - مردم عصر جاهلیت ، با تصرف حق دیگران در میراث ، سهم آنان را ضمیمه سهم خویش می ساختند .

و تأکلون التراث أكلاً لما

<تراث> ، <ارث> و <میراث> به یک معنا است (لسان العرب). <لَمَّيًّا> مصدر و به معنای جمع کردن فراوان است (العین). <لَمَّمْتُ> یعنی ، ضمیمه ساختم (مصباح). <أکل> کنایه از تصرف کامل است؛ به گونه ای که چیزی از میراث باقی نماند. توصیف آن به مصدر (لَمَّيًّا)، برای مبالغه است؛ یعنی ، تصرفی که در کنار حق خود، به طور کامل فراگیر حق دیگران نیز باشد.

غصب مال یتیم در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۹

۹- تصرف بی جا در اموال یتیمان و حیف و میل آنها

، امری رایج و شایع در میان اعراب جاهلی

و لا تقربوا مال الیتیم

غفلت مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶ - ۶

۶ - مردم در آغاز بعثت و اجداد آنان در عصر جاهلیت ، در غفلت و بی خبری بسر می بردند .

ما أنذرءاباؤهم فهم غفلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که ضمیر <هم> به مجموع <قوم> و <آباء> باز گردد.

غلات حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۱،۲،۷

۱ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا یطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لا یطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۲ اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلو الله .. و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا یطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<هذه> اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه ۱۳۶ بیان گردیده است.

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما كانوا یفترون

فرار مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱

۱- متواری و مخفی

شدن مشرکان دختردار شده در دوران جاهلیت ، به خاطر شدت ناراحتی ناشی از خبر دختردار شدن

و إذا بشر أحدهم بالأنثى . . . يتوری من القوم من سوء ما بشر به

فرزند کشی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱،۲،۷

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر جاهلیت بوده است.

ساء ما يحكمون. و كذلك زين لكثير من المشركين قتل اولدهم

در آیه شریفه ترین کشتن فرزندان به <شركاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و . . . فرزندان خود را می کشتند.

۲ کشتن فرزند در نظر بسیاری از مشرکان عصر جاهلیت کاری زیبا و شایسته بوده است.

و كذلك زين لكثير من المشركين قتل اولدهم

۷ فرزند کشی در نظر گروهی از مشرکان عصر جاهلیت، علی رغم نظر بسیاری دیگر، کاری شایسته تلقی نمی شده است.

كذلك زين لكثير من المشركين قتل اولدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱،۶

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذين قتلوا اولدهم سفها بغیر علم

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزند کشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذين قتلوا اولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملامت و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۸

۱۸ رواج کشتار فرزندان به سبب فقر و تنگدستی در عصر جاهلی

و لا تقتلوا أولادکم من إملق

فرزندخواندگی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - در جاهلیت، فرزندخوانده شدگان، فرزند حقیقی تلقی می شدند.

و ما جعل أدياءکم أبناءکم

آیه، ناظر به واقعیتی موجود در عصر ظهور اسلام و باقی مانده از دوران جاهلی است. چنان که نوع مفسران، به آن تصریح کرده اند، آیه درباره زیدبن حارثه، پسرخوانده رسول الله (ص) نازل شده است.

۱۲ - فرزند حقیقی تلقی شدن فرزند خوانده شدگان، در عصر جاهلیت، خودساخته بود و منشأ الهی نداشت.

و ما جعل أدياءکم أبناءکم ذلکم قولکم بأفوهکم

فرزندکشی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۲

۲ - ترس از فقر و ناداری، عامل روی آوردن اعراب جاهلی به کشتن فرزندان خود

و لا تقتلوا أولادکم خشیه إملق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - شرک ، سرقت ، زنا ، فرزندکشی ، انتساب فرزند زنا به شوهران از جمله ناهنجاری های اعتقادی اخلاقی زنان عرب پیش از اسلام

أَنْ لَا يَشْرِكْنَ ... لَا يَسْرِقْنَ ... لَا يَزْنِينَ ... وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ

تصریح پیامبر(ص) و قرآن، به لزوم پرهیز زنان عرب از موارد یاد شده؛ بیانگر وجود چنین زمینه هایی در میان زنان عرب جاهلی است.

فرهنگ جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ لزوم مبارزه با فرهنگ جاهلی و ریشه کن ساختن آن

افحکم الجهلیه یبغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۸

۸ شیوع کردار زشت، رفتار نکوهیده، ستمگری، شرک و افترا بر خدا در میان مردم جاهلی

قل من حرم زینه الله .. . إنما حرم ربی الفوحش ... و أن تقولوا علی الله ما لا تعلم

مراد از حصر در جمله <انما حرم .. . > می تواند حصر حقیقی باشد. یعنی اساس محرمات الهی منحصر در آن پنج امر ذکر شده است و دیگر محرمات به این امور بازمی گردند. و نیز می تواند مراد از آن، حصر قلب، که از اقسام حصر اضافی است، باشد. این گونه حصر نظارت بر اعتقاد و روش مخاطب دارد و به هدف رد پندار و روش او و اثبات عکس آن ایراد می شود. یعنی زینتها و روزیهایی که شما تحریم کرده اید و از آن پرهیز دارید، حلال است و فواحش و ... حرام است.

فقر در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۸

۱۸ رواج کشتار فرزندان به سبب فقر و تنگدستی در عصر جاهلی

و لا تقتلوا أولدکم من إملق

فلسفه زیارت قبور در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۳

۳ - دیدار قبرستان ها برای شمارش مردگان قبیله ، پست ترین اقدام برخی قبایل عصر جاهلی ، در مقام اثبات برتری تعداد خویش بر قبایل دیگر

حتى زرتم المقابر

قيد > حتى

زرتم المقابره، ممکن است کنایه از مرگ باشد و شاید در معنای حقیقی دیدار گورستان به کار رفته باشد. در صورت دوم، ناظر به رفتاری است که درباره برخی اقوام عرب نقل شده است که کثرت افراد قبیله را، ملاک برتری دانسته و برای بالا بردن رقم آن، حتی مردگان خود را نیز شمردند.

قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

قربانی فرزندان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

قرعه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ حرمت تقسیم اشیا به وسیله تیرهای قمار، که نوعی قرعه کشی در عصر جاهلیت بوده است.

وَالْأَزْلَمِ رِجْسٍ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ

از رسول خدا(ص) در پاسخ سؤال از معنی <ازلام> در آیه فوق روایت شده: قد احهم التي يستقسمون بها.

قضاوت ناپسند مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۹،۱۰

۹- قرار دادن دختر برای خدا و پسر برای خود از سوی مشرکان ،

قضاوتی بس زشت و ناروا بود .

و يجعلون لله البنت سبحانه و لهم ما يشتهون . . . ألا ساء ما يحكمون

۱۰- تفاوت قائل شدن بین دختران و پسران از سوی مشرکان عصر جاهلی ، قضاوتی زشت و ناروا بود .

و يجعلون لله البنت سبحانه و لهم ما يشتهون . . . ألا ساء ما يحكمون

قوانین جاهلانه دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۹

۹ وضع مقررات جاهلانه و انتساب به خدا، ویژگی مشرکان عصر جاهلی

و جعلوا لله . . . و حرموا ما رزقهم الله افتراء على الله

کافران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۶،۷،۴،۲

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل الله . . . و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

۴ احکام ویژه بحیره (ماده شتری که پنجمین حمل مادر خویش باشد) از بدعت ها و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل الله من بحیره . . . و لكن الذين كفروا يفترون

لسان العرب معنای مذکور برای بحیره را از برخی لغویین نقل کرده است. در جاهلیت گوش چنین شتری را می شکافتند تا علامت آن باشد که نبایستی بر آن سوار شوند و از آب و چراگاهها او را منع کنند و نیز هرگز نباید به کشتن آن اقدام کنند.

۶ احکام ویژه وصیله (گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر باشد) بدعت و از افترا های

کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل الله من ... و لا وصیله و لكن الذین كفروا یفترون

در دوره جاهلیت اگر گوسفندی دو قلو می زائید که یکی از آن دو نر بود، ذبح آن را تحریم می کردند و همزاد آن را <وصیله> می نامیدند یعنی ماده گوسفندی که سرنوشت همزادش را به سرنوشت خود گره زد و سبب شد که بر آستان بتها ذبح نشود. امام صادق(ع) در توضیح معنای <وصیله> در آیه فوق فرمود: <ان اهل الجاهلیه كانوا اذا ولدت الناقه ولدین فی بطن قالوا: وصلت، فلا یستحلون ذبحها و لا اكلها

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۱۷ احکام ویژه حامی (شتر نری که از صلبش ده شتر به وجود آید) از بدعت ها و افترا های مردم جاهلی بر خداوند

ما جعل الله .. و لاحام و لكن الذین كفروا یفترون

اعراب جاهلی از سوار شدن بر شتر مذکور امتناع میورزیدند و آن را از هیچ آب و چراگاهی منع نمی کردند.

کشاوری در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۴

۴ کشاوری و دامداری از منابع درآمد مردم در عصر جاهلیت بوده است.

مما ذرأ من الحرث و الأنعم

کعبه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۶

۶ - کعبه ، حتی در عصر جاهلیت و سلطه شرک ، دارای شرافت و عظمت در پیشگاه خداوند

ألم تر کیف فعل ربك .. فجعلهم كعصف ما کول

گمراهی در جاهلیت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲ گمراهی آشکار مردم ، پیش از بعثت پیامبر (ص)

و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

۱۳ هواپرستی و رواج ضد ارزش ها ، جهل و محرومیت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)

يزكهم و يعلمهم الكتب و الحکمه و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

۱۵ یادآوری وضعیّت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت ، برانگیزنده توجه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ الله .. و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

جمله < ان كانوا .. > به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

گمراهی مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱۱، ۱۰

۱۰ مشرکان عصر جاهلی مردمی گمراه و به دور از هدایت بودند.

قد ضلوا و ما كانوا مهتدين

۱۱ مشرکان عصر جاهلی در گذشته نیز از آبشخور هدایت بهره مند نبودند.

قد ضلوا و ما كانوا مهتدين

گوشت قربانی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار عرب عصر جاهلیت

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

لات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۹ - ۴

۴ - < لات > و < عزی > در مرتبه بالاتر از < منات > ، در نزد عرب جاهلی *

أفراء یتیم اللّٰت و العزّٰی

از تقدیم < لات و عزی > و توصیف منات به < الثالثه > (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

مال دوستی مردم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۰ - ۱

۱ - علاقه فراوان به مال ، از ویژگی های مردم در عصر جاهلیت

و تحبّون المال حبًّا جَمًّا

<جَمًّا>، به معنای زیاد بودن و انباشته شدن است. (مقایس)

ماه های حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند .

الشهر الحرام بالشهر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۷

۷ پابندی عرب های جاهلی به تعداد ماه های حرام ، علی رغم جا به جا کردن آنها

لبواطئوا عده ما حرّم اللّٰه

مبارزه با رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۰

۱۰ - مبارزه اسلام با آداب و رسوم نادرست و خرافی عصر جاهلیت

و لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۰

۱۰ مبارزه اسلام با مظاهر شرک و بت پرستی و فرهنگ جاهلیت

حرمت علیکم ..

و ما ذبح على النصب و إن تستقسموا بالآلزم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۹،۱۰

۹ لزوم مبارزه با فرهنگ جاهلی و ریشه کن ساختن آن

افحکم الجهلیه یبغون

۱۰ از میان بردن فرهنگ و مقررات جاهلی حاکم بر جوامع ، از اهداف احکام و قوانین الهی

و إن احکم بینهم بما أنزل الله .. افحکم الجهلیه یبغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۲۱،۲۷

۲۱ - برخی از سنت های جاهلی ، به قدری در جامعه صدراسلام رخنه و نفوذ داشت که شکستن آن ، نیاز به اقدام عملی پیامبر (ص) با پشتیبانی خداوند داشت .

فلما قضی زید منها وطراً زوّجناها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزواج أذعیائهم

۲۷ - فلسفه ازدواج پیامبر (ص) با مطلقه پسرخوانده خویش ، شکستن سنتی جاهلی و هموار کردن راه برای دیگران بود .

زوّجناها لکی لایکون علی المؤمنین حرج فی أزواج أذعیائهم

مبانی رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۳

۳ - قوم گرایی ، پایه اصلی فرهنگ و اعتقاد عرب جاهلی

بل قالوا إنا وجدنا آباءنا علی أمه و إنا علی ءآثرهم مهتدون

از این که عرب های جاهلی تنها به عقاید نیاکان خویش تکیه می کردند و آن را موجب هدایت می دانستند، قوم گرایی آنان استفاده می شود.

محرمات جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۷

۷ برخی از تحریمهای ساختگی دوران

جاهلی همچنان در افکار مسلمانان صدر اسلام به جا مانده بود و در میان آنان رواج داشت.

قل من حرم زینه الله التي أخرج لعباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - حرمت استفاده از گوشت قربانی ، پندار عرب عصر جاهلیت

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

محرمات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۱،۲،۳،۴،۷

۱ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لا يطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۲ اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلوا الله .. و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<هذه> اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه ۱۳۶ بیان گردیده است.

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء

۴ مشرکان عصر جاهلیت سوار شدن بر برخی از چهارپایان را حرام می دانستند.

و أنعم حرمت ظهورها

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار

نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۲

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۲ خوردن از دامهایی که به گمان مشرکان عصر جاهلی سهم خدا و یا سهم دیگر معبود بود، از نظر آنان غیر مجاز شمرده می شد.

و قالوا هذه الأنعم و حرث حجر لایطعمها .. و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه

<هذه الأنعم> اشاره به چهارپایان خاصی است که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بود. از این آیه نیز که در مورد جواز خوردن جنین آن حیوانات است، تحریم اصل آن از دیدگاه مشرکان استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل الذکرین حرم أم الأئینین أما اشتملت علیه أرحام الأئینین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افتراءات مشرکان اشاره شده و آیه با <فذرهم و ما یفترون> پایان یافته و آیات بعد در مقام توبیخ و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۸

۸ آنچه را مشرکان عصر جاهلی حرام می شمردند، حتی در ادیان پیشین حرام نشده بود.

و علی الذین هادوا حرمانا

چون پس از یادآور شدن تحریمهای بی جای مشرکان عصر جاهلی به تاریخ تحریم برخی طبقات بر یهودیان اشاره شده است، می توان به این نکته پی برد که فلسفه یادآوری این جنبه تاریخی اثبات عدم مشابهت میان آن چیزی است که مشرکان بر خود تحریم کرده بودند و آنچه در ادیان الهی تحریم شده است.

محمد(ص) و رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۳ - ۵

۵ - آداب و رسوم عصر جاهلی برای پیامبر (ص)، کوبنده، آزاردهنده و کمرشکن بود.

الذی أنقض ظهرك

در آیه قبل، برای <وزر>، مصادیقی احتمالی ذکر شد که از جمله آنها، آداب و رسوم دوران جاهلیت بود. این احتمالات، گرچه شاهدهی قوی ندارد ولی ممکن است هدف از مطلق آوردن کلمه <وزر>، تعمیم آن به تمام مصادیق احتمالی باشد.

مرد در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۵

۵ مشرکان عصر جاهلی زن را موجودی پست و مرد را دارای برتری و شرافت بر آنها می دانستند. *

خالصه لذكورنا و محرم علی أزوجنا و إن یکن میته فهم فیه شركاء

حلیت جنین زننده برای مردان و حلیت جنین مرده برای زنان از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت، حکایت از نگرش آنان به زن دارد. زیرا تنها در صورت مرده به دنیا آمدن جنین خوردن آن را برای زنان مجاز

می شمردند.

مردسالاری در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۳،۷

۳- مردسالاری ، در دوران جاهلی بر خانواده ها سایه افکنده بود .

و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه .. يتوری من القوم من سوء ما بشر به أيمسکه

۷- مردان ، در دوران جاهلیت بر فرزندان خود ولایت و اختیار تام داشتند .

أيمسکه علی هون أم يدسه فی التراب

اینکه خداوند از تصمیم مشرکان درباره زنده نگه داشتن نوزادان دختر خود و یا در گور کردنشان سخن می گوید و کس دیگری را دخیل و معترض نمی داند، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

مسلمانان صدر اسلام و رسوم جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۱

۱۱ - مسلمانان صدر اسلام بر اساس سنت عصر جاهلی ، به هنگام حج از راه های متعارف به خانه ها وارد نمی شدند .

و لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

از اینکه مسلمانان مورد خطاب قرار گرفته اند، معلوم می شود: گروهی از آنان تا پیش از نازل شدن آیه شریفه، به این سنت پایبند بوده اند.

مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۷

۷- اهل کتاب و مشرکان در عصر جاهلیت ، خود را در انتظار پیام های مکتوب و پیراسته از باطل قلمداد می کردند که آن را

از رسولی الهی دریافت کنند .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ . رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

مَشْرُوكَانَ جَاهِلِيَّةٍ وَ قِيَامَتِ

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۲،۳

۲ شرک پیشگان عرب جاهلی ، مردمانی ناآشنا به جهان آخرت و حقایق روز بازپسین

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه و لما یأتهم تأویله

مراد از <ما لم یحیطوا بعلمه> به قرینه جمله بعد (و لما یأتهم تأویله) می تواند قیامت باشد. در این صورت، جمله <لم یحیطوا ...> بیانگر این است که: موضوع قیامت برای مشرکان عرب جاهلی موضوعی بی سابقه و نوی بود و آنان در گذشته نسبت به آن در بی خبری محض به سر می بردند.

۳ قیامت و روز بازپسین ، مورد انکار شرک پیشگان عصر بعثت

بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه

مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۶،۹

۶- انتساب دخترانی به خداوند از سوی مشرکان ، افترا و دروغی ساختگی است .

و یجعلون لله البنات سبحنه

۹- اظهار نظر مشرکان درباره دختر داشتن خداوند و فرزند دلخواه (پسر) داشتن خود ، مبتنی بر خواهش نفسانی بوده است .

و یجعلون لله البنات . . . و لهم ما یشتهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۲

۲- خبر دختردار شدن برای مشرکان ، خبری ناگوار و بد بود .

یتوری من القوم من سوء ما بشر به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- مشرکان دوران جاهلیت ، چیزهایی را به خداوند نسبت می دادند که برای خود ، خوش نداشتند .

و يجعلون لله ما يكرهون

مراد

از <يجعلون> (قرار می دهند) به قرینه آیات قبل (و يجعلون لله البنات) اسناد دادن و متصف کردن است.

۶- مشرکان علی رغم استناد امر ناخوشایند به خداوند، مدعی عاقبتی نیکو برای خود بودند.

و يجعلون لله ما يكرهون و تصف ألسنتهم الكذب أن لهم الحسنی

۷- ادعای خوش عاقبتی مشرکان برای خویش، ادعایی دروغ و دور از واقعیت

و تصف ألسنتهم الكذب أن لهم الحسنی

<أن لهم الحسنی> بدل برای <الكذب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۱۰، ۹، ۲، ۱

۱ قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی از آن برای شریکان موهوم او (مانند بت، جن و ..) از سنتهای مشرکان در عصر جاهلیت

و جعلو الله مما ذرأ .. فقالوا هذا لله

به قرینه آیه ۱۰۰ همین سوره (و جعلوا لله شركاء الجن)، از جمله عقاید موهوم مشرکان، شریک بودن جنیان با خداوند بوده است.

۲ سنت جاهلی مشرکان در قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای خدا و سهمی برای شریکان خیالی او، بی اساس و بر پایه گمان بوده است.

و جعلو الله مما ذرأ .. هذا لله بزعمهم

<زعم> به گمان و سخن بی اساس اطلاق می شود. (مصباح اللغه).

۹ مصرف سهم خداوند برای بتها و دیگر شریکان خیالی و مصرف نکردن سهم بتها برای خداوند، از داوریهایی ناپسند مشرکان عصر جاهلی بوده است.

فما كان لشركائهم .. ساء ما يحكمون

مراد از فعلهای <يصل> و <لايصل>، آن گونه که مفسران گفته اند، در مقام خبر از انشای مشرکان است. یعنی مشرکان آنچه را سهم خداوند تلقی می نمودند،

مصرفش را برای بتها (مانند مخارج بتکده و ...) مجاز می دانستند، ولی عکس آن را روا نمی شمردند.

۱۰ داوری زشت و غلط مشرکان جاهلی در مقایسه خدا با بتها و ترجیح بتها بر او

فما كان لشرکائهم .. ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱،۲،۷،۹

۱ فرزند کشی و قربانی برای شریکان پنداری خداوند، از سنتهای زشت مشرکان عصر جاهلیت بوده است.

ساء ما یحکمون. و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولدهم

در آیه شریفه ترین کشتن فرزندان به <شرکاء> نسبت داده نشده، لذا محتمل است مراد قربانی کردن فرزندان برای بتها باشد، گر چه اعراب جاهلی به انگیزه های دیگری نیز، مانند فقر، عار از دختر داشتن و .. فرزندان خود را می کشتند.

۲ کشتن فرزند در نظر بسیاری از مشرکان عصر جاهلیت کاری زیبا و شایسته بوده است.

و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولدهم

۷ فرزندکشی در نظر گروهی از مشرکان عصر جاهلیت، علی رغم نظر بسیاری دیگر، کاری شایسته تلقی نمی شده است.

کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولدهم

۹ تعیین سهمی در اموال برای خداوند و سهمی برای شریکان موهوم او و تجویز مصرف سهم خداوند برای شریکان، کارهایی زیبا و شایسته از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت

و جعلوا لله مما ذرأ من الحرث .. کذلک زین لکثیر من المشرکین

اسم اشاره <کذلک> به آیه قبل اشارت دارد و مفاد <کاف> تشبیه در آن، بیان شباهت ترین در این کار (قتل فرزند) با ترین در آیه قبل (تعیین سهام و ..) است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۳،۴،۵

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء

۴ مشرکان عصر جاهلیت سوار شدن بر برخی از چهارپایان را حرام می دانستند.

و أنعم حرمت ظهورها

۵ تعدد مشرکان عصر جاهلی به نبرد نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

و أنعم لا یندکرون اسم الله علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۲،۳،۴،۵،۱۰

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۲ خوردن از دامهایی که به گمان مشرکان عصر جاهلی سهم خدا و یا سهم دیگر معبود بود، از نظر آنان غیر مجاز شمرده می شد.

و قالوا هذه الأنعم و حرث حجر لا يطعمها .. و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه

<هذه الأنعام> اشاره به چهارپایان خاصی است که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بود. از این آیه نیز که در مورد جواز خوردن جنین آن حیوانات است، تحریم اصل آن از دیدگاه مشرکان استفاده می شود.

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا

و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

۴ خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

۵ مشرکان عصر جاهلی زن را موجودی پست و مرد را دارای برتری و شرافت بر آنها می دانستند. *

خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

حلیت جنین زنده برای مردان و حلیت جنین مرده برای زنان از دیدگاه مشرکان عصر جاهلیت، حکایت از نگرش آنان به زن دارد. زیرا تنها در صورت مرده به دنیا آمدن جنین خوردن آن را برای زنان مجاز می شمردند.

۱۰ قوانین و مقررات ساختگی مشرکان عصر جاهلی بی پایه و به دور از حکمت و جاهلانه بوده است.

و قالوا ما فی بطون . . . سیجزیهم وصفهم إنه حکیم علیم

جمله <إنه حکیم علیم> به منزله تعریض به کسانی است که بدون علم و حکمت به جعل احکام بر اساس تصورات خویش می پردازند، چنانکه مشرکان عصر جاهلیت این چنین بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ کشتن فرزندان (به عنوان قربانی) و تحریم روزیهای خداوند از سنتهای مشرکان عصر جاهلیت

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۹

۹ مشرکان عصر جاهلیت در اسارت گامها و راههای شیطان بودند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر . . . کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا

خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۷

۷ مشرکان عصر جاهلی فاقد هر گونه دلیل علم آور بر تحریمهای بی جای خود بودند.

قل الذکرین حرم... نبئونی بعلم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افتراءات مشرکان اشاره شده و آیه با <فذرهم و ما یفترون> پایان یافته و آیات بعد در مقام توبیخ و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۸

۸ آنچه را مشرکان عصر جاهلی حرام می شمردند، حتی در ادیان پیشین حرام نشده بود.

و علی الذین هادوا حرمانا

چون پس از یادآور شدن تحریمهای بی جای مشرکان عصر جاهلی به تاریخ تحریم برخی طبیات بر یهودیان اشاره شده است، می توان به این نکته پی برد که فلسفه یادآوری این جنبه تاریخی اثبات عدم مشابهت میان آن چیزی است که مشرکان بر خود تحریم کرده بودند و آنچه در ادیان الهی تحریم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۱،۵،۶

۱- چهره مشرکان دوران جاهلی ، به هنگام دریافت خبر دختردار شدن ، از شدت غضب و ناراحتی ، دگرگون می شد

و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظل وجهه مسوداً

۵- مشرکان ، با دریافت خبر دختردار شدن ، آکنده از اندوه می شدند و از شدت شرمندگی آن را بروز نمی دادند .

و إذا بشر أحدهم بالأنثى . . . و هو كظیم

<كظیم> در لغت، راه خروج نَفَس است و در حبس نفس و سکوت استعمال می شود و در آیه، مراد از <كظیم> کسی است که آکنده از اندوه است.

۶- مشرکان ، علی رغم نفرت از دختردار شدن ، آن را به خداوند نسبت می دادند .

و يجعلون لله البنت . . . و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظل وجهه مسوداً و هو كظیم

ملاك ارزشها در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۳

۳ سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقايه الحاج و عماره المسجد الحرام كمن ءامن بالله . . . و جهد في سبيل اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۵

۵- پذیرش امور از سوی طبقه اشراف ، ملاك ارزشی بودن آن امور در جامعه جاهلی

لو كان خيراً ما سبقونا إليه

ملائكه پرستی مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۰ - ۱

۱- فرشتگان ، مورد پرستش و احترام مشرکان عرب جاهلی

و قالوا .. ما عبدنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۴

۴ - پرستش فرشتگان ، سنتی دیرینه و آیینی سابقه

دار در تاریخ عرب جاهلی

بل قالوا إنا وجدنا آباءنا على أمة

واژه <أمة>، بیانگر آیین و مذهب است.

منابع اقتصادی دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۴

۴ کشاورزی و دامداری از منابع درآمد مردم در عصر جاهلیت بوده است.

مما ذراً من الحرث و الأنعم

منات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۹ - ۴

۴ - <لات> و <عزی> در مرتبه بالاتر از <منات>، در نزد عرب جاهلی *

أفرء یتیم اللّٰت و العزّٰی

از تقدیم <لات و عزی> و توصیف منات به <الثالته> (سومی)، مطلب بالا به استفاده می شود.

موقعیت والدین در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۱ - ۱۲

۱۲ جامعه جاهلی در عصر بعثت جامعه ای آلوده به شرک و بی اهتمام نسبت به پدران و مادران بود.

و بالولدین إحسنا

مهریه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - قرار دادن مهریه برای زنان ، از آداب همسری در میان عرب قبل از اسلام

و ءاتوهم ما أنفقوا

بیشتر مفسران مسأله انفاق در آیه شریفه را، به <مهریه> تفسیر کرده اند.

نجات از جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۲۲، ۲۱

۲۱ رهایی مردم از جاهلیت و گرایش آنان به اسلام ، از نعمت های بزرگ الهی

كذلك كنتم من قبل فمنّ الله عليكم

<منت> به معنای نعمت

بزرگ است.

۲۲ رهایی آدمی از گرایش های جاهلی در اختیار خدا و به مشیت اوست .

كذلك كنتم من قبل فمّن الله عليكم

نشانه های برتری قبیله در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۴

۴ - افزون تر بودن تعداد ، نشان برتری قبیله ای بر قبایل دیگر در فرهنگ جاهلی

ألهيكم التكاثر

آیه بعد، در یکی از احتمالات آن ناظر به ماجرای تفاخر دو قبیله از قریش، با یکدیگر است تا آن جا که به شمارش مردگان و اثبات فزونی افراد خود پرداختند. ارتباط آن با <تکاثر> در این آیه، بیانگر برداشت یاد شده است.

نظام خانواده در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۳

۳- مردسالاری ، در دوران جاهلی بر خانواده ها سایه افکنده بود .

و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظلّ وجهه .. يتوری من القوم من سوء ما بشر به أيمسكه

نفرت مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۲ - ۸

۸ - نفرت شدید مشرکان از بعثت رسول اکرم (ص) ، به رغم سوگند مؤکد قبلی خود مبنی بر ایمان به پیامبر برخاسته از میان نژاد آنان

و أقسموا بالله .. فلما جاءهم نذير ما زادهم إلا نفورًا

ورود به خانه دیگران در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۷ - ۷

۷- ورود ناگهانی و بدون سلام کردن و اذن خواستن ، به محل سکونت و خانه یکدیگر ،

از رسوم و اخلاق جاهلیت پیش از اسلام بود .

لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

وقف در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا یطعمها إلا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۳

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصة لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

ویژگیهای جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۶ - ۱

۱ اعراب جاهلی ، مردمانی بودند کوتاه نظر ، خرافاتی و پیرو موهومات .

فما لکم کیف تحکمون. و ما یتبع اکثرهم إلا ظناً

ویژگیهای مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۹

۹ وضع مقررات جاهلانه و انتساب به خدا، ویژگی

مشرکان عصر جاهلی

و جعلوا لله .. و حرموا ما رزقهم الله افتراء علی الله

هواپرستی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ هواپرستی و رواج ضد ارزش ها ، جهل و محرومیت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)
(

یزگیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

جایزه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جایزه

احکام جایزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۹

۹ جواز تعیین جایزه برای کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرم

نفقد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعیر

جایزه در دستگیری مجرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۹

۹ جواز تعیین جایزه برای کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرم

نفقد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعیر

جایزه در مسابقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۸

۸ مشروعیت ایجاد رقابت با تعیین جایزه

و لمن جاء به حمل بعیر

جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۵،۷

۵ یک بار شتر غله ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعیر

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود

از <آنا> در <و آنا به زعیم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جواز جایزه برای کشف جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۹

۹ جواز تعیین جایزه برای کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرم

نفقد صواع الملك و لمن جاء به حمل بعير

جبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جبر

آثار جبر گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۸

۸ جبر گرایی بهانه ای برای فرار از مسؤولیت است.

سيقول الذين أشركوا لو شاء الله ما أشركنا

آثار عقیده به جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۵ - ۱۷

۱۷- مشرکان مکه ، با اشاعه فکر جبر گرایی ، در صدد اثبات عبث بودن بعثت انبیا بودند .

و قال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. فهل على الرسل إلا

عبارت <فهل على الرسل إلا البلاغ المبین> پس از بیان اعتقادات مشرکان، می تواند جوابی برای آنان باشد؛ با این توضیح که مشرکان می خواستند با استناد ایمان و کفر به خداوند، بیان کنند که با چنین امری، جایی برای آمدن انبیا نیست و خداوند

با <فهل على الرسل.. > جواب آنان را می دهد که آمدن پیامبران، بیهوده نیست و برای ابلاغ پیام الهی است.

بطلان جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ انسان دارای اختیار در عقیده و عمل، و جبرگرایی اندیشه ای باطل

است.

كذلك كذب الذين من قبلهم حتى ذاقوا بأسنا قل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۲

۲- گرایش به ایمان و کفر ، متکی به اراده و تصمیم خود انسان است .

ءامنوا به أو لا تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷ - ۱۰

۱۰- مجبور کردن مردم بر ایمان آوری ، ناسازگار با هدف هستی و آزمون آنان است .

فلعلک بخع نفسک إنا جعلنا ما علی الأرض ... لنبلوهم

مطرح ساختن ابتلا و آزمایش انسان ها به عنوان فلسفه و هدف برای آفرینش زمین و موهبت های آن، اشاره به این نکته دارد که براساس این هدف و فلسفه، نمی توان مردم را بر ایمان مجبور کرد و نباید انتظار داشت که همه آنان در برابر دعوت پیامبران و منادیان هدایت، تسلیم شوند.

بی منطقی جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۵، ۱۳

۱۳ تمسک به مشیت الهی برای اثبات جبر فاقد بنیان علمی است.

هل عندکم من علم فتخرجوه لنا

۱۵ عقاید مشرکان در مورد مشیت الهی و استفاده جبر از آن، بنیادی جز گمان ندارد.

إن تتبعون إلا الظن و إن أنتم إلا تخرصون

بی منطقی جبر گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۲

۲ مشرکان جبرگرا فاقد هر گونه دلیل بر عقاید خویش هستند.

قل هم عندکم من علم .. فله الحججه البلغه

جبر تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ برخی از رخدادها، از پیش تعیین شده و غیر قابل تغییر و تحول است.

قضی الأمر الذی فیہ تستفتیان

جبر در رجعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۴

۴ - عدم وجود آزادی و اختیار برای کافران در صحنه < رجعت >

فهم یوزعون

جبر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ - قیامت، روز سلب اختیار از انسان

یوم... لا یتکلمون إلا من أذن له الرحمن

جبر محیط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۸

۸- تأثیر جامعه بر فرد، جبری و غیر قابل اجتناب نیست و حفظ سلامت اخلاقی در محیط کاملاً فاسد و آلوده، ممکن است.

و نَجِّينَهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ

برداشت یاد شده به خاطر این است که حضرت لوط(ع) توانسته بود در محیط آلوده و فاسد قومش، پاک و بی گناه بماند و سرانجام نجات یابد.

۳ محیط اجتماعی ، در عین تأثیر گذاشتن بر خصلت های روحی و گرایش های عقیدتی انسان ، از وی سلب اختیار و انتخاب نمی کند .

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً .. و من الأعراب من يؤمن بالله

تصریح به وجود مؤمنان راستین در میان اعراب بادیه نشین به دنبال بیان خصلت کفر ورزی و نفاق شدید آنان، می تواند
إشعار به مطلب

فوق داشته باشد.

جبر موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۸ - ۶

۶ - همه موجودات ، ناگزیر از اطاعت خداوند و تنها انسان دارای حق انتخاب آگاهانه

و النجم و الشجر يسجدان .. و وضع الميزان . ألا تطغوا في الميزان

خداوند، در آیات پیشین <نجم> و <شجر> را تسلیم بی چون و چرای فرمان حق شمرده و هستی را مسخر قوانین دانسته است. اما تنها از انسان می خواهد که خود با اختیار و انتخاب سر بر آستان معیارها بساید.

جبر و اختیار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ انسان موجودی مختار در اطاعت و معصیت خداوند

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۸، ۱۱

۱۱ انسان دارای اختیار در عقیده و عمل، و جبر گرایی اندیشه ای باطل است.

كذلك كذب الذين من قبلهم حتى ذاقوا بأسنا قل

۱۸ خداوند کسی را به پذیرش عقیده شرک مجبور نساخته است.

لو شاء الله ما أشركنا .. إن أنتم إلا تخرصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ اگر مشیت خداوند اجبار انسان بر هدایت بود، همگان را، بی استثنا، هدایت می کرد.

فلو شاء لهدیکم أجمعین

۹ سنت و مشیت خداوند بر هدایت و ضلالت جبری آدمیان قرار نگرفته است.

فلو شاء لهدیکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۹

انسان به خاطر استعداد های گسترده و شایستگی های ذاتی اش ، برتر از فرشتگان است .

للملئکه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۵

۱۵ - انسان ، دارای اختیار در انتخاب راه هدایت و یا گمراهی

فَأَمَّا يَا تَيْنِكُمْ مَنِّي هَدَى فَمَنْ اتَّبَعَ هَدَايَ

دلایل بطلان جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۳

۳ خداوند دارای دلایل و حجت‌های رسا بر نفی پندار جبر و عقاید شرک است.

قل فله الحجه البلغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۵

۵- برانگیختن انبیا در میان همه امت ها برای دعوت به توحید عبادی ، دلیل بطلان عقیده مشرکان به جبری بودن شرکشان

و قال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء . . . و لقد بعثنا في كل أ

آوردن عبارت <قد بعثنا..> پس از بیان کلام مشرکان درباره جبری بودن شرکشان، به منزله جواب برای آن است؛ با این بیان که اگر شرک خواست خداوند بود، نباید انبیا را مبعوث می کرد و حال آنکه آنان را برای هدایت برانگیخته است و این حکایت از بطلان عقیده آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- بعثت انبیا ، دلیلی روشن بر دروغ بودن ادعای مشرکان بر اینکه هدایت و گمراهی جبری است .

قال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. . ولقد بعثنا في كل أم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۸

۸- مبعوث شدن انبیا از سوی خداوند ، دلیل بطلان عقیده مشرکان ، در جبری انگاشتن اعتقاداتشان

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و ما أرسلنا من قبلك

احتمال دارد که آیه در صدد جواب گویی به مشرکان باشد که می پنداشتند مشیت خداوند آنان را به شرک عبادی وا داشته است (لو شاء الله ما عبدنا من دونه) که خداوند به آنان پاسخ می دهد: سنت خداوند در هدایت مردم برانگیختن انسانهایی جهت هدایتگری است و جبری در کار نیست.

رد جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۵

۵ - انسان ، موجودی مختار و توانا بر آزاد شدن از هرگونه جبر اجتماعی فرهنگی

و ما کان لنا علیکم من سلطان بل کنتم قومًا طغین

برداشت یاد شده از آن جا است که پیشوایان کفر، اجبار کردن مشرکان به گمراهی را از خود سلب کرده و خود آنان را مقصّر معرّفی خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۸

۸ - تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان ، امری مطلق ، قطعی و جبری نیست .

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست؛ بلکه فرزندان از هر خانواده

ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۵

۵ - انسان فرجام نیک یا بد را به خواست خود، انتخاب می کند و بر آن مجبور نیست.

فمن شاء اتَّخِذْ إِلَى رَبِّهِ مَا بَاءًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۵

۵ نفی اندیشه جبریگری و نیز تفکر تفویض صرف

اصابتکم مصیبه .. هو من عند انفسکم ... و ما اصابتکم ... فباذن الله

آیه مورد بحث و آیه قبل، شکست احد را هم وابسته به خود مسلمانان دانسته و هم اذن الهی را در آن شکست دخیل شمرده است؛ یعنی افعال بندگان در عین اینکه مستند به خود آنان است، خارج از خواست و اذن الهی نخواهد بود.

زمینه جبر گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۵

۵ برداشت نادرست از مفهوم مشیت الهی دستاویزی برای ابراز عقیده جبر است.

لو شاء الله ما أشركنا ولا ءاباؤنا

ممانعت از جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۴

۴ - پیشگیری خداوند از گسترش فضای کفر و بی اختیار شدن انسان ها و برهم خوردن زمینه های انتخاب

و لولا أن يكون الناس أمه وحده

مراد از <أمه واحده> شدن مردم، ممکن است تمایل یافتن آنان به کفر باشد.

نجات از جبر محیط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۵۷ -

۳- رهایی انسان از جبر محیط اجتماعی و نیز از پیامدهای سوء معاشرت با افراد فاسد و منحرف جامعه، در سایه ایمان به خدا و لطف و عنایت او، امری ممکن است.

و لولا نعمه ربّی لکننت من المحضرين

نفی جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۲

۲- ایمان و کفر جن، به اختیار و انتخاب خود آنان و نه معلول جبر

و من لایجب داعی الله

از سیاق این آیات که در آن جنیان تشویق و تهدید شده اند و اجابت و عدم اجابت به خود آنان نسبت داده شده است مطلب بالا استفاده می شود.

جبر و اختیار

{جبر و اختیار}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۳، ۱۲

۱۲ سُنَّتِ خداوندی، علی رغم ارسال انبیا، برای دعوت به ایمان و رفع اختلاف، اجبار آدمیان به ایمان و عدم اختلاف و کشتار نیست.

و لو شاء الله ما اقتتل الذین... و لکن اختلفوا

۱۳ آزادی انسان ها در انتخاب کفر و ایمان به رسالت انبیا، سُنَّتِ الهی

و لو شاء الله ما اقتتل... و لکن اختلفوا فمنهم من امن و منهم من کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ اختیاری بودن اعمال انسان ، مورد پذیرش او در قیامت

توَدَّ لو انَّ بینہا و بینہ امداً بعیداً

از اینکه انسان دوست دارد میان او و عملش فاصله باشد و نمی گوید

مجبور بودم، معلوم می شود که انسان می پذیرد اعمالش، اختیاری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۴

۴ جریان افعال ارادی بندگان به اذن خداوند

قل هو من عند انفسکم . . . و ما اصابکم ... فباذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ انسان ها در اعمال خویش نه مجبورند و نه رها و آزاد . (امر بین الامرین) .

من اتبع رضونه . . . باذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ مشیت خداوند بر هدایت جبری مردم قرار نگرفته است.

و لو شاء الله لجمعهم على الهدى

حرف <لو> برای امتناع است ؛ یعنی خدا این چنین هدایتی را نمی خواهد، در صورتی که مسلماً هدایت اختیاری و تشریحی را خداوند خواهان است، پس ناچار باید این هدایت، هدایت جبری باشد.

۱۰ خواست خداوند، آزادی و اختیار انسان در انتخاب راه هدایت است.

و لو شاء الله لجمعهم على الهدى

۱۱ انسان در انتخاب راه هدایت و ضلالت آزاد است.

فإن استطعت أن تبتغي . . . و لو شاء الله لجمعهم على الهدى

از اینکه خداوند می فرماید اگر هر گونه معجزه بیاید ایمان نمی آورند و اگر خداوند می خواست می توانست هدایت کند، معلوم می شود که انسان در انتخاب راه آزاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۸

۸ هدایت و گمراهی انسان تحت اراده

خداوند است.

فمن یرد الله أن یهدیه . . . و من یرد أن یضله یجعل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ انسانها خود رقم زننده سرنوشت خویش هستند.

و کذلک نولی . . . بما کانوا یکسیون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۱۵

۱۵ اختیار تکوینی انسان در انتخاب مسیر شرک و توحید

و لو شاء الله ما فعلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۷

۷ انسان ها و جنیان دارای نقشی مؤثر در تعیین فرجام و سرنوشت خویش (دوزخی شدن و یا رهایی از آن)

لهم قلوب لایفقهون بها . . . و لهم ءاذان لایسمعون بها

جمله <لایفقهون بها> و نظایر آن می رساند که گمراهان به دلیل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادی گمراهی گرفتار شده اند و بنابراین خود مقصر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۱،۲

۱ هدایت و ضلالت مردم در اختیار خدا و به دست اوست .

من یضلل الله فلا هادی له

۲ کسانی را که خداوند به ضلالت کشاند، هیچکس و هیچ چیز قادر بر هدایت آنان نیست.

من یضلل الله فلا هادی له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۴

۴ انسان در افعال خویش نه مستقل از اراده خداوند است و نه از سوی او مجبور به انجام افعال خویش

و ما رمیت إذ

رمیت و لکن الله رمی

چون از یکسو فعل پیامبر(ص) به خود او استناد داده شده و از سوی دیگر همان فعل به خداوند نسبت داده شده است، معلوم می شود انسان در انجام افعال، نه از استقلال کامل برخوردار است و نه مجبور به انجام افعال خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ کردار آدمیان، خارج از مشیت خداوند تحقق نخواهد پذیرفت.

و الله بما يعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار و کردار انسانها، خارج از اراده و مشیت خداوند نیست.

إن ربی بما تعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۱،۲

۱ مشیت خداوند بر آن نیست که انسان ها را در پذیرش دین حق مضطر و مجبور کند.

و لو شاء ربك لجعل الناس أمة وحده

مراد از <مشیت> در آیه فوق، مشیت تکوینی است که ملازم جبر و اکراه می باشد و مقصود از اتفاق همگان و تشکیل امت واحده به قرینه <إلا من رحم> در آیه بعد اتفاق به کلمه حق و دین الهی است. بنابراین <لو شاء...> یعنی، اگر خداوند اراده می کرد که همه انسانها به اتفاق دین حق را بپذیرند، چنین می شد، ولی خداوند چنین نخواسته؛ بلکه خواسته است تا مردم از روی اختیار به حق گرایش پیدا کنند.

۲ مشیت خداوند بر آن نیست که با جبر و اکراه، مردمان را بر محور حق گرد آورد

و از آنان امتی واحد بسازد .

و لو شاء ربك لجعل الناس أمة وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ جوامع بشری در رقم زدن سرنوشت خویش نه مستقل از اراده خداوندند و نه مجبور از ناحیه او

إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

جمله <إن الله لا یغیر ما بقوم> تغییر دهنده و از میان برنده را خدا می داند و عبارت <حتی یغیروا ما بأنفسهم> انسانها را در رقم زدن سرنوشت خویش دخیل می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۲

۲ گروهی از موجودات از سر طاعت و به دلخواه بر خدا سجده می کنند و گروهی ناخواسته و برخلاف تمایل خویش .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض طوعاً و کرهً

<طوع> و <کره> مصدرند و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل (طائعین) و (کارهین) می باشد. <طائع> به کسی یا چیزی گفته می شود که کاری را از روی تمایل انجام دهد و <کاره> به کسی و یا چیزی می گویند که عملی را بدون تمایل و از روی کراهت به ثمر رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۷

۷- آدمی در کردار و عمل خویش ، مختار و آزاد است .

الذین یستحبون الحیوه الدنیا علی الآخره .. أولئک فی ضلل بعید

در تعریف <اختیار> گفته اند: اختیار، توان و قدرت بر تصمیم گیری است. اینکه در آیه آمده است: آنان که تصمیم بر ترجیح دنیا بر آخرت

می گیرند، در گمراهی هستند، حکایت از اختیار آدمی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۸

۱۸- مستکبران ، در قیامت ، گمراهی خود را جبری و معلول خواست خداوند معرفی می کنند .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

<لو> حرف شرط امتناعی است و مقدم قضیه را ممتنع می کند. بنابراین مفهوم عبارت چنین می شود اگر خداوند ما را هدایت می کرد و محال است که چنین بکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۹،۱۰

۹- دعوت و القای شیطان از انسان سلب اختیار نمی کند و او مسؤول اعمال خویش خواهد بود .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

۱۰- تلاش شیطان برای گمراهی و اغوای انسان ها ، محدود به دعوت و القاست ، نه غلبه و اجبار

و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

<سلطان> اسم مصدر <سلط> و به معنای قهر و غلبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۲ - ۲

۲- ابلیس ، هیچ گونه سلطه ای بر بندگان خداوند ندارد و نمی تواند آنان را به اجبار به گمراهی بکشاند .

إن عبادی لیس لک علیهم سلطن

<سلطان> دست یافتن به چیزی از طریق قهر و اجبار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- انسان ، در برابر محیط اجتماعی و عوامل تأثیرگذار ، مجبور نیست و در تعیین سرنوشت خویش

مختار است .

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرين

خداوند، همسر لوط(ع) را به خاطر اینکه همنشین قوم بدکار لوط بود، عذاب کرد. این می رساند که همسر لوط(ع) در همنشینی و یا ترک آن آزاد بود و می توانست خود را از آلوده شدن نجات دهد و گرنه عذاب وی غیر معقول و به دور از اقتضای حکمت خداوند حکیم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹ - ۸

۸- انسان در پذیرش مسیر زندگی آزاد است و خواست خداوند بر هدایت جبری او تعلق نگرفته است .

و لو شاء لهدیکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۱۳

۱۳- انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، چیزی بود که خود منکران آن را برگزیدند و خداوند آنان را بر آن وادار نکرد .

كذلك فعل الذین من قبلهم و ما ظلمهم الله و لكن كانوا أنفسهم یظلمون

این برداشت، مبتنی بر این احتمال است که مراد از ظلم به نفس، انحراف از مسیر حق باشد که خداوند آن را به منحرفان اسناد می دهد و نقش خود را نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۵ - ۱۵، ۱۳

۱۳- انسان ها در پذیرش دین و یارد آن ، مختارند .

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . فهل علی الرسل إلا ا

آوردن عبارت <فهل علی الرسل إلا البلاغ> در پایان آیه، می تواند جواب ادعای مشرکان درباره جبری بودن عقیده شان باشد^۲ به

این صورت که خداوند در جواب آنان می فرماید: پیامبران فقط برای ابلاغ پیام خداوند فرستاده شده اند و جبری در کار نیست.

۱۵- وظیفه همه انبیای الهی ، تنها ابلاغ پیام خداوند به صورت روشن و صریح بوده است و نه اجبار مردم به قبول آن .

فهل على الرسل إلاّ البليغ المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۹

۹- بنای خداوند ، در هدایت مردم ، استفاده از قدرت قاهره و مجبور ساختن آنان نیست .

لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شيء .. و ما أرسلنا من قبلك إلاّ رجالاً نوحى إل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۲

۲- وظیفه پیامبر (ص) ، تنها ابلاغ پیام الهی به انسان ها بود و نه اجبار مردمان به پذیرش آن پیام .

فإنما عليك البليغ المبين

حصر در آیه فوق (فإنما عليك ..) حصر اضافی بوده و نسبت به اجبار و اکراه سنجیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۳ - ۸

۸- هدایت و گمراهی انسان ها توسط خداوند ، تابع خواست و انتخاب خود آنان است .

يضلّ من يشاء و يهدى من يشاء

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که فاعل <يشاء>، ضمیری باشد که به <من> برگردد و با فاعل <يضلّ> متحد نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۳

۳- راهیابی به هدایت ، نیازمند خواست خود انسان و بسته به اختیار اوست

إن الذين لا يؤمنون بأيت الله لا يهديهم الله

از <لایؤمنون> استفاده می شود: آنان که نمی خواهند ایمان بیاورند از لطف و هدایت الهی محرومند؛ پس راهیابی به لطف و هدایت او مشروط به خواست خود انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در انتخاب راه هدایت یا گمراهی مختار است .

من اهتدی فإنما يهتدى لنفسه و من ضلّ فإنما يضلّ عليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۸ - ۴

۴- انسان ها ، حتی در برابر اعمال ناپسند و مورد نفرت خداوند ، آزادی و اختیار عمل دارند .

كلّ ذلك كان سيئه عند ربك مكروهاً

از اینکه خداوند، پس از برشمردن کارهای زشت، از آنها نهی کرده و سپس فرموده است: <سیئه عند ربك مکروهاً> به دست می آید که منفور خداوند بودن باعث جلوگیری تکوینی از وقوع آنها به دست بشر نمی کند. و این، خود حکایت از اختیار عمل انسان می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۳

۳- هدایت و گمراهی انسان به دست خداوند است .

من يهد الله فهو المهتد و من يضلل فلن تجد لهم أولياء من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۳

۳- انتخاب راه کفر یا ایمان ، پس از ابلاغ و تبیین تعالیم دین ، با خود مردم است .

و قرءاناً فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث . . قل ءامنوا به أولاتؤمنوا

ذکر > قل ءامنوا به

أو لا تؤمنوا > پس از بیان فلسفه نزول تدریجی قرآن و تبیین حق و باطل برای مردم، می تواند بیانگر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۹

۹- انتخاب راه ، براساس اختیار و آگاهی ، از هدف های ارائه قرآن به انسان و ایجاد شرایط مناسب برای زندگی وی در زمین است .

لم يؤمنوا بهذا الحديث .. جعلنا ما على الأرض زينة لها لنبلوهم

در آیه قبل، خداوند، پیامبر(ص) را از پافشاری بی حد برای ایمان آوری مردم به قرآن، بازداشته است و در این آیه، بیان می دارد که دنیا و جلوه های آن، برای آزمایش انسان ها برپا شده است، بنابراین، خداوند، گرچه قرآن را مایه آگاهی انسان قرار داده، ولی نمی خواهد او را بر پذیرش آن اجبار کند، بلکه می خواهد که او با آگاهی کامل و با اختیار خود، در این آزمون شرکت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۷ - ۱۵

۱۵- هدایت یافتن و گمراه شدن آدمی ، به اراده خداوند است .

من يهد الله فهو المهتد و من يضلل فلن تجد له وليًا مرشدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۴

۴- کردار انسان ها ، مقهور خواست خداوند و مستند به خود ایشان است .

إِنِّي فاعل .. إلا أن يشاء الله

چنان چه کسی بگوید: <به خواست خداوند، من، در آینده، چنین کاری را انجام خواهم داد> براساس آیه شریف گفتاری صحیح و مُجاز،

به زبان آورده است. بنابراین، خواست خداوند، مانع استناد کار به خود انسان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۷

۷ - تلاش اغواگرانه به اعتقاد پیشوایان شرک تنها دعوت و فراخوانی است نه اجبار و سلب کردن اختیار از دیگران

أغوينهم كما غوينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۶

۶ - مستضعفان در قیامت، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد.

إذ تأمرونا أن نكفر بالله و نجعل له أندادًا

کاربرد فعل <تأمرونا> (از ماده <أمر> و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه، مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۴

۴ - انسان، موجودی مختار و در برابر تمامی تلاش ها و رفتارهایش، مسؤول است.

اليوم تجزي كل نفس بما كسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - انتخاب آزادانه راه انحراف، منتهی به گمراهی و کج روی اجتناب ناپذیر

أفريت من اتخذ إلهه هويه و أضله الله على علم

بطلان جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۲

۲- گرایش به ایمان و کفر ، متکی به اراده و تصمیم خود انسان است .

ءامنوا به أو لا تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

۱۰- مجبور کردن مردم بر ایمان آوری، ناسازگار با هدف هستی و آزمون آنان است.

فلعلک بخع نفسک .. إنا جعلنا ما علی الأرض ... لنبلوهم

مطرح ساختن ابتلا و آزمایش انسان ها به عنوان فلسفه و هدف برای آفرینش زمین و موهبت های آن، اشاره به این نکته دارد که براساس این هدف و فلسفه، نمی توان مردم را بر ایمان مجبور کرد و نباید انتظار داشت که همه آنان در برابر دعوت پیامبران و منادیان هدایت، تسلیم شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ انسان دارای اختیار در عقیده و عمل، و جبرگرایی اندیشه ای باطل است.

كذلك كذب الذين من قبلهم حتى ذاقوا بأسنا قل

جبر و اختیار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ انسان موجودی مختار در اطاعت و معصیت خداوند

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۸ - ۱۱، ۱۸

۱۱ انسان دارای اختیار در عقیده و عمل، و جبرگرایی اندیشه ای باطل است.

كذلك كذب الذين من قبلهم حتى ذاقوا بأسنا قل

۱۸ خداوند کسی را به پذیرش عقیده شرک مجبور نساخته است.

لو شاء الله ما أشركنا .. إن أنتم إلا تخرصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۶،۹

۶ اگر مشیت خداوند اجبار انسان بر هدایت بود، همگان را، بی استثنا، هدایت می کرد.

فلو

شاء لهديکم أجمعين

۹ سنت و مشيت خداوند بر هدايت و ضلالت جبری آدميان قرار نگرفته است.

فلو شاء لهديکم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۶ - ۹

۹ - انسان به خاطر استعداد های گسترده و شايستگی های ذاتی اش ، برتر از فرشتگان است .

للملئکه اسجدوا لأدم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۵

۱۵ - انسان ، دارای اختيار در انتخاب راه هدايت و يا گمراهی

فإِذَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ

دلایل بطلان جبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۵

۵- برانگیختن انبيا در میان همه امت ها برای دعوت به توحيد عبادی ، دليل بطلان عقیده مشرکان به جبری بودن شرکشان

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و لقد بعثنا فی کلّ أ

آوردن عبارت <قد بعثنا..> پس از بیان کلام مشرکان درباره جبری بودن شرکشان، به منزله جواب برای آن است که با این بیان که اگر شرک خواست خداوند بود، نباید انبيا را مبعوث می کرد و حال آنکه آنان را برای هدايت برانگیخته است و این حکایت از بطلان عقیده آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- بعثت انبیا ، دلیلی روشن بر دروغ بودن ادعای مشرکان بر اینکه هدایت و گمراهی جبری است .

قال الذین أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و لقد بعثنا فی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۸

۸- مبعوث شدن انبیا از سوی خداوند ، دلیل بطلان عقیده مشرکان ، در جبری انگاشتن اعتقاداتشان

و قال الذین أشرکوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شیء . . . و ما أرسلنا من قبلك

احتمال دارد که آیه در صدد جواب گویی به مشرکان باشد که می پنداشتند مشیت خداوند آنان را به شرک عبادی وا داشته است (لو شاء الله ما عبدنا من دونه) که خداوند به آنان پاسخ می دهد: سنت خداوند در هدایت مردم برانگیختن انسانهایی جهت هدایتگری است و جبری در کار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۳

۳ خداوند دارای دلایل و حجت‌های رسا بر نفی پندار جبر و عقاید شرک است.

قل فله الحجه البلغه

رد جبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۵

۵ نفی اندیشه جبریگری و نیز تفکر تفویض صرف

اصابتکم مصیبه . . . هو من عند انفسکم . . . و ما اصابتکم . . . فباذن الله

آیه مورد بحث و آیه قبل، شکست احد را هم وابسته به خود مسلمانان دانسته و هم اذن الهی را در آن شکست دخیل شمرده است ؛ یعنی افعال بندگان در عین اینکه مستند به خود آنان است، خارج از خواست و اذن الهی نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۵

از هر گونه جبر اجتماعی فرهنگی

و ما کان لنا علیکم من سلطان بل کنتم قومًا طغین

برداشت یاد شده از آن جا است که پیشوایان کفر، اجبار کردن مشرکان به گمراهی را از خود سلب کرده و خود آنان را مقصّر معرّفی خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۸

۸ - تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان ، امری مطلق ، قطعی و جبری نیست .

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست؛ بلکه فرزندان از هر خانواده ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۵

۵ - انسان فرجام نیک یا بد را به خواست خود ، انتخاب می کند و بر آن مجبور نیست .

فمن شاء اتّخذ إلی ربّه ما بآ

جبرئیل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۸

۱۸ خطاب جبرئیل به حضرت ابراهیم ، در عرفات : < اعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک > سبب نامگذاری عرفات به این

نام

فاذا افضتم من عرفات

امام باقر (ع) و امام صادق (ع): .. فقال <جبرئيل> هذه عرفات، فاعرف بها مناسكك و اعترف بذنبك فسَمي عرفات

كافي، ج ٤، ص ٢٠٧، ح ٩؛ علل الشرايع، ج ٢، ص ٤٣٦، ح ١،

ب ۱۷۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۶

۶ اعطای نشانه های روشن از جانب خداوند ، به عیسی بن مریم (ع) و تأیید او به روح القدس (جبرئیل)

و اتینا عیسی ابن مریم البینات و ایدناه بروح القدس

آثار دشمنی با جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۹

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من كان عدواً لله .. و جبریل و میکل فإن الله عدو للكفرین

از مصداقهای <الكافرين> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

آثار رؤیت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۳

۳ - عقل سالم پیامبر (ص) و مشهود بودن جبرئیل برای آن حضرت در فضایی روشن ، تضمین کننده دریافت صحیح قرآن از

فرشته وحی

و ما صاحبکم بمجنون . و لقد رءاه بالأفق المین

ابراهیم(ع) و جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۸

۱۸ خطاب جبرئیل به حضرت ابراهیم ، در عرفات : < اعراف بها مناسکک و اعترف بذنبک > سبب نامگذاری عرفات به این نام

فاذا افضتم من عرفات

امام باقر (ع) و امام صادق (ع): .. فقال < جبرئیل > هذه عرفات، فاعرف بها مناسکک و اعترف بذنبک فسَمی عرفات

کافی، ج ۴، ص ۲۰۷، ح ۹؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶، ح ۱، ب ۱۷۳.

اطاعت از جبرئیل

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۱،۳

۱ - فرمان های جبرئیل ، تخلف ناپذیر است و کسی از اطاعت او سرپیچی نمی کند .

مطاع

۳ - هر آنچه در سیطره عرش خداوند است (تمام هستی) ، به فرمان جبرئیل گردن می نهد .

عند ذی العرش مکین . مطاع

مقید نشدن <مطاع> به طائفه ای خاص و نیز توصیف خداوند به <ذی العرش> در بیان جایگاه ویژه جبرئیل نزد او، گویای آن است که فرمان روایی جبرئیل بر تمام عرشیان و در نتیجه تمام هستی، فراگیر است.

امانت داری جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۴

۴- جبرئیل ، موجودی مقدس و منزّه از دخل و تصرف در آیات الهی

قل نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ

با توجه به اینکه <قدس> به معنای طهارت و پاکی است، ملقب شدن جبرئیل به <روح القدس> می تواند برای اعلام پاک بودن او از دخل و تصرف در آیات الهی باشد.

امانتداری جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - فرشته وحی ، پیکی امین در ابلاغ پیام خدا به پیامبران

فیوحی یاذنه ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - جبرئیل در پیشگاه خداوند ، فرشته ای امین و به دور از خیانت در انجام دادن رسالت های خویش

ثَمَّ أَمِين

<ثَمَّ> اسمی است که برای اشاره به مکان دور یا با عظمت به کار می رود. و در آیه شریفه،

اشاره به مکانی است که <عند ذی العرش> بر آن دلالت داشت.

۵- جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص)، امانت داری قابل اعتماد و به دور از هرگونه دخل و تصرف در آن بود.

إِنَّه لَقَوْلُ رَسُولٍ .. أَمِينٍ

انقیاد جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۳

۳- جبرئیل، نه از سر خود بلکه به اذن خدا و فرمان او، قرآن را بر پیامبر (ص) فرود آورد.

فَإِنَّه نَزَّلَهُ عَلٰی قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللّٰهِ

برتری انبیا از جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۵

۵- برتری رسولان الهی بر فرشتگان حتی بر جبرئیل و میکائیل *

من كان عدواً لله و ملتكته و رسله و جبريل و ميكل

چنانچه گذشت ذکر بخصوص جبرئیل و میکائیل از میان سایر فرشتگان حکایت از برتری این دو فرشته دارد و تقدیم ذکری <رسله> بر <جبریل و میکال> اشاره به به برتری بر جبرئیل و میکائیل دارد.

بشارتهای جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۲

۲- مأمور ویژه الهی با بشارت فرزند به مریم (س)، خود را مأمور بخشیدن پسری پاک نهاد به وی معرفی کرد.

قال إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا

اسناد <هبه فرزند> به جبرئیل به خاطر وساطت او در بخشش الهی است. <زکّی> از ریشه <زکاء> به معنای صلاح گرفته شده است (مصباح). <تزکیه> و <زکاه> در معانی <طهارت> و <نمّو> و <برکت>

و <مدح> استعمال دارد و در هر مورد، معنای مناسب آن مورد نظر است. طهارت و صلاح کودک به شایستگی های ذاتی او است.

پرسش از جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۳

۳- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندى بدون پدر آگاه سازد .

قالت أنى يكون لى علم و لم يمسنى بشر و لم أك بغياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۲

۲- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال كذلك

چنان چه مشارالیه <ذلك> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است؛ یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

تجسم جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۱۴

۱۴- <قال الباقر (ع) : إنَّها (مریم) بشرت بعیسی فینا هی فی المحراب إذ تمثّل لها الروح الأمين بشراً سوياً؛

امام باقر(ع) فرمود: همانا او (مریم) به ولادت عیسی(ع) بشارت داده شد، پس در حالی که در محراب بود، ناگهان روح الامین به شکل انسانی کامل اندام بر او ظاهر گشت.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۳

۳- تجلی جبرئیل ، برای پیامبر (ص) در سیمای واقعی خویش به هنگام تعلیم وحی

ذو مَرّه فاستوی

برخی از مفسران درباره معنای

<فاستوی> گفته اند: مراد، ظاهر شدن فرشته وحی به شکل اصلی آن، برای پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۵

۵ - ظهور جبرئیل با سیمای اصلی خود، بر پیامبر (ص) در افق بالای آسمان *

فاستوی . و هو بالأفق الأعلى

تدبیر جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۱

۱ - جبرئیل ، فرشته ای صاحب کمال عقل و درایت

ذو مرّه فاستوی

یکی از معانیی که واژه <مرّه> بر آن اطلاق می شود، <عقل> است. نکره آمدن <مرّه> نیز برای تفخیم و به تقدیر <ذو مرّه کامله> است.

تعالم جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۲

۲ - روی آوردن جبرئیل به سوی پیامبر (ص) ، جهت تعلیم قرآن به آن حضرت

عَلَّمَهُ شَدِيدَ الْقُوَى .. فاستوی

برداشت یاد شده بر این اساس است که متعلق <استوی> حذف شده و تقدیر آن <فاستوی إلیه> می باشد (آهنگ پیامبر کرد).

تقدس جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- جبرئیل ، موجودی مقدس و منزّه از دخل و تصرف در آیات الهی

قل نزله روح القدس من ربك

با توجه به اینکه <قدس> به معنای طهارت و پاکی است، ملقب شدن جبرئیل به <روح القدس> می تواند برای اعلام پاک بودن او از دخل و تصرف در آیات الهی باشد.

تنزیه جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- جبرئیل ، موجودی مقدس و منزّه از دخل و تصرف در آیات الهی

قل نزله روح القدس من ربّك

با توجه به اینکه <قدس> به معنای طهارت و پاکی است، ملقب شدن جبرئیل به <روح القدس> می تواند برای اعلام پاک بودن او از دخل و تصرف در آیات الهی باشد.

جایگاه جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۳

۳ - جایگاه جبرئیل ، در برترین مرتبه و افق هستی قرار دارد .

و هو بالأفق الأعلى

جبرئیل از عالم امر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۶

۶ - جبرئیل ، موجودی از عالم امر *

أوحينا إليك روحًا من أمرنا

قید <من أمرنا> می تواند برای بیان این نکته باشد که <روح>، آفریده ای از عالم بالا و فرشته ای از عالم امر است.

جبرئیل در افق اعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۵

۵ - ظهور جبرئیل با سیمای اصلی خود ، بر پیامبر (ص) در افق بالای آسمان *

فاستوی . و هو بالأفق الأعلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۳ - ۲

۲ - جبرئیل ، برای نشان دادن خود به پیامبر (ص) از افق اعلی بر آن حضرت نازل شد .

و هو بالأفق الأعلى . . . و لقد رءاه نزلهُ أُخرى

به کارگیری <نزله> از ریشه <نزول> (فرود آمدن) نشان می دهد که رؤیت جبرئیل، در صورتی

بود که او از مقام خود پایین بیاید و خود را به پیامبر(ص) برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را در چشم انداز افق و کناره ای از جهان هستی دیده بود .

و لقد رءاه بالأفق

<أفق>، به معنای مقدار ظاهر و آشکار از ناحیه های فلک و کناره های زمین است (لسان العرب). فاعل <رأى> ضمیر <صاحبکم> است و ضمیر مفعولی <رءاه> به <رسول> در آیات پیشین برمی گردد.

جبرئیل در سدره المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را بار دیگر در کنار <سدره المنتهی> مشاهده کرد .

و لقد رءاه نزله أخرى . عند سدره المنتهی

۳ - > سئل عبدالله بن مسعود ، > و لقد رآه نزله أخرى قال : قال رسول الله رأیت جبرئیل عند سدره المنتهی ;

از عبدالله بن مسعود درباره <و لقد رآه نزله أخرى> سؤال شد، او گفت: رسول خدا(ص) فرمود: جبرئیل را در نزد <سدره المنتهی> دیدم .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۲

۲ - تأثیر حضور جبرئیل بر <سدره المنتهی> ، به هنگام نشان دادن خود به پیامبر (ص)

إذ یغشی السدره ما یغشی

به کار رفتن واژه <إذ> نشان می دهد که <سدره المنتهی>، همیشه غرق در آن پوشش نبوده؛ بلکه به هنگام حضور جبرئیل چنان ویژگی را می یافت.

آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۷ - ۲

۲ - ره نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف در مشاهدات قلبی پیامبر (ص)، در دیدن جبرئیل در < سدره المنتهی >

ما زاغ البصر و ماطنی

مراد از <البصر> در آیه شریفه به قرینه <ماکذب الفؤاد ما رأى> دیده دل است؛ و نه چشم سر.

جبرئیل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۲

۲ - فرشتگان و جبرئیل، کار گزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الملكة و الروح إلیه

جبرئیل و عجز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۲

۲ - جبرئیل، به دور از هرگونه نقص و ناتوانی در ابلاغ پیام خداوند به پیامبر (ص)

ذی قوه

مراد از <قوه> ممکن است نیروی لازم برای انجام رسالت باشد. در این صورت به معنای فراموش کار نبودن و توانمندی جبرئیل بر دریافت کامل قرآن و حفاظت از آن، تا مرحله رساندن به پیامبر(ص) است.

جبرئیل و عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۸

۸ جبرئیل (ع) ، پشیمان عیسی (ع) ، از جانب خداوند

اذ یدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کھلا

جمله <تکلم ..> می رساند که سخنان و تعالیم عیسی(ع) در دوران حیات خویش برخاسته از کمکها و وساطت روح القدس بوده است و چون ابلاغ وحی به تمامی پیامبران توسط جبرئیل انجام گرفته می توان گفت: روح القدس همان جبرئیل است.

جبرئیل

و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۲

۲ - جبرئیل ، به دور از هرگونه نقص و ناتوانی در ابلاغ پیام خداوند به پیامبر (ص)

ذی قوه

مراد از <قوه> ممکن است نیروی لازم برای انجام رسالت باشد. در این صورت به معنای فراموش کار نبودن و توانمندی جبرئیل بر دریافت کامل قرآن و حفاظت از آن، تا مرحله رساندن به پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۲

۲ - جبرئیل کسی جز پیامبر (ص) را بر آیات قرآن آگاه نمی ساخت .

و ما هو علی الغیب بضنین

کلمه <الغیب> به قرینه <هو> دلالت می کند که فرشته وحی آنچه را می آوژد، به غیر پیامبر(ص) ابلاغ نمی کرد.

جبرئیل و مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱۲

۱۲- در پی زایمان مریم (س) ، فرشته الهی (جبرئیل) او را از جاری شدن آب در پایین پایش با خبر ساخت .

فنادیها من تحتها آلاتحزنی قد جعل ربك تحتك سرّیاً

محتمل است که ضمیر فاعلی در فناداها به فرشته الهی برگردد.

جبرئیل و نقص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - جبرئیل ، به دور از هرگونه نقص و ناتوانی در ابلاغ پیام خداوند به پیامبر (ص)

ذی قوّه

مراد از <قوّه> ممکن است نیروی لازم برای انجام رسالت باشد. در این صورت به معنای فراموش کار

نبودن و توانمندی جبرئیل بر دریافت کامل قرآن و حفاظت از آن، تا مرحله رساندن به پیامبر(ص) است.

جبرئیل و یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۷

۱۷ "عن أبي عبد الله(ع): ... هبط عليه جبرئيل فقال له: يا يعقوب ربك يقرؤك السلام و يقول لك: شكوتني إلى الناس ... فلا تعود تشكوني إلى خلقي... فقال: "إنما أشكوا بئني و حزني إلى الله... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... جبرئیل بر یعقوب فرود آمد و گفت: پروردگارت سلام می رساند و می گوید: از من به مردم شکوا کردی ... دیگر چنین کاری نکن ... پس گفت: "إنما أشكوا بئني و حزني إلى الله ...".

حتمیت اوامر جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۱

۱ - فرمان های جبرئیل ، تخلف ناپذیر است و کسی از اطاعت او سرپیچی نمی کند .

مطاع

حقیقت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۷

۷- جبرئیل ، موجودی غیر جسمانی ، شریف و عالی مرتبه *

فأرسلنا إليها روحنا

اضافه <روح> به <نا> اضافه تشریفیه است. ارسال روح، گویای این است که آن روح، موجودی مستقل و مطیع خداوند بوده و توان سیر و ادای رسالت داشته است و محتوای رسالت خویش را درک می کرده است و تمثیل او به صورت بشر، دلیل قدرت او بر آن کار و سازگار بودن وجود او با تمثلات جسمانی است. قابل انطباق بودن این ویژگی ها بر جبرئیل سبب شده است که برخی مفسران، فرشته

نازل شده بر مریم (س) را، جبرئیل دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۴،۶

۴ - جبرئیل ، حقیقتی از سنخ روح

نزل به الروح الأمين

<ال> در <الروح> برای عهد بوده و اشاره به جبرئیل (ع) دارد. بنابراین تعبیر از <جبرئیل> به <روح> بیانگر مطلب یاد شده است.

۶ - > عن الأصبع بن نباته إن رجلاً سأل علياً (ع) عن الروح قال : ليس هو جبرئيل قال علي (ع) : جبرئيل من الملائكة و الروح غير جبرئيل ... يقول الله لنبیه ... > نزل به الروح الأمين < ... > .

اصبع بن نباته می گوید: شخصی از حضرت علی (ع) در باره روح سؤال کرد؛ حضرت فرمود: روح جبرئیل نیست، جبرئیل از ملائکه است؛ در حالی که روح غیر از جبرئیل است ... خداوند خطاب به پیامبر (ص) می فرماید: ... > نزل به الروح الأمين < ... > .

حمایتهای جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۱۴،۱۵

۱۴ - پیامبر (ص) ، مورد حمایت و پشتیبانی جبرائیل ، صالح ترین مؤمنان (علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت .

و جبریل و صلح المؤمنین و الملائكة بعد ذلك ظهیر

مقصود از <صالح المؤمنین> برابر نظر بسیاری از مفسران و روایات وارده از عامه و خاصه امیرالمؤمنین علی (ع) است (مجمع البیان، ذیل آیه).

۱۵ - پیامبر (ص) ، در برابر ضدیت و خیانت برخی از همسرانش ، مورد حمایت و پشتیبانی خداوند ، جبرائیل ، صالح مؤمنان

(علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت .

و إن تظہرا علیہ فإنّ اللّٰہ هو مولیہ . . . و الملئکہ بعد ذلک ظہیر

دشمنان جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱

۱ - عداوت و کینه توزی یهودیان با جبرئیل (ع)

من کان عدواً لجبریل

مراد از <من کان> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۲

۲ - خداوند ، دشمن کسانی است که با جبرئیل و میکائیل دشمنی دارند .

من کان عدواً للّٰہ . . . و جبریل و میکل فإنّ اللّٰہ عدو للکفرین

دشمنی یهود با جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۵، ۱

۱ - عداوت و کینه توزی یهودیان با جبرئیل (ع)

من کان عدواً لجبریل

مراد از <من کان> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

۵ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) توسط جبرئیل ، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید .

من کان عدواً لجبریل فإنه نزله علی قلبک یاذن اللّٰہ

جمله <فانه ..> (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی یهود با جبرئیل است.

۱۱ - بازگشت دشمنی یهود با جبرئیل ، به دشمنی با خداوند است .

من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك بإذن الله

هر یک از حقایق بیان شده در جمله <فانه نزله> تا <بشری للمؤمنین> پاسخی به یهود در ارتباط با کینه توزی آنان با

جبرئیل است. قید <یاذن الله> بیان می دارد که جبرئیل به فرمان خدا، قرآن را برای پیامبر(ص) آورده است؛ پس اگر نزول قرآن مایه عداوت است باید شما یهودیان با خدا دشمنی کنید. بنابراین جواب جمله شرطیه <من کان...> چنین می شود: <فهو عدو الله>.

۱۲ - دشمنی یهود با جبرئیل ، در حقیقت دشمنی با تورات ، دشمنی با مایه های هدایت بشر و دشمنی با پیام آور بشارت است

فإنه نزله .. مصداقاً لما بین یدیه و هدی و بشری للمؤمنین

هر یک از توصیفهای <مصداقاً..> و <هدی> و <بشری للمؤمنین> همانند <یاذن الله> می تواند پاسخی نقضی به یهودیان کینه توز با جبرئیل باشد؛ یعنی، دشمنی کردن با آورنده قرآن - که دین و کتاب شما را تأیید می کند، مایه هدایت بشر است و به سعادتها بشارت می دهد - در واقع دشمنی کردن با تورات و ... است.

۱۳ - نازل شدن قرآن به فرمان خدا ، دلیلی بر ناروایی عداوت یهود با جبرئیل است .

من کان عدواً لجبرئیل فإنه نزله علی قلبک یاذن الله

برداشت فوق بر این اساس است که قید <یاذن الله> پاسخی حلی در ارتباط با عداوت یهود با جبرئیل باشد؛ یعنی، او به فرمان خدا قرآن را بر قلب پیامبر(ص) نازل کرد و کسی که فرمان خدا را اطاعت کند، نباید در نزد معتقدان به خدا مبغوض باشد.

۱۴ - تأیید تورات از سوی قرآن ، دلیلی بر بیجا بودن دشمنی یهود با پیام آور وحی (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک یاذن الله مصداقاً لما بین یدیه

<مصداقاً لما بین یدیه> (قرآن درستی تورات

را تأیید می کند) در پاسخ به یهودیان دشمن جبرئیل، این نکته را بیان می کند که جبرئیل حقیقتی را آورد که دین و کتاب شما را تصدیق می کند و شاهد راستی و درستی آن است و لذا نا به جاست که با نازل کننده آن (جبرئیل) دشمنی کنید.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک .. هدی و بشری للمؤمنین

عبارت <هدی و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۹

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرنده و خداوند دشمن آنان است .

من کان عدواً لله .. و جبریل و میکئل فإن الله عدو للكفرین

از مصداقهای <الکافرین> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

ذکر امانتداری جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷ - توجه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنه لقول رسول کریم . ذی قوه عند ذی العرش مکین . مطاع ثم أمين

ذکر حاکمیت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷ - توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إِنَّه لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ . ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ . مَطَاعَ تَمَّ أَمِينٍ

ذکر شرافت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷ - توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إِنَّه لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ . ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ . مَطَاعَ تَمَّ أَمِينٍ

ذکر قدرت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷ - توجّه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إِنَّه لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ . ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ . مَطَاعَ تَمَّ أَمِينٍ

رؤیت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، فرشته وحی (جبرئیل) را یک بار دیگر نیز دید .

و لقد رءاه نزلہ آخری

<نزلہ> مرادف <مڑہ> است، یعنی، <مڑہ آخری> (یک بار دیگر).

- جبرئیل ، برای نشان دادن خود به پیامبر (ص) از افق اعلی بر آن حضرت نازل شد .

و هو بالأفق الأعلى . . . و لقد رءاه نزلهُ أُخرى

به کارگیری <نزله> از ریشه <نزول> (فرود آمدن) نشان می دهد که رؤیت جبرئیل، در صورتی بود که او از مقام خود پایین بیاید و خود را به پیامبر(ص) برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را بار دیگر در کنار < سدره المنتهی > مشاهده کرد .

و لقد رءاه نزلهُ أُخرى . عند سدره المنتهی

۳ - > سئل عبدالله بن مسعود ، > و لقد رآه نزلهُ أُخرى قال : قال رسول الله رأیت جبرئیل عند سدره المنتهی ;

از عبدالله بن مسعود درباره <و لقد رآه نزلهُ أُخرى> سؤال شد، او گفت: رسول خدا(ص) فرمود: جبرئیل را در نزد <سدره المنتهی> دیدم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۲

۲ - تأثیر حضور جبرئیل بر < سدره المنتهی > ، به هنگام نشان دادن خود به پیامبر (ص)

إذ یغشی السدره ما یغشی

به کار رفتن واژه <إذ> نشان می دهد که <سدره المنتهی>، همیشه غرق در آن پوشش نبوده؛ بلکه به هنگام حضور جبرئیل چنان ویژگی را می یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، جبرئیل را در چشم انداز افق و کناره ای از جهان هستی دیده

بود .

و لقد رءاه بالأفق

<أفق>، به معنای مقدار ظاهر و آشکار از ناحیه های فلک و کناره های زمین است (لسان العرب). فاعل <رأى> ضمیر <صاحبکم> است و ضمیر مفعولی <رءاه> به <رسول> در آیات پیشین برمی گردد.

۲ - جایگاه ظهور جبرئیل برای پیامبر (ص) ، جایگاهی روشن و بی ابهام بود که دیدنی ها در آن مشتبه نمی شد .

و لقد رءاه بالأفق المبين

رؤيت قلبی جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۱

۱ - شهود قلبی پیامبر (ص) ، جبرئیل را به هنگام وحی

ما كذب الفؤاد ما رأى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۷ - ۲

۲ - ره نیافتن هیچ گونه خطا و انحراف در مشاهدات قلبی پیامبر (ص) ، در دیدن جبرئیل در < سدره المنتهی >

ما زاغ البصر و ما طغی

مراد از <البصر> در آیه شریفه به قرینه <ما كذب الفؤاد ما رأى> دیده دل است و نه چشم سر.

سدره المنتهی هنگام نزول جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۱

۱ - < سدره المنتهی > ، در پوششی خاص به هنگام نزول بار دیگر جبرئیل بر پیامبر (ص) در کنار آن

و لقد رءاه نزله أأرى . إذ يغشى السدره ما يغشى

صعود جبرئيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - معارج - ٧٠ - ٤ - ٨

٨ - > عن على بن الحسين (ع) : . . . و إنَّ

لله تبارك و تعالی بقاعاً فی سماواته فمن عُرِجَ به إلی ها فقد عُرِجَ به إلیه ألا تسمع الله عزوجلّ يقول : < تعرج الملائکه و الروح إلیه > ... ;

از امام سجاده (ع) روایت شده است: .. برای خدای تبارک و تعالی در آسمان ها، بقعه هایی هست، پس هر کس به یکی از آنها عروج داده شود، به سوی خدا عروج داده شده است. آیا کلام خدای عزوجلّ را نشنیده ای که می فرماید: (تعرج الملائکه و الروح إلیه)...<.

عظمت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۳

۳ - جبرئیل ، فرشته ای با عظمت و بلندمرتبه در سلسله فرشتگان و کارگزاران الهی در عالم

تعرج الملائکه و الروح إلیه

مطلب یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن <روح> به دست می آید.

عقل جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۱

۱ - جبرئیل ، فرشته ای صاحب کمال عقل و درایت

ذو مرّه فاستوی

یکی از معانی که واژه <مرّه> بر آن اطلاق می شود، <عقل> است. نکره آمدن <مرّه> نیز برای تفخیم و به تقدیر <ذو مرّه کامله> است.

عمل پسندیده جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۴

۴ - جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد دارد. (مفردات راغب)

فضایل جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری

۱۱ - فرشته وحی ، پیکی امین در ابلاغ پیام خدا به پیامبران

فیوحی یاذنه ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶ - ۱

۱ - جبرئیل ، فرشته ای صاحب کمال عقل و درایت

ذو مَرّه فاستوی

یکی از معانیی که واژه <مَرّه> بر آن اطلاق می شود، <عقل> است. نکره آمدن <مَرّه> نیز برای تفخیم و به تقدیر <ذو مَرّه کامله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۴

۴ - جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد دارد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۴،۵،۷

۴ - جبرئیل در پیشگاه خداوند ، فرشته ای امین و به دور از خیانت در انجام دادن رسالت های خویش

ثُمَّ أَمِين

<ثُمَّ> اسمی است که برای اشاره به مکان دور یا با عظمت به کار می رود. و در آیه شریفه، اشاره به مکانی است که <عند ذی العرش> بر آن دلالت داشت.

۵ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، امانت داری قابل اعتماد و به دور از هرگونه دخل و تصرف در آن بود .

إنّه لقول رسول .. أمين

۷- توجه به شرافت جبرئیل و نیرومندی ، منزلت الهی ، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او ، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در

مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إِنَّه لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ . ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ . مَطَاعَ تَمَّ أَمِينٍ

فلسفه دشمنی با جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۵

۵ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) توسط جبرئیل ، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید .

من كان عدواً لجبرئيل فإنه نزله على قلبك يا ذن الله

جمله <فانه ..> (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی یهود با جبرئیل است.

فلسفه صعود جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۱

۱ - عروج و صعود ملائکه و جبرئیل به سوی خدا (به صعودگاه ها و جایگاه های بلند مرتبه) در قیامت برای دریافت فرامین

الهی و اجرای آن

تعرج الملائكة و الروح إليه

مقصود از <روح> روح الامین و جبرئیل است. ضمیر در <إليه> به <الله> بازمی گردد؛ به این اعتبار که خداوند که صاحب معارج است. بر این اساس مقصود آیه شریفه، این حقیقت است که فرشتگان برای دریافت فرمان های الهی، به صعودگاه و جایگاه دریافت آنها عروج می کنند و چون خداوند صاحب این جایگاه ها و صعودگاه ها است، فرشتگان در حقیقت به سوی او عروج خواهند کرد.

فلسفه نزول جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۱

۱ - عزیمت جبرئیل از بالاترین افق هستی ، به سوی پیامبر (ص) جهت ابلاغ قرآن به

آن حضرت

فاستوی . و هو بالأفق الأعلى

ضمایر در این آیات، به <شدیدالقوی> (جبرئیل) بازمی گردد.

قدرت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۲،۵

۲ - جبرئیل ، فرشته ای بس مقتدر و نیرومند

علمه شدید القوی

۵ - جبرئیل ، دارای توانایی های بی شمار و در حد اعلا

علمه شدیدالقوی

<القوی> جمع همراه با <ال> است و افاده عموم می کند. بنابراین <شدیدالقوی>؛ یعنی، کسی که در او همه توانایی ها، در حدی شدید وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۱،۶

۱ - جبرئیل ، فرشته ای نیرومند و پر قدرت

ذی قوه

نکره بودن <قوه>، بر عظمت آن دلالت دارد.

۶ - < عن أبي عبدالله (ع) في قوله : < ذی قوه عند ذی العرش مکین > قال : یعنی : جبرئیل ... ؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند <ذی قوه عند ذی العرش مکین> روایت شده که مراد جبرئیل است. <..>

کارگزاران جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۲

۲ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، تنها نبود و مأمورانی فرمان پذیر در اختیار داشت .

لقول رسول ... مطاع

کرامت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۴

۴ - جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد

دارد. (مفردات راغب)

کفر دشمنان جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۷،۹

۷ - دشمنان جبرئیل و میکائیل کافرند .

من کان عدواً لله ... و جبریل و میکل فإن الله عدو للكفرین

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من کان عدواً لله .. و جبریل و میکل فإن الله عدو للكفرین

از مصداقهای <الکافرین> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

گفتگوی جبرئیل با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۸

۱۸ > قال رسول الله (ص) لما ألقى يوسف في الجب أتاه جبرئيل عليه السلام فقال له : يا غلام ، من ألقاك في هذا الجب ؟

قال : إخوتي . قال : ولم ؟ قال : لمودّه أبي إياي حسدوني ... ;

رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که یوسف(ع) در چاه افکنده شد، جبرئیل نزد او آمد و گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این

چاه افکند؟ گفت: برادرانم. جبرئیل گفت: چرا؟ گفت: چون پدرم مرا دوست می داشت، آنان بر من حسد ورزیدند...<

گواهی جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۱

۱- جبرئیل ، شگفت زدگی مریم (س) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد .

قال كذلك

<كذلك> خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم(س)

باشد، در

این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتی، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

محمد(ص) و جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، فرشته وحی (جبرئیل) را یک بار دیگر نیز دید.

و لقد رءاه نزلهُ أُخْرَى

<نزلهُ> مرادف <مَرَّه> است؛ یعنی، <مَرَّه أُخْرَى> (یک بار دیگر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، جبرئیل را در چشم انداز افق و کناره ای از جهان هستی دیده بود.

و لقد رءاه بالْأُفُق

<أُفُق>، به معنای مقدار ظاهر و آشکار از ناحیه های فلک و کناره های زمین است (لسان العرب). فاعل <رَأَى> ضمیر <صاحبکم> است و ضمیر مفعولی <رءاه> به <رسول> در آیات پیشین برمی گردد.

مراد از جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۱۳

۱۳- <عن الأصْبَغ بن نباته: ... قال علی (ع) جبرئیل من الملائکة والروح غیر جبرئیل... قال (الله) لمریم > فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا > ... ;

از اصبغ بن نباته روایت شده که: .. حضرت علی (ع) فرمود: جبرئیل از فرشتگان است و روح غیر از جبرئیل است... خداوند در باره مریم می فرماید: <فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا > ...>.

مسئولیت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- مأمور ویژه الهی با بشارت فرزند به مریم (س)، خود را مأمور بخشیدن پسری پاک نهاد به وی معرفی کرد.

قال إنّما أنا رسول ربّك لأهب لك غلماً زكياً

اسناد <هبه فرزند> به جبرئیل به خاطر وساطت او در بخشش الهی است. <زکّی> از ریشه <زکاء> به معنای صلاح گرفته شده است (مصباح). <تزکیه> و <زکاه> در معانی <طهارت> و <نمّو> و <برکت> و <مدح> استعمال دارد و در هر مورد، معنای مناسب آن مورد نظر است. طهارت و صلاح کودک به شایستگی های ذاتی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۵

۵ - خداوند ، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلا أقسم بالخنس ... و الیل ... و الصبح ... إنّه لقول رسول کریم

معارفه جبرئیل و مریم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۱

۱- مأمور ویژه الهی در پاسخ به نگرانی مریم (س) خود را به او شناساند و فرستاده خدا بودن خود را به او ابلاغ کرد .

قالت إنّی أعود .. قال إنّما أنا رسول ربّك

مقامات جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۴

۴ - جبرئیل و میکائیل دارای مقامی برتر از سایر فرشتگان در پیشگاه خدا

من کان عدواً لله و ملئکته و رسله جبریل و میکیل

کلمه <ملائکتہ>

شامل جبرئیل و میکائیل می شود. بنابراین ذکر بخصوص آنها از میان سایر فرشتگان، می تواند اشاره به برتری مقام آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۷

۷- جبرئیل ، موجودی غیر جسمانی ، شریف و عالی مرتبه *

فأرسلنا إليها روحنا

اضافه <روح> به <نا> اضافه تشریفیه است. ارسال روح، گویای این است که آن روح، موجودی مستقل و مطیع خداوند بوده و توان سیر و ادای رسالت داشته است و محتوای رسالت خویش را درک می کرده است و تمثیل او به صورت بشر، دلیل قدرت او بر آن کار و سازگار بودن وجود او با تمثلات جسمانی است. قابل انطباق بودن این ویژگی ها بر جبرئیل سبب شده است که برخی مفسران، فرشته نازل شده بر مریم(س) را، جبرئیل دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۳

۳ - جایگاه جبرئیل ، در برترین مرتبه و افق هستی قرار دارد .

و هو بالأفق الأعلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۳

۳ - جبرئیل ، فرشته ای با عظمت و بلندمرتبه در سلسله فرشتگان و کارگزاران الهی در عالم

تعرج الملائکه و الروح إليه

مطلب یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن <روح> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۳،۶

۳ - جبرئیل ، نزد خداوند ، دارای قدر و منزلتی والا است .

عند ذی العرش مکین

<مکین>، به معنای جا افتاده و دارای قدر

و منزلت است. (مفردات راغب)

۶ - > عن أبي عبدالله (ع) في قوله : < ذى قوه عند ذى العرش مكين > قال : يعنى : جبرئيل ... ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <ذی قوه عند ذی العرش مکین> روایت شده که مراد جبرئیل است. <..>

منشأ قدرت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۵

۵ - سلطه خداوند بر عرش ، پشتوانه اقتدار جبرئیل

ذی قوه عند ذی العرش مکین

وصف <ذی العرش>، می تواند این نکته را برجسته سازد که منزلت والای جبرئیل، نزد کسی که عرش مقهور او است، اتصاف او را به <ذی قوه> تضمین می کند.

ناپسندی دشمنی با جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۵، ۱۴، ۱۳

۱۳ - نازل شدن قرآن به فرمان خدا ، دلیلی بر ناروایی عداوت یهود با جبرئیل است .

من كان عدواً لجبرئيل فإنه نزله على قلبك يا ذن الله

برداشت فوق بر این اساس است که قید <بإذن الله> پاسخی حلی در ارتباط با عداوت یهود با جبرئیل باشد؛ یعنی، او به فرمان خدا قرآن را بر قلب پیامبر(ص) نازل کرد و کسی که فرمان خدا را اطاعت کند، نباید در نزد معتقدان به خدا مبعوض باشد.

۱۴ - تأیید تورات از سوی قرآن ، دلیلی بر بیجا بودن دشمنی یهود با پیام آور وحی (جبرئیل) است .

فإنه نزله على قلبك يا ذن الله مصداقاً لما بين يديه

<مصداقاً لما بين يديه> (قرآن درستی تورات را تأیید می کند) در پاسخ به یهودیان دشمن جبرئیل،

این نکته را بیان می کند که جبرئیل حقیقتی را آورد که دین و کتاب شما را تصدیق می کند و شاهد راستی و درستی آن است و لذا نا به جاست که با نازل کننده آن (جبرئیل) دشمنی کنید.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک .. هدی و بشری للمؤمنین

عبارت <هدی و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

نجات جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - < قال رسول الله (ص) : > و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الأرض إلا من شاء الله > قالوا : یا رسول الله من هؤلاء الذین استثنی الله ، قال : جبرئیل و میکائیل و ملک الموت و اسرائیل و حملة العرش ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: <و نفخ فی الصور.. إلا من شاء الله>. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...>.

نزدیکی جبرئیل به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۸ - ۲، ۱

۱ - جبرئیل برای ابلاغ وحی ، به پیامبر (ص) خود را به

آن حضرت نزدیک و نزدیک تر کرد .

ثم دنا فتدلی

<دنا> یعنی، نزدیک شد و <تدلی> یعنی، آویخت و این کنایه از شدت نزدیکی است. ضمیر فاعل در <دنا> و <تدلی> به جبرئیل بازمی گردد.

۲- نزدیک و نزدیک تر شدن پیامبر (ص) ، به مبدأ وحی در افق اعلی برای دریافت قرآن

و هو بالأفق الأعلی . ثم دنا فتدلی

برداشت یاد شده بر این اساس است که ضمیر فاعلی به پیامبر(ص) بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۹ - ۱

۱- جبرئیل برای وحی کردن قرآن به پیامبر (ص) ، خود را آن قدر به آن حضرت نزدیک کرد که فاصله میان وی و حضرت به اندازه دو کمان یا کمتر از آن رسید .

فکان قاب قوسین أو أدنی

<قاب> معادل <مقدار> و <قاب قوسین> به معنای اندازه دو کمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۰ - ۱

۱- جبرئیل ، آن گاه که خود را کاملاً به پیامبر (ص) نزدیک کرد ، حقایق عظیمی را به آن حضرت وحی نمود .

فأوحی إلی عبده ما أوحی

حرف <فاء> می رساند که این وحی، پس از <دنا فتدلی..> صورت گرفته است. عبارت <ما أوحی> نیز دلالت بر تفخیم دارد. برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که ضمیر فاعلی در <فأوحی> به جبرئیل باز گردد.

نزول جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۳ - ۲

۲ - جبرئیل ، برای نشان دادن خود به پیامبر (

ص) از افق اعلی بر آن حضرت نازل شد .

و هو بالأفق الأعلى . . . و لقد رءاه نزلهُ أُخْرَى

به کارگیری <نزله> از ریشه <نزول> (فرود آمدن) نشان می دهد که رؤیت جبرئیل، در صورتی بود که او از مقام خود پایین بیاید و خود را به پیامبر(ص) برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۱۳

۱۳ - > عن النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ : إِذَا كَانَ لَيْلَهُ الْقَدَرِ تَنَزَّلَ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ هُمْ سَكَانُ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَ مِنْهُمْ جِبْرَائِيلُ فَيُنزِلُ جِبْرَائِيلُ (ع) وَ مَعَهُ أَلْوِيَّةٌ يَنْصُبُ لُؤَاءَ مِنْهَا عَلَى قَبْرِى وَ لُؤَاءَ عَلَى بَيْتِ الْمَقْدَسِ وَ لُؤَاءَ فِى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ لُؤَاءَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ وَ لَا يَدْعُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَ لَا مُؤْمِنَةً إِلَّا سَلَّمَ عَلَيْهِ ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: زمانی که شب قدر فرا رسد، فرشتگان ساکن <سدره المنتهی> که از جمله آنان جبرئیل است نازل می شوند. پس جبرئیل [بر زمین] فرود می آید در حالی که پرچم هایی همراه او است. پرچمی را بر سر قبر من و پرچمی را در بیت المقدس و پرچمی را در مسجدالحرام و پرچمی را بر طور سینا برپا می کند و در آن شب، هیچ مرد و زن مؤمنی را فروگذار نمی کند؛ مگر این که بر او سلام می کند.

نزول جبرئیل بر برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۶

۶- خداوند ، ملائکه را به همراهی جبرئیل بر بندگان منتخب خود فرود می آورد

يُنزِلُ الْمَلَكُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِ

به قرینه برخی از آیات قرآن که از جبرئیل امین به عنوان <روح القدس> و <روح الأمين> یاد شده ممکن است مراد از <روح> در این آیه حضرت جبرئیل باشد. لازم به ذکر است در این صورت <باء> در <بالروح> به معنای <مع> می باشد.

نزول جبرئیل بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۴ - ۲۹

۲۹- از علی (ع) روایت شده که از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: <ان جبرئیل أتى إلیّ بسبع كلمات، و هی التي قال الله تعالى: > و إذ ابتلی إبراهیم ربه بكلمات فأتْمهن <... و هی... یا الله یا رحمان یا رب یا ذالجلال و الاکرام یا نور السماوات و الأرض یا قریب یا مجیب...>

جبرئیل هفت کلمه نزد من آورد و این همان کلماتی بود که خداوند درباره ابراهیم(ع) فرموده (و إذ ابتلی إبراهیم ربه كلمات فأتْمهن)... و آن کلمات... عبارت بود از: یا الله، یا رحمان، یا رب، یا ذالجلال و الاکرام، یا نور السماوات و الأرض، یا قریب، یا مجیب...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۴

۴- هر ناحیه ای از آسمان می توانست و احتمال داشت که محل ظهور و پیدایش فرشته وحی بر پیامبر (ص) باشد .

قد نرى تقلب وجهك في السماء

از اینکه پیامبر(ص) برای مشاهده نزول فرشته وحی به نقطه ای

خاص و معین چشم نمی دوخت و صورتش را به هر سویی می چرخانید، به برداشت فوق می توان دست یافت.

نزول جبرئیل بر مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۳۸

۳- در پی استقرار مریم (س) در ناحیه شرقی و در مکانی مستور خداوند فرشته ای ارجمند را به سوی او فرستاد .

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

مراد از <روحنا>، به دلیل صفاتی که در ادامه آیات برای او ذکر شده است، یکی از فرشتگان است که عظمت و ارجمندی او در پیشگاه پروردگار، مایه انتساب او به خداوند شده است. با توجه به آیاتی که جبرئیل را <روح الأمين> و <روح القدس> خوانده می توان گفت: این فرشته، همان جبرئیل بوده است.

۸- مأمور ویژه الهی ، به صورت مردی معتدل و دارای همه خصوصیات جسمی یک انسان ، برای مریم (س) نمودار شد .

فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا

<تمثیل>، یعنی صورت پذیری و به شکل چیزی نمودار شدن. <بشراً> حال است برای فاعل <تَمَثَّلَ> و مراد از آن به قرینه آیه بعد، مرد است. <سوی> به معنای معتدل است و <بشراً سَوِيًّا>، یعنی انسانی معتدل که در خصوصیات جسمی خارج از حد افراط و تفریط باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۷

۷- <عن الباقر (ع) [فی قصه مریم]: ... تمثّل لها الروح الأمين ... > قال إنّما أنا رسول ربّك لأهب لك غلاماً زكياً < فتفلّ في جيبها فحملت بعيسی

(ع)؛

از امام باقر(ع) [در داستان مریم] روایت شده: روح الامین بر وی ظاهر شد... و گفت: <إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكَ لِأَهْبَ لَكَ غَلَامًا زَكِيًّا> پس آب دهان در گریبان وی افکند و او به عیسی(ع) حامله شد.<

نقش جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۷ - ۲۲

۲۲ - از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: <روح القدس > جبرئیل ؛

<روح القدس > جبرئیل است. <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۱۵، ۱۴، ۵، ۳، ۲

۲ - جبرئیل ، نازل کننده قرآن بر قلب پیامبر (ص)

فإنه نزله على قلبك

۳ - جبرئیل ، نه از سر خود بلکه به اذن خدا و فرمان او ، قرآن را بر پیامبر (ص) فرود آورد .

فإنه نزله على قلبك بإذن الله

۵ - نزول قرآن بر پیامبر (ص) توسط جبرئیل ، موجب دشمنی و کینه توزی یهود با او گردید .

من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك بإذن الله

جمله <فانه... > (جبرئیل به اذن خدا قرآن را بر قلب تو فرود آورد) بیانگر منشأ کینه توزی یهود با جبرئیل است.

۱۴ - تأیید تورات از سوی قرآن ، دلیلی بر بیجا بودن دشمنی یهود با پیام آور وحی (جبرئیل) است .

فإنه نزله على قلبك بإذن الله مصداقاً لما بين يديه

<مصداقاً لما بين يديه > (قرآن درستی تورات را تأیید می کند) در پاسخ به یهودیان دشمن جبرئیل، این نکته را بیان می کند

که جبرئیل حقیقتی را آورد

که دین و کتاب شما را تصدیق می کند و شاهد راستی و درستی آن است و لذا نا به جاست که با نازل کننده آن (جبرئیل) دشمنی کنید.

۱۵ - هدایتگری و بشارت دهندگی قرآن ، دلیلی بر نابه جابودن عداوت یهود با نازل کننده آن (جبرئیل) است .

فإنه نزله علی قلبک .. هدی و بشری للمؤمنین

عبارت <هدی و بشری> نیز همانند <مصدقاً> حاوی این نکته است که جبرئیل معارفی را به پیامبر(ص) القا کرد که بشارت دهنده و هدایتگر است و لذا دشمنی کردن با او، نمی تواند توجیه معقولی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۳

۳- روح القدس (جبرئیل) ، واسطه ابلاغ وحی و نازل کننده قرآن از جانب پروردگار

قل نزله روح القدس من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۳ - ۱

۱ - نزول قرآن ، توسط روح الامین (جبرئیل) بر پیامبر (ص)

نزل به الروح الامین

مراد از <الروح الامین> با توجه به آیه ۹۷ سوره <بقره> (من كان عدواً لجبرئیل فإنه نزله علی قلبک یاذن الله جبرئیل(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - ارسال وحی از سوی فرشته وحی ، تنها منوط به اذن و مشیت الهی است .

فیوحی یاذنه ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٦ - شوری - ٤٢ - ٥٢ - ٥

٥ - روح القدس (جبرئیل) ، واسطه وحی الھی

برای پیامبر اکرم (ص) بود .

كذلك أوحينا إليك روحاً من أمرنا

برداشت یاد شده بر این پایه مبتنی است که مراد از <روحاً> فرشته وحی (جبرئیل) باشد. در این صورت نصب <روحاً> مبتنی به اعتبار نزع خافض و به تقدیر <أوحينا إليك بروح من أمرنا> است و یا به لحاظ عامل محذوف و به تقدیر <أوحينا إليك بإرسالنا روحاً من أمرنا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵ - ۱

۱ - قرآن ، تعلیم داده شده به پیامبر (ص) ، به وسیله جبرئیل

علمه شدید القوی

به گفته عموم مفسران، مراد از <شدیدالقوی> جبرئیل است؛ گرچه برخی نیز این احتمال را مطرح کرده اند که مراد از آن خداوند است. به نظر می رسد تعبیرهای <فاستوی، دنا، تدلی و ...> با این احتمال سازگار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۷ - ۴

۴ - دریافت پیام وحی به وسیله جبرئیل از مقام الوهیت و آوردن آن برای پیامبر (ص)

و هو بالأفق الأعلى

مراد از <أفق أعلى> می تواند مقام الوهیت باشد که جبرئیل از آن جا وحی را دریافت کرده، به زمین می آورد و به پیامبر(ص) می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۰ - ۲

۲ - جبرئیل ، واسطه وحی الهی به پیامبران

فأوحی إلی عبده ما أوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۲

۲ - فرشتگان و جبرئیل ، کارگزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الملائکه

و الروح إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۶

۶ - سلامت عقلانی پیامبر (ص)، ضامن دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی و مصونیت مرحله دریافت از خطا و تحریف

و ما صاحبکم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۲

۲ - جبرئیل کسی جز پیامبر (ص) را بر آیات قرآن آگاه نمی ساخت .

و ما هو علی الغیب بضنین

کلمه <الغیب> به قرینه <هو> دلالت می کند که فرشته وحی آنچه را می آورد، به غیر پیامبر(ص) ابلاغ نمی کرد.

وضوح جایگاه جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۳ - ۲

۲ - جایگاه ظهور جبرئیل برای پیامبر (ص)، جایگاهی روشن و بی ابهام بود که دیدنی ها در آن مشتبه نمی شد .

و لقد رءاه بالأفق المبین

ویژگیهای تجسم جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۸

۸- مأمور ویژه الهی، به صورت مردی معتدل و دارای همه خصوصیات جسمی یک انسان، برای مریم (س) نمودار شد .

فتمثل لها بشرًا سويًا

<تمثیل>، یعنی صورت پذیری و به شکل چیزی نمودار شدن. <بشراً> حال است برای فاعل <تَمَثَّلَ> و مراد از آن به قرینه آیه بعد، مرد است. <سوی> به معنای معتدل است و <بشراً سوياً>، یعنی انسانی معتدل که در خصوصیات جسمی خارج از حد افراط و تفریط باشد.

ویژگیهای جبرئیل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۴

۴ - جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد دارد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۱

۱ - جبرئیل ، فرشته ای نیرومند و پر قدرت

ذی قوه

نکره بودن <قوه>، بر عظمت آن دلالت دارد.

یهود و جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۶

۶ - تصور جاهلانۀ یهود در مورد جبرئیل و نظام وحی

قل من كان عدواً لجبريل فإنه نزله على قلبك بإذن الله

جرایم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۷

۷ اعدام ، کیفر طعن و توهین به اسلام

و طعنوا فی دینکم فقتلوا

آثار تداوم جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۹، ۱۱

۹ غیر قابل بخشش بودن کیفر برخی از منافقان ، به دلیل مداومت و استمرار آنان بر انجام جرم و خطا

إن نعت عن طائفه منکم نعتب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

برداشت فوق با توجه به این است که <بأنهم .. > تعلیل <نعتب> می باشد و <هم کانوا مجرمین> افاده استمرار می کند.

۱۱ استمرار و مداومت بر جرم ، مانع پذیرفته شدن توبه و عذرخواهی انسان از درگاه الهی

لا تعتذروا .. نعتب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ جرم مستمر و تبه کاری ، زمینه ساز پیدایش روح استکبار و سر باز زدن از پذیرش حق است .

فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمین

آثار جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۵، ۳۰، ۲۹

۲۹ - انکار آیات الهی و کشتن انبیا ، موجب خوار گشتن و درمانده شدن همیشگی بنی اسرائیل شد .

ذلك بأنهم كانوا يكفرون بأيت الله و يقتلون النبيين

<ذلك> اشاره به <ذله> ، <مسكنه> و <غضب الهی> است و باء در <بأنهم> سببیه می باشد.

۳۰ - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلك بأنهم كانوا يكفرون بأيت الله و يقتلون النبيين

۳۵ - کشتن رهبران الهی ، موجب ذلت و فقر و در پی دارنده غضب خداوند است .

ضربت عليهم الذله .. ذلك بأنهم ... يقتلون النبيين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۳

۱۳ جرایم انسان ، منشأ اصلی کیفر و عذاب الهی

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۶

۶ جرم و تبه کاری ، زمینه ساز حق ستیزی است .

و يحق الله الحق بكلمته و لو كره المجرمون

تناسب جرایم با مجازات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۱

۱ - گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار

خواهند شد .

لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة . . . بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة) است.

جرایم آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱

۱ - بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون ، به شکنجه های سخت گرفتار بودند .

و إذ نجینکم من ءال فرعون یسومونکم سوء العذاب

<سَوم> (مصدر یسومون) به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف می باشد؛ یعنی: العذاب السوء.

جرایم بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۷

۲۷ - بنی اسرائیل ، پیامبران بسیاری را به قتل رساندند .

و یقتلون النبین بغیر الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، علی رغم اعترافشان به پیمان الهی (پرهیز از خونریزی) ، همدیگر را می کشتند .

ثم اقررتم . . . ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسکم

کلمه <هؤلاء> در جمله <ثم أنتم هؤلاء> (شما همانانی هستید) اشاره به این معنا دارد که: آنچه را آیه مورد بحث می

خواهد بیان کند مربوط به بنی اسرائیل عصر بعثت است و خطابه‌های آیه نظیر خطابه‌های گذشته نیست که صفت گذشتگان را با عنایتی به موجودین نسبت می‌داد.

۲- بنی اسرائیل با بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از خانه و دیارشان ، پیمان الهی

را نقض کردند .

ثم أنتم هؤلاء .. تخرجون فریقاً منکم من دیرهم

آیه مورد بحث اشاره به جنگها و خونریزیهایی دارد که پیش از هجرت پیامبر(ص) به مدینه بین طوایف یهود واقع می شد. یهودیان بنی النضیر با بنی قریظه درگیر می شدند؛ هر کدام غالب می شد دیگری را از خانه و کاشانه اش اخراج می کرد.

۳- بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظہرون علیہم

<تظاهر> (مصدر تظاہرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاہرون علیکم>؛ یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

۴- بنی اسرائیل، مردمی گنهکار و متجاوز به خاطر یاری رسانی به یکدیگر در بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از دیارشان

تظہرون علیہم بالأثم و العدون

باء در <بالأثم> بای ملابست است و <بالأثم و العدون> حال برای فاعل <تظاہرون> می باشد؛ یعنی، علیه آنان همدیگر را یاری می کردید و در آن هنگام گنهکار و متجاوز بودید.

جرايم در اصحاب اخلدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۷

۷- در دیدگاه اصحاب اخلدود، ایمان به خداوند جرمی سنگین و غیر قابل گذشت بود .

و ما نقموا منهم إلا أن يؤمنوا بالله

جرايم علمای مسيحيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع، تصاحب می کردند.

إِن كَثِيرًا

من الأحبار و الرهبان ليأكلون أموال الناس بالبطل

جرائم علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۲

۲ بسیاری از عالمان دینی یهود و نصارا، اموال مردم را به ناحق و بدون سبب موجه و مشروع، تصاحب می کردند .

إن كثيراً من الأحبار و الرهبان ليأكلون أموال الناس بالبطل

جرائم غیر قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۸

۸ سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم و تبهکاری در جامعه، غیر قابل بخشش و مستحق مجازات

إن نعت عن طائفه منكم نعتب طائفه بأنهم كانوا مجرمين

تعلیل عذاب دسته ای از منافقان، به اینکه اینان گروه مجرم و تبهکارند در برابر عفو گروهی دیگر می تواند گویای این حقیقت باشد که: سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم، شایسته بخشش نبوده و باید مجازات شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۸

۸ امکان عفو عناصر غیر اصلی و خط گیرنده نفاق و غیر قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نعت عن طائفه .. نعتب طائفه ... بعضهم من بعض

<بعضهم من بعض> تحت تأثیر بودن برخی از منافقان از برخی دیگر را افاده می کند و نیز این آیه تفسیر آیه قبل می باشد و علت عفو گروهی و کیفر گروهی دیگر را بیان می نماید.

جرائم فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - فرعونیان ، پسران بنی اسرائیل را سر می بریدند و زنانشان را زنده باقی می گذاشتند .

یذبحون ابناء کم و یستحیون نساء کم

<ذبح> به معنای سربریدن است و <تذییح> (مصدر یذبحون از باب تفعیل) از کثرت سربریدن حکایت دارد. <إستحیاء> (مصدر یستحیون) به معنای باقی گذاردن بر حیات و زندگانی است.

۵ - کشتار گسترده پسران و زنده نگه داشتن زنان ، سخت ترین شکنجه فرعونیان بر بنی اسرائیل

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناء کم و یستحیون نساء کم

جمله <یذبحون ..> می تواند تفسیر جمله قبل باشد یعنی، منظور از <سوء العذاب> همان سربریدن پسران و باقی گذاشتن زنان است و نیز می تواند بیان مصداق بارزی از آن باشد یعنی، فرعونیان عذابهایی بر بنی اسرائیل تحمیل می کردند که از آن جمله سربریدن فرزندان و ... می باشد. بر این مبنا ذکر به خصوص عذاب یاد شده، به خاطر شدت آن بوده است.

۶ - زنان بنی اسرائیل در نهایت سختی و شکنجه و هم آغوش مرگ ، در سیطره فرعونیان

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناء کم و یستحیون نساء کم

۷ - زنان بنی اسرائیل به خاطر کشتار وسیع فرزندانشان به دست فرعونیان ، لذت حیات از آنان سلب شده بود و از زنده ماندن خود در عذاب بودند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبحون ابناء کم و یستحیون نساء کم

زنده گذاشتن زنان، به عنوان یک عذاب برای بنی اسرائیل مطرح شده است در حالی که مجرد نکشتن، عذاب و شکنجه تلقی نمی شود. بنابراین با توجه به اینکه جمله <یستحیون نساء کم> پس از <یذبحون ابناء کم> آمده، می توان گفت: همان کشتن فرزندان موجب می شده که زنان از زنده ماندن خویش و دیدن قتل فجیع فرزندانشان،

در رنج و عذاب باشند. آوردن زنان و نه دختران در مقابل پسران این معنا را تأیید می کند.

۹ - در صورتی که خداوند بنی اسرائیل را از سیطره فرعونیان نجات نمی داد ، آنان همچنان به شکنجه و کشتار فرزندانشان ادامه می دادند .

یسومونکم سوءالعذاب یذبجون ابناءکم و یستحیون نساءکم

برداشت فوق از فعلهای مضارع <یسومون> و <یذبجون> و <یستحیون> استفاده شده است.

۱۱ - خداوند با رهاسازی بنی اسرائیل از شکنجه های سخت فرعونى ، آنان را مورد آزمون بزرگی قرار داد .

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <بلاء> به معنای آزمون و <ذلکم> اشاره به رهایی از عذاب - که از <نجیناکم> استفاده می شود - باشد.

۱۲ - نجات از شکنجه فرعونیان ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

در برداشت فوق <بلاء> به معنای نعمت و <ذلکم> اشاره به رهاسازی از عذاب، گرفته شده است.

جرايم قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۵

۵ - در صورتی که کافران محارب ایمان آورند ، نباید بر خطا های پیشینشان (کشتن مسلمانان ، فتنه انگیزی و ...) مورد مؤاخذه قرار گیرند .

فإن انتھوا فإن الله غفور رحيم

جرايم منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۱،۹

۱ - منافقان ، عناصری فسادگر و تباه کننده جامعه

و إذا قيل لهم لا تفسدوا في الأرض

کلمه <في الأرض> نشانگر این است که فسادگری منافقان محدود به خود و اطرافیانشان نبوده،

بلکه فسادی است فراگیر و سرایت کننده به جامعه ای که در آن به سر می برند.

۹ - فسادگری و اصلاح ناپذیری منافقان ، موجب گرفتار آمدن آنان به عذابی دردناک خواهد شد .

و لهم عذاب الیم بما كانوا .. إذا قیل لهم لا تفسدوا فی الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که: <إذا قیل> عطف بر <یکذبون> در آیه قبل باشد. بر این مبنا، مفاد جمله <إذا قیل...> نیز همانند <یکذبون> بیانگر سبب گرفتاری منافقان به عذاب الیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۷، ۲، ۱

۱ - منافقان ، مردمی فسادی و تبهکارند .

ألا إنهم هم المفسدون

۲ - منافقان ، سرچشمه و منشأ فساد ها و تبهکاری ها در جوامع دینی هستند .

ألا إنهم هم المفسدون

در آیاتی از قرآن غیر منافقان نیز فسادگر خوانده شده اند بنابراین حصر در جمله <ألا إنهم...> (تنها منافقان فسادگرند) حصر ادعایی است و اشاره به این معنا دارد که: فسادگری غیر منافقان در قیاس با منافقان چیزی به حساب نمی آید، و یا اینکه فساد دیگران نیز به گونه ای به نفاق و منافقان باز می گردد.

۷ - لزوم هوشیاری مؤمنان در برابر فسادگری ها و تبهکاری های منافقان

ألا إنهم هم المفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۵، ۱

۱ فتنه انگیزی و کارشکنی همیشگی منافقان ، علیه پیامبر (ص) و اسلام در جبهه های نبرد

لقد ابتغوا الفتنة من قبل

۵ منافقان ، تلاش تخریب گرانه خود را تا مرحله غلبه حق و پیروزی

قطعی جبهه اسلام ، ادامه می دهند .

لقد ابتغوا الفتنة .. حتى جاء الحق و ظهر أمر الله و هم كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۳، ۲، ۱

۱ پیامبر اکرم (ص) ، مورد آزار و اذیت مستمر برخی از منافقان

و منهم الذين يؤذون النبي

<من> در <منهم> برای تبعیض و فعل مضارع <يؤذون> مفید استمرار است ، یعنی ، برخی از منافقان پیوسته پیامبر اکرم (ص) را مورد اذیت قرار داده و باعث رنجش خاطر آن حضرت می شدند.

۲ جوسازی و تبلیغات سوء منافقان ، علیه پیامبر (ص)

و منهم الذين يؤذون النبي و يقولون هو أذن

۳ معرفی پیامبر (ص) ، به عنوان فردی ساده و خوش باور نمونه ای از اذیت های منافقان نسبت به آن حضرت

الذين يؤذون النبي و يقولون هو أذن

<أذن> به کسی گفته می شود که به هر سخنی گوش فرا دهد و زود باور کند ، یعنی ، ساده و خوش باور باشد. گفتنی است که برداشت فوق بر این اساس است که جمله <يقولون هو أذن> برای بیان مورد و نمونه ای باشد که منافقان، پیامبر(ص) را به آن متهم کرده و باعث رنجش خاطر آن حضرت می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۹

۹ شیوه منافقان ، ترویج امور زشت و منکر و پیشگیری از تحقق معروف (ارزش ها و نیکی ها)

المنفقون و المنفقت .. يأمرن بالمنكر و ينهون عن المعروف

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱،۹

۱ تخلف منافقان از شرکت در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

این بخش از آیات مربوط به جنگ تبوک و تخلف منافقان از شرکت در آن است.

۹ اخلاص لگیری منافقان صدر اسلام ، در بسیج برای جنگ تبوک

لاتنفروا فی الحر

جرايم موسى (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - موسى (ع) ، فردی مجرم (قاتل) از نظر نظام فرعونى

و لهم على ذنب

مقصود از <ذنب> قتل مرد قبطی است که موسى در پی آن، از مصر فرار کرد و به مدین رفت.

۲ - رفتار گذشته موسى (ع) (قتل مرد قبطی) ، از نظر دستگاه فرعونى جرم محسوب می شد ، نه از دیدگاه خود وی

و لهم على ذنب

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر (لهم على..) اشاره ای باشد به این که آنان مرا مجرم می دانند؛ گرچه واقعا گناهکار نیستم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۱

۱ - یادآوری فرعون به موسى (ع) نسبت به جرم گذشته او در قتل مرد قبطی

و فعلت فعلتک التي فعلت

مقصود فرعون از <فعلتک التي فعلت> قتل مرد قبطی به دست موسی (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۴

۴ - قتل مرد قبطی توسط موسی (ع) ، از نظر نظام فرعونى جرم و گناه بود ؛ ولی در پیشگاه پروردگار چنین نبود

ففررت منکم ... فوهب لی ربی حکماً و جعلنی من المرسلین

موسی(ع) در دستگاه فرعون مجرم شمرده می شود و می گریزد؛ اما در پیشگاه پروردگار مورد لطف قرار گرفته و به دریافت حکمت و رسالت مفتخر می گردد.

جرایم یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون .. أولئك الذين اشتروا الحیوه الدنیا بالآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۹،۲۱

۱۹ - یهود، پیامبران بسیاری از نژاد اسرائیل را به قتل رساندند .

فلم تقتلون أنبیاء الله من قبل

چون جمله <فلم تقتلون ..> (پس چرا پیامبران خدا را می کشتید؟) در جواب ادعای یهود، مبنی بر ایمان آنان به پیامبران بنی اسرائیل، آمده است، معلوم می شود: مراد از <أنبیاء الله> پیامبران بنی اسرائیل است.

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا .. قل فلم تقتلون أنبیاء الله من قبل

جرم غیرقابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۶

۶ - کيفر < قذف > (هشتاد تازیانه) ، غیر قابل عفو و لازم الاجرا است .

والذین یرمون المحصنت .. فاجلدوهم ثمنین جلدہ

عفو معاونان جرایم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۷ - توبہ -

۸ امکان عفو عناصر غیر اصلی و خط گیرنده نفاق و غیر قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نعت عن طائفه . . . نعتب طائفه ... بعضهم من بعض

<بعضهم من بعض> تحت تأثیر بودن برخی از منافقان از برخی دیگر را افاده می کند و نیز این آیه تفسیر آیه قبل می باشد و علت عفو گروهی و کیفر گروهی دیگر را بیان می نماید.

عوامل پیشگیری از جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۷

۱۷ توجه به شدت عقاب های اخروی ، عاملی بازدارنده از گناه و مخالفت با پیامبر (ص)

قل نار جهنم أشد حراً لو كانوا یفقهون

عوامل پیشگیری از جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۲

۲ - قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه .. لعلکم تتقون

عوامل جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۷، ۳۶، ۳۲

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت الله .. ذلک بما عصوا و كانوا یعتدون

مشارالیه <ذلك> در <ذلك بما عصوا> كفر به آیات خدا و كشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلك در <ذلك بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت

و ... < شمرده اند.

۳۶ - تجاوزگری و ارتکاب گناهان ، آدمی رابه سوی کفر گرایش داده و بر کشتن رهبران الهی بی پروا می سازد .

یکفرون بأیت الله .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد .. اهبطوا مصرأ ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه، یعنی، <و ضربت علیهم الذله .. > با بخش اول آیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۹

۹- بی اعتقادی به معاد ، از عوامل مهم و ریشه های عمده انجام دادن گناه است .

و عرضوا علی ربک .. و وضع الکتب ... فتری المجرمین

<وضع الکتب> عطف است بر <عرضوا> در آیه قبل و ارتباط دو آیه گویای این است که مصداق مورد نظر از مجرمان در این آیه، همان منکران معاد هستند که در آیه قبل مطرح بودند.

کیفیت کشف جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۴، ۲، ۱

۱ - خداوند ، به قوم موسی فرمان داد تا قطعه ای از گاو ذبح شده را بر پیکر مقتول بزنند .

فقلنا اضربوه ببعضها

ضمیر مفعولی در <اضربوه> به <نفساً> بر می گردد و ضمیر در <ببعضها> به <بقره> ارجاع می شود.

۲ - مقتول قوم موسی در پی زده شدن پاره ای از گاو ذبح شده بر وی ، زنده شد .

فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحی الله الموتی

<كذلك يحيى الله الموتى؛ خداوند بدین سان مردگان را زنده می کند> پس از جمله <فقلنا ..> دلالت بر زنده شدن آن مقتول دارد.

۴ - مقتول قوم موسی پس از زنده شدن ، قاتل خویش را معرفی کرد .

والله مخرج ما كنتم تكتمون. فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى

بیان زنده شدن مقتول بنی اسرائیل، پس از بیان وعده الهی به افشای هویت قاتل، دلالت بر جمله ای محذوف دارد؛ یعنی: فضربوه بها فصار حياً و قال إن فلاناً قتلنى.

مبارزه با جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۲

۲ - لزوم مبارزه با فتنه و فتنه انگیزان

و قتلوهم حتى لا تكون فتنه

مبارزه با عوامل جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۸

۸ - مبارزه اسلام با علل و زمینه های وقوع جرم ، بزهکاری و فحشا

قل للمؤمنين يغضوا من أبصرهم و يحفظوا فروجهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۸

۸ - مبارزه اسلام با علل و زمینه های وقوع جرم ، بزهکاری و فساد جنسی

و قل للمؤمنت يغضضن من أبصرهنّ و يحفظن فروجهنّ

مراتب جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام ، جرمی است بزرگ .

خلف رسول الله . . قالوا لا تنفروا ... قل نار جهنم ... جزاء بما كانوا يكسبون

معاونت در

جرايم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۷، ۶، ۴، ۳

۳ - بنی اسرائیل در کشتن و آواره کردن گروهی از همکیشان خود، یکدیگر را یاری و پشتیبانی کردند .

تظهِرون علیهم

<تظاهر> (مصدر تظاهرون) به معنای یاری و پشتیبانی کردن یکدیگر است. <تظاهرون علیکم>؛ یعنی، طایفه ای از شما طایفه دیگر را علیه گروهی از خودتان یاری می داد.

۴ - بنی اسرائیل، مردمی گنهکار و متجاوز به خاطر یاری رسانی به یکدیگر در بیرون راندن گروهی از همکیشان خود از دیارشان

تظهِرون علیهم بالاثم و العدوان

باء در <بالاثم> بای ملابست است و <بالاثم و العدوان> حال برای فاعل <تظاهرون> می باشد؛ یعنی، علیه آنان همدیگر را یاری می کردید و در آن هنگام گنهکار و متجاوز بودید.

۶ - معتقدان به ادیان الهی نباید در کشتن و آواره کردن همکیشان خود، به قاتلان و آواره کنندگان یاری رسانند .

تظهِرون علیهم بالاثم و العدوان

۷ - یاری رساندن به قاتلان و آواره کنندگان اهل دین، گناه و تجاوز است .

تظهِرون علیهم بالاثم و العدوان

موارد جرايم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۲

۱۲ - ادای شهادت واجب و کتمان آن ظلم است .

و من أظلم ممن كتم شهادته عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲۲

۲۲ ترویج زشتی ها ، پیشگیری از نیکی ها و امتناع از انفاق ، جرم و موجب عذاب حتمی

نعذب ... مجرمین ... یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون

أیدیهم

آیه شریفه، بیانگر خصوصیات مجرمانی است که در آیه پیشین آمده است.

موارد جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبران الهی، جرم و گناه است و تکذیب کنندگان مجرم و گنهکارند.

و لا یردّ بأسنا عن القوم المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ تحریم آنچه خداوند حرام نکرده و تکذیب وحی جرم است.

قل لا أجد فیما أوحی إلیّ محرماً .. فإن کذبوک ... و لا یردّ بأسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۶

۶ شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا، جرم و گناه است.

و أنا بریء مما تجرمون

چون مخاطبان <تجرمون> مشرکان و پرستش کنندگان غیر خدا هستند، می توان گفت: منظور از گناه در جمله <تجرمون> شرک و رزی و پرستش غیر خداست. قابل ذکر است که <ما> در <مما> مصدریه می باشد، یعنی: أنا بریء من إجرامکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۷

۷- نپذیرفتن تعالیم انبیا و استهزا کردن آنان، جرم و تبه کاری است.

و ما يأتيهم من رسول إلا كانوا به يستهزءون. كذلك نسلكه في قلوب المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۶

۶- شرك و دنياپرستی و مغرور شدن به مال و فرزند ، گناه و مایه دلهره و وحشت در آخرت است .

فتري المجرمين مشفقين مما فيه

آيات گذشته، در باره

دنیاپرستی و شرک بود، لذا مصداق مورد نظر از <مجرمین> همان مشرکان سرمست به مواهب دنیوی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۴

۴- شرک ، جرم و گناه است و آتش دوزخ را در پی دارد .

نادوا شرکاءى .. و رءا المجرمون النار فظنوا أنّهم مواقعوها

مصداق بارز جرم، در این آیه، به قرینه آیه قبل، شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۴

۱۴ - نسبت دادن عمدی شخصی به فرزندی کسی ، گناه و جرم است .

و لیس علیکم جناح فیما أخطأتم به و لکن ما تعمّدت قلوبکم

خبر <لکن> محذوف است و می تواند چیزی مانند <جناح> و <ذنب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۴

۴ - انکار دین الهی و مقابله با پیامبران ، بارزترین جرم

إنّ المجرمین فی ضلل و سحر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وصف <المجرمین> به صورت مطلق بر کسانی اطلاق شده است که به پیامبر(ص) و دین الهی کفر ورزیده اند.

موانع ارتکاب جرایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۶

۱۶ تقوا، زمینه ساز رعایت حرمت ماه های حرام و بازدارنده آدمی از گناه و قانون شکنی

منها أربعه حرم .. فلا تظلموا فيهن أنفسكم ... و اعلموا ان الله مع المتقين

جرم

آثار ترك جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

۴ جرم های سابق بر منع قانونی قابل مؤاخذه و مجازات ، در صورت دست نکشیدن مجرمان از آن جرم ، پس از منع قانونی

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <اذ ما اتقوا ..> به قرینه آیه قبل شراب و قمار باشد بر این مبنا مفهوم جمله شرطیه <لا جناح ... اذا ما اتقوا> چنین می شود آنانکه از شراب و قمار پس از تحریم آن پرهیز نکنند بر شراب خواری و قماربازی سابقشان نیز مؤاخذه می شوند.

آثار جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۱

۱۱ جرم، زمینه ساز گرفتار شدن به عذاب الهی است.

و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۴

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

كذلك سلكنه فی قلوب المجرمین

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد؛ یعنی، <سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلك السلوک جزاء لأجرامهم> ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تا کیفری باشد در برابر جرم هایشان.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۹ - ۸

۸ - جرم و تبه کاری ، زمینه مخالفت ورزیدن با پیامبران الهی و انکار

إن هذا الأسطير الأولين .. فانظروا كيف كان عقبه المجرمين

ادله اثبات جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۴

۴ لزوم به کارگیری روش های جرم شناسی ، برای تشخیص مجرم

إن كان .. و هو من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۱ - ۴

۴- گواهی دادن ، وسیله اثبات جرم در میان قوم ابراهیم

فأتوا به .. لعلهم یشهدون

اراده در جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ - قصد و اراده ، در جرم بودن و یا نبودن عملی ، نقشی اساسی دارد .

و لیس علیکم جناح فیما أخطأتم به و لکن ما تعمّدت قلوبکم

اقسام جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۴

۴- هفت جرم و راه خطا در دنیا وجود دارد که به جهنم منتهی می شود .

إن جهنم .. لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

بزرگترین جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۵ - ۴

۴ - استکبار در برابر پذیرش کلمه توحید ، بزرگ ترین و سنگین ترین جرم است .

كذلك نفعل بالمجرمين . إنهم كانوا إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون

دوزخی دانستن کسانی که مرتکب جرم استکبار در برابر توحید شده اند، حاکی از حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶

۵ - انکار رسالت پیامبر اسلام (ص) ، بزرگ ترین جرم

کذلک نفعل بالمجرمین . . . و یقولون ... لشاعر مجنون

دوزخی شدن مشرکان و کافران، به خاطر انکار رسالت پیامبر(ص) و مجرم شمرده شدن آنان، بیانگر مطلب یاد شده است.

تفاوت جرم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - همه کافران در جرم و کیفر، یکسان نیستند .

نحشر من کلُّ أمّه فوجًا ممّن یکذب بایتنا

از این که از میان تکذیب گران هر امت، تنها گروهی در این مرحله به منظور محاکمه و مجازات، جدا و محشور می شوند؛ می توان استفاده کرد که این گروه ها دارای گناهی سنگین تر و کیفری متناسب با آن هستند.

تناسب مجازات با جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۵

۱۵ کیفر الهی برای گناهکاران ، متناسب با گناه آنان است .

فیسخرون منهم سخر الله

جرم اخلال در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام ، جرمی است بزرگ .

خلف رسول الله... قالوا لا تنفروا... قل نار جهنم... جزاء بما كانوا يكسبون

جرم ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۵

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است.

و

إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا و الآخره

جرم استهزای انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۷

۷- نپذیرفتن تعالیم انبیا و استهزا کردن آنان ، جرم و تبه کاری است .

و ما یأتیهم من رسول إلا کانوا به یستهزءون. کذلک نسلکھ فی قلوب المجرمین

جرم اشاعه فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲۲

۲۲ ترویج زشتی ها ، پیشگیری از نیکی ها و امتناع از انفاق ، جرم و موجب عذاب حتمی

نعذب .. مجرمین ... یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون أیدیهم

آیه شریفه، بیانگر خصوصیات مجرمانی است که در آیه پیشین آمده است.

جرم افساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۷

۷ - فتنه انگیزی بدتر از جنگ و خونریزی است .

و الفتنه أشد من القتل

جرم امر به منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۹

۹ شیوه منافقان ، ترویج امور زشت و منکر و پیشگیری از تحقق معروف (ارزش ها و نیکی ها)

المنفقون و المنفقت . . . يأمرون بالمنكر و ينهون عن المعروف

جرم اهانت به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۶

۶ بازیچه قرار دادن ارزش های دینی ، حرام است .

ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب قل أبالله و آياته و رسوله كنتم تستهزءون

جرم ایمان در اصحاب اخلود

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۷

۷ - در دیدگاه اصحاب اخدود ، ایمان به خداوند جرمی سنگین و غیر قابل گذشت بود .

و ما نقموا منهم إلا أن يؤمنوا بالله

جرم بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱

۱ - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی ، جرم و گناهی بزرگ ، و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین یکتبون .. فویل لهم ممّا کتبت أیدیهم

کلمه <فویل> کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن را بر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از <فویل للذین...> گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

جرم پیروی از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۵

۵ - پیروی از شیطان ، جرم است و پیروان او مجرم اند .

و امتزوا الیوم أیها المجرمون . ألم أعهد إلیکم ینیءادم أن لاتعبدوا الشیطن

از ارتباط میان آیه شریفه و آیه پیش که خطاب به مجرمان بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جرم تحریم مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ تحریم آنچه خداوند حرام نکرده و تکذیب وحی جرم است.

قل لا أجد فيما أوحى إليّ محرماً .. فإن كذبوك ... ولا يرد بأسه

جرم تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام، جرمی است بزرگ.

خلف رسول الله... قالوا لا تنفروا... قل نار جهنم... جزاء بما كانوا يكسبون

جرم تخلف از قوانین جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۹

۹ - متجاوزان از مقررات جنگ، باید مجازات شوند.*

فلا عدون إلا على الظلمين

جرم تکذیب انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۷

۷- نپذیرفتن تعالیم انبیا و استهزا کردن آنان، جرم و تبه کاری است.

وما یأتیهم من رسول إلا کانوا به یستهزءون. کذلک نسلک فی قلوب المجرمین

جرم تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۴

۴ - انکار دین الهی و مقابله با پیامبران، بارزترین جرم

إن المجرمین فی ضلل و سحر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وصف <المجرمین> به صورت مطلق بر کسانی اطلاق شده است که به پیامبر(ص) و دین الهی کفر ورزیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۸ - ۴

۴ - تکذیب دین ، جرمی بزرگ و غیر قابل بخشش

کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمان>، همان <مکذبان> است که در این سوره یازده بار ذکر شده است و چون تکذیب گران، محکوم به هلاکت اند؛ بنابراین جرم آنان (تکذیب دین)، بزرگ و

غیر قابل بخشش خواهد بود.

جرم تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۶ - ۶

۶ - تکذیب روز جزا ، جرمی نابخشودنی است و تکذیب گران مجرم اند .

ویل یومئذ للمکذبین .. کلوا و تمتعوا قليلاً إنکم مجرمون

مطلب یاد شده، از به کار رفتن عنوان <مجرمان> درباره <مکذبان>، استفاده شده است.

جرم تکذیب محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۵

۵ - انکار رسالت پیامبر اسلام (ص) ، بزرگ ترین جرم

کذلک نفعل بالمجرمین .. و یقولون ... لشاعر مجنون

دوزخی شدن مشرکان و کافران، به خاطر انکار رسالت پیامبر(ص) و مجرم شمرده شدن آنان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جرم تکذیب وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ تحریم آنچه خداوند حرام نکرده و تکذیب وحی جرم است.

قل لا أجد فیما أوحی إلیّ محرماً .. فإن کذبوک ... ولا یرد بأسه

جرم خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت <إنهم أناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

جرم خطایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۷

۱۷ - گناه و جرم به حساب نیاوردن گناه خطایی ، برخاسته از

آمرزندگی و مهربانی خداوند است .

و لیس علیکم جناح فیما أخطأتم به .. و كان الله غفوراً رحیماً

جرم دین سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱

۱ - تحریر و نوشتن افکار و اندیشه ها به عنوان کتاب الهی و قوانین دینی ، جرم و گناهی بزرگ ، و در پی دارنده عذاب الهی است .

فویل للذین یکتبون .. فویل لهم ممّا کتبت أیدیهم

کلمه <فویل> کلمه ای است که انسان به هنگام گرفتار شدن به عذاب، آن را بر زبان جاری می کند. بنابراین مراد از <فویل للذین...> گرفتار شدن بدعتگذاران به عذاب است.

جرم رشوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۳،۷

۳ - پرداخت رشوه به قاضیان ، ناروا و حرام است .

و تدلوا بها إلی الحکام

<تدلوا> عطف بر <تأکلوا> است و لذا مجزوم به <لا-ی ناهیه می باشد؛ یعنی: و لاتدلوا .. ادلاء (مصدر تدلوا) به معنای فرستادن دلو در چاه است و در آیه کنایه از وسیله قرار دادن می باشد. بنابراین <تدلوا بها...> یعنی، به قاضیان اموالی را نپردازید تا بدین وسیله به اموال مردم چنگ اندازی کنید. گفتنی است که به دست آوردن مال خصوصیتی ندارد و لذا می توان حرمت رشوه را در همه مواردی که حقی ضایع شود استفاده کرد. کلمه <بالأثم> مؤید این حقیقت است.

۷ - ناروایی و حرمت پرداخت رشوه به منظور جلب نظر حاکمان و قضاوت ایشان به سود رشوه دهنده ، حکمی معلوم برای همگان

و تدلوا بها إلی الحکام

لتأكلوا فريقاً من أموال الناس بالأثم و أنتم تعلمون

مفعول <تعلمون> می تواند حرمت رشوه پرداختن به حاکمان باشد و نیز می تواند حرمت تصرف در اموال دیگران باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جرم رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إنا كذلك نفعل بالمجرمين

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إنا كذلك نفعل بالمجرمين

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرم است و کافران و مشرکان از تبهکاران اند .

أفنجعل المسلمين كالمجرمين

از مقابله مجرمان با مسلمانان به دست می آید که مقصود از آن، کافران و مشرکان است.

جرم عصیان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام ، جرمی

است بزرگ .

خلف رسول الله .. قالوا لاتنفروا ... قل نار جهنم ... جزاء بما كانوا يكسبون

جرم غصب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۸

۸ - ناروایی و حرمت چنگ اندازی به اموال دیگران ، حکمی معلوم برای همگان

و لاتأكلوا أموالكم بینكم بالباطل . . . و أنتم تعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که: مفعول <تعلمون> حرمت تصرف در اموال دیگران - که از جمله <لاتأكلوا ..> به دست می آید - باشد.

جرم غیرقابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴ - ۶

۶ - کیفر <قذف> (هشتاد تازیانه) ، غیر قابل عفو و لازم الاجرا است .

والذین یرمون المحصنت .. فاجلدوهم ثمنین جلد

جرم فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۲

۲ فرار از میدان جنگ ، گناه بوده و نیازمند توبه و استغفار به درگاه خداست .

ثم ولیتم مدبرین .. ثم یتوب الله من بعد ذلک علی من یشاء

جرم فرزند کشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- فرزندان کشتی ، خطا و جنایتی بس بزرگ و عملی محکوم در طول اعصار و قرن های گذشته

إِن قَتَلْتُمْ كَانِ خَطِيئَةً كَبِيرًا

<خطئاً> در لغت به معنای عدول از جهت اصلی و حقیقی است و از جمله کاربردهای این واژه، جایی است که شخص تصمیم بر انجام کار نادرست می گیرد و آن را به

انجام می رساند (مفردات راغب)

جرم قبل از تحریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۳ - ۴

۴ جرم های سابق بر منع قانونی قابل مؤاخذه و مجازات ، در صورت دست نکشیدن مجرمان از آن جرم ، پس از منع قانونی

لیس علی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جناح فیما طعموا إذا ما اتقوا

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <اذ ما اتقوا ..> به قرینه آیه قبل شراب و قمار باشد بر این مبنا مفهوم جمله شرطیه <لا جناح ... اذا ما اتقوا> چنین می شود آنانکه از شراب و قمار پس از تحریم آن پرهیز نکنند بر شراب خواری و قماربازی سابقشان نیز مؤاخذه می شوند.

جرم قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۸،۱۱

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

۱۱ - ولی مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولی مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولی مقتول

استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۷

۷ - فتنه انگیزی بدتر از جنگ و خونریزی است .

و الفتنه أشد من القتل

جرم قتل بعد از عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۶

۲۶ - ولی مقتول اگر پس از عفو یا گرفتن دیه ، قاتل را بکشد ، باید کشته شود . *

فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

جمله <فله عذاب أليم> را می توان بیان واقعیتی دانست که تجاوزگر در دنیا یا آخرت به آن گرفتار خواهد شد و می توان آن را حکمی کیفری و مجازاتی شمرد که جامعه اسلامی باید آن را اجرا کند. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

جرم قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۴ - ۲

۲ قوم لوط مردمی مجرم و تبهکار

فانظر كيف عقبه المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۲ - ۳

۳ - قوم لوط ، مردمی مجرم و مستحق کیفر

قالوا إنا أرسلنا إلى قوم مجرمين

مراد از <قوم مجرمین> که فرشتگان مأمور شدند تا کیفرشان دهند قوم لوط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۳

۳ - اسراف (تجاوز از قانون الهی و زیاده روی در گناه) ، بارزترین جرم قوم لوط بود .

أرسلنا إلى قوم مجرمين . . . للمسرفين

تعبیر <مسرف> در این آیه، به معنای تجاوز از قانون

است که بر قوم مجرم لوط، منطبق شده است.

جرم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۵

۵ شرک و کفر، جرم است و مشرکان و کافران، مجرم هستند.

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۵

۵ - تکذیب آیات الهی، جرم مشترک همه کافران در طول تاریخ

و یوم نحش من کلّ أمّه فوجًا.. حتّی إذا جاء و قال أكذبتّم بایتی

با این که گروه های حاضر در دادگاه، هر کدام از امتی خاص و متفاوت است ولی همه آنها به خاطر یک جرم (تکذیب آیات الهی) محاکمه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند.

إنا كذلك نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - کفر ، جرم است و کافران مجرم اند .

و امتزوا اليوم أئها المجرمون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند کافران را که در آیات پیشین از آنان

سخن گفته شده با لفظ <مجرمان> خطاب کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرم است و کافران و مشرکان از تبهکاران اند .

أفنجعل المسلمین کالمجرمین

از مقابله مجرمان با مسلمانان به دست می آید که مقصود از آن، کافران و مشرکان است.

جرم لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا آل لوط من قريتكم إنهم أناس يتطهرون

عبارت <إنهم أناس> تعلیل برای حکم اخراج است.

جرم مبارزه با اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام ، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصوهم . . . و إن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلم الله

جرم محاربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۷، ۲، ۱

۱ - مسلمانان باید کافران محارب را هر کجا یافتند ، بکشند .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

ضمیر <هم> در جمله فوق به <الذین یقاتلوکم> بر می گردد و لذا از آنان به کافران محارب تعبیر شده است. <ثقف> (مصدر ثقفتم) به معنای یافتن و دسترسی پیدا کردن است.

۲ - ضرورت کشتن کافران محارب ، محدود به میدان جنگ نیست

و اقتلوهم حیث ثقتموهم

عبارت <حیث ثقتموهم> (هر کجا آنان را یافتید و بر آنان دسترسی داشتید) گویای برداشت فوق است.

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم كذلك جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهده است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

جرم مخالفت با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۴

۴ - انکار دین الهی و مقابله با پیامبران ، بارزترین جرم

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وصف <المجرمین> به صورت مطلق بر کسانی اطلاق شده است که به پیامبر(ص) و دین الهی کفر ورزیده اند.

جرم مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۵

۵ شرک و کفر ، جرم است و مشرکان و کافران ، مجرم هستند .

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم معرضان از آیات خدا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۲ - ۳

۳ - اعراض کنندگان از آیات الهی ، مردمی مجرم اند .

و من أظلم ممن ذكر بآيت ربّه ثمّ أعرض عنها إنّنا من المجرمين منتقمون

جرم نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۸

۸ امکان عفو عناصر غیر اصلی و خط گیرنده نفاق و غیر قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نفع عن طائفه . . . نعدب طائفه ... بعضهم من بعض

<بعضهم من بعض> تحت تأثیر بودن برخی از منافقان از برخی دیگر را افاده می کند و نیز این آیه تفسیر آیه قبل می باشد و علت عفو گروهی و کیفر گروهی دیگر را بیان می نماید.

جرم نهی از معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۹

۹ شیوه منافقان ، ترویج امور زشت و منکر و پیشگیری از تحقق معروف (ارزش ها و نیکی ها)

المنفقون و المنفقت . . . يأمرن بالمنکر و ینهون عن المعروف

جواز جایزه برای کشف جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۹

۹ جواز تعیین جایزه برای کشف جرم و شناسایی و دستگیری مجرم

نفقذ صواع الملك و لمن جاء به حمل بعير

روش جرم شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۴

۴ لزوم به کارگیری روش های جرم شناسی ، برای تشخیص مجرم

إن كان ..

و هو من الصّٰدقین

زمینه جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۳

۳ وسوسه های نفسانی قابیل ، وادار کننده وی به کشتن هابیل

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۶

۶ علاقه آدمی به محبوب شدن ، می تواند وی را برای رسیدن به این مقصود ، به قتل و جنایت وادار کند .

اقتلوا یوسف . . یخل لکم وجه أییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۶

۶- جلوگیری از نفوذ ادیان الهی و رواج بی دینی ، زمینه ساز رواج فساد و تبه کاری در جامعه است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله . . بما کانوا یفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۳

۳ - پیوستگی تنگاتنگ میان انکار قیامت با اقدام به جرم و گناه

هذه جهنّم الّتی یکذّب بها المجرمون

از این که هر مجرمی به صورت مطلق تکذیب گر جهنم معرفی شده، مطلب بالا استفاده می شود.

عنصر معنوی جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ - قصد و اراده ، در جرم بودن و یا نبودن عملی ، نقشی اساسی دارد .

و لیس علیکم جناح فیما أخطأتم به و لکن ما تعمّدت قلوبکم

عوامل پیشگیری از جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ -

۲- قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لکم فی القصاص حیوه .. لعلکم تتقون

عوامل جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۹

۹- بی اعتقادی به معاد ، از عوامل مهم و ریشه های عمده انجام دادن گناه است .

و عرضوا علی ربّک .. و وضع الکتب ... فتری المجرمین

<وضع الکتب> عطف است بر <عرضوا> در آیه قبل و ارتباط دو آیه گویای این است که مصداق مورد نظر از مجرمان در این آیه، همان منکران معاد هستند که در آیه قبل مطرح بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۶، ۳۷ - ۳۲

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت الله .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

۳۶ - تجاوز گری و ارتکاب گناهان ، آدمی رابه سوی کفر گرایش داده و بر کشتن رهبران الهی بی پروا می سازد .

یکفرون بأیت الله .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام

وحد... اهبطوا مصرأ... و ضربت عليهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه ۲ یعنی، <و ضربت عليهم الذله...> با بخش اول آیه است.

عوامل جرم زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۶ - ۱۶

۱۶ رفاه و دل بستگی به لذت های دنیا، زمینه ساز ستمگری و گرایش به جرم و گناه است.

واتبع الذين ظلموا ما أترفوا فيه و كانوا مجرمين

فرجام جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۴

۴- هفت جرم و راه خطا در دنیا وجود دارد که به جهنم منتهی می شود.

إن جهنم... لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

مبارزه با عوامل جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۸

۸- مبارزه اسلام با علل و زمینه های وقوع جرم، بزهکاری و فحشا

قل للمؤمنين يغضوا من أبصرهم و يحفظوا فروجهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۸

۸- مبارزه اسلام با علل و زمینه های وقوع جرم، بزهکاری و فساد جنسی

و قل للمؤمنت يغضضن من أبصرهنّ و يحفظن فروجهنّ

منشأ جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۶

۶ - نقش شیطان ، در پیدایش جرم و تبه کاری در میان بنی آدم

أَيُّهَا الْمَجْرُمُونَ . أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ بَيْنِي ۚ أَدْمُ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ

سرزنش کردن مجرمان به علت اطاعت از شیطان، می تواند

بیانگر این نکته باشد که شیطان، مشوق و تحریک کننده انسان به انجام جرم و تبه کاری است.

موارد جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰- تحریم آنچه خداوند حرام نکرده و تکذیب وحی جرم است.

قل لا أجد فيما أوحى إلّٰى محرما... فإن كذبوك... ولا یرد بأسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۶

۶- شرک‌ورزی و پرستش غیر خدا، جرم و گناه است .

و أنا بریء مما تجرمون

چون مخاطبان <تجرمون> مشرکان و پرستش کنندگان غیر خدا هستند، می توان گفت: منظور از گناه در جمله <تجرمون> شرک و رزی و پرستش غیر خداست. قابل ذکر است که <ما> در <مما> مصدریه می باشد یعنی: أنا بریء من إجرامکم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۷

۷- نپذیرفتن تعالیم انبیا و استهزا کردن آنان، جرم و تبه کاری است .

و ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یرتدون. کذلک نسلک فی قلوب المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۶

۶- شرک و دنیاپرستی و مغرور شدن به مال و فرزند، گناه و مایه دلهره و وحشت در آخرت است .

فتری المجرمین مشفقین ممّا فیہ

آیات گذشته، در باره دنیاپرستی و شرک بود، لذا مصداق مورد نظر از <مجرمین> همان مشرکان سرمست به مواهب دنیوی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ -

۴- شرک ، جرم و گناه است و آتش دوزخ را در پی دارد .

نادوا شرکاءى . . . و رءا المجرمون النار فظنوا أنّهم مواقعوها

مصدق بارز جرم، در این آیه، به قرینه آیه قبل، شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱۴

۱۴ - نسبت دادن عمدی شخصی به فرزندی کسی ، گناه و جرم است .

و لیس علیکم جناح فیما أخطأتم به و لکن ما تعمّدت قلوبکم

خبر <لکن> محذوف است و می تواند چیزی مانند <جناح> و <ذنب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۴

۴ - انکار دین الهی و مقابله با پیامبران ، بارزترین جرم

إنّ المجرمین فی ضلل و سحر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که وصف <المجرمین> به صورت مطلق بر کسانی اطلاق شده است که به پیامبر(ص) و دین الهی کفر ورزیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبران الهی ، جرم و گناه است و تکذیب کنندگان مجرم و گنهکارند .

و لایردّ بأسنا عن القوم المجرمین

موانع ارتکاب جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ ایجاد امنیت در جامعه و بازداشتن مجرمان از ارتکاب جرم ، فلسفه تشریح حدود

نکلا من الله

<نکلا> همچون <جزاء> مفعول له برای <فاقطعوا> است.

موانع جرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۲

۱۲

- ایمان به خدا و مجازات او ، تأثیرگذار در دوری انسان از گناه و بزه کاری (چون قتل به ناحق)

يقوم . . . فمن ينصرنا من بأس الله إن جاءنا

یادآوری خداوند و عذاب او، از سوی مؤمن آل فرعون در راستای نجات جان موسی(ع)، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جرم شناسی

روش جرم شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۴

۴ لزوم به کارگیری روش های جرم شناسی ، برای تشخیص مجرم

إن كان . . . و هو من الصدقین

جزع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جزع

بی ثمری جزع جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۴

۲۴- > النبي (ص) . . . فی قوله : > سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص < قال : يقول أهل النار : هلموا ، فلنصبر ، فیصبرون خمسمائه عام فلما رأوا ذلك لا ینفعهم قالوا : هلموا فلنجزع . . . فیکون خمسمائه عام فلما رأوا ذلك لا ینفعهم قالوا > سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص < ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا >سواء علينا أجزعنا..< روایت شده است که فرمود: اهل آتش [به یکدیگر] می گویند: بیایید صبر کنیم؛ پس پانصد سال صبر می کنند. آن گاه که دیدند این صبر سودی برایشان نداشت، گویند: بیایید بی تابی کنیم ... پس پانصد سال می گریند. آن گاه که دیدند این گریه [هم] سودی نبخشید، می گویند: سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص <.

جزع اخروی رهبران مستکبر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۱

۲۱- رهبران مستکبر ، در قیامت ، درمی یابند که صبر و نیز جزع ، عذاب الهی را از آنان برطرف نخواهد کرد .

قالوا .. سواء علينا أجزعنا أم صبرنا

سرزنش جزع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۷

۷ - کبر و غرور به هنگام نعمت و رفاه و جزع و ناآرامی به هنگام مصیبت و بلا ، امری نکوهیده و ناپسند

و إذا أنعمنا .. و إذا مسه الشرّ

جزیره العرب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جزیره العرب

{جزیره العرب}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۲۲

۲۲ جامعه جزیره العرب در عصر بعثت پیامبر (ص) ، به خاطر تفرقه و نزاع ، در معرض نابودی و هلاکت

و کنتم علی شفا حفرة من النار

بنابراینکه <النار>، استعاره از هلاکت و نابودی باشد.

بادیه نشینان جزیره العرب و احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۲

۲ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، مردمی دور از فرهنگ دینی و جاهلتر از آن بودند که مرز احکام الهی را به درستی بشناسند .

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً و أجدر أئلاً يعلموا حدود ما أنزل الله

بادیه نشینی در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۵

۱۵ مردم جزیره العرب در عصر پیامبر (ص) دو گروه شهرنشین و بادیه

نشین بودند .

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً

بت پرستی مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۰ - ۱

۱ - < لات > ، < عزی > و < منات > مهم ترین خدایان مورد پرستش مردم جزیره العرب

و منوه الثالثه الأخری

از یاد کردن نام این سه بت، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

بی فرهنگی بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۲

۲ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، مردمی دور از فرهنگ دینی و جاهلتر از آن بودند که مرز احکام الهی را به درستی بشناسند .

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً و أجدر ألاً يعلموا حدود ما أنزل الله

بینش اهالی جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۱

۱۱ - مکه ، مکانی مقدس و محترم برای مردم جزیره العرب

أولم نمکن لهم حرماً ءامناً

مکه از آن جهت < حرم > نام گرفته که مورد حرمت و احترام مردم آن دیار بوده است.

بینش اهالی جزیره العرب و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ - حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

أولم نمکن لهم حرماً ءامناً

بینش مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲ - ۴

۴ - در

طلاق از نوع ظهار، پندار مردم جزیره العرب این بود که زن ظهار شده، برای شوهرش حکم مادر را پیدا کرده و حرام مؤبد می شود.

الذین يظهرون منكم من نسائهم ما هنّ أمهتهن

تأمین نیازهای مادی جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۴

۴- چهارپایان برطرف کننده نیازهای مادی و روحی مردم جزیره العرب بوده اند.

و الأنعم خلقها لكم فيها دفءٌ و منفع و منها تأکلون . و لكم فيها جمال ... لتركبو

<دفءٌ>، <منافع>، <منها تأکلون> و <ترکبوها> بیانگر نیازهای مادی و <جمال> و <زینة> بیانگر نیازهای روحی و روانی است.

تأمین نیازهای معنوی جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۴

۴- چهارپایان برطرف کننده نیازهای مادی و روحی مردم جزیره العرب بوده اند.

و الأنعم خلقها لكم فيها دفءٌ و منفع و منها تأکلون . و لكم فيها جمال ... لتركبو

<دفءٌ>، <منافع>، <منها تأکلون> و <ترکبوها> بیانگر نیازهای مادی و <جمال> و <زینة> بیانگر نیازهای روحی و روانی است.

تاریخ جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۴

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های حاکمیت دین در جزیره العرب، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

يعتذرون إلیکم إذا رجعتم إلیهم

با توجه به اینکه این آیات در زمینه جنگ تبوک است که به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینکه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند

آورد می توان گفت که این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی که در خود احساس می کردند و قدرتی که در مؤمنان می دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۵

۱۵ - وجود امنیت در مکه ، عامل تبدیل شدن آن شهر به مرکز عمده اقتصاد و تجارت در جزیره العرب

حرمًا ءامنًا يجبي إليه ثمرت كلّ شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۲

۱۲ - مردم جزیره العرب ، گرفتار انواع ضلالت ها پیش از بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن

هو الذی ينزل .. ليخرجكم من الظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۱

۱۱ - وجود مذاهب و ادیان گوناگون در جزیره العرب به هنگام بعثت پیامبر (ص)

ليظهره على الدين كله

جهل بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۲

۲ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، مردمی دور از فرهنگ دینی و جاهلتر از آن بودند که مرز احکام الهی را به درستی بشناسند .

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً و أجدر ألا يعلموا حدود ما أنزل الله

حاکمیت دین در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۴

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های حاکمیت دین در جزیره العرب ، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

يَعْتَدِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ

با توجه به اینکه این آیات در زمینه جنگ تبوک است که به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینکه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند آورد می توان گفت که این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی که در خود احساس می کردند و قدرتی که در مؤمنان می دیدند.

حجاب در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - استفاده از روسری ، بدون پوشاندن گلو و سینه ، از پوشش های زنان جزیره العرب پیش از تشریح حکم حجاب از جانب اسلام

و ليضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ

حق ناپذیری بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجا تر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً

حمله ایران به جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۲۲

۲۲ - > عن زين العابدين (ع) إنه اجتمعت قریش إلى أبي طالب و رسول الله عنده . . . و قالت و الله لو سمعت بهذا فارس و الروم لأختطفتنا من أرضنا و لقلعت الكعبه حجراً حجراً ، فنزل > و قالوا إن تتبع الهدى معك < . . . ;

از امام سجاده (ع) روایت شده: همانا قریش نزد ابی طالب جمع شدند، در حالی که رسول خدا (ص) نزد

وی بود.. و گفتند به خدا سوگند اگر این پیروی از محمد(ص) را اهل فارس و روم بشنوند، ما را از سرزمینمان می ربایند و کعبه را سنگ به سنگ از جا خواهند کند پس این آیه نازل شد: <و قالوا إن تتبع الهدی معک نتخطف من أرضنا...>.

حمله روم به جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۲۲

۲۲ - < عن زين العابدين (ع) إنه اجتمعت قریش إلى أبي طالب و رسول الله عنده... و قالت و الله لو سمعت بهذا فارس و الروم لأختطفتنا من أرضنا و لقلعت الكعبه حجراً حجراً، فنزل < و قالوا إن تتبع الهدی معک > ... ;

از امام سجاده(ع) روایت شده: همانا قریش نزد ابی طالب جمع شدند، در حالی که رسول خدا(ص) نزد وی بود.. و گفتند به خدا سوگند اگر این پیروی از محمد(ص) را اهل فارس و روم بشنوند، ما را از سرزمینمان می ربایند و کعبه را سنگ به سنگ از جا خواهند کند پس این آیه نازل شد: <و قالوا إن تتبع الهدی معک نتخطف من أرضنا...>.

خوشنامی ابراهیم(ع) در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۲

۲ - حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف ابرهیم و موسی

از آن جا که کتاب های پیشینان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی(ع) نبود، تصریح به این دو می تواند

برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر(ص) باشد.

خوشنامی موسی(ع) در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۲

۲ - حضرت ابراهیم و موسی(ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف ابرهیم و موسی

از آن جا که کتاب های پیشینان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی(ع) نبود، تصریح به این دو می تواند برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر(ص) باشد.

دین در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۱

۱۱ - وجود مذاهب و ادیان گوناگون در جزیره العرب به هنگام بعثت پیامبر (ص)

لیظهره علی الدین کله

شهرنشینی در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۵

۱۵ مردم جزیره العرب در عصر پیامبر (ص) دو گروه شهرنشین و بادیه نشین بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

عذاب استیصال در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ مردم جزیره العرب ، جانشین امتهایی که در آن سرزمین با عذاب استیصال الهی منقرض شده بودند .

و لقد أهلکنا القرون من قبلکم .. ثم جعلنکم خلف فی الأرض

عوامل رشد اقتصادی جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۵

۱۵ - وجود امنیت در مکه ، عامل تبدیل

شدن آن شهر به مرکز عمده اقتصاد و تجارت در جزیره العرب

حرماً ءامناً يجبي إليه ثمرت كلّ شيء

کفر بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشدّ كفراً ونفاقاً

گمراهی مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۲

۱۲ - مردم جزیره العرب ، گرفتار انواع ضلالت ها پیش از بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن

هو الذی ینزل .. لیخرجکم من الظلمت

مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۴ - ۱

۱ مردم جزیره العرب ، جانشین امتهایی که در آن سرزمین با عذاب استیصال الهی منقرض شده بودند .

ولقد أهلكنا القرون من قبلکم .. ثم جعلنکم خلف فی الأرض

مردم جزیره العرب و حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - حج و زیارت مسجدالحرام ، مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب

سواء العکف فیه و الباد

مردم جزیره العرب و زیارت مسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - حج و زیارت مسجدالحرام ، مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب

سواء العکف فیه و الباد

مردم جزیره العرب و مسجدالحرام

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ - < مسجد الحرام > نامی شناخته شده و متداول در میان مردم جزیره العرب

و المسجد الحرام الذى جعله للناس

مرکز جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۱۱

۱۱ شهر مکه، مرکز سرزمین حجاز در اوان ظهور اسلام

و لتذُر أم القرى و من حولها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ - مکه ، محور و مرکز عمده شهر ها و قرای جزیره العرب در صدر اسلام

حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَمِّهَا رَسُولًا

نبوت در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - وحی و رسالت ، دارای پیشینه در تاریخ جزیره العرب

أم جاءهم ما لم يأت ءاباءهم الأولين

نژاد مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مردم جزیره العرب ، از نظر نژادی از نسل قوم نوح بودند .

حملنکم فی الجاریه

نفاق بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

نیاکان مردم جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۴

۴ - مردم

جزیره العرب ، از نسل مؤمنان عصر نوح بودند .

حملنکم فی الجاریه

در این آیه، <حمل شدن> به مخاطبان عصر نزول قرآن نسبت داده شده است و مقصود حمل اجداد آنان است و چون نجات آنان به سبب مؤمن بودن ایشان بوده است، می توان نتیجه گرفت مردم جزیره العرب (مخاطبان این آیه)، از نسل همین مؤمنان نجات یافته بودند.

وحی در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ - وحی و رسالت ، دارای پیشینه در تاریخ جزیره العرب

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأولین

ویژگیهای بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱،۲

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجا تر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

۲ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، مردمی دور از فرهنگ دینی و جاهلتر از آن بودند که مرز احکام الهی را به درستی بشناسند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً و أجدر ألا یعلموا حدود ما أنزل الله

جزیه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جزیه

آثار جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۴

۴ لزوم متارکه جنگ با اهل کتاب ، در صورت پرداخت جزیه و تسلیم شدن ایشان در برابر حکومت اسلامی

قتلوا الذین لا یؤمنون .. من الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرو

احکام جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۳ اهل کتاب [در حاکمیت اسلام] محکوم به پرداخت جزیه اند .

الذین أوتوا الكتب حتى يعطوا الجزیه عن ید و هم صغرون

۴ لزوم متارکه جنگ با اهل کتاب ، در صورت پرداخت جزیه و تسلیم شدن ایشان در برابر حکومت اسلامی

قتلوا الذین لا یؤمنون .. من الذین أوتوا الكتب حتى يعطوا الجزیه عن ید و هم صغرو

۷ پرداخت جزیه اهل کتاب به حکومت اسلامی ، باید به دست خود آنان و با انقیاد و تسلیم باشد ، نه اینکه حکومت برای دریافت آن ناچار به اعمال زور شود .

من الذین أوتوا الكتب حتى يعطوا الجزیه عن ید و هم صغرون

۸ زراره گوید : > قلت لأبی عبدالله (ع) : ما حد الجزیه علی اهل الكتاب ... ؟ فقال : ذاک إلی الامام أن يأخذ من کل انسان منهم ما شاء ... تؤخذ منهم علی قدر ما یطیقون ... فإن الله تبارک و تعالی قال : > حتی يعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون < و کیف یکون صاغرا و هو لا یكثرث لِمَا یؤخذ منه ... ;

به امام صادق (ع) گفتم: جزیه که بر اهل کتاب بسته می شود چه مقدار است؟ فرمود: این در اختیار امام است تا هر چه بخواهد از هر یک آنان بگیرد ... جزیه تا مقداری که توان دارند از آنها گرفته می شود ; ... زیرا خدای تبارک و تعالی فرمود: > تا اینکه جزیه را با دست خویش با خواری پردازند <

و چگونه خوار می شود کسی که نسبت به آنچه از او گرفته می شود بی تفاوت باشد ... < .

۹ از رسول خدا (ص) درباره جزیه سؤال شد ، فرمود : > جزیه الأرض و الرقبه ... ؛

جزیه را می توان بر اراضی بست و می توان سرانه گرفت ... < .

جزیه از اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۳۸،۱۰

۳ اهل کتاب [در حاکمیت اسلام] محکوم به پرداخت جزیه اند .

الذین أوتوا الكتب حتى يعطوا الجزیه عن ید و هم صغرون

۸ زراره گوید : > قلت لأبی عبدالله (ع) : ما حد الجزیه علی اهل الکتاب ... ؟ فقال : ذاک إلی الامام أن يأخذ من کل انسان منهم ما شاء ... تؤخذ منهم علی قدر ما یطیقون ... فإن الله تبارک و تعالی قال : > حتی يعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون < و کیف یکون صاغرا و هو لا یكثرث لِمَا یؤخذ منه ... ؛

به امام صادق (ع) گفتم: جزیه که بر اهل کتاب بسته می شود چه مقدار است؟ فرمود: این در اختیار امام است تا هر چه بخواهد از هر یک آنان بگیرد ... جزیه تا مقداری که توان دارند از آنها گرفته می شود ؛ ... زیرا خدای تبارک و تعالی فرمود: > تا اینکه جزیه را با دست خویش با خواری پردازند < و چگونه خوار می شود کسی که نسبت به آنچه از او گرفته

می شود بی تفاوت باشد ... <.

۱۰ از رسول خدا (ص) روایت شده است : > ... إني لست آخذ الجزية إلا من اهل الكتاب ... إن المجوس كان لهم نبي فقتلوه و كتاب أحرقوه ... ;

... من جزیه نمی گیرم مگر از اهل کتاب ... مجوس، دارای پیغمبر و کتاب بودند که پیغمبر خود را کشتند و کتاب را آتش زدند ... <.

جزیه از مجوس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ از رسول خدا (ص) روایت شده است : > ... إني لست آخذ الجزية إلا من اهل الكتاب ... إن المجوس كان لهم نبي فقتلوه و كتاب أحرقوه ... ;

... من جزیه نمی گیرم مگر از اهل کتاب ... مجوس، دارای پیغمبر و کتاب بودند که پیغمبر خود را کشتند و کتاب را آتش زدند ... <.

شرایط پرداخت جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۷

۷ پرداخت جزیه اهل کتاب به حکومت اسلامی ، باید به دست خود آنان و با انقیاد و تسلیم باشد ، نه اینکه حکومت برای دریافت آن ناچار به اعمال زور شود .

من الذين أوتوا الكتب حتى يعطوا الجزية عن يد وهم صغرون

فلسفه جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۵

۵ جزیه اهل کتاب به حکومت اسلامی ، مالیاتی است برای

حفظ جان و رهایی از مرگ .

قتلوا الذین لا یؤمنون ... من الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه

مقدار جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۸

۸ زراره گوید : > قلت لأبی عبدالله (ع) : ما حد الجزیه علی اهل الکتب ... ؟ فقال : ذاک إلی الامام أن يأخذ من کل انسان منهم ما شاء ... تؤخذ منهم علی قدر ما یطیقون ... فإن الله تبارک و تعالی قال : > حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون < و کیف یکون صاغرا و هو لا یکثرث لِمَا یؤخذ منه ... ;

به امام صادق (ع) گفتم: جزیه که بر اهل کتاب بسته می شود چه مقدار است؟ فرمود: این در اختیار امام است تا هر چه بخواهد از هر یک آنان بگیرد ... جزیه تا مقداری که توان دارند از آنها گرفته می شود ; ... زیرا خدای تبارک و تعالی فرمود: > تا اینکه جزیه را با دست خویش با خواری پردازند < و چگونه خوار می شود کسی که نسبت به آنچه از او گرفته می شود بی تفاوت باشد ... <.

موارد جزیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۹

۹ از رسول خدا (ص) درباره جزیه سؤال شد ، فرمود : > جزیه الأرض و الرقبه ... ;

جزیه را می توان بر اراضی بست و می توان سرانه گرفت ... <.

جعاله

احکام جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ جعاله از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

<جعاله> در اصطلاح متعهد شدن به پرداخت عوض در مقابل انجام کار است. بر این اساس جمله <لمن جاء...> گویای قرارداد جعاله می باشد. در این قرارداد متعهد را <جاعل> ، انجام دهنده را <عامل> و اجرت را <جُعل> می نامند.

۱۱ صحت جعاله منوط به مشخص بودن عامل نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

۱۲ صحت جعاله منوط به تعیین محدوده زمانی برای انجام کار نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

چون کارگزاران یوسف در قرارداد جعاله تعیین نکردند که کار مورد نظرشان (یافتن جام شاهی) در چه محدوده زمانی (فرصتی محدود و یا زمانی خاص) انجام گیرد ، برداشت فوق استفاده می شود.

۱۳ در صحت جعاله ، معین بودن مقدار عملیاتی که برای انجام کار مورد جعاله لازم است ، شرط نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

از آن جا که مشخص نبود پیدا کردن جام مفقود شده چه مقدار کار خواهد برد ، می توان گفت: در قرارداد <جعاله> جهل به مقدار کار به صحت آن ضرر نمی زند.

تاریخ جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ جعاله ، ضمان و كفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

تعیین عامل جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ صحت جعاله منوط به مشخص بودن عامل نیست .

و لمن جاء به حمل بعير

جعاله با ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۴ - ۹

۹- قوم در گیر با یأجوج و مأجوج ، با اظهار آمادگی برای پرداخت دست مزد به ذوالقرنین در برابر ساختن سد ، او را دعوت به عقد قرارداد جعاله کردند .

فهل نجعل لك خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًا

جعاله در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۹

۱۹ جعاله ، ضمان و كفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

جعاله مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۴ - ۹

۹- قوم در گیر با یأجوج و مأجوج ، با اظهار آمادگی برای پرداخت دست مزد به ذوالقرنین در برابر ساختن سد ، او را دعوت به عقد قرارداد جعاله کردند .

فهل نجعل لك خرجًا علی أن تجعل بیننا و بینهم سدًا

جعاله یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۷

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعيم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جواز

ضمانت در جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ ضمانت برای جُعَل (اجرت در جعاله) حتی پیش از انجام کار مورد جعاله، جایز است و اعتبار قانونی دارد.

و انا به زعیم

گوینده جمله <و انا به زعیم> که برای پرداخت اجرت (حمل بعیر) ضامن شده است پیش از آن که عامل، پیمانہ را بیابد اجرت را ضمانت کرده است.

زمان در جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ صحت جعاله منوط به تعیین محدوده زمانی برای انجام کار نیست.

و لمن جاء به حمل بعیر

چون کارگزاران یوسف در قرارداد جعاله تعیین نکردند که کار مورد نظرشان (یافتن جام شاهی) در چه محدوده زمانی (فرصتی محدود و یا زمانی خاص) انجام گیرد، برداشت فوق استفاده می شود.

شرایط صحت جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱۱ صحت جعاله منوط به مشخص بودن عامل نیست.

و لمن جاء به حمل بعیر

۱۲ صحت جعاله منوط به تعیین محدوده زمانی برای انجام کار نیست.

و لمن جاء به حمل بعیر

چون کارگزاران یوسف در قرارداد جعاله تعیین نکردند که کار مورد نظرشان (یافتن جام شاهی) در چه محدوده زمانی (فرصتی محدود و یا زمانی خاص) انجام گیرد ، برداشت فوق استفاده می شود.

۱۳ در صحت جعاله ، معین بودن مقدار عملیاتی که برای انجام کار مورد جعاله لازم است ، شرط نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

از آن جا

که مشخص نبود پیدا کردن جام مفقود شده چه مقدار کار خواهد برد ، می توان گفت: در قرارداد <جعاله> جهل به مقدار کار به صحت آن ضرر نمی زند.

عقد جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ جعاله از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

<جعاله> در اصطلاح متعهد شدن به پرداخت عوض در مقابل انجام کار است. بر این اساس جمله <لمن جاء...> گویای قرارداد جعاله می باشد. در این قرارداد متعهد را <جاعل> ، انجام دهنده را <عامل> و اجرت را <جُعل> می نامند.

مشروعیت جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ جعاله از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

<جعاله> در اصطلاح متعهد شدن به پرداخت عوض در مقابل انجام کار است. بر این اساس جمله <لمن جاء...> گویای قرارداد جعاله می باشد. در این قرارداد متعهد را <جاعل> ، انجام دهنده را <عامل> و اجرت را <جُعل> می نامند.

مقدار کار در جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۳

۱۳ در صحت جعاله ، معین بودن مقدار عملیاتی که برای انجام کار مورد جعاله لازم است ، شرط نیست .

و لمن جاء به حمل بعير

از آن جا که مشخص نبود پیدا کردن جام مفقود شده چه مقدار کار خواهد برد ، می توان گفت: در قرارداد <جعاله> جهل

به مقدار کار به صحت آن ضرر نمی زند.

جمادات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جمادات

احیای جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۱، ۲۷، ۲۱

۲۱ حیات بخشی به موجودات جامد از معجزات حضرت عیسی (ع)

و اذ تخلق من الطین کهیئہ الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیراً باذنی

۲۷ عیسی (ع)، ارائه کننده معجزات خویش (حیات بخشی به اجسام بی جان، درمان کوری و پیسی و زنده کردن مردگان، در بسیاری از مواقع

اذ تخلق... و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج

برداشت فوق از فعل مضارع <تخلق> و <تبری> و <تخرج> که حاکی از استمرار انجام کار می باشد، استفاده شده است.

۳۱ توانایی عیسی (ع) بر ارائه معجزاتی همانند روح بخشی به مجسمه ها، درمان کوری و پیسی و احیای مردگان، از نعمت های ویژه خداوند به آن حضرت

اذکر نعمتی... و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

امکان احیای جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۲

۲۲ جواز و امکان آفرینش موجود زنده از عناصر مادی بی جان

و اذ تخلق من الطین کهیئہ الطیر باذنی

جواز احیای جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۲

۲۲ جواز و امکان آفرینش موجود زنده از عناصر مادی بی جان

و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی

حشر جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۴

۱۴ حشر جمادات و اشیا در قیامت

سیطوَقون ما بخلوا به یوم القیمه

حیات اخروی جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

شعور اخروی جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

شعور جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

۹- وجود نوعی شعور، در همه موجودات جهان حتی جمادات *

و هم عن دعائهم غفلون

جای انکار نیست که در میان معبودهای مشرکان، بت ها و جمادات نیز وجود داشته اند و خداوند در مورد چنین موجوداتی، اولاً ضمیر ذوی العقول (هم) آورده و ثانیاً صفتی را درباره آنان به کار برده (غافلون) که از نوع عدم و ملکه است؛ زیرا غفلت در جایی صدق می کند که زمینه توجه، وجود داشته باشد. از این دو تعبیر استفاده می شود که جمادات نیز دارای نوعی توجه و شعوراند.

۱۵ - > عن عليّ أنّه سئل عن قول الله [تعالى] > يا أيّها الذين آمنوا إذا نودى للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله < قال : ليس السعي الإشتداد ؛

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند تعالی > يا أيّها الذين آمنوا إذا نودى للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله < سؤال شد، آن حضرت فرمود: مراد از <سعی> شدت در راه رفتن (دویدن) نیست <.

۱۷ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله > يا أيّها الذين آمنوا... فاسعوا إلى ذكر الله... < قال : اسعوا أي امضوا و يقال : اسعوا اعملوا لها و هو قصّ الشارب و نتف الإبط و تقليم الأظفار و الغسل و لبس أفضل ثيابك و تطيب للجمعه فهو السعي ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند، > فاسعوا إلى ذكر الله.. < روایت شده که <اسعوا> به معنای <امضوا> است؛ یعنی، بروید و گفته می شود <اسعوا اعملوا لها>؛ یعنی، بکوشید تا برای آنها اعمالی انجام دهید و آن اعمال کوتاه کردن موی شارب و ازاله مو از زیر بغل، گرفتن ناخن، غسل، پوشیدن بهترین پیراهن ها و خوشبو کردن برای نماز جمعه است. پس این اعمال سعی است <.

۱۱ - > روی عن أنس عن النبيّ (ص) قال : في قوله : > فإذا قضيت الصلاة فانتشروا... <

لیس لطلب دنیا و لکن عیاده مریض و حضور جنازه و زیاره أخ فی الله ...

انس از رسول خدا(ص) روایت نموده که آن حضرت درباره سخن خداوند <فإذا قضیت الصلاه فانتشروا..> فرموده: [این انتشار و پراکنده شدن در زمین] برای به دست آوردن دنیا نیست؛ بلکه برای عیادت بیماری یا حضور بر جنازه ای و یا زیارت برادری برای خداوند است...<

احکام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴،۵،۶

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه ، از شرایط آن است .

و ترکوک قائماً

۵ - ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، از آداب آن است .

و ترکوک قائماً

۶ - لزوم استماع خطبه های نماز جمعه و پرهیز از پرداختن به کار های دیگر

و إذا رأوا .. و ترکوک قائماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۲،۷،۱۳

۲ - اذان ، از آداب برپایی نماز جمعه

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعة

ندا برای نماز، همان اذان است.

۷ - تعطیل کردن خرید و فروش و هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه می شود ، فرمان الهی به مؤمنان

یأئها الذین ءامنوا .. و ذروا البیع

مراد از <ذروا البیع> با توجه به دعوت مردم به شرکت در نماز جمعه تنها رها کردن خرید و فروش نیست؛ بلکه ذکر خرید و

فروش، از باب ذکر بارزترین مصداقی است که مانع شرکت در نماز جمعه می شود. بر این اساس هر عملی که مانع شرکت در

نماز جمعه شود، باید ترک گردد.

۱۳ - خرید و فروش و کسب و کار، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است.

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر الله و ذروا البیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱

۱ - جواز خرید و فروش، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضیت الصلوة فاتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل الله

اذان نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۲

۲ - اذان، از آداب برپایی نماز جمعه

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة

ندا برای نماز، همان اذان است.

ارزش نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۸

۸ - شرکت در نماز جمعه و پرداختن به ذکر خدا، بسی ارزشمندتر از کسب مال و سایر منافع دنیوی

فاسعوا إلی ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم

استماع خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۶

۶- لزوم استماع خطبه های نماز جمعه و پرهیز از پرداختن به کار های دیگر

و إذا رأوا .. و ترکوک قائماً

امامت جمعه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۳

۳- اقامه نماز جمعه ، در صدر اسلام و به امامت حضرت رسول اکرم (ص)

و إذا رأوا تجره .. و ترکوک قائماً

امامت نماز جمعه در صدر اسلام

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۳

۳ - اقامه نماز جمعه ، در صدر اسلام و به امامت حضرت رسول اکرم (ص)

و إذا رأوا تجره . . . و ترکوک قائماً

اهمیت استماع خطبه های نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۶

۶ - تلاش و جدیت برای درک خطبه های نماز جمعه و اهمیت دادن به آن ، توصیه خداوند به مؤمنان

فاسعوا إلى ذکر الله

در صورتی که مراد از < ذکر الله > در آیه شریفه خطبه های نماز جمعه باشد ، براشت بالا استفاده می شود.

اهمیت تلاش برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۶

۶ - تلاش و جدیت برای درک خطبه های نماز جمعه و اهمیت دادن به آن ، توصیه خداوند به مؤمنان

فاسعوا إلى ذکر الله

در صورتی که مراد از < ذکر الله > در آیه شریفه خطبه های نماز جمعه باشد ، براشت بالا استفاده می شود.

اهمیت نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۷

۷ - مأموریت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، برای بیان جایگاه بلند نماز در پیشگاه الهی

قل ما عند الله خير من اللّهُو و من التجره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - جمعه - ٦٢ - ٩ - ٩ - ١٣،٩

١ - شركت در نماز جمعه ، توصيه خداوند به مؤمنان

يأيتها الذين ءامنوا . .. فاسعوا إلى ذكر الله

٣ - نماز جمعه ،

> ذکر الله < است .

فاسعوا إلى ذکر الله

مفسران < ذکر الله > را به دو معنا تفسیر کرده اند: الف) مراد از < ذکر الله > نماز جمعه است ب) مراد از آن خطبه های نماز جمعه است. برداشت یاد شده بر پایه تفسیر اول است.

۹- فریضه نماز جمعه و رها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن ، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است .

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله.. .. ذلکم خیر لکم

بیع بعد از نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۱

۱ - جواز خرید و فروش ، پس از تمام شدن نماز جمعه

فإذا قضیت الصلوة فاتتثروا فی الأرض و ابتغوا من فضل الله

بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۱۶، ۱۳

۱۳ - خرید و فروش و کسب و کار ، پیش از اعلام نماز جمعه جایز است .

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البیع

۱۶ - > قال رسول الله (ص) حرمت التجاره یوم الجمعة ما بین الأذان الأول إلى الإقامه إلى انصراف الإمام لأن الله یقول : >

یا أيها الذین آمنوا إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله و ذروا البیع ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: ما بین اذان اول تا اقامه و انصراف امام از آن، تجارت حرام است؛ زیرا خدای تعالی

می فرماید: یا ایها الذین آمنوا إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة

فاسعوا إلى ذكر الله و ذروا البيع >.

پاداش نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ثواب نماز جمعه ، بسی برتر و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند الله خیر من اللھو و من التجره

پاداش نماز گزاران جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۹

۹ - ثواب نماز جمعه ، برای برپادارندگان آن ، در نزد خداوند محفوظ است .

قل ما عند الله خیر

ترک بیع هنگام نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۷،۹

۷ - تعطیل کردن خرید و فروش و هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه می شود ، فرمان الهی به مؤمنان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و ذروا البيع

مراد از <ذروا البيع> با توجه به دعوت مردم به شرکت در نماز جمعه تنها رها کردن خرید و فروش نیست ؛ بلکه ذکر خرید و فروش ، از باب ذکر بارزترین مصداقی است که مانع شرکت در نماز جمعه می شود. بر این اساس هر عملی که مانع شرکت در نماز جمعه شود ، باید ترک گردد.

۹ - فریضه نماز جمعه و رها کردن داد و ستد به هنگام اقامه آن ، در جهت تأمین مصالح و منافع خود مؤمنان است .

إذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا إلى ذکر الله .. ذلکم خیر لکم

ترک نماز جمعہ محمد (ص)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - جمعہ

۱ - مسلمانان صدراسلام ، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی ، جذب آن می شدند و مصلّا را ترک و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، رها می کردند .

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و تركوك قائماً

۲ - نكوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر ترك مصلّا برای داد و ستد و یا تماشای لهو و رها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و تركوك قائماً

تلاش برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۵،۱۷

۵ - مؤمنان ، وظیفه دار جدیت و تلاش برای شرکت در نماز جمعه

فاسعوا إلى ذكر الله

۱۷ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله > يا أيها الذين آمنوا... فاسعوا إلى ذكر الله... < قال : اسعوا أي امضوا و يقال : اسعوا اعملوا لها و هو قصّ الشارب و نتف الإبط و تقليم الأظفار و الغسل و لبس أفضل ثيابك و تطيب للجمعه فهو السعي ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند، <فاسعوا إلى ذكر الله..> روایت شده که <اسعوا> به معنای <امضوا> است؛ یعنی، بروید و گفته می شود <اسعوا اعملوا لها>؛ یعنی، بکوشید تا برای آنها اعمالی انجام دهید و آن اعمال کوتاه کردن موی شارب و ازاله مو از زیر بغل، گرفتن ناخن، غسل، پوشیدن بهترین پیراهن ها و

خوشبو کردن برای نماز جمعه است. پس این اعمال سعی است < .

خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه ، از شرایط آن است .

و ترکوک قائماً

خطبه های نماز جمعه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱

۱ - مسلمانان صدراسلام ، با مشاهده بساط داد و ستد و یا لهو و سرگرمی ، جذب آن می شدند و مصلاً را ترک و پیامبر (ص) را در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، رها می کردند .

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و ترکوک قائماً

روزه در جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۲۲

۲۲ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : > توبوا إلى الله توبه نصوحاً < قال : هو صوم > يوم الأربعاء < و > يوم الخميس < و > يوم الجمعة < ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل > توبوا إلى الله توبه نصوحاً < روایت شده که توبه نصوح، روزه گرفتن در روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه است < . شاید مراد این باشد که روزه در این ایام، مانند توبه نصوح موجب آمرزش گناهان است و شاید مقصود این باشد که از شرایط توبه نصوح، روزه گرفتن در این ایام است.

روزی نماز گزاران جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعہ -

۱۱ - خداوند ، روزی برپاداران نماز جمعه را تضمین کرده است .

قل ما عند الله خير . . و الله خير الرزقين

سرزنش ترك نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۲

۲ - نکوهش مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر ترك مصلاً برای داد و ستد و یا تماشای لهو و رها کردن پیامبر (ص) در حال ایراد خطبه های نماز جمعه

و إذا رأوا تجره أو لهواً انفضوا إليها و تركوك قائماً

سوگند به روز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۸،۹

۸ - > عن محمد بن هاشم عن روى عن أبي جعفر (ع) قال : سأله الأبرش الكلبي عن قول الله عزوجل > و شاهد و مشهود < فقال أبو جعفر (ع) : ما قيل لك ؟ فقال : قالوا : الشاهد يوم الجمعة و المشهود يوم عرفه ، فقال أبو جعفر (ع) : ليس كما قيل ، الشاهد يوم عرفه و المشهود يوم القيامة أما تقرأ القرآن ؟ قال الله عزوجل : > ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود ;

محمد بن هاشم از کسی که از امام باقر(ع) روایت کرده، نقل می کند: ابرش کلبی از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزوجل > و شاهد و مشهود < سؤال کرد، حضرت فرمود: [در این باره] برای تو چه گفته شده؟ عرض کرد: گفته اند: >شاهد< روز جمعه و >مشهود< روز عرفه است. حضرت فرمود: این چنین

که برای تو گفته شده است نیست؛ بلکه <شاهد> روز عرفه و مشهود روز قیامت است. مگر قرآن نخوانده ای که خدای عزوجل فرموده است: ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهود.<

۹ - > عن علی (ع) قال: ... و الشاهد یوم الجمعه و المشهود یوم النحر؛

از امام علی (ع) روایت شده که فرمود: شاهد روز جمعه و مشهود روز قربانی (دهم ذی الحجه) است.<

شرایط نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۴

۴ - ایراد خطبه در نماز جمعه بهوسیله امام جمعه ، از شرایط آن است .

و ترکوک قائماً

شرکت در نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - شرکت در نماز جمعه ، باعث از دست رفتن روزی مردمان نمی شود .

و إذا رأوا تجره .. و الله خیر الرزقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۵

۵ - مؤمنان ، وظیفه دار جدیت و تلاش برای شرکت در نماز جمعه

فاسعوا إلى ذکر الله

عجله برای نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - > عن جابر بن يزيد عن أبي جعفر (ع) قال: قلت له قول الله عز وجل: > فاسعوا إلى ذكر الله < قال: اعملوا و عجلوا فإنه يوم مضيق على المسلمين فيه ;

جابر بن يزيد گوید: به امام باقر(ع) گفتم: مراد از (سخن)

خداوند عزوجل > فاسعوا إلى ذكر الله < چیست؟ فرمود: اعمال جمعه را با عجله انجام دهید [تا به نماز جمعه برسید] زیرا روز جمعه، [وقت] برای مسلمانان تنگ است [و اعمال مستحبّه زیاد است].<

۱۵ - > عن عليّ أنّه سئل عن قول الله [تعالی] > يا أيّها الذين آمنوا إذا نودى للصلاه من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله < قال : ليس السعي الإشتداد ;

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند تعالی > يا أيّها الذين آمنوا إذا نودى للصلاه من يوم الجمعة فاسعوا إلى ذكر الله < سؤال شد، آن حضرت فرمود: مراد از <سعی> شدت در راه رفتن (دویدن) نیست.<

فضیلت جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۰

۲۰ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: > يوم الجمعة سيد الأيام... خلق الله فيه آدم واهبط فيه آدم إلى الأرض ;

روز جمعه شریف ترین روزهاست... در آن روز خداوند آدم را آفرید و در همین روز او را به زمین فرستاد.<

فضیلت شب جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۸

۱۸ > عن أبي عبدالله (ع) : في قول يعقوب لبنيه > سوف أستغفر لكم ربي < قال : أخرها إلى السحر ليله الجمعة ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا از قول یعقوب که گفت: > سوف أستغفر لكم ربي < روایت شده است که فرمود: یعقوب استغفار را تا سحر شب جمعه به تأخیر انداخت.<

فلسفه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۴

۴ - یاد خداوند ، فلسفه و روح نماز جمعه است .

إذا نودی للصلوه من یوم الجمعة فاسعوا إلی ذکر الله

آمدن تعبیر < ذکر الله > درباره نماز جمعه، می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

قیام هنگام خطبه نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۵

۵ - ایستادن در حال ایراد خطبه های نماز جمعه ، از آداب آن است .

و ترکوک قائماً

قیامت در جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۸

۸ > قال الصدوق روی : . . . و تقوم القیامه فی یوم الجمعة . . . قال الله عزوجل : > ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم

مشهود < ;

صدوق گوید: روایت شده است که . . . قیامت در روز جمعه برپا می شود . . . و خدای عزوجل فرمود: ذلک یوم مجموع . . . < .

موانع ترک نماز جمعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - اعتقاد به رازق بودن خداوند ، ناسازگار با ترک کردن نماز جمعه به منظور کسب روزی

و إذا رأوا تجره .. و الله خير الرزقين

نماز جمعه محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۳

۳ - اقامه نماز جمعه ، در صدر اسلام و به امامت حضرت رسول اکرم (ص)

و إذا رأوا تجره .. و ترکوک قائماً

جمعیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جمعیت

آثار رشد جمعیت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۷

۷- رشد اقتصادی و نیروی انسانی و توازن و همپایی آن دو، دارای نقش تعیین کننده در سرنوشت ملتها

و آمدنکم بأمول و بنین

در کنار هم یاد شدن <مال> و <فرزند> نشانگر آن است که قرین بودن این دو با یکدیگر، در غلبه ملتها بر دشمنان خویش نقش آفرین است.

آثار کثرت جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۵

۵ - ثروت انبوه و جمعیت بسیار، از عوامل تکذیب دین و از موانع ایمان است .

آن کان ذا مال و بنین

اهمیت رشد جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱۰

۱۰- رشد اقتصادی و ازدیاد جمعیت به منظور برتری و فزونی یافتن بر نیروی انسانی و اقتصادی دشمن، سیاستی است شایسته و بایسته

و آمدنکم بأمول و بنین و جعلنکم أكثر نفیرًا

جمله <و جعلناکم...> بمنزله نتیجه برای جمله <و آمدنناکم...> است؛ چرا که <نفیر> در لغت به عده ای از مردان گفته می شود که امکانات لازم برای کوچ کردن و حرکت دسته جمعی را داشته باشند (مفردات راغب)، و مقصود از آن به مناسبت مورد، این است که خداوند با کمک اموال و فرزندان به شما، این توانایی را داد که بر دشمن خود فزونی داشته و چیره شوید.

تعیین جمعیت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۰ - ۶

۶ - حاکمیت مطلق و بلامنازع خدا

در صحنه هستی ، پشتوانه اجرای مشیت او در میزان جمعیت و نوع جنسیت فرزندان خانواده

لله ملك السموت ... و يجعل من يشاء عقيماً

تفاخر به جمعیت مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۳

۳ - دیدار قبرستان ها برای شمارش مردگان قبیله ، پست ترین اقدام برخی قبایل عصر جاهلی ، در مقام اثبات برتری تعداد خویش بر قبایل دیگر

حَتَّى زرتم المقابر

قید <حَتَّى زرتم المقابر>، ممکن است کنایه از مرگ باشد و شاید در معنای حقیقی دیدار گورستان به کار رفته باشد. در صورت دوم، ناظر به رفتاری است که درباره برخی اقوام عرب نقل شده است که کثرت افراد قبیله را، ملاک برتری دانسته و برای بالا بردن رقم آن، حتی مردگان خود را نیز شمردند.

جمعیت قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۷ - ۲

۲ - جمعیت قوم یونس ، بیش از یک صد هزار نفر بود .

و أرسلنه إلى مائه ألف أو يزيدون

جمعیت مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۵

۵ تکذیب کنندگان انبیای پیشین بر اثر برخورداری از رفاه و آسایش جمعیتشان افزایش یافت .

حتى عفوا

از معانی <عفو> زیاد شدن است. در لسان العرب آمده: <عفا القوم: كثروا>.

خطر ازدیاد جمعیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - خطر آفرینی افزایش جمعیت قوم بنی اسرائیل و جوانان آن ، برای حکومت فرعون

یذبح أبناءهم

سرزنش تفاخر

به جمعیت مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۸

۸ - > قال علی (ع) بعد تلاوه < ألهيكم التكاثر حتى زرتم المقابر > يا له مرأماً ما أبعدَه و زوراً ما أغفله و خطراً ما أفضعه .. .
أفبمصارع أباءهم يفخرون أم بعدید الهلكی يتكاثرون ... و لأن يكونوا عبراً أحق من أن يكونوا مفتخراً ;

علی (ع) بعد از تلاوت آیه < ألهيكم التكاثر حتى زرتم المقابر >، فرمود: شگفتا چه هدف بسیار دوری! و چه زیارت کنندگان غافلی و چه خرامیدن بسیار زشتی! آیا به محل زمین خوردن پدران خویش می نازند و یا به تعداد هلاک شدگان [اقوام خود] مباحات می کنند؟ ... به راستی اینها مایه عبرت قرار گیرند، سزاوارتر است تا مایه مباحات و افتخار باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۲ - ۶

کثرت جمعیت اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ جمعیت بیشتر، امکانات برتر و قدرت فرونتر قوم نوح، عاد، ثمود، قوم ابراهیم و اصحاب مدین در مقایسه با منافقان عصر پیامبر (ص)

كالذین من قبلکم كانوا أشد منكم قوه .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح ...

کثرت جمعیت قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ جمعیت بیشتر، امکانات برتر و قدرت فرونتر قوم نوح، عاد، ثمود

، قوم ابراهیم و اصحاب مدین در مقایسه با منافقان عصر پیامبر (ص)

کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه . . ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح ...

کثرت جمعیت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ جمعیت بیشتر ، امکانات برتر و قدرت فزونتر قوم نوح ، عاد ، ثمود ، قوم ابراهیم و اصحاب مدین در مقایسه با منافقان عصر پیامبر (ص)

کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه . . ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح ...

کثرت جمعیت قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ جمعیت بیشتر ، امکانات برتر و قدرت فزونتر قوم نوح ، عاد ، ثمود ، قوم ابراهیم و اصحاب مدین در مقایسه با منافقان عصر پیامبر (ص)

کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه . . ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح ...

کثرت جمعیت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ جمعیت بیشتر ، امکانات برتر و قدرت فزونتر قوم نوح ، عاد ، ثمود ، قوم ابراهیم و اصحاب مدین در مقایسه با منافقان عصر پیامبر (ص)

کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه . . ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح ...

کثرت جمعیت کافران

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ -

۱ - جبهه کفر، متکی به جمعیت و اتحاد نیروهای خود برای مقابله با حق

أم یقولون نحن جمیع منتصر

<جمع> خبر <نحن> است؛ یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

کثرت جمعیت مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۷، ۶

۶ خداوند با عنایت ویژه خویش به مردم مدین، در مدتی کوتاه جمعیت اندکشان را فزونی بخشید و از آنان امتی بزرگ ساخت.

و اذکروا إذکنتم قلیلا فکترکم

عطف <کترکم> به وسیله <فاء> بر جمله قبل می‌رساند که زیاد کردن جمعیت مردم مدین در مدتی نسبتاً کوتاه انجام گرفته است و همین معنا بیانگر عنایت ویژه خداوند به آنان است.

۷ شعیب برای گرایش دادن مردم مدین به راه خدا، عنایت خداوند در زیاد کردن جمعیت اندک آنان را یادآور شد.

و اذکروا إذکنتم قلیلا فکترکم

نعمت کثرت جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۷، ۸

۷ شعیب برای گرایش دادن مردم مدین به راه خدا، عنایت خداوند در زیاد کردن جمعیت اندک آنان را یادآور شد.

و اذکروا إذکنتم قلیلا فکترکم

۸ انبوهی جمعیت هر ملت از نعمت‌های الهی بر آنان است.

و اذکروا إذکنتم قلیلا فکترکم

نقش جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۴ - ۴

۴- فراوانی پیروان و سابقه تاریخی یک اندیشه ، دلیل حقانیت آن نیست .

قالوا وجدنا ءاباءنا .. أنتم وءاباؤکم فی ضلل مبین

برداشت یاد شده از

آن جا به دست می آید که مردم بت پرست در پاسخ به اعتراض حضرت ابراهیم(ع)، مسأله سابقه تاریخی اندیشه بت پرستی و فزونی پیروان اندیشه شرک را مطرح کردند؛ ولی حضرت ابراهیم(ع) با گمراه خواندن آنان و اجدادشان چنین استدلالی را مردود دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۴

۴ - افزون تر بودن تعداد ، نشان برتری قبیله ای بر قبایل دیگر در فرهنگ جاهلی

ألهیکم التکاثر

آیه بعد، در یکی از احتمالات آن ناظر به ماجرای تفاخر دو قبیله از قریش، با یکدیگر است تا آن جا که به شمارش مردگان و اثبات فزونی افراد خود پرداختند. ارتباط آن با <تکاثر> در این آیه، بیانگر برداشت یاد شده است.

نقش جمعیت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۶،۸

۶ کثرت نفرات مسلمانان در جنگ حنین ، کارساز نبود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

۸ کثرت نیرو های رزمی ، بدون امداد های الهی ، تضمین کننده پیروزی نیست .

إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

نقش کثرت جمعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۳ - ۲

۲- اموال و نفرات ، هیچ قدرت و تأثیری در جلوگیری از عذاب و کیفر الهی ندارند .

و هی خاویه علی عروشها .. و لم تکن له فئه ینصرونه من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۱

۱ - جبهه کفر

، متکی به جمعیت و اتحاد نیرو های خود برای مقابله با حق

أم یقولون نحن جمیع منتصر

<جمیع> خبر <نحن> است؛ یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

جن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جن

آثار استراق سمع جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۴

۴ - استراق سمع جن از آسمان ، موجب نابودی آنان خواهد شد .

فمن یستمع الآن یجد له شهاباً رصداً

آثار ایمان جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- ایمان گروهی از جنیان ، به مجرد شنیدن قرآن ، تعریضی به مشرکان لجوج و حق ستیز است . *

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ

با توجه به این که آیات پیشین، تماماً هشدار به مشرکان بود؛ این آیه نیز در بردارنده تعریض و سرزنش برای آنان است؛ زیرا جنیان پیغام قرآن را شنیده و پذیرفتند؛ ولی آنان چنین نکردند.

آثار پناه به جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۴،۵،۶،۷

۴ - پناه بردن برخی از مردان در مشکلات و اضطراب‌ها به گروهی از مردان جن، بر سفاقت و سبک‌سری جن می‌افزود.

فزادوهم رهقاً

<رَهَقَ> در معانی سفاقت، گناه و عمل زشت، کذب و ظلم به کار می‌رود؛ ولی به قرینه آیه ۴ همین سوره (و أنه کان یقول سفیهنا علی الله کذباً) معنای اول مراد است. گفتنی است درباره ضمیر فاعلی و ضمیر <هم> در <فزادوهم>، دو احتمال هست: ۱ ضمیر فاعلی به رجال انس و ضمیر <هم>

به رجال جن باز گردد؛ ۲ عکس صورت اول. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۵ - پناه بردن برخی از انسان ها به جن ، موجب افزایش گناه و زشت کاری جن بود .

فزادوهم رهقاً

معنای گناه و فعل قبیح، از معانی مشهور واژه <رَهَقَ> است که مفسران نیز بر آن تأکید دارند.

۶ - پناه بردن گروهی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به برخی از مردان جن ، بر گناه و زشت کاری آن گروه می افزود .

فزادوهم رهقاً

برداشت یاد شده و بعدی، مبتنی بر این نکته است که ضمیر فاعلی <فزادوهم> به رجال جن و ضمیر <هم> به رجال انس بازگردد.

۷ - پناه بردن گروهی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به برخی از مردان جن ، موجب فزونی سفاهت و سبک سری آن گروه می شد .

فزادوهم رهقاً

آثار ذکر عجز جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۵

۵ - توجه به قدرت برتر خداوند و عجز و ناتوانی خلق ، بازدارنده آنان از کفر و تکذیب

لا تفتنون إلا بسلطن . فبأیء آلاء ربکمما تکذبان

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که غفلت جن و آدمیان از قدرت خداوند، زمینه ساز تکذیب گری آنان است.

آثار ممنوعیت استراق سمع جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۳،۴،۵

۳ - محرومیت جن از شناخت مقدرات الهی ، درباره اهل زمین پس از ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان

وَأَنَا لَأَنْدَرِي أَشْرًا أُرِيدُ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

٤ - منوعيت جن

از استراق سمع آسمان ، در جهت خیر و صلاح اهل زمین است .

و أَنَا لَآنَدْرِى أَشْرَّ أُرِيدُ بَمَنْ فِى الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبِّهِمْ رَشْدًا

آیه دوم که گویای هدایت گری قرآن به سوی رشد و درستی است قرینه است براین که خداوند با نزول قرآن، خیر و صلاح بشر را اراده کرده و در این راستا جن را، از استراق سمع آسمان ممنوع ساخته است.

۵- تردید جن پس از ممنوع شدن از استراق سمع آسمان ، در شناخت تقدیر الهی درباره اهل زمین و خیر و رشد بودن آفرینش آنها *

و أَنَا لَآنَدْرِى أَشْرَّ أُرِيدُ بَمَنْ فِى الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبِّهِمْ رَشْدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ممنوعیت جن از استراق سمع آسمان، ظرف زمان برای پیدایش این سؤال باشد که خداوند، برای چه منظوری اهل زمین را آفرید؛ نه این که به چه هدفی آنان از استراق سمع، ممنوع شدند؟

آسیب پذیری جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۷

۷- جن نیز همانند انسان ، آسیب پذیر از آتش و عوامل مادی

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس فلاتنتصران

ابلیس از جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۱

۱۱- ابلیس ، علی رغم حضور در میان فرشتگان ، موجودی از جنس و طائفه جن بود .

فسجدوا إلا ابلیس کان من الجن

اخبار جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - جن - ٧٢ - ٧ - ٢

٢ - مؤمنان جن ،

دیگران را از انکار قیامت و رستاخیز از سوی برخی از انسان ها آگاه ساختند .

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

اختیار جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۴

۱۴- < جن > ، موجودی دارای شعور و اختیار است .

كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ

تمرد و سرپیچی، نشانه انتخاب گری است و حق انتخاب گری، به موجودی قابل اعطا است که از قدرت تشخیص برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۸

۸- جن ، همانند انسان ، موجودی دارای شعور و اختیار و تکلیف و کیفر است .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- جَنِّيَانِ ، موجوداتی مختار و توانمند بر سرپیچی از فرمان خداوند

وَمِنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نَذَقَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۲

۲- ایمان و کفر جن ، به اختیار و انتخاب خود آنان و نه معلول جبر

و من لا یجب داعی اللّٰه

از سیاق این آیات که در آن جنیان تشویق و تهدید شده اند و اجابت و عدم اجابت به خود آنان نسبت داده شده است مطلب بالا استفاده می شود.

اخلا لگري جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۲،۳

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین فسادانگیز و اخلا ل

گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزارى مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

۳- گروهی از شیاطین جنی ، درصدد فسادانگیزی و اخلال گری در کار خیراند .

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

ادب جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۶

۶- رعایت ادب ، از سوی جن نسبت به خداوند

و انا لاندری اشرّ اُرید بمن فی الأرض أم اراد بهم ربهم رشدًا

برداشت یاد شده، از آمدن فعل مجهول درباره شرّ و نسبت ندادن آن به خداوند از یک سو و نسبت دادن خیر به خداوند از سوی دیگر، به دست می آید.

ادراک جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۲،۴،۵

۲- جنیان ، قادر به شنیدن و درک کلمات انسان

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ يستمعون القرآن

استماع جنیان نسبت به قرآن، آنگونه که از ظاهر آیه استفاده می شود امری اعجاز گونه نبوده و به شکل طبیعی صورت گرفته بود.

۴- جنیان ، همانند انسان نیازمند سکوت و آرامش برای درک مفاهیم

فلما حضروه قالوا أنصتوا

تعبیر <أنصتوا> و فراخواندن به سکوت برای فهم بهتر و دقیق تر سخن است؛ هرچند تلاش برای فهم بهتر، خود احترام نهادن بر سخن و گوینده نیز می باشد.

۵- کلمات و مفاهیم

قرآن ، قابل فهم برای جنیان

يستمعون القرآن فلما حضروه قالوا أنصتوا

کلمات <يستمعون> ، <أنصتوا> و <ولوا .. منذرین> نشانگر فهم و درک جنیان نسبت به مفاهیم قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فبأىء آلاء ربكمَا تكذَّبَان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، قابل درک و فهم برای جن

إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَانَ عَجَبًا

ادعای عفریت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۴

۴ - تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ

اراده جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- جن ، همانند انسان ، دارای شعور و اراده و تکلیف

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ . . . ولّوا إلى قومهم منذرين

استماع قرآن، ایمان به آن و انذار دیگران، گویای مطلب بالا است.

ازدحام جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۶

۶- ازدحام جن در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکنونون علیه لبدا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ضمائر <کادوا یکنونون> به جن باز گردد.

اسارت جن

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱

۱ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنین> اسم مفعول از <قرّنه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صفد> (مفرد <أصفاد>) نیز به معنای قید و بند است.

استراق سمع جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۶

۶- <عن موسی بن جعفر (ع) :... ان الجنّ كانوا یسترقون السمع قبل مبعثه فمَنعت فی أوان رسالته بالرجوم...>

از امام موسی بن جعفر روایت شده است: جنیان قبل از بعثت رسول خدا(ص) استراق سمع می کردند (اخبار آسمانها را گوش می دادند) و در اوایل رسالت آن حضرت، به وسیله پرتاب سنگهای ستارگان، از آن ممنوع شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۲

۲ - توانایی جن ، بر تماس با آسمان

و أنا لمسنا السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۲، ۱

۱ - در کمین نشستن جن در آسمان برای استراق سمع ، پیش از نزول قرآن

و أنا کنا نقعد منها مقعد للسمع

۲ - آگاهی و دسترسی جن از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان ، پیش از نزول قرآن

و أَنَا كُنَّا نَقْعِدُ مِنْهَا مَقْعِدَ لِّلسَّمْعِ

استراق سمع جنیان مؤمن

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - جن - ۷۲

۱ - تلاش مؤمنان جن ، به منظور تماس با آسمان و دسترسی به اخبار آن

و أنا لمسنا السماء

استعاذه از وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۷،۱۴

۷ - پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جنیان و انسان ها ، مایه مصونیت انسان در برابر آن

قل أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ . . . مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

۱۴ - لزوم پناه بردن به خداوند از آثار وسوسه های جن و انس

قل أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ . . . الَّذِي يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ . مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

استعداد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۲

۲- جنیان ، قادر به شنیدن و درک کلمات انسان

و إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ

استماع جنیان نسبت به قرآن، آنگونه که از ظاهر آیه استفاده می شود امری اعجاز گونه نبوده و به شکل طبیعی صورت گرفته بود.

استماع قرآن جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱

۱- روی آوری گروهی از جنیان به تدبیر الهی ، برای استماع قرآن از پیامبر (ص)

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ يستمعون القرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۱،۲

۱ - گروهی از جن (سه تا هفت نفر یا سه تا ده نفر) ، به قرائت قرآن پیامبر (ص) گوش فرامی دادند .

قل أوحى إليّ أنه استمع نفر من الجنّ

واژه <نفر> به

گروهی متشکل از سه تا ده نفر و بنا بر نقلی سه تا هفت نفر از مردان اطلاق می شود. (مصباح المنیر)

۲ - پیامبر (ص)، از راه وحی به استماع جن نسبت به قرآن آگاه شد .

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۷

۷ - اعتقاد جنیان استماع کننده قرآن، به ربوبیت یگانه خدا و دوری آنان از شرکوری به او

و لَنْ نَشْرَكَ رَبَّنَا أَحَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۵

۵ - ایمان و اعتراف گروهی از جن، به ربوبیت و یکتایی خداوند پس از شنیدن آیات قرآن

و أَنَّهُ تَعَلَىٰ جَدِّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۱

۱ - برخی از افراد جن، به مجرد شنیدن آیات هدایت بخش قرآن، به آن ایمان آوردند .

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰءَ آمَنَّا بِهِ

مقصود از <الهدی> به قرینه آیه <قَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَانَ عَجَبًا . يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ...> قرآن کریم است.

اضلال جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱

۱ - برخی از جنیان، در ذهن انسان ها افکار پلید القا کرده، آنها را وسوسه می کنند .

حرف <من> برای تبعيض است و بيان می کند که مراد از <الوسواس الخناس>، برخی از جنّيان و انسان ها است. <جنّه>

معنای گروه جن (مفردات) و <ناس> جمع انسان است. (تاج العروس)

اعلام آمادگی عفریت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۱

۱ - اعلام آمادگی عفریتی از جنیان ، برای حاضر ساختن تخت بلقیس ، پیش از برخاستن سلیمان از مسند خویش

قال عفریت من الجنّ أنا ءاتیک به قبل أن تقوم من مقامک

<مقام> اسم مکان از <قام بالأمر> است ؛ یعنی ، <قبل أن تقوم من مجلسک الذی تجلس فیه لأمر الحکومه> . گفته شده که سلیمان هر روز صبح تا ظهر برای انجام کارها و اداره امور مملکت بر مسند می نشست.

افتراهای جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۵

۵ - دروغ گفتن برخی از انسان ها و جن درباره خداوند

و أَنَا ظَنَّنَا أَن لَّنْ تَقُولُ الْإِنْسَ وَالْجِنِّ عَلَی اللَّهِ كَذِبًا

افساد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۲،۳

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخیرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

۳ - گروهی از شیاطین جنی ، درصدد فسادانگیزی و اخلال گری در کار خیراند .

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

اقرار جنیان مؤمن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۱

۱ - اعتراف ایمان آورندگان از جن ، به سفاقت و کم خردی مشرکانشان

و أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۲

۲ - آگاهی و اعتراف گروهی از جن ، به دروغ بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند

و أَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنَّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانی جن از عاجز ساختن خداوند و حرکت در جهت خلاف مقررات الهی

و أَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نَعْبُدَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ

۲ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانی جن از فرار از سیطره الهی و ناتوان ساختن خداوند از دستیابی به آنان

و لَنْ نَعْبُدَهُ هَرَبًا

امانتداری عفریت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۴

۴ - تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

و إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ

انبیای جن

۱۰- > عن أبي عبد الله (ع) : > قالوا أبعث الله بشراً رسولاً > قالوا : إن الجن كانوا في الأرض قبلنا ، فبعث الله إليهم ملكاً ، فلو أراد الله أن يبعث إلينا لبعث الله ملكاً من الملائكة ، و هو قول الله > و ما منع الناس

أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبْعَثِ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا >;

از امام صادق(ع) روایت شده است: <قالوا أبعث الله بشراً رسولاً> آن ان (منکرین رسالت محمد(ص)) گفتند: همانا جنیان قبل از ما در زمین بودند. پس خداوند فرشته ای را به سوی آنان مبعوث کرد. پس اگر خداوند کسی را اراده کرده است به سوی ما بفرستد، پس باید فرشته ای از فرشتگان را می فرستاد و این سخن خداوند است که می فرماید: و ما منع الناس أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبْعَثِ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا.>

انذارهای جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۷

۷- بازگشت جنیان مؤمن ، به سوی قومشان با پیام انذار و هدایت

وَلَوْ إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ

انقیاد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱

۱- جنیان در خدمت سلیمان (ع) ، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجنّ من يعمل بين يديه .. يعملون له ما يشاء

انگیزه جن پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۱ - ۳

۳- تحصیل عزت و اعتبار ، از انگیزه های مشرکان در پرستش معبود های خویش

وَاتَّخَذُوا .. لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا

<عِزًّا> مصدر است و می تواند در توصیف مفرد و جمع به کار رود. کلمه یاد شده در این آیه، یا به معنای اسم فاعل

<معزین> است (یعنی پرستش معبودها به انگیزه عزت بخش بودن آنها صورت می گیرد) و

یا مراد مبالغه است (یعنی مشرکان معتقد بودند که معبودهایشان، عزّت مجسم هستند و ارتباط با آنان زمینه ساز دریافت عزت است).

اهمیت ذکر عجز جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۴

۴ - خداوند ، خواهان توجه خلق به قدرت مطلق او و عجز و ناتوانی خویش

إِن اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا... فَبَأَىءَ آلاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

ایمان جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۶

۶- پی بردن جنیان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با استماع کلام وحی

فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصَبُوا فَلَئِمَّا قُضِيَ وَلَوْ إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ

تعبیر <ولوا إلى...> نشان می دهد خود جنیان، اندازها را پذیرفتند و به آن ایمان آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۴

۴- جامعه جن ، مؤمن به موسی (ع) و کتاب آسمانی او

إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا

انذارگران جن برای گرایش دادن قوم خویش به قرآن، تصدیق گری آن برای تورات را یادآور شده اند. این سخن در صورتی ثمربخش است که جامعه جن، به تورات معتقد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۴

۴- ایمان گروهی از جن به قرآن ، در مرحله آغازین نزول

إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا . يَهْدِي إِلَى الرِّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۵

۵- ایمان و اعتراف گروهی

از جن ، به ربوبیت و یکتایی خداوند پس از شنیدن آیات قرآن

و أَنَّهُ تَعَلَىٰ جَدِّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَهُ وَ لَا وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۱

۱ - برخی از افراد جن ، به مجرد شنیدن آیات هدایت بخش قرآن ، به آن ایمان آوردند .

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ

مقصود از <الهدی> به قرینه آیه <قَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَانَ عَجَبًا . يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ...> قرآن کریم است.

بازگشت جن مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۷

۷- بازگشت جنیان مؤمن ، به سوی قومشان با پیام انذار و هدایت

وَلَوْ إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنذِرِينَ

بشارتهای جن مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۵

۵- مبلغان مؤمن جن ، نوید دهنده قوم خویش به غفران الهی و رهایی از عذاب ، در پرتو ایمان

يقومنا .. و ءامنوا به يغفر لكم من ذنوبكم و يجركم من عذاب أليم

بی پناهی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۲ - ۵

۵- هیچ کس ، توانایی پناه دادن به انس و جن در برابر عذاب الهی را ندارد .

و لن أجد من دونه ملتحداً

بی یاوری اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۳

۳- خلق ، ناتوان از یاری رسانی به یکدیگر و عاجز از عکس العمل دفاعی در مقابل سختی های

یرسل علیکما . . . فلاتنتصران

پاداش اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیه الثقلان . فبأی ءالاء ربکم تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أتهم ظنوا کما ظننتم أن لن یبعث الله أحدا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

پدر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۴

۴ - > عن الحسین بن علی (ع) کان علی بن أبی طالب (ع) بالکوفه فی الجامع إذ قام إلیه رجل . . . و سأله عن اسم أبی

الجبّ فقال : شومان و هو الذی خلق من مارج من نار . . . ;

از امام حسین (ع) روایت شده که حضرت علی (ع) در جامع کوفه بود که مردی برخاست [و در ضمن چند سؤال از آن حضرت] از پدر جن سؤال کرد: حضرت فرمود: پدر جن <شومان> نام داشت [و فرمود:] هو

الذی خلق من مارج من نار.. <.

پناه به جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۳، ۲، ۱

۱ - برخی از مردان بنی آدم ، به گروهی از مردان جنی پناه می بردند .

و أنه کان رجال من الإنس یعودون برجال من الجنّ

۲ - در نگاه برخی از انسان ها ، گروهی از جن توانا بر حل مشکلات بشر و پناهگاهی امن در مواقع ترس و اضطراب

و أنه کان رجال من الإنس یعودون برجال من الجنّ

پناه بردن به کسی و جایی، در وقتی است که انسان با مشکلی سخت و مسائلی وحشتناک و اضطراب آور روبه رو شده باشد.

۳ - جنیان ، پناهگاهی امن در وقت اضطرار و کارساز برای حل مشکلات بشر نیستند .

و أنه کان رجال من الإنس یعودون برجال من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که مسأله پناه بردن انسان ها به جن، در ردیف کارهای باطل و بی حقیقتی قرار گرفته که به عنوان عمل سفیهانه محکوم شده است؛ مانند شریک و فرزند داشتن خدا و ...

تاریخ جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۴

۴- کفر و حق ناباوری ، دارای دیرینه در گذشته تاریخ جن و انس

حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

تاریخ خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- جن قبل از خلقت انسان ، آفریده شده است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۵

۱۵- جن ، دارای پیشینه ای قدیم تر از آفرینش آدمیان است .

اسجدوا لأدم .. إلا إبليس كان من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۶

۶ - آفرینش جن ، قبل از آفرینش انسان ها *

و ما خلقت الجنّ و الإنس

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم لفظی جن بر انس، دال بر تقدم خارجی باشد.

تبلیغ جن مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱،۲

۱- جنیان مؤمن ، در تلاش برای هدایت جامعه خود به سوی قرآن

قالوا یقومنا إنا سمعنا کتباً .. یهدی إلى الحقّ

۲- جنیان انذارگر ، پیام آور نزول کتابی آسمانی پس از تورات ، برای قوم خویش

ولّوا .. منذرین . قالوا یقومنا إنا سمعنا کتباً أنزل من بعد موسی

تسخیر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۸

۸- قرار گرفتن جن در خدمت اهداف بشر

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۲

۲- قدرت جنیان در خدمت حکومت سلیمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفريت من الجنّ أنا اتيك به

واژه <عفريت> به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغیان و سرکشی است. گاهی نیز به معنای قهرمان به کار می رود. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۸

۱۸ - امکان تسخیر جنیان به وسیله انسان ها

و من الجنّ من يعمل بین یدیه یاذن ربّه

چنانچه <من يعمل> عطف به <الریح> باشد، مفید این معنا خواهد بود که جنیان به منظور کار کردن به تسخیر سلیمان(ع) درآمده بودند. بنابراین، استفاده می شود که امکان تسخیر جنیان وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۸

۸ - شیاطین جنی ، موجوداتی قابل تسخیر برای بشر

فسخرنا له . . . و الشیطن کلّ بناء و غواص

تسخیر جن برای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۱، ۹

۹ - گروهی از جنیان ، مسخر سلیمان (ع) و تحت اختیار او بودند .

و لسلیمن . . . و من الجنّ من يعمل بین یدیه یاذن ربّه

۱۱ - مسخر و رام بودن جنیان برای سلیمان (ع) ، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا فضلاً . . . و لسلیمن ... و من الجنّ من يعمل بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱، ۲، ۳

۱ - جنیان در خدمت سلیمان (ع) ، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجَنِّ من يعمل بين يديه . . . يعملون له ما يشاء

۲ - جَنِّان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

يعملون له ما يشاء من محريب

<محارِب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است

و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

۳- جنیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

يعملون له ما يشاء من محاريب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۴

۴- گروهی از جنیان ، همواره در خدمت و پیشگاه سلیمان (ع) بودند .

فی العذاب المهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۴

۴- تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکا .. فسخرنا له ... الشیطن کلّ بناء و غواص

تشابه انسان با جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۶

۶- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حقّ علیهم القول فی أممّ قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است؛ زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معاداند؛ زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف

۱۴- جنیان نیز همانند انسان ها ، دارای درجات اخروی و دریافت کننده نتایج اعمالشان در قیامت

أُممٌ قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس . . و لكلّ درجت مّمّا عملوا

تشابه جن با انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۳، ۱۱، ۴

۴- جنیان ، همانند انسان نیازمند سکوت و آرامش برای درک مفاهیم

فلّمّا حضروه قالوا أنصتوا

تعبیر <أنصتوا> و فراخواندن به سکوت برای فهم بهتر و دقیق تر سخن است هرچند تلاش برای فهم بهتر، خود احترام نهادن بر سخن و گوینده نیز می باشد.

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

وَلّوا إلی قومهم منذرین

<مذّرین>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

۱۳- جن ، همانند انسان ، دارای شعور و اراده و تکلیف

و إذ صرفنا إلیک نفرًا من الجنّ . . وّلّوا إلی قومهم منذرین

استماع قرآن، ایمان به آن و انذار دیگران، گویای مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۳، ۹

۹- جنیان ، نیازمند غفران الهی ، همانند آدمیان

و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب ألیم

وعده غفران، نشانگر نیاز است؛ چه این که اگر نیازی در کار نباشد، نوید تحقق نمی یابد.

۱۳- وجود کیفر کردار برای جن ، همانند آدمیان

قالوا یقومنا .. ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب ألیم

از تعبیر <یجرکم..>، استفاده می شود که اگر غفران و پناه الهی

نباشد، گناه آنان نیز همانند آدمیان دارای کیفری سخت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۳

۳ - جنیان ، همانند انسان در زمین سکونت دارند .

و الأرض وضعها للأنام

در صورتی که <أنام> به معنای جن و انس باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴،۵

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسئولیت

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۵ - وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۵

۵ - جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت چرخش منظم خورشید *

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

بنابراین که مخاطب <ربكما> انسان و جن باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۵

۵ - جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت ها و موهبت های زمین و دارای درك و مسؤولیت

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۵

۵ - جن ، همانند انسان بهره مند از مظاهر زیبای طبیعت و دارای درك و

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

در صورتی که خطاب در آیه شریفه متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۶

۶ - جن همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسئولیت

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

استفهام در <فَبَأَيِّ ءَالَآءِ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴،۶

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسئولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیه الثقلان . فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

۶ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۷

۷- جن نیز همانند انسان ، آسیب پذیر از آتش و عوامل مادی

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس فلاتتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۱

۱- وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فبأیءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فبأئىء الاء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىء الاء ربكما تكذبان

تشبه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىء الاء ربكما تكذبان

تشبه آمدن <کما> و <تکذبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىء الاء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - جن همانند آدمیان ، دارای غریزه و روابط جنسی

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که اولاً- مخاطب آیات، <جن و انس> می باشند و ثانیاً <لَمْ يَطْمِثْهُنَّ..جان> می رساند که جنیان نیز زمینه روابط جنسی را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۴

۴ - علاقه و گرایش به زنان زیبا ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فِيهِنَّ قَصْرَتِ الطَّرْفِ .. كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت همسران زیبا و جذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۲

۲ - وجود عناصر

کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَىءِ الْآءِ رَبُّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَىءِ الْآءِ رَبُّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۵

۵- جن همانند آدمیان ، دارای غریزه و روابط جنسی

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

برداشت یاد شده، با توجه به دو نکته زیر است: الف) مخاطب آیات شریفه،

جن و انس می باشند ب) <لم یطمثهنّ.. و لاجانّ> می رساند که جنیان نیز برخوردار از زمینه روابط جنسی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۴

۴ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث الله أحداً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

تشبیه به جن زده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ مرتد مانند جن زده است که روی زمین بی هدف و سرگردان راه می پیماید.

و نرد علی اعقابنا .. کالذی استهوته الشیطن فی الأرض حیران

تفاوت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۶

۶ - تفاوت جنیان در قوت و ضعف

قال عفريت من الجنّ . . . و إنّی علیه لقویّ أمين

از این که تنها یکی از جنیان اعلام آمادگی کرده است، استفاده می شود که همه آنان

قادر به انجام چنان کاری نبوده اند.

تکامل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۷

۷ - پرستش خداوند ، عالی ترین مرتبه تکامل جن و انس

و ما خلقت .. إلا ليعبدون

<لام> در <لِيعْبُدُونَ> برای بیان غایت است. با توجه به این که افعال الهی و اهداف او، گزاف نیست و کمال را به دنبال دارد، مطلب بالا استفاده می شود.

تکذیبگری جن کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۱

۱ - گروهی از جن ، منکر قیامت و رستاخیزاند .

و أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

تکلیف جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۸

۸ - جن ، همانند انسان ، موجودی دارای شعور و اختیار و تکلیف و کیفر است .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۴، ۱۵

۱۴ - در خدمت سلیمان (ع) بودن گروهی از جنیان، براساس تکلیف الهی بود.

و من الجنّ من يعمل بین یدیه . . . و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه

از تهدید به عذاب جنیان در خدمت سلیمان(ع)، استفاده می شود که آنان موظف به انجام چنین کاری بوده اند.

۱۵ - جنیان، موجوداتی مکلف به انجام تکلیف از سوی خداوند

و من الجنّ من يعمل بین یدیه . . . و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۸

۸- جن ، موجودی مکلف و مسؤول در برابر عقاید و رفتار خود

و لقد علمت الجنة إنهم لمحضرون

احضار شدن جن برای حسابرسی در روز رستاخیز، بیانگر مکلف و مسؤول بودن او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ عليهم القول في أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۶

۶- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حقّ عليهم القول في أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است؛ زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معادند؛ زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- جن ، همانند انسان ، دارای شعور و اراده و تکلیف

و إذ صرفنا إليك نفراً من الجنّ . . . ولّوا إلى قومهم منذرين

استماع قرآن، ایمان به آن و انذار دیگران، گویای مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - وجود کیفر

کردار برای جن ، همانند آدمیان

قالوا یقومنا .. ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب أليم

از تعبیر <یجرکم..>، استفاده می شود که اگر غفران و پناه الهی نباشد، گناه آنان نیز همانند آدمیان دارای کیفری سخت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۳

۳ - جن ، موجودی شعورمند و دارای تکلیف ، همچون انسان

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون

از این که <جن> در کنار <انس> قرار گرفته و هدفی همسان برایشان در نظر گرفته شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲،۴

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لکم أیه الثقلان

۴ - ارجمندی و مرتبت جن و انس ، به عنوان دو موجود شعورمند و مسؤول در نظام جهان

سنفرغ لکم أیه الثقلان

ممکن است وصف <ثقلان> (دو موجود وزین و گران سنگ) از آن جهت به جن و انس اطلاق شده باشد که در پرتو شعور و مسؤولیتشان، مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرند و شایستگی آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیه الثقلان . فبأی ءالآء ربکمآ تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۴

۴ - جن نیز همچون آدمیان ، مکلف و مسؤول است .

فیومئذ لایسل

عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا كما ظننتم أن لن يبعث الله أحداً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۸

۸ - جن ، موجودی مکلف و مسؤول و مورد مجازات الهی در آخرت

و أنا لما سمعنا الهدى ءامنا به .. فلا يخاف بخساً ولا رهقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۲

۲ - جن ، وظیفه دار ایمان به قرآن و تسلیم در برابر تعالیم آن

و أنا منّا المسلمون

تمایلات جنسی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - جن همانند آدمیان ، دارای غریزه و روابط جنسی

لم يطمهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که اولاً- مخاطب آیات، <جن و انس> می باشند و ثانیاً <لم يطمهنّ.. لاجانّ> می

رساند که جنیان نیز زمینه روابط جنسی را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۵

۵ - جن همانند آدمیان ، دارای غریزه و روابط جنسی

لم یطمثهنّ إناں قبلهم و لا جانّ

برداشت یاد شده، با توجه به دو نکته زیر

است: الف) مخاطب آیات شریفه، جن و انس می باشند ب) <لم یطمثهنّ.. و لا جانّ> می رساند که جنیان نیز برخوردار از زمینه روابط جنسی اند.

تنوع عقیده جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۵

۵ - جن پیش از نزول قرآن، دارای مسلک ها و عقاید گوناگون

کنا طرائق قددا

<طرائق> (جمع <طریقه>) به معنای راه و <قدد> (جمع <قد>) به معنای بریده شده است.

تولید مثل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۷

۲۷- شیاطین و جن ها، دارای ذریه و زاد و ولدند.

کان من الجنّ .. أفنتخذونه و ذرّيته أولیاء من دونی

تهمت جن زدگی به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۹

۹ - قوم نوح، آن حضرت را به جنون و آسیب دیدگی از سوی جن متهم می کردند.

و قالوا میجنون و ازدجر

مفسران، عبارت <وازدجر> را به معنای <ازدجره الجنّ> (جن ایشان را آزار رسانده است) گرفته اند.

جسمانیت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۲

۲ - جن ، موجودی جسمانی است .

و خلق الجنّ من مارح من نار

جن از آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۱،۶،۷،۸

۱- خداوند ، جنیان را از آتش دارای باد های سوزان آفرید .

و الجنّ خلقنه من قبل من نار السموم

<سموم> در لغت به معنای باد

سوزان است.

۶- خلقت جن از آتش ، از آیات خداوند است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

۷- > عن النبي (ص) قال : ... هذه النار جزء من سبعين جزءاً من نار السموم التي خلق منها الجانّ و تلا هذه الآية : > و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم < ;

از رسول اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: این آتش (دنیا در حرارت و تأثیر) یک هفتادم از آتش سمومی است که جن از آن آفریده شده است و [رسول خدا(ص)] این آیه را تلاوت فرمود: و الجانّ خلقناه من قبل من نار السموم <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجانّ من مارج من نار

>مارج<، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحيط).

۳ - آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من .. و خلق الجانّ من مارج من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از < خاک > و جن از < آتش > ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن .. و خلق الجانّ ... فبأىء الآء ربكما تكذبان

۲ - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون < انسان > و شعله آتش به موجود

زنده ای چون < جن > ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل کالفخار. .. فبأی ءالآء ربکما تکذبان

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مشتی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل. .. فبأی ءالآء ربکما تکذبان

جن اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۴

۴ - گروهی از جنیان ، همانند گروهی از انسان ها ، موجوداتی اغواگر و گمراه کننده اند .

أضلانا من الجنّ و الإنس

جن بعد از نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۲،۶

۲ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أنا منّا الصلحون و منّا دون ذلک

۶ - مؤمنان جن ، پس از نزول قرآن و ایمان آوردن به آن ، به چند فرقه مذهبی تقسیم شده و به مسلک های گوناگون روی آوردند .

کنّا طرائق قددا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدْيَ ءَامَنَّا بِهِ .. وَأَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

<قَسِطٌ> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقایس اللغه)

جن پرستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ

۶ - گواهی ملائکه در قیامت ، به این که مشرکان جن پرست بوده اند .

و یوم یحشرهم .. یقول للملائکه ... قالوا ... بل کانوا یعبدون الجنّ

۷ - اخبار ملائکه در قیامت به این که بیشتر مشرکان ، به جن ایمان داشته اند .

و یوم یحشرهم .. یقول للملائکه أهؤلاء إیاکم کانوا یعبدون . قالوا ... بل کانوا

جن در حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۲

۲ - قدرت جنیان در خدمت حکومت سلیمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفريت من الجنّ أنا ءاتیک به

واژه <عفريت> به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغیان و سرکشی است. گاهی نیز به معنای قهرمان به کار می رود. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۵

۵ - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطين کلّ بناء و غواص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنين> اسم مفعول از <قرّنه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صفَدَ> (مفرد <أصفاد>) نیز به معنای قید و بند است.

۲- اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه

ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزارى مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

جن در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۳

۳- زمین ، قرارگاه اصلی جن *

و من لایجب داعی الله فلیس بمعجز فی الأرض

تصریح به <فی الأرض> می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۳

۳ - جنیان ، همانند انسان در زمین سکونت دارند .

و الأرض وضعها للأنام

در صورتی که <أنام> به معنای جن و انس باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جن در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جن زدگی مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ مرتد مانند جن زده است که روی زمین بی هدف و سرگردان راه می پیماید.

و نرد علی اعقابنا .. کالذی استهوته الشیطان فی الأرض حیران

جن عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۸

۸- وجود

افرادی گنه کار و عصیانگر ، در میان جنیان

يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ

جن قبل از نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۶

۶ - جنیان ، پیش از نزول قرآن و بعثت پیامبر اسلام ، معتقد به شرک و وجود همسر و فرزند برای خداوند

وَأَنَّهُ تَعَلَىٰ جَدِّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳

۳ - جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَانَ عَجَبًا . . . وَاَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نَقُولَ الْإِنْسَ وَالْجِنَّ عَلَى اللَّهِ كَذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۱،۲

۱ - در کمین نشستن جن در آسمان برای استراق سمع ، پیش از نزول قرآن

وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعَدًا لِّلْمَعِ

۲ - آگاهی و دسترسی جن از اطلاعات و اخبار موجود در آسمان ، پیش از نزول قرآن

وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعَدًا لِّلْمَعِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۱،۵

۱ - دو دسته بودن جنیان ، پیش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طینت و متمایل به خیر و صلاح ؛ ۲ افراد بدسرشت و متمایل به

شَرِّ و فساد .

و أَنَا مِّنَّا الصَّالِحُونَ و مِّنَّا دُونَ ذَلِكَ

درباره این که آیه شریفه، بازگو کننده وضعیت جن پیش از نزول قرآن و استماع آنان است و

یا پس از آن، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است. بنابراین احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ایمان و تقوا نیست؛ بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۵- جن پیش از نزول قرآن، دارای مسلک ها و عقاید گوناگون

کُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا

<طرائق> (جمع <طریقه>) به معنای راه و <قَدَدٌ> (جمع <قَد>) به معنای بریده شده است.

جن کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

جن گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۸

۸- وجود افرادی گنه کار و عصیانگر، در میان جنیان

يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ

جن مندر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۲

۲- جنیان انذارگر، پیام آور نزول کتابی آسمانی پس از تورات، برای قوم خویش

وَلَوْ... مَنْذَرِينَ. قَالُوا يَقَوْمُنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى

جن و عبادت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۶

۶- ازدحام جن در اطراف پیامبر (ص)، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکنونون علیه لبدا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ضمائر <کادوا یکنونون> به جن بازگردد.

جن و نماز محمد(ص)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۶

۶ - ازدحام جن در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکنونون علیه لبداً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ضمائر <کادوا یکنونون> به جن باز گردد.

جنس جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۵

۵- جن ، موجودی مادی است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

جنسیت در جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷- جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸- جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ

جنیان حق ناپذیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطن فکانوا لجهنم حطبًا

جنیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۵،۶،۱۴

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ

از مجرمان جَنِّي و اِنْسِي ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لكن حقَّ القول مَنِّي لأملأَنَّ جهنَّمَ من الجِنَّه و الناس أجمعين

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جَنِّي و انسی

و لكن حقَّ القول مَنِّي لأملأَنَّ جهنَّمَ من الجِنَّه و الناس

لام در <لأملأَنَّ> برای قسم است و حکایت از آن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

۱۴ - همه مجرمان جَنِّي و انسی ، در جهنم گرد می آیند .

لأملأَنَّ جهنَّمَ من الجِنَّه و الناس أجمعين

قید <أجمعين> به قرینه این که کسانی وجود دارند که به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادی نیست، بلکه مفید عموم در نوع است. لازم به ذکر است که <ال> در <الجِنَّه> و <الناس> عهد بوده و اشاره به افرادی خاص که همانا مجرمان اند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱

۱ جهنم ، فرجام بسیاری از انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۷،۸،۱۰

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لأملأَنَّ جهنم من الجنه و الناس أجمعين

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربك لأملأَنَّ جهنم من الجنه و الناس

<تمت> یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربك> که با جمله

<لأملأَنَّ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در

داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأَنَّ جهنم منك و ممن تبعك منهم أجمعين>؛ حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵.<

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لایزالون مختلفین . . . و تمت کلمه ربك لأملأَنَّ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربك . . .) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأَنَّ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جنیان در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۴

۴ - ایمان گروهی از جن به قرآن ، در مرحله آغازین نزول

إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا . يَهْدِي إِلَى الرِّشْدِ فَامَّا بِهِ

جنیان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷ - جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد؛ زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸ - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

کان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ

جنیان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - دو دسته بودن جنیان ، پیش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طینت و متمایل به خیر و صلاح ؛ ۲ افراد بدسرشت و متمایل به شرّ و فساد .

و أنا منّا الصّالحون و منّا دون ذلک

درباره این که آیه شریفه، بازگو کننده وضعیت جن پیش از نزول قرآن و استماع آنان است و یا پس از آن، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است. بنابراین احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ایمان و تقوا نیست ؛ بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۲ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أنا منّا الصّالحون و منّا دون ذلک

۳ - از دیدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و أنا منّا الصّالحون و منّا دون ذلک

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جنیان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول

قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ .. و أَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ و مِّنَّا الْقَاسِطُونَ

<قَسِطٌ> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقایس اللغة)

جنیان ظالم در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أَنَا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا

جنیان غیر صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۳، ۲، ۱

۱ - دو دسته بودن جنیان ، پیش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طینت و متمایل به خیر و صلاح ؛ ۲ افراد بدسرشت و متمایل به شرّ و فساد .

و أَنَا مِّنَّا الصَّالِحُونَ و مِّنَّا دُونَ ذَلِكَ

درباره این که آیه شریفه، بازگو کننده وضعیت جن پیش از نزول قرآن و استماع آنان است و یا پس از آن، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است. بنابراین احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ایمان و تقوا نیست ؛ بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۲ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أَنَا مِّنَّا الصَّالِحُونَ و مِّنَّا دُونَ ذَلِكَ

۳ - از دیدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و مَنَّا دُونَ ذَٰلِكَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۵

۵- وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۶

۶- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر

در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۱

۱- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و

تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ -

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۴

۴ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ .. و أَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ و مِّنَّا الْقَاسِطُونَ

<قَسِطٌ> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقایس اللغه)

جنیان گناهکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایسئل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جنیان مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷ - جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در

میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸ - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ

جنیان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ .. و أَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ و مِّنَّا الْقَاسِطُونَ

<قَسِطٌ> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقایس اللغه)

جنیان مکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۵

۵ - وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَىٰ ءِالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانَ

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۶

۶ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

تثنيه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

تثنيه آمدن <کما> و <تکذبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأئىءالآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن

، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۴

۴ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَىءَ الْآءِ رَبُّكَمَا تَكْذِبَانَ

جنیان و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳

۳- جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَانَ عَجَبًا .. و أَنَا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ عَلَى اللَّهِ كَذ

جهل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳

۳- جن ، پیش از نزول قرآن

، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَنا عَجَبًا . . . و أَنَا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنسَ و الْجِنِّ عَلَى اللَّهِ كَذ

حتمیت عذاب جن کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۳

۳- گروه های بسیاری از کافران جن و انس ، محکوم به عذاب حتمی الهی در گذشته تاریخ

حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ و الْإِنسِ

حسابرسی اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۵

۵- آگاهی جن به احضار شدن شان برای حسابرسی اعمالشان در روز رستاخیز

و لَقَدْ عَلِمْتِ الْجَنَّةَ إِنَّهُمْ لَمَحْضَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲

۲- جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سَنَفِرُ لَكُمْ أَيْهَ الثَّقَلَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵- ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سَنَفِرُ لَكُمْ أَيْهَ الثَّقَلَانِ . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكُمَا تَكَذَّبَانِ

ارتباط <رَبِّكَمَا> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۲

۲ - جنیان چونان آدمیان، مشمول محاسبه الهی و قوانین عام خداوند در سرای واپسین

یمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم... لاتنفذون

از ذکر <جَنّ> و تقدیم آن بر <إِنس>، می توان استفاده

کرد که نباید گمان برد که جنیان، به واسطه داشتن اجرام لطیف، قدرت بر فرار از محاکمه و عقاب الهی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إانس و لاجانّ

حشر اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۵

۵ - آگاهی جن به احضار شدن شان برای حسابرسی اعمالشان در روز رستاخیز

و لقد علمت الجنّه إأنهم لمحضرون

حشر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۵

۵ - جنیان نیز همانند انسان ها ، در قیامت محشور خواهند شد . *

ربّنا أرنا الذین أضلّانا من الجنّ و الإنس

دوزخیان از خداوند درخواست می کنند که رهبران گمراه کننده جنّی و انسی خویش را به آنان بنمایاند، از این مطلب، برداشت یاد شده را می توان به دست آورد.

حقیقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۴

۴- جن ، دارای عقل و در معرض سفاقت و کم خردی

و أنه كان يقول سفيها على الله شططا

حیات جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - جنیان نیز همانند انسان ها دارای زندگی ، مرگ و نابودی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

خداشناسی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۳

۳- اعتقاد جنیان قبل از رسالت پیامبر (ص) به وجود خداوند

أجیبوا داعی اللّٰه

در عبارت <أجیبوا داعی اللّٰه> اصل وجود خداوند در نظر جنیان، یقینی تلقی شده و از آنان خواسته شده است تا به پیامبری که به سوی خداوند دعوت می کند، ایمان آورند.

خطر شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۳

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجنّه و الناس

خطر وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۵،۹

۵ - پناه بردن به خداوند از خطر وسوسه جن و انس ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص)

قل أعوذ . . من الجنّه و الناس

۹ - وسوسه جنیان برای انسان ها ، خطرناک تر از وسوسه هم نوعان شان است .

من الجنّه و الناس

تقدیم <الجنّه>، به جهت یکنواخت شدن آخر آیه های این سوره و یا ناظر به افزون تر بودن خطر وسوسه جنیان است. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

خفای جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۲

۲- جن ، موجودی مستور و پوشیده از دیده انسانها

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که احتمالاً وجه تسمیه <جن> به این اسم، با توجه به معنای لغوی آن باشد که به معنای مستور بودن از حواس است.

خلقت جن

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۶

۶- خلقت جن از آتش ، از آیات خداوند است .

و الجان خلقه من قبل من نار السموم

دشمنی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۶

۲۶- جن ها ، بر کینه توزی با آدمیان ، توانا هستند .

كان من الجنّ . . . و هم لكم عدوّ

شیطان که با آدمیان عداوت میورزد، از طائفه جن است (كان من الجنّ) بنابراین، جنیان، بر انجام کارهای خصمانه نسبت به آدمیان، توان مندند.

دعوت از جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۲

۲- فراخوانی همه مخاطبان قرآن (جن و انس) به آزمودن اعجاز قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

دعوتهای جن مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱

۱- دعوت جنیان ایمان آورده به قرآن ، از قوم خود برای گرویدن به پیامبر (ص)

يقومنا أجيوا داعي الله

مراد از <داعی الله> پیامبر(ص) است که مردم را به سوی خدا دعوت می کند.

دیگ سازی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۷،۸

۷ - جنیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

يعملون له ما يشاء من .. و جفان كالجواب

<جفان> جمع <جفنه> است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. <جواب> جمع <جاییه> و

به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که <جواب> به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

۸- ساخته شدن دیگ های بزرگ ثابت و غیرمنقول ، به وسیله جنیان برای سلیمان (ع)

يعملون له ما يشاء من ... و قدور راسيت

دين جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۶

۶- شریعت موسی ، برای جن و انس و مشترک میان آنان

قالوا يقومنا إنا سمعنا كتمًا أنزل من بعد موسى

از سخنان انذارگران جن، استفاده می شود که آنان قبل از قرآن، به موسی(ع) و کتاب آسمانی او ایمان داشته اند.

ذلت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۹

۹ - جنیان ، از شعور و درایت و احساس عزت و ذلت برخورداراند .

فلما خرّ تبینت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

رد خویشاوندی جن با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۶

۶ - میان خدا و جن ، نسبت خویشاوندی و یا ارتباط ویژه ای (چون شریک بودن) وجود ندارد .

و جعلوا بینہ و بین الجنّه نسبًا و لقد علمت الجنّه إنهم لمحضرون

یادآوری آگاهی جن از احضارشان در روز رستاخیز که در پاسخ به ادعای وجود پیوند خویشاوندی و یا شریک بودن جن با خدا مطرح گردیده بیانگر دو نکته است: ۱ منتفی بودن ارتباط خویشاوندی و شریک نبودن جن با خدا؛ زیرا اگر جن شریک خدا بود و

ارتباط خویشاوندی با او می داشت، برای حسابرسی احضار نمی شد. ۲ تأثیر نداشتن این ارتباط در سرنوشت بندگان (بر فرض وجود چنین ارتباطی).

روابط اجتماعی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۸

۸- جنیان ، دارای زندگی اجتماعی و روابط جمعی

نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ ... وَلَوْ إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنذِرِينَ

تعبیر <قومهم> بیانگر مطلب بالا است.

روابط با جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- امکان ارتباط ، اتفاق نظر ، همکاری و تعاون میان انسان و جن

قُلْ لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

از اینکه خداوند فرمود: <اگر جن و انس دست به دست هم دهند، باز نمی توانند مثل قرآن بیاورند> استفاده می شود که امکان ارتباط و تعاون میان آنان وجود دارد و اگر نه، تحدی لغو بود.

زمینه ایمان جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۲

۱۲- جنیان ، نیازمند تشویق و تهدید ، برای گرایش یافتن به ایمان

أجیبوا ... ءامنوا ... یغفر لکم ... و یجرکم من عذاب ألیم

منطوق <یجرکم...> تشویق و مفهوم آن بیانگر تهدید است، یعنی، اگر ایمان نیاورید، پناه داده نمی شوید و به عذاب

دردناک گرفتار خواهید شد.

زمینه خداشناسی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۳

۳ - نزول قرآن ، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و أَنَا ظَنَّا أَن

لن نعجز الله في الأرض و لن نعجزه هربًا

زمینه خودشناسی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۳

۳ - نزول قرآن ، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و أنا ظننا أن لن نعجز الله في الأرض و لن نعجزه هربًا

زمینه صلاح جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۴

۴ - راه یابی صلاح و فساد و خیر و شر در میان جن

و أنا منّا الصالحون و منّا دون ذلك

زمینه فساد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۴

۴ - راه یابی صلاح و فساد و خیر و شر در میان جن

و أنا منّا الصالحون و منّا دون ذلك

زمینه گمراهی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

وَلَوْ اِِلٰى قَوْمِهِمْ مُنذِرِيْنَ

<منذرين>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

زمینه گناه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- جنیان، همانند آدمیان، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

وَلَوْ اِِلٰى قَوْمِهِمْ مُنذِرِيْنَ

<منذرين>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

زندگی اجتماعی جن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - جنیان نیز همانند آدمیان ، دارای زندگی اجتماعی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۷

۷- جنیان ، موجوداتی دارای زندگی اجتماعی و گروهی

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۸

۸- جنیان ، دارای زندگی اجتماعی و روابط جمعی

نفرًا من الجنّ . . . ولّوا إلى قومهم منذرين

تعبیر <قومهم> بیانگر مطلب بالا است.

زیباطلبی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۴

۴ - علاقه و گرایش به زنان زیبا ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فیهنّ قصرت الطرف . . . کأنهنّ الیاقوت و المرجان

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت همسران زیبا و جذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

۲ - شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیاطین کلّ بناء و غواص

۳ - وجود تخصص ساختمان سازی و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیاطین کلّ بناء و غواص

آمدن صیغه های <بناء> و <غواص> بر وزن صیغه مبالغه که

بر حرفه و صنعت بودن بنایی و غواصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

سرزنش جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیء الآء ربکما تکذبان

استفهام در <فبأیء> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأیء الآء ربکما تکذبان

تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

استفهام در <فَبَأَيِّ ءَالَآءِ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۴

سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر الهی

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

استفهام در <فَبَأَيِّ ءَالَآءِ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبه آمدن <کما> و <تکذِّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۵

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبه آمدن <کما> و <تکذِّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توییخ کافران و تکذیب گران جن و انس، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله .. کلّ یوم هو فی شأن . فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تشبه آمدن <کما> و <تکذِّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لكم آیه الثقلان . فبأئىء الآء ربكما تكذبان

استفهام در <فبأئىء الآء> توییخی است و تشنیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم .. لاتنفذون إلا بسلطن . فبأئىء الآء ربكما تكذبان

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توییخی در <فبأئىء..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشنیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۴

۴ سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲- توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از

قدرت قاهر او بر نظام جهان

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ .. فَبَأْتَىٰ ءِالَاءُ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

عبارت <انشَقَّتِ السَّمَاءُ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فَيَوْمئذٍ لَا يَسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ .. فَبَأْتَىٰ ءِالَاءُ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذِّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فضاحت بار و ذلیلانه مجرمان

يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ .. فَبَأْتَىٰ ءِالَاءُ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فَبَأْتَىٰ ءِالَاءُ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب

نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنتان . فبأی آلاء ربکما

تکذّبان

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

متّکین علی . . . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۳

۳- سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۳

۳ - سرزنش شدن

کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جَنَّتَانِ . فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت
او

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۳

۳ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت پروردگار خویش

فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

سفاهت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۴

۴ - جن ، دارای عقل و در معرض سفاهت و کم خردی

و أنه کان یقول سفیہنا علی اللہ شیطاً

سفاهت جنیان مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۱

۱ - اعتراف ایمان آورندگان از جن ، به سفاهت و کم خردی مشرکانشان

و أنه کان یقول سفیہنا علی اللہ شیطاً

شعور جن

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۹

۹- جن ، همانند انسان موجودی شعورمند است .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۱۴

۱۴- < جن > ، موجودی دارای شعور و اختیار است .

کان من الجنّ ففسق عن أمر ربّه

تمرد و سرپیچی، نشانه انتخاب گری است و حق انتخاب گری، به موجودی قابل اعطا است که از قدرت تشخیص برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ - جنّیان ، موجوداتی با شعور و فهم و توانمند بر انجام کارها

و من الجنّ من یعمل بین یدیه یاذن ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۹

۹ - جنّیان ، موجوداتی با شعور و توانمند بر انجام کارهای بزرگ

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . . . یعملون له ما یشاء من محریب و تمثیل و جفان کال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۹

۹- جنیان ، از شعور و درایت و احساس عزت و ذلت برخوردارند .

فلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۶

۶- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ

من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است؛ زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معادند؛ زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- جن ، همانند انسان ، دارای شعور و اراده و تکلیف

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ .. ولّوا إلى قومهم منذرين

استماع قرآن، ایمان به آن و انذار دیگران، گویای مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۳

۳ - جن ، موجودی شعورمند و دارای تکلیف ، همچون انسان

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون

از این که <جن> در کنار <انس> قرار گرفته و هدفی همسان برایشان در نظر گرفته شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۳

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مستی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل .. فبأئىء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۵

۵- جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت ها و موهبت های زمین و دارای درک و

مسئولیت

فَبَأَىءِ الْآءِ رَبُّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۵

۵ - جن ، همانند انسان بهره مند از مظاهر زیبای طبیعت و دارای درک و مسئولیت

فَبَأَىءِ الْآءِ رَبُّكَمَا تَكْذِبَانَ

در صورتی که خطاب در آیه شریفه متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۶

۶ - جن همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسئولیت

فَبَأَىءِ الْآءِ رَبُّكَمَا تَكْذِبَانَ

استفهام در <فَبَأَىءِ الْآءِ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۴

۴ - ارجمندی و مرتبت جن و انس ، به عنوان دو موجود شعورمند و مسؤول در نظام جهان

سَنفَرِّغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ

ممکن است وصف <ثقلان> (دو موجود وزین و گران سنگ) از آن جهت به جن و انس اطلاق شده باشد که در پرتو شعور و مسئولیتشان، مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرند و شایستگی آن را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶- جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنا سمعنا قرءاًنا عجباً

شک جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۵

۵- تردید جن پس از ممنوع شدن از استراق سمع آسمان ، در شناخت تقدیر الهی

درباره اهل زمین و خیر و رشد بودن آفرینش آنها *

و أَنَا لَآلِندِرِي أَشْرُّ أُرِيدُ بَمِن فِی الْأَرْضِ أُمُّ أَرَادُ بِهِمْ رَبَّهُمْ رَشْدًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که ممنوعیت جن از استراق سمع آسمان، ظرف زمان برای پیدایش این سؤال باشد که خداوند، برای چه منظوری اهل زمین را آفرید؛ نه این که به چه هدفی آنان از استراق سمع، ممنوع شدند؟

شک جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۱

۱ - تردید مؤمنان جن در شناخت خیر و یا شر بودن ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان برای اهل زمین

و أَنَا لَآلِندِرِي أَشْرُّ أُرِيدُ بَمِن فِی الْأَرْضِ أُمُّ أَرَادُ بِهِمْ رَبَّهُمْ رَشْدًا

مقصود از <رَشْدًا> در این آیه به قرینه مقابله آن با <شر> خیر و صلاح است.

شگفتی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۷

۷ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت، امری شگفت آور و جذاب برای جن

کادوا یکنونون علیه لبدًا

شنوایی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۲

۲ - جنیان، قادر به شنیدن و درک کلمات انسان

و إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمْعُونَ الْقُرْءَانَ

استماع جنیان نسبت به قرآن، آنگونه که از ظاهر آیه استفاده می شود امری اعجاز گونه نبوده و به شکل طبیعی صورت گرفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ - جن ، دارای شعور

و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنا سمعنا قرءاناً عجباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۷

۷ - جن ، دارای قدرت شنوایی و تشخیص حق از باطل در معارف الهی

و أنا لَمَّا سمعنا الهدى ءامنَّا به

شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۳،۴،۵،۸

۲ - شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطین کلّ بِنَاء و غَوَاص

۳ - وجود تخصص ساختمان سازی و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیطین کلّ بِنَاء و غَوَاص

آمدن صیغه های <بِنَاء> و <غَوَاص> بر وزن صیغه مبالغه که بر حرفه و صنعت بودن بنیایی و غواصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

۴ - تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکاً .. فسخرنا له ... الشیطین کلّ بِنَاء و غَوَاص

۵ - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطین کلّ بِنَاء و غَوَاص

۸ - شیاطین جنی ، موجوداتی قابل تسخیر برای بشر

فسخّرنا له .. و الشیطان کلّ بناء و غوّاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱،۲،۳

۱ - اسارت و در بند بودن گروهی از

شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنین> اسم مفعول از <قرّنه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ> (مفرد <أصفاد>) نیز به معنای قید و بند است.

۲- اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

۳- گروهی از شیاطین جنی ، درصدد فسادانگیزی و اخلال گری در کار خیراند .

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱

۱- برخی از جنیان ، در ذهن انسان ها افکار پلید القا کرده ، آنها را وسوسه می کنند .

من الجنّه و الناس

حرف <من> برای تبعیض است و بیان می کند که مراد از <الوسواس الخناس>، برخی از جنیان و انسان ها است. <جنّه> به معنای گروه جن (مفردات) و <ناس> جمع انسان است.(تاج العروس)

صداقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۵

۵- راه داشتن خیانت و صداقت در جنیان

و إني عليه لقوي أمين

تأکید عفریت بر امانت داری خویش، می رساند که احتمال خیانت وی وجود داشته است.

صفات جن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكذَّبَانِ

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

طرد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۷ - ۶

۶- > عن موسى بن جعفر (ع) : . . . ان الجنَّ كانوا يسترقون السمع قبل مبعثه فمَنعت في أوان رسالته بالرجوم . . .

از امام موسی بن جعفر روایت شده است: جنیان قبل از بعثت رسول خدا(ص) استراق سمع می کردند (اخبار آسمانها را گوش می دادند) و در اوایل رسالت آن حضرت، به وسیله پرتاب سنگهای ستارگان، از آن ممنوع شدند.

طرد جن از آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۳

۳ - جن ، از هنگام نزول قرآن ، برای همیشه از استراق سمع از آسمان ، با مانع شهاب ها روبه رو شده و با آن مورد هدف قرار می گرفتند .

فمن يستمع الآن يجد له شهابًا رصداً

<رصد> اسم جمع <مراقب و نگهبان> و در این آیه استعاره است؛ یعنی، <شهاب> به نگهبانی که از چیزی حفاظت و دفاع می کند، تشبیه شده است.

عجز اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آدمیان و جنیان ، فاقد هرگونه توانایی و قدرت در گریز از عذاب الهی

لاتنفذون إلا بسطن

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <لاتنفذون ..> تأکید فراز اول آیه باشد؛ بدان معنا که گریز از مجازات الهی نیازمند قدرت و توان است و شما فاقد هرگونه قدرتید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۳

۳ - خلق ، ناتوان از یاری رسانی به یکدیگر و عاجز از عکس العمل دفاعی در مقابل سختی های محشر

یرسل علیکما .. فلاتنتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۱

۱ - سختی های محشر و ناتوانی مجرمان جن و انس ، در گریز از صحنه آخرت ، نعمتی الهی در خدمت اجرای عدالت

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس .. فبأیء آلاء ربکما تکذبان

از اطلاق <ءالاء> بر مفاد آیه قبل، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

عجز جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۴، ۳، ۱

۱- مأموریت پیامبر (ص) به اعلام ناتوانی انس و جن در آوردن همانند قرآن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ .. لایأتون بمثله

۳- قرآن ، حاوی حقایق ، آموزه ها و معارفی است که انس و جن هرگز توان دست یافتن به آن حقایق را ، بدون وحی پیدا نخواهند کرد .

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لایأتون .. ظهیرًا

ناتوانی انسانها و جنیان از آوردن همانندی برای قرآن، مطلق است و شامل معارف و آموزه های آن نیز می شود.

۴- نیروهای بشری و جنی ، حتی

در صورت پشتیبانی و همیاری یکدیگر، از آوردن همانند قرآن و هموردی با آن، عاجزند.

قل لئن اجتمعت... و لو كان بعضهم لبعض ظهیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۱،۲،۳

۱ - اعتراف مؤمنان جن، به ناتوانی جن از عاجز ساختن خداوند و حرکت در جهت خلاف مقررات الهی

و أنا ظننا أن لن نعجز الله في الأرض

۲ - اعتراف مؤمنان جن، به ناتوانی جن از فرار از سیطره الهی و ناتوان ساختن خداوند از دستیابی به آنان

و لن نعجزه هربًا

۳ - نزول قرآن، موجب معرفت جن نسبت به جایگاه خداوند در جهان هستی و شناخت موقعیت ضعیف و پوچ خود

و أنا ظننا أن لن نعجز الله في الأرض و لن نعجزه هربًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۲ - ۵

۵ - هیچ کس، توانایی پناه دادن به انس و جن در برابر عذاب الهی را ندارد.

و لن أجد من دونه ملتحداً

عجز جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۲

۲ - ناتوانی مؤمنان جن، از درک صحیح تقدیر الهی در ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان

و أنا لاندري أشرُّ أريد بمن في الأرض أم أراد بهم ربهم رشدًا

عذاب جسمانی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۵

۵ - قیامت و عذاب آن برای جن ، جسمانی است .

و أما القسطن فکانوا لجهنم حطبًا

عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۹

۹ - امت هایی از جن و انس در گذشته تاریخ بر اثر دشمنی با خداوند (شرکورزی ، انکار رسالت پیامبران و . . .) به عذاب الهی گرفتار شدند .

و حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

عذاب جنیان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أَمَّا الْقِسْطُونَ فَكَانُوا لِحَبَّتِهِمْ حَطْبًا

عذاب جنیان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أَمَّا الْقِسْطُونَ فَكَانُوا لِحَبَّتِهِمْ حَطْبًا

عزت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۹

۹ - جنیان ، از شعور و درایت و احساس عزت و ذلت برخورداراند .

فلما خرّ تبينت الجن أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب المهين

عصيان جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ - جنّيان ، موجوداتی مختار و توانمند بر سرپیچی از فرمان خداوند

و من يزغ منهم عن أمرنا نذقه

عقل جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۴

۴ - جن ،

دارای عقل و در معرض سفاقت و کم خردی

و أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا

عقیده به ازدواج خدا با جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۳

۳ - مشرکان ، مدعی ازدواج خداوند با زنان از جنس جن

و جعلوا بينه وبين الجنّة نسبًا

برخی از مفسران بر این عقیده اند که مقصود از <نسبت> در آیه شریفه، نسبت صهر و ازدواج است؛ یعنی، خدا با زنان از جنس جن ازدواج کرد و از آنان فرزندانى چون ملائکه به وجود آمد که در آیات پیشین از آنها به تفصیل یاد شده است.

عقیده به تدبیر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۰

۲۰- مشرکان به برخوردارى شیاطین و جن از حق تصمیم گیری در کار جهان و تدبیر امور آن ، معتقد بودند .

أَفْتَنَّاكَ دُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ

به قرینه آیه بعد، مراد از توهم ولایت شیاطین، این پندار است که آنان، در امور عالم و کار آفرینش، دخالت و نظارت دارند . این اعتقاد مشرکان را وادار می کرد که برای پرهیز از شر شیاطین، به ستایش آنان پردازند.

عقیده به جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۱۰

۱۰ - اعتقاد قوم نوح ، به وجود جن یا عوامل مرموز و مؤثر بر روح بشر

و قالوا مجنون و ازدجر

در صورتی که <وازدجر> به معنای <تأثیرپذیری از عوامل مرموز> باشد، به دست می آید که قوم نوح، با همه پیشینه تاریخی خویش، به

وجود جن معتقد بودند و یا دیوانگی را معلول سلطه عوامل مرموز بر روح انسان می پنداشتند.

عقیده به خویشاوندی جن با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۱

۱ - مشرکان ، معتقد به وجود نسبت خویشاوندی میان خدا و جن

و جعلوا بینہ و بین الجنۃ نسبًا

<نسب>، به معنای قرابت و پیوند خویشاوندی است.

عقیده جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۳

۳- اعتقاد جنیان قبل از رسالت پیامبر (ص) به وجود خداوند

أجیبوا داعی اللہ

در عبارت <أجیبوا داعی اللہ> اصل وجود خداوند در نظر جنیان، یقینی تلقی شده و از آنان خواسته شده است تا به پیامبری که به سوی خداوند دعوت می کند، ایمان آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام مواضع گروه های جنی در برابر قرآن و رهنمود های آن

قل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۱،۷

۱- قرآن ، در دیدگاه گروهی از جن ، راهنمای مؤمنان به راه حق و درستی است .

یهدی إلی الرشد

<رشد> (<ضد <غی>) به معنای دستیابی به راه حق و درستی است. (مصباح المنیر و قاموس المحيط)

۷- اعتقاد جنیان استماع کننده قرآن ، به ربوبیت یگانه خدا و دوری آنان از شرکوری به او

و لن نـشـرک بربنا أحداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳

۶ - جنیان ، پیش از نزول قرآن و بعثت پیامبر اسلام ، معتقد به شرک و وجود همسر و فرزند برای خداوند

و أَنَّهُ تَعَلَىٰ جَدِّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۶

۶ - قیامت و رستاخیز ، از اصول اعتقادی مشترک میان انسان و جن

و أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

عقیده جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۱

۱ - ایمان آورندگان از جن ، دروغ بستن بر خداوند را از سوی انس و جن ، امری ناممکن و بعید می دانستند .

و أَنَا ظَنُّنَا أَن لَّنْ تَقُولَ الْإِنْسَ وَالْجِنَّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۳

۳ - از دیدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و أَنَا مِّنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۴

۴- در دیدگاه مؤمنان جن، ایمان آورندگان به ربوبیت خدای یکتا، از نقصان حق خویش و یا ستم شدن در مجازات، بیم نداشته و در امان اند.

فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

<رَهَقَ> در معانی <سفاهت>، <گناه>، <کذب> و <ظلم> به

کار می رود؛ ولی در این آیه معنای اخیر مراد است.

علائق جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۴

۴ - علاقه و گرایش به زنان زیبا ، امری فطری و اصیل در نهاد بشر و جن

فیهنَّ قصرت الطرف .. كأنهنَّ الياقوت والمرجان

از این که خداوند، به عنوان نویدی بزرگ به خلق، بشارت همسران زیبا و جذاب را می دهد، استفاده می شود که تمایل به آنان، امری طبیعی و اصیل در نهاد انسان و جن است.

علم جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۵

۵ - آگاهی جن به احضار شدن شان برای حسابرسی اعمالشان در روز رستاخیز

و لقد علمت الجنة إنيهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ - جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجن فقالوا إنا سمعنا قرءاً عجباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۴

۴ - امکان آگاهی جن از اندیشه ها ، عقاید و رفتار انسان ها

وَأَنَا ظَنُّنَا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

عمل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱۴

۱۴- جنیان نیز همانند انسان ها ، دارای درجات اخروی و دریافت کننده نتایج اعمالشان در قیامت

أُمُّ قَدْ خَلَّتْ مِنْ

قبلهم من الجنّ و الإنس . . . و لكلّ درجت ممّا عملوا

عنصر خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۱،۷،۸

۱- خداوند ، جنیان را از آتش دارای باد های سوزان آفرید .

و الجنّ خلقنه من قبل من نار السموم

<سموم> در لغت به معنای باد سوزان است.

۷- > عن النبي (ص) قال : . . . هذه النار جزء من سبعين جزءاً من نار السموم التي خلق منها الجنّ و تلا هذه الآية : > و الجنّ خلقناه من قبل من نار السموم < ;

از رسول اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: این آتش (دنيا در حرارت و تأثیر) يك هفتادم از آتش سمومی است که جن از آن آفریده شده است و [رسول خدا(ص)] این آیه را تلاوت فرمود: و الجنّ خلقناه من قبل من نار السموم <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۱،۳،۴

۱ - جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجنّ من مارج من نار

<مارج>، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحيط).

۳ - آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خلق الإنسن من . . . و خلق الجنّ من مارج من نار

۴ - > عن الحسين بن علي (ع) كان علي بن أبي طالب (ع) بالكوفة في الجامع إذ قام إليه رجل . . . و سأله عن اسم

أَبِي الْجَنِّ فَقَالَ: شُومَانٌ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ...؛

از امام حسین (ع) روایت شده که حضرت علی (ع) در جامع کوفه بود که مردی برخاست [و در ضمن چند سؤال از آن حضرت] از پدر جن سؤال کرد؛ حضرت فرمود: پدر جن <شومان> نام داشت [و فرمود:] هو الذی خلق من مارج من نار. <..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از < خاک > و جن از < آتش > ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسن . . . و خلق الجنّ ... فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

۲ - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون < انسان > و شعله آتش به موجود زنده ای چون < جن > ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسن من صلصل كالفخار. .. فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

۳ - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مستی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسن من صلصل . . . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

عوامل ازدیاد عمل ناپسند جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۵

۵ - پناه بردن برخی از انسان ها به جن ، موجب افزایش گناه و زشت کاری جن بود .

فزادوهم رهقاً

معنای گناه و فعل قبیح، از معانی مشهور واژه <رَهَقَ> است که مفسران نیز بر آن تأکید دارند.

عوامل ازدیاد گناه جن

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۵

۵ - پناه بردن برخی از انسان ها به جن ، موجب افزایش گناه و زشت کاری جن بود .

فزادوهم رهقاً

معنای گناه و فعل قبیح، از معانی مشهور واژه <رَهَقَ> است که مفسران نیز بر آن تأکید دارند.

عوامل تنبه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۷ - ۴

۴ - قرآن ، کتاب آسمانی جن و انس و مایه یاد و بیداری آنان

إن هو إلا ذكر للعلمین

عالم (مفرد <عالمین>) است و به مجموعه ودسته ای از موجودات گفته می شود. بنابراین <العالمین> یعنی، همه موجودات به لحاظ مجموعه ها و دسته ها. بنابر دیدگاه بسیاری از مفسران، مقصود از آن می تواند علاوه بر انسان ها جن هم باشد، چنان که در آیه نخست سوره <جن> آمده است (فقالوا إنا سمعنا قرآناً عجیباً . یهدی إلى الرشد فأمنا به...).

عوامل سفاهت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۴

۴ - پناه بردن برخی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به گروهی از مردان جن ، بر سفاهت و سبک سری جن می افزود .

فزادوهم رهقاً

<رَهَقَ> در معانی سفاهت، گناه و عمل زشت، کذب و ظلم به کار می رود؛ ولی به قرینه آیه ۴ همین سوره (و أنه کان یقول سفیهنا علی الله کذباً) معنای اول مراد است . گفتنی است درباره ضمیر فاعلی و ضمیر <هم> در <فزادوهم>، دو احتمال هست: ۱ ضمیر فاعلی به رجال انس و ضمیر <هم>

به رجال جن باز گردد؛ ۲ عکس صورت اول. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

عوامل نابودی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۴

۴ - استراق سمع جن از آسمان ، موجب نابودی آنان خواهد شد .

فمن یستمع الآن یجد له شهاباً رصداً

غفلت از عجز جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم .. لاتنفذون إلاّ بسلطن . فبأیّ ءالاء ربکمما تکذبان

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توییخی در <فبأیّ..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

غفلت از کیفیت خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل .. فبأیّ ءالاء ربکمما تکذبان

غواصی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۲،۳

۲ - شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

و الشیطان کلّ بناء و غواص

۳ - وجود تخصص ساختمان سازی

و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیطان کلّ بَنَاء و غَوَاص

آمدن صیغه های <بَنَاء> و <غَوَاص> بر وزن صیغه مبالغه که بر حرفه و صنعت بودن بنیایی و غَوَاصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

فرقه های مذهبی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۶

۶ - مؤمنان جن ، پس از نزول قرآن و ایمان آوردن به آن ، به چند فرقه مذهبی تقسیم شده و به مسلک های گوناگون روی آوردند .

کَنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا

فضایل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۴

۴ - ارجمندی و مرتبت جن و انس ، به عنوان دو موجود شعورمند و مسؤول در نظام جهان

سَنفَرِغْ لَكُمْ أَيْهَ الثَّقَلَانِ

ممکن است وصف <ثقلان> (دو موجود وزین و گران سنگ) از آن جهت به جن و انس اطلاق شده باشد که در پرتو شعور و مسؤولیتشان، مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرند و شایستگی آن را دارند.

فضایل جن مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۳

۳- جنیان پیشتاز و گرویده به قرآن ، برخوردار از موقعیتی ویژه در میان قوم خود *

قالوا ياقومنا إنا سمعنا

از لحن آیه شریفه و موضع بالای جنیان در خطاب به قوم (یا قومنا)، می توان به دست آورد که آنان علاوه بر داشتن پیامی بزرگ، جایگاهی والا در میان قوم شان داشته اند و چه بسا انتخاب آنان از سوی

خداوند (صرفنا)، اشاره به این جهت باشد.

فلسفه ایمان جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۵

۵ - راهنما بودن قرآن به درستی و حق، فلسفه و دلیل ایمان آوردن گروهی از جن به این کتاب

یهدی إلی الرشد فامنا به

<ف> در <فامنا> عاطفه و برای ربط مسبب به سبب است، یعنی، چون قرآن به رشد هدایت می کند، پس ما به این سبب به آن ایمان آوردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۳

۳ - هادی و راهنما بودن قرآن، فلسفه ایمان آوردن جن

و أنا لما سمعنا الهدى ءامنا به

فلسفه تلاش جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۱

۱ - تلاش مؤمنان جن، به منظور تماس با آسمان و دسترسی به اخبار آن

و أنا لمسنا السماء

فلسفه خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۶ - ۱،۹

۱ - هدف خداوند ، از آفرینش جن و انس ، رسیدن آنان به مرتبه عبودیت و معرفت او است .

و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون

واژه <ليعبدون> به دلالت التزامی اشاره به حقیقت معرفت دارد؛ زیرا اصولاً عبودیت واقعی و ستایش حق، جز در پرتو معرفت تحقق نمی یابد.

۹ - > عن أبي بصير قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قوله عزّوجلّ : > و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون < قال خلقهم ليأمرهم بالعباده ؛

ابی بصیر

می گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدای عزوجل: <و ما خلقت الجنّ و الإنس إلا ليعبدون> سؤال نمودم، فرمود: خداوند آنان را آفرید تا آنها را به عبادت فرمان دهد.

فلسفه ممنوعیت استراق سمع جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۲

۲ - ناتوانی مؤمنان جن ، از درك صحيح تقدیر الهی در ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان

و أنا لاندري أشرّ أريد بمن في الأرض أم أراد بهم ربهم رشداً

قدرت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۲،۶

۲ - قدرت جنیان در خدمت حکومت سلیمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفريت من الجنّ أنا اتيك به

واژه <عفريت> به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغیان و سرکشی است. گاهی نیز به معنای قهرمان به کار می رود. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است.

۶ - تفاوت جنیان در قوت و ضعف

قال عفريت من الجنّ .. و إنّي عليه لقوى أمين

از این که تنها یکی از جنیان اعلام آمادگی کرده است، استفاده می شود که همه آنان قادر به انجام چنان کاری نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ - جنیان ، موجوداتی با شعور و فهم و توانمند بر انجام کارها

و من الجنّ من يعمل بين يديه بإذن ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۹

۹ - جنیان ، موجوداتی با شعور و توانمند

بر انجام کار های بزرگ

و من الجنّ من يعمل بين يديه .. يعملون له ما يشاء من محريب و تمثيل و جفان كال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۲

۲ - در نگاه برخی از انسان ها ، گروهی از جن توانا بر حل مشکلات بشر و پناهگاهی امن در مواقع ترس و اضطراب

و أنّه كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ

پناه بردن به کسی و جایی، در وقتی است که انسان با مشکلی سخت و مسائلی وحشتناک و اضطراب آور روبه رو شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۲

۲ - توانایی جن ، بر تماس با آسمان

و أنا لمسنا السماء

قدرت عفریت جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۴

۴ - تأکید عفریت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

و إني عليه لقويّ أمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ - قدرت و توان عفریت دربار سلیمان ، مقهور دانش و علم آصف بن برخیا

قال عفریت من الجنّ .. قال الذی عنده علم من الکتب

در پاسخ پرسش سلیمان(ع)، نخست عفریت بود که قدرت خویش را مطرح ساخت؛ ولی دانش برتر دانشمند دربار سلیمان
مجاللی برای اعمال قدرت به وی نداد.

قصه اسلام جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۷

۷- بازگشت جنیان مؤمن ، به سوی

قومشان با پیام انذار و هدايت

وَلَوْ اِلَى قَوْمِهِمْ مَنْذَرِيْنَ

كاخ سازى جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۲

۲ - جنين براى سليمان (ع) ، طبق خواست او قصرهاى مى ساختند .

يعملون له ما يشاء من محريب

<محاريب> جمع <محراب> (از ريشه <حرب>) است و آن به جايى گفته مى شود كه محل جنگ با دشمن است. اين واژه، به قصرهاى اطلاق مى شده كه بر بالاي آنها، جايگاه مخصوصى براى دفاع ساخته مى شده است.

كفر جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۴

۴- كفر و حق ناباورى ، داراى ديرينه در گذشته تاريخ جن و انس

حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِى اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْانْسِ

كيفر اخروى جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان داراى مسؤوليت و كيفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لكم ائيه الثقلان . فبأئىء الآء ربكمما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

برداشت یاد

شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۸

۸ - جن ، موجودی مکلف و مسؤول و مورد مجازات الهی در آخرت

و اَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدْيَ ءَامِنًا بِهِ .. فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

کیفر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - جنیان ، در صورت تخلف از انجام تکلیف ، کیفر خواهند شد .

و من يزغ منهم عن أمرنا نذقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

کیفر عمل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - وجود کیفر کردار برای جن ، همانند آدمیان

قالوا يقومنا .. ءامنوا به يغفر لكم من ذنوبكم و يجركم من عذاب أليم

از تعبیر <يجركم> .. استفاده می شود که اگر غفران و پناه الهی نباشد، گناه آنان نیز همانند آدمیان دارای کیفری سخت

خواهد بود.

کیفیت پناه به جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۱۰

۱۰ - > عن زراره قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله : > أنه كان رجال

من الإنس يعوذون برجال من الجنّ فزادوهم رهقاً > قال : الرجل ينطلق إلى الكاهن الذي كان يوحى إليه الشيطانُ فيقول : قل لشيطانك : إنّ فلاناً فقد عاذ بك ;

از زرارہ روایت شدہ کہ گفت: از امام صادق(ع) درباره قول خدا: >أَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فزادوهم رهقاً > سؤال کردم، فرمود: مراد شخصی است کہ بہ سوی کاهنی کہ مورد الهام و القای شیطان است می رود و بہ او می گوید: بہ شیطان خود بگو کہ فلانی بہ تو پناہندہ شدہ است <.

گناه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۲

۲ - مشخص و محرز بودن گناہان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لا یسل عن ذنبہ إانس ولا جانٌ .. . یعرف المجرمون بسیمہم

مادیت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۷ - ۵

۵- جن ، موجودی مادی است .

و الجانّ خلقنه من قبل من نار السموم

مجسمہ سازی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۴

۴ - جنیان ، بہ فرمان سلیمان (ع) ، مجسمہ و تمثال می ساختند .

یعملون له ما یشاء من .. . تمثیل

محدوده علم جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۸

۸ - مرز هستی ، خارج از دسترسی علمی و فنی جن و بشر *

يمعشر الجنّ و الانس إن استطعتم .. لاتنفذون إلاّ بسطن

در صورتی که مفاد

آیه در مورد دنیا باشد، احتمال می رود مراد از <سماوات و ارض> مجموعه هستی باشد که جن و انس نمی توانند به مرزهای هستی دست پیدا کنند. طبق این احتمال <لا تفتنون إلا بسطان> تأکید صدر آیه شریفه است که دسترسی به مرز هستی، نیازمند قدرت و توانی است که جن و انس فاقد آن هستند.

محدوده قدرت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۳

۳- برخی از جنیان ، قادر به انجام امور فوق طبیعی و خارج از محدوده قدرت بشر

قال عفريت من الجنّ أنا اتيك به قبل أن تقوم من مقامك

محل سکونت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۳

۳- زمین ، قرارگاه اصلی جن *

و من لا يجب داعي الله فليس بمعجز في الأرض

تصریح به <ففي الأرض> می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

محمد(ص) و وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مواجه با وسوسه گرانی از جن و انس که مردم را درباره ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت خداوند به تردید می افکندند .

قل أعوذ بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس ... من الجنّه و الن

در برداشت یاد شده، مجموع سوره با این نگاه تفسیر شده است که پیامبر(ص)، در مسیر ابلاغ یکتایی خداوند در ربوبیت،

فرمان روایی و الوهیت، با عده ای از جن و انس مواجه شده بود که در سینه

های مردم وسوسه ایجاد کرده، هدایت آنان را بر آن حضرت دشوار می ساختند؛ خداوند، آن حضرت را در پناه خود قرار داده و او را به این پناهنده شدن فرا خوانده است تا وسوسه گران و اغواگران مردم را، از سر راه او بردارد.

مراتب اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱۴

۱۴- جنیان نیز همانند انسان ها ، دارای درجات اخروی و دریافت کننده نتایج اعمالشان در قیامت

أُممٌ قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس . . . و لكلّ درجت مّمّا عملوا

مربی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۲

۲- هر یک از نعمت های زمین ، جلوه ای از ربوبیت انکارناپذیر الهی به < جن و انس > و < مرد و زن >

فبأیّ آلاء ربّکما تکذّبان

به کار گرفتن وصف <ربّ>، اشاره به مطلب بالا- دارد و تشبیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس و یا مرد و زن از انسان ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۴

۴- نعمت های متنوع بهشت ، جلوه ربوبیت الهی به جن و انس

ذواتا أفنان . فبأیّ آلاء ربّکما تکذّبان

به کار گرفتن وصف <ربّ> بیانگر مطلب بالا است. تشبیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس و یا مرد و زن از انسان ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۴

۴ - وجود چشمه های همیشه جاری در بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان تجریان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۲

۲ - میوه های متنوع بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما من کلّ فکّھه زوجان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۴

۴ - بهشت های متنوع و متعدد ، جلوه ای از ربوبیت الهی به جن و انس

و من دونهما جنتان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۲

۲ - وجود چشمه های جوشان در باغ های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما عینان نضّاختان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۲

۲ - میوه های متنوع به ویژه خرما و انار در بهشت ، نمود ربوبیت الهی به جن و انس

فیهما فکّھه و نخل و رمان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - خلق حوریان نیک سیرت و زیبا صورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّء الآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - حوریان جذاب و مستور در خیمه های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخیام . فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۲

۲ - حوریان باطراوت و پاکدامن بهشتی ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

لم یطمئنن إانس قبلهم .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

مرگ جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - جنیان نیز همانند انسان ها دارای زندگی ، مرگ و نابودی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۶

۶- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است؛ زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معادند؛ زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۶

مسجدسازی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۳

۳ - جَنّان برای سلیمان (ع)

(طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

يعملون له ما يشاء من محاريب

<محراب> (جمع <محاریب>) به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

مسئولیت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسئولیت

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۵

۵ - جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت ها و موهبت های زمین و دارای درک و مسئولیت

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۵

۵ - جن ، همانند انسان بهره مند از مظاهر زیبای طبیعت و دارای درک و مسئولیت

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

در صورتی که خطاب در آیه شریفه متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۶

۶ - جن همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسئولیت

فَبَأَىءِ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

استفهام در <فَبَأَىءِ الْآءِ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۸

۸ - جن ، موجودی مکلف و مسؤول و مورد مجازات الهی در آخرت

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىءَ آمَنَّا بِهِ .. فَلَإِيْخَافَ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

معاد جسمانی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۵

۵ - قیامت و عذاب آن برای جن ، جسمانی است .

و أمّا القسطنون فکانوا لجهنّم حطبًا

معاد جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۶

۶- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حقّ علیهم القول فی أممّ قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

قرار گرفتن <جن> در کنار <انس>، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است؛ زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معادند؛ زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

مکان سکونت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۰ - ۳

۳ - جنیان ، همانند انسان در زمین سکونت دارند .

و الأرض وضعها للأنام

در صورتی که <أنام> به معنای جن و انس باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

ملاک مؤاخذه اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- مؤاخذه و کیفر خلاق (جن و انس) ، در قیامت براساس جرم آنان است .

يعرف المجرمون بسيمهم فيؤخذ بالنوصى و الأقدام

ممنوعيت استراق سمع جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۱

۱ - تردید مؤمنان جن در شناخت خیر و یا

شر بودن ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان برای اهل زمین

و أَنَا لَأَنْدَرِي أَشْرًا أُرِيدُ بَعْنَ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

مقصود از <رشد> در این آیه به قرینه مقابله آن با <شر> خیر و صلاح است.

منت بر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۱

۱ - امتنان خداوند بر خلق ، به خاطر قرار دادن پاداش هایی چون نعمت های بهشت برای ایشان

مَتَكِينٍ عَلَيَّ فَرَشَ . . . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذَبَانِ

منشأ تسخیر جن برای سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۴، ۱۲، ۱۰

۱۰ - جنیان تحت امر و اطاعت سلیمان (ع) ، با فرمان خدا به تسخیر او درآمده بودند .

و لَسَلِيمِنَ . . . و من الجنّ من يعمل بين يديه بإذن ربّه

۱۲ - ربوبیت خداوند ، مقتضی تحت اختیار درآوردن جنیان برای سلیمان (ع)

و من الجنّ من يعمل بين يديه بإذن ربّه

۱۴ - در خدمت سلیمان (ع) بودن گروهی از جنیان ، براساس تکلیف الهی بود .

و من الجنّ من يعمل بين يديه . . . و من يزرع منهم عن أمرنا نذقه

از تهدید به عذاب جنیان در خدمت سلیمان(ع)، استفاده می شود که آنان موظف به انجام چنین کاری بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۱

۱ - شیاطین جنی ، تحت تسخیر و فرمان سلیمان (ع) از جانب خداوند

فسخرنا له .. و الشیطان

<شیاطین> (جمع <شیطان>) مجازاً درباره اشخاصی که

دارای مهارت و زبردستی بالایی باشند، به کار می رود. تعبیر <كُلِّ بِنَاءٍ وَ غَوَاصٍ> می تواند مؤید همین معنا باشد. گفتنی است که با توجه به آیه ۱۷ سوره <نمل> (و حشر لسلیمان جنوده من الجنّ...)، مقصود از <شیاطین> موجوداتی از جنس <جن> می باشد.

منشأ خلقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۱

۱ - جن ، آفریده شده به اراده الهی ، از شعله های خالص و بدون دود آتش

و خلق الجنّ من مارج من نار

<مارج>، به معنای آتش خالص بدون دود است (قاموس المحيط).

موانع استراق سمع جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۴

۴ - نگهبانان و شهاب ها ، از هنگام نزول آیات قرآن ، مانع استراق سمع جن از آسمان شدند .

و أنا لمسنا السماء فوجدناها ملئت حرسًا شديداً و شهبًا

آیه بعد (فمن یستمع الآن یجد له شهباً رصداً)، قرینه است بر این که جنیان از استراق سمع از آسمان، از وقت نزول قرآن و استماع آن، منع شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۹ - ۳

۳ - جن ، از هنگام نزول قرآن ، برای همیشه از استراق سمع از آسمان ، با مانع شهاب ها روبه رو شده و با آن مورد هدف قرار می گرفتند .

فمن یستمع الآن یجد له شهباً رصداً

<رصد> اسم جمع <راصد> (مراقب و نگهبان) و در این آیه استعاره است؛ یعنی، <شهاب> به نگهبانی که از چیزی حفاظت و دفاع می

کند، تشبیه شده است.

موانع وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۶،۸

۶ - خداوند ، توانا بر خنثی ساختن وسوسه های جن و انس

قل أعوذ بربّ الناس . .. من الجنّه و الناس

۸ - دارا بودن مقام ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت ، دلیل توانایی خداوند بر حفاظت مردم از خطر وسوسه های جنیان و انسان ها است .

ربّ الناس . ملكك الناس . إله الناس ... من الجنّه و الناس

موانع وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای اغوای مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ .. الذى يوسوس فى صدور الناس . من الجنّه و الناس

مؤاخذه اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا كما ظننتم أن لن يبعث الله أحداً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حساسی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۳

۳ - وجود تخصص ساختمان سازی و غواصی در میان شیاطین جنی

و الشیطان کلّ بناء و غواص

آمدن صیغه های <بناء> و <غواص>

بر وزن صیغه مبالغه که بر حرفه و صنعت بودن بنیایی و غَوَاصی دلالت می کند گویای این نکته است که این دو کار، به صورت فن و تخصص میان شیاطین رواج داشت.

ناپسندی استمداد از جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۹

۹ - پناه بردن به جنیان و استمداد از آنان ، کاری ناپسند و مردود در نگاه وحی

كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ فزادوهم رهقاً

ناپسندی پناه به جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۹

۹ - پناه بردن به جنیان و استمداد از آنان ، کاری ناپسند و مردود در نگاه وحی

كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ فزادوهم رهقاً

نسل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۷

۲۷ - شیاطین و جن ها ، دارای ذریه و زاد و ولدند .

كان من الجنّ .. أفْتَتَّخِذُونَهُ وَ ذَرْيَتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

نعمتهای جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسئولیت

فَبَأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۵

۵ - جن همانند انسان ، برخوردار از نعمت چرخش منظم خورشید *

فَبَأَيِّ آءِالَاءِ

رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

بنابراین که مخاطب <رَبِّكَمَا> انسان و جن باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۵

۵ - جن ، همانند انسان بهره مند از مظاهر زیبای طبیعت و دارای درک و مسئولیت

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

در صورتی که خطاب در آیه شریفه متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۶

۶ - جن همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسئولیت

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

استفهام در <فَبَأَيِّ آءِآءِ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۲

۲ - برخورداری خلق از فیض همیشه در جوشش پروردگار خویش ، نعمتی انکارناپذیر و شایان توجه برای جن و انس

كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ . فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عنوان <آءِآءِ>، بر محتوای آیه قبل که همان نیازمندی خلق و نیازآوری خالق می باشد اطلاق شده است.

نقش جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطان کلّ بناء و غواص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۲

۲ - تنها جنیان و انسان ها ، به القای افکار پلید و وسوسه های شیطانی

در ذهن بشر می پردازند .

الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

نیازهای معنوی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- جنیان ، همانند آدمیان ، گرفتار گمراهی و گناه و نیازمند هدایت گران و بیم دهندگان

وَلَوْ اِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ

<منذرين>، در جایی معنا دارد که گناه و انحرافی وجود داشته و یا زمینه آن فراهم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۹،۱۲

۹- جنیان ، نیازمند غفران الهی ، همانند آدمیان

و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب أليم

وعده غفران، نشانگر نیاز است؛ چه این که اگر نیازی در کار نباشد، نوید تحقق نمی یابد.

۱۲- جنیان ، نیازمند تشویق و تهدید ، برای گرایش یافتن به ایمان

أجیبوا ... ءامنوا ... یغفر لکم ... و یجرکم من عذاب أليم

منطوق <یجرکم..> تشویق و مفهوم آن بیانگر تهدید است؛ یعنی، اگر ایمان نیاورید، پناه داده نمی شوید و به عذاب دردناک گرفتار خواهید شد.

وسوسه جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱،۴

۱ - برخی از جنیان ، در ذهن انسان ها افکار پلید القا کرده ، آنها را وسوسه می کنند .

من الجنّه و الناس

حرف <من> برای تبعیض است و بیان می کند که مراد از <الوسواس الخناس>، برخی از جنیان و انسان ها است. <جنّه> به معنای گروه جن (مفردات) و <ناس> جمع انسان است. (تاج العروس)

۴ - پیامبر (ص) ، در معرض تهاجم وسوسه های

جنیان و انسان ها

قل أَعُوذُ . . . من الجِنَّه و الناس

وسوسه شیاطین جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۳،۱۱

۳ - خطر وسوسه گران جن و انس ، بزرگ و سزاوار چاره اندیشی است .

من الجِنَّه و الناس

۱۱ - برخی از انسان ها ، مانند برخی از جنیان ، شیطان اند و مخفیانه مردم را وسوسه می کنند .

الوسواس الخَنَّاس . . . من الجِنَّه و الناس

عموم مفسران <شیطان> را مصداق <وسواس خَنَّاس> قرار داده اند. این آیه نیز او را از نوع جن و انس می داند؛ بنابراین شیطان، عنوانی عام خواهد بود که بر افرادی از بشر و جنیان، تطبیق می کند.

ویژگیهای جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۳،۱۲

۱۲ - جنیان نیز همانند انسان ها دارای زندگی ، مرگ و نابودی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

۱۳ - جنیان نیز همانند آدمیان ، دارای زندگی اجتماعی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۴

۴ - گروهی از جنیان ، همانند گروهی از انسان ها ، موجوداتی اغواگر و گمراه کننده اند .

أضلاً من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۸

۸- جنیان ، دارای زندگی اجتماعی و روابط جمعی

نفرًا من الجنّ . . . ولّوا إلى قومهم منذرين

تعبیر <قومهم> بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ - جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجن فقالوا إنا سمعنا قرءاً عجباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۷۸

۷ - جن ، دارای قدرت شنوایی و تشخیص حق از باطل در معارف الهی

و أنا لما سمعنا الهدى ءامنّا به

۸ - جن ، موجودی مکلف و مسؤول و مورد مجازات الهی در آخرت

و أنا لما سمعنا الهدى ءامنّا به .. فلا يخاف بخساً ولا رهقاً

هدایت پذیری جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۲

۲ - جن ، موجودی قابل هدایت

إنا سمعنا قرءاً عجباً . يهدى إلى الرشده

هدایتگری جن مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱

۱- جنیان مؤمن ، در تلاش برای هدایت جامعه خود به سوی قرآن

قالوا يقومنا إنا سمعنا كتباً .. يهدى إلى الحق

همکاری با جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- امکان ارتباط ، اتفاق نظر ، همکاری و تعاون میان انسان و جن

قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ علی أن یأتوا بمثل

از اینکه خداوند فرمود: <اگر جن و انس دست به دست هم دهند، باز نمی توانند مثل قرآن بیاورند> استفاده می شود که
امکان ارتباط و تعاون میان آنان

وجود دارد و اگر نه، تحدی لغو بود.

جنیان

اجل جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۷

۱۷ انسان و جن دارای اجل (عمری) تعیین شده از سوی خداوند هستند.

و بلغنا أجلنا الذي أجلت لنا

اخبار جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷ - ۷۲ - ۲

۲ - مؤمنان جن ، دیگران را از انکار قیامت و رستاخیز از سوی برخی از انسان ها آگاه ساختند .

و أَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

اختیار جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۴

۴ جنیان موجوداتی دارای اراده و اختیار و تکلیف هستند.

يَمْعَشُ الْجِنُّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ

بازخواست شدن جنیان در قیامت، بیانگر مکلف بودن آنان و برخورداری آنان از اختیار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۵

۵ جن دارای شعور و اختیار و نیازمند هدایت رسولان الهی است.

یَمْعَشُ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُلٌ مِنْكُمْ

مقتضای بازخواست و درست بودن توبیخ آن است که مورد دارای شعور اختیار و تکلیف باشد. در غیر این صورت بازخواست و توبیخ و کیفر موجه نیست.

ادراک جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۵،۶

۵ جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک (قلب ، چشم و گوش) هستند .

لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا

بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم داشتن قلب و ابزار درک ، خویشتن را از فهم حقایق و معارف الهی محروم می سازند .

لهم قلوب لا یفقهون بها

جمله <لهم قلوب> (آنها قلب دارند) می رساند که انسانها و جنیان گمراه ابزار درک دارند و جمله <لا یفقهون بها> توضیح می دهد که آنان از ابزار شناختی که در اختیار دارند بهره نمی گیرند.

اراده جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۷

۷ جن موجودی دارای حیات و شعور و اراده است.

عدوا شیطین الإنس و الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۴

۴ جنیان موجوداتی دارای اراده و اختیار و تکلیف هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

بازخواست شدن جنیان در قیامت، بیانگر مکلف بودن آنان و برخورداری آنان از اختیار است.

استراق سمع جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۱

۱ - تلاش مؤمنان جن ، به منظور تماس با آسمان و دسترسی به اخبار آن

و أنا لمسنا السماء

اطاعت از جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ نوعی دوستی و ارتباط و تبعیت میان برخی از آدمیان گمراه و جن (شیطانها) برقرار است.

و قال أولياؤهم من الإنس

اعمال جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۱۷

۱۷ کارها و فعالیتهای جن و انس در قلمرو مشیت خداوند است.

و

لو شاء ربك ما فعلوه

اغواگری جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۷۸، ۹، ۱۰

۷ جنیان اغواگر در برابر بازخواست خداوند از آنان به سبب گمراه ساختن آدمیان، هیچ عذر و پاسخی ندارند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس و قال أولیاؤهم من الإنس

نقل پاسخ آدمیان به جای پاسخ جنیان، که مستقیماً مورد سؤال بودند، می تواند اشاره به در ماندگی آنان از پاسخ و اعتذار باشد.

۸ جنیان در تلاشند با گسترش نفوذ خود بر آدمیان تعداد بیشتری از آنان را گمراه کنند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

در لسان العرب آمده است: <استکثر من الشیء> رغب فی الكثير منه یعنی در انبوهی از آن میل و رغبت کرد. لذا <استکثرتم من الإنس> در آیه که خطاب به جنیان است یعنی شما در بسیاری از آدمیان میل و رغبت کردید تا آنان را گمراه سازید.

۹ جنیان اغواگر در صدد تبدیل هر چه بیشتر آدمیان به شیطانهای اغواگر مانند خود هستند. *

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

<استکثار> به معنی طلب زیادتی است، لذا از معانی محتمل در <استکثرتم من الانس> آن است که استکثار از آن جهت باشد که شیطانها در صددند از آدمیان نیز هر چه بیشتر شیطان تولید کنند.

۱۰ آدمیان باید در برابر وسوسه های جنیان و اغواگری آنها هشیار بوده و از خود حراست کنند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

خبر دادن خداوند از سیطره و عملکرد جنیان، هشدار می باشد به آدمیان است تا دشمن خویش را بشناسند و تدابیر لازم را در برابر او به کار برند.

افساد جنیان

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۹

۲۹ > عن ابی جعفر محمد بن علی (ع) انه قال فی قول اللّٰه عز و جل : > و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل فی الارض خليفه قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها و ... < قال : ... و إنما قال ذالك بعض الملائكة لما عرفوا من حال من كان فی الارض من الجن قبل آدم ... ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که به ملائکه فرمود: > می خواهم در زمین جانشین قرار دهم و ملائکه گفتند: آیا می خواهی کسی را بر روی زمین قرار دهی که فساد کند ...؟! < روایت شده که فرمود: ... این سخن بعضی از ملائکه بود زیرا آنان قبل از آفرینش آدم فساد در زمین را از جن دیده بودند ... <.

اقرار جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۹

۹ کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

ألم یأتکم رسل منکم .. قالوا شهدنا علی أنفسنا

اقرار جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۱

۱ - اعتراف ایمان آورندگان از جن ، به سفاهت و کم خردی مشرکانشان

و أنه کان یقول سفیهنا علی اللّٰه شططاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۲

۲ - آگاهی و اعتراف گروهی از جن ،

به دروغ بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند

و أَنَا ظَنَّنَا أَن لَّنْ تَقُولُ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانی جن از عاجز ساختن خداوند و حرکت در جهت خلاف مقررات الهی

و أَنَا ظَنَّنَا أَن لَّنْ نَعْجِزُ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ

۲ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانی جن از فرار از سیطره الهی و ناتوان ساختن خداوند از دستیابی به آنان

و لَّنْ نَعْجِزُهُ هَرَبًا

انبیای جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۴

۴ جنیان دارای رسولانی از جنس خود هستند.

يَمْعَشِرُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُلٌ مِّنْكُمْ

ظاهر جمله <يَأْتِكُمْ رَسُلٌ مِّنْكُمْ> آن است که برای هر یک از جن و انس رسولانی از جنس خود آنان باشد. یعنی <رسل من الجن و رسل من الإنس>.

انسان و جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ نوعی دوستی و ارتباط و تبعیت میان برخی از آدمیان گمراه و جن (شیطانها) برقرار است.

و قَالَ أُولِيَآؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ

پیروان جنیان اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۳

۱۳ جنیان اغواگر و انسانهای پیرو آنها برای انحراف و گمراهی از یکدیگر بهره می برند.

و قال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

<استمتع> به معنای طلب تمتع و بهره جویی است و مراد از <بعض>، برخی از جنیان و انسانها هستند، چون بنای

سخن نیز سؤال از روابط متقابل این دو گروه در دنیاست.

تاریخ جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۹

۲۹ > عن ابی جعفر محمد بن علی (ع) انه قال فی قول الله عز و جل : > و اذ قال ربك للملائكة انی جاعل فی الأرض خلیفه قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و ... < قال : ... و إنما قال ذالك بعض الملائكة لما عرفوا من حال من كان فی الأرض من الجن قبل آدم ... ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند که به ملائکه فرمود: >می خواهم در زمین جانشین قرار دهم و ملائکه گفتند: آیا می خواهی کسی را بر روی زمین قرار دهی که فساد کند ... ؟ < روایت شده که فرمود: ... این سخن بعضی از ملائکه بود؛ زیرا آنان قبل از آفرینش آدم فساد در زمین را از جن دیده بودند ... <.

تجسم جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۹

۳۹ - قابلیت شیاطین (جنیان) برای تجسم یافتن و دیده شدن *

یعلمون الناس السحر

تکالیف جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۳،۴

۳ جنیان نیز همانند آدمیان، موظف به پیروی از رسولان الهی و مکلف به تکالیف دینی هستند.

قال ادخلوا .. من الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در

معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ جنیان همانند انسان ها مکلف به تصدیق آیات الهی و انجام فرمان های او هستند .

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

با توجه به آیه قبل معلوم می شود جنیانی به دوزخ خواهند رفت که آیات الهی را تکذیب کنند. بنابراین آنها موجوداتی هستند مکلف به تکالیف الهی و از جمله تکالیف آنها ایمان آوردن به آیات الهی است.

تکلیف جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۴

۴ جنیان موجوداتی دارای اراده و اختیار و تکلیف هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

بازخواست شدن جنیان در قیامت، بیانگر مکلف بودن آنان و برخورداری آنان از اختیار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۷

۷ تمامی افراد و امت های مکلف (انسان ها ، جنیان و ...) پیش از قوم لوط مبرا از ارتکاب لواط بودند .

ما سبقکم بها من أحد من العلمین

مراد از کلمه <العلمین>، به مناسبت حکم و موضوع، مکلفان، اعم از جن و انس، است. تأکید نفی با من زایده (من احد) حکایت از آن دارد که حتی یک نفر نیز قبل از قوم لوط به چنین گناهی مبتلا نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸-هود-۱۱-۱۱۹-۹

۹ جنیان نیز نظیر

انسانها ، مکلف به احکام الهی و موظف به پذیرش دین حَقْد .

لأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

تمایلات جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ وجود خواسته ها و لذت‌های نفسانی در جن (شیطان)

قد استكثرتم استمتع بعضنا ببعض

تهدید جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن جنیان در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند ، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من يعمل بين يديه . . . و من يزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعير

جنیان اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۷

۷ جنیان اغواگر در برابر بازخواست خداوند از آنان به سبب گمراه ساختن آدمیان، هیچ عذر و پاسخی ندارند.

يمعشر الجنّ قد استكثرتم من الإنس و قال أولياؤهم من الإنس

نقل پاسخ آدمیان به جای پاسخ جنیان، که مستقیماً مورد سؤال بودند، می تواند اشاره به درماندگی آنان از پاسخ و اعتذار باشد.

جنیان حق ناپذیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أما القسطن فکانوا لجهنم حطبًا

جنیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱

۱ جهنم ، فرجام بسیاری از انسان

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۷،۸،۱۰

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لأملأَنَّ جهنم من الجنه والناس أجمعين

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربك لأملأَنَّ جهنم من الجنه والناس

<تمت> یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران بر آنند که مقصود از <کلمه ربك> که با جمله <لأملأَنَّ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأَنَّ جهنم منك و ممن تبعك منهم أجمعين> حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵.<

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لا يزالون مختلفين . . . و تمت کلمه ربك لأملأَنَّ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربك . . .) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأَنَّ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۵،۶،۱۴

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جنّی و انسی ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لكن حقّ القول منّي لأملأنّ جهنّم من الجنّه و الناس أجمعين

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لكن حقّ القول منّي لأملأنّ جهنّم من الجنّه و الناس

لام در <لأملأنّ> برای قسم است و حکایت از آن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

۱۴ - همه مجرمان جنّی و انسی ، در جهنم گرد می آیند .

لأملأنّ جهنّم من الجنّه و الناس أجمعين

قید <أجمعين> به قرینه این که کسانی وجود دارند که به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادی نیست، بلکه مفید عموم در نوع است. لازم به ذکر است که <ال> در <الجنّه> و <الناس> عهد بوده و اشاره به افرادی خاص که همانا مجرمان اند دارد.

جنیان در دوران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۴

۴ - ایمان گروهی از جن به قرآن ، در مرحله آغازین نزول

إنا سمعنا قرءاناً عجباً . يهدى إلى الرشده فامنا به

جنیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۵

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

يمعشر الجن . . . وقال أولياؤهم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۱

۱ هر يك از افراد جن و انس

در روز قیامت از مرتبه و درجه ویژه خود برخوردارند.

و لکل درجت مما عملوا

تنوین <و لکل> عوض محذوف است و به قرینه آیه ۱۲۸ و ۱۳۰، محذوف <جن و انس> است، یعنی: <لکل من الجن و الإنس...> و چون آیات پیشین ترسیم قیامت بوده، ظاهر آن است که درجات مطرح شده در آیه مربوط به آن روز باشد.

جنیان زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷ - جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد؛ زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸ - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ

جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۱

۱ - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیروهای جن ، انسان و پرندهگان

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - مرگ سلیمان (ع)، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلما قضينا عليه الموت

ما دلّهم على موته إلا دابّه الأرض تأكل منسأته فلما خرّ

<منسأه> به معنای عصا است (مفردات راغب) و <دابّه الأرض> از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. <أرض> نیز در این آیه از باب <علم يعلم> به معنای خوردن است و یا <ارضه> به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

جنیان سلیمان(ع) و ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - جنیان نیز از رنج ، سختی و خفت گریزان اند .

تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ

جنیان سلیمان(ع) و سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - جنیان نیز از رنج ، سختی و خفت گریزان اند .

تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ

جنیان سلیمان(ع) و علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱۰، ۶

۶ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از علم غیب برخوردار نبودند .

فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

۱۰ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند .

تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ

جنيان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - جن - ٧٢ - ١١ - ١،٢،٣

١ - دو دسته بودن جنيان ، پيش از نزول قرآن : ١ افراد خوش طينت و متمايل به خير

و صلاح؛ ۲ افراد بدسرشت و متمایل به شرّ و فساد .

و أَنَا مِّنَّا الصَّالِحُونَ و مِّنَّا دُونَ ذَلِكَ

درباره این که آیه شریفه، بازگو کننده وضعیت جن پیش از نزول قرآن و استماع آنان است و یا پس از آن، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است. بنابراین احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ایمان و تقوا نیست؛ بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۲ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أَنَا مِّنَّا الصَّالِحُونَ و مِّنَّا دُونَ ذَلِكَ

۳ - از دیدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و أَنَا مِّنَّا الصَّالِحُونَ و مِّنَّا دُونَ ذَلِكَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جنیان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدْيَ ءَامِنًا بِهِ .. و أَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ و مِّنَّا الْقَاسِطُونَ

<قَاسِطٌ> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقایس اللغه)

جنیان ظالم در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد

و أما القسطون فكانوا لجهنم حطباً

جنیان عادل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۱

۱ گروهی از انسان ها و جنیان ، هدایتگر و عدالت پیشه اند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق و به يعدلون

برداشت فوق از ظاهر آیه که حکایت از وجود چنین افرادی در میان انسانها و جنیان دارد استفاده شده است، بر این مبنا و با توجه به اینکه هدایتگران ملازم حق دانسته شده اند، معلوم می شود مقصود هدایتگرانی هستند که از جانب خداوند برای هدایت مردم برگزیده شده اند. قابل ذکر است که مراد از <ممن خلقنا> به قرینه آیه ۱۷۹ انسانها و جنیان است.

جنیان غیر صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ - دو دسته بودن جنیان ، پیش از نزول قرآن : ۱ افراد خوش طینت و متمایل به خیر و صلاح ؛ ۲ افراد بدسرشت و متمایل به شرّ و فساد .

و أنا منّا الصّٰلِحون و منّا دون ذلک

درباره این که آیه شریفه، بازگو کننده وضعیت جن پیش از نزول قرآن و استماع آنان است و یا پس از آن، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است. بنابراین احتمال، مقصود از صلاح، صلاح در ایمان و تقوا نیست ؛ بلکه مراد صلاح از لحاظ طینت و تمایل به خیر و صلاح است.

۲ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : برخی صالح و نیک کردار و برخی غیر آنان

و أنا منّا الصّٰلِحون و منّا

دون ذلک

۳- از دیدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و اَنَا مِّنَ الصَّالِحِينَ و مِّنَا دُونَ ذَلِكَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۵

۵- وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۶

۶- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و

تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر

و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳- وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۴

۴ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ .. و أَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ و مِّنَّا الْقَاسِطُونَ

<قَسِطٌ> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقایس اللغه)

جنیان کافر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأَنَّ جهنم من الجنه والناس أجمعين

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتهها بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین

و نیز آیه ۱۲۱

توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

جنیان گناهکار در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۱

۱ - گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایسئل عن ذنبه إنس و لاجان

جنیان محروم از ادراک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۶۸،۱۱

۶ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم داشتن قلب و ابزار درک ، خویشتن را از فهم حقایق و معارف الهی محروم می سازند .

لهم قلوب لایفقهون بها

جمله <لهم قلوب> (آنها قلب دارند) می رساند که انسانها و جنیان گمراه ابزار درک دارند و جمله <لایفقهون بها> توضیح می دهد که آنان از ابزار شناختی که در اختیار دارند بهره نمی گیرند.

۸ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم برخورداری از چشمهایی بینا و گوشهایی شنوا ، خویشتن را از دیدن و شنیدن آیات الهی محروم می سازند .

و لهم أعین لایبصرون بها و لهم آذان لایسمعون بها

۱۱ جهنم فرجام انسان ها و جنیانی است که خود را از درک معارف و حقایق دین محروم ساخته اند .

و لقد ذرأنا لجهنم .. لهم قلوب لایفقهون بها

جنیان مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱

۷ - جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸ - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

كان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ

جنیان مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أنا لما سمعنا الهدى ءامنّا به .. و أنا منّا المسلمون و منّا القسطنون

<قَسَطٌ> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقایس اللغه)

جنیان مکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۵

۵ - وجود عناصری کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأى ءالاء ربكما تكذبان

در صورتی که آیه شریفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۶

۶- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در

میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تشبه آمدن <کما> و <تکذبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر

در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۲

۲- وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۴

۴ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جنیان و اغوای انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۵

۱۵ جنیان از اغوای آدمیان بهره و لذت می برند.

و قال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۶۸،۹،۱۳

۶ جنیان دارای قدرت نفوذ و سلطه بر آدمیان هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

۸ جنیان در تلاشند با گسترش نفوذ خود بر آدمیان تعداد بیشتری از آنان را گمراه کنند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

در لسان العرب آمده است: <استکثر من الشیء> رغبت فی الكثير منه یعنی در انبوهی از آن میل و رغبت کرد. لذا <استکثرتم من الإنس> در آیه که خطاب به جنیان است یعنی شما در بسیاری از آدمیان میل و رغبت کردید تا آنان را گمراه سازید.

۹ جنیان اغواگر در صدد تبدیل هر چه بیشتر آدمیان به شیطانهای اغواگر مانند خود هستند. *

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

<استکثار> به معنی طلب زیادتی است، لذا از معانی محتمل در <استکثرتم من الانس> آن است که استکثار از آن جهت باشد که شیطانها در صددند از آدمیان نیز هر چه بیشتر شیطان تولید کنند.

۱۳ جنیان اغواگر و انسانهای پیرو آنها برای انحراف و گمراهی از یکدیگر بهره می برند.

و قال أولیاءهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

<استمتع> به معنای طلب تمتع و بهره جویی است و مراد از <بعض>، برخی از جنیان و انسانها هستند، چون بنای سخن نیز سؤال از روابط متقابل این دو گروه در دنیا است.

جنیان و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳

۳ - جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه

نبودند .

إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَانَ عَجَبًا . . . وَاَنَا ظَنُّنَا أَنَّ لِن تَقُولِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ عَلَى اللَّهِ كَذ

جنیان و قبول دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۹

۹ جنیان نیز نظیر انسانها ، مکلف به احکام الهی و موظف به پذیرش دین حَقَّند .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

جنیان هدایتگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۱،۵

۱ گروهی از انسان ها و جنیان ، هدایتگر و عدالت پیشه اند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق و به يعدلون

برداشت فوق از ظاهر آیه که حکایت از وجود چنین افرادی در میان انسانها و جنیان دارد استفاده شده است، بر این مبنا و با توجه به اینکه هدایتگران ملازم حق دانسته شده اند، معلوم می شود مقصود هدایتگرانی هستند که از جانب خداوند برای هدایت مردم برگزیده شده اند. قابل ذکر است که مراد از <ممن خلقنا> به قرینه آیه ۱۷۹ انسانها و جنیان است.

۵ باید گروهی از انسان ها و جنیان عهده دار هدایت هموعان خویش باشند و به عدالت در میان آنان داوری کنند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق و به يعدلون

برداشت فوق بر این اساس است که جمله های <یهدون> و <یعدلون> به صورت انشا ایراد شده باشد. بر این مبنا آیه شریفه حاوی دستوری است به انسانها و جنیان که گروهی از آنان باید عهده دار هدایتگری و عدالت گستری باشند.

چشم جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک (قلب ، چشم و گوش) هستند .

لهم قلوب لا يفقهون بها و لهم أعين لا يبصرون بها و لهم آذان لا يسمعون بها

۸ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم برخورداری از چشمهایی بینا و گوشهایی شنوا ، خویشان را از دیدن و شنیدن آیات الهی محروم می سازند .

و لهم أعين لا يبصرون بها و لهم آذان لا يسمعون بها

حشر اخروی جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱

۱ خداوند در روز قیامت تمامی جن و انس را گرد می آورد.

و يوم يحشرهم جميعا يمعشر الجن قد استكثرتم من الإنس

حیات جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۷

۷ جن موجودی دارای حیات و شعور و اراده است.

عدوا شیطین الإنس و الجن

درجات اخروی جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۱،۲،۵

۱ هر یک از افراد جن و انس در روز قیامت از مرتبه و درجه ویژه خود برخوردارند.

و لكل درجت مما عملوا

تنوین <و لكل> عوض محذوف است و به قرینه آیه ۱۲۸ و ۱۳۰، محذوف <جن و انس> است، یعنی: <لكل من الجن و الإنس...> و چون آیات پیشین ترسیم قیامت بوده، ظاهر آن است که درجات مطرح شده در آیه مربوط به آن روز باشد.

۲ درجات اخروی انسان و جن بازتاب اعمال دنیوی ایشان است.

و لكل درجت مما عملوا

۵ درجات

و مراتب آخرت بر اساس آگاهی خداوند از اعمال جن و انس و سنجش دقیق آن اعطا می گردد.

و لكل درجت مما عملوا و ما ربك بغفل عما يعملون

دوستی با جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ نوعی دوستی و ارتباط و تبعیت میان برخی از آدمیان گمراه و جن (شیطانها) برقرار است.

و قال أولياؤهم من الإنس

ذلت جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۵

۵ - خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع) ، همراه با سختی ، رنج و خفت بود .

فلما خرّ تبینت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

رابطه با جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ نوعی دوستی و ارتباط و تبعیت میان برخی از آدمیان گمراه و جن (شیطانها) برقرار است.

و قال أولياؤهم من الإنس

رنجهای جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۵، ۱۴

۵ - خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع) ، همراه با سختی ، رنج و خفت بود .

فلما خرّ تبینت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

۱۴ - > فی حدیث عن أبی عبداللّٰه (ع) (فی قوله تعالی) > .. ما لبثوا فی العذاب المهین < معناه فی الأعمال الشاقه ;

در حدیثی از امام صادق(ع) [درباره قول خدای تعالی] > .. ما لبثوا

فی العذاب المهین < روایت شده که معنای عذاب مهین، کارهای سخت و دشوار است >.

رؤیت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۳۹

۳۹ - قابلیت شیاطین (جنیان) برای تجسم یافتن و دیده شدن *

یعلمون الناس السحر

سرزنش اخروی جنیان گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱

۱ گمراهان جن و انس در قیامت به صورت جمعی مورد بازخواست و توبیخ قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن و الإنس ألم یأتکم رسل

سرزنش جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیء آلاء ربکمما تکذبان

استفهام در <فبأیء> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک

خلق الإنسن من صلصل .. فبأئء الآء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأئء الآء ربكما تكذبان

تشیه آمدن <کما> و <تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

استفهام در <فَبَأَيِّ ءَالَآءِ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر

الهی

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

استفهام در <فَبَأَيِّ ءَالَآءِ> توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

تثنيه آمدن <کَمَا> و <تَكْذِبَانِ>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۵

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . . . کلّ یوم هو

فی شأن . فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم آیه الثقلان . فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

استفهام در <فَبأَيِّ ءالَاءِ> توییخی است و تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إِن اسْتَطَعْتُمْ .. لَا تَنْفِذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنٍ . فَبأَيِّ ءالَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توییخی در <فَبأَيِّ..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۴

۴ سرزنش شدن کافران و

تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَىءِ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ .. فَبَأَىءِ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

عبارت <انشَقَّتِ السَّمَاءُ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فَيَوْمِئذٍ لَا يَسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ .. فَبَأَىءِ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فضاحت بار و ذلیلانه مجرمان

يَعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ .. فَبَأَىءِ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی

توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جتّان . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

لحن توییخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فیهما عینان تجریان . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

متکین علی . . . فبأی ءالآء

رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و محروم ساختن

خویش از آن

و من دونهما جَنَّان . فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن

نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۳

۳ - توبیخ شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت پروردگار خویش

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فَبَأَيِّ آءِآءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ

سفاهت جنیان مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۴ - ۱

- اعتراف ایمان آورندگان از جن ، به سفاقت و کم خردی مشرکانشان

و آتّه کان یقول سفیہنا علی اللّٰہ شططًا

سلطه جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۶

۶ جنیان دارای قدرت نفوذ و سلطه بر آدمیان هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۱

۱ خداوند، همان گونه که شیطانهای جن را بر آدمیان مسلط می کند، برخی از ظالمان را بر برخی دیگر مسلط می سازد.

یمعشر الجن قد استکثرتم .. و کذلک نولی بعض الظلمین بعضا

<کذلک> تشبیه تسلط ظالمان بر ظالمان به سلطه جنیان بر آدمیان است. یعنی همان گونه که جنیان را بر آدمیان مسلط می سازیم، مردم ظالم را بر گروه ظالم دیگر ولایت می دهیم.

شعور جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۷

۷ جن موجودی دارای حیات و شعور و اراده است.

عدوا شیطین الإنس و الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۵

۵ جن دارای شعور و اختیار و نیازمند هدایت رسولان الهی است.

یَمْعَشُ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُلٌ مِنْكُمْ

مقتضای بازخواست و درست بودن توبیخ آن است که مورد دارای شعور اختیار و تکلیف باشد. در غیر این صورت بازخواست و توبیخ و کیفر موجه نیست.

شك جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۱

۱ - تردید مؤمنان

جن در شناخت خیر و یا شر بودن ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان برای اهل زمین

و أَنَا لَأَنْدَرِي أَشْرًا أُرِيدُ بَمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

مقصود از <رشد> در این آیه به قرینه مقابله آن با <شر> خیر و صلاح است.

ظلم جنیان اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۴

۴ جنیان اغواگر و آدمیان اغواشده، هر دو از ظالمانند.

يمعشر الجن قد استكثرتم من الإنس . . . و كذلك نولي بعض الظالمين بعضها

عجز جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۲

۲ - ناتوانی مؤمنان جن ، از درک صحیح تقدیر الهی در ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان

و أَنَا لَأَنْدَرِي أَشْرًا أُرِيدُ بَمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا

عذاب جنیان اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین فیها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

عذاب جنیان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أما القسطن فکانوا لجهنم حطبًا

عذاب جنیان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن

، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أما القسطون فكانوا لجهنم حطباً

عصیان جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۶

۶ اگر جن و انس راه طاعت و یا عصیان پیشه کنند، هیچ سود و زیانی به خداوند نمی رساند.

و ربك الغنى ذو الرحمه

عقیده جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۱

۱ - ایمان آورندگان از جن ، دروغ بستن بر خداوند را از سوی انس و جن ، امری ناممکن و بعید می دانستند .

و أنا ظننا أن لن نقول الإنس و الجنّ علی الله کذباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۳

۳ - از دیدگاه مؤمنان جن ، برخی از آنان صالح و نیک کردار کامل اند و برخی دیگر ضعیف و در رتبه پایین تر از صالحان قرار دارند .

و أنا منّا الصلحون و منّا دون ذلك

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <دون> به معنای <تحت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۴

۴- در دیدگاه مؤمنان جن، ایمان آوردندگان به ربوبیت خدای یکتا، از نقصان حق خویش و یا ستم شدن در مجازات، بیم نداشته و در امان اند.

فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

<رَهَقَ> در معانی <سفاهت>، <گناه>، <کذب> و <ظلم> به کار می رود؛ ولی در این آیه معنای اخیر مراد است.

علم

جنیان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند .

تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ

عمل جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۲ - ۴،۵

۴ پروردگار هیچگاه از اعمال و رفتار جنیان و انسانها غافل نیست.

و ما ربك بغفل عما يعملون

۵ درجات و مراتب آخرت بر اساس آگاهی خداوند از اعمال جن و انس و سنجش دقیق آن اعطا می گردد.

و لكل درجات مما عملوا و ما ربك بغفل عما يعملون

عوامل مؤثر در سرنوشت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۷

۷ انسان ها و جنیان دارای نقشی مؤثر در تعیین فرجام و سرنوشت خویش (دوزخی شدن و یا رهایی از آن)

لهم قلوب لا يفقهون بها .. و لهم اذان لا يسمعون بها

جمله <لا يفقهون بها> و نظایر آن می رساند که گمراهان به دلیل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادی گمراهی گرفتار شده اند و بنابراین خود مقصر هستند.

فرجام جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۳

۳ خداوند رقم زننده سرنوشت و تعیین کننده فرجام انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

فرجام جنیان اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین فیها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

فلسفه تلاش جنیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۸ - ۱

۱ - تلاش مؤمنان جن ، به منظور تماس با آسمان و دسترسی به اخبار آن

و أنا لمسنا السماء

فلسفه خلقت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ خداوند بسیاری از انسان ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

<ذرأ> (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

قدرت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۶

۶ جنیان دارای قدرت نفوذ و سلطه بر آدمیان هستند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

قلب جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۵،۶

۵ جنیان ، مانند انسان ها ، دارای ابزار ادراک (قلب ، چشم و گوش) هستند .

لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم أعین لا یبصرون بها و لهم آذان لا یسمعون بها

۶ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم داشتن قلب و ابزار درک ، خویشتن را از فهم حقایق و معارف الهی محروم می سازند .

لهم قلوب لا یفقهون بها

جمله <لهم قلوب> (آنها قلب دارند) می رساند که انسانها و جنیان گمراه ابزار درک دارند و جمله <لا-یفقهون بها> توضیح می دهد که آنان

از ابزار شناختی که در اختیار دارند بهره نمی گیرند.

کیفر جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲،۴

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

کیفر جنیان مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲،۴

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

گوش جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۵،۸

۵ جنیان، مانند انسانها، دارای ابزار ادراک (قلب، چشم و گوش) هستند.

لهم قلوب لایفقهون بها و لهم أعین لایبصرون بها و لهم آذان لایسمعون بها

۸ بسیاری از انسان ها و جنیان ، علی رغم برخورداری از چشمهایی بینا و گوشهایی شنوا ، خویشان را از دیدن و شنیدن آیات الهی محروم می

سازند .

و لهم أعين لا يبصرون بها و لهم آذان لا يسمعون بها

لذايد جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۴،۱۵

۱۴ وجود خواسته ها و لذتهای نفسانی در جن (شیطان)

قد استكثرتم استمتع بعضنا ببعض

۱۵ جنیان از اغوای آدمیان بهره و لذت می برند.

و قال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

مخلوقیت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۲،۳

۲ چون جنیان، مخلوق خدا هستند، شریک او نمی توانند باشند.

و جعلوا لله شركاء الجن و خلقهم

۳ جنیان (نیروها و موجودات پنهان) مخلوق خداوند هستند.

و جعلوا لله شركاء الجن و خلقهم

مسئولیت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۳

۳ اشتراک جن و انس در لزوم اطاعت از رسولان الهی و بهره‌وری از هدایتهای ایشان

يمعشر الجن و الإنس ألم يأتكم رسل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۳

۳ جنیان نیز همانند آدمیان، موظف به پیروی از رسولان الهی و مکلف به تکالیف دینی هستند.

قال ادخلوا .. من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ جنیان همانند انسان ها مکلف به تصدیق آیات الهی و انجام فرمان های او هستند .

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

با توجه به آیه قبل معلوم می شود جنیانی به دوزخ خواهند رفت که آیات الهی

را تکذیب کنند. بنابراین آنها موجوداتی هستند مکلف به تکالیف الهی و از جمله تکالیف آنها ایمان آوردن به آیات الهی است.

مشرکان و جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخی مشرکان خداوند را دارای شریکانی از جنیان می دانستند.

و جعلوا لله شركاء الجن

منشأ سرنوشت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۳

۳ خداوند رقم زننده سرنوشت و تعیین کننده فرجام انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

مؤاخذه اخروی جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۵

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

يمعشر الجن . . . و قال أولياؤهم من الإنس

مؤاخذه اخروی جنیان گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱

۱ گمراهان جن و انس در قیامت به صورت جمعی مورد بازخواست و توبیخ قرار خواهند گرفت.

یَمْعَشِرُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسَلٌ

مُواخَذَهُ جَنِّيَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۷

۷ جنیان اغواگر در برابر بازخواست خداوند از آنان به سبب گمراه ساختن آدمیان، هیچ عذر و پاسخی ندارند.

يَمْعَشِرُ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ

نقل پاسخ آدمیان به جای پاسخ جنیان، که مستقیماً مورد سؤال بودند، می تواند اشاره به درماندگی آنان از پاسخ و اعتذار باشد.

نارضايتی جنیان سلیمان(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۴ - ۷

۷ - خدمت در دستگاه سلیمان (ع) ، برای جنیان خوشایند نبود .

فلما خرّ تبینت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

نقش جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ بازگشت کننده به شرک (مرتد) مانند دیوانه ای سرگردان است که شیطانها (جنیان) عقل او را زایل کرده اند.

أندعوا من دون الله . . . و نرد ... کالذی استهوته الشیطین

<استهوته الشیاطین> یعنی شیطانها عقل و فکر او را برده اند. همچنین جمله <استهوته الشیاطین> را در موردی که شخصی جن زده شده باشد، به کار می برند. (لسان العرب).

نقش جنیان اغواگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۱۳، ۹، ۸

۸ جنیان در تلاشند با گسترش نفوذ خود بر آدمیان تعداد بیشتری از آنان را گمراه کنند.

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

در لسان العرب آمده است: <استکثر من الشیء> رغبت فی الكثير منه یعنی در انبوهی از آن میل و رغبت کرد. لذا <استکثرتم من الإنس> در آیه که خطاب به جنیان است یعنی شما در بسیاری از آدمیان میل و رغبت کردید تا آنان را گمراه سازید.

۹ جنیان اغواگر در صدد تبدیل هر چه بیشتر آدمیان به شیطانهای اغواگر مانند خود هستند. *

یمعشر الجن قد استکثرتم من الإنس

<استکثار> به معنی طلب زیادتی است، لذا از معانی محتمل در <استکثرتم من الإنس> آن است که استکثار از آن جهت

که شیطانها در صددند از آدمیان نیز هر چه بیشتر شیطان تولید کنند.

۱۳ جنیان اغواگر و انسانهای پیرو آنها برای انحراف و گمراهی از یکدیگر بهره می برند.

و قال أولياؤهم من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض

<استمتع> به معنای طلب تمتع و بهره جویی است و مراد از <بعض>، برخی از جنیان و انسانها هستند، چون بنای سخن نیز سؤال از روابط متقابل این دو گروه در دنیا است.

نیازهای جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۵

۵ جن دارای شعور و اختیار و نیازمند هدایت رسولان الهی است.

يَمْعَشُ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رَسُلٌ مِنْكُمْ

مقتضای بازخواست و درست بودن توبیخ آن است که مورد دارای شعور اختیار و تکلیف باشد. در غیر این صورت بازخواست و توبیخ و کیفر موجه نیست.

جنابت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنابت

آثار جنابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ آلودگی و ناپاکی انسان، در حال جنابت

لا تقربوا الصلوه... و لا جنباً و... حتی تغتسلوا

نیاز جنب به غسل حاکی از آلودگی اوست.

احکام جنابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۳۶، ۲۴، ۲۲، ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰

۱۰ بطلان نماز در حال جنابت

لا تقربوا الصلوه . . . و لا جنباً

۱۲ حرمت ورود جنب به مسجد

لا تقربوا الصلوه . . . و لا جنباً

بنابر اینکه مقصود از <الصلوه>، جایگاه متعارف آن، یعنی مساجد باشد؛ به دلیل <الّا عابری سبیل>.

۱۳ جواز عبور جنب از مسجد

لا تقربوا الصلوه . . . و لا جنباً الّا عابری

۱۴ جنب ، برای برپایی نماز باید غسل کند .

لا تقربوا الصلوه .. حتی تغتسلوا

۱۵ غسل ، رافع جنابت است .

و ان کنتم جنباً .. حتی تغتسلوا

۱۷ تیمم ، موجب رفع جنابت نمی شود .

ولا جنباً .. حتی تغتسلوا

بر این مبنا که مراد از <عابری سیل> مسافر باشد، جمله <لا تقربوا ..> گویای این است که مسافر جنب با فرض جنابت می تواند نماز بخواند و با توجه به ذیل آیه، که وظیفه مسافر جنب را تیمم قرار داده، معلوم می شود تیمم او رافع جنابتش نیست.

۲۲ وظیفه محدث و جنب در صورت نیافتن آب برای برپایی نماز ، تیمم است .

او جاء احد منكم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماءً فتيّموا

۲۴ محدث پس از یافتن آب باید غسل کند و یا وضو بگیرد ، هر چند پیش از آن به جهت نبود آب تیمم کرده باشد .

يا ايّها الذين امنوا .. فتيّموا

مفهوم جمله شرطیه <ان کنتم .. لمستم .. فلم تجدوا ماءً فتيّموا>، این است که در صورت یافتن آب، با تیمم نمی توان نماز خواند. بنابراین کسی که به آب دسترسی نداشته و تیمم کرده در صورت یافتن آب باید غسل کند یا وضو بگیرد.

۳۶ ممنوعیت ورود جنب به مسجد ، مگر به صورت عبور

ولا جنباً الاّ عابری سیل حتی تغتسلوا

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از ورود جنب و حائض به مسجد فرمود: الحائض و الجنب لا یدخلان المسجد الاّ مجتازین ان الله تبارک و تعالی يقول: ولا جنباً الاّ عابری .

علل الشرايع، ص ۲۸۸، ح ۱، ب ۲۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۴، ح ۲۶۶، ۲۶۷؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۳، ح ۱۳۸؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۳۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۴

۱۴ وظیفه محدث و جنب در صورت نیافتن آب برای غسل یا وضو، تیمم است.

او جاء أحد منكم من الغائط أو لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا

غسل جنابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۵

۱۵ - در صورت مباشرت با همسران، در شب های رمضان، باید پیش از طلوع فجر غسل کرد. *

فالن بشروهن و ابتغوا ما كتب الله لكم .. حتى يتبين لكم الخيط الأبيض

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <ما كتب الله> تحصیل طهارت است؛ چنانچه در سوره مائده (آیه ۶) آمده است: <و إن كنتم جنباً فاطهروا .. أو لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيداً طيباً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ وجوب تحصیل طهارت (غسل) بر شخص جنب، برای خواندن نماز

و إن كنتم جنباً فاطهروا

جمله <ان كنتم ..> عطف بر جمله ای مقدر است و کلام با تقدیر آن چنین می شود: <اذا قمتم الى الصلوه فتوضوا ان لم تكونوا جنباً و ان كنتم جنباً فاطهروا>. بنابراین غسل مشروط می شود به هنگامی که جنب می خواهد نماز بخواند.

، بدون گرفتن وضو ، می توان نماز خواند .

إذا قمتم إلى الصلوة . . . و إن كنتم جنباً فاطهروا

با توجه به تقدیر آیه (فاغسلوا . . ان لم تكونوا جنباً و ان كنتم جنباً فاطهروا)، معلوم می شود که ضرورت وضو و تشریح آن در صورتی است که شخص جنب نباشد.

۱۱ رعایت ترتیبی خاص در شستن بدن برای غسل جنابت ، لازم نیست . *

و إن كنتم جنباً فاطهروا

از اینکه خداوند برای وضو و تیمم به ترتیب خاصی بین اعضا اشاره فرموده است و درباره غسل جنابت ترتیبی خاص ذکر نکرده، معلوم می شود هیچ ترتیبی بین شستن اعضای بدن مورد نظر نبوده است.

جُنُب

احکام جُنُب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۸

۸ وجوب تحصیل طهارت (غسل) بر شخص جنب ، برای خواندن نماز

و إن كنتم جنباً فاطهروا

جمله <ان كنتم . . > عطف بر جمله ای مقدر است و کلام با تقدیر آن چنین می شود: <اذا قمتم إلى الصلوة فتوضوا ان لم تكونوا جنباً و ان كنتم جنباً فاطهروا>. بنابراین غسل مشروط می شود به هنگامی که جنب می خواهد نماز بخواند.

جنایت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنایت

عوامل جنایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۹

۹ گستاخی نفس آدمی ، تا حد وادار سازی وی به قتل و جنایت

فطوعت له نفسه قتل اخیه

قصاص قبل از جنایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۱ - ۵

۵ - قصاص قبل از جنایت ، امری ناروا

و ممنوع است .

و لمن انتصر بعد ظلمه

قید <بعد ظلمه> می تواند اشاره به این داشته باشد که قبل از تحقق ظلم، هرگونه اقدام انتقام جویانه، مطرود است.

جنبندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنبندگان

ازدیاد جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۹،۱۱

۹ - گسترش نسل جنبندگان بر پهنه زمین ، در پرتو آمادگی محیط زیستی آن است .

خلق . . . و ألقى ... و بثّ فیها من کلّ دابّه

۱۱ - خداوند ، از هر نوع جنبنده ای ، در زمین آفریده و در آن گسترانیده است .

و بثّ فیها من کلّ دابّه

امت جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱

۱ تمامی جنبندگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می کنند.

و ما من دابه فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

انقیاد جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۸

۸ همه موجودات زنده ، تحت فرمان و حاکمیت خداوند هستند .

ما من دابّه إلاّ هو ءاخذ بناصيتها

<ناصیه> به قسمت جلوی سر گفته می شود و گاهی به موهای جلوی سر نیز به اعتبار رستنگاهش ، اطلاق می گردد. گرفتن جلوی سر و یا موهای آن ، کنایه از تسلط و حاکمیت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۱،۶

۱- تمامی جنبنندگان عالم در برابر خداوند ، همواره منقاد و ساجدند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض

۶- همه جنبندگان در برابر خداوند منقادند و استکبار نمیورزند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دأبه . . . و هم لا يستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من فى السموت و من فى الأرض . . . و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

بدترین جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۳

۱۳ تکذیب کنندگان آیات الهی به دلیل بهره نگرستن از ابزار شناخت معارف الهی از چهارپایان بدترند .

بل هم أضل

حرف <بل> برای اضراب است که در این مورد به معنای انتقال از غرضی به غرض مهمتر می باشد. در نتیجه مفاد <بل> این است که اگر چه تکذیب کنندگان مانند چهارپایان از درک آیات الهی محرومند، ولی چون از ابزاری برای شناخت آیات الهی بهره مند بودند که حیوانات فاقد آن هستند، باید آنان را از چهارپایان نیز فرومایه تر خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱،۴

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم

= کر < و <الایکم = لال> است. <الذین لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

۴ مدعیان ایمان در صورتی که ملتزم به اطاعت از خدا و رسول نبوده و از فرمان های آن حضرت گریزان باشند ، بدترین جنبندگانند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ .. إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبَكْمِ

تأمین روزی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۳،۵

۳ تأمین روزی موجودات زنده ، حق آنها بر خداست .

و ما من دابّة في الأرض إلا على الله رزقها

۵ علم همه جانبه خداوند ، پشتوانه توانایی او بر روزی رسانی به موجودات و تدبیر امور آنهاست .

و ما من دابّة في الأرض إلا على الله رزقها و يعلم مستقرها و مستودعها

هدف از بیان آگاهی خداوند به احوال موجودات ، پس از <على الله رزقها> القای این نکته است که: روزی رسانی به موجودات و تدبیر امور آنها ، نیازمند علمی گسترده است که خداوند آن را داراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۱،۶،۹

۱ - بسیاری از جانداران ، توان تهیه روزی خود را ندارند .

و كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا

<حماله> مصدر <تحمل> به معنای <کفالت و برعهده گرفتن> است.

۶ - خداوند ، در تأمین روزی موجودات ، میان موجوداتی که قادر به تأمین روزی شان هستند و آنهایی که قادر نیستند ، تفاوتی نمی گذارد و همه را روزی می دهد .

و كآئن من دآبه لآآمل

رزقها الله يرزقها و إياكم

عطف <إياكم> بر ضمیر <یرزقها> که مرجع آن <دابه> با صفت یاد شده است اشعار به نکته یاد شده دارد.

۹- آگاهی همه جانبه خداوند ، باعث تأمین روزی موجودات نیازمند است .

الله يرزقها و إياكم و هو السميع العليم

تنوع جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۴

۱۴- وجود جنبندگان متنوع و مختلف در هر کجای زمین ، از نشانه های توحید و رحمت گسترده خداوند است .

و بث فيها من كل دابه .. لأیت

توحید عبادی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۴

۴- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله يسجد ما في السموت و ما في الأرض من دابه و الملائكة

ثبت روزی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۶

۶ نام و نشان هر جنبنده ، مقدار و نوع روزی آن و نیز مکانی که باید در آن روزی داده شود ، در کتابی ثبت شده است .

و ما من دابه .. كل في كتب

مضاف الیه کلمه <كل> محذوف است و جمله های پیشین گویای آن است یعنی: <كل دابه و ما يتعلق بها في كتاب

مبین <

جنبندگان در کتاب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۶

۶ نام و نشان هر جنبنده ، مقدار و نوع روزی آن و نیز مکانی که باید

در آن روزی داده شود ، در کتابی ثبت شده است .

و ما من دابّه. .. کل فی کتب

مضاف الیه کلمه <کل> محذوف است و جمله های پیشین گویای آن است؛ یعنی: <کل دابه و ما يتعلق بها فی کتاب مبین>

جنبندگان مادی آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۲

۲- وجود جنبندگان جسمانی در آسمانها

و لله یسجد ما فی السموت . .. من دابّه

<من> برای بیان <ما>ی موصول است. <دابّه> در لغت به معنای جنبنده ای است که حرکتش محسوس نیست. <دابّه> در موضع نصب بوده و حال برای فاعل <یسجد> است. بنابراین به قرینه عطف <ملائکه> که موجودات مجردی اند بر <ما>، دابّه می تواند موجود جسمانی باشد.

جنبندگان و استکبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۶

۶- همه جنبندگان در برابر خداوند منقادند و استکبار نمیورزند .

و لله یسجد ما فی السموت و ما فی الأرض من دابّه . .. و هم لایستکبرون

حاکم جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۷

۷ باور به حاکمیت خداوند بر موجودات و توجه به ربوبیت او بر انسانها ، ایجاد کننده روحیه توکل در آنان است .

إني توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة إلا هو آخذ بناصيتها

حقوق جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۲،۳

۲ هر موجود زنده ای ، دارای حق تغذیه در دوران حیات خویش

و ما من

دَابَّة فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا

۳ تأمین روزی موجودات زنده ، حق آنها بر خداست .

و مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا

خلقت جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، از هر نوع جنبنده ای ، در زمین آفریده و در آن گسترانیده است .

و بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ

ذخیره غذای جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۲

۲ - خیلی از جنبندگان ، توان ذخیره سازی مواد غذایی خود را ندارند .

و كَأَيْنَ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا

در این که <مراد از <لاتحمل رزقها> چیست؟> ، دو احتمال وجود دارد: یکی، تأمین روزی است و دیگر حمل و ذخیره سازی آن است. برداشت بالا بنا بر احتمال دوم است.

ذکر تأمین روزی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۳

۳ - توجه به تأمین روزی انبوه جنبندگان ناتوان از تأمین روزی خود ، زمینه ساز توکل به خداوند است .

عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ . و كَأَيْنَ مِنْ دَابَّةٍ لَاتَحْمِلُ رِزْقَهَا

زندگی جمع‌ی جنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱

۱ تمامی جنندگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می‌کنند.

و ما من دابه فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

سجده جنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۹ - ۱،۴

۱- تمامی جنندگان

عالم در برابر خداوند ، همواره منقاد و ساجدند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابّه و الملائكه

۴- تمامی موجودات جنبنده و فرشتگان ، تنها در برابر خداوند سجده می کنند .

و لله يسجد ما فى السموت و ما فى الأرض من دابّه و الملائكه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ الله يسجد له من فى السموت و من فى الأرض . . . و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <يسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سیستم جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - جنبندگان زمین ، تشکیل دهنده مجموعه و سیستمی کامل اند .

و بثّ فيها من كلّ دابّه

تعبیر <من كلّ> ممکن است، صرفاً بیان کننده کثرت نباشد؛ بلکه نوعی جامعیت را در روابط میان حیوانات و استفاده آنان از هم دیگر بیان کند.

عجز جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۹

۹ هیچ جنبنده ای چه انسان و چه حیوان بدون خواست خداوند ، توانا بر ضرررسانی به دیگری نیست .

ثم لا تنظرون. إني توكلت على الله... ما من دابّة إلا هو آخذ بناصيتها

مقصود از بیان سلطه خداوند بر همه جانداران ، به دلیل وقوع آن پس از مبارزه طلبی هود(ع) و توکل بر

خداوند ، این معناست که: همه چیز مقهور خواست خداوند است و بدون رخصت او ، هیچ جاننداری چه رسد به بت‌های بی جان توانا بر ضرر رسانی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۱،۲

۱ - بسیاری از جانداران ، توان تهیه روزی خود را ندارند .

و کأَین من دابَّه لاتحمل رزقها

<حماله> مصدر <تحمل> به معنای <کفالت و برعهده گرفتن> است.

۲ - خیلی از جنبندگان ، توان ذخیره سازی مواد غذایی خود را ندارند .

و کأَین من دابَّه لاتحمل رزقها

در این که <مراد از <لاتحمل رزقها> چیست؟> ، دو احتمال وجود دارد: یکی، تأمین روزی است و دیگر حمل و ذخیره سازی آن است. برداشت بالا بنا بر احتمال دوم است.

مکان روزی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۶

۶ نام و نشان هر جنبنده ، مقدار و نوع روزی آن و نیز مکانی که باید در آن روزی داده شود ، در کتابی ثبت شده است .

و ما من دابَّه .. کل فی کتب

مضاف الیه کلمه <کل> محذوف است و جمله های پیشین گویای آن است / یعنی: <کل دابه و ما يتعلق بها فی کتاب مبین>

منزل دائمی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۴

۴ خداوند ، به منزل و مأوی دایم و موقت هر جنبنده ای آگاه است .

یعلم مستقرها و مستودعها

<مستقر> اسم مکان از استقرار و به معنای مقر و قرارگاه است. بنابراین <مستقرها> یعنی، جایگاهی که آن جنبنده در

آن استقرار دارد و منزل دایمی یا غالبی اوست. <مستودع> اسم مکان از استیداع (ودیعه گذاشتن و یا ودیعه گرفتن) است و از آن جا که ودیعه به طور موقت و نه دایمی در جایی نگهداری می شود، می توان گفت: مراد از <مستودعها> جایگاهی است که آن جنبنده، به طور موقت در آن جایگاه به سر می برد.

منزل موقت جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۴

۴ خداوند ، به منزل و مأوی دایم و موقت هر جنبنده ای آگاه است .

یعلم مستقرها و مستودعها

<مستقر> اسم مکان از استقرار و به معنای مقر و قرارگاه است. بنابراین <مستقرها> یعنی، جایگاهی که آن جنبنده در آن استقرار دارد و منزل دایمی یا غالبی اوست. <مستودع> اسم مکان از استیداع (ودیعه گذاشتن و یا ودیعه گرفتن) است و از آن جا که ودیعه به طور موقت و نه دایمی در جایی نگهداری می شود، می توان گفت: مراد از <مستودعها> جایگاهی است که آن جنبنده، به طور موقت در آن جایگاه به سر می برد.

منشأ پیدایش جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - باران ، منشأ حیات در زمین و موجب پیدایش جنبندگان در آن است .

فأحيا به الأرض بعد موتها و بث فیها من کل دابه

<بث> به معنای پراکنده ساختن است و مراد از آن در آیه شریفه ایجاد انواع جنبندگان و ازدیاد آنها با توالد و تناسل و پراکنده ساختنشان در زمین است. <بث فیها> می تواند عطف بر <أحیا...>

باشد که در این صورت متفرع بر <أنزل من السماء من ماء> خواهد بود و گویای این است که: منشأ به وجود آمدن حیوانات آبهای فرود آمده از آسمان می باشد.

۱۳ - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحيا به الأرض .. و بث فيها من كل دابه

منشأ روزی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۱

۱ خداوند ، عهده دار روزی رسانی به همه جنبندگان زمین

و ما من دابّه في الأرض إلا على الله رزقها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۰ - ۴

۴ - خداوند ، روزی دهنده جنبندگان و انسان ها است .

الله يرزقها و إياكم

نقش جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۱

۱ - آسمان ها و کوه ها و جنبندگان و ... ، تبلور آفرینندگی خداوند است .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

نیازهای مادی جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ هر موجود زنده ای ، دارای حق تغذیه در دوران حیات خویش

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

جنسیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنسیت

ارزش جنسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۴،۵

۴ ایمان و عمل صالح ، معیار ارزش انسانهاست ؛ نه جنسیت ایشان .

و من یعمل من

الصلحت من ذكر او انثى و هو مؤمن

۵ بهره مندی مردم از پاداش های الهی و ورودشان به بهشت ، در گرو ایمان و عمل صالح است ، نه جنسیت و انتساب به مذهب یا فرقه ای خاص .

و من يعمل من الصلحت من ذكر او انثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة

تعیین جنسیت فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۰ - ۶

۶ - حاکمیت مطلق و بلامنازع خدا در صحنه هستی ، پشتوانه اجرای مشیت او در میزان جمعیت و نوع جنسیت فرزندان خانواده

لله ملك السموت ... و يجعل من يشاء عقيماً

تغییر جنسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۱۰

۱۰ شیطان ، در صدد وادار ساختن انسان ها به تغییر مخلوقات الهی (همانند تبدیل کردن زن به مرد و ...)

و لامرنهم فليغيرن خلق الله

جنسیت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱

۱- تمامی رسولان الهی ، از نوع بشر و جنس مرد بودند .

و ما أرسلنا قبلك إلا رجالاً

جنسیت توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - گردانندگان توطئه < افک > همگی از مردان بودند .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ . . . لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

<مرء> در لغت هم به معنای انسان آمده و هم به معنای مرد و ولی به قرینه شأن نزول آیه شریفه، در این جا

به معنای مرد است.

جنسیت در جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۷

۷ - جن ، متشکل از مردان و زنان

استمع نفر من الجنّ

برداشت یاد شده، با توجه به معنای <نفر> (گروهی از مردان متشکل از سه تا ده نفر) می باشد، زیرا لازمه وجود مردان در هر دسته و نوعی از موجودات، وجود زنان در میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۶ - ۸

۸ - جن ، موجودی متشکل از دو جنس مرد و زن

کان رجال من الإنس يعوذون برجال من الجنّ

جنسیت فرزند ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۴

۴ - بشارت خداوند به ابراهیم (ع) ، به پسر بودن فرزند مورد درخواست او

ربّ هب لی من الصّالحین . فبشّرناه بغلم حلیم

جنسیت گوساله سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱

۱ - سامری ، از زیورآلات به دور ریخته شده بنی اسرائیل ، تندیس به شکل گوساله نر ساخت و آن ارائه کرد .

فأخرج لهم عجلاً جسداً

<عجل> یعنی، گوساله نر. توصیف <عجلاً> به <جسداً> بیانگر این نکته است که گوساله به شکل تندیس بود؛ نه این که گوساله واقعی باشد. جمله <فأخرج لهم...> ممکن است کلام خداوند باشد و احتمال می رود ادامه سخن بنی اسرائیل باشد. در صورت دوم، مراد گویندگان به قرینه گفتن <لهم> نه <لنا> تیرئه خود از پرستش گوساله است.

جنسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۱ - ۳

۳ - اعراب جاهلی ، معتقد به دختر بودن فرشتگان

أفریتم اللت و العزی . . . ألكم الذکر و له الأثنی

از ارتباط میان آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان، فرشتگان را دختران خدا و بت ها را مظهري برای آنها می پنداشتند. بدین جهت اسامی مؤنث برای بت ها، (لات و...) برمی گزیدند.

منشأ تعیین جنسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۹ - ۴

۴ - نقش اصلی نطفه و منی مرد ، در تعیین جنسیت *

ألم یک نطفه من منی یمنی . . . فجعل منه الزوجین الذکر و الأثنی

ضمیر در <منه الزوجین..> به <منی> بازمی گردد. بر این اساس می توان گفت: احتمالاً این نطفه مرد است که زوجین (مرد و زن) را پدید می آورد و جنسیت فرزند را تعیین می کند.

منشأ تعیین جنسیت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - دختر یا پسر بودن جنین ، تابع قوانین جاری خداوند در آفرینش است .

لله ملک السموت . . . یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء إنثا . . . الذکور

ارتباط بین بخش های آیه شریفه (<مالکیت یگانه خدا بر هستی>، <مشیت در آفرینش> و <مشیت در جنسیت جنین>) می فهماند که میان مالکیت خدا بر کل هستی و مشیت او در آفرینش، ارتباط است که واژه <قانون> می تواند بیانگر آن

باشد.

وقت تشخیص جنسیت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۸

۵ - مشخص شدن جنسیت (نر و ماده بودن) ، پس از استقرار نطفه در رحم

و أنه خلق الزوجين الذكر و الأنثى . من نطفه إذا تمنى

وصف <إذا تمنى>، می تواند بیانگر این معنا باشد که نوع زوجین و جنسیت آنها، پس از جریان نطفه و استقرار در رحم صورت می گیرد.

جنگ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنگ

{جنگ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۸، ۱۲، ۱

۱ تمایل دو گروه از رزمندگان احد به سستی و انصراف از شرکت در جنگ

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بیشتر مفسرین بر آنند که آیه فوق در مورد نبرد احد نازل شده است.

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص) ، به تنهایی ، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همّت .. و الله وليهما

جمله <و الله وليهما>، در عین اعتراض به گروههایی که قصد انحراف از جنگ و نافرمانی از رسول خدا (ص) را داشتند، بیانگر این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

۱۸ تمایل بنی حارثه و بنی سلمه به سستی و انصراف از شرکت در جنگ احد

اذ همّت طائفتان منکم

امام باقر و امام صادق (ع) درباره <طائفتان> در آیه فوق فرمودند: <و الطائفتان هما بنو سلمه و بنو حارثه حیّان من الانصار.>

مجمع البيان، ج ۲، ص ۸۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۹

۹ سرزنش

خداوند به پیکارگران احد که چرا علی رغم مشاهده یاری الهی در جنگ بدر، تصمیم به سستی در کارزار احد گرفتند.

و اذ همّت طائفتان منکم ان تفسلا .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

لحن آیه، حکایت از سرزنش مسلمانانی است که در جنگ احد، تصمیم به سستی و نافرمانی گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۳، ۱۴

۱۳ رویارویی و نبرد با اهل ایمان، ظلم است و محاربان با اهل ایمان، ظالم هستند.

ليقطع طرفاً من الذين كفروا .. فانهم ظالمون

۱۴ دشمنان محارب با اهل ایمان، مستحقّ عذاب الهی

او يعذبهم فانهم ظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۹

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلك الايام .. و ليعلم الله الذين امنوا و يتخذ منكم شهداء

ترک لام در <و يتخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهداء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۱

۱ شکست و پیروزی مؤمنان در جنگ با کافران، عاملی برای خالص سازی مؤمنان

و تلك الايام نداولها .. و ليمحص الله الذين امنوا

فعل <يمحص> از مصدر <تمحيص> به

معنای خالص کردن از ناخالصیها و نقصهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۴

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۸

۸ سستی ، نزاع و تفرقه و سرپیچی از فرماندهی ، از عوامل شکست جنگجویان

حتى اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصيتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۰، ۱۱

۱۰ تلاش مستمر پیامبر (ص) برای جلوگیری از شکست مسلمانان در کارزار احد

و الرسول يدعوکم فی اخریکم

۱۱ بی اعتنایی به دعوت پیامبر (ص) در پیکار احد ، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثم صرفکم ... و الرسول يدعوکم فی اخریکم

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد، آیه مزبور در مقام بیان علت‌های شکست احد است. بنابراین جمله <و لا تلون علی احد و الرسول ...> ، که حاکی از دعوت پیامبر (ص) و بی اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۴

۳۴ حوادث ایام ، جنگ ها ، سختی ها ، مصیبت ها و مرگ ، آزمایش الهی است .

لبرز الذین . . . و لیتلی اللہ ما فی صدورکم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

- آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۱۱

۱۱ عفو و گذشت از خطا های جنگی رزمندگان (تخلف از دستورات فرماندهی و ...) امری نیکو و پسندیده

و لقد عفا الله عنهم ان الله غفور حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص) و مسلمانان

يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالذين كفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربۀ تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۲

۲ شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند ، شیطانند .

قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم .. انما ذلكم الشيطان يخوف اولياءه

بنابر اینکه <ذلكم>، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را از جنگ می ترسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش

الهی برای بندگان

حَتَّى يَمِيزَ الْخَيْبِثَ مِنَ الطَّيِّبِ

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است؛ چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

آتش بس در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۵

۵ پذیرش صلح و متارکه جنگ در حیطه قدرت و مسؤولیت پیامبر (ص) و رهبری است.

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به اینکه پیامبر(ص) مورد خطاب <فاجنح> قرار گرفته است، استفاده شده است.

آثار اتمام جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۶، ۱۷، ۱۸

۱۶- لزوم حفظ حالت جنگی و تهاجم بر دشمن، برای کشتن و اسیر گرفتن تا زمان فرو نشستن شعله های نبرد

حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا

می توان گفت: <حَتَّى تَضَعَ...> غایت برای مجموع پیام آیه است که عبارت بود از یورش بر دشمن، برای نابود ساختن و اسیر گرفتن آنان.

۱۷- رزمندگان، موظف به جنگیدن و اسیر گرفتن دشمن تا خلع سلاح آنان و فرونشستن جنگ *

فَشَدُّوا الْوَتَاقَ... حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا

ممکن است <حَتَّى تَضَعَ...> غایت برای گرفتن اسیران باشد؛ که از مضمون <فَشَدُّوا الْوَتَاقَ> به تلازم استفاده می شود.

۱۸- عدم ضرورت به بند کشیدن اسیران، پس از فرو نشستن شعله های نبرد و شکست دشمن

فشدوا الوثاق .. حتّى تضع الحرب أوزارها

بنابر این که <حتّى تضع ..> صرفاً غایت برای <فشدوا الوثاق> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

آثار پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بین الناس .. و ليمحص الله الذين امنوا و يحق الكافرين

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البيان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۴

۴ - سرزمین ها و اموال و خانه های دشمن ، غنایمی هستند که در صورت پیروزی مسلمانان ، به تصاحب آنان در می آید .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

آثار جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۰ - ۶

۶ خطر رواج رباخواری (درآمد ها و معاملات غیر مشروع) در دوران پس از جنگ *

یا ایها الذین امنوا لا تأکلوا الرِّبوا

تذکر به حکم ربا پس از بیان جنگ بدر و احد می تواند اشاره به این حقیقت باشد که معمولاً جوامع بشری پس از دوران جنگ به درآمدهای غیر مشروع، خصوصاً رباخواری، می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۸

۳۸ حوادث ایام جنگ ، سختی ها و مصیبت های در راه خدا ، زمینه خالص شدن اندیشه مؤمنان از عقاید جاهلیت و پالایش درون آنان از خواسته های دنیایی و مادی

یظنون بالله غیر الحقّ .. و لیتلی الله ما فی صدورکم و لیمحص ما فی قلوبکم

<لیمِخص> از ماده تمحیص به معنای خالص سازی از عیبه‌ها و نقص‌هاست و این جمله بیانگر هدفی دیگر از اهداف شکست

در

نبرد احد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۸

۸ خداوند ، فراخوان مؤمنان به صبر و تحمل مشکلات پیش آمده از نبرد با دشمنان

و اصبروا إن الله مع الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۴

۴ بروز باطن انسان و حقیقت ایمان وی ، در مراحل دشوار و تکالیف سخت الهی (همانند جنگ و جهاد)

لو كان عرضاً قريباً و سفراً قاصداً لا تبعوك و لكن بعدت عليهم الشقه

آثار جنگ با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۹

۹ شرکت در جنگ بدر علیه پیامبر (ص) و مسلمانان ، مانع پذیرش ایمان شرکت کنندگان نبود .

إن يعلم الله في قلوبكم خيراً يؤتكم خيراً مما أخذ منكم و يغفر لكم

آثار جنگ با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۹

۹ شرکت در جنگ بدر علیه پیامبر (ص) و مسلمانان ، مانع پذیرش ایمان شرکت کنندگان نبود .

إن يعلم الله في قلوبكم خيراً يؤتكم خيراً مما أخذ منكم و يغفر لكم

آثار جنگ با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۴،۱۷

۱۴- آسیب دیدن مؤمنان ناشناخته شهر مکه ، در صورت وقوع جنگ میان مسلمانان و مکیان در حدیبیه

و لولا رجال مؤمنون . . . أن تطوهم

۱۷- پایمال شدن حرمت مردان و زنان مؤمن در صورت

جنگ در حدیبیه ، مایه ننگ برای مسلمانان

و لولا رجال مؤمنون و نساء مؤمنات .. فتصیبکم منهم معرّه

آثار جنگ داخلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۹

۲۹ - جنگ های داخلی و برادر کشی ، از بزرگترین گناهان و موجب خواری و ذلت در دنیا و گرفتار شدن به عذاب اخروی است .

تقتلون أنفسکم .. فما جزاء من يفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا و یوم القی

از آن جا که گناهان یاد شده، در پی دارنده شدیدترین عذابهاست، معلوم می شود این گناهان از بزرگترین گناهان هستند.

آثار جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۶

۶ رعب و وحشت کافران در جنگ بدر ، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

آثار خیانت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۰

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، خیانت در جنگ ، خدعه با خدا ، سستی در عبادت ، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن ، موجب گمراهی و محرومیت دایمی از هدایت الهی است .

و من یضلل الله فلن تجد له سییلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

آثار سختی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۵

۵ جنگ های سخت و پرمشقت

، عرصه های جدا شدن مؤمنان راستین از غیر ایشان

لو كان عرضاً قريباً و سفراً قاصداً لا تبعوك و لكن بعدت عليهم الشقه

آثار سستی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوت جامعه اسلامی

و لاتترعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم

آثار شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بين الناس .. و ليمحص الله الذين امنوا و يمحق الكافرين

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البيان).

آثار لغزش در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۶

۶ لغزش مؤمنان مجاهد در جبهه های نبرد ، موجب محروم شدن آنان از امداد های الهی نخواهد شد .

و يوم حنين .. ثم وليتم مدبرين . ثم انزل الله سكينته ... و انزل جنوداً لم تروها

آداب جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۴

۴ - ضرورت رعایت حقوق دشمنان حتی در جنگ با آنان

و قتلوا فی سبیل اللّٰه الذین یقتلونکم ولا تعدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۱،۳

۱ اطاعت از فرمان های خدا و رسول به هنگام رویارویی با دشمنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و أطیعوا اللّٰه

۳ پرهیز از نزاع و اختلاف به هنگام رویارویی با دشمنان دین ، وظیفه ای ضروری بر عهده مجاهدان

و لاتنزعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۱

۱ مجاهدان و نیروهای رزمی ، نباید مانند سرمستان و ریاکاران رهسپار میدان های نبرد شوند .

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا و رثاء الناس و یصدون

<بَطْرٌ> به معنای نشاط و شادمانی بیش از حد و اندازه است که می توان از آن به سرمستی تعبیر کرد. این کلمه مصدر است و حال برای فاعلِ <خرجوا> می باشد ؛ یعنی خرجوا من دیارهم بطرین. کلمه <رثاء> نیز مصدر و به معنای اسم فاعل (مراثین) یعنی ریاکاران) است.

آرامش روحی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۳

۳ آرامش روحی ، از مهمترین عوامل پیروزی در نبرد است .

ثم أنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

آستقامت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۶

۶ ضرورت آماده سازی مجاهدان برای تحمل رنج ها و خسارت های ناشی از نبرد با دشمنان

ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون و ترجون من الله ما لایرجون

هدف از بیان امتیازات نیروهای مجاهد (ترجون من الله) و نیز تبیین رنجهای دشمنان به هنگامه نبرد، این است که اهل ایمان را

برای نبرد آماده سازد و به آنان روحیه رویارویی با دشمنان را القا کند.

آمادگی نظامی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۲،۳،۸

۲ آمادگی گروهی از مجاهدان عصر پیامبر (ص) برای شرکت در جهاد ، علی رغم آسیب دیدن در جنگ قبلی (احد)

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ .. اجر عظیم

۳ بازسازی مجدد سپاه اسلام توسط پیامبر (ص) ، پس از پراکندگی و شکست در جنگ احد

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ

۸ سرنوشت ساز بودن آمادگی رزمی و مانور مسلمین بعد از جنگ احد

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ

سازماندهی سپاه اسلام پس از مصیبت‌های وارد آمده در جنگ احد و دعوت مجدد حتی از مجروحان برای شرکت در جنگ ، حکایت از سرنوشت ساز بودن این آمادگی و بسیج نیرو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱،۶

۱ پاسخگویان به دعوت خدا و پیامبر (ص) پس از نبرد احد برای جهاد ، کسانی بودند که از شایعه حمله دشمن نترسیدند و ایمانشان افزون گردید .

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ .. الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ ... فزادهم ايماناً

۶ مؤمنان واقعی ، از زیادی دشمن و آمادگی آنها برای جنگ ، هراسی به خود راه نمی دهند .

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ .. فزادهم ايماناً

اتحاد در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ خداوند با امداد های خویش مسلمانان را از فاجعه نزاع و سست شدن در تصمیمشان بر جنگ

بدر رهایی بخشید .

و لكن الله سلم

اجتناب از شروع جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۷

۷ مسلمانان نباید آغازگر جنگ باشند .

و إن تعودوا نعد

احکام جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱،۲

۱ - حرمت جنگ در ماه های حرام

الشهر الحرام بالشهر الحرام

ماههای حرام از آن جهت به حرام بودن توصیف شده اند که برخی از اموری که در غیر آنها حلال است، در این ماهها حرام است؛ از جمله آن امور - به قرینه آیات گذشته - جنگ می باشد. ماههای حرام عبارت است از: رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و محرم.

۲ - جواز جنگ در ماه های حرام در صورت تجاوز دشمنان در آن ماهها

الشهر الحرام بالشهر الحرام

<باء> در <بالشهر> بای مقابله یا عوض است و مقصود از این مقابله - به قرینه فرازهای بعد و با توجه به آیه های پیشین که درباره جنگ بود - این معناست: اگر دشمن با جنگ علیه شما حرمت ماههای حرام را نقض کرد، شما نیز می توانید حرمت این ماهها را نادیده گرفته و علیه آنان به مبارزه برخیزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) ، درباره جنگ و خونریزی در ماه های حرام

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه

۶ جنگ در ماه های حرام ، از گناهان بزرگ است .

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير

۷ احترام

ماه های حرام (ممنوعیت جنگ در آنها) ، در عصر جاهلیت و تأیید آن در اسلام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

ظاهر این است که در سؤال سائل نیز کلمه <الحرام> (به معنای دارای حرمت) آمده است؛ بنابراین آن ماهها، پیش از اعلام قرآن مبنی بر تحریم جنگ در آن، از احترام ویژه ای برخوردار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۱ - ۱،۴

۱ وجوب حمل سلاح و ادوات جنگی و کوچ جمعی و یا گروه گروه ، برای دفاع و نبرد

یا ایها الذین امنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعاً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: خذوا سلاحکم .. الثبات الشیرایا و الجمیع العسکر.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۲۵۳؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۱۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۳۹۶، ۳۹۷.

۴ لزوم آمادگی کامل نیروهای رزمنده ، قبل از حرکت به سوی نبرد با دشمن

یا ایها الذین امنوا خذوا حذرکم فانفروا

عطف <انفروا> با فای عاطفه، دلالت بر این معنا دارد که اول باید آماده شوید (خذوا حذرکم)، و آنگاه به سوی دشمن بسیج شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۲

۲ وجوب جنگ و مبارزه برای رهایی مستضعفان

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین

مراد از جنگ در راه مستضعفان به قرینه ادامه آیه جنگیدن برای رهایی آنان از چنگال ستمگران است. در برداشت فوق،

بر <الله> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۶

۶ وجوب نبرد با یاوران شیطان (کافران و طاغوت ها)

و الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ حرمت تعرض و نبرد با منافقان و دشمنانی که از نبرد با مسلمانان دست برداشته و خواهان صلح می باشند .

فَانْ عَتَرْتُمْ لَكُمْ فِلْمِ يَقْتُلُوكُمْ وَ الْقَوَا الْيَكْمُ السَّلْمُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۵، ۲، ۱

۱ گرفتن اسیر در میدان نبرد ، پیش از غلبه بر دشمن و سرکوبی کامل او ، امری بس ناروا و حرام است .

ما كان لنبى أن يكون له أسرى حتى يثخن فى الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <يثخن> کلمه ای همانند <العدو> باشد که به قرینه مقام حذف شده است و <ال> در <الأرض> نیز جانشین مضاف إليه باشد، یعنی أرض المعركة (منطقه جنگ). گفتنی است که اثنان عدو، چنانچه در لسان العرب آمده، به معنای غلبه بر دشمن با کشتار وسیع آنان است. بنابراین جمله <ما كان ...> بیانگر این معناست که اسیر گرفتن از دشمن پیش از غلبه بر او جایز نیست.

۲ حرمت گرفتن اسیر پیش از غلبه بر دشمن ، سنت تمام انبیای الهی و حکمی لازم الاجرا در تمام ادیان آسمانی

ما كان لنبى أن يكون له أسرى حتى يثخن فى الأرض

۵ تثبیت موقعیت

برتر رزمی سپاه اسلام از وظایف رزمندگان

ما كان لنبی أن یكون له أسرى حتی یشخن فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۲

۲ لزوم دادن فرصت مناسب به دشمنان پیمان شکن ، برای توبه و بازگشت به دامن اسلام ، پیش از جنگ با آنان

براءه من الله و رسوله .. . فسیحوا فی الارض أربعه أشهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۳

۱۳ رفع حصر از محاصره شدگان به دست قوای اسلام ، در صورت پذیرفته شدن اسلام از سوی آنان ، واجب است .

و احصروهم .. . فإن تابوا فخلوا سبیلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۴

۴ جنگیدن با کفار محارب ، پس از گرویدن آنان به اسلام ، ممنوع است .

فإن تابوا .. . فإخونکم فی الدین

جمله <فإخونکم فی الدین> اشاره به این معنا دارد که: کفار محارب با گرویدن به اسلام، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از آن پس، جنگیدن با آنان حرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۳

۱۳ شرکت و عدم شرکت در جنگ ، منوط به اذن رهبر جامعه اسلامی است .

فاستئذنونک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۴

۴ زمام امور جنگ و اجازه حضور و عدم حضور در آن ، در اختیار رهبر جامعه اسلامی و از شئون

اوست .

جهدوا مع رسوله استئنك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أذن للذين يقتلون .. الذين أخرجوا من ديارهم

ادوات جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱،۴

۱ تقویت قوای نظامی و تهیه ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا ، وظیفه ای بر عهده تمامی مسلمانان

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

۴ جامعه اسلامی باید به پیشرفته ترین ادوات رزمی زمان مجهز باشد .

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

ادوات جنگ در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۳

۳ اسب های سواری در عصر بعثت ، کارآمدترین و مهمترین وسیله برای تقویت بنیه نظامی

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل

عطف <رباط الخيل> بر <قوه> عطف خاص بر عام است و کاربرد چنین عطفی معمولاً برای رساندن اهمیت معطوف و نقش اساسیتر آن نسبت به دیگر مصادیق معطوف علیه است.

اذن ترک جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۴

۴ زمام امور جنگ و اجازه حضور و عدم حضور در آن ، در اختیار رهبر جامعه اسلامی و از شؤون اوست .

جهدوا مع رسوله

استثذنك

اذن جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۳

۱۳ شرکت و عدم شرکت در جنگ ، منوط به اذن رهبر جامعه اسلامی است .

فاستثذنوڪ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۴

۴ زمام امور جنگ و اجازه حضور و عدم حضور در آن ، در اختیار رهبر جامعه اسلامی و از شؤون اوست .

جهدوا مع رسوله استثذنك

ارزش جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۵

۵ جنگ و جهاد ، امری خیر برای مؤمنان ، علی رغم ظاهر ناخوشایند آن

كتب عليكم القتال وهو كره لكم وعسى ان تكرهوا شيئاً وهو خير لكم

اسارت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱،۲،۴

۱ گرفتن اسیر در میدان نبرد ، پیش از غلبه بر دشمن و سرکوبی کامل او ، امری بس ناروا و حرام است .

ما كان لنبى أن يكون له أسرى حتى يثخن فى الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <یثخن> کلمه ای همانند <العدو> باشد که به قرینه مقام حذف شده است و <ال> در <الأرض> نیز جانشین مضاف إليه باشد، یعنی أرض المعركة (منطقه جنگ). گفتنی است که اثنان عدو، چنانچه در لسان العرب آمده، به معنای غلبه بر دشمن با کشتار وسیع آنان است. بنابراین جمله <ما کان ...> بیانگر این معناست که اسیر گرفتن از دشمن پیش از غلبه بر او

جایز نیست.

۲ حرمت گرفتن اسیر پیش از غلبه بر دشمن ، سنت تمام انبیای الهی و حکمی لازم الاجرا در تمام ادیان آسمانی

ما كان لنبی أن یكون له أسرى حتی یشخن فی الأرض

۴ مجاهدان بدر پیش از غلبه کامل بر دشمن ، برای دستیابی به منافع مادی ، به گرفتن اسیر اقدام کردند .

ما كان لنبی . . . تریدون عرض الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۶

۶- اسیر کردن نیرو های دشمن در میدان جنگ ، امری مجاز پس از متلاشی کردن سپاه کفر و زمین گیر ساختن آنان

حتی إذا أثنتموهم فشدوا الوثاق

استراتژی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۳

۳ تعیین مشی نظامی در حیطة مسؤولیت انبیا و رهبران الهی است .

ما كان لنبی أن یكون له أسرى

استفاده از فیل در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۶

۶ - استفاده از فیل در جنگ های عرب ، کم سابقه و نشانه برخورداری سپاه مهاجم ، از تجهیزات پیشرفته جنگی بود .

ألم تر کیف فعل ربك بأصحاب الفیل

شهرت سپاه ابرهه با عنوان <اصحاب الفیل>، نشانگر تازگی داشتن این ابزار جنگی و هراس افکن بودن آن است.

استقامت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۶

۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، وفای به عهد ، صبر در مشکلات و استقامت در نبرد از وظایف اهل ایمان و از

ليس البر أن تولوا وجوهكم ... و لكن البر من ... و أقام الصلوه ... والصبرين في ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۳،۳۰

۲۳ گمان به لقاء الله (روز رستاخیز) موجب پایداری انسان در پیکار با دشمنان

قال الذين يظنون .. غلبت فئه كثيره

بنابراینکه < يظنون > به معنی گمان باشد.

۳۰ پیروزی در پیکار ، در گرو استقامت و استواری است ؛ نه انبوهی لشکر

کم من فئه .. و الله مع الصابرين

جمله < و الله .. > ، به منزله بیان شرط برای غلبه گروه اندک بر گروه انبوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۲

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين .. و من یرد ثواب الدنيا

با توجه به آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۲

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا در هنگامه های پیکار

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا في امرنا و ثبت اقدنا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <رَبِّیون> برگشت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱

۸ موسی (ع) بر حذر دارنده قوم خویش از فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با ساکنان سرزمین مقدس

و لا ترتدوا علی اذارکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۱،۳

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری در نبرد با دشمنان دین

یا ایها الذین ءامنوا إذا لقیمتم فئه فاثبتوا

<لقاء> مصدر <لقیمتم> به معنای رو در رو شدن و برخورد کردن است و مراد از آن به مناسبت سیاق آیه، برخورد نظامی، یعنی پیکار و نبرد، می باشد.

۳ پایداری اهل ایمان در صحنه های پیکار همراه با یاد مداوم خدا، زمینه ساز پیروزی آنان بر دشمنان دین

فاثبتوا و اذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون

<لعلکم> علاوه بر اینکه متعلق بر <اذکروا الله> است، می تواند متعلق به <فاثبتوا> نیز باشد. در این صورت مراد از <فلاح>، پیروزی در جنگ است.

استقامت در جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ لزوم استواری در برابر جنگ روانی دشمنان و نهراسیدن از استهزای آنان

و لقد استهزیء برسلمن قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یتهزون

اسیرگیری در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۵

۵- اهتمام به گرفتن اسیر در میدان جنگ ، قبل از متلاشی ساختن دشمن ، کاری نادرست و مخالف اصول جنگ

فَضْرِبِ الرِّقَابَ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتَمُوهُم فَسَدَّوْا الْوُثَاقَ

از آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، به سپاه اسلام شیوه و قانون جنگ و نکاتی را که موجب قوت و

پیروزی آنان می شود آموخته است و به آنان تذکر داده که مبادا، به هوای گرفتن اسیر خود را به شکست بکشانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۵

۱۵ پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از سرکوبی کامل دشمن ، امری حکیمانه و موجب پیروزی دشمنان دین است .

ما کان لنبی . . . و الله عزیز حکیم

توصیف خداوند به عزتمندی و کاردانی پس از تأکید بر حرمت گرفتن اسیر پیش از سرکوبی دشمن، اشاره به این دارد که این حکم، حکمی حکیمانه است و اجرای آن زمینه ساز عزتمندی و پیروزی مسلمانان است.

اسیرگیری قبل از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۶، ۱۷

۱۶ پیامبران تا پیش از استقرار دین و حکومتشان بر زمین ، از گرفتن اسیر در میدان نبرد پرهیز داشته و آن را ناروا می دانستند .

ما کان لنبی . . . و الله عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول <یثخن> کلمه ای همانند <دینه> و یا <حکومه> باشد. بر این مبنا ائخان به معنای تثبیت و محکم کردن است. بنابراین جمله <ما کان لنبی ...> می رساند که پیامبران تا زمانی که حکومت و دینشان در زمین تثبیت نمی شد، از اسیر گرفتن در میدان نبرد امتناع می کردند. قابل ذکر است اگر مجاهدان از این امر تخلف کنند و اسیر بگیرند، به دلیل آیه ۷۰، نمی توان گفت باید آن اسیران کشته شوند.

۱۷ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر

در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق ، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است .

و الله عزیز حکیم

اطلاعات در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۸

۸ نقش تعیین کننده برآورد نیروهای دشمن ، در روحیه رزمندگان و سرنوشت جنگ

یرونهم مثلهم رأی العین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۴

۴ ضرورت ایجاد تشکیلات اطلاعاتی ، برای تأمین اطلاعات سیاسی و نظامی مسلمانان در جنگ *

یا ایها الذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا .. فتبینوا

بنابر اینکه متعلق <فتبینوا>، مطلق امور مربوط به جنگ باشد، برای تحقق چنین امری نیاز به تشکیلات اطلاعاتی خواهد بود.

اعراض از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به خاطر هراسشان از سطوت دشمن و خودداری از نبرد با آنان ملامت کرد .

أتخسونهم

امتحان با جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۴

۳۴ حوادث ایام ، جنگ ها ، سختی ها ، مصیبت ها و مرگ ، آزمایش الهی است .

لبرز الذین . . . و لیبتلی الله ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حتی

یَمِيزُ الْخَيْثُ مِنَ الطَّيِّبِ

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است / چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۴

۴ جنگ ها و میدان های کارزار، عرصه های آزمون الهی و متمایز گشتن مؤمنان راستین از غیر ایشان

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۱ - ۱

۱ - هجوم احزاب متحد به مدینه، وسیله امتحان مسلمانان آن دیار بود.

هِنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ

امدادهای خدا در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۵

۵ جبهه نبرد، عرصه ظهور امداد های الهی نسبت به مؤمنان

قَتَلُوهُمْ يَءَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ... وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ

اهداف منافقان در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۴

۴ شرکت منافقان در جنگ، تنها برای تأمین منافع شخصی و سهم شدن در غنائم جنگی است.

الذین یتربصون بکم فإن کان لکم فتح من اللّٰه . . . و نمنعکم من المؤمنین

ظاهراً مراد از جمله <الم نکن معکم> شرکت در جهاد و همراهی مسلمانان در جنگ است.

اهمیت احتیاط در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۹

۹- ضرورت احتیاط در کارهای نبرد، تدبیر و محکم کاری است.

فشدوا الوثاق

با الغای خصوصیت

از مورد اسیران^۲ از تعبیر <فشدوا الوثاق> استفاده می شود که پس از زمین گیرشدن دشمن نیز باید امور جنگ را جدی گرفت و باز هم با تدبیر پیش رفت.

اهمیت استقامت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۳

۳ لزوم پایداری هر مؤمن در میدان نبرد با دو کافر ، نسخ کننده حکم پیشین (لزوم پایداری هر مؤمن در برابر ده کافر)

ان یکن منکم عشرون .. الثن خفف الله عنکم

اهمیت تدبیر در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۹

۹- ضرورت احتیاط در کار های نبرد ، تدبیر و محکم کاری است .

فشدوا الوثاق

با الغای خصوصیت از مورد اسیران^۲ از تعبیر <فشدوا الوثاق> استفاده می شود که پس از زمین گیرشدن دشمن نیز باید امور جنگ را جدی گرفت و باز هم با تدبیر پیش رفت.

اهمیت جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۹

۹ اهتمام اسلام به تقویت مبانی فرهنگی دینی جامعه همپای جنگ و جهاد

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند پس از ترغیب مکرر مؤمنان به شرکت در جهاد و تحذیر آنان از تخلف، در این آیه طلب فقاقت را ضروری شمرده و طالبان فقاقت را از شرکت در جنگ معاف کرده است.

اهمیت جنگ با جنگ طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴

۱ ضرورت نبرد با دشمن پیمان شکن و جنگ طلب

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم .. قتلوهم

ضمیر <هم> در <قاتلوهم> به شرک پیشگان پیمان شکن و آغازگر جنگ در آیه پیش (قوماً نكثوا أيمانهم .. و هم بدءوكم أول مرّه) برمی گردد.

اهمیت جنگ با دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۱

۱ ضرورت نبرد با دشمن پیمان شکن و جنگ طلب

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم .. قتلوهم

ضمیر <هم> در <قاتلوهم> به شرک پیشگان پیمان شکن و آغازگر جنگ در آیه پیش (قوماً نكثوا أيمانهم .. و هم بدءوكم أول مرّه) برمی گردد.

اهمیت سرکوبی آغازگر جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۹

۹ سرکوب آغازگران جنگ علیه اسلام و مسلمین ، امری لازم

ألا تقتلون قوماً .. و هم بدءوكم أول مرّه

برنامه ریزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۸

۱۸ ضرورت برنامه ریزی در جنگ ، با در نظر گرفتن همه شرایط

فلتقم طائفه . . . و ليأخذوا اسلحتهم ... فيميلون عليكم ميله واحده

آيه شريفه علاوه بر بيان نحوه نماز و نظم و ترتيب خاص آن، به مسلمانان مي آموزد كه بايد در رويارويي با دشمنان همواره برنامه هايي منظم و دقيق را پي ريزي كنند تا از هجوم آنان در امان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۱

۱ يورش به سرزمين

مقدس از دروازه آن ، پیشنهاد دو نفر از یاران موسی (ع)

قال رجلان .. ادخلوا عليهم الباب

۱۴ تاختن بر جباران سرزمین مقدس و گشودن دروازه آن ، طرح پیشنهادی یوشع و کالب برای فتح بی درنگ آن سرزمین

قال رجلان .. ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غلبون

۱۶ پیروزی حتمی بنی اسرائیل بر جباران ، در صورت یورش بر آنان از دروازه سرزمین مقدس

ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غلبون

۱۸ اهل ایمان ، وظیفه دار شناسایی ، طراحی و به کارگیری شیوه های مناسب برای دستیابی به پیروزی بر دشمنان

ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غلبون

بی تقوایی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱۶

۱۶ - خطر خروج از مرز عدالت و تقوا در جنگ و پاسخ به تعدیات دشمن (مقابله به مثل)

فاعتدوا عليه .. واتقوا الله

تأکید به رعایت تقوا با جمله <واتقوا الله> و نیز <واعلموا ..> پس از تجویز مقابله به مثل، می رساند که: اجرای این قانون خطر عدم رعایت حد و مرز مقابله به مثل و خروج از عدالت را در پی دارد؛ لذا برای جلوگیری از ابتلا به این امر ناروا، بر رعایت تقوا تأکید شده است.

بی عدالتی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱۶

۱۶ - خطر خروج از مرز عدالت و تقوا در جنگ و پاسخ به تعدیات دشمن (مقابله به مثل)

فاعتدوا عليه .. واتقوا الله

تقوا با جمله <واتقوا الله> و نیز <واعلموا..> پس از تجویز مقابله به مثل، می رساند که: اجرای این قانون خطر عدم رعایت حد و مرز مقابله به مثل و خروج از عدالت را در پی دارد؛ لذا برای جلوگیری از ابتلا به این امر ناروا، بر رعایت تقوا تأکید شده است.

پاسداری در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۷

۷ گروه نخست از نماز گزاران پس از اتمام نماز خوف، باید به پاسداری پردازند تا گروه دیگر برای اقامه نماز جماعت حاضر شوند.

فاذا سجدوا فليكونوا من ورائكم و لتأت طائفه اخرى لم يصلوا فليصلوا

پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۶،۷

۶ پیروزی مؤمنان در جنگ، موهبت خداوند و از جانب اوست.

فإن كان لكم فتح من الله

قید <من الله> ظاهراً قید توضیحی است. یعنی هرگاه مسلمانان پیروز شوند، این پیروزی از ناحیه خداوند است.

۷ غلبه مؤمنان در جنگ، فتح و پیروزی حقیقی است و پیروزی های کافران، بهره ای محدود و زودگذر است.

فإن كان لكم فتح من الله .. و إن كان للكافرين نصيب

خداوند از غلبه مؤمنان به فتح و پیروزی تعبیر فرموده و برای غلبه کافران از کلمه <نصیب> استفاده کرده تا به این معنا اشاره کند که غلبه کافران، فتح و پیروزی نیست. بلکه بهره ای اندک و زودگذر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ -

۱ گرفتن اسیر در میدان نبرد ، پیش از غلبه بر دشمن و سرکوبی کامل او ، امری بس ناروا و حرام است .

ما كان لنبى أن يكون له أسرى حتى يثخن فى الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول < یتخن > کلمه ای همانند < العدو > باشد که به قرینه مقام حذف شده است و < ال > در < الأرض > نیز جانشین مضاف إليه باشد، یعنی أرض المعركة (منطقه جنگ). گفتنی است که اثخان عدو، چنانچه در لسان العرب آمده، به معنای غلبه بر دشمن با کشتار وسیع آنان است. بنابراین جمله < ما كان ... > بیانگر این معناست که اسیر گرفتن از دشمن پیش از غلبه بر او جایز نیست.

پیشگویی جنگ با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۴

۴ - خبر دادن خداوند از درگیری های آینده کافران (یهود) با مؤمنان ، از درون دژ ها و از پس دیوار های بلند

لا يقتلونكم جميعًا إلا فى قرى محصنه أو من وراء جدر

با توجه به معنای مضارع (یقاتلون)، مطلب بالا قابل برداشت است.

پیشگویی جنگ سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۲

۲ - اخبار الهی از نبرد قریب الوقوع مسلمانان با دشمنی نیرومند ، پس از جنگ خیبر

قل للمخلفين من الأعراب ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد

تأمین ادوات جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ بازداشتن دشمنان از هجوم به جامعه ایمانی و ستمکاری آنان ، از منافع جهاد و

تأمین هزینه ادوات آن است . *

و ما تنفقوا .. و أنتم لا تظلمون

برخی برآنند که <یوف إلیکم> و <أنتم لا تظلمون> بیانگر ثمرات توان نظامی جامعه در دنیاست. یعنی اگر هزینه جهاد را تأمین کنید و بنیه نظامی جامعه اسلامی را به حدی برسانید که دشمنان وحشت کنند، در نتیجه به شما هجوم نخواهند آورد تا ضررهایی را بر شما تحمیل نمایند. و اگر چنین کردید بر شما مسلط نخواهند شد تا بتوانند ستمی بر شما روا بدارند.

تأمین تدارکات جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ ترغیب مؤمنان از جانب خداوند به انفاق در راه خدا ، تأمین هزینه های نبرد و تهیه تدارکات و امکانات رزمی

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّٰه یوف إلیکم

تأمین هزینه جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۲،۲۰

۱۲ ترغیب مؤمنان از جانب خداوند به انفاق در راه خدا ، تأمین هزینه های نبرد و تهیه تدارکات و امکانات رزمی

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّٰه یوف إلیکم

۲۰ بازداشتن دشمنان از هجوم به جامعه ایمانی و ستمکاری آنان ، از منافع جهاد و تأمین هزینه ادوات آن است . *

و ما تنفقوا .. و أنتم لا تظلمون

برخی برآنند که <یوف إلیکم> و <أنتم لا تظلمون> بیانگر ثمرات توان نظامی جامعه در دنیاست. یعنی اگر هزینه جهاد را تأمین کنید و بنیه نظامی جامعه اسلامی را به حدی برسانید که دشمنان وحشت کنند، در نتیجه به شما هجوم نخواهند آورد تا ضررهایی را بر

شما تحمیل نمایند. و اگر چنین کردید بر شما مسلط نخواهند شد تا بتوانند ستمی بر شما روا بدارند.

تاریخ جنگ رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲ - ۱

۱ - شکست رومیان (دولت بیزانس) در نبرد با ایرانیان در عصر بعثت

غلبت الروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳ - ۱

۱ - نبرد میان ایران و روم ، در نزدیکی منطقه حجاز (نواحی شام) بوده است .

غلبت الروم فی أدنی الأرض

جبهه درگیر با رومیان مسیحی، به قول تاریخ نویسان، مجوسیان ایران بوده اند، الف و لام در <الأرض> برای عهد است و به قرینه <الروم> به سرزمین رومیان اشاره دارد. ذکر <أدنی الأرض> و اهتمام به تعیین مکان نبرد، این احتمال را تقویت می کند که مراد از <أدنی الأرض> نزدیک ترین بخش روم به سرزمین عرب (حجاز) باشد.

تاکتیک جنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ - ۲،۳

۲ - هجوم غافلگیرانه بر دشمن در صبحگاه ، پس از حرکت سریع سپاهیان در شب ، شیوه ای کارساز در جهاد

فالمغیرت صبغًا

۳ - پنهان داشتن زمان یورش بر دشمن و هجوم در لحظه های استراحت او ، روشی مطلوب در جهاد

فالمغیرت صبغًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آسیب زدن به قلب سپاه دشمن و از کار انداختن مرکزیت آن ، رزمی در خور تمجید و سوگند خداوند

فوسطن به جمعاً

تاکتیک در جنگ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۱ - ۷

۷ تعیین تاکتیک و کیفیت نبرد، در اختیار مؤمنان رزمنده

فانفروا ثبات او انفروا جمیعاً

تعیین نکردن نحوه بسیج و حرکت به سوی دشمن، برای رساندن این معناست که شیوه و تاکتیک مبارزه با دشمنان دین به انتخاب و صلاحدید خود مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۱،۲

۱ جواز روی برتافتن از جبهه نبرد به منظور در اختیار گرفتن موضعی جدید علیه دشمن یا پیوستن به گروهی از همزمان خویش

و من یولهم یومئذ دبره إلا متحرفا لقتال او متحيزا إلی فئه

<تحرّف> به معنای روی گرداندن از محلی به اطراف آن محل است. بنابراین <تحرّف للقتال> یعنی روی گرداندن از دشمن به منظور انتخاب جبهه ای دیگر برای نبرد. و <تحیز> به معنای جای گرفتن است و چون به <إلی> متعدی شده معنای پیوستن نیز در آن اشراب شده است. گفتنی است مراد از <فئه> گروهی است که در آن میدان مشغول پیکار هستند.

۲ روی گردانان از جبهه نبرد جز برای اتخاذ تاکتیک های جدید مورد غضب الهی و مستحق جهنم

و من یولهم .. فقد باء بغضب من الله و مأویه جهنم و بس المصیر

کلمه <بوء> چنانچه با حرف <باء> متعدی شود می تواند به معنای متحمل شدن باشد. بنابراین <باء بغضب من الله> یعنی خشم خداوند را بر خود هموار ساخت.

تبیین فلسفه جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۷

تبیین علل پیکار با دشمن برای نیروهای رزمی در صورت مشاهده نوعی تردید و هراس در آنان امری شایسته است .

أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَنَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ

تخلف از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۷

۷ خوشحالی به خاطر شرکت نجستن در جنگ به همراهی رسول خدا و مصون ماندن از پیامدهای مصیبت بار آن ، شرک است .

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... ولو ان اهل السماء و الارض قالوا قد انعم الله علیّ اذ لم اکن مع رسول الله (ص) لکانوت بذلک مشرکین

مراد از شرک خروج از اسلام نیست بلکه پیروی از شیطان است کما اینکه روایاتی در اصول کافی بیانگر این مطالب است.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۱۹۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۱۶، ح ۳۹۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۲، ۳ و ۴.

ترس از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۷، ۱۴

۱۴ گروهی از مسلمانان صدر اسلام به گونه ای از نبرد با دشمن هراسناک بودند که خداترسان از خدا می ترسند .

اذا فریق منهم یخشون الناس کخشیه الله

برداشت فوق بر این مبناست که <کخشیه الله> حال برای فاعل <یخشون> باشد که در این صورت مضافی مقدر است و تقدیر کلام چنین خواهد بود: یخشون الناس مثل اهل خشیه الله.

۱۷ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، هراسشان از

جنگ بیش از ترسشان از خداوند بود .

يخشون الناس كخشيه الله او اشدّ خشيه

۲۵ مسلمانان هراسناک از نبرد ، خواهان لغو حکم جهاد شدند .

و قالوا ربّنا لم كتبت علينا القتال لو لا اخرتنا الى اجل قريب

برخی برآنند که مراد از <اجل قريب> زمان مرگ است. و تأخیر حکم جهاد تا زمان مرگ به معنای لغو آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۲

۲ هراس قوم موسی (ع) (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا يموسى انا لن ندخلها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ مسلمانان صدر اسلام ، از نبرد با شرک پیشگان پیمان شکن ، در هراس بودند .

أتخشونهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۴

۴ - منافقان مدینه ، از شدت ترس از جنگ ، شبیه محتضر می شدند .

فإذا جاء الخوف رأيتهم ينظرون إليك تدور أعينهم كالذى يغشى عليه من الموت

ترس در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۲

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص) ، به تنهایی ، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همت .. و الله وليهما

جمله < و الله وليهما >، در عین اعتراض به گروههایی که قصد انحراف از جنگ

و نافرمانی از رسول خدا (ص) را داشتند، بیانگر این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۳

۱۳ اعتقاد به مقدر بودن مرگ، از میان برنده هراس آدمی برای سفر و حضور در میدان نبرد (صحنه های دشوار زندگی)

قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله یحیی و یمیت

جمله <و الله یحیی و یمیت>، می تواند به منظور زدودن هراس از شرکت در پیکار ایراد شده باشد.

ترک جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۳

۱۳ شرکت و عدم شرکت در جنگ، منوط به اذن رهبر جامعه اسلامی است .

فاستئذنوک

تشخیص معذوران از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۶

۶ تشخیص راستگویی و دروغگویی مدعیان ناتوانی از شرکت در جنگ، به عهده رهبری است .

لم أذنت لهم حتی یتبین لك الذین صدقوا و تعلم الكذبین

از اینکه متخلفان از جنگ از پیامبر (ص) اذن ترک جهاد خواسته اند و خداوند نیز آن حضرت را مورد خطاب قرار داد، برداشت فوق استفاده می شود.

تقدم صلح بر جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلى المسالمة قاصدين لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

تقوا در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱۴

۱۴ - رعایت تقوا در جنگ و حفظ عدالت در مقابله به مثل ، موجب جلب حمایت و امداد های الهی است .

و اتقوا الله و اعلموا أن الله مع المتقين

تقویت روحیه در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۵

۵ بیان خسارت های دشمن در جنگ ، زمینه ای برای تقویت روحیه مجاهدان در رویارویی با آنان

ان تکونوا تالمون فأنهم یألمون كما تالمون

تنبلی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۳

۳ سرزنش خداوند نسبت به کسانی که از شرکت در نبرد سستی می کنند و یا دیگران را از آن بازمی دارند .

و انّ منکم لمن لیبطنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳- ۱۲۲- ۱۸، ۱۲، ۱

۱ تمایل دو گروه از رزمندگان احد به سستی و انصراف از شرکت

در جنگ

اذ همت طائفتان منکم ان تفشلا

بیشتر مفسرین بر آنند که آیه فوق در مورد نبرد احد نازل شده است.

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص) ، به تنهایی ، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همت .. و الله ولیهما

جمله < و الله ولیهما >، در عین اعتراض به گروههایی که قصد انحراف از جنگ و نافرمانی از رسول خدا (ص) را داشتند، بیانگر این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

۱۸ تمایل بنی حارثه و بنی سلمه به سستی و انصراف از شرکت در جنگ احد

اذ همت طائفتان منکم

امام باقر و امام صادق (ع) درباره < طائفتان > در آیه فوق فرمودند: < و الطائفتان هما بنو سلمه و بنو حارثه حیّان من الانصار .

مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۹

۹ سرزنش خداوند به پیکارگران احد که چرا علی رغم مشاهده یاری الهی در جنگ بدر ، تصمیم به سستی در کارزار احد گرفتند .

و اذ همت طائفتان منکم ان تفشلا .. و لقد نصرکم الله ببدر و انتم اذله

لحن آیه، حکایت از سرزنش مسلمانانی است که در جنگ احد، تصمیم به سستی و نافرمانی گرفتند.

توبه فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ فرار از میدان جنگ ، گناه بوده و نیازمند توبه و استغفار به درگاه خداست .

ثم وليتم

مدبرین .. ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء

تهدید به جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص)، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولوا فقل اذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبد إليهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۷ - ۱،۲،۳

۱ - رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إليهم فلنأتينهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

۲ - تهدید اکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران، پرتوان و بی همورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتينهم بجنود لاقبل لهم بها

جمله <لا قبل لهم بها> صفت <جنود> است؛ یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

۳ - هشدار سلیمان (ع) به دربار سبا درباره پی آمدهای ناگوار جنگ (تبعید، آوارگی، ذلت و خواری)

ولنخرجنهم منها أذله و هم صغرون

<أذله> جمع <ذلیل> و حال برای ضمیر <هم> است؛ یعنی، آنان را از آن سرزمین همراه با ذلت و خواری اخراج خواهیم کرد. عبارت

<هم صاغرون> به تقدیر <هم صاغرون فیها> است؛ یعنی، و در آن سرزمین، بیگانه، حقیر و آواره خواهند بود.

جرم تخلف از قوانین جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۹

۹ - متجاوزان از مقررات جنگ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا علی الظلمین

جرم فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۲

۲ فرار از میدان جنگ، گناه بوده و نیازمند توبه و استغفار به درگاه خداست .

ثم ولیتم مدبرین . . . ثم یتوب الله من بعد ذلک علی من یشاء

جنگ افروزی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ مشرکان صدر اسلام، آغازگر جنگ با مسلمانان بودند .

أولئک هم المعتدون

قصر در جمله <أولئک هم المعتدون> که ضمیر فصل <هم> مفید آن می باشد قصر قلب است؛ یعنی، این مشرکانند که به حقوق مسلمانان تعدی نموده و جنگ را با آنان آغاز کردند نه مسلمانان. قابل ذکر است که در <آیه ۱۳> به این معنا تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۸

۸ مشرکان صدر اسلام، آغازگر جنگ با مسلمانان

و هم بدءوكم أوّل مرّه

جنگ افروزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱

۱ پیامبر (ص) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت

تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین ، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان فراهم آید .

فإما تتقنهم فى الحرب فشردهم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببیه است که به دلیل <فى الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند. بنابراین جمله <فشردهم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

جنگ با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۶

۶ انگیزه های الهی ، ملاک ارزش جنگ ها و نبردها

قاتلوا فى سبيل الله

جنگ با اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۳

۱۳ جنگ با اسلام و مسلمین ، جنگ با خداست .

واعلموا أنكم غير معجزى الله و أن الله مخزى الكفرین

قرار داده شدن مشرکان در برابر خدا با اینکه آنان با اسلام و مسلمین مبارزه می کردند نشانگر این حقیقت است که: نبرد با اسلام و اسلامگرایان، جنگ با خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۱

۱۱ جنگ با اسلام ، جنگ با خداست .

فاعلموا أنكم غير معجزى الله

جنگ با بنى نضير

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۷

۷- وعده منافقان مدینه به یهود بنی نضیر ، نسبت به همگامی کامل با آنان در صورت نبرد یا تبعید

الذین نافقوا يقولون .. لئن أُخرجتم لنخرجنَّ معکم ... و إن قوتلتم لننصرنَّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۲ - ۲

۲- خبر دادن خداوند ، از پایبند نبودن منافقان به تعهد خویش ، در یاری بنی نضیر به هنگام جنگ

و لئن قوتلوا لاینصرونهم

جنگ با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۹ - ۳، ۲

۲ رباخواران در موضع جنگ با خداوند و پیامبر (ص)

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله و رسوله

۳ رباخواران ، محاربان با خداوند و رسول (ص)

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۳

۱۳ جنگ با اسلام و مسلمین ، جنگ با خداست .

و اعلموا أنکم غیر معجزی الله و أن الله مخزی الکفرین

قرار داده شدن مشرکان در برابر خدا با اینکه آنان با اسلام و مسلمین مبارزه می کردند نشانگر این حقیقت است که: نبرد با

اسلام و اسلامگرایان، جنگ با خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۱

۱۱ جنگ با اسلام ، جنگ با خداست .

فاعلموا أنکم غیر معجزی اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ گناه محاربه با پیامبر (ص) ، همسان با گناه محاربه با خدا .

انما جزؤا الذین یحاربون الله ورسوله

۶ فسادگری در زمین ، گناهی برابر با گناه محاربه با خدا و رسول *

انما جزؤا الذین یحاربون الله ورسوله و یسعون فی الارض فساداً

جزای مساوی برای محاربان و مفسدان، حکایت از برابری گناه آنان دارد. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که مفسدان، عنوانی مستقل از محاربان نسبت به کیفرهای چهارگانه باشد.

۸ تلاش برای فساد و تباهی جامعه ایمانی ، ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) است .

انما جزؤا الذین یحاربون الله ورسوله و یسعون فی الارض فساداً

برداشت فوق بر این مبناست که <واو> در <و یسعون> تفسیریه باشد. یعنی فسادگری در جامعه ایمانی، مصداقی از محاربه با خدا و رسول است.

۹ محاربان با خدا و رسول (ص) به دلیل فسادگری در زمین محکوم به کیفری سنگین

انما جزؤا الذین یحاربون الله ورسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

بنابر اینکه <یسعون فی الارض> عطف تفسیری برای <الذین یحاربون> باشد، می توان گفت داعی بر تفسیر محاربان به فسادگران در زمین، بیان علت کیفری است که برای آنان ذکر شده است.

۱۵ عذاب بزرگ اخروی پیامد و کیفر ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) و فسادگری در زمین

و لهم فی الاخره عذاب عظیم

۱۹ گرفتن مال مردم به زور ، همراه با زدن آنان در کشور اسلامی ، محاربه با خدا و رسول است .

انما جزؤا الذین یحاربون

از امام صادق(ع) درباره کسانی که در کشور اسلامی با زدن مردم به غارت اموالشان پردازند، روایت شده: هولاء من اهل هذه الایه <انما جزؤا الذین ... >

کافی، ج ۷، ص ۲۴۵، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۳.

۲۰ سلاح بر گرفتن و ایجاد ناامنی در راه ها همراه با قتل، محاربه با خدا و رسول و کیفر آن اعدام است.

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. ان یقتلوا

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ از سؤال حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس امر بقتلهم

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ - ۶

۶ خداوند فراخوان محاربان و مفسدان به دست شستن از فسادگری و ستیزه جویی با خدا و رسول (ص)

الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم

جنگ با دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۹

۹ - مسلمانان، موظف به رعایت عدالت حتی در جنگ با دشمنان

فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ تبیین علل پیکار با دشمن برای نیروهای رزمی در صورت مشاهده نوعی تردید و هراس در آنان امری شایسته است .

ألا تقتلون قوماً نكثوا

أَيْمَنَهُمْ وَ هَمَّوْا بِأَخْرَاجِ الرَّسُولِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۷

۷ جنگ با دشمنان پیمان شکن و دعوت آنان به توبه و بازگشت به دامن اسلام ، دستوری برخاسته از علم و حکمت خداوند

قَتَلُوهُمْ... وَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ رنج و اندوه پیامبر (ص) از مشکلات مسلمانان ، در عین فراخوانی آنان به جنگ با دشمنان و تحمل سختی های نبرد

رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

با توجه به اینکه در آیات قبل، سخن از جنگ تبوک و مشکلات توان فرسای آن بود و پیامبر(ص) مؤمنان را به شرکت در آن فرمان داده بود، یادآوری خصلتهای پیامبر(ص) در پایان این بخش، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ حرمت تعرض و نبرد با منافقان و دشمنانی که از نبرد با مسلمانان دست برداشته و خواهان صلح می باشند .

فَإِنِ اعْتَرَلَوْكُمْ فَلَمْ يَغْتُلُوكُمْ وَ الْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۱

۱ اطاعت از فرمان های خدا و رسول به هنگام رویارویی با دشمنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ تقویت قوای نظامی و تهیه ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا، وظیفه ای بر عهده تمامی مسلمانان

و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل

۲۰ بازداشتن دشمنان از هجوم به جامعه ایمانی و ستمکاری آنان، از منافع جهاد و تأمین هزینه ادوات آن است. *

و ما تنفقوا... و أنتم لا تظلمون

برخی برآنند که <یوف إلیکم> و <أنتم لا تظلمون> بیانگر ثمرات توان نظامی جامعه در دنیاست. یعنی اگر هزینه جهاد را تأمین کنید و بنیه نظامی جامعه اسلامی را به حدی برسانید که دشمنان وحشت کنند، در نتیجه به شما هجوم نخواهند آورد تا ضررهایی را بر شما تحمیل نمایند. و اگر چنین کردید بر شما مسلط نخواهند شد تا بتوانند ستمی بر شما روا بدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴

۴ - خداوند و پیامبرش، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان، پیروز خواهند شد.

ما وعدنا الله و رسوله إلا غرورا

جنگ با دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۵

۵ سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین، موجب از میان رفتن ابهت و قوت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

جنگ با دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۳

۳ نابودی و ذلت دشمنان دین و چشیدن طعم پیروزی، در گرو

نبرد با آنان است .

قتلوهم يعذبهم الله بأيديكم و يخزهم و ينصركم عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۱،۲

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری در نبرد با دشمنان دین

يأيتها الذين ءامنوا إذا لقيتم فئة فاثبتوا

<لقاء> مصدر <لقيتم> به معنای رو در رو شدن و برخورد کردن است و مراد از آن به مناسبت سیاق آیه، برخورد نظامی، یعنی پیکار و نبرد، می باشد.

۲ لزوم زیاد یاد کردن خدا به هنگام رویارویی با دشمنان دین و نبرد با آنان

إذا لقيتم فئة فاثبتوا و اذكروا الله كثيرا

<اذكروا الله> می تواند عطف بر <اثبتوا> باشد که در حقیقت جواب شرط <إذا لقيتم> خواهد بود. بر این مبنا مقصود، زیاد یاد کردن خدا به هنگام نبرد است. همچنین <اذكروا ...> می تواند جمله مستانفه باشد. در این صورت زیاد یاد کردن خدا برنامه ای است برای تمامی مراحل زندگی که از مصادیق آن هنگام رویارویی با دشمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۳،۴

۳ پرهیز از نزاع و اختلاف به هنگام رویارویی با دشمنان دین ، وظیفه ای ضروری بر عهده مجاهدان

و لاتنزعوا

۴ نزاع و اختلاف اهل ایمان موجب سست شدن آنان در پیکار با دشمنان دین

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ نبرد با دشمنان دین ، از مصادیق < سبیل الله > است .

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله یوف إلیکم

سیاق

آیه حکایت از آن دارد که از مصادیق <سبیل الله> جهاد با دشمنان دین است.

جنگ با دشمنان رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ پیکار با توطئه گران علیه رهبر جامعه اسلامی و سرکوبی آنان ، امری است لازم .

ألا تقتلون قوماً .. و همّوا بإخراج الرسول

جنگ با دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱

۱ تشویق و تشجیع مسلمانان صدر اسلام به جنگ با مشرکان پیمان شکن و توطئه گر علیه پیامبر (ص)

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم و همّوا بإخراج الرسول

جنگ با دوستان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله .. فقاتلوا اولياء الشيطان

جنگ با رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۸،۱۲

۸ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ،

فراخواند .

و إن نكثوا أيمانهم .. فقتلوا أئمة الكفر

۱۲ پیکار با سران شرک و کفر ، به منظور وادار کردن آنان به رعایت عهد و پیمان و بازداشتن ایشان از ضربه زدن به اسلام و مسلمانان است .

و إن نكثوا أيمانهم .. فقتلوا أئمة الكفر ...

لعلهم ينتهون

جنگ با رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۲

۲ تشویق و تشجیع مسلمانان به پیکار با سران شرک و کفر

فقتلوا أئمه الكفر .. ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم و هموا بإخراج الرسول

جنگ با سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۳ - ۳

۳ - اعلام آمادگی امیران و درباریان سبا برای درگیری نظامی با سلیمان (ع)

أفتونی فی امری .. قالوا نحن أولوا قوه و أولوا بأس شدید

تذکر قدرت و نیرومندی، اشاره به این دارد که آنان برای هر نبردی ولو با سلیمان آمادگی دارند.

جنگ با طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الَّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّٰه .. فقاتلوا اولیاء الشّیطان

جنگ با ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ هشدار موسی (ع) به زیانکاری قوم خویش در صورت فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با جباران سرزمین مقدس

و لا ترتدوا علی ادبارکم فتقلبوا خسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۲ - ۱،۲

۱ تأکید بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، علی رغم فرمان موسی (ع)

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و انا لن

ندخلها

۲ هراس قوم موسی (بنی اسرائیل) از برخورد و رویارویی با زورگویان قدرتمند حاکم بر سرزمین مقدس

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و انا لن ندخلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۳

۳ یاران موسی (ع) و وفاداران به او برای نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، جمعی اندک و ناچیز

ان فیها قوماً جبارین .. قال رجالان من الذین یخافون

جنگ با غیر محاربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۵

۵ - نبرد با کسانی که با مسلمانان سر جنگ ندارند ، تجاوزگری و خروج از حدود الهی است .

و قتلوا .. الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

از مصداقهای مورد نظر برای اعتدا و تجاوز - به قرینه <الذین یقاتلونکم> - نبرد با کافرانی است که در پی جنگ با اهل ایمان نیستند.

جنگ با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۱۰

۱۰ آمرزش گناه مجاهدانی از صدر اسلام که در ماه حرام با کفار جنگیدند . (عبدالله بن جحش و همراهان او)

ان الذین امنوا و الذین هاجروا

به دلیل شأن نزول، از مصادیق اولی آیه، عبدالله بن جحش و یاران او هستند که پس از هجرت از مدینه به سوی نخله، با دشمن درگیر شدند و آنان را کشتند و یا اسیر کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۸

۸ پیامبر (ص) و

رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند .

و إن یریدوا أن یخدعوك فإن حسبک اللّٰه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و ان یریدوا .. > فرض دیگری در مقابل <إن جنحوا> باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی و زندگانی مسالمت آمیز با مسلمانان و گاهی به منظور حيله گری و تجدید قوا. آیه قبل (إن جنحوا ...) بیانگر احکام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و إن یریدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۴

۴ جنگیدن با کفار محارب ، پس از گرویدن آنان به اسلام ، ممنوع است .

فإن تابوا .. فإخونکم فی الدین

جمله <فإخونکم فی الدین> اشاره به این معنا دارد که: کفار محارب با گرویدن به اسلام، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از آن پس، جنگیدن با آنان حرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمه الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۶

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله .. فقاتلوا اولياء الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۱، ۳، ۲

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواستار نبرد با کفار، قبل از تشریح جهاد و مبارزه مسلحانه

الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم .. فلما كتب عليهم القتال

از جمله <فلما كتب> به دست می آید که مراد از <كفوا>، خودداری از نبرد و جنگ مسلحانه است.

۳ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواهان نبرد با کافران، پیش از فراهم آمدن زمینه های آن

الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم

جمله <فلما كتب ..>، چنانچه گذشت، می تواند به معنای تشریح جهاد باشد، و می تواند به معنی فراهم آمدن زمینه جهاد و پیش آمدن شرایط آن باشد؛ یعنی آنگاه که پیامبر (ص) مسلمانان را به سوی جهاد فراخواند ...

۱۱ لزوم خودسازی، پیش از نبرد با کفار

واقموا الصلوه و اتوا الزكوه فلما كتب عليهم القتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ هشدار و تهدید خداوند به مسلمانان، در مورد تعرض به کافران و منافقانی که پیکار با آنان ممنوع شده است.

و لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

پیامبر (ص) (اندک دیدن نفرات سپاه کفر) عامل وحدت کلمه مسلمانان در ضرورت پیکار با سپاه کفر و حضور رشیدانه آنان در جنگ بدر

إذ يريكهم الله في منامك قليلا و لو أريكهم كثيرا لفشلتم و لتنزعتم

جنگ با کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۴

۴ متلاشی ساختن جبهه کافران محارب و پراکنده ساختن آنان ، تکلیفی بر عهده اهل ایمان

فإما تتقنهم في الحرب فشردهم

جنگ با کافران معاهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۰، ۶

۶ لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و اعلان جنگ به معاهدان کافر ، در صورت شکسته شدن پیمان از سوی آنان ، بلامانع است .

و إن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم .. فقتلوا

۱۰ طعن و توهین به اسلام از سوی کفار معاهد ، لغو اعتبار پیمان صلح و اعلان نبرد با آن را ، مجاز می کند .

و إن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقتلوا

جنگ با محاربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۴

۴ جنگیدن با کفار محارب ، پس از گرویدن آنان به اسلام ، ممنوع است .

فإن تابوا .. فإخونکم فی الدین

جمله <فإخونكم في الدين> اشاره به این معنا دارد که: کفار محارب با گرویدن به اسلام، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از آن پس، جنگیدن با آنان حرام است.

جنگ با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۹ - ۲،۳

۲ رباخواران در موضع جنگ با خداوند و پیامبر (ص)

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله ورسوله

۳ رباخواران ، محاربان با خداوند و رسول (ص)

فان لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۵، ۹، ۸، ۴، ۶

۴ گناه محاربه با پیامبر (ص) ، همسان با گناه محاربه با خدا .

انما جزؤا الذين يحاربون الله ورسوله

۶ فسادگری در زمین ، گناهی برابر با گناه محاربه با خدا و رسول *

انما جزؤا الذين يحاربون الله ورسوله و يسعون في الارض فساداً

جزای مساوی برای محاربان و مفسدان، حکایت از برابری گناه آنان دارد. گفتنی است که برداشت فوق مبتنی بر این است که مفسدان، عنوانی مستقل از محاربان نسبت به کیفرهای چهارگانه باشد.

۸ تلاش برای فساد و تباهی جامعه ایمانی ، ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) است .

انما جزؤا الذين يحاربون الله ورسوله و يسعون في الارض فساداً

برداشت فوق بر این مبناست که <واو> در <و يسعون> تفسیریه باشد. یعنی فسادگری در جامعه ایمانی، مصداقی از محاربه با خدا و رسول است.

۹ محاربان با خدا و رسول (ص) به دلیل فسادگری در زمین محکوم به کیفری سنگین

انما جزؤا الذين يحاربون الله ورسوله و يسعون في الارض فساداً ان يقتلوا

بنابر اینکه <يسعون في الارض> عطف تفسیری برای <الذين يحاربون> باشد، می توان گفت داعی بر تفسیر محاربان به

فسادگران در زمین، بیان علت کیفی است

که برای آنان ذکر شده است.

۱۵ عذاب بزرگ اخروی پیامد و کیفر ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) و فسادگری در زمین

و لهم فی الاخره عذاب عظیم

۱۸ هشدار خداوند به یهود نسبت به فرجام شوم ستیزه جویی با پیامبر (ص) و فسادانگیزی در زمین

من اجل ذلك كتبنا علی بنی اسرائیل . . . انما جزؤا الذین یحاربون

چون در آیه پیش روی سخن با بنی اسرائیل بود، این آیه می تواند تعریض به اهداف و اعمال آنان در برابر پیامبر(ص) داشته باشد.

۱۹ گرفتن مال مردم به زور ، همراه با زدن آنان در کشور اسلامی ، محاربه با خدا و رسول است .

انما جزؤا الذین یحاربون الله

از امام صادق(ع) درباره کسانی که در کشور اسلامی با زدن مردم به غارت اموالشان پردازند، روایت شده: هولاء من اهل هذه الایه <انما جزؤا الذین . . . >

کافی، ج ۷، ص ۲۴۵، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۳.

۲۰ سلاح بر گرفتن و ایجاد ناامنی در راه ها همراه با قتل ، محاربه با خدا و رسول و کیفر آن اعدام است .

انما جزؤا الذین یحاربون الله . . . ان یقتلوا

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ از سؤال حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . . . و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس امر بقتلهم . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ خداوند فراخوان محاربان و مفسدان به دست شستن از فسادگری و ستیزه جویی با خدا و رسول (ص)

الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان اگر ایمان آورند ، حتی در صورتی که علیه پیامبر (ص) جنگیده باشند ، مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند شد .

إن یعلم الله .. یغفر لکم

جنگ با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۴

۱۴ کافرانی که با مسلمانان پیمان عدم تعرض دارند ، هر چند به انگیزه مبارزه با اسلام به غیر مهاجران هجوم برند ، مهاجران و انصار موظف به یاری آنان نیستند .

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

مراد از میثاق به قرینه مقام، پیمان عدم تعرض و متارکه جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۳

۱۳ جنگ با اسلام و مسلمین ، جنگ با خداست .

و اعلّموا أنکم غیر معجزی الله و أن الله مخزی الکفرین

قرار داده شدن مشرکان در برابر خدا با اینکه آنان با اسلام و مسلمین مبارزه می کردند نشانگر این حقیقت است که: نبرد با اسلام و اسلامگرایان، جنگ با خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۸

۸ مشرکان صدر اسلام ، آغازگر جنگ با مسلمانان

و هم بدءوکم أول مرّه

جلد - نام سوره - سوره -

۴ حمایت نکردن از مسلمانانی که برای دینشان مورد هجوم کافران هستند ، موجب فتنه و فساد بزرگ خواهد شد .

فعلیکم النصر .. إلا تفعلوه تکن فتنه فی الأرض و فساد کبیر

جنگ با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، جنگ دفاعی بود نه ابتدایی .

و أولئک هم المعتدون

از این آیه شریفه و آیات پیش استفاده می شود که: خداوند به منظور دفاع از حقوق مسلمانان و کوتاه شدن دست دشمن از تجاوز به حقوق ایشان، معاهده صلح با مشرکان را لغو و مسلمانان را به جنگ و نبرد با آنان فراخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۱

۱ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، به منظور نجات آنان از آیین شرک و بازگشت به توحید و اسلام ، بود .

فإن تابوا و اقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

برداشت فوق از تفریح جمله <إن تابوا .. > بر الغای صلحنامه و اعلام جنگ با مشرکان پیمان شکن (کیف یكون للمشرکین عهد ...) استفاده می شود. قابل ذکر است که <توبه> (مصدر تابوا) به معنای بازگشتن است ، یعنی، اگر مشرکان به اسلام و توحید باز گردند و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱،۱۲

۱ تشویق و تشجیع مسلمانان صدر اسلام به جنگ با مشرکان

پیمان شکن و توطئه گر علیه پیامبر (ص)

أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَنَهُمْ وَ هَمَّوْا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ

۱۲ مسلمانان صدر اسلام ، از نبرد با شرک پیشگان پیمان شکن ، در هراس بودند .

أتخسونهم

جنگ با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۶

۶ خداوند خواهان رویارویی مسلمانان با سپاه مسلح قریش و مشرکان مکه

تودون أن . . . و یرید الله أن یحق الحق بکلمته

از مقابله دو جمله <تودون . . . > و <یرید الله . . . > به دست می آید که اراده خداوند بر خلاف خواسته مسلمانان در انتخاب یکی از دو گروه (کاروان تجاری و سپاه مسلح مشرکان) بوده است.

جنگ با منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۴

۴ مؤمنان صدر اسلام در انتظار دستور الهی ، برای جنگ با منافقان و از میان برداشتن جریان نفاق

و نحن نتربص بکم . . . بعذاب من عنده أو بأیدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۳، ۱۲

۱۲ هشدار و تهدید خداوند به مسلمانان ، در مورد تعرض به کافران و منافقانی که پیکار با آنان ممنوع شده است .

و لو شاء الله لسلطهم علیکم فلقاتلوکم

۱۳ حرمت تعرض و نبرد با منافقان و دشمنانی که از نبرد با مسلمانان دست برداشته و خواهان صلح می باشند .

فان اعتزلوكم فلم يقتلوكم و القوا اليكم السلم فما جعل الله لكم عليهم سيلا

جنگ با موهنان به دین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۹

۹ مسلمانان صدر اسلام ، موظف بودند در صورت مشاهده طعن و توهین به دین الهی از سوی معاهدان مشرک ، با ایشان به پیکار برخیزند .

و إن نکثوا أیمنهم ... و طعنوا فی دینکم فقتلوا أئمه الکفر

جنگ با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۴، ۱۳

۱۳ رویارویی و نبرد با اهل ایمان ، ظلم است و محاربان با اهل ایمان ، ظالم هستند .

لیقطع طرفاً من الذین کفروا ... فانهم ظالمون

۱۴ دشمنان محارب با اهل ایمان ، مستحقّ عذاب الهی

او یعدّ بهم فانهم ظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۵

۵ لشکرکشی برای رویارویی با اهل ایمان ، عملی پسندیده در نظر شیطان زده کفرپیشگان مکه

إذ زین لهم الشیطن أعملهم

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <أعملهم> ، به قرینه آیات قبل و فرازهای بعد، لشکرکشی کافران مکه برای حضور در جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ کافران بر اثر فقدان درک معارف الهی و ایمان نداشتن به حقایق دینی ، مردمی ناتوان در پیکار با اهل ایمان

بأنهم قوم لا يفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - اطمینان بخشی خدا به مؤمنان درباره ناتوانی منافقان و کافران از رویارویی مستقیم با آنان

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قرّی محصّنه

ضمایر فاعل < یقاتلون > به منافقان و

کافران (یهود) که در آیات قبل مورد اشاره قرار گرفته اند باز می گردند و <جمعاً> نظر به اجتماع این دو گروه دارد.

۲ - کافران (یهود) ، پس از غزوه بنی نضیر ، ناتوان از مقابله رویارو در میدان نبرد با مؤمنان *

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قرّی محصّنه

این آیات، پس از آیات غزوه بنی نضیر، آمده است؛ از این رو می تواند ناظر به برنامه های آینده یهود باشد هر چند آنان در گذشته نیز قدرت رویارویی مستقیم نداشته اند. روشن است که در این احتمال، ضمیر فاعل <یقاتلون> تنها به یهودیان بازگردد؛ نه آنان و منافقان (چنان که در برداشت قبل آمده است).

جنگ با ناقضان معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱

۱ تشویق و تشجیع مسلمانان صدر اسلام به جنگ با مشرکان پیمان شکن و توطئه گر علیه پیامبر (ص)

ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم و همّوا بإخراج الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۷

۷ جنگ با دشمنان پیمان شکن و دعوت آنان به توبه و بازگشت به دامن اسلام ، دستوری برخاسته از علم و حکمت خداوند

قتلوهم .. و يتوب الله على من يشاء و الله علیم حکیم

جنگ جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۶

۶ شرکت جالوت در صف مقدم لشکریان خود *

و لما برزوا الجالوت و جنوده

تقدیم ذکری <جالوت> نشانه این است که مؤمنان اول با او روبرو شدند

و سپس با لشکریانش؛ و لازمه آن، در صف مقدم بودن جالوت است.

جنگ جهانی در آخر الزمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۹ - ۱

۱- خداوند در آستانه قیامت، مردم را به حال خود رها خواهد کرد و آنان با یورش های سیل آسا به هم، به جنگی جهانی مبتلا خواهند شد.

و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

<ترکنا> عطف بر <جعله دگاء> است. بنابراین، مضمون <و ترکنا> نیز مربوط به حوادث قبل از قیامت است و <یومئذ> نیز بر این مبنا، روزهای نزدیک به قیامت خواهد بود. ضمیر <بعضهم> به مرجعی معنوی، مانند <الناس> باز می گردد و مراد از <یموج فی بعض> داخل شدن برخی بر برخی دیگر است که شاید اشاره به هجوم و تجاوزگری گروهی از انسان ها به گروهی دیگر باشد.

جنگ حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۱،۳،۴

۱ - حرمت جنگ در ماه های حرام

الشهر الحرام بالشهر الحرام

ماههای حرام از آن جهت به حرام بودن توصیف شده اند که برخی از اموری که در غیر آنها حلال است، در این ماهها حرام است؛ از جمله آن امور - به قرینه آیات گذشته - جنگ می باشد. ماههای حرام عبارت است از: رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و محرم.

۳ - کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند.

الشهر الحرام بالشهر الحرام

۴ - ضرورت دفاع از کیان اسلام و مسلمانان، حکمی مهمتر از حفظ

احترام ماه های حرام و حرام بودن جنگ در آن ماهها

الشهر الحرام بالشهر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۳، ۱۲

۱۲ هشدار و تهدید خداوند به مسلمانان ، در مورد تعرض به کافران و منافقانی که پیکار با آنان ممنوع شده است .

و لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم

۱۳ حرمت تعرض و نبرد با منافقان و دشمنانی که از نبرد با مسلمانان دست برداشته و خواهان صلح می باشند .

فان اعتزلوكم فلم يقتلوكم والقوا اليكم السلم فما جعل الله لكم عليهم سييلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۳

۳ جنگ ، سلب کردن امنیت دشمن و ممانعت از سیر و سیاحت آنان در ماه های حرام ، ممنوع است .

فاذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۴

۴ جنگیدن با کفار محارب ، پس از گرویدن آنان به اسلام ، ممنوع است .

فإن تابوا .. فإخونكم في الدين

جمله <فإخونكم في الدين> اشاره به این معنا دارد که: کفار محارب با گرویدن به اسلام، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از آن پس، جنگیدن با آنان حرام است.

جنگ در راه طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ جنگ های کافران ، در راه طاغوت است .

و الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ

۴ نبرد در رکاب طاغوت ها ، نشانه کفر

و الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ

۱۵ کافران پیکارگر در جبهه طاعوت ، ضعیف و ناتوان

و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاعوت . . انّ کید الشّیطان کان ضعیفاً

جنگ در ماه های حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۱، ۱۰، ۹

۹ در نظر خداوند ، جلوگیری از راه خدا و کفر به او ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبير و صدّ عن سبیل اللّٰه و کفر به . . اکبر

بنابراینکه <صد عن سبیل اللّٰه>، مبتدا و <اکبر>، خبر آن باشد.

۱۰ در نظر خداوند ، جلوگیری از ورود به مسجدالحرام ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبير و صدّ عن سبیل اللّٰه . . و المسجدالحرام .

بنابراینکه <و المسجدالحرام>، عطف بر <سبیل اللّٰه> باشد و <صدّ>، مبتدا و <اکبر>، خبر آن باشد. یعنی: <و صدّ عن

سبیل اللّٰه و صدّ عن المسجدالحرام ... اکبر>

۱۱ در نظر خداوند ، بیرون راندن و آواره ساختن ساکنان مکه ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه اکبر . . و اخراج اهله منه اکبر

۱۶ اقدام برخی از مسلمین (عبداللّٰه بن جحش و همراهان او) به جنگ با کفار مکه در ماه حرام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبير

در شأن نزول آیه آمده که عبداللّٰه بن جحش و همراهان او در ماه رجب به گروهی از کفار که دارای

مال التجاره بودند، حمله بردند و آنان را کشته و یا اسیر کردند. (مجمع البيان و دیگر تفاسیر).

۱۸ جنگ در ماه های حرام ، موجب بازداشتن مردمان از راه خداوند و بازداری آنان از مسجدالحرام و کفر به خداست .

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و كفر به و

بنابراینکه <و صدّ عن سبيل الله>، عطف بر <كبير> باشد: یعنی قتال فيه، صدّ عن سبيل الله و كفر به.

۱۹ گناه فتنه انگیزی ، بزرگتر از آدم کشی در ماه های حرام است .

قل قتال فيه كبير . . . و الفتنه اكبر من القتل

الف و لام در <القتل>، عهد است / یعنی قتل در ماههای حرام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۱۰

۱۰ آمرزش گناه مجاهدانی از صدر اسلام که در ماه حرام با کفار جنگیدند . (عبدالله بن جحش و همراهان او)

ان الذين امنوا و الذين هاجروا

به دلیل شأن نزول، از مصادیق اولی آیه، عبدالله بن جحش و یاران او هستند که پس از هجرت از مدینه به سوی نخله، با دشمن درگیر شدند و آنان را کشتند و یا اسیر کردند.

جنگ در ماههای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۳

۳ جنگ ، سلب کردن امنیت دشمن و ممانعت از سیر و سیاحت آنان در ماه های حرام ، ممنوع است .

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹

۹ شکستن حرمت ماه های حرام (پرداختن به جنگ در آن) ، ظلم به خویش و جامعه بشری است .

فلا تظلموا فیهن أنفسکم

جنگ در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۵، ۱۳، ۱۲

۱۲ - نبرد در مسجد الحرام و نواحی آن حرام است .

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام

۱۳ - در صورتی که دشمنان دین در مسجد الحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقتلوهم فیه فان قتلوهم فاقتلوهم

۱۵ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز کشتن و نبرد با آنها در مسجد الحرام و نواحی آن نیست .

و الفتنه أشد من القتل و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقتلوهم

جمله <و الفتنه...> بیان می دارد که کافران فتنه انگیز همانند کافران محارب هستند و لذا باید با آنان نبرد کرد. به نظر می رسد جمله <و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام...> به منزله استثنا از این قانون باشد یعنی، فتنه انگیزی کافران، مجوز جنگ در مسجد الحرام نیست.

جنگ دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، جنگ دفاعی بود نه ابتدایی .

و أولئك هم المعتدون

از این آیه شریفه و آیات پیش استفاده می شود که: خداوند به منظور دفاع از حقوق مسلمانان و کوتاه شدن دست دشمن از تجاوز به حقوق ایشان، معاهده صلح با مشرکان را لغو و مسلمانان را به جنگ و نبرد با

آنان فراخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حرمت آغاز جنگ در ماه های حرام و جواز جنگ های دفاعی و مقابله به مثل در برابر هجوم مشرکان

منها أربعه حرم .. فلا تظلموا فيهن أنفسكم و قتلوا المشركين كاهه كما يقتلونكم

حرمت ماههای حرام، مقتضی ترک جنگ در آن ماههاست؛ ولی چون ممکن است دشمن این حرمت را رعایت نکند، خداوند در این صورت تکلیف حرمت را از مسلمانان برداشته و فرموده که همانند آنان، شما نیز بجنگید.

جنگ دفاعی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام، جنگ دفاعی بود نه ابتدایی.

و أولئك هم المعتدون

از این آیه شریفه و آیات پیش استفاده می شود که: خداوند به منظور دفاع از حقوق مسلمانان و کوتاه شدن دست دشمن از تجاوز به حقوق ایشان، معاهده صلح با مشرکان را لغو و مسلمانان را به جنگ و نبرد با آنان فراخواند.

جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۰

۱۰ لزوم تأثیرپذیری و استواری جامعه ایمانی در برابر جنگ روانی و دسیسه های دشمنان

اذ همت طائفتان منكم ان تفشلا و الله وليهما

جمله <و الله وليهما>، در واقع تذکری است به مؤمنان و معتقدان ولایت الهی که در هنگامه های دشوار، ولایت و حمایت الهی را فراموش نکنند و به عناصری همچون عبدالله بن ابی، که در صدد سستی آفرینی

و ایجاد دلهره در بین آنان است، گوش فراندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۵،۶

۵ - اقدام مشرکان مکه به جنگ تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) ، به دلیل ناتوانی از مقابله منطقی با آن حضرت

و لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ

۶ - روی آوری به اتهام و جنگ روانی تبلیغی ، شیوه مخالفان پیام حق

و لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ

جنگ روانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فَأَلْقُوا .. و قَالُوا بَعْرَهُ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ

جنگ روانی دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۲

۲۲ سرزنش و جنگ روانی ، حربه دشمنان دین برای جلوگیری از تلاش مسلمانان در جهت اعتلای دین خدا

و لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ

جنگ رومیان با ایرانیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲ - ۱

۱ - شکست رومیان (دولت بیزانس) در نبرد با ایرانیان در عصر بعثت

غلبت الروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳ - ۱،۲،۳

۱ - نبرد میان ایران و روم ، در نزدیکی منطقه حجاز (نواحی شام) بوده است .

غلبت الروم فی أدنی الأرض

جبهه درگیر با رومیان مسیحی، به قول تاریخ نویسان، مجوسیان ایران بوده اند. الف و لام در <الأرض> برای عهد است و به قرینه <الروم> به

سرزمین رومیان اشاره دارد. ذکر <أدنی الأرض> و اهتمام به تعیین مکان نبرد، این احتمال را تقویت می کند که مراد از <أدنی الأرض> نزدیک ترین بخش روم به سرزمین عرب (حجاز) باشد.

۲ - پیشگویی قرآن ، درباره پیروزی قریب الوقوع رومیان شکست خورده بر ایرانیان پیروز

و هم من بعد غلبهم سیغلبون

۳ - پیروزی روم بر ایران ، پس از شکست ، امری به دور از انتظار

و هم من بعد غلبهم سیغلبون

آوردن <من بعد غلبهم> با این که در آیه قبل تصریح به شکست رومیان شده است، می تواند ناظر به این نکته باشد که پیروزی آنان پس از شکست، برای مردم مکه، غیرمنتظره بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۱،۴،۵

۱ - پیشگویی قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان فاتح ، در خلال زمانی اندک (سه تا ده سال)

فی بضع سنین

کلمه <بضع> بر عددی اطلاق می شود که از سه بالاتر و از ده کمتر باشد (لسان العرب).

۴ - پیروزی رومیان شکست خورده ، پس از زمانی کوتاه ، جلوه ای از حاکمیت اراده خداوند بر تمامی رخدادهای تاریخ است .

غلبت الروم . . . لله الأمر

بیان اختصاص همه امور به خداوند، پس از ذکر پیشگویی پیروزی رومیان، نوعی تعلیل برای پیروزی غیر مترقبه آنان است.

۵ - قرآن از برانگیخته شدن احساسات شادمانه مؤمنان صدر اسلام در روز پیروزی رومیان بر ایرانیان ، خبر داده است .

و هم من بعد غلبهم سیغلبون . . . و یومئذ یفرح المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم -

۲ - برخورداری رومیان از امداد های الهی در نبرد پیروزمند خویش با ایرانیان ، مایه سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله

<بنصر الله> می تواند متعلق به <یفرح> در آیه قبل باشد، یعنی، مؤمنان به سبب این که پیروزی رومیان به امدادهای خداوند است، شادمان می شوند.

جنگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۳

۳ جنگ های کافران ، در راه طاغوت است .

و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت

جنگ مسلمانان با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر (ص) را از وقوع نبردی میان مسلمانان و یهودیان پیمان شکن ، پیش از واقع شدنش ، آگاه ساخت .

فشردهم من خلفهم

<ثقف> مصدر <ثقفن> به معنای دستیابی و تسلط پیدا کردن است. <إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زاید است. تأکید جمله شرطیه با نون تأکید ثقلیه و <ما>ی زایده حکایت از آن دارد که شرط، یعنی وقوع جنگ و تسلط مسلمانان بر یهودیان، تحقق خواهد یافت. بنابراین معنای جمله شرط چنین خواهد بود: اگر نبردی با یهودیان رخ داد و بر آنان مسلط شدی، که البته چنین خواهد شد ...

جنگ مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، به منظور نجات آنان از آیین شرک و بازگشت به توحید

و اسلام ، بود .

فإن تابوا و اقاموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

برداشت فوق از تفریح جمله <إن تابوا .. > بر الغای صلحنامه و اعلام جنگ با مشرکان پیمان شکن (کیف یکون للمشرکین عهد ...) استفاده می شود. قابل ذکر است که <توبه> (مصدر تابوا) به معنای بازگشتن است ؛ یعنی، اگر مشرکان به اسلام و توحید بازگردند و

جنگ ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۳

۳ جنگ های کافران ، در راه طاغوت است .

و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت

جنگ یهود با مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۷

۷- وجود برخورد های پراکنده و انفرادی ، میان یهودیان تبعیدی و مسلمانان *

لا یقتلونکم جمیعاً إلا فی قرى محصنه

ذکر واژه <جمیعاً>، می تواند از آن جهت باشد که یهودیان اخراجی از مدینه، فقط در نبردهای جمعی از برخورد مستقیم با مسلمانان پرهیز می کردند؛ ولی ممکن است آنان برخوردهای انفرادی مستقیم داشته باشند.

حرمت جنگ در ماههای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۲

۲ - جواز جنگ در ماه های حرام در صورت تجاوز دشمنان در آن ماهها

<باء> در <بالشهر> بای مقابله یا عوض است و مقصود از این مقابله - به قرینه فرازهای بعد و با توجه به آیه های پیشین که درباره جنگ بود - این معناست: اگر دشمن با جنگ علیه شما حرمت ماههای حرام را نقض کرد، شما

نیز می توانید حرمت این ماهها را نادیده گرفته و علیه آنان به مبارزه برخیزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ حرمت آغاز جنگ در ماه های حرام و جواز جنگ های دفاعی و مقابله به مثل در برابر هجوم مشرکان

منها أربعه حرم .. فلا تظلموا فيهن أنفسكم و قتلوا المشركين كراهة كما يقتلونكم

حرمت ماههای حرام، مقتضی ترک جنگ در آن ماههاست؛ ولی چون ممکن است دشمن این حرمت را رعایت نکند، خداوند در این صورت تکلیف حرمت را از مسلمانان برداشته و فرموده که همانند آنان، شما نیز بجنگید.

حقوق دشمنان در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۴۸

۴ - ضرورت رعایت حقوق دشمنان حتی در جنگ با آنان

و قتلوا في سبيل الله الذين يقتلونكم ولا تعتدوا

۸ - مجاهدان، در صورتی که از حدود الهی در جنگ تجاوز کنند و یا حقوق دشمنان را رعایت ننمایند، از محبت خداوند محروم خواهند شد.

إن الله لا يحب المعتدين

خطر جنگ در دوران داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۷

۷- مردمی که با داوود (ع) زندگی می کردند، در معرض هجوم نظامی دشمن قرار داشتند.

داود .. و علمنه صنعه لبوس لكم لتحصنكم من بأسكم

آیه شریفه در مقام امتنان بر مردمی است که با داوود(ع) زندگی می کردند؛ زیرا مخاطب <کم> در این آیه آنان هستند. این

امتنان آن گاه صحیح است که آنان در معرض

هجوم دشمن و مبتلا شدن به خطرات آن باشند.

خودسازی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۱

۱۱ لزوم خودسازی ، پیش از نبرد با کفار

و اقيموا الصلوه و اتوا الزكوه فلما كتب عليهم القتال

دعوت به جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ یوشع و کالب ، در عین ترس از دشمن ، مردم را برای یورش به سرزمین مقدس فرا خواندند .

قال رجلان من الذين يخافون

برداشت فوق مبنی بر این است که مفعول محذوف <یخافون> ، <جبارین > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۱۱

۱۱ رنج و اندوه پیامبر (ص) از مشکلات مسلمانان ، در عین فراخوانی آنان به جنگ با دشمنان و تحمل سختی های نبرد

رسول من أنفسكم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

با توجه به اینکه در آیات قبل ، سخن از جنگ تبوک و مشکلات توان فرسای آن بود و پیامبر(ص) مؤمنان را به شرکت در آن

فرمان داده بود ، یادآوری خصلتهای پیامبر(ص) در پایان این بخش ، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

دعوت به جنگ سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - دعوت خداوند از متخلفان سفر حدیبیه ، برای شرکت در جنگی دشوار به منظور جبران گذشته خود

قل للمخلفین . . . ستدعون إلی قوم بأس شدید

ذکر خدا در جنگ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۱

۱ مجاهدان در میدان نبرد باید همواره به یاد خدا باشند .

فاذا قضيت الصلوه فاذكروا الله قيماً و قعوداً و على جنوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۲،۳

۲ لزوم زیاد یاد کردن خدا به هنگام رویارویی با دشمنان دین و نبرد با آنان

إذا لقيتم فئة فاثبتوا و اذكروا الله كثيرا

<اذكروا الله> می تواند عطف بر <اثبتوا> باشد که در حقیقت جواب شرط <إذا لقيتم> خواهد بود. بر این مبنا مقصود، زیاد یاد کردن خدا به هنگام نبرد است. همچنین <اذكروا ...> می تواند جمله مستانفه باشد. در این صورت زیاد یاد کردن خدا برنامه ای است برای تمامی مراحل زندگی که از مصادیق آن هنگام رویارویی با دشمنان است.

۳ پایداری اهل ایمان در صحنه های پیکار همراه با یاد مداوم خدا، زمینه ساز پیروزی آنان بر دشمنان دین

فاثبتوا و اذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون

<لعلكم> علاوه بر اینکه متعلق بر <اذكروا الله> است، می تواند متعلق به <فاثبتوا> نیز باشد. در این صورت مراد از <فلاح>، پیروزی در جنگ است.

رعايت مصالح در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۴

۱۴ اسیر گرفتن از دشمن قبل از سرکوبی کامل آنان، زمینه ساز شکست و خلاف حکمت و مصلحت

ما كان لنبى . . . و الله عزيز حكيم

تذکر به عزت و حکمت خداوند پس از نهی وی از اسیر گرفتن قبل از تحکیم موقعیت، اشاره به این حقیقت دارد که

تخلف از آن نهی خلاف مصلحت و زمینه ساز شکست می باشد.

روش مقابله با جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - ایجاد امید در دل جامعه و بی تأثیر جلوه دادن تبلیغات بدخواهان و ضعیف نشان دادن آنان ، شیوه ای مؤثر در جنگ روانی

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

برداشت فوق از آنجاست که آیه شریفه درصدد افشاگری و خنثی سازی توطئه دشمنان و بدخواهان و نیز دلداری به مؤمنان است.

زمینه پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۷، ۱۳

۱۳ رهنمود ها و دستورات الهی در زمینه مسائل جنگ ، حکیمانه و به کارگیری آنها زمینه ساز پیروزی است .

ما کان لنبی . . . و الله عزیز حکیم

۱۷ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق ، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است .

و الله عزیز حکیم

زمینه جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ - دنیاطلبی ، از ریشه های بروز جنگ ها و درگیری های خونین میان گروه های معتقد به آیین الهی است .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسكم .. أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ روابط نامشروع اقتصادى ، زمينه بروز خونريزى و جنگ هاى داخلى

لا تاكلوا

اموالکم بینکم بالباطل .. و لا تقتلوا انفسکم

عطف جمله <لا تقتلوا> بر جمله <لا تاكلوا>، می تواند بیانگر ترتب قتل و خونریزی بر تصرفات نامشروع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۵۸

۵ گروه گروه شدن، زمینه درگیری و خونریزی و نشانه عذاب الهی است.

أو یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم بأس بعض

۸ شرک زمینه ساز نزول عذابهای گوناگون و پیدایش جنگ و اختلاف در جامعه

ثم أنتم تشرکون. قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا

زمینه شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۴

۱۴ اسیر گرفتن از دشمن قبل از سرکوبی کامل آنان، زمینه ساز شکست و خلاف حکمت و مصلحت

ما کان لنبی .. و الله عزیز حکیم

تذکر به عزت و حکمت خداوند پس از نهی وی از اسیر گرفتن قبل از تحکیم موقعیت، اشاره به این حقیقت دارد که تخلف از آن نهی خلاف مصلحت و زمینه ساز شکست می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۵،۶

۵ گرفتن اسیر در جنگ بدر مقتضی شکست مسلمانان در آن نبرد

لو لا کتب من الله سبق لمسکم فیما أخذتم عذاب عظیم

برخی برآنند که مراد از <عذاب عظیم> شکست از دشمن در کارزار بدر است و مقصود از <کتب من الله .. > وعده پیروزی است که خداوند پیش از وقوع جنگ بدر مسلمانان را به آن بشارت داد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: اگر وعده

الهی به پیروزی شما (رزمندگان بدر) نبود، به سبب گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن به شکست سختی گرفتار می شدید. (برگرفته شده از روح المعانی).

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، مانع شکست مسلمانان، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لولا کتب... عذاب عظیم

زمینه صبر در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۹

۹ باور به همراهی خدا با مجاهدان صابر، زمینه ساز تحمل سختی های نبرد و صبر در برابر ناملازمات آن

و اصبروا إن الله مع الصبرین

زیانهای جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۲

۲ - پی آمد های شوم جنگ برای مردم و حکومت، دلیل تمایل بلقیس به روش های مسالمت آمیز

قالت إن الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها

زیرکی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۲، ۱۰، ۹

۹ وجوب همراه داشتن سلاح و حفظ هوشیاری و احتیاط، به هنگام ادای نماز خوف

و لیأخذوا اسلحتهم... و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

ظاهراً مراد از ضمیر در <لیأخذوا> همان کسانی هستند که به نماز ایستاده اند، نه آن گروهی که مشغول پاسداری هستند.

۱۰ لزوم احتیاط و هوشیاری بیشتر مجاهدان ، به هنگام تعویض و جابجایی در نماز خوف *

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم

تصریح به لزوم هوشیاری در مورد دسته دوم (و لیأخذوا حذرهم)، بیانگر ضرورت احتیاط

اط بیشتر در تعویض و جابجایی دارد.

۱۲ برابری نقش هوشیاری و آمادگی های لازم نظامی در جنگ ، با سلاح و تجهیزات

و لیاخذوا حذرهم و اسلحتهم

مراد از <حذر> احتراز از دشمن است که از آن به هوشیاری نظامی تعبیر شده است. و چون هوشیاری در برابر دشمن را در کنار آمادگی تسلیحاتی آورده و هر دو را با کلمه <اخذ> (گرفتن) تعبیر کرده، دلالت بر کارسازی یکسان آنها دارد؛ بلکه تقدم <حذر> می تواند حاکی از اهمیت بیشتر آن باشد.

۲۴ کسانی که در نماز خوف مجاز به زمین گذاشتن سلاح خویش هستند ، باید همچنان هوشیار و مراقب باشند .

و لاجناح علیکم .. ان تضعوا اسلحتکم و خذوا حذرکم

سازماندهی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۳

۳ بازسازی مجدد سپاه اسلام توسط پیامبر (ص) ، پس از پراکندگی و شکست در جنگ احد

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ

سختی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۴

۱۴ یادآوری گمراهی مؤمنان پیش از بعثت و هدایتشان در پرتو تعالیم پیامبر (ص) ، عامل تقویت اراده آنان در تحمّل

دشواری های مولود جنگ

اذ تصعدون و لا تلون .. و لئن قتلتم فی سبیل الله ... لقد منّ الله علی المؤمنی

با توجه به ارتباط این آیه و آیات مربوط به جنگ احد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢-٣-٤-٤-٧٢-٥٤

٤

دور ماندن از مصائب جنگ ، نعمتی الهی در بینش سست عنصران متخلف از جهاد

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

۵ نعمت شمردن دوری از مصائب و مشکلات جنگ ، بینشی ناپسند

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۴،۱۶

۴ سختی ها و رنج های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب سستی در پیکار با آنان شود .

و لاتهنوا .. ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون

۱۶ دشواری ها و سختی های پیش آمده برای اهل ایمان به هنگام نبرد با دشمنان ، دارای حکمت و مصلحت

ان تکونوا تألمون .. و کان الله علیماً حکیماً

توصیف خداوند به <حکیم>، پس از بیان علم خداوند به دردها و مصیبت های اهل ایمان، برای رساندن این معناست که این رنجها و گرفتاریها دارای حکمت و مصلحت است و لذا از آن جلوگیری نمی کند، نه اینکه از دید خداوند مخفی باشد.

سختی ها جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۲

۱۲ سستی و هراس در هنگامه های دشوار (همانند جنگ) و تصمیم به نافرمانی از پیامبر (ص) ، به تنهایی ، موجب خروج از ولایت و حمایت الهی نیست .

اذ همّت .. و الله ولیّهما

جمله <و الله ولیّهما>، در عین اعتراض به گروههایی که قصد انحراف از جنگ و نافرمانی از رسول خدا (ص) را داشتند، بیانگر

این است که این تصمیمشان، باعث نشد که ولایت الهی از آنان منقطع شود.

سختیهای جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۵،۱۰

۵ مقاومت و صبر پیروان انبیای گذشته در برابر سختی های جنگ و مشکلات

ام حسبتم .. مستهم البأساء والضراء

درخواست نصرت الهی از جانب پیامبران و مؤمنان پس از آزار جنگ و مصائب و مشکلات، بیانگر مقاومت آنان است.

۱۰ ایمان و امید پیامبران و مؤمنان به نصرت الهی و امداد های غیبی ، به هنگام مواجهه با مصائب و مشکلات جنگ

حتى يقول الرسول و الذين امنوا معه متي نصر الله

جمله <متی نصر الله> که سؤال از وقت یاری خداست، بیانگر این معناست که آنان به اصل یاری خدا به هنگام رویارویی با دشمنان، ایمان داشتند و به آن دل بسته بودند.

شایعه در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۸

۸ کارآمد نبودن تبلیغات سوء و جنگ روانی ، در بازداشتن مؤمنان از شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ ... فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلِ

زیرا در عین تبلیغات سوء دشمن، مؤمنان برای شرکت در نبرد حرکت کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۲

۲ شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند ، شیطانند .

قال لهم النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ . . . إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ

بنابر اینکه <ذلکم>، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را

از جنگ می ترساندند.

شجاعت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ لزوم استواری در برابر جنگ روانی دشمنان و نهراسیدن از استهزای آنان

و لقد استهزىء برسل من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

شرایط جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۲۲

۲۲ جنگیدن بدون توان و آمادگی برای پایداری ، در حکم خودکشی است .

و لا تقتلوا انفسکم

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: لا تخاطروا بنفوسکم فی القتال فتقاتلون من لا تطیقونه.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۸۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۲۰۰؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ جنگ اهل ایمان و نیز صلح آنان ، همواره باید بر اساس موازین تعیین شده از سوی خداوند صورت گیرد .

فان اعتزلوکم .. فما جعل الله لکم علیهم سبیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ جنگ و صلح مؤمنان ، همواره باید بر اساس موازین تعیین شده از سوی خداوند صورت گیرد .

و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۳

۳ سفرها و مأموریت های جنگی مؤمنان ، باید همراه با تحقیق و تأمل کافی در همه امور مربوط به جنگ باشد . *

یا ایها الذین امنوا اذا

ضربتم فی سبیل اللّٰه فتبّینوا

به نظر می رسد متعلق حذف شده از <تبّینوا>، تمام اموری است که در رابطه با جنگ مطرح می باشد و تمیز کافر از مؤمن، اشاره به مصداقی است که باید مدّ نظر باشد و مورد تبیین قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۲

۲ لزوم دادن فرصت مناسب به دشمنان پیمان شکن ، برای توبه و بازگشت به دامن اسلام ، پیش از جنگ با آنان

براءه من اللّٰه و رسوله .. فسیحوا فی الارض أربعه أشهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۳

۳ لزوم توجه به کیفیت نیرو های رزمی و نه صرفاً توجه به کمیت آنان

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

شرایط جنگ در ماههای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۲

۲ - جواز جنگ در ماه های حرام در صورت تجاوز دشمنان در آن ماهها

الشهر الحرام بالشهر الحرام

<باء> در <بالشهر> بای مقابله یا عوض است و مقصود از این مقابله - به قرینه فرازهای بعد و با توجه به آیه های پیشین که درباره جنگ بود - این معناست: اگر دشمن با جنگ علیه شما حرمت ماههای حرام را نقض کرد، شما نیز می توانید حرمت این ماهها را نادیده گرفته و علیه آنان به مبارزه برخیزید.

شروع جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۶

۶ - مسلمانان نباید آغازگر جنگ علیه

دشمنان خویش باشند . *

و قتلوا فی سبیل اللّٰه الذّٰین یقتلونکم و لاتعتدوا

شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۳

۳ بازسازی مجدد سپاه اسلام توسط پیامبر (ص) ، پس از پراکندگی و شکست در جنگ احد

الذّٰین استجابوا للّٰه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

عدالت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۹

۹ - مسلمانان ، موظف به رعایت عدالت حتی در جنگ با دشمنان

فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم

عذاب با جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۴

۴ تقسیم شدن مردم به فرقه های مختلف و درگیری و جنگ بین آنان، از انواع عذاب الهی بر مردم است.

أو یلبسکم شیعا و ینذیق بعضکم بأس بعض

<شیع>، جمع <شیعه>، به معنی گروهها و فرقه هاست و <بأس> نیز به معنی جنگ و یا شدت جنگ است. (لسان العرب). جمله <و ینذیق...> عطف تفسیر و یا عطف سبب بر مسبب است، یعنی نتیجه گروه گروه شدن جنگ و درگیری است.

عفو خطاهای فرماندهی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ خطا و لغزش رهبر جامعه و فرماندهان نظامی ، قابل اغماض و بخشش

عفا الله عنك لم أذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا

علما و جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱۱ تحصیل کنندگان دانش دین ، معاف از شرکت در جنگ در صورت نیاز جامعه به دانش آنان و عدم نیاز جدی به حضورشان در جنگ

ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليفقهوا في الدين

عوامل پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۹

۹ فرستادن آرامش خاطر به سوی بنی اسرائیل از جانب خداوند ، به منظور استقامت و کاستن دلهره و اضطراب آنان در پیکار با دشمنان

ابعث لنا ملكاً نقاتل .. ان ياتيكم التابوت فيه سكينه

مراد از <سکینه> به مناسبت آیات قبل که درباره جهاد و نبرد با دشمنان بود، یا خصوص آرامش و رفع نگرانی و دلهره در رویارویی با متجاوزان است و یا مصداق بارز و مورد نظر از آرامش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۶،۲۷

۲۶ توجه و باور به امکان پیروزی جمعیت های کیفی هر چند کم باشند بر نیرو های عظیم کمی ، تسکین بخش رزمندگان

کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة

معتقدان به لقاء الله (الذين يظنون ..) در مقابل عده دیگر چنین گفتند: <کم من ...> تا آنان را برای مقابله با دشمن مهیا سازند و ترس و دلهره آنان را بزدایند.

۲۷ معتقدان به لقای خداوند ، پیروزی در جنگ را از جانب خداوند می دانند .

قال الذين يظنون .. غلبت فئة كثيرة باذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ صبر، ثبات قدم و نصرت الهی، از عوامل پیروزی بر دشمنان

قالوا ربنا افرغ علينا صبراً... فهزموهم باذن الله

فاء تفریع در <فهزموهم> بیانگر این است که پیروزی اهل ایمان و هزیمت جالوتیان، نتیجه مطالب گذشته (صبر، ثبات قدم و ...) بوده است.

۲ نقش دعا در پیروزی رزمندگان جبهه حق

قالوا ربنا... فهزموهم باذن الله

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فهزموهم باذن الله

۹ ضرورت ضربه زدن به قلب لشکر و فرماندهی آن، جهت دستیابی به پیروزی بر دشمن

فهزموهم باذن الله و قتل داود جالوت

بنابراینکه <واو> در <وقتل...> حالیه باشد و با الغای خصوصیت از مورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۸،۹

۸ نقش تعیین کننده برآورد نیروهای دشمن، در روحیه رزمندگان و سرنوشت جنگ

یرونهم مثلهم رأی العین

۹ بهره گیری از عملیات فریب نیرویی، عاملی مؤثر در پیروزی

یرونهم مثلهم رأی العین

برآورد نادرست مشرکان از نیروهای مسلمانان، موجب شکست آنها در جنگ بدر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ توجه به ولایت الهی و اعتقاد به یاری حتمی خداوند ، از عوامل تقویت روحیه اهل ایمان در هنگامه های دشوار و نبرد با دشمنان

بل الله مولیکم و هو خیر الناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ روحیه رزمندگان دارای تأثیری

بسزا در اقدام به جنگ و پیروزی و شکست آنان

إذ يريكم الله .. إنه عليم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۵

۱۵ پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از سرکوبی کامل دشمن ، امری حکیمانه و موجب پیروزی دشمنان دین است .

ما کان لنبی . . . و الله عزیز حکیم

توصیف خداوند به عزتمندی و کاردانی پس از تأکید بر حرمت گرفتن اسیر پیش از سرکوبی دشمن، اشاره به این دارد که این حکم، حکمی حکیمانه است و اجرای آن زمینه ساز عزتمندی و پیروزی مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۴

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۸

۸ سرنوشت ساز بودن آمادگی رزمی و مانور مسلمین بعد از جنگ احد

الذین استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرع

سازماندهی سپاه اسلام پس از مصیبت‌های وارد آمده در جنگ احد و دعوت مجدد حتی از مجروحان برای شرکت در جنگ، حکایت از سرنوشت ساز بودن این آمادگی و بسیج نیرو دارد.

عوامل جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۹،۱۶

۹ اختلافات اعتقادی میان پیروان مذاهب ، از عوامل وقوع جنگها

و لو شاء الله ما اقتتل . . . و

لکن اختلفوا

۱۶ پیروان انبیا پس از ایشان اختلاف کردند؛ برخی ایمان و بعضی کفر را برگزیدند و با یکدیگر پیکار نمودند.

من بعدهم... و لکن اختلفوا... و لو شاء الله ما اقتتلوا

عوامل سستی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۰

۲۰ ترس از هیبت سپاه دشمن، از عوامل ایجاد تردید و سستی اراده در پیکار *

قالوا لا طاقة لنا اليوم بجالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۸

۸ پیامبر (ص) در صورتی که کافران بدر را در رؤیای خویش لشکری بزرگ می دید، مسلمانان در تصمیم بر نبرد سست شده و بر سر آن اختلاف می کردند.

و لو أرىكم كثيرا لفشلتم و لتترعنم في الأمر

<في الأمر> متعلق به <لتترعنم> و نیز <فشلتم> است و <ال> در آن عهدیه و اشاره به جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱

۱ وجود ناخرسندی میان مسلمانان صدر اسلام، نسبت به لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و تردید و دودلی آنان در پیکار با مشرکان پیمان شکن

کیف و إن يظهروا عليكم

کلمه <کیف> که برای استفهام انکاری است مفید برداشت فوق است.

عوامل شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۹

۹ فِشَق ، زمينه ساز ضعف روحیه و فرار از جنگ

و اکثرهم الفسقون . . . و

إن يقتلوكم يولوكم الابدان ثم لا ينصرون

توصیف یهود به فسق و سپس بیان شکست آنان، حاکی از ارتباط این دو مسأله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۷ - ۱،۴،۵

۱ هلاکت بخشی از قوای دشمن و خوار شدن بخشی دیگر، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

و لقد نصرکم الله بیدر... ليقطع طرفاً من الذين كفروا او يکبتهم

برداشت فوق، با عنایت به ملحوظات ذیل است. یکم اینکه: <ليقطع> و <یکبتهم>، به جمله <و لقد نصرکم الله بیدر> متعلق باشد. دوم اینکه: <قطع> به معنای هلاک کردن باشد، چنانچه در روح المعانی آمده است. سوم اینکه: <او> در <او یکبتهم>، برای تنويع باشد، یعنی عده ای به هلاکت و عده ای دیگر به ذلت و خواری کشانده شدند.

۴ بازگشت ذلیلانه و ناامیدانه باقیمانده کافران، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

و لقد نصرکم الله بیدر... ليقطع... فينقلبوا خائبين

جمله <فينقلبوا...>، عطف بر <ليقطع> است بنابراین بازگشت ذلیلانه و ناامیدانه کافران، از اهداف پیروزی بدر خواهد بود و به مقتضای <فاء> تفریح، این بازگشت، نتیجه هلاکت و اسارت بخشی از کافران بوده است.

۵ هلاکت و خواری بخشهایی از قوای دشمنان دین، در جنگ بدر، عاملی در تخریب روحیه سایر نیروها

ليقطع طرفاً... فينقلبوا خائبين

<خائبين> از <خبيبه>، به معنای یأس، ناامیدی و نامرادی، حکایت از اثر روانی در باقیمانده کفار است که به مقتضای <فاء> در <فينقلبوا>، این ناامیدی، نتیجه هلاکت و اسارت گروه زیادی از دشمنان بوده است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ روحیه رزمندگان دارای تأثیری بسزا در اقدام به جنگ و پیروزی و شکست آنان

إذ يريكم الله . .. إنه عليم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۸

۸ سستی ، نزاع و تفرقه و سرپیچی از فرماندهی ، از عوامل شکست جنگجویان

حتّى اذا فشلتم و تنازعتم فى الامر و عصيتم

عوامل طبیعی و جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۸، ۱۴

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ينزل عليكم .. و يثبت به الأقدام

۱۸ استحکام اردوگاه مسلمانان و استواری گام های آنان بر شنزار محل اقامتشان ، از اهداف نزول باران در آستانه جنگ بدر

ينزل عليكم من السماء ماء ليطهركم . .. و يثبت به الأقدام

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الاقدام> گامهای مجاهدان باشد. بنابراین <و يثبت به الاقدام> یعنی هدف از نزول باران این بود که خداوند گامهای شما را استوار سازد و از لغزش و فرو رفتن در شنزارها بازدارد.

عهدشکنان جنگ افروز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۶

۶ عبرت گرفتن از سرنوشت پیمان شکنان جنگ آفرین علیه پیامبر (ص) و جامعه اسلامی ، از اهداف فرمان خداوند بر شدت مجازات آنان

فشردهم من خلفهم لعلهم یذکرون

<تذکر> (مصدر یذکرون) به معنای دریافتن و همواره

به خاطر داشتن است. جمله <لعلهم یذکرون> تعلیل برای <فشردهم> است. یعنی هدف از شدت مجازات این است که کفرپیشگان، توان مسلمین را دریابند و همواره به خاطر بسپارند تا در آینده علیه جامعه اسلامی توطئه نکنند.

غنائم جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۴

۴ مجاهدان بدر پیش از غلبه کامل بر دشمن، برای دستیابی به منافع مادی، به گرفتن اسیر اقدام کردند.

ما کان لنبی... تریدون عرض الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - سرزمین ها و خانه ها و مال های یهود بنی قریظه، در غزوه بنی قریظه، به تملک مسلمانان درآمد.

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

۲ - خداوند فراهم آورنده زمینه تملک اموال و خانه و سرزمین یهود بنی قریظه برای مسلمانان مدینه

و أورثکم أرضهم و دیرهم و أموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۹

۹ غنائم به دست آمده در جهاد های اسلامی، از روزی های پاکیزه خداوند برای مسلمانان *

و رزقکم من الطیب

غنیمت جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱،۱۱

۱ غنیمت و پیروزی در جهاد ، فضل الهی است .

خذوا حذرکم فانفروا .. و لئن اصابکم فضل من اللّٰه

مصدق مورد نظر از <فضل> در این آیه، غنیمت و پیروزی است.

۱۱ مسلمانان دنیا طلب ، به چنگ آوردن غنیمت در سایه پیروزی ظاهری

را فوز عظیم (رستگاری بزرگ) می شمردند .

و لئن اصابکم فضل من اللّٰه ليقولنَّ .. فافوز فوزاً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۴

۴ شرکت منافقان در جنگ ، تنها برای تأمین منافع شخصی و سهمی شدن در غنایم جنگی است .

الذین یتربصون بکم فإن کان لکم فتح من اللّٰه .. و نمنعکم من المؤمنین

ظاهراً مراد از جمله <الم نکن معکم> شرکت در جهاد و همراهی مسلمانان در جنگ است.

غنیمت جنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۵

۱۵ دستیابی مسلمانان پیکارگر احد بر غنائم جنگی ، به دنبال شکست ابتدایی مشرکان قریش

من معد ما اریکم ما تحبون

اگر چه مراد از <ما تحبون> پیروزی بر دشمن است، و لکن در آیه شریفه می تواند لازمه آن، یعنی غنیمت نیز مراد باشد؛ به دلیل <منکم من یرید الدنیا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۲۲، ۲۰، ۱۷، ۱۵

۱۵ اندوه و حسرت مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم جنگی و جراحاتی که در نبرد احد به آنان رسید .

فانابکم غمّاً بغمّ لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم و لا ما اصابکم

مراد از <غمّ> (غم دوّم) باید غمی ناپسند باشد؛ چرا که خداوند آن را به غم پسندیده تبدیل کرد و آن را پاداشی بر مسلمانان قرار داد و به قرینه <لکیلا ..>، آن غم ناپسند همان از دست دادن غنائم و جراحات وارد شده بر مسلمانان بوده است.

تبدیل اندوه از دادن غنائم به اندوه تمرد از فرمان پیامبر (ص) ، موهبتی الهی به رزمندگان احد

فاثابکم غمًا بغم

کلمه <اثابکم> دلالت بر این معنا دارد که این تبدیل و جایگزینی لطف و موهبتی از جانب خداوند بوده است.

۲۰ اندوه مسلمانان از شکست و از دست دادن غنائم و مبتلا شدن به مصیبت ها در کارزار احد ، تاوان اندوهی که بر دل رسول خدا (ص) گذاردند .

فاثابکم غمًا بغم

بنابر اینکه <اثاب> به معنای مجازات باشد نه پاداش، و مراد از <غمًا>، اندوه مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم و مراد از <بغم>، غمی باشد که بر رسول خدا (ص) وارد کردند. و <باء> در <بغم> به معنای سببیت گرفته شده است.

۲۲ هجوم اندوه های ناشی از نافرمانی رسول خدا (ص) و عدم موفقیت در کارزار احد ، برخاسته از اراده الهی برای به فراموشی سپردن اندوه از دست دادن غنائم و جراحات وارده بر ایشان

فاثابکم غمًا بغم لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم و لا ما اصابکم

بنابر اینکه <لکیلا> متعلق به <اثابکم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۳،۵

۳ امانتداری پیامبر (ص) در جمع آوری و تقسیم غنائم

و ما کان لنبی ان یغل

در شأن نزول آیه آمده که تیراندازان گماشته شده بر تپه احد، سنگر خویش را به این پندار رها کردند که پیامبر (ص)، غنائم را بین همه رزمندگان تقسیم نخواهد کرد و هر کس هر چه به دست آورد، از آن او خواهد شد. (مجمع البیان، ذیل آیه).

گمان باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام مبنی بر خیانت پیامبر (ص) در غنایم جنگی

و ما کان لنبی ان یغلّ

در برخی از شأن نزولهای مربوط به آیه آمده که غنیمتی از غنایم جنگی بدر مفقود شد و عده ای چنین پنداشتند که پیامبر (ص) آن را تصاحب کرده است. (مجمع البیان، ذیل آیه.) و از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: ... الم ینسبوا نبینا محمّداً (ص) ... الم ینسبوه یوم بدر الی انه اخذ لنفسه من المغنم قطیفه حمراء حتّی اظهره الله عزّ و جلّ علی القطیفه و برء نبیه من الخیانه و انزل بذالک فی کتابه <و ما کان لنبی ان یغلّ ... >.

امالی صدوق، ص ۹۲، مجلس ۲۲، ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۶

۱۶ دست یافتن مؤمنان مجاهد به منفعت مالی در غزوه بدر صغرا

فانقلبوا بنعمه من الله و فضل

بر اساس شأن نزول نقل شده در تفسیر روح المعانی، مراد از <فضل>، سودی است که مسلمانان با کسب و تجارت در غزوه بدر صغرا به دست آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۱۸، ۱۶

۱۶ برتری و فزونی غنائم و اجر و پاداش الهی، بر بهر های دنیوی و غنائم جنگی

تبتغون عرض الحیوه الدنیا فعند الله مغنم کثیره

کلمه <عند الله> اشاره به برتری پادشاهی الهی دارد.

۱۸ غنائم فراوان خداوند از آن مجاهدانی است که در راه او می جنگند و از دنیا طلبی

می پرهیزند .

إذا ضربتم في سبيل الله . . . و لا تقولوا ... فعند الله مغنم كثيره

فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰ محرومیت اهل کتاب (یهود) از یاری دیگران ، پس از فرار و شکست در پیکار با مسلمانان

و إن یقتلواکم یولواکم الادبار ثم لا ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۴

۴ نه جهاد و پایداری در راه خدا مرگ آور است و نه گریز و رویگردان از آن زندگی بخش

و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتاباً مؤجلاً

چون آیات قبل و بعد درباره جهاد و مبارزه است، این آیه اشاره دارد به نفی پندار کسانی که جنگ را عامل کشته شدن و ترک حضور در صحنه پیکار را باعث ادامه حیات می دانستند. بنابراین، جنگ، تعیین کننده مرگ و زندگی نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۳۰

۳۰ فراز از میدان نبرد و رویارویی با سختی ها ، مانع مرگ مقدر آدمی نیست .

قل لو کنتم فی بیوتکم لبرز الذین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۲

۲ پندار کفرپیشگان بر این که خانه نشینی و یا پرهیز از حضور در کارزار ، مانع مرگ و کشته شدن است .

يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالذين كفروا وقالوا ..

ما ماتوا و ما قتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۸

۸ ترک صحنه پیکار و شرکت نجستن در آن ، زمینه ساز خشم خداوند

انّ الذین تولّوا منکم ... کمن بآء بسخط من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱۰

۱۰ منافقان به انگیزه سرباز زدن از پیکار ، مدعی بودند که حضور در میدان احد نوعی انتحار و خودکشی است ، نه پیکار و جنگ .

قالوا لو نعلم قتالاً لا تبغناکم

برخی برآنند که مراد منافقان از جمله < لو نعلم .. > این معنا بوده که بیرون شدن شما مسلمانان به سوی احد، پیکار و قتال نیست، بلکه خود را به مهلکه انداختن است ؛ چرا که نیروی شما در برابر نیروی دشمن هیچ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۹

۹ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، به دنبال همسویی جمعی از مؤمنان با کافران و تخلف آنان از جهاد

ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب

با توجه به آیات پیشین همانند: < هم للكفر یومئذ اقرب منهم للایمان >، استفاده می شود که مراد از خبیثان، منافقانی هستند که از نبرد با کافران سرباز زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۸،۱۰

۸ موسی (ع) بر حذر دارنده قوم خویش از فرار و عقب نشینی به

هنگام رویارویی با ساکنان سرزمین مقدس

و لاترتدوا علی ادبارکم

۱۰ هشدار موسی (ع) به زیانکاری قوم خویش در صورت فرار و عقب نشینی به هنگام رویارویی با جباران سرزمین مقدس

و لاترتدوا علی ادبارکم فتقلبوا خسرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۲ - ۱

۱ تأکید بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با زورگویان سرزمین مقدس ، علی رغم فرمان موسی (ع)

قالوا یموسی ان فیها قوماً جبارین و انا لن ندخلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۱۳

۱۳ اصرار بنی اسرائیل بر کناره گیری از نبرد با جباران و جاجوش کردن در کاشانه خویش

اِنا ههنا قعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ فرار مسلمانان در جنگ حنین پس از قرار گرفتن در تنگنای نبرد ، علی رغم کثرت غرورآفرینشان

و ضاقت علیکم الأرض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین

فرماندهی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۶

۶ فرماندهی کل قوا ، از مسؤولیت های رهبر جامعه اسلامی

و منهم من يقول ائذن لي

فرماندهی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲،۷،۱۴

۲ درخواست بزرگان بنی اسرائیل پس از موسی از پیامبر خویش ، برای تعیین فرماندهی در جنگ با دشمنان

الم تر الى المأ من بنی اسرائیل من بعد موسی اذ قالوا لنبی لهم ابعث لنا ملکاً

<مأ>، کسانی هستند

که نظرها را به خود جلب می کنند. (اشراف و بزرگان هر قوم)

۷ ضرورت فرمانده در جنگ

ابعث لنا ملكاً نقاتل في سبيل الله

مجزوم بودن <نقاتل> نشانه تقدیر شرط است؛ یعنی اگر فرماندهی باشد، در راه خدا خواهیم جنگید. پس اگر فرمانده ضرورت نداشت، نباید جهاد فی سبیل الله را مشروط به وجود او کنند.

۱۴ تعیین حاکمان و فرماندهان نظامی ، بر عهده رهبران الهی *

اذ قالوا لنبي لهم ابعث لنا ملكاً

رجوع مردم به پیامبر و رهبر خویش برای تعیین فرماندهی در جهاد فی سبیل الله، بیانگر ذهیت دینی مردم است به اینکه تعیین فرماندهان در اختیار پیامبران و رهبران دینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۰، ۹، ۸

۸ ضرورت ارزیابی ، آزمایش و میزان اطاعت و استقامت نیروها از جانب فرمانده ، پیش از ورود به کارزار

فلما فصل .. قال ان الله مبتليكم بنهر

۹ اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد عدم انتساب آنان به وی و جدایی آنان از او ، در صورتی که از نهر بیاشامند .

فمن شرب منه فليس مني

۱۰ اعلام طالوت به لشکریان ، در مورد انتساب آنان به وی ، اگر از نوشیدن آب نهر چشم پوشند .

و من لم يطعمه فانه مني

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۱۲، ۶، ۵

۵ آگاهی پیامبر (ص) به فنون نظامی و قدرت مدیریت ایشان در عملیات مسلحانه علیه دشمنان دین

و اذ غدوت من اهلك تبوء المؤمنون مقاعد للقتال

بخشی ضروری از مدیریت جامعه اسلامی

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین مقاعد للقتال

چون پیامبر (ص) به عنوان مدیر جامعه اسلامی، امور مربوط به قوای نظامی را نیز رهبری می کرده، برداشت فوق به دست می آید.

۱۲ شرکت پیامبر (ص) در جنگ احد، به عنوان فرماندهی عملیات نظامی

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین مقاعد للقتال

امام صادق (ع): سبب نزول هذه الآیه ان قریشا خرجت من مکة تريد حرب رسول الله (ص) فخرج بیخی موضعاً للقتال.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۳۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۹

۹ لزوم تقویت روحیه رزمندگان از سوی رهبران و فرماندهان نظامی

اذ تقول الن یکفیکم ان یمدکم ربکم بثلثة الاف من الملائکه

از سوی پیامبر (ص)، درسی است برای تمام رهبران دینی و فرماندهان نظامی که مؤمنان را در هنگامه های دشوار، به پیروزی و امدادهای الهی، امیدوار سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲

۲ صلاحدید برگزاری نماز جماعت در میدان نبرد، بر عهده فرمانده نیروهاست.

و إذا کنت فیهم فاقمت لهم الصلوه

اسناد اقامه نماز به پیامبر (ص) (فاقمت ..)، اشاره به این است که اختیار تشکیل نماز جماعت بر عهده و صلاحدید پیامبر (ص) و یا فرماندهی نیروهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۸

۸ سستی ، نزاع و تفرقه و سرپیچی از فرماندهی ، از عوامل شکست جنگجویان

حتی اذا فشلتم

و تنازعتم فی الامر و عصیتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۱، ۱۰

۱۰ تلاش مستمر پیامبر (ص) برای جلوگیری از شکست مسلمانان در کارزار احد

و الرسول یدعوکم فی اخریکم

۱۱ بی اعتنایی به دعوت پیامبر (ص) در پیکار احد، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثم صرفکم... و الرسول یدعوکم فی اخریکم

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد، آیه مزبور در مقام بیان علت‌های شکست احد است. بنابراین جمله <و لا تلون علی احد و الرسول...>، که حاکی از دعوت پیامبر (ص) و بی اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۱۱

۱۱ عفو و گذشت از خطاهای جنگی رزمندگان (تخلّف از دستورات فرماندهی و...) امری نیکو و پسندیده

و لقد عفا الله عنهم ان الله غفور حلیم

فریب در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۹

۹ بهره‌گیری از عملیات فریب نیرویی، عاملی مؤثر در پیروزی

یرونهم مثلهم رأی العین

برآورد نادرست مشرکان از نیروهای مسلمانان، موجب شکست آنها در جنگ بدر شد.

فلسفه جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۶ - ۴

۴ جنگ ها و میدان های کارزار ، عرصه های آزمون الهی و متمایز گشتن مؤمنان راستین از غیر ایشان

أم حسبتم أن تتركوا و

لما يعلم الله الذين جهدوا منكم

فلسفه جنگ با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۹

۹ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، آوردن ایشان به دامن اسلام است و نه نابودی آنان .

فاقتلوا المشركين ... و إن أحد من المشركين استجارك ... حتى يسمع كلم الله ثم أبل

فلسفه جنگ با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۹

۹ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، آوردن ایشان به دامن اسلام است و نه نابودی آنان .

فاقتلوا المشركين ... و إن أحد من المشركين استجارك ... حتى يسمع كلم الله ثم أبل

کثرت نیرو در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ کثرت نیروها تعیین کننده پیروزی نیست .

و لن تغني عنكم فتكم شيئا ولو كثرت و أن الله مع المؤمنين

گرایش مادی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۶

۶ جستجوی منافع مادی در هنگامه جنگ با دشمنان دین ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند

تریدون عرض الدنيا و الله يريد الآخره

گناه جنگ داخلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۹

۲۹ - جنگ های داخلی و برادر کشی ، از بزرگترین گناهان و موجب خواری و ذلت در دنیا و گرفتار شدن

به عذاب اخروی است .

تقتلون أنفسكم .. فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحيوه الدنيا و يوم القی

از آن جا که گناهان یاد شده، در پی دارنده شدیدترین عذابهاست، معلوم می شود این گناهان از بزرگترین گناهان هستند.

گناه فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۲

۲ فرار از میدان جنگ ، گناه بوده و نیازمند توبه و استغفار به درگاه خداست .

ثم ولیتم مدبرین .. ثم یتوب اللّٰه من بعد ذلك علی من یشاء

مجازات تخلف از قوانین جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۹

۹ - متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا علی الظلمین

مجروحان جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۲۱، ۵، ۶، ۱

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمیل جراحت های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الَّذین استجابوا لِلّٰه و الرسول من بعد ما اصابهم القرع .. اجر عظیم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۵ برخی از مجروحان جنگ احد علی رغم پذیرش دعوت خدا و پیامبر (ص) به نبردی دیگر، از احسان و تقوای لازم برخوردار نبودند.

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا... لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

<منهم>، حال برای ضمیر

<احسنوا> است و کلمه <من>، ظهور در تبعیض دارد؛ یعنی اجابت کنندگان را به دارندگان تقوا و احسان و فاقدان آن تقسیم می کند.

۶ اهمیت و ارزش والای شرکت مجدد مجروحین جنگی در جهاد

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ . . . اجْر عَظِيمٍ

اجر عظیم برای مجاهدان در گرو جراحت ناشی از جهاد سابق نیست، بلکه به خاطر شرکت در جهاد پس از تحمّل جراحت است.

۲۱ پاداش بزرگ امیرالمؤمنین (ع) به خاطر احسان و تقوا و اجابت خدا و پیامبر (ص) پس از مجروح شدن در جنگ احد

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ . . . اجْر عَظِيمٍ

امام صادق (ع): اَنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَعَثَ عَلِيًّا فِي عَشْرَةِ <استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرع> الى <اجر عظيم>. انما نزلت في اميرالمؤمنين (ع).

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۶، ح ۴.

محرومیت از غنیمت جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنایم جنگی

و لئن اصابکم فضل من اللّٰه ليقولنَّ . . . يا ليتني كنت معهم فافوز فوزاً عظيماً

مسلمانان و غنایم جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۷

۷ برخی از مسلمانان ناخشنود از حکم خداوند درباره انفال و غنایم جنگ بدر

قل الأنفال لله و الرسول . . . كما أخرجك ربك ... و إن فريقا من المؤمنين لكرهون

<كما> برای تشبیه امر دیگر است و مشبه به

صریحاً در آیه ذکر نشده است. لذا احتمالات مختلفی از سوی مفسران ایراد شده است و از جمله آنهاست حکم خداوند درباره انفال و غنایم جنگ بدر. بر این مبنا <کما أخرجک ... > چنین معنا می شود: حکم خداوند درباره انفال حکمی حق است؛ همان گونه که فرمان و تقدیر حرکت به سوی جنگ بدر حق بود. بر این اساس جمله <إن فریقاً ... > می رساند که همه و یا برخی از مسلمانان از حکم خداوند درباره انفال نیز کراهت خاطر می داشتند.

معدور از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۳،۹

۳ مجاهدان را نباید از نظر اجتماعی با توانمندان بازنشسته از جنگ یکسان و همانند شمرد .

لا یتوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله

مقصود این است که در شرایط مساوی، اولویت در حقوق اجتماعی از آن مجاهدان راه خداست.

۹ نوید الهی به پاداش نیک برای مجاهدان و نیز مؤمنان بازنشسته از جنگ

فضّل الله .. علی القاعدین درجه و کلاً وعد الله الحسنی

ممانعت از جنگ با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱،۴

۱ - رخداد صلح حدیبیه و باز نشدن دست مکیان و مؤمنان علیه یکدیگر ، تنها به تدبیر و اراده الهی

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکه

۴ - درگیر نشدن مؤمنان و مکیان با یکدیگر در < عمره القضا > ، نعمتی مهم برای اهل ایمان *

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر <بطن مکه> اشاره به <عمره القضا> داشته باشد که مسلمانان پس از پیروزی حدیبیه براساس قرارداد، سال بعد به شهر مکه وارد شدند و با آرامش کامل، مناسک عمره را به جا آوردند.

ممنوعیت فرار از جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ فرار از جنگ و جهاد، ممنوع و زیانبار است .

و لا ترتدوا علی ادبارکم فتقلبوا خسرين

منافقان متخلف و جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱

۱ خبر دادن خداوند از امکان اجازه خواستن منافقان متخلف از جنگ، برای شرکت جستن در جنگ های آینده

فإن رجعتك الله إلى طائفه منهم فاستذنوك للخروج

منطقه جنگ رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳ - ۱

۱ - نبرد میان ایران و روم، در نزدیکی منطقه حجاز (نواحی شام) بوده است .

غلبت الروم فی أدنی الأرض

جبهه درگیر با رومیان مسیحی، به قول تاریخ نویسان، مجوسیان ایران بوده اند؛ الف و لام در <الأرض> برای عهد است و به قرینه <الروم> به سرزمین رومیان اشاره دارد. ذکر <أدنی الأرض> و اهتمام به تعیین مکان نبرد، این احتمال را تقویت می کند که مراد از <أدنی الأرض> نزدیک ترین بخش روم به سرزمین عرب (حجاز) باشد.

موانع جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۲

۱۲ سُنّت خداوندی ، علی رغم ارسال انبیا ، برای

دعوت به ایمان و رفع اختلاف ، اجبار آدمیان به ایمان و عدم اختلاف و کشتار نیست .

و لو شاء الله ما اقتتل الذين .. و لكن اختلفوا

موانع شکست در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۶

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لو لا كتب .. عذاب عظیم

موجبات سستی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۴

۴ نزاع و اختلاف اهل ایمان موجب سست شدن آنان در پیکار با دشمنان دین

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

مؤمنان در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۹

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلك الايام .. و ليعلم الله الذين امنوا و يتخذ منكم شهداء

ترک لام در <و يتخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهداء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۱

۱ شکست و پیروزی مؤمنان در جنگ با کافران ، عاملی برای خالص

و تلك الايام نداولها .. و ليمحص الله الذين امنوا

فعل <يَمْحِصُ> از مصدر <تَمْحِصُ> به معنای خالص کردن از ناخالصیها و نقصهاست.

مؤمنان و جنگ روانی دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۳

۳ مؤمنان در مقابل جنجال تبلیغاتی دشمنان ، نباید اندوهی به خود راه دهند .

و لا يحزنك قولهم

اگر چه مخاطب جمله <لا- يحزنك> وجود مبارك پیامبر اکرم(ص) است، ولی با توجه به ذکر <إن العزه لله جميعاً> که می تواند در مقام تعلیل باشد، می تواند از مورد، الغای خصوصیت کرد و آن را تعمیم داد.

ناپسندی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۲،۵

۲ جنگ و خونریزی ، امری ناخوشایند برای انسان

كتب عليكم القتال و هو كره لكم

۵ جنگ و جهاد ، امری خیر برای مؤمنان ، علی رغم ظاهر ناخوشایند آن

كتب عليكم القتال و هو كره لكم و عسى ان تکرهوا شيئاً و هو خیر لكم

نشانه های قدرت جنگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۶

۶ - استفاده از فیل در جنگ های عرب ، کم سابقه و نشانه برخورداری سپاه مهاجم ، از تجهیزات پیشرفته جنگی بود .

الم تر كيف فعل ربك بأصحاب الفيل

شهرت سپاه ابرهه با عنوان <اصحاب الفيل>، نشانگر تازگی داشتن این ابزار جنگی و هراس افکن بودن آن است.

نظم در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۳

رعایت نظم و انضباط دقیق ، اصلی لازم در جنگ ، حتی به هنگام عبادت

فلتقم طائفه منهم معك و لیاخذوا اسلحتهم . . . و لتأت طائفه اخرى

نقش جمعیت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۶۸

۶ کثرت نفرات مسلمانان در جنگ حنین ، کارساز نبود .

و یوم حنین إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

۸ کثرت نیروهای رزمی ، بدون امداد های الهی ، تضمین کننده پیروزی نیست .

إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

نماز جماعت در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲

۲ صلاحدید برگزاری نماز جماعت در میدان نبرد ، بر عهده فرمانده نیروهاست .

و إذا كنت فيهم فاقت لهم الصلوه

اسناد اقامه نماز به پیامبر(ص) (فاقت . . .)، اشاره به این است که اختیار تشکیل نماز جماعت بر عهده و صلاحدید پیامبر(ص) و یا فرماندهی نیروهاست.

نماز در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۳

۳ وجوب برپا کردن نماز ، حتی در میدان رزم و شرایط دشوار

و إذا كنت فيهم فاقمت لهم الصلوه

نیروهای کیفی جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۳

۳ لزوم توجه به کیفیت نیروهای رزمی و نه صرفاً توجه به کمیت آنان

لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا

جنگ روانی

{جنگ روانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۵ اعلام شکست قریب الوقوع کافران ، از روش های قرآن برای تضعیف روحیه دشمن

قل للذین کفروا ستغلبون

۶ تهدید شدن یهود به هزیمت و شکست ، پس از پیروزی مسلمین در جنگ بدر

قل للذین کفروا ستغلبون

در شأن نزول آیه آمده است که آیه شریفه بعد از جنگ بدر آنگاه که رسول خدا از آن جنگ به طرف بنی قینقاع بازمی گشتند نازل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۲

۲ تغییر موضع ، با اظهار ایمان و کفر مکرر ، توطئه اهل کتاب برای تضعیف عقاید مسلمانان

إِنَّ الذِّينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا .. و لالیهدیهم سیلا

در شأن نزول آیه آمده است که گروهی از اهل کتاب، در حضور مسلمانان اظهار ایمان می کردند و برای القای شبهه در بین ایشان، دوباره کافر می شدند و کفر خویش را معلول نادرستی اسلام قلمداد می کردند تا از این طریق بذر تردید و شک را در دل مسلمانان پیاوردند و بارور کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۵،۷

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

۷ ضرورت ایجاد ترس در دشمنان دین و سلب روحیه نبرد از ایشان

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

آثار جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۶

۶ رعب و وحشت کافران

در جنگ بدر، از عوامل شکست آنان در آن جنگ

سألقي في قلوب الذين كفروا الرعب

استقامت در جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ لزوم استواری در برابر جنگ روانی دشمنان و نهراسیدن از استهزای آنان

و لقد استهزیء برسلك فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۰

۱۰ لزوم تأثیرپذیری و استواری جامعه ایمانی در برابر جنگ روانی و دسیسه های دشمنان

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا و اللّٰه ولیهما

جمله <و الله ولیهما>، در واقع تذکری است به مؤمنان و معتقدان ولایت الهی که در هنگامه های دشوار، ولایت و حمایت الهی را فراموش نکنند و به عناصری همچون عبدالله بن ابی، که در صدد سستی آفرینی و ایجاد دلهره در بین آنان است، گوش فراندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۵،۶

۵ - اقدام مشرکان مکه به جنگ تبلیغاتی علیه پیامبر (ص)، به دلیل ناتوانی از مقابله منطقی با آن حضرت

و لما جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر

۶ - روی آوری به اتهام و جنگ روانی تبلیغی، شیوه مخالفان پیام حق

و لما جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر

جنگ روانی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۴

۴ - تبلیغات روانی ساحران به هنگام انجام عملیات خود

فألقوا .. و قالوا بعزه فرعون إنا لنحن

جنگ روانی دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۲

۲۲ سرزنش و جنگ روانی ، حربه دشمنان دین برای جلوگیری از تلاش مسلمانان در جهت اعتلای دین خدا

و لایخافون لومه لائم

روش مقابله با جنگ روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - ایجاد امید در دل جامعه و بی تأثیر جلوه دادن تبلیغات بدخواهان و ضعیف نشان دادن آنان ، شیوه ای مؤثر در جنگ

روانی

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ .. لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

برداشت فوق از آنجاست که آیه شریفه در صدد افشاگری و خنثی سازی توطئه دشمنان و بدخواهان و نیز دلداری به مؤمنان است.

مؤمنان و جنگ روانی دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۳

۳ مؤمنان در مقابل جنجال تبلیغاتی دشمنان ، نباید اندوهی به خود راه دهند .

و لا یحزنک قولهم

اگر چه مخاطب جمله <لا- یحزنک> وجود مبارک پیامبر اکرم(ص) است، ولی با توجه به ذکر <إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا> که می تواند در مقام تعلیل باشد، می تواند از مورد، الغای خصوصیت کرد و آن را تعمیم داد.

جنگل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنگل

اهمیت جنگل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أكفروه .. فلینظر الإنسن ... حدائق

عوامل پیدایش جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۳

۳- رویش گیاهان و به وجود آمدن مراتع و جنگل ها ، در اثر نزول باران است .

أنزل من السماء ماء .. و منه شجر

<شجر> شامل گیاه بدون ساقه و با ساقه می شود که از آنها به مراتع و جنگلها تعبیر شد.

فواید جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۴

۴- چرای دام ها از جمله فواید مرتع ها و گیاهان است .

و منه شجر فیه تسیمون

<تسیمون> (از اسامه) به معنای چراندن گوسفندان است.

نقش جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۳

۳ - باغ ها و جنگل های پوشیده از درخت ، نشان دهنده قدرت خداوند و امکان پذیر بودن معاد

عمّ يتساءلون .. ألم نجعل ... جنّ ألفافاً

جنگل ها

عوامل پیدایش جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۳

۳- رویش گیاهان و به وجود آمدن مراتع و جنگل ها ، در اثر نزول باران است .

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .. وَ مِنْهُ شَجَرٌ

<شجر> شامل گیاه بدون ساقه و با ساقه می شود که از آنها به مراتع و جنگلها تعبیر شد.

فواید جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰ - ۴

۴- چرای دام ها از جمله فواید مرتع ها و گیاهان است .

و منه شجر فیه

<تسیمون> (از اسامه) به معنای چرانیدن گوسفندان است.

نقش جنگل ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۶ - ۳

۳ - باغ ها و جنگل های پوشیده از درخت ، نشان دهنده قدرت خداوند و امکان پذیر بودن معاد

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ .. أَلَمْ نَجْعَلْ ... جَنَّاتٍ أَلْفَافًا

جنون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنون

تهمت جنون به رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۴

۴ - اتهام سحر و جنون ، موضع همیشگی کافران در برابر رسولان الهی

ما أتى الذين .. إلا قالوا ساحر أو مجنون

تهمت جنون به شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۲

۲ - متهم شدن شعیب (ع) از سوی مردم <ایکه> به جنون و سحرزدگی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

<مسحّر> (مفرد <مسحّرين>) به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

تَهْمَتِ جَنُونٍ بِهٖ صَالِحٍ (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۱

۱ - اتهام جنون و سحرزدگی به صالح (ع) از سوی ثمودیان

قالوا إنما أنت من المسخرين

<مسخر> (مفرد <مسخرین>) به کسی گفته می شود که به شدت افسون شده باشد.

تَهْمَتِ جَنُونٍ بِهٖ مُحَمَّدٍ (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۱،۲،۳

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، پیامبر (ص) را به سبب دعوت به توحید و معاد ، فردی مجنون می پنداشتند .

أولم يتفكروا ما بصاحبهم من

<جَنَه> به معنای دیوانگی است. به دلیل آیات بعد که مسأله قیامت و توحید مطرح شده است، می توان گفت این دو مسأله در بین معارف الهی بیشترین نقش را در متهم کردن پیامبر(ص) به جنون داشته است.

۲ خداوند کفرپیشگان را به تفکر در ادعای ناصوابشان (مجنون پنداشتن پیامبر) فراخواند .

أولم يتفكروا ما بصاحبهم من جنة

۳ خداوند با یادآوری همنشینی پیامبر (ص) با مردم ، مشرکان را به بطلان پندارشان (مجنون بودن پیامبر) رهنمون ساخت .

أولم يتفكروا ما بصاحبهم من جنة

به کارگیری کلمه <صاحب> و اضافه آن به ضمیر (صاحبهم، یعنی همنشینان) اشاره به حقیقتی دارد که تفکر در آن کافی در بطلان ادعای مشرکان است. یعنی او همواره همنشین آنان بود و اگر اثری از جنون در او وجود داشت، آشکار می گشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۳

۳- کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

وقالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱،۲،۳

۱ - جنون ، یکی از نسبت های ناروای کافران و رفاه زدگان به ساحت پیامبراکرم (ص)

أم یقولون به جَنَه

<به جَنَه> یعنی، <او گرفتار نوعی جنون است و این

اتهام دیگری بود که از سوی کافران و مترفان، به پیامبر(ص) زده می شد.

۲- شخصیت، منش و گویش خردمندانه پیامبر (ص) گواهی روشن بر مبرا بودن آن حضرت از اتهام کافران (جنون)

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ .. أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّه

۳- توبیخ کافران از سوی خداوند، به خاطر نسبت دادن جنون به پیامبر (ص)، علی رغم آشنایی کاملشان با شخصیت خردمند آن حضرت

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ .. أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۵

۵- کافران، پیامبر (ص) را به خاطر اظهار امکان بازآفرینی انسان ها در قیامت، متهم به جنون می کردند.

و قال الذين كفروا هل ندلكم على رجل .. أَمْ بِهِ جِنَّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۶۸

۶- دعوت پیامبر (ص) از مردم مکه برای اندیشیدن درباره جنون نسبت داده شده به آن حضرت

ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّه

مراد از <صاحب>، به قرینه <هو> در عبارت بعدی، پیامبر(ص) است.

۸- نسبت جنون به پیامبر (ص) از سوی مردم مکه، ناشی از بی اندیشگی بوده است.

ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ - ۷

۷- نسبت دادن جنون به پیامبر (ص) از سوی مشرکان، حدس و گمان و به دور از علم و آگاهی بود.

اللّٰهُ اُمّ به جِنَّه .. ما بصاحبكم من جِنَّه ... و قد كفروا به من قبل و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۱،۲

۱ - اتهام جنون و شاعر بودن به پیامبر (ص)، شیوه مشرکان و کافران در برابر پیامبر (ص)

و يقولون ائنا لتارکوا ءالھتنا لشاعر مجنون

آمدن فعل <يقولون> به صیغه مضارع، حکایت از استمرار این سخن دارد.

۲ - مشرکان، دلیل نپذیرفتن دعوت پیامبر اسلام را، مجنون و شاعر بودن آن حضرت معرفی می کردند.

و يقولون ائنا لتارکوا ءالھتنا لشاعر مجنون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لام در <لشاعر> برای تعلیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۴ - ۳

۳ - اتهام جنون به پیامبر (ص) از سوی مشرکان مکه

ثم تولّوا عنه و قالوا معلّم مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۵

۵ - اتهام سحر یا جنون، از سوی کافران به پیامبر اکرم (ص)

کذلک ما اُتی .. إلا قالوا ساحر أو مجنون

ضمیر <من قبلهم> به کافران عصر پیامبر (ص) بازمی گردد؛ یعنی، اگر اینان تو را به سحر و جنون متهم می کنند، مطلب تازه ای نیست؛ زیرا پیشینیان نیز، همین شیوه را داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- اتهام کهنات و جنون به پیامبر (ص)، از سوی کافران

فما أنت بنعمت ربك

بکاهن و لامجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۵۸

۵ - اتهام جنون به پیامبر (ص) ، به هنگام شنیدن قرآن از سوی کافران

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

۸ - کافران ، قرآن را نشانه جنون پیامبر (ص) می دانستند .

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۱،۷

۱ - برخی از مردم عصر بعثت ، پیامبر (ص) را دیوانه شمرده و او را به تدوین قرآن براساس اختلالات عقلی ، متهم می کردند .

و ما صاحبکم بمجنون

۷ - جنون آمیز خواندن رفتار و گفتار پیامبر (ص) ، از شیوه های مبارزه مخالفان با آن حضرت در صدر اسلام

و ما صاحبکم بمجنون

تهمت جنون به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۷ - ۳

۳ - اقدام فرعون به متهم کردن موسی (ع) به جنون

قال إِنَّ رَسُولَكُمْ . . . لَمَجْنُونٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اتهام سحر و جنون از سوی فرعون به موسی (ع) ، پس از مشاهده دلایل و برهان های روشن رسالت آن حضرت

أرسلته .. بسطن مبین ... و قال سحر أو مجنون

تهمت جنون به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۵ - ۱

۱ - متهم شدن نوح (ع) ، از

سوی اشراف قومش ، به نوعی دیوانگی و جنون

فقال الملوأ الذين كفروا .. إن هو إلا رجل به جنه

<إن> معادل مای نافییه است؛ یعنی: <ما هو إلا رجل..>. نکره آوردن <جنه> نیز برای تنويع است. بنابراین عبارت <به جنه> یعنی، او گرفتار نوعی دیوانگی است. <تربص> (مصدر <تربصوا>) به معنای حلول چیزی را برای کسی، انتظار کشیدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۹

۹- قوم نوح ، آن حضرت را به جنون و آسیب دیدگی از سوی جن متهم می کردند .

و قالوا مجنون و ازدجر

مفسران، عبارت <و ازدجر> را به معنای <ازدجره الجن> (جن ایشان را آزار رسانده است) گرفته اند.

تهمت جنون به هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۲

۲ قوم عاد ، هود (ع) را متهم به اغتشاش روانی کردند و سخنان او را برخاسته از جنون پنداشتند .

إن نقول إلا اعتريك بعض الهتنا بسوء

<سوء> به معنای رنج ، سختی ، مرض و آفت و مانند اینهاست. و مراد از آن ، در آیه شریفه به مناسبت مورد مرض جنون و مانند آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۵ - ۶

۶ ناتوانی بت ها برای از میان بردن هود (ع) ، علی رغم بیزاری جستن علنی او از آنها ، نشانه حقیقت نداشتن ادعای قوم عاد (ابتلای هود به جنون از ناحیه بت ها)

إن نقول إلاّ اعتریک بعض ءالہتنا

بسوء... فکیدونی جمیعاً ثم لاتنظرون

جنون اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۲

۲ - مجرمان ، گرفتار سرگردانی و جنون در قیامت

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ

>سعر< در صورتی که مفرد باشد، به معنای جنون می آید.

جنون کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۲

۲ - کافران ، مستحق نام جنون هستند .

و يبصرون . بأبيكم المفتون

جنون مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ بازگشت کننده به شرک (مرتد) مانند دیوانه ای سرگردان است که شیطانها (جنیان) عقل او را زایل کرده اند.

أندعوا من دون الله... و نرد... کالذی استهوته الشیطین

>استهوته الشیاطین< یعنی شیطانها عقل و فکر او را برده اند. همچنین جمله >استهوته الشیاطین< را در موردی که شخصی جن زده شده باشد، به کار می برند. (لسان العرب).

دلایل رد تهمت جنون به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۴

۴ - مشاهده کمال عقلانی پیامبر (ص) از سوی معاشران آن حضرت ، دلیلی کافی بر مردود بودن ادعای جنون درباره او است .

و ما صاحبکم بمجنون

عنوان <صاحبکم> گویای مردود بودن اتهام جنون است؛ زیرا مصاحبت روز مرّه کسانی که به پیامبر(ص) تهمت جنون می زدند، با آن حضرت، مایه شناخت وضعیت فکری آن بزرگوار بوده و دستاویزی برای نسبت جنون باقی نمی گذارد.

رد تهمت جنون به محمد(ص)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۲

۲ - نسبت دیوانگی به پیامبر (ص)، نسبتی ناروا و مردود است.

و ما صاحبکم بمجنون

سخن جنون آمیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱۶

۱۶ - هشدار دادن به مردم از عذابی که در پیش رو دارند، در نگاه مردم مکه سخن جنون آمیز تلقی می شد.

ثم تتفکروا ما بصاحبکم من جنّه إن هو إلا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید

محمد(ص) و جنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۴

۴ مردم عصر بعثت هیچ نشانی که حاکی از کمترین جنون در پیامبر باشد، سراغ نداشتند.

ما بصاحبهم من جنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۵

۵ - ساحت مقدس پیامبر اسلام (ص)، منزّه از جنون و سخنان ایشان پیراسته از شعرسرایی

و یقولون .. لشاعر مجنون . بل جاء بالحقّ و صدّق المرسلین

برداشت یاد شده از آن جا است که <بل> برای اضراب ابطالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه کفالت و جنون ، در پرتو عنایت پروردگار خویش

فما أنت بنعمت ربك بكاهن ولا مجنون

مصونیت از جنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲ - ۱،۲

پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه جنون و دیوانگی

ما أنت .. بمجنون

۲ - نعمت های اعطا شده خداوند به پیامبر (ص) ، سبب مصونیت آن حضرت از هر گونه جنون و دیوانگی

ما أنت بنعمه ربك بمجنون

منشأ مصونیت از جنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲ - ۵

۵ - لطف و عنایت خداوند ، سبب مصونیت انسان از جنون و هر گونه اندیشه نادرست و دور از عقل و خرد

ما أنت بنعمه ربك بمجنون

موارد جنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۷،۸

۷ - پیروی از بشری معمولی و فاقد موقعیت اجتماعی ، گمراهی و جنون در نظر قوم ثمود

إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَلٌ وَسَعَرٌ

واژه <إِذَا> ضلالت و جنون را مترتب بر تبعیت از <بَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا> ساخته است. گفتنی است در صورتی که <وَاحِدًا> اشاره به تنهایی و بی یآوری صالح(ع) داشته باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۸ - پذیرش ادعای نبوت از یک انسان ، گمراهی و جنون در نظر قوم ثمود

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَلٌ وَسَعَرٌ

در صورتی که <أَبَشْرًا مِّنَّا وَاحِدًا> در مقام نفی شایستگی بشر برای نبوت باشد، از ارتباط <إِذَا لَفِيَ..> با جمله قبلی مطلب بالا استفاده می شود.

نشانه های جنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۳

۳ - مبتلا ساختن خویش به عذاب های سخت قیامت ، نشانه گمراهی و جنون است ، نه پیروی از راه حق پیامبران

فقالوا

أبشراً .. تَبِعَهُ إِذَا لَفَى ضَلَلٌ وَسَعْرٌ ... إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَلٍ وَسَعْرٍ

برداشت یاد شده در صورتی است که <سعر> به معنای جنون و آیه <إِنَّ الْمَجْرِمِينَ...> در مقام پاسخ به سخن کافران باشد که مدعی بودند پیروی از خط پیامبر(ص) و پیام وحی جنون و گمراهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۳

۳ - کفر و نپذیرفتن عمدی آیین اسلام، نشانه جنون و بی خردی است و ایمان و هدایت، نشانه خردورزی است.

بَأَيِّكُمْ الْمَفْتُونِ

برداشت یاد شده، از آن جا است که به کافران، جنون نسبت داده شده است.

هود(ع) و جنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۴ - ۳

۳ قوم عاد، برخی از آلهه خویش را عامل جنون و اغتشاش روانی هود (ع) می پنداشتند.

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ

<إِعْتَرَاء> به معنای شامل شدن و اصابت کردن است (لسان العرب). و از آن جا که <إِعْتَرَاء> در آیه شریفه، به وسیله حرف <بَاء> به مفعول دوم (بسوء) متعدی شده، به معنای رسانیدن و شامل کردن می باشد. بنابراین جمله <إِنْ نَقُولُ...> یعنی، ما سخنی جز این نمی گوئیم که یکی از خدایان ما، مرض و آفتی بر تو افکنده است.<

جنین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جنین

استقرار جنین در رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳۵

٣٥ - > عن أبي جعفر (ع) : > ولنبيّن لكم < كذلك كنتم في الأرحام >

و نقرّ فی الأرحام ما نشاء < فلا یخرج سقطاً ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که در [بارہ معنای < و لنبین لکم > در آیه یاد شده فرمود:] تا برای شما روشن کند که در ارحام مادران این گونه بوده اید [و این مراحل را طی کرده اید] و [در بارہ معنای < و نقرّ فی الأرحام ما نشاء > نیز فرمود:] و آنچه را می خواهیم در ارحام مستقر می کنیم و [آن] به صورت سقط بیرون نمی آید <.

امنیت روحی جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۶

۶- رحم مادر برای جنین ، جایی به غایت امن می باشد و جنین در آن از آسیب پذیری در برابر بسیاری از اضطراب های عصبی و روانی مادر در امان است .

یوم ترونها.. و تضع کلّ ذات حمل حملها

ذکر <سقط شدن جنین ها از رحم زنان باردار> در به تصویر کشاندن شدت و عظمت بی اندازه زلزله زمین در آستانه رستاخیز، اشعار به این حقیقت دارد که: رحم زنان برای جنین، با این که مکانی امن می باشد و در شرایط سخت و اضطراب آور مقاوم و آسیب ناپذیر است؛ لکن اضطراب ناشی از آن رویداد بی مانند، چنان است که تمامی زنان باردار از شدت ترس و اضطراب، سقط جنین خواهند کرد.

اهمیت مراحل رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۷

۷- آفرینش انسان ، از مایعی ناچیز و سیر متوازن و تکاملی وی در رحم ، نشانه توانایی خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

الم

نخلقکم من ماء .. . فقد رنا فنعم القدرن

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیات تا آخر سوره، در صدد اثبات برپایی قیامت باشد.

پیدایش گوشت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۴

۴ - پس از شکل گیری و استخوان بندی بدن جنین ، استخوان ها با رویش گوشت پوشیده می شوند .

فكسونا العظم لحمًا

<كَسُو> (مصدر <كسونا>) به معنای پوشانیدن است.

تبدیل علقه به جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۵

۵ - وجود فاصله زمانی میان تحوّل خاک به نطفه ، نطفه به علقه و علقه به صورت طفل

خلقکم من تراب ثمّ من نطفه ثمّ من علقه ثمّ یخرجکم طفلاً

با توجه به کاربرد <ثمّ> که برای بیان فاصله زمانی است برداشت بالا به دست می آید.

تبدیل مضغه به جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۳،۴

۳ - علقه ، در رحم به صورت مضغه در می آمد ، سپس مضغه تدریجاً به صورت استخوان بندی بدن جنین ، تغییر شکل می دهد .

فخلقنا المضغه عظماً

<عظم> مفرد <عظام> و به معنای استخوان است.

۴ - پس از شکل گیری و استخوان بندی بدن جنین ، استخوان ها با رویش گوشت پوشیده می شوند .

فكسونا العظم لحمًا

<كَسُوَ> (مصدر <كسونا>) به معنای پوشانیدن است.

تحریم جنین شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۸

۸ تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو

و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل الذکرین حرم... ومن أظلم ممن افتری علی الله کذبا

تحریم جنین گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۸

۸ تحریم استفاده از گوشت شتر، گاو و جنین آنها، افترا به خداوند است.

قل الذکرین حرم... ومن أظلم ممن افتری علی الله کذبا

تکامل جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۰

۱۰ - تطور و تکامل تدریجی انسان در تاریکی شکم مادر

یخلقکم فی بطون أمهتکم خلقاً من بعد خلق

جمله <خلقاً من بعد خلق> (آفرینشی پس از آفرینش)، به تطور و تکامل تدریجی نطفه در رحم مادران اشاره دارد.

جنین انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۳

۳ - انسان در مراحل نخستین جنینی، فاقد روح انسانی است و پس از شکل گیری اندام، در او روح دمیده می شود.

جعل... من ماء مهین. ثم سویه و نفخ فیه من روحه

جنین در تاریکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - جنین ، پوشیده از سه ظلمت (بچه دان ، رحم و شکم)

يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ . . . فِي ظِلْمَاتٍ ثَلَاثٍ

مفسران یادآور شدند که مقصود از <ظلمات ثلاث> ظلمت های بچه دان، رحم و شکم مادران است و روایت امام باقر(ع) مؤید همین برداشت است (مجمع البیان، ذیل آیه و نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۷۷، ح ۱۱).

> فی مجمع البیان : < فی ظلمات ثلاث > ظلمه البطن و ظلمه الرحم و ظلمه المشیمه . . . و هو المروى عن أبی جعفر (ع) ؛

در مجمع البیان آمده است که مراد از <ظلمات ثلاث> (تاریکی های سه گانه)، تاریکی شکم، تاریکی رحم و تاریکی کیسه جنین می باشد و این معنا از امام باقر(ع) روایت شده است.<

جنین در رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۷

۷ شکل گیری شخصیت انسان در رحم *

هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

چون در آیات قبل سخن از هدایت و کفر بوده است، به نظر می رسد که شکل گرفتن انسان در رحم شامل شکل گیری شخصیت (هدایت یافتن، کافر شدن و ..) نیز بشود.

حلیت جنین بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأنتین أما اشتملت علیه أرحام الأنتین

حلیت جنین شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنتین . . . قل الذکرین حرم أم الأنتین أما اشتملت علیه أرحام الأنتین

حلیت جنین گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر

و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین . . . قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

حلیت جنین گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

خروج جنین از رحم (زهدان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۵

۵ - خروج جنین از رحم ، امری شگفت و نشانه امکان معاد است . *

یخرج من بین الصلب و الترائب

ضمیر فاعلی <یخرج>، ممکن است به <الانسان> در دو آیه قبل برگردد، در این احتمال مراد از <ماء دافق> نطفه مرد و مراد از جمله <یخرج..>، تولّد نوزاد خواهد بود و <من بین الصلب و الترائب>، اشاره به جایگاه رحم است که بین قسمت های جلو و پشت مادر می باشد.

خوردن جنین در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱،۳،۴

۱ مشرکان عصر جاهلی خوردن جنین دامهای وقف شده برای خدا و یا بتها را در صورت زنده بر آمدن بر مردان مجاز و بر زنان حرام می شمردند.

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا

مراد از <ازواج> به قرینه تقابل آن با <ذکور> مطلق <زن> است نه خصوص همسران

۳ مشرکان عصر جاهلی استفاده از جنین مرده حیوانات وقف شده برای خدا و یا بتها را برای زنان

و مردان مجاز می شمردند.

و محرم علی أزوجنا و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

۴ خوردن جنین مرده دام در برخی موارد از نظر مشرکان عصر جاهلی جایز بود.

و إن یکن میتة فهم فیه شرکاء

سقط جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۴

۱۴- سقط شدن برخی از جنین ها و استقرار برخی دیگر در رحم و نیز مشخص بودن مدت هر جنین در آن ، جلوه هایی از مشیت مطلق و اراده بلامنازع خدا

و نقرّ فی الأرحام. .. إلى أجل مسّی ثم نخرجکم

سقط جنین در زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۴

۴- زنان باردار با دیدن زلزله سهمگین زمین در آستانه برپایی قیامت ، از شدت بیم و اضطراب ، سقط جنین خواهند کرد .

و تضع کلّ ذات حمل حملها

<وضع> (مصدر <تضع>) به معنای نهادن و <ذات حمل> به معنای باردار است؛ یعنی، هر زن بارداری به هنگام دیدن آن زلزله، بارش را خواهد نهاد (جنینش را سقط خواهد کرد).

سقط جنین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲ - ۱۱

۱۱- اضطراب مردم در عرصه قیامت ، به درجه ای است که هر زن شیر دهنده ، از شیر دادن غافل خواهد شد و هر زن بارداری

از شدت ترس ، سقط جنین خواهد کرد .

یوم ترونها.. و تضع کلّ ذات حمل حملها

شرایط حلّیت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

۲۰ حلیت جنین در شکم حیوان تذکیه شده ، مشروط به اینکه دارای مو و کرک باشد .

أحلت لكم بهيمه الانعم

امام باقر یا امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمودند: الجنین فی بطن امه اذا شعر و اوبر فذکاته ذکاه امه . . .

کافی، ج ۶، ص ۲۳۴، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۸۳، ح ۱۰.

شکل گیری جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۲،۳،۸

۲ شکل گیری جنین ها در رحم ها ، جلوه ای از قیومیت (قوام دهنده هستی بودن) خداوند

لا اله الا هو الحی القیوم .. هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

۳ انحصار صورتگری جنین در رحم به خداوند ، دلیل وحدانیت او

هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم

۸ هیچ قدرتی نمی تواند از مشیت خدا در مورد چگونگی شکل گیری جنین ، جلوگیری کند .

هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم

از ارتباط کلمه <العزیز> (غالب لا یقهر) با شکل بندی انسان به مشیت الهی، استفاده شده است.

شگفتی خروج جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۷ - ۵

۵ - خروج جنین از رحم ، امری شگفت و نشانه امکان معاد است . *

يخرج من بين الصلب و الترائب

ضمير فاعلی <يخرج>، ممکن است به <الانسان> در دو آیه قبل برگردد، در این احتمال مراد از <ماء دافق> نطفه مرد و مراد از جمله <يخرج..>،

تولّد نوزاد خواهد بود و <من بين الصلب و الترائب>، اشاره به جایگاه رحم است که بین قسمت های جلو و پشت مادر می باشد.

علم به جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۸ - ۲،۴،۱۰

۲ خداوند ، به آنچه رحم زنان و مادینه ها برای جنین جذب می کنند آگاه است .

الله يعلم .. ما تغيض الأرحام

<غیض> به معنای کاستن و فرو بردن است که به مناسبت مورد از آن به جذب کردن تعبیر شد. و چون سخن جمله قبل درباره جنین بود معلوم می شود مقصود از آنچه رحماها جذب می کنند، جذبهایی است که در ارتباط با جنین می باشد چه آنها که در پیدایش جنین دخیل است و چه آنها که مایه رشد و نمو جنین می باشد.

۴ خداوند به نطفه هایی که رحم زنان و مادینه ها به خود جذب می کنند تا جنین شود ، آگاه است .

الله يعلم ما تحمل كل أنثى و ما تغيض الأرحام

۱۰ > عن محمد بن مسلم قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله : < يعلم ما تحمل كل أنثى و ما تغيض الأرحام > ؟ قال : ما لم يكن حملاً ، > و ما تزدد < قال : الذكر و الأنثى جميعاً ؛

محمد بن مسلم گوید از امام صادق (ع) درباره سخن خدا: <يعلم ما تحمل كل أنثى و ما تغيض الأرحام> سؤال کردم، حضرت فرمود: [مراد از ما تغيض الأرحام] چیزی است که حمل نباشد و در مورد <و ما تزدد> فرمود: پسر و دختر هر دو می باشد.<

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۴،۹

۴ - تنها خداوند ، از وضعیت جنین در رحم مادر ، آگاهی همه جانبه دارد .

إِنَّ اللَّهَ .. و يعلم ما فى الأرحام

۹ - آگاهی خدا به لحظه قیامت ، و حقایق مربوط به جنین و آینده هر انسان ، نمودی از علم گسترده وی است .

إِنَّ اللَّهَ عنده علم الساعة .. إِنَّ اللَّهَ علیم خبیر

علم به رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ - آگاهی به روند پیدایش میوه ها و تکوین و تولد جنین ، مقتضای ربوبیت الهی است .

و ما ربك .. و ما تخرج ... إلا بعلمه

علم به ویژگیهای جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۸ - ۱

۱ خداوند ، از ویژگی های جنین هر زن و مادینه ای آگاه است .

الله يعلم ما تحمل كل أنثی

مراد از <ما> به قرینه <تحمل كل أنثی> جنین است . <أنثی> به هر جنس ماده از انسان (زن) و غیر انسان (مادینه) گفته می شود .

علم خدا به جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۱ - ۹

۹ - احاطه علمی خداوند بر باردار شدن زنان و نیز بر نوزادان آنها

و ما تحمل من أنثى و لاتضع إلا بعلمه

عوامل رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۴

۱۴ - تأثیر تاریکی شکم مادران ، در

رشد جنین و نطفه انسان

يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ... فِي ظِلْمَتٍ ثَلَاثٍ

تعبیر ظلمات از بچه دان، رحم و شکم، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

قانونمندی رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۱

۱ - رشد جنین از آغاز تا کامل شدن خلقت وی ، با محاسبات و اندازه گیری های دقیق از سوی خداوند همراه است .

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ .. فَقَدَرْنَا

عبارت <فقدرنا>، می تواند عطف بر <جعلناه فی قرار..> و یا متفرع بر آن باشد. در صورت اول، مفاد آیه چنین می شود: پس از این که نطفه را برای مدتی معین در رحم قرار دادیم، به اندازه گیری آن پرداختیم؛ یعنی، با محاسبات و اندازه گیری های دقیق، نطفه را در رحم رشد می دهیم تا آن گاه که انسانی تام و کامل گردد.

مدت استقرار جنین در رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۳، ۱۴، ۱۵

۱۳- زمان استقرار هر جنین در رحم ، مدتی مشخص و از پیش تعیین شده است .

و نَقَرَّ فِي الْأَرْحَامِ .. إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى

۱۴- سقط شدن برخی از جنین ها و استقرار برخی دیگر در رحم و نیز مشخص بودن مدت هر جنین در آن ، جلوه هایی از مشیت مطلق و اراده بلامنازع خدا

و نَقَرَّ فِي الْأَرْحَامِ .. إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نَخْرُجُكُمْ

۱۵- وجود فاصله زمانی میان پایان یافتن مراحل رشد جنین در رحم و فرا رسیدن زمان زایمان

و نَقَرَّ فِي الْأَرْحَامِ .. إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نَخْرُجُكُمْ

عطف <نخرج> بر

<نقرّ.. إلى أجل مسمّي> به وسیله <ثمّ> که برای تراخی در زمان است می رساند که جنین پس از این که مراحل رشد خود را در رحم به پایان رساند، باید مدتی دیگر در رحم بماند تا زمان زایمان فرا برسد.

مراحل رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - مخفی ترین دوره رشد و پیدایش انسان (دوره جنین) ، آشکار و نمایان در پیشگاه خداوند

هو أعلم بکم .. و إذ أنتم أجنه فی بطون أمهتکم

مراحل شکل گیری جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۸ - ۲

۲ - مرحله اصلی شکل گیری فرزند ، پس از علقه شدن (تبدیل منی به خون بسته) است .

الم یک نطفه .. ثم کان علقه

<فاء> در <فخلق> برای ترتیب است. مترتب کردن خلقت انسان بر <علقه> با آن که <علقه> جزئی از مراحل آفرینش بشر است می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

مکان جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۱

۱۱- رحم زنان ، قرارگاه جنین

و نقرّ فی الأرحام مانشاء

مکان رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شکم مادران ، بستر مناسب رشد جنین و تکامل نطفه انسان .

يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظِلْمٍ ثَلَاثَ

تصریح به آفرینش انسان در شکم مادران، می تواند گویای مطلب بالا باشد.

منشأ امنیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۲

۱۲- استقرار جنین در رحم و مصونیت آن از سقط شدن ، در گرو مشیت و اراده خدا است .

و نقرّ فی الأرحام مانشاء

منشأ تعیین جنسیت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - دختر یا پسر بودن جنین ، تابع قوانین جاری خداوند در آفرینش است .

لله ملك السموت ... یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء إنثا ... الذکور

ارتباط بین بخش های آیه شریفه (<مالکیت یگانه خدا بر هستی>، <مشیت در آفرینش> و <مشیت در جنسیت جنین>) می فهماند که میان مالکیت خدا بر کل هستی و مشیت او در آفرینش، ارتباط است که واژه <قانون> می تواند بیانگر آن باشد.

منشأ رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۸

۸ - تحولات پیچیده شکوفه ها و جنین ، بنا به مقتضای علم و حکمت خداوندی است .

و ما تخرج من ثمرت من أکمامها .. إلا بعلمه

چنانچه <باء> در <بعلمه> برای سببیت باشد، مفاد آیه شریفه، این خواهد بود که همه این رخدادها براساس علم الهی است.

نفخ روح در جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۵

۵ - پیدایش حقیقتی روحانی و غیر مادی ، پس از مرحله شکل گیری کامل جنین

فكسونا العظم لحمًا ثم أنشأناه خلقًا آخر

<إنشاء> (مصدر <أنشأنا>) به معنای پدید آوردن است؛ ولی چون در این جا به دو

مفعول متعدی شده است، به معنای تصییر (از صورتی به صورتی دیگر در آوردن) می باشد. ضمیر <ه> در <أنشأناه> به مضمون <فكسونا العظام لحماً> (مرحله شکل گیری کامل جنین) باز می گردد.

نقش رشد جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۱۷

۱۷ - تأثیرات ناخواسته دوره جنینی در شخصیت انسان ، عامل خطاپوشی و مغفرت الهی ، نسبت به وی *

إِنَّ رَبَّكَ وَسِعَ الْمَغْفِرَةَ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ .. و إِذْ أَنْتُمْ أَجْنَّةٌ فِي بَطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ

عبارت <إِذْ أَنْتُمْ أَجْنَّةٌ..> می تواند توضیح و تعلیل برای <إِنَّ رَبَّكَ وَسِعَ الْمَغْفِرَةَ> باشد. بدین معنا که انسان در دوره جنین، خواه ناخواه تأثیراتی می پذیرد و آثار آن بر خداوند نمایان و آشکار است. از این رو خداوند با عفو و اغماض با او برخورد می کند.

وقت تشخیص جنسیت جنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۶ - ۵

۵ - مشخص شدن جنسیت (نر و ماده بودن) ، پس از استقرار نطفه در رحم

و أَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى . مِنْ نَظْفِهِ إِذَا تَمَنَّى

وصف <إذا تمنى>، می تواند بیانگر این معنا باشد که نوع زوجین و جنسیت آنها، پس از جریان نطفه و استقرار در رحم صورت می گیرد.

جو از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جو

تهدید کافران بهانه جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل كفى بالله شهيداً بيني و بينكم

تذکر خداوند

به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

تهدید مشرکان بهانه جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل كفى بالله شهيداً بيني و بينكم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

جو آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۱،۴

۱- لزوم اندیشیدن انسان ها در کیفیت پرواز پرندگان در جو آسمان و قوانین حاکم بر آن

ألم يروا إلى الطير مسخرت في جو السماء

<رؤیت> که به معنای دیدن با چشم است، هر گاه با <إلى> متعدی شود، متضمن معنای نظر و دقت می شود.

۴- پرواز پرندگان در جو آسمان بدون سقوط بر زمین ، از نشانه های قدرت خداوند است .

ألم يروا إلى الطير مسخرت في جو السماء ما يمسكهن إلا الله

رویش جو از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۲

۲ - رویش انواع دانه ها (چون گندم ، جو ، برنج و ...) از زمین ، نشانه ای بزرگ از قدرت خدا است .

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها و أخرجنا منها حباً

مقصود از <حَبِّ> در آیه شریفه، جنسِ <حَبِّ> و به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و ..) است و نکره آمدن آن

با توجه به این که آیه شریفه در مقام برشمردن نعمت های الهی و امتنان است گویای همین نکته است.

فواید جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۶

۶ - خداوند ، حبوبات (گندم ، جو ، برنج و ...) را به منظور تغذیه انسان ها آفریده است .

و أخرجنا منها حبًّا فمَنه يَأْكُلون

نعمت جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۷

۷ - دانه هایی چون گندم ، جو ، برنج و ... ، از مهم ترین خوردنی ها و نعمت های الهی برای بشر است .

و أخرجنا منها حبًّا فمَنه يَأْكُلون

تقدیم جار و مجرور (فمنه) بر متعلق خود (یأكلون)، می تواند برای اهتمام و نیز توجه دادن انسان ها به این نعمت ارزشمند الهی باشد.

جوامع از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جوامع

تأمین مصالح جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۵

۵- ادیان الهی ، در جهت تأمین خیر و صلاح جامعه بشری است .

الذین كفروا .. بما كانوا يفسدون

بازگشت معنای <افساد> به این است که: انسان خیری را از میان ببرد و یا از تحقق خیری مانع شود. بنابراین مبارزه ادیان الهی با مفسدان، در حقیقت دفاع از خیر و صلاح در جامعه است.

تجاوزگری جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۵

۵ - فزون طلبی و تجاوزگری ، آفت شایع و رایج در میان جوامع انسانی

و ما تفرقوا إلاّ .

.. بَعْيًا بَيْنَهُمْ

از این که تمامی پیروان ادیان پیشین به واسطه تجاوزگری دچار اختلاف شده اند، شیوع و رواج آن استفاده می شود.

جوامع تحت امر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۳

۳ جوامعی که به پندار اجرای فرمان خدا به رسوم ناروای نیاکان خویش پایبندند، جوامعی تحت نفوذ شیاطین می باشند.

إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ .. اللَّهُ أَمْرُنَا بِهَا

جمله <إِذَا فَعَلُوا .. > عطف بر <لَا- يُؤْمِنُونَ> است و در حقیقت صله برای <الذین> می باشد. یعنی: إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحْشَهُ

جوامع کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها .. قالوا إِنَّا بَمَا أُرْسَلْتُمْ بِهِ كُفْرُونَ

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

جوامع مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۵ - ۱

۱- جامعه اصحاب کهف ، جامعه ای مشرک و معتقد به معبودهایی متعدّد بود .

هؤلَاءِ قَوْمِنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ ءَالِهَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و

قال مترفوها .. قالوا إنا بما أرسلتم به كفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

جوامع مکذب آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۷ - ۱

۱ حالت جوامع تکذیب کننده آیات الهی ، حالتی شوم است .

ساء مثلاً القوم الذين كذبوا بآيتنا

جوامع منحرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۶

۶ هشدار و تهدید الهی نسبت به جوامع منحرف و زشتکردار

قل إنما حرم ربي الفواحش .. و لكل أمه أجل

حاکمیت خدا بر جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۵

۵ - تاریخ ، دربردارنده نمونه هایی آشکار از سیطره خداوند بر سرنوشت جامعه ها است .

ألم تر كيف .. فصّب عليهم ربك سوط عذاب

حسابرسی جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۵

۵ - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حساباً شديداً و عذبنها عذاباً نكراً

<نکر> (مرادف <منکر>) به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

حقوق جوامع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیوار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیوارکم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

حمایت از جوامع دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - خدا ، حامی و مدافع مراکز دینی و جوامع الهی

و لولا دفع الله ... لهدمت صومع ... و مسجد

حیات جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

خطر انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۲

۱۲ خطر انقراض و نابودی نسل یک جامعه، هشدار خداوند به جوامع کافر ستم پیشه

إن یشأ ینهبکم .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخیرین

زمینه اعتماد جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۶

۶ - ایمان ، زمینه ساز اعتماد افراد جامعه اسلامی نسبت به

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خيرًا و قالوا هذا إفك مبين

توصیف مردان و زنان صدراسلام به <ایمان>، حکایت از این حقیقت دارد که ایمان و دین داری با بی اعتمادی و بدگمانی سازگاری ندارد و هر جا ایمان حقیقی وجود داشته باشد، اعتماد و حسن ظن هم وجود خواهد داشت. آیه <يعظكم الله أن تعودوا لمثله أبدأ إن كنتم مؤمنين> نیز، تأیید کننده همین برداشت است.

زمینه عذاب جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۵

۵- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدينة . . . قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلن

زمینه کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم أهلکنا . . . و کفی برئک بذنوب عباده خیرًا بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۳

۳ - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و

دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت و بال أمرها و کان عقبه أمرها خسرا

زمینه کیفر جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۲

۱۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و

آگاهی است .

و کم أهلکنا ... و کفی بر بک بذنوب عباده خیرا بصیرا

زمینه هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۵

۵- جوامع مبتلا به انحرافات جنسی و همجنس بازی ، در معرض نابودی و عذاب الهی

و جاء أهل المدینه ... قال إن هؤلاء ضیفی فلاتفضحون ... فأخذتهم الصیحه ... فجعلن

زیانکاری جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۲،۳

۲ - جوامعی که از فرمان های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان عقبه أمرها خسرا

۳ - جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و

دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسرا

شخصیت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمة قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

شناخت عوامل انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهی صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجینه

... و جعلنهم خائف و أغرقنا الذين كذبوا بآيتنا فانظر كيف كان عقبه المنذر

شناخت عوامل رشد جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه ، در جهت دهی صحیح به حرکت های اجتماعی ، نقش مؤثر دارد .

فنجینه ... و جعلنهم خائف و أغرقنا الذين كذبوا بآيتنا فانظر كيف كان عقبه المنذر

عذاب جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۵

۵ - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حساباً شديداً و عذّبناها عذاباً نكراً

<نکر> (مرادف <منکر>) به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

عذاب جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- عذاب جامعه فسادگر ، آن چنان شدید است که مایه نابودی و هدم کامل آن می شود .

فسقوا فيها فحقّ عليها القول فدمرناها تدميراً

عوامل انحطاط جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۵

۵- نقش مؤثر و محوری رهبران و سردمداران فاسد در سقوط و نابودی ملت ها و جامعه های بشری

ألم تر إلى الذين . . . و أحلّوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۷

۷- جامعه های گرفتار بی بند و

باری جنسی (بی عفتی و زناکاری) ، در معرض زوال و نابودی است .

و لولا فضل الله عليكم و رحمته و ان الله تواب حكيم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <و لولا فضل الله عليكم..> به تقدیر <و لولا فضل الله عليكم...> لاختل نظام حیاتکم و لهلکتکم باشد، یعنی، <اگر فضل و رحمت خدا نبود ... نظام زندگی شما با وجود همه فساد و بی بند و باری از هم می پاشید و شما نابود می شدید.>

عوامل انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۹

۹ کفر موجب هلاکت بسیاری از جوامع گذشته، در عین قدرتمندتر بودن آنها از کافران عصر پیامبر(ص)

ألم يروا كم أهلكننا من قبلهم من قرن مكنهم فى الأرض ما لم نمكن لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۷ - ۵

۵ ظلم موجب نابودی و هلاکت اقوام است.

هل يهلك إلا القوم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۸ - ۵

۵- نقش مؤثر و محوری رهبران و سردمداران فاسد در سقوط و نابودی ملت ها و جامعه های بشری

ألم تر إلى الذين .. و أحلوا قومهم دار البوار

عوامل بقای جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۶ - ۴

۴- ایمان ، دارای تأثیر در حفظ و بقای جوامع و تمدن های بشری است .

ماءامنت قبلهم من قریه أهلکنها

عوامل نابودی جوامع

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۸

۸ شرک‌ورزی و مخالفت با تعالیم و توصیه‌های پیامبران، از عوامل مهم نابودی جامعه‌ها و تحولات تاریخ و دگرگونی‌های آن است.

فإن تولّوا .. يستخلف ربی قوماً غیر کم

عوامل هدایت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ شناخت تاریخ و عوامل پیشرفت و انقراض جامعه، در جهت‌دهی صحیح به حرکت‌های اجتماعی، نقش مؤثر دارد.

فنجینه .. و جعلنهم خلف و أغرقتنا الذین کذبوا بآیتنا فانظر کیف کان عقبه المنذر

عوامل هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۵

۵ ارتکاب ظلم و گناه در عین آگاهی، موجب هلاکت جامعه می‌شود.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و أهلها غفلون

جمله <و أهلها غفلون>، یعنی خداوند جامعه ستمکاری را که اهل آن از تعالیم انبیا غافل بوده‌اند و پیام آنان را دریافت نکرده‌باشند، هلاک نمی‌کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱،۶

۱- فسق و گناه برخورداران از مکتب و ثروتمندان هر جامعه، عامل هلاکت و نابودی آن جامعه است.

و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفها ففسقوا فيها

<مترف> از واژه <ترفه> گرفته شده و <ترفه> هم به معنای روزی و نعمت فراوان است (مفردات راغب).

۶- افزایش تعداد مترفان و ثروتمندان فاسق و تبهکار در جامعه، از عوامل هلاکت و نابودی آن جامعه براساس

و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

برخی برآنند <أمرنا> به معنای <کثرنا> (فزونی دادیم) است (مفردات راغب) که بر اساس آن، مراد از <أمرنا مترفيها> افزایش مترفان در جامعه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۰، ۵، ۱

۱- جوامع و ملت های بسیاری پس از دوران نوح (ع) در نتیجه فسق و گناه و به اراده خداوند نابود شدند .

فسقوا .. و کم أهلکنا من القرون

<قرن> (مفرد قرون) به معنای قومی است که نزدیک به یک زمان و در یک عصر زندگی می کنند (مفردات راغب).

۵- بسیاری از جوامع و ملل پس از حضرت نوح (ع) بر اثر وجود مترفان فاسق و تبهکار در میان آنان ، به هلاکت و نابودی دچار شدند .

و إذا أردنا أن نهلك قرية أمرنا مترفيها ففسقوا فيها .. و کم أهلکنا من القرون من

۱۰- گناه ، عامل اصلی هلاکت جوامع بشری است .

کم أهلکنا من القرون .. و کفی برّبک بذنوب عباده خبیراً بصیراً

فرجام جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۳، ۲، ۱

۱ - بسیاری از جوامع انسانی ، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند .

و کأین من قرية عتت عن أمر ربّها .. فذاقت وبال أمرها

<وبال> به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

های خدا و پیامبران سرباز زدند ، به فرجامی خسارت بار گرفتار شدند .

و کان عقبه أمرها خسراً

۳- جوامع عصیانگر و متمرّد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت و بال أمرها و کان عقبه أمرها خسراً

قانونمندی جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۸

۸- جامعه و تحولات آن ، دارای سنت و قانونمندی مشخصی است .

و إذا أردنا أن نهلك .. ففسقوا فيها ... فدمرنا

<قریه> در لغت به معنای مجتمع انسانی است (مفردات راغب). اینکه خداوند می فرماید: <وقتی ثروتمندان و مرفهین جامعه فاسق شدند، سخن ما درباره آنان قطعی می شود> (فحقّ علیها القول)؛ حکایت از آن دارد که تحولات جامعه، دارای قانون مشخصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۶

۶- اعلام یکسان بودن رفتار امت ها در برخورد با آیات الهی و تعمیم عکس العمل پیشینیان به نسل های بعد ، برخواسته از اشراف و احاطه خداوند به همه انسانهاست .

و ما منعنا أن نرسل بالآیت إلا أن کذب بها الأولون .. إن ربّک أحوط بالناس

خداوند، رفتار معجزه طلبان پیشین با معجزه خواهان بعدی را یکسان تلقی کرده و برخورد خود را به همه آنها تعمیم داده است و این آیه، در مقام تعلیل آن می فرماید: <پروردگار به مردم احاطه دارد>.

کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بسیاری از جوامع انسانی ، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند .

و کأین من قریه عنت عن أمر ربّها.. فذاقت وبال أمرها

<وبال> به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

محرومیت جوامع دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۳ - ۲

۲ - عدم دسترسی جوامع هم عصر موسی (ع) به تعالیم آسمانی ، بر اثر انقراض نسل های پیشین

و لقد ءاتینا موسی الکتب من بعد ما أهلكنا القرون الأولى

قید <من بعد ما أهلكنا..> می رساند که با انقراض نسل های پیشین، تعلیمات پیامبران قبل نیز از میان رفته بود و مردم عصر موسی(ع) به کلی از آموزه های آنان فاصله گرفته بودند.

مرگ جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

منشأ انقراض جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۲۱

۲۱ پیدایش و انقراض تمدنها، تحت اراده و سیطره الهی

ألم یروا کم أهلكنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض ..

فَأَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنَآءَ آخِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۶

۶- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع بشری و روند آن را دگرگون می سازد .

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ مَجْرَمِينَ ... وَ قَضَيْنَا ... أَن دَابِرَ هُوَآءٍ مَّقْطُوعِ

منشأ پیدایش جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۸

۱۸ خداوند جایگزین کننده ملت‌هایی به جای ملت‌های هلاک شده پیشین

فَأَهْلَكْنَاهُمْ بَدْنِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنَآءَ آخِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۳

۳ - حاکمیت اراده خدا ، در شکل گیری و نیز نابودی جوامع بشری

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنَآءَ آخِرِينَ

منشأ سرنوشت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۵

۵ - تحولات تاریخ بشر و سرنوشت اقوام و جوامع ، به دست خداوند است .

فَعَلِ رَبِّكَ

منشأ هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۵

۵- تحولات تاریخ و نابود شدن جوامع و تمدن ها ، وابسته به اراده الهی است .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۳

۳ - حاکمیت اراده خدا ، در شکل گیری و نیز نابودی جوامع بشری

ثم أنشأنا من بعدهم قرناً اخرین

مؤمنان در جوامع ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - حضور مؤمنان در بین کافران و ظالمان ، بلایی سخت و رهایی از آن لطفی بزرگ و الهی

فقل الحمد لله الذي نجنا من القوم الظلمين

هلاکت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۲،۴

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم

<بظلم> می تواند حال برای <ربک> باشد. در این صورت معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

۴ خداوند مردم جامعه ای را که از روی غفلت و ناآگاهی ستم کنند، به عذاب دنیوی ناپود نمی کند.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و أهلها غفلون

برای جار و مجرور <بظلم> متعلقهای مختلفی می توان در نظر گرفت، از آن جمله اینکه متعلق به <مهلک> باشد. یعنی: <مهلک القرى بسبب ظلم>. برداشت فوق بر این اساس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۸،۹،۱۴

۱۸ اگر خداوند بخواهد مردم ستمگر و کافر را ناپود می کند و نسلهای دیگری را جانشین آنان می سازد.

إن یشأ یدهبکم و یتخلف من بعدکم ما یشاء

۹ اگر خداوند بخواهد نسلی از آدمیان را قبل از موعد طبیعی خود ناپود می سازد و نسلهای دیگری را جایگزین آن می کند.

إن یشأ یدهبکم و یتخلف من بعدکم ما یشاء

چون آمد و شد نسلها امری عادی

و طبیعی است، جمله <إن یشأ .. > باید بیان امری خلاف عادت و سیر طبیعی باشد. از موارد محتمل آن است که نسلی قبل از درنگ عادی خود از صحنه تاریخ حذف و نابود گردد.

۱۴ پدید آوردن نسلها و جوامع موجود به جای اقوام پیشین، نشان قدرت الهی بر نابود ساختن جوامع ستم پیشه

إن یشأ یدهبکم .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخیرین

هلاکت جوامع قبل از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۱

۱- تمامی شهرها و تمدن‌ها و جوامع بشری، قبل از قیامت، توسط خداوند یا به کلی نابود و یا به وسیله عذابی، به ویرانی کشیده خواهد شد.

و إن من قریه إلا نحن مهلكوها قبل یوم القیمه

<قریه> در لغت به معنای مجتمع و محل سکونت است و بر اعم از روستا و شهر اطلاق می شود (برگرفته از لسان العرب).

هلاکت جوامع ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۸

۸ سنت خداوند، نابود ساختن جوامع ظالم قبل از فرستادن پیامبران و اتمام حجت نیست.

ألم یأتکم رسل منکم .. ذلک أن لم یکن ربک مهلك القری بظلم و أهلها غفلون

هلاکت جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۷ - ۱۱

۱۱- نابودی جوامع عصیانگر، توسط خداوند، عالمانه و بر اساس بصیرت است.

و کم أهلکنا .. و کفی برّبک .. خیرًا بصیرًا

هلاکت جوامع فاسد

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۸

۸- خداوند با نابود ساختن جوامع غوطهور در فساد و تباهی ، صحنه جوامع و روند آن را دگرگون می سازد .

و جاء أهل المدينة يستبشرون .. قال هؤلاء بناتی إن کتتم فعلین ... فأخذتهم الصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- عذاب جامعه فسادگر ، آن چنان شدید است که مایه نابودی و هدم کامل آن می شود .

فسقوا فیها فحقّ علیها القول فدمرناها تدمیراً

جوانان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جوانان

اهمیت جوانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۹

۹ جوانان و میانسالان مردم مدین ، مخاطبان اصلی شعیب (ع) در ابلاغ معارف الهی به آنان

أن نترك ما یعبء اباؤنا

فعل مضارع < یعبء > حاکی است که مقصود از < اباؤنا > تنها نسلهای پیشین مخاطبان نیست ؛ بلکه پدران فعلی آنان که زنده هستند نیز مورد نظر می باشد. بنابراین مخاطبان طبعاً جوانان و میانسالان خواهند بود.

جوانان اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۹

۹ جوانان و میانسالان مردم مدین ، مخاطبان اصلی شعیب (ع) در ابلاغ معارف الهی به آنان

أَنْ تَتْرَكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا

فعل مضارع <يعبد> حاکی است که مقصود از <آباؤنا> تنها نسلهای پیشین مخاطبان نیست؛ بلکه پدران فعلی آنان که زنده هستند نیز مورد نظر می باشد. بنابراین مخاطبان طبعاً جوانان و میانسالان خواهند بود.

جوانان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

۱۰ جوانان و میانسالان قوم ثمود ، مخاطبان اصلی حضرت صالح (ع) در دعوت به توحید و یکتاپرستی

أَتْنَهْنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

فعل مضارع <يعبد> گویای این است که مخاطبان صالح ، کسانی اند که پدرانشان زنده بودند و به پرستش خدایان مشغول بودند.

جوانان مؤمن بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۳ - ۳

۳ مؤمنان و گرویدگان به موسی (ع) ، همگی از قشر جوان بنی اسرائیل بودند .

فما ءامن لموسى إلا ذرية من قومه

<ذریه> به معنای <ابناء و اولاد> به کار می رود، با توجه به جو وحشت و ارباب که فرعون در میان بنی اسرائیل به وجود آورده بود و معمولاً در چنین شرایطی پیران به حکم مصلحت اندیشی کنار می کشند، می توان گفت که مراد از <ذریه>، جوانان بنی اسرائیل است.

جوانمردی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جوانمردی

جوانمردی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱۸، ۱۶، ۲

۲- حرکت اصحاب کهف به سوی غار ، حرکتی جوانمردانه و در جهت کسب ارزش ها بود .

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ فَعَالُوا رَبَّنَا

<فتیه> جمع <فتی> به معنای جوانان است. کاربرد این کلمه درباره اصحاب کهف، ممکن است به جهت جوانی اصحاب کهف از نظر سنی باشد. و محتمل است که عنایت به اوصاف جوانمردانه آنان، اشاره باشد. برداشت بالا، ناظر به احتمال دوم

است.

۱۶- حرکت جوانمردانه اصحاب کهف در جهت حفظ ایمان ، نمونه ای از برترین عمل های ارزشی است .

أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا .. إِذْ أَوَى الْفِتْيَةَ إِلَى الْكَهْفِ

در

آیات پیشین، مشخص شد که <أحسن عملاً> به عنوان هدف آفرینش موهبت های زمین بیان گردید و ذکر داستان اصحاب کهف در پی بیان آن غایت و فلسفه، بیان مصداقی از <أحسن عملاً> است.

۱۸- <عن أبي عبد الله (ع) : . . . ان أصحاب الكهف كانوا شیوخاً فسماهم الله عزوجل فتیه بایمانهم /

از امام صادق (ع) روایت شده که: اصحاب کهف، سال مند بودند و خدا، آنان را به خاطر ایمان شان، جوان (جوانمرد) نامید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۳ - ۷

۷- اصحاب کهف ، جوانمردانی مؤمن به پروردگار خویش و بهره مند از هدایت افزون الهی بودند .

انهم فتیه ءامنوا برّبهم و زدنهم هدی

جوانمردی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱، ۱۲

۱۱ یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون .. إلا قليلاً مما تأكلون

۱۲ یوسف (ع) ، شخصیتی با گذشت ، جوانمرد و بزرگوار

أفتنا .. قال تزرعون

یوسف (ع) علی رغم ستم دیدن از دستگاه حکومتی و زندانی شدن بدون هیچ جرم و خطایی، دانش انحصاری خویش را بدون هیچ پیش شرطی در اختیار آن دستگاه قرار داد. این عملکرد در شرایط مذکور بیانگر شخصیت والای یوسف (ع) و بهره مندی او از بزرگواری و جوانمردی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج

کرامت و آزادگی

قال الملك ائتونی به .. فسله ما بال النسوه التی قطعن أیدیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزّه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف (ع)

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) ، انسانی با گذشت ، جوانمرد و به دور از انتقام جویی بود .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۲،۳

۲ یوسف (ع) انسانی با گذشت و بدور از خصلت انتقام جویی

قال لاثریب علیکم

۳ یوسف (ع) نه تنها برادرانش را عقوبت نکرد ، بلکه از سرزنش آنان نیز پرهیز نمود .

لاثریب علیکم

<تثریب> به معنای ملامت کردن و سرزنش نمودن به گناه است (برگرفته شده از لسان العرب).

موارد جوانمردی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- گذشت از خانه و كاشانه ، به خاطر حفظ ايمان ، جوانمردی و ارزشی والا است .

إذ أوى الفتية إلى الكهف فقالوا ربنا

یاد کردن از كسانی که به جهت حفظ ايمان، خانه و كاشانه خویش را ترك کرده اند، با عنوان <الفتیه> (جوانمردان) در جایی که استفاده از ضمیر نیز ممکن بود، بیان کننده این حقیقت است که گذشت از خانه و كاشانه، جوانمردی

و ارزش است.

۵- هجرت و گریز از محیط فاسد، به منظور حفظ ایمان و ارزش ها، کاری جوانمردانه و مورد تمجید خداوند است.

إذ أوى الفتية إلى الكهف

جوانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جوانی

آثار جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۴

۴ - آغاز جوانی، شروع تکامل و رشد قوای جسمی و عقلی، و آغاز پیری، اول سستی و سیر نزولی آن قوا است.

و من نعمره ننكسه في الخلق

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، دوران پیری را از نظر قوای جسمی و عقلی، مانند دوران طفولیت دانسته است. بنابراین لازمه این سخن، مطلبی است که در برداشت بالا آمده است.

ارزش ایمان در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۳

۳- ایمان و عمل در دوران جوانی، بسیار ارزشمند و سزاوار تقدیر است.

إذ أوى الفتية إلى الكهف

تصریح آیه شریف به جوان بودن اصحاب کهف بر این مبنا که <فتیه> به معنای جوانان به لحاظ سنی باشد گویای ارزش ایمان و عمل بر مبنای آن در سنین جوانی است؛ زیرا، قرآن مجید، در نقل قصص خود، به اوصاف شخصی و سنی و جغرافیایی نمی پردازد مگر این که پیام و نکته ای را دربرداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ايمانِ جوانان ، داراي ارزش و اهميتي خاص *

انهم فتية ءامنوا برّهم

تأکید آیه بر <فتیه> بودن اصحاب كهف، ممكن است به لحاظ سنی آنان

باشد که در این صورت، برجسته کردن و تصریح بر این خصیصه، بیان کننده ارزش ایمان در سال های جوانی است.

ارزش عمل در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۳

۳- ایمان و عمل در دوران جوانی ، بسیار ارزشمند و سزاوار تقدیر است .

إذ أوى الفتية إلى الكهف

تصریح آیه شریف به جوان بودن اصحاب کهف بر این مبنا که <فتیه> به معنای جوانان به لحاظ سنی باشد گویای ارزش ایمان و عمل بر مبنای آن در سنین جوانی است؛ زیرا، قرآن مجید، در نقل قصص خود، به اوصاف شخصی و سنی و جغرافیایی نمی پردازد مگر این که پیام و نکته ای را دربرداشته باشد.

پایان دوران جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۸

۱۸- پایان اوج مرحله جوانی (بلوغ الأشد) ، نقطه آغازین منحنی نزول است . و سرانجام مرحله پیری (أرذل العمر) ، نقطه پایانی این منحنی در زندگی انسان می باشد .

فإنّا خلقنكم من تراب. .. ثمّ لتبلغوا أشدّكم... لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً

تداوم جوانی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۹ - ۲

۲ - جوانان خدمت گزار بهشتی ، در جوانیشان جاودان بوده و گرد پیری هرگز بر رخسار آنان نمی نشیند .

و يطوف عليهم ولدن مخلدون

مقصود از جاودانگی در <مخلدون> (جاودانگان)، هم می تواند جاودانگی جوانی باشد و هم می تواند اشاره به ملازمت

گزارای پیوسته به آنان باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

تربیت در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۵

۵ - جوانی ، بهترین و مفیدترین دوران زندگی برای تربیت و رشد جسمی و عقلی انسان

و من نعمه ننگسه فی الخلق

جوانی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۰ - ۲

۲- ابراهیم (ع) در دوران جوانی ، بت ها را در هم شکست و مبارزه با بت پرستی را آغاز کرد .

قالوا سمعنا فتی یدکرهم

جوانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حسیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب .. لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً ... ذلک بأنّ الله هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۷،۸

۷- منحنی صعود انسان در حیات دنیوی ، از طفولیت آغاز می شود و در نقطه اوج جوانی پایان می پذیرد .

ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شِوْخًا

۸- پایان اوج مرحله جوانی (بلوغ اشد) نقطه آغاز منحنی نزول و سرانجام مرحله پیری ، نقطه پایان این

منحنی در زندگی انسان است .

ثُمَّ لَتَبْلَغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شَبِيحًا .. لَتَبْلَغُوا أَجَلًا مَسْمًى

جوانی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۲

۲ - در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه در سن و سال برابراند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أُتْرَابًا

<تَرْب> (مفرد <أُتْرَاب>) به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۱،۶

۱ - تقوایپیشگان در بهشت ، بهره مند از حوریانی نارس و نار پستان

کواعب

<کاعب> (مفرد <کواعب>) به زنی گفته می شود که پستان هایش برجسته شده باشد. (لسان العرب)

۶ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله ... > و کواعب أتراباً > أي الفتيات الناهدات ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند .. > و کواعب أتراباً > روایت شده که فرمود: یعنی دختران نوجوانی که پستان های آنان برآمده است > .

جوانی خدمتکاران بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۷ - ۲

۲ - جوانان خدمت گذار بهشتی ، همواره جوان بوده و هرگز گرد پیری بر رخسار آنان نمی نشیند .

یطوف علیهم ولدن مخلصون

جوانی موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۱،۲،۳

۱ - سپری شدن دوران کودکی و نوجوانی موسی (ع) و رسیدن او

به مرحله جوانی ، بی هیچ حادثه درخور بیان

فرددنه إلى أمه .. و لما بلغ أشده و استوی

تعبیر <بلغ أشده> کنایه از رسیدن شخص به دوره جوانی است؛ زیرا نوعاً بلوغ فکری انسان هم زمان با رسیدن وی به مرحله جوانی است. بنابراین پرداختن قرآن به حوادث روزگار جوانی موسی (ع) و بعد از آن و مسکوت گذاشتن دوران پیش از جوانی (کودکی و نوجوانی)، نشانگر آن است که کودکی و نوجوانی او در کمال آرامش سپری شده بود و در این مدت حادثه ای درخور بیان برای وی روی نداده بود.

۲- اعطای حکمت و دانشی گسترده از سوی خدا به موسی (ع) هم زمان با رسیدن او به مرحله جوانی

و لما بلغ أشده و استوی ءاتینه حکماً و علماً

نکره آمدن <حکماً> و <علماً> بیانگر عظمت حکمت و دانشی است که از سوی خدا به موسی (ع) داده شده بود.

۳- موسی (ع) برخوردار از اعتدال جسمی همراه با قوت فکری در عنفوان جوانی

و لما بلغ أشده و استوی

ظاهر این است که جمله <بلغ أشده> اشاره به توان فکری موسی (ع) و عبارت <و استوی> اشاره به توان جسمی او باشد. گفتنی است که <أشده> معادل <قوته> و <استوی> به معنای <اعتدل> می باشد.

جوانی یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۲۴،۶

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی ، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت .

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت

و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود؛ زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۴ یوسف (ع) در سن جوانی، به قضاوت و داوری میان مردم توانا بود.

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً

برخی از مفسران، <حکم> را به دانش معارف الهی، احکام شریعت، حکمت و قضاوت میان مردم تفسیر کرده اند و مراد از <علم> را، دانش تعبیر رؤیایها، تحلیل حوادث و درک مصالح و مفسد دانسته اند.

۶ یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد، به مقام نبوت نایل گردید.

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً

برداشت فوق، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت، تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ یوسف (ع) در عنفوان جوانی، انسانی موحد، مطیع و فرمانبردار خدا و در اوج تقوا و پرهیزگاری بود.

معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف -

۶ یوسف (ع)، در عنفوان جوانی از ارتکاب هر گناه کوچک و بزرگی، مصون و معصوم بود.

كذلك لنصرف عنه السوء و الفحشاء إنه من عبادنا المخلصين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۰ - ۶

۶ شیفتگی زلیخا به یوسف (ع) و داستان مراوده او، در عنفوان جوانی یوسف (ع) بود.

ترود فتیها عن نفسه قد شغفها حبًا

دوران جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۷

۱۷- منحنی صعود انسان در زندگی دنیوی، از طفولیت آغاز می شود و در اوج جوانی، به پایان می رسد.

فإننا خلقنكم من تراب. .. ثم نخرجكم طفلاً ثم لتبلغوا أشدكم

زینت طلبی در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۷

۷- انسان در دوران جوانی، طالب زینت و آرایش دادن خویش است.

أئما الحيوه الدنيا .. و زينه

قدرت در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حسیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإننا خلقناكم من تراب .. لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً ...

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

گرایشها در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی (کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر فی الأموال و الأولاد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصصت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

نبوت در جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۶

۶ یوسف (ع) در سن جوانی و برخوردار شدن از رشد ، به مقام نبوت نایل گردید .

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً

برداشت فوق ، بر اساس نظر برخی از مفسران است که <حکم> را به مقام نبوت و <علم> را به دانش شریعت ، تفسیر کرده اند.

ویژگیهای جوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۵

۵ - جوانی ، بهترین و مفیدترین دوران زندگی برای تربیت و رشد جسمی و عقلی انسان

و من نعمره ننکسه فی الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۷

۷ - انسان در دوران جوانی ، طالب زینت و آرایش دادن خویش است .

أَئِمَّا الْحَيَوهِ الدنیا .. و زینه

جهاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جهاد

{جهاد}

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱۶

۱۶ جهاد و مبارزه در راه خدا ، زمینه جلب امداد های الهی

فته تقاتل فی سبیل الله .. و الله یؤید بنصره من یشاء

از اینکه خداوند، مؤمنان مؤید و پیروز را توصیف کرد که جهادشان <فی سبیل الله> بود، معلوم می شود که <فی سبیل الله> بودن، زمینه جلب تأیید خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۱،۵

۱ خروج پیامبر (ص) در صبحگاهان از میان خانواده خویش ، برای برپا نمودن پایگاه های جنگی برای مؤمنان ، در مصاف با دشمنان

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین مقاعد للقتال

۵ آگاهی پیامبر (ص) به فنون نظامی و قدرت مدیریت ایشان در عملیات مسلحانه علیه دشمنان دین

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین مقاعد للقتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۴،۱۷

۴ تهدید خداوند نسبت به عناصر سست بنیاد در جبهه پیکار مسلمانان با دشمنان

و الله سمیع علیم. اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بنابراینکه کلمه <اذ>، متعلق به دو صفت <سمیع> و <علیم> باشد. یعنی خداوند، سخنان پنهانی آنان را که تصمیم به کوتاهی در نبرد داشتند، می شنید و از اندیشه آنان، آگاه بود. و تذکر شنوایی و دانایی خداوند در موارد تخلف و گناه، دلالت بر تهدید نسبت به متخلفین دارد.

۱۷ رشد معنویات ، موجب استواری بیشتر در رویارویی با دشمن

علی الله فلیتوکل المؤمنون

جمله <و الله ولیهما> و نیز جمله <و علی الله .. >، علاوه بر بیان یک معرفت دینی، برای تقویت مسلمانان در رویارویی با دشمنان، نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۲۳، ۱۹، ۹

۹ جدا شدن صف مؤمنان واقعی از غیر آنان ، از فلسفه های پیکار میان حق و باطل

ان یمسسکم قرح .. و تلک الایام نداولها بین الناس و لیعلم الله الذین امنوا

در برداشت فوق، کلمه <تلک>، به روزهای مبارزه و جنگ تفسیر شده است؛ نه خصوص پیروزی و یا شکست.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایام .. و لیعلم الله الذین امنوا و یتخذ منکم شهداء

ترک لام در <و یتخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهداء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

۲۳ بهره گیری از عواطف انسانی ، از روش های قرآن برای تربیت مردم

و الله لایحب الظالمین

خداوند با تذکر اینکه محبت الهی (که انگیزه ای عاطفی است)، شامل ستمگران نخواهد شد، بر آن است تا معتقدان به خود را از ظلم بازدارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۶

۶ جنگ ها و مبارزات ، وسیله امتحان مردم و عرصه جدا کردن مؤمنان مجاهد و صابر از

ام حسبتم ان تدخلوا الجَنَّة و لَمَّا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمُ الصَّابِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۱۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۶

۶ حضور مستقیم پیامبران الهی ، در صحنه های پیکار علیه دشمنان

و کاتین من نبی قاتل معه ربيون كثير . . . فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱،۳،۷،۹،۱۰،۱۳،۱۴،۱۶،۱۷،۱۸،۲۱،۲۳،۲۶

۱ وعده الهی به نصرت و یاری پیکارگران مؤمن ، در رویارویی و نبرد با دشمنان دین

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسّونهم باذنه

جمله <و لقد صدقکم الله وعده>، حاکی از این است که خداوند از پیش سرکوبی دشمنان و پیروزی مؤمنان را وعده داده بود.

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد ، آنگاه که در آغاز نبرد ، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند .

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم الله> است ؛ یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حَسَّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۷ سستی ، اختلاف در کار جنگ و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) ، از عوامل شکست مسلمانان در پیکار احد

حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ

۹ تحقق وعده الهی به پیروزی جامعه ایمانی در گرو اتّحاد صفوف ، پایداری و پیروی آنان از رهبری

و لقد صدقكم الله وعده

.. حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۰ سستی ، تفرقه و سرپیچی برخی پیکارگران احد از فرمان پیامبر (ص) ، پس از پیروزی ابتدایی بر دشمنان

حتی اذا فشلتم . . من بعد ما اریکم ما تحبون

گر چه ظاهر خطاب در <فشلتم و تنازعتم .. و عصیتم> به تمامی مسلمانان در جنگ احد است، ولی به قرینه تقسیم آنان در دنباله آیه به دو گروه دنیاطلب و آخرت طلب، معلوم می شود مراد از مخاطبین <فشلتم ...>، گروهی از مسلمانان بوده اند و نه همه آنان.

۱۳ استواری در نبرد ، اتحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی ، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسونهم باذنه حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اول، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دایره مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۱۴ پیروزی جامعه ایمانی بر دشمنان خویش ، برخاسته از اراده الهی

من معد ما اریکم ما تحبون

فاعل در <اری> خداوند است ؛ و منظور از <ما> در <ما تحبون>، پیروزی است.

۱۶ دنیاطلبی برخی از پیکارگران احد ، موجب سستی ، اختلاف و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) و شکست در آن کارزار

حتی اذا فشلتم و .. منکم من یرید الدنیا

به نظر می رسد

جمله <منکم من یرید الدنیا>، دلیل <اذا فثلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم > باشد.

۱۷ دنیاطلبی و دلدادگی به مادّیات، از عوامل سستی در مبارزه و رویارویی با دشمنان دین

حتّی اذا فثلتم و .. منکم من یرید الدنیا

۱۸ دنیاطلبی و دلدادگی به مادّیات، از عوامل نزاع و اختلاف در صفوف مبارزان و شکست آنان

و تنازعتم فی الامر .. منکم من یرید الدنیا

۲۱ پایداری در نبرد، وحدت و پیروی از تعالیم پیامبر (ص)، نشانگر آخرت خواهی مؤمنان مجاهد

حتّی اذا فثلتم .. منکم من یرید الاخره

بنابر اینکه دنیاطلبی (منکم من یرید الدنیا)، دلیل <اذا فثلتم .. > باشد، صفات مقابل اینها ویژگی آخرت جویان خواهد بود؛ یعنی آخرت خواهان در نبرد نه سستی خواهند کرد و نه ...

۲۳ شکست ها، آزمون مناسبی برای روشن شدن صفوف پایمردان آخرت طلب، از سست عنصران دنیاجو

منکم من یرید الدنیا .. ثمّ صرفکم عنهم لیبتلیکم

۲۶ سستی در نبرد با دشمن، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتّی اذا فثلتم .. و لقد عفا عنکم

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۱، ۱۳، ۵

۵ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون > متعلق به <اذکروا > باشد.

اعتنایی به دعوت پیامبر (ص) در پیکار احد، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثم صرفکم... و الرسول یدعوکم فی اخیکم

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد، آیه مزبور در مقام بیان علت‌های شکست احد است. بنابراین جمله <و لا تلون علی احد و الرسول...>، که حاکی از دعوت پیامبر (ص) و بی‌اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

۱۳ حضور و مقاومت رسول خدا (ص) در رویارویی با مشرکان قریش، تا آخرین لحظات کارزار احد

و الرسول یدعوکم فی اخیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۵

۲۵ شهادت برخی از پیکارگران احد و شکست در آن کارزار، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه

یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و منافقان، علیه اسلام، پیامبر (ص) و مسلمانان

یا ایها الذین امنوا لا تکنوا کالذین کفروا و قالوا لاخوانهم... ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه‌ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته‌های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می‌گفتند اگر نظر ما را می‌پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی‌شدند، این حوادث ناگوار پیش

نمی آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۷۸،۹

۷ توکل پیکارگران جنگ بدر بر خدا، موجب یاری خدا و پیروزی آنان در آن نبرد *

ان ینصرکم الله فلا غالب لکم .. و علی الله فلیتوکل المؤمنون

خداوند پس از شروع بیان جنگ احد، اشاره ای نیز به مسائل جنگ بدر داشت (و لقد نصرکم الله بیدر، آیه ۱۲۳) بنابراین جمله <ان ینصرکم الله> می تواند اشاره به علت آن پیروزی باشد.

۸ توکل بر خداوند، زمینه ساز یاری و نصرت الهی و غلبه بر دشمنان

ان ینصرکم الله .. و علی الله فلیتوکل المؤمنون

۹ سستی پیکارگران احد در اتکال به خداوند، موجب محرومیت آنان از نصرت الهی و شکست ایشان در آن نبرد.

و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده و علی الله فلیتوکل المؤمنون

وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و شکست مؤمنان، اشاره به علت شکست دارد، یعنی چون در آن نبرد توکل نداشتید، از یاری خدا محروم شدید و در نتیجه شکست خوردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۴

۴ شرکت در پیکار و شهادت در راه خدا، از موجبات جلب رضایت الهی

و لئن قتلتم فی سبیل الله .. افمن اتبع رضوان الله

به مقتضای ارتباط این آیه با مضامین آیات پیشین، می توان نمونه ها و مصادیق مورد نظر را به دست آورد؛ از جمله جهاد و شهادت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ جهاد و شهادت در راه خدا، حرکتی بی ارزش در دیدگاه منافقان

لو اطاعونا ما قتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۴،۱۹

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا)، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ .. لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ و اتَّقُوا اجر عظيم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است؛ یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتَّقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی) گرفته شده است.

۱۹ شرکت در جهاد، حتی در رکاب پیامبر (ص)، به تنهایی دلیل احسان و تقوای آدمی نیست.

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ .. لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ و اتَّقُوا اجر عظيم

چون خداوند اجابت کنندگان دعوت پیامبر (ص) برای شرکت در جهاد را به دو طایفه تقسیم کرده است: دارندگان احسان و تقوا و فاقدان آن. البته بر این مبنا که <من> برای تبعیض باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱۷

۱۷ نهراسیدن از کثرت دشمن و توکل بر خدا در رویارویی با آنان، از نشانه های مؤمنان پیرو خدا و رسول (ص)

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ و الرَّسُولِ .. و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۰

۱۰ اجابت دعوت خداوند و پیامبر (ص)

برای شرکت در جنگ ، موجب جلب رضایت الهی

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لََّهٖ وَ الرَّسُولِ .. وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللّٰهٖ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۲

۲ شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند ، شیطانند .

قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ .. إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ

بنابر اینکه <ذلكم>، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را از جنگ می ترساندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۴،۱۸

۴ انفاق ، عرصه آزمایش مالی مؤمنان و جهاد ، عرصه آزمایش جانی آنان

لَتَبْلُوَنَّ فِيْ اَمْوَالِكُمْ وَ اَنْفُسِكُمْ

با توجه به آیات پیشین که درباره جهاد و انفاق بود، می تواند امتحان مالی، ناظر به انفاق و امتحان جانی، ناظر به جهاد باشد.

۱۸ صبر و مقاومت ، حتی در برابر دشمن ، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

وَ لَتَسْمَعَنَّ .. اِذْیْ كَثِيْرًا وَ اِنْ تَصْبِرُوْا وَ تَتَّقُوا

از ذکر تقوا پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیتهای دشمن نباید دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۶

۶ هجرت ، تحمّل آوارگی ، آزار در راه خدا ، جهاد و شهادت از نشانه های تقوا

فَالَّذِيْنَ هَاجَرُوا وَ اَخْرَجُوا .. لَكِنَ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ

مراد از <الَّذِينَ اتَّقَوْا>، یا خصوص کسانی هستند که در آیه ۱۹۵ توصیف شدند و یا آنان، از مصادیق مورد نظر برای

تقواپيشگان هستند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۵، ۲۳، ۲۱، ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۱۳

۱۳ بی صبری در برابر مشکلات ، سستی در مقابل دشمنان و حفاظت نکردن از مرز های کشور اسلامی ، بی تقوایی است .

اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

۱۴ شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات ، پایداری آنان در مقابل دشمن و حفاظت از مرز های اسلامی ، نشانه تقوایی است

يا ايها الذين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

۱۶ ایمان ، زمینه شکیبایی در برابر مشکلات و پایداری در مقابل دشمن و حفظ مرز ها و رعایت تقواست .

يا ايها الذين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

مخاطب قرار دادن مسلمانان به وصف ایمان و آنگاه امر به شکیبایی و .. بیانگر آن است که ایمان زمینه تحقق مسائل مطرح شده است.

۱۸ صبر در برابر مشکلات ، مقاومت در برابر دشمن ، حفاظت از مرز های جامعه اسلامی و تقوایی ، زمینه پیروزی و سعادت

يا ايها الذين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

۲۱ مقاومت در برابر دشمن بر اساس تقیه و آمادگی برای پیروی از دستورات پیشوایان ، وظیفه مؤمنان

يا ايها الذين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: .. و صابروهم علی التّقیّه و رابطوا علی من تقتدون به

معانی الاخبار، ص ۳۶۹، ح ۱، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۳.

۲۳ مقاومت در برابر دشمنان و زیر نظر داشتن توطئه آنان

، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <اصبروا و صابروا...>، فرمود: معناه... و صابروا علی عدوکم و رابطوا عدوکم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۹۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۵۰۸.

۲۵ صبر بر انجام نمازهای پنجگانه و صبر در جنگ مسلحانه با دشمنان و پاسداری در راه خداوند، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا

پیامبر اسلام (ص) درباره <... اصبروا و صابروا و رابطوا...> فرمود: اصبروا علی الصلوات الخمس، و صابروا علی قتال عدوکم بالسیف، و ربطوا فی سبیل الله لعلکم تفلحون.

الدّر المثور، ج ۲، ص ۴۱۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۲، ۱

۱ نبرد در راه خدا، از وظایف پیامبر (ص)

فقاتل فی سبیل الله

۲ پیامبر (ص)، موظف به نبرد در راه خدا، حتی با نبود نیروی کافی

فقاتل فی سبیل الله لا تکلف الا نفسك

ظاهراً جمله <فقاتل...>، فرع است بر مطالب گذشته که سخن درباره تمرد مسلمانان و کوتاهی آنان در مسأله جنگ بود. یعنی اگر چه آنان حاضر به نبرد نشوند، خود به تنهایی به سوی جنگ روانه شو.

آثار تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ تخلف از جهاد ، موجب تباهی آخرت

و انّ منكم لمن ليبطئن .. فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوة الدنيا ب

مفهوم جمله > فليقاتل في سبيل الله ..

< این است که اگر مسلمانان با وجود شرایط جهاد آن را ترک گویند و تنها به زندگی دنیا بسنده نمایند، آخرت را به دست نیاورده اند و در نتیجه آخرت خویش را تباه کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۴،۵

۳ تخلف از جنگ با دشمنان اسلام و جامعه اسلامی ، موجب نابودی جامعه اسلامی و سقوط آن *

إلا تنفروا يعذبكم ... و يستبدل قوماً غيركم

<نفر> به معنای خروج برای امر مہیج و تحریک آمیز است که بیشتر درمورد خروج برای جنگ به کار می رود و فعل مجزوم <يعذب> و <يستبدل> جواب شرط برای <لا تنفروا> است. بنابراین پیام آیه چنین می شود: اگر مسلمانان به جنگ نروند عذاب می شوند و نابود خواهند شد و مردم دیگری به جای آنان خواهند نشست.

۴ فرمان جهاد و شرکت همگان در آن ، در جهت منافع مؤمنان و زیان تخلف از جهاد ، تنها متوجه خود آنان است ؛ نه خداوند .

إلا تنفروا يعذبكم عذاباً أليماً . . . و لا تضروه شيئاً

۵ ترک جهاد و سستی در امر پیکار با دشمن ، زمینه ساز نابودی جامعه و جایگزین شدن جامعه دیگری به جای آن

إلا تنفروا يعذبكم عذاباً أليماً و يستبدل قوماً غيركم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) ، به تخلف خویش و سوگند های دروغینشان ، در جهت هلاکت خود گام برداشتند .

سيحلفون بالله . . . يهلكون أنفسهم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۶

۶ تخلف بی دلیل و غیر موجه مسلمان از جنگ ، نشان دروغین بودن ایمان وی به خدا و رسول خداست .

و قعد الذین کذبوا اللّٰه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۸،۹

۸ گناه تخلف از وظیفه جهاد ، زمینه مهر شدن قلب انسان

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع اللّٰه علی قلوبهم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که طبع قلب (مهر شدن) معلول عملکرد خائنانه منافقان باشد نه علت آن.

۹ مهر شدن قلب انسان در نتیجه گناه و تخلف از جهاد ، مایه ناتوان شدن وی از شناخت صحیح حقایق

و طبع اللّٰه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

آثار ترس از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۷

۷- ترس و هراس از جهاد در راه خدا ، نشان بیمار دلی انسان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشیٰ علیه من الموت

آثار ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۶

۶- ترک جهاد و دفاع ، موجب هلاکت و سقوط جامعه اسلامی است .

قتلوا في سبيل الله... و لا تلقوا بأيديكم إلى التهلكه

در برداشت فوق جمله <لا تلقوا...> در ارتباط با جمله <قاتلوا في سبيل الله> معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۶

۶ ترك جهاد

از سوی نیروهای کارآمد بنی اسرائیل، موجب گرفتاری همه مردم آن قوم به سرگردانی و محرومیت از تسلط بر سرزمین مقدس

قال فانها محرمة عليهم اربعين سنة

برداشت فوق مبتنی بر امری مسلم و طبیعی در داستان تیه می باشد و آن اینکه همه قوم موسی؛ حتی زنان و کودکان و پیران، به سرگردانی گرفتار آمده و از ورود به سرزمین مقدس محروم شدند، با اینکه این گروه مأمور به مبارزه و جهاد نبودند تا بر اثر تخلف، عقوبت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۷

۷- بر زبان راندن شعار طاعت و سخنان زیبا و تن ندادن به جهاد، بی صداقتی با خداوند است.

طاعة و قول معروف .. فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم

از تعبیر <فلو صدقوا الله> استفاده می شود که لازمه صداقت با خداوند، آن است که انسان در همه زمینه ها، حتی تکلیف دشوار جهاد، تابع خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۱

۱- ترک جهاد، زمینه محو ارزش ها و به فساد کشیده شدن جامعه

فهل عسىتم إن توليتم أن تفسدوا في الأرض

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته به دست می آید: ۱ <توليتم> به معنای روی گرداندن از جهاد باشد که در آیه قبل مطرح شده است. ۲ تعبیر <عسىتم... أن تفسدوا في الأرض> در معنا، جواب <إن توليتم> به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۹

۹- تخلف از فرمان

جهاد ، زمینه ساز نابودی اعمال نیک گذشته انسان *

أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و لا تبطلوا أعمالكم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره جهاد بود احتمال می رود که نهی <لا تبطلوا> بدین معنا باشد که با تخلف از جهاد، زمینه حبط اعمال خود را فراهم نیاورید.

آثار جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۸

۱۸ دفع فساد از روی زمین ، از آثار پیکار حقّ علیه باطل

ابعث لنا ملكاً نقاتل .. و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۱۴، ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کاتین من نبی .. فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

۱۴ جهاد ، صبر ، دعا ، استغفار و بینش خدامحوری ، از عوامل جلب محبت الهی

قاتل معه .. و الله يحب الصابرين ... ربنا اغفر لنا ... و انصرنا ... و الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۴

۱۴ ایمان به خدا و پیامبر (ص) و اطاعت از آنان ، صبر و جهاد ، تقوا و احسان و توکل ، موجب رضایت کامل الهی و

برخورداری از فضل بزرگ وی

المؤمنين. الذين استجابوا ... و اتبعوا رضوان الله و الله ذو فضل عظیم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۲

۲ نبرد در راه خدا ، از نشانه های ایمان

الَّذِينَ آمَنُوا يقاتلون في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۹،۱۴

۹ جهاد ، مایه مصونیت جوامع ایمانی از گزند کافران و مشرکان

حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا

۱۴ حرکت برای جهاد در راه خدا ، زمینه جلب امداد الهی

و حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۶ - ۴

۴ جهاد در راه خداوند ، موجب دستیابی به منزلتهایی والا و آمرزش گناهان و جلب رحمت خاص او

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ .. درجات منه و مغفره و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ جهاد ، کارآمدترین وسیله برای تقرب به خداوند

و ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ

امر به جهاد پس از <ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ> می تواند بیانگر این معنا باشد که بهترین مصداق وسیله تقرب به خدا، مبارزه با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۵

۵ ایمان و تقوا و تقرب به خداوند و جهاد در راه او ، راه نجات از عذاب قیامت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ .. لَهُم عَذَابُ الِئِم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ -

۲۷ تواضع در برابر اهل ایمان ، سرافرازی در قبال کافران ، جهاد در راه خدا و بی اعتنایی به ملامت دشمنان ، مایه جلب محبت الهی

یحبههم و یحبونه اذله علی المؤمنین . . . و لایخافون لومه لائم

به نظر می رسد صفات یاد شده پس از < یحبهم و یحبونه > در ارتباط با < یحبهم > بیانگر علت است ؛ یعنی چون دارای این صفات هستند، خداوند آنها را دوست دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یا یها الذین ءامنوا استجیبوا لله و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای < ما یحییکم > ، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۵

۵ گسترش و جهانگیر شدن دین الهی ، از اهداف جهاد و مبارزه در اسلام

و قتلوهم حتی . . . و یکون الدین کله لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۴

۴ سعادت و رستگاری مؤمنان در گرو جهاد و کثرت یاد خداست .

إذا لقیتم فئه فائبتوا و اذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون

در برداشت فوق < فلاح > به معنای سعادت و رستگاری گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ بازداشتن دشمنان از هجوم به جامعه ایمانی و ستمکاری آنان ، از منافع

جهاد و تأمین هزینه ادوات آن است . *

و ما تنفقوا .. و أنتم لا تظلمون

برخی برآنند که <یوف إلیکم> و <أنتم لا تظلمون> بیانگر ثمرات توان نظامی جامعه در دنیاست. یعنی اگر هزینه جهاد را تأمین کنید و بنیه نظامی جامعه اسلامی را به حدی برسانید که دشمنان وحشت کنند، در نتیجه به شما هجوم نخواهند آورد تا ضررهایی را بر شما تحمیل نمایند. و اگر چنین کردید بر شما مسلط نخواهند شد تا بتوانند ستمی بر شما روا بدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۸

۸ ایمان ، هجرت ، جهاد ، یاری کردن مؤمنان و دین خدا ، زمینه بهره مند شدن از مغفرت و روزی با کرامت خداوند .

و الذین ءامنوا و هاجروا .. لهم مغفرة و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱،۲

۱ خداوند از انصار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینده ایمان می آورند و هجرت می کنند و به جهاد می پردازند ، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند .

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبان آیه، انصار و مهاجران نخستین هستند. مضاف إليه کلمه <بعد>، کلمه <ایمانکم> و یا <الهجرة الاولى> است. جمله <فأولئک منکم> اشاره به این دارد که تمام قوانین و حقایقی که درباره انصار و مهاجران نخستین بیان شده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

۲ کسانی که در آینده ایمان آورند ، هجرت کنند و در

صف مجاهدان به جهاد پردازند ، همانند مؤمنان و مهاجران نخستین ، مؤمنانی حقیقی و راستین هستند .

أولئك هم المؤمنون حقا .. و الذين ءامنوا من بعد ... فأولئك منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۶

۶ دستیابی مؤمنان به ارزش ها و آرمان های مکتبی ، در پرتو تلاش و جهاد خود آنان میسر است .

قتلوهم يعذبهم الله بأيديكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۸

۸ ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا با مال و جان ، عوامل اصلی دستیابی انسان به سعادت و تضمین کننده آن

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا ... أولئك هم الفائزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۱،۴

۱ ره آورد هجرت و جهاد در راه خدا ، دریافت بشارت های الهی ست .

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا في سبيل الله .. يبشرهم ربهم

۴ بهره مندی از رضوان الهی (رضایت مندی خدا) ره آورد ایمان ، هجرت و جهاد

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. يبشرهم ربهم برحمه ... و رضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۷

۷ جهاد در راه خدا ، عامل سعادت و نیک بختی مؤمنان در حیات اخروی

يأيتها الذين ءامنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا في سبيل الله .. أرضيتم بالحياه ا

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۸

۸ قدرت نامحدود خداوند ، نشان بی نیازی او از جهاد مؤمنان و آسیب ناپذیری او ، از تخلف آنان

إلا تنفروا... و لا تضروه شيئاً و الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۴

۴ بروز باطن انسان و حقیقت ایمان وی ، در مراحل دشوار و تکالیف سخت الهی (همانند جنگ و جهاد)

لو كان عرضاً قريباً و سفراً قاصداً لا تبعوك و لكن بعدت عليهم الشقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۸

۸ تکلیف جهاد ، صحنه تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین ایمان

و جهدوا... لم أذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا و تعلم الكذابين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۲

۲ عرصه جنگ و جهاد ، عرصه ظهور ایمان راستین و نیز بی ایمانی انسان

لا يستئذنك الذين يؤمنون... أن يجهدوا... إنما يستئذنك الذين لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۴، ۱۰

۱۰ ایمان و جهاد ، تضمین کننده همه خیر ها و ارزش ها برای انسان

ءامنوا معه جهدوا... و أولئك لهم الخیرت

۱۴ رستگاری و کامیابی واقعی در پرتو ایمان و جهاد است نه در سایه عافیت طلبی و ترک جهاد

رضوا بأن یكونوا مع الخوئف . . . لكن الرسول ... جهدوا ... و أولئك هم المفلحون

<فلاح> به معنای

دستیابی به کمال مطلوب است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۸

۸ میدان جهاد ، صحنه تمایز مؤمنان راستین از منافقان بی ایمان

و قعد الذین کذبوا اللّٰه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۱

۲۱ همه حرکت های دینی ، حتی مبارزه و جهاد ، در راه سازندگی و احسان به جامعه بشری است .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصة فی سبیل اللّٰه .. إن اللّٰه لا یضیع أجر المحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۹

۱۹ میدان های نبرد با کفر ، زمینه دستیابی مجاهدان به درک عمیق حقایق معنوی دین *

فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین

برداشت فوق بدان احتمال است که <نفر> در <لولا نفر> به معنای بسیج برای جنگ باشد و فاعل <لیتفقوها> مجاهدان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۶، ۱۵، ۱۱، ۷

۷- هجرت ، از راه های مصون داشتن ایمان و جهاد ، مایه از بین رفتن موانع تفکر دینی در جامعه *

هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جهدوا و صبروا

قرار گرفتن جهاد در کنار هجرت و مکمل شمردن آن، می تواند اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

۱۱- هجرت ، جهاد و صبر ، موجب جلب بخشش و رحمت گسترده الهی

ثم إن ربك للذین هاجروا .. إن ربك من بعدها لغفور رحیم

۱۵- مرتدان ، در صورت

توبه ، هجرت و جهاد در راه خدا و صبر و مقاومت در برابر کافران ، مورد غفران و رحمت الهی قرار می گیرند .

من كفر بالله من بعد إيمنه . . . ثم ... إن ربك من بعدها لغفور رحيم

۱۶- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من كفر بالله . . . إلا من أكره و قلبه مطمئن بالإيمان ... إن ربك للذین هاجروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۴، ۱۳، ۱۲

۱۲- اگر خداوند حکم جهاد را تشریح نمی کرد ، تمامی معابد و مراکز دینی توسط کافران و دین ستیزان تخریب و منهدم می شد .

و لولا دفع الله . . . لهدمت صومع ... و مسجد

۱۳- سنت الهی در حفظ شریعت و دیانت ، از طریق دفاع و مجاهدت های مردمان

و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض . . . و مسجد

۲۴- جهاد و دفاع ، یاری از دین خدا و وسیله جلب کمک و حمایت او است .

و لولا دفع الله . . . و لينصرون الله من ينصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۱ - ۱

۱- جنگ و پیکار با جبهه کفر و با هدف حاکم ساختن ارزش های دینی و الهی ، در پی دارنده حمایت و نصرت خداوند

و لينصرون الله من ينصره . . . الذين ... أقاموا الصلوه ... و نهوا عن المنكر

<الذين> در محل نصب بوده و بدل یا عطف

بیان برای <من> در <من ی نصره> که تقدیر آن چنین می شود: <و لینصرن الله..الذین إن مکناهم>. <تمکین> (مصدر <مکنا>) به معنای مسلط کردن و استیلا دادن است؛ یعنی، خدا بی تردید یاران خود را یاری خواهد کرد؛ آنان که اگر بر زمین مسلط شوند، نماز را به پا خواهند داشت و...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۶

۶- وعده خداوند به پیروزی و ثبات قدم مؤمنان، در صورت اقدام به جهاد و حمایت از دین

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ . . . وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۱۱

۱۱- بی نیازی خداوند از طاعت و جهاد بندگان، و بهره مندی خود انسان ها از نتایج آن *

فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرَ فَلَوْ صدَّقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ

تأکید بر <لکان خیراً لهم>، می تواند دربردارنده معنای بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۲

۲- جهاد در راه خداوند، تضمین کننده صلاح جامعه و حافظ روابط عاطفی اجتماعی

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقْطَعُوا أَرْحَامَكُمْ

<تولیتم> به معنای روی گرداندن از جهاد است و مفهوم آیه بر مطلب بالا دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۵۸

۵- جهاد و صبر در مسیر فرمان های وحی، ملاک امتیاز و از مهم ترین ارزش ها است .

و لنبلونکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

اهمیت، از تخصیص به

ذکر یافتن جهاد و صبر استفاده می شود.

۸- جهاد ، بارزترین نمود صبر مؤمنان در راه خدا *

و لنبلونکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

می توان گفت: ملاک اصلی در تمایز مؤمنان، صبر و شکیبایی آنان، در انجام وظایف الهی است و تقدم <المجاهدین> بر <الصابرین> از آن جهت است که مجاهدان، سرآمد صابران اند و جهاد بارزترین نمونه صبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۸، ۱۷

۱۷ - وارد گشتن خسارت سنگین (مانند قتل ، جرح و ...) به دشمن از ره آورد های جهاد

فیه بأس شدید

<بأس> عبارت از عذاب و آسیب های جدی است که در میدان نبرد، برطرف وارد می شود.

۱۸ - دستیابی جامعه به منافع و سود های سرشار (مانند غنیمت ، امنیت و ...) یکی دیگر از ره آورد های جهاد در راه خداوند

و منفع للناس .. من ینصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۵

۱۵ - حرکت جهادگرانه در راه خدا و رضای او ، ناسازگار با دوستی نسبت به دشمنان او

لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء .. إن کتمم خرجتم جهداً فی سبیلی و ابتغاء مرضا

هر چند آیه در مورد خاصی نازل شده ولی پیام کلی آن برای امت اسلامی باقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۵

۵ - مودت فراگیر اجتماعی ، در پرتو ایمان و حاکمیت توحیدی ، فرجام تلاش ، مجاهدت ها و مقاومت های

اهل ایمان در برابر مشرکان

عسى الله أن يجعل بينكم .. موده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۲

۲ - جهاد و پیکار در راه خداوند ، مایه جلب محبت و مهر او

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۷،۱۶

۷- ایمان استوار به خدا و رسول او و جهاد در راه خدا ، رهایی بخش انسان از عذاب دردناک الهی

تنجیکم من عذاب أليم . تؤمنون بالله و رسوله و تجهدون فی سبیل الله

۱۶ - مجاهدت مستمر مؤمنان با مال و جان خویش ، مجرای تحقق اراده خداوند بر پیروزی جهانی اسلام

و الله متمّ نوره .. و دین الحق لیظهره علی الدین کله ... و تجهدون فی سبیل ا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، پس از بیان اراده خویش مبنی بر غلبه اسلام بر سایر ادیان، مؤمنان را به جهاد با مال و جان خویش تشویق فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۱

۱ - دستیابی به مغفرت الهی و بوستان های بهشت ، ره آورد پایداری بر ایمان به خدا و رسول و جهاد با مال و جان در راه خدا است .

تؤمنون بالله .. و تجهدون ... یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۷

جان در راه او ، مایه جلب نصرت الهی و شکست سریع جبهه دشمن

تؤمنون بالله .. و تجهدون ... و أُخْرَى تَحِبُّونَهَا

آثار جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۸

۸ ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا با مال و جان ، عوامل اصلی دستیابی انسان به سعادت و تضمین کننده آن

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. أولئک هم الفائزون

آثار جهاد مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۱

۱۱ اراده خداوند به اعتلای دین و راه خود ، در پرتو ایثار و جهاد مؤمنان

إن الله اشترى من المؤمنین .. یقتلون فی سبیل الله

از اینکه خداوند، اعلام کرده است که خریدار جان و مال مؤمنان می باشد و سپس مسأله جهاد فی سبیل الله را مطرح ساخته، استفاده می شود که خداوند، پیشبرد راه خود را در پرتو جهاد مؤمنان قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۷

۷- سنّت الهی ، بر پیشبرد اهداف دین ، در اثر تلاش و جهاد مؤمنان

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تَنصَرُوا لِلَّهِ يَنصُرْكُمْ

از مجموع شرط و جزا، استفاده می شود که خداوند، آن گاه امت اسلامی را نصرت بخشیده و قوت می دهد که آنان، خود در راه دفاع از مکتب به پاخیزند. مفهوم شرط نیز می رساند که بدون تلاش، نصرت نصیبشان نخواهد شد.

آثار سختی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - توبه

۱۰ شرایط سخت جهاد، میدان امتحان و تمایز مراتب معنوی مؤمنان

اتبعوه فی ساعه العسره من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

آثار سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۵

۵ ترک جهاد و سستی در امر پیکار با دشمن، زمینه ساز نابودی جامعه و جایگزین شدن جامعه دیگری به جای آن

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً و یتبدل قوماً غیرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۳

۳- سستی در جهاد و نبرد با دشمن، در پی دارنده سازشی خفت بار *

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم و أنتم الأعلون

تقدم <لاتهنوا> بر <تدعوا إلى السلم> بیانگر این حقیقت است که سستی، پیش زمینه سازش است؛ سازشی که امت های برتر (و اَنتُم الأعلون) را به ذلت می کشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۲۰

۲۰ - ضعف و سستی برخی از مسلمانان صدر اسلام در جنگ و جهاد، موجب آزار دیدن پیامبر (ص) گردید.

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ... لِمَ تَوَدُّونَنِي وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ إِلَيْكُمْ

سخن در آیات پیشین، درباره کسانی است که شعار جهاد می دهند ولی از شرکت در صفوف مجاهدان سر باز می زنند و یا بر فرض شرکت، ضعف و سستی نشان می دهند. به نظر می رسد مطرح ساختن موضوع آزارهای یهود به موسی(ع)، برای بیان این نکته باشد که ضعف و سستی در

جهاد و تخلف از فرمان های پیامبر(ص) در جهاد، موجبات آزار رسول خدا(ص) را فراهم کرده و همان عواقبی را در پی خواهد داشت که برای قوم موسی در پی داشت.

آثار شکست در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۵

۲۵ شهادت برخی از پیکارگران احد و شکست در آن کارزار ، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه

يقولون لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص) و مسلمانان

يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالذين كفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و م

کشته شدن عده ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

آثار نزول آیات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۶

۶- نگرانی و ناخشنودی منافقان ، از نزول آیات جهاد

و ذكر فيها القتال رأيت الدين في قلوبهم مرض

آداب جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- اهل ایمان ، باید اعمال و وظایف الهی خویش (جهاد ، دفاع ، انفاق و ...) را به صورت نیکوی آن انجام دهند .

قتلوا فی سبیل اللّٰه ... و أنفقوا فی سبیل اللّٰه ... و أحسنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۱

۱ مجاهدان نباید در رویارویی و تعقیب دشمنان ، سستی نشان دهند .

و لاتهنوا فی ابتغاء القوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۳،۴،۱۵

۳ لزوم پدید آوردن زمینه آرامش روحی و تجدید قوا برای نیروهای رزمی ، قبل از ورود به صحنه کارزار

إذ یغشیکم النعاس أمنة منه

۴ لزوم حفظ آماده باش و عدم غفلت از دشمن در صحنه های نبرد ، حتی به هنگام استراحت

إذ یغشیکم النعاس أمنة منه

تصریح به اینکه خواب مجاهدان در آستانه نبرد، خوابی سبک و خفیف بود، برای اشاره به این است که مجاهدان اگر چه به استراحت پرداختند، ولی به گونه ای نبود که از تحرکات دشمن غافل شوند.

۱۵ تقویت روحیه مبارزان ، امری لازم

و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۷

۷ ضرورت ایجاد ترس در دشمنان دین و سلب روحیه نبرد از ایشان

سألقتی فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۲

۲ لزوم زیاد یاد کردن خدا به هنگام رویارویی با دشمنان دین و

نبرد با آنان

إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا

<اذكروا الله> می تواند عطف بر <اثبتوا> باشد که در حقیقت جواب شرط <إِذَا لَقِيتُمْ> خواهد بود. بر این مبنا مقصود، زیاد یاد کردن خدا به هنگام نبرد است. همچنین <اذكروا...> می تواند جمله مستانفه باشد. در این صورت زیاد یاد کردن خدا برنامه ای است برای تمامی مراحل زندگی که از مصادیق آن هنگام رویارویی با دشمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۴،۱۱

۴ مجاهدان بدر پیش از غلبه کامل بر دشمن، برای دستیابی به منافع مادی، به گرفتن اسیر اقدام کردند.

ما کان لنبی... تریدون عرض الدنیا

۱۱ سرکوب دشمنان دین در میدان نبرد، آخرت جویی و موجب رسیدن به منافع معنوی و مواهب اخروی است.

ما کان لنبی أن یکون له أسری... و الله یرید الآخره

آرزوی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۲

۲ بهانه جویان متخلف از جنگ، آرزومند عدم موفقیت سپاه اسلام و نگران از پیروزی آنان.

إن تصبک حسنه تسؤهم

آسیب شناسی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - خانه و زندگی، از جمله نگرانی انسان است و وابستگی به آنها، باعث تزلزل در جهاد می شود.

يقولون إنَّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶

۱۰ - وابستگی به دنیا ، از جمله عوامل فرار از جهاد است .

إن فررتم من الموت .. و إذا لامتمتعون إلا قليلاً

کاربرد <لامتمتعون> به جای این که بگویید: <چندان زنده نخواهید ماند.>، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که منافقان، در پی دستیازیدن به متاع دنیوی، از مرگ فرار می کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۲

۲ - کم شرکت کردن منافقان در جبهه جهاد مسلمانان ، به خاطر بخل آنان به مسلمانان بود .

لا یأتون البأس .. أشحّه علیکم

<أشحّه> جمع <شحیح> است. <شح> ریشه أشحّه در لغت، به معنای <بخل حریصانه> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <أشحّه> حال برای ضمیر فاعلی فعل <یأتون> در آیه پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۳

۳- سستی در جهاد و نبرد با دشمن ، در پی دارنده سازشی خفت بار *

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم و أنتم الأعلون

تقدم <لاتهنوا> بر <تدعوا إلى السلم> بیانگر این حقیقت است که سستی، پیش زمینه سازش است؛ سازشی که امت های برتر (و أنتم الأعلون) را به ذلت می کشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۴

۴- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا ، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا .. إنما الحیوه الدنیا لعب و لهو

خداوند، پس از نهي مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و

گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

آگاهی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۴

۴ بروز نقطه های ضعف در جنگ و آگاهی از آن، زمینه مناسبی برای خالص شدن مؤمنان از عیب ها و نقصها

ان یمسکم قرح... نداولها بین الناس... و لیمحص الله الذین امنوا

چون <تمحیص> به معنای خالص سازی از عیب و نقص است و این خالص سازی نتیجه شکست مؤمنان فرض شده، می توان گفت که شکست مسلمانان باعث می شود که آنها عیبا و نقصهای خود را بشناسند و در رفع آن بکوشند.

آمادگی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۳

۱۳ نقش آمادگی نیروهای رزمی، در صدور فرمان جنگ

اذ قالوا لنبی لهم ابعث

تا زمانی که بنی اسرائیل، خود، خواهان جنگ و آماده آن نشده بودند، فرمان جنگ صادر نشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۴

۴ لزوم حفظ آماده باش و عدم غفلت از دشمن در صحنه های نبرد، حتی به هنگام استراحت

إذ یغشیکم النعاس أمنة منه

تصریح به اینکه خواب مجاهدان در آستانه نبرد، خوابی سبک و خفیف بود، برای اشاره به این است که مجاهدان اگر چه به استراحت پرداختند، ولی به گونه ای نبود که از تحرکات دشمن

غافل شوند.

آمزش معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ معاف شدگان از جهاد ، در عین معذور بودن ، نیازمند غفران و رحمت خدایند .

لیس علی الضعفاء .. و الله غفور رحیم

ابتلا به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۴

۴ - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن (ترس ، گرسنگی ، زیان های مالی و جانی و کم محصولی) از مشکلات راه ایمان است .

لا تقولوا لمن یقتل .. و لنبلونکم بشيء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس ، گرسنگی و .. پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا ، گویای این است که: مقصود از <الخوف و ...> ترسها و گرسنگیهایی است که از مبتلا شدن به دشمنان دین به وجود می آید، یعنی، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس ، گرسنگی و ... می باشد.

اتحاد در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۱، ۱۳

۱۳ استواری در نبرد ، اتحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی ، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسونهم باذنه حتی اذا فثلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اوّل، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی

شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دائر مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۲۱ پایداری در نبرد، وحدت و پیروی از تعالیم پیامبر (ص)، نشانگر آخرت خواهی مؤمنان مجاهد

حتّی اذا فشلتم .. منکم من یرید الاخره

بنابر اینکه دنیاطلبی (منکم من یرید الدّینیا)، دلیل <اذا فشلتم .. > باشد، صفات مقابل اینها ویژگی آخرت جویان خواهد بود؛ یعنی آخرت خواهان در نبرد نه سستی خواهند کرد و نه ...

اجابت دعا در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۸

۸ دعا و درخواست پیکارگران شکینا به درگاه خداوند در هنگامه کارزار، مقرون به استجاب است .

ربّنا اغفر لنا .. فاتیهم الله ثواب الدّینیا

اجازه ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۸، ۱۸

۸ - برخی از منافقان و بیمار دلان مدینه، از پیامبر (ص) برای ترک جهاد در غزوه احزاب، به بهانه ناامن بودن خانه و کاشانه شان، مصرّانه اجازه می خواستند .

و یستئذّن فریق منهم النّبیّ یقولون إنّ بیوتنا عوره

مراد از <عوره> در آیه، مستحکم نبودن خانه و قابل ورود بودن آن برای هر کس است که بخواهد وارد شود (مفردات راغب).

۱۸ - وحی، نیت منافقان را در رخصت خواهی شان از پیامبر (ص) آشکار کرد .

و إذ قالت طائفه منهم یا اهل یترب لامقام لکم .. و یستئذّن ... إنّ یریدون إلاّ

احسان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۴، ۱۳

۱۳ تشویق خداوند به جهاد ، همراه با نیکوکاری و تقوا

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ .. لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا اجر عظیم

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا) ، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ .. لِلَّذِينَ احْسَنُوا مِنْهُمْ وَ اتَّقُوا اجر عظیم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است ؛ یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی) گرفته شده است.

احکام جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱، ۳، ۶

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرجنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل الله الذین یقتلونکم

۳ - تجاوز از مقررات و احکام جهاد ، حرام است .

و قتلوا فی سبیل الله .. و لاتعتدوا

۶ - مسلمانان نباید آغازگر جنگ علیه دشمنان خویش باشند . *

و قتلوا فی سبیل الله الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - ضرورت نبرد با کافرانی که سرزمین های اسلامی را به تصرف خویش در آورده اند .

و اقتلوهم .. و أخرجوهم من حيث أخرجوكم

۹ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز نبرد با ایشان است ، هر چند که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّٰه یقتلونکم ..

جمله <والفتنه أشد من القتل>، به اصطلاح اصولیین حاکم بر <الذین یقاتلونکم> است و موجب توسعه در موضوع حکم مطرح شده در آیه قبل می شود، یعنی، آیه قبل بیان داشت که با کافران حربی نبرد کنید و جمله <الفتنه...> بیان می کند که فتنه انگیزی به منزله جنگ است.

۱۳ - در صورتی که دشمنان دین در مسجدالحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است.

و لا تقتلوه عند المسجد الحرام حتی یقتلوه فیه فإن قتلوه فاقتلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۱،۲

۱ - نباید با کفریشتگانی که از جنگ و فتنه انگیزی دست کشیده اند، نبرد کرد و آنان را به قتل رساند.

فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم

متعلق <إنتهوا> به قرینه آیات قبل، جنگیدن و فتنه انگیزی است. جمله <فإن الله...> جانشین جواب شرط می باشد و تقدیر کلام چنین است: فإن انتهوا عن القتال و الفتنه فلا تقاتلوه و لا تقتلوه إن الله غفور رحيم.

۲ - مسلمانان، باید آتش بس اعلام شده از سوی کافران را بپذیرند. *

فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۱،۵،۶

۱ - نبرد با کافران، تا برطرف شدن فتنه های آنان، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و قتلوه حتی لا تكون فتنه

۵ - لزوم ترک جنگ با کافران، در صورت دست برداشتن آنان از فتنه انگیزی و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا

متعلق <إنتهوا...> - به قرینه فرازهای پیش - فتنه انگیزی و بازداری از حاکمیت یافتن دین الهی است. جواب شرط (فإن انتهوا) محذوف است و جمله <فلاعدوان...> جانشین آن می باشد یعنی، پس اگر از فتنه انگیزی دست کشیدند و مانع گسترش و حاکمیت دین خدا نشدند، آنان را نکشید زیرا تعدی تنها بر ستمکاران رواست.

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱،۱۴

۱ وجوب جهاد بر مسلمانان ، حکمی ثابت و همیشگی

کتب عليكم القتال

<كُتِبَ> یعنی ثبت و استقر.

۱۴ احکام الهی (وجوب جهاد و ...) ، بر اساس علم خداوند نسبت به مصالح و مفاسد انسانهاست .

کتب عليكم القتال و هو کره لکم و عسی .. و الله يعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۳

۳ وجوب پیکار در راه خداوند

و قاتلوا فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱،۱۲

۱ وجوب جهاد در راه خدا

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله

١٢ رهايي مستضعفان موحد ، مجوّز جهاد ابتدائي

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين .. الذين يقولون ربنا اخرجنا م

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۲

۲ مؤمنان ، هنگام روانه شدن برای جهاد ، باید نسبت به اسلام و کفر افراد و نیرو های مقابل تحقیق نمایند .

يا ايها الذين امنوا اذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا

متعلق <فتبينوا>، به قرينه <و لا تقولوا .. >، کفر و ایمان افرادی است که مسلمانان به هنگام جهاد با آنان مواجه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ جهاد ، از واجبات کفایی

لايستوى القاعدون .. كلاً وعد الله الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۴، ۲، ۱

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری و استقامت به هنگام هجوم و لشکرکشی دشمنان دین (جهاد دفاعی)

يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم الذين كفروا زحفا فلا تولوهم الأدبار

کلمه <زحفا> (که به معنای لشکرکشی است) می تواند حال برای <الذين كفروا> باشد ؛ یعنی آنگاه که کافران به سوی شما لشکرکشی می کنند. و همچنین می تواند حال برای فاعل <لقيتم> باشد ؛ یعنی آنگاه که شما برای جهاد به سوی کافران حرکت می کنید. در برداشت فوق وجه اول ملاحظه شده است.

۲ اهل ایمان به هنگام حرکت به سوی دشمن و رویارویی با آنان (جهاد ابتدایی) نباید صحنه کارزار را ترک کنند .

إذا لقيتم الذين كفروا زحفا فلا تولوهم الأدبار

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <زحفا> حال برای فاعل <لقيتم> باشد.

۴ حرمت پشت کردن به دشمن و فرار از میدان جنگ

فلا تولوهم الأدبار

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۱

۱ جواز روی برتافتن از جبهه نبرد به منظور در اختیار گرفتن موضعی جدید علیه دشمن یا پیوستن به گروهی از همزمان خویش

و من یولهم یومئذ دبره إلا متحرفا لقتال او متحيزا إلی فئه

<تحرّف> به معنای روی گرداندن از محلی به اطراف آن محل است. بنابراین <تحرّف للقتال> یعنی روی گرداندن از دشمن به منظور انتخاب جبهه ای دیگر برای نبرد. و <تحیز> به معنای جای گرفتن است و چون به <إلی> متعدی شده معنای پیوستن نیز در آن اشراب شده است. گفتنی است مراد از <فئه> گروهی است که در آن میدان مشغول پیکار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۷

۷ مسلمانان نباید آغازگر جنگ باشند .

و إن تعودوا نعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۵

۵ حرمت روی برتافتن از حکم رسول خدا در نبرد با دشمنان دین

أطیعوا الله و رسوله و لا تولوا عنه و أنتم تسمعون

با توجه به اینکه آیات پیشین این بخش از سوره درباره جنگ و مبارزه با دشمنان دین است، مصداق مورد نظر از جمله <أطیعوا> و <لا تولوا عنه> روی برتافتن از فرمانهای آن حضرت در مبارزه و نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۳

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری

مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا

جمله های <يغلبوا مائتين> و <يغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف الله عنكم> در آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <يغلبوا ...> یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۲،۹

۲ حکم بر پایداری در مقابل دشمنان و حدود و شرایط آن ، در اختیار خداوند است .

الئن خفف الله عنكم و علم أن فيكم ضعفا

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۷

۷ روی آوری رزمندگان اسلام به اسیر گرفتن از دشمن پیش از سرکوبی کامل آنان گناهی بزرگ است .

لمسكم فيما أخذتم عذاب عظيم

از اینکه گرفتن اسیر اقتضای عذاب بزرگ دارد، معلوم می شود این گناه، بزرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۳،۱۲

۳ مشکلات و دشواری های زندگی هر چند بسیار باشد نمی تواند بهانه ای برای تخلف از جهاد قرار گیرد .

انفروا خفافاً و ثقلاً

۱۲ > عن جعفر بن محمد (ع) انه قال في

قوله تعالى : <انفروا خفاً و ثقلاً > قال : شاباً و شيوخاً ; ۳۲

از امام صادق (ع) درباره سخن خدا: <انفروا...> روایت شده است: [مقصود این است که به جهاد بروید] چه جوان و چه پیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۹

۹ شرکت نکردن در جنگ ، نیازمند اذن رهبر است .

لم أذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۶، ۱۲

۱۲ شرکت و عدم شرکت مسلمانان در جنگ ، منوط به اذن پیامبر (ص) بود .

فاستئذونك

استیذان منافقان، نشان دهنده این است که: آنان به عنوان فردی از جامعه اسلامی، شرکت خود را در جنگهای آینده، منوط به اجازه پیامبر (ص) می دانسته اند.

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و ...) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفين

مراد از <خالفين> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۲۱، ۵، ۳، ۱

۱ افراد ضعیف و مریض و فاقد هزینه و امکانات جنگی ، از شرکت در جنگ معافند و گناهی بر آنان نیست .

ليس على الضعفاء ... حرج

۳ عدم قدرت بر تأمین نیازهای ضروری خانواده ، در صورت رفتن به جهاد ، سبب معافیت از جنگ است .

و لا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج

منظور از

انفاق در <ینفقون> می تواند انفاق بر افراد تحت تکفل و واجب النفقه باشد.

۵ افراد تهیدست ، معاف از جهاد مالی

و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج

در آیات قبل، سخن از جهاد با مال و جان بود و در این آیه، ممکن است استثنای ضعیفان و مریضان از جهاد جانی و استثنای تهیدستان، از جهاد مالی باشد.

۲۱ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: <... إن الله یحتج علی العباد بما آتاهم و عرّفهم... و ما امرنا إلا بدون سعتهم... و کل شیئی لا یسعون له فهو موضوع عنهم... ثم تلا > لیس علی الضعفاء و لا علی المرضی و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج <... ;

... به تحقیق خداوند بر بندگان احتجاج می کند به چیزی که به آنها عطا فرموده و شناختی که به آنها داده است... و آنان مأمور نشده اند مگر به تکلیفی که پایین تر از سعه و توانشان باشد... و هر تکلیفی که در وسع بندگان نباشد، از آنها برداشته شده... سپس امام آیه شریفه را تلاوت فرمود: <بر ضعیفان و بیماران و آنان که چیزی نمی یابند که (در راه جهاد) هزینه کنند، باکی نیست > ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۱،۱۲

۱ مؤمنان تهیدست و ناتوان از تدارک ساز و برگ نبرد ، معذور و معاف از جنگند .

و لا علی الذین إذا ما أتوک

۱۲ حسن بصری گوید: رسول خدا (ص) فرمود: > لقد خلفتم بالمدينه اقواماً ما انفقتم من نفقه و لا قطعتم و ادياً و لا نلتم من عدوّ نيلاً إلا و قد شرکوکم فی الأجر ثم قرء > و لا على الذين إذا ما أتوك ... الآية < ;

به تحقیق گروههایی را در مدینه بر جای گذاشتید که شما چیزی را هزینه [جنگ] نکرده اید و از هیچ وادی عبور ننموده اید و هیچ آسیبی به دشمن نرسانده اید، مگر اینکه آن گروهها در اجر با شما شریک شدند. سپس آیه شریفه را تلاوت فرمود: و نیز باکی نیست برای کسانی که وقتی نزد تو آمدند تا آنان را سوار کنی [و به جهاد بفرستی] و تو گفتی مرکبی ندارم تا شما را سوار کنم، بازگشتند در حالی که از غصه اینکه چیزی را برای خرج [جنگ] نمی یابند، از چشمهای آنان سیلاب اشک جاری بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۹

۱۹ جهاد با جان و مال در راه خدا، تکلیفی الهی بر همه انسان ها و در همه شرایع است نه مخصوص به مسلمانان و شریعت اسلام.

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم و أموالهم .. و عدأً عليه حقاً فی التوریه و الإ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱،۶،۲۲

۱ عدم جواز شرکت تمام افراد جامعه در جهاد و خالی گذاشتن مراکز دینی و تبلیغات اسلامی و بقیه پست ها و مسؤولیتها

و ما

كان المؤمنون لينفروا كافة

مراد از <نفر> به اقتضای سیاق آیات بسیج برای جهاد می باشد.

۶ جهاد، از واجبات کفایی

و ما كان المؤمنون لينفروا كافة

۲۲ از علی (ع) روایت شده که فرمود: <الجهاد فرض على جميع المسلمين... فان قامت بالجهاد طائفة من المسلمين وسع سائرهم التخلف عنه... قال الله تعالى: < و ما كان المؤمنون لينفروا كافة > فان دهم أمر يحتاج فيه الى جماعتهم نفروا كلهم...>

جهاد بر جمیع مسلمانان واجب است... اگر عده ای از آنان به وظیفه جهاد قیام کنند، دیگران مجازند به جبهه نروند... خدای تعالی فرمود: <نشاید که مؤمنان همه [برای جهاد] کوچ کنند>؛ پس اگر پیش آمدی رخ دهد که در آنجا نیاز به مؤمنان باشد، همه باید برای جهاد کوچ کنند [و تخلف جایز نیست]...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۶

۶- جهاد و توسل به قدرت در مسیر احقاق حق و پیاده کردن دین، پس از بیان حقایق دینی و کارساز نبودن آن، امری جایز و مشروع است.

فإن تولوا فقل ءاذنكم على سواء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۱

۱ - جواز جنگ و پیکار با دشمن مهاجم

أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا

<أذن> فعل مجهول و نایب فاعل آن محذوف است؛ یعنی، <أذن فی القتال> و <الذين يقاتلون>؛ یعنی، آنان که مورد تهاجم قرار می گیرند. <باء> در <بأنهم ظلموا>

سبیه است؛ یعنی، بدان سبب که آنان مظلوم واقع شده اند. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: به کسانی که مورد تهاجم قرار می گیرند، بدان سبب که مورد ستم واقع شده اند، رخصت جنگ داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۰

۱۰- عدم جواز کشتن دشمن، پس از زمین گیر شدن و قدرت نداشتن او بر دفاع *

فضرب الرقاب حتّی إذا أئختتموهم

مفهوم <حتّی إذا أئختتموهم>، ممکن است این باشد که پس از زمین گیر شدن دشمن و ناتوانی وی بر دفاع از خویش، کشتن او (ضرب الرقاب) لازم نیست؛ بلکه موقع اسیر گرفتن او <شدّوا الوثاق> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۳

۳ - جهاد با کافران و منافقان و هرگونه برخورد شدید و سختگیرانه با آنان، باید زیر نظر رهبر جامعه اسلامی انجام گیرد.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جِهَادَ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلَظْ عَلَيْهِمْ

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص)، در جهاد سختگیرانه با کافران و منافقان، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد. افراط و تفریطی که نوعاً در چنین موضوعی از سوی مردم سر می زند، تأیید کننده همین مطلب است.

اختلاف در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۶

۲۶ سستی در نبرد با دشمن، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتّی إذا فشتم .. و لقد عفا عنکم

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی

صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

اخلاص در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱،۲

۱ - جهاد خالصانه و همه جانبه (جهاد با جان و مال) در راه خدا، توصیه الهی به اهل ایمان

و جهدوا فی الله حق جهاده

تقیید <جاهدوا> به <حق جهاده>، ظهور در این معنا دارد که مؤمنان باید تمامی توان خود را در راه خدا به کار گیرند و هرچه دارند (جان و مال) در این راه نثار کنند.

۲ - ارزش جهاد، به در راه خدا بودن آن است.

و جهدوا فی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۶

۶ - ارزش جهاد به این است که در راه خدا و جلب رضای او باشد و نه دستیابی به منافع مادی.

الذین یقتلون فی سبیله

قید <فی سبیله> می رساند که انگیزه کسی که در جهاد شرکت می کند، تنها باید برای اعتلا بخشیدن به دین خدا بوده و از انگیزه های مادی (مانند غنیمت و ..) مبرا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۸

۸ - ارزش جهاد، به این است که در راه خدا و برای جلب رضای او باشد.

تجهدون فی سبیل الله

قید <فی سبیل الله> بیانگر مطلب یاد شده است.

اذن ترك جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٤٣ - ١٠٢،٤،٩

عتاب محبت آمیز خدا به پیامبر (ص) در پی اجازه دادن آن حضرت به برخی از مسلمانان (منافقان) برای شرکت نکردن در جنگ تبوک ، به مجرد اظهار ناتوانی آنان

عفا الله عنك لم أذنت لهم

۲ اجازه گرفتن بهانه جویان (منافقان) از پیامبر (ص) ، برای شرکت نکردن در جنگ تبوک با اظهار دروغین عجز و ناتوانی خود

لم أذنت لهم حتى يتبين لك

مقصود از <اذن> در آیه فوق به قرینه آیه قبل (لو استطعنا ..) و شأن نزولها اذن دادن به کسانی است که از شرکت در جهاد، خود را معذور می دانستند.

۴ گذشت و عفو خداوند از پیامبر (ص) نسبت به اذن دادن به بهانه جویان (منافقان) برای نرفتن به جنگ تبوک

عفا الله عنك لم أذنت لهم

۹ شرکت نکردن در جنگ ، نیازمند اذن رهبر است .

لم أذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۱

۱ مؤمنان به خدا و آخرت ، برای جهاد با مال و جان ، بهانه نیاورده و از پیامبر (ص) خواهان اجازه ترک جهاد نبودند .

لايستذنك الذين يؤمنون بالله و اليوم الآخر أن يجهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۱

۱ تنها مردمان بی ایمان (منافقان) ، از پیامبر (ص) اجازه ترک جهاد می طلبیدند .

إنما يستذنك الذين لا يؤمنون بالله و اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره -

۱ اذن طلبی برخی منافقان برای نرفتن به جنگ تبوک ، به بهانه گرفتار شدن به فتنه و گناه

و منهم من يقول ائذن لی و لاتفتنی

در شأن نزول آیه آورده اند که: یکی از منافقان به پیامبر اکرم (ص) گفت: >یا رسول الله ائذن لی و لاتفتنی بینات الأصغر فإنی أخاف أن أفتتن بهن< یعنی، ای رسول خدا! به من اذن بده تا در جنگ شرکت نکنم .. چون، می ترسم مفتون دخترکان رومی گردم و به گناه بیفتم. (مجمع البیان، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ شرکت و عدم شرکت مسلمانان در جنگ ، منوط به اذن پیامبر (ص) بود .

فاستئذنونک

استیدان منافقان، نشان دهنده این است که: آنان به عنوان فردی از جامعه اسلامی، شرکت خود را در جنگهای آینده، منوط به اجازه پیامبر (ص) می دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ زمام امور جنگ و اجازه حضور و عدم حضور در آن ، در اختیار پیامبر اکرم (ص) و از شؤون آن حضرت

جهدوا مع رسوله استئذنک

۵ رخصت خواستن منافقان توانگر از پیامبر (ص) برای شرکت نکردن در جنگ ، به مجرد فرمان الهی به جهاد

أن ءامنوا بالله و جهدوا مع رسوله استئذنک

اذن جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ شرکت و عدم شرکت

مسلمانان در جنگ ، منوط به اذن پیامبر (ص) بود .

فاستئذنوك

استیذان منافقان، نشان دهنده این است که: آنان به عنوان فردی از جامعه اسلامی، شرکت خود را در جنگهای آینده، منوط به اجازه پیامبر (ص) می دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۳

۳ زمام امور جنگ و اجازه حضور و عدم حضور در آن ، در اختیار پیامبر اکرم (ص) و از شئون آن حضرت

جهدوا مع رسوله استئذنك

ارزش آرزوی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ اشتیاق به جهاد و آرزوی شرکت در آن ، ارزشی والا برای مؤمنان

ولا علی الذین إذا ما أتوك لتحملهم قلت لا أجد ما أحملكم علیه

برداشت فوق با توجه به این است که خداوند، این گروه را به خاطر اشتیاق شدیدشان به جهاد، اختصاص به ذکر داده است.

ارزش جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۳

۳ - پیکار با دشمنان دین از ارزش های والا ، در پیشگاه خداوند است .

ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه أموت بل أحياء

از هدفهای بیان این حقیقت - که شهیدان از حیات ویژه برخوردارند - ترغیب به جهاد و بیان ارزش والای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۲

۲ - ارزش جهاد و نبرد با دشمنان ، به < در راه خدا بودن > آن است .

و قتلوا فی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۵

۵ جنگ و جهاد ، امری خیر برای مؤمنان ، علی رغم ظاهر ناخوشایند آن

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۳،۴،۵

۳ ایمان و هجرت و جهاد در راه خدا ، از عوامل امیدواری به رحمت وی

ان الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت الله

۴ ارزش هجرت و جهاد ، هنگامی است که در راه خداوند باشد .

و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله

۵ اهمیت و ارزش هجرت و جهاد در راه خدا ، و برتری مهاجران مجاهد بر سایر مؤمنان

ان الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله

به نظر می رسد تکرار موصول، دلالت بر ارزشمندی ایمان داشته باشد؛ اگر چه همراه با جهاد و هجرت نباشد؛ اما آنگاه که

توأم با هجرت و جهاد باشد، ارزش و اهمیتی برتر می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱،۲

۱ پیکار در راه خدا ، قرض شایسته بندگان به او *

و قاتلوا . . من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً

۲ تأمین تدارکات پیکار در راه خدا ، قرض شایسته مسلمانان به او

و قاتلوا .. من ذا الذى يقرض الله قرضاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - بقره - ٢ -

۹ < فی سبیل اللّٰه > بودن ، ملاک ارزش پیکار

ابعث لنا ملکاً نقاتل فی سبیل اللّٰه .. و ما لنا الا نقاتل فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۸

۸ شهادت طلبی و حضور در عرصه پیکار با دشمنان دین ، امتیازی ارزشمند در دیدگاه اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجّنه .. و لقد كنتم تمون الموت

چون خداوند اعراض کنندگان از جهاد و مبارزه و فراریان از شهادت و مرگ در راه خدا را مذمت کرده و از سویی تمام سعادت (بهشت) را در گرو مبارزه دانسته، ارزش والای جهاد و شهادت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۶

۶ اهمّیت و ارزش والای شرکت مجدد مجروحین جنگی در جهاد

الذّین استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرّح .. اجر عظیم

اجر عظیم برای مجاهدان در گرو جراحت ناشی از جهاد سابق نیست، بلکه به خاطر شرکت در جهاد پس از تحمّل جراحت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۵

۵ در راه خدا بودن ، امتیاز جهاد اسلامی بر دیگر نبردها

فلیقاتل فی سبیل اللّٰه .. و من یقاتل فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ نبرد با دشمنان دین ، از مصادیق < سبیل الله > است .

و ما تنفقوا من شیء فی

سبیل الله یوف إلیکم

سیاق آیه حکایت از آن دارد که از مصادیق <سبیل الله> جهاد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۶

۶ در راه خدا بودن ، ملاک ارزش هجرت و جهاد در پیشگاه خداوند

هاجروا و جهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل الله

برداشت فوق با توجه به کلمه <فی سبیل الله> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۴،۶

۴ پناه دادن و یاری کردن مهاجران و مجاهدان راه خدا ، دارای ارزشی چون هجرت و جهاد

و الذین ءامنوا .. و الذین ءاووا و نصروا

۶ هجرت و جهاد در راه خدا ، یاری کردن دین او ، پناه دادن به مهاجران مجاهد ، از ارزش های متعالی اسلام و تعیین کننده

مرز ایمان حقیقی از غیر آن

و الذین ءامنوا .. أولئک هم المؤمنون حقا

مفعول <نصروا> هم می تواند کلمه ای همانند <دین الله> باشد و هم می تواند ضمیری محذوف باشد که به <الذین

ءامنوا .. > برمی گردد ؛ یعنی: نصرؤ المؤمنین المهاجرین المجاهدین مآل هر دو معنا یکی است ؛ زیرا یاری کردن

مهاجران مجاهد نیز یاری دین خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱،۶،۷

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر

انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا

می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجد الحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

٦ جهاد و پيكار در راه خدا ، برترين و با ارزش ترين عمل صالح مؤمنان

أجعلتم سقايه الحاجّ . .. كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في سبيل الله

٧ ارزش جهاد ، منوط به اين است كه در راه خدا باشد .

و جهد في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٢٠ - ٢،٤

٢ ايمان ، هجرت و جهاد با جان و مال ، داراي برترين درجه و ارزش در بينش الهی

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا . . . بأموالهم أعظم درجه

٤ ارزش والای هجرت و جهاد منوط به اين است كه در راه خدا باشد .

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٢٤ - ٩

٩ ارزش جهاد منوط به اين است كه در راه خدا باشد .

و جهد في سبيله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٣٨ - ٥

٥ ارزش جهاد ، به در راه خدا بودن آن است .

ما لكم إذا قيل لكم انفروا في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۵

۵ در راه خدا بودن ، ملاک ارزش جهاد با مال و جان

جهدوا بأمولکم و أنفسکم فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹

۶ جهاد، ارزشی است الهی که بی ایمان ها و سست باوران شایستگی آن را ندارند.

و لكن کره الله انبعائهم فثبطهم و قيل اعدوا مع القعدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۷

۷ در راه خدا و برای خدا بودن، ملاک ارزش جهاد

أن يجهدوا بأموالهم و أنفسهم في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۷

۷ ناتوانی منافقان از درک عمیق زشتی مواضع و عملکرد خویش و نیز ارزش جهاد در راه خدا

و طبع .. فهم لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۵

۵ جهاد پیامبر (ص) و مؤمنان راستین، نشأت یافته از درک صحیح و بینش عمیق آنان نسبت به ارزش جهاد

فهم لایفقهون. لكن الرسول و الذين ءامنوا معه جهدوا

با توجه به فراز پیش (رضوا .. فهم لایفقهون) مقصود این است که منافقان چون نمی فهمند، از جهاد می گریزند و لکن مؤمنان، به برکت درک عمیقی که دارند، به سوی عرصه های کارزار پیش می تازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۲، ۱۵، ۱۷

۱۲ ارزش جهاد، به در راه خدا بودن آن است.

يقتلون في سبيل الله

۱۵ کشتن و کشته شدن در راه خدا ، هر دو ارزش و معامله با خداست .

يقتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون

۱۷ جهاد با جان ، رکن

اصلی معامله با خدا و برتر از جهاد مالی

اشتری .. أنفسهم و أموالهم ... یقتلون فی سبیل اللّٰه فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که تقدم <أنفسهم> بر <أموالهم> بیانگر ارزش برتر جهاد با جان باشد و <یقاتلون> صرفاً دربردارنده جهاد با جان باشد؛ زیرا در جمله <فیقتلون و یقتلون> (می کشند و کشته می شوند) تنها جنبه جهاد با جان مطرح گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲

۲ - ارزش جهاد ، به در راه خدا بودن آن است .

و جهدوا فی اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۰

۲۰ - جهاد و انفاق در راه خداوند ، از مهم ترین و ارزشمندترین تکالیف الهی

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

تکیه بر دو تکلیف جهاد و انفاق، از میان سایر تکالیف الهی، حاکی از مطلب یاد شده است.

ارزش جهاد پس از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - جهاد و انفاق مسلمانان در مقطع پیش از فتح مکه ، بسی ارزشمندتر از جهاد و انفاق آنان در مقطع پس از آن بود .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل .. من الذین أنفقوا من بعد و قتلوا

ارزش جهاد قبل از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

مکه ، بسی ارزشمندتر از جهاد و انفاق آنان در مقطع پس از آن بود .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح و قتل .. من الذين أنفقوا من بعد و قتلوا

ارزش جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۲

۲ ایمان ، هجرت و جهاد با جان و مال ، دارای برترین درجه و ارزش در بینش الهی

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. بأموالهم أعظم درجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۵

۵ در راه خدا بودن ، ملاک ارزش جهاد با مال و جان

جهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۷

۱۷ جهاد با جان ، رکن اصلی معامله با خدا و برتر از جهاد مالی

اشتری .. أنفسهم و أموالهم ... یقتلون فی سبیل اللّٰه فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که تقدم <أنفسهم> بر <أموالهم> بیانگر ارزش برتر جهاد با جان باشد و <یقاتلون> صرفاً دربردارنده جهاد با جان باشد ؛ زیرا در جمله <فیقتلون و یقتلون> (می کشند و کشته می شوند) تنها جنبه جهاد با جان مطرح گردیده است.

ارزش علاقه به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ اشتیاق به جهاد و آرزوی شرکت در آن ، ارزشی والا برای مؤمنان

ولا علی الذین إذا ما أتوک لتحملهم قلت لا أجد ما أحملکم

برداشت فوق با توجه به این است که خداوند، این گروه را به خاطر اشتیاق شدیدشان به جهاد، اختصاص به ذکر داده است.

استغاثه در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۲

۲ مجاهدان بدر پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

إذ تستغيثون ربكم

<غوث> به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

استقامت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۵

۱۵ اطمینان بخشیدن بنی اسرائیلِ زمان طالوت به پیامبرشان ، بر پایداری در پیکار با دشمنان

و ما لنا الا نقاتل في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۲

۲۲ مؤمنان به روز رستاخیز ، معتقد به پایداری در پیکار با دشمنان خدا ، علی رغم کمبود نیرو

قال الذين يظنون .. غلبت فئه كثيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۲،۶

۲ ترغیب اهل ایمان به ثبات قدم و استواری و اعتماد به نفس در رویارویی با دشمن

يا ايها الذين امنوا .. و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون

۶ ایمان و روحیه قوی ، رمز استواری و ثبات قدم در رویارویی با دشمنان

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۷

۷ ضرورت استقامت

مؤمنان در جهاد و هنگامه شدائد و سختیها

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۸، ۲

۲ عالمان، یاوران پیامبران الهی در پیکار با دشمنان دین، و تسلیم ناپذیر و استوار

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

برخی <ربیون> را به معنای عالمان تقوایپیشه و صابر گرفته اند. (لسان العرب).

۸ قدرت روحی، استقامت و تسلیم ناپذیری در مقابل دشمن، از ویژگی های مردان الهی

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا .. و ما استکانوا

<وهن> به معنای فتور و سستی است، و کلمه <ما استکانوا>، از ماده <سکن>، به معنی خضوع است / یعنی در برابر دشمن، خاضع و ذلیل نمی شوند و تسلیم نمی گردند.

۱۲ خداوند دوستدار پیامردان در جنگ و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله .. و الله یحب الصابرين

۱۳ محبت خدا، پاداش پایمردی شکیبایان در رویارویی و نبرد با دشمنان دین خدا

فما وهنوا لما اصابهم .. و الله یحب الصابرين

۱۴ نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران در پیکار و مبارزه

و کاین من نبی قاتل .. و الله یحب الصابرين

آیه شریفه با یادآوری حماسه <ربیون>، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری و استقامت به هنگام هجوم و لشکرکشی دشمنان دین (جهاد دفاعی)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفَا زَحَفًا فَلَا تُلَاقُوا لَهُمُ الْأُدْبَارَ

کلمه <زحفا> (که به معنای لشکرکشی است) می تواند حال برای <الذین کفروا> باشد؛ یعنی آنگاه که کافران به سوی شما لشکرکشی می کنند. و همچنین می تواند حال برای فاعل <لقیمتم> باشد؛ یعنی آنگاه که شما برای جهاد به سوی کافران حرکت می کنید. در برداشت فوق وجه اول ملاحظه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۴،۷،۸

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان؛ حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

۷ ضرورت پایداری در مقابل دشمنی با نیرویی ده برابر، مشروط به این است که رزمجویان اهل ایمان کمتر از بیست نفر نباشند.

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ

رساندن معنای مقصود، یعنی لزوم مقاومت یک بر ده، با جمله ای کوتاهتر از آنچه آمده ممکن بود. بنابراین تطویل آن با ذکر دو مثال حاوی نکاتی است؛ از جمله این احتمال که نسبت یاد شده و حکم مترتب بر آن در صورتی است که نفرات اهل ایمان بیست نفر

و یا بیشتر باشند و اگر کمتر باشند این حکم جاری نیست.

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲

۲- ایمان به پیروزی راه ایمان و شکست نهایی کافران ، مقتضی صلابت و جدیت مؤمنان در نبرد با جبهه کفر

الَّذِينَ كَفَرُوا .. أَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ ... فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبُ الرِّقَابِ

فاء در <فَإِذَا لَقِيتُمُ> مفید ترتب و نتیجه است، یعنی، اکنون که دانستید تلاش کافران بی ثمر خواهد ماند (أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ) و فرجام مؤمنان به صلاح خواهد گرایید (أَصْلَحَ بِالْهَمِّ) پس دلگرم باشید و با یقین به پیروزی نبرد کنید (فَإِذَا لَقِيتُمُ .. فَضَرْبُ الرِّقَابِ).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - ثبات در باور های دینی و جهاد همه جانبه در راه خداوند ، گواه صداقت انسان در ادعای ایمان

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ... تَمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهِدُوا ... أَوْلَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۷

۷ - مؤمنان در نبرد با دشمنان ، باید منظم ، سازمان یافته و

همچون بنایی ریخته شده از سرب ، استوار و نفوذناپذیر باشند .

يقتلون .. صفاً كأنهم بنين مرصوص

<مرصوص> از ریشه <رصاص> (سرب) مشتق است. <بنیان مرصوص> یعنی، بنایی که با سرب استوار و محکم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۷

۱۷ رشد معنویات ، موجب استواری بیشتر در رویارویی با دشمن

اذ همت .. و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جمله <و الله ولیهما> و نیز جمله <و علی الله ..> ، علاوه بر بیان یک معرفت دینی، برای تقویت مسلمانان در رویارویی با دشمنان، نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۳،۲۱

۱۳ استواری در نبرد ، اتحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی ، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسونهم باذنه حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اول، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دایره مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۲۱ پایداری در نبرد ، وحدت و پیروی از تعالیم پیامبر (ص) ، نشانگر آخرت خواهی مؤمنان مجاهد

حتى اذا فشلتم .. منکم من یرید الاخره

بنابر اینکه دنیاطلبی (منکم من یرید الدنیا)، دلیل <اذا فشلتم ..> باشد، صفات

مقابل اینها ویژگی آخرت جویان خواهد بود؛ یعنی آخرت خواهان در نبرد نه سستی خواهند کرد و نه ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۸

۱۸ صبر و مقاومت ، حتی در برابر دشمن ، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

و لتسمعنَّ .. اذی کثیراً و ان تصبروا و تتقوا

از ذکر تقوا پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیتهای دشمن نباید دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۴،۱۶،۱۸،۲۳

۱۴ شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات ، پایداری آنان در مقابل دشمن و حفاظت از مرزهای اسلامی ، نشانه تقوای پیشگی است

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

۱۶ ایمان ، زمینه شکیبایی در برابر مشکلات و پایداری در مقابل دشمن و حفظ مرزها و رعایت تقواست .

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

مخاطب قرار دادن مسلمانان به وصف ایمان و آنگاه امر به شکیبایی و ... بیانگر آن است که ایمان زمینه تحقق مسائل مطرح شده است.

۱۸ صبر در برابر مشکلات ، مقاومت در برابر دشمن ، حفاظت از مرزهای جامعه اسلامی و تقوای پیشگی ، زمینه پیروزی و سعادت

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

۲۳ مقاومت در برابر دشمنان و زیر نظر داشتن توطئه آنان ، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین

امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <اصبروا و صابروا .. >، فرمود: معناه ... و صابروا علی عدوکم و رابطوا عدوکم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۹۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۵۰۸.

اطمینان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۲

۲ ترغیب اهل ایمان به ثبات قدم و استواری و اعتماد به نفس در رویارویی با دشمن

یا ایها الذین امنوا .. و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون

اعراض از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۹

۹ - حضور کم در جبهه جهاد، مادامی که جهاد با دشمن دایر است، امر نکوهیده ای است.

قد يعلم الله .. و لا یأتون البأس إلا قليلاً

افشای راز متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۸

۱۸ تهدید متخلفان از جنگ و منافقان، به رسوایی و افشای اسرارشان در آخرت از سوی خداوند

فینبئکم بما کنتم تعملون

اقسام جهاد

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری و استقامت به هنگام هجوم و لشکرکشی دشمنان دین (جهاد دفاعی)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُلَوتْهُمُ الْأَدْبَارَ

کلمه <زحفا> (که به معنای لشکرکشی است) می تواند حال برای <الذین کفروا> باشد؛ یعنی آنگاه که کافران به سوی شما لشکرکشی می کنند. و

همچنین می تواند حال برای فاعل <لقیمت> باشد ؛ یعنی آنگاه که شما برای جهاد به سوی کافران حرکت می کنید. در برداشت فوق وجه اول ملاحظه شده است.

۲ اهل ایمان به هنگام حرکت به سوی دشمن و رویارویی با آنان (جهاد ابتدایی) نباید صحنه کارزار را ترک کنند .

إذا لقیمت الذین كفروا زحفا فلاتولوهم الأذبار

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <زحفا> حال برای فاعل <لقیمت> باشد.

الگو در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۱ - ۲

۲ - پیامبر اکرم (ص) ، الگو و اسوه ای شایسته ، برای مؤمنان در جهاد است .

لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة

به قرینه آیات قبل و بعد که درباره غزوه احزاب است و نیز برخورد منافقان با جهاد و مسلمانان، به احتمال قوی توصیه به الگوگیری از پیامبر(ص) مربوط به جهاد است.

امتحان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۶

۶ جنگ ها و مبارزات ، وسیله امتحان مردم و عرصه جدا کردن مؤمنان مجاهد و صابر از غیر ایشان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لَمَا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهِدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمُ الصَّابِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۴

۴ انفاق ، عرصه آزمایش مالی مؤمنان و جهاد ، عرصه آزمایش جانی آنان

لتبلون في اموالكم و انفسكم

با توجه به آیات پیشین که درباره جهاد و انفاق بود، می تواند امتحان مالی، ناظر به انفاق و

امتحان جانی، ناظر به جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ شرایط سخت جهاد، میدان امتحان و تمایز مراتب معنوی مؤمنان

اتبعوه فی ساعه العسرہ من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۸، ۲۶، ۲۲

۲۲- فرمان خداوند به جهاد، در عین قدرت او بر نابودسازی کافران، به منظور آزمایش آدمیان

و لو یشاء الله لانتصر منهم و لکن لیلوا بعضکم ببعض

۲۶- جهاد، وسیله آزمایش اهل ایمان

و لکن لیلوا بعضکم ببعض

مورد اصلی آیه شریفه، جهاد است که آزمایش در چنین موردی مطرح شده است.

۲۸- کشته شدگان راه خدا، پیروزمندان صحنه آزمون الهی (جهاد)

و لکن لیلوا بعضکم ببعض و الذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضلل عملهم

خداوند، پس از معرفی جهاد به عنوان آزمون مؤمنان و کافران، تنها به یک گروه نوید داده است و آن کشته شدگان راه حق و شهیدان اند. از این نوید استفاده می شود که پیروزمندان این آزمون همانان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۲

۲- تکلیف جهاد، وسیله آزمایش مؤمنان و تمایز مجاهدان و صابران از دیگران

و لنبلونکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

با توجه به واژه <المجاهدين> معلوم می شود که موضوع اصلی آزمایش <جهاد> است. به علاوه محور اصلی این آیات فرمان قتال با کافران و جهاد در راه خدا می باشد (إذا أنزلت سورة محكمة و ذکر فیها القتال ...).

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۵

۵ - تکالیف دشوار و میدان جهاد ، صحنه آزمون انسان ها و تمایز مؤمنان واقعی از مدعیان ایمان

قل للمخلفین من الأعراب ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد

امتحان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۳

۳ میدان نبرد ، عرصه بروز شخصیت و حقیقت درونی افراد

و لقد كنتم تمنون الموت .. فقد رايتموه و انتم تنظرون

امتناع از تدارك جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۵

۵ - ترك انفاق و خودداری از تأمین هزینه های جهاد ، زمینه ساز هلاکت ترك كنندگان انفاق و از عوامل سقوط جامعه است .

و أنفقوا في سبيل الله و لاتلقوا بأيديكم إلى التهلكه

جمله <لا-تلقوا ..> را می توان با مسأله تأمین هزینه های جهاد (أنفقوا في سبيل الله) معنا کرد و می توان آن را در ارتباط با خود جهاد و مبارزه (قاتلوا في سبيل الله) دانست و نیز می توان آن را بیانی برای آداب انفاق شمرد. برداشت فوق ناظر به وجه اول است یعنی، هزینه های جهاد را تأمین کنید و با ترك آن خویشتن را به هلاکت نیفکنید.

امیدواری در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۳

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لما برزوا الجالوت . . و انصرنا على القوم الكافرين

انفاق

برای جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۲

۲- دعوت الهی از مؤمنان ، به انفاق در مسیر جهاد *

تدعون لتنفقوا فی سبیل الله

با توجه به این که آیات پیشین درباره جهاد می باشد، ممکن است مراد از <فی سبیل الله> نیازهای مالی جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۵،۶

۵ - تشویق مسلمانان از سوی خداوند ، به بسیج شدن در امر انفاق و هزینه کردن امکانات و داریی های خود در راه جنگ ، جهاد و جبهه

و ما لکم الا تنفقوا فی سبیل الله

۶ - خداوند ، آن دسته از مسلمانان را که در رفع نیازمندی های جبهه و جنگ و انفاق در راه آن ، کوتاهی کردند ، مورد نکوهش سخت قرار داد .

و ما لکم الا تنفقوا فی سبیل الله

انفاق در راه جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ انفاق داریی ها در راه جنگ و جهاد ، واجب و امتناع ورزیدن از آن ، در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب أليم

برداشت فوق با توجه به این حقیقت است که آیه شریفه به دنبال آیات مربوط به جنگ و قرار گرفته است.

اولویتها در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۲

۲ استراتژی جهاد اسلامی ، گسترش بخشیدن به اسلام در سرزمین های

کفر به صورت گام به گام و پیاپی و اولویت دادن دشمنان نزدیکتر و همجوار

قتلوا الذین یلونکم من الکفار

فرمان خدا به درگیری با کافران همجوار همواره به قوت خویش باقی است. یعنی با تسخیر یک سرزمین کفر و تبدیل آن به سرزمین اسلام باز هم خطاب آیه متوجه مؤمنان است. و باید با کفاری که اکنون همجوار شده اند درگیر شوند.

اهداف منافقان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۷

۷ شرکت برخی افراد (منافقان) در جهاد با کافران ، به منظور دستیابی به منافع مادی

لو کان عرضاً قریباً و سفرأ قاصداً لاتبعوک

اهمیت اعراض از متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۷

۷ لزوم اعراض و روی گردانی از منافقان و جهادگريزان ، و طرد و منزوی کردن آنان در جامعه

فأعرضوا عنهم

اهمیت بسیج برای جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱

۱ مؤمنان ، موظف به بسیج شدن برای نبرد در راه خدا ، به هنگام صدور فرمان جنگ

يأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّٰه اتّأقلمتم

اهمیت تداوم جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۸

۸ - مسلمانان موظف به پیکار بی امان با دشمنان نیرومند ، تا مرز کشتن و یا به تسلیم کشاندن آنان

ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید تقتلونهم أو یسلمون

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۵

۵ - لزوم جهاد پیوسته و مستمر در راه خداوند

و تجهدون فی سبیل الله

فعل مضارع <تجاهدون> دلالت بر استمرار دارد.

اهمیت جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۱

۱ - نبرد با کافران ، تا برطرف شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۵،۲

۲ پندار غلط ورود به بهشت بدون جهاد و صبر ، در میان مسلمانان صدر اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين

۵ بدون مجاهده و صبر ، نمی توان به بهشت دست یافت .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۴،۱۵

۱۴ جهاد برای سپاسگزاری از نعمت های الهی ، بدون چشمداشت پاداش در دنیا و آخرت از مقدسترین نوع جهاد و مبارزه

و لما يعلم الله الذين جاهدوا . . من یرد ثواب الدنيا ... ثواب الاخره ... و س

از تعبیر <سنجزی> برای شاگران و تعبیر به <نؤته> برای خواستاران ثواب دنیا و آخرت به دست می آید که پاداش شاگران، جزای شکر آنان است نه اینکه مجرد اعطا باشد. اضافه بر این، کلمه <منها> دلالت می کند بر اینکه دو طایفه پیش تنها به برخی از خواسته خود دست می یابند،

ولی شاکران جزای کامل دریافت می دارند.

۱۵ سپاسگزاری نعمت های الهی ، برانگیزنده آدمی به جهاد و انجام تکالیف دینی

و من یرد ثواب الدنیا .. و من یرد ثواب الاخره ... و سنجزی الشاکرین

به نظر می رسد خداوند مجاهدان را به سه دسته تقسیم کرده است و جمله <سنجزی الشاکرین>، بیانگر دسته سوم می باشد. یعنی آنان که نه ثواب دنیا انگیزه جهاد آنهاست و نه ثواب آخرت، بلکه انگیزه آنان از جهاد تنها سپاسگزاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۲

۲ تنها آخرت طلبان وارسته از دنیا ، توان و لیاقت نبرد در راه خدا را دارند .

فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الیوه الدنیا بالاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۲۱

۲۱ بهره مندان از نعمت الهی ، تنها بر خداوند متکی هستند و مهبای پیکار در راه او و فراخوان مردم به جهاد و توکل .

قال رجالان من الذین یخافون انعم الله علیهما ادخلوا .. و علی الله فتوکلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۴

۱۴ فلاح و رستگاری در گرو تقوای پیشگی ، پی جویی شیوه ها و ابزار های سیر و سلوک تا مقام قرب خداوند و پیکار در راه او

اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسيله و جهدوا فی سبيله لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۰

۲۰ لزوم مبارزه در راه

خدا و بی‌اعتنایی به سرزنش دشمنان ، در انجام وظایف و مسئولیت های الهی

یجهدون فی سبیل الله و لایخافون لومه لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۳

۳ ضرورت توجه به حکم شرعی غنایم در کنار مسایل جنگ و جهاد

و اعلموا أنما غنمتم من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ هجرت در صدر اسلام دارای اهمیتی برتر نسبت به جهاد در راه خدا

ما لکم من ولیتهم من شیء حتی یهاجروا

با توجه به صدر آیه که برخورداری از حق ولایت را مشروط به جهاد دانست، معلوم می شود هجرت در جعل ولایت بین مؤمنان کافی نیست. بنابراین ذکر کردن هجرت در این فراز (حتی یهاجروا) و مقید نساختن آن به جهاد این معنا را القا می کند که هجرت در راه خدا در صدر اسلام اهمیتی برتر از جهاد داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۵

۵ لزوم جهاد با مال ، همانند جهاد با جان است .

و جهدوا فی سبیل الله بأموالهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۲،۵،۸

۲ محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان نباید محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا را تحت الشعاع قرار دهد .

قل إن کان ءاباؤکم و أبناؤکم .. أحب إلیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله

خویشاوندان و امکانات مادی بر محبت خدا و پیامبر (ص) و جهاد، فسق و انحراف است .

قل إن كان ءاباؤکم .. أحب إليکم ... و اللّٰه لا یهدی القوم الفسقین

۸ ترجیح محبت خدا و رسول و جهاد بر علائق خویشاوندی و تعلقات مادی ، نشانه مؤمنان راستین

یأیها الذین ءامنوا .. قل إن کان ءاباؤکم ... و جهاد فی سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۴، ۳، ۲

۲ شرکت در جهاد و پیکار با دشمنان اسلام ، وظیفه تمامی مسلمانان ، هر چند فاقد امکانات و تجهیزات کافی نظامی باشند .

انفروا خفافاً و ثقالا

۳ مشکلات و دشواری های زندگی هر چند بسیار باشد نمی تواند بهانه ای برای تخلف از جهاد قرار گیرد .

انفروا خفافاً و ثقالا

۴ مؤمنان ، موظف به جهاد با مال (کمک های اقتصادی به لشکر اسلام و چشم پوشی از منافع مادی) همپای جهاد با جان

جهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۴

۴ جهاد با مال و جان ، نشانه ایمان راستین و تقوایبشگی است .

الذین یؤمنون باللّٰه .. أن یجهدوا بأموالهم و أنفسهم و اللّٰه علیم بالمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۳ - ۳

۳ انفاق مال به جای شرکت در جنگ ، در پیشگاه خداوند بی ارزش و غیر قابل قبول است .

و منهم من یقول ائذن لی و لاتفتنی .

.. قل أنفقوا طوعاً أو كرهاً لن يتقبل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۹

۹ اهتمام اسلام به تقویت مبانی فرهنگی دینی جامعه همپای جنگ و جهاد

فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفه ليتفقهوا في الدين

برداشت فوق به این دلیل است که خداوند پس از ترغیب مکرر مؤمنان به شرکت در جهاد و تحذیر آنان از تخلف، در این آیه طلب فقاقت را ضروری شمرده و طالبان فقاقت را از شرکت در جنگ معاف کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۷

۷ - جهاد در راه خدا، حکمی بیرون از قاعده نفی حرج

و جهدوا في الله حقّ جهاده... و ما جعل عليكم في الدين من حرج

جمله های <هو اجتباکم> و <و ما جعل عليكم في الدين من حرج> ظاهراً تعلیل برای جمله <و جاهدوا في الله حقّ جهاده> است؛ یعنی، بدان جهت که شریعت اسلام، شریعتی سهل و آسان و پیراسته از هرگونه عسر و حرج است، پس باید در راه عمل به آن نهایت کوشش را نمود و در راه حفظ آن، تمام توان خود را به کار بست و از ایثار جان و مال در پاسداری از آن دریغ نکرد. لازمه این معنا این است که حکم جهاد همه جانبه که قطعاً عسر و حرج آفرین است از قانون نفی حرج بیرون باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ - جهاد، مصداق

فرمان بری شایسته از خدا و رسول او است .

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجنَّ قل لا تقسموا طاعة معروفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱،۴

۱- لزوم پیکاری بی امان با کافران ستیزه جوی در میدان های جنگ

فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیر شدن دشمن

فضرب الرقاب حتى إذا أثختموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند؛ بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۴

۴- جهاد در راه خدا ، طاعتی است بزرگ .

طاعة

برداشت بالا بنابر این نکته است که <طاعة> خبر مبتدای محذوف باشد؛ یعنی، <هو طاعة> و ضمیر <هو> به <القتال> که در آیه قبل یاد شده باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۳

۳- تأکید خداوند به اطاعت مؤمنان ، از فرمان جهاد و تأثیرناپذیری از کارشکنی منافقان *

يأيتها الذين آمنوا أطيعوا الله و أطيعوا الرسول

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره جهاد و موضع منفی منافقان بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷

۲۰ - جهاد و انفاق در راه خداوند ، از مهم ترین و ارزشمندترین تکالیف الهی

لا یتوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

تکیه بر دو تکلیف جهاد و انفاق، از میان سایر تکالیف الهی، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۶، ۱۴

۱۴ - لزوم جهاد و پیکار بی امان با دشمنان دین و عدالت

و أنزلنا معهم الکتب و المیزان .. و أنزلنا الحدید

واژه <حدید> در آیه شریفه مجازاً در معنای جهاد و قتال به کار رفته است، یعنی، ما فرمان قتال با دشمنان را، به همراه پیامبران نازل کردیم.

۱۶ - جهاد در راه خداوند ، دارای ثمراتی بس مهم و شایان توجه

فیه بأس شدید و منفع للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۸ - ۱۵

۱۵ - جلب رضای حق و آمادگی برای جهاد در راه خدا و رسول او ، شرط ایمان راستین

یبتغون فضلاً من الله و رضواناً و ینصرون الله و رسوله أولئک هم الصدقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۹، ۱۷، ۱۶

۱۶ - مریضی ، تأمین نیازهای زندگی و شرکت در جنگ با دشمن ، از عذرهای پذیرفته شده برای کاستن از عبادت شبانه و شب زنده داری

علم أن سیکون منکم مرضی .. فاقراءوا ما تیسر منه

۱۷ - تلاش برای تأمین زندگی ، هم چون جنگ در راه خدا ، دارای اهمیت است .

و ءآخرون يضربون فى الأرض يبتغون من فضل الله

و ءآخرون يقتلون فى سبيل الله

از این که تلاش برای تأمین زندگی، در کنار جنگ در راه خدا مطرح شده، می توان برداشت یاد شده را استفاده کرد.

۱۹ - شب زنده داری ، نباید به مقداری باشد که به سلامت مؤمنان آسیب رساند و یا مانع از تلاش روزانه برای تأمین زندگی و یا پیکار در راه خدا شود .

فاقرءوا ما تيسر من القرءان علم أن سىكون منكم مرضى . . . فاقراءوا ما تيسر منه

اهمیت جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۰ - ۵

۵ لزوم جهاد با مال ، همانند جهاد با جان است .

و جهدوا فى سبيل الله بأموالهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۴

۴ مؤمنان ، موظف به جهاد با مال (کمک های اقتصادی به لشکر اسلام و چشم پوشی از منافع مادی) همپای جهاد با جان

جهدوا بأموالكم و أنفسكم فى سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۸

۸ اهمیت جهاد با مال ، همانند جهاد با جان

جهدوا بأموالهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۹

۹ - مؤمنان ،

موظف به جهاد با مال (کمک های اقتصادی و چشم پوشی از منافع مادی در راه دین) ، همپای جهاد با جان

و تجهدون فی سبیل الله بأموالکم و أنفسکم

اهمیت صبر در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۸

۸- صبر و مقاومت ، عنصری مهم و ضروری در مسیر هجرت و جهاد

للذین هاجروا .. ثم جهدوا و صبروا

از آن جایی که هجرت و جهاد همواره همراه با مشکلات است و صبر و مقاومت بسیاری را می طلبد، در عین حال خداوند به صبر و مقاومت توصیه فرموده است؛ می توان گفت: این توصیه گویای نقش ویژه صبر در میدان هجرت و جهاد است.

اهمیت قبول جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۶

۶- لزوم صداقت داشتن در مسیر دین و پذیرفتن فرمان جهاد ، پس از صدور آن

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم

اهمیت نظم در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۷

۷- مؤمنان در نبرد با دشمنان ، باید منظم ، سازمان یافته و همچون بنایی ریخته شده از سرب ، استوار و نفوذناپذیر باشند .

یقتلون .. صفاً كأنهم بنین مرصوص

<مرصوص> از ریشه <رصاص> (سرب) مشتق است. <بنیان مرصوص>؛ یعنی، بنایی که با سرب استوار و محکم شده است.

ایشار در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۴

۴ خانه و زندگی

را پشت سر گذاردن و به میدان رویارویی با دشمن شتافتن، از جمله ویژگی های رهبران شایسته الهی و پیروان آنان

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین مقاعد للقتال

<من اهلک>، اشاره به این دارد که پیامبر (ص)، و اساساً هر رهبر الهی، به هنگام انجام تکالیف و رویارویی با دشمن، مهمترین تعلقات (همانند زن و فرزندان) را رها می کند و به میدان کارزار و انجام تکلیف می شتابد.

ایمان و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۶

۲۶ بروز حقیقت ایمان افراد و ظهور باطن آنان با آمدن حکم جهاد

فلما كتب عليهم القتال اذا فريق منهم يخشون الناس... وقالوا ربنا لم كتبت على

بادیه نشینان و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱،۳

۱ اذن خواستن گروهی از بادیه نشینان معذور برای مشارکت نکردن در جنگ

و جاء المعذرون من الأعراب ليؤذن لهم

<اعراب> اسم جمع و به معنای بادیه نشینان است. <معذرون> می تواند اسم فاعل از <باب تفعیل> باشد؛ یعنی، کسانی که از شرکت در جهاد کوتاهی می کنند و به دروغ نشان می دهند که عذر دارند و می توانند اسم فاعل از <باب افتعال> باشد که در اصل <معذرون> بوده و تایی باب افتعال، به جهت قرب مخرج با ذال، قلب به ذال شده و در آن ادغام گشته است؛ یعنی، کسانی که دارای عذر موجهند. برداشت فوق بر پایه احتمال دوم است.

۳ عذر تراشی برخی از بادیه نشینان برای شرکت نکردن در جنگ

و جاء المعذرون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <معذرون> اسم فاعل از باب تفعیل باشد.

برخورد با متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۷

۷ لزوم خودداری از پذیرش عذر متخلفان از جهاد، قبل از بررسیِ درستی یا نادرستی ادعای آنان

لم أذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا و تعلم الكذابين

مقصود از اذن دادن در آیه فوق، اذن ترک جهاد برای کسانی است که از شرکت در جهاد خود را معذور دانسته اند و خداوند چنین اذنی را بدون بررسی معذور بودن یا نبودن متخلفان از جهاد، سرزنش و محکوم کرده است.

بسیج در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۱

۱ فرمان خداوند به بسیج همه مسلمانان صدر اسلام برای جهاد در راه خدا، هر چند فاقد تجهیزات کافی نظامی باشند.

انفروا خفافاً و ثقلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۷

۷ ضرورت بسیج تمامی نیروهای مؤمن و غیر مؤمن از سوی رهبری جامعه دینی برای رویارویی با هجوم کافران

و قيل لهم تعالوا قاتلوا في سبيل الله او اذفعا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، یک دعوت موردی و خاص باشد، نه بیانگر اصل وجوب جهاد و دفاع، الزاماً مخاطبان در آیه دو گروه خواهند بود: گروهی که <لله> و <فی سبیل الله> در صحنه پیکار حاضر می شوند و گروهی که برای دفاع از کیان و ملیت خود و... نبرد می

کنند.

بهانه جویی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۷

۷ متخلفان از جنگ ، به بهانه مصون ماندن از فتنه و گناه ، خود در منجلاب فتنه و گناه بودند .

اِذْنُ لِي وَلَا تَفْتَنِي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۲

۲ بهانه جویان متخلف از جنگ ، آرزومند عدم موفقیت سپاه اسلام و نگران از پیروزی آنان .

إِنْ تَصْبِكُمْ حَسَنَةً تَسْؤُهُمْ

بی اعتنایی به دروغگویی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۶

۶ توصیه الهی به تحت تأثیر قرار نگرفتن مؤمنان ، از سوگند دروغین منافقان متخلف از جنگ

فَأَعْرَضُوا عَنْهُمْ

بی اعتنایی به سوگند متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۶

۶ توصیه الهی به تحت تأثیر قرار نگرفتن مؤمنان ، از سوگند دروغین منافقان متخلف از جنگ

فَأَعْرَضُوا عَنْهُمْ

پاداش آمادگی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۹

۹ آمادگی رزمی و انجام کارهای مقدماتی جهاد، دارای اجر و پاداش الهی

و لاینفقون... و لایقطعون وادياً إلا کتب لهم

با توجه به اینکه آیات در زمینه جنگ تبوک است و در <تبوک> جنگی صورت نگرفت و نیز چون انفاق و پیمودن دره ها از مقدمات جنگ است، برداشت فوق استفاده می شود.

پاداش اخروی جهاد

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کاتین من نبی . . . فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

پاداش تأمین نیازهای جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ تأمین کمترین هزینه جهاد ، در پی دارنده پاداش عادلانه الهی

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله یوف إلیکم و أنتم لاتظلمون

پاداش جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۹

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و

شهادت

فألذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لا کفرنّ عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۸

۸ دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوه الدنیا بالآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ برخورداری از باغ‌ها و بوستان‌های متعدد بهشت، از ثمرات ایمان، هجرت و جهاد در راه خدا

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّٰه . . . یشرهم ربهم ... و جنت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲،۲۵

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن الله اشتری من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة

۲۵ دستیابی به بهشت در پرتو جهاد و شهادت ، تنها رستگاری و پیروزی بزرگ

إن الله اشتری .. . بأن لهم الجنة ... ذلك هو الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۰

۲۰ جهاد و تحمل رنج و سختی در راه خدا ، احسان و دارای پاداش از سوی خداست .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخصه فی سبیل الله .. . إن الله لا یضیع أجر المحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۵

۵ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، دارای بهترین پاداش در پیشگاه خداوند

لیجزیهم الله أحسن ما كانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد؛ یعنی، خداوند نیکوترین پاداش عمل را به مجاهدان خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداش جهاد و دفاع از دین تا مرز شهادت

قال یقوم اتبعوا المرسلین . . . إنی ءامنت برّبکم

فاسمعون . قيل ادخل الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۰، ۱۲

۱۰ - نوید الهی به اعطای پاداشی نیک به اعراب متخلف از حدیبیه ، در صورت نبرد صادقانه با دشمنان نیرومند اسلام

فإن تطيعوا يؤتكم الله أجرًا حسنًا

۱۲ - جهاد در راه خدا ، دارای اجری بزرگ و ارجمند

ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد . . . فإن تطيعوا يؤتكم الله أجرًا حسنًا

پاداش جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن الله اشترى من المؤمنین أنفسهم و أموالهم بأن لهم الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۵

۵ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، دارای بهترین پاداش در پیشگاه خداوند

ليجزیهم الله أحسن ما كانوا يعملون

برداشت فوق بر این اساس است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد، یعنی، خداوند نیکوترین پاداش عمل را به مجاهدان خواهد داد.

پاداش دنیوی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او، موجب بهره مندی از

پاداش های دنیوی و اخروی

و کاتین من نبی... فاتیهم الله ثواب الدنیا و حسن ثواب الاخره

پلیدی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۸،۱۰

۸ منافقان متخلف از جهاد ، مظهر آلودگی و پلیدی

إنهم رجس

تعبیر <إنهم رجس> به جای <إنهم ذو رجس> بیانگر مبالغه است.

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهاد گریز ، ملاک وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

پیران و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و ...) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفین

مراد از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

پیروزی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱

۱ غنیمت و پیروزی در جهاد ، فضل الهی است .

خذوا حذرکم فانفروا .. و لئن اصابکم فضل من الله

مصدق مورد نظر از <فضل> در این آیه، غنیمت و پیروزی است.

تأثیرپذیری از متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۶

۶ توصیه الهی به تحت تأثیر قرار نگرفتن مؤمنان ، از سوگند دروغین منافقان متخلف از جنگ

فأعرضوا عنهم

تاختن اسب در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات

۳ - تاختن اسبان در راه جهاد و شتاب برای رسیدن به میدان نبرد ، مورد ترغیب خداوند

و العدیت ضبِحًا

تارکان جهاد و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۶

۶ اجازه خداوند به پیامبر (ص) در مورد گرفتن صدقه (زکات) از جهاد گریزانی که به گناه خویش معترف بودند .

و اٰخرون اعترفوا بذنوبهم .. خذ من اموالهم صدقه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه است که برخی از متخلفان از جنگ تبوک، نادم شدند و در قبال خطای خویش، پیشنهاد کردند که تمام اموالشان را به عنوان صدقه بپردازند.

تاریخ تشریح جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۵

۵ - تشریح حکم جهاد ، پس از آوارگی مسلمانان از مکه و هجرت به مدینه

أذن للذين يقاتلون .. الذين أخرجوا من ديارهم بغير حق

تحقیق متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۵

۱۵ تحقیق منافقان متخلف از جنگ ، توسط خدا و پیامبر (ص)

فأعدوا مع الخلفين

منظور از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به دلیل عجز و ناتوانی قادر به شرکت در جنگ نبودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۴

۴ اغنیا و توانمندانِ روی گردان از جهاد در صدر اسلام ، مورد نکوهش و تحقیر خداوند قرار گرفتند .

إنما السبيل على الذين . . . و هم

أغنياء رضوا بأن يكونوا مع الخوالم

تخلف از احكام جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ١٩٠ - ٣٨

٣ - تجاوز از مقررات و احكام جهاد ، حرام است .

و قتلوا في سبيل الله .. و لاتعتدوا

٨ - مجاهدان ، در صورتی که از حدود الهی در جنگ تجاوز کنند و یا حقوق دشمنان را رعایت ننمایند ، از محبت خداوند محروم خواهند شد .

إن الله لا يحب المعتدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ١٩٣ - ٩

٩ - متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا على الظلمين

تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٣ - نساء - ٤ - ٧٤ - ٦

٦ تخلف از جهاد ، نتیجه ارزیابی غلط از دنیا و آخرت

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوة الدنيا بالآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ١٦ - ١٠

۱۰ سر باز زدن از شرکت در میدان های نبرد ، برقراری روابط پنهانی با دشمنان و در میان نهادن اسرار مسلمانان با آنان ، از نشانه های ضعف ایمان

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ ترك جهاد و سستی در پیکار با دشمنان دین ، نشانه دنیاطلبی و دلبستگی به زندگی دنیوی است .

ما لكم إذا قيل لكم انفروا

فی سبیل اللّٰه .. أرضیتم بالحویه الدنیا من الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۳

۳ مشکلات و دشواری های زندگی هر چند بسیار باشد نمی تواند بهانه ای برای تخلف از جهاد قرار گیرد .

انفروا خفافاً و ثقالا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ گریز از جهاد با وجود داشتن قدرت و تمکن ، نشانه نفاق است .

استذنبک أولوا الطول منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۳

۳ تخلف و فرار از جهاد ، نشانه ضعف روحی و به دور از روحیه مردانگی است .

رضوا بأن یکونوا مع الخوالف

آیه دربردارنده توبیخ است و خداوند، منافقان را به خاطر تن دادن به همنشینی زنان و خانه نشینان، مذمت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۱

۱۱ تخلف از جهاد و سوگند دروغ ، علامت نفاق و نشانه پلیدی است .

یعتذرون إلیکم .. سیحلفون باللّٰه ...إنهم رجس

تخلف منافقان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۴۵ - ۱

۱ تنها مردمان بی ایمان (منافقان) ، از پیامبر (ص) اجازه ترک جهاد می طلبیدند .

إنما يستئذنك الذين لا يؤمنون بالله و اليوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۴۷ - ۲

۲ عدم شرکت بی

ایمان ها و سست باوران (منافقان) در جنگ تبوک ، به خیر و صلاح مؤمنان بود نه مایه ضرر آنان .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۴

۴ مباحث و اظهار شادمانی منافقان به رأی صائب خویش مبنی بر ترک جهاد ، در صورت مواجه شدن مسلمانان با شکست و مشکلات جنگ

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ گرمی هوا ، بهانه منافقان صدر اسلام برای تخلف از جنگ و دستاویزی برای تبلیغ و بازداشتن از شرکت دیگران در جهاد

و قالوا لاتنفروا فی الحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۴

۴ سستی و تخلف منافقان از جهاد ، در روحیه محکم و مصمم پیامبر (ص) و مؤمنان راستین تأثیری نداشت .

رضوا ... لکن الرسول ... جهدوا

تدارکات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۱۰،۹،۳،۲

۲ - تأمین هزینه های جهاد از وظایف اهل ایمان است .

قتلوا فی سبیل الله ... و أنفقوا فی سبیل الله

از مصارف انفاق مطرح شده در آیه - به قرینه آیات گذشته - تأمین هزینه های جهاد است.

۳- ارزش انفاق و تأمین هزینه های جهاد ، به < در راه خدا بودن > آن است .

و أنفقوا فی سبیل الله

- انفاق در راه خدا و تأمین نیاز های مالی جهاد ، نشانه تقوای پیشگی و خداترسی است .

واتقوا الله .. و أنفقوا في سبيل الله

بیان مسأله انفاق پس از امر به تقوا، می تواند اشاره به این معنا باشد که از مصادیق تقوا، انفاق کردن در راه خداست.

۱۰ - انفاق در راه خدا و تأمین نیاز های جهاد ، در پی دارنده حمایت و امداد های الهی است .

واتقوا الله و اعلموا أن الله مع المتقين. و أنفقوا في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۲

۲ تأمین تدارکات پیکار در راه خدا ، قرض شایسته مسلمانان به او

و قاتلوا .. من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۴

۴ تأمین هزینه های مالی پیکار در راه خدا ، جهاد مالی در راه خداست .

و المجاهدون في سبيل الله باموالهم و انفسهم

تداوم جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۷ - ۶

۶ ضرورت تداوم کشتن و به خواری کشانیدن دشمنان دین ، تا مرحله فرار آنان با ذلت و ناامیدی از صحنه جنگ

ليقطع طرفاً .. فينقلبوا خائبين

از اینکه خداوند اهداف یاد شده را برای پیروزی جنگ بدر می شمارد، به دست می آید که مسلمانان در نبرد خویش با مشرکان و کافران باید تا این مراحل به پیش روند و این اهداف را دنبال کنند.

- فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۰

۱۰ ضرورت تداوم پیکار با دشمنان ، تا مرحله توبه و بازگشت و یا نابودی آنان *

ليقطع طرفاً من الذين كفروا او يكتبهم فينقلبوا .. او يتوب عليهم

چون پذیرش توبه مشرکان و یا عذب آنان از اهداف جنگ بدر شمرده شده است، حکایت از ضرورت تداوم نبرد با دشمنان دارد تا این مراحل و یا مراحل یاد شده در آیه سابق، تأمین شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۶

۶ - ایمان پایدار به خدا و پیامبر (ص) و جهاد پیوسته و مستمر در راه خدا ، تجارتي بس سودمند و بزرگ

هل أدلكم على تجره .. تؤمنون بالله و رسوله و تجهدون في سبيل الله

ترس از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۳

۱۳ فرمان جهاد ، مایه ترس برخی از مدعیان جهاد و مبارزه در صدر اسلام

فلما كتب عليهم القتال اذا فريق منهم يخشون الناس كخشية الله او اشد خشية

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۴

۴ وحشت شدید برخی از مؤمنان از حضور یافتن در جنگ بدر

كأنما يساقون إلى الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - برخی از مؤمنان ، بر خلاف منافقان ، از جهاد و کشته شدن ، ترسی ندارند .

و إن یأت الأحزاب یودّوا لو أنّهم بادون فی الأعراب .

..من المؤمنین رجال ... قضی ن

به قرینه مقابله، احتمال دارد که آیه، در صدد بیان روحیه مؤمنان در مقابل منافقان باشد. در آیات سابق، از منافقانی یاد شده است که از جهاد فرار می کردند و یا دوست داشتند که در صحنه جهاد، حضور نداشته باشند. در این آیه، از مؤمنانی یاد می کند که به عهد خود وفادار ماندند و تا پای جان ایستادند و این نشان می دهد که آنان، ترسی ندارند.

ترس در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۱

۱ توجه به حاکمیت خداوند در حیات و مرگ ، برطرف کننده ترس آدمی برای پیکار در راه او

الم تر الى الذین ... وقاتلوا فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۲

۲ شایعه پراکنانی که مردم را از جهاد می ترسانند ، شیطانند .

قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم .. انما ذلكم الشيطان یخوف اولیاءه

بنابر اینکه <ذکم>، اشاره به همان مردمی باشد که مؤمنان را از جنگ می ترسانند.

ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۰

۱۰ فرار از جنگ ، مانع از مرگ مقدر شده الهی ، نیست .

فقال لهم الله موتوا ثم احياهم .. قاتلوا فی سبیل الله

بنابراینکه داستان یادشده در این آیه، مقدمه ای برای آیه بعد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

آگاهی خداوند از موضعگیری های انسان در گفتار و انگیزه او در پیکار و ترک آن *

انّ الله سمیع علیم

۹ تهدید و هشدار به متخلفان و فرار کنندگان از پیکار در راه خداوند

و قاتلوا فی سبیل الله و اعلموا انّ الله سمیع علیم

گویا <واعلموا...> به قصد تهدید متخلفان آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲۲، ۲۴

۲۲ نافرمانی از دستور خداوند به پیکار علیه تجاوز و اسارت ، ستمگری است .

فلما كتب عليهم .. و الله علیم بالظالمین

۲۴ تهدید خداوند نسبت به کسانی که از پیکار در راه او رویگردانند .

تولوا الا قليلا منهم و الله علیم بالظالمین

مقصود از توجه دادن به دانایی خداوند به عملکرد ظالمانه ستم پیشگان، تهدید آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۱

۱۱ بازنشستگان از جهاد ، هنگامی از پاداش الهی برخوردارند که از روی بی ایمانی ، ترک جهاد نکرده باشند .

لا یستوی القاعدون من المؤمنین .. کلاً وعد الله الحسنی

چون <من المؤمنین> حال برای <القاعدون> است، می رساند که بازنشستگان از جنگ در صورتی قابل مقایسه با مجاهدان هستند که ایمانشان محفوظ باشد. یعنی بازماندگان از جنگ در شرایطی نباشد که موجب سلب ایمان آنان گردد و یا ترک جهاد از روی بی ایمانی به فرامین خدا و رسول نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ توکل بر خداوند ، ناسازگار با کناره گیری از پیکار

و کوشش در راه او و بی اعتنایی به تکالیف الهی

و علی الله فتوکلوا .. فاذهب انت و ربک فقتلا إنا ههنا قعدون

تصمیم قوم موسی بر خانه نشینی و سپردن میدان جنگ به خداوند و موسی (ع)، نقطه مقابل توصیه یوشع و کالب به توکل بر خدا قرار گرفته است و نشان می دهد که بر کنار ماندن از وظایف الهی، با توکل ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ تمرد از فرمان جهاد، گناه است .

و بین القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ ایمان، ناسازگار با بی تقوایی، ترک جهاد و بی اعتنایی به وسایل تقرب به خدا

يأیها الذین ءامنوا اتقوا الله و ابتغوا إليه الوسيله و جهدوا فی سبيله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۲

۲ اهل ایمان به هنگام حرکت به سوی دشمن و رویارویی با آنان (جهاد ابتدایی) نباید صحنه کارزار را ترک کنند .

إذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلا تولوهم الأدبار

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <زحفا> حال برای فاعل <لقیتم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۳

۳ مسلمانانی که از هجرت به مدینه سر باز زدند و یا در راه خدا جهاد نکردند و یا مهاجران و دین خدا را یاری ندادند، از دایره مؤمنان راستین خارج هستند .

هاجروا .. أولئك هم المؤمنون حقا

<أولئك> اشاره است به هر یک از <الذین> اول و دوم با ویژگیهایی که در توصیف آنها آمده است. با توجه به این معنا و دلالت ضمیر فصل (هم) بر حصر معلوم می شود کسانی که مجموع صفات یاد شده را نداشته، اگر چه برخی از آنها را دارا باشند مؤمن حقیقی نیستند.

ترک جهاد با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۴

۴ لزوم متارکه جنگ با اهل کتاب ، در صورت پرداخت جزیه و تسلیم شدن ایشان در برابر حکومت اسلامی

قتلوا الذین لا یؤمنون .. من الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرو

ترک جهاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۱،۶

۱ - نباید با کفرپیشگانی که از جنگ و فتنه انگیزی دست کشیده اند ، نبرد کرد و آنان را به قتل رساند .

فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم

متعلق <إنتهوا> به قرینه آیات قبل، جنگیدن و فتنه انگیزی است. جمله <فإن الله...> جانشین جواب شرط می باشد و تقدیر کلام چنین است: فإن انتهوا عن القتال و الفتنه فلا تقاتلوهم ولا تقتلوهم إن الله غفور رحيم <.

۶ - فرمان خداوند ، مبنی بر ترک جنگ با کافرانی که دست از جنگ و فتنه برداشته اند ، پرتوی از مغفرت و رحمت اوست .

فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۵،۶

۵ - لزوم

ترک جنگ با کافران ، در صورت دست برداشتن آنان از فتنه انگیزی و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

متعلق <إنتهوا ..> - به قرینه فرازهای پیش - فتنه انگیزی و بازدارى از حاکمیت یافتن دین الهی است. جواب شرط (فإن انتهوا) محذوف است و جمله <فلاعدوان...> جانشین آن می باشد؛ یعنی، پس اگر از فتنه انگیزی دست کشیدند و مانع گسترش و حاکمیت دین خدا نشدند، آنان را نکشید؛ زیرا تعدی تنها بر ستمکاران رواست.

۶- در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

ترک سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۹

۹- لزوم پرهیز از ضعف و سستی ، در میدان مبارزه و جهاد

يقتلون في سبيله صفاً كأنهم بنين مرصوص

ترک مجاز جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- انفال - ۸ - ۱۶ - ۱

۱ جواز روی برتافتن از جبهه نبرد به منظور در اختیار گرفتن موضعی جدید علیه دشمن یا پیوستن به گروهی از همزمان خویش

و من يولهم يومئذ دبره إلا متحرفا لقتال او متحيزا إلى فئه

<تحرف> به معنای روی گرداندن از محلی به اطراف آن محل است. بنابراین <تحرف للقتال> یعنی روی گرداندن از دشمن به منظور انتخاب جبهه ای دیگر برای نبرد. و <تحيز> به معنای جای گرفتن است و چون به <إلى> متعدی شده معنای پیوستن

نیز در آن اشرا ب شده است. گفتنی است مراد از < فئه > گروهی است که در آن میدان مشغول پیکار هستند.

تشریح جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۷

۷ تقدّم تشریح نماز و زکات بر تشریح جهاد

الم تر الى الذين .. اقيموا الصلوه و اتوا الزكوه فلما كتب عليهم القتال

بنابر اینکه مراد از < فلما كتب > بیان اصل و جوب جهاد باشد، نه فراهم آمدن زمینه آن.

تشویق به تسریع در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱ - ۳

۳ - تاختن اسبان در راه جهاد و شتاب برای رسیدن به میدان نبرد ، مورد ترغیب خداوند

و العدیت ضبّحًا

تشویق به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۷

۷ توجه و ایمان به علم مطلق خداوند ، برانگیزاننده آدمی برای اقدام به پیکار در راه او

و قاتلو فی سبیل الله و اعلموا انّ الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۵

۵ تشویق مسلمانان از سوی خداوند برای همگامی با پیامبر اسلام (ص) در جهاد و سرزنش آنان که در برابر دشمنان دین ،

ضعف و زبونی به خود راه دهند .

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّٰه

از اهداف یادآوری سلحشوری پیشینیان، تشویق مؤمنان به همگامی با پیامبر اسلام (ص) است. و نیز سرزنش کسانی است که در جنگ اُحد، سستی کرده

و از خود ضعف و زبونی نشان دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱۵

۱۵ تشویق و ترغیب به جهاد و شهادت در راه خدا

و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه امواتا بل احياء عند ربّهم یرزقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۱۵

۱۵ ترغیب به جهاد و شهادت در راه خدا

فرحین بما اتيهم اللّٰه من فضله .. و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۳

۱۳ تشویق خداوند به جهاد ، همراه با نیکوکاری و تقوا

الذّین استجابوا للّٰه .. للذّین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۸

۱۸ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به رویارویی و جهاد با دشمنان دین

انّما ذلکم الشّیطان .. فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین

جمله <اگر ایمان داری از دشمنان دین نهراسید>، خطاب به کسانی است که مدعی ایمان هستند و به هدف ترغیب آنان به رویارویی با دشمن ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ پیامبر (ص)، مأمور برانگیختن و تشویق مؤمنان به جهاد در راه خدا

فقاتل فی سبیل اللّٰه... و حرّض المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

بهره مندی تشویق کنندگان به جهاد، از نتایج اعمال مجاهدان

و حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ ... مِنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةَ حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا

به مقتضای ارتباط بین این آیه و آیه قبل، تشویق مسلمانان به جهاد، می تواند مصداق مورد نظر از وساطت و شفاعت حسنه باشد. چون تحریض و تشویق برای جهاد در راه خدا، نوعی وساطت و سببیت برای انجام آن است.

۳ ارزشمندی تشویق مردم به جهاد در راه خدا

و حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ ... مِنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةَ حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا

چون تحریک مردم به جهاد، <شفاعه حسنه> نامیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۶

۱۶ ترغیب مؤمنان به جهاد و بذل مال و جان در راه خدا

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ ... وَ الْمَجَاهِدُونَ ... فَضَّلَ اللَّهُ الْمَجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ اجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۲

۲ تشویق و تحریک اهل ایمان برای پیکار با کافران، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۱،۲

۱ تشویق و تشجیع مسلمانان صدر اسلام به جنگ با مشرکان پیمان شکن و توطئه گر علیه پیامبر (ص)

أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ

۲ تشویق و تشجیع مسلمانان به پیکار با سران شرک و کفر

فقتلوا أئمة الكفر . . . ألا تقتلون قوماً نكثوا أيمانهم و همّوا بإخراج الرسول

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۲

۲ تهییج مسلمانان ، از سوی خداوند برای جهاد و یاری رساندن پیامبر (ص)

إِلا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۵

۵ - تشویق و ترغیب مؤمنان صدر اسلام از سوی خداوند ، به جهاد و پیکار در راه او

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِهِ

تشویق مسلمانان مدینه به ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - عده ای از منافقان ، مسلمانان شرکت کننده در غزوه احزاب را ، به ترک جهاد وسوسه می کردند .

و إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا

۲ - منافقان برای ماندن مسلمانان به همراه پیامبر (ص) در غزوه احزاب با توجه به هجوم دشمن و جهی منطقی قائل نبودند و آنان را به ترک غزوه ، دعوت می کردند .

قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا

تصمیم به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۴

۴ حق تصمیم گیری درباره جهاد از آن مهاجران نخستین بود .

جهدوا معکم

کلمه <معکم> در <جهدوا معکم> (در کنار شما جهاد کنند) می تواند ناظر به برداشت فوق باشد. چنانچه مخاطبان <معکم> خصوص مهاجران باشند، برداشت فوق از اتقان بیشتری برخوردار است.

تقوا در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۴

۴ دعوت و تشویق اهل

ایمان به پیشه ساختن صبر و تقوا، در رویارویی با دشمن

ان تصبروا و تتقوا و یا توکم من فورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۴، ۱۳

۱۳ تشویق خداوند به جهاد، همراه با نیکوکاری و تقوا

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ .. لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا)، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ .. لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است؛ یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی) گرفته شده است.

تقویت روحیه در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۶

۶ توجه تقوای پیشگان به آگاهی خداوند به احوالشان، مایه دلگرمی آنان در جهاد

أَنْ يَجْهَدُوا .. وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۱۴

۱۴ دلداری خداوند به مؤمنان، به منظور رفع نگرانی آنان، به دنبال تخلف کردن گروهی از شرکت در جنگ تبوک

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ .. لَوْ خَرَجُوا فِئَكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا ... وَاللَّهُ ع

تكبر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۸

۸ متخلفان از جهاد ، مردمانی خودمحور و بی عاطفه در برخورد با مجاهدان و

حوادث روی داده بر آنان

فان اصابکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ . . . و لئن اصابکم فضل من الله ليقولنّ

تنبلی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۱

۱ نباید اهل ایمان در هنگامه های دشوار (رویارویی با دشمنان) ، سستی و اندوهی به خویش راه دهند .

یا ایها الذین امنوا . . . و لا تهنوا و لا تحزنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۱

۱ کندی و سستی برخی مسلمانان عصر پیامبر (ص) ، از شرکت در جهاد

و انّ منکم لمن لیبطنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ امتناع و کوتاهی مسلمین از شرکت در غزوه بدر صغرا

فقاتل فی سبیل الله . . . و حرّض المؤمنین عسی الله

قابل ذکر است که مورخین از این غزوه به نامهای مختلفی بدر الصغراء، بدر الموعده، بدر الآخره و بدر الاخیره یاد کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۴

۴ تهدید خداوند نسبت به عناصر سست بنیاد در جبهه پیکار مسلمانان با دشمنان

و الله سمیع علیم. اذ همّت طائفتان منکم ان تفسلا

بنابر اینکه کلمه <اذ>، متعلق به دو صفت <سمیع> و <علیم> باشد. یعنی خداوند، سخنان پنهانی آنان را که تصمیم به کوتاهی در نبرد داشتند، می شنید و از اندیشه آنان، آگاه بود. و تذکر شنوایی و دانایی خداوند در موارد

تخلف و گناه، دلالت بر تهدید نسبت به متخلفین دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۷، ۲۶، ۱۰

۱۰ سستی، تفرقه و سرپیچی برخی پیکارگران احد از فرمان پیامبر (ص)، پس از پیروزی ابتدایی بر دشمنان

حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ . . . مِنْ بَعْدِ مَا أَرَيْكُمْ مَا تَحِبُّونَ

گرچه ظاهر خطاب در <فشلتم و تنازعتم... و عصیتم> به تمامی مسلمانان در جنگ احد است، ولی به قرینه تقسیم آنان در دنباله آیه به دو گروه دنیاطلب و آخرت طلب، معلوم می شود مراد از مخاطبین <فشلتم...>، گروهی از مسلمانان بوده اند و نه همه آنان.

۱۷ دنیاطلبی و دلدادگی به مادّیات، از عوامل سستی در مبارزه و رویارویی با دشمنان دین

حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ وَ... مِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا

۲۶ سستی در نبرد با دشمن، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی، گناه و موجب استحقاق عقاب

حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ . . . وَ لَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۳

۱۳ بی صبری در برابر مشکلات، سستی در مقابل دشمنان و حفاظت نکردن از مرزهای کشور اسلامی، بی تقوایی است.

اصبروا و صابروا و رابطوا و اتَّقوا الله

توصیه به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲

۱ - جهاد خالصانه و همه جانبه (جهاد با جان و مال) در راه خدا ، توصیه الهی به اهل ایمان

و جهدوا فی الله حقّ جهاده

تقیید <جاهدوا> به <حقّ جهاده>، ظهور در این معنا دارد که مؤمنان باید تمامی توان خود را در راه خدا به کار گیرند و هرچه دارند (جان و مال) در این راه نثار کنند.

توکل در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۴

۴ اتکای مؤمنان راستین بر ولایت و حمایت خداوند ، در جهاد و اقدام به تکالیف

قل لن یصیبنا إلا ما کتب الله لنا هو مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱۷

۱۷ نهراسیدن از کثرت دشمن و توکل بر خدا در رویارویی با آنان ، از نشانه های مؤمنان پیرو خدا و رسول (ص)

الذین استجابوا لله و الرسول .. و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل

تهدید مانعان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۱

۱ - بازدارندگان مجاهدان از جهاد ، مورد تهدید خداوندند .

قد یعلم الله المعوقین منکم

<معوق> از ریشه <عوق> به بازدارنده اطلاق می شود (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <قد یعلم...> کنایه از تهدید و هشدار است.

تهدید متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۴

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی

(محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دل‌بستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن كان ءاباؤکم .. و أموال اقترفتموها و ... أحب إليکم ... و جهاد فی سبيله فتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۲

۲ امتناع کنندگان از جهاد ، مورد تهدید خدا به عذابی سخت و دردناک

إلا تنفروا يعذبکم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۴

۱۴ منافقان متخلف از جنگ ، مورد تهدید خداوند به آتش سوزان دوزخ

قل نار جهنم أشد حراً لو كانوا يفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۸ ، ۱۰

۱۰ خداوند ، توانمندان متخلف از جهاد را به امکان رسوایی بیشتر در صورت ادامه دادن به تخلف ها تهدید کرد .

و سیری الله عملکم و رسوله

جمله <سیری الله عملکم و رسوله > می تواند هشدارى باشد به متخلفان جنگ در جهت بازداشتن ایشان از کجرویهها در آینده.

۱۸ تهدید متخلفان از جنگ و منافقان ، به رسوایی و افشای اسرارشان در آخرت از سوی خداوند

فینبئکم بما کتتم تعملون

تهدید معرضان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - مسلمانانی که شرکتشان در جهاد ، اندک بود مورد تهدید خداوندند .

و لا یأتون البأس إلا قليلاً

جمله <و لا یأتون البأس إلا قليلاً> .. احتمال دارد که مستقل باشد و احتمال دارد که حال برای <المعوقین> و یا

<القائلین> باشد. در صورت نخست، این فراز از آیه، سومین گروهی خواهند بود که متعلق <یعلم الله> اند. لازم به گفتن است که مراد از <البأس> که به معنای <سختی و شدت> است به قرینه مقام، جنگ است. <یعلم الله> کنایه از تهدید و هشدار است.

تهییج در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۹

۹ خداوند، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سرهای کافران و از کار انداختن پنجه های آنان، تهییج کرد.

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا ..> متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله الله إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤلیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جرم اخلال در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام، جرمی است بزرگ.

خلف رسول الله .. قالوا لا تنفروا ... قل نار جهنم ... جزاء بما كانوا یکسبون

جرم تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۶

۶ تخلف از جهاد و فرمان رسول خدا (ص) و اخلال در بسیج و تجهیز سپاه اسلام، جرمی است بزرگ.

خلف رسول الله .. قالوا لا تنفروا ... قل نار جهنم

... جزاء بما كانوا يكسبون

جهاد ابتدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۹

۹ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز نبرد با ایشان است ، هر چند که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّٰه یقتلونکم .. الفتنه أشد من القتل

جمله <والفتنه أشد من القتل> ، به اصطلاح اصولیین حاکم بر <الذین یقاتلونکم> است و موجب توسعه در موضوع حکم مطرح شده در آیه قبل می شود ، یعنی ، آیه قبل بیان داشت که با کافران حربی نبرد کنید و جمله <الفتنه ..> بیان می کند که فتنه انگیزی به منزله جنگ است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۵۸

۵ جامعه ایمانی ، وظیفه دار پیکار در راه خدا و یا دست کم دفاع از وطن و کیان خویش

تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّٰه او ادفعوا

۸ پیکار با دشمنان دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی) ، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل اللّٰه او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه ، بیان حکم جهاد باشد ، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی . بنابراین جمله <قاتلوا ...> ، ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او ادفعوا> ناظر به جهاد دفاعی است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ رهایی مستضعفان موحد ، مجوز جهاد ابتدایی

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین

.. الذین یقولون ربنا اخرجنا م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۲

۲ اهل ایمان به هنگام حرکت به سوی دشمن و رویارویی با آنان (جهاد ابتدایی) نباید صحنه کارزار را ترک کنند.

إذا لقیتم الذین کفروا زحفا فلا تولوهم الأدبار

برداشت فوق بر این اساس است که کلمه <زحفا> حال برای فاعل <لقیتم> باشد.

جهاد انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۶

۶ حضور مستقیم پیامبران الهی ، در صحنه های پیکار علیه دشمنان

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر .. فی سبیل الله

جهاد با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۱

۱ فرمان خدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان از محرمات الهی و پایبند نبودن

به دین حق

قتلوا الذین لا یؤمنون .. من الذین أوتوا الکتب

جهاد با اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۶

۶- رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از <بطن مکه> سرزمین حدیبیه باشد؛ احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر< بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

جهاد با جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۳

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ . . . و انصرنا على القوم الكافرين

جهاد با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۲

۲ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إن الذين ءامنوا و هاجروا . . أولياء بعض

مشارالیه <أولئک> و مرجع ضمیر در <بعضهم> ، <الذین> اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر مثلاً اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

جهاد با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبد إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جهاد با دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹

۳ آمادگی بنی اسرائیل برای پیکار با دشمنان ، پس از پذیرش زمامداری طالوت ، با مشاهده آن صندوق خاص

ان ایه مُلکه .. فلما فَصَلَ طالوت بالجنود

بسیج لشکریانی از بنی اسرائیل، با وجود تردید سابق آنان نسبت به فرماندهی طالوت، دلالت بر جمله ای محذوف دارد؛ یعنی پس از آمدن تابوت، به فرماندهی طالوت گردن نهادند و آماده نبرد شدند و آنگاه طالوت آنان را بسیج کرد.

۵ همراهی جمعیت انبوهی از بنی اسرائیل با طالوت ، در آغاز حرکت وی برای پیکار با متجاوزان

فلما فصل طالوت بالجنود

کلمه <جُند> به معنای جمعیت انبوه و متراکم است. آوردن این کلمه به صورت جمع (جنود) دلالت بر کثرت لشکریانی دارد که با طالوت بسیج شدند.

۱۵ عدم تغییر عزم طالوت در پیکار با متجاوزان ، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشربوا منه الا قليلا منهم فلما جاوزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۲

۲ ضرورت نیایش با خداوند ، در هنگامه پیکار با دشمنان

و لما برزوا الجالوت و جنوده قالوا ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۱۷

۱۷ رشد معنویات ، موجب استواری بیشتر در رویارویی با دشمن

اذ همت .. و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جمله <و الله ولیهما> و نیز جمله <و علی الله .. >، علاوه بر بیان یک معرفت دینی، برای تقویت مسلمانان در رویارویی با دشمنان، نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران

۱ کفایت فرشتگان امدادگر ، برای پیروزی رزمندگان در برابر دشمنان

الن یکفیکم .. بلی ان تصبروا

۳ در هنگام ضرورت (همانند یورش شتابان دشمنان دین) ، صبر و تقوا ، تضمین کننده نزول فرشتگان برای امداد مؤمنان

ان تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربکم بخسمة الاف

۴ دعوت و تشویق اهل ایمان به پیشه ساختن صبر و تقوا ، در رویارویی با دشمن

ان تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم

۱۲ محرومیت از امداد های ویژه الهی در رویارویی با دشمنان دین ، پیامد بی صبری و بی تقوایی

ان تصبروا و تتقوا .. یمددکم ربکم بخسمة الاف من الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۰

۱۰ ضرورت تداوم پیکار با دشمنان ، تا مرحله توبه و بازگشت و یا نابودی آنان *

لیقطع طرفاً من الذین کفروا او یکتبهم فینقلبوا .. او یتوب علیهم

چون پذیرش توبه مشرکان و یا عذب آنان از اهداف جنگ بدر شمرده شده است ، حکایت از ضرورت تداوم نبرد با دشمنان دارد تا این مراحل و یا مراحل یاد شده در آیه سابق ، تأمین شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۷

۱۷ امید نیل به آمرزش الهی و بهشت ، برانگیزنده اهل ایمان برای شرکت در نبرد با دشمنان

یا ایها الذین امنوا .. و اطیعوا الله و الرسول ... سارعوا الی مغفره من ربکم

چون آیات پیشین درباره نبرد و رویارویی با کافران بود ،

گویا آیات مورد بحث به منظور دستورالعملی است برای اینکه جامعه ایمانی را به گونه ای تربیت کند که دیگر همچون نبرد اُحد، دلبسته به دنیا نباشد و دچار دلهره و ترس نگردد تا همیشه بر دشمنان دین غالب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۹

۹ سستی ، کرنش و زبونی اهل ایمان در برابر دشمنان دین ، ناپسند است .

فما وهنوا .. و ما ضعفوا و ما استکانوا

صفات شمرده شده برای مردان الهی پس از واقعه احد، تعریض به مسلمانانی است که در آن نبرد، سستی و ضعف به خود راه دادند. از این رو صفات یاد شده، زینده مؤمنان واقعی و مردان الهی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۸،۱۳

۸ پیکار با دشمنان دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی) ، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل الله او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، بیان حکم جهاد باشد، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی. بنابراین جمله <قاتلوا ... >، ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او ادفعوا> ناظر به جهاد دفاعی است.

۱۳ سرباز زدن از حضور در پیکار با دشمنان دین و دفاع از کیان اسلامی ، از نشانه های نفاق

و ليعلم الذين نافقوا .. لو نعلم قتالاً لا تبغناکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۲

نیاز مبرم پیامبر (ص) به نیروهای مجاهد برای مقابله با دشمن، پس از نبرد احد

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ

فراخوانی نیروهای مجروح جنگ احد برای نبردی دیگر، چنانچه در شأن نزول آمده است، حکایت از نیاز مبرم به نیروهای مجاهد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۸، ۶

۶ شیطان مؤمنان را از رویارویی با دوستانش می ترساند .

أَتَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

بنابر اینکه مفعول اول از فعل <يَخَوْفُ>، یعنی <كُم>، در تقدیر باشد. یعنی شیطان شما را از دوستانش می ترساند. جمله <فلا تخافوهم>، این احتمال را تأیید می کند.

۱۸ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به رویارویی و جهاد با دشمنان دین

أَتَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ .. فلا تخافوهم و خافون ان كنتم مؤمنين

جمله <اگر ایمان داری از دشمنان دین نهراسید>، خطاب به کسانی است که مدعی ایمان هستند و به هدف ترغیب آنان به رویارویی با دشمن ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۵

۵ یادآوری امداد های الهی به مجاهدان راه خدا مایه نهراسیدن از مقابله با دشمنان دین

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ

هدف از یادآوری امدادهای غیبی به مجاهدان، ترغیب مؤمنان به نهراسیدن از مبارزه با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۱

۱ جواز روی برتافتن از جبهه نبرد به منظور در اختیار گرفتن موضعی جدید علیه دشمن یا پیوستن به گروهی از همزمان
خویش

و

من يولهم يومئذ دبره إلا متحرفا لقتال او متحيزا إلى فئه

<تحرف> به معنای روی گرداندن از محلی به اطراف آن محل است. بنابراین <تحرف للقتال> یعنی روی گرداندن از دشمن به منظور انتخاب جبهه ای دیگر برای نبرد. و <تحيز> به معنای جای گرفتن است و چون به <إلی> متعدی شده معنای پیوستن نیز در آن اشراب شده است. گفتنی است مراد از <فئه> گروهی است که در آن میدان مشغول پیکار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۵

۵ حرمت روی برتافتن از حکم رسول خدا در نبرد با دشمنان دین

أطيعوا الله و رسوله و لا تولوا عنه و أنتم تسمعون

با توجه به اینکه آیات پیشین این بخش از سوره درباره جنگ و مبارزه با دشمنان دین است، مصداق مورد نظر از جمله <أطيعوا> و <لا تولوا عنه> روی برتافتن از فرمانهای آن حضرت در مبارزه و نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۷

۷ ضرورت پایداری در مقابل دشمنی با نیرویی ده برابر، مشروط به این است که رزمجویان اهل ایمان کمتر از بیست نفر نباشند.

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

رساندن معنای مقصود، یعنی لزوم مقاومت یک بر ده، با جمله ای کوتاهتر از آنچه آمده ممکن بود. بنابراین تطویل آن با ذکر دو مثال حاوی نکاتی است، از جمله این احتمال که نسبت یاد شده و حکم مترتب بر آن در صورتی است که نفرات اهل ایمان بیست نفر و یا بیشتر باشند

و اگر کمتر باشند این حکم جاری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۲، ۴، ۲

۲ حکم بر پایداری در مقابل دشمنان و حدود و شرایط آن، در اختیار خداوند است.

الثن خفف الله عنكم و علم أن فيكم ضعفا

۴ بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان شد.

الثن خفف الله عنكم و علم أن فيكم ضعفا

۱۲ مؤمنان صابر و مقاوم در برابر دشمنان دین از امداد های های بهره مند خواهند شد.

و الله مع الصبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۲

۲ ملائک و جوب شرکت مسلمانان در پیکار با دشمنان، دفاع از اسلام و سرزمین آن است، نه خصوصیات رهبری جامعه و صلاحیت و عدم صلاحیت وی برای فراخوانی به جنگ.

يأيتها الذين آمنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا في سبيل الله

به کارگیری فعل مجهول (قيل) و عدم ذکر نام و خصوصیات کسی که فرمان جهاد را صادر می کند، مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۳

۱۳ لزوم حضور فعال در میدان های نبرد علیه دشمنان راه خدا و بیم نداشتن از کشته شدن

يقتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خروج پیامبر (ص) در صبحگاهان از میان خانواده خویش ، برای برپا

نمودن پایگاه های جنگی برای مؤمنان ، در مصاف با دشمنان

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین مقاعد للقتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۱۶، ۱۱، ۴۸

۴ سختی ها و رنج های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب سستی در پیکار با آنان شود .

و لاتهنوا .. ان تکونوا تألمون فانهم یألمون کما تألمون

۸ امید مجاهدان به پاداش و نصرت الهی ، زمینه تقویت روحیه و سستی نکردن آنان در رویارویی با دشمنان دین

و لاتهنوا .. و ترجون من الله ما لایرجون

۱۱ ضرورت امیدواری و اتکال مجاهدان به خداوند در رویارویی با دشمنان

و ترجون من الله ما لایرجون

جمله خبریه <ترجون من الله> می تواند ارشاد و توصیه به مجاهدان باشد که باید همواره به یاری و کمک خداوند دل بندند.

۱۶ دشواری ها و سختی های پیش آمده برای اهل ایمان به هنگام نبرد با دشمنان ، دارای حکمت و مصلحت

ان تکونوا تألمون .. و کان الله علیماً حکیماً

توصیف خداوند به <حکیماً>، پس از بیان علم خداوند به دردها و مصیبت های اهل ایمان، برای رساندن این معناست که این رنجها و گرفتاریها دارای حکمت و مصلحت است و لذا از آن جلوگیری نمی کند، نه اینکه از دید خداوند مخفی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۲

۲ - اخبار الهی از نبرد قریب الوقوع مسلمانان با دشمنی نیرومند ، پس از جنگ خیبر

قل للمخلفین من الأعراب ستدعون إلى قوم أولى بأس شدید

جهاد با دشمنان دین

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۷،۳۱

۲۷ - استقامت و پایداری در جنگ علیه دشمنان دین ، از مشخصه های ابرار

و لكن البر من .. الصبرين في البأساء والضراء حين البأس

۳۱ - مجاهدانی که در نبرد با دشمنان دین استقامت میورزند ، تقواییشان حقیقی هستند .

الصبرين .. حين البأس ... أولئك هم المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۴،۲۱

۱۴ - لزوم جهاد و پیکار بی امان با دشمنان دین و عدالت

و أنزلنا معهم الكتب و الميزان .. و أنزلنا الحديد

واژه <حدید> در آیه شریفه مجازاً در معنای جهاد و قتال به کار رفته است ، یعنی ، ما فرمان قتال با دشمنان را ، به همراه پیامبران نازل کردیم .

۲۱ - دین داران راستین ، کسانی اند که به یاری خدا برمی خیزند و با دشمنان دین او به جهاد و پیکار می پردازند ، در حالی که او را نمی بینند .

من ينصره و رسله بالغيب

جهاد با رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۸،۱۱،۱۲

۸ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ، فراخواند .

و إن نکثوا أیمنهم .. فقتلوا أئمه الکفر

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمة الكفر

۱۲ پیکار با سران شرک و کفر ، به منظور

و ادار کردن آنان به رعایت عهد و پیمان و بازداشتن ایشان از ضربه زدن به مسلمانان است .

و إن نکثوا أیمنهم .. فقتلوا أئمه الکفر ... لعلهم ینتھون

جهاد با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۴

۴ - دست یابی به خواسته ها و مقاصد مهم بشر (چون هجرت ، جهاد ، کسب دانش و ...) از حکمت های آفرینش شتران *

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

تنوین <حاجه> برای تفخیم است و مقید شدن حاجت به <فی صدورکم> (حاجتی که در دل دارید) نشانگر این نکته است که شتران افزون بر تأمین نیازهای مادی و خوراکی بشر، وسیله ای مناسب برای دست یابی بشر (به ویژه بشر آن روز) به مقاصد و منافع مهم (چون هجرت، جهاد، کسب دانش و ..) می باشند.

جهاد با ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۳

۳ - پیکار با دشمن مهاجم و ستم پیشه ، حق مشروع ستمدیدگان

أذن للذین یقتلون بأنهم ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أذن للذین یقتلون .. الذین أخرجوا من دیرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٨ - حديد - ٥٧ - ٢٥ - ١٤

١٤ - لزوم جهاد و

پیکار بی امان با دشمنان دین و عدالت

و أنزلنا معهم الكتب و الميزان . . و أنزلنا الحديد

واژه <حديد> در آیه شریفه مجازاً در معنای جهاد و قتال به کار رفته است، یعنی، ما فرمان قتال با دشمنان را، به همراه پیامبران نازل کردیم.

جهاد با قدرت برتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جهاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

۱ - وجوب نبرد با کافران، در صورتی که با مسلمانان سرجنگ داشته باشند.

و قتلوا فی سبیل الله الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۹

۹ - فتنه انگیزی کافران، مجوز نبرد با ایشان است، هر چند که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند.

و قتلوا فی سبیل الله یقتلونکم . . الفتنه أشد من القتل

جمله <والفتنه أشد من القتل>، به اصطلاح اصولیین حاکم بر <الذین یقاتلونکم> است و موجب توسعه در موضوع حکم مطرح شده در آیه قبل می شود، یعنی، آیه قبل بیان داشت که با کافران حربی نبرد کنید و جمله <الفتنه . . > بیان می کند که فتنه انگیزی به منزله جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱ - نبرد با کافران ، تا برطرف شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و قتلوه‌م حتی لاتکون فتنه

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوه‌م حتی لاتکون فتنه و یکون الدین لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۷

۷ ضرورت بسیج تمامی نیروهای مؤمن و غیر مؤمن از سوی رهبری جامعه دینی برای رویارویی با هجوم کافران

و قيل لهم تعالوا قاتلوا فی سبيل الله او ادفعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، یک دعوت موردی و خاص باشد، نه بیانگر اصل وجوب جهاد و دفاع، الزاماً مخاطبان در آیه دو گروه خواهند بود: گروهی که <الله> و <فی سبیل الله> در صحنه پیکار حاضر می شوند و گروهی که برای دفاع از کیان و ملیت خود و ... نبرد می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ خداوند حامی و یاور مؤمنان در رویارویی آنان با کافران

و لن تغنی عنکم . . . و أن الله مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یا ایها الذین ءامنوا استجبوا لله و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم> ، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان

دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۴

۴ نبرد با کافران تا حاکمیت یافتن دین خدا در جهان ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی . . . یکون الدین کله لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۱

۱ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با کافران فتنه انگیز پردازند .

و إن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق <تولوا> دست برداشتن از فتنه انگیزی است ؛ یعنی <إن تولوا عن الانتهاء فلم یترکوا الفتنه> . و جواب شرط، به قرینه آیه قبل، جمله ای همانند <فقاتلوهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۴،۳،۲،۱

۱ اهل ایمان موظف به پیکار با کفرپیشگان

یا یها النبی حرض المؤمنین علی القتال

از <من الذین کفروا> در ذیل آیه بدست می آید که مراد از <القتال> پیکار با کافران است.

۲ تشویق و تحریک اهل ایمان برای پیکار با کافران ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

یا یها النبی حرض المؤمنین علی القتال

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله های <يغلبوا مائتين> و <يغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف الله عنكم> در

آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا... > یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ؛ حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران
حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ وجود درگیری بین مؤمنان غیر مهاجر با کافران ، به خاطر دین و دینداری ، تنها موردی است که مهاجران و انصار موظف به یاری غیر مهاجران هستند .

و إن استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر

قید <فی الدین > بیانگر این است که اگر کافران به انگیزه مبارزه با اسلام و دینداری غیر مهاجران به آنان هجوم بردند، باید سایر مسلمانان از آنان حمایت کنند و اگر درگیری بدین انگیزه نباشد، حمایت از آنان ضرورت ندارد. قابل ذکر است که <ال > در <النصر > جانشین مضاف إليه است ؛ یعنی <فعلیکم نصرهم >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۷، ۳، ۲، ۱

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (ص)

یأیها النبی جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الکفار ... و اغلظ علیهم

۳ تصمیم به جهاد با کافران و منافقان ، در محدوده مسؤولیت های رهبر جامعه اسلامی

یا ایها النبی جهد الکفار

به کارگیری خطاب < یا ایها النبی > به جای < یا ایها الذین آمنوا > بیانگر این است که: تصمیم گیری درباره جنگ با کفار و منافقان، از وظایف رهبر جامعه ایمانی است.

۷ > عن ابی جعفر (ع) قال : < جاهد الکفار و المنفقین > بالزام الفرائض ;

از امام باقر (ع) [در توضیح سخن خدا که فرمود : < با کفار و منافقان مجاهده کن > روایت شده: مقصود الزام آنان به انجام فرایض است < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۱،۱۰

۱ فرمان الهی به مؤمنان در اسلام مبنی بر مبارزه و پیکار با جوامع کفرپیشه همجوار خویش

یا ایها الذین ءامنوا قتلوا الذین یلونکم من الکفار

۱۰ جهاد با کافران و نرمش نداشتن در برابر آنان از جلوه های تقوا

قتلوا ... و لیجدوا فیکم غلظه و اعلموا أن الله مع المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، به جهاد با کافران و منافقان فرمان یافت .

یا ایها النبی جهد الکفار و المنفقین

۳ - جهاد با کافران و منافقان و هر گونه برخورد شدید و سختگیرانه با آنان ، باید زیر نظر رهبر جامعه اسلامی انجام گیرد .

یا ایها النبی جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص)، در جهاد سختگیرانه با کافران و

منافقان، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد. افراط و تفریطی که نوعاً در چنین موضوعی از سوی مردم سرمی زند، تأیید کننده همین مطلب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص)، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ۛاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبد إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۳۰، ۲۴، ۲۲، ۴، ۱

۱- لزوم پیکاری بی امان با کافران ستیزه جوی در میدان های جنگ

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرِب الرقاب

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیر شدن دشمن

فضرِب الرقاب حتی إذا أثنتموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن

اسیر نکنند؛ بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

۲۲- فرمان خداوند به جهاد، در عین قدرت او بر نابودسازی کافران، به منظور آزمایش آدمیان

و لو یشاء الله لانتصر منهم و لكن لیلوا بعضکم ببعض

۲۴- عدم تعلق مشیت الهی بر نابودسازی کافران، بدون تلاش و جهاد مؤمنان

و لو یشاء الله لانتصر منهم و لكن لیلوا

<لو> برای امتناع است؛ یعنی، اگر خداوند بخواهد که کافران بدون حضور در جبهه نبرد نابود شوند، می تواند آنان را نابود کند؛ اما او چنین نخواسته است.

۳۰- جنگ با کافران محارب، حرکت در مسیر خداوند است.

و الذین قتلوا فی سبیل الله

آنچه در صدر آیه شریفه مطرح شده است مبارزه بی امان با کافران در جبهه های نبرد است و خداوند، چنین مبارزه ای را <سبیل الله> نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۲

۲- جهاد و مبارزه با کافران محارب، یاری خداوند است.

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب . . . إن تنصروا الله ینصرکم

باتوجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، استفاده می شود که <یاری دادن به خدا> بر <جنگ علیه کافران محارب> منطبق شده است.

جهاد با کافران اشغالگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۶

۶- ضرورت نبرد با کافرانی که سرزمین های اسلامی را به تصرف خویش در آورده اند.

و اقتلوهم .. و اخرجوهم من حيث اخرجوكم

جهاد با مال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٣ - نساء - ٤

۴ تأمین هزینه های مالی پیکار در راه خدا، جهاد مالی در راه خداست .

و المجاهدون فی سبیل اللّٰه باموالهم و انفسهم

۵ خداوند ، برتری دهنده مقام جهاد گران با مال و جان بر بازنشستگان از جنگ

فَضَّلَ اللّٰهَ الْمُجَاهِدُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً

۶ جهاد با مال و جان ، باید معیاری در واگذاری مقام ها و منصب ها به افراد باشد .

فَضَّلَ اللّٰهَ الْمُجَاهِدُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً

با توجه به اینکه هر کس را خدا برتری دهد، جامعه اسلامی نیز باید برای او برتری قائل بشود.

۱۲ جهاد با مال و جان ، از برترین ارزش ها در نظام ارزشی اسلام

لا یستوی القاعدون . . . و المجاهدون ... باموالهم و انفسهم فَضَّلَ اللّٰهَ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً

۱۶ ترغیب مؤمنان به جهاد و بذل مال و جان در راه خدا

لا یستوی القاعدون . . . و المجاهدون ... فَضَّلَ اللّٰهَ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۲

۲ شرکت در جهاد با مال و جان از سوی مجاهدان و یاری مهاجران از سوی انصار ، شرط برخورداری هر یک از ولایت مقرر شده از جانب خدا

إِنَّ الدِّينَ أَمْنٌ وَ هَاجِرُوا .. أَوْلِيَاءَ بَعْضٍ

مشارالیه <أولئك> و مرجع ضمیر در <بعضهم> ، <الذین> اول و دوم، با تمام صفاتی که برای آنان ذکر شد، است. یعنی مؤمنان مهاجر مثلاً اگر جهاد نکنند و یا مؤمنان ساکن در مدینه اگر مهاجران را یاری ندهند از حقوق ولایت برخوردار نیستند.

جهاد با محاربان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ فرمان خداوند به نبرد با تمامی مشرکان محارب و پاکسازی زمین از لوث وجود آنان

و قتلوا المشرکین کافه کما یقتلونکم کافه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۳۰

۳۰- جنگ با کافران محارب، حرکت در مسیر خداوند است.

و الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه

آنچه در صدر آیه شریفه مطرح شده است مبارزه بی امان با کافران در جبهه های نبرد است و خداوند، چنین مبارزه ای را <سبیل اللّٰه> نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۲

۲- جهاد و مبارزه با کافران محارب، یاری خداوند است.

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب . . . إن تنصروا اللّٰه ینصرکم

باتوجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، استفاده می شود که <یاری دادن به خدا> بر <جنگ علیه کافران محارب> منطبق شده است.

جهاد با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ خداوند با تقویت دل های مجاهدان بدر آنان را برای رویارویی با مشرکان ثابت قدم ساخت.

لیربط علی قلوبکم و یثبت به الأقدام

<یثبت به الأقدام> در عین اینکه بیانگر هدفی از اهداف نزول باران است، نبودن <لام> در آن می رساند که این هدف به دنبال <لیربط علی قلوبکم> حاصل می شود. بنابراین می توان گفت ضمیر در <به> به استحکام قلوب، که از <لیربط علی قلوبکم> استفاده می شود، برمی گردد. قابل ذکر است که در

برداشت فوق ثبات قدم (یثبت به الأقدام) به معنای کنایی آن (پایداری و عزم راسخ) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۳

۳ خداوند همواره پشتیبان اهل ایمان و یاور آنان در رویارویی با مشرکان ستیزه جو

ذلکم

بدان احتمال که <ذلکم> اشاره باشد به یاری اهل ایمان و امداد آنان از سوی خداوند در موقعیتهایی همانند موقعیت بدر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۱،۱۵

۱۱ فرمان خداوند به نبرد با تمامی مشرکان محارب و پاکسازی زمین از لوث وجود آنان

و قتلوا المشرکین کافه کما یقتلونکم کافه

۱۵ تقویت روحیه متقین از جانب خدا ، برای جنگ و مقابله به مثل با مشرکان

و اعلموا أن الله مع المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبد إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۶،۹

۶ - جنگ های پیامبر (ص) با مشرکان و معارضان ، تحت تدبیر و هدایت خداوند

سيقول المخلفون .. قل لن تتبعونا

كذلك قال الله من قبل ... قل للمخلفين

در این مجموعه آیات، همواره خداوند از برنامه های آینده خبر داده است و بدین وسیله تکلیف مسلمانان را روشن ساخته و در هر مقطعی مسائل عمده آن را مشخص کرده است.

۹ - نبرد مسلمانان پس از جنگ خیبر ، با مشرکان بود و نه اهل کتاب . *

تقتلونهم أو يسلمون

در صورتی که <یسلمون> به معنای اسلام آوردن باشد از محدود شدن فرجام دشمنان به کشته شدن یا اسلام آوردن، مطلب بالا استفاده می شود زیرا در مورد اهل کتاب راه سومی به عنوان تسلیم و پرداخت <جزیه> نیز مطرح است.

جهاد با مشرکان قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱

۱ مسلمانان صدر اسلام موظف به هجوم به کاروان تجاری مشرکان قریش و یا نبرد با سپاه مسلح آن بودند .

كما أخرجكم ربك ... إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين ... و يريد الله أن يحق الحق بك

جهاد با مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۳

۳ - مسلمانان صدر اسلام به نبرد با مشرکان مکه و بیرون راندن آنان از آن سرزمین موظف شدند .

و أخرجوهم من حيث أخرجوكم

مراد از <من حيث أخرجوكم> بنا به گفته مفسران، مکه است و به مجبور شدن مسلمانان به ترک مکه و هجرت به مدینه و حبشه اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۱

۱ پیامبر (ص) برای نبرد با مشرکان مکه از

مدینه به سوی بدر حرکت کرد .

أخرجك ربك من بيتك بالحق

با توجه به آیات بعد معلوم می شود مراد از جمله <أخرجك .. >، خروج پیامبر(ص) برای جنگ بدر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۸

۸ پیاده شدن حق و ریشه کن شدن بنیان کافران ، هدف از فرمان خداوند به نبرد با مشرکان مکه در بدر

و يريد الله أن يحق الحق بكلمته و يقطع دابر الكافرين

جهاد با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۱

۱ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با کافران فتنه انگیز پردازند .

و إن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق <تولوا> دست برداشتن از فتنه انگیزی است ؛ یعنی <إن تولوا عن الانتهاء فلم يتركوا الفتنه> . و جواب شرط، به قرینه آیه قبل، جمله ای همانند <فقاتلوهم> است.

جهاد با منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۷، ۳، ۲، ۱

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (ص)

يأبها النبي جهاد الكفار و المنفقين و اغلظ عليهم

۲ لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الكفار .. و اغلظ عليهم

۳ تصمیم به جهاد با کافران و منافقان ، در محدوده مسؤولیت های رهبر جامعه اسلامی

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جِهْدِ الْكُفْرَانَ

به کارگیری خطاب > یا ایها

النبي > به جای <يا أيها الذين آمنوا> بیانگر این است که: تصمیم گیری درباره جنگ با کفار و منافقان، از وظایف رهبر جامعه ایمانی است.

۷ > عن ابی جعفر (ع) قال : <جاهد الكفار و المنفقين > بالزام الفرائض ;

از امام باقر (ع) [در توضیح سخن خدا که فرمود :] <با کفار و منافقان مجاهده کن > روایت شده: مقصود الزام آنان به انجام فرایض است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، به جهاد با کافران و منافقان فرمان یافت .

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جِهْدَ الْكُفَّارِ وَ الْمُنْفِقِينَ

۳ - جهاد با کافران و منافقان و هرگونه برخورد شدید و سختگیرانه با آنان ، باید زیر نظر رهبر جامعه اسلامی انجام گیرد .

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جِهْدَ الْكُفَّارِ وَ الْمُنْفِقِينَ وَ اغْلَظْ عَلَيْهِمْ

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص)، در جهاد سختگیرانه با کافران و منافقان، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد. افراط و تفریطی که نوعاً در چنین موضوعی از سوی مردم سرمی زند، تأیید کننده همین مطلب است.

جهاد بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۷

۷ تلاش در راه احیای معارف دین و مبارزه فرهنگی با جریان کفر و شرک ، جهادی بزرگ و با عظمت

فَلَا تَطْعَمُ الْكُفْرِينَ وَ جِهْدِهِمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

جهاد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۱

۱۱ پیمان گرفتن بنی اسرائیلِ زمان طالوت (اشموئیل) از قوم خویش برای

پیکار در راه خداوند

قال هل عسيتم ان كتب عليكم القتال

جمله <هل عسيتم> کنایه از پیمان گرفتن از آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۵،۱۲

۵ جهاد در راه خدا برای تصرف سرزمین مقدس ، سپاسگزاری قوم موسی (ع) در برابر نعمت های خداوند

اذكروا نعمه الله .. يقوم ادخلوا الارض المقدسه

فرمان موسی(ع) به بنی اسرائیل (ادخلوا الارض) پس از بیان نعمتهای الهی بر آنان، بیانگر آن است که اجرای آن فرمان، سپاس نعمتهای یاد شده است.

۱۲ تقدیر الهی به سکنا گزینی قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، مشروط به جهاد و مبارزه آنان بود .

التي كتب الله لكم ... و لا تردوا على اذباركم فتقلبوا خسرين

از مصادیق خسران (فتقلبوا خسرين)، محرومیت قوم موسی(ع) از ورود به سرزمین مقدس است. بنابراین سکونت آنان در سرزمین مقدس در صورتی مقدر خواهد بود که در برابر دشمن مقاومت کنند.

جهاد پس از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح و قتل

جهاد در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ جهاد با جان و مال در راه خدا ، تکلیفی الهی بر همه انسان ها

و در همه شرایع است نه مخصوص به مسلمانان و شریعت اسلام .

إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم و أموالهم .. و عداً عليه حقاً في التوريه و الإ

جهاد در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۲

۲ - ارزش جهاد و نبرد با دشمنان ، به < در راه خدا بودن > آن است .

و قتلوا في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۲،۳

۲ پیکار در راه خداوند ، شکر نعمت حیات

ثم احياهم .. و لكن اكثر الناس لا يشكرون. و قاتلوا في سبيل الله

فرمان جهاد، پس از بیان ناسپاسی مردمان در برابر نعمت حیات، در واقع نشان دادن روشی است برای سپاس و شکر خداوند در برابر نعمت حیات.

۳ وجوب پیکار در راه خداوند

و قاتلوا في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱

۱ پیکار در راه خدا ، قرض شایسته بندگان به او *

و قاتلوا .. من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ > فی سبیل اللّٰه < بودن ، ملاک ارزش پیکار

ابعث لنا ملکاً نقاتل فی سبیل اللّٰه .. و ما لنا الا نقاتل فی سبیل اللّٰه

۱۱ پیمان گرفتن بنی اسرائیلِ زمان طالوت (اشموئیل) از قوم خویش برای پیکار در راه خداوند

قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال

جمله > هل

عسیتیم < کنایه از پیمان گرفتن از آنان است.

۱۸ پیکار در راه خداوند ، عزّت بخش و رهاکننده جامعه از قید تجاوز و اسارت

و ما لنا الا نقاتل فی سبیل الله و قد اخرجنا من ديارنا و ابنائنا

۱۹ مبارزه اهل ایمان با متجاوزان و کسب آزادی از اسارت و رفع ظلم و تجاوز ، از مصادیق پیکار در راه خدا

و ما لنا الا نقاتل فی سبیل الله و قد اخرجنا من ديارنا و ابنائنا

۲۰ نافرمانی اکثر بنی اسرائیل زمان طالوت از دستور خداوند به پیکار در راه او ، علی رغم پیشنهاد و درخواست آنان برای پیکار

اذ قالوا لنبی . . . فلما کتب علیهم القتال تولّوا

ظاهراً فاعل محذوف از جمله < کتب علیهم > ، الله است که به جهت تعظیم حذف شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۱

۱۱ صندوق معهود ، یاد آور و موجب برانگیختن بنی اسرائیل به پیروی از آیین موسی (پیکار در راه خدا و رهایی از اسارت متجاوزان) *

و بقیه ممّا ترک ال موسی و ال هرون

ذکر جمله < بقیه ممّا ترک .. > شاید از این جهت باشد که به بنی اسرائیل خاطر نشان سازد که پیوند مذهبی خود را با موسی (ع) قطع ننمایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۵

۵ جهاد در راه خدا برای تصرف سرزمین مقدس ، سپاسگزاری قوم موسی (ع) در برابر نعمت های خداوند

اذکروا نعمه الله . . . یقوم ادخلوا الارض المقدسه

فرمان موسی (ع) به بنی اسرائیل (ادخلوا الارض) پس

از بیان نعمتهای الهی بر آنان، بیانگر آن است که اجرای آن فرمان، سپاس نعمتهای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ جهاد و مبارزه در راه خدا، از وظایف مؤمنان

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا . . و جهدوا في سبيله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۹،۳۱

۱۹ جهاد در راه خدا و نهرا سیدن از سرزنش دشمنان ملامتگر، ویژگی مؤمنان واقعی

يجهدون في سبيل الله و لا يخافون لومه لائم

۳۱ توفیق بر جهاد در راه خدا و بی اعتنایی به ملامت های دشمنان، عطیه و فضلی خدادادی است .

يجهدون في سبيل الله و لا يخافون لومه لائم ذلك فضل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۱

۱ مؤمنانی که به مدینه هجرت نموده و در راه خدا جهاد کردند، مؤمنانی حقیقی و راستین هستند .

و الذين ءامنوا و هاجروا . . أولئك هم المؤمنون حقا

حق، به معنای ثابت بودن و حقیقت داشتن است و <حقا> هم می تواند صفت برای مفعول مطلق محذوف باشد، یعنی (هم المؤمنون ایمانا حقا) و هم می تواند مفعول مطلق برای فعل مقدر (احقه) باشد. به هر تقدیر بیانگر این است که دارندگان صفات یاد شده از ایمان حقیقی و راستین برخوردار هستند.

جهاد در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۲

اسلام ، بر عهده خود مجاهدان بود .

قلت لا أجد ما أحملكم عليه

جهاد دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرچنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل الله الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۲ - ۳

۳ دفع تجاوز و ستمگری و جلوگیری از فساد آدمیان در زمین به وسیله یکدیگر ، از آیات الهی

و لو لا دفع الله الناس .. تلك ایات الله

<تلك> می تواند اشاره به سنتی باشد که خداوند با جمله <و لو لا دفع الله ..> بیان فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۶

۶ ضرورت دفاع جامعه ایمانی از معارف و عقاید دین ، در برابر هجوم تبلیغاتی دشمن

لا تكونوا کالذین کفروا و قالوا لاخوانهم اذا ضربوا فی الارض

دفاع خداوند از معارف و عقاید دینی اسلام (لا تكونوا ..) ، درسی است برای مسلمانان که از آن معارف و عقاید دفاع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۵،۷،۸،۱۳

۵ جامعه ایمانی ، وظیفه دار پیکار در راه خدا و یا دست کم دفاع از وطن و کیان خویش

تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّٰه او اذفعا

۷ ضرورت بسیج تمامی نیرو های مؤمن و غیر مؤمن از سوی رهبری جامعه دینی برای رویارویی با هجوم کافران

وقیل لهم تعالوا قاتلوا

فی سبیل الله او اذفوعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، یک دعوت موردی و خاص باشد، نه بیانگر اصل وجوب جهاد و دفاع، الزاماً مخاطبان در آیه دو گروه خواهند بود: گروهی که <الله> و <فی سبیل الله> در صحنه پیکار حاضر می شوند و گروهی که برای دفاع از کیان و ملیت خود و ... نبرد می کنند.

۸ پیکار با دشمنان دین (جهاد ابتدایی) و دفاع در برابر هجوم آنان (جهاد دفاعی)، دو تکلیف الهی بر عهده جامعه ایمانی *

قاتلوا فی سبیل الله او اذفوعوا

بنابر اینکه دعوت مطرح شده در آیه، بیان حکم جهاد باشد، نه دعوت برای حضور در نبردی خاص و مقطعی. بنابراین جمله <قاتلوا ...>، ناظر به جهاد ابتدایی و جمله <او اذفوعوا> ناظر به جهاد دفاعی است.

۱۳ سرباز زدن از حضور در پیکار با دشمنان دین و دفاع از کیان اسلامی، از نشانه های نفاق

و لیعلم الذین نافقوا .. لو نعلم قتالاً لاتبعناکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۱

۱ اهل ایمان وظیفه دار پایداری و استقامت به هنگام هجوم و لشکرکشی دشمنان دین (جهاد دفاعی)

یا یها الذین ءامنوا إذا لقیمتم الذین کفروا زحفا فلاتولولهم الأدبار

کلمه <زحفا> (که به معنای لشکرکشی است) می تواند حال برای <الذین کفروا> باشد؛ یعنی آنگاه که کافران به سوی شما لشکرکشی می کنند. و همچنین می تواند حال برای فاعل <لقیمتم> باشد؛ یعنی آنگاه که شما برای جهاد به سوی کافران حرکت می کنید. در برداشت فوق وجه

اول ملاحظه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۱،۳

۱ - جواز جنگ و پیکار با دشمن مهاجم

أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا

<أذن> فعل مجهول و نایب فاعل آن محذوف است؛ یعنی، <أذن فی القتال> و <الذين یقاتلون>؛ یعنی، آنان که مورد تهاجم قرار می گیرند. <باء> در <بأنهم ظلموا> سببیه است؛ یعنی، بدان سبب که آنان مظلوم واقع شده اند. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: به کسانی که مورد تهاجم قرار می گیرند، بدان سبب که مورد ستم واقع شده اند، رخصت جنگ داده شده است.

۳ - پیکار با دشمن مهاجم و ستم پیشه ، حق مشروع ستمدیدگان

أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أذن للذين يقاتلون .. الذين أخرجوا من ديارهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۳

۳- پیروی کافران از باطل ، مستلزم امان ندادن به آنان ، آن گاه که به جنگ جبهه ایمان و نبردی رویاروی آمده اند .

الذين كفروا اتبعوا البطل .. فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب

برداشت بالا- بنا بر این نکته است که <فإذا لقيتم> تفریع بر <الذين كفروا اتبعوا الباطل> باشد؛ یعنی، چون کافر بر باطل است، زمانی که به جنگ تو آمد در کشتن او

تردید نداشته باش.

جهاد دفاعی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۵

۵ - صدور اجازه پیکار به مسلمانان صدر اسلام از سوی خداوند ، به منظور دفع تهاجم دشمن و رفع تجاوز آنان

أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا

جهاد دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۲۱

۲۱ - دین داران راستین ، کسانی اند که به یاری خدا برمی خیزند و با دشمنان دین او به جهاد و پیکار می پردازند ، در حالی که او را نمی بینند .

من ینصره و رسله بالغیب

جهاد طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۱۵

۱۵ - عدم تغییر عزم طالوت در پیکار با متجاوزان ، علی رغم نافرمانی بیشتر لشکریان و طرد آنان از سوی وی

فشربوا منه الا قليلا منهم فلما جاوزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۱،۳

۱ - صبر ، استواری قدم و نصرت بر کافران ، درخواست پیکارگران برگزیده طالوت از خداوند ، به هنگام رویارویی با جالوت

و لَمَّا بَرَزُوا .. و انصرنا على القوم الكافرين

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لَمَّا بَرَزُوا الْجَلُوتِ .. و انصرنا على القوم الكافرين

جهاد قبل از فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - برابر دانستن مؤمنان مجاهد و انفاق

گر قبل از فتح مکه ، با مجاهدان و انفاق گران بعد از آن ، از نظر مقام و منزلت در پیشگاه خداوند ، پنداری باطل است .

لايستوى منكم من أنفق من قبل الفتح و قتل

جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۲

۲ تأمین تدارکات پیکار در راه خدا ، قرض شایسته مسلمانان به او

و قاتلوا .. من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۳

۳ وظیفه مسلمانان در تقویت بُنیه دفاعی و حکومتی جامعه اسلامی ، به وسیله انفاق

یا ایها الذین امنوا انفقوا

با توجه به روح کلی آیات گذشته که در مورد پیکار و زمامداری بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۷۸

۷ پرداخت نکردن هزینه جهاد ، از موارد بخل است .

و لا یحسبن الذین یبخلون بما اتیهم الله من فضله

چون آیه مورد بحث پس از آیات جهاد آمده، بیانگر این نکته است که از مصادیق مورد نظر برای <الذین یبخلون .. > ، کسانی هستند که از پرداخت هزینه جهاد امتناع کرده و بخل ورزیده اند.

۸ مسؤولیت سنگین ثروتمندان در تأمین هزینه جهاد و دستگیری از مستمندان

و لا یحسبن الذین یبخلون بما اتیهم الله من فضله

چنانچه <فضل> به معنای زاید بر نیاز باشد، ثروتمندان هستند که دارایی آنان افزون بر نیازشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ -

۷ تأکید خداوند بر جهاد با مال و جان (در عین بی نیازی او از جهاد و تلاش مردم) ، به خاطر تأمین مصالح خود انسانهاست .

ما لكم إذا قيل لكم انفروا . . . إلا تنفروا يعذبكم ... انفروا خفافاً و ثقلاً جهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۴، ۳، ۱

۱ مؤمنان به خدا و آخرت ، برای جهاد با مال و جان ، بهانه نیاورده و از پیامبر (ص) خواهان اجازه ترک جهاد نبودند .

لايستذنك الذين يؤمنون بالله و اليوم الآخر أن يجهدوا

۳ ایمان به خدا و اعتقاد به حیات اخروی ، زیر بنای اعتقادی جهاد با مال و جان

لايستذنك الذين يؤمنون بالله و اليوم الآخر

۴ جهاد با مال و جان ، نشانه ایمان راستین و تقوای پیشگی است .

الذين يؤمنون بالله . . . أن يجهدوا بأموالهم و أنفسهم و الله عليهم بالمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۲

۲- دعوت الهی از مؤمنان ، به انفاق در مسیر جهاد *

تدعون لتنفقوا فی سبیل الله

با توجه به این که آیات پیشین درباره جهاد می باشد ، ممکن است مراد از <فی سبیل الله> نیازهای مالی جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۲ - ۱

۱ - دستیابی به مغفرت الهی و بوستان های بهشت ، ره آورد پایداری بر ایمان به خدا و رسول و جهاد با مال و جان در راه خدا است .

تؤمنون بالله .. و تـجـهـدـون

... يغفر لكم ذنوبكم و يدخلكم جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۷

۷- ایمان به خدا و جهاد با مال و جان در راه او ، مایه جلب نصرت الهی و شکست سریع جبهه دشمن

تؤمنون بالله... و تجهدون... و أُخْرَى تحبونها

جهاد مالی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۲،۱

۱ پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، جهادگران با مال و جان خویش (علی رغم ذلت پذیری و جهادگریزی منافقان)

لكن الرسول و الذين ءامنوا معه جهدوا بأموالهم و أنفسهم

۲ پیشتازی پیامبر (ص) در جهاد با مال و جان

لكن الرسول... جهدوا بأموالهم و أنفسهم

جهاد مالی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱

۱ پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، جهادگران با مال و جان خویش (علی رغم ذلت پذیری و جهادگریزی منافقان)

لكن الرسول و الذين ءامنوا معه جهدوا بأموالهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۴

۴ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، از جمله برترین اعمال مؤمنان

و لا ينفقون .. و لا يقطعون وادياً إلا كتب لهم ليجزئهم الله أحسن ما كانوا يعملون

<أحسن> می تواند منصوب به نزع خافض و به تقدیر <بأحسن ما كانوا يعملون> باشد، در این صورت <أحسن> وصف و عنوانی است برای انفاق و پیمودن راه برای جهاد

در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱

۱ - جهاد خالصانه و همه جانبه (جهاد با جان و مال) در راه خدا، توصیه الهی به اهل ایمان

و جهدوا فی الله حق جهاده

تقید <جاهدوا> به <حق جهاده>، ظهور در این معنا دارد که مؤمنان باید تمامی توان خود را در راه خدا به کار گیرند و هر چه دارند (جان و مال) در این راه نثار کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۵ - ۴،۶

۴ - ایثار مال و جان در راه حق، همگام با ایمان ثابت و استوار، نشانه مؤمنان واقعی است.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ... و جهدوا بأموالهم و أنفسهم

۶ - جهاد با مال و جان در راه خدا، نشانه یقین و استواری ایمان انسان

ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا و جهدوا بأموالهم و أنفسهم

چنانچه <و جاهدوا> در مقام نشان دادن مصداق و نمود یقین مؤمنان باشد که از <لم يرتابوا> استفاده می شود برداشت بالا قابل استفاده است.

جهاد محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۱،۵

۱ خروج پیامبر (ص) در صبحگاهان از میان خانواده خویش، برای برپا نمودن پایگاه های جنگی برای مؤمنان، در مصاف با دشمنان

و اذ غدوت من اهلك تبویء المؤمنین مقاعد للقتال

۵ آگاهی پیامبر (ص) به فنون نظامی و قدرت مدیریت ایشان در عملیات مسلحانه علیه دشمنان دین

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۳

۱۳ حضور و مقاومت رسول خدا (ص) در رویارویی با مشرکان قریش ، تا آخرین لحظات کارزار احد

و الرسول یدعوکم فی اخرجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۹

۹ خروج پیامبر (ص) از مدینه برای مقابله با مشرکان در دامنه احد ، حرکتی حق ، همانند خروج وی برای جنگ بدر *

كما أخرجك ربك من بيتك بالحق

برخی برآنند که < كما .. > متعلق به < یجدلونک ... > در آیه بعد است و آن آیه اشاره به قضایای پیش از نبرد احد دارد. بر این اساس < كما أخرجك ... > چنین معنا می شود: گروهی از مسلمانان درباره حرکت به سوی احد، که حرکتی حق بود، به جدال با پیامبر(ص) پرداختند و آن را مصلحت نمی پنداشتند؛ همان گونه که از حرکت به سوی بدر، که حرکتی حق بود، نیز کراهت داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸۶ - ۶

۶ حضور پیامبر (ص) در صحنه های نبرد پیشاپیش مؤمنان و در کنار آنان

جهدوا مع رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱،۲

۱ پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، جهادگران با مال و جان خویش (علی رغم ذلت پذیری و جهادگریزی منافقان)

لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا بأمولهم و أنفسهم

پیامبر (ص) در جهاد با مال و جان

لكن الرسول ... جهدوا بأموالهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، به جهاد با کافران و منافقان فرمان یافت .

يَأَيُّهَا النَّبِيُّ جَهْدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ

جهاد مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۸

۱۸ استجابت دعای مستضعفان مکه ، با صدور فرمان جهاد از سوی خدا برای رهایی آنان

و ما لكم لا تقاتلون .. الذين يقولون ربنا اخرجنا

جهاد مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۹

۹ - نبرد مسلمانان پس از جنگ خیبر ، با مشرکان بود و نه اهل کتاب . *

تقتلونهم أو يسلمون

در صورتی که <یسلمون> به معنای اسلام آوردن باشد از محدود شدن فرجام دشمنان به کشته شدن یا اسلام آوردن، مطلب بالا استفاده می شود زیرا در مورد اهل کتاب راه سومی به عنوان تسلیم و پرداخت <جزیه> نیز مطرح است.

جهاد مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - حرکت مسلمانان برای فتح مکه ، حرکتی جهادی و در راستای خشنودی خداوند

إن كنتم خرجتم جهداً في سبيلي و ابتغاء مرضاتي

از این که پس از برشمردن ستم مشرکان نسبت به مسلمانان، تعبیر <جهاداً فی سبیلی..> آمده، می توان نتیجه گرفت که آیه شریفه، انگیزه فتح مکه را مشخص ساخته است.

جهاد مؤمنان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۹

۱۹ مبارزه اهل ایمان با متجاوزان و کسب آزادی از اسارت و رفع ظلم و تجاوز، از مصادیق پیکار در راه خدا

و ما لنا الا نقاتل فی سبیل الله و قد اخرجنا من ديارنا و ابنائنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱

۱ نبرد در راه خدا، از ویژگی های بارز مؤمنان واقعی

الذین امنوا یقاتلون فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۹،۲۳

۱۹ جهاد در راه خدا و نهراسیدن از سرزنش دشمنان ملامتگر، ویژگی مؤمنان واقعی

یجهدون فی سبیل الله و لایخافون لومه لائم

۲۳ مؤمنان واقعی هرگز به خاطر سرزنش ملامتگران دست از جهاد و مبارزه بر نمی دارند .

یجهدون فی سبیل الله و لایخافون لومه لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۳

۳ جهاد و نبرد اهل ایمان همواره بر اساس ایمان و عقیده است .

یا ایها الذین ءامنوا إذا لقیمتم الذین کفروا

قید <الذین کفروا> به جای مثلاً <عدوکم>، بیانگر این نکته است که درگیری اهل ایمان ریشه در کشورگشایی و مانند آن ندارد، بلکه عقاید آنان مایه جهاد آنان و یا هجوم دشمنان به سوی ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۰ - ۳

۳ باور اهل ایمان به سرپرستی خدا و یاری او ، مایه نهراسیدن آنان از دشمنان دین و اجرای

فإن تولوا فاعلموا أن الله مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

جمله <فاعلموا...> علاوه بر رساندن مضمون خود به منظور تقویت روحیه مسلمانان برای جهاد با دشمنان فتنه انگیز ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۴ - ۱

۱ مؤمنانی که به مدینه هجرت نموده و در راه خدا جهاد کردند، مؤمنانی حقیقی و راستین هستند.

و الذین ءامنوا و هاجروا .. أولئک هم المؤمنون حقا

حق، به معنای ثابت بودن و حقیقت داشتن است و <حقا> هم می تواند صفت برای مفعول مطلق محذوف باشد، یعنی (هم المؤمنون ایمانا حقا) و هم می تواند مفعول مطلق برای فعل مقدر (احقه) باشد. به هر تقدیر بیانگر این است که دارندگان صفات یاد شده از ایمان حقیقی و راستین برخوردار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۴

۴ اتکای مؤمنان راستین بر ولایت و حمایت خداوند، در جهاد و اقدام به تکالیف

قل لن یصیبنا إلا ما کتب الله لنا هو مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱

۱ پیامبر (ص) و مؤمنان راستین، جهادگران با مال و جان خویش (علی رغم ذلت پذیری و جهادگریزی منافقان)

لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا بأموالهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۴

۴ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، از جمله برترین

و لا ينفقون . . . و لا يقطعون وادياً إلا كتب لهم ليجزيهم الله أحسن ما كانوا يعملون

<أحسن> می تواند منصوب به نزع خافض و به تقدیر <بأحسن ما كانوا يعملون> باشد، در این صورت <أحسن> وصف و عنوانی است برای انفاق و پیمودن راه برای جهاد در راه خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۴

۲۴- عدم تعلق مشیت الهی بر نابودسازی کافران ، بدون تلاش و جهاد مؤمنان

و لو يشاء الله لانتصر منهم و لكن ليلوأ

<لو> برای امتناع است؛ یعنی، اگر خداوند بخواهد که کافران بدون حضور در جبهه نبرد نابود شوند، می تواند آنان را نابود کند؛ اما او چنین نخواسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۷

۷- مؤمنان راستین ، اهل جهاد و شکیبا در برابر همه مشکلات زندگی

و لنبلونكم حتى نعلم المجهدين منكم و الصبرين

وصف <الصابرين> علاوه بر صبر در جهاد، می تواند به همه زمینه های صبر و شکیبایی نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۵ - ۴،۶

۴ - ایثار مال و جان در راه حق ، همگام با ایمان ثابت و استوار ، نشانه مؤمنان واقعی است .

إنما المؤمنون الذين . . . و جهدوا بأموالهم و أنفسهم

۶ - جهاد با مال و جان در راه خدا ، نشانه یقین و استواری ایمان انسان

ثم لم يرتابوا و جهدوا بأموالهم و أنفسهم

چنانچه <و جاهدوا> در مقام نشان دادن مصداق و نمود یقین مؤمنان باشد که از <لم یرتابوا>

استفاده می شود برداشت بالا قابل استفاده است.

جهاد و دنیاطلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۴

۴ تضاد جهاد در راه خدا با دنیاپرستی

فلیقاتل فی سبیل الله الذین یثرون الحیوه الدنیا بالآخره

حرمت ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۵

۵ حرمت روی برتافتن از حکم رسول خدا در نبرد با دشمنان دین

أطیعوا الله ورسوله و لا تولوا عنه و أنتم تسمعون

با توجه به اینکه آیات پیشین این بخش از سوره درباره جنگ و مبارزه با دشمنان دین است، مصداق مورد نظر از جمله <أطیعوا> و <لا تولوا عنه> روی برتافتن از فرمانهای آن حضرت در مبارزه و نبرد با دشمنان دین است.

حرمت فرار از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۵ - ۴

۴ حرمت پشت کردن به دشمن و فرار از میدان جنگ

فلا تولوهم الأدبار

حزن در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ نباید اهل ایمان در هنگامه های دشوار (رویارویی با دشمنان) ، سستی و اندوهی به خویش راه دهند .

یا ایها الذین امنوا .. و لا تهنوا و لا تحزنوا

حسرت متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنائم جنگی

و لئن اصابکم فضل من الله ليقولنّ .

.. یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

حسن نیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما علی المحسنین من سیل

حضور محمد(ص) در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۶

۶ حضور پیامبر (ص) در صحنه های نبرد پیشاپیش مؤمنان و در کنار آنان

جهدوا مع رسوله

حق ناپذیری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیمار دلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

حق ناپذیری متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ توانمندان متخلف از جهاد ، گرفتار خصلت حق ناپذیری

الذین یستذنونک و هم أغنیاء .. طبع اللّٰه علی قلوبهم فهم لا یعلمون

حقانیت جهاد محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۴

۴ اقدام پیامبر (ص) به جنگ بدر ، اقدامی به حق و تحت تدبیر و ربوبیت خداوند

كما أخرجک ربک من بیتک بالحق

حقیقت انفاق برای جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹- انفاق در راه جهاد (تلاش برای رفع نیازمندی های جبهه و جنگ) ، قرض الحسنه به خداوند است .

و ما لكم ألا تنفقوا في سبيل الله . . . يقرض الله قرضًا حسنًا

با توجه به ارتباط آیه شریفه با آیه قبل و با توجه به این که مراد از انفاق در آیه قبل، برطرف کردن نیاز جبهه و جنگ می باشد؛ مصداق مورد نظر از <قرض الحسنه> در این جا، انفاق در جبهه و جنگ است.

حقیقت جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- جهاد ، به معنای مرگ و نابودی ، در بینش منافقان و انسان های سست ایمان

و ذكر فيها القتال رأيت الذين في قلوبهم مرض ينظرون إليك نظر المغشي عليه من الموت

تعبیر <المغشي عليه من الموت> و کاربرد این تشبیه، می تواند بر این اساس باشد که انسان سست ایمان با فرمان جهاد، مرگ خویش را به چشم می بیند؛ چنان که محضّر نیز چنین است؛ در حالی که جهاد زمینه شهادت است و نه نابودی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- جهاد ، در نگاه بیماردلان سست ایمان ، عامل فساد ، فتنه و برادرکشی *

الذين في قلوبهم مرض . . . إن توليتم أن تفسدوا في الأرض

برداشت بالا بدان احتمال است که مجموع آیه، پاسخی به بهانه جویی ها و دستاویزهای منافقان و عناصر سست ایمان باشد؛ زیرا از این پاسخ، استفاده می شود که بیماردلان برای توجیه فرار خویش

از جهاد، آن را مایه فساد و برادرکشی می‌شمردند؛ ولی خداوند به ایشان یادآور شده که مفسد و برادرکش واقعی شماست که به دنیا چسبیده و برای حفظ دنیایتان هر کاری خواهید کرد.

ختم قلب متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۴

۴ منافقان از جهاد گریزِ ذلت پذیر، دارای قلب های مهرشده و مسدود

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۷

۷ جهاد گریزان ذلت پذیر، دارای قلب های مهر شده و مسدود

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع الله علی قلوبهم

خشنودی از ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۱

۱ رضا و شادمانی منافقان از نرفتن به جهاد و ماندن در کنار ناتوانان و خانه نشینان

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف

خودسازی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۸

۸ توجه به خودسازی (جهاد اکبر)، به همراه پیکار با دشمن (جهاد اصغر)، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا في امرنا و ثبت ..

خيرخواهی معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۳، ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت

و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و کیفر تخلف از جنگ

الذین کفروا منهم عذاب أليم .. ما على المحسنين من سبيل

درخواست جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواستار نبرد با کفار ، قبل از تشریح جهاد و مبارزه مسلحانه

الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم .. فلما كتب عليهم القتال

از جمله < فلما كتب > به دست می آید که مراد از < كفوا > ، خودداری از نبرد و جنگ مسلحانه است.

دروغگویی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ > عن ابی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل : < و سیلحفون بالله لو استطعنا لخرجنا معکم و الله یعلم لکذبون > قال : اکذبهم الله عزوجل فی قولهم < لو استطعنا لخرجنا معکم > و قد کانوا مستطیعین للخروج ؛

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عز وجل : < و سیلحفون بالله .. > روایت شده که فرمود: خداوند آنان را در اینکه گفتند: اگر استطاعت داشتیم همراه شما بیرون می آمدیم، تکذیب کرده است؛ زیرا آنان در آن موقع استطاعت خروج داشتند.

دعا در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ ضرورتِ نیایشِ با خداوند ، در هنگامه پیکار با دشمنان

و لَمَّا بَرَزُوا الْجَلُوتَ وَ جُنُودَهُ قَالُوا رَبَّنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۲،۳،۶

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا در هنگامه های پیکار

و مَا كَانَ قَوْلُهُمْ اَلَّا اِنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَاَسْرَفْنَا فِيْ اَمْرِنَا وَ ثَبَّتْ اَقْدَامَنَا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <ربینون> برگشت داده شده است.

۳ همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا ، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و مَا كَانَ قَوْلُهُمْ اَلَّا اِنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا .. وَاَنْصُرْنَا

۶ نقش سازنده دعا در میدان جنگ و تشویق الهی به آن

و مَا كَانَ قَوْلُهُمْ اَلَّا اِنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا .. وَاَنْصُرْنَا عَلٰی الْقَوْمِ الْكَافِرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۲

۲ مجاهدان بدر پیش از نبرد با نیایش به درگاه خدا از وی استمداد کردند .

اِذْ تَسْتَغِيْثُوْنَ رَبَّكُمْ

<غوث> به معنای یاری کردن است و استغاثه طلب یاری و امداد است.

دعوت به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- دعوت خداوند ، از مؤمنان برای جهاد و یاری دین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ

دلایل جهاد با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹

۱ فرمان خدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان از محرمات الهی و پایبند نبودن به دین حق

قتلوا الذین لا یؤمنون .. من الذین أوتوا الکتب

دلجویی از علاقمندان به جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۶

۶ نکوهش خداوند نسبت به ثروتمندانِ گریزان از جنگ ، در قبال دلجویی او از تهیدستان مشتاق جهاد

و لا علی الذین إذا .. إنما السبیل علی الذین

دلجویی از معذوران جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۹

۹ دلجویی خداوند از تهیدستان مشتاق جهاد و ناتوان از تأمین مقدمات آن

و لا علی الذین إذا ما أتوک لتحملهم

اختصاص به ذکر یافتن این گروه پس از اینکه در آیه قبل به صورت کلی تر بدان اشاره شده ویژگی این گروه و دلجویی خداوند از آنان را افاده می کند.

ذلت تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۵

۱۵- انسان گریزان از جهاد عزّت بخش ، مبتلا به حیاتی مرگ بار و پرذلت *

فأولی لهم

<فأولى لهم> ممکن است در مقام اخبار باشد؛ یعنی، فراریان از جهاد و شهادت ناگزیر از گرفتاری به حیات ذلت بار و مرگ آفرین اند.

ذلت متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۳،۷

۳ تن دادن اشراف توانمند، به ذلت

همطراز شدن با افراد عاجز ، به منظور نرفتن به جنگ

و هم أغنياء رضوا بأن يكونوا مع الخوالم

۷ جهاد گريزان ذلت پذير ، داراي قلب هاي مهر شده و مسدود

رضوا بأن يكونوا مع الخوالم و طبع الله على قلوبهم

رد عذر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۷

۷ لزوم خودداري از پذيرش عذر متخلفان از جهاد ، قبل از بررسي درستي يا نادرستي ادعای آنان

لم أذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا و تعلم الكذابين

مقصود از اذن دادن در آيه فوق، اذن ترك جهاد برای كسانی است كه از شركت در جهاد خود را معذور دانسته اند و خداوند چنين اذنی را بدون بررسي معذور بودن يا نبودن متخلفان از جهاد، سرزنش و محكوم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۷

۷ باز بودن راه توبه برای متخلفان از جهاد ، با وجود مأموریت مؤمنان به نپذيرفتن عذر تراشي آنان *

لن تؤمن لكم . . . و سيري الله عملكم و رسوله

جمله <سيري الله . . . > می تواند بيانگر اين جهت باشد كه اگر چه مؤمنان نبايد برای عذرخواهي متخلفان از جهاد وقعی بنهند، ولی اين بدان معنا نیست كه آنان راهی به سوی توبه نداشته باشند ؛ بلکه توبه آنان منوط به عملکرد آینده شان است كه خدا و پیامبر(ص) بر آن ناظر خواهند بود.

رسوایی اخروی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۸

متخلفان از جنگ و منافقان ، به رسوایی و افشای اسرارشان در آخرت از سوی خداوند

فینبئکم بما کتتم تعملون

رسوایی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ خداوند ، توانمندان متخلف از جهاد را به امکان رسوایی بیشتر در صورت ادامه دادن به تخلف ها تهدید کرد .

و سیری الله عملکم و رسوله

جمله <سیری الله عملکم و رسوله > می تواند هشدار باشد به متخلفان جنگ در جهت بازداشتن ایشان از کجرویها در آینده.

زمینه استقامت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۱۱

۱۱- توجه مؤمنان به ضایع نشدن مجاهدت ها و اعمالشان نزد خداوند ، مایه استواری آنان بر طریق جهاد

فلاتهنوا .. و الله معکم و لن یترکم أعملکم

از تذکر خداوند، به مؤمنان (لن یترکم أعملکم) پس از نهی <لا-تهنوا و .. >، دانسته می شود که توجه به ضایع نشدن اعمال، پشتوانه جهاد و استقامت در راه خدا است.

زمینه تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۱

۱ عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن جهاد

قل إن كان ءاباؤكم . . . و أموال اقترفتموها ... أحب إليكم من الله و رسوله و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۸

۸ تمکن و ثروت ، زمینه عافیت طلبی منافقان و گریز آنان از جهاد

استئذنک أولوا الطول منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۵

۵ ثروت و توانمندی ، زمینه راحت طلبی ، ذلت پذیری و روی گردانی انسان از جهاد *

یستئذنونک و هم أغنیاء

زمینه جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۶

۱۶ توجّه به نظارت و بینایی خداوند به کردار آدمیان ، برانگیزنده آدمی به نبرد و پیکار در راه خدا (اعمال پسندیده)

انّ الدّین تولّوا منکم . . . و الله بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۸ - ۳

۳ ایمان به حشر و بقای آدمی پس از مرگ ، برانگیزنده وی برای حضور در میدان کارزار علیه دشمنان دین

و لئن مُتّم او قُتلتم لالی الله تحشرون

خداوند با بیان این معنا که آدمی با مرگ و یا کشته شدن، چه در راه منافع دنیا و یا راه خدا، به سوی او محشور می شود، او را به جهاد ترغیب و انگیزه پیکار در راه خدا را در او تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ نقش اقامه نماز و پرداخت زکات ، در خودسازی و آمادگی برای جهاد و فداکاری

الم تر الى الذين قيل لهم كففوا ايديكم و اقيموا الصلوه و اتوا الزكوه

فرمان خداوند به برپایی نماز و ادای زکات، پس از نهی از مبارزه مسلحانه، دلالت بر این دارد که تا اقامه نماز و ادای زکات جایگاه خویش را در جامعه نیابد، شرایط برای مبارزه و جهاد آماده نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۲

۲ آخرت اندیشی و توجه به قطعی بودن مرگ و اندک بودن متاع دنیا، زمینه حضور در صحنه جهاد

فلما كتب عليهم القتال .. قل متاع الدنيا قليل و الاخره خير ... اين ما تكونوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۲

۲ ایمان به خدا، مستلزم جهاد و مبارزه در راه تحقق ارزش های الهی

ءامنوا بالله و جهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۷

۷ جهاد با مال و جان، لازمه ایمان راستین

لكن الرسول و الذين ءامنوا معه جهدوا بأموالهم و أنفسهم

برداشت فوق با توجه به این است که خداوند، مؤمنان را بدان جهت که جهاد کرده اند تحسین کرده و منافقان را بدان جهت که از جهاد گریخته اند مورد سرزنش قرار داده است.

زمینه جهاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۳

۳- پیروی کافران از باطل، مستلزم امان ندادن به آنان، آن گاه که به جنگ جبهه ایمان و نیردی رویاروی آمده اند.

الذین کفروا اتبعوا البطل . . . فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب

برداشت بالا

بنا بر این نکته است که <فإذا لقيتم> تفریح بر <الذين كفروا اتبعوا الباطل> باشد، یعنی، چون کافر بر باطل است، زمانی که به جنگ تو آمد در کشتن او تردید نداشته باش.

زمینه جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۷

۷ جهاد با مال و جان، لازمه ایمان راستین

لكن الرسول و الذين ءامنوا معه جهدوا بأموالهم و أنفسهم

برداشت فوق با توجه به این است که خداوند، مؤمنان را بدان جهت که جهاد کرده اند تحسین کرده و منافقان را بدان جهت که از جهاد گریخته اند مورد سرزنش قرار داده است.

زمینه غفلت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - ظاهرنگری و سست اندیشی، مایه دلخوشی انسان به مظاهر زندگی دنیایی و بی توجهی به جهاد و مصالح نهفته در آن

و تجهدون فی سبیل . . . ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

زن و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان، کهنسالان، معلولان و ...) از شرکت در جنگ

فاعدوامع الخلفین

مراد از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

زیان ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۴

۴ فرمان جهاد و شرکت همگان در آن ، در جهت منافع

مؤمنان و زیان تخلف از جهاد ، تنها متوجه خود آنان است ؛ نه خداوند .

إلا تنفروا يعذبكم عذاباً أليماً .. و لا تضروه شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۸

۸ زیان ناشی از شرکت نکردن در جهاد ، بسی افزون تر از خطرات شرکت در آن است .

و منهم من يقول ائذن لي و لا تفتني ألا في الفتنة سقطوا

سختی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱،۲

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمیل جراحات های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ .. اجر عظيم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۲ آمادگی گروهی از مجاهدان عصر پیامبر (ص) برای شرکت در جهاد ، علی رغم آسیب دیدن در جنگ قبلی (احد)

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ .. اجر عظيم

سختیها در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۲

۲ سختی و جراحات های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب حزن و یا سستی در پیکار با آنان گردد .

و لا تهنوا و لا تحزنوا .. ان یمسسکم قرح

سختیهای جهاد

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۸

۸ - پیکار در راه خدا و مصیبت های آن ، از مشکلات راه ایمان ، که باید با استعانت از صبر و نماز آن را تحمل کرده و بر ایمان خود ، راسخ قدم ماند .

استعینوا بالصبر والصلوه .. و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۸

۸ ناسازگاری ایمان آدمی با تن دادن او به سستی و اندوه در هنگامه های دشوار و رویارویی با دشمن

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

در براشت فوق، جمله <ولا تهنوا و لا تحزنوا>، به منزله جواب شرط <ان کنتم .. > گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۴

۴ جهاد و پایداری در هنگامه های دشوار آن ، محکِ آزمونِ اهل ایمان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه و لّمّا یعلم اللّٰه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرين

نصب <یعلم> به <آن> مقدر، دلالت می کند که <واو> در <و یعلم الصّابرين> واو جمع است. یعنی: محکِ آزمونِ اهل ایمان، جهادِ همراه صبر و پایداری است.

سرزنش ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۳

۳ مذمت خدا از دلبستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه

خدا شود .

قل إن كان ءاباؤکم .. و أموال اقترفتموها و تجره تخشون کسادها و مسکن ... أحب إلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۱

۱ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را ، در صورت امتناع ورزیدن از شرکت در جنگ و جهاد ، تهدید به عذابی دردناک کرد .

إلا تنفروا یعذبکم عذاباً ألیماً

سرزنش سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۸

۸ - کسانی که شعار جهاد سر می دهند ولی در عرصه پیکار یا شرکت نمی کنند و یا در صورت شرکت کردن از خود سستی نشان می دهند و استقامت نمی کنند ، مورد خشم شدید خداوند هستند .

لَمْ تَقُولُوا .. کبر مقتاً عند الله ... إِنَّ الله یحبّ ... کأنهم بنین موصوص

آیات پیشین که در مقام سرزنش مدعیان بدون عمل بود تمهیدی برای بیان موضوع جهاد است؛ چرا که صحنه جنگ، محل لغزش قدم ها و آشکار شدن مدعیان از مؤمنان حقیقی است.

سرزنش متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۳

۳ سرزنش خداوند نسبت به آنان که ، پس از صدور فرمان جنگ ، از شرکت در آن امتناع میورزند .

ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اناقلتم إلی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۲

خداوند

رضوا بأن يكونوا مع الخوالم

سست ایمانان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۴

۴ شرکت بی ایمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد ، جز فساد و فتنه انگیزی و تأثیر منفی بر دیگران ، نتیجه ای ندارد .

لو خرجوا فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

جمله <یبغونکم الفتنه> حال برای ضمیر فاعل <أوضعوا> است؛ یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند، مطمئناً در حق شما فتنه جویی می کردند.

شجاعت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۳

۱۳ لزوم حضور فعال در میدان های نبرد علیه دشمنان راه خدا و بیم نداشتن از کشته شدن

یقتلون فی سبیل اللّٰه فیقتلون و یقتلون

شرایط ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۶

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا علی الظلمین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

شرایط جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرچنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل الله الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۱۰، ۹

۹ پیدایش روحیه عبادت و بندگی خدا در

جامعه ایمانی ، از شرایط لازم برای جهاد و مبارزه

قیل لهم کفوا ایدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

۱۰ پیدایش روحیه گذشت از مال و رسیدگی به وضع اقتصادی مستمندان ، از شرایط لازم هر جامعه دینی برای جهاد و مبارزه

کفوا ایدیکم و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۴ - ۲

۲ مؤمنان ، هنگام روانه شدن برای جهاد ، باید نسبت به اسلام و کفر افراد و نیرو های مقابل تحقیق نمایند .

یا ایها الذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا

متعلق <فتبینوا> ، به قرینه <و لا تقولوا .. > ، کفر و ایمان افرادی است که مسلمانان به هنگام جهاد با آنان مواجه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۶ ، ۴

۴ لزوم حفظ آماده باش و عدم غفلت از دشمن در صحنه های نبرد ، حتی به هنگام استراحت

إذ یغشیکم النعاس أمنة منه

تصریح به اینکه خواب مجاهدان در آستانه نبرد، خوابی سبک و خفیف بود، برای اشاره به این است که مجاهدان اگر چه به استراحت پرداختند، ولی به گونه ای نبود که از تحرکات دشمن غافل شوند.

۱۶ ضرورت شناسایی و برطرف کردن عوامل سستی آفرین در نیرو های پیکارگر

و إذ یغشیکم النعاس أمنة منه و ینزل علیکم .. و ینبت به الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۷

۷ ضرورت پایداری در مقابل دشمنی با نیرویی ده برابر ، مشروط به این

است که رزمجویان اهل ایمان کمتر از بیست نفر نباشند .

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَغْلِبُوا مَائَتِينَ

رساندن معنای مقصود، یعنی لزوم مقاومت یک بر ده، با جمله ای کوتاهتر از آنچه آمده ممکن بود. بنابراین تطویل آن با ذکر دو مثال حاوی نکاتی است؛ از جمله این احتمال که نسبت یاد شده و حکم مترتب بر آن در صورتی است که نفرات اهل ایمان بیست نفر و یا بیشتر باشند و اگر کمتر باشند این حکم جاری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۵

۵- نهی خداوند از فرو هشتن جهاد و مصالحه با دشمن ، منوط به برخورداری سپاه اسلام ، از توان و برتری رزمی است .

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ

<وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ> حال است و بیان می دارد که مؤمنان در صورتی موظف به ادامه جنگ و تن ندادن به سازش و تسلیم هستند که در جبهه نبرد، قدرت برتر را دارا بوده و قادر به ادامه جنگ می باشند.

شک در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۵ - ۵

۵ تردید در انجام تکالیف دینی ، چون جهاد با مال و جان ، نمودار بی ایمانی و نفاق

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ .. وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ

شکست در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۳

۲۳ شکست ها ، آزمون مناسبی برای روشن شدن صفوف پایمردان آخرت طلب ، از سست عنصران دنیاجو

منکم من

یرید الدنیا .. ثم صرفکم عنهم لیبتلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۴

۴ تبلور آزمون مسلمانان در شکست احد ، به هنگام فرار آنان از صحنه کارزار

ثم صرفکم عنهم لیبتلیکم .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <لیبتلیکم> باشد، یعنی خداوند شما را از تعقیب دشمن بازداشت تا آزمایشتان کند و این آزمایش به هنگام فرار تبلور یافت و محقق شد.

صبر در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۵،۲۷،۲۸،۳۱

۱۵ - صبر و مقاومت در نبرد با دشمنان دین ، وظیفه ای بر عهده مجاهدان

و الصبرین .. حین البأس

۲۷ - استقامت و پایداری در جنگ علیه دشمنان دین ، از مشخصه های ابرار

و لكن البر من .. الصبرین فی البأساء و الضراء حین البأس

۲۸ - انجام وظایف عبادی ، اجتماعی و اخلاقی دین ، تحمل مشکلات و استقامت در راه مبارزه با دشمنان نشانه راستی و درستی ایمان است .

أولئک الذین صدقوا

در برداشت فوق <أولئک> اشاره به صفاتی است که از جمله <وآتی المال .. و حین البأس> به دست می آید و متعلق <صدقوا> به قرینه <من ءامن ...> ایمان به خدا و ... گرفته شده است.

۳۱ - مجاهدانی که در نبرد با دشمنان دین استقامت میورزند ، تقواییشان حقیقی هستند .

الصبرین .. حین البأس ... أولئک هم الممتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۴

دعوت و تشویق اهل ایمان به پیشه ساختن صبر و تقوا، در رویارویی با دشمن

ان تصبروا و تتقوا و یا توکم من فورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۸

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن یکن منکم عشرون صبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۶

۶- تفاوت مرتبه مجاهدان، در پرتو صبر و شکیبایی آنان در میدان جهاد *

و لنبلونکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که وصف <الصابرین> صرفاً توضیح و تفسیر <المجاهدین> نباشد؛ بلکه ملاک دوم به شمار آید؛ یعنی، مدعیان ایمان در پرتو جهاد از یکدیگر متمایز می شوند و مجاهدان در پرتو صبر و شکیبایی بر یکدیگر شرافت می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۵

۲۵ صبر بر انجام نمازهای پنجگانه و صبر در جنگ مسلحانه با دشمنان و پاسداری در راه خداوند، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا

پیامبر اسلام (ص) درباره <... اصبروا و صابروا و رابطوا...> فرمود: اصبروا علی الصلوات الخمس، و صابروا علی قتال عدوکم بالسیف، و ربطوا فی سبیل الله لعلکم تفلحون.

صلابت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۹، ۱۱، ۱۲

۹ سستی ، کرنش و زبونی اهل ایمان در برابر دشمنان دین ،

ناپسند است .

فما وهنوا .. و ما ضعفوا و ما استکانوا

صفات شمرده شده برای مردان الهی پس از واقعه احد، تعریض به مسلمانانی است که در آن نبرد، سستی و ضعف به خود راه دادند. از این رو صفات یاد شده، زینده مؤمنان واقعی و مردان الهی نیست.

۱۱ سستی پیکارگران در برابر هجوم حوادث دشوار جنگ ، موجب ناتوانی آنان در برابر دشمن و خوارکننده آنان

قاتل معه .. فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّٰه و ما ضعفوا و ما استکانوا

ترتیب ذکر *<وهن>* و *<ضعف>* و *<استکانت>*، می تواند اشاره به ترتیب خارجی آن باشد: یعنی اول سستی و آنگاه ضعف و سپس تسلیم و زبونی در برابر دشمن، حاصل خواهد شد.

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّٰه .. و اللّٰه یحبّ الصّابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۷

۷ نقش بنیادین و سازنده دعا در صلابت ، قوّت و تسلیم ناپذیری پیکارگران

فما وهنوا .. و ما ضعفوا و ما استکانوا ... و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا ا

یادآوری دعای مجاهدان ربّانی پس از بیان استقامت آنان، می تواند اشاره ای باشد به اینکه دعا از موجبات استقامت و حماسه آفرینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۵

۵ بخشایش گناهان و گذشت از اسراف ها و زیاده روی ها و ثبات قدم ، پاداش الهی به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربّنا

اغفر .. فاتيهم الله ثواب الدنيا و حسن ثواب الاخره

طرد متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۵

۵ طرد هميشگي منافقان متخلف از جنگ ، از سوي خدا و پيامبر (ص)

فقل لن تخرجوا معي أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۵،۷

۵ انزوا و طرد اجتماعي منافقان و جهادگريزان صدر اسلام ، از سوي مؤمنان مجاهد كيفري غير قابل تحمل براي آنان بود .

سيحلفون بالله .. لتعرضوا عنهم

اقدام منافقان متخلف در سوگند خوردن، براي چشم پوشي مؤمنان از تخلف آنها، نشانگر تنگ شدن عرصه بر آنان است.

۷ لزوم اعراض و روي گرداني از منافقان و جهادگريزان ، و طرد و منزوي کردن آنان در جامعه

فأعرضوا عنهم

عجز از توجيه آيات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- ناتواني منافقان و افراد سست ايمان ، از توجيه آيات جهاد ، تنگ کننده عرصه حيات بر آنان *

فإذا أنزلت سورة محكمة و .. ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

از ارتباط <سوره محكمه> با <ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت>، مي توان استفاده کرد که انسان هاي سست ايمان يا منافق، در ساير تكاليف كه به گونه اي قابل توجيه است با ترفندي، خويش را آسوده مي كنند؛ اما در مورد جهاد چون آياتش محكم، قاطع و توجيه ناپذير است، خود را در بن بست ديده و شديدان نگران مي شوند.

از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۸

۸- بیماردلانِ منافق ، ناتوان از درک خیر واقعی خویش و پیمودن راه صدق و جهاد

فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم .. أولئك ... فأصمهم و أعمى أبصرهم

با توجه به ارتباط آیات، ممکن است به میان آوردن <أصم> و <أعمى> در پی <فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم> بیانگر این معنا باشد که صداقت با خدا و دستورات او، تضمین گر منافع آدمی است؛ اما افسوس که بیماردلان در نتیجه کوری باطنی عاجز از درک مصالح آن اند.

عذاب ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تهدید متخلفان از سفر حدیبیه ، به عذاب دردناک ، در صورت تخلف و روی گردانی دوباره از جهاد

و إن تولّوا كما تولّيتم من قبل يعدّبكم عذاباً أليماً

عذاب معرضان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - روی گردانان از اطاعت خدا و رسول او و جهاد در راه الهی گرفتار عذابی بس دردناک

و من يتولّ يعدّبه عذاباً أليماً

عذرخواهی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۳

۳ خداوند ، خواهان اعتماد نکردن رهبر و مؤمنان بر عذرتراشی های توانمندان متخلف از جهاد

قل لا تعتذروا لن نؤمن لكم

عقلانیت جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۵

۵- دفاع

از ارزش ها و جهاد در راه خداوند ، مورد تأیید عقل و فطرت سلیم

طاعه و قول معروف

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که <قول معروف> خبر برای مبتدای محذوف باشد؛ یعنی، دستور قتال که در آیات پیشین بیان شده، دستوری شناخته شده از نظر عقل و فطرت است که بشر را به دفاع از ارزش ها و طرد دشمنان مهاجم فرامی خواند.

عقیده متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۴

۴ دور ماندن از مصائب جنگ ، نعمتی الهی در بینش سست عنصران متخلف از جهاد

فان اصابکم مصیبه قال قد انعم الله علی اذ لم اکن معهم شهیداً

عمل متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۳ - ۴

۴ متخلفان از جنگ ، فاسق و اعمالشان در نزد خداوند بی ارزش است .

إنکم کنتم قوماً فسقین

روی سخن در این بخش از آیات با منافقانی است که از شرکت در جنگ تبوک خودداری کردند.

عوامل اندوه متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۱

۱ پیروزی و موفقیت های پیامبر (ص) و اسلام ، برای متخلفان از جنگ (منافقان) اندوه بار بود .

إن تصبک حسنه تسوهم

عوامل پیروزی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۵،۳۰

۲۵ چه بسا جمعیت اندکی که با پایداری ، به اذن الهی بر انبوه جمعیت ها پیروز

شدند .

کم من فئه قليله غلبت فئه كثيره

۳۰ پیروزی در پیکار ، در گرو استقامت و استواری است ؛ نه انبوهی لشکر

کم من فئه .. و الله مع الصّابرين

جمله <و الله .. >، به منزله بیان شرط برای غلبه گروه اندک بر گروه انبوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۳،۴

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لما برزوا الجالوت .. و انصرنا على القوم الكافرين

۴ استواری قدم پیکار گران ، از نتایج شکیبایی آنان در پیکار و زمینه ساز نصرت الهی *

قالوا ربنا افرغ .. و انصرنا على القوم الكافرين

بنابراینکه سه جمله ای که به عنوان دعا ذکر شده است، هر یک مقدمه انجام پذیری جمله بعدی باشد. یعنی صبر، عامل ثبات قدم و ثبات قدم، عامل نصر و پیروزی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱۷، ۱۵، ۱۲

۱۲ - غلبه مسلمانان در جنگ بدر ، علی رغم توان برتر کافران

قد كان لكم ايه .. يرونهم مثلهم

زیرا در صورتی جنگ بدر، آیه و عبرت است که بر حسب شرایط طبیعی، تحصیل پیروزی برای مسلمانان میسر نباشد و کافران، توان برتری داشته باشند.

۱۵ پیروزی جنگجویان راه خدا ، در جنگ بدر بر کافران ، در پرتو مشیت الهی

قد كان .. و الله يؤيد بنصره من يشاء

۱۷ تصرف در عوامل طبیعی ، از وسائط تحقق امداد الهی

یرونهم مثلهم رأی العین و اللّٰه یؤید بنصره من یشاء

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۴،۶

۴ مجاهدان جنگ بدر با نداشتن ساز و برگ کافی در مقابل دشمنان، توانستند با ایمان و توکل به خدا بر آنان پیروز شوند.

و علی الله فلیتوکل المؤمنون. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

جمله <و لقد نصرکم الله بیدر>، می تواند نمونه ای باشد از حقیقت بیان شده در آیه قبل؛ یعنی عامل نصرت شما در بدر، توکل شما بر خداوند بود.

۶ ساز و برگ و آمادگی نظامی و نیروی انسانی، تنها عامل پیروزی در پیکار با دشمنان نیست.

و اذ غدوت .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

چون نه ساز و برگ نظامی احد (تبویء المؤمنین مقاعد للقتال)، عامل پیروزی شد و نه کمبود نیرو در بدر (انتم اذله)، باعث شکست؛ بلکه آنچه عامل پیروزی است، توکل بر خدا و یاری اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۶

۶ نقش تعیین کننده امداد های غیبی برای پیروزی مؤمنان در پیکار با دشمنان

الن یکفیکم ان یمدکم ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۱

۱ کفایت فرشتگان امدادگر، برای پیروزی رزمندگان در برابر دشمنان

الن یکفیکم .. بلی ان تصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ نزول فرشتگان و یاری آنان، تنها مژده ای است برای مؤمنان پیکارگر و آرامش

دهنده دل های آنان ، نه تعیین کننده پیروزیها

و ما جعله الله الّا بشرى لكم و لتطمئنّ قلوبكم به

ضمیر در < ما جعله الله >، به امداد، که از < یمددکم > استفاده می شود، برمی گردد.

۲ نیاز پیکارگران به بشارت و تقویت روحیه و آرامش دل ، برای پیروزی بر دشمنان

و ما جعله الله الّا بشرى لكم و لتطمئنّ قلوبكم به

۴ فتح و پیروزی بر دشمنان ، تنها از جانب خدای < عزیز و حکیم >

و ما النصر الّا من عند الله العزيز الحكيم

۵ پیروزی جبهه مؤمنان ، پرتویی از عزّت و حکمت خداوند

و ما النصر الّا من عند الله العزيز الحكيم

۶ خداوند ، تعیین کننده اصلی و نهایی پیروزی مؤمنان است ؛ نه فرشتگان و یا توانایی های شخصی رزمندگان

و ما جعله الله الّا بشرى لكم . . . و ما النصر الّا من عند الله

بیان انحصار پیروزی آفرینی به خدا و نقش امداد ملائکه تنها به عنوان بشارت و اطمینان قلب، در حقیقت نفی هر گونه عاملی (توانایی نیروها از نظر عدّه و عدّه، امداد ملائکه و ..)، غیر از خواست الهی در پیروزیهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۴، ۱۳، ۹، ۳، ۱

۱ وعده الهی به نصرت و یاری پیکارگران مؤمن ، در رویارویی و نبرد با دشمنان دین

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسّونهم باذنه

جمله < و لقد صدقکم الله وعده >، حاکی از این است که خداوند از پیش سرکوبی دشمنان و پیروزی مؤمنان را وعده داده بود.

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد ، آنگاه که

در آغاز نبرد، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند.

و لقد صدقکم الله وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم الله> است؛ یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حسّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۹ تحقق وعده الهی به پیروزی جامعه ایمانی در گرو اتحاد صفوف، پایداری و پیروی آنان از رهبری

و لقد صدقکم الله وعده .. حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۳ استواری در نبرد، اتحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسّونهم باذنه حتی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اول، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دایره مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۱۴ پیروزی جامعه ایمانی بر دشمنان خویش، برخاسته از اراده الهی

من معد ما اریکم ما تحبّون

فاعل در <اری> خداوند است؛ و منظور از <ما> در <ما تحبّون>، پیروزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۷۸

۷ توکل پیکارگران جنگ بدر بر خدا، موجب یاری خدا و پیروزی آنان در آن نبرد *

ان ینصرکم الله فلا غالب لکم .. و علی الله فلیتوکل المؤمنون

خداوند

پس از شروع بیان جنگ احد، اشاره ای نیز به مسائل جنگ بدر داشت (و لقد نصرکم اللّٰه بیدر، آیه ۱۲۳) بنابراین جمله <ان
ینصرکم اللّٰه > می تواند اشاره به علت آن پیروزی باشد.

۸ توکل بر خداوند، زمینه ساز یاری و نصرت الهی و غلبه بر دشمنان

ان ینصرکم اللّٰه .. و علی اللّٰه فلیتوکل المؤمنون

عوامل تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۴

۴ دنیامداری، عاملی برای تخلف از جهاد و دوگانگی در برخورد، به هنگام شکست و پیروزی

قد انعم اللّٰه علیّ اذ لم اکن معهم شهیداً .. یا لیتی کنت معهم معهم فافوز

جمله <یا لیتی .. > و <قد انعم اللّٰه ... >، بیانگر این معناست که به چنگ آوردن متاع دنیا و یا از دست دادن آن، تعیین
کننده خط مشی سست عنصران متخلف از جهاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۰

۲۰ ترس از غیر خدا، از عوامل بازدارنده مردم از جهاد

یخشون الناس کخشیه اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۲

۲ دورنمای مشقت آمیز و به دور از منافع مادی جنگ تبوک، در نظر برخی از مسلمانان صدر اسلام، عامل امتناع آنان از
حضور در جنگ

لو کان عرضاً قریباً و سفراً قاصداً لا تبعوک و لکن بعدت علیهم الشقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو کانوا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۸

۸ نفاق ، بازدارنده انسان از جهاد در راه خدا و همگامی با رهبر الهی

فقل لن تخرجوا معی أبداً و لن تقتلوا معی عدواً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۹

۹ ثروت فراوان ، زمینه گرایش انسان به عافیت طلبی و موجب تن دادن به ذلت و خواری و ترک فریضه جهاد

و إذا أنزلت سوره . . و جهدوا مع رسوله استئذنک أولوا الطول منهم

عوامل ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۶

۲۶ دوستداران اهل کفر ، رویگردان از جهاد در راه خدا و هراسان و درمانده در برابر سرزنش دشمنان

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله یقوم یحبهم

عوامل جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۳

۳ ایمان به خدا و اعتقاد به حیات اخروی ، زیر بنای اعتقادی جهاد با مال و جان

لا یستئذنک الذین یؤمنون بالله و الیوم الآخر

عوامل سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۶

۶ دلخوشی به زندگی دنیوی و ترجیح دادن آن بر حیات اخروی ، عامل سستی و روی گردانی از جهاد در راه خدا

ما لکم إذا قیل

لكم انفروا في سبيل الله اناقاتم إلى الأرض أرضيتم بالحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۸

۸ ظاهر نگری و سست اندیشی ، مایه دلخوشی انسان به مظاهر زندگی دنیوی و بی توجهی به جهاد و مصالح نهفته در آن

و جهدوا بأموالکم و أنفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - خانه و زندگی ، از جمله نگرانی انسان است و وابستگی به آنها ، باعث تزلزل در جهاد می شود .

يقولون إن بیوتنا عوره و ما هی بعوره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۲

۲ - کم شرکت کردن منافقان در جبهه جهاد مسلمانان ، به خاطر بخل آنان به مسلمانان بود .

لایأتون البأس .. أشحه علیکم

<أشحه> جمع <شحیح> است . <شح> ریشه أشحه در لغت ، به معنای <بخل حریصانه> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <أشحه> حال برای ضمیر فاعلی فعل <یأتون> در آیه پیشین است .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۴

۴- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا ، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا .. إنما الحیوه الدنيا لعب و لهو

خداوند ، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش ، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است .

از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

عوامل شرکت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۹

۹ توجه به شمول حمایت و امداد الهی نسبت به متقین ، از عوامل روی آوردن مؤمنان به جهاد با کافران

قتلوا .. و اعلموا أن الله مع المتقين

عوامل شکست در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۰

۲۰ ترس از هیبت سپاه دشمن ، از عوامل ایجاد تردید و سستی اراده در پیکار *

قالوا لا طاقة لنا اليوم بجالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۵

۵ پیکارگران احد ، به دلیل عدم توکل برخی از آنان به خداوند ، علی رغم توانایشان ، شکست خوردند . *

و اذ غدوت من اهلك تبوء المؤمنین .. و لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله

یادآوری کمبود نیروی نظامی در جنگ بدر، اشاره به توانمندی آنان در مقایسه با جنگ احد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۱

۱۱ سستی پیکارگران در برابر هجوم حوادث دشوار جنگ ، موجب ناتوانی آنان در برابر دشمن و خوارکننده آنان

قاتل معه .. فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله و ما ضعفوا و ما استکانوا

ترتیب ذکرى <وهن> و <ضعف> و <استكانت>، مى تواند اشاره به ترتيب خارجى آن باشد: يعنى اول سستى و

آنگاه ضعف و سپس تسلیم و زبونی در برابر دشمن، حاصل خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۴

۴ شرکت بی ایمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد، جز فساد و فتنه انگیزی و تأثیر منفی بر دیگران، نتیجه ای ندارد.

لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا و لأوضعوا خلكم بيبغونكم الفتنه

جمله <يبغونكم الفتنه> حال برای ضمیر فاعل <أوضعوا> است؛ یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند، مطمئناً در حق شما فتنه جویی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۶، ۱۸، ۷

۷ سستی، اختلاف در کار جنگ و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص)، از عوامل شکست مسلمانان در پیکار احد

حتّى اذا فشلتم و تنازعتم فى الامر و عصيتم

۱۶ دنیاطلبی برخی از پیکارگران احد، موجب سستی، اختلاف و سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) و شکست در آن کارزار

حتّى اذا فشلتم و .. منكم من يريد الدنيا

به نظر می رسد جمله <منكم من يريد الدنيا>، دلیل <اذا فشلتم و تنازعتم فى الامر و عصيتم> باشد.

۱۸ دنیاطلبی و دلدادگی به مادیات، از عوامل نزاع و اختلاف در صفوف مبارزان و شکست آنان

و تنازعتم فى الامر .. منكم من يريد الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۱، ۵، ۳، ۲

۲ گریز مسلمانان از میدان کارزار احد، موجب شکست آنان در آن پیکار

ثم صرفكم عنهم .

.. اذ تصعدون

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد و کلمه <اذ>، یا برای بیان علت است، یعنی شکست خوردید چون فرار کردید، و یا ظرف زمان است، یعنی شکست خوردید، آنگاه که فرار کردید.

۳ گریز از رویارویی با دشمنان دین، موجب شکست و هزیمت

ثم صرفکم عنهم .. اذ تصعدون

۵ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <اذکروا> باشد.

۱۱ بی اعتنایی به دعوت پیامبر (ص) در پیکار احد، موجب شکست مسلمانان در آن کارزار

ثم صرفکم .. و الرسول یدعوکم فی اخریکم

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد، آیه مزبور در مقام بیان علت‌های شکست احد است. بنابراین جمله <و لا تلون علی احد و الرسول ... >، که حاکی از دعوت پیامبر (ص) و بی اعتنایی به اوست، نیز بیانگر علتی برای شکست خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۹

۹ سستی پیکارگران احد در اتکال به خداوند، موجب محرومیت آنان از نصرت الهی و شکست ایشان در آن نبرد.

و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده و علی الله فلیتوکل المؤمنون

وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و شکست مؤمنان، اشاره به علت شکست دارد، یعنی چون در آن نبرد توکل نداشتید، از یاری خدا محروم شدید و در نتیجه شکست خوردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۷

مسلمانان ، به دلیل نافرمانی از پیامبر (ص) و فرار از صحنه نبرد ، عامل شکست و مصیبت های پیکار احد

اولمّا اصابتکم مصیبه .. قل هو من عند انفسکم

با توجه به آیات قبل ، همانند آیه ۱۵۲ (اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فسلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم) ، معلوم می شود که نافرمانی و .. از جمله عوامل شکست آنان بود.

عوامل فرار از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - وابستگی به دنیا ، از جمله عوامل فرار از جهاد است .

إن فررتم من الموت .. و إذا لاتمتّعون إلاّ قليلاً

کاربرد < لاتمتّعون > به جای این که بگویید: < چندان زنده نخواهید ماند . > ، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که منافقان ، در پی دستیازیدن به متاع دنیوی ، از مرگ فرار می کرده اند.

عوامل محرومیت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۶ - ۵

۵ بی ایمانی و سست باوری ، مایه محرومیت از توفیق الهی برای شرکت در جهاد

و لكن کره الله انبعائهم فثبطهم و قيل اقعدا مع القعدين

عوامل معذوریت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۳

۳ عدم قدرت بر تأمین نیاز های ضروری خانواده ، در صورت رفتن به جهاد ، سبب معافیت از جنگ است .

و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج

منظور از انفاق در <ینفقون> می تواند انفاق بر افراد تحت تکفل و واجب النفقه

باشد.

عهد منافقان مدینه برای جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - منافقان حاضر در صحنه غزوه احزاب ، و مصمم به فرار از آن ، پیش تر در غزوه اُحد تعهد کرده بودند که از جهاد با دشمن نگریزند .

و لقد كانوا عهدوا الله من قبل لايولون الأذبر

مرجع ضمیر در <كانوا> گروهی از منافقان اند که در غزوه اُحد ترسیدند و تصمیم به فرار گرفتند، ولی عهد کردند که دیگر بار چنین نکنند.

۳ - عهد منافقان مدینه با خدا برای فرار نکردن از جهاد ، مورد حساب کشی خداوند است .

و لقد كانوا عهدوا الله من قبل . . . و كان عهد الله مسئولاً

غنیمت در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۱۸

۱۸ - دستیابی جامعه به منافع و سود های سرشار (مانند غنیمت ، امنیت و . . .) یکی دیگر از ره آورد های جهاد در راه خداوند

و منفع للناس . . . من ينصره

فرار از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۲۶، ۱۹، ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ فرار پیکارگران احد از رویارویی با مشرکان قریش ، بی آنکه به فکر کسی باشند .

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

کلمه <تصعدون> از <اصعاد>، به معنای دور شدن تا حد پنهان شدن از نظرهاست، و <لا تلون> از ماده <لئی>، به معنای التفات و میل کردن است. یعنی از معرکه دور شدید و به کسی توجه نمی کردید و تنها به

فکر فرار از صحنه بودید.

۲ گریز مسلمانان از میدان کارزار احد ، موجب شکست آنان در آن پیکار

ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ .. اذ تصعدون

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <صرفکم> باشد و کلمه <اذ>، یا برای بیان علت است، یعنی شکست خوردید چون فرار کردید، و یا ظرف زمان است، یعنی شکست خوردید، آنگاه که فرار کردید.

۳ گریز از رویارویی با دشمنان دین ، موجب شکست و هزیمت

ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ .. اذ تصعدون

۴ تبلور آزمون مسلمانان در شکست احد ، به هنگام فرار آنان از صحنه کارزار

ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيُتْلِيَكُمْ .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <لیتلیکم> باشد، یعنی خداوند شما را از تعقیب دشمن بازداشت تا آزمایشتان کند و این آزمایش به هنگام فرار تبلور یافت و محقق شد.

۷ عفو خداوند از مسلمانان پیکار گر احد ، نسبت به فرارشان از آن کارزار

و لقد عفا عنکم .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جمله <لقد عفا عنکم>، می رساند که فرار پیکار گران احد (اذ تصعدون ..) نیز مشمول عفو الهی قرار گرفته است.

۸ دلهره و ترس و گریز مسلمانان از مهلکه کارزار احد ، موجب بی توجهی در یاری رسانی به هم‌زمان خویش *

حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ .. اذ تصعدون و لا تلون علی احد

۹ تلاش پیامبر (ص) برای جلوگیری از گریز مسلمانان در نبرد احد ، و بی اعتنایی آنان در پذیرش دعوت او

و لا تلون علی احد و الرّسول یدعوكم فی اخریکم

جمله <و الرّسول یدعوكم ..>، حالیه است / یعنی در

حالی که پیامبر (ص) شما را فرامی خواند می گریختید و به هیچ کس (حتی پیامبر (ص)) توجهی نداشتید.

۱۲ گریز مسلمانان از کارزار احد و فاصله گرفتن آنان از رسول خدا (ص)

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

کلمه <فی اخریکم> بیان حالت پیامبر (ص) به هنگام دعوت است. یعنی پیامبر (ص) آنگاه که شما را دعوت می کرد، در آخر شما قرار داشت و این حاکی از دور شدن مسلمانان از اطراف پیامبر (ص) است.

۱۹ اندوه پیامبر (ص) از عصیان و نافرمانی مسلمانان و فرارشان از کارزار احد

فانابکم غمًا بغمّ

برخی برآنند که مراد از <غمّ> (غمّ دوّم)، غم و اندوهی است که مسلمانان در آن کارزار به خاطر عصیان از دستور پیامبر (ص) و به شکست کشاندن لشکر اسلام بر دل پیامبر (ص) گذاشتند.

۲۶ توجّه به دانایی خداوند به جزئیترین اعمال، زمینه ساز پرهیز از رفتارهای ناپسند (فرار از جنگ و ...)

اذ تصعدون و لا تلون .. و الله خیر بما تعملون

جمله <و الله ..>، برای ترغیب مخاطبان به پرهیز از اعمال ناپسند و تشویق به اعمال نیکو و خداپسند است که با توجّه به مورد آیه، مراد فرار از جنگ و نافرمانی از دستورات نظامی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴

۱ فرار و پشت کردن برخی مسلمانان، از جبهه پیکار احد

انّ الذّین تولّوا منکم یوم التّقی الجمعان

۳ لغزش (فرار از کارزار) برخی از مجاهدان احد، بر اثر نفوذ شیطان در ایشان

انّ

الَّذِينَ تَوَلَّوْا .. اِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا

۵ خودخواهی و دنیاپرستی برخی مجاهدان احد، موجب نفوذ شیطان در آنان و گریزشان از صحنه کارزار

قَدْ اَهَمَّتْهُمْ اَنْفُسُهُمْ .. اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا .. اِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا

خودمحوری و دنیاطلبی، که معنای جمله <قَدْ اَهَمَّتْهُمْ اَنْفُسُهُمْ> است، می تواند مصداق روشن و مورد نظر از جمله <بَعْضَ مَا كَسَبُوا> باشد.

۷ خودمحوری و دنیاپرستی انسان، زمینه نفوذ شیطان برای فرار از کارزار و ترک جهاد

قَدْ اَهَمَّتْهُمْ اَنْفُسُهُمْ .. اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا .. اِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا

۹ گریز از میدان کارزار با دشمنان دین، لغزشی شیطانی

اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا .. اِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ

۱۰ عفو خداوند از گناه فراریان جنگ احد

اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا .. و لَقَدْ عَفَا اللّٰهُ عَنْهُمْ

۱۴ حلم خداوند در برابر نافرمانی و لغزش پیکارگران احد (پشت کردن به میدان کارزار)

اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا .. اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ

۱۵ فرار عقبه بن عثمان و عثمان بن سعد از رویارویی با دشمن در جنگ احد، در اثر وسوسه های شیطان

اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ اِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا

امام باقر و یا امام صادق (ع) درباره <اِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا ..> فرمودند: فهو في عقبه بن عثمان و عثمان بن سعد.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۱۵۶ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۷، ۱۵

نبرد ، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تکنونوا .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به محذوف باشد یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدر نبود، کشته نمی شدند.

۱۵ نظارت و بینایی خداوند به کردار بندگان ، هشدار به ترک کنندگان جهاد

انّ الذین تولّوا منکم ... و الله بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۳

۳ نرمی و مدارای پیامبر (ص) ، با مسلمانانی که از دستورات ایشان سرپیچی کردند و از جبهه احد گریختند .

فیما رحمه من الله لنت لهم

نرمی و مدارا غالباً در مورد مخالفت و عصیان است که از مصادیق مورد نظر به قرینه آیات قبل عصیانگران نبرد احد می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه شوم ترک کنندگان جهاد ، خیانتکاران و آنانکه پیامبر (ص) را متهم به خیانتکاری می کنند .

انّ الذین تولّوا منکم ... و ما کان لنبی ان یغلّ ... کمن بآء بسخط من الله و م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۷

۷ مسلمانان ، به دلیل نافرمانی از پیامبر

(ص) و فرار از صحنه نبرد ، عامل شکست و مصیبت های پیکار احد

اولمّا اصابتکم مصیبه .. قل هو من عند انفسکم

با توجه به آیات قبل، همانند آیه ۱۵۲ (اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فسلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم)، معلوم می شود که نافرمانی و .. از جمله عوامل شکست آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۹

۹ بهانه جویی منافقان برای سرباز زدن از حضور در میدان احد ، با این ادّعا که در آن میدان ، پیکاری رخ نخواهد داد .

قاتلوا لو نعلم قتالا لاّتبعنکم

برخی از مفسّیران گفته اند مراد از جمله <لو نعلم .. > نفی برخورد نظامی است ؛ یعنی ما می دانیم که جنگی رخ نخواهد داد و لذا با شما نمی آییم.

۱۲ شرکت نکردن منافقان در پیکار احد ، افشاگر چهره و موضع نفاق آلود ایشان

و لیعلم الذّین نافقوا و قیل لهم تعالوا .. لو نعلم قتالا لاّتبعنکم

جمله <و قیل لهم تعالوا .. > توضیحی است برای جمله <و لیعلم الذّین نافقوا>. یعنی طریقه مشخص کردن منافقان همان شرکت نکردن آنان در نبرد است.

۱۳ سرباز زدن از حضور در پیکار با دشمنان دین و دفاع از کیان اسلامی ، از نشانه های نفاق

و لیعلم الذّین نافقوا .. لو نعلم قتالا لاّتبعنکم

۱۵ سرباز زدن از پیکار در راه خدا ، موجب دوری از مرز ایمان و قرار گرفتن در آستانه کفر

هم للکفر یومئذ اقرب منهم للایمان

۲۴ برخورد نفاق آلود عبداللّه بن ابی و

یاران او و سرباز زدن آنان از حضور در پیکار احد

و ليعلم الذين نافقوا و قيل لهم تعالوا قاتلوا .. لو نعلم قتالاً

در شأن نزول آیه آمده که عبدالله بن ابی و یاران او، که حدود سیصد نفر بودند، از حضور در پیکار احد سرباز زد. (مجمع البیان، ذیل آیه.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۴

۴ کسانی که به خاطر ترس از شرکت در جهاد خودداری می کنند، از اولیاء و دوستان شیطان هستند .

أَمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

از <إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ>، معلوم می شود که شیطان (ابلیس و یا جاسوس دشمن)، همه مؤمنان را می ترساند، ولی از <يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ> استفاده می شود که تنها دوستانش را می ترساند. بنابراین مراد از <يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ>، فعلیت و تحقق ترس می باشد که مخصوص دوستان شیطان است. پس کسانی که به خاطر ترس، از جهاد خودداری کنند، اولیای شیطانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۵

۲۵ گریز از جهاد و ترس از ملامت دشمنان دین، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتري الذين في قلوبهم مرض .. يجهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - مستحکم نبودن خانه و کاشانه، بهانه منافقان و افراد بیمار دل برای گریز از جهاد در غزوه احزاب بود .

و يستئذون فریق منهم النبى يقولون إن بیوتنا عوره و ما هی

بعوره إن یریدون إلاّ فر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۴

۴ - فرار از جبهه جهاد ، ممکن است که نحوه مرگ و یا قتل را تغییر دهد ، اما برای همیشه آنها را منتفی نمی سازد .

قل لن ینفعکم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل و إذا لاتمتعون إلاّ قلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - برخی از مسلمانان مدینه ، بر سر پیمان خود با خدای خویش ، وفادار ماندند و از جهاد نگریختند .

من المؤمنین رجال صدقوا ما عهدوا الله علیه

به قرینه آیه پانزده که درباره عهد منافقان مبنی بر فرار نکردن از صحنه جنگ است مراد از <ما عهدوا> می تواند عهد بستن بر فرار نکردن از جهاد باشد.

۲ - مسلمانان مدینه ، با خدا ، عهد بسته بودند که از جهاد و رویارویی با دشمن نگریزند .

من المؤمنین رجال صدقوا ما عهدوا الله علیه

فرار منافقان مدینه از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۶ - ۳،۶

۳ - منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، درصدد فرار از جهاد ، به منظور نجات خود بودند .

قل لن ینفعکم الفرار

۶ - منافقان حاضر در غزوه احزاب ، برای نجات از مرگ و یا کشته شدن ، تصمیم به فرار از جهاد گرفتند .

إن یریدون إلاّ فرارًا .. إن فررتم من الموت أو القتل

فرجام متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۲

۱۲ دوزخ، جایگاه و فرجام نهایی منافقان متخلف از جهاد

مأویهم جهنم

فسق متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۳ - ۴

۴ متخلفان از جنگ، فاسق و اعمالشان در نزد خداوند بی ارزش است.

إنکم کنتم قوماً فسقین

روی سخن در این بخش از آیات با منافقانی است که از شرکت در جنگ تبوک خودداری کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۹

۹ منافقان و توانمندان متخلف از جهاد، فاسق و محروم از رضایت خدایند.

یحلفون... لا یرضی عن القوم الفسقین

فضیلت جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۳

۳ نبرد مجاهدان بدر در راه خدا و مورد ستایش او

فته... تقاتل فی سبیل الله

از تأیید خداوند به اینکه جنگشان فی سبیل الله بوده، ستایش خداوند استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۱۳

۱۳ جهاد و شهادت در راه خدا، حرکتی بی ارزش در دیدگاه منافقان

لو اطاعونا ما قتلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۳

۳ ارزشمندی تشویق مردم به جهاد در راه خدا

و حَرَّضَ الْمُؤْمِنِينَ .. مِنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةَ حَسَنَةٍ يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا

چون تحریک مردم به جهاد، <شفاعه حسنه> نامیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۲

۱۲ جهاد با مال و جان ، از برترین ارزش ها در نظام ارزشی اسلام

لايستوى القاعدون . . . و المجاهدون ... باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدين بام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - جهاد در راه خدا ، دارای اجری بزرگ و ارجمند

ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد . . . فإن تطيعوا يؤتكم الله أجراً حسناً

فطريت جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۵

۵- دفاع از ارزش ها و جهاد در راه خداوند ، مورد تأیید عقل و فطرت سلیم

طاعه و قول معروف

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که <قول معروف> خبر برای مبتدای محذوف باشد، یعنی، دستور قتال که در آیات پیشین بیان شده، دستوری شناخته شده از نظر عقل و فطرت است که بشر را به دفاع از ارزش ها و طرد دشمنان مهاجم فرامی خواند.

فلسفه اعراض از متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهاد گریز ، ملاک وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

فلسفه جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۰

۱۰ - رفع فتنه ، از هدف های جنگ و جهاد در اسلام است .

و اقلوهم حیث ثقتموهم و أخرجوهم من حیث أخرجوکم و الفتنة

أشد من القتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۳،۴

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین لله

۴ - هدف از تشریح جهاد و مبارزه در اسلام ، گسترش و جهانی شدن دین الهی و بر طرف شدن فتنه است .

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۱۸

۱۸ پیکار در راه خداوند ، عزت بخش و رهاکننده جامعه از قید تجاوز و اسارت

و ما لنا الا نقاتل فی سبیل الله و قد اخرجنا من ديارنا و ابنائنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۲۰،۲۲

۲۰ دفع فساد و تجاوزطلبی انسان ها به وسیله یکدیگر ، پرتویی از تفضیل جهانشمول الهی

و لو لا دفع الله .. و لکن الله ذو فضل علی العالمین

۲۲ ترک مبارزه با حاکمان ستمگر تا هزیمت آنان ، زمینه ساز فسادگری در زمین

فهزموهم باذن الله و قتل داود جالوت .. و لو لا دفع الله ... لفسدت الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۹

۹ جدا شدن صف مؤمنان واقعی از غیر آنان ، از فلسفه های پیکار میان حق و باطل

ان یمسکم قرح . . . و تلك الايام نداولها بین الناس و لیعلم الله الذین امنوا

در برداشت فوق،

کلمه <تلك>، به روزهای مبارزه و جنگ تفسیر شده است؛ نه خصوص پیروزی و یا شکست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۴،۶

۴ جهاد و پایداری در هنگامه های دشوار آن ، محکِ آزمونِ اهل ایمان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين

نصب <يعلم> به <ان> مقدر، دلالت می کند که <واو> در <و يعلم الصابرين> واو جمع است. یعنی: محک آزمون اهل ایمان، جهاد همراه صبر و پایداری است.

۶ جنگ ها و مبارزات ، وسیله امتحان مردم و عرصه جدا کردن مؤمنان مجاهد و صابر از غیر ایشان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۶

۶ مشخص شدن مؤمنان واقعی ، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم ... و ليعلم المؤمنین

جمله <و ليعلم ...>، عطف بر جمله ای مقدر است؛ یعنی <و ما اصابکم ... لیکون کذا و کذا و ليعلم المؤمنین>. لذا در برداشت فوق، مشخص شدن مؤمنان، از اهداف شکست آنان در نبرد احد شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱

۱ مشخص شدن منافقان ، از اهداف رخصت خداوند در شکست نبرد احد و مصیبت های وارده در آن

و ما اصابکم ... و ليعلم الذين نافقوا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۵

۱۵ جهاد و نبرد در اسلام ، برای دفع دشمنان است ، نه سلطه بر آنان و یا تحمیل عقیده

فان اعتزلوكم .. فما جعل الله لكم عليهم سيلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۱

۱ پیاده شدن حق و نابودی باطل ، هدف از تشریح جهاد و مبارزه در اسلام

إذ يعدكم .. يرید الله .. ليحق الحق ... و لو كره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۵

۵ جنگ های اسلام در صدد دفع شر کافران ، نه تحمیل عقیده بر آنان *

إن تنتهوا فهو خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۵

۵ گسترش و جهانگیر شدن دین الهی ، از اهداف جهاد و مبارزه در اسلام

و قتلوهم حتی .. و يكون الدين كله لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ دستیابی مجاهدان به مواهب اخروی و منافع معنوی ، هدفی اساسی در تشریح جهاد

و الله يرید الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، گرایش دادن آنان به سوی اسلام است نه نابود کردن آنان .

فاقتلوا المشركين . . . فإن تابوا ... فخلوا سبيلهم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۹

۹ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، آوردن ایشان به دامن اسلام است و نه نابودی آنان .

فاقتلوا المشركين .. و إن أحد من المشركين استجارك ... حتى يسمع كلم الله ثم أبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۱

۱ جنگ مسلمانان با مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، به منظور نجات آنان از آیین شرک و بازگشت به توحید و اسلام ، بود

فإن تابوا و أقاموا الصلوة و ءاتوا الزكوة

برداشت فوق از تفریع جمله <إن تابوا .. > بر الغای صلحنامه و اعلام جنگ با مشرکان پیمان شکن (کیف یكون للمشرکین عهد ...) استفاده می شود. قابل ذکر است که <توبه> (مصدر تابوا) به معنای بازگشتن است ؛ یعنی ، اگر مشرکان به اسلام و توحید بازگردند و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۱،۱۲

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمة الكفر

۱۲ پیکار با سران شرک و کفر ، به منظور وادار کردن آنان به رعایت عهد و پیمان و بازداشتن ایشان از ضربه زدن به اسلام و مسلمانان است .

و إن نکثوا أیمنهم .. فقتلوا أئمة الكفر ... لعلهم ینتھون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۹ - ۴

شرکت همگان در آن ، در جهت منافع مؤمنان و زیان تخلف از جهاد ، تنها متوجه خود آنان است ؛ نه خداوند .

إلا تنفروا يعذبكم عذاباً أليماً .. ولا تضروه شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۷

۷ تأکید خداوند بر جهاد با مال و جان (در عین بی نیازی او از جهاد و تلاش مردم) ، به خاطر تأمین مصالح خود انسانهاست .

ما لكم إذا قيل لكم انفروا .. إلا تنفروا يعذبكم ... انفروا خفافاً و ثقلاً جهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۴

۱۴ هدف نخستین از جهاد ، نابود ساختن دشمنان الهی است نه صرفاً دستیابی به بهشت .

يقتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون

برداشت فوق با توجه به تقدیم کشتن (فِیقتلون) بر کشته شدن (و یقتلون) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۹

۹ توجه به شمول حمایت و امداد الهی نسبت به متقین ، از عوامل روی آوردن مؤمنان به جهاد با کافران

قتلوا .. و اعلموا أن الله مع المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - حفاظت و پاسداری از معابد و مراکز دینی (صومعه ها ، کلیسا ها ، کنیسه ها و مساجد) فلسفه جهاد و دفاع

و لولا دفع الله .. لهدمت صومع و بيع ... و مسجد

<صوامع> جمع <صومعه> و

<بیع> جمع <بیعه> و <صلوات> جمع <صلاه یا صَلَوَةٌ> است. <صومعه> مرداف <دیر> جایی است که راهبان در آن به ریاضت می پردازند. <بیعه> به کلیسای نصارا گفته می شود. <صلاه یا صلوه> کنیسه یهودیان است؛ یعنی، اگر خدا برخی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها، کلیساها، کنیسه ها و مساجدی که در آن بسیار ذکر خدا می شود، تخریب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۲، ۱۱

۱۱- هدف اسلام از جنگ با کافران، دفع تجاوزها و هجوم آنان است؛ نه صرفاً کشتن ایشان. *

فَضْرِبِ الرِّقَابَ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتْمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ

عبارت <فشدوا الوتاق> احتمالاً این معنا را افاده کند که پس از زمین گیر شدن دشمن، دیگر کشتن آنان لازم نیست؛ زیرا هدف که دفع شر و تهاجم آنان بوده حاصل شده است.

۲۲- فرمان خداوند به جهاد، در عین قدرت او بر نابودسازی کافران، به منظور آزمایش آدمیان

و لو يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصِرَ مِنْهُمْ و لَكِن لِّيَلْبُوْا بَعْضَكُمْ بَعْضًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۱۰

۱۰- فرمان های خدا و دستور او به جهاد، در جهت منافع خود انسان ها است.

فَإِذَا عَزَمْتَ الْأَمْرَ فَلَوْ صدَّقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۲

۲- تکلیف جهاد، وسیله آزمایش مؤمنان و تمایز مجاهدان و صابران از دیگران

و لَنبَلُوْنَكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِيْنَ مِنْكُمْ وَ الصَّبِيْرِيْنَ

با توجه به واژه <المجاهدين> معلوم

می شود که موضوع اصلی آزمایش <جهاد> است. به علاوه محور اصلی این آیات فرمان قتال با کافران و جهاد در راه خدا می باشد (إذا أنزلت سورة محكمة و ذکر فیها القتال ...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۲۳، ۲۰

۲۰ - شناخته شدن یاران خدا و پیامبران و جدا گشتن صفوف آنان از دیگران ، حکمت تشریح جهاد از سوی خداوند

و أنزلنا الحديد .. و ليعلم الله من ينصره و رسله

۲۳ - تشریح جهاد از سوی خداوند ، به معنای نیاز داشتن او به یاری دیگران نیست .

و أنزلنا الحديد .. إن الله قوي عزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - فریضه جهاد با مال و جان ، در جهت تأمین مصالح خود مجاهدان است .

و تجهدون .. ذلكم خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۹، ۴

۴ - ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العديت .. إن الإنسان لربه لکنود

۹ - جهاد در راه خدا ، شکر نعمت های او است .

و العديت .. إن الإنسان لربه لکنود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۴

۴ - انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان با صفوف آنان است .

و العدیت .. . إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ . و إِنَّهُ

علی ذلک لشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۸ - ۲

۲ - افزایش مال دوستی در دشمنان دین ، زمینه رویارویی آنان با سپاه اسلام است .

و العدیت .. و إنه لحب الخیر لشدید

فلسفه جهاد دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۵

۵ - صدور اجازه پیکار به مسلمانان صدراسلام از سوی خداوند ، به منظور دفع تهاجم دشمن و رفع تجاوز آنان

أذن للذین یقتلون بأنهم ظلموا

قبول توبه متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۷

۷ باز بودن راه توبه برای متخلفان از جهاد ، با وجود مأموریت مؤمنان به نپذیرفتن عذر تراشی آنان *

لن تؤمنن لکم .. و سیری الله عملکم و رسوله

جمله <سیری الله ..> می تواند بیانگر این جهت باشد که اگر چه مؤمنان نباید برای عذرخواهی متخلفان از جهاد واقعی بنهند، ولی این بدان معنا نیست که آنان راهی به سوی توبه نداشته باشند؛ بلکه توبه آنان منوط به عملکرد آینده شان است که خدا و پیامبر(ص) بر آن ناظر خواهند بود.

قیاس تولیت مسجد با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاج

و عماره المسجد الحرام کمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد فی

قیاس سقایت حاجیان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجد الحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد فی

کافران در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۴

۴ شرکت بی ایمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد ، جز فساد و فتنه انگیزی و تأثیر منفی بر دیگران ، نتیجه ای ندارد .

لو خرجوا فيکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

جمله <یبغونکم الفتنه> حال برای ضمیر فاعل <أوضعوا> است ، یعنی ، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند ، مطمئناً در حق شما فتنه جویی می کردند .

کراهت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۵

۵ مسلمانان ، مشتاق رویارویی با کاروان تجاری قریش و ناخشنود از درگیری با سپاه مسلح آنان

و تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم

کری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کرو کور در برابر حق

أولئک الذین .. فأصمهم و

أعمى أبصرهم

کوری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين... فأصمهم و أعمى أبصرهم

کیفر تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ پیامد هلاکت بار سرباز زدن از فریضه جهاد در راه خدا ، دامنگیر خود متخلفان است .

لو استطعنا لخرجنا معكم يهلكون أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱

۱ گناه و کیفر تخلف از جهاد ، تنها متوجه کسانی است که علی رغم توانمندی ، از آن روی برگردانند .

إنما السبيل على الذين يستندونك و هم أغنياء

کیفر ترک جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۹

۹ مرگ زودرس ، جزا و فرجام گریزندگان از پیکار در راه خداوند

الم تر الى الذين... فقال لهم الله موتوا... و قاتلوا في سبيل الله

با توجه به ارتباط این آیه و آیه بعد می توان گفت، ترک شهر و دیار از سوی یادشدگان، به خاطر گریز از میدان نبرد بوده است و خداوند با یادآوری آن واقعه، به مسلمانان هشدار می دهد که مبادا همانند آن فراریان، نبرد را ترک کنند و به مرگ زودرس <موتوا> گرفتار شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۶

بازدارندگان مردم از جهاد در راه خدا، سهیم در کیفر ترک آن

و اذا جاءهم امر .. اذاعوا به ... من يشفع شفاعه حسنه يکن له نصيب منها

به مقتضای ارتباط این آیه با آیات قبل، مصداق مورد نظر از <شفاعه سیئه>، می تواند همان کارهایی باشد که موجب بازماندن مردم از جهاد در راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - تخلف از جنگ و جهاد، دارای کیفری بس بزرگ و دردناک

و إن تتولوا كما توليتم من قبل يعذبکم عذابًا أليماً

کیفر فرار از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۲،۴

۲ روی گردانان از جبهه نبرد جز برای اتخاذ تاکتیک های جدید مورد غضب الهی و مستحق جهنم

و من يولهمم .. فقد باء بغضب من الله و مأويه جهنم و بس المصير

کلمه <بوء> چنانچه با حرف <باء> متعدی شود می تواند به معنای متحمل شدن باشد. بنابراین <باء بغضب من الله> یعنی خشم خداوند را بر خود هموار ساخت.

۴ جهنم، جایگاه فراریان از جبهه نبرد

و من يولهمم .. مأويه جهنم

کیفر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۸

۸ منافقان متخلف از جنگ، مستحق و سزاوار مرگ

نحن نتربص بكم... بعذاب من عنده أو بأيدينا

گناه تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۸

گناه و کیفر تخلف از جهاد ، تنها متوجه کسانی است که علی رغم توانمندی ، از آن روی برگردانند .

إنما السبيل على الذين يستندونك و هم أغنياء

۸ گناه تخلف از وظیفه جهاد ، زمینه مهر شدن قلب انسان

رضوا بأن يكونوا مع الخوالم و طبع الله على قلوبهم

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که طبع قلب (مهر شدن) معلول عملکرد خائنانه منافقان باشد نه علت آن.

گناه متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۷

۷ متخلفان از جنگ ، به بهانه مصون ماندن از فتنه و گناه ، خود در منجلاب فتنه و گناه بودند .

انذن لي و لا تفتني ألا في الفتنه سقطوا

لعن بر تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱

۱- عناصر بیمار دل روی گردان از جهاد و دستورات الهی ، مورد نفرین خداوند

رأيت الذين في قلوبهم مرض .. فهل عسيتم إن توليتم ... أولئك الذين لعنهم الله

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که مشارالیه <أولئك> ، کسانی باشند که <توليتهم> خطاب به آنان است و <تولّى> به معنای روی گردانی از جهاد و یا مجموعه فرمان های حق باشد.

مانعان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۲۸،۱۰

۲ - تلاش شدید منافقان مدینه ، برای بازداشتن مسلمانان از جهاد در غزوه احزاب

و إذ قالت طائفة منهم .. لا مقام لكم فارجعوا ... قد يعلم الله المعوقين منكم

تضعیف <عوق> برای بیان شدت و غلظت بازدارندگی،

است.

۸ - منافقان مدینه ، علاوه بر بازداشتن دیگران از حضور در جبهه جهاد ، خود نیز در آن ، حضوری کم رنگ داشتند .

قد يعلم الله المعوقين .. و القائلين لإخوانهم ... و لا یأتون البأس إلا قليلاً

بنابراین احتمال که جمله <ولا یأتون البأس..> حال برای <المعوقین> و <القائلین> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۱۰ - خداوند ، بر بازدارندگان از جهاد و منافقان تلاش کننده در جذب مسلمان های ضعیف به سوی خود و کم حضوران در جهاد ، آگاه است .

قد يعلم الله المعوقين .. و لا یأتون البأس إلا قليلاً

متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۴

۴ دور ماندن از مصائب جنگ ، نعمتی الهی در بینش سست عنصران متخلف از جهاد

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم الله علی اذ لم اکن معهم شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۹

۹ متخلفان از جهاد ، بیگانه با جامعه ایمانی و پیوند های مودت آمیز آن

و انّ منکم لمن لیبطنّ .. کان لم تکن بینکم وینه مودّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۳

۳ جنگ های کافران ، در راه طاغوت است .

و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۴، ۲

۲ نابرابری درجه و مقام ناتوانان از شرکت در جهاد ، با آنان که علی رغم

توانمندی در جهاد شرکت نمی کنند .

لا يستوى القاعدون من المؤمنين غير اولى الضرر و المجاهدون فى سبيل الله

اگر همه کسانی که در جهاد شرکت نمی کنند، چه ناتوان و چه توانا، در یک رتبه بودند، استثنا، یعنی <غیر اولی الضرر> بی معنا بود.

۱۴ مؤمنانی که بازماندشان از جهاد موجب خسارتی به جبهه مؤمنان شود ، مشمول پاداش الهی نیستند .

لايستوى القاعدون من المؤمنين غير اولى الضرر . .. كلاً وعد الله الحسنی

برداشت فوق بر این اساس است که <ضرر> به معنای زیان رسانی باشد؛ چنانچه در لسان العرب در معنای <لا ضرر> آمده است: ای لا یضر الرجل اخاه. و با توجه به اینکه <غیر> صفت <القاعدون> است، معنای جمله چنین می شود: بازماندگان از جنگ در صورتی که عدم حضورشان موجب ضرر به جبهه مسلمانان نگردد، از اجر و پاداش الهی بهره مند خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۴

۴ مباحثات و اظهار شادمانی منافقان به رأی صائب خویش مبنی بر ترک جهاد ، در صورت مواجه شدن مسلمانان با شکست و مشکلات جنگ

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ گرمی هوا ، بهانه منافقان صدر اسلام برای تخلف از جنگ و دستاویزی برای تبلیغ و بازداشتن از شرکت دیگران در جهاد

و قالوا لا تنفروا فى الحر

متخلفان از جهاد در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه -

۱۲ دوزخ ، جایگاه و فرجام نهایی منافقان متخلف از جهاد

مأویهم جهنم

متخلفان از جهاد و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۲

۲ بهانه جویان متخلف از جنگ ، آرزومند عدم موفقیت سپاه اسلام و نگران از پیروزی آنان .

إن تصبک حسنه تسؤهم

متخلفان از جهاد و اندوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۴

۴ متخلفان از جهاد ، نباید از تخلف خویش مسرور گردند ؛ بلکه باید از پیامد ناگوار ترک این فریضه ، محزون و غمزده باشند .

فرح المخلفون .. فليضحكوا قليلا و ليبكوا كثيراً

متخلفان از جهاد و سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۴

۴ متخلفان از جهاد ، نباید از تخلف خویش مسرور گردند ؛ بلکه باید از پیامد ناگوار ترک این فریضه ، محزون و غمزده باشند .

فرح المخلفون .. فليضحكوا قليلا و ليبكوا كثيراً

متخلفان از مسافرت به حدیبیه و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱

۱ - اخبار خداوند ، از مواضع بعدی متخلفان از سفر حدیبیه ، در قبال مسؤولیت های جهادی

سیقول المخلفون

مجازات تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۳

۱۳ اشخاص معذور از جهاد ، در صورت خیرخواهی برای دین و رهبر جامعه اسلامی ، مصون از عذاب و

کیفر تخلف از جنگ

الذین کفروا منهم عذاب أليم .. ما علی المحسنین من سبیل

محدوده جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۵،۶

۵ - ضرورت باز پس گیری سرزمین های اسلامی از دست دشمنان دین و بیرون راندن ایشان از آن جا

و أخرجهم من حیث أخرجهکم

۶ - ضرورت نبرد با کافرانی که سرزمین های اسلامی را به تصرف خویش در آورده اند .

و اقتلوهم .. و أخرجهم من حیث أخرجهکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۳

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی لا تكون فتنة و يكون الدين لله

محرومان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ احساس رضایت و خوشحالی منافقان از شرکت نکردن در جنگ برای بار نخست ، مایه طرد همیشگی آنان از سوی خدا و

پیامبر (ص) و محروم شدن دایمی از شرکت در جهاد

لن تخرجوا .. و لن تقتلوا معی عدواً إنکم رضیتم بالعود أول مره

برداشت فوق بر این اساس است که <لن تخرجوا> و <لن تقتلوا> در مقام انشا و برای طرد منافقان باشد و جمله <إنکم

رضیتم .. > نیز برای تعلیل آن باشد.

محرومیت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۷

۷ امکانات مادی مردم محروم از ایمان ، تقوا و جهاد

، بی تأثیر در تأمین فلاح و رستگاری ایشان

اتقوا الله .. لعلکم تفلحون. إِنَّ الذین کفروا لو أَنَّ لهم ما فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۷

۷ اندوه و گریه شدید مؤمنان تهیدست ، به خاطر ناتوانی از شرکت در جنگ تبوک و محروم شدن از فیض جهاد

و أعینهم تفیض من الدمع حزناً

محرومیت متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنایم جنگی

و لئن اصابکم فضل من الله ليقولنَّ .. یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۶ - ۹

۹ منافقان و توانمندان متخلف از جهاد ، فاسق و محروم از رضایت خدایند .

یحلفون .. لا یرضی عن القوم الفسقین

محمد(ص) و متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۶

۶ موضع گیری در برابر متخلفان از وظایف اجتماعی (چون جهاد و ...) از وظایف پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی

یعتذرون إلیکم .. قل لا تعتذروا

از اینکه نخست همه مؤمنان مورد خطاب قرار گرفته اند، ولی وظیفه اعلام موضع تنها بر عهده پیامبر(ص) قرار داده شده، می توان برداشت فوق را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۶

۶ اجازه

خداوند به پیامبر (ص) در مورد گرفتن صدقه (زکات) از جهاد گریزانی که به گناه خویش معترف بودند .

و ءآخرون اعترفوا بذنوبهم .. خذ من أموالهم صدقه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه است که برخی از متخلفان از جنگ تبوک، نادم شدند و در قبال خطای خویش، پیشنهاد کردند که تمام اموالشان را به عنوان صدقه بپردازند.

محمد(ص) و معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ > عن ابی جعفر (ع) فی قوله تعالی : < عفی الله عنک لم أذنت لهم حتی یتبین لک الذین صدقوا و تعلم الکاذبین >
یقول : تعرف اهل العذر و الذین جلسوا بغير عذر ;

از امام باقر (ع) درباره سخن خدا: <عفی الله ..> روایت شده خداوند می فرماید: [چرا به آنان اذن دادی] می بایست برای تو روشن گردد، چه کسانی اهل عذر بودند و چه کسانی بدون عذر نشستند.

مسلمانان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۷

۷ یادآوری پایمردی و مقاومت خداپرستان پیشین ، از روش های قرآن برای ایجاد روحیه مقاومت در مبارزه با دشمنان دین

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر .. فی سبیل الله

مسلمانان صدر اسلام و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۲

۲ گمان برخی از مسلمانان صدر اسلام به وجوب بسیج همه مردم برای شرکت در جنگ

ما کان

آیه شریفه چنان که در برخی شأن نزولها آمده در مقام دفع ذهنیت اشخاصی است که می پنداشتند همه مسلمانان بی استثنا باید در جنگ شرکت کنند.

مسلمانان و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۵، ۲۴، ۲۳

۲۳ اعتراض برخی از مسلمانان به فرمان جهاد و درخواست تأخیر آن

و قالوا ربنا لم کتبت علينا القتال لو لا اخرتنا الى اجل قريب

۲۴ ترس ، منشأ اعتراض گروهی از مسلمانان صدر اسلام به حکم جهاد

يخشون الناس .. و قالوا ربنا لم کتبت علينا القتال

۲۵ مسلمانان هراسناک از نبرد ، خواهان لغو حکم جهاد شدند .

و قالوا ربنا لم کتبت علينا القتال لو لا اخرتنا الى اجل قريب

برخی برآنند که مراد از <اجل قريب> زمان مرگ است. و تأخیر حکم جهاد تا زمان مرگ به معنای لغو آن است.

مسؤول تدارکات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۲

۲ تهیه تدارکات و ساز و برگ جنگ در صدر اسلام ، بر عهده خود مجاهدان بود .

قلت لا أجد ما أحملکم علیه

مسؤول جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ تصمیم گیری درباره جهاد ، مسؤولیت مهاجران و یاری رسانی به مهاجران ، وظیفه و مسؤولیت گروه انصار در صدر اسلام

و الذین ءاؤوا و نصرؤا

توصیف مهاجران به اینکه در راه خدا جهاد کنند، در مقابل انصار که به این امر توصیف نشده اند، با اینکه جهاد در راه خدا

یک وظیفه ایمانی است، می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که در صدر اسلام جهاد و تصمیم گیری درباره آن بر عهده مهاجران بود و انصار باید آنان را در این امر یاری دهند، ولی تصمیم گیرنده نباشند.

مسئولیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۷

۷ معاف شدگان از جنگ ، باید در پشت جبهه حمایتگر رزمندگان و خیرخواه خدا و رسولش باشند .

لیس علی الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله

مشروعیت جهاد ابتدایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱

۱ مسلمانان صدر اسلام موظف به هجوم به کاروان تجاری مشرکان قریش و یا نبرد با سپاه مسلح آن بودند .

كما أخرجك ربك .. إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين ... ویرید الله أن یحق الحق بک

مصونیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ معاف شدگان از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند .

لیس علی الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما علی المحسنین من سیل

معذور از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۱، ۱۵، ۲

۲ نابرابری درجه و مقام ناتوانان از شرکت در جهاد ، با آنان که علی رغم توانمندی در جهاد شرکت نمی کنند .

لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر

اگر همه کسانی که در جهاد شرکت نمی کنند، چه ناتوان و چه توانا، در یک رتبه بودند، استثنا، یعنی <غیر اولی الضرر> بی معنا بود.

۱۱ بازنشستگان از جهاد، هنگامی از پاداش الهی برخوردارند که از روی بی ایمانی، ترک جهاد نکرده باشند.

لا یتوی القاعدون من المؤمنین .. کلاً وعد اللّٰه الحسنی

چون <من المؤمنین> حال برای <القاعدون> است، می رساند که بازنشستگان از جنگ در صورتی قابل مقایسه با مجاهدان هستند که ایمانشان محفوظ باشد. یعنی بازماندگان از جنگ در شرایطی نباشد که موجب سلب ایمان آنان گردد و یا ترک جهاد از روی بی ایمانی به فرامین خدا و رسول نباشد.

۱۵ خداوند، مجاهدان را با اعطای مقامی بلند و پاداش بزرگ، بر بازنشستگان از جهاد برتری داده است.

فَضَّلَ اللّٰهَ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً .. وَفَضَّلَ اللّٰهَ الْمُجَاهِدِينَ

<اجراً عظيماً>، مفعولاً به برای <فَضَّلَ> است و در <فَضَّلَ>، معنای عطا کردن تضمین شده است.

معدوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و ...) از شرکت در جنگ

فَاعْذُوا مَعَ الْخُلَفَاءِ

مراد از <خالقین> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱

۱ اذن خواستن گروهی از بادیه نشینان معذور برای مشارکت نکردن در جنگ

<اعراب> اسم جمع و به معنای بادیه نشینان است. <معذرون> می تواند اسم فاعل از <باب تفعیل> باشد؛ یعنی، کسانی که از شرکت در جهاد کوتاهی می کنند و به دروغ نشان می دهند که عذر دارند و می تواند اسم فاعل از <باب افتعال> باشد که در اصل <معتذرون> بوده و تاء باب افتعال، به جهت قرب مخرج با ذال، قلب به ذال شده و در آن ادغام گشته است؛ یعنی، کسانی که دارای عذر موجهند. برداشت فوق بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۲۱، ۱

۱ افراد ضعیف و مریض و فاقد هزینه و امکانات جنگی، از شرکت در جنگ معافند و گناهی بر آنان نیست.

لیس علی الضعفاء... حرج

۲۱ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: <... إن الله يحتج على العباد بما آتاهم وعرفهم... و ما امروا إلا بدون سعتهم... و كل شیئی لا یسعون له فهو موضوع عنهم... ثم تلا > لیس علی الضعفاء و لا علی المرضى و لا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج <...؛

... به تحقیق خداوند بر بندگان احتجاج می کند به چیزی که به آنها عطا فرموده و شناختی که به آنها داده است... و آنان مأمور نشده اند مگر به تکلیفی که پایین تر از سعه و توانشان باشد... و هر تکلیفی که در وسع بندگان

نباشد، از آنها برداشته شده ... سپس امام آیه شریفه را تلاوت فرمود: <بر ضعیفان و بیماران و آنان که چیزی نمی یابند که (در راه جهاد) هزینه کنند، باکی نیست > ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۱۱۲

۱ مؤمنان تهیدست و ناتوان از تدارک ساز و برگ نبرد، معذور و معاف از جنگند.

و لا علی الذین إذا ما أتوک لتحملهم

۱۲ حسن بصری گوید: رسول خدا (ص) فرمود: <لقد خلفتم بالمدينة اقواماً ما انفقتم من نفقه و لا قطعتم و ادیاً و لا نلتم من عدوّ نیلاً إلا و قد شرکوکم فی الأجر ثم قرء > و لا علی الذین إذا ما أتوک ... الآية > ;

به تحقیق گروههایی را در مدینه بر جای گذاشتید که شما چیزی را هزینه [جنگ] نکرده اید و از هیچ وادی عبور ننموده اید و هیچ آسیبی به دشمن نرسانده اید، مگر اینکه آن گروهها در اجر با شما شریک شدند. سپس آیه شریفه را تلاوت فرمود: و نیز باکی نیست برای کسانی که وقتی نزد تو آمدند تا آنان را سوار کنی [و به جهاد بفرستی] و تو گفתי مرکبی ندارم تا شما را سوار کنم، بازگشتند در حالی که از غصه اینکه چیزی را برای خرج [جنگ] نمی یابند، از چشمهای آنان سیلاب اشک جاری بود.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۱۱

۱۱ تحصیل کنندگان دانش دین، معاف از شرکت در جنگ در

صورت نیاز جامعه به دانش آنان و عدم نیاز جدی به حضورشان در جنگ

ما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقه منهم طائفة ليفقهوا في الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱

۱ - افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج

معدوران از جهاد در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - افراد ناتوان از جهاد ، همانند مجاهدان ، برخوردار از بهشت در صورت داشتن روح اطاعت در برابر خدا و رسول او

ليس على الأعمى حرج .. و من يطع الله و رسوله جنت

برداشت بالا- بنا بر این نکته است که <من يطع..> جواب سؤال مقدر باشد، زیرا پس از رفع حکم جهاد از افراد ناتوان، ممکن است سؤال شود که: چرا این گروه از فیض جهاد محروم اند؟ خداوند در جواب می فرماید: آنان نیز اگر مطیع باشند، همانند مجاهدان، از پاداش الهی برخوردار خواهند بود.

معدوران از جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۵

۵ افراد تهیدست ، معاف از جهاد مالی

ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج

در آیات قبل، سخن از جهاد با مال و جان بود و در این آیه، ممکن است استثنای ضعیفان و مریضان از جهاد جانی و استثنای تهیدستان، از جهاد مالی باشد.

معرضان از جهاد

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، بر بازدارندگان از جهاد و منافقان تلاش کننده در جذب مسلمان های ضعیف به سوی خود و کم حضوران در جهاد ، آگاه است .

قد يعلم الله المعوقين ... ولا يأتون البأس إلا قليلاً

معلولان و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و ...) از شرکت در جنگ

فاعدوامع الخلفين

مراد از <خالفين> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

مغضوبیت معرضان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۸

۸ - کسانی که شعار جهاد سر می دهند ولی در عرصه پیکار یا شرکت نمی کنند و یا در صورت شرکت کردن از خود سستی نشان می دهند و استقامت نمی کنند ، مورد خشم شدید خداوند هستند .

لِمَ تقولون ... كبر مقتاً عند الله ... إِنَّ اللهَ يَحِبُّ ... كَأَنَّهُمْ بنين موصول

آیات پیشین که در مقام سرزنش مدعیان بدون عمل بود تمهیدی برای بیان موضوع جهاد است؛ چرا که صحنه جنگ، محل لغزش قدم ها و آشکار شدن مدعیان از مؤمنان حقیقی است.

ملاک ارزش جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - در راه خدا بودن ، ملاک ارزش هر جهاد و ایثار

و

جهدوا بأمولهم و أنفسم فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۱۸، ۱۷، ۱۵

۱۵ - جهاد در راه خدا و شرکت در جنگ ، در شرایط سخت و پیش از نمایان شدن آثار پیروزی ، بسی ارزشمندتر از جهاد و جنگ ، پس از پیروزی و شرایط آسان دوران قدرتمندی است .

لا یتوی منکم من أنفق .. و قتل أولئک أعظم درجه من الذین أنفقوا من بعد و قتل

۱۷ - نقش خلوص و نداشتن چشمداشت مادی ، در ارزشمندی و باروری جهاد و انفاق

لا یتوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

تفاوت جهاد و انفاق پیش از فتح مکه و پس از آن، می تواند به این خاطر باشد که مسلمانان پیش از فتح، بدون چشمداشت مادی (به دست آوردن غنائم جنگی و ..) و با خلوص به جهاد و انفاق روی آوردند؛ ولی کسانی که پس از فتح مکه چنین اقدامی کردند، شاید به غنائم و دیگر منافع مادی آن امید داشتند.

۱۸ - ارزش جهاد و انفاق در پیشگاه خداوند ، در گرو همراه بودن آن با ایمان است .

لا یتوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

قید <منکم> بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۶

۱۶ - ارزش هجرت و جهاد ، به انجام گرفتن آن در راه خدا و برای خشنودی او است .

إن کنتم خرجتم جهداً فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی

تعبیر <خرجتم>، چنانچه بیانگر هجرت مسلمانان از مکه به مدینه باشد، عنوان <جهاد> نیز بر آن انطباق می

یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۴ - ۶

۶ - ارزش جهاد به این است که در راه خدا و جلب رضای او باشد و نه دستیابی به منافع مادی .

الذین یقتلون فی سبیلہ

قید <فی سبیلہ> می رساند که انگیزه کسی که در جهاد شرکت می کند، تنها باید برای اعتلا بخشیدن به دین خدا بوده و از انگیزه های مادی (مانند غنیمت و ..) مبرا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۸

۸ - ارزش جهاد ، به این است که در راه خدا و برای جلب رضای او باشد .

تجهدون فی سبیل اللّٰه

قید <فی سبیل اللّٰه> بیانگر مطلب یاد شده است.

ملاکهای وجوب جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۲

۲ ملاک وجوب شرکت مسلمانان در پیکار با دشمنان ، دفاع از اسلام و سرزمین آن است ، نه خصوصیات رهبری جامعه و صلاحیت و عدم صلاحیت وی برای فراخوانی به جنگ .

یأیها الذین ءامنوا ما لکم إذا قیل لکم انفروا فی سبیل اللّٰه

به کارگیری فعل مجهول (قیل) و عدم ذکر نام و خصوصیات کسی که فرمان جهاد را صادر می کند، مفید برداشت فوق است.

ممانعت از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۳

۳ ترساندن مؤمنان از دشمن و بازداشتن آنان از جهاد ، عملی است شیطانی .

انَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ .. . اَتَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۲ - ۲،۳

۲ برخی از مسلمانان عصر پیامبر (ص)، دیگر مؤمنان را از شرکت در جهاد بازمی داشتند.

و انّ منکم لمن لیبطنّ

راغب در <مفردات>، <لیبطنّ> را فعل متعدی دانسته است.

۳ سرزنش خداوند نسبت به کسانی که از شرکت در نبرد سستی می کنند و یا دیگران را از آن بازمی دارند.

و انّ منکم لمن لیبطنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۴ - ۷

۷ - جلوگیری مؤمنان از دین داری و انجام تکالیف دینی (همچون جهاد، هجرت و...)، دشمنی با آنان محسوب می شود

عدوًّا لکم فاحذروهم

برداشت یاد شده، با توجه به تاریخ و شأن نزول این آیه است. امام باقر(ع) می فرماید <وقتی برخی از مردان می خواستند هجرت کنند، پسر و همسرش دامن او را می گرفتند و می گفتند: تو را به خدا سوگند که هجرت نکن...>، (برگرفته از نورالثقلین، ج ۵، ذیل آیه).

ممنوعیت فرار از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ فرار از جنگ و جهاد، ممنوع و زیانبار است.

و لا ترتدوا علی ادبارکم فتقلبوا خسرین

منافقان صدر اسلام و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۴

۴ پیامبر (ص) مأمور افشای چهره منافقان و اعلام عدم حضور قطعی آنان با او در هیچ جنگی پس

از جنگ تبوک

فقل لن تخرجوا معي أبداً و لن تقتلوا معي

منافقان متخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۱

۱ خوشحالی و خنده منافقان متخلف از جهاد ، اندک و زودگذر در مقایسه با عذاب ها و گریه های اخروی آنان

فليضحكوا قليلا و ليبكوا كثيراً

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فليضحكوا> در مورد دنیا و <و ليبكوا> در مورد آخرت باشد.

منافقان مدینه و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۸ - ۲۸

۲ - تلاش شدید منافقان مدینه ، برای بازداشتن مسلمانان از جهاد در غزوه احزاب

و إذ قالت طائفة منهم .. لا مقام لكم فارجعوا ... قد يعلم الله المعوقين منكم

تضعیف <عوق> برای بیان شدت و غلظت بازدارندگی، است.

۸ - منافقان مدینه ، علاوه بر بازداشتن دیگران از حضور در جبهه جهاد ، خود نیز در آن ، حضوری کم رنگ داشتند .

قد يعلم الله المعوقين .. و القائلين لإخونهم ... و لا يأتون البأس إلا قليلاً

بنابراین احتمال که جمله <ولا يأتون البأس..> حال برای <المعوقين> و <القائلين> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۵

۵ - منافقان مدینه ، حضور در جبهه جهاد را ، مساوی با کشته شدن و از بین رفتن تلقی می کردند .

فإذا جاء الخوف رأيتهم ينظرون إليك تدور أعينهم كالذى يغشى عليه من الموت

این که آیه بیان می کند که آنان، با شنیدن خبر جنگ، به

حال احتضار درمی آمدند، حکایت از این نکته می کند که منافقان مدینه وقوع جنگ و شرکت در جبهه جهاد را مساوی با کشته شدن تلقی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۸

۸ - در صورت حضور منافقان مدینه ، در جبهه مسلمانان ، جز اندکی در جنگ و جهاد ، شرکت نمی کردند .

و لو كانوا فيكم ما قتلوا إلا قليلاً

منافقان و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۵

۵ در بین منافقان جهاد در راه خدا ، بلا و گرفتاری است .

انذن لي و لا تفتني

یکی از معانی <فته> در لغت بلا و گرفتاری است؛ یعنی، مرا در ماندن اذن بده و گرفتار بلا و مصیبت جنگ نساز.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۶

۶ کراهت و ناخرسندی منافقان از جهاد با مال و جان ، در راه خدا

و كرهوا أن يجهدوا بأموالهم و أنفسهم في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۶ - ۱۲، ۱۱، ۸

۸ تمکن و ثروت ، زمینه عافیت طلبی منافقان و گریز آنان از جهاد

استئذنك أولوا الطول منهم

۱۱ ترجیح داشتن ترک پیکار (همنشینی با افراد عاجز و ناتوان) بر عزت جهاد و همراهی با پیامبر (ص) در نظر منافقان
توانگر و ثروتمند

و قالوا ذرنا نكن مع القعدين

۱۲ تن دادن توانگران منافق به ذلت و خواری ، برای شرکت نکردن در

و قالوا ذرنا نكن مع القعدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۱،۷

۱ رضا و شادمانی منافقان از نرفتن به جهاد و ماندن در کنار ناتوانان و خانه نشینان

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف

۷ ناتوانی منافقان از درک عمیق زشتی مواضع و عملکرد خویش و نیز ارزش جهاد در راه خدا

و طبع .. فهم لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - منافقان ، از هر نوع کمکی به جهاد مسلمانان ، خودداری می کردند .

و لایأتون .. أشحه علیکم

<أشحه> اگر چه در لغت، به معنای بخل آمده است، اما استعمال مجازی آن در منع از کمک و یاری و اعانت نیز آمده است. برداشت بالا، با عنایت به استعمال مجازی آن است.

۲ - کم شرکت کردن منافقان در جبهه جهاد مسلمانان ، به خاطر بخل آنان به مسلمانان بود .

لایأتون البأس .. أشحه علیکم

<أشحه> جمع <شحیح> است. <شح> ریشه أشحه در لغت، به معنای <بخل حریصانه> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <أشحه> حال برای ضمیر فاعلی فعل <یأتون> در آیه پیشین است.

منافقان و جهاد مالی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۶

۶ کراهت و ناخرسندی منافقان از جهاد با مال و جان ، در راه خدا

و کرهوا أن یجهدوا بأموالهم و أنفسهم فی سبیل اللّٰه

منشأ تشریح جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷

۱۵ - جهاد ، فرمانی نازل شده از سوی خداوند

و أنزلنا الحديد

منشأ جهاد محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۵

۵ جهاد پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، نشأت یافته از درک صحیح و بینش عمیق آنان نسبت به ارزش جهاد

فهم لایفقهون. لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا

با توجه به فراز پیش (رضوا .. فهم لایفقهون) مقصود این است که منافقان چون نمی فهمند، از جهاد می گریزند و لکن مؤمنان، به برکت درک عمیقی که دارند، به سوی عرصه های کارزار پیش می تازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۶

۶ - جنگ های پیامبر (ص) با مشرکان و معارضان ، تحت تدبیر و هدایت خداوند

سیقول المخلفون .. قل لن تتبعونا کذلکم قال الله من قبل ... قل للمخلفین

در این مجموعه آیات، همواره خداوند از برنامه های آینده خبر داده است و بدین وسیله تکلیف مسلمانان را روشن ساخته و در هر مقطعی مسائل عمده آن را مشخص کرده است.

منشأ جهاد مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۵

۵ جهاد پیامبر (ص) و مؤمنان راستین ، نشأت یافته از درک صحیح و بینش عمیق آنان نسبت به ارزش جهاد

فهم لایفقهون. لکن الرسول و الذین ءامنوا معه جهدوا

با توجه به فراز پیش (رضوا... فهم لایفقهون) مقصود این است که منافقان چون نمی فهمند، از جهاد می گریزند

و لکن مؤمنان، به برکت درک عمیقی که دارند، به سوی عرصه های کارزار پیش می تازند.

موارد جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۴

۴ جنگ برای رهایی مستضعفان موحد، از مصادیق جهاد در راه خداست.

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین

مراد از راه مستضعفین، رهایی آنان است. بنابراین <المستضعفین> عطف است بر <سبیل اللّٰه> و این عطف، عطف خاص بر عام می باشد. زیرا آنچه به امر خدا انجام می گیرد، نمی تواند خارج از <سبیل اللّٰه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الَّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّٰه .. فقاتلوا اولیاء الشّیطان

موانع تخلف از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۷

۷ تقوا، مانع تخلف از جهاد با مال و جان

لا یستذنبک الذین یؤمنون .. أن یجهدوا ... و اللّٰه علیم بالمتقین

موانع جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱

۱ شیطان با ایجاد ترس و وحشت ، دوستانش را از شرکت در جهاد بازمی دارد .

أَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخَوْفُ أَوْلِيَاءَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱

۱ دنیامداران و خودمخوران ، لیاقت و توانایی نبرد در راه خدا را ندارند

وَأَنْ مِنْكُمْ لِمَنْ لِيَبْطِئَنَّ... فليقاتل في سبيل الله الَّذِينَ

اینکه خداوند تنها از مسلمانان آخرت طلب خواسته در راه او جهاد کنند، با وجود اینکه جهاد بر تمامی مسلمانان واجب است، اشاره به این است که دنیاطلبان نه لیاقت جهاد در راه خدا را دارند و نه توان آن را. کلمه <فء> در <فليقاتل>، دلالت روشن بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۳

۳ مرگ گریزی، از موانع شرکت در جهاد

فلما كتب عليهم القتال... يخشون الناس... این ما تكونوا يدر ككم الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ گرمی هوا، بهانه منافقان صدر اسلام برای تخلف از جنگ و دستاویزی برای تبلیغ و بازداشتن از شرکت دیگران در جهاد

وقالوا لا تنفروا في الحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۴ - ۸

۸ - دوستی و پیوند خویشاوندی، نباید مانع دینداری و انجام تکالیف شرعی (همچون جهاد، هجرت و...) شود.

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ

موحدان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱

۱ پیکار بسیاری از خداپرستان، در رکاب پیامبران الهی و تسلیم ناپذیری و پایداری آنان

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

<ربیون> جمع <ربی> است و به معنی کسی که خود را

مختص پروردگار کرده، یعنی جز پرستش خدا به کار دیگری نمی پردازد.

مؤمنان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۹،۱۹،۲۴

۹ جدا شدن صف مؤمنان واقعی از غیر آنان، از فلسفه های پیکار میان حق و باطل

ان یمسکم قرح .. و تلك الايام نداولها بين الناس و ليعلم الله الذين امنوا

در برداشت فوق، کلمه <تلك>، به روزهای مبارزه و جنگ تفسیر شده است؛ نه خصوص پیروزی و یا شکست.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلك الايام .. و ليعلم الله الذين امنوا و يتخذ منكم شهداء

ترک لام در <و يتخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهداء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

۲۴ پیروزی ظالمین در پیکار با مؤمنان، دلیل محبوبيت آنها نزد خداوند نیست.

و لاتهنوا .. و ليعلم الله الذين امنوا ... و الله لا يحب الظالمين

بنابر اینکه مراد از ظالمان، همان پیروزمندان جنگ احد باشد، خداوند به مؤمنان یادآور می شود که پیروزی مشرکان، حاکی از محبت الهی به ایشان نخواهد بود.

مؤمنان فقیر و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۲ - ۱

۱ مؤمنان تهیدست و ناتوان از تدارک ساز و برگ نبرد، معذور و معاف از جنگند.

ولا

علی الذین إذا ما أتوكم لتحملهم

مؤمنان و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۳ - ۹

۹ اشتیاق مؤمنان به حضور در میدان جهاد و شهادت ، پس از آگاهی از درجات شهدای بدر

و لقد کنتم تمنون الموت من قبل

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: فَإِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمَّا أَخْبَرَهُمَ اللَّهُ بِالَّذِي فَعَلَ بِشَهَدَائِهِمْ يَوْمَ بَدْرٍ وَمَنَازِلِهِمْ مِنَ الْجَنَّةِ رَغِبُوا فِي ذَلِكَ فَقَالُوا اللَّهُمَّ ارْنَا الْقِتَالَ نَسْتَشْهَدُ فِيهِ.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۱

۱ مؤمنان به خدا و آخرت ، برای جهاد با مال و جان ، بهانه نیاورده و از پیامبر (ص) خواهان اجازه ترک جهاد نبودند .

لايستئذنك الذين يؤمنون بالله و اليوم الآخر أن يجهدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۲، ۱

۱- شأن مؤمنان به دور از ضعف و سستی در جهاد و سزاوار پذیرش فرمان جهاد و استقبال از آن

طاعه و قول معروف

<طاعه و قول معروف> می تواند مبتدا برای خبر محذوف باشد؛ یعنی، <طاعه و .. خیر لهم>. از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که ترس و گریز از جهاد، شایسته مقام بندگان مطیع خداوند نیست.

۲- منفی بافی و یأس آفرینی در زمینه جهاد ، دور از ساحت مؤمنان واقعی

طاعه و قول معروف

بنابر این که <قول معروف> مبتدا برای خبر مقدر باشد، از ارتباط این آیه با

آیه قبل استفاده می شود که سست ایمان ها در پی هراس از شرکت در جهاد، به منفی بافی و ایجاد یأس در دیگران می پرداختند. خداوند در این آیه فرموده است: اولاً اهل اطاعت باشید و ثانیاً درباره جنگ و جهاد به نیکی سخن گوید. و یأس نیافرینید.

مؤمنان و متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۳

۳ خداوند ، خواهان اعتماد نکردن رهبر و مؤمنان بر عذر تراشی های توانمندان متخلف از جهاد

قل لا تعتذروا لن نؤمن لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۵

۵ انزوا و طرد اجتماعی منافقان و جهاد گریزان صدر اسلام ، از سوی مؤمنان مجاهد کیفری غیر قابل تحمل برای آنان بود .

سيحلفون بالله .. لتعرضوا عنهم

اقدام منافقان متخلف در سوگند خوردن، برای چشم پوشی مؤمنان از تخلف آنها، نشانگر تنگ شدن عرصه بر آنان است.

ناپسندی فرار از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ - فرار از جبهه جهاد ، امری مذموم و ناپسند است .

يقولون إنّ بيوتنا عوره و ما هي بعوره إنّ يربدون إلاّ فرارًا

نزدیکی کیفر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ عذاب کیفر کافران و متخلفان از جنگ ، عذابی است قریب الوقوع و نه چندان دور .

سیصیب الذین کفروا منهم عذاب أليم

به کارگیری حرف <سین> به جای <سوف> می تواند بیانگر برداشت

فوق باشد.

نسخ در حکم جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۴، ۳، ۱

۱ لزوم پایداری اهل ایمان در برابر لشکری با نیرویی ده برابر، حکمی که پس از گذشت مدتی تخفیف داده شد.

الئن خفف الله عنکم

۳ لزوم پایداری هر مؤمن در میدان نبرد با دو کافر، نسخ کننده حکم پیشین (لزوم پایداری هر مؤمن در برابر ده کافر)

ان یکن منکم عشرون .. الئن خفف الله عنکم

۴ بروز ضعف در جامعه ایمانی صدر اسلام، موجب تخفیف حکم پایداری در برابر دشمنان شد.

الئن خفف الله عنکم و علم أن فیکم ضعفا

نظم در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۹ - ۱۰

۱۰ نقش بارز و سازنده نظم و انضباط در حرکت های رزمی و صحنه های نبرد *

أنی ممدکم بألف من الملائکه مردفین

نفاق متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۶، ۲

۲ متخلفان از جهاد، دارای برخوردی دوگانه در برابر شکست و پیروزی مجاهدان

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم الله علیّ .. و لئن اصابتکم فضل من الله ليقولنّ

۶ متخلفان از جهاد ، پس از پیروزی به گونه ای سخن می گویند که گویا هیچ ارتباطی با مجاهدان نداشته و اطلاعی از درگیری ها و جهاد نداشته اند .

و اِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لِيَبْطِئَنَّ . . . و لئن اصابكم فضل من الله ليقولنَّ كان لم تكن بينكم

نفرین بر تارکان جهاد

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- منافقان و افراد سست ایمان بیزار از جهاد ، مورد نفرین الهی و سزاوار مرگ

فأولی لهم

<أولی لهم> ممکن است در مقام انشا و نفرین باشد.

نقش آیات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۰ - ۱۰

۱۰- آیات جهاد و تکالیف دشوار دین ، زمینه ساز شناسایی منافقان و سست ایمان ها

فإذا أنزلت سوره محكمه و ذكر فيها القتال رأيت الذين في قلوبهم مرض ينظرون إليك نظر

نگرانی معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳- افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج

تویبش شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه، بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول تویبش خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

وجوب اعراض از متخلفان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۰

۱۰. پلیدی شدید منافقان جهاد‌گریز، ملائک و جوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

و جوب جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

- وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرچنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّٰه الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱،۲

۱ وجوب جهاد در راه خدا

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه

۲ وجوب جنگ و مبارزه برای رهایی مستضعفان

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه و المستضعفین

مراد از جنگ در راه مستضعفان به قرینه ادامه آیه جنگیدن برای رهایی آنان از چنگال ستمگران است. در برداشت فوق، <المستضعفین> عطف بر <اللّٰه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ جهاد ، از واجبات کفایی

لا یستوی القاعدون .. کلاً وعد اللّٰه الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۲ - ۶

۶ جهاد ، از واجبات کفایی

و ما کان المؤمنون لینفروا کافه

ویژگیهای آیات جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- سوره های دربردارنده فرمان جهاد ، سوره هایی محکم ، قاطع و خالی از تشابه

فإذا أنزلت سوره محكمه و ذكر فيها القتال

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <ذكر فيها القتال> تفسیرکننده <محكمه> باشد، یعنی، سوره از آن جهت <محكم> نامیده می شود که در آن، حکم قاطع و روشن جهاد آمده باشد.

هشدار به بهانه جویان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۵

۱۵ سوزنده تر بودن آتش

دوزخ از گرمی هوای دنیا، هشدارى شديد به تخلف کنندگان از جهاد به بهانه گرمى هوا

قل نار جهنم اشد حراً

هشدار به تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۳

۳- هشدار خداوند به مؤمنان روى گردان از جهاد، نسبت به سقوط در دام فساد و بریدن از خویشاوندان

فهل عسىتم إن توليتم أن تفسدوا فى الأرض و تقطعوا أرحامكم

برداشت بالا بنابر این نکته است که مخاطب <إن توليتم>، بیماردلانى باشند که در برابر فرمان جهاد سستی کرده و خداوند با تذکر و هشدار، آنان را به تسليم در برابر فرمان هاى خویش دعوت کرده است.

هشدار به متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۵

۱۵ سوزنده تر بودن آتش دوزخ از گرمى هوای دنیا، هشدارى شديد به تخلف کنندگان از جهاد به بهانه گرمى هوا

قل نار جهنم اشد حراً

هلاکت متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ پیامد هلاکت بار سرباز زدن از فریضه جهاد در راه خدا، دامنگیر خود متخلفان است .

لو استطعنا لخرجنا معكم يهلكون أنفسهم

همگانی بودن جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ > عن جعفر بن محمد (ع) انه قال في قوله تعالى : <انفروا خفافاً و ثقالا > قال : شباباً و شيوخاً ; ۳۲

از امام صادق (ع) درباره سخن خدا: <انفروا .. >

روایت شده است: [مقصود این است که به جهاد بروید] چه جوان و چه پیر < .

همنشینی با معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ ارزش گذاری غلط و ترجیح دادن همنشینی با عاجزان بر شرکت در جهاد ، معلول جهل و نابخردی

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون

برداشت فوق بر این مبنا است که طبع قلب و عدم علم، عامل موضع گیریهای متخلفان از جهاد باشد.

جهان بینی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جهان بینی

{جهان بینی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۵

۵ عملکرد عوامل طبیعی به مشیت الهی است .

هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

عوامل طبیعی در شکل گیری انسان دخالت دارد، و خداوند این شکل گیری را به مشیت خویش نسبت داده است. بنابراین معلوم می شود عملکرد عوامل طبیعی به مشیت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۴،۶

۴ پدید آمدن زنده از مرده و مرده از زنده ، به دست خداوند

و تخرج الحی من المیت و تخرج المیت من الحی

۶ پیدایش جریان حیات در میان موجودات مرده و بی جان

و تخرج الحی من المیت

از تقدیم <تخرج الحی . . . > بر <تخرج المیت ... > استفاده می شود که ابتداءً موجودات بی جان آفریده شدند و از بستر آنها زنده ها به وجود آمدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰

۸ تحقق امور خارق العاده در نظام آفرینش ، متکی به مشیت خداست .

انّی یكون لی غلام .. قال كذلك الله يفعل ما یشاء

۹ مشیت الهی حاکم بر قوانین طبیعی

كذلك الله يفعل ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۷

۱۷ مبدأ انسان ها ، خداوند است و بازگشتشان تنها به سوی اوست .

ثمّ الّی مرجعکم

با توجه به معنای <رجوع> که بازگشت به جایی است که در سابق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۲

۱۲ تضادّ و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان ، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

وقالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله یحیی و یمیت

آثار جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۴

۴ نقش جهانی بینی در توجیه و تعیین زشتی و زیبایی عمل *

و كذلك زین لکثیر من المشرکین قتل اولدهم شرکاؤهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ رفتار و اعمال آدمی ، برخاسته از جهان بینی اوست .

إنما المؤمنون .. الذين يقيمون الصلوه و مما رزقنهم ينفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۳

۳ عقیده و جهان بینی درست و نادرست انسان ها ، تأثیرگذار در مقدار مجازات گناهانشان در قیامت

يضعف له العذاب يوم القيمه

وضع مجازات دو چندان و

دائمی برای مشرکانی که مرتکب آدم کشی و زنا شوند و دایمی و دوچندان نبودن مجازات همین گناهان در صورتی که گناه کار مؤمن باشد، گویای این حقیقت است که ایمان و کفر و عقیده حق و باطل، در میزان مجازات بزه کاران مؤثر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۰ - ۳

۳ - تأثیر جهان بینی در رفتار و کردار و مواضع فردی و اجتماعی انسان

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آباءَهُمْ ضَالِّينَ . فَهَمَّ عَلَىٰ آثَرِهِمْ يَهْرَعُونَ

اقسام جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۳

۳ - انسان ها از نظر جهان بینی و باور های دینی یا کافراند و یا مؤمن .

فَمَنْكُم كَافِرٌ وَمَنْكُم مُّؤْمِنٌ

اهمیت جهان بینی توحیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۶ - ۴

۴ لزوم تلاش برای پیراسته ساختن عقیده توحیدی از هر گونه شرک

و مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ

جهان بینی توحیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۳

۳ - محدود ندانستن هستی به محسوسات ، اساسی ترین اصل در جهان بینی ادیان الهی

الذین یؤمنون بالغیب

از نکته هایی که می تواند به کارگیری <الغیب> را به جای <الله> توجیه کند، این است که در گام نخست به انسانها یادآوری شود که هستی منحصر به محسوسات نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱

۱ - خداوند ، آفریننده همه موهبت

های موجود در زمین است .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

کلمه <جمیعاً> به معنای کل است و بدل برای <ما> ی موصوله می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لکم ما فی الأرض ... و إذ قال ربّک للملئکة إنی جاعل فی الأرض خلیفه

با توجه به آیه ۳۴ از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین <إنی جاعل فی الأرض خلیفه> علاوه بر بیان خلافت آدم (ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد؛ یعنی: می خواهم [موجودی] بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۶

۱۶ - اعتقاد به یکتایی خدا و پرستش او ، مهمترین اصل در ادیان الهی و زیر بنای دیگر اصول و احکام دین

ما تعبدون من بعدی قالوا نعبد .. إلهاً وحداً

روشن است که یعقوب (ع) از میان تمامی اصول و احکام دین، تنها پرستش خداوند را نجات بخش نمی دانست. بنابراین تنها از پرستش خدا یاد کردن (ماتعبدون) می تواند حاکی از آن باشد که: اولاً، توحید عبادی از مهمترین اصلهاست و ثانیاً، انسان با پرستش خدا، به دیگر اصول و احکام دین گرایش پیدا کرده بداند ملتزم خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۹ - ۷

۷ - مسلمانان ، خداوند را از داشتن شریک منزّه دانسته و تنها او را پرستش می کنند .

و نحن له مخلصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۱

۱ - معبود حقیقی همه انسان ها ، معبودی است یگانه و یکتا

و إلهکم إله واحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۷

۱۷ - تقدیر امور به دست خداوند است .

ما کتب الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۲۲

۲۲ دنیا و آخرت ، دامنه تفکر در جهان بینی الهی

لعلکم تتفکرون. فی الدنيا و الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ نگرش توحیدی و خدا محوری به تاریخ و تحلیل حوادث بر اساس آن ، دیدگاه اسلام در فلسفه تاریخ

و لقد نصرکم الله ببدر و انتم اذله .. یمدکم ربکم ... ليقطع طرفاً ... یغفر ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۳

۳ پیش بینی تحولات اجتماعی و واکنش های تاریخی ، بر اساس شناسایی قوانین و سنت های الهی حاکم بر آنها

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض

از آنجا که تحولات اجتماعی و تاریخی جوامع انسانی دارای قوانین ثابت هستند، با شناخت آن قوانین می توان تحولات اجتماعی آینده را پیش بینی کرد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۸،۲۰

۱۸ تدبیر تمامی امور جهان و پیروزی در نبرد ها ، در دست خداوند است .

قل انّ الامر کله لله

۲۰ بینش خدامحوری ، بینشی حقّ ، توحیدی و عالمانه

يظنون بالله غير الحقّ ظنّ الجاهليّه .. قل انّ الامر کله لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۱

۱۱ مرگ و حیات در هر حال به دست خداست و مسافرت و یا حضور در میدان نبرد ، تغییردهنده مسیر مقدر آن نیست .

قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله يحيى و يميت

خداوند در جواب کسانی که جهاد و مسافرت را عامل تعیین کننده مرگ می پنداشتند، می فرماید <و الله يحيى و يميت> یعنی عوامل مادی، تعیین کننده نیستند / هر چه هست به دست خداوند و به تقدیر اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۷

۷ وجود حیات برزخی ، پس از مرگ تا قیامت *

بل احياء عند ربهم يرزقون. فرحين بما اتاهم الله من فضله و يستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۹

۱۹ جهان بینی توحیدی و هدفداری جهان بدون اتکای بر وحی با عقل و منطق قابل درک است .

و يتفكرون في خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا

زیرا صاحبان خرد ناب پس از اندیشه در جهان، بدون تکیه بر وحی، به توحید ربوبی

و هدفداری جهان رسیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ تحولات تاریخی و اجتماعی نسل بشر ، تحت اراده و مشیت الهی است .

و اذکروا إذ جعلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۷

۷ تحولات تاریخی و اجتماعی بشر در اختیار خدا و به دست اوست .

جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۶

۶ منافع و امکانات مادی ، اموری عرضی و ناپایدار در بینش الهی

لو کان عرضاً قریباً

<عرض> به چیزهایی که در معرض زوال و نابودی قرار گرفته اند، گفته می شود. به کارگیری آن در مورد غنایم جنگ، مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۵

۵ خدا ، سرپرست و صاحب اختیار انسانهاست .

هو مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ در بینش مؤمنان جریان همه امور ، تحت اراده و مشیت الهی است .

نحن نتربص بكم أن يصيبكم الله بعذاب من عنده أو بأيدينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۱۶، ۴

۴ خدا ، آفریدگار آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت و الأرض

۱۶ خدای خالق ، مدبر و فرمانروای جهان ، پروردگار حقیقی و مربی انسانهاست .

الذی خلق السموت و

الأرض .. ثم استوى على العرش يدبر الأمر ... ذلكم الله ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ جهان آفرینش ، کتاب خداشناسی و پدیده های آن ، جلوه گاه توحید ربوبی است .

ما خلق الله ذلك إلا بالحق يفصل الأيت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۰، ۱۲، ۱۳

۱۰ تنها خداوند ، سزاوار هر گونه حمد و ستایش است .

أن الحمد لله

۱۲ خدا ، پروردگار بی همتای همه هستی است .

أن الحمد لله رب العلمين

۱۳ خدا ، سرچشمه و مبدأ همه نیکیهاست .

أن الحمد لله رب العلمين

<حمد> ستایش در برابر نیکیهای اختیاری است. <ال> در <الحمد> برای جنس و مفید استغراق است / یعنی، تمام ستایشها از آن خداست و مفهوم آن این است که: تمام نیکیها از آن خدا بوده و سرچشمه همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۷

۷ خدا ، مولا و مالک حقیقی انسانهاست .

و ردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ تدبیر امور جهان آفرینش ، تنها در دست خداست .

و من یدبر الأمر فسیقولون الله

<ال> در <الأمر> عوض از مضاف الیه محذوف است و به قرینه مقام که در بیان ربوبیت خدا بر جهان و انسانهاست تقدیر آن <و من یدبر أمر الخلق> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۵ - ۴،۵

۴ قدرت بر هدایت و رهبری به سوی حق ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شركائكم .. قل الله يهدى للحق

۵ تنها خدا ، سزاوار پرستش و پیروی است .

قل هل من شركائكم من يهدى إلى الحق قل الله يهدى للحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۵

۵ هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست .

فاعلموا .. أن لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۳،۶

۳ حاکمیت مطلق خداوند بر سراسر هستی

أولئك لم يكونوا معجزين في الأرض

۶ تنها خداوند ، ولی و سرپرست انسانهاست .

و ما كان لهم من دون الله من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۶

۶ هیچ کس و هیچ چیز ، بر خداوند حاکمیتی ندارد .

فأتنا بما تعدنا .. قال إنما يأتیکم به الله إن شاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۸

۸ همه موجودات زنده ، تحت فرمان و حاکمیت خداوند هستند .

ما من دابة إلا هو ءأخذ بناصيتها

<ناصیه> به قسمت جلوی سر گفته می شود و گاهی به موهای جلوی سر نیز به اعتبار رستنگاهش

، اطلاق می گردد. گرفتن جلوی سر و یا موهای آن ، کنایه از تسلط و حاکمیت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱۲، ۱۱

۱۱ خداوند ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

۱۲ تنها خداوند ، ایجاد کننده و آفریننده انسان است .

هو أنشأکم من الأرض

ترکیبهایی همانند <هو أنشأکم> و <أنا قمت> که مبتدا در معنا ، فاعل است و خبر آن فعل می باشد گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام ، تعیین کننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ توحید عملی ، مبتنی بر توحید نظری است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

۱۳ خداوند ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ حاکمیت خداوند بر هستی ، حاکمیتی مطلق و قدرت او بلامنازع است .

إن ربک فعال لما یرید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۹

۹ تنها خداوند ، یاور و سرپرست انسانهاست .

و ما لكم من دون الله من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۴

۴ جریان همه امور در اختیار خداوند است و تنها او منشأ همه آنهاست .

و إليه

مراد از <الأمر> همه فعل و انفعالات موجود در هستی است و از آن جا که اینها به فرمان تکوینی خدا تحقق می یابند ، کلمه <امر> بر آنها اطلاق شده است. بازگشت امور به خدا (إليه يرجع الأمر) به این معناست که خداوند منشأ همه آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۳، ۱۸

۱۳ حاکمیت بر تمام هستی و علل و اسباب ، از آن خداوند است و جملگی مقهور حکم و تقدیر اویند .

وادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنی عنکم من الله من شیء إن الحكم إلا لله

۱۸ تنها خداوند شایسته اتکا و توکل کردن بر اوست .

و علیه فلیتوکل المتوکلون

مراد از <المتوکلون> اراده کنندگان توکل یا کسانی هستند که بر غیر خدا توکل کرده اند. بنابراین <و علیه فلیتوکل المتوکلون> ؛ یعنی، آنان که می خواهند توکل کنند، تنها باید بر خدا توکل داشته باشند. و یا کسانی که بر غیر خدا توکل کرده اند باید [از غیر او قطع امید کنند و] تنها بر خدا توکل داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۷

۱۷ لزوم وابسته دانستن تحقق امور به مشیت خداوند و اظهار آن در بیان تصمیمها

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۸

۲۸ خداوند هر آنچه را بخواهد با لطافت تحقق می بخشد و بر هستی و عوامل و اسباب آن سیطره دارد .

إن ربی لطیف لما یشاء

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۲

۱۲ خداوند از هر عیب و نقصی منزّه و از داشتن شریک میراست .

و سبحن الله و ما أنا من المشركين

<سبحان> به معنای تسبیح (منزّه دانستن از نقص و عیب) است. این کلمه مفعول مطلق برای فعل محذوف (اسبیح و یا نسبیح) می باشد ؛ یعنی: اسبیح و یا نسبیح الله تسبیحاً. از مصادیق مورد نظر برای عیب و نقص، شریک داشتن است. قابل ذکر است که جمله <سبحان الله> عطف بر <هنده سبیلی> است ؛ یعنی: <قل سبحان الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۵

۵ عوامل طبیعی در اختیار خداوند است و تنها او حاکم بر آنهاست .

هو الذی یریکم البرق .. و ینشئ السحاب الثقال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۴، ۲۱، ۲۰، ۸

۸ تنها خداوند ولیّ و اختیاردار امور انسانهاست .

أفأخذتم من دونه أولیاء

۲۰ خداوند در آفریدن موجودات هیچ شریکی ندارد .

أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه

۲۱ غیر خدا هیچ آفرینش و آفریده ای ندارد .

أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه

۲۴ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خلق کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ تنها خداوند شایسته و بایسته پرستش است .

لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۵

۵ خداوند منشأ همه امور است و همه چیز به

دست او جاری و ساری است .

لله الأمر جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۱،۲

۱ موجودیت انسان ها و دستاوردهایشان و نیز تدبیر امور آنان به دست خداوند است .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت

از معانی <قائم بودن بر کسی> در اختیار داشتن شؤون آن کس، تدبیر امور او و قوام بخشیدن به وی است. حرف <باء> در <بما کسبت> به معنای <مع> می باشد و مراد از <من هو...> خداوند متعال است. بنابراین مفاد <من هو قائم...> این است که: خداوند قوام بخش انسانها و هر آنچه به دست آورده اند می باشد و او شؤون ایشان را اداره و تدبیر می کند.

۲ هیچ کس و هیچ چیز (معبود های اهل شرک و ...) هم پایه خداوند نبوده و به تدبیر امور انسان ها و قوام بخشیدن به آنان توانا نیست .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت

<من> در <أفمن هو...> مبتدأست و خبر آن شبه جمله ای همانند <کمن لیس كذلك> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۱

۱- حیات و مرگ موجودات ، تنها به دست خداوند است .

و إنا لنحن نحي و نمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۶ - ۱

۱- خداوند ، تنها آفریننده داناست .

إن ربك هو الخلق العليم

معرفه آورده شدن مبتدا و خبر و نیز آمدن ضمیر فصل <هو> دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۱

۱- تنها معبود واقعی انسان ها ، خدای یگانه است .

إلهکم إله وحد

با توجه به آیات سابق، که درباره صفات خداوند و نفی معبودهای مشرکان بود و از منحصر کردن اله و معبود در این آیه به یک فرد، روشن می شود که آن اله یگانه، همان خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۱ - ۲

۲- خداوند ، یگانه معبود و إله است .

إنما هو إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۱

۱- مالکیت تمامی موجودات آسمان ها و زمین و حاکمیت بر آنها ، در انحصار خداوند است .

وله ما فی السموت و الأرض

لازمه مالکیت، حاکمیت است و <أفغیر الله تتقون> (آیا از غیر خدا می ترسید) می تواند قرینه بر این باشد که: مراد از <له ما فی السماوات و ..> حاکمیت نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۳ - ۲

۲- خداوند ، تنها روزی دهنده آدمیان و یگانه معبود شایسته پرستش است .

أفبالبطل یؤمنون .. و یعبدون من دون الله ما لا یملک لهم رزقاً

از ارتباط میان این آیه و آیه قبل استفاده می شود که خداوند رازقیت را در انحصار خود دانسته و رزق دهنده واقعی را شایسته

معبودیت معرفی کرده است و در این راستا هرگونه نقش بتها را در رازقیت، نفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ -

۳- لزوم عقیده به یگانگی در وجود و افعال خداوند

لا تجعل مع الله إلهًا آخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۲ - ۵

۵- خداوند ، تنها قدرت حاکم بر جهان آفرینش است .

قل .. لا بتعوا إلى ذی العرش سبیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱۰

۱۰- هیچ گونه قدرتی در مقابل اراده الهی ، وجود ندارد .

ثم لا تجد لك علينا نصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۸ - ۴

۴- الله ، یگانه مالک و مدبّر انسان و جهان هستی است .

لكنّا هو الله ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۹ - ۴،۶

۴- تمام نیروها ، وابسته به خداوند است .

لا قوّه إلاّ بالله

جمله <لا قوّه إلاّ بالله> به دلیل <لا> ی نفی جنس و حرف <إلاّ> افاده حصر می کند؛ یعنی، هیچ توان و قدرتی، جز به

نیروی خداوند، نمی تواند عرضه وجود کند.

۶- هستی ، تحت مشیت و مدیریت و نیروی خداوند یگانه است .

ما شاء الله لا قوة إلا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۲

۲- تنها ، خداوند ، قادر بر یاری رساندن در بحبوحه قطع همه اسباب ظاهری است .

هنالك الوليه لله الحق

اهل لغت، تفاوتی را بین معنای <وَلَايَتِ> و <وَلَايَتِ> ذکر کرده اند و آن این که <وَلَايَتِ> به معنای نصرت است و <وَلَايَتِ> به معنای سرپرستی و تدبیر. گرچه برخی مفسران

این تفاوت را انکار کرده اند، (ر.ک: المیزان) ولی با توجه به موارد مشابه در آیات دیگر و نیز آیه قبل که سخن از نصرت است، به نظر می رسد این معنا در این مورد، اقرب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۶

۶- خداوند ، در خلق و نیز تدبیر و مدیریت جهان ، یگانه است و شریکی ندارد .

أَفَتَتَّخِذُونَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي .. مَا أَشْهَدُتَّهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

با استفاده از ارتباط دو آیه، تعبیر <أولياء من دونی> اشاره به توحید در تدبیر و ولایت دارد و ضمیر مفرد متکلم در <ما أشهدتّهم> توحید در آفرینش را تبیین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۶

۱۶- توجه به مبدأ و معاد دو اصل عمده در بینش توحیدی است .

مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ .. وَكَانَ وَعْدَ رَبِّي حَقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۵

۵- ولایت حق و اصیل ، ویژه خدا است .

أَفْحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۷

۷- هیچ معبودی برای آدمیان ، جز خدای یگانه وجود ندارد .

أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۴

۴- خداوند ، تدبیرکننده و پرورش دهنده همه انسان ها است .

وَإِنَّ اللَّهَ رَبُّكُمْ

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۴۵

۴- همه آدمیان به سوی خداوند بازگردانده خواهند شد .

و إلینا یرجعون

از مجهول بودن <یرجعون> استفاده می شود که انسان ها چه بخواهند و چه نخواهند به خداوند رجوع داده خواهند شد.

۵- بازگشت تمام مخلوقات زمینی به خداوند است .

و من علیها و إلینا یرجعون

مراد از <من علیها> می تواند همه موجودات روی زمین باشد و به کار بردن واژه <مَنْ> از باب تغلیب عاقلان بر غیر آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۳، ۱۲

۱۲- هیچ موجودی نظیر خداوند و شایسته هم نامی با او نیست .

رَبِّ السَّمَوَاتِ .. هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

<سَمِيًّا> به معنای نظیری است که استحقاق هم نام شدن را داشته باشد (لسان العرب). جمله <هل تعلم...> استفهام انکاری برای نفی معلوم است؛ نه علم و گویای این است که: چیزی وجود ندارد که در اوصاف نظیر خداوند باشد تا هم نام او گردد.

۱۳- جز خداوند، هیچ موجودی شایسته نام مقدس <رَبِّ و پروردگار جهان> نیست .

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ .. هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۱

۱ - هیچ معبودی جز خداوند، شایسته پرستش نیست .

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۴ - ۴

۴ - هیچ معبودی جز خداوند حقیقت نداشته و شایسته پرستش نیست .

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ

<إله> به معنای معبود است و در آیه، مراد معبود حق است، زیرا وجود خارجی معبودان باطل، قابل انکار نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۰ - ۳

۳- آفریننده همه موجودات و هدایتگر آنها در مسیر خویش، خداوند است.

أعطى كل شيء خلقه ثم هدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۱ - ۵

۵- زنده کردن مردگان و برپایی قیامت، تنها در توانایی خداوند است.

له من فى السموت والأرض ... أم اتخذوا الهه من الأرض هم ینشرون

خداوند با اثبات مالکیت و قدرت مطلق خود بر جهان هستی (له من فى السماوات..) و نفی توانایی خدایان ادعایی بر احیای مردگان، در صدد بیان این نکته است که زنده کردن آنها، تنها در قلمرو قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۲ - ۳،۴

۳- نظم و هماهنگی در جهان آفرینش، دلیلی است بر وحدانیت خداوند.

لو كان فيهما الهه إلا الله لفسدتا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <إلّا> به معنای <غیر> باشد؛ یعنی، اگر غیر خداوند، خدایان دیگری در جهان بود، نظم کنونی جهان متلاشی می شد. مفهوم و پیام این سخن این است که نظم کنونی جهان، تنها به اراده خدا و دلیل بر وحدانیت او است.

۴- هیچ قدرتی جز خداوند، قادر به اداره منظم و منسجم جهان نیست.

لو كان فيهما الهه إلا الله لفسدتا

خداوند، وجود چند خدا را که در امور جهان دخالت داشته باشند نفی فرموده

و موجب فساد نظم جهان دانسته است. این فسادآوری ممکن است به خاطر این باشد که خدایان دیگر، قادر به اداره جهان و سامان بخشیدن به آن نباشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۲

۲- هیچ معبود و خدایی جز < الله > در جهان وجود ندارد .

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۱،۵

۱- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

۵- آفرینش و تدبیر جهان از جانب خداوند ، دو اصل تفکیک ناپذیر در جهان بینی توحیدی است .

و ما خلقنا السماء .. و جعلنا ... و هو الذی خلق ... کلّ فی فلک یسبحون

سیاق آیات در مقام ردّ اندیشه مشرکان است که برای خداوند مقام خالقیت، و برای خدایان خویش مقام تدبیر قائل بودند و خداوند در آیات پیشین مقام تدبیر و در این آیه مقام آفرینش را به خود نسبت داده و جدایی آن دو مقام را مردود دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۵ - ۵

۵- بازگشت تمامی انسان ها به سوی خدا است .

و إلینا ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۲

۲- انسان و جهان ، ربّ واحدی دارند .

بل ربّکم ربّ السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۷ - ۳

-۳

تنها خداوند یکتا ، شایسته عبادت و پرستش است .

أَفَّ لَكُمْ و لِمَاتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۲ - ۴

۴- تنها خداوند ، پروردگار شایسته پرستش است .

أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۳ - ۳

۳- بازگشت تمامی انسان ها به سوی خداوند است .

كُلُّ الْإِنسَانِ رَاجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۸ - ۳

۳- خدا و معبود حقیقی انسان ، تنها یکی است .

أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۲

۲- خدا ، پروردگار آدمیان است .

اتَّقُوا رَبَّكُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۳

۳- خدا، خالق و آفریدگار انسان ها است .

فَاِنَّا خَلَقْنٰكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۱

۱ - تنها خداوند ، حق و پروردگار شایسته پرستش است .

فَاِنَّا خَلَقْنَاكُمْ .. و تری الأرض هامة ... ذلك بأن الله هو الحقّ

<ذلك> در این جا به دو چیز اشاره دارد: ۱ به قدرت نمایی های خدا در آفرینش انسان از خاک بی جان و مراحل رشد او در رحم و خارج از آن (فَاِنَّا خَلَقْنَاكُمْ من تراب..). ۲ به جلوه های قدرت خدا در رویش و رشد انواع گیاهان در زمین (و تری الأرض هامة...). <باء> در <بأن الله> سببیه است. <ال> در

<الحق> جنسیه و مفید حصر می باشد و روی سخن با مردمی است که گرفتار پندارهای شرک آمیز بودند و گمان می کردند که غیر از خدا، خدایان دیگری نیز در سرنوشت آنها تأثیر می گذارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۲

۲ - خدا مالک انسان ها و همه آنان بندگان او

وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۲ - ۲

۲ - سود و زیان آدمیان ، تنها در دست خداوند است .

يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا نُنْفَعُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۶

۶ - خدا ، قادر مطلق است .

إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۲

۲ - دنیا و آخرت ، تنها در اختیار خداوند

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .. هَلْ يَذْهَبُنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۳

۳ - خدا، پروردگار آدمیان است .

فی ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۶

۶ - هیچ کس به جز خدا، شایسته پرستش نیست .

أن لاشرک بی شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۶

۶ - خدا، پروردگار انسان ها

عند ربّه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۱ - ۱

۱ - خدا ، پروردگاری بی شریک است .

حنفاء لله غیر مشرکین به

<حنفاء> جمع <حنیف> و حال برای فاعل <فاجتنبوا> است. <حنف> نیز (مصدر <حنیف>) به معنای گرویدن است. <لام> در <الله> به معنای <إلی> است. یعنی: <اجتنبوا التقرب من الأوثان حالکونکم مائلین منها إلی الله> از نزدیک شدن به بت ها پرهیز کنید، در حالی که گروندگان خالصی باشید از آنها به خدا. به هر حال آیه فوق، بیانگر ربوبیت یگانه خدا، نفی ربوبیت غیر او، لزوم پرستش خدا، روی برتافتن از پرستش غیر او و بالاخره ارزش یکتا پرستی و مقام والای موحدان و زشتی بت پرستی و پیامدهای شوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ - خدا ، تنها معبود شایسته پرستش

فإلهکم إله وحد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۸

۸ - خدا ، پروردگار انسان ها

ربنا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۷

۷ - خدا ، پروردگار آدمیان

و إن یوماً عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۸ - ۶

۶ - بازگشت تمامی انسان ها ، تنها به سوی خدا است .

و إلیّ المصیر

<مصیر> مصدر میمی و به معنای بازگشتن است. تقدیم <إلیّ> (خبر) بر <مصیر> (مبتدا) مفید حصر است؛ یعنی، <لیس الرجوع إلاّ إلیّ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- حج - ۲۲ - ۵۴ - ۹

۹ - خدا ، پروردگار انسان ها

أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۲ - ۲

۲ - تنها خداوند ، معبود به حق و شایسته پرستش است .

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۱،۳،۴

۱ - خدا ، مالک مطلق و بی رقیب جهان هستی است .

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

<له> متعلق به عامل مقدر و خبر برای <ما> است. بنابراین تقدیم آن بر مبتدا، مفید حصر می باشد. گفتنی است روی سخن با مردمی است که می پنداشتند در جهان، خدایان متعددی وجود دارند که سرنوشت انسان ها به دست آنها رقم می خورد. در جمله فوق، با توجه دادن به این حقیقت که سراسر هستی ملک خدا و تحت تصرف او است، اساساً وجود موجود دیگری که از ملک خدا بیرون باشد و در پدیده های دیگر، قدرت تصرف داشته باشد پنداری باطل و ساخته ذهن های جاهل خوانده شده است.

۳ - خدا ، پروردگار بی همتای سراسر هستی

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

۴ - خدا ، تنها وجود غنی ، بی نیاز ، حمید و ستوده در سراسر هستی

وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

<هو> ضمیر فصل و <الغنی> خبر اول <إِنَّ> و <الحمید> خبر دوم است و <ال> در آنها برای جنس و مفید حصر می باشد. گفتنی است که این قسمت، متضمن دلیل دیگری بر موهوم بودن اندیشه شرک است زیرا با

توجه به این که سراسر هستی، ستایشگر خدا و تنها نیازمند به او است، دیگر جایی برای موجود دیگری که بی نیاز باشد و نیاز دیگران را بر آورده کند و بدین جهت مورد ستایش آنان واقع شود وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۶

۶ - خدا، پروردگار انسان ها

و ادع إلى ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۱ - ۵

۵ - خدا، پروردگار بی همتا و مدبر یگانه سراسر هستی

و يعبدون من دون الله ما لم ينزل به سلطاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۸

۸ - خدا، آفریدگار بی همتا و پروردگار یگانه سراسر هستی است .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذَبَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۷ - ۴

۴ - خدا، پروردگار انسان ها

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا . . . و اعبدوا ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۳ - ۹

۹ - خدا ، تنها معبود سزاوار پرستش

ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۴

۴ - خدا ، پروردگار انسان ها است .

و قل ربّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۶

۶ - خدا ، تنها معبود سزاوار پرستش

ما لکم من إله

غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۲ - ۴

۴ - خدا ، پروردگار آدمیان

و أنا ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۷ - ۳

۳ - خدا ، پروردگار انسان ها

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيهِ رَبِّهِمْ مَشْفِقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۸ - ۵

۵ - خدا ، پروردگار انسان ها است .

و الَّذِينَ هُمْ بِأَيْتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۹ - ۲

۲ - خدا ، تنها مربی و پروردگار انسان ها است .

و الَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يَشْرِكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۵

۵ - خدا ، پروردگار انسان ها است .

إلى ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۴

۴ - خدا ، پروردگار انسان ها

فما استکانوا لربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱

۱ - حیات و مرگ ، تنها در اختیار خداوند است .

و هو الذی یحی و یمیت

<الذی> خبر مبتدا و <ال> در آن، برای جنس است. بنابراین جمله <هو الذی> مفید حصر است معنا چنین می شود: او حیات می بخشد و می میراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۱،۲

۱ - سراسر هستی ، در سیطره حاکمیت و فرمان روایی یگانه

خداوند

قل من بیده ملکوت کل شیء

<ملکوت> مبالغه <مَلِكٌ> (فرمان روایی) است؛ مانند <رَحْمُوت> مبالغه <رحمه> و <رَهَبوت> مبالغه <رهبه>.

۲ - خدا، تنها پناهگاه بی پناهان

و هو یجیر

<إجاره> (مصدر <یجیر>) به معنای پناه دادن است و <هو> فاعل معنوی و تقدیم آن مفید حصر می باشد. جمله <هو یجیر> عطف بر <بیده ملکوت کل شیء> و به تقدیر <و من هو یجیر...> است؛ یعنی، <و کیست آن که تنها او پناه می دهد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۲،۵

۲ - خدا، مبرّاز شریک و همتا

و ما کان معه من إله

۵ - جهان آفرینش، جهانی واحد و دارای خدایی واحد

إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ

استدلال فوق بر پایه نفی آفرینش استوار شده است بدین صورت که: الوهیت متفرع بر خالقیت است. بنابراین اگر چند اله در جهان باشد، باید چند خلق نیز وجود داشته باشد؛ در حالی که مجموعه هستی، یک خلق بیش نیست. بنابراین جهان هستی، تنها یک خالق و یک اله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۴

۴ - ساحت خدای یگانه، برتر از آنچه که با او شریک می گردانند.

فتعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۴ - ۱

۱ - خدا ، پروردگار انسان ها است .

رَبِّ فَلَاتَجْعَلْنِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۷ - ۵

۵ - خدا ، پروردگار آدمیان است .

وَقُلْ رَبِّ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۸ - ۴

۴ - خدا ، پروردگار آدمیان است .

و أَعُوذُ بِكَ رَبِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۲

۲ - خدا ، پروردگار انسان ها است .

قال رَبِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۱

۱ - خدا ، پروردگار آدمیان است .

قالوا رَبَّنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۱

۱ - خدا ، پروردگار انسان ها است .

رَبَّنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۲

۲ - خدا ، پروردگار انسان ها است .

يقولون رَبَّنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۲،۱۰

۲ - خدا، فرمان روای یگانه و به حق جهان هستی

فتعلی الله الملك الحقّ

۱۰ - جهان، تحت تدبیر و اداره خدای یگانه و بی همتا است .

فتعلی الله الملك الحقّ لا إله إلا هو ربّ العرش الكريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱

۱ - خدا، وجودی یگانه و منزّه از شریک و همتا

و من يدع مع الله إلهاء اخر .. فإئما حسابه عند ربّه

<دعاء> (مصدر <یدع>)، به معنای خواندن و <برهان> به معنای حجت و دلیل است. عبارت <لا برهان له به> قید توضیحی برای <إلهاً آخر> می باشد و قید احترازی نیست؛ زیرا خدای دیگری که

بتوان بر آن برهان اقامه کرد، وجود ندارد؛ بلکه برهان بر وحدت خدای یگانه و نفی تعدد خدایان استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۴

۴ - خدا، پروردگار انسان ها است .

و قل ربّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - خدا، تنها معبود به حق و شایسته الوهیت

أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ - خداوند، مالک اصلی و حقیقی تمام اموال و ثروت ها است .

و ءاتوهم من مال الله الذي ءاتیکم

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، اموال موجود در دست مالکان را، <مال الله> (مال خدا) شمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۳

۳ - خداوند، هستی بخش جهان آفرینش است .

اللّٰهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از نور، معنای کتایی و مجازی آن باشد؛ یعنی، نور وجود؛ چرا که جهان بدون هستی بخشی خداوند، در ظلمت و تاریکی عدم محض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۲ - ۴،۲،۱

۱ - فرمان روایی آسمان ها و زمین ، تنها از آن خداوند است .

و لله ملك السموت و الأرض

تقدیم خبر (لله) بر مبتدا (ملك السماوات ..)، مفید حصر و اختصاص است.

۲ - جهان هستی ، تنها تحت قدرت

و تدبیر خداوند است .

و لله ملك السموت و الأرض

لازمه فرمان روایی انحصاری خداوند بر جهان، این است که جهان، تنها تحت قدرت و تدبیر او باشد.

۴ - تنها خداوند ، مقصد و منت های حرکت تمامی موجودات جهان است .

و إلى الله المصير

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ تقدم خبر (إلى الله) بر مبتدا (المصير) مفید حصر می باشد. ۲ <مصير> به معنای <مرجع> است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۶

۶ - بازگشت انسان به سوی خدا است .

يوم يرجعون إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۱،۷،۱۱

۱ فرمان روایی جهان (آسمان ها و زمین) تنها از آن خدا است .

تبارك .. الذى له ملك السموت و الأرض

۷ خداوند ، در فرمان روایی خویش بر جهان هستی ، هیچ شریک و همتایی ندارد .

و لم یکن له شریک فی الملک

۱۱ خداوند ، آفریننده همه پدید های جهان هستی است .

و خلق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۲

۲ خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبارک الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۱ - ۲

۲ خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

تبارک الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۱

۱ - خداوند ، تنها قدرت قاهر شکست ناپذیر

وإنّ

<العزیز> مسند محلی به <ال> جنس و مفید حصر است. گفتنی است که اهل لغت در معنای <عزیز> گفته اند: <الغالب الذی لایغلب> پیروزمندی که شکست نمی خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۸ - ۲

۲ - پروردگار جهانیان ، پروردگار و مدبر شرق و غرب عالم و هر آنچه میان آن دو است .

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۷ - ۳

۳ - تمامی جهان هستی ، تحت ربوبیت واحد خداوند

ربّ العلمین

<العالمین> جمع با الف و لام و مفید استغراق است. بنابراین <ربّ العالمین> یعنی، پروردگار همه جهانیان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۲

۲ - هیچ چیز ، قابل مقایسه و برابری با پروردگار جهانیان نیست .

إن کنا لفی ضلل مبین . إذ نسوئکم ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۲ - ۸

۸ - مجموعه نظام هستی ، تحت تدبیر و ربوبیت یگانه خداوند

و إنّه لتنزیل ربّ العلمین

<العالمین> جمع همراه با <ال> و مفید عموم است. بنابراین <ربّ العالمین>؛ یعنی، پروردگار همه عالم‌ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - خدا، تنها معبود راستین و شایسته پرستش

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ .. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

۲ - خدا، یگانه پروردگار و مدبر نظام آفرینش

ربّ العرش

<عرش> معادل تخت است و مقصود از آن در

این جا مرکز تدبیر امور عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱

۱ - خدا، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أمن خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۱ - ۳

۳ - خداوند، یگانه مالک تمامی مظاهر هستی

و له کلّ شیء

تقدیم <له> بیانگر حصر است؛ یعنی، همه چیز، تنها مال او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۳

۳ - مجازات خطاکاران پیش از تبیین راه صواب و خطا برای ایشان، امری نادرست و نکوهیده در بینش الهی

و لولا أن تصیبهم مصیبه... و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - ساحت خداوند از داشتن انباز در آفرینش و تدبیر خلق منزّه و برتر است.

و ربّک یخلق... سبحن الله و تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۱،۲،۹

و هو الله

ضمیر <هو> در <هو الله> راجع به ذات پاک خداوند است و <ال> در <الله> برای تلمیح و اشاره به صفت الوهیت می باشد. بنابراین <هو الله> مرادف با <هو الاله> است؛ یعنی، تنها آن ذات پاک و حقیقت محض است که سزاوار الوهیت است و نه غیر او. جمله بعد؛ یعنی، <و هو الله لا إله إلا هو> تأکید برای

همین معنا است.

۲ - معبودی جز ذات پاک خداوند نیست .

لا إله إلا هو

۹ - بازگشت همه انسان ها ، تنها به سوی خداوند است .

و إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۳،۷

۳ - خدا ، قدرت مطلق و بلامنازع جهان آفرینش است .

قل أرأيتم إن جعل الله عليكم آيل سرمدًا إلی یوم القیمه من إله غیر الله

مفاد آیه بالا، این است که اگر خدا چیزی را بخواهد، در تمام هستی کسی نیست که بتواند اراده او را نقض کند و برخلاف خواست او کاری انجام دهد.

۷ - خدا ، تنها معبود شایسته پرستش

من إله غیر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۳،۶

۳ - خدا ، قدرت مطلق و بلامنازع جهان آفرینش است .

قل أرأيتم إن جعل الله عليكم النهار سرمدًا . .. من إله غیر الله ... أفلاتبصرون

مفاد آیه بالا این است که هرگاه خداوند کاری را اراده کند، هیچ کس نمی تواند اراده او را نقض کند و برخلاف خواسته او کاری انجام دهد.

۶ - خدا ، تنها معبود شایسته پرستش

من إله غیر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۴،۵،۱۲

۴ - وجود معبودی جز خدا، حقیقت ندارد.

لا إله إلا هو

۵ - خدا، تنها معبود شایسته پرستش است.

لا إله إلا هو

۱۲ - بازگشت همگان تنها به سوی خداوند است.

و إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ -

۱۰ - بازگشت همه انسان ها ، تنها ، به سوی خداوند است .

إِلَىٰ مرجعکم

تقدیم خبر (إِلَىٰ) بر مبتدا (مرجعکم)، افاده حصر می کند.

۱۱ - مبدأ و مرجع انسان ها ، خداوند است .

إِلَىٰ مرجعکم

رجوع، به معنای <بازگشت به جایی است که آغاز، از آن جا بوده است.> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، مبدأ و مقصد انسان ها است .

إِلِيهِ ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۲

۲ - خداوند ، پدیدآورنده عالم است .

بِإِذْنِ اللَّهِ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۱ - ۵

۵ - بازگشت همه انسان ها ، تنها ، به خداوند است .

و إِلِيهِ تَقْلِبُونَ

<قلب> (ریشه <تقلبون>) به معنای <بازگرداندن چیزی از جهتی به جهتی> است. با توجه به معنای لغوی آن،

<تقلبون>، به معنای <ترجعون> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۷ - ۳

۳ - خداوند، مبدأ و مرجع انسان ها است .

ثم إلینا ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۱ - ۷

۷ - خداوند، مبدأ انسان ها و مرجع نهایی آنها است .

اللّٰه یبدؤا الخلق ثمّ یعیده ثمّ إلیه ترجعون

کلمه <ترجعون> از ریشه <رجوع> است و طبق گفته راغب، رجوع، بازگشت به جایی است که مبدأ و شروع بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰

۳ - خداوند ، تنها آفریننده انسان ها است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۳

۳ - همه عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

جمله <هذا خلق الله> اشاره به خلق آسمان ها و زمین و کوه ها و جنبدگان و آب و گیاهان که در آیه قبل، از آنها سخن رفته است و مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - آغاز و بازگشت انسان ها ، خداوند است .

ثم إلي مرجعكم

<رجوع> در لغت، به معنای بازگشت به جایگاهی است که شروع از آن جا بوده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۴

۴ - خداوند ، تنها مبدأ و مرجع انسان ها است .

إلينا مرجعهم

از تقدیم خبر، حصر استفاده می شود. لازم به ذکر است که آیه، اگرچه درباره کافران است، اما کافران، در مورد بازگشت شان به خدا خصوصیتی ندارند و این بازگشت، برای همه انسان ها است. گفتنی است از واژه <مرجع> (بازگشتن) به دست

می آید که مبدأ نیز خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ -

۶- تنها، آفریدگارِ یک تا، شایسته همه حمد ها و ستایش ها است .

و لئن سألتهم .. ليقولنَّ الله قل الحمد لله

<ال> در <الحمد> برای استغراق و مفید نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۹

۹- هیچ کس در خالقیت و مالکیت، و در نتیجه، مدیریت خداوند بر عالم، شریک او نیست . *

من خلق السموت و الأرض .. لله ما فی السموت و الأرض إنَّ الله هو الغنی

بیان اعتراف مشرکان به توحید در خالقیت خداوند و سپس تبیین مالکیت انحصاری او بر پدیده های عالم و اعلام بی نیازی مطلق او، می تواند بیان کننده این باشد که در تدبیر عالم نیز شریکی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- تنها خداوند، بسی برتر و والاتر از شریک داشتن است .

و أنَّ الله هو العلیّ الکبیر

ضمیر فصل <هو> و <ال> جنس در <العلیّ> و <الکبیر> که هر دو خبر <أنَّ> هستند دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۴ - ۸

۸- خلق و تدبیر جهان، نشأت یافته از مبدأ واحد است .

الله الذی خلق .. ثمَّ استوی علی العرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - مجموعه امور هستی (آسمان و زمین) ، تحت تدبیر خدای یکتا است .

يدبّر الأمر

<أمر> به معنای <فعل و شأن> است و <ال> در آن، برای جنس بوده و در نتیجه، دلالت بر همه امور و کارها می کند.

۶ - بازگشت نهایی عالم هستی در پایان جهان ، به سوی خدا است .

ثُمَّ يَعْرَجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مَقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ

۷ - خداوند ، مبدأ و منت های همه امور جهان است .

خلق الله السموات والأرض... يدبر الأمر... ثم يعرج إليه في يوم كان مقداره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۱ - ۹،۱۰

۹ - بازگشت انسان به سوی پروردگار ، پس از مرگ و پایان حیات دنیوی ، قهری است .

يَتُوفِّيكُمْ... ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تَرْجَعُونَ

فعل مجهول <ترجعون> (بازگشت داده می شوید) حکایت از بازگشت قهری دارد.

۱۰ - پروردگار ، مبدأ و منت های حرکت انسان ها است .

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تَرْجَعُونَ

<رجوع> در جایی اطلاق می شود که سابقه ای داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، مالک مطلق عالم است و خود به تنهایی امور آن را تدبیر می کند .

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذرة في السموات ولا في الأرض و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۷ - ۶

۶ - خداوند ، یگانه و یکتا است و شریکی ندارد .

قل أرونی الذین أَلحقتهم به شركاء کلاً بل هو اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر -

۴ - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هل من خلق غير الله يرزقكم من السماء و الأرض

۸ - در جهان هستی معبودی جز الله ، حقیقتاً وجود ندارد .

لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۱۰

۱۰ - نظم حاکم بر پدیده های طبیعت ، چون حرکت باد ها ، تشکیل ابر ها و نزول باران حیات آفرین ، دلیل بر قدرت خداوند و یکتایی او

و الله الذي أرسل الرياح فتثير سحاباً .. فأحيينا به الأرض بعد موتها كذلك النشو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۶، ۱۵

۱۵ - بازگشت انسان ها ، تنها به سوی خداوند است .

و إلى الله المصير

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که آیه شریفه تنها ناظر به بازگشت انسان ها باشد. گفتنی است تقدیم خبر (إلى الله) بر مبتدا (المصير)، مفید حصر می باشد.

۱۶ - تنها خداوند ، مقصد و منتهاالیه حرکت تمامی موجودات جهان است .

و إلى الله المصير

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه، ناظر به حرکت و بازگشت همه موجودات باشد. گفتنی است <مصير> به معنای <مرجع> است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - خداوند ، در آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و ...) و تدبیر امور آن ، بی شریک است .

قل أراءيتم شركاءكم الذين تدعون من دون الله

أروني ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که امر <أروني> تعجیزی است و مفاد آن چنین می باشد: شما مشرکان از آوردن نمونه ای از دخالت معبودهایتان در آفرینش ناتوانید. بنابراین خداوند در آفرینش و تدبیر جهان بی شریک می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۲ - ۶

۶ - بازگشت انسان ها به سوی خدا است .

و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۵ - ۶

۶ - خداوند ، پروردگار حقیقی انسان ها است .

ءامنتم بر ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۵

۵ - آفرینش ، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد .

أولم یروا أننا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

تأکید خداوند بر آفریدگاری خویش (أنا خلقنا) و نیز جلوه قدرت خود دانستن پدیده های جهان (ممّا عملت أیدینا أنعمًا) گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۵

۵ - بازگشت همگان ، به سوی خدا است .

و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۴ - ۱

۱ - سراسر جهان هستی ، تنها از یک معبود حقیقی برخوردار است .

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۵ - ۱

۱ - جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و

پدیده های میان آنها) ، تحت ربوبیت خدای یگانه است .

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ . رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۵ - ۵

۵ - الله ، تنها معبود حقیقی است .

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۷ - ۴

۴ - خدا ، پروردگار جهانیان است .

رَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۲۶ - ۲

۲ - خداوند ، ربّ و پروردگار همه انسان ها است .

اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۵ - ۶،۷

۶ - هیچ معبود حقیقی ، جز الله در عالم وجود ندارد .

مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

۷ - خداوند ، ذاتی واحد ، بی کثرت و بدون اجزا است .

مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ

جمله <ما من إله إلا الله> می تواند مربوط به یکتایی خدا در برابر شرک و اعتقاد به چند خدایی باشد. صفت <الواحد> نیز می تواند به وحدانیت ذات پروردگار در برابر اعتقاد به تجسم و ترکیب ذات او اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۶ - ۲

۲ - جهان هستی ، در حال حرکت به سوی کمال است .

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

<رَبِّ> به معنای تربیت کردن است و تربیت ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است

تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا حکایت از حرکت تکاملی دارد. گفتنی است که کلمه <رَبِّ>، مشترک لفظی میان وصف و مصدر می باشد و در این آیه، معنای وصفی آن مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱

۱ - تنها خداوند ، شایسته عبادت خالصانه و اطاعت بی چون و چرا است .

ألا لله الدين الخالص

<الدين> مبتدا و مسندالیه و <لله> خبر و مسند است. تقدیم مسند بر مسندالیه، مفید حصر و اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴ - ۹

۹ - خداوند ، یکتا و یگانه و چیره و پیروز است .

هو الله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، مرجع و فرجام سیر انسان ها است .

ثم إلى ربكم مرجعكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۴ - ۵،۶،۸

۵ - جهان آفرینش ، تحت فرمانروایی واحدی اداره می شود .

له ملك السموت و الأرض

۶ - فرمانروایی مطلق خداوند بر جهان هستی ، دلیل در اختیار داشتن همه شفاعت ها در دست خدا و ناتوانی غیر او از هرگونه شفاعت خودسرانه

قل لله الشفاعة جميعاً له ملك السموت و الأرض

جمله <له ملك السماوات..> در مقام تعلیل برای جمله پیش (لله الشفاعة جميعاً) است، یعنی، چون فرمانروایی جهان به دست خداوند است، پس شفاعت هم که جزئی از فرمانروایی است

در اختیار او قرار خواهد داشت.

۸ - بازگشت همه انسان ها پس از مرگ تنها به سوی خدا است .

ثم إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۲ - ۱،۲

۱ - خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

الله خلق كل شيء

۲ - همه پدیده های جهان هستی ، جلوه های خالقیت و توحید ربوبی خداوند است .

الله خلق كل شيء

آیه شریفه به قرینه آیه ۶۴ که به منزله نتیجه این آیه بوده و در آن شرک محکوم گردیده است درصدد بیان نشانه های خالقیت خدا و اثبات توحید ربوبی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۱

۱ - کلید و سررشته تمامی امور جهان ، در اختیار خدا است .

له مقاليد السموت و الأرض

<مقالید> در آیه شریفه یا مترادف <مفاتیح> (کلیدها) و یا به معنای <خزائن> (گنجینه ها) است (لسان العرب). در هر صورت این تعبیر کنایه از سلطه بر جهان و در اختیار داشتن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۴ - ۲

۲ - عبادت ، تنها شایسته خالق هستی و مدبر و صاحب اختیار جهان است .

قل أغير الله تأمرؤني أعبد

<فا> در <أفغير الله> یا برای تفریع این آیه به آیات پیش است که از خالقیت و تدبیر خدا سخن گفته است و یا رابطه برای جواب شرط مقدر است که تقدیر آن چنین می باشد: <إن كان الله خالق كل شيء فكيف تأمروني أن أعبد غير الله>.

در هر صورت پیام آیه شریفه این است که با وجود خالق بودن خداوند، عبادت غیر او شایسته نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۶ - ۳،۷

۳ - تنها خداوند شایسته پرستش است .

أفغير الله تأمروني أعبد .. بل الله فاعبد

۷ - تنها تلاش و عمل در سایه توحید و یکتاپرستی ، ثمربخش و سودآور است .

لئن أشركت ليحبطن عملك .. بل الله فاعبد و كن من الشكرين

از مقابله میان شرک و توحید و تأثیر آن دو در رفتار آدمی و نتایج آن، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱۱

۱۱ - ساحت خداوند ، از داشتن هرگونه شریک منزّه و برتر است .

تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳ - ۹،۱۱

۹ - هیچ معبود حقیقی ، جز الله در جهان هستی وجود ندارد .

لا إله إلا هو

<إله> به معنای معبود است.

۱۱- بازگشت همگان تنها به سوی خداوند است .

إليه المصير

<مصیر> به معنای بازگشت است و تقدیم <إليه> مفید حصر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۳ - ۴

۴ - اتمام حجت خداوند بر انسان ها ، از راه ارائه آیات و نشانه هایش بر حقانیت خود

هو الذی یریکم ءایته

یادآوری آیات و نشانه های ارائه شده از سوی خداوند به بشر پس از ذکر عذاب شدن کافران و منکران می تواند به منظور اتمام حجت باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۵

۵ - فرمان روایی جهان ، تنها از آن خداوند است .

لمن الملك اليوم لله الواحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۶

۶ - خدایی جز < الله > ، در جهان هستی وجود ندارد .

تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به ما لیس لی به علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۵

۵ - بازگشت همه انسان ها ، به سوی خدا است .

و أن مردنا إلى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۴، ۳، ۱

۱ - خداوند ، حقیقتی متمایز ، شناخته شده و بی مانند در صفات و افعال

ذلکم الله ربکم

<ذلکم> برای اشاره به شیء حاضر است که در این آیه، اسم جلاله (الله) می باشد. آمدن آن به جای ضمیر <هو>، می رساند که خداوند حقیقتی است بس معلوم و روشن که اگر افعال و صفاتش بازگو شود، چنان شناخته شده و از دیگر حقایق ممتاز می گردد که گویا حقیقتی قابل مشاهده و حاضر می باشد.

۳ - خداوند ، خالق همه چیز است .

خلق کل شیء

۴ - در جهان هستی معبودی جز الله ، حقیقتاً وجود ندارد .

لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۴ - ۱۸، ۱۶، ۱۱

۱۱ - خداوند ، حقیقتی متمایز ، شناخته شده و بی مانند در صفات و افعال

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ

<ذَلِكُمْ>

برای اشاره به شیء حاضر است که در این آیه، اسم جلاله (الله) می باشد. آمدن آن به جای ضمیر <هو> می تواند حاکی از این حقیقت باشد که خداوند، حقیقتی معلوم و روشن است که اگر افعال و صفات او بازگو شود، چنان شناخته شده و از دیگر حقایق ممتاز می گردد که گویا حقیقتی قابل مشاهده و حاضر می باشد.

۱۶ - خداوند ، ذاتی پاینده و حقیقتی جاودانه

فتبارك الله ربّ العلمين

۱۸ - تمامی موجودات جهان هستی ، تحت ربوبیت خداوند هستند .

الله ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۱۲، ۳، ۱

۱ - تنها خداوند ، ذات دارای حیات حقیقی ، مستقل و جاوید است .

هو الحیّ

جمله < هو الحیّ > مفید حصر است. انحصار حیات برای خداوند با آن که موجودات بسیاری از حیات بر خورداراند گویای این حقیقت است که حیات خداوند، حیاتی است ذاتی، حقیقی و جاوید و حیات دیگر موجودات، حیاتی وابسته و رو به زوال است.

۳ - معبودی جز الله حقیقتاً وجود ندارد .

لا إله إلا هو

<إله> به معنای معبود است.

۱۲ - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲، ۳، ۱

۱ - خداوند ، آیات و نشانه های قدرت و ربوبیت بی همتای خود را به انسان ها نشان داده و شناسانده است .

و یریکم ءایته

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم .

.. و علیها و علی الفلک تحملون . و یریکم ءایته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

۳- وجود دلایل و نشانه های متعدد و گوناگون ، بر اثبات قدرت و یکتایی خداوند در هستی

و یریکم ءایته فأی ءایت الله

برداشت یاد شده از جمع آمدن <آیات> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۴، ۱۰، ۷

۷ - خداوند ، مبّرّا از هر شریک و همانند

قل أنّکم لتکفرون .. تجعلون له أندادًا

از استفهام در <أنّکم> مطلب بالا استفاده می شود.

۱۰ - تنها آفریننده زمین ، پروردگار و مدبر عالم هستی است .

لتکفرون بالذی خلق الأرض .. ذلک ربّ العلمین \$ <ذلک> به قرینه مقام خبر مقدم و <ر

>ذلک> به قرینه مقام خبر مقدم و <ربّ العالمین> مبتدای مؤخر است و تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر است.

۱۴ - داشتن شریک ، دور از ساحت بلند ربوبیت خدا است .

و تجعلون له أندادًا ذلک ربّ العلمین

تعبیر <ذلک> که اشاره به دور است می تواند بیان کننده رفعت مقام ربوبی از داشتن شریک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۷

۷ - کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیار های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای

خدا

ذلك ربّ العلمين . و جعل فيها روسى من فوقها و برک فيها و قدر فيها أقتها فى أرب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - سامان دادن آسمان های هفتگانه ، تدبیر امور آنها و آفرینش ستارگان و نگاهبانی از آسمان ها ، جلوه ای از ربوبیت خدا و نشانه یکتایی او در تدبیر هستی است .

ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ .. فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - بازگشت انسان ها ، تنها به سوی خداوند است .

و إِلَيْهِ تَرْجَعُونَ

تقدیم <إليه> بر <ترجعون> می تواند برای افاده حصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تنها خداوند ، پروردگار و مدبر امور انسان ها است .

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ

با توجه به حصر استفاد از <رَبُّنَا اللَّهُ>، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - عبادت و پرستش ، تنها شایسته آفریدگار جهان است ؛ و نه در شأن مخلوقات او .

وَ اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

تقدیم <إيَّاه> بر <تعبدون> علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - تمامی امور ، در حیطه قدرت مطلق و گسترده خداوند است .

إِنَّهٗ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱۷ - حیات زمین در دنیا و رستاخیز مردگان در قیامت ، نمادی از قدرت بی بدیل خداوند است .

إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتِ إِنَّهٗ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴ - ۲

۲ - وحی و بعثت پیامبران ، مقتضای مالکیت و ربوبیت بی شریک خدا بر جهان و انسان

كذلك يوحى إليك .. له ما فى السموت و ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۳

۳ - خداوند یگانه ، تنها معبود و شایسته پرستش در جهان هستی

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء

بنابراین که مراد از ولی مفرد اولیاء معبود باشد از سخن تهدیدآمیز آیه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۹ - ۶

۶ - خداوند یگانه ، تنها معبود و شایسته پرستش در جهان هستی

فالله هو الولیّ

بنابراین که مراد از <الولیّ> معبود باشد مطلب فوق برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۸

۸ - ولایت منحصر و بی همتا ، قدرت نامحدود و مرجعیت نهایی در تشریح و داوری ، از ویژگی های پروردگار جهان

فالله هو الولیّ .. ذلكم الله ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، ذاتی بی همتا و بی مانند

لیس کمثله شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۲۲،۳۰

۲۲ - خداوند ، پروردگار یگانه همه انسان ها

اللّٰه ربّنا و ربّکم

۳۰ - بازگشت همه انسان ها به سوی خدا است .

و إليه المصیر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۳،۸،۹

۳ - تمامی موجودات زمین و آسمان ، مملوک خداوند هستی اند .

له ما فی السموت و ما فی الأرض

۸ - بازگشت تمامی موجودات به سوی خداوند است .

ألا إلی الله تصیر الأمور

۹ - همه امور در جهان هستی ، به سوی الهی شدن در حرکت است .

ألا إلی الله تصیر الأمور

با توجه به ماده <صیرورت> برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۴ - ۴

۴ - خداوند ، منت های حرکت و سیر وجودی انسان است .

و إنا إلی ربنا لمنقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۷

۷ - بازگشت حتمی و قهری آدمیان ، به سوی فرمانروای هستی (خداوند)

و إلیه ترجعون

مجهول آمدن <ترجعون>، قهری بودن معاد را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۵

۵- تنها پروردگار جهان ، پناهگاه انسان ، در سختی ها و دشواری های زندگی است .

وَإِنِّي عِزَّتِ بَرِّبِّي وَرَبِّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۲ - ۶

۶- قدرت مطلقه و رحمت گسترده ، در انحصار خداوند است .

إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۶

۶ - تنها خداوند ، سرپرست و یاور حقیقی انسان ها ، در دنیا و آخرت است .

وَلَا يَغْنَى . . . مَا

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۸

۸ - بازگشت همه انسان ها (نیک کرداران و بدکاران) به سوی پروردگار

من عمل صلحًا .. و من أساء ... ثم إلى ربكم ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، یگانه فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۶ - ۱،۴،۹

۱ - تنها خداوند ، شایسته حمد و ستایش بی پایان

فَلله الحمد

تقدم < لله > بر < الحمد > مفید حصر است.

۴ - خداوند ، یگانه پروردگار آسمان ها و زمین و تمامی جهانیان

رب السموت و رب الأرض رب العلمین

۹ - حاکمیت تدبیر و مدیریت خداوند یکتا ، بر کل نظام هستی

فَلله الحمد رب السموت و رب الأرض رب العلمین

تکرار واژه < رب > در آیه شریفه، می تواند در راستای شرک زدایی و تثبیت باور به حاکمیت مطلق ربوبیت خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جا ئیه - ۴۵ - ۳۷ - ۳

۳- ربوبیت یگانه خداوند در جهان هستی ، نمودی از عظمت و کبریایی او است .

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ . . . وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۴

۴- تنها خداوند ، شایسته پرستش است .

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸

۱۳ - نیروها و قوای آسمانها و زمین، تنها از آن خداوند و در اختیار او است.

و لله جنود السموت و الأرض

<لام> در <الله> مفید اختصاص و ملکیت است و می‌رساند که قوای هستی، مسخر خدا و در خدمت تحقق اهداف او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند، تنها مالک و فرمانروای آسمانها و زمین

و لله ملك السموت و الأرض

<ملك> به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۴

۴ - بازگشت و حرکت تمامی موجودات، تنها به سوی خداوند است.

و إلینا المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۸ - ۱،۷

۱ - خداوند، یگانه روزی دهنده در نظام هستی

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

ضمیر فصل <هو>، تأکید و اختصاص را افاده می‌کند.

۷ - تمام قدرت‌ها و واسطه‌های فیض در نظام هستی، در مالکیت و سیطره یگانه خداوند

إِنَّ اللَّهَ هُوَ .. ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينِ

تعبیر <ذوالقوه> به جای <القوی> می تواند اشاره به این حقیقت داشته باشد که خداوند، نه تنها قوی است بلکه هر نوع توان و قدرتی که در نظام وجود یافت شود، مملوک و مقهور او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد

کمترین تأثیر در آن

أم خلقوا السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۳ - ۲

۲ - خداوند ، یگانه معبود به حق هستی است .

أم لهم إله غير الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۲ - ۱

۱ - سررشته تمامی امور ، تنها در اختیار خداوند است .

و أن إلی ربک المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۱

۱ - تمامی قلمرو هستی ، در انحصار ربوبیت خداوند ، از زمین خاکی تا ستاره < شعری >

و أنه هو ربّ الشعری

تصریح به < شعری > ، می تواند از آن جهت باشد که این ستاره ، در نقطه ای بس دور در فضا قرار دارد و یادکرد آن در حقیقت ، برای بیان یگانگی ربوبیت خداوند بر تمام قلمرو گسترده هستی است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۱

۱ - تنها حقیقت باقی در نظام هستی ، ذات یگانه پروردگار است .

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربک

مفسران <وجه> را در آیه شریفه به معنای ذات گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۴

۴ - خداوند ، ذاتی پاینده و جاودان

تبرک اسم ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۹ - ۲

۲ - نقش منحصر به فرد خداوند ، در ایجاد و آفرینش انسان از منی در رحم

أفرءیتم ما تمنون .

.. أم نحن الخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۴ - ۳

۳ - نقش الهی در فرایند رشد دانه ها در زمین ، منحصر به فرد بوده و هیچ نیرویی توان چنین عملی را ندارد .

أم نحن الزرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۱،۴،۵

۱ - فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملك) افاده حصر می کند و <ملك> به معنای سلطنت و فرمانروایی است.

۴ - مرگ و حیات ، در اختیار خداوند بوده و او است که می میراند و زنده می گرداند .

یحیی و یمیت

۵ - خداوند ، بر انجام دادن هر چیزی قادر و توانا است .

و هو علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۵

۵ - تدبیر و اداره امور جهان در اختیار خداوند است .

خلق السموت .. تم استوی علی العرش

<عرش>، به معنای تخت است و مراد از آن تخت حکومت و اداره امور جهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

<ملك> به معنای سلطنت و فرمانروایی است و تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملك..) افاده حصر می کند.

۳ - بازگشت امور عالم ، تنها به سوی خداوند است .

و إلى الله ترجع الأمور

برداشت

یاد شده بدان احتمال است که مراد از <الأمور>، کارهای مربوط به همه جهان باشد. گفتنی است که تقدیم جار و مجرور (إلی الله) بر <ترجع> بیانگر حصر است؛ یعنی، <و إلى الله لا إلى غيره ترجع أمور العالم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۳

۳ - کمال ذات خدای یگانه هستی ، پیام یکایک موجودات جهان

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۲ - ۱،۲،۷

۱ - <الله> ، همان یگانه معبود بی همتا است .

هو الله الذي لا إله إلا هو

۲ - جز <الله> ، هیچ کس و هیچ چیز شایسته پرستش نیست .

هو الله الذي لا إله إلا هو

۷ - هر موجودی جز خدای یگانه ، فاقد علم و رحمت گسترده و شایستگی برای پرستش

هو الله الذي لا إله إلا هو علم الغيب و الشهده هو الرحمن الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۱،۲،۱۸

۱ - یگانه معبود هستی ، فرمانروای مطلق نظام وجود است .

هو الله الذي .. الملك القدوس

۲ - یگانه مدبّر و فرمانروای جهان هستی ، شایسته مقام خداوندی و پرستش است .

هو الله الذي لا إله إلا هو الملك

وصف <الملک> برای جمله قبل، اشعار به علیت دارد.

۱۸ - فرمانروای مقتدر و شکست ناپذیر هستی، منزّه از هر گونه شریک

سبحن الله عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴

۴ - خدای یگانه ، صورت بخش و شکل دهنده به مظاهر وجود و نظام هستی

هو الله .. المصوّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۷،۳۰

۷ - عبادت و پرستش ، تنها شایسته خداوند یگانه

إنا برءؤا. .. و ممّا تعبدون من دون الله

۳۰ - حرکت همه مظاهر هستی ، به سوی خدای یگانه

و إليك المصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۶

۶ - فرمان روایی عالم ، تنها در انحصار خداوند است .

له الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۹،۱۰

۹ - بازگشت نهایی تمامی امور و همه چیز ها ، به سوی خداوند است .

و إليه المصير

۱۰ - جهان آفرینش ، در حال حرکت است و خدا منت ها الیه این حرکت می باشد .

و إليه المصير

<ال> در <المصير> برای جنس است یعنی، هر تحوّل و حرکتی در جهان هستی، تنها به سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - هیچ معبود حقیقی ، جز < الله > در عالم وجود ندارد .

الله لا إله إلا هو

۲ - معبودی جز < الله > شایستگی عبادت ندارد .

الله لا إله إلا هو

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که نفی در < لا- إله إلا- هو > نفی شایستگی باشد، نه نفی وجود؛ زیرا در عالم معبودهای ادعایی بسیاری وجود دارد، ولی آنها شایستگی معبودیت را ندارند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۳،۴

۳ - فرمانروایی جهان ، تنها در دست خداوند است .

الذی بیده الملک

تقدیم مسند (بیده) بر مسندالیه (الملک)، افاده اختصاص می کند.

۴ - افاضه خیرها و برکتها از سوی خداوند ، برخاسته از فرمانروایی انحصاری او بر جهان است .

تبرک الذی بیده الملک

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی بیده الملک> می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۳

۱۳ - آگاهی بشر از فلسفه و هدف زندگی خویش ، امری مهم و برخوردار از جایگاهی ویژه در جهان بینی الهی اسلامی

لیلوکم ائیکم أحسن عملاً

یادکرد فلسفه و هدف خلقت انسان در آغاز سوره و قرار گرفتن آن در سلسله مباحث مربوط به خدا و جهان، بیانگر اهمیت و جایگاه ویژه این موضوع در میان موضوعات قرآنی و دینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۲

۲ - منابع رزق و روزی انسانها ، تنها به دست خداوند است .

أمن هذا الذی یرزقکم إن أمسک رزقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۹ - ۳

۳- هیچ معبود حقیقی در جهان هستی جز < الله > وجود ندارد و جز او کسی شایسته پرستش نیست .

لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۶

۶ - منزه دانستن خداوند

از هر عیب و نقصی و اعتراف به این حقیقت ، امری مهم در سلسله معارف الهی

و سَبَّحَهُ لَيْلاً طَوِيلاً

توصیه خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر تسبیح او در بیشتر اوقات شب به عنوان برنامه ای دائمی بیانگر حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۱

۱ - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

مَتَّعَا لَكُمْ وَلِأَنْعَمَ لَكُمْ

<متاعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب)؛ ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است؛ یعنی، <تمتيعاً لكم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۴

۴ - ملاقات خداوند و حضور در پیشگاه او ، فرجام محتوم هر انسان و با هر نوع کردار است .

يَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ .. فَمَلْقِيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۱

۱ - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

<مُلْكٌ> اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه <مُلْكٌ> به کار رود، مستلزم <مِلْكٌ> (مالکیت) نیز خواهد بود. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - خداوند ، خالق تمامی مخلوقات است .

الذی خلق

ذکر نشدن مفعولی خاص برای

فعل <خلق>، افاده عموم می کند و در این صورت آیه بعد، ذکر خاص بعد از عام خواهد بود. در این موارد می توان گفت: <خلق> گرچه متعدی است ولی به جهت نظر نداشتن به مفعولی خاص، به منزله فعل لازم دانسته شده است. و ممکن است گفته شود: مفعول مقدر آن، لفظی است که همه موجودات را شامل می شود. برخی گفته اند: به قرینه آیه بعد، مفعول محذوف این فعل نیز <الإنسان> است که در این صورت، آیه شریفه تنها به آفرینش انسان نظر خواهد داشت.

۱۳ - ربوبیت (مالکیت و تدبیر امور) ، ویژه خالق موجودات است .

رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

توصیف خداوند به <الذی خلق> پس از بیان ربوبیت او بیانگر این نکته است که خالقیت او، دلیل بر ربوبیت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، خالق انسان ها است .

خَلَقَ الْإِنْسَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۱،۵

۱ - بازگشت هر موجودی به خداوند است .

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ

۵ - بازگشت انسان ها به خداوند و به کیفر رسیدن طغیان گران ، جلوه های ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور انسان ها است .

رَبِّكَ

ضمیر خطاب در <ربک>، ممکن است خطاب به هر کس باشد که سخن را می شنود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۵، ۸

۵- وحدانیت خداوند ، حقیقتی ثابت و واقعیته انکارناپذیر است .

هو الله أحد

ترکیبی که بسیاری از

ادیبان و مفسران برای آیه شریفه پذیرفته اند، این است که: <هو> ضمیر شأن و جمله <اللّه أحد> مفسر آن باشد که در حقیقت مرجع ضمیر خواهد بود. آوردن ضمیر شأن، بیانگر عظمت مطلب و تثبیت آن است؛ یعنی، حقیقت و واقعیت این است که خداوند یکتا است.

۸ - خداوند ، تنها معبود شایسته عبادت است .

اللّه أحد

برخی از اهل لغت اصل کلمه <اللّه> را <إله> می دانند. فعل <آله> یعنی، عبادت کرد، در این صورت <إله>، به معنای معبود خواهد بود (مفردات راغب). کلمه <اللّه> با آن که علم است، می تواند ناظر به معنای لغوی <إله> نیز باشد. در این صورت مراد از <وحدت معبود>، این است که سایر معبودها، دروغین و پنداری اند و شایسته عبادت نیستند.

۱۱ - خداوند ، با چیزی ترکیب نمی شود .

أحد

برگزیدن تعبیر <أحد> بر <واحد>، به این دلیل است که <واحد>، در شمارش قرار می گیرد و ممکن است چیزی به آن ضمیمه شود؛ ولی <أحد> چنین نیست. (مجمع البیان)

۱۲ - خداوند ، بسیط است و اجزا ، اعضا ، جنس و فصل ندارد .

أحد

برخی از اهل لغت گفته اند: احدیت خداوند، به این معنا است که او قابل تجزیه نیست. (تاج العروس)

۱۳ - تعدد درباره خداوند ، امکان پذیر نیست .

أحد

در فرق <أحد> و <واحد> گفته شده است که می توان برای <واحد> دومی قرار داد؛ ولی <أحد> چنین نیست؛ زیرا <أحد> تمام جنس خود را فرامی گیرد. (مجمع البیان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۹

۹ - خداوند ، از چیزی پدید نیامده و بی فرزند

و بی همتا است .

اللّٰهُ الصّمد

دو آیه بعد (لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفوّاً أحد)، به دلیل قرار نگرفتن حرف عطف بین آنها و این آیه، می تواند مفسر کلمه <صمد> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۳،۴

۳ - تجزیه شدن ذات خداوند و جدا شدن چیزی از او ، ممکن نیست .

لم یلد

تعبیر ولادت در این آیه، شامل صادر شدن از مبدأ دیگر و انفصال جزء از کلّ نیز می باشد.

۴ - خداوند ، از چیزی به وجود نیامده است .

و لم یولد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، بی همتا است .

و لم یکن له کفوّاً أحد

<کفو> و <کفوؤ> به یک معنا است (قاموس). کفوؤر یعنی، نظیر و مساوی. (نهایه ابن اثیر)

جهان بینی ثنویت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۹

۹ دو مبدأ برای جهان هستی و حوادث آن پنداشتن (ثنویت) ، اندیشه ای مردود و واهی

قل كل من عند الله

جهان بینی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۲

۱۲ تضاد و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان ، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

و قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله يحيى و يميت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲

برخی مشرکان و کافران عنود، با نقش مشیت الهی در تأثیر اسباب آشنا بودند.

ما كانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لكن أكثرهم یجهلون

جهان بینی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲ برخی مشرکان و کافران عنود، با نقش مشیت الهی در تأثیر اسباب آشنا بودند.

ما كانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لكن أكثرهم یجهلون

جهان بینی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۴

۴ - منافقان علم گسترده و همه جانبه خدا و آگاهی او را به اسرار و نهران انسان ها ، باور نداشته و بدان معتقد نیستند .

یخدعون الله

از اینکه منافقان با نفاق خویش در صدد نیرنگ زدن به خدا برآمده اند، معلوم می شود که آنان می پنداشتند، اگر امری را مخفی کنند، خداوند از آن آگاه نمی شود.

جهان بینی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۶ - ۵

۵ - جهان بینی مؤمنان صابر (از خدا بودن و به سوی او بازگشتن) دلیل صبر و استقامت آنان در برابر دشواری های راه ایمان

الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا لله و إنا إلیه رجعون

<الذین .. قالوا ...> علاوه بر بیان اوصاف و ویژگی صابران، حکایتگر دلیل و علت صبر آنان نیز هست.

جهان بينى و ايدئولوژى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۷، ۴، ۳

۳ - باور به ربوبيت خدا، رحمت آفرينى و مالکيتش بر

روز جزا، وادار کننده آدمی به پرستش او

رب العلمین. الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین. ایاک نعبد

۴ - شناخت خدا و صفات او، راه دستیابی به توحید عبادی است.

الحمد لله رب العلمین .. ایاک نعبد

۷ - ایمان به خدا و صفات او، مایه باور به حضور همگان در پیشگاه اوست.

الحمد لله رب العلمین .. ایاک نعبد

تغییر اسلوب کلام در سوره حمد، یعنی التفات از غیبت به خطاب حاوی نکاتی است، از جمله اینکه آدمی پیش از آگاه شدن به صفات خدا مانند ربوبیت او بر هستی و... گویا احساس نمی کند که خداوند بر همه چیز حاضر و ناظر است و ولی پس از باور به ربوبیت او و سایر صفاتش، خود و دیگران را در محضر خدا می یابد و او را در همه شؤونات حاضر می بیند.

۹ - شایسته دانستن خدا برای عبادت و امید به رحمت های او، از انگیزه های پرستش خداست.

الحمد لله رب العلمین. الرحمن الرحیم ... ایاک نعبد

مطرح ساختن عبادت خدا پس از توصیف او به ربوبیت، رحمانیت، رحیمیت و مالکیت روز جزا، بیانگر انگیزه های پرستش است و یعنی، چون خدا رب است، شایسته پرستش است و چون مردم به رحمت او نیازمندند، باید عبادتش کنند و بدان جهت که از عذاب آخرت می هراسند، باید او را پرستند.

۱۰ - ترس از عذاب های اخروی و امید به پاداش های جهان آخرت، از انگیزه های آدمی برای عبادت خدا

ملک یوم الدین. ایاک نعبد

۱۱ - شناخت خدا و صفات او، مایه نادیده انگاشتن خویش در پیشگاه خداوند است

الحمد لله .. إياك نعبد و إياك نستعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۶

۶ باور به خدادادی بودن امکانات و دارایی ها ، زمینه ساز پیدایش روحیه انفاق گری در انسان

و مما رزقنهم ینفقون

از هدفهای یادآوری این حقیقت (خدادادی بودن داراییها)، در بیان لزوم انفاق، تسهیل امر انفاق و ایجاد روحیه انفاق گری در انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۶،۷

۶ - باور به خالقیت و ربوبیت خدا ، عامل گرایش انسان به بندگی اوست .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم

۷ - جهان بینی انسان ، پایه و اساس اعمال و رفتارش است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ توجه و باور به خدادادی بودن نعمت ها ، بر انگیزنده انسان ها به پرستش خداوند است .

اعبدوا ربکم الذی .. أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت

از اینکه خداوند برای ایجاد روحیه پرستش در بندگان، آنان را متوجه نعمتهای الهی می کند، برداشت فوق بدست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - باور به توبه پذیری و رحیمیت خدا ، ترغیب کننده شخص گنهکار به توبه و طلب آمرزش از اوست .

فتاب علیه إنه هو التواب الرحیم

هدف از تأکید بر توبه پذیری خداوند - که از حرف تأکید <انّ> و ضمیر فصل <هو> و به کارگیری صیغه مبالغه <تواب> به دست می

آید - ترغیب گنهکاران به توبه و طلب آمرزش از خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۶ - ۴،۵

۴ - اقامه نماز برای باورداران به لقای خدا و بازگشت به او ، امری سهل و آسان است .

و إنها لكبيره إلا على الخشعين. الذين يظنون أنهم ملقوا ربهم

۵ - گمان به لقای خدا و بازگشت به او ، در ایجاد روحیه خشوع و فروتنی کافی است .

الذين يظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إليه رجعون

به کارگیری <یظنون> (گمان دارند) در مسأله رجوع به خداوند - که هر مسلمانی باید اعتقاد جزمی به آن داشته باشد - اشاره به این دارد که: حتی گمان به قیامت و رجوع به خداوند نیز در زایل ساختن خود بزرگ بینی تأثیر بسزایی داشته و مایه فروتنی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۶

۶ - باور به علم مطلق الهی و آگاهی او به نهان و آشکار انسان ، بازدارنده وی از خطاها و لغزشها

أو لا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

جمله <أتحدثونهم .. لیحاجوكم> در آیه قبل، رسای به این است که: پندار باطل یهود (محدود بودن علم خدا)، آنان را به لغزشها و گناهان پنهانی، بی پروا می کند. بنابراین، هدف از بیان علم مطلق الهی در رد آن پندار، این است که: انسانها بر اثر باور و توجه به آگاهی همه جانبه خدا از خطاها - چه در خفا و چه آشکار - از لغزشها باز ایستند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۲

۳۲ - توجه و باور به آگاهی خدا بر اعمال ، بازدارنده آدمی از گناهان و شکستن پیمان های اوست .

و ما الله بغفل عما تعملون

هدف از بیان آگاهی و نظارت خدا بر رفتار بندگان، این است که: آنان توجه به نظارت خدا داشته باشند تا از کردار ناروا پرهیز کنند. بنابراین توجه به آگاهی و نظارت خداوند چنین اقتضایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۶، ۱۷، ۲۱

۱۶ - تمرد و سرپیچی قوم موسی از فرمان های تورات و دستورات موسی ، برخاسته از شوق آنان به گوساله پرستی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

جمله <و أشربوا ..> حال معلله است؛ یعنی، بیان می دارد که علت عصیان و نافرمانی یهود، عشقشان به گوساله پرستی بوده است.

۱۷ - اشتیاق قوم موسی به گوساله پرستی ، تعیین کننده موضعگیری های آنان در برابر فرمان های الهی بود .

و عصینا و أشربوا فی قلوبهم العجل

۲۱ - اعمال و رفتار انسان ها ، بیانگر افکار و عقاید آنان است .

بئسما یأمرکم به ایمنکم إن کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۱۵

۱۵ - کردار آدمیان و خواسته های آنان ، بیانگر اعتقاد و اندیشه آنان است .

فتمنوا الموت إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - باور و توجه آدمی به نظارت خداوند بر اعمال نیک ، زمینه ساز

آن اعمال است .

إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

ایجاد زمینه برای انجام کارهای نیک، از اهداف بیان نظارت خداوند بر اعمال انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۱ - ۸

۸ - باور به ربوبیت خدا بر جهان آفرینش ، وادار کننده آدمی به تسلیم و اطاعت خدا

أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۸

۸ - شناخت خداوند و افعال او ، زداینده شک و تردید در احکام و معارف نازل شده از سوی اوست .

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۵

۱۵ - باور به قیامت و حضور انسان ها در آن ، زمینه ساز گرایش آدمی به انجام کارهای نیک است .

فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً

یادآوری قیامت پس از فرمان به انجام کارهای نیک، گویای این معناست که: انسان در صورت باور به قیامت و توجه به آن، در انجام کارهای خیر سستی نخواهد ورزید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۵

۵ - باور به یگانگی خدا و نبود معبودی جز او ، بازدارنده آدمی از کتمان معارف الهی و حقایق کتاب های آسمانی است . *

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. و إلهكم إله واحد لا إله إلا هو

برداشت فوق و نیز برداشتهای بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۱ - ۸

۸ - باور و توجه به دانایی خداوند ، بازدارنده انسان از تغییر و تبدیل وصیت های میت

فمن بدله .. إن الله سمیع علیم

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان حرمت تغییر وصیت و گناه بودن آن، این است که: آدمی با توجه به آن، در اندیشه تغییر و تبدیل وصیت بر نیاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱۰

۱۰ - باور به نزدیک بودن خدا به بندگان و توان او بر اجابت درخواست ها ، گرایش دهنده آدمی به ایمان و اطاعت از اوست

فإني قرب أجيب دعوه الداع .. فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي

برداشت فوق از <فأني> تفریع در <فليستجيبوا> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۵

۱۵ توجه به حضور در دادگاه الهی و ملاقات وی ، زمینه ساز رعایت تقوا و حفظ حدود الهی

و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۰

۱۰ نحوه نگرش انسان به سرانجام جهان ، مؤثر در جهت دادن وی به اعمال خویش

يا ايها الذين امنوا .. من قبل ان يأتي يوم لا بيع فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۵ توجّه به عزّت و حکمت الهی ، هموارکننده شناختِ چگونگیِ زنده شدن مردگان

و اعلم انّ الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱

۱ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللهم مالك الملك .. لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه <قل اللهم .. > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۹ - ۵

۵ توجه به علم الهی نسبت به آشکار و نهان و قدرت مطلق او ، مانع سوء استفاده از تقیه

الآن ان تتقوا منهم تقیه .. قل ... و الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ اعتقاد به حضور اعمال نیک و بد آدمی در قیامت ، عامل پرهیز از قهر خداوند

يوم تجد كل نفس .. و يحذرکم الله نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۹،۱۱

۹ دیدگاه های متفاوت اهل کتاب درباره غیر همکیشان خود ، موجب حفظ امانت و یا خیانت در آن

و من اهل الكتاب .. و منهم من ان تأمنه ... ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الامی

<ذلك>، اشاره به طایفه دوم است.

۱۱ پندار باطل برخی از اهل کتاب به جواز تصرف در اموال دیگران و تزییع آنها ، عامل خیانتشان به حقوق غیر همکیشان

خود

ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الامين سبيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

آل - ٣

۱۳ اعتقاد به مقدر بودن مرگ ، از میان برنده هراس آدمی برای سفر و حضور در میدان نبرد (صحنه های دشوار زندگی)

قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله يحيى و يميت

جمله < و الله يحيى و يميت >، می تواند به منظور زدودن هراس از شرکت در پیکار ایراد شده باشد.

۱۶ توجه به نظارت و بینایی خداوند به کردار آدمیان ، برانگیزنده آدمی به نبرد و پیکار در راه خدا (اعمال پسندیده)

ان الذين تولوا منكم .. و الله بما تعملون بصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۱۱

۱۱ ایمان به مقدر بودن مرگ و حیات ، و شناخت ارزش والای شهادت ، آسان کننده حرکت به سوی نبرد با دشمنان دین

و الله يحيى و يميت .. و لئن قتلتم فى سبيل الله او مّتم لمغفره من الله و رحمه

خداوند با بیان دو نکته مؤمنان را به جهاد ترغیب می کند: ۱ مرگ و حیات به دست خداست و عوامل طبیعی تعیین کننده نیست. ۲ جان باختگان در راه خدا، آمرزیده و مشمول رحمت خاص خداوند هستند. بنابراین، مؤمنان با ایمان به این دو معنا، هرگز تردیدی برای شرکت در جهاد نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۸ - ۳

۳ ایمان به حشر و بقای آدمی پس از مرگ ، برانگیزنده وی برای حضور در میدان کارزار علیه دشمنان دین

و لئن مّتم او

قُتِلْتُمْ لَالِي اللَّهِ تَحْشُرُونَ

خداوند با بیان این معنا که آدمی با مرگ و یا کشته شدن، چه در راه منافع دنیا و یا راه خدا، به سوی او محشور می شود، او را به جهاد ترغیب و انگیزه پیکار در راه خدا را در او تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۲

۱۲ شناخت سنن الهی و توجه به تدبیر وی درباره مخالفان اسلام، موجب رفع اندوه از عملکرد آنان

و لا يحزنك .. يريد الله ألا يجعل لهم حَظًّا في الآخرة

جمله <یرید اللہ .. >، دال بر سنت الهی در محروم کردن کافران از بهره های اخروی است و خداوند با شناساندن این سنت خویش، پیامبر (ص) را از غم و اندوه بازداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۳

۲۳ ایدئولوژی اسلام، برخاسته از جهان بینی آن است .

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول .. ان كنتم تؤمنون بالله و اليوم الآخر

اطاعت از اوامر خداوند و رسول (ص)، که برنامه عملی اسلام است، مترتب بر ایمان به خدا و قیامت، که از عناصر جهان بینی اسلام است، شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۶

۶ تخلف از جهاد، نتیجه ارزیابی غلط از دنیا و آخرت

فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوة الدنيا بالآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۲،۳

اندیشی و توجه به قطعی بودن مرگ و اندک بودن متاع دنیا، زمینه حضور در صحنه جهاد

فلما كتب عليهم القتال .. قل متاع الدنيا قليل و الاخره خير ... اين ما تكونوا

۳ مرگ گریزی، از موانع شرکت در جهاد

فلما كتب عليهم القتال .. يخشون الناس ... اين ما تكونوا يدرکم الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ توجه به الوهیت و کمال مطلق بودن خداوند، موجب پذیرش خبر های او و اعتقاد به راستی آنها

و من اصدق من الله حديثا

تکیه بر اسم جلاله <الله> با وجود اینکه می توانست با ضمیر از آن یاد شود، اشاره به این معناست که الوهیت، ملازم حقایق تمامی اخبار اوست. یعنی چون <الله> است و کمال مطلق، اخبار او با واقع مطابقت دایمی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۹

۹ اعتقاد به فضل و رحمت الهی، زمینه ساز اقدام به طلاق، برای رهایی از بن بست زندگی اصلاح ناپذیر

و إن يتفرقا يغن الله كلا من سعته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۷

۱۷ یهود، مدعی جبر و قدرت بر ایمان *

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله عليها بكفرهم

بدان احتمال که منظور یهود از <قلوبنا غلف> نسبت دادن حالت کفر خویش به عوامل غیر اختیاری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

های آدمی برخاسته از نگرش ها و باور های وی *

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

برداشت فوق بر این اساس است که عطف <صدوا> بر <کفروا> از باب عطف سبب بر مسبب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۹

۲۹ توجه به نبود عظمت برای غیر خدا، مایه پروانکردن از مردم در اجرای احکام الهی

فلاتخشوا الناس و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۱۱

۱۱ توجه به احاطه علمی خداوند، بازدارنده انسان از انحراف در اعمال و نیت

و يعلم سرکم و جهرکم و يعلم ما تکسبون

هدف از بیان آگاهی کامل خداوند بر سرّ و نهان آدمی و اعمال او، بازداشتن وی از خطا و لغزش است. لذا توجه به این مطلب اثر بازدارنده از یکسو و برانگیزاننده از جهت دیگر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۲ - ۱۴

۱۴ توجه به نظارت الهی بر هستی عامل گرایش انسان به عبودیت برای خدا و پرهیز از شرک و نافرمانی

فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۳ - ۹

۹ نقش تعیین کننده اعتقاد به معاد و یا انکار آن در انتخاب چگونگی زندگی و تلقی آدمی از حیات خود

یوحی بعضهم إلى بعض . . . و لتصغی إليه أفئده الذین لایؤمنون بالأخره و لیرضوه و لیق

مجموعه این چند آیه بیانگر خطوط اصلی اعتقادی و نقش آن است. یک

طرف پیامبر(ص) و طرف دیگر شیاطین و پیروان آنها قرار دارند. آنچه در این میان مرز گرایش به یکی از دو طرف دانسته شده، ایمان به آخرت و یا انکار آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۷ - ۴

۴ نقش جهانی در توجیه و تعیین زشتی و زیبایی عمل *

و كذلك زين لكثير من المشركين قتل اولدهم شركاؤهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۲ - ۹،۱۰

۹ ایمان پیامبر(ص) به ربوبیت خدا بر تمام هستی، علت اخلاص کامل و همه جانبه او

إن صلاتی و نسکی .. لله رب العلمین

توصیف <الله> به <رب العالمین> دلیل برداشت فوق است.

۱۰ باور به ربوبیت مطلق خداوند برانگیزنده انسان به اخلاص در عبادت و انجام همه امور برای او

إن صلاتی و نسکی .. لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۵ - ۲

۲ شناخت ربوبیت الهی، مستلزم روی آوری انسان به دعا به درگاه اوست .

إن ربکم الله الذی .. ادعوا ربکم تضرعاً

بیان ضرورت دعا پس از بیان ربوبیت خداوند و تدبیر جهان هستی از سوی او می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۰

۱۰ توحید عملی مبتنی بر توحید نظری است .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱۲

توحید عملی مبتنی بر توحید نظری است .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۲

۱۲ توحید عملی مبتنی بر توحید نظری است .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۲

۱۲ توحید عملی مبتنی بر توحید نظری است .

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۳

۲۳ توجه به ربوبیت خدا و علم همه جانبه او ، مستلزم توکل کردن بر وی و پایداری در برابر تهدید دشمنان

وسع ربنا كل شيء علماً على الله توكلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۰ - ۳

۳ توجه و آگاهی به عظمت خداوند ، وادار کننده آدمی به پرستش او و اظهار عبودیت به درگاه وی

و ألقى السحرة سجين

مجهول آوردن فعل <ألقى> حکایت از آن دارد که ساحران با دیدن معجزه موسی(ع) پی به عظمت خداوند برده و بی اختیار به درگاه او به سجده افتادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳ - ۳

۳ باور به خدادادی بودن امکانات ، هموار کننده انفاق و بخشیدن اموال در راه خدا

و مما رزقنهم ینفقون

هدف از جمله <رزقنهم> علاوه بر بیان این حقیقت که داراییهای انسان عطای خداوند است تسهیل امر انفاق نیز می باشد.
یعنی داراییها را خداوند در اختیار

شما قرار داده است و بنابراین شایسته نیست از انفاق کردن آنها دریغ کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۴ - ۳،۶

۳ ایمان به خدا و اعتقاد به حیات اخروی ، زیر بنای اعتقادی جهاد با مال و جان

لايستذنك الذين يؤمنون بالله و اليوم الآخر

۶ توجه تقوای پیشگان به آگاهی خداوند به احوالشان ، مایه دلگرمی آنان در جهاد

أن يجهدوا .. و الله عليم بالمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۱ - ۹،۱۰

۹ ایمان به خدا و سرپرستی او بر انسان ها ، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از غیر اوست .

هو مولينا و على الله فليتوكل المؤمنون

۱۰ ایمان و اعتقاد به اینکه خوشی ها و ناخوشی ها ، و شکست ها و پیروزی ها بر اساس تقدیر خداست ، مقتضی توکل بر او و

روی بر تافتن از دیگران

قل لن يصيبنا إلا ما كتب الله لنا .. و على الله فليتوكل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۸ - ۳،۴

۳ غفلت و بی توجهی منافقان به علم غیب و آگاهی گسترده خدا نسبت به اسرار و سخنان پنهانی ، عامل گرایش آنان به

تخلف از وظایف خود در برابر خدا

بما أخلفوا الله ما وعدوه .. ألم يعلموا أن الله يعلم ... و أن الله علم الغی

۴ خداشناسی ناقص و غلط ، موجب عملکرد نادرست است .

أخلفوا الله ما وعدوه .. ألم يعلموا أن الله يعلم

یعلموا > می رساند که اگر منافقان به علم گسترده الهی آگاهی می داشتند، از وظایف خویش تخلف نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۶

۱۶ بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو كانوا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۱۱، ۱۰

۱۰ سراسر گیتی در سیطره و اقتدار بی چون و چرای خداوند است .

الذی خلق السموت .. ثم استوی علی العرش

<استواء> (مصدر استوی) به معنای استیلاست و <عرش> ؛ یعنی، تحت فرمانروایی. <استیلائی خداوند بر تخت حکومت > کنایه از سیطره کامل و اقتدار مطلق او بر سراسر هستی است.

۱۱ تدبیر امور آسمان ها و زمین در دست خداوند است .

الذی خلق السموت و الأرض .. یدبر الأمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۴، ۵، ۶

۴ خدا ، مبدأ پیدایش جهان آفرینش است .

إنه یدئوا الخلق

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الخلق> تمام پدیده های هستی باشد.

۵ خدا ، مبدأ پیدایش انسان است .

إنه یدئوا الخلق

مصدق مورد نظر از <الخلق> به قرینه جمله <ليجزى الذين آمنوا.. > انسان است.

۶ معاد (رستاخیز) سرنوشت حتمی تمامی انسانهاست .

إنه يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴ - ۳

۳ باور و توجه انسان ها به اینکه > رجوعشان تنها

به سوی خداست < آنان را از پرستش غیر او ترسان و به یکتاپرستی وامی دارد .

فإني أخاف عليكم عذاب يوم كبير. إلی الله مرجعکم

جمله <إلی الله مرجعکم> به منزله تعلیلی است برای <و إن تولوا فإني أخاف...> یعنی، علت نگرانی پیامبر برای مشرکان، این است که آنان به خدا باز می گردند و به خاطر شرکشان عذاب می شوند. بنابراین هر کس این حقیقت را بپذیرد که بازگشت او تنها به خداست، هرگز به غیر او نمی گردد و به شرک روی نمی آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲۱

۲۱ باور به انحصار خالقیت به خداوند ، وادار کننده انسان به پرستش او و پرهیز از شرک و دوری از گناه و استغفار از گناهان گذشته است .

هو أنشأكم من الأرض... فاستغفروه

برداشت فوق، از حرف <فاء> که جمله <استغفروه...> را بر <هو أنشأكم...> تفریع کرده است به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ ضرورت پرستش خداوند و باور به نبودن معبودی سزاوار پرستش جز او

اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲ باور و توجه به قدرت و حاکمیت مطلق خداوند ، موجب پذیرش ربوبیت او بر انسان و سایر هستی است .

إلا ما شاء ربك إن ربك فعال لما يريد

برداشت فوق ، با توجه به کلمه <رب> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۰، ۱۷

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد.

لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ ... إِنَّ كَلَّا لَمَّا لِيُوفِيْتَهُمْ أَعْمَلَهُمْ ... فَاسْتَقَمَ كَمَا أُمِرْتَ

۱۷ توجه و باور به آگاهی و نظارت خداوند بر اعمال و رفتار انسانها، موجب پایداری و استقامت در راه دین است.

فَاسْتَقَمَ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ .. إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۴

۱۴ باور و توجه آدمی به آگاهی خداوند از کردارها، زمینه ساز روی آوردن به پرستش او و سپردن امور خویش به اوست.

فَاعْبُدْهُ وَ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَ مَا رَبُّكَ بِغَفْلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

از هدفهای یادآوری نظارت خدا بر اعمال انسانها، پس از توصیه به عبادت و توکل، ترغیب آنان به پرستش و توکل کردن بر اوست؛ یعنی، آن گاه که آدمی به آگاهی خدا و عدم غفلت او باور کرد، به توصیه های او روی می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۷

۱۷ باور به حاکمیت انحصاری خدا بر هستی، موجب توکل بر خدا و اتکا نکردن به غیر اوست.

إِنَّ الْحَكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ عَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

تفریع <عَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ> به وسیله <فَاء> بر <إِنَّ الْحَكْمَ إِلَّا لِلَّهِ> گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد

۸ باور به ربوبیت خدا بر انسان ها ، وادار کننده انسان به پذیرش قیامت و زنده شدن مردگان برای حضور در صحنه آخرت

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۱۷، ۱۵، ۱۲

۱۲ باور و توجه به ربوبیت خدا وادار کننده آدمی به پرستش او

هو ربی لا إله إلا هو

۱۵ باور به ربوبیت خدا و یکتایی او ، گرایش دهنده آدمی به توحید در توکل

هو ربی لا إله إلا هو عليه توكلت

جمله <عليه توكلت> به منزله نتیجه ای است برای اعتقاد به ربوبیت خدا و یکتایی او که از <هو ربی> و <لا إله إلا هو> استفاده می شود.

۱۷ اعتقاد به ربوبیت خدا و یکتایی او ، زمینه ساز باور آدمی به اینکه به سوی خدا در حرکت است و به او باز می گردد .

هو ربی .. إلیه متاب

<إلیه متاب> نیز مانند <عليه توكلت> به منزله نتیجه ای است برای اعتقاد به ربوبیت خدا و یکتایی او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ منوط بودن هدایت مردم به مشیت خدا ، از معارفی که اهل ایمان باید بدان باور داشته باشند .

أفلم یأیئس الذین ءامنوا أن لو یشاء الله لهدی الناس جمیعاً

فعل <یأیس> متضمن معنای <یعلم> است و عبارت <أن لو یشاء الله ..> مفعول برای آن فعل (یعلم) می باشد و متعلق <یأیس> محذوف است که به قرینه سیاق <من اهتدائهم> می باشد. بنابراین جمله <أفلم یأیس...> چنین معنا می شود:

پس آیا

اهل ایمان ندانسته اند که اگر خدا می خواست همه انسانها را هدایت می کرد، پس آیا مأیوس نشده اند از اینکه آن کفرپیشگان (آنان که با وجود قرآن ایمان نیاورده اند) هدایت شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۳

۳- خداوند ، هر چه بخواهد ، وجود خواهد یافت .

ما شاء الله

<ما> در <ما شاء الله> موصول و مبتدا است و خبر آن <کائن> یا چیزی نظیر آن است. معنای جمله، چنین است: <آنچه را خدا خواسته است خواهد شد.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱۲

۱۲- انسان ها ، در قیامت دوباره زنده خواهند شد .

یوم أموت و یوم أبعث حیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱

۱- خداوند ، پروردگار آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

ربّ السموت والأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۷ - ۱

۱- خداوند ، آفریننده انسان و پدیدآورنده او در صحنه هستی

خلقنه من قبل و لم یک شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین ، بندگان خدا و مملوک اویند .

أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا . إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ ... آتَى الرَّحْمَنَ عَبْدًا

<آتی> اسم فاعل است و زمان در آن ملحوظ نیست و مراد از <اتیان> معنای مجازی آن است. مقصود آیه این

است که موجودات هستی، در برابر خداوند اظهار وجودی جز عبودیت ندارند؛ همگان مملوک اویند و از خود استقلالی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۴

۴- تأثیر اعتقاد به حاکمیت نهایی صالحان بر زمین، در عبودیت و بندگی خدا

و لقد كتبنا فی الزبور .. إن فی هذا لبلغاً لقوم عبدین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <هذا> اشاره به مسأله حاکمیت صالحان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۴ - ۲

۲- ایمان به معاد و روز جزا، از شاخصه های اندیشه اعتقادی ادیان آسمانی

و إن الذین لایؤمنون بالأخره عن الصرط لנקبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۷

۷- انسان، موجودی جاودان در بینش ادیان الهی و پدیده ای فناپذیر در نگرش شرک پیشگان تاریخ

بل قالوا .. قالوا أءذا متنا ... أءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۱۷

۱۷- توجه و اعتقاد انسان ها به آگاهی همه جانبه خداوند از اعمال و رفتار تمامی موجودات، بر انگیزنده آنان به اطاعت و فرمانبری از او

ألم تر أن الله یسبح له من فی السموت .. و الله علیم بما یفعلون

یادآوری علم همه جانبه خداوند برای انسان ها در پایان آیه شریفه، می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۶

اسلام و عقیده به توحید ، تنها راه صحیح و عقیده درست برای ره پویان طریق حق و حقیقت

ء أنتم أضللتهم عبادى هولاء أم هم ضلوا السبيل

برداشت فوق از اطلاق واژه <السبيل> (راه) بر راه حق و درستی که مشرکان از آن دور شده و آن را گم کرده اند به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۶

۶ اعتقاد به ربوبیت خداوند ، مقتضی شب زنده داری و عبادت و نماز برای او است .

و الذين يبيتون لربهم سجداً وقيماً

آمدن قید <لربهم> و یاد ربوبیت خدا، به جای دیگر اوصاف او همچون رحمان، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۵ - ۲

۲ - خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم ، شایسته پرستش است ، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت .

يسجدون للشمس .. ألايسجدوا لله الذى يخرج الخبء فى السموت و الأرض

<ال> در <الخبء> برای جنس و مفید استغراق است <خَبء> به معنای مستور (مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین <يخرج الخبء>؛ یعنی، <يخرج جميع الأشياء المستورة تحت استار العدم منها إلى الوجود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۵

۵ - عقیده به یک تایی خدا در خالقیت ، مستلزم منحصر دانستن تمامی ستایش ها به او است .

و لئن سألتهم من خلق .. ليقولنَّ الله قل الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - يس -

۶- توجه و اعتقاد به خدادادی بودن اموال و دارایی ها ، برانگیزاننده انسان به انفاق و دوری از بخل است .

و إذا قيل لهم أنفقوا مما رزقكم الله

برداشت یاد شده براساس این نکته است که آیه شریفه، درصدد ترغیب و تشویق به انفاق است. گفتنی است که تصریح به منشأ خدایی داشتن اموال انسان، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۴

۴- وجود حیات برزخی (زندگی میان دنیا و قیامت) برای انسان ها

النار يعرضون عليها غدوًّا وعشيًّا

جهان بینی هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۵۵ - ۱

۱ هود (ع) ، به مشرکان قومش اعلام کرد که تنها خداوند را مؤثر در جهان دانسته و تنها او را شایسته عبادت می داند .

أني بريء مما تشركون. من دونه

ضمیر در <دونه> به <الله> در آیه قبل برمی گردد.

زمینه جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۶ - ۴

۴- مال و ثروت و سطح معیشت انسان ، از زمینه های شکل گیری اخلاق و جهان بینی او است .

أنا أكثر منك مالاً... و هو ظالم لنفسه قال ما أظن أن تبيد هذه أبداً . و ما أظن

از مرد ثروت مند، دو گونه برخورد در آیات نقل گردیده است: ۱ در مسائل اخلاقی، به تفاخر (أنا أكثر منك مالاً) پرداخته است. ۲ در مسائل اعتقادی درباره قیامت اظهار تردید

کرده است. بیان ورود مرد ثروت مند به باغ خویش و غرور و سرمستی او از دیدن آن همه نعمت، گویای نقش تمّول در پدیدار شدن آن عقاید و برخوردها است.

زمینه جهان بینی توحیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳ - ۶

۶ - روحیه حق طلبی ، زمینه پیدایش جهان بینی الهی در انسان

لأیت للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۵ - ۱۰

۱۰ - خردورزی ، زمینه دستیابی انسان به جهان بینی الهی و فهم و شناخت نشانه های خداوند در پهنه گیتی

ءایت لقوم یعقلون

ضعف جهان بینی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۰

۲۰ ادعای الوهیت برای مسیح (ع) ، نشانه ضعف شناخت مسیحیان از خدا و قدرت مطلق اوست .

الذین قالوا .. و لله ملک السموت

علم در جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۷

۷ - لزوم مبتنی بودن جهان بینی و اعتقادات دینی انسان ، بر علم و شناخت اطمینان بخش

تدعوننی لأکفر بالله و أشرک به ما لیس لی به علم

عوامل جهان بینی غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۶

۶ روی آوردن رفاه و آسایش بر کافران مبتلا- به سختی ها و محنت ها ، در پی دارنده تحلیلهایی نادرست درباره پیدایش شدايد و اسباب رفاه و آسایش

ثم بدلنا .. حتی عفوا

و قالوا قد مسءاباءنا الضراء و السراء

عوامل مؤثر در جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۳

۳- مطالعه تاریخ و فرجام ملت ها ، دارای نقش در جهان بینی و گرایش به ایمان

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

واژه <ینظروا> به معنای نگریستن برای بینش یافتن است؛ بینشی کلی در رابطه با هستی که جهان بینی انسان را تشکیل می دهد.

ملاک جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۷

۷- لزوم مبتنی بودن جهان بینی و اعتقادات دینی انسان ، بر علم و شناخت اطمینان بخش

تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به ما لیس لی به علم

منابع جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۲۲

۲۲- آگاهی عقلانی و وحی و کتاب آسمانی ، سه منبع معتبر در جهان بینی است .

یجدل فی الله بغير علم و لا هدی و لا کتب منیر

ذکر <علم> در کنار <هدی> و .. می تواند به آن دسته از آگاهی هایی اشاره داشته باشد که از طریق عقل به دست می آیند.

منشأ جهان بینی غلط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۵

۵- جهان بینی غلط و نگرش جاهلانه به هستی ، ریشه عملکرد نادرست و مجرمانه انسان در صحنه حیات

إِنَّهُمْ كَانُوا مجرمین . . . و لکن اکثرهم لا یعلمون

از ارتباط این آیه با عبارت <إِنَّهُمْ كَانُوا مجرمین>، استفاده می

شود که ناآگاهی نسبت به حقانیت آفرینش، عامل گرایش امت های نابود شده به جرم پیشگی بوده است.

نقش جهان بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۷

۷ - جهان بینی انسان ، پایه و اساس اعمال و رفتارش است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ - نحوه نگرش انسان به سرانجام خویش و جهان ، مؤثر در جهت دادن وی به اعمال خویش

و أنفقوا .. فبقول ربّ لولا أخرتني

جهل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جهل

{جهل}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۷

۱۷ ناآگاهی عالمان اهل کتاب (دین فروشان) از ارزش والای دین و تعهد به پیمان های الهی

فبنذوه .. و اشتروا به ثمناً قليلاً

آثار جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۲۲

۲۲ پندار وجود همانند برای خدا ، برخاسته از جهل و نادانی است .

فلا تجعلوا لله أنداداً و أنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۱

۲۱ همه موجودات هستی دارای رمز و رازند و اعتراض به وجود هر یک از آنها نشانه جهل به حکمت وجودی آنهاست .

أتجعل فيها من يفسد .. قال إني أعلم ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۲۳، ۲۴، ۲۲، ۲۱

۲۱ - لزوم استعاذه به خدا و

یاری جستن از او برای دور ماندن از کردار های جاهلانه و لغزش های برخاسته از جهل

قال أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

۲۲ - جهل و نادانی خطر آفرین و منشأی برای لغزشهاست .

أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

پناه بردن، که معنای عیاذ (مصدر أعوذ) است، به هنگامی است که آدمی از شر چیزی در هراس باشد.

۲۳ - استهزای مردم و به مسخره گرفتن ایشان ، برخاسته از جهل و نادانی است .

أتخذنا هزواً قال أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

۲۴ - جهل و نادانی منشأ و دلیلی برای نسبت دادن حکم و امری دروغین به خداست .

أتخذنا هزواً قال أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

موسی (ع) در پاسخ اتهام قومش، مبنی بر اینکه دستور ذبح گاو دستور خود اوست و او آن را به خدا نسبت می دهد، بیان داشت که: وی از امور جاهلانه به دور است، یعنی، چنین امری مقتضای جهل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۹

۹ - جهل انسان ها به ارزش برتر پاداش های الهی ، آنان را به منافع دنیوی دل بسته کرده و از ایمان و تقوا باز داشته است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا .. لو كانوا يعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو> در جمله فوق شرطیه باشد. بر این اساس احتمالاتی قابل تصور است و از آنهاست اینکه مفعول <يعلمون> برتری پاداش الهی گرفته شود و جواب شرط از جمله <و لو أنهم ءامنوا> استفاده گردد. یعنی: <لو كانوا يعلمون ان ثواب الله خير لأمنوا و اتقوا> اگر می

دانستند که پاداش الهی از منافع دنیوی برتر است، همانا ایمان می آوردند و تقوا پیشه می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۲

۱۲ - بی پایه و اساس خواندن ادیان الهی ، سخنی برخاسته از جهل است .

كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم

توصیف مشرکان به بی دانشی، پس از بیان ادعای آنان (بی اساس بودن دین یهود و نصارا) اشاره به این حقیقت دارد که: بی پایه شمردن ادیان الهی، ریشه در جهل و نادانی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۴،۵،۷،۱۹

۴ - شرک برخاسته از جهل و مشرکان مردمی نادانند .

و قال الذين لا يعلمون

مراد از <الذين لا يعلمون>، مشرکان است. توصیف مشرکان به نادانان، اشاره به دو حقیقت دارد: اول اینکه ریشه شرک، جهل است و دوم اینکه، پیشنهاد آنان مبنی بر سخن گفتن با خدا با آنها و یا آمدن معجزه، نشانه نادانی ایشان است.

۵ - انتظار سخن گفتن خدا با مردم ، انتظاری برخاسته از جهل است .

و قال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا

۷ - جهل ، منشأ توقعات نا به جا و نامعقول

و قال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله

۱۹ - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذين لا يعلمون لولا .. تأتينا آية ... قد بينا الآيات لقوم يوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۲

عوامل شرک است .

و من الناس من يتخذ من دون الله أنداداً .. أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱۶

۱۶ ناخشنودی انسان از احکام الهی ، برخاسته از جهل اوست .

کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا .. و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۱۹،۲۰

۱۹ بینش محدود بنی اسرائیل نسبت به ملاک های حقیقی گزینش ، منشأ اعتراض آنان به برگزیدن طالوت

قالوا انی یکون له الملك علينا .. و الله واسع علیم

جمله <و الله واسع علیم> تعریضی به بنی اسرائیل است که بینش شما محدود و در نتیجه مُعترض به گزینش طالوت شده اید.

۲۰ بینش محدود آدمی ، منشأ اعتراض وی به افعال الهی

قالوا انی .. و الله واسع علیم

جمله <و الله واسع علیم> تعریضی به مُعترضین است که شما بینشی محدود دارید و لذا اعتراض به گزینش طالوت (افعال الهی) می کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۱

۱۱ جهل آدمی ، عذری بر گناهان او در پیشگاه خداوند

لم یصروا علی ما فعلوا و هم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ بخلورزی آدمی ، معلول شناخت نادرست وی از خیر و شرّ خویش

و لا یحسینّ الذین یبخلون .. هو خیراً لهم بل هو شرّ لهم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۶

۶ ایمان نیاوردن به ربوبیت خداوند ، پس از شنیدن ندای قرآن و دعوت پیامبر به آن ، نشانه بی خردی است .

رَبَّنَا اٰنَّا سَمِعْنَا .. فَاٰمَنَّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۲۸

۲۸ ناآگاهی از میزان سودمندی وارثان برای دنیا و آخرت آدمی ، دلیل ناتوانی وی برای تعیین صحیح سهام ارث

اِبَاءُكُمْ وَاٰبَاءُكُمْ لَا تَدْرُوْنَ اَيُّهُمْ اَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۳

۳ جهل ، منشأ ارتکاب گناه

يَعْمَلُوْنَ السُّوْءَ بِجَهَالَةٍ

در برداشت فوق کلمه <بجهاله> قید توضیحی گرفته شده است ؛ یعنی هر <سوء> و گناهی ناشی از نوعی جهل و نادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۴

۴ اطلاع ناقص از تعالیم الهی ، زمینه گمراهی

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ اٰتَوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكُتُبِ يَشْتَرُوْنَ الضَّلٰلَةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۹

۹ جهل ، عامل اختلاف

و إنّ الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به من علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۸،۹

۸ خواسته های نابجا ، اعمال ناروا و رذایل اخلاقی یهود ، نشأت گرفته از جهل آنان و ناباوری ایشان نسبت به تعالیم دین

يسئلك أهل الكتب .. لكن الرسخون في العلم منهم و المؤمنون

توصیف

صالحان یهود با عنوان عالمان ژرفنگر و مؤمنان واقعی، بیانگر این حقیقت است که جهل و ناباوری به تعالیم انبیا مایه گرایش عامه یهود به اعمال ناروا و رذایل اخلاقی بوده است.

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لكن> استدراک از جمله <فلا يؤمنون الا قليلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لكن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لكن...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۴،۱۷

۴ امتناع از پذیرش احکام الهی ، برخاسته از جهل و نادانی است .

فان تولوا .. افحکم الجهلیه یبغون

۱۷ ناباوری به منزلت برتر احکام الهی بر سایر قوانین ، برخاسته از کوتاه فکری و ناتوانی اندیشه

و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

ایقان، به معنای فهمیدن از روی تدبیر و تحقیق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۹

۹ نابخردی ، ریشه تمسخر احکام و شعایر دین اسلام

اتخذوا دینکم هزواً .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۹

۹ برخی از معتقدان به

تثلیث به خاطر ناآگاهی از شرک آمیز بودن آن ، نه کافرند و نه مشرک .

لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم

ظاهراً ضمیر در <منهم> به معتقدان به تثلیث بازگشت می کند. بر این مبنا قائلان به تثلیث به دلیل کلمه <منهم> به دو دسته تقسیم می شوند: کافر و غیر کافر و می توان گفت منشأ این تفاوت علم و آگاهی آنان نسبت به معنای تثلیث و جهل به آن است ؛ یعنی آنانکه نمی دانند اعتقاد به تثلیث با توحید در الوهیت ناسازگار است، محکوم به کفر نیستند و به عذاب دردناک گرفتار نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۶ - ۸

۸ شرک و پرستش غیر خدا ، برخاسته از ناآگاهی به مالک حقیقی سود و زیان و سرچشمه قدرت در هستی

اتعبدون من دون الله ما لایملک لکم ضراً و لانفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۵

۱۵ جهل ، گردن فرازی و حق ناپذیری ، از ریشه های دشمنی و مخالفت با اسلام و اهل ایمان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . . . و انهم لایستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۴

۱۴ جهالت و نارسائی عقل و اندیشه ، عامل رواج بدعت ها و افترا ها در جامعه کفرپیشه عصر جاهلی

و لکن الذین کفروا یفترون علی الله الکذب و اکثرهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۸

فاصله گرفتن از قرآن و پیامبر(ص) و مبارزه با آنها برخاسته از جهل است. *

و هم ینهن عنہ و ینثون عنہ و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

<واو> در جمله <و ما یشعرون> می تواند حالیه و یا عاطفه باشد. در صورت عطف، جمله <ما یشعرون> بیان خصلتی دیگر از صفات کافرانی است که در صدد رویارویی با قرآن هستند. که همان نداشتن درک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ جهل، ریشه بسیاری از انحرافات و توقعات نابجا از پیامبر(ص) بوده است.

و إن کان کبر علیک .. فلا تکونن من الجهلین

در آیات گذشته موضوع درخواست برخی کافران در مورد نزول قرطاس و نزول ملک مطرح شده بود. این آیه گویا در مقام پاسخی دیگر به کسانی است که چنین خواسته هایی را مطرح و یا از آن پشتیبانی می کنند. در پایان آیه درخواست کنندگان معجزات ویژه از جاهلان قلمداد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۵

۵ تقاضای معجزات ویژه و دلخواه، برخاسته از نادانی است.

و لکن اکثرهم لایعلمون

نفی علم از درخواست کنندگان معجزات ویژه بیانگر این است که نادانی زمینه پیدایش این نوع تقاضاهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۲

۲ درک نکردن و غوطهور بودن در تاریکی جهل و گمراهی، ریشه تکذیب آیات الهی است.

و الذین کذبوا بآیتنا صم و بکم فی الظلمت

<صم و بکم> (کری و لالی)، علاوه بر بیان حقیقت حال تکذیب

کنندگان، اشاره به ریشه تکذیب آیات نیز می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ توقعات بیجای مشرکان از پیامبر(ص)، برخاسته از نادانی

قل لا أقول لكم عندی خزائن الله و .. قل هل یستوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۴ - ۲۶، ۲۳، ۱۸

۱۸ ارتکاب گناه و اعمال ناروا ریشه در نادانی دارد. *

أنه من عمل منكم سوءاً بجهله

۲۳ جهالت، عذری قابل قبول برای اغماض و گذشت از خطاکاران

أنه من عمل منكم سوءاً بجهله ثم تاب

۲۶ مؤمنی که از سر جهل گناه کند، در صورت توبه و اصلاح حتماً مشمول مغفرت و رحمت خداوند قرار خواهد گرفت.

كتب ربكم على نفسه الرحمة أنه من عمل منكم سوءاً بجهله ثم تاب من بعده و أصلح فأنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۱ - ۱۴

۱۴ شرك زائیده نادانی است.

فأى الفريقين أحق بالأمن إن كنتم تعلمون

تعليق مضمون آیه بر جمله شرطیه <إن كنتم تعلمون> به این نکته اشاره دارد که مشرکان مردمی نادان و در نتیجه عقاید موهوم آنان نیز متکی بر نادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۶

۶ شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنین و بنت بغير علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۶

۱۶

جهل مایه لجاجت و مقاومت در برابر حق است.

ما كانوا لیؤمنوا... و لكن أكثرهم یجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۱۴

۱۴ جهل و هوای نفس از عوامل اصلی گمراهی است.

و إن كثيرا لیضلون بأهوائهم بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۴،۹

۴ خداوند مردم جامعه ای را که از روی غفلت و ناآگاهی ستم کنند، به عذاب دنیوی نابود نمی کند.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و أهلها غفلون

برای جار و مجرور <بظلم> متعلقاتی می توان در نظر گرفت، از آن جمله اینکه متعلق به <مهلک> باشد. یعنی:
<مهلک القرى بسبب ظلم>. برداشت فوق بر این اساس است.

۹ خداوند، ستم و گناهی را که از سر غفلت و ناآگاهی باشد، کیفر نمی دهد.

أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و أهلها غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۲،۴

۲ قربانی کردن فرزندان، عملی برخاسته از سفاهت و جهل است.

قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

۴ جهل و سفاهت، عامل انحراف و زیانکاری است.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۷۸

۷ وجود تورات و انجیل به سبب غفلت و ناآگاهی مشرکان از محتوای آنها نمی توانست اتمام حجت برای آنان باشد.

و إن كنا عن دراستهم لغفلین

۸ پیروی نکردن از کتب آسمانی در صورت دسترسی نداشتن به

محتوای آنها، عذری قابل پذیرش در پیشگاه خدا

و إن كنا عن دراستهم لغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۵،۱۱

۵ تحلیل غلط و جاهلانه فرعونیان از ریشه یابی رخداد های خوشایند و ناخوشایند ، موجب بی تأثیری بلا ها و مصیبت ها در هدایت شدن و تذکر یافتن آنان شد .

و لقد أخذنا .. یطیروا بموسی و من معه

جمله <فإذا جاءتهم .. > با توجه به ترتب آن بر آیه قبل، در حقیقت پاسخ به این سؤال است که چرا ایجاد زمینه های هدایت (لقد أخذنا ... لعلهم یذکرون) در فرعونیان تأثیر نداشت. آیه مورد بحث در مقام پاسخ ، تحلیل غلط آنان را از موانع هدایت و تذکریابی، بیان می کند.

۱۱ تطییر (بدشگون و نامبارک دانستن چیزی) ناشی از جهل است .

یطیروا .. و لکن اکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۵

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا بنی اسرائیل البحر .. قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را

بیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ جهل ، زمینه ساز روی آوری زیان ها و مشکلات در زندگانی آدمی است .

لو كنت أعلم الغيب .. ما مسنى السوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ ارزش گذاری غلط و ترجیح دادن همنشینی با عاجزان بر شرکت در جهاد ، معلول جهل و نابخردی

رضوا بأن يكونوا مع الخوالف و طبع الله على قلوبهم فهم لا يعلمون

برداشت فوق بر این مبنا است که طبع قلب و عدم علم، عامل موضع گیریهای متخلفان از جهاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ جهل و ناآگاهی ، عامل اصلی کفر و نفاق

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً و أجدر ألا يعلموا

برداشت فوق با استفاده از ارتباط بین <أجدر ألا يعلموا> و <أشد كفراً و نفاقاً> به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۵

۵ شرک و انکار ربوبیت خدا ، اعتقادی است برخاسته از جهل و غفلت .

و الذين هم عن آيتنا غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ از علی (ع) روایت شده است : > قلت : أربعاً أنزل الله تعالى تصديقي بها

فی کتابه ... قلت : فمن جهل شيئاً عاداه ، فأُنزل الله : > بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه ... ;

چهار مطلب گفتم که خداوند تصدیق مرا بر آن چهار مطلب، در کتاب خود نازل فرمود .. [یکی اینکه] گفتم: کسی که جاهل به چیزی باشد با آن دشمنی می کند ؛ پس خداوند این مطلب را نازل فرمود: بلکه چیزی را تکذیب کردند که به علم آن احاطه نداشتند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۲۲

۲۲ جهل و نادانی مردم ، زمینه ساز پیدایش شرک و پرستش غیر خدا

ما أنزل الله بها من سلطان .. و لكن أكثر الناس لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۷

۱۷ ارتکاب گناهان و ستمکاریها ، برخاسته و نشأت گرفته از جهل است .

هل علمتم ما فعلتم بيوسف و أخيه إذ أنتم جهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۰

۱۰ انکار قیامت ، معلول جهل و نادانی و مانع ترقی و تعالی انسان است .

أولئك الأغلال في أعناقهم

<أغلال> (جمع غل) به معنای بندها و زنجیرهاست. مراد از آن می تواند معنای حقیقی آن باشد که در این صورت جمله <أولئك الأغلال في أعناقهم> بیانگر کیفر و مجازات منکران ربوبیت خدا و منکران قیامت است و نیز می تواند مراد از آن معنای مجازی (بندها و زنجیرهای جهل و نادانی، خرافات، سنتهای غلط و ...) باشد که بر این مبنا جمله <أولئك

...> بیانگر ریشه و علت اعتقاد نداشتن به معاد و ربوبیت خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۷

۷ دل خوش کردن به حیات دنیا و نشناختن مقدار ارزش آن ، مایه کفرورزی است .

و فرحوا بالحيوه الدنيا و ما الحيوه الدنيا فى الآخره إلا متع

چون مراد از ضمیر در <فرحوا> کفرپیشگان و مخالفان پیامبر(ص) است ، جمله <فرحوا بالحيوه الدنيا و ..> در حقیقت بیانگر ریشه و عاملی از عوامل کفرورزی آنان است ؛ یعنی ، دل خوش بودنشان به زندگی دنیا ، آنان را به کفرورزی کشانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰- کسانی که قرآن را اسطوره می خواندند ، با استفاده از جهل مردم ، آنان را به قرآن بدبین کرده و گمراهشان می ساختند .

قالوا أسطر الأولین . ليحملوا ... و من أوزار الذين يضلّونهم بغير علم

این برداشت بر این اساس است که <بغير علم> حال برای ضمیر مفعولی <يضلّونهم> باشد.

۱۱- جهل و نادانی ، زمینه و بستری مناسب برای سوء استفاده دیگران

يضلّونهم بغير علم

۱۲- ادعای اسطوره ای بودن قرآن ، جاهلانه و به دور از مبانی علمی است .

قالوا أسطر الأولین .. يضلّونهم بغير علم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <بغير> حال برای ضمیر فاعلی <يضلّون> باشد و از آن جایی که مایه اضلال ، اسطوره خواندن قرآن بوده است ، معلوم می شود که آن ادعا عالمانه نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- انکار رستاخیز و معاد ، برخاسته از جهل و ناآگاهی است .

بلی وعدًا علیه حقًا و لکن اکثر الناس لا یعلمون

۱۲- جهل و نادانی ، عامل انکار حقایق

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه حقًا و لکن اکثر الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۶

۶- تشبیه خدا به سایر موجودات ، ناشی از ناآگاهی انسان به تمایز ذات و صفات خدا از غیر اوست .

فلا تضربوا لله الأمثال .. أنتم لا تعلمون

با توجه به اینکه منظور از <أنتم لا تعلمون> نفی علم مطلق نیست؛ زیرا بدیهی است که انسانها در زمینه های مادی زندگی خود دانشهایی دارند؛ بلکه نفی علم مربوط می شود به همان زمینه ای که در آیه مطرح است؛ یعنی، قابل مقایسه نبودن ذات و صفات خدا با سایر مخلوقات، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۸

۱۸- شرک ، معلول جهل و کوتاه فکری است .

بل اکثرهم لا یعلمون

خداوند برای تفهیم قابل مقایسه نبودن خلق با خدا، از مثالی بدیهی استفاده کرده و می فرماید: با همه این روشنی باز هم اگر مشرکان ره شرک می روند، علتی جز جهل و نادانی آنان ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۹

۹- جهل و ناآگاهی ، ریشه اصلی گرایش به کفر ، شرک و تکذیب پیامبر (ص)

قالوا إنما أنت مفتري بل أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ -

۴- بخشش خداوند از بدکاران، در صورتی است که آنان گناه را از روی جهل و نادانی به حقایق انجام داده باشند نه از سر عمد و خوی عصیان گری

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمَلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ

مقصود از <بجهاله> ممکن است جهل به احکام الهی، در برابر علم نباشد؛ چون در این صورت گناهی سر نزده است تا نیاز به توبه و یا آمرزش الهی باشد؛ بلکه مراد، جهل در برابر عمل آگاهانه و از روی عمد و خوی عصیان گری و نیز جهل به معارف بلند آسمانی است.

۵- جهل و ناآگاهی به حقایق، ریشه هر گناه و بدکاری

لِلَّذِينَ عَمَلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ

کلمه <بجهاله> بدکاران را به دو دسته تقسیم نمی کند؛ بلکه احتمالاً در مقام توضیح و تبیین ماهیت بدکاران است که هر بدکاری قطعاً جاهل و نابخرد است؛ چه اینکه اگر خرد می داشت، خود را به عواقب شوم گناه مبتلا نمی کرد.

۷- گناه حلال و حرام شمردن امور (بدعت گذاری)، اگر از سر جهل و نقصان علم باشد در صورت توبه و اصلاح گذشته ها مورد غفران و بخشش الهی است.

لَا تَقُولُوا... هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ... وَ عَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا... وَ لَكِن كَانُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۷

۷- علم و آگاهی، دارای نقشی مؤثر در پیدایش ایمان و جهل از موانع آن

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ يَخْتَرُونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- عقیده به وجود نقص و کاستی در خداوند و شرک، برخاسته از جهل و نادانی است.

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ... يَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵ - ۱۰، ۶

۶- فقدان آگاهی و دانش، زمینه ساز گرفتاری افراد و جوامع به تقلید های ناروا و کورکورانه

و قالوا اتخذ الله ولداً . ما لهم به من علم و لا لأبائهم

کلمه <لأبائهم> اشاره به این نکته دارد که پندارهای مشرکان، از سر تقلید بوده است و جمله <ما لهم به من علم و...> بر این نکته دلالت دارد که مشرکان و پدران شان، در گزینش این اعتقاد پایه های علمی نداشته اند. مجموع این دو قضیه، گویای آن است که <جهل> در کشاندن افراد و جوامع به تقلید کورکورانه، نقشی مهم دارد.

۱۰- روی آوردن به عقاید بی اساس و دور از حقیقت و واقعیت، پی آمد اتکا به روش های غیرعالمانه است.

ما لهم به من علم و لا لأبائهم... إن يقولون إلا كذباً

کلمه <لأبائهم> اشاره به این معنا دارد که تقلید از کسانی که عقیده شان از سوی علم و دانش نیست، یک روش غلط و ناروا در رسیدن به عقاید دینی است و ذیل آیه، پی آمد آن را، عقیده ای سخیف و دور از حقیقت، بیان کرده است. از این، می توان نتیجه گرفت که روش های غیرعالمانه، خطر دور شدن از حقیقت و واقعیت را در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- ناشکیبایی و بی صبری انسان در برابر بسیاری از مسائل ، ناشی از جهل وی به اسرار و حقیقت امر است .

و کیفِ تصبرِ علی ما لم تحط به خیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۲

۲- توهّم فرزند بودن عیسی (ع) برای خداوند ، برخاسته از تحلیل نادرست ماجرای تولد و سخن گفتن معجزنمای او بود .

ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ . . . مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ

نفی فرزند از خداوند پس از بیان قصه تولد عیسی(ع) می تواند بیانگر این نکته باشد که گروهی این نوع امور معجزه آسا را دلیل فرزند خدا بودن او قرار داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۳

۱۳- جهل زمینه ساز شرک‌ورزی و بت پرستی است .

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ . . . يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكُمْ

حضرت ابراهیم(ع) به جهت رعایت ادب، آزر را به جهل متهم نکرد، بلکه خود را به علم منتسب ساخت و مفهوم کلامش آن است که آزر جاهل است و همین جهل وی موجب آن شده که به پرستش بت رو آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - جهل و نسیان دو آفت عمده تدبیر و مدیریت است .

لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۲، ۱۳

اکثریت مشرکان از حق و روی آوردن آنان به شرک است .

بل أكثرهم لا يعلمون الحق فهم معرضون

<فاء> در <فهم معرضون> عاطفه و برای ربط میان مسبب و سبب است؛ یعنی، به دلیل این که آنان جاهل اند، از حق اعراض می کنند.

۱۳- جهل و ناآگاهی ، عامل گریز بسیاری از انسان ها از حق و حقیقت است .

بل أكثرهم لا يعلمون الحق فهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۶

۶ - علم ، مایه سلامت قلب و جان و جهل ، موجب قساوت و بیمار دلی

لیجعل .. فتنه للذین فی قلوبهم مرض ... و لیعلم الذین أوتوا العلم أنه الحق من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۳

۳ - شرک ورزی ، پدیده ای برخاسته از غفلت و جهل انسان ، نسبت به تعلق و وابستگی همه جانبه او و پدیده های پیرامونش به خداوند

قل لمن الأرض .. إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۵

۵ - شرک ورزی ، برخاسته از جهل انسان و عدم شناخت او نسبت به ماهیت سراسر نیاز جهان هستی به خداوند

قل من بیده .. إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۳

۳ - دل‌بستگی انسان به دنیا ، معلول جهل او به ناچیز بودن عمرش

قل إن لبثتم إلا قليلاً لو أنكم كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء

۳ - درخواست عذاب از روی ناباوری و کفر ، کاری جاهلانه و ندامت بار است .

فيقولوا هل نحن منظرون . أفعذابنا يستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۵ - ۵،۶

۵ - همجنس گرایی و لواط ، ناشی از بی فرهنگی و نادانی

لتأتون الرجال شهوه .. بل أنتم قوم تجهلون

۶ - جهل و بی خردی جامعه ، عامل گسترش و فراگیری فساد

أننكم لتأتون الرجال .. بل أنتم قوم تجهلون

تعبیر <بل أنتم..> بیانگر نوعی تعلیل و روان شناسی جامعه انسانی است. هم چنین تذکر می دهد که جهل، ریشه و علل العلل نفوذ و گسترش انحرافات اخلاقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۶ - ۷

۷ - جهل و ناآگاهی ، ریشه بی اطلاعی انسان از بازگشت خیر و منفعت اعمال دینی به خودش است .

اعبدوا الله و اتقوه ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۱ - ۷،۸

۷ - دوست گیرندگان غیر خدا ، از سر جهل و نادانی ، چنین انتخابی کرده اند .

مثل الذين اتخذوا من دون الله أولياء كمثل العنكبوت.. لو كانوا يعلمون

متعلق <يعلمون> موهون بودن اتخاذ ولی غیر خدا است. بنابراین، نکته بالا، از آن استفاده می شود.

۸- ولی و کارساز گیرندگانِ غیرخدا ، جاهلانه و از سر بی خبری ، انتخاب کرده اند .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله أولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئاً .. لو کانوا ی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۶

۶ - تردید در تحقق وعده های خداوند ، برخاسته از جهل و نادانی است .

لايخلف الله وعده و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۳

۳ - خداوند ، بر قلب کسانی که تصمیم به باقی ماندن در نادانی و جهل گرفته اند ، مهر می زند .

كذلك يطبع الله على قلوب الذين لايعلمون

این که مراد از <الذین لا یعلمون> چه کسانی اند، دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه آیه پیش، این است که مراد، کافران اند. دیگر این که آیه، معنای عام دارد و شامل همه کسانی که خود می خواهند در جهل و نادانی باقی بمانند، می شود. لازم به ذکر است که چون، قطعاً سنت خداوند، چنین نیست که بر قلب هر ناآگاه و نادانی مهر بزند، مراد از <الذین لا یعلمون> کسانی اند که خود اصرار بر باقی ماندن در جهل و نادانی دارند، چنان که مفسران نیز بر این معنا تصریح کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۶،۷

۶ - جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من يشتري لهو الحديث . . . بغير علم

<بغير علم> متعلق به فعل <بشتری> است.

۷ - جهل و نادانی ، عامل کشیده شدن انسان به ورطه لهو و بیهودگی است .

بشتری لهو الحديث . . . بغير علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان

۱۲ - گرایش به شرک ، معلول جهل و بی دانشی است .

و لئن سألتهم .. بل أكثرهم لا يعلمون

۱۴ - ستایش غیر خدا در عین عقیده به توحید ، ناشی از جهل و بی دانشی است .

قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون

متعلق <لا يعلمون> حذف شده و به قرینه مقام می توان گفت، مراد این است که اکثر مشرکان، این حقیقت را نمی فهمند که <ستایش مخصوص خالق و آفریدگار جهان است.> و در اثر این نادانی، غیر خداوند خالق را ستایش می کنند.

۱۵ - جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا .. و

برداشت بالا، براساس این احتمال است که <لا يعلمون> مفعولٌ به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفی علم از مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۹

۹ - ظلم و جهل آدمی ، سبب شد که امانت الهی را بپذیرد .

الأمانة ... و حملها الإنسن إنّه كان ظلومًا جهولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۷

۷ - بی پروایی و نترسیدن از خدا ، برخاسته از جهل و ناآگاهی نسبت به عظمت پروردگار است .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء .. إنّما يخشى الله من عباده العلماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرک و کفر، مولود جهل و ناآگاهی است .

بل أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۲

۲ - ناآگاهی از مشیت و تقدیر خداوند در رزق و روزی انسان ها ، سبب انتساب نعمت ها و برخوردارگی ها به دانش بشری است .

قال إنما أوتيته على علم .. أولم يعلموا أن الله ييسر الرزق لمن يشاء و يقدر

آیه شریفه در مقام بیان نقش خداوند در برخوردارگی ها و نعمت های انسان ها است. این مسأله می تواند از چرایی متناسب کردن نعمت ها به دانش بشری از سوی انسان ها حکایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴ - ۶

۶ - جهل و جاهلیت ، ریشه روی گردانی بیشتر مردم از آیات روشن وحی

لقوم يعلمون .. فأعرض أكثرهم

از تفریع <أعرض أكثرهم> بر آیه قبلی، استفاده می شود که علت اعراض بیشتر مردم از قرآن، نادانی ایشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۴

۴- بی داندی نسبت به حقانیت هستی و اهداف ارزشی آفرینش ، عامل انکار معاد

إن هي إلا موتتنا الأولى .. و لكن أكثرهم لا يعلمون

از ارتباط میان <إن هؤلاء ليقولون> با <و لكن أكثرهم لا يعلمون> استفاده می شود که انکار معاد، ریشه در جهل نسبت به حقانیت آفرینش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - جهل و هواپرستی ،

منشأ و خاستگاه مخالفت با شریعت و آیین الهی

جعلنک علی شریعه .. و لا تتبع أهواء الذين لا يعلمون

از تقابل میان <أهواء> با <شریعه> می توان استفاده کرد که هر آنچه مخالف با شریعت باشد، ریشه در هوا و هوس های جاهلانه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۶ - ۸

۸- تردید در امکان و تحقق معاد، ناشی از جهل آدمیان است؛ نه معقول نبودن آن.

لاریب فیه و لکنّ أكثر الناس لا يعلمون

جمله <و لکنّ أكثر الناس لا يعلمون> می تواند جواب سؤال مقدر باشد؛ به این که اگر معاد، تردید را بر نمی تابد، پس انکار آن از چه رو است؟ قرآن پاسخ می دهد: بیشتر مردم جاهل اند و جهلشان آنان را به تمسک واداشته است؛ نه پیچدگی مسأله معاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴- جهل و استکبار، ریشه بسیاری از انکارها و حق ستیزی ها

و إذ لم یهدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

تعبیر <و إذ لم یهدوا..>، در حقیقت بیان نمونه ای از این حقیقت کلی است که تکذیب ها و انکارها در بسیاری از موارد متفرع بر زمینه نداشتن، جاهل بودن و برخورد مستکبرانه با حقایق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۸

۸- کفر در برابر پیام انبیا، ناشی از جهالتورزی است.

قالوا أجبثنا لتأفکنا عن ءالهننا .. و لکنی أریکم قومًا تجهلون

۱۰ - جهل و ناآگاهی ، مایه دلخوش شدن انسان به مظاهر زندگی دنیایی و بی توجهی به ذکر خدا و عبادت او و مصالح نهفته در آن

ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۵

۵ - جهالت ، ریشه برترنمایی و مسابقه رقیبان در کسب مال و مقام

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

مفعول محذوف <تعلمون> چه عام (پوچی افتخارات مادی) باشد و چه خاص (پوچی افتخار به عدد افراد قبیله) بی ارزشی تکاثر را شامل می شود.

آثار جهل اکثریت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۲۱

۲۱ - جهل بیشتر مشرکان مکه به خاستگاه الهی امنیت و رفاه اقتصادی آن شهر ، عامل روی گردانی آنان از پذیرش هدایت الهی (اسلام) بود .

و قالوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَىٰ... و لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

آثار جهل امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۳

۳ - اختلافات دینی امت های پیشین ، ناشی از روح تجاوزگری بود نه از جهالت و نادانی

و ما تفرّقوا إِلَّا من بعد ما جاءهم العلم بعیا بینهم

آثار جهل اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۵

۵ - جهل و ناآگاهی مردم انطاکیه از فلسفه انتخاب رسولان از میان انسان ها ، سبب تکذیب کردن آنان شده بود .

قالوا ربّنا یعلم إنّنا إلیکم لمرسلون

آثار جهل برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۵

۵ یوسف (ع) جهل و نادانی برادرانش را منشأ ستم آنان به وی و بنیامین دانست .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

آثار جهل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۸ - ۳

۳ - موسی (ع) ، جهالت مردم را پایه طغیان فرعون دانست .

یفقهوا قولی

تأکید موسی(ع) بر آگاه سازی اطرافیان فرعون در جهت مبارزه با طغیان گری او گویای این است که موسی(ع)، ریشه موفقیت فرعون را در ناآگاهی اطرافیانش می دانست.

آثار جهل به ارزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۳

۳ جهل و عدم درک صحیح نسبت به مفاهیم دینی و ارزش های الهی ، عامل بد تفسیر کردن و ناروا شمردن آنها

و أجدر ألا يعلموا حدود ما أنزل الله . . . يتخذ ما ينفق مغرماً

جمله <يتخذ ما ينفق مغرماً> می تواند نمونه ای باشد از آنچه در آیه قبل به طور کلی درباره جهل و نادانی بادیه نشینان گفته شده.

آثار جهل به پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - مشخص نبودن پیشینه زندگی شخص ، مانع از پذیرش ادعای او در رابطه با نبوت و وحی

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

آثار جهل به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ کسانی که نزول وحی بر بشر و رسالت یافتن او را انکار می کنند، خداوند را، آن گونه که هست، نشناخته اند.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر

۲ انکار وحی و رسالت یافتن بشر، معلول نقصان معرفت آدمی به خداوند است.

و ما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۹ - ۶

۶ - انتساب عملی بدون رجحان و برتری به خداوند، نسبتی نابه جا به او و نشانه نشناختن منزلت او است.

فاستفتهم أَلرَّبِّكَ الْبَنَاتِ وَ لَهُمُ الْبَنُونَ

آثار جهل به خدا شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۲

۲ - شرک و عبادت غیر خدا، اندیشه ای برخاسته از عدم شناخت درست خدا است.

و ما قدروا الله حق قدره

آثار جهل به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۴ - ۱۶

۱۶ دل بستگی به زندگی دنیوی، نتیجه عدم شناخت صحیح دنیاست.

إنما مثل الحيوة الدنيا .. و ظن أهلها أنهم قدرون عليها ... كذلك نفصل الأيت لقوم

آثار جهل به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۳

۳ جهل و عدم درک صحیح نسبت به مفاهیم دینی و ارزش های الهی ، عامل بد تفسیر کردن و ناروا شمردن آنها

و أجدر ألا يعلموا حدود ما أنزل الله

... يتخذ ما ينفق مغرمًا

جمله <يتخذ ما ينفق مغرمًا> می تواند نمونه ای باشد از آنچه در آیه قبل به طور کلی درباره جهل و نادانی بادیه نشینان گفته شده.

آثار جهل به ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۷ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، ناشی از درک نادرست از ربوبیت خدا بر جهان هستی است .

أُنْفِكَا ءِالِهَهُ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ . فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

آثار جهل به صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۳

۱۳- برخی شبهه های عقیدتی انسان ، ناشی از عدم شناخت عمیق صفات الهی است .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي .. قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

از اینکه خداوند، برای رفع شبهه منکران معاد، آنان را به قدرت عظیم خویش توجه داده، نکته فوق قابل استفاده است.

آثار جهل به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - بی خبری از قدرت خداوند ، مایه انکار معاد است .

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ بَدَأَ اللَّهُ الْخَلْقَ .. إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- تردید در رخداد قیامت، نشانگر عدم شناخت قدرت کامل خداوند است.

و إِنَّهُ لَعَلِمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا

آفرینش شگرف عیسی(ع)، نشانه ای بر قدرت خداوند است و از آن جا که این آفرینش دلیل بر امکان معاد شمرده شده، می توان استفاده

کرد که تردید در مورد قیامت، ناشی از غفلت نسبت به قدرت بی همتای خداوند است.

آثار جهل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۳

۳ - مشخص نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران صدراسلام برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۲

۲ - روشن نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۴

۴ - آگاه نساختن مردم حتی پیامبر (ص) از زمان وقوع قیامت ، مؤثر در رشد و تربیت آنان

إلی ربِّک منتهیها

واژه <ربِّک>، گواه این است که هدف از مسکوت گذاشتن زمان قیامت، تربیت و رشد دادن است و چون پوشیده ماندن آن، تنها ویژه پیامبر(ص) نبوده است؛ می توان سودمندی آن را به همگان تعمیم داد.

آثار جهل به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۴

۴ نازل نشدن قرآن موجب اعتراض گمراهان و مشرکان در قیامت به سبب نداشتن کتاب آسمانی و دور ماندن از هدایت‌های

الهی

أو تقولوا لو أنا أنزل علينا الكتب لكانا أهدى منهم

آثار جهل به هدايتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۷ - ۴

۴ - بی خبری از هدایت های الهی ، گمراهی است .

و وجدك ضالاً فهدی

ضلالت و هدایت، دارای

مراتب است و عدم آگاهی پیامبر(ص) پیش از بعثت، به معارفی که پس از بعثت بر آن حضرت نازل شد، در آیه شریفه نوعی ضلالت قلمداد شده است که با بعثت، به هدایت تبدیل شد.

آثار جهل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۲

۲ - استکبار و خودبرتربینی قوم عاد ، برخاسته از امور واهی و غیر منطقی

فأما عاد فاستكبروا في الأرض بغير الحقّ

باء در <بغير الحق> سببیه است.

آثار جهل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۴

۴- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أو لم يروا أن الله الذي خلق السموت و الأرض قادر على أن يخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۹ - ۳

۳- جهل کفار به سختی و شدت عذاب الهی ، عامل تعجیل آنان برای تحقق عذاب است .

و يقولون متى هذا الوعد . . . لويعلم الذين كفروا حين لا يكفون عن وجوههم النار ...

برداشت یاد شده بر این اساس است که جواب مقدر <لو> جمله <لما استعجلوا العذاب أو قيام الساعة> (در نزول عذاب و یا در برپایی قیامت عجله نمی کردند) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۹

۹ - استبعاد معاد از سوی کافران ، ناشی از ناآگاهی آنان از قدرت مطلقه خداوند است .

خلق السموت .. زعم

الذین کفروا أن لن یبعثوا قل بلی و ربی لتبعثنّ ... و ذلک عل

آثار جهل کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۷

۷ - تکذیب رسالت پیامبر اسلام از جانب کافران ، برخاسته از ناآگاهی و غفلت آنان ، از سرنوشت شوم تکذیب کنندگان بود

فأذقهم الله الخزی . . . لو كانوا یعلمون

آثار جهل مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۴

۴ - نکوهش خداوند از قشر مرفه و ناسپاس ، به خاطر ناآگاهی آنان از مشیت و تقدیر الهی در رزق و روزی انسان ها

أولم یعلموا أن الله یسط الرزق لمن یشاء و یقدر

استفهام در <أولم یعلموا..> از نوع استفهام انکاری توییخی است.

آثار جهل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۱۰

۱۰ جهل و ناآگاهی مشرکان ، فلسفه دستور خدا به پیامبر (ص) مبنی بر به حضور پذیرفتن آنان و ابلاغ پیام وحی به آنان

و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره . . . ذلک بأنهم قوم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۷

۷- زیر سؤال بردن وقوع قیامت از سوی مشرکان ، ناشی از جهل آنان بوده است .

و لكنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ . و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

برداشت یاد شده بنا بر عطف <يقولون> بر عبارت قبل، از باب عطف مسبب بر سبب است؛ یعنی، بیشتر مردم نمی دانند و

[به خاطر همین ندانستن]، معاد را زیر سؤال می برند.

آثار جهل مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۹

۱۹ - گرایش مشرکان صدراسلام به شرک ، برخاسته از جهل و ناآگاهی اکثریت آنان بود .

بل اکثرهم لایعلمون

آثار جهل ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۲۰

۲۰ - نا آگاهی فرشتگان به ارزش های والای انسان ، موجب شد تا فسادگری او برای فرشتگان جلوه گر شود و به خلقت و خلافتش معترض باشند .

أتجعل فیها من یفسد فیها .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

آثار جهل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶ - ۵

۵ - آگاه نبودن اهل نفاق به سود و زیان واقعی خویش ، عامل اختیار کردن ضلالت و از دست دادن هدایت

أولئک الذین اشتروا الضلله .. و ما کانوا مهتدین

جمله <ما کانوا مهتدین> عطف بر جمله <اشتروا الضلاله بالهدی> است و به منزله علت برای آن می باشد، یعنی: چون به سود و زیان واقعی خویش راه نیافتند، به چنین تجارتی دست زدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۶

۱۶ بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو کانوا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۴

۱۴ - توطئه منافقان علیه پیامبر)

ص) ، برخاسته از جهل و نادانی آنان بود .

ليُخرجنَّ الأَعزَّ منها الأذْلَّ . . . و لكنَّ المنفقين لا يعلمون

ادعای ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۷ - ۱

۱ - نهی کننده پیامبر (ص) از نماز ، مدعی نفوذ کلام در بین هم نشینان خویش

فلیدع نادیه

کلمه <نداء> تعبیری دیگر از مجالست است و مجلس را <نادی> و <مُنتدی> می گویند (مفردات راغب). و همانگونه که گاه مراد از <قریه>، اهل قریه است، در آیه شریفه نیز مراد، اهل مجلس است.

اعراض ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۲ - ۳

۳ - ابوجهل ، دین اسلام را تکذیب و از پذیرش تعالیم آن امتناع کرد .

و لكن کذب و تولی

افشای جهل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - برملا شدن ضعف و ناتوانی معبود ها (اصنام) و جهل و نادانی پرستندگان آنها با ضرب المثل خداوند ، برای همگان

ضعف الطالب و المطلوب

<ضعافه> (مصدر <ضعف>) به معنای ناتوان شدن است یعنی، طالب و مطلوب هر دو ناتوان شدند. ظاهراً مقصود این است که با دلایل قاطع و غیرقابل انکاری که ارائه شد، نه تنها ضعف و ناتوانی بت ها بلکه جهل و نادانی پرستندگان آنها نیز

بر همگان آشکار شد.

انبیا و جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۲

۲ امکان بی اطلاع بودن پیامبران از اندیشه و افکار

إنا له لحفظون .. فلما ذهبوا به و أجمعوا أن يجعلوه في غيبه الجب

ترك نماز ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۶

۶ - ابو جهل ، نه دین اسلام را تصدیق کرد و نه نماز گزارد .

فلا صدق و لا صلی

بر اساس شأن نزول، این آیه تا آیه ۳۵ درباره ابو جهل است.

تفاخر ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۴

۴ - ابو جهل ، فردی مغرور و فخر فروش در میان کسان خویش

ثم ذهب إلى أهله يتمطى

تکذیبگری ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۶

۶ - ابو جهل ، نه دین اسلام را تصدیق کرد و نه نماز گزارد .

فلا صدق و لا صلی

بر اساس شأن نزول، این آیه تا آیه ۳۵ درباره ابو جهل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- ابوجهل، دین اسلام را تکذیب و از پذیرش تعالیم آن امتناع کرد.

و لکن کذب و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۳ - ۲

۲- شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز، رهنمود های آن حضرت را دروغ پنداشته و از پذیرش آن روی گردان بود.

أرءیت الذی ینهی .. أرءیت إن کذب و تولی

جمله <کذب و تولی>، مربوط به <الذی ینهی> و توصیف کسی است که پیامبر(ص) را از نماز نهی می کرد. بسیاری از مفسران، وی را ابوجهل

دانسته اند. متعلق < کذب > به قرینه < کان علی الهدی. أو أمر بالتقوی > هدایت های ارائه شده از جانب پیامبر(ص) و فرمان های تقواساز او است.

تهدید ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۳

۳ - ابو جهل ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب

أولی لك فأولی ثم أولى لك فأولی

تهمت جهل به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲ - ۴

۴ - اتهام گمراهی و جهل به پیامبر (ص) از سوی مشرکان

ما ضلّ صاحبکم و ما غوی

آیه شریفه در رد این دیدگاه مشرکان است که پیامبر(ص) را متهم به گمراهی و جهل می کردند.

تهمت جهل به مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۰

۱۰ پیروان پیامبر (ص) ، در پندار و بیان نکوهشگر و طعن آلود مشرکان ، مردمانی نادان و دنباله رو فردی سحر زده

و قالوا .. إن تتَّبَعون إلا رجلاً مسحوراً

از لحن آیه شریفه، استفاده می شود که کافران، این سخن را از سر نکوهش و طعن می گفتند و چون پیروی از فردی سحرزده، امری غیر منطقی است، در حقیقت پیروان آن حضرت را، مردمانی نادان می پنداشتند.

جهل آزر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۶ - ۲

۲- آزر، پیش از دعوت شدن به توحید از سوی ابراهیم (ع)، از عقاید توحید آن حضرت بی خبر بود.

قال أراغب

أنت عن الهتي

اظهار شگفتی و ناباوری آزر از عقاید توحیدی ابراهیم(ع)، دال بر این است که تا پیش از آن آزر او را در عقاید، همراه خود می دیده و به همین خاطر است که پس از اظهارات حضرت ابراهیم(ع)، وی دچار شگفتی و ناباوری می شود.

جهل اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۶ - ۱،۶

۱ - بسته شدن همه راه های خیر بر مشرکان ، در روز قیامت

فعمیت علیهم الأنباء یومئذ

فعل <عمیت> متضمن معنای <خفیت> است. <الأنباء> (جمع <نبأ> (خبر)، همراه با <ال>) مفید استغراق است. بنابراین <عمیت علیهم الأنباء>؛ یعنی، <خفیت علیهم کلّ نبأ>.

۶ - پوشیده ماندن خبرها بر مشرکان ، باعث اقدام نکردن آنان به پرسش از یکدیگر

فعمیت علیهم الأنباء یومئذ فهم لایتساءلون

برداشت یاد شده از تفریع جمله <فهم لایتساءلون> بر <عمیت...> استفاده می شود.

جهل اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۸،۱۹

۱۸ اشراف و سران کفرپیشه قوم نوح ، ناآگاه به مقام بلند مؤمنان و پیروان آن حضرت

و لکنی أریکم قومًا تجهلون

به قرینه <إنهم ملاقوا ربهم> می توان گفت که: مفعول <تجهلون> مقام والا- و ارجمند مؤمنان به نوح(ع) است. براین اساس <أراکم...>؛ یعنی ، می دانم که شما به مقام والای مؤمنان (لقای آنان با خدا) آگاهی ندارید.

۱۹ اشراف قوم نوح ، ناآگاه به مرتبه والای <لقاءالله> و تقرب به درگاه خدا

إنهم ملقوا ربهم و لكنى أريكم قومًا تجهلون

جهل اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸- باغداران یمنی ، گرفتار جهل و افراط و تفریط

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

جهل اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- اصحاب كهف ، از مدّت زمان خواب خویش ، کاملاً بی اطلاع بودند .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا .. و لَنْ تَفْلَحُوا إِذَا أُبْدُوا

بدیهی است اگر اصحاب كهف، احتمال گذشت چندین قرن از زمان خوابیدن خویش را می دادند، هرگونه تغییر و تحوّل را محتمل می دیدند و وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه را، همان وضعیت دوران خویش فرض نمی کردند.

جهل اضلالگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۶

۱۶ - جهل و ناآگاهی گمراه سازان مردم ، مانع عذاب آنان نیست .

ليضلّ عن سبيل الله بغير علم .. لهم عذاب مهين

جهل اكثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۲

۲۲ بیشتر مردم از بصیرتی که آنان را به حقانیت قرآن رهنمون شود ، محرومند .

أفمن كان على بينة من ربه .. و لكنّ أكثر الناس لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲۴

۲۴ اکثریت مردم به جریان امور به تدبیر خدا و توان او بر انجام مشیتهایش و ناتوانی همگان در برابر او ، ناآگاهند .

و الله غالب على أمره و لكن أكثر الناس لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰

۱۹ اکثریت مردم (مشرکان) ، ناآگاه به استواری توحید و یگانه پرستی و اتکای آن بر برهان

ذَٰلِكَ الدِّينَ الْقِيمَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

در برداشت فوق ، <الناس> عموم مردم گرفته شده است. بر این اساس ، مقصود از <أكثر> مشرکان خواهد بود. مفعول <لا يعلمون> به قرینه جمله های قبل ، استواری توحید بر برهان و دلیل برهانی نداشتن شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۲۱

۲۱ بیشتر مردم به اسباب و علل چشم می دوزند و از حاکمیت اراده خدا و لزوم توکل بر او ، ناآگاهند .

و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۹،۱۳

۹- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بَلَىٰ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لا يعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۳- اکثریت انسان ها ، درباره حقیقت معاد چیزی نمی دانند .

و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

احتمال دارد مفعول به <لا يعلمون> ، <شیئاً> محذوف باشد و بنابراین نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۸،۱۰

۸ - بیشتر مشرکان ، گرفتار جهل و بی دانشی اند .

بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

ضمیر <هم> به مشرکان بازمی گردد.

۱۰ - بیشتر انسان ها ، فاقد آگاهی نسبت به نقش خدای یگانه در ایجاد هماهنگی میان اجزای طبیعت

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا .

.. و جعل ... و جعل... آءله مع الله بل أكثرهم لا يعلمون

ضمیر <هم> در <أكثرهم> می تواند به توده انسان ها بازگردد؛ بدین گونه که خداوند نخست مظاهر ژرف هماهنگی نظام طبیعت را برمی شمرد و در پایان تذکر می دهد که فهم این رموز و اسرار، برای بسیاری از مردم دشوار است و آنان به این اسرار جاهلند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۴

۴ - اکثر مردم ، از دانش و آگاهی و شناخت حقایق بی بهره اند .

و لكن أكثر الناس لا يعلمون

برای فعل <لا يعلمون> مفعول خاصی آورده نشده است، این احتمال وجود دارد که مراد، نفی علم و آگاهی به صورت کلی باشد؛ یعنی، بیشتر مردم، اهل علم و دانش نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ - اکثریت مردم ، به دین حقی که فطرت انسان ها با آن هماهنگ است ، جاهل اند .

فطرت الله .. و لكن أكثر الناس لا يعلمون

متعلق <لا يعلمون> در آیه نیامده است. احتمال دارد به قرینه ذکر دین فطری (اسلام)، متعلق آن نکته ای باشد که در بالا آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۸ - ۴

۴ - بشتت مردم ، از رسالت جهانی پیامبر (ص) بی خبراند .

و ما أرسلنك إلا كافة للناس .. و لكن أكثر الناس لا يعلمون

متعلق <لا يعلمون> تعیین نشده است؛ ولی به قرینه این که سخن از رسالت جهانی پیامبر (ص) می باشد، متعلق <لا يعلمون> می تواند همان

رسالت جهانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۶ - ۵

۵ - بیشتر مردم ، درباره منشأ قبض و بسط روزی بندگان ، آگاهی ندارند .

إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۶،۱۷

۱۶ - ناآگاهی بیشتر مردم ، از شایستگی انحصاری حمد و ستایش برای خداوند

الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که متعلق جهل، مسأله حمد و اختصاص آن به خدا باشد؛ یعنی، <بل أكثرهم لا يعلمون أنّ الحمد لله>.

۱۷ - ناآگاهی بیشتر مردم از شایستگی انحصاری خداوند به عبادت و پرستش و ضرر و زیان شرک

ضرب الله مثلاً رجلاً .. بل أكثرهم لا يعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که متعلق جهل، مسأله برابر نبودن دو مثل مربوط به مؤمن و مشرک و سرنوشت ایمان و شرک باشد؛ یعنی، <بل أكثرهم لا يعلمون أنّهما لا يستویان>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۸،۱۹

۱۸ - جهل و بی خبری بیشتر انسان ها نسبت به آزمایش بودن نعمت ها و آسودگی ها برای انسان

بل هی فتنه و لکن أكثرهم لا يعلمون

برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است که متعلق علم در <لا يعلمون>، فتنه بودن نعمت باشد.

۱۹ - بیشتر انسان ها از منشأ اصلی نعمت ها و آسودگی ها (خدایی بودن آنها) و مقدار تأثیر دانش بشری در پدید آمدن آنها

، بی خبر و ناآگاه اند .

قال إنما أُوتيته على

علم بل هی فتنه و لکنْ اکثرهم لایعلمون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که متعلق علم در <لایعلمون>، مطلبی باشد که از جمله <قال إنّما أوتيته..> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۵

۵ - بیشتر مردم ، به عظمت آفرینش جهان و قدرت بی پایان خداوند و امکان حیات مجدد انسان ها در قیامت پی نبرده اند .

لخلق السموت و الأرض أكبر .. و لکنْ اکثر الناس لایعلمون

برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است که متعلق <لایعلمون> مطلبی باشد که در آغاز آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۶ - ۶،۷

۶ - حتمی بودن وقوع قیامت ، به رغم جهل و ناآگاهی بیشتر مردم نسبت به آن

لاریب فیه و لکنْ اکثر الناس لایعلمون

۷ - معاد ، مورد جهل و تردید بیشتر مردم در طول تاریخ

و لکنْ اکثر الناس لایعلمون

از این که به جای ارجاع ضمیر به مشرکان مکه، واژه <الناس> به کار رفته که دارای مفهومی عام و گسترده است مطلب بالا استفاده می شود.

جهل اکثریت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۳

۱۳ اغلب درخواست کنندگان نزول معجزات از تأثیر نداشتن آن بر کافران آگاهی نداشتند.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لکنْ اکثرهم یجهلون

مرجع ضمیر در <أكثرهم> می تواند مؤمنانی باشد که خواهان نزول آیات و اجابت درخواست مشرکان بودند، چنانچه در آیات قبل نیز این احتمال یاد شد.

جهل

اکثریت اهل مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۲۰

۲۰ - بیشتر مردم مکّه در عصر بعثت ، گرفتار جهل و ناآگاهی نسبت به تعلق اراده الهی بر تضمین امنیت آن مکان مقدس و تأمین روزی ساکنان آن بودند .

أولم نمکن لهم حرماً ءامناً... و لكنّ أكثرهم لا یعلمون

جهل اکثریت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۴

۴ - بیشتر ظالمان ، بی خبر از کیفیهای دنیوی و اخروی خویش

و لكنّ أكثرهم لا یعلمون

جهل اکثریت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۶

۶ - بیشتر کافران و مشرکان ستیزه جو و مجادله گر در صدر اسلام ، مردمی غافل و بی خبر از معارف الهی (چون توحید و معاد) بودند .

و لكنّ أكثر الناس لا یعلمون

ممکن است مقصود از <الناس> در آیه شریفه، مردم عصر نزول قرآن (چون اهل مکّه) باشد. برداشت یادشده بر این احتمال مبتنی است.

جهل اکثریت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ ناآگاهی اغلب مشرکان از قدرت خداوند بر فرستادن هر گونه معجزه و نشانه

إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَنْزِلَ عَلَيْهِ و لَكِن أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

مفعول <لا يعلمون>، به قرینه فراز قبل آن، قدرت الهی است، یعنی: <لا يعلمون أن الله قادر...>

۸ ناآگاهی اغلب مشرکان به فلسفه عدم نزول معجزات درخواستی آنان

و قالوا لولا نزل عليه آية... و لكن أكثرهم لا يعلمون

برداشت فوق

بر این اساس است که <لا يعلمون> جمله ای مانند <حکمه عدم نزول الآيات> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۴، ۱۵

۱۴ بسیاری از منکران معاند به تأثیر نداشتن هیچ آیه و معجزه ای در قلب خویش ناآگاه هستند.

و لکن اکثرهم یجهلون

متعلق <یجهلون> در کلام مذکور نیست. ، ولی به قرینه موضوعات مطرح شده در آیه متعلق آن می تواند چنین باشد: <یجهلون عدم ایمانهم>. مرجع ضمیر <اکثرهم> در این برداشت همان مشرکانی هستند که قسم یاد می کردند که در صورت نزول آیتی ایمان خواهند آورد.

۱۵ ناآگاهی اغلب مشرکان لجوج به تعیین کننده بودن مشیت الهی جهت متمایل ساختن آنان به ایمان

ما كانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لکن اکثرهم یجهلون

متعلق <یجهلون> می تواند <مشیه الله> باشد، یعنی اکثر مشرکان به نقش مشیت الهی ناآگاه بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۲۳

۲۳ اکثر مشرکان ، ناآگاه به درستی و استواری توحید و سستی و نادرستی شرک

ما تعبدون من دونه ... و لکن اکثر الناس لا یعلمون

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <الناس> مشرکان باشد. بنابراین <و لکن اکثر الناس لا یعلمون> گویای این نکته است که: بیشتر مشرکان [حقیقت] را نمی دانند و برخی از آنان بدان آگاهند؛ ولی به خاطر عناد یا خوف از دست دادن ریاست و مانند اینها، به توحید نمی گرایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۰ - ۲۰

۲۰ - اکثر مشرکان ، مردمانی نادان

و جاهل اند .

و لکن اکثر الناس لا یعلمون

احتمال دارد <ال> در <الناس> عهد بوده و مراد از آن، مشرکان باشد که در آیات پیش درباره آنها سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۸ - ۵،۶

۵ - موضع گیری بیشتر مشرکان علیه پیامبر (ص) ، به دلیل ناآگاهانه بودن آن ، فاقد وجاهت و اعتبار است .

و ما أرسلنک إلا کافه للناس .. و لکن اکثر الناس لا یعلمون

ذکر <و لکن اکثر الناس لا یعلمون> پس از بیان قلمرو رسالت پیامبر(ص) و نقش آن حضرت، می تواند به منظور دفع توهم باشد. آن توهم این است که اکثریت مشرکان با رسالت پیامبر(ص) مخالف اند و چنین امری تأثیری منفی در رسالت آن حضرت دارد. خداوند جواب می دهد که نظر چنین اکثریتی بی فایده است.

۶ - بیشتر مشرکان ، از آنچه پیامبر (ص) به آن بشارت می دهد و یا هشدار می دهد ، بی خبراند .

بشیراً و نذیراً و لکن اکثر الناس لا یعلمون

متعلق <لا یعلمون> محذوف است و احتمال دارد به قرینه ذکر بشارت و انذار در آیه، همین دو باشد. گفتنی است احتمال دارد <ال> در <الناس> عهد بوده و مراد از <الناس> مشرکانی باشند که از آغاز سوره تا این جا از آنان سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۶ - ۹

۹ - بیشتر مشرکان ، درباره منشأ کمی و زیادی مال و مکت ، ناآگاه اند .

و قالوا نحن اکثر أموالاً .. قل إن ربی

يسط الرزق ... و لكنْ أكثر الناس لا يعل

<ال> در <الناس> به قرينه آیات پیشین که درباره مشرکان است می تواند عهد بوده و به مشرکان اشاره داشته باشد.

جهل اکثریت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۱

۱۱- بیشتر مشرکان صدراسلام ، ناآگاه و جاهل به حق بودند .

بل أكثرهم لا يعلمون الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۶

۶- بیشتر کافران و مشرکان ستیزه جو و مجادله گر در صدر اسلام ، مردمی غافل و بی خبر از معارف الهی (چون توحید و معاد) بودند .

و لكنْ أكثر الناس لا يعلمون

ممکن است مقصود از <الناس> در آیه شریفه، مردم عصر نزول قرآن (چون اهل مکه) باشد. برداشت یادشده بر این احتمال مبتنی است.

جهل اکثریت مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۱۰

۱۰- اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

بلی وعدًا علیه حقًا و لكنْ أكثر الناس لا يعلمون

برداشت فوق، بر اساس این نکته است که <ال> در <الناس> عهد ذکر شده و مراد از آن مشرکانی باشند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

جهل انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۶ - ۱۹

۱۹ انسان بدون هدایت الهی ، در تشخیص مصالح و مفاسد خویش دچار اشتباه می شود .

کتب علیکم القتال و هو کره لکم

... و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۱۶

۱۶ جهل انسان به حکمت ها و آثار احکام الهی

فلا تعضلوهنَّ . . . و الله يعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۲۰

۲۰ بینش محدود آدمی ، منشأ اعتراض وی به افعال الهی

قالوا انی . . . و الله واسع علیم

جمله < و الله واسع علیم > تعریضی به مُعترضین است که شما بینشی محدود دارید و لذا اعتراض به گزینش طالوت (افعال الهی) می کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۲۶، ۲۸

۲۶ ناتوانی انسان از شناخت خویشانی که نفعشان به وی نزدیکتر و بیشتر است .

اباء وکم و ابناؤکم لاتدرون ایهم اقرب لکم نفعاً

ناتوانی انسان از مقایسه منافع پدر با منافع پسر خویش و تشخیص برترین آنها، نمونه گویای عجز او از شناخت میزان نفع رسانی خویشان است.

۲۸ ناآگاهی از میزان سودمندی وارثان برای دنیا و آخرت آدمی ، دلیل ناتوانی وی برای تعیین صحیح سهام ارث

اباء وکم و ابناؤکم لاتدرون ایهم اقرب لکم نفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ عدم آگاهی انسان به تمامی مصالح و مفاسد خویش

فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۹ - ۳

۳ درک انتساب ناگواری ها به خداوند از یکسو و انتسابش

به انسان از سوی دیگر ، دور از فهم عموم مردم

قل كل من عند الله .. ما اصابك من حسنه فمن الله و ما اصابك من سيئه فمن نفسك

علی رغم اینکه بین رسول خدا و دیگران در قانون پیشامد مشکلات تفاوتی نیست، خطاب را متوجه پیامبر (ص) کرد تا به این نکته اشاره کند که فهم این حقیقت در خور درک عموم نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱۸

۱۸ انسان ها و حتی پیامبرانی همانند مسیح (ع) ناآگاه به آنچه خداوند در درون ذات خویش دارد .

تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۸

۸ مدت زمان استقرار و سکونت آدمیان در زمین، نامعلوم برای آنان

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلى حین

نکره آمدن کلمه <حین> بیانگر این است که مدت زمان سکونت انسانها در زمین نامعلوم است و بدان آگاهی نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۸

۸ انسان ها ، حتی پیامبران ، آگاه به امور غیبی جهان نیستند .

و لو كنت أعلم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ ناآگاهی انسان ها ، نسبت به برخی مصالح و منافع واقعی خود

ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۱

غفلت و جهل انسان نسبت به حقیقت اعمال خود در دنیا

فینبئکم بما کتتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۲

۲- وجود رخدادهایی نهانی در آسمان ها و زمین ، غیر قابل کشف برای آدمیان

و لله غیب السموت و الأرض

غیب دانستن برخی از امور و رخدادهای موجود در آسمانها، دلیل آن است که آنها از قلمرو دانش بشر بیرون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ - ذات خداوند ، حقیقتی دست نیافتنی و غیر قابل شناخت برای بشر

الله نور السموت و الأرض مثل نوره کمشکوه ... نور علی نور

برداشت یاد شده، بر اساس این دو نکته ای است که در <تشبیه نور خدا> وجود دارد: ۱- به جای تشبیه ذات خدا، یکی از اوصاف او که نور باشد مورد تشبیه قرار گرفت در حالی که آیه شریفه، در مقام معرفی خود خداوند است. ۲ نور خدا که امری نامحسوس است به چند چیز محسوس و قابل شناخت برای همگان تشبیه شده است. بنابراین ذات خدا، شناختنی نیست و آنچه قابل شناخت است، صفات او می باشد. این شناخت نیز در محدوده شناخت محسوسات میسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۸

۸- انسان ، موجودی ظلم پیشه و بس نادان است .

و حملها الإنسن إنّه کان ظلوماً جهولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۷

جهان ، دارای پدیده های جان داری است که چگونگی حاکمیت قانون زوجیت بر آنها ، برای بشر ناشناخته است .

سبحن الذی خلق الأزواج کلها . . . و ممّا لایعلمون

متعلق علم در <لایعلمون> ذکر نشده است؛ ولی به تناسب این که آیه شریفه درصدد بیان حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های جان دار جهان است، می تواند حاکمیت همین قانون باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۷۸

۷ - بشر ، ناتوان از صعود کامل به تمامی آسمان ها و دستیابی به همه حقایق عالم

فلیرتقوا فی الأسباب

<سبب> (مفرد <أسباب>) به معنای ریسمانی است که به وسیله آن فرد از درخت خرما و مانند آن بالا می رود و مقصود از آن می تواند وسیله صعود به آسمان ها باشد. برداشت یاد شده نیز مبتنی بر این احتمال است. گفتنی است: امر <لیرتقوا> در تعجیز به کار رفته است؛ یعنی، به دنبال وسیله های صعود بروید؛ ولی هرگز نمی توانید.

۸ - بشر ، ناتوان از دستیابی به حقایق مربوط به گزینش پیامبران و برگزیدن رسولان الهی به انتخاب خود

فلیرتقوا فی الأسباب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که امر <فلیرتقوا> مربوط به انتخاب پیامبران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۸

۸ - علم و آگاهی انسان ها ، محدود بوده و همواره پاره ای از حقایق برای آنان ناشناخته خواهد بود .

علم الغیب و الشهده

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که نهان و غایب بودن بعضی از امور در مقایسه با

آگاهی انسان ها، سنجیده می شود؛ و گرنه همه حقایق برای خداوند مشهود و آشکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۱

۱ انسان در دنیا، گرفتار غفلت و بی خبری نسبت به حقایق اخروی

لقد كنت في غفلة من هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۵

۵ - ناتوانی و نادانی انسان، در آغاز تولد

ذرنی و من خلقت وحيداً

کلمه <وحيداً> می تواند حال برای مفعول محذوف باشد؛ یعنی، <خلقته منفرداً>. بر این اساس و به قرینه آیات بعد (و جعلت له مالاً ممدوداً...)، مقصود از <خلقت وحيداً>، ناتوانی و ناداری انسان در آغاز تولد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۹

۹ - ذات خداوند، حیرت افزا و غیر قابل شناخت است.

الله

<أَلِهَ>؛ یعنی، متحیر ماند. برخی اهل لغت در کلمه <الله>، این معنا را مقصود می دانند. (مفردات)

جهل انسان به امانت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - انسان ها، به رغم پذیرش امانت الهی، آگاهی همه جانبه از آن نداشتند.

و حملها الإنسن إنّه كان .. جهولاً

جهل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۷

۷ هیچ کس به پایه و زیربنای قوانینی که ایجاب کننده وجود چیزی یا عامل نابودی آن است آگاهی ندارد .

و عنده أمّ الکتب

از مصادیق <أمّ الکتب> به

قرینه فراز قبل قوانینی است که بر اساس آن محو و اثبات انجام می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۵

۵- خداوند ، پیوسته موجوداتی را پدید می آورد که انسان ها به آنها آگاهی ندارند .

خلق السموت و الأرض ... خلق الإنسن ... و الأنعم خلقها لكم ... و یخلق ما لاتعلم

از اینکه <خلق> را در فرازهای قبلی به صورت ماضی و در عبارت اخیر به صورت مضارع به کار برده است، مطلب فوق برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۹،۱۳

۹- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بلی وعدًا علیه حقًا و لكنّ أكثر الناس لا یعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لا یعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۳- اکثریت انسان ها ، درباره حقیقت معاد چیزی نمی دانند .

و لكنّ أكثر الناس لا یعلمون

احتمال دارد مفعول به <لا یعلمون> ، <شیئاً> محذوف باشد و بنابراین نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۲،۳

۲- انسان به هنگام تولد از مادر ، فاقد هرگونه دانش و آگاهی است .

أخرجکم من بطون أمهتکم لاتعلمون شیئاً

۳- عدم برخورداری فرزندان انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و

حکمت الہی *

و الله أخرجكم من بطون أممتهكم لاتعلمون شيئاً

این آیه در مقام

اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۸،۹

۸ - علم و آگاهی خداوند به اسرار مردم و جهل آنان به اسرار یکدیگر

و الله يعلم و انتم لاتعلمون

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که مفعول <يعلم> اسرار مردم و علایق آنان باشد؛ چنان که تعبیر <يحبون> (دوست دارند)، تأیید کننده همین مطلب است.

۹ - انسان ها نسبت به پیامد و بازتاب شوم دنیوی و اخروی اشاعه فحشا در جامعه ، آگاهی درست و کاملی ندارند .

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَحْشَةُ .. و الله يعلم و انتم لاتعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مفعول <لاتعلمون> نتیجه و بازتاب کار زشت اشاعه فحشا و فساد جنسی در جامعه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۵،۷

۵ - انسان ها ، از آینده خود و حتی دستاورد های فردای خویش ، ناآگاه اند .

و ما تدری نفس ماذا تكسب غداً

۷ - انسان ها ، از جایگاه و مکان مرگ خویش ، بی اطلاع اند .

و ما تدری نفس بأیّ أرض تموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۶

۶ - زمان وقوع قیامت ، برای هیچ کس روشن نیست .

متی هذا الوعد .. قل لكم ميعاد يوم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، به سؤال درباره زمان وقوع پاسخ نداده و تنها به حتمی بودن وقوع آن بسنده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۵

۵ - بیشتر مردم ، به عظمت آفرینش جهان و قدرت بی پایان خداوند و امکان حیات مجدد انسان ها در قیامت پی نبرده اند .

لخلق السموت و الأرض أكبر .. و لكن أكثر الناس لا يعلمون

برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است که متعلق <لا يعلمون> مطلبی باشد که در آغاز آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - ناآگاهی انسان ها ، نسبت به بعضی از مصالح و منافع واقعی خود

ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۳ - ۱

۱ - آگاهی به زمان وقوع قیامت حتی برای پیامبر (ص) مقدور نیست .

فيم أنت من ذكريها

<ذكري> به معنای ذکر فراوان است. این کلمه نسبت به کلمه <ذکر>، مبالغه بیشتری دارد (مفردات راغب). مراد از استفهام انکاری در جمله <فيم أنت...> این است که ای پیامبر! تو منزلتی نیستی که بتوانی هرگونه اطلاعی را درباره قیامت، به آنان ارائه کنی.

جهل اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - جهل و ناآگاهی مردم انطاکیه ، از فلسفه بعثت پیامبران و حکمت گزینش

آنان از میان انسان ها

قالوا ربنا يعلم إنا إليكم لمرسلون

یادآوری علم و دانایی خداوند، پس از تکذیب رسولان الهی به دلیل بشر بودن آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جهل اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۱۷

۱۷ ناآگاهی عالمان اهل کتاب (دین فروشان) از ارزش والای دین و تعهد به پیمان های الهی

فبذوه .. و اشتروا به ثمناً قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ اهل کتاب و دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دينكم هزواً .. ذلك بانهم قوم لا يعقلون

برداشت فوق بر این مبناست که <لا يعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند.

اسناد <لا يعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

جهل بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۲

۲ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، مردمی دور از فرهنگ دینی و جاهلتر از آن بودند که مرز احکام الهی را به درستی بشناسند .

الأعراب أشد كفرةً و نفاقاً و أجدر ألا يعلموا حدود ما أنزل الله

جهل برادران یوسف

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۹

۱۹ > عن أبي جعفر (ع) في قوله > لتنبئهم

بأمرهم هذا و هم لايشعرون < يقول : لايشعرون أنك أنت يوسف ... >

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <لَتَنبِتْنَهُمْ.. و هم لايشعرون> روایت شده که می فرمود: [یعنی] نمی دانند تو همان یوسفی...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۳

۱۳ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

و أعلم من الله ما لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۲، ۹، ۶

۶ برادران یوسف هنگام افکندن او در چاه کنعان ، گرفتار جهل و بی خردی بودند .

هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جهلون

۹ یوسف (ع) ضمن اعتراض به عملکرد ناصواب برادرانش ، عذر تقصیرشان (جهل و نادانی) را به آنان القا کرد .

إذ أنتم جهلون

یوسف(ع) با مقید کردن عملکرد ناصواب برادرانش به زمان جهل آنان (إذ أنتم جاهلون) اشاره به این معنا دارد که: من شما را معذور می شمرم چرا که در زمانی مرتکب خلاف شدید که نادان بودید.

۱۲ > عن أبي عبد الله (ع) : ... كل ذنب عمله العبد و إن كان به عالماً فهو جاهل حين خاطر بنفسه في معصية ربه ، و قد قال في ذلك تبارك و تعالی یحکی قول یوسف لإخوته : < هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون > ففسبهم إلى الجهل لمخاطرتهم بأنفسهم في معصية الله >

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. هر گناهی را که بنده انجام دهد اگر چه به گناه بودن آن

آگاه باشد نادان است؛ زیرا خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته است. خدای تبارک و تعالی در همین مورد، قول یوسف را خطاب به برادرانش حکایت کرده که گفت: <هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون> [امام(ع) فرمود: یوسف به آنان نسبت نادانی داد؛ چون خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته بودند].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۵

۱۵ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایق درباره خداوند

الم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

جهل بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۷

۱۷ - قوم موسی به مصلحت خویش در انتخاب غذا ناآگاه بودند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱۱، ۱۶

۱۱ - موسی (ع) با جاهلانه خواندن استهزای مردم، پندار قوم خویش را درباره خود ناروا دانست .

قال أعود بالله أن أكون من الجهلین

۱۶ - قوم موسی فاقد معرفت لازم نسبت به مقام شامخ پیامبران (ع)

أتخذنا هزواً قال أعود بالله أن أكون من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۱۹

۱۹ بینش محدود بنی اسرائیل نسبت به ملاک های حقیقی گزینش، منشأ اعتراض آنان به برگزیدن طالوت

قالوا انى يكون له الملك علينا . . . و الله واسع عليم

جمله < و الله واسع عليم > تعريضى به بنى

اسرائیل است که بینش شما محدود و در نتیجه مُعترض به گزینش طالوت شده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۴، ۱۵، ۱۷

۱۴ قوم موسی مردمی جاهل و ناآگاه به ویژگی ها و صفات معبود راستین و شایسته پرستش

قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه قال إنکم قوم تجهلون

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرئیل البحر . . قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را جاهل خوانده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببیند و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

۱۷ باور به توانمندی بنده ای از بندگان (موسی) بر ساختن و تدارک دیدن معبود ، نشانه جهل و بی خردی بنی اسرائیل

اجعل لنا إلهاً . . قال إنکم قوم تجهلون

جمله <اجعل لنا إلهاً> دلالت می کند که بنی اسرائیل از موسی که خود فردی از بشر است می خواستند برای آنان خدا و معبود تدارک ببیند. موسی نیز بدین جهت آنان را جاهل شمرد. یعنی این بسیار جاهلانه است که گمان کنید بنده ای از بندگان

خدا می تواند معبودی شایسته پرستش بسازد و تدارک ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۹ - ۳

۳ موسی (ع) با تبیین فساد آیین بت پرستی ، بنی اسرائیل را که آرزومند آن آیین بودند ، بر جهلشان واقف ساخت .

قال إنکم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فیه و بطل ما کانوا یعملون

جهل به آینده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۴ - ۵

۵ - انسان ها ، از آینده خود و حتی دستاورد های فردای خویش ، ناآگاه اند .

و ما تدری نفس ماذا تکسب غداً

جهل به اجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۰

۱۰ انسان ، ناتوان از تشخیص زمان مرگ خویش و پایان زندگانی بشر در دنیا

یمتعکم متعاً حسناً إلی أجل مسئی

نکره آمدن <أجل> اشاره به این دارد که: پایان زندگی انسانها، هر چند مشخص و معین است، ولی برای آنان ناشناخته می ماند و راهی برای آگاهی به آن ندارند. قابل ذکر است که مراد از <أجل> می تواند پایان زندگی هر فرد باشد و محتمل است مقصود از آن، پایان زندگانی مجموعه انسانها در دنیا باشد.

جهل به احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۷

۷ جاهلان به حدود و احکام الهی همانند بیابان گردان دور از تمدنند ، هر چند که شهر نشین باشند .

الأعراب .. أجدر ألا يعلموا حدود ما أنزل الله

از

آیه تلازم میان بدوی بودن و ندانستن احکام الهی استفاده می شود.

جهل به احیای مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۹،۱۰

۹- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بلی وعدًا علیه حقًا و لكنَّ أكثر الناس لا يعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لا يعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۰- اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

بلی وعدًا علیه حقًا و لكنَّ أكثر الناس لا يعلمون

برداشت فوق، بر اساس این نکته است که <ال> در <الناس> عهد ذکرى بوده و مراد از آن مشرکانى باشند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

جهل به ارزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۹

۹ - جهل انسان ها به ارزش برتر پاداش های الهی ، آنان را به منافع دنیوی دلبسته کرده و از ایمان و تقوا باز داشته است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا .. لو كانوا يعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو> در جمله فوق شرطیه باشد. بر این اساس احتمالاتی قابل تصور است و از آنهاست اینکه مفعول <یعلمون> برتری پاداش الهی گرفته شود و جواب شرط از جمله <و لو أنهم ءامنوا> استفاده گردد؛ یعنی: <لو كانوا يعلمون ان ثواب الله خير لأمنوا و اتقوا> اگر می دانستند که پاداش الهی از منافع دنیوی برتر است، همانا ایمان

می آوردند و تقوا پیشه می شدند.

جهل به ارزشمندی آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۴

۴- بی دانشی نسبت به حقانیت هستی و اهداف ارزشی آفرینش ، عامل انکار معاد

إن هی إلا موتتنا الأولى .. و لكن أكثرهم لا یعلمون

از ارتباط میان <إن هؤلاء ليقولون> با <و لكن أكثرهم لا یعلمون> استفاده می شود که انکار معاد، ریشه در جهل نسبت به حقانیت آفرینش دارد.

جهل به تعالیم تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۳

۳- عوام یهود ، ناآگاه به محتوای کتاب آسمانی خویش (تورات)

لا یعلمون الكتب

جهل به تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۴

۴ اطلاع ناقص از تعالیم الهی ، زمینه گمراهی

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً من الكتب يشترون الضلالة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ نسبت دادن خوبی ها به خدا و بدی ها به پیامبر (ص) (ثنویت) ، نشانه دوری کامل از درک دقیق معارف الهی

فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا

مراد از < حدیثا > به مناسبت مورد، معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ ناآگاهی از معارف دینی با وجود امکان یادگیری آن ، گناه و ستم بر خویشان است .

ظالمی انفسهم .. قالوا الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فیها ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ ناتوانی از درک معارف دین در نتیجه لجاج و کفر، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد.

بل طبع الله علیها بکفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند و بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله <بل طبع الله> بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر(ص) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۸

۸ خواسته های نابجا، اعمال ناروا و رذایل اخلاقی یهود، نشأت گرفته از جهل آنان و ناباوری ایشان نسبت به تعالیم دین

يسئلك أهل الكتب .. لكن الرسخون في العلم منهم و المؤمنون

توصیف صالحان یهود با عنوان عالمان ژرفنگر و مؤمنان واقعی، بیانگر این حقیقت است که جهل و ناباوری به تعالیم انبیا مایه گرایش عامه یهود به اعمال ناروا و رذایل اخلاقی بوده است.

جهل به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۷

۷ جاهلان به حدود و احکام الهی همانند بیابان گردان دور از تمدنند، هر چند که شهر نشین باشند.

الأعراب .. أجدراً ألاً يعلموا حدود ما أنزل الله

از آیه تلازم میان بدوی بودن و ندانستن احکام الهی استفاده می شود.

جهل

به حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۴

۴- بی دانشی نسبت به حقانیت هستی و اهداف ارزشی آفرینش ، عامل انکار معاد

إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَتْنَا الْأُولَىٰ ... وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

از ارتباط میان <إِنَّ هُوَ لَيَقُولُونَ> با <وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ> استفاده می شود که انکار معاد، ریشه در جهل نسبت به حقانیت آفرینش دارد.

جهل به حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۷

۷- بشر ، ناتوان از صعود کامل به تمامی آسمان ها و دستیابی به همه حقایق عالم

فليرتقوا في الأسباب

<سبب> (مفرد <أسباب>) به معنای ریسمانی است که به وسیله آن فرد از درخت خرما و مانند آن بالا می رود و مقصود از آن می تواند وسیله صعود به آسمان ها باشد. برداشت یاد شده نیز مبتنی بر این احتمال است. گفتنی است: امر <ليرتقوا> در تعجیز به کار رفته است یعنی، به دنبال وسیله های صعود بروید ولی هرگز نمی توانید.

جهل به عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱ غفلت و جهل انسان نسبت به حقیقت اعمال خود در دنیا

فینبئکم بما کنتم تعملون

جهل به عوامل انحطاط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۲ - ۳

۳ سیرکنندگان راه سقوط ، ناآگاه به فریبندگی عوامل سقوط خویش

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جهل به غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم -

۳ - مشرکان ، ناآگاه از امور غیبی و ناتوان از ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

جهل به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۲

۲۲ - نشاختن قدرت خدا و پندار قدرت برای غیر او ، از عوامل شرک است .

و من الناس من یتخذ من دون الله أنداداً .. أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۹،۱۰

۹- اکثریت انسان ها ، از قدرت خداوند در احیای مجدد انسان ها ناآگاهند .

بلی وعداً علیه حقاً و لكن أكثر الناس لا یعلمون

ممکن است به قرینهء تناسب موضوع که انکار و اثبات معاد است متعلق <لا یعلمون> قدرت خداوند بر احیای مجدد انسانها باشد.

۱۰- اکثر مشرکان مکه ، از قدرت خداوند بر احیای مجدد انسان ها بی خبر بودند .

بلی وعداً علیه حقاً و لكن أكثر الناس لا یعلمون

برداشت فوق، بر اساس این نکته است که <ال> در <الناس> عهد ذکری بوده و مراد از آن مشرکانی باشند که در آیات قبل از آنها سخن به میان آمده است.

جهل به قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۲،۵

۲ سرگذشت یوسف (ع) ، سرگذشتی مهم در تاریخ بشریت و مخفی مانده بر مردمان تا پیش از بعثت پیامبر (ص)

ذلك من أنباء الغيب

<ذلك> اشاره به داستان یوسف(ع) و قضایای رخ داده در روزگار آن حضرت است ؛ یعنی: <ذلك النبأ من

أنباء الغیب > .

۵ پیامبر (ص) پیش از نزول قرآن، از خصوصیات و حقایق داستان یوسف (ع) اطلاعی نداشت .

و ما کنت لدیهم إذ أجمعوا أمرهم

جمله <ما کنت لدیهم > (نزد آنان نبود) کنایه از بی خبر بودن پیامبر(ص) از داستان یوسف(ع) است.

جهل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۶

۶ - آگاهی نداشتن غیر خدا به لحظه برپایی رستاخیز ، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما یشعرون أیّان یبعثون

با توجه به این که معبودهای دروغین مشرکان، از مصادیق مورد نظر در <ما یشعرون > هستند، از ارتباط آن با صدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمانی رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

یقسم المجرمون .. فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لاتعلمون

۱۳ - کافران ، از وقوع قیامت بی اطلاع اند و برای حضور در آن ، آماده نیستند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه .. و لکنکم کنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، موظف به اعلام بی اطلاعی خویش از زمان فرا رسیدن قیامت

قل إنّما العلم عند الله

پاسخ پیامبر(ص) (علم به زمان برپایی قیامت تنها در انحصار

خداوند است)، می رساند که خود آن حضرت نیز از آن آگاهی نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۳ - ۱

۱ - آگاهی به زمان وقوع قیامت حتی برای پیامبر (ص) مقدور نیست .

فیم أنت من ذکریها

<ذکری> به معنای ذکر فراوان است. این کلمه نسبت به کلمه <ذکر>، مبالغه بیشتری دارد (مفردات راغب). مراد از استفهام انکاری در جمله <فیم أنت...> این است که ای پیامبر! تو منزلتی نیستی که بتوانی هرگونه اطلاعی را درباره قیامت، به آنان ارائه کنی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۴ - ۵

۵ - انحصار تصمیم گیری درباره قیامت به خداوند ، دلیل ناآگاهی پیامبر (ص) از زمان وقوع آن است .

فیم أنت من ذکریها . إلی ربّک منتهیها

جمله <إلی ربّک..>، به منزله تعلیل برای جمله قبل است.

جهل به کوتاهی زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۳

۳ - دل بستگی انسان به دنیا ، معلول جهل او به ناچیز بودن عمرش

قل إن لبثتم إلا قليلاً لو أنكم كنتم تعلمون

جهل به مصالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ عدم آگاهی انسان به تمامی مصالح و مفسد خویش

فحسی ان

تكرهوا شيئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ ناآگاهی انسان ها ، نسبت به برخی مصالح و منافع واقعی خود

ذلکم خير لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - کافران حق ستیز ، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۲

۱۲ - ناتوانی مردم از درک بعضی از مصالح اجتماعی خویش و نیاز آنان به رهبری الهی

لو یطیعکم فی کثیر من الأمر لعنتم

تعبیر <لعنتم> می رساند که مردم، تمایلاتی دارند که اگر بنا باشد رهبری جامعه از تمایلات آنان پیروی کند، خود مردم به مشقت می افتند و این نیست مگر از آن جهت که تمایلات و آرای آنان، در چنین مواردی، غیر واقع بینانه و مخالف مصالح واقعی است.

جهل به مفسد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ عدم آگاهی انسان به تمامی مصالح و مفسد خویش

فغسی ان تکرهوا شيئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً

جهل به مقامات موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۳

۳ - عدم معرفت همراهان نزدیک موسی (ع) به مقام وی و شکست ناپذیری طرح و برنامه الهی او

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی.. ..

قال أصحاب موسى إنا لمدركون

تعبیر <أصحاب موسى> به جای بنی اسرائیل، می تواند تعریضی باشد به این که نه تنها بنی اسرائیل بلکه حتی یاران نزدیک موسی (ع) نیز به موفقیت آمیز بودن طرح و برنامه وی اطمینان نداشتند؛ بلکه با مشاهده فرعون، شکست موسی (ع) و گرفتاری خود را قطعی می دانستند.

جهل به مقدرات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۰ - ۳

۳ - محرومیت جن از شناخت مقدرات الهی ، درباره اهل زمین پس از ممنوعیت آنان از استراق سمع آسمان

و أنا لاندری أشرُّ أُرید بمن فی الأرض أم أُراد بهم ربهم رشداً

جهل به منشأ امور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۷

۷ هیچ کس به پایه و زیربنای قوانینی که ایجاب کننده وجود چیزی یا عامل نابودی آن است آگاهی ندارد .

و عنده أمُّ الکتب

از مصادیق <أمُّ الکتب> به قرینه فراز قبل قوانینی است که بر اساس آن محو و اثبات انجام می گیرد.

جهل به موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۶

۶ - وجود پدیده هایی خارج از قلمرو دانش بشر در جهان

و ممَّا لایعلمون

جهل به وقت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۴ - ۴

۴ زمان برپایی قیامت برای انسان ها مجهول است و همچنان مجهول خواهد ماند .

و ما نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مُّعَدَّدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱

۲- خدایانِ مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما یشعرون أئیان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر فاعلی در <یشعرون> و <یبعثون> معبودهای باطل باشد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

۳- معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

و ما یشعرون أئیان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <یبعثون> پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی <یدعون> است.

جهل تفاخر کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۵ - ۲

۲ - کسانی که به امتیازات مادی ، دل بسته و به آن فخر میورزند ، از علم و یقین محروم و از دستیابی به آن ناتوان اند .

کلاً لو تعلمون علم یقین

مخاطبانی که در آغاز سوره، با جمله <ألهیکم التکاثر> توبیخ شدند؛ در این آیه به دلیل حرف <لو> که برای امتناع است محروم از <علم یقین> معرفی شده اند. اضافه <علم> به <یقین>، اضافه بیانیه و نشانگر این است که علم مورد نظر، علمی است که از هر گونه شکّی به دور باشد.

جهل جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۵ - ۳

۳ - جن ، پیش از نزول قرآن ، از دروغ و ساختگی بودن شرک ، همسرگزینی و فرزندداری خداوند آگاه نبودند .

إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَتَكَ عَجَبًا .. وَ أَنَا ظَنَنَّا أَن لَن نَقُولَ الْإِنسَ وَ الْجِنَّ عَلَى اللَّهِ كَذ

جَهْلَ جَهَنَّمِيَّانِ

جِلْد - نَام سوره - سوره - آيه -

۵- اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲۰

۲۰ دوزخیان، از شدت عذاب یکدیگر بی خبرند.

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

جهل حق ناپدیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - کافران حق ستیز، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جهل در بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۷

۷- گناه حلال و حرام شمردن امور (بدعت گذاری)، اگر از سر جهل و نقصان علم باشد در صورت توبه و اصلاح گذشته ها مورد غفران و بخشش الهی است .

لاتقولوا... هذا حلل و هذا حرام... و علی الذین هادوا حرمنا... و لکن کانو

جهل در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۷

۷- دوران کهنسالی همراه با نادانی، از پست ترین مراحل زندگی انسان

و منکم من یردّ إلی أرذل العمر لکی لایعلم بعد علم شیئاً

جهل در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ هواپرستی و رواج خدازرش ها ، جهل و محرومیت از تعالیم دین ، از جلوه های گمراهی مردم ، پیش از ظهور پیامبر (ص)

یزکیهم و یعلمهم الکتب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین

جهل دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ -

۲ - کسانی که به امتیازات مادی، دل بسته و به آن فخر میورزند، از علم و یقین محروم و از دستیابی به آن ناتوان اند.

کَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

مخاطبانی که در آغاز سوره، با جمله <أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرُ> توییح شدند، در این آیه به دلیل حرف <لو> که برای امتناع است محروم از <علم الیقین> معرفی شده اند. اضافه <علم> به <یقین>، اضافه بیانیه و نشانگر این است که علم مورد نظر، علمی است که از هر گونه شکّی به دور باشد.

جهل رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۸، ۱۹

۱۸ سران کفر و شرک و پیروان آنان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب یکدیگر

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

مفعول <لاتعلمون> به قرینه <لکل ضعف>، ان لکل ضعفا است.

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

جهل رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۸، ۱۹

۱۸ سران کفر و شرک و پیروان آنان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب یکدیگر

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

مفعول <لاتعلمون> به قرینه <لکل ضعف>، ان لکل ضعفا است.

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خیر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

جهل ظالمان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۳

۱۳- ظالمان ، از ارزش و اجرت هجرت در راه خدا بی خبرند .

من بعد ما ظلموا .. لو كانوا يعلمون

برداشت فوق بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر <یعلمون> فاعل محذوف فعل <ظلموا> باشد.

جهل عوام یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۳،۶

۳ - عوام یهود ، ناآگاه به محتوای کتاب آسمانی خویش (تورات)

لا يعلمون الكتب

۶ - بی سوادى عوام یهود و آگاهی نداشتن آنان از تورات ، از دلایل نابجا بودن انتظار ایمان از آنها

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم .. و منهم أميون لا يعلمون الكتب إلا امانی

جمله <منهم أميون> عطف بر <قد كان فريق ..> در آیه <۷۵> است. بنابراین آیه مورد بحث نیز بیانگر علت برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جهل عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۲۰

۲۰ دانایی خداوند به درون عیسی (ع) و بی خبری عیسی (ع) از درون خداوند ، دلیل نفی الوهیت عیسی (ع) و حصر آن به خداوند .

سبحنك .. تعلم ما فى نفسى و لا اعلم ما فى نفسك انك انت علم الغيوب

جمله <سبحنك ما يكون لى ..> ، بیانگر یگانگی خداوند و نفی الوهیت از عیسی (ع) است و جمله <تعلم ما فى نفسى و لا

اعلم... که حاکی از محدودیت علمی عیسی (ع) و علم مطلق خداوند است، به منزله دلیل آن می باشد.

جهل فرعونیان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۷۸،۱۰

۷ بیشتر فرعونیان ناآگاه به نقش اراده خداوند در ابتلای آنان به سختی ها و ناخوشایندیها

ألا إنما طرهم عند الله و لكن أكثرهم لا يعلمون

۱۸ اکثر فرعونیان زمان موسی مردمی جاهل و ناتوان از تحلیل صحیح رخداد های نیک و بد

و لكن أكثرهم لا يعلمون

۱۰ اتهام شومی و نامبارکی به موسی (ع) و پیروانش از فرعونیان ، اتهامی ناروا و برخاسته از جهل آنان بود .

يطيروا بموسى و من معه .. و لكن أكثرهم لا يعلمون

جهل قایل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۲۳

۲۳ قایل ، انسانی ناآشنا به معارف الهی ، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنك .. قال انما يتقبل الله من المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۰،۳

۳ قایل ، ناآگاه از کیفیت دفن و پنهان سازی جثه هاییل

لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲۰ تأسف قایل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

جهل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۶

۶- قوم عاد ، مردمی جهالت پیشه و روی گردان از حقایق

و لکنّی اریکم قومًا تجهلون

جهل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۴ - ۱۲

۱۲ - قوم نوح ، پیش از رسالت آن حضرت ، مردمی بی بهره از

معرفت و دانش و ناآگاه نسبت به معارف و حقایق الهی بودند .

لو کنتم تعلمون

جهل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۳

۳ ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لا یحسبنّ الذین کفروا أنّما نملی لهم خیر لانفسهم أنّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ اهل کتاب و دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دینکم هزواً .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

برداشت فوق بر این مبناست که <لایعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند.

اسناد <لایعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۶

۶ ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملکاً لقصی الأمر ثم لا ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ انکار آیات الهی نشأت گرفته از روح سرکش و ستمگر کافران است، نه جهل و ناآگاهی آنان

فإنهم لا يكذبونك و لكن الظلمين بأيت الله يجحدون

<جحد> به انکاری که بر خلاف اعتقاد قلبی باشد گفته می شود. محتمل است ستمکار شمردن منکران در آیه به جهت مخالفت آگاهانه آنان با پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ اکثر کافران عصر بعثت ، ناآگاه به ضرورت تقوا برای متولیان مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون و لكن أكثرهم لا یعلمون

مفعول <لا یعلمون> حقایقی است که آیه مورد بحث بدان پرداخته است ؛ از جمله ضرورت تقوا برای والیان مسجدالحرام و نیز استحقاق عذاب برای سدکنندگان مسجدالحرام بر روی مؤمنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۰

۱۰- بی اطلاعی کافران در دنیا ، از دروغ گویی خویش درباره رستاخیز

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... و لیعلم الذین کفروا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- خداوند ، مدعیان دستیابی به مال و فرزند با کفرورزی را ، در عذاب کفر و جهل خودشان نگاه می دارد .

و نمَدَّ له من العذاب مدًّا

محمّل است مراد از <العذاب> عذاب گمراهی و کفری باشد که کافر در آن گرفتار است. جمله <فلیمدد له الرحمان مدًّا> در آیات پیشین نیز که تداوم ضلالت گمراهان را بیان کرده از همین مقوله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۴

۴- کافران ، در دنیا هرگز به سختی و شدت آتش دوزخ و به بی یآوری خود در قیامت پی نخواهند برد .

لو یعلم الذین کفروا حین لا یکفون عن وجوههم النار ... و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حین> مفعولٌ به برای <یعلم> باشد. در این صورت

پیام آیه چنین می شود: کاش آنان که کافر شدند، می دانستند و نمی دانند زمانی را که نمی توانند آتش را از چهره ها و... باز بدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۳

۳ - قلب های کافران ، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - کافران حق ستیز ، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۱

۱ - دانش و معرفت درباره آخرت ، خارج از محدوده توان کافران

بل ادرك علمهم فی الآخره

<تداریک> (مصدر <اداریک>) عبارت است از پیوستن اجزای شیء به آن شیء به گونه ای که از آن اجزا، چیزی باقی نمانده باشد. <اداریک علمهم فی الآخره>؛ یعنی، آنها (کافران) دانششان مصروف جای دیگری شده و چیزی از آن باقی نمانده است تا بتوانند آن را درباره آخرت به کار برند. بنابراین آنان نه مجال آن را دارند که با دلایل علمی، آخرت را رد کنند و نه مجال آن را دارند که با برهان های یقینی آن را اثبات کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

... فهذا يوم البعث و لكنكم كنتم لاتعلمون

۱۳ - کافران ، از وقوع قیامت بی اطلاع اند و برای حضور در آن ، آماده نیستند .

و يوم تقوم الساعه يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعه .. و لكنكم كنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۶

۶ - کافران مجرم ، مردمانی جاهل و نادان به حقایق اند .

المجرمون.. الذين كفروا... الذين لا يعلمون

<لا يعلمون> می تواند صفت دیگری علاوه بر <المجرمون> برای <الذين كفروا> باشد که درباره آنان و موضع گیری هایشان در این آیات، بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۴

۴ - کافران ، افرادی فاقد علم و دانش اند .

قال الذين كفروا لاتأتينا الساعه .. و يرى الذين أوتوا العلم الذى أنزل إليك

به قرینه مقابله با آیه <الذين سَعَوْ> که کافران بودند ذکر <أوتوا العلم> نشان می دهد که آنان فاقد چنین صفتی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

يسئل أيا ن يوم القيمه

جهل کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

جهل کافران صدراسلام

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يُؤفك الذين كانوا بآيت الله يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۲

۲ - گروهی از کافران در عصر پیامبر (ص) ، بی خبر از موضع قاطع آن حضرت در برابر کفر و امیدوار به تنزل او در برابر شرک

قل یا أيها الکفرون

ادامه سوره، قرینه است بر این که مراد از <الکافرون>، همه کافران نیستند؛ بلکه تنها آن گروه مخاطب اند که امیدی به ایمان آنان نمی رفت. سخن گفتن با آنان در این باره که پیامبر(ص) اهل سازش نیست بیانگر آن است که آنان تسامح و تساهل را برای آن حضرت، امکان پذیر می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۷

۷ - کافران ، از معبود پیامبر (ص) ، شناخت نادرست و تصویری در حد معبود های خویش داشتند .

ما تعبدون .. ما أعبد

کلمه <ما> در معنایی اعم از عاقل و غیر عاقل به کار می رود، به کار نبردن کلمه <من> که تصریح به

عاقل بودن است به جهت بیان این نکته است که مشرکان، معبود پیامبر(ص) را در سطح معبودان خویش می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۷

۷ - کافرانِ عصر بعثت ، از خداوند شناختی ناقص و در حد شناخت خدایان خویش داشتند .

و لا أتم عبدون ما أعبد

کلمه <ما>، بیانگر برداشت یاد شده است.

جهل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۶

۶ - جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من یشتري لهُو الحدیث .. بغیر علم

<بغیر علم> متعلق به فعل <یشتري> است.

جهل گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ بی خبری گمراهان از ضلالت خویش، نابود کننده زمینه های هدایت در آنان

فریقا حق علیهم الضلله إنهم اتخذوا .. و یحسبون أنهم مهتدون

جهل گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۴،۱۰

۴ گناهکار ، جاهل است .

يعملون السوء بجهالة

با توجه به توضیح فیش قبل.

۱۰ گناهکار ، جاهل و سبک مغر است ، اگر چه آگاه به گناه بودن عملش باشد .

أما التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: کُلُّ ذَنْبِ الْعَبْدِ وَ إِنْ كَانَ بِهِ عَالِمًا فَهُوَ جَاهِلٌ حِينَ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ فِي مَعْصِيَةِ رَبِّهِ . . .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۱،

جهل گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ > عن أبي عبد الله (ع) : ... كل ذنب عمله العبد و إن كان به عالماً فهو جاهل حين خاطر بنفسه في معصية ربه ، و قد قال في ذلك تبارك و تعالی یحکی قول یوسف لإخوته : > هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون < فنسبهم إلى الجهل لمخاطرتهم بأنفسهم في معصية الله ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. هر گناهی را که بنده انجام دهد اگر چه به گناه بودن آن آگاه باشد نادان است ؛ زیرا خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته است. خدای تبارک و تعالی در همین مورد، قول یوسف را خطاب به برادرانش حکایت کرده که گفت: >هل علمتم ما فعلتم بیوسف و أخیه إذ أنتم جاهلون< [امام(ع) فرمود: یوسف به آنان نسبت نادانی داد ؛ چون خود را به وسیله معصیت خدا به خطر انداخته بودند].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- ارتکاب گناه کبیره هر چند جاهلانه ، تقلیدی و تحت تأثیر تبلیغات باشد ، کیفر دارد .

ليحملوا أوزارهم .. و من أوزار الذين يضلونهم بغير علم

این برداشت، مبتنی بر این اساس است که <من> برای تبعیض و <بغیر> حال برای ضمیر مفعولی باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: آنان به دوش می کشند گناهان خود و بخشی از گناه گمراه شدگان به دست خود را،

هر چند اینها عالم نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۶

۶ - کافران مجرم ، مردمانی جاهل و نادان به حقایق اند .

المجرمون.. ..الذین کفروا... الذین لایعلمون

<لایعلمون> می تواند صفت دیگری علاوه بر <المجرمون> برای <الذین کفروا> باشد که درباره آنان و موضع گیری هایشان در این آیات، بحث شده است.

جهل گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۹ - ۵

۵ - گوساله پرستان بنی اسرائیل ، مردمی جاهل و دور از اندیشه و فکر

أفلا یرون ألا یرجع إلیهم قولاً

جهل مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱۴

۱۴ عموم مردم نمی دانند که آگاهی به زمان قیامت در انحصار خداوند است .

و لکن أكثر الناس لایعلمون

مفعول <لایعلمون> معنایی است که از <انما علمها .. > به دست می آید.

جهل مردم شمال سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مردم منطقه شمال ، برخوردار از امکانات مادّی ، ولی فاقد شناخت های فنی بودند .

فهل نجعل لك خرجًا على أن تجعل بيننا و بينهم سدًّا

جهل مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۹

۹ مردم عصر بعثت خداوند را به اسم و وصف < الرحمان > نمی شناختند و بدان کفر میورزیدند .

و هم یکفرون بالرحمن

بسیاری از مفسران برآند که مراد از کفر مردم عصر بعثت

به <الرحمان> عدم آشنایی آنان با این اسم برای خداوند است؛ یعنی، خداوند را با این اسم و وصف نمی شناختند و آن گاه که قرآن خداوند را به اسم <الرحمان> توصیف کرد، انکار کردند و گفتند <رحمان> دیگر کیست و چه خدایی است؟

جهل مرفهان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۶ - ۳

۳ - ثروتمندان شرک پیشه و فریفته مال و فرزند در صدراسلام، اشخاصی بی شعور و نادان بودند .

أیحسبون أنما نمدهم به من مال و بنین . . . بل لایشعرون

جهل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ - مشرکان، مردمی جاهل هستند .

كذلك قال الذين لا يعلمون

<لا يعلمون> در جمله فوق، به منزله فعل لازم و بی نیاز از مفعول است. بنابراین <الذين لا يعلمون>؛ یعنی، جاهلان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۴، ۱۹

۴ - شرک برخاسته از جهل و مشرکان مردمی نادانند .

و قال الذين لا يعلمون

مراد از <الذين لا يعلمون>، مشرکان است. توصیف مشرکان به نادانان، اشاره به دو حقیقت دارد: اول اینکه ریشه شرک، جهل است و دوم اینکه، پیشنهاد آنان مبنی بر سخن گفتن با خدا با آنها و یا آمدن معجزه، نشانه نادانی ایشان است.

۱۹ - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذين لا يعلمون لولا .. تأتينا آياته ... قد بينا الآيت لقوم يوقنون

جلد - نام سورہ - سورہ - آية - فيش

۱۵ توقعات بیجای مشرکان از پیامبر(ص)، برخاسته از نادانی

قل لا أقول لكم عندي خزائن الله و .. قل هل يستوي الأعمى و البصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۲

۲ شرک پیشگان عرب جاهلی ، مردمانی ناآشنا به جهان آخرت و حقایق روز بازپسین

بل کذبوا بما لم يحيطوا بعلمه و لما يأتهم تأويله

مراد از <ما لم يحيطوا بعلمه> به قرینه جمله بعد (و لما يأتهم تأويله) می تواند قیامت باشد. در این صورت، جمله <لم يحيطوا ...> بیانگر این است که: موضوع قیامت برای مشرکان عرب جاهلی موضوعی بی سابقه و نوی بود و آنان در گذشته نسبت به آن در بی خبری محض به سر می بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۶

۶ بیشتر مشرکان ، نسبت به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی و تحقق قطعی وعده های او ، جاهل و ناآگاهند .

ألا إن لله ما فى السموت .. ألا إن وعد الله حق و لكن أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۹

۱۹ اکثریت مردم (مشرکان) ، ناآگاه به استواری توحید و یگانه پرستی و اتکای آن بر برهان

ذلك الدين القيم و لكن أكثر الناس لا يعلمون

در برداشت فوق ، <الناس> عموم مردم گرفته شده است. بر این اساس ، مقصود از <أكثر> مشرکان خواهد بود. مفعول <لا يعلمون> به قرینه جمله های قبل ، استواری

توحید بر برهان و دلیل برهانی نداشتن شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۳ - ۶

۶- پرستش عناصر بی تأثیر و ناتوان ، نشان کوتاه نظری و ناآگاهی مشرکان است .

و يعبدون من دون الله ما لا يملك لهم رزقاً . . . و لا يستطيعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۷

۱۷- بیشتر مشرکان نسبت به حقیقت صفات خدا و قابل مقایسه نبودن مخلوقات با او ، ناآگاهند .

بل أكثرهم لا يعلمون

برداشت فوق به خاطر این است که صدر آیه سخن از قابل مقایسه نبودن خلق با خدا بود و نفی علم (لا يعلمون) نیز به همین زمینه نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور و انهدان شرک پیشگان متعصب در غرقاب جهل و گمراهی شان

فذرهم فی غمرتهم حتی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۸،۹

۸ - بیشتر مشرکان ، گرفتار جهل و بی دانشی اند .

بل أكثرهم لا يعلمون

ضمیر <هم> به مشرکان بازمی گردد.

۹ - پافشاری برخی از مشرکان بر شرک ، معلول تعصب یا اهداف خائنانه است ، نه ناشی از نادانی صرف .

بل أكثرهم لا يعلمون

قید <أكثر> بیانگر این واقعیت است که در میان مشرکان، کسانی وجود دارند که علی رغم آگاهی به بطلان شرک، به خاطر اهداف نادرستی از آن حمایت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۱

۹ - معبود گزینیِ مشرکان ، سخت بی بنیاد و جاهلانه است .

مثل الذین اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبَيْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۴ - ۷

۷ - مشرکان ، از بازیچه بودن حیات دنیوی و حیات راستین بودن عالم آخرت ، بی خبرند .

و لئن سألتهم من ... و ما هذه الحيوة الدنيا ... لو كانوا يعلمون

بنابراین که ضمیر فاعلی <یعلمون> به قرینه سیاق مشرکانی باشد که در آیات پیشین، از آنها سخن گفته شده است، نکته بالا، قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - مشرکان ، از اختصاص داشتن همه حمد و سپاس ها به درگاه خداوند ، بی خبرند .

قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون

بنابراین احتمال که متعلق و مفعول^۲ به <لا يعلمون> همین فرمانی باشد که خداوند به پیامبر(ص) فرموده است (لا يعلمون أن الحمد لله)، نکته بالا قابل استفاده است.

۱۵ - جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود است .

و إذا قيل لهم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَل نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا .. و

برداشت بالا، براساس این احتمال است که <لا يعلمون> مفعول^۲ به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفی علم از مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ - ۵، ۶، ۸، ۹

درباره قیامت و حشر آگاهی داشته باشند ، آن را انکار می کنند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه .. و یقذفون بالغیب

متعلق <یقذفون بالغیب> ذکر نشده و به قرینه مقام می تواند حشر، پیامبر(ص) و قرآن باشد. برداشت یاد شده بنا بر احتمال اول است. گفتنی است که مراد از <یقذفون بالغیب> و براساس تخمین و ناآگاهانه اظهار نظر کردن است.

۶ - نسبت دادن ساختگی بودن قرآن از سوی مشرکان ، ناآگاهانه و به دور از علم بوده است .

قالوا ما هذا إلا سحر مبین .. و قد کفروا به من قبل و یقذفون بالغیب

۸ - نسبت دادن شریک به خداوند از ناحیه مشرکان ، ناآگاهانه و از روی حدس و تخمین است .

و یوم یحشرهم .. ثم یقول للملئکه أهؤلاء إیاکم کانوا یعبدون ... و قد کفروا ب

۹ - حدس و تخمین مشرکان درباره حشر و قیامت ، بسیار دور از واقعیت بوده است .

و قد کفروا به من قبل و یقذفون بالغیب من مکان بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۸ - ۵

۵ - مشرکان ، مدعی بی اطلاعی از سرنوشت خوب و بد مؤمنان و یکتاپرستان گذشته بودند .

لو أن عندنا ذکرًا من الأولین

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <ذکر> در آیه شریفه به معنای <علم> باشد و مقصود از <الأولین> موحدان و مؤمنان گذشته باشد. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: اگر ما از سرنوشت مؤمنان و موحدان گذشته آگاه بودیم و از جایگاه خوب آنان مطلع می شدیم، همچون آنان توحید

الهی و بندگی خدای یکتا را می پذیرفتیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۸۰ - ۶

۶ - ناآگاهی مشرکان از منزلت و قدرت پروردگار جهان

سبحن ربك رب العزه عما يصفون

تنزیه و میرا دانستن خداوند از توصیف های مشرکان، گویای این حقیقت است که آنان، معرفتی نسبت به خداوند جهان نداشتند و از قدر و منزلت او بی اطلاع بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۴ - ۳

۳ - مشرکان ، مردمی نادان اند .

أفغير الله تأمروني أعبد أئها الجهلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <جاهلون> لازم بوده و متعلقی نداشته باشد. در این صورت این واژه حاکی از سنجیه و صفت دائمی مشرکان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱

۱ - مشرکان ، خدا را آن گونه که شایسته او است ، نشناخته و ارج ننهادند .

و ما قدروا الله حق قدره

بیشتر مفسران و اهل ادب جمله <و ما قدروا الله..> را به معنای <ما عرفوا الله> و <ما عظموا الله> معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۳

۳ - مشرکان ، ناآگاه از امور غیبی و ناتوان از ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغيب فهم يكتبون

جهل مشركان پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۸

۱۸ سران کفر و شرک و پیروان آنان، بی خبر از مضاعف

بودن عذاب یکدیگر

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

مفعول <لاتعلمون> به قرینه <لکل ضعف>، ان لکل ضعفا است.

جهل مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۰ - ۶

۶ مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا اولدهم سفها بغیر علم

<باء> در <بغیر علم> به معنای ملامت و وصف برای <سفها> است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

جهل مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۱۱

۱۱ مشرکان صدر اسلام، مردمانی نادان و گرفتار جهل بودند.

ذلك بانهم قوم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۶ - ۳

۳ - ثروتمندان شرک پیشه و فریفته مال و فرزند در صدر اسلام، اشخاصی بی شعور و نادان بودند.

أیحسبون أنما نمدهم به من مال و بنین .. بل لا یشرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يُؤفك الذين كانوا بآيت الله يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

جهل معبودان باطل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۲،۳

۲- خدایانِ مشرکان ، هیچ اطلاعی از زمان وقوع قیامت و رستاخیز خود ندارند .

و ما یشعرون اَیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر فاعلی در <یشعرون> و <یبعثون> معبودهای باطل باشد که در آیه قبل از آنها سخن به میان آمده است.

۳- معبود های مشرکان ، بی اطلاع از زمان رستاخیز پرستش کنندگان خویش

و ما یشعرون اَیّان یبعثون

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <یبعثون> پرستشگران اصنام باشد که همان ضمیر فاعلی <یدعون> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۶ - ۴

۴- معبود های مشرکان ، موجوداتی ناآگاه و بی خبر

و یجعلون لهما لایعلمون نصیبًا

احتمال دارد مرجع ضمیر، <یعلمون>، <إلهه> باشد که از <ما> به دست می آید. بنابراین، جمله <لایعلمون> در بیان توصیف <ما> است.

جهل معترض به عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳ - ۵

۵- اعتراض کننده به حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (ص) ، فردی ناآشنا به صفات نفسانی او و ناتوان از شناخت صالحان

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى . وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى

جهل معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۷ - ۵

۵ - خداگریزان ، بر اثر نادانی و گمراهی ، خود را هدایت یافته و راه جسته می پندارند .

و يحسبون أنهم مهتدون

جهل معرضان از دین

جلد - نام سوره - سوره -

۱۱- روی گردانان از تکالیف و تعهدات الهی ، مردمی ناآگاه و بی توجه به پاداش های برتر خداوندی اند .

و لا تشتروا بعهد الله .. إنما عند الله هو خير لكم إن كنتم تعلمون

جهل مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۳

۳ کسانی که پیامبران الهی را تکذیب کنند و به آیات و نشانه های خدا ایمان نیاورند ، مردمی بی خرد و نادان هستند .

و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون

مراد از <الذین لا یعقلون> به قرینه مقابله با <ما کان لنفس أن تؤمن ..> تکذیب کنندگان و کافران هستند. گفتنی است ذکر <لا یعقلون> به جای <لا يؤمنون> برداشت فوق را تأیید می کند.

جهل مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۳

۳ کسانی که پیامبران الهی را تکذیب کنند و به آیات و نشانه های خدا ایمان نیاورند ، مردمی بی خرد و نادان هستند .

و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون

مراد از <الذین لا یعقلون> به قرینه مقابله با <ما کان لنفس أن تؤمن ..> تکذیب کنندگان و کافران هستند. گفتنی است ذکر <لا یعقلون> به جای <لا يؤمنون> برداشت فوق را تأیید می کند.

جهل مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقایق آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن يعلم أنما أنزل إليك من

ربك الحق كمن هو أعمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۷

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص)، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند.

و إذا بدلنا آیه... أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۶

۶ - عوامل و زمینه های سقوط و هلاکت تکذیب گران، ناشناخته برای خود آنان

سنستدرجهم من حیث لا يعلمون

جهل مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۱ - ۱

۱ - منکران روز جزا، فرومانده در گرداب جهالت و گرفتار غفلت و بی خبری

الذین هم فی غمره ساهون

<غمره> به معنای فرو رفتن در جهل و نادانی و <ساهی> به معنای غافل و بی خبر است.

جهل مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۷

۷- بیشتر منکران و تکذیب کنندگان قرآن و رسالت پیامبر (ص)، به حقیقت نسخ و حکمت آن جاهل بودند.

و إذا بدلنا آیه... أكثرهم لا يعلمون

جهل ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱۹

۱۹ فرشتگان ، ناآگاه به زمینه های کمال و ارزش های والای انسان

إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۱

۱ - فرشتگان ، ناآگاه به حقایق عرضه شده بر آنان و ناتوان

از بیان اسامی آنها

ثم عرضهم على الملكة .. قالوا سبحنك لاعلم لنا إلا ما علمتنا

جهل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۶

۶ - منافقان ، به خودفريبی خویش و نیرنگبازی با خود ، ناآگاه هستند .

و ما یخدعون إلا أنفسهم و ما یشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۴

۴ - منافقان ، بی خبر از فسادپیشگی و تبهکاری خویش

و لکن لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۹

۹ - منافقان ، بی خبر از سفاهت و بی خردی خویش

ألا إنهم هم السفهاء و لکن لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶ - ۴

۴ - منافقان ، به سود و زیان واقعی خویش آگاهی ندارند .

و ما کانوا مهتدین

متعلق <مهتدین> به دلیل جمله های قبل ، سود و زیان واقعی است ، یعنی: و ما کانوا مهتدین الی منافعهم و مضارهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۵

۵ - منافقان ، سزاوار محروم شدن از توانایی شناخت معارف الهی هستند .

و لو شاء الله لذهب بسمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ منافقان ، مردمانی محروم از درک حقایق اخروی

لو كانوا یفقهون

به کارگیری کلمه <لو> که برای تمنی است حکایت از آن دارد که منافقان از درک حقایق اخروی

ناتوانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - منافقان ، عناصری نادان و بی بهره از معارف بلند الهی

و لله العزّه و لرسوله و للمؤمنين و لكنّ المنفقين لا يعلمون

۱۳ - درك عزتمندی خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان ، بیرون از توان ذهنی منافقان جاهل

و لله العزّه . . . و لكنّ المنفقين لا يعلمون

جهل موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۶

۶ - آگاهی نداشتن غیرخدا به لحظه برپایی رستاخیز ، دلیل شایسته نبودن غیر او برای پرستش

و ما يشعرون أیّان یبعثون

با توجه به این که معبودهای دروغین مشرکان، از مصادیق مورد نظر در <ما يشعرون> هستند، از ارتباط آن با صدر آیه استفاده می شود که موجوداتی که زمان رستاخیز بر آنها مکشوف نباشد، اصولاً نمی توانند به عنوان معبود شناخته شوند.

جهل مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۲

۱۲ - مهاجران ، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند .

و الذین هاجروا . . . لأجر الأخره أكبر لو كانوا يعلمون

جهل همراهان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۱ - ۳

۳ - عدم معرفت همراهان نزدیک موسی (ع) به مقام وی و شکست ناپذیری طرح و برنامه الهی او

و أوحینا إلی موسی أن أسر بعبادی.. قال أصحاب موسی إنا لمدركون

تعبیر <أصحاب موسی> به جای بنی اسرائیل، می تواند تعریضی باشد به این که

نه تنها بنی اسرائیل بلکه حتی یاران نزدیک موسی (ع) نیز به موفقیت آمیز بودن طرح و برنامه وی اطمینان نداشتند؛ بلکه با مشاهده فرعون، شکست موسی (ع) و گرفتاری خود را قطعی می دانستند.

جهل هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ هواپرستان، در شناخت راه آدمیت و سعادت و گام زدن در آن، بسی ناتوان تر و گمراه تر از چهارپایان

إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

جهل یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۴ - ۳

۳- همسفر موسی، با وجود ناآگاهی از علائم جایگاه ملاقات او با خضر، همگام موسی (ع) و خواهان به مقصد رسیدن او بود.

ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ

جهل یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۴۶

۴۶ - یهودیان، ناآگاه به سودای زیانبار خویش (از دست دادن آخرت و دستیابی به منافع سحر)

لَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

مفعول <يعلمون> - به دلیل قبل - زیانباری فروختن مواهب آخرت در مقابل منافع دنیوی است؛ یعنی، ای کاش! می دانستند که این داد و ستد برای آنان زیانبار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۵

۵ کوتاه فکری یهود در معارف الهی و صفات خداوند

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير و نحن اغنياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۱۳ دل های یهودیان بر خلاف ادعایشان تهی از دانش و ناتوان از درک تعالیم پیامبر اسلام (ص)

قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله علیها

برداشت فوق بر این اساس است که مقصود یهودیان از جمله <قلوبنا غلف> ادعای برخورداری از دانش وافر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۸،۹

۸ خواسته های نابجا ، اعمال ناروا و رذایل اخلاقی یهود ، نشأت گرفته از جهل آنان و ناباوری ایشان نسبت به تعالیم دین

یسئلك أهل الكتب .. لكن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون

توصیف صالحان یهود با عنوان عالمان ژرفنگر و مؤمنان واقعی، بیانگر این حقیقت است که جهل و ناباوری به تعالیم انبیا مایه گرایش عامه یهود به اعمال ناروا و رذایل اخلاقی بوده است.

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لكن> استدراک از جمله <فلا يؤمنون الا قليلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لكن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لكن...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جهل یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۸

۱۸ تورات دربردارنده حقایق و

معارفی بود که نه یهود زمان پیامبر(ص) بر آن آگاهی داشتند و نه پدران آنها.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لاءاباؤکم

خدا و جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۳

۳ - خداوند ، منزّه از آن است که به اسرار و نهران موجودات آگاه نباشد .

أنبئونی بأسماء هؤلاء .. قالوا سبحانک

در مقامی که سخن متکلم موجب توهم نقصی برای خدا شود، کلمه <سبحانک> و مانند آن به کار می رود. گویا فرشتگان چون در مقام پاسخگویی هستند، از سخنان این توهم به وجود می آید که خداوند از پیش به پاسخ آنان آگاهی ندارد. هدف ایشان از گفتن <سبحانک> ابراز منزّه دانستن خداوند از چنین منقصتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ - آگاه نبودن خدا به اسرار نهانی انسان ها ، از باور ها و پندار های باطل یهود

أتحدثونهم بما فتح الله علیکم لیحاجوکم به عند ربکم

از جمله <أتحدثونهم .. لیحاجوکم> چنین بر می آید که یهود آن گاه راه احتجاج علیه خویش را گشوده می دیدند که حقایق و دانسته های خویش را آشکار کنند؛ ولی اگر حقایق را آشکار نکنند علیه آنان احتجاج نمی شود و مؤاخذه نمی کردند. این پندار بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۷ - ۴

۴ - محدود پنداشتن علم خدا به امور آشکار و محسوس ، پنداری است باطل و معتقدان به آن سزاوار توبیخ و سرزنش هستند

أو لا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون و ما يعلنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۶

۶ راه نیافتن هیچگونه ضعف و کاستی، گزافه، جهل و اشتباه در حریم خداوند

و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخبیر

از صفات <قاهر>، <حکیم> و <خبیر>، که برای خداوند بیان شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۷

۱۷ از علی (ع) روایت شده که فرمود: < اما ما لا- يعلمه الله ، فلا يعلم الله أن له شريكاً و لا وزيراً و لا صاحبه و لا ولدأ و شرحه فی القرآن : < قل اتبئون الله بما لا يعلم > ... ;

.. اما (مراد از) آنچه را خدا نمی داند، (یعنی) خدا (او را) برای خود شریک نمی داند و نه وزیر و نه همسر و نه فرزند و شرح این مطلب در قرآن این است: آیا خدا را خبر می دهید به آنچه نمی داند؟ < ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵ - ۲

۲ ناآگاهی خداوند به سخنان و کارهای پنهانی، از پندارهای نادرست مشرکان عصر بعثت

ألا إنهم يثنون صدورهم ليستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۵۸

۵ - اعمال آدمیان، در عین منزّه بودن خداوند از جهل و فراموشی، در کتابی بی کم و کاست (لوح محفوظ)

ثبت و ضبط می شود .

علمها عند ربّی فی کتب لایضلّ ربّی و لاینسی

جمله <لایضلّ..> ممکن است در مقام دفع این توهم باشد که اگر اعمال آدمیان نوشته و ثبت می گردد، به این جهت نیست که چیزی از پروردگار جهان مخفی باشد و یا نسیان در او راه پیدا کند؛ بلکه جهات دیگری دارد. نکره آوردن <کتاب> بر تفخیم آن از لحاظ احاله کامل بر جزئیات، دلالت می کند.

۸- ربوبیت خداوند بر هستی ، به دور از هر گونه ناآگاهی و فراموشی است .

لایضلّ ربّی و لاینسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۳

۳- شرک ، مستلزم ناقص شمردن ذات کامل حق و نسبت دادن جهل و ناآگاهی به ساحت او

سبحن الله عما یصفون . علم الغیب و الشهده

دروغگویی ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۲

۲- شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او ، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود .

ناصیه کذبه خاطئه

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

دلایل جهل به تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبر (ص) به خاطر بشر

بودنش ، نشانه بی خردی و دلیل بی اطلاعی از تاریخ بشر ، پیامبران پیشین و سنت الهی است .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم من أهل القرى .. أفلاتعقلون

لحن جمله <و ما أرسلنا ..> گویای این است که آن جمله در پاسخ این توهم ایراد شده که: فرستاده خدا نمی تواند فردی از افراد بشر باشد ؛ بلکه باید از فرشتگان و مانند آنها باشد.

دلایل جهل به سنتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۹ - ۱۶

۱۶ تکذیب پیامبر (ص) به خاطر بشر بودنش ، نشانه بی خردی و دلیل بی اطلاعی از تاریخ بشر ، پیامبران پیشین و سنت الهی است .

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجالاً نوحى إليهم من أهل القرى .. أفلاتعقلون

لحن جمله <و ما أرسلنا ..> گویای این است که آن جمله در پاسخ این توهم ایراد شده که: فرستاده خدا نمی تواند فردی از افراد بشر باشد ؛ بلکه باید از فرشتگان و مانند آنها باشد.

رذایل اخلاقی ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۴

۴ - ابوجهل ، فردی مغرور و فخر فروش در میان کسان خویش

ثم ذهب إلى أهله يتمطى

روش مبارزه با جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۹

۱۹- ایجاد مصونیت و مقاومت روحی در مؤمنان ، شایسته ترین شیوه برای مقابله با هجوم کفر و جهل *

فى قلوبهم الحميه . . . و أزمهم كلمه

التقوى و كانوا أحقّ بها و أهلها

خداوند، در قبال خشم و تعصب جاهلی مشرکان، در مؤمنان روح آرامش و مقاومت را تقویت کرده است. از این مطلب استفاده می شود که در تعارض قوای کفر و ایمان، شایسته ترین و ممکن ترین راه، ایجاد مصونیت و مقاومت در جبهه مؤمنان است.

زمینه جهل به احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۸

۸ بادیه نشینی و دوری از فرهنگ اجتماعی ، زمینه ناآگاهی نسبت به حدود و احکام الهی

الأعراب . . . و أجدر أَلَّا يعلموا حدود ما أنزل الله

زمینه جهل به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۸

۸ بادیه نشینی و دوری از فرهنگ اجتماعی ، زمینه ناآگاهی نسبت به حدود و احکام الهی

الأعراب . . . و أجدر أَلَّا يعلموا حدود ما أنزل الله

سرزنش جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۹

۹ دوری از تمدن و دانش ، امری نکوهیده در بینش اسلام

الأعراب أشد . . . و أجدر أَلَّا يعلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۹

۱۹ جهل و نادانی ، صفتی ناپسند و نکوهیده در پیشگاه خداوند

إني أعظك أن تكون من الجاهلين

سرزنش جهل به علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۷ - ۱

۱ - جهل و تردید درباره احاطه علمی خداوند به اشیا ، مورد نکوهش و

سرزنش است .

ألم تر أن الله يعلم

استفهام در <ألم تر>، برای انکار توییخی است. <تر> از <رأى> (دانستن) مشتق است؛ یعنی، <ألم تعلم أن الله...>.

ظلمت جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۳

۳ درک نکردن و غوطهور شدن در تاریکیهای جهل و گمراهی، پیامد تکذیب آیات الهی است.

و الذين كذبوا بآيتنا صم و بكم فى الظلمت من يشاء الله يضلله

کری و لالمی تکذیب کنندگان، کنایه از درک نکردن و سردرگمی آنان است. محتمل است این حالت کیفری از جانب خداوند برای آنان باشد؛ چنانچه جمله <من يشاء الله> شاهد بر آن است.

عجب ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۴

۴ - ابو جهل ، فردی مغرور و فخر فروش در میان کسان خویش

ثم ذهب إلى أهله يتمطى

عوامل جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۳

۳ درک نکردن و غوطهور شدن در تاریکیهای جهل و گمراهی، پیامد تکذیب آیات الهی است.

و الذين كذبوا بآيتنا صم و بكم فى الظلمت من يشاء الله يضلله

کری و لاملی تکذیب کنندگان، کنایه از درک نکردن و سردرگمی آنان است. محتمل است این حالت کیفری از جانب خداوند برای آنان باشد؛ چنانچه جمله <من یشاءالله> شاهد بر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۷

۷- ترتیب اثر دادن به خیر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، عملی جاهلانه و ندامت بار است .

أَنْ تَصِيبُوا قَوْمًا بَجْهَلَةٍ فَتَصْبِحُوا

علی ما فعلتم ندمین

گناه ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۲

۲ - شخص بازدارنده پیامبر (ص) از نماز و تکذیب کننده او، فردی دروغگو و خطاپیشه و گنه کار بود.

ناصیه کذبہ خاطئه

دروغ گویی و خطاکاری، در حقیقت وصف صاحب <ناصیه> است و اتصاف <ناصیه> به آن، مجاز و بیانگر این نکته است که صاحب آن، به قدری به دروغ و گناه آلوده بوده، که گویا اجزای بدن او، دروغگو و خطاکاراند و آثار این پلیدی ها، در چهره او نمایان است.

گناه جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ ناآگاهی از معارف دینی با وجود امکان یادگیری آن، گناه و ستم بر خویشان است.

ظالمی انفسهم .. قالوا الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها .. الا المستضعفین

مبارزه با جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۲۰

۲۰ برداشتن تکالیف شاق، گسستن زنجیرهای جهل و خرافه و زدودن بدعت های دینی از وظایف پیامبر (ص) در انجام رسالت خویش

و یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم

<إصر> به معنای عهد و پیمان سنگین و نیز به هر چیز دشوار و طاقت شکن گفته می شود. در آیه شریفه بدین مناسبت که

در مقام بین تشریح احکام از سوی پیامبر(ص) است، مراد از آن تکالیف مشقتباری است که امتهای گذشته بدانها پایبند بوده اند. غُلّ (مفرد اغلال) به معنای طوق

و زنجیری است که به گردن و یا دستها بسته می شود و مراد از آن جهل و خرافه و بدعت و مانند اینهاست.

متقین و جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۳

۳- تقوایبشگان ، انسانهایی پاک و مبرّای از جهالت و فسق

المتّقین . الذین تتوفّهم الملئکه طیبین

واژه <طیب> وقتی به انسان نسبت داده شود، به معنای دور بودن او از آلودگی، جهل، فسق و کارهای زشت است.

محمد(ص) و جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲ - ۲

۲ - شهادت خداوند بر گمراه نبودن پیامبر (ص) و مبرّا بودن آن حضرت از جهل و رأی فاسد

و النجم . . ما ضلّ صاحبکم و ما غوی

ملاک جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۲۲

۲۲ نه از طبقه اشراف بودن ملاک دانایی و ارزش است و نه از محرومان بودن نشانه جهل و بی مقداری

و ما أنا بطارد الذین ءامنوا . . و لکنی أریکم قومًا تجهلون

ملاکهای جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ - امت ها ، بدون داشتن کتاب آسمانی و تدین به ادیان الهی ، مردمی جاهلند .

كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم

منشأ نجات از جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۵ - ۴ - ۳

۳ - خروج انسان از نادانی ، در گرو خواست خداوند و به دست او

است .

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم

۴- رها ساختن انسان از جهل ، جلوه کرم والای خداوند است .

و رَبِّكَ الْأَكْرَم. الَّذِي ... عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم

موارد جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۰

۵۰- علم و ایمان به سرای آخرت ، بدون عمل به مقتضای آن ، به منزله جهل و بی ایمانی است .

لقد علموا لمن اشتريه ماله في الآخرة من خلق .. لو كانوا يعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو كانوا يعلمون> در ارتباط با <لقد علموا ..> مطرح باشد. بر این مبنا مفعول <يعلمون> محرومیت ساحر از سرای آخرت است. بر اساس این معنا، خداوند از یکسو آنان را عالم می داند (لقد علموا) و از سوی دیگر آنها را جاهل می شمرد (لو كانوا يعلمون) تا به این حقیقت اشاره کند که: علم و ایمان بدون عمل به مقتضای آن، به منزله جهل و بی ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۷

۱۷ دعا به درگاه خداوند و تقاضای امری که به حکیمانه بودنش اطمینان نیست ، کاری جاهلانه است .

فلاتسئلن ما ليس لك به علم إني أعظك أن تكون من الجاهلین

مؤمنان و جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۷

۱۷ اهل ایمان ، از عقل و خرد برخوردار و از نادانی و سفاهت مبرا هستند .

و ما كان لنفس أن تؤمن . . . و يجعل الرجس على

الذین لایعقلون

نبوت و جهل به مقدرات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۰

۱۰- عدم تنافی مقام نبوت با آگاهی نداشتن از مقدرات الهی نسبت به خویش

فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ

نشانه های جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ گرایش به ناپاکی ها و زشتی ها ، نشانه بی خردی و نادانی

لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۷، ۱۶، ۱۳

۱۳ باور به خدای محسوس و ملموس ، نشانه جهل آدمی است .

كَمَا لَهُمْ ءَالِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

موسی(ع)، بنی اسرائیل را در پی درخواست خدایی محسوس و ملموس، که از <کما لهم ءالهه> استفاده می شود، مردمی جاهل خواند.

۱۶ پرستش آنچه آدمی خود مالک آن است ، نشانه بی خردی اوست .

يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ .. قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

از نکاتی که موسی، بنی اسرائیل را به سبب آن جاهل شمرد، همان است که از <أصنام لهم> به دست می آید ؛ یعنی این جاهلانه است که شما می بینید بت پرستان چیزی را عبادت می کنند که خود مالک آن هستند و در عین حال تقاضا می کنید

معبودی مانند معبود آنان داشته باشید.

۱۷ باور به توانمندی بنده ای از بندگان (موسی) بر ساختن و تدارک دیدن معبود ، نشانه جهل و بی خردی بنی اسرائیل

اجعل لنا إلهاً . .. قال إنکم قوم تجهلون

جمله <اجعل لنا إلهاً>

دلالت می کند که بنی اسرائیل از موسی که خود فردی از بشر است می خواستند برای آنان خدا و معبود تدارک ببیند. موسی نیز بدین جهت آنان را جاهل شمرد. یعنی این بسیار جاهلانه است که گمان کنید بنده ای از بندگان خدا می تواند معبودی شایسته پرستش بسازد و تدارک ببیند.

۱۸ ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین ، نشانه جهل آدمی است .

و جوزنا بنی اسرائیل البحر .. قال إنکم قوم تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۹ - ۲

۲ تقلید از پیروان آیین فاسد و انجام دهندگان اعمال بی نتیجه نشانه جهل و نابخردی است .

إنکم قوم تجهلون. إن هؤلاء متبر ما هم فیه

جمله <إن هؤلاء> به منزله تعلیلی برای <إنکم قوم تجهلون> است. یعنی شما به این دلیل مردمی نابخرد هستید که خواهان پیروی از آیین فاسد می باشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۶

۶ کفرورزی و نفاق در برابر آیات عالمانه و حکیمانه خدا ، دلیل بی فرهنگی و جهل انسان ، هر چند در ظاهر متمدن باشد .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً و أجدر ألا يعلموا حدود ما أنزل الله علی رسوله و الل

گرچه آیه ظاهراً بادیه نشینان را دارای خصلت کفر و نفاق شدید معرفی کرده، ولی با این بیان، نوعی تلازم میان کفر و نفاق و بی فرهنگی را اثبات کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۲ خسارت شمردن انفاق ، نشان جهل و بی فرهنگی انسان است .

و من الأعراب من يتخذ ما ينفق مغرمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۲۱

۲۱ شرک و کفر ، نشانه نادانی و بی خردی است .

و لکنی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴ - ۱۲

۱۲ خارج پنداشتن تدبیر امور هستی از اختیار خداوند ، نشانه جهل و کور فکری است .

إن فی ذلک لآیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۳ - ۶

۶- پرستش عناصر بی تأثیر و ناتوان ، نشان کوتاه نظری و ناآگاهی مشرکان است .

و یعبدون من دون الله ما لایملک لهم رزقًا .. و لایستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۱۰

۱۰- سوداگری با دین و ترجیح دادن دنیا بر آخرت ، نشان جهل و نادانی است .

و لاتشتروا بعهد الله .. إنما عند الله هو خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۱ - ۶

۶- بت پرستی ، نشانه نهایت جهل و نادانی است .

و ما لیس لهم به علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۶ - ۲

۲- فریفته شدن به مال و فرزند و ملاک ارزش قرار دادن آن ، نشانه جهل و نادانی است .

أیحسبون أنما

نمدهم .. نَسَارِعْ لَهُمْ فِي الْخَيْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۲

۲ - نادیده گرفتن اهمیت نقش شب و روز در زندگی انسان ، نمونه ای از تکذیب جاهلانه آیات الهی

أَكْذَبْتُمْ بَايْتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا .. أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ ... وَالنَّهَارَ

<ألم يروا.. > به اصطلاح ذکر خاص بعد از عام و یادآوری نمونه ای از آیات الهی است که از سوی کافران مورد تکذیب قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - یاوه گویی ، نشانه جهل و نادانی انسان است .

و إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ .. وَقَالُوا ... لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۱

۱۱ - دل باختگی به زخارف دنیا ، نشانه ضعف بینش نسبت به حقیقت آن و جهان آخرت

و قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۴ - ۴

۴ - شرک و عبادت غیر خدا ، نشانه جهل و نادانی نسبت به حقیقت الوهیت است .

اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ .. لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ ... أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونَنِي أَعْبُدُ أَيُّهَا

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که <جاهلون> متعدی باشد و متعلق جهل، حقایقی باشد درباره خداوند که در آیات پیشین از آن یاد شده است.

۶- تمسک به < مشیت الهی > ، برای توجیه اعمال نادرست خود ، نشانه ناآگاهی و جهل انسان است .

و قالوا لو شاء الرحمن .. ما لهم بذلك من علم

نشانه های جهل قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۷

۷- درخواست عذاب به جای اندیشیدن در محتوای پیام وحی ، نشانه جهالت قوم عاد

فأتنا بما تعدنا .. و لكنني أريكم قومًا تجهلون

نشانه های جهل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۴

۴ - چشمداشت خیر و برکت از نمود های کيفر و عذاب الهی ، نشان جهل عمیق کافران *

و إن يروا كسفاً .. يقولوا سحاب مركوم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <سحاب مرکوم> ، اشاره به بُعد خیر آفرینی ابرها داشته باشد؛ یعنی، کورباطنی کافر به حدی است که پاره های عذاب را ابرهای رحمت می پندارد.

نشانه های جهل مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۸

۸- ادعای مشرکان بر نبود آیه و معجزه ای برای رسالت پیامبر (ص) ، نشانه جهل آنان است .

و قال الذين لا يعلمون لولا .. أو تأتينا آية

نفرین بر ابو جهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۵ - ۳

۳ - ابو جهل ، مورد نفرین و تهدید خداوند به عذاب

أولى لك فأولى ثم أولى لك فأولى

نقش جهل به وقت قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۲۴

۲۴- مشخص نبودن زمان وقوع قیامت و نزدیک شمردن آن ، دارای نقش تربیتی و هدایتی برای انسان

قل عسی أن یکون قریبًا

مشخص نکردن زمان دقیق وقوع قیامت از سویی و یادآوری قریب الوقوع بودن آن از سوی دیگر، می تواند برای توجه دادن انسانها به آن باشد تا آنان خود را همواره برای وقوع قیامت آماده کنند.

جهنم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جهنم

{جهنم}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۸

۸ جهنم ، جایگاهی شوم

و تحشرون الی جهنم و بئس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۶ - ۲

۲ تقوا پیشگان ، همواره خواستار بخشایش گناهان خویش از خدا و مصوئیت از عذاب دوزخند .

لَّذَیْنِ اتَّقَوْا .. فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قَنَا عَذَابَ النَّارِ

<الذین یقولون>، بیان ویژگیهای <الذین اتقوا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه شوم ترک کنندگان جهاد ، خیانتکاران و آنانکه پیامبر (ص) را متهم به خیانتکاری می کنند .

اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ . . . و مَا كَانَ لِنَبِيٍّ اَنْ يَّغْلَبَ . . . كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللّٰهِ و م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ دوزخ ، جزایی کامل برای اعمال ناپسند انسانها

و اِنَّمَا تَوْفُوْنَ . . . فَمَنْ زَحَرَ عَنِ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۷

۷ گرفتاران به آتش دوزخ ، دارای پیشینه ستمکاری در دنیا

رَبَّنَا اِنَّكَ مِنْ تَدخُلِ النَّارِ فَقَدْ اخزيتَه و ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ انصَار

آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۲

۲۲ نوشیدنی سوزان و عذاب دردناک قیامت در انتظار بازیچه قراردهندگان دین است.

اُولئِكَ الَّذِینَ اَبْسَلُوا .. لَهْمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِیمٍ و عذاب اَلِیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۹

۹ فروریخته شدن آب داغ و جوشان بر فرق سر اهل شرک یکی دیگر از عذاب های آنان در دوزخ

یَصَّبُ مِنْ فَوْقِ رءُوسِهِمُ الْحَمِیمِ

<صَبَّ> مصدر مجهول <یُصَّبُ> به معنای ریخته شدن و <حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - گداخته شدن پوست و امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ ، یکی دیگر از عذاب های مقرر برای آنان

یَصْهَرُ بِهٖ مَا فِی بَطُونِهِمْ و الْجُلُودِ

<صَهَرَ> (مصدر مجهول <یُصْهَرُ>) به معنای گداخته شدن است. ضمیر <به> به <حمیم> بازمی گردد و <ما> در عبارت <ما فی بطونهم> کنایه از امعا و احشا است؛ یعنی، با آن آب داغ که بر سرشان ریخته می شود پوست و آنچه در میان شکم آنان است، گداخته خواهد شد.

۲- نوشیدنی اهل دوزخ ، آبی است داغ و جوشان .

يصهر به ما فی بطونهم و الجلود

گداخته شدن امعا و احشای اهل دوزخ

با آب داغ، نشانگر آن است که نوشیدن آن آب جوشان، برای رفع تشنگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۷ - ۱

۱ - آمیزه ای از آب داغ، نوشیدنی دوزخیان ستمگر پس از خوردن غذای زقوم

ثُمَّ إِنَّ لَهُم عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ

<شوب> مصدر سماعی از فعل <شابه> (آن را مخلوط کرد) است که گاهی بر اسم مفعول (مشوب) اطلاق می شود (مثل <خلق> و <مخلوق>). در آیه شریفه نیز به همین معنا آمده است. <حمیم> به معنای آب پرحرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - آب داغ و خونابه چرکین، نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ

إِنَّ لِلطَّغْيِينِ... هَذَا فليذوقوه حميم و غساق

<حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است و <غساق> در نظر برخی از اهل لغت، به معنای چرک و خون اهل دوزخ است (لسان العرب). در نگاه برخی دیگر مقصود از آن مایعی است که از پوست اهل دوزخ خارج می شود (مفردات راغب).

۲ - آب داغ و خونابه چرکین، نوشابه و غذای دوزخیان

هَذَا فليذوقوه حميم و غساق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۱

۱ - انواع نوشیدنی ها و غذا های دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین، به طغیان گران خورنده می شود.

فليذوقوه حميم و غساق. وءاخر من شكله أزوج

<شكل> به معنای مثل و مانند و <أزواج> به معنای انواع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۲

۲- ریخته شدن آب های جوشان ، بر سر گرفتاران در وسط دوزخ

ثم صبوا فوق رأسه من عذاب الحمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۱

۲۱- آب جوشان و گدازنده درون ، نوشیدنی دوزخیان در آتش جاودان

کمن هو خلد فی النار و سقوا ماء حمیمًا فقطع أمعاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۲ - ۴

۴- اصحاب الشمال در دوزخ ، ناچار به استفاده از آب بسیار داغ برای رفع تشنگی

و حمیم

<حمیم>؛ یعنی، آب داغ و نکره بودن آن، دلالت بر شدت داغی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۴ - ۲

۲- نوشیدنی دوزخیان (اصحاب شمال) ، آبی است بسیار داغ و جوشان .

فشربون علیه من الحمیم

<حمیم> در <مفردات راغب> به آب شدید الحرارة معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۱

۱- دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهیم

<هیم> جمع <هیماء> است و <هیماء> به

شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شتر تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۳ - ۱

۱ - آب داغ و جوشان ، نوشیدنی تکذیب گران گمراه در جهان آخرت

و أما إن كان من المكذبين الضالين . فنزل من حميم

<حمیم>، به معنای آبی است که به شدت گرم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۵ - ۱

۱ - تنها نوشیدنی موجود برای دوزخیان طغیان گر ، آب جوشان و زردابه چرکین و بد بوی زخم ها است .

إلا حميمًا و غساقًا

<حمیم> یعنی، آب داغ و <غساق>، آب زردی است که از زخم جاری می شود. به مایع بدبو نیز <غساق> گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۷

۷ - نوشیدن آب جوشان و خونابه چرکین و بدبو در جهنم ، عقوبتی مناسب با گناه تکذیب آیات الهی

إلا حميمًا و غساقًا .. و كذبوا بايتنا كذابًا

ترتیب پنج آیه مورد بحث، به گونه ای است که آیه <جزاء وفاقاً>، دو عقوبت قبل از خود را کیفری مناسب، برای دو گناه بعد از خود قلمداد کرده است. عقوبت ها یکی منفی (لایذوقون) و دیگری مثبت (إلا حميمًا و غساقًا) بود و گناهان نیز یکی منفی (لا-یرجون) و دیگری مثبت (کذبوا) است. آیه <جزاء وفاقاً> در میان آنها، گویای تناسب عقوبت منفی با گناه منفی و تناسب عقوبت مثبت با گناه مثبت است.

برداشت یاد شده بیانگر تناسب دو مثبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۱

۱ - کسانی که در قیامت حضوری ذلت آمیز دارند ، به نوشیدن از چشمه ای جوشان وادار خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

فعل <تسقی> مجهول و بیانگر این است که آشامیدن از سوی فرد یا افرادی، بر دوزخیان تحمیل خواهد شد <أنی> (ریشه <آنیه>) در چندین معنا از جمله <رسیدن به چیزی> استعمال شده است (مقایس اللغه) و به قرینه سیاق آیه که نوشیدنی اهل دوزخ را بیان می کند مراد رسیدن چشمه، به نقطه نهایی حرارت است.

آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۶،۷،۹

۶ - منکران دین بدون اتمام حجت با آنان ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط <فان لم تفعلوا> محذوف است و جمله <فاتقوا ..> جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان لم تفعلوا تمت علیکم الحججه و ثبت لدیکم ان القرآن منزل من عندالله فاتقوا ...

۷ - رهایی از آتش دوزخ ، در گرو ایمان به قرآن و تصدیق رسالت پیامبر (ص) است .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل، به دست می آید.

۹ - آتش دوزخ هم اکنون مهیا و موجود است .

أعدت للكفرین

برداشت فوق با توجه به ماضی بودن فعل <أعدت>، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۱ - آتش دوزخ ، کیفر و سزای انکار کنندگان و تکذیب کنندگان آیات الهی است .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا أولئک أصحاب النار

<تکذیب> (مصدر کذبوا) به معنای: نسبت دروغ دادن است. <آیاتنا> علاوه بر تعلقش به <کذبوا> متعلق به <کفروا> نیز می باشد. جمله <الذین کفروا...> عطف بر جمله <من تبع...> است و بیانگر گروهی است که هدایتها و رهنمودهای الهی را پذیرا نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱۶، ۵، ۱

۱ - گرفتار نشدن یهودیان گنهکار به آتش دوزخ - به جز چند روز محدود - از باور های دینی یهود

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

<معدوده> به معنای شمرده شده، کنایه از اندک و ناچیز بودن است. روشن است که پندار مذکور درباره گنهکاران یهود است. آیه بعد (بلی من کسب...) این معنا را تأیید می کند و لذا در برداشت کلمه گنهکار آورده شد.

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

۱۶ - مجرد انتساب به آیین الهی ، موجب مصونیت از آتش دوزخ نخواهد شد .

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة قل أتخذتم عند الله عهداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۷، ۶، ۳، ۱

۱ - گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة .. بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد

سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده) است.

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده ؛ بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أَتَّخِذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا... بَلَىٰ مِنْ كَسْبٍ سَيِّئَةٍ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۶ - کفر به پیامبر (ص) و اسلام ، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد .

أَفْتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ... مِنْ كَسْبٍ سَيِّئَةٍ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

آیه مورد بحث (من کسب ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أَفْتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ> (آیه ۷۵) به دست می آید - از مصداقهای <سئئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

۷ - یهودیان ، در صورت انکار رسالت پیامبر (ص) ، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أَفْتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ... مِنْ كَسْبٍ سَيِّئَةٍ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸، ۱۹

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر... ثم أضطره إلى عذاب النار

اضطرار؛ یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود:

آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می‌کنم.

۱۹ - آتش دوزخ ، جایگاهی نامیمون و عاقبتی شوم است .

و بئس المصیر

<مصیر> جایگاهی است که حرکت بدان جا منتهی می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۳

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و ما هم بخرجین من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۳،۴،۶

۳ - آتش دوزخ طاقت فرسا و غیر قابل تحمل است .

فما أصبر هم علی النار

۴ - پندار تحمل آتش دوزخ و بی باک بودن در برابر آن ، امری شگفت و نامعقول است .

فما أصبر هم علی النار

۶ - عالمان بی تعهد و وظیفه شناس ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا .. العذاب بالمغفرة فما أصبر هم علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می‌باشد .

لا یکلمهم الله یوم القیمه .. ذلك بأن الله نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۴

۱۴ مشرکان

، دعوت کنندگان به آتش جهنم

اولئك يدعون الى النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ آتش دوزخ ، از درون کافران زبانه می کشد .

اولئك هم وقود النار

با توجه به معنای لغوی <وقود>: هو الحطب المجعول للوقود. یعنی وقود، هیزمی است برای روشن کردن آتش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۲۴

۲۴ آتش دوزخ ، سرانجام تفرقه و دشمنی انسان ها نسبت به یکدیگر *

و كنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها

محتمل است منظور از <النار>، آتش دوزخ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰، ۱۳

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الذين كفروا .. و اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

۱۳ آتش جاودانه دوزخ ، فرجام کفر پیشگان اهل کتاب

انّ الذين كفروا .. و اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

با توجه به آیات قبل، مراد از <الذین>، کافران اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ ضرورت پرهیز از عوامل گرفتاری به آتش دوزخ

و اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

۲ رباخواری ، از موجبات گرفتار شدن به آتش دوزخ

لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَهْلًا بِأَهْلٍ... و اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

۳ آتش دوزخ ، در انتظار کافران و رباخواران ، و آماده برای آنان

لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَهْلًا بِأَهْلٍ... و اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

۵ آتش دوزخ

، هم اکنون حاضر و آماده برای کافران

و اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

کلمه <اعِدَّتْ> (مهیا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل چنین آتشی دارد.

۶ آتش دوزخ، در اصل برای کافران مهیا شده است.

و اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

بنابر اینکه <الَّتِي>، وصف توضیحی باشد نه احترازی.

۷ آتش دوزخ، دارای انواع مختلف

و اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

بنابر اینکه <الَّتِي>، که توصیفی برای کلمه <النَّار> است، توصیف احترازی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۲ - ۳

۳ پیروی از خدا و رسول (ص)، موجب مصون ماندن از آتش دوزخ

و اتَّقُوا النَّارَ .. و اطیعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون

جمله <اطیعوا الله ..>، پس از بیان عاقبت کفر (گرفتار آمدن به آتش)، برای راهنمایی انسان به خلاصی از چنین عاقبتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۹، ۲۰

۱۹ آتش دوزخ، جایگاه و فرجام شوم کفرپیشگان مشرک

سنلقی فی قلوب الذین کفروا الرعب .. و ماویهم النار و بس مثنوی الظالمین

۲۰ آتش دوزخ، جایگاه و فرجام شوم ستم پیشگان

و ماويهم النار و بئس مثوى الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۵

۱۵ هر کس در چیزی خیانت کند ، در قیامت آنرا در جهنم دیده و باید در آتش جهنم رفته و آن را بیرون آورد .

و من یغلل یأت بما غلّ يوم القیمه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق

فرمود: ... و من غلّ شيئاً رآه يوم القيامة في النار ثمّ يكلف ان يدخل اليه فيخرجه من النار.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۱۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۱، ۳۲

۳۱ اعتقاد به معاد و درخواست رهایی از آتش دوزخ، نشانه خردمندی

لایات لاولی الالباب ... فقنا عذاب النار

۳۲ همه انسان ها در خطر گرفتاری به آتش دوزخ

لایات لاولی الالباب ... فقنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۱، ۲، ۳، ۴، ۸

۱ خداوند هر کس را در آتش بیفکند، او را به ذلّت و خواری کشانده است.

ربّنا انّک من تدخل النار فقد اخزیته

۲ خذلان و خواری گرفتاران به آتش دوزخ

ربّنا انّک من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار

۳ خداوند، گرفتارکننده ستمکاران به آتش دوزخ و خوارکننده آنان

انّک من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار

۴ خردمندان، رنج دوری از رحمت خداوند و خواری از سوی او را سخت تر از آتش دوزخ می دانند.

لاولی الالباب ... ربّنا انّک من تدخل النار فقد اخزیته

جمله شرطیه <من تدخل النار فقد اخزیته>، علت برای جمله <فقنا عذاب النار> است، و بیانگر این معناست که آنچه به نظر

<اولی الالباب> درد آور است و قابل تحمّل نیست، خواری و خذلان دوزخیان به دست خداوند است، نه سوختن در آتش جهنّم.

۸ ستمکاری، موجب ورود آدمی به آتش دوزخ و

بی یآوری وی در قیامت

رَبَّنَا اَنْتَكَ مِنْ تَدَخُلِ النَّارِ فَقَدْ اخزيتَه و ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ اَنْصَارِ

مراد از کلمه <لِلظَّالِمِينَ> همان دوزخیان هستند. بنابراین به کارگیری اسم ظاهر به جای ضمیر <ما لهم> برای رساندن این معناست که ستمکاری علّت شده که خداوند آنان را به آتش کشاند و از یاری یاوران محروم باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۸

۸ جهنّم ، دارای آتش برافروخته و شعلهور

و سیصلون سعيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱۰، ۲

۲ تصرف به ناحق در اموال دیگران از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم .. و من يفعل ذلك عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه <ذلك> اشاره به <لا تاكلوا> و یا مجموع <لا تاكلوا .. و لا تقتلوا> باشد.

۱۰ حضور جاودانه در آتش دوزخ ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصلیه ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو فی نار جهنّم خالداً فیها قال الله تعالی: <و لا تقتلوا انفسکم .. فسوف نُصلیه ناراً>.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۷۴، ح ۲۳، ب ۱۷۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۱۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۶

۶ آتش سوزان جهنم ، کيفر آتش افروزان و اخلاالگران عليه پيامبران

و كفى بجهنم سعيراً

<سعير>، به معنای آتش برافروخته و سوزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء -

۱ آتش سوزانِ جهنّم ، کیفر کافرانِ به آیات الهی

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً

۱۲ وارد ساختن کافران به آتش و عذاب آنان در دوزخ ، بر اساس حکمت خداوند

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً .. انّ الله کان عزیزاً حکیماً

تذکر به حکمت خداوند پس از بیان عذاب کافران، اشاره به حکیمانه بودن چنین عملی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فتکون من اصحب النار و ذلک جزؤا الظلمین

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ آتش دوزخ ، جایگاه مشرکان

انه من یشرک بالله .. مأویه النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ وضعیت هول انگیز و ذلتبار کافران به هنگام روبرو شدن با آتش جهنم و مشاهده آن

و لو تری إذ وفقوا علی النار

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در

زمره مؤمنان هستند.

فقالوا يلىتنا نرد و لا نكذب بأى ربنا و نكون من المؤمنىن

۳ وضعیت دهشترآ و غیر قابل توصیف کافران به هنگام ورود به دوزخ و چشیدن آتش

و لو ترى إذ وقفوا على النار

<وقفوا على النار> مى تواند به معنای ورود به آتش و چشیدن عذاب آن باشد. (لسان

(العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۳، ۲

۲ اعراض و امتناع از پذیرش آیات الهی بر اثر کبرورزی و خودبرتربینی، در پی دارنده آتش دوزخ است.

و الذين كذبوا بآيتنا و استكبروا عنها أولئك أصحاب النار

استکبار به معنای کبرورزی و خودبرتربینی است، و چون این کلمه با حرف <عن> متعدی شده، متضمن معنای اعراض و امتناع است. بنابراین <استکبروا عنها> یعنی اعرضوا عنها متکبرین.

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۵، ۲

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانشان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لكل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۴، ۹، ۱، ۲

۱ مجرمان در احاطه آتش دوزخ، از زیر پا و فراز سر

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

<مهاد> به معنای بستر گسترده است و <غواش> (جمع غاشیه) به معنی ساتر و روانداز، عطف بر <مهاد> است و <من فوقهم> حال برای آن. یعنی: لهم من جهنم غواش من فوقهم.

۲ تکذیب کنندگان و اعراض کنندگان از آیات الهی در بستری از آتش جهنم و توده‌هایی آتشین بر فراز خویش، گرفتار خواهند شد.

لهم من جهنم مهاده و من فوقهم غواش

۴ گرفتار شدن

ستمکاران به آتش دوزخ، سنت خداوند در کیفر آنان

و كذلك نجزي الظالمين

۹ عن رسول الله (ص): يكسى الكافر لوحين من نار و فى قبره فذلك قوله: <لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش>.

از رسول خدا(ص) روایت شده است: دو لوح (زیر انداز و روانداز) از آتش بر کافر در قبرش پوشانده می شود و این است سخن خداوند: <برای کافران بستری از آتش جهنم و روی آنان پوششهایی از آن است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۲،۳،۴

۲ آتش دوزخ کیفر تمامی کافران

و أن للكافرين عذاب النار

<ال> در <الكافرين> برای استغراق و شمول است. گفتنی است در وجه ترکیبی <أن للكافرين ...> نظرهای مختلفی ایراد شده است. بهترین وجه آن تقدیر گرفتن فعلی همانند <اعلموا> است. یعنی <واعلموا أن للكافرين عذاب النار>.

۳ مشرکان حاضر در کارزار بدر، مردمی کفرپیشه و مستحق عذاب با آتش دوزخ

و أن للكافرين عذاب النار

از مصادیق مورد نظر برای <للكافرين> مشرکان حاضر در کارزار بدر می باشد.

۴ آتش دوزخ کیفری بس سهمگینتر از عقوبت های الهی در دنیا

ذلكم فذوقوه و أن للكافرين عذاب النار

استفاده از کلمه ذوق (چشیدن) درباره عذاب دنیا، در مقابل عذاب دوزخ، بیانگر این است که عقوبتهای دنیوی تنها مضمضه ای از عقوبت و مقدمه ای برای عذاب اصلی و کامل که همان عذاب دوزخ است، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۷،۸

۷ آتش دوزخ، فرجام پیروی نکردن از رسولان الهی است.

و لقد أرسلنا موسى . . .

إلى فرعون و ملايه فاتبعوا أمر فرعون ... و بئس الورد المور

۸ آتش دوزخ ، بهره و نصیب نامیمون و جایگاهی شوم

و بئس الورد المورود

کلمه <الورد> (نصیب و بهره) فاعل برای <بئس> است و <ال> در آن برای جنس می باشد و <المورد> (چیزی که بر آن وارد می شوند) مخصوص به ذم است و <ال> در آن عهد ذکر کرده و اشاره به آتش دوزخ دارد. بنابراین <بئس الورد المورود> یعنی، بد نصیب و بهره ای است آن آتشی که بر آن وارد خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۹

۹ آتش دوزخ فرجام کافران است .

و عقبی الکفرین النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- > عن النبي (ص) في قوله < لكلّ باب منهم جزء مقسوم > قال : إن من أهل النار من تأخذه النار إلى كعبيه ، و إن منهم من تأخذه النار إلى حجزته ، و منهم من تأخذه إلى تراقيه منازل بأعمالهم ، فذلك قوله : > . . . لكلّ باب منهم جزء مقسوم < . . . ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <لكلّ باب منهم جزء مقسوم> روایت شده است که فرمود: بعضی از اهل آتش کسانی اند که آتش تا غوزکهای آنان را فرا می گیرد و بعضی را تا کمر (جای کمربند) و بعضی را تا گلو. اینها منازل و مراتبی است که به اختلاف اعمال اهل آتش بستگی دارد و این است قول خدا: ... لكل باب منهم

جزء مقسوم...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۲

۲- آتش همواره شعلهور هتّم ، كیفر كفر به آیات الهی و انكار روز رستاخیز

كلّما خبت زدنهم سعیرًا . ذلك جزاؤهم بأنهم كفروا بأیتنا و قالوا أءذا كُنّا عظمّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۳ - ۱

۱- مجرمان ، در صحنه قیامت ، ناظر شعله های آتش دوزخ اند .

ورء المجرمون النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۷

۷- دوزخ ، دارای آتشی برافروخته و شعلهور

أولئك أصحاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۸

۸- تهدید شدن مشركان كینه توز به آتش دوزخ ، از سوی پیامبر (ص) و به دستور خداوند

قل أفأنتبكم بشرّ من ذلكم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۶

۶- آتش دوزخ و نعمت های بهشت ، تجسم عینی اعمال آدمیان است .

و جعلنهم أئمة يدعون إلى النار

آنچه مسلم است این که پیشوایان کفر، مردم را به اعمال بد و ناشایست که اسباب ورود انسان به آتش است فرا می خوانند؛ نه به خود آتش. بنابراین تعبیر <یدعون إلى النار> به جای <یدعون إلى الضلال> می تواند اشاره به این باشد که اعمال بد در واقع خود آتش دوزخ است که در آخرت صورت حقیقت آن آشکار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - جهنم ، یک پارچه آتش است .

عذاب السعیر

<سعر> مصدر <سعیر> به معنای <شعله‌ور بودن آتش> است. نام گذاری جهنم به <سعیر>، دلالت بر نکته بالا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - جایگاه فسق پیشگان ، آتش جهنم است .

و أما الذين فسقوا فمأویهم النار

۲ - فسق ، عامل گرفتار شدن به آتش است .

و أما الذين فسقوا فمأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۲

۲ - خداوند ، برای کافران ، آتشی شعله‌ور فراهم کرده است .

إِنَّ اللَّهَ .. و أعدّ لهم سعیرًا

<سعیر> از <سعر> و به معنای <شعله‌وری آتش> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۱

۱ - کفرپیشگان ، همواره در آتش جهنم باقی خواهند ماند .

الکفرین و أعدّ لهم سعیرًا . خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱،۲،۴

۱ - در روز بی یار و یآوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لايجدون وليًا . .. يوم تقلّب وجوههم في النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لايجدون> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۲ - در روز قیامت ، صورت های کافران ، در آتش ، بر اثر شدت حرارت ، منقلب شده ، به رنگ های

گوناگون در می آید .

یوم تقلب و جوههم

احتمال دارد که <تقلب> به معنای <از این رو به آن رو شدن> باشد و احتمال دارد که به معنای <تحول و تغییر حالت کیفی> باشد که گاهی سیاه و گاهی زرد و .. می شود. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

۴- لازم است که روزی را که در آن ، کافران با آتش جهنم ، به سختی عذاب و سوزانده می شوند ، به خاطر داشت .

یوم تقلب و جوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعولاً به بودن اش باشد. که باید فعل <أذکر> در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۴

۴- آتش ، مهم ترین خصوصیت دوزخ و اصلی ترین عذاب دوزخیان است .

جهنم يصلونها .. إنهم صالوا النار ... فزده عذاباً ضعفاً فی النار ... تخاصم أه

از تعبیرهای به کار رفته درباره دوزخ؛ مانند ورود به آتش (صالوا النار) و عذاب دوچندان آتش (عذاباً ضعفاً فی النار) و اهل آتش، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۲

۲۲- آتش ، از وسایل عذاب دوزخیان

إنك من أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۷۸

۷- بیم دادن خداوند به بندگانش ، درباره پیامد شوم کفر و شرک و گرفتار شدن به آتش دوزخ

لهم من فوقهم ظلل من النار .. ذلك يخوف الله به عباده

و عذاب آتش آن ، بهترین و مؤثرترین وسیله اخطار دادن به بندگان و بازداشتن آنان از هرگونه عصیان و نافرمانی پروردگار

لهم من فوقهم ظلل من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۳، ۲۴

۲۳ - دوزخ ، دارای آتشی شعله‌ور و فروزان

عذاب الجحیم

<جحیم> اسم مکان از <جحه> (شعله و فروزندی شدید آتش) و به معنای محل آتش شعله‌ور و افروخته است.

۲۴ - جحیم ، از نام های دوزخ

عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۲، ۳

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثم فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثم فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثم> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۳

۳- آتش ، وسیله عذاب الهی در دوزخ

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۳

۱۳ - آتشِ فروزان ، کیفر شیاطین در قیامت

و أَعْتَدْنَا لَهُم عَذَابَ السَّعِيرِ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۶ - ۱

۱ - آتش جهنم ، کیفر منکران ربوبیت خداوند

و للذین کفروا برّهم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، عذابی سخت تر از غل و زنجیر شدن

خذوه فغلّوه . ثمّ الجحیم صلّوه

<ثمّ> حرف عطف و مفید تراخی رتبی است. این کلمه در آیه شریفه، می رساند که معطوف (عذاب با آتش دوزخ)، شدیدتر از معطوف علیه (عذاب با دستگیری و غل و زنجیر کردن) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۲ - ۲

۲ - به بند کشیده شدن با زنجیر های بلند ، عذابی سخت تر از آتش دوزخ

ثمّ الجحیم صلّوه . ثمّ فی سلسله ذرعها سبعون ذراعًا فاسلکوه

مطلب یاد شده از <ثمّ> در <ثمّ فی سلسله> که برای تراخی رتبی است استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۳ - ۶

۶ - نافرمانی از خدا و رسول او ، موجب ابتلا به آتش دوزخ

و من یعص الله و رسوله فإنّ له نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - استکبار در برابر حقایق الهی و افترا بر دین ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ است .

و استکبر . فقال إن هذا إلا سحر ... سأصلیه سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱

۱ - جهنم ، یک پارچه آتش و دارای حرارتی بس شدید است .

نار حامیه

<هاویه>، اسم مکان است و آتش خواندن آن، مبالغه در بیان گستردگی آتش است؛ به گونه ای که گویا آن مکان چیزی جز آتش نیست. <حَمِيَّتِ النَّارِ> یعنی، حرارت آن شدت یافت (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۴

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جوینان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ . . . ثُمَّ لَتَسْتَلْتُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۶

۶ - وجود مأمورانی الهی ، برای برافروختن آتش جهنم

الموقده

<موقده> اسم مفعول و حاکی از وجود فاعلی است که آتش را شعله‌ور ساخته است.

آتش جهنم و مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۲

۲ آتش جهنم به هنگام دیدن تکذیب کنندگان قیامت از راه دور ، به جوش و خروش آمده و فریاد خشمگینانه سرخواهد داد .

إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَ زَفِيْرًا

آتشگیره جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - منکران قرآن و سنگ های دوزخ ، هیزم و آتشگیره های آتش جهنمند .

فاتقوا النار

<وقود> به هیزم و نیز به چیزی که با آن آتش روشن می کنند، گفته می شود.

۱۲ - انس می گوید : < تلا- رسول الله (ص) هذه الایه > وقودها الناس و الحجاره < فقال : او قد علیها ألف عام حتی إحمرت و ألف عام حتی إبيضت و ألف عام حتی اسودت فهي سوداء مظلمه لا یطفأ لهبها ;

رسول خدا (ص) به دنبال قرائت این آیه <وقود الناس و الحجاره> فرمود: آتش [جهنم] را هزار سال شعله‌ور کردند تا سرخ گشت. و هزار سال شعله‌ور نمودند تا سفید گشت و هزار سال شعله‌ور کردند تا سیاه گشت پس آن آتش سیاه و ظلمانی است و شعله آن خاموش نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۹

۹ هشدار الهی به کافران در مورد عاقبت بد آنان

انّ الذین کفروا .. و اولئک هم وقود النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۳

۳ فرعونیان و پیشینیانسان که تکذیب کننده آیات خدا بودند ، آتشگیره های دوزخند .

اولئک هم وقود النار. کدأب ال فرعون و الذین من قبلهم کذبوا بایاتنا

<کدأب ال>، یا تشبیه کافران عصر بعثت است به فرعونیان و پیشینیانسان و یا نمونه و مثالی است برای کافرانی که خود را بی نیاز از خدا پنداشتند و آتشگیره دوزخ شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۲، ۱

۱- کافران و معبود های دروغینشان ، آتش

گیره جهنم اند .

إِنَّكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ

<حصب> یعنی، هر آنچه در آتش افکنند و معنای غالبی آن هیزم است (لسان العرب).

۲- بدن دوزخیان ، ماده آتش زای آتش جهنم است .

إِنَّكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ

از این که خود کافران و معبودهایشان هیزم و آتش گیره جهنم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۹

۹ - دوزخیان و سنگ های دوزخ ، سوخت آتش جهنم است .

نَارًا وَقُودًا النَّاسِ وَالْحِجَارِ

<وقود> به معنای چیزی است که به آن آتش روشن می کنند، یعنی، ماده سوختی و قابل اشتعال.

آثار آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۲

۲۲- متلاشی شدن درون دوزخیان ، با نوشیدن آب های گدازنده

و سَقُوا مَاءَ حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۲

۲ - نوشیدن آب داغ در دوزخ ، هر چند زیاد باشد از دوزخیان (اصحاب الشمال) رفع تشنگی نمی کند .

فَشْرَبُوا شَرِبَ الْهَيْمِ

برخی <هیم> (جمع <هیماء>) را به معنای ریگ گرفته اند؛ زیرا در زمین ریگ زار هر چه آب ریخته شود، بلعیده می شود و هرگز از آب پر نمی گردد. تشبیه دوزخیانِ تشنه به ریگ زار، حاکی از سیری ناپذیری از آن آب می باشد.

آثار آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۲

۲ - جمع شدن

پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحن>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، تنها عامل تسلیم گمراهان لجوج در برابر حق

قالوا و هم فیها یختصمون . تالله ان کنا لفی ضلل مبین

برداشت یاد شده از آن جا است که اعتراف حق ستیزان، تنها در جهان آخرت و آن هم در داخل دوزخ صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۹ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، پوست های بدن دوزخیان را به شدت دگرگون می سازد .

لواحه للبشر

<لواحه> صیغه مبالغه و از ماده <لوح> (تغییر و دگرگونی) است و <بشر>، جمع <بشره> به معنای ظاهر پوست بدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکنند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار الله

<نار الله>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

آثار ترس از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۳

۳ - هراس از جهنم و عذاب طاقت فرسای آن ، مایه تحکیم ایمان در قلب ساحران فرعون

إِنَّا أَمْنَا بِرَبِّنَا .. إِنَّهُ

من يأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

جمله <إنّه من يأت..> تعلیل برای محتوای آیه قبل است.

آثار ذکر آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۷

۷ توجه به شدت حرارت آتش دوزخ، عامل خشنودی اندک انسان و گریه طولانی وی در دنیا و بیم او بر فرجام خویش

قل نار جهنم أشدّ حرّاً... فليضحكوا قليلاً وليبكوا كثيراً

آثار ذکر جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۸

۸ - یادآوری دوزخ و عذاب آتش آن، بهترین و مؤثرترین وسیله اخطار دادن به بندگان و بازداشتن آنان از هرگونه عصیان و نافرمانی پروردگار

لهم من فوقهم ظلل من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۳

۳ - توجه به سختی های دوزخ و حیرت و ناآرامی مداوم دوزخیان، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

يطوفون بينها وبين حميمءان . فبأىء آلاء ربكما تكذبان

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در آیه قبل، سختی های دوزخ را به خلق یادآور شده و در این آیه، حیثیت ربوبیت و رشد دهی خویش را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۲۲

۲۲ - یادآوری دوزخ و مسائل آن ، مایه پند و بیداری

و ما هی إلا ذکری للبشر

مفسران، درباره مرجع ضمیر <هی> چند احتمال مطرح کرده اند که مهم ترین آنها، <سقر> است.

آثار رؤیت آتش جهنم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ - ۳

۳ - عذرخواهی دشمنان خدا و درخواست عفو در قیامت ، پس از مشاهده دوزخ ، مورد پذیرش نخواهد بود .

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا .. وَ إِن يَسْتَعْتَبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ

<اعتاب> (مصدر <معتبین>) به معنای رضایت دادن است. بنابراین واژه <المعتبین> (اسم مفعول <اعتاب>) به کسانی گفته می شود که مورد رضایت قرار گرفته و بخشوده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۴

۴ - مشاهده جهنم و آتش سوزان آن و پیدایش علم حضوری برای گرفتاران به آن در قیامت ، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر ، برای دل بستگان به امتیازات دروغین

أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرُ .. ثُمَّ لْتَرَوْهَا عَيْنَ الْيَقِينِ

آثار رؤیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۴

۴ - مشاهده جهنم و آتش سوزان آن و پیدایش علم حضوری برای گرفتاران به آن در قیامت ، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر ، برای دل بستگان به امتیازات دروغین

أَلْهَيْكُمْ التَّكَاثُرُ .. ثُمَّ لْتَرَوْهَا عَيْنَ الْيَقِينِ

آثار شومی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۲

۲ بد و ناگوار بودن جهنم برای انسان ، موجب هراسناکی و دست به دعا برداشتن بندگان خالص خدا به درگاه الهی برای

رهایی از آن

رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ .. إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَّ مَقَامًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که جمله <إِنَّهَا سَاءَتْ..> تعلیل

برای جمله <و الذین یقولون ربنا اصرف...> است / یعنی، چون جهنم جایگاه بدی است، بندگان خدا برای نجات خود از آن، دست به دعا برمی دارند.

آثار عقیده به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - اعتقاد به قیامت و عذاب دوزخ ، سبب ترس از خدا و تقوایبشگی

لهم من فوقهم ظلل من النار . . . ذلك یخوف الله به عباده یعباد فاتقون

آثار نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۷ - ۴

۴- سعادت واقعی ، تنها در پرتو رهایی از دوزخ و ره یابی به بهشت میسر است .

و وقهم عذاب الجحیم . . . ذلك هو الفوز العظیم

آثار ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۷ - ۱

۱ - منکران قیامت ، تنها با ورود به جهنم ، آن را باور خواهند کرد .

ثم ینال هذا الذی کنتم به تکذبون

آثار یقین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متی هذا الوعد . . . لو يعلم الذین

از این که خداوند فرمود: اگر کافران می دانستند که آتش دوزخ و .. با آنان چه می کند، در نزول عذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق

ستیزی و هرگونه گناه بازمی دارد.

آرزوی نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۳

۳ - دوزخیان ، آرزومند رهایی از دوزخ و متعهد به صلاح و ایمان ، در صورت بازگشت به دنیا

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِن عَدْنَا فَأِنَّا ظَلْمُونَ

آسایش در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۵

۵ - محرومیت کافران از هرگونه راحتی و آسودگی در دوزخ

لَهُمْ نَارٌ جَهَنَّمَ لَا يَقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فِيموتُوا وَلَا يَخْفَفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا

از این که کافران دوزخی، هرگز نمی میرند تا درد و رنج عذاب را درک نکنند و نیز از عذاب آنان کاسته نمی شود، می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

آشامیدنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۲

۲۲ نوشیدنی سوزان و عذاب دردناک قیامت در انتظار بازیچه قراردهندگان دین است.

أولئك الذين أفسلوا .. لهم شراب من حميم و عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۶ - ۲،۳،۴

۲- به جباران منحرف ، در جهنم ، آبی چرکین و متعفن نوشانده می شود .

من ورائه جهنم و یسقی من ماء صدید

<صدید> به معنای چرکی است که بین گوشت و پوست به وجود می آید. این واژه در نوشیدنیهای جهنمیان استعمال می گردد.

۳- > عن أبي عبدالله (ع) [فی قوله تعالی : > و یسقی من ماء صدید <] و یسقی ممّا یسیل من الدم و القيح من

از امام صادق(ع)[درباره سخن خدا: <و یسقی من ماء صدید>] روایت شده است که فرمود: به آنان در جهنم، چرک و خون جاری از زنان زناکار نوشانده می شود.

۴- <قال أمير المؤمنين (ع) : إن أهل النار لما غلی الزقوم و الضریع فی بطونهم کغلی الحمیم سألوا الشراب فأتوا بشراب . . . صدید . . . ۱

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که زقوم و ضریع در شکم جهنمیان، همانند آب جوشان به جوش می آید، درخواست نوشیدنی می کنند؛ به آنان نوشیدنی ای از . . . چرک و خون داده می شود...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۱۰، ۷، ۲، ۱

۱- جباران منحرف ، آب چرکین جهنم را جرعه جرعه با کراهت تمام خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . یتجرّعه و لایکاد یسیغه

<إسأغه> به معنای ریختن شراب در حلق است. بنابراین مراد از <لایکاد یسیغه> این است که آنان نمی خواهند به چنین نوشیدنی نزدیک شوند.

۲- تشنگی شدید جباران منحرف در جهنم به حدی است که علی رغم کراهت و بی میلی شدید ، از آب چرکین خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . یتجرّعه و لایکاد یسیغه

۷- برای کافران جبار ، در جهنم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب غلیظ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای

یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

۱۰- <عن النبی (ع) فی قوله : > و یسقی من ماء صدید < قال : یقرّب إلیه فیکرّهه فإذا أدنی منه شوی وجهه و وقعت فروه رأسه فإذا شرب قطع أمعاؤه حتی یخرج من دبره ؛

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <و یسقی من ماء صدید> روایت شده است که فرمود: [ماء صدید نوشیدنی ای است] که جهنمی وقتی به آن نزدیک می شود، سخت ناراحت می گردد. پس وقتی نزدیک تر می شود، صورت او را برشته و پوست از سر او کنده می شود و آن گاه که آن را نوشید، امعا و احشای او متلاشی و از مقعد او خارج می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یتغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقایس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۲

۲ - نوشیدنی اهل دوزخ ، آبی است داغ و جوشان .

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

گداخته شدن امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ، نشانگر آن است که نوشیدن آن آب جوشان، برای

رفع تشنگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۷ - ۱

۱ - آمیزه ای از آب داغ، نوشیدنی دوزخیان ستمگر پس از خوردن غذای زقوم

ثُمَّ إِنَّ لَهُم عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ

<شوب> مصدر سماعی از فعل <شابه> (آن را مخلوط کرد) است که گاهی بر اسم مفعول (مشوب) اطلاق می شود (مثل <خلق> و <مخلوق>). در آیه شریفه نیز به همین معنا آمده است. <حمیم> به معنای آب پرحرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۱

۱ - دوزخیان ستمگر پس از هر بار خوردن <زقوم> و نوشیدن آب داغ مجدداً به دوزخ بازمی گردند.

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - آب داغ و خونابه چرکین، نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ

إِنَّ لِلطَّغْيِينِ .. هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٍ وَ غَسَّاقٍ

<حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است و <غَسَّاق> در نظر برخی از اهل لغت، به معنای چرک و خون اهل دوزخ است (لسان العرب). در نگاه برخی دیگر مقصود از آن مایعی است که از پوست اهل دوزخ خارج می شود (مفردات راغب).

۲ - آب داغ و خونابه چرکین، نوشابه و غذای دوزخیان

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٍ وَ غَسَّاقٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۱

۱- انواع نوشیدنی ها و غذا های دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین ، به طغیان گران خورنده می

شود .

فلیدوقوه حمیم و غساق . وء اخر من شكله أزوج

<شكل> به معنای مثل و مانند و <أزواج> به معنای انواع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۱

۲۱- آب جوشان و گدازنده درون ، نوشیدنی دوزخیان در آتش جاودان

کمن هو خلد فی النار و سقوا ماء حمیمًا فقطع أمعاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۴ - ۲

۲ - نوشیدنی دوزخیان (اصحاب شمال) ، آبی است بسیار داغ و جوشان .

فشربون علیه من الحمیم

<حمیم> در <مفردات راغب> به آب شدید الحرارة معنا شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۱

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهیم

<هیم> جمع <هیماء> است و <هیماء> به شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شتر تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۳

۳- عذاب دوزخ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۵ - ۱

۱ - تنها نوشیدنی موجود برای دوزخیان طغیان گر، آب جوشان و زردابه چرکین و بد بوی زخم ها است

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا

<حمیم> یعنی، آب داغ و <غسیاق>، آب زردی است که از زخم جاری می شود. به مایع بدبو نیز <غسیاق> گفته می شود. (قاموس)

آل فرعون در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۶،۷

۶ - به دوزخ افتادن خاندان فرعون در قیامت با فرمان الهی

و یوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب

۷ - خاندان فرعون، مبتلا به سخت ترین عذاب و کیفر الهی در دوزخ

أشد العذاب

با توجه به این که <أشد العذاب> می تواند بیانگر این معنا باشد که عذاب دوزخ، شدت و ضعف دارد و فرعونیان در درجه شدیدتر آن قرار داده خواهند شد. هم چنین می تواند بدین معنا باشد که عذاب دوزخ در مقایسه با هر عذاب دیگری، شدیدترین عذاب ها است. در این صورت <أشد العذاب> به جای دوزخ آمده و حکایت از شدت بی حساب آتش آن دارد.

آمادگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۶

۶ آتش جهنم، هم اکنون (پیش از برپایی قیامت) برای تکذیب کنندگان قیامت، آماده و مهیا است.

و أعتدنا لمن كذب بالساعة سعيرًا

آمدن فعل <أعتدنا> (آماده کردیم) به صورت فعل ماضی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

آمادگی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- دوزخ ، از هم اکنون برای ظالمان آماده و مهیا است . *

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۸،۱۰

۸- دوزخ ، منزل گاهی مهیا شده ، برای کافران است .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

<أعدنا> از ماده <عدت> با <أعدنا> از ماده <عدد> به يك معنا است و در این كه <آیا یکی اصل دیگری است یا هر کدام لغت مستقلی است؟>، اختلاف است. کلمه <نزل> در معانی <منزل>، <وسائل پذیرایی> و <مأوی دادن> استعمال شده است. در برداشت یاد شده معنای نخست لحاظ شده است.

۱۰- جهنم ، هم اکنون موجود و مهیا است .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

ظاهر فعل <أعدنا> آن است كه جهنم، هم اکنون آماده است، نه این كه بعد از این فراهم خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۳

۳- آتش جهنم ، مهیای پذیرش کافران در رستاخیز *

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

از واژه <یعرض>، نوعی تقاضا و آمادگی، از طرف مقابل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۳

۱۳ - جهنم ، مهیا شده از سوی خداوند برای منافقان و مشرکان

و أعد لهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۱،۵

۱ - شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا و رسول او

و من لم يؤمن . . . فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

۵ - نقش عوامل الهی ، در مهیّا شدن دوزخ برای کافران *

فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

ضمیر متکلم مع الغیر، در <إِنَّا> و <أَعْتَدْنَا> را می توان بیانگر نقش عوامل و کارگزاران الهی در تحقّق

اراده او دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۳

۳ - دوزخ و ابزار عذاب آن ، هم اکنون موجود و آماده است .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا

تعبیر <أَعَدَّ> (مهیا کرده است) به صورت ماضی، می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۱ - ۳

۳ - جهنم ، از دیرباز آفریده و مهیا شده است .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

فعل ماضی <كانت>، ممکن است بر حتمی بودن حوادث آینده دلالت کند. هم چنین می تواند بر زمان گذشته و مهیا بودن جهنم در آن دلالت داشته باشد. برداشت یاد شده بر مبنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۴

۴ - آماده سازی بهشت و جهنم برای ورود اهل آن ، هم زمان با برپایی قیامت

و إِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ . و إِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ

آهن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۳

۳ - وجود آهن در دوزخ و کاربرد آن در عذاب دوزخیان

و لهم مقمع من حديد

ابزار درك جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۰ - ۱،۳

۱ - ابزار شناخت زوایای جهنم و اعماق هولناك آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدريك ماهیه

كلمه <هیه> ترکیبی از ضمیر <هی> و هاء <سكت> است.

۳ - پیامبر (ص) ، در شناخت < هاویه > ، نیازمند تعلیم الهی

است .

و ما أدریک ماهیه

ابزار عذاب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۲

۲ - شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، سزاوار گرزهای آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید

<مقمعه> (مفرد <مقاع>) به معنای گرز است. پس <مقاع من حدید>؛ یعنی، گرزهای آهنین.

ابزار نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۶

۶- امکانات پاکیزه و ارزشمند زندگی دنیا ، وسیله راه یابی به درجات عالی و رهایی از دوزخ

أذهبتم طیبتکم فی حیاتکم الدنیا

مفاد آیه این است که پس از عرضه کردن کافران به آتش، به آنان گفته می شود که امکانات ارزنده را نابود ساختید؛ در حالی که اگر از آن پاکی ها به درستی بهره می جستید، اکنون دوزخی نبودید.

ابلیس در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۸ - ۳،۵

۳ تکبر، تمرد و اغواگری ابلیس، موجب گرفتاری او به آتش دوزخ

ما منعک ألا تسجد... لأملأن جهنم منکم أجمعین

۵ جهنم مملو از ابلیس و همه پیروانی که در زمره ابلیسیان درآمده باشند.

لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ

خطاب در <منکم> می تواند بیانگر این نکته باشد که آدمی به مجرد پیروی از ابلیس جایگاهی همانند او در جهنم نخواهد داشت، بلکه آن گونه پیروی چنین اقتضایی را دارد که آدمی را همسخن ابلیس سازد؛ به گونه ای که بتوان ابلیس و پیروی کننده وی را با یک ضمیر مورد خطاب قرار داد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۵

۵ - تکبر و خودبرتربینی ابلیس و تصمیم وی بر اغوا کردن انسان ها ، موجب گرفتار شدن او به آتش دوزخ

قال فبِعَزَّتْكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ .. قال فالحقّ ... لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ

ابو لهب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۱ - ۵

۵ - ابولهب ، با آتش جهنم ملازم خواهد بود .

أبی لهب

نام عمومی پیامبر(ص)، <عبدالعزّی> بوده است. استفاده از کنیه او که یادآور کلمه لهیب (شعله آتش) است می تواند گرفتاری همیشگی او را به لهیب دوزخ مطرح سازد.

احاطه آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۵

۵ احاطه آتش دوزخ بر تار و پود کافران ، دلیل بی ثمر ماندن تلاش آنان برای رهایی از آن

یریدون ان یخرجوا من النار و ما هم بخرجین منها

جمله <و ما هم بخرجین منها> به این معناست که کافران با آتش عجین شده اند و هیچگاه از آتش خارج نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۹

۹ احاطه همه جانبه آتش دوزخ بر کافران

و إن جهنم لمحیطه بالكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود .

لو يعلم الذین کفروا حین لایکفون عن وجوههم النار ولا

عن ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۳

۳- آتش جهنم ، فراگیر تمامی وجود کافران دوزخی بوده و بدنشان یک جا به آتش تبدیل خواهد شد .

إِنَّكُمْ وَمَاتِعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصْبُ جَهَنَّمَ

برداشت یاد شده از هیزم شدن کافران برای دوزخ استفاده می شود زیرا هر وقت آتش به هیزمی برسد، تمامی هیزم به آتش تبدیل می شود. بنابراین بدن کافران هم یک جا به آتش تبدیل شده و تمامی وجودشان خواهد سوخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۴

۴ - دوزخ ، مجازات منکران قیامت

أءَنَا لَمَدِينُونَ .. فَأَطَّلِعُ فِرْعَانَ فِي سِوَاءِ الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱

۱ - مشرکان و کافران در دوزخ ، از هر سو در محاصره آتش قرار خواهند داشت .

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ

مقصود از سایبان هایی از آتش بر فراز کافران و زیر آنان، آتش فراگیر است که از هر سو آنها را محاصره کرده است چنان که در سوره دیگری از این حقیقت به صراحت یاد شده است: <یوم یخشاهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم..>، (سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۵۵).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، دوزخیان را فراگرفته و از هر سو آنان را احاطه خواهد کرد .

لهم فيها دار الخلد

مطلب بالا از کلمه <فیها> که ظرفیت را افاده

کرده و نوعی احاطه را می‌رساند و نیز از کلمه <دار> قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - آتش دوزخ، آتشی است فراگیر و اثرگذار بر تمامی وجود انسان.

لاتبقی و لاتندر

مقصود از <لاتبقی> (باقی نمی‌گذارد) می‌تواند تمام اجزای بدن و ابعاد وجود انسان و یا فراگیر بودن آن نسبت به همه دوزخیان باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ - آتش دوزخ، فراگیر همه دوزخیان است و هیچ کس راه گریزی از آن ندارد.

لاتبقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۱،۴

۱ - آتش جهنم، بر قلب‌ها احاطه یافته، آن را خواهد سوزاند.

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفُنْدَةِ

برخی از اهل لغت، اطلاع را به معنای بلوغ دانسته‌اند (لسان العرب). براین اساس، مفاد آیه این است که آتش، به قلب‌ها رسیده، آن را خواهد سوزاند. حرف <علی> بر احاطه کامل آتش دلالت دارد.

۴ - احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب‌جویان، کیفی مناسب برای گناه‌افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه .. الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفُنْدَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۳

۳ - غیبت، عیب‌جویی و انباشتن ثروت، زمینه‌محسوس ماندن در آتشی مسلط و فراگیر در جهنم

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ

حرف <علی> در <علیهم>، بر احاطه و سلطه دلالت دارد.

احاطه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ -

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سَرَادِقُهَا

<سرادق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

احاطه جهنم بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۵

۵ - جهنم ، بر کافران ، احاطه کامل دارد .

و إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۱

۱ - عذاب جهنم ، چنان بر کافران احاطه خواهد داشت که از بالا و پایین پا ، آنها را فرا خواهد گرفت .

يَوْمَ يَغْشِيهِمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ

احاطه دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۳

۳ - احاطه همه جانبه دود برخاسته از آتش ، بر تکذیب گران روز جزا و نبودن هیچ راه گریزی از آن

انطلقوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثُلُثِ شَعْبٍ

تعبیر <ثلاث شعب> به گفته مفسران می تواند اشاره به فراگیر و همه جانبه بودن دود برخاسته از آتش و گریزناپذیر بودن آن باشد.

احاطه عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۴

۴ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به عذاب فراگیر و دائمی دوزخ تهدید کرد .

و يحلّ عليه عذاب مقيم

<علی> برای استیلا و تمکن است و می رساند که عذاب الهی دشمنان رسول خدا، فراگیر و گسترده است.

احاطه عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره -

۴- گنه کاران دوزخی ، از درون و بیرون و از هر سو مبتلا به عذاب و شکنجه خواهند بود .

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ... كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبَطْنِ ... خَذُوهُ ... ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ ع

احتجاج در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - وجود اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و اقدام آنان به احتجاج و دلیل آوردن

و إِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضَّعِيفُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

۲ - پدید آمدن اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و احتجاج و دلیل آوردن هر یک از آنان ، حادثه ای

شایسته یاد و یادآوری

و إِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضَّعِيفُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

<إِذْ> متعلق به فعل محذوف (أذكر) می باشد.

ادراک آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ آتش جهنم ، دارای نوعی ادراک و احساس

إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَ زَفِيرًا

ادراک جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - جهنم ، دارای نوعی ادراک در عالم قیامت *

یوم نقول لجهنم هل امتلأت و تقول هل من مزید

برداشت بالا بدان احتمال است که گفتوگوی مطرح در آیه شریفه، گفتوگویی واقعی باشد و نه در مقام بیان نمادین حقیقت.

ازدیاد حرارت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۴

۴ - حرارت

جهنم قابل افزایش و تحت تأثیر وسیله ای برافروزنده در قیامت

و إذا الجحیم سعرت

آوردن فعل متعدی مجهول <سُعِرَتْ>، برای افروخته شدن جهنم، حکایت از آن دارد که انجام کار مستند به خصوصیات ذاتی جهنم نیست و عوامل بیرونی در شعله‌ور شدن آن دخیلند.

استبعاد نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۱

۱ - راه خروج از آتش جهنم، بر دوزخیان بسته خواهد بود.

إنّھا علیهم مؤصده

<وصیده> به اتاقی گفته می شود که برای نگه داری اموال، در کوه ایجاد می کنند. فعل <آصدته>؛ یعنی، درب آن را بستم و محکم ساختم (مفردات)؛ بنابراین <مؤصده>، به معنای مکان بسته و غیر قابل خروج است.

استحاله فرار از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۱ - ۲

۲ - جهنمیان در قیامت، راه گریزی نخواهند داشت.

إنّ جهنّم کانت مرصداً

<مرصاد> بودن جهنم، بیانگر این است که گرفتاری جهنمیان به دام آن حتمی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۲

۲ - گریز از جهنم، برای طغیان گران امکان پذیر نیست.

إنّ جهنّم کانت مرصداً . للطّغین

<للطاغین> ممکن است به <مآب> تعلق داشته باشد و نیز می تواند متعلق به <مرصاداً> باشد. در صورت دوم مفاد آیه شریفه چنین می شود: جهنم برای طغیان گران مثل کمین است که رهایی از آن ممکن نیست. در این صورت <مآباً> نیز متعلقی نظیر <للطاغین> داشته که به دلیل وجود قرینه، ذکر آن ضرورت نداشت.

استمداد از مالک

۱۲ - > قال سيد بن طاوس ، اقول في الحديث . إنّ أهل النار إذا دخلوها و رأوا أنكالها . . . فيوملون . . . ليخفّ عنهم بعض العذاب . . . فإذا يسوا من خزنة جهنم رجعوا إلى مالك مقدّم الخزان و أمّلوا أن يخلصهم من ذلك الهوان كما قال جلّ جلاله > و نادوا يا مالك ليقض علينا ربّك < قال : فيحبس عنهم الجواب أربعين سنه ثمّ يجيبهم كما قال الله في كتابه المكنون . > إنكم ما كثون < . . . ;

سیدبن طاووس گوید: در حدیث است که دوزخیان زمانی که داخل آتش شده و عذاب های آن جا را می بینند . . آرزو می کنند . . تا مقداری از عذاب از آنان برداشته شود و وقتی از مأموران جهنم مایوس شدند، سراغ مالک دوزخ که [رتبه] او بر همه مأموران مقدم است، رفته و آرزو می کنند که او آنها را از این ذلت رهایی دهد؛ همان طور که خداوند می فرماید: > نادوا یا مالک لیقض علینا ربّک < . جواب آنان چهل سال داده نمی شود؛ سپس همان گونه که خدا در کتاب محفوظ خود فرموده چنین جواب می دهد: إنکم ما کثون < . . .

استمداد از نگهبانان جهنم

۱۲ - > قال سيد بن طاوس ، اقول في الحديث . إنّ أهل النار إذا دخلوها و رأوا أنكالها . . . فيوملون . . .

ليخفّ عنهم بعض العذاب ... فإذا يسوا من خزنه جهنم رجعوا إلى مالک مقدّم الخزان و أمّلوا أن يخلصهم من ذلك الهوان كما قال جلّ جلاله > و نادوا يا مالک ليقض علينا ربّک < قال : فيحبس عنهم الجواب أربعين سنه ثمّ يجيبهم كما قال الله في كتابه الممكنون . > إنکم ما کثون < ... ;

سیدبن طاووس گوید: در حدیث است که دوزخیان زمانی که داخل آتش شده و عذاب های آن جا را می بینند .. آرزو می کنند ... تا مقداری از عذاب از آنان برداشته شود و وقتی از مأموران جهنم مایوس شدند، سراغ مالک دوزخ که [رتبه] او بر همه مأموران مقدم است، رفته و آرزو می کنند که او آنها را از این ذلت رهایی دهد؛ همان طور که خداوند می فرماید: > نادوا یا مالک لیقض علینا ربّک <. جواب آنان چهل سال داده نمی شود؛ سپس همان گونه که خدا در کتاب محفوظ خود فرموده چنین جواب می دهد: إنکم ما کثون <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۵

۱۵- کافران در خیمه آتشین دوزخ ، با استغاثه و اظهار تشنگی ، از مأموران عذاب ، یاری می طلبند .

و إن يستغثوا یغاثوا بماء

> غوث < یعنی: > یاری کردن < و > غیث < یعنی: > باران <. مراد از > استغاثه < می تواند طلب یاری و یا طلب باران (آب) باشد. پاسخی که به استغاثه دوزخیان داده می شود، گویای آن است که یاری خواستن دوزخیان، همان آب خواهی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

۷- پاسخ منفی و یأس آور نگاهبانان جهنم ، به استمداد دوزخیان مبنی بر درخواست تخفیف در عذاب آنان از خداوند

قال ادعوا ربکم یخفف عنّا .. قالوا فادعوا و ما دعوا الکفرین إلا فی ضلل

استهزاگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳- عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکننده خواهند شد .

لینبذن فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۲

۲- آتش جهنم ، جاودان و گرفتاری زراندوزان استهزاگر در آن ، همیشگی است .

إنها علیهم مؤصده

اصحاب شمال در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۲ - ۴

۴- اصحاب الشمال در دوزخ ، ناچار به استفاده از آب بسیار داغ برای رفع تشنگی

و حمیم

<حمیم> یعنی، آب داغ و نکره بودن آن، دلالت بر شدت داغی آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۲

۲ - پناه بردن اصحاب الشمال از گرمای دوزخ به سایه ، بی تأثیر برای آنان

فی سموم ... و ظلّ ... لا بارد ولا کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۵ - ۳

۳ - سرمستی ، خوش گذرانی و فرو رفتن در ناز و نعمت

، از عوامل مهم دوزخی شدن < اصحاب شمال >

و أصحاب الشمال ... إنهم كانوا قبل ذلك مترفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۳ - ۱

۱ - دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه < زقوم > می پردازند .

فمالون منها البطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۴ - ۱،۲

۱ - عارض شدن تشنگی بسیار شدید بر دوزخیان (اصحاب شمال) ، به محض فارغ شدن از خوردن میوه < زقوم >

لأكلون من شجر من زقوم .. فشربون عليه من الحميم

به کارگیری < فا > در < فشاربون > و نیز قید < علیه > ، می رساند که نوشیدن آب بعد از خوردن از < زقوم > ، بی درنگ و بلافاصله انجام خواهد گرفت و این حکایت از تشنگی شدید دوزخیان دارد که با خوردن < زقوم > بر ایشان عارض خواهد شد .

۲ - نوشیدنی دوزخیان (اصحاب شمال) ، آبی است بسیار داغ و جوشان .

فشربون عليه من الحميم

< حميم > در < مفردات راغب > به آب شدید الحرارة معنا شده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۱،۲

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ، با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهيم

< هيم > جمع < هيماء > است و < هيماء > به شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ

جهنم به شترِ تشنه، بیانگرِ مطلبِ یاد شده است.

۲- نوشیدن آب داغ در دوزخ،

هر چند زیاد باشد از دوزخیان (اصحاب الشمال) رفع تشنگی نمی کند.

فشربون شرب الهیم

برخی <هیم> (جمع <هیماء>) را به معنای ریگ گرفته اند؛ زیرا در زمین ریگ زار هر چه آب ریخته شود، بلعیده می شود و هرگز از آب پر نمی گردد. تشبیه دوزخیان تشنه به ریگ زار، حاکی از سیری ناپذیری از آن آب می باشد.

اضلالگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۸

۸- دوزخ، سرانجام تلاش برای ترویج آیین شرک و گمراه کردن مردم از مسیر خدا و یگانه پرستی

و جعلوا لله أندادًا ليضلوا عن سبيله .. فإن مصيركم إلى النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۲

۲ - پیشوایان شرک و گمراه کنندگان خلق، مصداق های بارز و قطعی دوزخیان

قال الذين حق عليهم القول

خداوند در آغاز آفرینش آدم، در پاسخ ابلیس که گفته بود: <رب بما أغويتني لأغوينهم أجمعين> فرمود: <لأملئن جهنم منك و ممن تبعك منهم أجمعين>. کلمه <القول> اشاره به همین سخن خداوند دارد. بنابراین <الذين حق عليهم القول>؛ یعنی، آنان که آن سخن خدا درباره ایشان مصداق و قطعیت یافته است.

اطاعت نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - فرشتگان نگهبان دوزخ، تسلیم محض خدا هستند و هرگز از فرمان او سرپیچی نمی کنند و از چارچوب آن خارج نمی شوند.

لا يعصون الله ما أمرهم

۱۳ - برخورد خشن و سخنگیرانه نگهبانان دوزخ ، به فرمان الهی

بوده و هرگز از آن نمی کاهند و یا متوقف نمی شوند .

عليها ملئکه غلاظ شداد لايعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون

یادآوری عصمت و فرمانبری فرشتگان پس از ذکر برخورد خشن و سختگیرانه آنان با دوزخیان می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

افکندن جهنمیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، در تأکید برافکنده شدن دوزخیان در آتش جهنم

لینبذن

حرف <لام> در <لینبذن>، نشانگر قسم محذوف است.

اقسام عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۷

۷- برای کافران جنبار ، در جهنم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب غلیظ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۵

۵ جهنم ، دارای انواع عذاب هلاکت بار برای تکذیب کنندگان قیامت

لا تدعوا اليوم ثبورًا وحدها و ادعوا ثبورًا كثيرًا

التجا به نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱

۱ - التجای دوزخیان به نگهبانان دوزخ ، برای وساطت میان ایشان و پروردگار

و نادوا يملك ليقض علينا ربك

القای

بدکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱

۱ - سرنگون شدن و به روی افتادن در آتش دوزخ، کیفر و فرجام بدکاران

و من جاء بالسیئه فکبت وجوههم فی النار

<کَبَّ> (مصدر مجهول <کُتِبَ>) به معنای سرنگون شدن است. بنابراین <فکبت وجوههم فی النار> یعنی، آنان با صورت [توسط مأموران الهی] در آتش سرنگون خواهند شد.

امت ها در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۵۸

۵ هر امتی پس از ورود به جهنم، امت هم مسلک خویش را لعنت می کند و بر او نفرین می فرستد.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

۸ ورود دوزخیان به جهنم، تدریجی و گروه گروه خواهد بود.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

انتقال جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۵

۵ - قابلیت جهنم برای نقل و انتقال

و جایء یومئذ بجهنم

انذار از آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۲

۲ - خداوند ، انسان ها را از آتش عظیم و شعله‌ور آخرت ، بیم داده و برحذر داشته است .

فَأَنْذَرْتَكُمْ نَارًا تَلْظَى

نکره بودن <ناراً>، بر عظمت آن دلالت دارد.

انذار از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰ - ۴

۴- تهدید کافران به عذاب دوزخ ، بشارتی به مؤمنان است .

و يبشّر المؤمنين . . . و أن الذين لا يؤمنون بالأخرة أعتدنا لهم عذاباً أليماً

جمله <و أن الذين

لايؤمنون بالأخـره > عطف بر جمله < أن لهم أجراً كبيراً > استر یعنی، خدا دو بشارت به مؤمنان می دهد: ۱- اجر بزرگ برای آنان، ۲- آماده کردن عذاب برای کافران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۸

۸- تهدید شدن مشرکان کینه توز به آتش دوزخ، از سوی پیامبر (ص) و به دستور خداوند

قل أفأنتنکم بشر من ذلکم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۶ - ۱

۱ - دوزخ، از مهم ترین انذارها و اخطارهای الهی برای بشر

نذیراً للبشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۷ - ۳

۳ - خطر گرفتاری به جهنم، به تمام دوزخیان گوشزد شده و به آنان هشدار کافی داده شده است.

ثم یقال هذا الذی کنتم به تکذبون

انذار مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - خداوند، به منکران آتش دوزخ، هشدار داده است.

ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذبون

انسانها در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱

۱ جهنم ، فرجام بسیاری از انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۷،۸،۱۰

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لأملأن جهنم من

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربك لأملأ جهنم من الجنة والناس

<تمت> یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربك> که با جمله <لأملأ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأ جهنم منك و ممن تبعك منهم أجمعين> حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵.<

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لا يزالون مختلفين . . . و تمت کلمه ربك لأملأ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربك . . .) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۶

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لكن حقّ القول منّي لأملأ جهنم من الجنّة و الناس

لام در <لأملأ> برای قسم است و حکایت از آن

دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

اهل تکاثر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۱

۱ - طالبان امتیازات مادی، در قیامت دوزخ را در مرحله ای فراتر از <علم الیقین> مشاهده کرده، به حقیقت یقین دست خواهند یافت.

ثم لترونها عين اليقين

<عين اليقين> که در اصل <رؤیه عين اليقين> (دیدنی که نفس یقین است) بوده مفعول مطلق است و حرف <ثم> که بر تراخی رتبی دلالت دارد آن را مرحله ای فراتر از <علم الیقین> معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۴

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها، زمینه ساز گرفتاری برتری جویان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لترون الجحيم .. ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

اهل یقین و آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶ - دوزخ و آتش سوزان آن در دنیا برای اهل یقین، مشهود و غفلت ناپذیر است.

لو تعلمون علم اليقين .. لترون الجحيم

جمله <لترون الجحيم>، می تواند جواب <لو> باشد؛ در این صورت آیه شریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود.

از آن جا که حرف <لو> (در آیه قبل) برای امتناع بود؛ این مشاهده

بر مخاطبان <لو تعلمون> که اهل تکاثراند محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکید در <لتروُن> قطعی است. فعل مضارع <لتروُن> با دلالت بر استمرار بیانگر آن است که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

اهل یقین و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶ - دوزخ و آتش سوزان آن در دنیا برای اهل یقین، مشهود و غفلت ناپذیر است .

لو تعلمون علم یقین .. لتروُن الجحیم

جمله <لتروُن الجحیم>، می تواند جواب <لو> باشد؛ در این صورت آیه شریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود. از آن جا که حرف <لو> (در آیه قبل) برای امتناع بود؛ این مشاهده بر مخاطبان <لو تعلمون> که اهل تکاثراند محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکید در <لتروُن> قطعی است. فعل مضارع <لتروُن> با دلالت بر استمرار بیانگر آن است که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

اهمیت نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۶

۶ برنامه ها و قوانینی رشید و بالنده اند که مایه سعادت اخروی آدمیان و باعث نجات آنان از آتش دوزخ باشند .

و ما أمر فرعون برشید. یقدم قومه یوم القیمه فأورد هم النار

بادهای داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۶،۷،۸

۶ - وجود باد های داغ و سوزان در دوزخ

و وقینا عذاب السموم

<سموم> به باد داغ

و سوزانی گفته می شود که همچون <سم> در اجزای بدن تأثیر می گذارد. (مفردات راغب)

۷- سپاس گزاری متقین از خداوند ، به خاطر رهایی شان از عذاب باد های سوزان و کشنده دوزخ

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

۸- > عن النبي (ص) قال : لو فتح الله من عذاب السموم على أهل الأرض مثل الأنملة أحرقت الأرض و من عليها ;

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: اگر خداوند از عذاب سموم [روزنه ای] به اندازه یک سرانگشت به روی اهل زمین باز کند، زمین و هر کس روی زمین است می سوزد.

بازگشت به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۱

۱- دوزخیان ستمگر پس از هر بار خوردن < زقوم > و نوشیدن آب داغ مجدداً به دوزخ بازمی گردند .

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ

بانیان مسجد ضرار در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۵

۱۵ بناکنندگان مسجد ضرار ، از ظالمان و سقوط کنندگان در آتش دوزخند .

و الذين اتخذوا مسجداً ضراراً .. فانهار به في نار جهنم

بت ها در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۸ - ۶

۶- > جاء في الحديث إنَّ قوماً أتوا رسول الله (ص) فقالوا له : ... أخبرنا عن قوله : > إنكم و ماتعبدون من دون الله حسب

جهنم أنتم لها واردون < إذا كان معبودهم معهم في النار فقد عبدوا

المسيح (ع) أفتقول: إنه في النار؟ فقال لهم رسول الله (ص): ... قال الله: < إنكم و ما تعبدون > يريد الإصنام التي عبدوها و هي لاتعقل و المسيح (ع) لايدخل في جملت ها لأنه يعقل و لو قال: إنكم و من تعبدون لدخل المسيح (ع) في الجملة فقال القوم: صدقت يا رسول الله (ص)؛

در حدیث آمده که گروهی نزد رسول خدا(ص) آمده و به آن حضرت گفتند: .. ما را از گفتار خدا <إنکم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم...> با خبر ساز چنانچه معبودشان در آتش باشد، پس [این که] گروهی مسیح را عبادت کردند آیا تو می گویی او در آتش است. رسول خدا به آنان فرمود:... خدا فرموده <إنکم و ماتعبدون> و بت هایی را که آنان می پرستیدند اراده کرده و بت ها غیر عاقل هستند و مسیح داخل در آنها نیست زیرا او صاحب عقل است و اگر فرموده بود <إنکم و من تعبدون> مسیح نیز داخل در آن جمله بود. آن گروه گفتند: راست گفتی ای رسول خدا.

بداخلاقی نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۱

۱۱ - فرشتگانِ نگهبان و گماشته بر دوزخ، درشتخوی و سختگیراند .

علیها ملئکه غلاظ شداد

بدبویی آشامیدنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۷

۷ - نوشیدن آب جوشان و خونابه چرکین و بدبو در جهنم، عقوبتی مناسب با

گناه تکذیب آیات الهی

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا .. و كَذَّبُوا بآيَاتِنَا كَذَابًا

ترتیب پنج آیه مورد بحث، به گونه ای است که آیه <جزاء وفاقاً>، دو عقوبت قبل از خود را کیفری مناسب، برای دو گناه بعد از خود قلمداد کرده است. عقوبت ها یکی منفی (لایذوقون) و دیگری مثبت (إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا) بود و گناهان نیز یکی منفی (لا-یرجون) و دیگری مثبت (کَذَّبُوا) است. آیه <جزاء وفاقاً> در میان آنها، گویای تناسب عقوبت منفی با گناه منفی و تناسب عقوبت مثبت با گناه مثبت است. برداشت یاد شده بیانگر تناسب دو مثبت است.

بدگویان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذن فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

بی ایمانان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۸

۸ - مردم بی ایمان در قیامت ، نامه عمل خویش را از پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد .

أَمَا مِنْ أَوْتَى كُتْبَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ .. و يَصَلِي سَعِيرًا ... فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر <هم> و تعبیر <الذین كفروا> (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر <من أوتى كتابه وراء ظهره> از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از <الذین آمنوا>

(در آیات بعد)، همان <من أوتی کتابه بیمینه> در آیات پیشین خواهد بود.

بی تأثیری سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۲

۲ - پناه بردن اصحاب الشمال از گرمای دوزخ به سایه ، بی تأثیر برای آنان

فی سموم .. و ظلّ ... لا بارد و لا کریم

بی سایبانی دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۱ - ۱

۱ - دود سایه مانند دوزخ ، فاقد سایبان حقیقی (خنک کنندگی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست .

لا ظلیل و لا یغنی من اللّهب

<لاظلیل> صفت برای <ظلّ> در آیه پیش است و <ظلّ ظلیل> به معنای سایه دائم و مستمر است (صحاح اللغه). بر این

اساس <ظلّ... لاظلیل> کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و <لهب> به معنای شعله خالص و بدون دود است.

بی صبوری در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۲

۲ - قرار و بی قراری تکذیب گران در آتش دوزخ ، بی تأثیر در تغییر کیفر آنان

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

بی نظیری آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - آتش جهنم ، آتشی بی نظیر و شدیدتر از هر آتش دیگری است .

نار الله

توصیف خداوند به خالق و مالک آتش جهنم، بیانگر تفاوت آن، با دیگر آتش ها است.

بی نظیری جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دوزخ ، پدیده ای بی نظیر در میان پدیده های بزرگ جهان

إنها لإحدى الكبر

برخی از مفسران، بر آنند که مقصود از <لإحدى الكبر> این است که در میان پدیده های بزرگ، دوزخ در عظمت و شگفتی، یگانه و بی نظیر است.

پر شدن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۷،۸،۱۰

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لأملأَنَّ جهنم من الجنة والناس أجمعين

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت كلمة ربك لأملأَنَّ جهنم من الجنة والناس

<تمت> یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران بر آنند که مقصود از <کلمه ربك> که با جمله <لأملأَنَّ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأَنَّ جهنم منك و ممن تبعك منهم أجمعين> حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵.<

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لا يزالون مختلفين .. و تمت كلمة ربك لأملأَنَّ جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربك ..) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق

بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأَنَّ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۲،۳

۲ - پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ . لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَ ... مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای فالحق باشد. هم چنین جمله <وَالْحَقُّ أَقُولُ> جمله معترضه باشد، یعنی، فالحق قسمی لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ...>.

۳ - پر شدن جهنم از شیطان ها و پیروان آنان ، سوگند مؤکد خداوند

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَ مَمَّنْ تَبَعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

پرسش از تعداد نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ در قرآن ، مورد پرسش انکارآمیز کافران و گروه بیمار دل و مغرض قرار گرفت .

و لَيَقُولُ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْكُفْرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا

پرسش نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۱

۱ - پرسش نگهبانان جهنم از دوزخیان ، درباره آمدن فرستادگان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن برای ایشان

قَالُوا أَوْ لِمَ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- پرسش سرزنش آمیز نگهبانان دوزخ از کافران دوزخی ، درباره آمدن پیامبر و اخطار دهنده الهی برای آنان

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <ألم یأتکم..> توییخی و تقریعی باشد.

پرسشهای نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۹

۹- پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و اندازگران

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربکم و ینذرونکم لقاء یومک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۱

۱- کافران ، پس از توقفی چند در آستانه در های دوزخ برای پاسخ به پرسش های دربانان ، به ورود در آن فرمان خواهند یافت .

قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل .. قالوا بلی ... قیل ادخلوا أبواب جهنم

پلیدان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۶

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و یجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۴

۱۴ دوزخ، جایگاه و فرجام نهایی آنان که مظهر پلیدی اند.

إنهم رجس و مأویهم جهنم

پلیدی

آشامیدنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۲۲، ۲۰

۲۰- آبِ مشروب دوزخیان ، مایعی ناگوار و پلید است .

یغاثوا بماء .. بئس الشراب

۲۲- رفاه مندانِ هواپرست ، در قیامت ، گرفتار آتشی فراگیر و آشامیدنی هایی ناگوارند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه .. بئس الشراب و ساءت مرتفقاً

نکته یاد شده از ارتباط دو آیه استفاده شده است.

پیروان ابلیس در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۸ - ۵

۵ جهنم مملو از ابلیس و همه پیروانی که در زمره ابلیسیان درآمده باشند.

لمن تبعك منهم لأملأن جهنم منكم أجمعین

خطاب در <منکم> می تواند بیانگر این نکته باشد که آدمی به مجرد پیروی از ابلیس جایگاهی همانند او در جهنم نخواهد داشت، بلکه آن گونه پیروی چنین اقتضایی را دارد که آدمی را همسنخ ابلیس سازد؛ به گونه ای که بتوان ابلیس و پیروی کننده وی را با یک ضمیر مورد خطاب قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۳ - ۱

۱- جهنم ، وعده گاه همه پیروان گمراه ابلیس

و إن جهنم لموعدهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فکبکبوا فیها .. و جنود إبلیس أجمعون

پیروان شیاطین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ -

۱ - جهنم ، مملو از شیطان ها و پیروان آنان خواهد شد .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

بیشتر مفسران گفته اند: مقصود از <منک> <من جنسک> است زیرا منطقی نیست که جهنم با آن عظمت، تنها با داخل شدن یک فرد (ابلیس) پر شود. پس مقصود، پر شدن دوزخ از مجموعه شیاطین (ابلیس و فرزندانش) و انسان ها خواهد بود.

۲ - پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ . لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَ ... مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ ..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای فالحق باشد. هم چنین جمله <وَالْحَقُّ أَقُولُ> جمله معترضه باشد یعنی، فالحق قسمی لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ...>.

پیروان طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۹ - ۴،۵

۳ - طغیان گران ، از ورود پیروانشان به دوزخ ناراحت شده و آنان را مورد نکوهش و بدگویی قرار می دهند .

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَامْرَحِبًا بِهِمْ

<مرحباً> کلمه ای است که به هنگام خوش آمد گفتن به میهمان گفته می شود و <لا-مرحباً> ضد آن است یعنی، این کلمه در جای نکوهش و بدگویی و از سر ناراحتی گفته می شود.

۴ - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ

إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ

۵ - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ ، سبب نکوهش شدن آنان از سوی طغیان گران می شود .

لَامْرَحِبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله <إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ> که تعلیل

برای <لا مرحباً بهم> است سخن طاغیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۳

۳ - پیروان طاغیان ، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم قدّمتموه لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۲،۳

۲ - اعتراف و توجه پیروان طاغیان در دوزخ ، به ربوبیت پروردگار در هنگام درخواست از او

قالوا ربّنا

۳ - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذاباً ضعفاً فی النار

پیشتازان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

قدم (مصدر يقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

پیشگامان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱۳

۱۳- مشرکان ، پیشگام در وارد شدن به آتش جهنم

لاجرم أن لهم النار و أنهم مفرطون

<مفرط> (از مصدر فرط) به معنای مقدم شدن، جلو افتادن، شتاب و سبقت گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵- > عن أبي جعفر (ع) في قوله < فالسابقات سبقاً > يعنى أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلى الجنه . . . و أرواح الكافرين إلى النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است

که به سوی بهشت [بر یکدیگر] سبقت می گیرند. .. و [نیز] ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند].<

پیشینه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۱ - ۳

۳ - جهنم ، از دیرباز آفریده و مهیّا شده است .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

فعل ماضی <کانت>، ممکن است بر حتمی بودن حوادث آینده دلالت کند. هم چنین می تواند بر زمان گذشته و مهیّا بودن جهنم در آن دلالت داشته باشد. برداشت یاد شده بر مبنای دوم است.

پیوستگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۳ - ۲

۲ - شراره های آتش دوزخ ، بسیار انبوه ، به هم پیوسته و پرجنبش است .

کأنّه جملة صفر

برداشت یاد شده، از تشبیه شراره های آتش به انبوه شتران، استفاده می شود.

تجزیه بدن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۱۰

۱۰ - درهم شکسته شدن در آتش جهنم ، کیفری مناسب برای درهم شکستن شخصیت مردم

همزه لمزه .. لینبذن فی الحطمه

تجمع اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۰ - ۱

۱ - محشور شدن و گرد آمدن دشمنان خدا ، در کناره دوزخ

و یوم یحشر أعداء الله إلى النار . . . حتی إذا ما جاءوها

تداوم آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، پیوسته و بی انقطاع است .

ولاتذر

مقصود

از <لاتذر> (رها نمی سازد)، دوام و استمرار آتش دوزخ است که هرگز قطع نمی شود.

تداوم تشنگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۲

۲ - نوشیدن آب داغ در دوزخ ، هر چند زیاد باشد از دوزخیان (اصحاب الشمال) رفع تشنگی نمی کند .

فشربون شرب الهیم

برخی <هیم> (جمع <هیما>) را به معنای ریگ گرفته اند زیرا در زمین ریگ زار هر چه آب ریخته شود، بلعیده می شود و هرگز از آب پر نمی گردد. تشبیه دوزخیان تشنه به ریگ زار، حاکی از سیری ناپذیری از آن آب می باشد.

تداوم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۴

۴ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به عذاب فراگیر و دائمی دوزخ تهدید کرد .

و یحلّ علیه عذاب مقیم

<علی> برای استیلا و تمکن است و می رساند که عذاب الهی دشمنان رسول خدا، فراگیر و گسترده است.

تداوم عذاب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۵

۵- کافران جبار گرفتار در جهنم ، با وجود ابتلا به انواع عذاب های مرگبار ، هیچ گاه نمی میرند و از عذاب رهایی نمی یابند .

يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ

تراکم آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۲

۲ - جهنّم ، مکانی بس داغ و سوزان و دارای آتشی برافروخته و متراکم

و

بَرَزَاتِ الْجَحِيمِ لِمَنْ يَرَى

<جحیم> به مکانی گفته می شود که حرارت شدیدی دارد. این کلمه بر آتش متراکم و پرزبانه نیز اطلاق می گردد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعله‌ور و متراکم

لَتَرَوْنَ الْجَحِيمَ

<جحیم>، به معنای آتشی است که سخت شعله‌ور بوده و زبانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال های عمیق و هر مکان پر حرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

تَرس از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۱

۱ ضرورت پرهیز از عوامل گرفتاری به آتش دوزخ

و اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۴،۵

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را می رساند.

۵ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم، مقتضی ترس، اضطراب، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی برای رهایی از آن

رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۳

۳ سرنوشت بد و اقامتگاه ناگوار انسان در جهنم ، مقتضی هراسان بودن ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی است .

رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ

.. إنها ساءت مستقرًا و مقامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۷

۷ - نگاه ترس آلود و مضطرب ستمکاران به جهنم ، در کنار آتش دوزخ

ینظرون من طرف خفی

نگاه زیر چشمی به جهنم ، کنایه از ترس و وحشت است .

ترسناکی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، دارای صدای وحشتناک است .

لا یسمعون حسیسها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۹

۹ - آتش جهنم ، آتشی سخت و هولناک و ترس آور است .

فما ویهم النار .. ذوقوا عذاب النار

آوردن اسم ظاهر <النار> به جای ضمیر با توجه به این که جای استعمال ضمیر است می تواند برای تهدید بیشتر و بیان عظمت و بزرگی آتش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۲ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، دارای منظره ای بس هولناک

إنها ترمی بشرر كالقصر

برداشت بالا، از تشبیه شراره های آتش به قصر، استفاده می شود.

ترسناکی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۱

۱ - دوزخ، حقیقتی بس سهمگین و عظیم

و ما أدریک ما سقر

از تعبیر <و ما أدراک ما سقر> (و چه چیز مطلع ساخت تو را که سقر چیست) استفاده می شود که دوزخ، حقیقتی بس بزرگ و سهمگین است که کسی از آن به درستی و شایستگی، آگاهی ندارد

و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - ابزار شناخت زوایای جهنم و اعماق هولناک آن ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدريک ماهیه

کلمه <هیه> ترکیبی از ضمیر <هی> و هاء <سکت> است.

۲ - عظمت جهنم و توصیف اعماق هولناک آن ، فراتر از حد تصوّر و بیان است .

و ما أدريک ماهیه

تشبیه آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقایس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) و صف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

تشبیه خوردنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۴

۴ - > قال رسول الله (ص) : الضريع شئ يكون في النار يشبه الشوك أمر من الصبر و أنتن من الجيفة و أشد حراً من النار ;

رسول خدا(ص) فرمود: ضریع چیزی است در آتش [جهنم] که به بوته خاردار شباهت دارد و تلخ تر از صبر (عصاره گیاهی تلخ) و متعفن تر از مردار و داغ تر از آتش است.<

تشبيه شعله آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات

۱ - شراره های برخاسته از آتش دوزخ ، همانند شتران زرد رنگ است .

کأنه جملة صفر

<جمالات > جمع <جماله > است . <جماله > یا جمع <جمل > (شتر) و یا اسم جمع است .

تعجب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۴

۴ - جهنم ، در شگفت از کثرت و انبوهی کافران و دوزخیان *

و تقول هل من مزید

برداشت یاد شده بدان احتمال است که سؤال <هل من مزید > از روی انکار و اعجاب باشد؛ یعنی، آن قدر کافران را در خود جای داده که به شگفتی آمده و می پرسد: آیا به راستی هنوز هم کافرانی افزون تر وجود دارند؟!

تعداد درهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۱

۱- جهنم ، دارای هفت در است .

لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

تعداد ملائکه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۸،۱۰ - ۷

۷ - بیان تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، موجب افزایش و تقویت ایمان اهل کتاب تا مرز یقین

ليستيقن الذين أوتوا الكتب

۸ - تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ ، از حقايق بازگو شده در كتاب های آسمانی پيشين

ليستيقن الذين أوتوا الكتب

مفسران درباره چگونگی يقين پيدا کردن اهل كتاب از تعداد ذکر شده در قرآن برای نگهبانان دوزخ، گفته اند: چون اين عدد در كتاب های آسمانی اهل كتاب نیز ذکر شده است، آنان به حقانيت و درستی قرآن پی برده اند و بر ايمانشان افزوده شده است.

۱۰ - ذکر تعداد

نگهبانان دوزخ در قرآن، زداینده هرگونه شک و تردید، از دل اهل کتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و درستی قرآن

و لا یرتاب الذین أوتوا الکتب و المؤمنون

تعداد نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۰ - ۱

۱ - دوزخ، دارای نوزده نگهبان

علیها تسعه عشر

تمیز <تسعه عشر> حذف شده است. برخی آن را به تقدیر <تسعه عشر ملکاً> و برخی <تسعه عشر صنفاً> گرفته اند. برداشت یاد شده بر پایه تقدیر اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۰، ۹، ۸، ۷

۷ - بیان تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن، موجب افزایش و تقویت ایمان اهل کتاب تا مرز یقین

لیستین الذین أوتوا الکتب

۸ - تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ، از حقایق بازگو شده در کتاب های آسمانی پیشین

لیستین الذین أوتوا الکتب

مفسران درباره چگونگی یقین پیدا کردن اهل کتاب از تعداد ذکر شده در قرآن برای نگهبانان دوزخ، گفته اند: چون این عدد در کتاب های آسمانی اهل کتاب نیز ذکر شده است، آنان به حقانیت و درستی قرآن پی برده اند و بر ایمانشان افزوده شده است.

۹ - ذکر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن، موجب افزایش و تقویت ایمان مؤمنان گردید.

و یرداد الذین ءامنوا إیماناً

مفسران گفته اند: افزایش ایمان مؤمنان، بر اثر شنیدن تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن، ممکن است به این جهت باشد که اهل

کتاب، به حقیقت یاد شده اذعان داشته و به آن یقین کرده اند.

۱۰ - ذکر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن، زداینده هرگونه شک و تردید،

از دل اهل کتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و درستی قرآن

و لا یرتاب الذین أوتوا الکتب و المؤمنون

تعدد دربهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۶

۶ - دوزخ ، دارای درب های متعدد

فتحت أبوابها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۲،۳

۲ - ورود کافران به دوزخ ، از درب های گوناگون خواهد بود .

قیل ادخلوا أبواب جهنم

۳ - جهنم ، دارای درب های متعدد و گوناگون

أبواب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبواب جهنم

تعدد درهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۳،۴

۳- کافران ، از در های مختلفی وارد جهنم می شوند .

الكفرین .. فادخلوا أبواب جهنم

۴- جهنم ، دارای در های گوناگون و متعدد

أبواب جهنم

تعدد نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۷

۷- دوزخ ، دارای نگهبان و دربانان متعدد است .

و قال لهم خزنتها

<خازن> (مفرد <خزنه>) در اصل به کسی گویند که حافظ اشیا باشد که در مکانی قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۵

۵- جهنم ، دارای نگهبانان و دربانان متعدد است .

لخزنه جهنم

<خزنه> جمع <خازن> است و <خازن> به کسی گویند که

حافظ اشیا بی باشد که در مکانی قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۵

۵ - دوزخ ، دارای نگهبانان متعدد

خزنتها

تعفن خوردنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۲،۴

۲ - تنها خوراک موجود برای برخی از دوزخیان ، گیاه خاردار و بی ارزش و بدبوی جهنم است .

لیس لهم طعام إلا من ضریع

<ضریع> (از ریشه <مضارعه> به معنای <مشابهه>) خاری است که شتر آن را، از خارهای مشابه تشخیص نمی دهد و خوردن آن به او صدمه می زند و سودی نمی رساند (مجمع البیان). برخی آن را خار ساقه و تنه درخت خرما و برخی دیگر، گیاه بدبویی دانسته اند که بر اثر موج دریا بیرون می افتد. این کلمه به معنای پوشش نازک روی استخوان نیز استعمال شده است. (قاموس)

۴ - > قال رسول الله (ص) : الضریع شیء یكون فی النار یشبه الشوک أمر من الصبر و أنتن من الجیفه و أشد حرّاً من النار ;

رسول خدا(ص) فرمود: ضریع چیزی است در آتش [جهنم] که به بوته خاردار شباهت دارد و تلخ تر از صبر (عصاره گیاهی تلخ) و متعفن تر از مردار و داغ تر از آتش است.<

تفاخرکنندگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۴

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جوینان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لتروّنّ الجحيم . . ثمّ لتسئلنّ يومئذ عن النعيم

نشان دادن جهنم

به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت‌ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

تفاوت عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۳

۳ - جهنم، دارای عذاب‌های متفاوت و درکات گوناگون (طبقات زیرین)، برای گروه‌های مختلف دوزخیان

ادخلوا أبواب جهنم

جمع آمدن <ابواب> می‌تواند به اعتبار طبقات متعدد دوزخ باشد؛ بدین معنا که هر طبقه‌ای از آن دارای دربی باشد. گفتنی است که در اصطلاح به طبقات دوزخ، <درکات> گفته می‌شود.

تقرب نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۷

۷ - مقرب بودن نگهبانان دوزخ و منزلت داشتن آنان به پیشگاه خداوند، در نظر دوزخیان

وقال الذين في النار لخنزيره جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يوماً من العذاب

تکذیب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۷

۷ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: <الكفر في كتاب الله على خمسة أوجه... فمنها كفر الجحود و الجحود على وجهين... فأما كفر الجحود فهو الجحود بالربوبية و هو قول من يقول لا رب و لا جنه و لا نار... قال الله عز و جل: ... إن الذين كفروا سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون...>

کفر در کتاب خدا به پنج معنا آمده است

... یکی از آنها کفر جحود است که دو وجه دارد: یک وجه آن، انکار ربوبیت است و آن قول کسی است که می گوید: نه خدایی هست نه بهشتی و نه جهنمی ... خداوند فرمود: *إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ...*.

تکلم در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۵

۵ - سخن گفتن در جهنم ، برای جهنمیان ، امری ممکن است .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون

تلخی خوردنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۴

۴ - > قال رسول الله (ص) : الضریع شیء یكون فی النار یشبه الشوک أمرّ من الصبر و أنتن من الجیفه و أشدّ حرّاً من النار ;

رسول خدا(ص) فرمود: ضریع چیزی است در آتش [جهنم] که به بوته خاردار شباهت دارد و تلخ تر از صبر (عصاره گیاهی تلخ) و متعفن تر از مردار و داغ تر از آتش است.<

تنوع آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۷

۷ وجود آتش های متنوع و متفاوت در دوزخ

قطعت لهم ثياب من نار

تنوع آشامیدنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۲

۲ - غذا و نوشابه ناگوار و مشمئز کننده دوزخیان ، متنوع و گوناگون است .

فلیدوقوه حمیم و غساق . وء اخر من شكله أزوج

تنوع خوردنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص -

۲ - غذا و نوشابه ناگوار و مسمم کننده دوزخیان ، متنوع و گوناگون است .

فلذوقوه حمیم و غساق . وء اخر من شکله أزوج

تنوع دربهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۲

۲ - جهنم ، دارای درب های متعدد و گوناگون

أبواب جهنم

تنوع عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۸

۸- عذاب های جهنم دارای تنوع و مراتب است .

یسقی من ماء صدید .. یأتیة الموت من کلّ مکان ... و من ورائه عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۵

۵- جهنم ، دارای درکات و عذاب های متفاوت و شدید و ضعیف

لها سبعة أبواب لكلّ باب منهم جزء مقسوم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <سبعة> در آیه، کنایه از کثرت و حاکی از شدت و ضعف و تفاوت عذابهای جهنم باشد نه بیان عدد مشخص.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- در جهنّم ، عذاب های مختلفی وجود دارد .

فادخلوا أبواب جهنّم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <أبواب> طبقات عذاب باشد. <خالدین فیها> هم می تواند قرینه بر این احتمال باشد. توضیح اینکه مرجع ضمیر <فیها> أبواب است و چون جاودانگی در أبواب معنا ندارد، أبواب می تواند به معنای طبقات باشد. در این صورت، طبقات، حاکی از وجود عذابهای گوناگون می کند.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، دارای انواع گوناگون است .

فأولئك لهم عذاب مهين

<إهانه> (مصدر <مهين>) به معنای خوار و ذلیل کردن است. توصیف عذاب کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی به <خوار کننده>، بیانگر این حقیقت است که عذاب های دوزخ، دارای انواع مختلف و متفاوت است. گفتنی است، برداشت یاد شده بر این اساس است که <مهین> صفت تخصیصی باشد نه توضیحی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۴

۴ - جهنم ، دارای عذاب هایی متفاوت است . *

فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحریق

چنانچه جمله <و لهم عذاب الحریق> تأکید جمله قبل باشد، نظیر ذکر خاص بعد از عام خواهد بود. در این صورت از بین عذاب های موجود در جهنم، به شدیدترین آن تصریح نشده است.

تهدید به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۴

۱۴ منافقان متخلف از جنگ ، مورد تهدید خداوند به آتش سوزان دوزخ

قل نار جهنم أشد حراً لو كانوا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - تهدید کافران به آتش دوزخ از سوی خداوند

فويل للذين كفروا من النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - زمر - ٣٩ - ١٦ - ٧

٧ - بيم دادن خداوند به بندگانش ، درباره پيامد شوم كفر و شرك و گرفتار شدن به آتش دوزخ

لهم من فوقهم ظلل من النار . . . ذلك

يَخَوْفُ اللَّهَ به عبادۀ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۱

۱ - تهدید و لیدبن مغیره ، به عذاب دوزخ از سوی خداوند

سَأْصَلِيهِ سَقْر

تهدید به عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۴

۴ - طعن زندگان به مردم با سخن یا اشاره ، مورد نفرین خداوند و تهدید به عذاب جهنم

وَيْلٌ لِّكُلِّ هَمْزٍ لَمَزَةٍ

برخی از مفسران، کلمه <ویل> را نفرین دانسته و گفته اند: نفرین در این موارد، همان تهدید به عقاب است. برداشت یاد شده، علاوه بر بیان این نظر، گویای تفاوتی است که برخی از اهل لغت، درباره <همزه> و <لمزه> بیان داشته و گفته اند: <همزه> یعنی، کسی که همنشین خود را با الفاظ بد، بیازارد و <لمزه> یعنی، کسی که با چشم یا سر، به همنشین خود اشاره کند. (مجمع البیان)

ثروت اندوزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۴، ۳، ۲

۲ گنجینه های ثروت اندوزان را ، جهت نقره داغ کردن آنان ، با آتش دوزخ خواهند گذاخت .

یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم

<احماء> مصدر <یحیی> یعنی چیزی را به شدت حرارت دادن و ضمیر مؤنث <علیها> به <الذهب> و <الفضه> برمی گردد البته به اعتبار دانیر و دراهم و <یکوی> از ماده <کئی> و کئی به معنای چسباندن چیزی داغ به عضو بدن است.

۳ پیشانی ، پهلو و پشت کنزاندوزان را در دوزخ با طلاها و نقره های گداخته ، داغ خواهند

کرد .

فی نار جهنم فتکوی بها جباهم و جنوبهم و ظهورهم

۴ سرزنش خداوند از زراندوزان در دوزخ ، همراه با شکنجه کردن آنان به وسیله اندوخته هایشان

هذا ما کنزتم لأنفسکم فذوقوا ما کنزتم تکنزون

۵ طلا ها و نقره های گداخته شده در آتش دوزخ ، تجسمی از گنجینه شدن آنها در دنیا توسط کنزاندوزان

الذین یکنزون الذهب و الفضة . . . یوم یحیی علیها ... هذا ما کنزتم لأنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینیان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذن فی الحطمه

آیات بعد ، بیانگر آن است که مراد از <حطمه> ، آتش جهنم است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را در هم می شکنند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار الله

<نار الله> ، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۲

۲ - آتش جهنم ، جاودان و گرفتاری زراندوزان استهزاگر در آن ، همیشگی است .

إنّها عليهم مؤصده

ثروتمندان کافر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، کیفر زراندوزان کافر

و جمع فأوعی

جاودانان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ - ابن ابی عمیر می گوید ، از امام کاظم (ع) شنیدم که می فرمود : > لا یخلد الله فی النار إلا أهل الکفر و الجحود و أهل الضلال و الشرك ;

خداوند غیر از کافران ، معاندان ، گمراهان و مشرکان ، هیچ کس را مخلد در آتش نمی گرداند .<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۶۴

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، اهل دوزخ بوده و در آتش آن جاودانه خواهند ماند .

ما کان للمشرکین . . . و فی النار هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۵

۵ منافقان ، مخلد در آتش دوزخند .

من یحادد الله و رسوله فان له نار جهنم خلداً فیها

با توجه به اینکه آیات قبل و آیه بعد بیانگر خصلتهای منافقان است ، برداشت فوق استفاده می شود .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد الله المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧- يونس - ١٠ - ٨ - ١

١ دوزخ ، جايفاه ابدى مشركان و منكران رستاخيز

إن الذين لا يرجون لقاءنا .. و الذين هم عن ايتنا غفلون. أولئك مأويهم النار

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۹

۹ زشت کرداران ، اهل دوزخ هستند و در آن جاودانه خواهند ماند .

و الذين كسبوا السيئات .. أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۵

۵- کافران جبار گرفتار در جهنم ، با وجود ابتلا به انواع عذاب های مرگبار ، هیچ گاه نمی میرند و از عذاب رهایی نمی یابند .

يأتية الموت من كل مكان و ما هو بميت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۶

۶- کافران ، همواره در جهنم خواهند ماند .

فادخلوا أبواب جهنم خالدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۰ - ۸

۸- خلود کافران در عذاب اخروی

و لا هم ينظرون

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <لا هم ينظرون> نفی تعلق رحمت و عنایت خداوند به کافران باشد. لازمه

چنین نفی مطلقى، رهایی نیافتن کافران از عذاب و جاودانگی آنان در آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۹ - ۴

۴- خلود مشرکان و معبودهایشان در آتش دوزخ

و کُلُّ فِیْهَا خَلْدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۲

۲ - دوزخیان هر وقت بر اثر التهاب و غلیان آتش ، از قعر دوزخ بالا- آورده شوند ، با گرزهای آهنین دوباره به قعر آن بازگردانده خواهند شد .

و

لهم مقمّع من حدید . کَلِّمُوا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۵

۵ - خلود در جهنم ، کیفر مقابله کنندگان با آیات الهی (قرآن)

و الذین سعوا فی ءایتنا معجزین أولئک أصحاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۳ - ۴

۴ - جاودانگی در عذاب دوزخ ، فرجام زیان کاران فاقد عمل صالح و گران وزن

و من خفتّ موزینه .. فی جهنّم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۵

۵ - عذاب ابدی دوزخ دامنگیر کافران ، پس از اتمام حجت های الهی بر آنان

ألم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذّبون

آیه یاد شده، بیانگر این حقیقت است که خداوند، کافران را بی دلیل محکوم به عذاب ابدی دوزخ نکرده؛ بلکه ابتدا با بیان آیات خود، حجت را بر آنان تمام نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۲

۲ درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای مرگ و هلاکت خویش ، بی نتیجه بوده و آنان برای همیشه در آتش خشمگین جهنم خواهند سوخت .

بل کذبوا بالساعة .. لاتدعوا الیوم ثبورا وحدا و ادعوا ثبورا کثیرا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <و ادعوا ثبورا کثیرا> کنایه از این باشد که چون درخواست کافران برای

مرگ و یا نجات، پذیرفته نمی شود و باید تا ابد در آتش بسوزند. از این رو

از روی استهزا به آنان گفته می شود: بسیار درخواست هلاکت [و یا نجات] کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۶

۶ - مجرمان و منکران قیامت ، به عذاب ابدی و پایان ناپذیر گرفتار خواهند شد .

و لو ترى إذ المجرمون .. و ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، برای همیشه زنده مانده و نمی میرند .

لهم نار جهنم لا یقضی علیهم فیموتوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ - جهنم ، جایگاه همیشگی کافران

ألیس فی جهنم مثوی للكفرین

<مثوی> اسم مکان از ماده <ثواء> به معنای اقامت توأم با استمرار است یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

۱۰ - جهنم ، جایگاه همیشگی ستمکارترین انسان ها است .

فمن أظلم ممن كذب علی الله .. ألیس فی جهنم مثوی للكفرین

<ال> در <الكافرین> برای جنس و مفید استغراق است که شامل همه افراد کافران می شود و ولی می توان گفت مصداق

بارز و اصلی کفرپیشگان، همان افرادی است که در صدر آیه از آنان به ستمکارترین انسان ها یاد شده است.

۱۱ - جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممن كذب علی الله و كذب بالصدق .. ألیس فی جهنم مثوی للكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۵

۵ - جهنم ، جایگاه همیشگی متکبران

الیس فی

جهنم مَثْوَى للمتکبرین

<مَثْوَى> (اسم مکان از ماده <ثواء>) به معنای اقامت توأم با استمرار است؛ یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۴۸

۴ - کافران ، در دوزخ جاودانه خواهند بود .

خلدین فیها

۸ - جهنم ، جایگاه همیشگی متکبران

فبئس مَثْوَى المتکبرین

<مَثْوَى> (اسم مکان از ماده <ثواء>) به معنای اقامت توأم با استمرار است؛ یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۴

۴ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ همیشگی است و دشمنان خدا در آن جاودانه اند .

ذلک جزاء أعداء الله النار لهم فیها دار الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۰

۲۰ - ستم پیشگان ، در عذاب جاودان جهنم ، خواهند ماند .

ألا إنّ الظلمين فى عذاب مقيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إنّ الظلمين فى عذاب مقيم . و ما كان لهم من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۱

۱ - گناهکاران ، در عذاب جهنم ماندگاراند .

إنّ

المجرمین فی عذاب جهنم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۱

۱ - عذاب دوزخ ، عذابی همیشگی و تخفیف ناپذیر ، برای مجرمان

لا یفتّر عنهم و هم فیہ مبلسون

<تفتیر> (مصدر <یفتّر>) به معنای تخفیف و تقلیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۱

۱ - جاودانگی مجرمان در دوزخ ، نتیجه ظلم آنان به خودشان

و ما ظلمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتّخذتم آیت الله هزواً و غرّتم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، اقامتگاه دائمی کافران و منافقان

مأویکم النار

<مأوی> به معنای مسکن می باشد. جمله اسمیه بیانگر دوام و ثبات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - دوزخ ، جایگاه ابدی کافران و تکذیب گران بوده و آنان هرگز از آن رهایی نخواهند یافت .

أولئك أصحاب الجحيم

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار و ملازم است. بنابراین <أصحاب الجحيم>؛ یعنی، کسانی که با دوزخ یار و ملازم بوده و هرگز از آن جدا نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - منافقان ، در آتش دوزخ جاودان خواهند ماند .

هم فیها خلدون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۱،۳،۵

۱ - شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا

۳ - کافران و منافقان همراز ایشان ، دارای فرجامی همگون در آتش دوزخ

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا

از تشبیه کافران و منافقان به شیطان و پیروان او در آیه قبل، برداشت یاد شده از این آیه استفاده می شود.

۵ - خلود در آتش ، جزای ستمکاران و ظالمان

أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران تکذیب گر آیات الهی ، به صورت دائمی و جاودانه در دوزخ جای دارند .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا .. أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۳ - ۷

۷ - عذاب آتش برای عصیان گران خدا و رسول او ، دائمی و ابدی است .

وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۲

۲ - گریز از جهنم ، برای طغیان گران امکان پذیر نیست .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . لِلطَّغْيِينِ

<لِلطَّغْيِينِ> ممکن است به <مآب> تعلق داشته باشد و نیز می تواند متعلق به <مرصاداً> باشد. در صورت دوم مفاد آیه شریفه چنین می شود: جهنم برای طغیان گران مثل کمین است که رهایی از آن ممکن نیست. در این صورت

<مآباً> نیز متعلقى نظير <للطاغين> داشته كه به دليل وجود قرينه، ذكر آن ضرورت نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۵

۵ - گرفتارى فاسقان كافر در آتش دوزخ، هميشگى است .

و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفَى جَحِيمٍ

جمله اسميه، بر ثبوت دلالت دارد و در اين آيه ممكن است به قرينه مقابله با <إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفَى نَعِيمٍ> كه استقرار مجازى در آن حاكى از خلود بود بر خلود نيز دلالت كند. مراد از <فجّار> به قرينه <بَلْ تَكْذِبُونَ بِالْدِينِ> فاسقانى است كه منكر معاد و كافرند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اعلى - ۸۷ - ۱۳ - ۴،۵

۴ - باقى ماندن جهنميان، در حالتى كه نه مرگ است و نه زندگى ناميده مى شود، از سوختن در آتش براى آنان دشوارتر است .

ثُمَّ لَآئِمَاتٍ فِيهَا وَ لَآئِحِي

حرف <ثم>، براى تراخى رتبى است و بيان مى كند كه آنچه بعد از آن آمده، در مقايسه با قبل از آن قابل توجه تر است.

۵ - آتش دوزخ، عذابى جاودانه است و اهل شقاوت در آن مغلّداند .

ثُمَّ لَآئِمَاتٍ فِيهَا وَ لَآئِحِي

مراد از <لايحيى>، نفى حيات مطلوب است كه نجات از آتش، مصداق بارز آن مى باشد. در اين صورت قيد <فيها>، اختصاص به <لايموت> خواهد داشت. بنابر اين دوزخيان، نه در آتش مى ميرند و نه از آن بيرون مى آيند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - غاشيه - ۸۸ - ۴ - ۲

۲ - خلود دوزخيان در آتش جهنم

تصلی نازًا

فعل <تصلی> از

ریشه <صَلَاة> به معنای ملازم و همراه بودن است. (لسان العرب به نقل از زجاج)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۴

۴ - امکان خلود همه شقاوتمندان در آتش جهنم *

لا یصلیها إلاّ الأشتی

تقابل <أشتی> و <أتقی> می تواند، قرینه بر حصر اضافی باشد؛ یعنی، اگر گفته می شود که تنها <شقی ترین مردم> در آتش جاودان است، مراد نفی خلود از دیگر شقاوتمندان نیست؛ بلکه تنها از فرد <أتقی> نفی خلود شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان هدایت ها و انذارهای الهی و اعراض کنندگان از آن، در آتش جهنم مخلدانند.

فأندرتکم نارًا تلظی . لا یصلیها إلاّ ... الذی کذب و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۶

۶ - عذاب جهنم برای کافران، جاودانه و پایان ناپذیر است .

فی نار جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۲

۲ - آتش جهنم، جاودان و گرفتاری زراندوزان استهزاگر در آن، همیشگی است .

إنّها علیهم مؤصده

جاودانگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۳

۳ - دوزخ و آتش آن دائمی و همیشگی است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۲

۲ جهنم و آتش آن ، همیشگی و پایدار است

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ سرای آخرت ، پایان ناپذیر است و دوزخ و آتش آن جاویدان است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۱

۱۱- آتش دوزخ ، آتشی خاموش نشدنی و دارای نوسان و همواره فروزان است .

کلما خبت زدنهم سعیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۳

۳- آتش دوزخ همیشگی است و دشمنان خدا در آن جاودانه اند .

ذلک جزاء أعداء اللّٰه النار لهم فیها دار الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۶ - ۳

۳- عذاب و آتش دوزخ ، جاودانه است .

و ما هم عنها بغائبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۳ - ۵

۵- آتش دوزخ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مَخْلَدَانَد.

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى

مراد از <لَا يَحْيَى>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فِيهَا>، اختصاص به <لَا يَمُوتُ> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش جهنم، همواره شعلهور است و زبانه می کشد.

نَارًا تَلْظَى

<تَلْظَى> (که در اصل <تَلْظَى> بوده است)؛ یعنی، زبانه کشیده و

برافروخته می شود. مضارع در صورتی که حال قرار گیرد، بر تکرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۵

۵ - آتش جهنم ، همواره برافروخته شده و شعله های تازه پیدا می کند .

الموقده

<ایقاد> (مصدر <موقده>) یا از <وَقَدَّ> (آتش و برافروخته شدن آن) و یا از <وَقُود> (هیزم ویژه آتش)، گرفته شده است. توصیف آتش جهنم به <موقده> با آن که آتش از افروخته شدن و افروزنده انفکاک ندارد اشاره به حدوث پیاپی این وصف دارد؛ به گونه ای که نه تنها هرگز خاموش نمی شود؛ بلکه همواره شعله های جدید دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۲

۲ - آتش جهنم ، جاودان و گرفتاری زراندوزان استهزاگر در آن ، همیشگی است .

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّصَدَّه

جاودانگی ابو لهب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۱

۱ - ابو لهب در آخرت ، به آتش گرفتار شده و در آن باقی خواهد ماند .

سیصلی نارًا

<صلی النار>؛ یعنی، به سختی گرفتار حرارت آتش شد (قاموس). <صلاه> (ریشه <یصلی> در نظر زجاج) در اصل بر ملازمت دلالت دارد (لسان العرب). بنابراین <یصلی النار>، بیانگر خلود است.

جاودانگی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۳

۳ - دوزخ و آتش آن دائمی و همیشگی است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۹ - دوزخ جایگاهی است ابدی و همیشگی .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۸،۹

۸ جهنم ، ابدی و همیشگی است .

الا طریق جهنم خلدین فیها ابداً

۹ جاودانه ساختن دوزخ و دوزخیان ، امری سهل و آسان برای خداوند

الا طریق جهنم خلدین فیها ابداً و کان ذلک علی الله یسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۳

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئک أصحاب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۷،۸

۷ عذاب جاودان جهنم ، مجازاتی بس سنگین و کافی برای منافقان و کافران

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد الله المنافقین . . . و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۲

۲ جهنم و آتش آن ، همیشه و پایدار است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۳

۱۳ سرای آخرت ، پایان ناپذیر است و دوزخ و آتش آن جاویدان است .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۷

۷- جهنم ،

جایگاهی ابدی و جاودانه

جهنم خلدین فیها

وقتی که جهنمیان به عنوان مظلوف همواره در جهنم می مانند، مستلزم آن است که خود جهنم به عنوان ظرف ابدی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۳

۳ - جهنم ، جاودانه است .

سعیراً . خلدین فیها

چون <سعیراً> ظرف برای <الکافرین> خواهد بود و کافران، در آن مخلد خواهند بود، به دست می آید که خود <سعیر> هم جاودانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتع بکفرک قليلاً إِنَّک من أصحاب النار

جمله <إِنَّک من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - مرگ و فنا ، در دوزخ راه ندارد .

ليقض علينا ربك .. إِنَّک مکثون

جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۲

۲ - کفر پیشگان و تکذیب کنندگان آیات الهی ، برای همیشه در دوزخ خواهند بود .

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۳

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و

ما هم بخرجين من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۳، ۳۲

۳۲ کسی که مُرتدّ بمیرد ، همیشه در عذاب دوزخ است .

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت . . . و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

۳۳ کفر و ارتداد ، موجب خلود در جهنّم و حبّط عمل در دنیا و آخرت

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبّطت اعمالهم . . . و اولئک اصحاب ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۸

۸ نمرود ، نمونه ای از منحرفان راه رشد ، محرومان از ولایت الهی ، روندگان از نور به ظلمت و جاودان در آتش

قد تبین الرّشد . . . الله ولیّ الذّین ... الم تر الی الذّی حاجّ ابرهیم

خداوند پس از بیان ایمان و کفر (ولایت <الله> و <طاغوت> در آیات پیشین) برای نشان دادن نمونه خارجی، داستان ابراهیم (ع) و نمرود را بیان کرده که ابراهیم (ع) نمونه ای از ایمان و نمرود، نمونه ای از کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۱۶، ۱۷

۱۶ بازگشت به رباخواری پس از آگاهی از حرمت آن ، موجب جاودانگی در آتش

فمن جاء موعظه . . . و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جمله <فمن جاء موعظه> به این معناست که حکم الهی به او ابلاغ شود؛ یعنی پس از بیان حکم، به آن آگاهی یابد. گفتنی

است جمله <و من عاد> در برداشت فوق، بازگشت

به رباخواری تفسیر شده است.

۱۷ اعتقاد به همگونی بیع و ربا پس از بیان ربا و حکم آن ، موجب جاودانگی در آتش

قالوا انما البيع .. و من عاد فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

در برداشت فوق متعلق <عاد>، پندار غلط همسانی بیع و ربا گرفته شده است، بنابراین جمله <و من عاد .. > به این معناست: اگر کسی پس از بیان حکم الهی درباره ربا، همچنان بر این پندار باشد که بیع همانند رباست در آتش مخلد خواهد بود. چون وی در حقیقت کافر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۳،۹

۳ احساس مصونیت از خلود در آتش دوزخ ، عامل فریب و گمراهی اهل کتاب

ثم يتولّى فريق .. ذلك بانهم قالوا لن تمسنا النار ... و غرهم

۹ اعتقاد به مصونیت از خلود در عذاب ، دروغی که اهل کتاب ، آن را ساخته و خود را فریب دادند .

و غرهم فى دينهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰، ۱۱

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الذين كفروا .. و اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

۱۱ کفر ، موجب جاودانگی در آتش دوزخ

انّ الذين كفروا .. و اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱۰، ۶، ۴

۱ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی ، عامل

دخول و جاودانگی در آتش جهنم

و من يعص الله و رسوله و يتعدّ حدوده يدخله ناراً

۴ عمل نکردن به احکام ارث ، نافرمانی خدا و رسول (ص) و موجب جاودانگی در آتش جهنم است .

تلك حدود الله . .. و من يعص الله و رسوله و يتعدّ حدوده يدخله ناراً خالداً فيها

۶ نافرمانی مستمر و تجاوز دائمی از حدود الهی ، موجب جاودانگی در آتش

و من يعص الله . .. و يتعدّ حدوده يدخله ناراً خالداً فيها

۱۰ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود ، آنگاه که از روی سرکشی باشد ، موجب خلود در آتش است . *

و من يعص الله و رسوله . .. و له عذاب مهين

کلمه <مهین> به معنای خوارکننده است و چون عذابهای الهی متناسب با گناه آدمی است، بنابراین مراد از عصیان، نافرمانی از سر طغیان و سرکشی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ حضور جاودانه در آتش دوزخ ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصلیه ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو في نار جهنم خالداً فيها قال الله تعالى: <ولا تقتلوا انفسكم . . فسوف نصلیه ناراً>.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۷۴، ح ۲۳، ب ۱۷۹؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۱۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۱

۱ خلود در جهنم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من يقتل مؤمنا

متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فيها و غضب الله عليه و لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۵

۵ هیچ راه نجات و گریزی از جهنم ، پس از ورود به آن نیست .

أولئك ماويهم جهنم و لا يجدون عنها محيصاً

جمله <لا يجدون...> می تواند بیان و توصیف اهل جهنم پس از ورود به آن باشد. کلمه <محيص>، اسم مکان و به معنای گریزگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۵،۶،۷

۵ کفر و ظلم گروهی از اهل کتاب ، موجب خلود آنها در جهنم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا .. و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم خلدین فیها

با توجه به آیات قبل مصداق مورد نظر از آیه کافران اهل کتاب می باشند.

۶ کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، مایه خلود در جهنم

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا .. خلدین فیها ابدأ

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا .. خلدین فیها ابدأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین فیها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۳

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی

در آن جاودان هستند.

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۹

۹ رسوایی بزرگ و ذلت واقعی ، در مخلد شدن انسان در آتش دوزخ است .

فان له نار جهنم خلداً فيها ذلك الخزي العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱،۱۳

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد الله المنافقين والمنفقت والكفار نار جهنم خلدين فيها

۱۳ خلود در آتش جهنم ، موجب عادت کردن دوزخیان یا کاسته شدن از رنج و عذاب نیست . *

نار جهنم خلدين فيها هي حسبهم .. و لهم عذاب مقیم

تکرار <و لهم عذاب مقیم> پس از <نار جهنم> ممکن است در جهت دفع این توهم باشد که دوزخیان در اثر خلود، بدان انس می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱،۵،۱۱

۱ آتش دوزخ ، جایگاه ابدی تیره بختان صحنه قیامت است .

خلدين فيها مادامت السموت و الأرض

عبارت <مادامت السماوات و الأرض> (تا آن زمان که آسمانها و زمین وجود دارد) کنایه از دوام و همیشگی است و تأکید برای خلودی می باشد که از <خالدين> استفاده می شود.

۵ خلود و عدم خلود جهنمیان در دوزخ ، بسته به مشیت الهی است .

خلدین فیہا .. إلا ما شاء ربک

۱۱ اخبار خداوند به خلود جهنمیان در دوزخ ، نمی تواند مانع او بر موقت قرار دادن آن باشد .

خلدین فیہا .

.. إلا ما شاء ربك إن ربك فعال لما يريد

جمله <إن ربك ..> تعلیل برای حقایقی است که از آیه مورد بحث استفاده می شود؛ یعنی، چون حاکمیت او مطلق است و چیزی نمی تواند مانع نفوذ اراده او شود؛ اگر خواست دوزخیان برای همیشه در آتش بمانند، چنین خواهد شد و اگر خواست همه و یا برخی از آنان را نجات دهد، چنین خواهد کرد و حتی اگر وعده و وعیدی را که بر خلود داده، بخواد عمل نکند، چیزی مانع و رادع او نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ > عن أبي عبد الله (ع) [في قوله تعالى] < ولا تتركوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار > قال : أما انه لم يجعلها خلوداً و لكن تمسكم النار فلا تتركوا إليهم ;

از امام صادق(ع) [در باره سخن خداوند] <ولا تتركوا..> روایت شده است که فرمود: آگاه باشید خداوند [سزای تمایل و اطمینان به ستمگران] را آتش دائمی قرار نداد، ولی آتش به شما می رسد. بنابراین از تمایل و اطمینان به ظالمان پرهیز کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۸

۸- کفر ، عامل گرفتار شدن به عذاب ابدی جهنم

الكفرين .. فادخلوا أبواب جهنم خلدن فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۴

۱۴- > عن رسول الله (ص) : إذا دخل أهل الجنة الجنة و أهل النار النار ... يقال : يا أهل الجنة

خلود فلاموت و یا اهل النار خلود فلاموت ثم قرأ رسول الله (ص) : < و أنذرهم يوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله > و أشار بیده و قال : اهل الدنيا فی غفله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده: آن گاه که بهشتیان به بهشت و جهنمیان به جهنم در آیند .. گفته می شود: ای اهل بهشت! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست و ای اهل آتش! (این جا) جاودانگی است و مرگ نیست، سپس رسول خدا(ص) این آیه را خواند <و أنذرهم يوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله > (آن گاه حضرت) با دست خود اشاره کرد و فرمود: اهل دنیا در غفلت اند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

والله خیر و أبقى . إنه من یأت ... لا یموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۵

۵- شرک ، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است .

إنکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم .. و کل فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۱

۱ - اهل دوزخ ، هرگز از آن خارج نخواهند شد .

كلما أرادوا أن یخرجوا منها من غم أعیدوا فیها

<إرادہ> (مصدر <أرادوا>) در این جا کنایه

از نزدیک شدن است. ضمیرهای <منها> و <فیها> به <نار> بازمی‌گردد. <غم> نیز مصدر و به معنای ستر و پوشیدن است که مضاف الیه آن حذف شده و تقدیرش <غمها> می‌باشد. <من غمها> نیز در این جا بدل اشتمال از ضمیر <منها> است؛ یعنی، دوزخیان هر وقت که بخواهند از پوشش آتش خارج شوند، به آن بازگردانده خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۶

۶ - عذاب فاسقان ، پایان ناپذیر و غیرقابل گریز است .

کَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

عبارت <کَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا> می‌تواند کنایه از پایان ناپذیری و خلود در آتش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۱

۱ - کفرپیشگان ، همواره در آتش جهنم باقی خواهند ماند .

الْكَافِرِينَ وَ أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا . خَلْدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶،۷

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

كَذَلِكَ نَجْزِي كَلَّ كُفُورٍ

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می‌باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

۷ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر ناسپاسان نعمت های الهی

كَذَلِكَ نَجْزِي كَلَّ كُفُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۲

۲- دوزخیان ، هرگز از آتش دوزخ جدا نشده و پیوسته در آن خواهند سوخت .

اصولها الیوم

<صلا> در اصل به معنای لزوم است. ازاین رو <اصلوها> به

معنای <الزموها> (باید ملازم و هم راه عذاب دوزخ باشید) خواهد بود (لسان العرب و مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۹ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) قال : إذا دخل أهل الجنة النار و أهل النار النار ... يقال : خلود فلا موت أبداً . فيقول أهل الجنة : > أفما نحن بميتين . إلا موتتنا الأولى ... < ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند.. .. گفته می شود: این جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: <أفما نحن بميتين...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی ، موجب عذاب ذلت بار دنیایی و عذاب فراگیر و دائمی دوزخ

من يأتيه عذاب يخزيه و يحلّ عليه عذاب مقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن دائمی در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن توانا هستند .

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۳

۲۳- فانی نشدن کالبد دوزخیان و نمردن آنان ، با وجود شکنجه ها و قطعه قطعه شدن

خلد في النار .. فقطع أمعاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰

۳ - دوزخیان، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان، هرگز نمی میرند.

نزاعه للشوی

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۵

۵ - خلود دوزخیان در جهنم

لصالوا الجحیم

<صَلَى> یعنی، ملازم و همراه شد. (لسان العرب به نقل از زجاج)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۴

۴ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۳

۳ - خلود در آتش جهنم، ویژه کسانی است که در بالاترین مرحله شقاوت اند.

لا یصلیها إلا الأشقی

<صَلَى> یعنی، ملازم و همراه شد (لسان العرب، از قول زجاج) و ملازمت با آتش به جاودانگی در آن است. حصر موجود در آیه مربوط به ملازمت است یعنی، جاودانگی در آتش، مخصوص کسانی است که در آیه بعد اهل تکذیب و اعراض معرفی شده اند و در بدترین نوع شقاوت به سر می برند.

جاودانگی شقاوت‌مندان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۵

۵ - آتش دوزخ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مَخْلَدانند .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

مراد از <لایحیی>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها>، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه

در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جاودانگی عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۸

۸ - عذاب دوزخ جاودان است و کافران در آن مخلد خواهد بود .

لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۱

۲۱ - عذاب دوزخ ، همیشگی و دائمی است .

عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۶ - ۳

۳ - عذاب و آتش دوزخ ، جاودانه است .

و ما هم عنها بغائبین

جاودانگی عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۴،۳،۲

۲ عذاب جهنم ، پیوسته و گریزناپذیر است .

إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

<گرام> به معنای عذاب، شرّ دائم و بلای گریزناپذیر است (لسان العرب).

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم إنّ عذابهاکان غراماً

جمله <إِنَّ عَذَابَهَا..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است؛ یعنی، به این سبب بندگان خدا از پروردگار خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إِنَّ عَذَابَهَاکان غراماً

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را می رساند.

۵ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب

جهنم ، مقتضی ترس ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی برای رهایی از آن

رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

جاودانگی کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۸

۸ - عذاب دوزخ جاودان است و کافران در آن مخلد خواهد بود .

لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا و غَرَّكُمْ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا

جایگاه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکوین - ۱۰۲ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعله‌ور و متراکم

لتروْنَ الْجَحِيمِ

<جحیم>، به معنای آتشی است که سخت شعله‌ور بوده و زبانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال

های عمیق و هر مکان پر حرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

جایگاه سعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- > علی بن الحسین (ع) قال : إن فی جهنم وادياً يقال له : سعیر ، إذا خبت جهنم فتح سعیرها و هو قوله : > کَلِّمَّا خبت
زدناهم سعیراً < ;

امام سجاد فرمود: همانا در جهنم وادی وجود دارد که به آن <سعیر> گفته می شود و آن گاه که آتش جهنم فروکش کند،
سعیر جهنم گشوده گردد و آن سخن خداوند است که می فرماید: کَلِّمَّا

خبت زدناهم سعيراً>.

جایگاه نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۲

۲ - جایگاه دوزخیان ، دور از محل استقرار نگهبانان دوزخ

و نادوا

کاربرد واژه <ندا> به جای <قول>، می تواند اشاره به این نکته باشد که دوزخیان با فاصله بسیار تقاضای وساطت مالک دوزخ را دارند.

جحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۳

۳ - جحیم ، از نام های دوزخ

و بَرَزَتِ الْجَحِيمِ لِلْغَاوِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۷

۷ - جحیم ، از نام های دوزخ

صِرَطِ الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۵

۵ - عذاب دوزخ از هر سوی منکران قیامت را فرا خواهد گرفت .

برداشت ياد شده از قرار داشتن كافران در وسط دوزخ و نه در حاشيه آن به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۳

۳ - > جحيم < ، از نام هاى جهنم

الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۵

۵ - > جحيم < از نام هاى جهنم

الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) إنّ جهنم لها سبعة أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضها

فوق بعض فأسفلها جهنم ، و فوقها لظى و فوقها الحطمة فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظى، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۸

۸ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۴

۴ - < جحیم > از نام های دوزخ

و تصلیه جحیم

برخی از مفسران، < جحیم > را علم برای دوزخ دانسته اند. برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

أولئك أصحاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۳

۳ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

ثم الجحیم

جسمانی بودن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۴

۴- جهنم ، جسمانی است و جهات مختلف دارد .

و یأتیه الموت من کلّ مکان

جسمانیت عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵

۲ - حضور جهنمیان در جهنم ، جسمانی است .

يغشيهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم

جنیان حق ناپذیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أما القسطن فکانوا لجهنم حطباً

جنیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۴، ۵، ۶

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جنّی و انسی ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لكن حقّ القول منّي لأملأن جهنم من الجنّة و الناس أجمعين

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لكن حقّ القول منّي لأملأن جهنم من الجنّة و الناس

لام در <لأملأن> برای قسم است و حکایت از آن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

۱۴ - همه مجرمان جنّی و انسی ، در جهنم گرد می آیند .

لأملأن جهنم من الجنّة و الناس أجمعين

قید <أجمعين> به قرینه این که کسانی وجود دارند که به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادی نیست، بلکه مفید عموم در نوع است. لازم به ذکر است که <ال> در <الجنّة> و <الناس> عهد بوده و اشاره به افرادی خاص که همانا مجرمان اند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱

۱ جهنم ، فرجام بسیاری از انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

جلد - نام سوره -

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربك لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

<تمت> یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران بر آنند که مقصود از <کلمه ربك> که با جمله <لَأَمْلَأَنَّ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ. لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبَعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ> حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵.<

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لایزالون مختلفین . . . و تمت کلمه ربك لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربك . . .) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لَأَمْلَأَنَّ...) را به طور کامل محقق ساخت.

جنیان ظالم در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطن فکانوا لجهنّم حطبًا

جنیان کافر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأَنَّ جهنّم من الجنه والناس أجمعین

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتهای بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

چرکابه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - آب داغ و خونابه چرکین ، نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ

إنّ للطغین .. هذا فلیذوقوه حمیم و غسّاق

<حمیم> به معنای آب داغ و جوشان است و <غسّاق> در نظر برخی از اهل لغت، به معنای چرک و خون اهل دوزخ است (لسان العرب). در نگاه برخی دیگر مقصود از آن مایعی است که از پوست اهل دوزخ خارج می شود (مفردات راغب).

۲ - آب داغ و خونابه چرکین ، نوشابه و غذای دوزخیان

هذا فلیذوقوه حمیم و غسّاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٥ - ص - ٣٨ - ٥٨ - ١

١ - انواع

نوشیدنی ها و غذا های دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین ، به طغیان گران خورنده می شود .

فلیدوقوه حمیم و غساق . و اءخر من شکله أزواج

<شکل > به معنای مثل و مانند و <أزواج > به معنای انواع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۳، ۲، ۱

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، تنها غذای کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) در قیامت

و لا طعام إلا من غسلین

<غسلین > به گفته اهل لغت و مفسران به معنای آبی که از بدن های دوزخیان خارج می شود و ممکن است مقصود خونابه و چرک باشد.

۲ - ایمان نیاوردن به خدا و تغذیه نکردن بینوایان ، موجب عذاب شدن انسان به وسیله غذا های بسیار ناگوار و نفرت آور در قیامت

إنه كان لا يؤمن بالله العظيم . . . و لا طعام إلا من غسلین

۳ - تغذیه از < غسلین > (خونابه و چرک) ، از عذاب های الهی در قیامت

و لا طعام إلا من غسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۷ - ۱

۱ - < غسلین > (خونابه و چرک) ، غذای مخصوص خطاپیشگان در قیامت

غسلین . لا يأكله إلا الخطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۵ - ۱

۱ - تنها نوشیدنی موجود برای دوزخیان طغیان گر ، آب جوشان و زردابه چرکین و بد بوی زخم ها است .

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا

<حميم> ز يعني، آب داغ و <غساق>، آب

زردی است که از زخم جاری می شود. به مایع بدبو نیز <غَسَاق> گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۷

۷- نوشیدن آب جوشان و خونابه چرکین و بدبو در جهنم، عقوبتی مناسب با گناه تکذیب آیات الهی

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا... وَكَذَّبُوا بآيَاتِنَا كَذَابًا

ترتیب پنج آیه مورد بحث، به گونه ای است که آیه <جزاء وفاقاً>، دو عقوبت قبل از خود را کیفری مناسب، برای دو گناه بعد از خود قلمداد کرده است. عقوبت ها یکی منفی (لایذوقون) و دیگری مثبت (إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا) بود و گناهان نیز یکی منفی (لا-یرجون) و دیگری مثبت (کذَّبوا) است. آیه <جزاء وفاقاً> در میان آنها، گویای تناسب عقوبت منفی با گناه منفی و تناسب عقوبت مثبت با گناه مثبت است. برداشت یاد شده بیانگر تناسب دو مثبت است.

چشمه جوشان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۱،۴

۱ - کسانی که در قیامت حضوری ذلت آمیز دارند، به نوشیدن از چشمه ای جوشان وادار خواهند شد.

تسقی من عین ءانیه

فعل <تسقی> مجهول و بیانگر این است که آشامیدن از سوی فرد یا افرادی، بر دوزخیان تحمیل خواهد شد <أنی> (ریشه <آنیه>) در چندین معنا از جمله <رسیدن به چیزی> استعمال شده است (مقایس اللغه) و به قرینه سیاق آیه که نوشیدنی اهل دوزخ را بیان می کند مراد رسیدن چشمه، به نقطه نهایی حرارت است.

۴ - وجود چشمه جوشان در جهنم

تصلی نارًا حامیه . تسقی من

چشمه های داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۱،۲،۳

۱ - حرکت مجرمان دوزخی ، در مداری بسته میان جهنم و چشمه های سوزان آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

۲ - وجود چشمه هایی بسیار داغ و سوزان در دوزخ

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

<حمیم> به آب داغ گفته می شود و <آنی> چیزی است که حرارت آن به نهایت رسیده باشد.

۳ - امکان خروج دوزخیان از جهنم ، تا چشمه های جوشان / و نه فراتر از آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

در صورتی که چشمه های آب داغ در نقطه ای خارج از جهنم باشد، واژه <یطوفون> می رساند که آنان، قادر به انتخاب مسیر و راه دیگری نیستند. از این رو حرکتشان در مداری بسته است.

حاکم آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۲

۲ - دوزخیان در قیامت ، به حاکمیت اراده خداوند بر آتش جهنم ، به روشنی پی خواهند برد .

نار الله

استناد <نار> به <الله>، بیانگر آن است که، استناد آتش جهنم به خداوند، بر کسی پوشیده نخواهد ماند، گرچه درباره آتش های دنیا، این حقیقت مخفی مانده و استناد آن به اسباب و علل مادی، انسان را از آن غافل ساخته باشد.

حبس در جهنم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۲۰ - حمزہ - ۱۰۴ - ۸ - ۴

۴ - > عن أبي هريره قال : قال رسول الله (ص) . . . يقال لأهل الجنه و من دخلها

من الجهنّمين إطلعوا إلى أهل النار فيطلعون إليهم فيرى الرجل أباه و يرى أخاه و يرى جاره و يرى صديقه و يرى العبد مولاه ثم إن الله عزوجل يبعث إليهم ملائكة بأطباق من نار و مسامير من نار و عمد من نار فيطبق عليهم بتلك الاطباق و تُسَمَّر بتلك المسامير و تُمدُّ بتلك العمدة . . . فذلك قوله < إن ها عليهم مؤصده . في عمد ممدده > يقول : مُطَبَّقَه ؛

ابوهريره گوید: رسول خدا(ص) فرمود: به اهل بهشت و هر کس از جهنمیان که [نجات یافته] و وارد بهشت شده است، گفته می شود: به اهل جهنم نگاه کنید؛ آنان به اهل جهنم نگاه می کنند. پس هر مردی پدر و برادر خود و همسایه و دوست خود را در جهنم می بیند و برده، مولای خود را [در آتش] می نگرد، سپس خدای عزوجل فرشتگانی را با سرپوش هایی از آتش و میخ ها و ستون هایی از آتش، به سوی آنان می فرستد. با آن سرپوش ها، جهنم بر آنان در بسته خواهد شد سرپوش ها و با آن میخ ها، میخکوب شده و با آن ستون ها، کشیده [و افراشته] می گردد ... و این است قول خدا <إنها عليهم مؤصده . في عمد ممدده > می فرماید: [جهنم] در بسته خواهد بود.

حتمیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۳،۴

۳ - قیامت ، نزدیک و گرفتاری ثروتمندان مخالف دین به آتش دوزخ ، حتمی است .

سیصلی

حرف <سین> در <سیصلی> در تهدید به کار رفته و بر حتمی بودن دلالت دارد

(کشاف). در تفاوت <سین> و <سوف> گفته شده است: <سین> بر استقبال نزدیک دلالت دارد.

۴- ثروت و مقام، مانع گرفتاری به شعله های آتش جهنم نیست.

ما أغنی عنه ماله و ما کسب . سیصلی نارًا ذات لهب

حتمیت رؤیت جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۲

۲- سوگند خداوند برای تأکید بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت

لترونّ الجحیم

جمله <لترونّ..> یا جواب <لو> است و یا جواب قسم محذوف. برداشت یاد شده ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۲

۲- سوگند مکرر خداوند، بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثمّ لترونّها عین الیقین

حتمیت عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۴ - ۳

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرمًا

جمله <إنّ عذابها..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است؛ یعنی، به این سبب بندگان خدا از پروردگار خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

۴ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، موجب هراسناکی و اضطراب شدید بندگان خالص خدا از سرنوشت اخروی شان

إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

درخواست رهایی از عذاب و تعلیل آن به این که آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است، برداشت فوق را

می رساند.

حتمیت ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۱ - ۲،۷

۲- ورود همه افراد بشر به جهنم، قضا و حکم قطعی خداوند است .

کان علی ربك حتماً مقضياً

<ختم> بودن چیزی بر خداوند (علی ربك)، به معنای واجب بودن آن است و توصیف آن به <مقضیاً>، گویای این نکته است که چون قضا و حکم خداوند چنین بوده، بر او حتم و لازم شمرده شده است؛ زیرا خداوند در قضای خویش تخلفی ندارد.

۷- > عن جابر بن عبد الله قال: . . . سمعت رسول الله (ص) يقول: لا يبقى برّ ولا فاجر إلا يدخلها فتكون على المؤمن برداً و سلاماً كما كانت على إبراهيم (ع)؛

از جابر بن عبد الله روایت شده که گفت:.. شنیدم که رسول خدا(ص) می فرمود: هیچ انسان نیکوکار یا زشت کاری نیست مگر این که داخل جهنم می شود؛ پس آتش برای مؤمن سرد و سلامت می گردد؛ همان گونه که برای ابراهیم(ع) شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۸

۸- امتناع دوزخیان از ورود به جهنم، امکان پذیر نیست .

لینبذن

مجهول بودن <لینبذن>، بیانگر آن است که ورود دوزخیان به جهنم، به اختیار آنان نبوده و آنها مقهور مأموران الهی اند.

حتمیت ورود شیاطین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۲

۲- پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فالحقّ و الحقّ

أقول . لأملأَنَّ جهنم منك و ... منهم أجمعين

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لأملأَنَّ جهنم..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای فالحق باشد. هم چنین جمله <و الفحق أقول> جمله معترضه باشد؛ یعنی، فالحق قسمی لأملأَنَّ جهنم...>.

حتمیت ورود مشرکان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۴

۴- ورود همه مشرکان و معبودهایشان به جهنم ، حتمی است .

إنکم و ماتعبدون من دون الله حصب جهنم أنتم لها وردون

جمله <أنتم لها واردون> تأکید برای جمله <إنکم و ماتعبدون..> است.

حتمیت ورود معبودان باطل به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۴

۴- ورود همه مشرکان و معبودهایشان به جهنم ، حتمی است .

إنکم و ماتعبدون من دون الله حصب جهنم أنتم لها وردون

جمله <أنتم لها واردون> تأکید برای جمله <إنکم و ماتعبدون..> است.

حتمیت ورود همسر ابولهب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۸

۸- همسر ابولهب ، در حالی که خود همیشه آتش جهنم را بر دوش می کشد ، به دوزخ خواهد افتاد .

حمّاله الحطب

چنانچه <حمّاله الحطب> حال و هم زمان با <سیصلی> باشد؛ ناظر به حالت ام جمیل هنگام ورود به دوزخ خواهد بود.

حرارت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۶

۶ - <جحیم> از نام های جهنم

الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، آتشی است پر حرارت و پر شعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، آتشی است پر حرارت و پر شعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۲ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، سخت گرم و سوزان

فی سموم

برخی از مفسران <سموم> را به معنای حرارت سوزان آتش معنا کرده اند. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است زیرا در این صورت مراد، حرارت آتش دوزخ خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، به شدت برافروخته و ملتهب است .

و تصلیه جحیم

<جحیم> مشتق از <جحمه> است. <جحمه> به شدت اشتعال و برافروختگی آتش گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۴

۱۴ - آتش دوزخ ، به شدت برافروخته و ملتهب است .

أولئك أصحاب الجحيم

<جحمه> (مبدأ اشتقاق <جحيم>) به شدت التهاب و برافروختگی آتش گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۱

۱ - حرارت آتش دوزخ و صدای ناخوشایند برخاسته از آن ، در نهایت شدت و حدت است .

تکاد تمیز من الغیظ

تعبیر <تکاد تمیز من الغیظ> (چیزی نمانده است که از

شدت غیظ پاره پاره شود) درباره دوزخ، تعبیری است تمثیلی و کنایی و بیانگر شدت و حدت آتش دوزخ و صدای آن است.

حرارت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۲

۲ - پناه بردن اصحاب الشمال از گرمای دوزخ به سایه ، بی تأثیر برای آنان

فی سموم .. و ظلّ ... لا بارد و لا کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۲

۲ - جهنّم ، مکانی بس داغ و سوزان و دارای آتشی برافروخته و متراکم

و برزت الجحیم لمن یری

<جحیم> به مکانی گفته می شود که حرارت شدیدی دارد. این کلمه بر آتش متراکم و پرزبانه نیز اطلاق می گردد.
(قاموس)

حرارت سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۱

۱ - سایه در دوزخ ، نه خنک است و نه گوارا

و ظل من یحموم. لا بارد و لا کریم

<لا بارد..> صفت برای <ظلّ> است.

حرارت وسط جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- منطقه مرکزی دوزخ، دارای حرارتی فزون تر و شکنجه ای شدیدتر

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

امر به کشیدن گنه کاران به <سواء الجحیم>، در صورتی دارای تأثیر است که کناره های دوزخ، با نقطه مرکزی آن از نظر شدت حرارت و عذاب متفاوت باشد.

حرکت بسوی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۹ - ۱

۱ - حرکت تکذیب گران روز جزا به

سوی دوزخ ، به فرمان الهی

انطلقوا إلی ما کنتم به تکذّبون

طبق گفته مفسران، مقصود از تکذیب در این آیه، تکذیب دوزخ است. گفتنی است که در روز قیامت، به کافران فرمان داده می شود که به سوی آن حرکت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۱

۱ - فرمان حرکت به تکذیب کنندگان روز جزا ، به سوی ستون های دود برخاسته از آتش دوزخ

انطلقوا إلی ظلّ

بنا به گفته مفسران، مقصود از <ظلّ> (سایه)، دود غلیظ برخاسته از آتش دوزخ است که به صورت سایه نمایان می شود؛ مانند: <و ظلّ من یحموم> و سایه ای از دودی سخت سیاه<. (واقعه، آیه ۴۳)

حرکت گناهکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۱

۱ - حرکت مجرمان دوزخی ، در مداری بسته میان جهنم و چشمه های سوزان آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

حطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) إنّ جهنم لها سبعة أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنم ، و فوقها لظى و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. . . و

آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است

و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظى، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد.>

حق ستیزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد.

لا یکلمهم الله یوم القیمه... ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی، اهل دوزخ اند.

و أنّ المسرفین هم أصحاب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مسرفین> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد.

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد.

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یسجرون> به

اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ - عذاب شدن کافران

حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

أَلْقِیَا فِی جَهَنَّمَ كَلَّ كَفَّارٍ عَنِیْدٍ

حق ناپذیران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِیْنَ نَزْلًا

کلمه <نُزِّلَ> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تَهَكُّم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۱،۴

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبواب جهنم

۴ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولی

حقانیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته

وحی برای بیداری خلق

فَأْتِمَا يَسْرِنه بلسانك لعَلهم يتدكرون

تعبیر <فَأْتِمَا يَسْرِنه..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

حقانیت ورود شیاطین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۲

۲ - پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فَالْحَقِّ وَالْحَقِّ أَقُول . لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ و ... مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای فالحق باشد. هم چنین جمله <وَالْحَقِّ أَقُول> جمله معترضه باشد، یعنی، فالحق قسمی لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ...>.

حقیقت دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۱ - ۱

۱ - دود سایه مانند دوزخ ، فاقد سایبان حقیقی (خنک کنندگی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست .

لاظلیل و لایغنی من اللهب

<لاظلیل> صفت برای <ظلل> در آیه پیش است و <ظلل ظلیل> به معنای سایه دائم و مستمر است (صحاح اللغه). بر این اساس <ظلل...لاظلیل> کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و <لهب> به معنای شعله خالص و بدون دود است.

حقیقت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۵ - ۲

۲- ابزار شناخت حقیقت آتش جهنم ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدريک ما الحطمه

حقیقت جهنم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۷

۷- دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است.

إلى عذاب السعير

<سعير> به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعير>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی بی حد آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۱

۱۱- حقیقت بهشت و دوزخ، فراتر از سطح درك بشر

فإنما يسرّنه بلسانك لعلّهم يتذكّرون

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در ترسیم دوزخ و بهشت بود استفاده می شود که آنچه در آن آیات آمده، شکل آسان شده و تنزل یافته مطلب است؛ نه ماهیت عالی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۶ - ۴

۴ - > عن سعيد بن المسيب قال: قال علي بن أبي طالب (رضي الله عنه) لرجل من اليهود أين جهنّم؟ قال: هي البحر، فقال علي: ما أراه إلاّ صادقاً و قرأ و البحر المسجور... و إذا البحار سجّرت؛

سعيد بن مسيب می گوید: حضرت علی (ع) از مردی یهودی سؤال نمود: جهنم کجا است؟ او گفت: دریا است. حضرت فرمود: نمی یابم او را مگر راستگو و این دو آیه را قرائت فرمود: <و البحر المسجور...> و <و إذا البحار سجّرت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۳، ۲، ۱

۱ - دوزخ،

حقیقتی بس سهمگین و عظیم

و ما أدریک ما سقر

از تعبیر <و ما أدراک ما سقر> (و چه چیز مطلع ساخت تو را که سقر چیست) استفاده می شود که دوزخ، حقیقتی بس بزرگ و سهمگین است که کسی از آن به درستی و شایستگی، آگاهی ندارد و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

۲ - شناخت حقیقت دوزخ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما سقر

۳ - حقیقت دوزخ و ژرفای عظمت آن، تنها از راه وحی قابل شناخت و دست یابی است.

و ما أدریک ما سقر

از آیات ۲۷ تا ۳۱ که در جهت تبیین بخشی از حقایق دوزخ است می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان قابل شناخت است.

حیات در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۷،۱۱

۷ - دوزخیان در دوزخ نخواهند مرد تا عذاب را درک نکنند و نه مانند زندگان خواهند بود.

فإن له جهنم لایموت فیها و لایحیی

مراد از <حیاه> در <لایحیی> به قرینه <لایموت فیها> حیاتی است که بر مرگ ترجیح داشته باشد و حیات اهل دوزخ، چون مایه افزایش عذاب است، از مرگ که پایان دهنده عذاب است ناگوارتر و منفورتر می باشد.

۱۱ - > عن أبی سعید الخدری : إن رسول اللّٰه (ص) خطب فأتی علی هذه آیه > إنه من یأت ربّه مجرمّاً فإنّ له جهنم لایموت فیها و لایحیی > فقال رسول اللّٰه (ص) : أمّا أهلها الذین هم أهلها

، فَإِنَّهُمْ لَا يَمُوتُونَ فِيهَا وَلَا يُحْيُونَ ، وَأَمَّا الَّذِينَ لَيْسُوا بِأَهْلِهَا فَإِنَّ النَّارَ تَمِيتُهُمْ إِمَاتَةً ثُمَّ يَقُومُ الشَّفَعَاءُ فَيُشْفَعُونَ ۚ

از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا(ص) خطبه خواند، تا به این آیه رسید >إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى<. پس آن حضرت فرمود: ساکنان جهنم که سزاوار آن هستند در آن جا نه می میرند و نه زندگی دارند. اما کسانی که سزاوار جهنم نیستند پس آتش، آنان را یک بار می میراند، آن گاه شفیعان به پاخاسته و آنان را شفاعت می کنند.<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمی میرند .

نزاعه للشوی

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود ۚ می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

خروج از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۵، ۴، ۳

۳ - تصمیم به خروج از آتش جهنم و اقدام به آن ، امکان دارد .

كَلِّمُوا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

۴ - فاسقان ، برای خروج از آتش تلاش می کنند .

كَلِّمُوا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

در صورتی که >كَلِّمُوا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا..< معنای حقیقی داشته باشد، دلالت می کند بر این که فاسقان در صدد برمی آیند که از آتش، بیرون بروند.

۵ - بازگردانده شدن قهری فاسقان به دوزخ ، در پی تلاش برای گریز و رهایی از آن

كَلِّمُوا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۳

۳ - امکان خروج دوزخیان از جهنم ، تا چشمه های جوشان \bar{r} و نه فراتر از آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

در صورتی که چشمه های آب داغ در نقطه ای خارج از جهنم باشد، واژه <یطوفون> می رساند که آنان، قادر به انتخاب مسیر و راه دیگری نیستند. از این رو حرکتشان در مداری بسته است.

خطاکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۲

۲ - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فأُمَّه هاویه

تعبیر <أُمَّ>، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است \bar{r} بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است.

خلقت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۴

۴ - جهنم ، پیش از ظهور در صحنه قیامت ، آفریده شده و موجود است .

و بَرَزت الجحیم

تعبیر <ظاهر شدن> و نه آفریده شدن حاکی از وجود سابق جهنم است.

خواسته های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۲

۲ - جهنم ، تقاضامند دریافت مجرمان هر چه بیشتر

و تقول هل من مزید

خوردنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۲ - ۵

۵ - درخت زقوم ، وسیله پذیرایی و خوراک دوزخیان

أم شجرة الزقوم

<زقوم> نوعی از گیاه زهرداری است که در

بادیه ها می روید (قاموس المحيط)، ولی برخی از مفسران ویژگی های دیگری برای این درخت برشمرده و گفته اند: درختی با برگ ریز و بدبو است و شیره ای از آن می تراود که بدن به محض تماس با آن آماس می کند. این درخت در سرزمین های خشک می روید (روح المعانی (آلوسی)، ذیل آیه شریفه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۶ - ۱،۲،۴

۱ - درخت زقوم ، غذا و خوراک دوزخیان ستمگر است .

شجره الزقوم ... للظلمین ... فَإِنَّهُمْ لَأَكْلُونَ مِنْهَا

۲ - دوزخیان ستمگر ، شکم های خود را از درخت زقوم پرخواهند کرد .

فمالتون منها البطون

۴ - خورد و خوراک دوزخیان ستمگر ، خود وسیله عذاب آنان است .

فَأِنَّهُمْ لَأَكْلُونَ مِنْهَا فمالتون منها البطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۸ - ۱

۱ - دوزخیان ستمگر پس از هر بار خوردن < زقوم > و نوشیدن آب داغ مجدداً به دوزخ بازمی گردند .

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۱

۱ - انواع نوشیدنی ها و غذا های دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین ، به طغیان گران خورنده می شود .

فَلْيَذُوقُوا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا . وءاخر من شكله أزواج

<شكل> به معنای مثل و مانند و <أزواج> به معنای انواع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - عذاب دوزخ ، خوردنی و آشامیدنی آن)

میوه زقوم و آب داغ (جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم يوم الدين

خورشید در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱ - ۶

۶ - > عن أبي مریم انّ النبی (ص) قال : فی قوله < إذا الشمس کوّرت > قال : کوّرت فی جهنم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر(ص) درباره سخن خداوند <إذا الشمس کوّرت> فرمود: خورشید در جهنم در هم پیچیده خواهد شد.

دادخواهی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ دوزخیان پیرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران کفر و شرک، علیه آنان اقامه دعوا خواهند کرد.

حتى إذا ادارکوا فیها جمیعا قالت أخرجهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

>حتى إذا ادارکوا .. < یعنی تا آنگاه که امتهای بر یکدیگر ملحق و مجتمع گردند. <ادارکوا> در اصل تدارکوا بوده و پس از ساکن کردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

۱۲ اغواگری سران کفر و شرک و واداشتن دیگران به ضلالت، ادعای دوزخیان پیرو علیه رهبران خویش در پیشگاه خداوند

قالت أخرجهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

داغی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۴،۱۵

۱۴ منافقان متخلف از جنگ ، مورد تهدید خداوند به آتش سوزان دوزخ

قل نار جهنم أشد حراً لو كانوا يفقهون

۱۵ سوزنده تر بودن آتش دوزخ از گرمی هوای دنیا ، هشدارى شديد به تخلف کنندگان از جهاد به بهانه گرمی هوا

قل

نار جهنم اشد حراً

دربهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۵،۲۴

۵ - درب های دوزخ ، پیش از آمدن کافران بسته است .

حتی إذا جاءوها فتحت أبوابها

۲۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) إنّ جهنم لها سبعة أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنم ، و فوقها لظى و فوقها الحطمة فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ؛

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظى، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد.

درختان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۱

۱ - > زقوم < درختی است که از قعر دوزخ می روید .

أم شجرة الزقوم .. إنّها شجرة تخرج في أصل الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۳ - ۱

۱- وجود درختی به نام زقوم در دوزخ

إن شجرة الزقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - وجود درختی به نام < زقوم > در دوزخ

لأكلون من شجر من زقوم

< من > در < من زقوم > بیان جنس < شجر > است، یعنی، درختی که از جنس زقوم می باشد.

درخواست مصونیت از

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱۹

۱۹ - درخواست مصونیت از عذاب دوزخ از سوی فرشتگان عرش ، برای مؤمنان تائب و پیرو راه خدا

و قهم عذاب الجحیم

درخواست نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا الیوم ثبورا و حدّا و ادعوا ثبورا کثیرا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است؛ نه مرگ و نابودی واقعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۱،۳

۱ بندگان خالص خدا ، پیوسته از پروردگارشان خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند .

و عباد الرحمن ... و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم

فعل مضارع <یقولون> مفید استمرار است.

۳ پیوستگی و گریزناپذیری عذاب جهنم ، سبب دست به دعا برداشتن و تضرع بندگان خالص خدا برای رهایی از آن عذاب

و الذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم إنّ عذابهاکان غرماً

جمله <إنّ عذابها..> در مقام تعلیل برای جمله قبل است؛ یعنی، به این سبب بندگان خدا از پروردگار خواستار رهایی از عذاب دوزخ اند که چون آن عذاب دائمی و گریزناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۲،۴

۲ بد و ناگوار بودن جهنم برای انسان ،

موجب هراسناکی و دست به دعا برداشتن بندگان خالص خدا به درگاه الهی برای رهایی از آن

رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ .. إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَّ مَقَامًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که جمله <إِنَّهَا سَاءَتْ..> تعلیل برای جمله <وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ...> است؛ یعنی، چون جهنم جایگاه بدی است، بندگان خدا برای نجات خود از آن، دست به دعا برمی دارند.

۴ جمله < رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا . إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَّ مَقَامًا > ، متن دعا و تضرع بندگان خالص خدا به درگاه الهی

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ .. إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَّ مَقَامًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إِنَّ عَذَابَهَا تَأْتِي مُسْتَقَرًّا وَّ مَقَامًا> نیز مانند جمله <رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ> جزء دعا و تضرع عبادالرحمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱

۱ - فریاد و استغاثه کافران ، برای خروج از دوزخ به منظور تصحیح رفتار خود و انجام اعمال نیک

و هم یصطرخون فیها رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلْ

<استراخ> (مصدر <یسترخون>) به معنای فریاد شدید است که غالباً در مورد کمک طلبی به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۷

۷ - درخواست نجات از سوی دوزخیان ، به منظور انجام اعمال صالح ، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه خواهند داد .

فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ . إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَّ

الأرض إنه عليم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند پس از نفی وجود یاور برای کافران می تواند پاسخی به این سؤال باشد که چرا و کجا آنان بی ناصرانند؟ پاسخ این است که: چون خداوند به راز دل ها آشنا است، می داند که آنان هرگز ایمان نمی آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره مند نخواهند شد.

دردناکی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۴

۴ آتش دوزخ برای منکران قیامت ، بسیار زجر آور و طاقت فرسا خواهد بود .

دعوا هنالك ثبورًا

درخواست هلاکت و مرگ در آتش دوزخ، حاکی از شدت دردناکی و طاقت سوزی آن آتش است.

دردناکی عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۸ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، عذابی است دردناک .

إنکم لذائقوا العذاب الأليم

مقصود از <عذاب> در آیه شریفه، عذاب دوزخ است.

درک آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۵ - ۲،۳

۲ - ابزار شناخت حقیقت آتش جهنم ، در اختیار همگان نیست .

و ما أدريک ما الحطمه

۳- پیامبر (ص)، در شناخت ویژگی های آتش جهنم، نیازمند تعلیم الهی است.

و ما أدريك ما الحطمة

درکات جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۱،۳

۱ جایگاه منافقان، در پایین ترین و پست ترین طبقات آتش جهنم است.

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ

جهنم ، دارای طبقات ، و عذابش ، دارای شدت و ضعف است .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ عن النبي (ص) إنه تلا- هذه الآية ثم قال: هي طبقات من فوقه و طبقات من تحته لا يدري ما فوقه اكثر او ما تحته، غير أنه ترفعه الطبقات السفلى و تضعه الطبقات العليا و يضيق فيما بينهما ...

از رسول خدا(ص) روایت شده است که پس از تلاوت آیه <لهم من جهنم ..> فرمود: جهنم کافران، دارای طبقاتی از بالا و طبقاتی از پایین است که معلوم نیست آیا طبقات بالا- بیشتر است یا طبقات زیرین، ولی طبقات پایین، کافر را بالا می برد و طبقات بالا او را پایین می آورد و او بین طبقات بالا و پایین در فشار قرار دارد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۳،۵،۸

۳- جهنم ، دارای هفت درکه (طبقات زیرین) است و هر گروهی از گمراهان در درکه مخصوص و طبقه مشخصی جای دارند .

لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <أبواب> معنای کنایی آن باشد زیرا هر دری، نوعاً به سوی مکانی خاص گشوده می شود و به جایی مستقل منتهی خواهد شد و مؤید این معنا، عبارت بعدی است که هر بابی، برای گروهی از گمراهان تعیین شده است.

۵- جهنم ، دارای درکات و عذاب های متفاوت و شدید و ضعیف

لها سبعة أبواب لكل

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <سبعه> در آیه، کنایه از کثرت و حاکی از شدت و ضعف و تفاوت عذابهای جهنم باشد نه بیان عدد مشخص.

۸- > عن أمير المؤمنين (ع) : إن جهنم لها سبعه أبواب أطباق بعضها فوق بعض [و وضع إحدى يديه على الأخرى] فقال : هكذا و إن الله . . . وضع النيران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنم و فوقها لظى و فوقها الحطمه و فوقها سقر و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ؛ ۸۱

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: جهنم دارای هفت در و طبقه است که هر کدام بالای دیگری قرار دارد. امام [برای نشان دادن چگونگی طبقات] یکی از دستها را بالای دیگری قرار داد و فرمود: این چنین و افزود همانا خدا ... آتشها را بعضی بالای بعضی دیگر قرار داده است. طبقه زیرین آنها <جهنم> و بالای آن <لظى> و بالای آن <حطمه> و بالای آن <سقر> و بالای آن <جحیم> و بالای آن <سعیر> و بالای آن <هاویه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۳

۱۳- > علی بن الحسین (ع) قال : إن فی جهنم وادياً یقال له : سعیر ، إذا خبت جهنم فتح سعیرها و هو قوله : > کلما خبت زدناهم سعيراً ؛

امام سجاد فرمود: همانا در جهنم وادی وجود دارد که به آن <سعیر> گفته می شود و آن گاه که آتش جهنم فروکش کند، سعیر جهنم گشوده گردد و آن سخن خداوند است

که می فرماید: کَلِّمَا خَبْتِ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۱۵

۱۵- > عن النبي (ص) قال: الغيِّ واد في جهنم ;

از پیامبر(ص) روایت شده که فرمود: <غیّ> یک وادی در جهنم است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۵

۵ تکذیب کنندگان قیامت ، در اعماق دوزخ و در دورترین مکان آتشین جای دارند .

دعوا هنالك ثبورًا

برداشت یاد شده، از اسم اشاره <هنالك> که برای اشاره به مکان دور وضع شده است استفاده گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ - جهنم ، بخش ها و جا های مختلفی دارد .

أليس في جهنم مثوى للكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۲

۲ - جهنم ، دارای جایگاه های گوناگون و درکات مختلف برای دوزخیان است .

ثم إن مرجعهم لالی الجحیم

تعبیر رجوع و بازگشت به دوزخ، پس از نوشیدن آب جوشان و تغذیه از غذای <زَقُوم> که در قعر جهنم قرار دارد می رساند که جهنم دارای جایگاه های متعدد و دوزخیان دارای درکات گوناگونند؛ زیرا دوزخیان در هر صورت در دوزخ قرار دارند؛ ولی آنان برای تغذیه به جایی که <زَقُوم> و آب جوشان قرار دارد، برده می شوند و مجدداً به جایگاه اصلی خود

بازمی گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۲

- جهنم ، دارای طبقات و درکات گوناگون

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

برخی از مفسران بر این عقیده اند که مقصود از آیه شریفه، طبقات و درکاتی است که همگی از آتش است و کافران در هر طبقه ای که قرار گیرند، در بالا و پایین آنان طبقه ای آتشین وجود خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۹

۹ - > عن الصادق (ع) قال : إن فی جهنم لوادياً للمتکبرین یقال له سقر ، شکی إلى الله شدة حره [و] سأله أن یتنفس فأذن له فتنفس فأحرق جهنم ;

از امام صادق(ع) روایت شده در جهنم وادی است برای متکبران به نام <سقر> که از شدت حرارتش به خدا شکایت کرد و از او خواست تا نفسی بکشد، و خدا به او اجازه تنفس داده، پس نفس کشید که در پی آن جهنم سوزان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴،۳،۲

۲ - کفر ، دارای مراتب گوناگون است و کافران ، در درکات مختلف دوزخ جای دارند .

و سيق الذین کفروا إلى جهنم زمراً حتی إذا جاءوها فتحت أبوابها

تقسیم شدن کافران به چند دسته و گروه و نیز ورود آنان از درب های گوناگون جهنم ، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

۳ - وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سيق الذین کفروا إلى جهنم زمراً

>سوق< (مصدر >سیق<) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه

با حرف <إلى>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

۲۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) إنّ جهنم لها سبعة أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنم ، و فوقها لظى و فوقها الحطمة فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاوية ؛

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالا تر آن [به ترتیب] لظى، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۳

۳ - جهنم ، دارای عذاب های متفاوت و درکات گوناگون (طبقات زیرین) ، برای گروه های مختلف دوزخیان

ادخلوا أبواب جهنم

جمع آمدن <ابواب> می تواند به اعتبار طبقات متعدد دوزخ باشد؛ بدین معنا که هر طبقه ای از آن دارای دربی باشد. گفتنی است که در اصطلاح به طبقات دوزخ، <درکات> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۷

۷ - وجود طبقات مختلف برای دوزخیان

ليكونا من الأسفلين

برداشت یاد شده بر این پایه است که مراد از <أسفلين> افراد درکات پایین تر دوزخ باشد؛ نه این که صرفاً به تحقیر و ذلیل شدن اغواگران اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ -

۵- مکان های مختلف دوزخ ، دارای شرایط متفاوت از نظر شدت و ضعف و حرارت و سختی

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۲ - ۱

۱ - صاحبان اعمال بیوزن و ارزش ، در قیامت گرفتار جهنم و سقوط کننده در پرتگاه عمیق آن

فأُمَّه هَاوِیَه

<هاویه> که در این آیه بر <جهنم> تطبیق یافته است به معنای هر درّه و یا حفره ای است که عمق آن معلوم نباشد. (لسان العرب)

۲ - اعماق جهنم ، تنها پناهگاهی است که خطاپیشگان را پس از سنجش اعمال آنان در آغوش خواهد گرفت .

فأُمَّه هَاوِیَه

تعبیر <أم> ، کنایه از احاطه جهنم بر خطاپیشگان است؛ بسان مادری که طفل خود را در آغوش گرفته است.

دروغگویان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گویان و گنه کاران ، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

ناصیه کذبه خاطئه .. سندع الزبانیه

دره های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۵

۵ - > قال رسول الله (ص) الصلاة عماد الدين . . . من ترك أوقاتها يدخل الويل و الويل واد في جهنم كما قال الله تعالى . .
> فويل للمصلين . الذين هم عن صلاتهم ساهون . . . < ;

رسول خدا(ص) فرمود: نماز ستون دین است . . هر کس وقت های نماز را [اعتنا

نکرده و نماز را در آنها] ترک کند، داخل ویل می گردد و <ویل> درّه ای است در جهنم. همان طوری که خداوند تعالی فرموده: فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون.<

درهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۲۸،۹

۲- برای ورود هر دسته از گمراهان به جهنم ، دری مخصوص وجود دارد .

من الغاوین . و إن جهنم لموعدهم ... لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

۸- > عن أمير المؤمنين (ع) : إن جهنم لها سبعة أبواب أطباق بعضها فوق بعض [و وضع إحدى يديه على الأخرى] فقال : هكذا و إن الله ... وضع النيران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنم و فوقها لظى و فوقها الحطمة و فوقها سقر و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاوية / ۸۱

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم دارای هفت در و طبقه است که هر کدام بالای دیگری قرار دارد. امام [برای نشان دادن چگونگی طبقات] یکی از دستها را بالای دیگری قرار داد و فرمود: این چنین و افزود همانا خدا ... آتشها را بعضی بالای بعضی دیگر قرار داده است. طبقه زیرین آنها <جهنم> و بالای آن <لظى> و بالای آن <حطمه> و بالای آن <سقر> و بالای آن <جحیم> و بالای آن <سعیر> و بالای آن <هاویه> است.<

۹- > عن أبي عبد الله (ع) عن أبيه ، عن جدّه (ع) قال : للنار ... باب يدخل منه فرعون و هامان و قارون و باب يدخل منه المشركون و

الكفار . . . و باب یدخل منه بنوأمیه . . . و باب یدخل منه میغضونا و محاربونا و خاذلونا و انه لأعظم الأبواب و أشدها حرّاً ۷

از امام سجاده (ع) روایت شده است که فرمود: برای آتش . . . دری است که فرعون، هامان و قارون از آن داخل می شوند و دری است که مشرکان و کافران از آن داخل می شوند . . . و دری است که بنی امیه از آن داخل می شوند . . . و دری است که از آن داخل می شوند کسانی که بغض ما را در دل دارند و با ما در ستیزند و ما را یاری نمی کنند و این بزرگ ترین و سوزنده ترین آن درهاست . . .

دشمنان خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۱

۱ - دشمنان خدا در روز قیامت ، گردآوری شده ، دسته جمعی به سوی دوزخ روانه خواهند شد .

و یوم یحشر أعداء الله إلى النار

<حشر> (مصدر <یحشر>) به معنای جمع آوری است و چون در آیه با <إلی> متعدی شده، معنای سوق دادن و روانه ساختن در آن اشراب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ - ۱

۱ - دوزخ ، جایگاه و محل استقرار دشمنان خدا است .

یوم یحشر أعداء الله إلى النار .. فالنار مثوی لهم

کلمه <مثوی> اسم مکان و به معنای منزل و جایگاه اقامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - دوزخ ،

پایان و فرجام شوم دشمنان خدا

و حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ

الف و لام در <القول> برای عهد ذهنی است و اشاره به سخنی دارد که در آن، وعده عذاب دوزخ داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱،۳

۱ - آتش دوزخ، کیفر و سزای دشمنان خدا است.

ذَلِكَ جِزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارِ

۳ - آتش دوزخ همیشگی است و دشمنان خدا در آن جاودانه اند.

ذَلِكَ جِزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ

دشمنان محمد(ص) در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۱

۱ کافران معاند با پیامبر (ص)، در قیامت به روافتان به سوی جهنم برده شده و به آن افکنده خواهند شد.

الَّذِينَ كَفَرُوا .. الَّذِينَ يَحْشُرُونَ عَلِيَّ وَجُوهَهُمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ

دعوت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند.

تَدْعُوا مِنْ أَدْبُرٍ وَتَوَلَّىٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و ثروت اندوزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من ... و جمع فأوعی

<وعاء> (ماده <أوعی>) به معنای ظرف است و مقصود از <جمع فأوعی> اندوختن و ذخیره کردن مال و ثروت است.

دعوت به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۴،۹

- فرعون و دارودسته وی ، از نوع پیشوایان دعوت کننده به دوزخ

و جعلنهم أئمة يدعون إلى النار

۹ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : ... قال الله تبارك و تعالی ... > و جعلناهم أئمة يدعون إلى النار < يقدمون أمرهم قبل أمر الله و حکمهم قبل حکم الله و يأخذون بأهوائهم خلاف ما فی کتاب الله عزوجل ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: .. خدای تبارک و تعالی فرموده است: ... > و جعلناهم أئمة يدعون إلى النار < آنان فرمان خود را بر فرمان خدا مقدم می دارند و حکم خود را نیز بر حکم خدا مقدم می دارند و بر اساس هواهای نفسانی، برخلاف آنچه در کتاب خدا است عمل می کنند <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - شیطان ، فراخوان حق ناپذیران به دوزخ

كان الشیطن يدعوهم إلى عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۲

۲ - اظهار شگفتی مؤمن آل فرعون از فراخواندن قوم خود ، به نجات و رستگاری و دعوت آنان از او به سرنوشت هلاکت بار دوزخ

و یقوم مالی أدعوکم إلى النجوه و تدعوننی إلى النار

استفهام در <مالی> برای تعجب است.

دعوت کنندگان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۲

۲ - پیشوایان و رهبران جوامع در بینش الهی دو دسته اند : دعوت کنندگان به آتش دوزخ و فراخوانان به نعمت های بهشت .

و جعلنهم أممه

يدعون إلى النار

دلایل حقانیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ الله لهم عذاباً شديداً .. جنّت تجرى من تحتها الأنهر ... الله الذى خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۱

۱ - فرمان حرکت به تکذیب کنندگان روز جزا ، به سوی ستون های دود برخاسته از آتش دوزخ

انطلقوا إلى ظلّ

بنا به گفته مفسران، مقصود از <ظلّ> (سایه)، دود غلیظ برخاسته از آتش دوزخ است که به صورت سایه نمایان می شود؛ مانند: <و ظلّ من یحموم> و سایه ای از دودی سخت سیاه <. (واقع، آیه ۴۳)

دود سیاه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقع - ۵۶ - ۴۳ - ۲

۲ - فضای دوزخ ، آکنده از دود سیاه

و ظلّ من یحموم

آیات این بخش، ترسیم کننده محل زندگی <اصحاب الشمال> در جهان آخرت است.

دوری بهشتیان از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۱

۱- بهشتیان، در جایگاهی به دور از شنیدن صدای آهسته برخاسته از آتش دوزخ خواهند بود.

لایسمعون حسیسها

<حسیس> به معنای صدای آهسته

است و مقصود از آن در آیه شریفه، صدایی است که از حرکت آتش دوزخ برمی خیزد.

دوری مؤمنان از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۴

۴- مؤمنان راستین ، با فضیلت و مقرب الهی ، در قیامت در مکانی به دور از آتش دوزخ قرار خواهند گرفت .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

دین ستیزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲- تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

دین فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲- دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا .. الْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ

ذلت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۹

۹ رسوایی بزرگ و ذلت واقعی ، در مخلد شدن انسان در آتش دوزخ است .

فان له نار جهنم خلدًا فيها ذلك الخزي العظيم

روش بر خورد نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۳، ۱۱

۱۱ - فرشتگانِ نگهبان و گماشته بر دوزخ ، درشتخوی و سختگیراند .

علیها ملئکه غلاظ شداد

۱۳ - بر خورد خشن و سختگیرانه نگهبانان دوزخ ، به فرمان الهی بوده و هرگز از آن نمی کاهند و یا

متوقف نمی شوند .

عليها ملئکه غلاظ شداد لا يعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون

یادآوری عصمت و فرمانبری فرشتگان پس از ذکر برخورد خشن و سختگیرانه آنان با دوزخیان می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

رؤیت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۶

۶ - ستمکاران در قیامت ، تاب مشاهده مستقیم آتش دوزخ را ندارند .

ینظرون من طرف خفیّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان قیامت ، ناتوان از توجیه تکذیب گری های خود به هنگام مشاهده آتش دوزخ

أفسح هذا أم أنتم لا تبصرون

رؤیت آتش جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۴

۴ - کافران ، در قیامت ، با مشاهده آتش جهنم ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار . . . و قالوا ربّنا

ماضی آوردن عبارت <قالوا ربّنا> در مقابل <يقولون یا لیتنا> احتمال دارد که مربوط به زمانی باشد که هنوز در عذاب واقع نشده اند و تنها، آن را مشاهده کرده اند.

رؤیت اخروی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۱

۱ - طالبان امتیازات مادی ، در قیامت دوزخ را در مرحله ای فراتر از < علم الیقین > مشاهده کرده ، به حقیقت یقین دست خواهند یافت .

ثم لترونها عين اليقين

< عين اليقين > که در اصل < رؤیة عين اليقين > (دیدنی که نفس یقین است)

بوده مفعول مطلق است و حرف <ثم> که بر تراخی رتبی دلالت دارد آن را مرحله ای فراتر از <علم الیقین> معرفی کرده است.

رؤیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دکت الأرض .. یومئذ یتذکر الإنسان

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دکت الأرض..> و جمله <یتذکر الإنسان> جزا برای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۷

۷ - حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است .

ثم لترونها .. ثم لتسئلن

رؤیت جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۱

۱ - جهنم ، در روز رستاخیز از نزدیک به کافران و مجرمان نشان داده خواهد شد .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون

<هذه> که به شیء نزدیک اشاره دارد می رساند که جهنم در نزدیکی کافران و مجرمان قرار داشته و به آنان نشان داده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۲،۳،۶

۲ - جهنم ، قابل مشاهده برای تمام اهل محشر

و جایء یومئذ بجهنم

۳ - حاضران در صحنه قیامت ، در آغاز برپایی آن جهنم را مشاهده نمی کنند . *

و

جای یومئذ بجهنم

۶- خطاکاران در قیامت با مشاهده جهنم، فرصت های از دست رفته را به یاد آورده و متوجه آثار و پیامد های کردار خویش می گردند.

یومئذ یتذکر الإنسن

<ال> در الإنسان، ممکن است عهد ذکری و اشاره به انسانی باشد که در آیات پیشین، فریفته نعمت ها و شکرگزار تنگدستی ها معرفی شده است. هم چنین می تواند برای استغراق باشد و تذکر یافتن را به همه انسان ها تعمیم دهد. آیات بعد، احتمال نخست را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۱

۱- مجرمان، در صحنه قیامت، ناظر شعله های آتش دوزخ اند.

و رءا المجرمون النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۳

۳- مشاهده دوزخ، برای مردم حاضر در صحنه قیامت، امکان پذیر است.

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۸

۸- چشم های نابینا در برابر حق، در قیامت، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید.

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً. الذین كانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوی آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ -

۱ - جهنم در قیامت ، بر همگان آشکار بوده و در معرض دید تمام بینندگان قرار داده خواهد شد .

و بَرَزَت الْجَحِيمِ لِمَنْ يَرِي

مراد از <من یری> (شخصی که می بیند)، هر کسی است که توان دیدن داشته باشد. مفاد چنین تعبیری، شدت ظهور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغیان گران با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکر .. و بَرَزَت الْجَحِيمِ لِمَنْ يَرِي . فَأَمَّا مَنْ طَغَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۸ - ۱

۱ - آنان که زندگانی دنیا را برگزیده و آن را بر آخرت ترجیح دادند ، کردار خویش را در قیامت به یاد آورده ، جهنم را حاضر خواهند یافت .

یوم یتذکر ... و بَرَزَت الْجَحِيمِ ... و ءاثر الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهشت و جهنم ، برای مردم در قیامت قابل مشاهده است . *

و إِذَا الْجَحِيمُ سَعَّتْ . و إِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ

هدف از شعلهور کردن جهنم و نزدیک نمودن بهشت ممکن است این باشد که همگان آنها را مشاهده کرده و به فرجام نیکان و بدان آگاه شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۱،۵

۱ - مشاهده دوزخ در قیامت و گرفتاری به عذاب آن ، تهدیدی الهی و هشدارى تردیدناپذیر

برای دل‌بستگان به امتیازات دروغین

لتروّن الجحیم

چنانچه <لتروّن الجحیم> جمله مستقلی باشد؛ بیانگر قطعی بودن رؤیت جهنم برای مخاطبان <ألهیکم التکاثّر> خواهد بود سیاق آیه که بر تهدید اهل تکاثر دلالت دارد، نشانگر آن است که مراد از دیدن جهنم، گرفتاری به آن است؛ بنا بر این حرف <ثمّ> در آیه آخر (ثمّ لتسئلنّ...)، بر تراخی رتبی دلالت دارد؛ زیرا حسابرسی، پیش از گرفتاری به عذاب جهنّم است.

۵- مشاهده جهنم در قیامت، موجب آگاهی از نادرست بودن تفاخر و زیاده‌نمایی و سود نبخشیدن امتیازات مادی است.

سوف تعلمون... لتروّن الجحیم

رؤیت دنیوی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶- دوزخ و آتش سوزان آن در دنیا برای اهل یقین، مشهود و غفلت‌ناپذیر است.

لو تعلمون علم یقین... لتروّن الجحیم

جمله <لتروّن الجحیم>، می‌تواند جواب <لو> باشد؛ در این صورت آیه شریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود. از آن جا که حرف <لو> (در آیه قبل) برای امتناع بود؛ این مشاهده بر مخاطبان <لو تعلمون> که اهل تکاثراند محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکید در <لتروّن> قطعی است. فعل مضارع <لتروّن> با دلالت بر استمرار بیانگر آن است که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

رؤیت دنیوی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۶

۶- دوزخ و آتش سوزان آن در دنیا برای اهل یقین، مشهود و غفلت‌ناپذیر است

لو تعلمون علم اليقين .. لتروّن الجحيم

جمله <لتروّن الجحيم>، می تواند جواب <لو> باشد؛ در این صورت آیه شریفه درباره مشاهده دوزخ در دنیا خواهد بود. از آن جا که حرف <لو> (در آیه قبل) برای امتناع بود؛ این مشاهده بر مخاطبان <لو تعلمون> که اهل تکاثراند محال و برای صاحبان یقین به دلیل نون تأکید در <لتروّن> قطعی است. فعل مضارع <لتروّن> با دلالت بر استمرار بیانگر آن است که دوزخ، همواره مد نظر اهل یقین است.

رؤیت ظالمان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تريهم يعرضون عليها .. و قال الذين ءامنوا إنّ الخسرين

رؤیت قلبی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۷

۷ - جهنم و آتش سوزان آن ، هم اکنون وجود دارد و قابل مشاهده است .

لتروّن الجحيم

رؤیت گمراهان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تريهم يعرضون عليها .. و قال الذين ءامنوا إنّ الخسرين

رهبران اغواگر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۹

۹ ورود رهبران اغواگر در دوزخ، قبل از پیروانشان

کلما دخلت أمه .

.. قالت أخريهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

مراد از <أمت أخرى> به دليل سخن آنان (ربنا هؤلاء أضلونا) گروه پيرو هستند. در نتيجه مراد از <اولى> سران شرك و كفر خواهد بود. و تعبير از آن دو طايفه به <اولى> و <أخرى> مى تواند به لحاظ تقديم و تأخير آنان در ورود به جهنم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۹ - ۱

۱- جهنم ، جاىگاه رهبران ناسپاس و سردمداران فاسد و اغواگر

ألم تر إلى الذين .. أحلوا قومهم دار البوار . جهنم يصلونها

رهبران شرك در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ دوزخيان پيرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران كفر و شرك، عليه آنان اقامه دعوا خواهند كرد.

حتى إذا ادركوا فيها جميعا قالت أخريهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

<حتى إذا ادركوا ..> يعنى تا آنگاه كه امتهما بر يكديگر ملحق و مجتمع گردند. <ادركوا> در اصل تداركوا بوده و پس از ساكن كردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران كفر و شرك و پيروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و كشمكش خواهند پرداخت.

قالت أخريهم لأوليهم .. و قالت أليهم لأخريهم فما كان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۲

۲ - پیشوایان شرک و گمراه کنندگان خلق ، مصداق های بارز و

قال الذین حَقَّ علیهم القول

خداوند در آغاز آفرینش آدم، در پاسخ ابلیس که گفته بود: <رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي لِأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ> فرمود: <لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ>. کلمه <القول> اشاره به همین سخن خداوند دارد. بنابراین <الذین حَقَّ علیهم القول>؛ یعنی، آنان که آن سخن خدا درباره ایشان مصداق و قطعیت یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۶

۶ - چشیدن عذاب دوزخ برای مشرکان و سران آنان، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند

فَحَقَّقْنَا قَوْلَ رَبِّنَا إِنَّا لَلذَّائِقُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که <حَقَّقَ> به معنای <ثَبَّتَ> و <لَزِمَ> است و ثابت و لازم بودن عذاب، حاکی از حتمی و تخلف ناپذیر بودن آن است.

رهبران فاسد در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۱

۱- جهنم، جایگاه رهبران ناسپاس و سردمداران فاسد و اغواگر

أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ... أَحَلَّوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ . جَهَنَّمَ يَصِلُونَهَا

رهبران کفر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ دوزخیان پیرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران کفر و شرک، علیه آنان اقامه دعوا خواهند کرد.

حتى إذا ادركوا فيها جميعا قالت أخرجهم لأولئهم ربنا هؤلاء أضلونا

<حتی إذا ادارکوا ..> یعنی تا آنگاه که امتها بر یکدیگر ملحق و مجتمع گردند. <ادارکوا> در اصل تدارکوا بوده و پس از ساکن کردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخرجهم لأولیهم... و قالت ألیهم لأخرجهم فما كان

رهبران مشرکان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۳

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و ما هم بخرجین من النار

رهبران ناسپاس در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۱

۱- جهنم ، جایگاه رهبران ناسپاس و سردمداران فاسد و اغواگر

ألم تر إلی الذین .. أحلّوا قومهم دار البوار . جهنم یصلونها

زمینه ایمان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۷ - ۱

۱ - منکران قیامت ، تنها با ورود به جهنم ، آن را باور خواهند کرد .

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

زمینه جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۳

۳ - غیبت ، عیب جویی و انباشتن ثروت ، زمینه محبوس ماندن در آتشی مسلط و فراگیر در جهنم

إنّھا علیهم مؤصده

حرف <علی> در <علیهم> ، بر احاطه و سلطه دلالت دارد.

زمینه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۵

۵ - انسان ها ، بدون لطف و

رحمت خداوند ، در معرض ابتلا به عذاب دوزخ اند .

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۳

۳ - بخل و ثروت اندوزی حاصل از آن و تکذیب وعده های خداوند ، زمینه ساز گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى . وَكَذَّبَ ... فَأَنْذَرْتَكُمْ نَارًا تَلْظَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۱

۱ - شقاوت زمینه ساز گرفتاری به حرارت طاقت فرسای آتش جهنم است .

لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى

<صلی النار> یعنی، با رنج و مشقت حرارت آن را تحمل کرد و <شقاوه> یعنی، شدت و دشواری (قاموس). این واژه نقطه مقابل سعادت است. (مفردات راغب)

زمینه ذکر آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۴

۴ - آتش دنیا ، وسیله ای برای یادآوری آتش جهنم و هشداردهنده ای برای انسان ها

نحن جعلناها تذكرة

در صورتی که ضمیر <جعلناها> به <نار> بازگردد، برداشت بالا استفاده می شود.

زمینه نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- ایمان به خدا و اجابت دعوت او ، باعث غفران خطاها و لغزشها و رهایی از عذاب دوزخ

و ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۸ - ۱

۱ - دعا و نیایش به درگاه خداوند ، زمینه ساز راهیابی

انسان به بهشت و رهایی از دوزخ

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ . إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ

زنان منافق در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنْفِقِينَ وَالْمُنْفِقَاتِ وَالْكُفَّارِ نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

زندان بودن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۰

۱۰- جهنم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا

<الحصر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

زیاده طلبی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۳،۶،۲،۱

۱ - جهنم ، در برگیرنده انبوه مجرمان و دارای اشتهایی سیری ناپذیر

یوم نقول لجهنم هل امتلأت و تقول هل من مزید

۲ - جهنم ، تقاضامند دریافت مجرمان هر چه بیشتر

و تقول هل من مزید

۳ - گنجایش و سیری ناپذیری دوزخ ، تهدیدی برای کافران با همه انبوهی و کثرت آنان

یوم نقول لجهنم هل امتلأت و تقول هل من مزید

از این که خداوند، اشتهای سیری ناپذیر دوزخ را تذکر داده است؛ استفاده می شود که نباید کافران، کثرت و انبوهی خویش را مانعی در راه اجرای احکام و کیفرهای الهی بدانند؛ بلکه جهنم بیش از آنچه آنان تصور کنند، گنجایش و پذیرش دارد.

۶ - طبع دوزخ ، همچون طبع دنیاطلبان ، فزون طلب

و زیاده خواه *

یوم نقول .. و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیا داران دوزخی باشد.

زیان جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۴

۲۴ - گرفتار شدن به آتش و عذاب ابدی ، خسران واقعی است .

إِنَّ الْخَسْرِينَ الَّذِينَ .. فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ

زیانکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۱

۱ - صورت زیان کاران دوزخی ، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار

<لَفْحٌ> (مصدر <تلفح>) به معنای سوزاندن است؛ یعنی، <آتش، چهره های آنها را می سوزاند>. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های آتش دوزخ می باشد.

ساختار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - جهنم ، یک پارچه آتش است .

عذاب السعیر

<سعر> مصدر <سعیر> به معنای <شعلهور بودن آتش> است. نام گذاری جهنم به <سعیر>، دلالت بر نکته بالا می کند.

سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۳ - ۱

۱ - زندگی در سایه ای از دود سیاه ، فرجام اخروی اصحاب الشمال

و ظلّ من یحموم

مفسران <یحموم> را به دود سیاه معنا کرده اند.

ستارگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴ - > عن أبي مریم انّ النبی (ص) قال : فی قوله < و إذا النجوم انکدرت > قال : انکدرت فی جهنم ;

از ابی مریم روایت شده که پیامبر(ص) درباره سخن خداوند <و إذا النجوم انکدرت> فرمود: ستارگان در جهنم بی فروغ و تاریک خواهند شد.

ستون های آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - احاطه ستون هایی امتداد یافته و بسیار بر آتش جهنم ، راه فرار را بر جهنمیان می بندد .

فی عمد ممدّده

<عَمَدٌ>، (جمع <عمود> (ستون) است. در صورتی که <فی عمد> متعلق به <مؤصده> باشد، مفاد آیه این خواهد بود که: آتش جهنم، در مجموعه ای از ستون های سر به فلک کشیده، قرار گرفته است و گریز از آن ستون ها، امکان پذیر نیست.

۲ - زبانه های آتش جهنم ، به شکل ستون هایی بلند ، دوزخیان را در خود جای خواهد داد .

إنّھا .. فی عمد ممدّده

تعبیر <فی عمد>، ممکن است خبر دوم برای ضمیر <إنّھا> باشد. مفاد آیه در این صورت، ترسیم آتش جهنم به شکل شعله هایی زبانه کشیده و بلند است.

۳ - جهنمیان ، در عمودهایی بلند به بند کشیده شده ، راه فراری نخواهند داشت . *

فی عمد ممدّده

مراد از <عمد>، ممکن است عمودهایی باشد که نظیر <غُلّ>، برای بستن جهنمیان به کار خواهد رفت.

سختگیری نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۳، ۱۱

۱۱ - فرشتگانِ نگهبان و

گماشته بر دوزخ ، درشتخوی و سختگیراند .

علیها ملئکه غلاظ شداد

۱۳ - برخوردار خشن و سختگیرانه نگهبانان دوزخ ، به فرمان الهی بوده و هرگز از آن نمی کاهند و یا متوقف نمی شوند .

علیها ملئکه غلاظ شداد لایعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یأمرون

یادآوری عصمت و فرمانبری فرشتگان پس از ذکر برخوردار خشن و سختگیرانه آنان با دوزخیان می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

سختی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۸

۸ - سختی و سوزش آتش جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلب و جوههم فی النار یقولون یتینا أطعنا الله

سختی عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۹

۹ - عذاب جهنم ، عذابی سخت و غیر قابل تحمل است .

فإن له جهنم لایموت فیها و لایحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۳

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتع بکفرک قليلاً إنک من أصحاب النار

جمله <إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

سختی عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۵

۵- عذاب و مجازات دوزخ، سخت، سوزان و رنج آور

من عذاب الحمیم

اضافه <عذاب> به <الحمیم>،

از قبیل اضافه بیانیه است.

سخن چینان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخر کنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذن فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

سرزنش در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

سرزنشهای نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۸،۹

۸ - کافران به هنگام رسیدن به درب های دوزخ ، مورد سرزنش نگهبانان و دربانان قرار خواهند گرفت .

وقال لهم خزنتها ألم یأتکم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که همزه در <ألم یأتکم> برای استفهام توییخی می باشد.

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و اندازگران

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایة ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۳،۴

۳ - پرسش سرزنش آمیز نگهبانان دوزخ از کافران

دوزخی ، درباره آمدن پیامبر و اخطار دهنده الهی برای آنان

سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <ألم يأتكم..> توبيخی و تقریعی باشد.

۴ - سرزنش نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذاب روحی برای کافران دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می تواند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

سعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۳

۳ - < سعير > ، از نام های جهنم است .

و أعدّ لهم سعيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۱

۱۱ - سعير ، از نام های دوزخ

أصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) إنّ جهنم لها سبعة أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض ... و وضع النيران بعضها فوق بعض

فأسفلها جهنم ، و فوقها لظى و فوقها الحطمة فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ؛

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و

آتش‌ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظى، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می‌باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۶

۲۶ - < سعیر > از نام های دوزخ

و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۵

۱۵ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۸

۸ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

ما کنا فی أصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۴

۴ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

لأصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشفاق - ۸۴ - ۱۲ - ۲

۲ - < سعیر > ، از نام های جهنم است .

سعیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) إنّ جهنم لها سبعة أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنم ، و فوقها لظى و فوقها الحطمة فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظى، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۳

۳ - < سقر > ، از نام های دوزخ

سَأْصِلِيهِ سَقْر

<سقر>، اسم عَلَم برای جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۴

۴ - < سقر > ، از نام های دوزخ

و ما أدریک ما سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۴

۴ - < سقر > ، از نام های دوزخ

سقر

<سقر>، اسم علم برای دوزخ است.

سقوط جمعی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۶

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و يجعل الخبيث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن است.

سگهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۶

۶ - > قال رسول الله (ص) ... لاتجالسوا مع شارب الخمر... فإِنَّهُمْ كلاب أهل النار كما قال الله : > اخسئوا فيها و
لاتكلمون < ;

رسول خدا(ص) فرمود:.. با شراب خوار همنشینی نکنید... زیرا آنان سگ های جهنم اند؛ همان طور که خداوند فرموده
است: اخسئوا فيها و لاتكلمون.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۷

۷ - > عن معاذبن جبل قال :

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) . . . قال الله < و الناشطات نشطاً > أ تدري ما هو؟ قلت : يا نبي الله ما هو؟ قال : كلاب في النار تنشط العظم و اللحم . . . ;

از معاذبن جبل روایت شده که گفت: رسول خدا(ص) فرمود: . . . خداوند فرموده: <و الناشطات نشطاً>، آیا می دانی مقصود چیست؟ گفتم: ای پیامبر خدا! مقصود چیست؟ فرمود: مقصود سنگ هایی اند که در آتش جهنم می باشند و استخوان و گوشت را [از بدن انسان] می کنند.

سنگهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - منکران قرآن و سنگ های دوزخ ، هیزم و آتشگیره های آتش جهنم .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجارة

<وقود> به هیزم و نیز به چیزی که با آن آتش روشن می کنند، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۹،۱۶

۹ - دوزخیان و سنگ های دوزخ ، سوخت آتش جهنم است .

ناراً وقودها الناس و الحجارة

<وقود> به معنای چیزی است که به آن آتش روشن می کنند؛ یعنی، ماده سوختی و قابل اشتعال.

۱۶ - < عن رسول الله (ص) : . . . إنما تلك الحجارة الكبرى ;

از رسول خدا [درباره <حجاره> در آیه <ناراً وقودها الناس و الحجارة>] روایت شده: آن سنگ [که آتش افروز جهنم است] همان گوگرد است.

سوختن کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یتینا أطعنا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۱

۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، اعلام می کنند که مطیع بزرگان و رؤسای گمراه سازشان بودند .

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكُفْرِينَ .. یوم تقلّب .. و قالوا ربّنا إنّنا أطعنا سادتنا ... فأ

سوزندگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۲

۲ - آتش آخرت ، بسی دامنه دارتر و سوزاننده تر از آتش دنیا است .

النار الکبری

مراد از <النار الکبری> ممکن است تمام آتش های آخرت باشد. در این صورت سنجش آن با آتش دنیا، مورد نظر خواهد بود.

سیمای کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۹

۹ - چهره های کفرپیشگان در دوزخ ، بسیار گرفته و درهم کشیده خواهد بود .

قل أفأنبئکم بشرّ من ذلكم النار

شاخه های دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۲

۲ - دود برخاسته از آتش دوزخ ، دارای سه شعبه و قرار گرفته در سه جهت

ظَلَّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ

شدت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۴

۴ - کافران ، در دنیا هرگز به سختی و

شدت آتش دوزخ و به بی یآوری خود در قیامت پی نخواهند برد .

لو يعلم الذین کفروا حین لایکفون عن جوههم النار . . . و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حین> مفعولٌ به برای <یعلم> باشد. در این صورت پیام آیه چنین می شود: کاش آنان که کافر شدند، می دانستند و نمی دانند زمانی را که نمی توانند آتش را از چهره ها و... باز بدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۷

۷- دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است .

إلی عذاب السعیر

<سعیر> به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی بی حد آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۳

۳ - شدت و فراوانی آتش جهنم ، در اطراف مشرکان و کافران

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از آیه شریفه هر چه باشد، این نکته را نیز می رساند که آتش دوزخ بسیار شدید و زیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۸

۸ - آتش دوزخ ، سخت ترین و شدیدترین عذاب و کیفر الهی

أشدّ العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۲

۲- جهنم ، دارای آتشی که به شدت برافروخته و شعله‌ور است

لصالوا الجحیم

به آتشی که شعله های آن، سخت زبانه کشد و نیز به آتش عظیمی که در گودال برافروخته گردد و به مکانی که دارای حرارت شدید باشد، <جهیم> گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۵ - ۱

۱ - ویژگی های آتش جهنم و شدت آن، فراتر از حد تصور و بیان است.

و ما أدریک ما الحطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۴

۴ - آتش جهنم، آتشی بی نظیر و شدیدتر از هر آتش دیگری است.

نار الله

توصیف خداوند به خالق و مالک آتش جهنم، بیانگر تفاوت آن، با دیگر آتش ها است.

شدت حرارت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۶

۶ - دوزخ، دارای آتشی پر حرارت

صرط الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۴

۲۴ - جهنم ، دارای آتشی ملتهب و پر شراره

و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، بسیار سوزان و دارای حرارتی شدید است .

نارًا حامیه

<حامیه> یعنی، دارای حرارت و چون آتش همواره دارای حرارت است، تصریح به این وصف، بیانگر غیر متعارف بودن آن حرارت است.

شدت حرارت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پر حرارت و شعلهور سوازنده خواهند شد .

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوَه

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای آتش شعلهور و پر حرارت است.

۲ - دوزخ ، محل آتش پر حرارت و شعلهور

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوَه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - جهنم ، یک پارچه آتش و دارای حرارتی بس شدید است .

نار حامیه

<هاویه>، اسم مکان است و آتش خواندن آن، مبالغه در بیان گستردگی آتش است؛ به گونه ای که گویا آن مکان چیزی جز آتش نیست. <حَمِيَّتِ النَّارِ> یعنی، حرارت آن شدت یافت (قاموس).

۲ - حرارت آتش جهنم ، غیر قابل قیاس با حرارت دیگر آتش ها است .

نار حامیه

وصف <حامیه> با هر آتشی همراه است؛ بنابراین تأکید بر آن در توصیف آتش جهنم، بیانگر این است که گویا در مقابل حرارت آن، آتش های دیگر حرارتی ندارد.

شدت سوزندگی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، بسیار سوزان و دارای حرارتی شدید است .

نارًا حامیه

<حامیه> یعنی، دارای حرارت و چون آتش همواره دارای حرارت است، تصریح به این وصف، بیانگر غیر متعارف بودن آن حرارت است.

شدت عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۸۷ - ۱۳

۱۳- عذاب جهنم، عذابی بسیار سخت و ناگوار است.

ثُمَّ يَرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نَّكَرًا

<عذاباً> مفعول مطلق تأکیدی برای <يعذبهُ> است که دال بر شدت عذاب الهی است <نكراً> نیز

که صفت برای <عذاباً> است، تأکیدی فزون تر بر ناگواری عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۱

۱ - حرارت آتش دوزخ و صدای ناخوشایند برخاسته از آن، در نهایت شدت و حدت است.

تکاد تمیز من الغیظ

تعبیر <تکاد تمیز من الغیظ> (چیزی نمانده است که از شدت غیظ پاره پاره شود) درباره دوزخ، تعبیری است تمثیلی و کنایی و بیانگر شدت و حدت آتش دوزخ و صدای آن است.

شدت عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۷

۷- برای کافران جبار، در جهنم، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد.

و من ورائه عذاب غلیظ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۵

۵- مراتب شدید و هلاکت بار عذاب دوزخ، متوجه گناه پیشگان مغرور و پیشوایان کفر و نه همه گناه کاران *

طعام الأثیم کالمهل ... ثم صَبَّوْا فَوْقَ رَأْسِهِ ... ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

از مبالغه نهفته در <الأثیم> و نیز وصف <العزیز الکریم>، این احتمال شکل می گیرد که عذاب های شدید مطرح شده در این آیات، برای هر گناه کاری نیست؛ بلکه مخصوص دارندگان اوصاف

یاد شده است.

شدت گرمای آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۴

۱۴ - دوزخ، دارای آتشی است در اوج حرارت و سوزاندگی.

عذاب الحریق

برداشت فوق، بر این اساس است که <ال> در <الحریق> <ال> کمالیه باشد. بنابراین <الحریق> یعنی، در اوج سوزاندگی.

شدت گرمای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۷

۷- دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است.

إلی عذاب السعیر

<سعیر> به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی بی حد آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۶

۶ - آتش دوزخ، عنصری است بسیار گرم و سوزاننده.

ذوقوا عذاب الحریق

<حریق> به معنای سوزاننده است. به کارگیری آتش در وزن <فعلیل> که برای مبالغه است بیانگر گرمای بسیار زیاد آتش دوزخ و سوزاندگی شدید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۶

۱۶ - دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است.

عذاب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷

۹ - دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است.

أصحاب السعير

<سعير>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعير>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۵

۵ - دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی برافروخته و شعله‌ور است.

لأصحاب السعير

<سعير>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعير>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

شرابخوار در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۶

۶ - > قال رسول الله (ص) ... لاتجالسوا مع شارب الخمر... فإِنَّهم كلاب أهل النار كما قال الله : > اخسئوا فيها و لاتكلمون < ;

رسول خدا(ص) فرمود:.. با شراب خوار همنشینی نکنید... زیرا آنان سگ های جهنم اند؛ همان طور که خداوند فرموده است: اخسئوا فيها و لاتكلمون.<

شرایط نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۷،۱۸

۱۷ - اصحاب اخدود ، چنانچه از گناه سوزاندن مؤمنان توبه می کردند ، از عذاب جهنم رهایی می یافتند .

ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ

۱۸ - رهایی اصحاب اخدود از آتش جهنم ، تنها در صورتی امکان پذیر است که از کفر خویش توبه کرده باشند

ثم لم يتوبوا

سیاق آیه شریفه، گرچه قرینه است بر این که متعلق <لم يتوبوا> فتنه گری و سوزاندن مؤمنان است؛ ولی آیه بعد، می تواند قرینه باشد که مراد از توبه، روی آوردن به ایمان و عمل صالح است و نیز توبه از شکنجه مؤمنان، زمانی توبه به درگاه خداوند است که شخص منکر او نباشد.

شعله آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - انس می گوید : < تلا- رسول الله (ص) هذه الايه > وقودها الناس والحجاره > فقال : او قد علىها ألف عام حتى إحمرت و ألف عام حتى إبيضت و ألف عام حتى اسودت فهي سوداء مظلمه لا يطفأ لهبها ؛

رسول خدا (ص) به دنبال قرائت این آیه <وقود الناس والحجاره> فرمود: آتش [جهنم] را هزار سال شعله‌ور کردند تا سرخ گشت. و هزار سال شعله‌ور نمودند تا سفید گشت و هزار سال شعله‌ور کردند تا سیاه گشت پس آن آتش سیاه و ظلمانی است و شعله آن خاموش نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۶

۶ - < جحیم > از نام های جهنم

الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، آتشی است پر حرارت و پر شعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۸ - ۶

- ۶

آتش دوزخ ، آتشی است پر حرارت و پر شعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۹

۹ - آتش دوزخ ، سخت برافروخته و ملتهب

عذاب الجحیم

<جحمه> (مبدأ اشتقاق <جحیم>) به شدت افروختگی و التهاب آتش اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، به شدت برافروخته و ملتهب است .

و تصلیه جحیم

<جحیم> مشتق از <جحمه> است. <جحمه> به شدت اشتعال و برافروختگی آتش گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۴

۱۴ - آتش دوزخ ، به شدت برافروخته و ملتهب است .

أولئك أصحاب الجحیم

<جحمه> (مبدأ اشتقاق <جحیم>) به شدت التهاب و برافروختگی آتش گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۶

۱۶ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است .

عذاب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۹

۹ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است .

أصحاب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه

بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۵

۵ - دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی برافروخته و شعله‌ور است.

لأصحاب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۲، ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت، به وسیله آتش پر حرارت و شعله‌ور سوزانده خواهند شد.

ثمّ الجحیم صلّوه

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای آتش شعله‌ور و پر حرارت است.

۲ - دوزخ، محل آتش پر حرارت و شعله‌ور

ثمّ الجحیم صلّوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۱ - ۱

۱ - دود سایه مانند دوزخ، فاقد سایبان حقیقی (خنک کنندگی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست.

لاظلیل و لا یغنی من اللّهب

<لاظلیل> صفت برای <ظّل> در آیه پیش است و <ظّل ظلیل> به معنای سایه دائم و مستمر است (صحاح اللغه). بر این اساس <ظّل... لاظلیل> کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و <لهب> به معنای شعله خالص و بدون دود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شراره افکنی آتش دوزخ ، به بلندی کاخ ها

إنها ترمی بشرر کالقصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۳ - ۲

۲ - شراره های آتش دوزخ ، بسیار انبوه ، به هم پیوسته و پرجنبش است .

کأنه جملت صفر

برداشت یاد شده، از تشبیه شراره های آتش به انبوه شتران، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز شعلهور شدن شدید جهنم

و إذا الجحیم سعرت

<جحیم> (که بر اثر استعمال مکرر درباره جهنم، نام دیگری برای آن شده است، در اصل) آتشی است که به شدت افروخته شده باشد و به آتش عظیمی که در حفره ای عمیق افروخته شود <جحیم> گفته می شود. سعرنار و سعرها] به یک معنا است]؛ یعنی، آتش را شعلهور ساخت و تشدید [در باب تفعیل] برای مبالغه است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۲

۲ - جهنم ، دارای آتشی که به شدت برافروخته و شعلهور است .

لفی جحیم

به آتشی که شعله های آن، سخت زبانه کشد و نیز به آتش عظیمی که در گودال برافروخته گردد و به مکانی که دارای حرارت شدید باشد، <جحیم> گفته می شود (قاموس). مراد از <جحیم> به قرینه آیه بعد جهنم یا آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۶ - ۲

۲ - جهنم ، دارای آتشی که به شدت برافروخته و شعلهور است .

به آتشی که شعله های آن، سخت زبانه کشد و نیز به آتش عظیمی که در گودال برافروخته گردد و

به مکانی که دارای حرارت شدید باشد، <جهیم> گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۴

۴ - جهنم ، دارای آتشی برافروخته و شعلهور

سعیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش جهنم ، همواره شعلهور است و زبانه می کشد .

نَارًا تَلْظَى

<تَلْظَى> (که در اصل <تَلْظَى> بوده است)؛ یعنی، زبانه کشیده و برافروخته می شود. مضارع در صورتی که حال قرار گیرد، بر تکرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعلهور و متراکم

لترونّ الجحیم

<جحیم>، به معنای آتشی است که سخت شعلهور بوده و زبانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال های عمیق و هر مکان پر حرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۱،۵

۱ - پیدایش آتش جهنم و برافروخته شدن آن ، وابسته به خداوند و خواست مستقیم او است .

نار الله

استناد آتش جهنم به خداوند با آن که هر آتش دیگری نیز مخلوق او است نشانگر ظهور وابستگی آن به خداوند است؛ به گونه ای که تنها، به فرمان او برمی افروزد و می سوزاند.

۵- آتش جهنم، همواره برافروخته شده و شعله های تازه پیدا می کند.

الموقده

<ایقاده> (مصدر <موقده>) یا از <وَقَدُّ> (آتش و برافروخته شدن آن) و یا از <وَقُود>

(هیزم ویژه آتش)، گرفته شده است. توصیف آتش جهنم به <موقده> با آن که آتش از فروخته شدن و افروزنده انفکاک ندارد اشاره به حدوث پیاپی این وصف دارد؛ به گونه ای که نه تنها هرگز خاموش نمی شود؛ بلکه همواره شعله های جدید دارد.

شعله های آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۱

۱ - شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا و رسول او

و من لم یؤمن .. فإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۹ - ۲

۲ - زبانه های آتش جهنم ، به شکل ستون هایی بلند ، دوزخیان را در خود جای خواهد داد .

إِنَّهَا .. فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ

تعبیر <فی عمد>، ممکن است خبر دوم برای ضمیر <إِنَّهَا> باشد. مفاد آیه در این صورت، ترسیم آتش جهنم به شکل شعله هایی زبانه کشیده و بلند است.

شعور آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۳

۳ آتش جهنم ، دارای نوعی ادراک و احساس

إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَ زَفِيرًا

شفاعت نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - درخواست دوزخیان از نگهبانان جهنم ، مبنی بر شفاعت کردن نزد خداوند جهت تخفیف اندکی از عذابشان حتی به مقدار یک روز

و قال الذین فی النار لخنزہم ادعوا ربکم یخفف عنا یومًا من العذاب

امید و انتظار دوزخیان ، به شفاعت نگهبانان جهنم به درگاه خداوند برای تخفیف اندکی از عذاب آنان

و قال الذين في النار لخزنة جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يوماً من العذاب

شقاوتمندان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۱

۱ تیره بختان صحنه قیامت (مشرکان و کافران به رسالت انبیا) روانه آتش دوزخ خواهند شد .

فأما الذين شقوا ففي النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱

۱ آتش دوزخ ، جایگاه ابدی تیره بختان صحنه قیامت است .

خلدين فيها مادامت السموت و الأرض

عبارت <مادامت السماوات و الأرض> (تا آن زمان که آسمانها و زمین وجود دارد) کنایه از دوام و همیشگی است و تأکید برای خلودی می باشد که از <خلدین> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۳

۳ - فرجام شقاوتمندان ، گرفتاری به آتش دوزخ است .

و يتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۳،۴

۳ - خلود در آتش جهنم ، ویژه کسانی است که در بالاترین مرحله شقاوت اند .

<صیلی> یعنی، ملازم و همراه شد (لسان العرب، از قول زجاج) و ملازمت با آتش به جاودانگی در آن است. حصر موجود در آیه مربوط به ملازمت است یعنی، جاودانگی در آتش، مخصوص کسانی است که در آیه بعد اهل تکذیب و اعراض معرفی شده اند و در بدترین نوع

شقاوت به سر می برند.

۴ - امکان خلود همه شقاوتمندان در آتش جهنم *

لا یصلیها إلا الأشیقی

تقابل <أشقی> و <أتقی> می تواند، قرینه بر حصر اضافی باشد؛ یعنی، اگر گفته می شود که تنها <شقی ترین مردم> در آتش جاودان است، مراد نفی خلود از دیگر شقاوتمندان نیست؛ بلکه تنها از فرد <أتقی> نفی خلود شده است.

شک به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۱

۱- غوطهوران در گناه، گرفتار تردید در وقوع قیامت و وجود دوزخ

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

شکاکان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها و تجاوزگران و شکاکان در حق، محکوم به آتش دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلِّ... مَنَّا لِلخَيْرِ مَعْتَد مَرِيْب

شومی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۲۱

۲۱- آتش دوزخ، تکیگاهی ناپسند و شوم برای دوزخیان است .

يغاثوا بماء كالمهل .. و ساءت مرتفقا

<مرتفق> به مکانی گفته می شود که آدمی، در آن، مرفق و آرنج خود را بر زمین نهد و با ساق دست خود اهرمی بسازد و سر بر آن گذارده، استراحت کند. یاد کردن از جایگاه دوزخیان با این تعبیر، به منظور ریش خند کردن آن ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۸

۸ - آتش دوزخ ، جایگاهی بس شوم و نامبارک

و بئس المصیر

شومی جهنم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۹

۱۹ - آتش دوزخ ، جایگاهی نامیمون و عاقبتی شوم است .

و بئس المصیر

<مصیر> جایگاهی است که حرکت بدان جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۵

۵ جهنم ، بستر و خوابگاه شوم و ناپسند

و بئس المهادر

<مهادر>، به معنای فراش (بستر خواب و استراحت) است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۷

۱۷ جهنم ، جایگاهی بد و سرانجامی شوم است .

مأویهم جهنم و ساءت مصیرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۷

۱۷ جهنم ، فرجامی بد و جایگاهی نامیمون است .

و نصله جهنم و ساءت مصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۳

۳ جهنم ، جایگاهی بد و فرجامی شوم

و بئس المصیر

مخصوص به ذم، کلمه جهنم است که به قرینه فراز قبل حذف شده است، یعنی <و بئس المصیر جهنم>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۸

۸ آتش دوزخ ، بهره و نصیبی نامیمون و جایگاهی شوم

و بئس الورد المورود

کلمه <الورد> (نصیب و بهره) فاعل برای <بئس> است و <ال> در آن برای جنس می باشد و <المورد> (چیزی که بر آن وارد می شوند) مخصوص به ذم است و <ال> در آن عهد ذکری بوده و اشاره به آتش دوزخ دارد.

بنابراین <بئس الورد المورود> یعنی، بد نصیب و بهره ای است آن آتشی که بر آن وارد خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ دوزخ بستری بد و ناگوار است .

مأویهم جهنم و بئس المهاد

<مهاد> به معنای بستر گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ دوزخ ، سرایی شوم و فرجامی ناگوار برای دوزخیان

و لهم سوء الدار

مقصود از سرای شوم دنیا (سوء الدار) به قرینه مقابله آن با <عقبی الدار. جنات عدن> در آیه ۲۲ و ۲۳ دوزخ، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۲،۵

۲- جهنم ، سرای هلاکت و نابودی

دار البوار . جهنم يصلونها

<بوار> به معنای هلاکت است.

۵- جهنم ، قرارگاهی بد و شوم

جهنم يصلونها و بئس القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - دوزخ ، جایگاهی بد برای دوزخیان

و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۴

۴ کسانی که در قیامت به روافتان به سوی جهنم سوق داده می شوند ، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیراند .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنم أولئک شرّ مکاناً و أضلّ سبیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <الذین > مبتدا و <أولئک > خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۱،۳

جهنم ، قرارگاه و اقامتگاهی بس بد و آزاردهنده

عذاب جهنم .. . إنها ساءت مستقرًا و مقامًا

<مستقرًا> تمیز برای ضمیر مستتر در <ساءت> و به معنای محل استقرار است. <مقام> نیز اسم مکان و به معنای اقامتگاه می باشد.

۳ سرنوشت بد و اقامتگاه ناگوار انسان در جهنم ، مقتضی هراسان بودن ، اضطراب ، تضرع و دعا کردن به درگاه الهی است .

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم .. . إنها ساءت مستقرًا و مقامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۶ - ۱،۳

۱ - جهنم ، فرجامی بد و ناگوار

إنَّ لِلطَّغْيِينِ لَشَرَّ مَثَابٍ . جهنم

برداشت یاد شده از آن جا است که <جهنم> عطف بیان برای <لشرّ مئاب> است یعنی، فرجامی بد و ناگوار که عبارت است از جهنم.

۳ - دوزخ ، بستر و جایگاهی بد و ناگوار

جهنم يصلونها فبئس المهاد

<مهاده> به معنای بستر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۸

۸ - دوزخ ، قرارگاهی بد و ناگوار

فبئس القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۹

۹ - جهنم ، جایگاهی بد و ناگوار

فبئس مثوی المتکبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۸

۸ - ستمگران ، دارای سرایی بد (دوزخ) در قیامت

و لهم سوء الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۵

۵ - جهنم ، جایگاه بد و ناگوار

جهنم فبئس مثوی

<مثوی> (اسم مکان)

از ماده <ثواء> به معنای اقامت توأم با استمرار است، یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۴

۱۴ - دوزخ، فرجامی بس شوم و ناگوار

و ساءت مصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۸ - ۱۴

۱۴ - عذاب جهنم، فرجامی بس بد و ناگوار است.

فبئس المصیر

<مصیر>، به عاقبت و فرجام امر گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۱۰

۱۰ - دوزخ، جایگاهی نامیمون و عاقبتی شوم

و مأویهم جهنم و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ، جایگاهی نامیمون و سرانجامی شوم برای کافران

و بئس المصیر

<مصیر>، جایگاهی است که حرکت بدان جا منتهی می شود.

شیاطین اطراف جهنم

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثُمَّ لَنَحْضُرُنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا

<جثیا> (جمع <جائی>) حال است و <جائی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثی> را جمع <جثوه> دانسته

اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

۸- کافران و شیاطین ، در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم ، احضار خواهند شد .

ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا

<جِثِّي> ممکن است از <جثوه> به معنای سنگ و خاک متراکم و مجتمع باشد.

۹- گردآوردن خفت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لَنَحْشُرَنَّهُمْ ... ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا

شیاطین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۱،۳

۱ - جهنم ، مملو از شیطان ها و پیروان آنان خواهد شد .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

بیشتر مفسران گفته اند: مقصود از <منک> <من جنسک> است زیرا منطقی نیست که جهنم با آن عظمت، تنها با داخل شدن یک فرد (ابلیس) پر شود. پس مقصود، پر شدن دوزخ از مجموعه شیاطین (ابلیس و فرزندانش) و انسان ها خواهد بود.

۳ - پر شدن جهنم از شیطان ها و پیروان آنان ، سوگند مؤکد خداوند

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

شیطان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۱

۱ - شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا

صبر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۲،۳

۲ - قرار و بی قراری تکذیب گران

در آتش دوزخ ، بی تأثیر در تغییر کیفر آنان

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

۳- صبر در طریق تقوا و آزمون های زندگی دنیوی ، دارای اثر است و نه صبر در آتش دوزخ . *

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

احتمال دارد که یادآوری صبر در چنین آیه ای، اشاره داشته باشد به این که به جای صبر بر آتش دوزخ که تأثیری ندارد شایسته است که آدمیان، صبر را در همین دنیا و در طریق تقوا، به کار گیرند که منشأ آثار فراوان است.

صدای آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۱،۲

۱- بهشتیان ، در جایگاهی به دور از شنیدن صدای آهسته برخاسته از آتش دوزخ خواهند بود .

لایسمعون حسیسها

<حسیس> به معنای صدای آهسته است و مقصود از آن در آیه شریفه، صدایی است که از حرکت آتش دوزخ برمی خیزد.

۲- آتش دوزخ ، دارای صدای وحشتناک است .

لایسمعون حسیسها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۱،۲،۶

۱ تکذیب کنندگان قیامت ، آوای خشمگین و جوش و خروش آتش جهنم را از دور در قیامت خواهند شنید .

إذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیظًا و زفیراً

<تغیظ>، به معنای شدت غضب و خشم و <زفیر> به معنای گرفتن سینه از شدت غم و به جوش و خروش افتادن است (بر گرفته از لسان العرب و مفردات راغب).

۲ آتش جهنم به هنگام دیدن تکذیب کنندگان قیامت از راه دور ، به جوش و خروش آمده و فریاد خشمگینانه سرخواهد داد .

من مكان بعيد سمعوا لها تغيظًا و زفيرًا

٦ > في مجمع البيان < إذا رأتهم من مكان بعيد > . . . قال أبو عبد الله (ع) من مسيره سنه ٦

در مجمع البيان [پس از ذکر آیه] <إذا رأتهم من مكان بعيد> آمده است که امام صادق(ع) فرمود: مكان بعيد یعنی، از فاصله یک سال راه <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - ملك - ٦٧ - ٧ - ٢، ١

١ - كافران ، از هنگام افکنده شدنشان در دوزخ ، با ناخوشایندترین صداها روبه رو خواهد شد .

إذا ألقوا فيها سمعوا لها شهيقًا

<شهيق>، به معنای زشت ترین و ناخوشایندترین صداها است (لسان العرب).

٢ - آتش دوزخ ، دارای ناخوشایندترین صدا های مخصوص به خود

لها شهيقًا

مطلب یاد شده، از <لام> اختصاص در <لها> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - ملك - ٦٧ - ٨ - ١

١ - حرارت آتش دوزخ و صدای ناخوشایند برخاسته از آن ، در نهایت شدت و حدت است .

تكاد تميّز من الغيظ

تعبیر <تكاد تميّز من الغيظ> (چیزی نمانده است که از شدت غیظ پاره پاره شود) درباره دوزخ، تعبیری است تمثیلی و کنایی و بیانگر شدت و حدت آتش دوزخ و صدای آن است.

صفات آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١ - انبياء - ٢١ - ١٠٢ - ٢

۲- آتش دوزخ ، دارای صدای وحشتناک است .

لا یسمعون حسیسها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۲،۴

۲- آتش دوزخ ، دارای ناخوشایندترین صدا های مخصوص به خود

لها

مطلب ياد شده، از <لام> اختصاص در <لها> استفاده شده است.

۴ - آتش دوزخ ، دارای فوران و جوشش

و هي تفور

صفات جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۳

۱۳ جهنم ، بد جاياگاهي است .

فحسبه جهنم و لبس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۳

۳ دوزخ، محيطي بسته و خفقان زا براي مجرمان

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

جمع آوردن کلمه <غواش> و مقيد کردن آن به <من فوقهم> حکايت از برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۲

۲ جهنم ، دارای منظره اي بس هول انگيز

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۱۷ - ۴

۴- جهنم ، جسمانی است و جهات مختلف دارد .

و یأتیه الموت من کلّ مکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۴

۴- دوزخ ، چاهی است عمیق .

جهنم یصلونها

<جهنم> معرب <جهنم> و به معنای چاهی عمیق است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۰

۱۰- جهنم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنم للكفرین حصیرًا

<الحصیر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۳

۲۳ - دوزخ ، دارای آتشی شعلهور و فروزان

عذاب الجحیم

<جحیم> اسم مکان از <جحه> (شعله و افروزدگی شدید آتش) و به معنای محل آتش شعلهور و افروخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۴

۲۴ - جهنم ، دارای آتشی ملتهب و پر شراره

و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۴،۵

۴- منطقه مرکزی دوزخ ، دارای حرارتی فزون تر و شکنجه ای شدیدتر

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

امر به کشیدن گنه کاران به <سواء الجحیم>، در صورتی دارای تأثیر است که کناره های دوزخ، با نقطه مرکزی آن از نظر شدت حرارت و عذاب متفاوت باشد.

۵- مکان های مختلف دوزخ ، دارای شرایط متفاوت از نظر شدت و ضعف و حرارت و سختی

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۶

۶ - طبع دوزخ ، همچون طبع دنیاطلبان ، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول . . . و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایق است که آدمی در عالم <ناسوت> تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۶

۱۶ - دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است .

عذاب

<سعير>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعير>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۹

۹ - دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است.

أصحاب السعير

<سعير>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعير>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۵

۵ - دوزخ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی برافروخته و شعله‌ور است.

لأصحاب السعير

<سعير>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعير>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۵

۵ - <حریق> از اوصاف جهنم *

و لهم عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۰ - ۲

۲ - عظمت جهنم و توصیف اعماق هولناک آن ، فراتر از حد تصوّر و بیان است .

و ما أدریک ماهیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۱ - ۱

۱ - جهنم ، یک پارچه آتش و دارای حرارتی بس شدید است .

نار حامیه

<هاویه>، اسم مکان است و آتش خواندن

آن، مبالغه در بیان گستردگی آتش است؛ به گونه ای که گویا آن مکان چیزی جز آتش نیست. <حَمِيَتِ النَّارِ> یعنی، حرارت آن شدت یافت (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعله‌ور و متراکم

لَتَرَوْنَ الْجَحِيمَ

<جحیم>، به معنای آتشی است که سخت شعله‌ور بوده و زبانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال های عمیق و هر مکان پرحرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

صفات دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۱ - ۱

۱ - دود سایه مانند دوزخ، فاقد سایبان حقیقی (خنک کنندگی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست.

لاظلیل ولا یغنی من اللهب

<لاظلیل> صفت برای <ظَلَّ> در آیه پیش است و <ظَلَّ ظلیل> به معنای سایه دائم و مستمر است (صحاح اللغه). بر این اساس <ظَلَّ... لاظلیل> کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و <لهب> به معنای شعله خالص و بدون دود است.

طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۶ - ۲،۴

۲ - طغیان گران، از دوزخیان هستند.

إِنَّ لِلطَّغْيِينِ... جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا

<یصلون> به معنای <یدخلون> (داخل می شوند) است.

۴ - آتش دوزخ ، بستر و آرامگاه طغیان گران

إِنَّ لِلطَّغِيانِ . . . جَهَنَّمَ يَصِلُونَهَا فَبئسَ المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۷ - ۱

۱ - آب داغ و خونابه چرکین ،

نوشابه و غذای طاغیان در دوزخ

إِنَّ لِلطَّغِيّينَ . . . هَذَا فليذوقوه حميم و غَسَاق

<حميم> به معنای آب داغ و جوشان است و <غَسَاق> در نظر برخی از اهل لغت، به معنای چرک و خون اهل دوزخ است (لسان العرب). در نگاه برخی دیگر مقصود از آن مایعی است که از پوست اهل دوزخ خارج می شود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۴،۷

۴ - بحث و جدل طاغیان با پیروانشان در جهنم ، درباره چرایی و سبب دوزخی شدن آنان

لامرْحَبًا بهم . . . قالوا بل أنتم لامرْحَبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

۷ - دوزخ ، قرارگاه طغیان گران

للطغين لشرّ مئاب . . . فبئس القرار

<قرار> اسم مکان به معنای قرارگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۳

۳ - طغیان گران ، مورد نفرین پیروانشان در دوزخ

قالوا ربّنا من قدّم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۶

۶ - پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

وقالوا ما لنا لانرى رجالاً کنا نعدّهم من الأشرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - گریز از جهنم ، برای طغیان گران امکان پذیر نیست .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . لِلطَّغْيِينِ

<للاطغین> ممکن است به <مآب> تعلق داشته باشد و نیز می تواند متعلق به <مرصاداً> باشد. در صورت دوم مفاد

آیه شریفه چنین می شود: جهنم برای طغیان گران مثل کمین است که رهایی از آن ممکن نیست. در این صورت <مآباً> نیز متعلقی نظیر <للطاغین> داشته که به دلیل وجود قرینه، ذکر آن ضرورت نداشت.

۳- پرهیزکنندگان از طغیان، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد؛ ولی گرفتار آن نخواهند شد. *

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . لِلطَّغِينِ مآبًا

چنانچه <للطاغین> متعلق به <مآباً> باشد، <مرصاداً> مطلق خواهد بود؛ در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان <مرصاد> است؛ ولی <مآب> و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۱،۲،۳

۱- طغیان گران در دوزخ، از هر گونه احساس خنکی و تخفیف حرارت سوزان جهنم، محروم خواهند بود.

لا یدوقون فیها بردًا

<ذوق>؛ یعنی، درک مزه (مصباح)، این واژه در رابطه با اجسام به طور حقیقت و در مورد معنویات، به طور مجاز استعمال می شود. در آیه شریفه بین معنای حقیقی و مجازی آن جمع شده است؛ زیرا تعبیر چشیدن برای احساس سردی مجاز است. مراد از <بَرْد> به قرینه تقابل آن با نوشیدنی هر گونه احساس سردی است؛ هر چند با سایه و امثال آن باشد.

۲- دوزخیان طغیان گر، از تسکین عطش خود و حتی از چشیدن طعم آب، محروم خواهند بود.

لا یدوقون فیها .. و لا شرابًا

۳- محرومیت طغیان گران از مایعات و کاهش و حرارت در جهنم، سالیانی فراوان ادامه خواهد یافت.

لبثین

فيها أحقاباً . لا يذوقون فيها برداً و لا شراباً

چنانچه جمله <لا يذوقون..> حال برای ضمير <لابئين> باشد، می توان به دست آورد که درنگ دوزخيان، همراه با حالت محرومیت از سرما و آب، دائمی نیست؛ زیرا ممکن است کلمه <أحقاباً> در آیه قبل، به سال های محرومیت آنان نظر داشته باشد؛ گرچه پس از گذشت آن دوران، بقای آنان در دوزخ به شکل دیگری ادامه خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۵ - ۲

۲ - طغیان گران در دوزخ ، گرفتار عطش شدید و طاقت فرسا خواهند بود .

إِلَّا حَمِيمًا و غَسَاقًا

<إِلَّا> برای استثنای <حمیم> و <غساق> از <شراباً> است؛ بنابراین دوزخيان این دو مایع را خواهند آشامید. تن دادن به این نوشیدنی ها، نشانه شدت تشنگی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند با فرمانی تحقیرآمیز ، طغیان گران را به تحمل عذاب جهنم ملزم می سازد .

لِلطَّغِينِ .. فذوقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۹ - ۱

۱ - طغیان گران دنیاطلب ، در قیامت ، جز آتش سوزان دوزخ ، جایگاهی نخواهند داشت .

فَأَمَّا مَنْ طَغَى .. فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى

<مأوی>؛ یعنی، منزل و مکان (لسان العرب). جمله <فإنَّ الجحيم هي المأوی> به دلیل وجود <ال> جنس در خبر، مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۲ - ۴

۴ - طغیان گران و گناه کاران ، در قیامت

به جهنم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل یومئذ للمکذبین . . . و ما یکذب به الاکلّ معتد اثم

ظالمان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۳،۷

۳ خداوند ، گرفتارکننده ستمکاران به آتش دوزخ و خوارکننده آنان

اتّك من تدخل النار فقد اخزيتہ و ما للظالمين من انصار

۷ گرفتاران به آتش دوزخ ، دارای پیشینه ستمکاری در دنیا

ربّنا اتّك من تدخل النار فقد اخزيتہ و ما للظالمين من انصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۸

۸ وارد نمودن تجاوزکاران و ستمگران به دوزخ و بریان کردن آنان ، کاری آسان برای خداوند

و من يفعل ذلك عدواناً و ظلماً . . . و كان ذلك على الله يسيراً

<صلی> از مصدر <صَلَّى>، و به معنای بریان کردن است. (القاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۲

۲۲ ستمکاران هیچ یآوری برای نجات از آتش دوزخ ندارند .

و ما للظالمين من انصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۳

۳ ستم پیشگان ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

فتمسکم النار

جمله <فتمسکم النار> بیان می کند که اتکای بر ستمگران، در پی دارنده آتش است. این معنا می رساند که خود ستمگران نیز به آتش درخواهند افتاد. تعبیر <فتمسکم> می تواند اشاره به این نکته باشد که: ستمگران آتش هستند و با اعتماد و تکیه به آنان، آتش با شما تماس پیدا خواهد کرد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۶ - ۱،۲

۱- جباران منحرف ، علاوه بر هلاکت دنیوی ، در آخرت نیز گرفتار جهنم می شوند .

و خاب کلّ جبار عنید . من ورائه جهنم

۲- به جباران منحرف ، در جهنم ، آبی چرکین و متعفن نوشانده می شود .

من ورائه جهنم و یسقی من ماء صدید

<صدید> به معنای چرکی است که بین گوشت و پوست به وجود می آید. این واژه در نوشیدنیهای جهنمیان استعمال می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۱،۲،۵،۷

۱- جباران منحرف ، آب چرکین جهنم را جرعه جرعه با کراهت تمام خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . یتجرّعه و لایکاد یسیغه

<إساعه> به معنای ریختن شراب در حلق است. بنابراین مراد از <لایکاد یسیغه> این است که آنان نمی خواهند به چنین نوشیدنی نزدیک شوند.

۲- تشنگی شدید جباران منحرف در جهنم به حدی است که علی رغم کراهت و بی میلی شدید ، از آب چرکین خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . یتجرّعه و لایکاد یسیغه

۵- کافران جبار گرفتار در جهنم ، با وجود ابتلا به انواع عذاب های مرگبار ، هیچ گاه نمی میرند و از عذاب رهایی نمی یابند .

یأتیه الموت من کلّ مکان و ما هو بمیت

۷- برای کافران جبار ، در جهنم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب غليظ

مرجع ضمير <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست

می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- دوزخ ، از هم اکنون برای ظالمان آماده و مهیا است . *

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۴

۴- ستم کاران در حضيض ذلت و زبونی ، گرفتار دوزخ خواهند شد .

و نذر الظلمين فيها جثيًا

کاربرد فعل <نذر> در مواردی است که چیزی را به جهت بی اهمیتی و فرومایگی آن رها کنند. این مفهوم و نیز حالت نیم خیزبودن ظالمان، جملگی حکایت از ذلت، زبونی و سرگردانی آنان در دوزخ دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۷

۷- جهنم ، کیفر تمامی ستمگران است .

نجزیه جهنم كذلك نجزي الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۲ - ۴

۴ - عذاب شدن ظالمان با آتش در روز قیامت ، به فرمان خداوند

نقول .. ذوقوا عذاب النار التي كنتم بها تكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - درخت زقوم ، غذا و خوراک دوزخیان ستمگر است .

شجره الزقوم .. للظلمين ... فَإِنَّهُمْ لَأَكْلُونَ مِنْهَا

۲ - دوزخیان ستمگر ، شکم های خود را از درخت زقوم پر خواهند کرد .

فمالتون منها البطون

۳ - دوزخیان ستمگر ، در حال

گرسنگی شدید به سر خواهند برد .

فمالتون منها البطون

پر کردن شکم از خوراکی های بسیار ناگوار، نشانه شدت گرسنگی است.

۴ - خورد و خوراک دوزخیان ستمگر ، خود وسیله عذاب آنان است .

فإنهم لأكلون منها فمالتون منها البطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۷ - ۱،۲

۱ - آمیزه ای از آب داغ ، نوشیدنی دوزخیان ستمگر پس از خوردن غذای زقوم

ثم إن لهم عليها لشوبًا من حميم

<شوب> مصدر سماعی از فعل <شابه> (آن را مخلوط کرد) است که گاهی بر اسم مفعول (مشوب) اطلاق می شود (مثل <خلق> و <مخلوق>). در آیه شریفه نیز به همین معنا آمده است. <حمیم> به معنای آب پر حرارت است.

۲ - دوزخیان ستمگر ، بر اثر خوردن غذای <زقوم> به تشنگی شدید دچار خواهند گشت .

شجره الزقوم ... فمالتون منها البطون . ثم إن لهم عليها لشوبًا من حميم

برداشت یاد شده از تعبیر <علیها> (به معنای <بعدها>)، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - جهنم ، جایگاه همیشگی ستمکارترین انسان ها است .

فمن أظلم ممن كذب على الله ... أليس في جهنم مثوى للكافرين

<ال> در <الكافرين> برای جنس و مفید استغراق است که شامل همه افراد کافران می شود؛ ولی می توان گفت مصداق بارز و اصلی کفرپیشگان، همان افرادی است که در صدر آیه از آنان به ستمکارترین انسان ها یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۸

۸ - ستمگران

، دارای سرایی بد (دوزخ) در قیامت

و لهم سوء الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۲

۱۲ - دوزخ ، سرنوشت نهایی ستم پیشگان

فريق في السعير . . . و الظلمون ما لهم من وليّ و لانصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۰، ۷، ۶

۶ - ستمکاران در قیامت ، تاب مشاهده مستقیم آتش دوزخ را ندارند .

ينظرون من طرف خفيّ

۷ - نگاه ترس آلود و مضطرب ستمکاران به جهنم ، در کناره آتش دوزخ

ينظرون من طرف خفيّ

نگاه زیر چشمی به جهنم ، کنایه از ترس و وحشت است .

۲۰ - ستم پیشگان ، در عذاب جاودان جهنم ، خواهند ماند .

ألا إنّ الظلمين في عذاب مقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إنّ الظلمين في عذاب مقيم . و ما كان لهم من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خلود در آتش ، جزای ستمکاران و ظالمان

أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

عبور از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۳

۳ - پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد / ولی گرفتار آن نخواهند شد .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . لِلطَّغْيِينِ مَابًا

چنانچه <لطاغین> متعلق به <مآباً> باشد، <مرصاداً> مطلق خواهد بود؛ در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان <مرصاد> است؛ ولی <مآب> و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد.

عبور متقین از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۹

۹- دوزخ، گذرگاهی برای تقوایندگان و اقامت گاهی برای ستم کاران است.

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذِرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا

عذاب با آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۳

۳- عذاب دوزخ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هَذَا نَزَلْنَاهُمْ يَوْمَ الدِّينِ

عذاب با آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴- ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الَّذِينَ يَجْدُلُونَ .. الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ ... إِذِ الْأَعْلَى فِي أَعْنَاقِهِمْ ... ثُمَّ فِي النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پر حرارت و شعلهور سوازنده خواهند شد .

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوَه

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای آتش شعلهور و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۳ - ۵

۵ - آتش دوزخ ، عذابی جاودانه است و اهل شقاوت در آن مَحَلَّداند .

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى

مراد از <لایحیی>، نفی حیات مطلوب است که نجات از آتش، مصداق بارز آن می باشد. در این صورت قید <فیها>، اختصاص به <لایموت> خواهد داشت. بنابراین دوزخیان، نه در آتش می میرند و نه از آن بیرون می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۵

۵ - باطن و روح انسان نیز در قیامت ، از آتش جهنم در عذاب خواهد بود .

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

ممکن است در دنیا بدن کسی بسوزد ولی روح او رنج نبیند و از شکنجه در راه عقیده شادمان باشد؛ اما این آیه، آتش جهنم را برای جان انسان که قلب کنایه از آن است نیز سوزاننده معرفی کرده است.

عذاب جسمی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۵ - ۴

۴ - جهنم ، دارای عذاب جسمی و شکنجه روحی

سِیْصَلَىٰ نَارًا .. و امرأته ... فی جیدها جبل من مسد

آتش، عذاب جسمی و تحقیر با بستن ریسمان به گردن، عذاب روحی است.

عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ نفاق، فساد در زمین و نصیحت ناپذیری در برابر دعوت به تقوا، گناه و موجب عذاب جهنم

و من الناس من یعجبک .. فحسبه جهنم

۱۱ هیچ کیفری جز عذاب جهنم، نمی تواند حاکمان

مفسد ، سرسخت ، متکبر و مغرور را رام کند .

و اذا تولى سعى . . . فحسبه جهنم

۱۲ جهنم ، کیفر حاکمان مفسد ، سرسخت و حق ناپذیر

و اذا تولى سعى . . . فحسبه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۸،۹

۸ عذاب دوزخیان ، هرگز ستمی از سوی خداوند بر آنها نیست .

ذوقوا عذاب الحریق . . . و انّ الله لیس بظلام للعبید

بنابر اینکه <انّ الله .. > ، خبر برای مبتدایی محذوف باشد (الأمر و الشأن انّ الله لیس ...) ، بر این مبنا، مراد از ستم نکردن خداوند به قرینه <ذلک بما قدّمت ایدیکم > این است که خداوند در کیفر دادن ستم نمی کند.

۹ عذاب دوزخیان ، هرگز فزونتر از اقتضای عملکرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحریق . ذلک بما قدّمت ایدیکم و انّ الله لیس بظلام للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۴

۳۴ دعا برای نجات یافتن از عذاب دوزخ ، وسیله ای برای رهایی یافتن از آن

فقنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۹

۹ هیچکس دوزخیان را از عذاب الهی نجات نخواهد داد .

ربّنا انک من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین من انصار

مراد از <انصار> به قرینه <من تدخل النار>، یاری در جهت رهاسازی از عذاب دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱،۶

قتل و آدمکشی از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم ... و من يفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <قتل نفس> گرفته شده است.

۶ خودکشی ، تجاوز و ستمگری است و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ . *

و لا تقتلوا انفسکم ... و من يفعل ذلک ... فسوف نُصلیه ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۴

۴ گناهی که وعده عذاب دوزخ در پی داشته باشد ، کبیره است . *

سوف نُصلیه ناراً .. ان تجتنبوا کبائر

مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: الکبائر، التي اوجب الله عزّ و جل علیها النار.

کافی، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۳، ح ۲۰۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۵، ۹

۴ رویش پوست جدید بر بدن ، پس از بریان شدن و سوختن آن در آتش جهنّم

کَلِّمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَا هُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا

۵ پوست ، واسطه عذاب آدمی در جهنّم

کَلِّمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَا هُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ

با توجه به اینکه <ليذوقوا> متعلق به <بدلناهم> است، برداشت فوق استفاده شده است.

۹ رویش مجدد پوست ، وسیله تداوم چشاندن عذاب به دوزخیان

كَلَّمَا نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ بِدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۸ - ۱

۱ مستضعفانی که توان هجرت و راهی برای خلاصی از

استضعاف ندارند ، گرفتار عذاب جهنم نخواهند شد .

فاولئك مأويهم جهنم ... الا المستضعفين ... لا يستطيعون حيله و لا يهتدون سبيلا

در برداشت فوق <الاستضعفين>، استثنای متصل و <فاولئك> مستثنی منه گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۲۰، ۱۶، ۱

۱ دشمنی و مخالفت با رسول خدا (ص) ، موجب عذاب جهنم

و من يشاقق الرسول .. نوله ما تولى و نصله جهنم و ساءت مصيراً

<يشاقق> از ماده <شقق>، به معنای مخالفت کردن و دشمنی نمودن است. (مجمع البيان).

۱۶ تفرقه افکنی در صفوف جامعه ایمانی ، موجب عذاب جهنم

و من ... يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى و نصله جهنم

۲۰ مخالفت با رهبری کسی که با انتخاب مشروع برگزیده شده باشد ، موجب عذاب جهنم است .

و من يشاقق الرسول .. و يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى

اميرالمومنين (ع) فرمود: .. فان اجتمعوا على رجل و سموه اماماً كان ذلك لله رضى فان خرج عن امرهم خارج بطن او بدعه

ردوه الى ما خرج منه فان ابى قاتلوه على اتباعه غير سبيل المؤمنين و ولاه الله ما تولى ...

نهج البلاغه، نامه ۶ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۱، ح ۵۶۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۸

۸ مشرکان و گناهکارانی که آمرزیده نشوند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

نصله جهنم .. إن الله لا يغفر ان يشرك به

بنابر اینکه جمله <ان الله...> بیانگر علت <نصله جهنم> باشد، معلوم می شود

که نجات از جهنم یا سقوط در آن، در گرو آموزش و عدم آموزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۳

۳ جهنم ، دارای طبقات ، و عذابش ، دارای شدت و ضعف است .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۰، ۳۱

۳۰ شدیدترین عذاب جهنم ، کیفر قتل به ناحق انسان

انه من قتل نفساً بغير نفس . .. فكانما قتل الناس جميعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: يوضع في موضع من جهنم اليه ينتهي شده عذاب اهلهما . . .

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

۳۱ جایگاه قاتل یک انسان در جهنم ، همان جایگاه قاتل همه انسانهاست ، اگر چه عذابشان متفاوت است .

من قتل نفساً بغير نفس او فساد في الارض فكانما قتل الناس جميعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: يوضع في موضع من جهنم . . . لو قتل الناس جميعا انما كان يدخل ذلك المكان قلت: فانه قتل آخر؟ قال: يضاعف عليه.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۲

۲ کفرپیشگان ، راهی برای نجات از عذاب دوزخ ندارند .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. و لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

جمله <لو ان .. > کنایه از نبود راه نجات از عذاب دوزخ است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۳

۳ عذاب دوزخ ، همواره دردناک و ناخوشایند برای دوزخیان

یریدون ان یخرجوا من النار و ما هم بخرجین منها

تصمیم مستمر برای خروج، که از فعل مضارع <یریدون ان یخرجوا> به دست می آید، نشانه رنج دیدن دایمی دوزخیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۷

۷ شکنجه دوزخیان با طلا و نقره گذاخته ، از عذاب های دردناک جهنم است .

و الذین یکنزون الذهب .. فبشرهم بعذاب أليم. یوم یحیی علیها فی نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۶ - ۳

۳ - وجود عذاب روحی علاوه بر شکنجه جسمی برای دوزخیان

و هم فیها یختصمون

فعل مضارع (یختصمون) دلالت بر استمرار منازعه دوزخیان دارد که می تواند نوعی عذاب روحی برای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۱،۴،۵،۶

۱ - عذاب جهنم ، چنان بر کافران احاطه خواهد داشت که از بالا و پایین پا ، آنها را فرا خواهد گرفت .

يوم يغشيهم العذاب

من فوقهم و من تحت أرجلهم

۴ - عذاب فراگیر دوزخ ، سزای اعمال ناروای خود کافران است .

ذوقوا ما کنتم تعملون

برداشت بالا، بنا بر تقدیر <جزا> به عنوان معنای <ما>ی موصول است.

۵ - عذاب جهنم ، تجسم کردار های خود بدکاران است .

ذوقوا ما کنتم تعملون

۶ - تداوم بر اعمال ناروا ، در پی دارنده عذاب فراگیر جهنم است .

ذوقوا ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۳

۳ - وجود عذاب سوزانی شدیدتر از عذاب جهنم در قیامت

فلهم عذاب جهنم و لهم عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۱

۱ - مشاهده دوزخ در قیامت و گرفتاری به عذاب آن ، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر برای دلبستگان به امتیازات دروغین

لترونّ الجحیم

چنانچه <لترونّ الجحیم> جمله مستقلی باشد، بیانگر قطعی بودن رؤیت جهنم برای مخاطبان <ألهیکم التکاثر> خواهد بود
سیاق آیه که بر تهدید اهل تکاثر دلالت دارد، نشانگر آن است که مراد از دیدن جهنم، گرفتاری به آن است، بنا بر این حرف
<ثمّ> در آیه آخر (ثمّ لتستلنّ ..)، بر تراخی رتبی دلالت دارد، زیرا حسابرسی، پیش از گرفتاری به عذاب جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ تقوا پیشگان ، همواره خواستار بخشایش گناهان خویش از خدا و مصونیت از عذاب دوزخند .

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

<الذین یقولون>، بیان ویژگیهای <الذین اتقوا> است.

عذاب روحی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۵ - ۴

۴ - جهنم ، دارای عذاب جسمی و شکنجه روحی

سیصلی ناراً .. و امرأته ... فی جیدها جبل من مسد

آتش، عذاب جسمی و تحقیر با بستن ریسمان به گردن، عذاب روحی است.

عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۶

۶- عذاب جهنم ، دارای مراتب و شدت و ضعف است .

عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۸

۸- کفر ، عامل گرفتار شدن به عذاب ابدی جهنم

الکفرین .. فادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱۳

۱۳- مشرکان در جهنم ، به عذاب جسمی و روحی مبتلا خواهند بود .

فتلقى فی جهنم ملوماً مدحوراً

<القا در جهنم> دلالت بر جسمانی بودن عذاب می کند و <ملوماً> و <مدحوراً> که به معنای طرد و سرزنش است دلالت بر عذاب روحی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۸،۹

۸ جامه های آتشین در دوزخ ، جامه هایی است بسیار آزار دهنده و سخت سوزاننده .

قَطَعَتْ لَهُمْ ثِيَابَ مِنْ نَارٍ

تنکیر <نار> علاوه بر این که بیانگر نوعی خاص از آتش است نشانه‌دهنده شدت سوزانندگی و آسیب رسانی آن نیز می تواند باشد.

۹ فروریخته شدن آب داغ و جوشان بر فرق سر اهل شرک یکی دیگر از عذاب های آنان در دوزخ

يَصَّبُ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمِ

<صَبَّ> مصدر مجهول

>يُصَبِّ< به معنای ریخته شدن و >حمیم< به معنای آب داغ و جوشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۱

۱ - گداخته شدن پوست و امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ، یکی دیگر از عذاب های مقرر برای آنان

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

>صِيْهْرَ< (مصدر مجهول >يُصْهَرُ<) به معنای گداخته شدن است. ضمیر >به< به >حمیم< بازمی گردد و >ما< در عبارت >ما فی بطونهم< کنایه از امعا و احشا است؛ یعنی، با آن آب داغ که بر سرشان ریخته می شود پوست و آنچه در میان شکم آنان است، گداخته خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۱،۳

۱ - گرز های آهنین، یکی دیگر از ابزار شکنجه اهل دوزخ

و لهم مقمع من حديد

۳ - وجود آهن در دوزخ و کاربرد آن در عذاب دوزخیان

و لهم مقمع من حديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۳

۳ - عذاب دوزخ، عذابی است بسیار سخت و دردناک .

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۱

۱ - صورت زیان کاران دوزخی، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

<لَفْحٌ> (مصدر <تلفح>) به معنای سوزاندن است؛ یعنی، <آتش، چهره های آنها را می سوزاند>. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های

آتش دوزخ می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۱،۳

۱ تکذیب کنندگان قیامت در حالی که به غل و زنجیر بسته شده اند ، به جایگاهی تنگ در دوزخ افکنده خواهند شد .

و إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ

<قرن> (ریشه <مقرنین>) در اصل به معنای ریسمانی است که چند شتر را به هم ببندند؛ ولی به قرینه آیه ۴۹ سوره ابراهیم (تری المجرمین یومئذ مقرّنین فی الأصفاد) می توان گفت: مقصود غل و زنجیری است که به وسیله آن، منکران معاد را به هم می بندند. غل و زنجیر است.

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ دَعَا هُنَالِكَ ثُبُورًا

<ثبوراً> به معنای هلاکت است و <دعا> (ریشه <دعوا>) به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از <دعوا> این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۶ - ۱

۱ جهنم ، قرارگاه و اقامتگاهی بس بد و آزاردهنده

عذاب جهنم .. إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

<مستقراً> تمیز برای ضمیر مستتر در <ساعت> و به معنای محل استقرار است. <مقام> نیز اسم مکان و به معنای اقامتگاه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۶ - ۴

۴ - خورد و خوراک دوزخیان ستمگر ، خود وسیله عذاب آنان است .

لأكلون منها فمالتون منها البطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۲

۲۲ - آتش ، از وسایل عذاب دوزخیان

إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۲

۲- ریخته شدن آب های جوشان ، بر سر گرفتاران در وسط دوزخ

ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۴

۴ - آتش ، وسیله عذاب در دوزخ

يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۱

۱ - فرمان ملامت بار خداوند به تکذیب کنندگان قیامت ، برای چشیدن حرارت دوزخ و تحمل رنج آن

اصلوها

<صَلَّى النَّارِ> یعنی، چشیدن حرارت آتش و تحمل رنج آن. عبارت <اصلوها> (نظیر آیه قبل) می تواند کلام خداوند و یا سخن مأموران الهی باشد. در برداشت بالا، احتمال اول مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- وجود باد های داغ و سوزان در دوزخ

و وقینا عذاب السموم

<سموم> به باد داغ و سوزانی گفته می شود که همچون <سّم> در اجزای بدن تأثیر می گذارد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- گذراندن زندگی دنیا همراه با بی پروایی ، سرمست شدن به ثروت و مکنّت و بی رحمی و آدم کشی ، در پی دارنده
قطعی عذاب هولناک دوزخ

فی

سموم و حمیم . . . إنهم كانوا قبل ذلك مترفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم يوم الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، عذابی سخت تر از غل و زنجیر شدن

خذوه فغلوه . ثم الجحيم صلوه

<ثم> حرف عطف و مفید تراخی رتبی است. این کلمه در آیه شریفه، می رساند که معطوف (عذاب با آتش دوزخ)، شدیدتر از معطوف علیه (عذاب با دستگیری و غل و زنجیر کردن) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۲ - ۴

۴ - > عن أبي عبدالله (ع) قال : لو أنّ حلقة واحدة من السلسلة التي طولها سبعون ذراعاً وضعت على الدنيا لذابت الدنيا من حرّها . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: اگر یک حلقه از آن زنجیری که در ازای آن به هفتاد ذراع می رسد بر دنیا نهاده شود، دنیا از شدت حرارت آن ذوب می گردد. . . <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۲

۲ - ایمان نیاوردن به خدا و تغذیه نکردن بینویان ، موجب عذاب شدن انسان به وسیله غذا های بسیار ناگوار و نفرت آور در قیامت

إنّه كان لا يؤمن بالله العظيم .. و لا طعام إلا من غسلين

عرضه

جهنم در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۳، ۴، ۱

۱ - روز قیامت ، زمان عرضه جهنم بر حاضران

و جایء یومئذ بجهنم

مراد از <آوردن جهنم به صحنه قیامت>، ممکن است انتقال آن به محشر و یا اظهار آن برای اهل محشر باشد. گفتنی است که در سوره های دیگر از نوع دوم سخن به میان آمده است.

۴ - جهنم ، مقهور کارگزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جایء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

۱۳ - > [عن رسول الله فی قوله تعالی < و جیء یومئذ بجهنم >] انه [قال : یجیء بها سبعون ألف ملک یقودونها بسبعین ألف زمام]

[از رسول خدا(ص) درباره قول خدای تعالی <و جیء یومئذ بجهنم> روایت شده که [فرمود: هفتاد هزار فرشته، جهنم را با هفتاد هزار بند می کشند و می آورند].

عصیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱

۱- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنم . . . ثم لنحن أعلم ... بها صلیاً

<صلیاً> (از صِیْلَى یَصْلِی) تمیز برای <أولی> و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت <أعلم... صلیاً> این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. <أولویت> برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند؛

گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

عظمت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۵

۵ > عن أمير المؤمنين (ع) انه قرأ > .. أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا النار ... < ثم قال : كيف أستطيع الصبر على نار لو قذفت بشره إلى الأرض لأحرق نبتها ؟ ... ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که این آیه را قرائت کرد: > .. أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا النار ... <، سپس فرمود: من چگونه می توانم صبر کنم بر آتشی که اگر جرّقه ای بر زمین افکند، رویدنیهای آن را می سوزاند؟ ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ > قال أبو عبد الله (ع) : إن ناركم هذه جزؤ من سبعين جزءاً من نار جهنم وقد أطفئت سبعين مرّة بالماء ثم التهتت ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: همانا این آتش شما [در دنیا] جزئی از هفتاد جزء آتش جهنم است که هفتاد مرتبه با آب خاموش شده ، سپس شعله‌ور گردیده است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۱ - ۲

۲ - حرارت آتش جهنم ، غیرقابل قیاس با حرارت دیگر آتش ها است .

نار حامیه

وصف <حامیه> با هر آتشی همراه است؛ بنابراین تأکید بر آن در توصیف آتش جهنم، بیانگر این است که گویا در مقابل حرارت آن، آتش های دیگر حرارتی ندارد.

عظمت جهنم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۱

۱۱- حقیقت بهشت و دوزخ، فراتر از سطح درک بشر

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین که در ترسیم دوزخ و بهشت بود استفاده می شود که آنچه در آن آیات آمده، شکل آسان شده و تنزل یافته مطلب است؛ نه ماهیت عالی آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۱،۳

۱ - دوزخ، حقیقتی بس سهمگین و عظیم

و ما أدريك ما سقر

از تعبیر <و ما أدراک ما سقر> (و چه چیز مطلع ساخت تو را که سقر چیست) استفاده می شود که دوزخ، حقیقتی بس بزرگ و سهمگین است که کسی از آن به درستی و شایستگی، آگاهی ندارد و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

۳ - حقیقت دوزخ و ژرفای عظمت آن، تنها از راه وحی قابل شناخت و دست یابی است.

و ما أدريك ما سقر

از آیات ۲۷ تا ۳۱ که در جهت تبیین بخشی از حقایق دوزخ است می توان استفاده کرد که حقایق عمیق قیامت، از طریق خود وحی برای انسان قابل شناخت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۵ - ۱

۱ - دوزخ، یکی از بزرگ ترین پدیده های جهان هستی است.

إِنَّهَا لِأَحَدِي الْكَبِيرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢ - عظمت جهنم و توصيف اعماق هولناك آن ، فواتر

از حد تصوّر و بیان است .

و ما أدریک ماهیه

عظمت شعله آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، دارای شعله ای عظیم و زبانه ای هولناک است .

نارًا ذات لهب

<لهب>؛ یعنی، زبانه آتش و یا شعله ور شدن آن هر گاه از دود خالی باشد (قاموس). نکره بودن <لهب>، بر عظمت و هولناکی آن دلالت دارد.

عقیده یهود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۵

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة

علم حضوری به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۴

۴ - مشاهده جهنم و آتش سوزان آن و پیدایش علم حضوری برای گرفتاران به آن در قیامت ، تهدیدی الهی و هشداری تردیدناپذیر ، برای دل بستگان به امتیازات دروغین

ألهیکم التکاثر . . . ثم لترونها عین الیقین

علمای بی عمل در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۶

۶ - عالمان بی تعهد و وظیفه شناس ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذين اشتروا .. العذاب بالمغفرة فما أصبرهم على النار

عوامل جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۳،۴،۶،۷،۸

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود

را تضمین نکرده؛ بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد.

أَتَخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا... بَلَىٰ مِنْ كَسْبِ سَيِّئَةٍ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۴ - گنهکارانی که گناهانشان سراسر وجود آنان را فرا گیرد، در آتش دوزخ برای همیشه گرفتار خواهند شد.

من کسب سیئه و أحطت به خطیئته فأولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

<سیئه> و <خطیئه> هر دو به معنای بدی و گناه است.

۶ - کفر به پیامبر (ص) و اسلام، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد.

أَفْطَمْعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ... مِنْ كَسْبِ سَيِّئَةٍ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

آیه مورد بحث (من کسب ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أَفْطَمْعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ> (آیه ۷۵) به دست می آید - از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

۷ - یهودیان، در صورت انکار رسالت پیامبر (ص)، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد.

أَفْطَمْعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ... مِنْ كَسْبِ سَيِّئَةٍ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۸ - بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكُتُبَ... مِنْ كَسْبِ سَيِّئَةٍ... هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

از مصادیق مورد نظر برای <سیئه> به دلیل <فویل للذین...> بدعتگذاری است که اصرار

بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۴

۴ - اصرار بر کفر و تکذیب آیات الهی ، در پی دارنده عذاب ابدی دوزخ

فی جهنم خلدون .. ألم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذبون

جمله <کنتم بها تکذبون> ماضی استمراری و بیانگر پافشاری کافران بر کفر و تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۷

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیہ مهاناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۲

۲ - عذاب دائمی دوزخ ، کیفر رفتار ناشایست انسان ها است .

نعمل صلحاً غیر الذی کنا نعمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۷

۷ - کفر و انکار مغرورانه آیات الهی ، عامل جاودانگی در دوزخ

قیل ادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها فبئس مثوی المتکبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۷

۷- تکبر، غرور و سرمستی، عامل جای گرفتن دائمی در دوزخ

جهنم خلدین فیها فبئس مثوی المتکبرین

توصیف کافران دوزخی به <متکبران>، بیانگر این حقیقت است که آنچه موجب دوزخی شدن آنان می شود، وجود صفت تکبر، غرور و سرمستی آنان در زندگی دنیایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ -

۵- انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بأیتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۲

۲- گناه پیشگی ، عامل ورود به جهنم و جاودانگی در عذاب

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَلِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱۱

۱۱- خلود و جاودانگی در جهنم ، نتیجه ظلم و ستم پیشگی است .

کانوا هم الظالمین .. إنکم مکثون

با توجه به واژه <ماکثون> و ارتباط این آیه با آیات قبل ، استفاده می شود که خلود ، نتیجه ظلم مجرمان است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵- محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۷

۷- نفاق ، عامل خلود در آتش دوزخ

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۴

۴ - کفرورزی و نیز دعوت به آن ، موجب خلود در آتش

قال للإِنسَنَ اکْفِرْ فَلَئِمَّا کُفِرَ .. فَکَانَ عَقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِی النَّارِ خُلِدَیْنِ فِیْهَا

عوامل فراموشی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۹

۹ فریفته شدن به زندگانی دنیا

و سرگرم شدن به آن ، عامل فراموشی روز قیامت و آتش دوزخ است .

و غرتهم الحیوه الدنیا فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

<کما نسوا .. > می رساند که از علل بی اعتنایی خداوند به دوزخیان این است که آنان روز قیامت را فراموش کردند و چون جمله <الیوم ننسیهم ... > به وسیله فاء بر <غرتهم الحیوه الدنیا> تفریح شده، معلوم می شود که از ریشه های فراموشی قیامت، فریفته شدن به زندگانی دنیاست.

عوامل مصونیت از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۲، ۲۰

۲۰ - توبه و پیمودن راه خدا (عمل به تعالیم الهی) ، دو عنصر لازم برای نجات انسان از دوزخ است .

فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم

۲۲ - نقش مؤثر دعا و مناجات ، در پذیرش توبه و آمرزش گناهان و مصونیت از عذاب دوزخ

فاغفر للذین تابوا .. و قهم عذاب الجحیم

عوامل نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۱۱، ۲

۲- تقوا، مایه نجات یافتن آدمی ، از دوزخ

ثم ننجی الذین اتقوا

۱۱- تقوا، موجب نجات از جهنم و پایداری بر ظلم ، موجب بقای در آن

ثم ننجی الذین اتقوا و نذر الظلمین فیها

<اتقوا> فعل و نشان دهنده حدوث است/ ولی <ظالمین> اسم و دال کننده بر ثبوت است بنابراین گفته برخی از مفسران، این تفاوت به جهت بیان رحمت گسترده الهی است که اگر کسی فعل تقوا به او منتسب گردد، نجات می یابد/ ولی تا کسی

به وصف ظلم متصف نگردد و عنوان <ظالم> بر او صدق نکند، در دوزخ ماندگار نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۶

۶ - انجام اعمال صالح ، شرط نجات از دوزخ و آسودگی در آخرت است .

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أُولَئِكَ نَعْمَلُ الْيُسْرَىٰ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَكَبِّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ - ۲

۲ - تحمل صبورانه عذاب و یا پشیمانی و عذرخواهی دشمنان خدا در قیامت ، بی تأثیر در رهایی آنان از دوزخ

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ

<استعتاب> (مصدر <يستعتبوا>) به معنای درخواست رضایت است که لازمه عذرخواهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۶

۶ - پذیرش پیام حق رسولان الهی ، مایه سعادت انسان و رهایی از عذاب دوزخ است ؛ نه التجا به فرشتگان در قیامت .

و نادوا يملك ليقض علينا ربك قال انكم مكثون . لقد جئتمكم بالحق

این آیه شریفه در حقیقت مکمل آیه قبل و بیانگر فلسفه عدم پذیرش التجای مجرمان به فرشتگان خازن دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - تقوایبندگان ، مورد حفاظت خداوند از گرفتاری به جهنم ، در قبال تلاش آنان برای حفظ ارزش های الهی در دنیا

إِنَّ الْمُتَّقِينَ... و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

با توجه به این که ریشه <متقین> و <وقاهم> از یک ماده می

باشد، ممکن است تعبیر <وقاهم> اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۱

۱ - کسانی که از همه باتقواتر و دارای مراقبت بیشتراند، از آتش دوزخ دور گردانده خواهند شد.

و سيجَّبِها الأتقی

<جَبَّتْ>؛ یعنی، دور ساختم (مفردات) و باب تفعیل آن، برای مبالغه است. بنابراین <يُجَبَّبُ>؛ یعنی، به طور کامل دور نگه داشته می شود.

عهدشکنان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ سرای شوم (دوزخ) از آن کسانی است که پیمان های الهی را نقض کنند و پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده، نادیده انگارند.

والذین ينقضون عهد الله... و يقطعون ما أمر الله... لهم سوء الدار

عیب جویان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۲

۲ - جهنم، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان است.

ویل لكل... لمزه

<لَمْزَ> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخر کنندگان مردم و زرانلدوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد

لينبذَن في الحطمه

آيات بعد، بيانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکند.

و ما أدريک ما الحطمه . نار الله

<نار الله>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۴

۴ - احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جوین، کیفی مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه .. التي تطلع على الأفئدة

غضب آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۱،۲

۱ تکذیب کنندگان قیامت، آوای خشمگین و جوش و خروش آتش جهنم را از دور در قیامت خواهند شنید.

إذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظًا و زفيرًا

<تغيظ>، به معنای شدت غضب و خشم و <زفير> به معنای گرفتن سینه از شدت غم و به جوش و خروش افتادن است (بر گرفته از لسان العرب و مفردات راغب).

۲ آتش جهنم به هنگام دیدن تکذیب کنندگان قیامت از راه دور، به جوش و خروش آمده و فریاد خشمگینانه سرخواهد داد.

إذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظًا و زفيرًا

غضب کارگزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۴

۴ - مأموران دورخ ، آکنده از خشم و نفرت

نسبت به دوزخیان

كَلَّمَا أَرَادُوا . . . وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

غیبت کنندگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان است .

و یل لکلّ . . . لمزه

<لَمَزَ> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذن فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکنند .

و ما أدریک ما الحطمه . نار الله

<نار الله>، خبر است برای ضمیر محذوف که به <الحطمه> برمی گردد.

فاسقان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱،۴،۵

۱ - جایگاه فسق پیشگان ، آتش جهنم است .

و أما الذين فسقوا فمأويهم النار

۴ - فاسقان ، برای خروج از آتش تلاش می کنند .

كلما أرادوا أن يخرجوا منها أُعيدوا

در صورتی که <کَلِّمًا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا..> معنای حقیقی داشته باشد، دلالت می کند بر این که فاسقان در صدد برمی آیند که از آتش، بیرون بروند.

۵ - بازگردانده شدن قهری فاسقان به دوزخ ، در پی تلاش برای گریز و رهایی از آن

کَلِّمًا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۱،۵

۱ - آتش دوزخ ، جایگاه فاسقان و گنه پیشگان و کیفر کردار آنان است .

و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

<فجور>؛ یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب). از معانی دیگر <فجور>، فسق و عصیان است. (قاموس)

۵ - گرفتاری فاسقان کافر در آتش دوزخ ، همیشگی است .

و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

جمله اسمیه، بر ثبوت دلالت دارد و در این آیه ممکن است به قرینه مقابله با <إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ> که استقرار مجازی در آن حاکی از خلود بود بر خلود نیز دلالت کند. مراد از <فَجَّارَ> به قرینه <بَلْ تَكَذَّبُونَ بِالدِّينِ> فاسقانی است که منکر معاد و کافرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۱،۴

۱ - قیامت ، روز گرفتاری طاقت فرسای فاسقان در آتش جهنم

يصلونها يوم الدين

<يصلونها>؛ یعنی، با رنج و مشقت، حرارت آن را می چشند. (برگرفته از قاموس)

۴ - گرفتاری فاسقان به آتش جهنم ، کیفر فسق آنان است .

تصریح به <روز جزا> بودن قیامت، در بیان عذاب فاسقان، بیانگر آن است که عذاب قیامت جزای فسق آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پنهان داشتن خویش از آتش جهنم ، برای فاسقان امکان پذیر نیست .

و ما هم عنها بغائبین

<غاب عنه > یعنی، از او مخفی شد. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۹

۹ - گرفتاری فاسقان به آتش جهنم ، فرمان خداوند در قیامت

و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ . . . و الأمر يومئذ لله

فاسقان و تکذیب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۸

۸ - فاسقان ، عذابی را که همواره تکذیب می کردند ، می چشند .

ذوقوا عذاب النار الذي كنتم به تكذبون

فاصله بهشت و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۲

۲ بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ و با فاصله ای زیاد از آن

و نادى اصحاب النار اصحاب الجنة أن أفيضوا علينا

کلمه <افاضه > که به معنای ریزش است، حکایت از این دارد که بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ قرار گرفته است. به کارگیری ندا (خواندن با صدای بلند)، اشاره به دوری بهشت و دوزخ از یکدیگر دارد.

فرجام اخروی مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، فرجام تکذیب کنندگان آن

فویل . . . للمکذبین ... یوم یدعون إلى نار جهنم دعًا

فرجام جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۲

۲ دوزخ ، فرجام پذیرندگان ولایت

و من يتخذ الشيطان ولياً .. أولئك ماويهم جهنم ولا يجدون عنها محيصاً

فرجام شوم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۵

۵ - دوزخ ، جایگاهی نامیمون و عاقبتی شوم

أصحاب النار .. و بئس المصير

فرعون در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

قدم (مصدر يقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

فرعونیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱،۲،۳

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

قدم (مصدر يقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

۲ فرعون ، در روز قیامت پیروانش را به آتش دوزخ خواهد برد .

ماضی آوردن فعل <أورد> با اینکه گزارشی از آینده است اشاره به حتمی بودن ورود آنان به آتش جهنم دارد.

۳ حرکت فرعونیان به سوی دوزخ به رهبری و پیشاهنگی فرعون ، نمود برنامه های ناصواب او در دنیا است .

و ما أمر فرعون برشید. يقدم قومه يوم القيامة فأوردهم النار

جمله <يقدم قومه .. > بیانگر فرجام پیروی از فرعون است و به منزله تفسیری برای <و ما أمر فرعون برشید > می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۸

۸ - فرعونیان

، محکوم به دوزخ

و أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

فشار جهنم بر مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۶

۶ > إِنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) سَأَلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ < وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ > قَالَ : وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ أَنَّهُمْ لَيَسْتَكْرَهُونَ فِي النَّارِ كَمَا يَسْتَكْرَهُ الْوَتْدُ فِي الْحَائِطِ .

از رسول خدا(ص) در باره قول خدا <إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا..> سؤال شد؟ فرمود: قسم به کسی که جانم در دست او است آنان با اکراه و فشار در جهنم جای داده می شوند همان گونه که میخ با فشار در دیوار کوبیده می شود.

فضایل نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۷

۷- مقرب بودن نگهبانان دوزخ و منزلت داشتن آنان به پیشگاه خداوند ، در نظر دوزخیان

و قَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَلَيْنَا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۷

۷- دوزخیان ، آگاه به مقام ویژه موکل دوزخ در پیشگاه خداوند

و نادوا يملكك ليقتض علينا ربك

از درخواست وساطت جهنمیان از فرشته موکل دوزخ و نیز به کار بردن عبارت <رَبِّكَ>، مطلب بالا استفاده می شود.

فعلیت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - جهنم و آتش سوزان آن ، هم اڪنون وجود دارد و قابل مشاهده است .

لترونّ الجحيم

فعليت جهنم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۹

۹ - آتش دوزخ هم اکنون مهیا و موجود است .

أعدت للكافرين

برداشت فوق با توجه به ماضی بودن فعل <أعدت>، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۴

۴ جهنم و عذاب الهی ، هم اکنون برای کافران آماده و مهیاست .

و أعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

چنانچه مراد از <عذاباً مهيناً> عذاب دوزخ باشد، فعل <اعتدنا>، به صیغه ماضی حکایت از وجود هم اکنون دوزخ دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۰

۲۰ مهیا بودن جهنم در حال حاضر

و أعتدنا للكافرين منهم عذاباً أليماً

فعل ماضی <اعتدنا> دلالت بر وجود هم اکنون دوزخ دارد. گفتنی است که برداشت فوق بر این اساس است که مراد از

<عذاباً أليماً> عذاب قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱۰، ۱۱

۱۰ کافران در همین دنیا ، به گونه ای در احاطه آتش دوزخند .

و إن جهنم لمحیطه بالكافرين

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <احاطه> در <محیطه>، احاطه فعلی باشد.

۱۱- دوزخ، هم اکنون موجود است.

و إن جهنم لمحیطه بالكفرین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از احاطه جهنم، احاطه فعلی باشد؛ بنابراین لازمه آن وجود فعلی جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۰

۱۰- دوزخ، از هم اکنون برای ظالمان آماده و

مهیا است . *

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۰

۱۰- جهنم ، هم اکنون موجود و مهیا است .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

ظاهر فعل <أعدنا> آن است که جهنم، هم اکنون آماده است، نه این که بعد از این فراهم خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۴

۴- آتش دوزخ ، هم اکنون موجود و مهیا برای کافران *

فإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

ماضی آمدن فعل <أعدنا>، ممکن است ناظر به معنای حقیقی آن (زمان گذشته) باشد، نه این که مضارع محقق الوقوع را بیان کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۵ - ۳

۳- دوزخ و ابزار عذاب آن ، هم اکنون موجود و آماده است .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا

تعبیر <أعدَّ> (مهیا کرده است) به صورت ماضی، می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۱ - ۳

۳- جهنم ، از دیرباز آفریده و مهیا شده است .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

فعل ماضی <کانت>، ممکن است بر حتمی بودن حوادث آینده دلالت کند. هم چنین می تواند بر زمان گذشته و مهیا بودن جهنم در آن دلالت داشته باشد. برداشت یاد شده بر مبنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۴

۴- جهنم ، پیش از ظهور در صحنه قیامت ، آفریده شده و

موجود است .

و بَرَزَت الْجَحِيم

تعبیر <ظاهر شدن> و نه آفریده شدن حاکی از وجود سابق جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۳

۳ - وجود جهنم ، پیش از حسابرسی کردار ها در قیامت

و إِذَا الْجَحِيمِ سَعَّتْ

برافروختن جهنم در قیامت، حاکی از وجود اصل آن پیش از قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۷

۷ - جهنم و آتش سوزان آن ، هم اکنون وجود دارد و قابل مشاهده است .

لَتَرَوْنَ الْجَحِيمَ

فعلیت عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - عذاب دردناک دوزخ ، هم اکنون مهیا و آماده است .

أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

با توجه به ماضی بودن فعل <أَعَدَّ>، برداشت یاد شده استفاده شده است.

فلسفه ذکر تعداد نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ (۱۹ عدد) ، به منظور آزمایش کافران است .

عليها تسعة عشر .. و ما جعلنا عدّتهم إلا فتنة للذين كفروا

فلق از درهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۱۲

۱۲ - > عُنْبَةَ بن عامر قال : قال لى رسول الله (ص) اقرء < قل أعوذ بربّ الفلق > هل تدرى ما الفلق ؟ باب فى النار إذا فتح

سَعْرَتِ جهنم ؛

عُنْبَةَ بن عامر گوید: رسول خدا(ص) به

من فرمود: [سوره] <قل أعوذ برّب الفلق> را بخوان، می دانی فلق چیست؟ [آن] دری است در آتش جهنم، هرگاه باز شود جهنم شعله‌ور می گردد.<

فوران آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، دارای فوران و جوشش

و هی تفور

قاطعیت نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۱

۱- مأموران دوزخ ، موظف به برخوردی قاطع ، سخت و قهرآمیز با گناه پیشگان

خذه فاعتلوه

<العتل> (مصدر <فاعتلوه>) به معنای کشاندن با زور و خشونت است.

قانونمندی عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۷

۷- عذاب دوزخ ، دارای نظامی حساب شده و دقیق

لنحّن أعلم بالذین هم أولى بها صلیّاً

قوم ابراهیم در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - جایگاه قوم مشرک ابراهیم ، آتش جهنم است .

و مأویکم النار

قیاس بهشت و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۲ - ۱

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ، تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خیر نزلأ أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان

شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

کارگزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۳

۳ - وجود مأمورانی با گرزهای آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حديد . كلما أرادوا... أعيدوا فيها

<اعيدوا> فعل مجهول و فاعل آن محذوف است و تقدیر آن با توجه به آیه پیش (لهم مقامع من حديد) چنین می شود:

<كلما أرادوا أن يرجوا.. اعادتهم الخزنه بالمقامع فيها> اهل دوزخ هر وقت خواستند از دوزخ بیرون آیند مأموران دوزخ با

گرزهای آهنین، آنان را به داخل دوزخ بازمی گردانند.

کافران اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷،۸،۹

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانو نشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار

خواهد کرد .

ثم لنحضرنهم حول جهنم جثيًا

<جثيًا> (جمع <جاثی>) حال است و <جاثی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است

(لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند،

برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثی> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب

این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

۸- کافران و شیاطین ، در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم ، احضار خواهند شد .

ثم لنحضرنهم حول جهنم جثيًا

<جثی>

ممکن است از <جثوه> به معنای سنگ و خاک متراکم و مجتمع باشد.

۹- گردآوردن خفت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لنحسرنهم .. ثم لنحضرنهم حول جهنم جثيًا

کافران پیرو در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبران‌شان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لكل ضعف

کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الذّین کفروا .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۸

۸ - آتش دوزخ ، مهیا شده برای کفرپیشگان

أعدت للكفرین

اعداد (مصدر اعدت) به معنای حاضر کردن و مهیا ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۹

۹ - دوزخ ، فرجام کافران به رسالت پیامبر و سرپیچی کنندگان از احکام اسلام

إنا أرسلناك بالحق . . . و لا تستل عن أصحاب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من كفر . . . ثم اضطره إلى عذاب النار

اضطرار یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود: آن گاه که

کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می‌کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۴

۴ جهنم ، جایگاه کافران قدرتمند و بهره مند از مواهب مادی

ثم ماویهم جهنم

<ماوی> به معنای منزل است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از عذاب کافران در دوزخ نخواهد بود .

سوف نصليهم ناراً .. ان الله كان عزيزاً حكيماً

تذکر به شکست ناپذیری خداوند پس از بیان اینکه کافران را به دوزخ خواهد برد، اشاره به این معنا دارد که مبدا توهم شود آنان می‌توانند علی‌رغم خواست خداوند بر او غلبه کنند و خود را از آتش برهانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۴،۱۵

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنْفِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً

۱۵ جهنم ، جایگاه و مجمع تمامی منافقان و کافران

إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنْفِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۱،۷

۱ خداوند در قیامت کافران ظالم را جز به راه جهنم هدایت نخواهد کرد .

و لایه‌دیهم طریقاً. الا طریق جهنم

در برداشت فوق ظرف و زمان هدایت در جمله <و لایه‌دیهم ..> روز قیامت گرفته شده است ؛ یعنی خداوند در آن روز کافران را تنها به سوی جهنم رهنمون

خواهد ساخت.

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا .. خلدین فیها ابدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۴،۵

۴ نافرjami تلاش کافران برای رهانیدن خویش از آتش دوزخ

و ما هم بخرجین منها

۵ احاطه آتش دوزخ بر تار و پود کافران ، دلیل بی ثمر ماندن تلاش آنان برای رهایی از آن

یریدون ان یخرجوا من النار و ما هم بخرجین منها

جمله <و ما هم بخرجین منها> به این معناست که کافران با آتش عجین شده اند و هیچگاه از آتش خارج نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۱

۱ دوزخ جایگاه کفرپیشگان و تکذیب کنندگان آیات خداوند

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا أولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ وضعیت هول انگیز و ذلتبار کافران به هنگام روبرو شدن با آتش جهنم و مشاهده آن

و لو تری إذ وقفوا علی النار

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در

زمره مؤمنان هستند.

فقالوا يلبتنا نرد و لا نكذب بأيت ربنا و نكون من المؤمنين

۳ وضعیت دهشترا و غیر قابل توصیف کافران به هنگام ورود به دوزخ و چشیدن آتش

و لو ترى إذ وقفوا على النار

<وقفوا على النار> می تواند به معنای ورود به آتش و چشیدن عذاب آن باشد. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۰ عن النبي (ص) إنه تلا- هذه الآية ثم قال: هي طبقات من فوقه و طبقات من تحته لا يدري ما فوقه اكثر او ما تحته، غير أنه ترفعه الطبقات السفلى و تضعه الطبقات العليا و يضيق فيما بينهما . . .

از رسول خدا(ص) روایت شده است که پس از تلاوت آیه <لهم من جهنم . . . > فرمود: جهنم کافران، دارای طبقاتی از بالا و طبقاتی از پایین است که معلوم نیست آیا طبقات بالا- بیشتر است یا طبقات زیرین، ولی طبقات پایین، کافر را بالا می برد و طبقات بالا او را پایین می آورد و او بین طبقات بالا و پایین در فشار قرار دارد . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

۱۲ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلی جهنم یحشرون. لیمیز الله الخیث من الطیب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز الله > متعلق به <یحشرون > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ احاطه همه جانبه آتش دوزخ بر کافران

و إن جهنم لمحيطه بالكفرین

۱۰ کافران در همین دنیا ، به

گونه ای در احاطه آتش دوزخند .

و إن جهنم لمحیطه بالكفرین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <احاطه> در <محیطه>، احاطه فعلی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد الله المنفقين و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۵

۵ جهنم ، جایگاه کافران و منافقان و فرجامی سخت و دردناک برای آنان

و مأویهم جهنم و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۰

۲۰ عذاب دردناک جهنم ، کیفر کافران است .

فلا يؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم

ممکن است الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد و ممکن است اشاره به عذاب برزخی و یا عذاب اخروی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۱

۱ کافران دنیاطلب و دل بسته به جلوه های آن ، در آخرت بهره ای جز آتش دوزخ نخواهند داشت .

من كان يريد الحيوة الدنيا وزينتها .. أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا ال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٨ - هود - ١١ - ١٧ - ١٣

١٣ كافرين به قرآن از هر گروه و طایفه (مشركان ، يهوديان ، نصارا و .

..) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و مورد نظر آن ، گروههای نامبرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأَنَّ جهنم من الجنة والناس أجمعين

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتهای بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنة> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعين> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنة> و <الناس> فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۵،۷

۵- کافران جبار گرفتار در جهنم ، با وجود ابتلا به انواع عذاب های مرگبار ، هیچ گاه نمی میرند و از عذاب رهایی نمی یابند .

يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ

۷- برای کافران جبار ، در جهنم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب غلیظ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از

عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۶

۶- کافران ، همواره در جهنم خواهند ماند .

فادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۰

۱۰- جهنم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنم للكفرین حصیرًا

<الحصیر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷، ۱۵، ۱۴، ۱۲

۱۲- کافران به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحق من ربکم .. و من شاء فلیکفر إنا أعتدنا للظلمین نارًا

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نارًا أحاط بهم سراقها

<سراق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

۱۵- کافران در خیمه آتشین دوزخ ، با استغاثه و اظهار تشنگی ، از مأموران عذاب ، یاری می طلبند .

و إن یتغیثوا یغاثوا بماء

<غوٹ> یعنی: <یاری کردن> و <غیث> یعنی: <باران>. مراد از <استغاثه> می تواند طلب یاری و یا طلب باران (آب) باشد. پاسخی که به استغاثه دوزخیان داده می شود، گویای آن است که یاری خواستن دوزخیان، همان آب خواهی آنان است.

۱۷- آب های

غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقایس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

۱۸- آب های دوزخی ، چهره کافران را سوزانده و بریان می سازد .

یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۳

۳- دوزخ ، فرجام کافرانی است که طاقت شنیدن آیات الهی را ندارند .

و عرضنا جهنم یومئذ للکفرین . . . و كانوا لایستطیعون سمعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۸،۹

۸- دوزخ ، منزل گاهی مهیبا شده ، برای کافران است .

إنّا أعتدنا جهنم للکفرین نزلاً

<أعتدنا> از ماده <عتد> با <أعددنا> از ماده <عدد> به یک معنا است و در این که <آیا یکی اصل دیگری است یا هر کدام لغت مستقلی است؟>، اختلاف است. کلمه <نزل> در معانی <منزل>، <وسائل پذیرایی> و <مأوی دادن> استعمال شده است. در برداشت یاد شده معنای نخست لحاظ شده است.

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنم للکفرین نزلاً

کلمه <نزل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تَهْکَم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

والله خیر و أبقى . إنه من یأت ... لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود .

لو یعلم الذین کفروا حین لایکفون عن وجوههم النار و لا عن ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۳

۳- کافران دوزخی ، از دفع و برگردانیدن عذاب الهی ، کاملاً ناتوان اند .

فلا یستطیعون ردّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۱،۳

۱- کافران و معبود های دروغینشان ، آتش گیره جهنم اند .

إنکم و ماتعبدون من دون الله حصب جهنم

<حصب> یعنی، هر آنچه در آتش افکنند و معنای غالبی آن هیزم است (لسان العرب).

۳- آتش جهنم ، فراگیر تمامی وجود کافران دوزخی بوده و بدنشان یک جا به آتش تبدیل خواهد شد .

إنکم و ماتعبدون من دون الله حصب جهنم

برداشت یاد شده از هیزم شدن کافران برای دوزخ استفاده می شود؛ زیرا هر وقت آتش به هیزمی برسد، تمامی هیزم به آتش تبدیل می شود. بنابراین بدن کافران هم یک جا به آتش تبدیل شده و تمامی وجودشان خواهد سوخت.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل .. و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - آتش دوزخ ، وعده الهی به کافران و سرانجام شوم آنان

النار وعدها الله الذین کفروا

۱۱ - دوزخ ، بازگشتگاه و سرانجام کافران

و بئس المصیر

<مصیر> به معنای عاقبت کار و نیز به معنای مرجع و محل بازگشت می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۵

۵ - عذاب ابدی دوزخ دامنگیر کافران ، پس از اتمام حجت های الهی بر آنان

الم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذبون

آیه یاد شده، بیانگر این حقیقت است که خداوند، کافران را بی دلیل محکوم به عذاب ابدی دوزخ نکرده؛ بلکه ابتدا با بیان آیات خود، حجت را بر آنان تمام نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۶

۶ - خودشناسی و خداشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنم خلدون .. قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا... ضالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ - حقارت و ذلت شدید کافران در دوزخ

قال اخسئوا فیها

>إخسأ< کلمه ای است که برای دور کردن سگک به کار می رود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۵

۵ - جایگاه کافران ، آتش است .

الذین کفروا .. مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۱

۱ کافران معاند با پیامبر (ص) ، در قیامت به رواقان به سوی جهنم برده شده و به آن افکنده خواهند شد .

الذین کفروا .. الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۶

۶ - عذاب کافران منکر آیات خدا ، در جهنم قطعی است .

یستعجلونک بالعذاب و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

جمله اسمیه "إن جهنم" و تأکید "إن" بر حتمیت عذاب، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۸

۸ - کافران ، جایگاه خاصی در جهنم دارند .

ألیس فی جهنم مثوی للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۲

۲ - ورود و ماندگاری کافران و تکذیب گران آیات خدا و لقاء الله ، به عذاب ، به صورت جبری است .

و أمّا الذين كفروا .. فى العذاب محضرون

به صورت مفعولى آورده شدن احضار افراد یاد شده به جهنم و یا حاضر بودن شان در آن، مى تواند اشاره به نکته فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - کفرپیشگان ، همواره در آتش جهنم باقى خواهند ماند .

الكفرین و أعدّ

لهم سعيرًا . خلدین فیها

۲ - کافران ، در آتش جهنم ، هیچ یار و یآوری نخواهند داشت .

الکفرین .. خلدین فیها أبداً لایجدون ولیاً و لانسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱۱، ۸، ۴، ۲، ۱

۱ - در روز بی یار و یآوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لایجدون ولیاً .. یوم تقلب و جوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۲ - در روز قیامت ، صورت های کافران ، در آتش ، بر اثر شدت حرارت ، منقلب شده ، به رنگ های گوناگون در می آید .

یوم تقلب و جوههم

احتمال دارد که <تقلب> به معنای <از این رو به آن رو شدن> باشد و احتمال دارد که به معنای <تحول و تغییر حالت کیفی> باشد که گاهی سیاه و گاهی زرد و .. می شود. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

۴ - لازم است که روزی را که در آن ، کافران با آتش جهنم ، به سختی عذاب و سوزانده می شوند ، به خاطر داشت .

یوم تقلب و جوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعول به بودن اش باشد. که باید فعل <أذکر> در تقدیر باشد.

۶ - کافران ، در جهنم بر نیندوختن توشه ای برای آخرت خود ، حسرت می خورند .

الکفرین .. یوم تقلب و جوههم فی النار یقولون یلیننا أظعنا الله و أظعنا الرسو

۸ - سختی و سوزش آتش

جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یتینا أطعنا الله

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یتینا أطعنا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۳،۴،۵

۳ - کافران دوزخی ، برای همیشه زنده مانده و نمی میرند .

لهم نار جهنم لایقضی علیهم فیموتوا

۴ - از عذاب کافران دوزخی ، هرگز کاسته نشده و به آنان تخفیف داده نمی شود .

لهم نار جهنم .. لایخفف عنهم من عذابها

۵ - محرومیت کافران از هرگونه راحتی و آسودگی در دوزخ

لهم نار جهنم لایقضی علیهم فیموتوا و لایخفف عنهم من عذابها

از این که کافران دوزخی ، هرگز نمی میرند تا درد و رنج عذاب را درک نکنند و نیز از عذاب آنان کاسته نمی شود، می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۸،۹

۸ - سرزنش شدید کافران از سوی خداوند در دوزخ ، به خاطر استفاده نکردن از فرصت مناسب عمر برای ایمان و دین داری

أولم نعمکم ما یتذکر فیه من تذکر

۹ - استغاثه و فریادخواهی کافران ، در دوزخ بی نتیجه است .

ربنا أخرجنا نعمل صلحا .. أولم نعمکم ما یتذکر فیه من تذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - کافران ، در ناگوارترین وضعیت و محکوم به

آتش دوزخ در روز رستاخیز

فویل للذین کفروا من النار

کلمه <ویل> دلالت بر شدت بدی احوال می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - مشرکان و کافران در دوزخ ، از هر سو در محاصره آتش قرار خواهند داشت .

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از سایبان هایی از آتش بر فراز کافران و زیر آنان، آتش فراگیر است که از هر سو آنها را محاصره کرده است؛ چنان که در سوره دیگری از این حقیقت به صراحت یاد شده است: <یوم یخشاهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم..> (سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۵۵).

۳ - شدت و فراوانی آتش جهنم ، در اطراف مشرکان و کافران

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از آیه شریفه هر چه باشد، این نکته را نیز می رساند که آتش دوزخ بسیار شدید و زیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۹

۹ - جهنم ، جایگاه همیشگی کافران

ألیس فی جهنم مثوی للكفرین

<مثوی> اسم مکان از ماده <ثواء> به معنای اقامت توأم با استمرار است؛ یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الكتب .. و وقّيت كلّ نفس ما عملت ... و سيق الذين كفروا إلى جهنّم زمراً

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای

گروه و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده؛ آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

۲ - کفر ، دارای مراتب گوناگون است و کافران ، در درجات مختلف دوزخ جای دارند .

و سيق الذین کفروا إلی جهنم زمراً حتی إذا جاءوها فتحت أبوابها

تقسیم شدن کافران به چند دسته و گروه و نیز ورود آنان از درب های گوناگون جهنم ، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

۳ - وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سيق الذین کفروا إلی جهنم زمراً

<سوق> (مصدر <سیق>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه با حرف <إلی>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۴

۴ - کافران ، در دوزخ جاودانه خواهند بود .

خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثم فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یسجرون>

به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود.

فی الحمیم ثم فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثم> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۱،۴

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد.

ادخلوا أبواب جهنم

۴ - کافران حق ناپذیر و لجوج، برای همیشه در جهنم خواهند ماند.

ادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۴ - ۶

۶ - آتش، تنها پناهگاه و گریزگاه کافران در قیامت

و مأویکم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱

۱- قرار گرفتن کافران، در معرض آتش دوزخ در قیامت

و یوم یرض الذین کفروا علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۲،۳

۲- روز قیامت ، روز عرضه شدن کافران بر آتش دوزخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

۳- آتش جهنم ، مهیای پذیرش کافران در رستاخیز *

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

از واژه <یعرض>، نوعی تقاضا و آمادگی، از طرف مقابل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۸

۸- آتش

دوزخ ، جایگاه کافران لذت طلب و شکمبارہ

يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ... و النار مَثْوًى لَّهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۵

۵ - نقش عوامل الهی ، در مهیا شدن دوزخ برای کافران *

فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

ضمیر متکلم مع الغیر، در <إِنَّا> و <أَعْتَدْنَا> را می توان بیانگر نقش عوامل و کارگزاران الهی در تحقق اراده او دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

يوم نقول لجهنم... و أزلفت الجنة للمتقين... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز گداخته شدن کافران در آتش دوزخ

يوم هم على النار يفتنون

<فتنه> در اصل به عمل گداختن طلا و نقره در آتش برای خالص شدن خوب از بد گفته می شود. در این جا مقصود بیان

شدت عذاب کافران است و این که آنان چونان طلا و نقره در آتش دوزخ گداخته خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۳

۳ - شکنجه روحی کافران در دوزخ ، علاوه بر شکنجه جسمی آنان

یسحبون .. ذوقوا مسّ سقر

امر در <ذوقوا> برای تهکم و استهزا است. به استهزا

گرفته شدن دوزخیان از سوی مأموران الهی در مقایسه با عذاب جسمی آنان شکنجه روحی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۳،۶،۷

۳ - آتش دوزخ ، اقامتگاه دائمی کافران و منافقان

مأویکم النار

<مأوی> به معنای مسکن می باشد. جمله اسمیه بیانگر دوام و ثبات است.

۶ - آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و منافقان

هی مولیکم

۷ - دوزخ ، جایگاه نهایی کافران و منافقان

فالیوم لایؤخذ منکم فدیة و لا من الذین کفروا. .. و بئس المصیر

<مصیر> (معادل <مرجع>) و به جایگاهی گفته می شود که حرکت به آن جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ - کافران و تکذیب گران آیات الهی ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا أولئک أصحاب الجحیم

۱۲ - دوزخ ، جایگاه ابدی کافران و تکذیب گران بوده و آنان هرگز از آن رهایی نخواهند یافت .

أولئک أصحاب الجحیم

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار و ملازم است. بنابراین <أصحاب الجحیم>؛ یعنی، کسانی که با دوزخ یار و ملازم بوده و هرگز از آن جدا نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - شیطان و پیروان کافراو ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فكان عقبتهما أنّهما في النار خلدین فیها

۳ - کافران و منافقان همراز ایشان ، دارای فرجامی همگون در آتش دوزخ

فكان عقبتهما أنّهما في النار خلدین فیها

از تشبیه کافران و منافقان به شیطان و پیروان

او در آیه قبل، برداشت یاد شده از این آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۱،۴

۱ - اعلام پذیرفته نشدن هیچ عذری از کافران دوزخی در قیامت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ

۴ - دوزخی شدن کافران ، جزای کردار خود آنان است .

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۸،۹

۸ - دوزخ ، جایگاه و مأوای کافران و منافقان است .

و مأویهم جهنم

۹ - جایگاه و سرنوشت منافقان و کافران ، در قیامت یکسان است .

و مأویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

و قيل ادخلا النار مع الداخلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۱

۱ - کافران ، از هنگام افکنده شدنشان در دوزخ ، با ناخوشایندترین صداها روبه رو خواهد شد .

إِذَا أَلْقَوْا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا

<شهيق>، به معنای زشت ترین و ناخوشایندترین صداها است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۴

۴ - سرزنشِ نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذابِ روحی برای کافران دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می تواند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۱،۴،۶

۱ - اعتراف کافران در دوزخ ، به آمدن پیامبران انداز کننده برای آنان

ألم یأتکم نذیر . قالوا بلی قد جاءنا نذیر

۴ - اعتراف کافران در دوزخ ، به تکذیب عمدی و آگاهانه خویش ، نسبت به پیامبران و ادیان الهی

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله من شیء

۶ - پیامبران ، متهم به گمراهی شدید از سوی کافران محکوم به دوزخ

إن أنتم إلا فی ضلل کبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم..> دنباله اعتراف های کافران باشد. گفتنی است که صفت <کبیر> (برای <ضلال>) اشاره به شدت و نهایت گمراهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۲

۲ - گوش دل نسپردن به سخنان پیامبران و تعقل نکردن درباره آنها ، عامل دوزخی شدن کافران

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در دوزخ به گناه و تقصیر خویش درباره دین

فاعترفوا بذنبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۱

۱ - ظالمان و منحرفان از حق ، هیزم جهنم اند .

و أما القسطن فکانوا لجهنم حطباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۴

۴ - > عن عقيل الخزاعي ، أن أمير المؤمنين (ع) ... يقول : تعاهدوا الصلاة

و حافظوا عليها و استكثروا منها و تقربوا بها فإنها كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً و قد علم ذلك الكفار حين سُئلوا ما سلککم فی سقر؟ قالوا: لم نک من المصلين ؛

از عقیل خزاعی روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: ... مواظب نماز باشید و بر آن محافظت نمایید و انجام آن را افزون کنید و با نماز به [خدا] تقرب جوید. چون نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است؛ این را کافران نیز می دانند؛ آن زمان که از آنان سؤال شود: <چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟> گویند: ما از نماز گزاران نبودیم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۴

۴ - کافران ، از هر گونه راحتی و آسایش در دوزخ محروم اند .

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلْسَلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا

از کیفیت عذاب شدن کافران ناسپاس (غل و زنجیر شدن آنان در دوزخ)، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله < فالسابقات سبقاً > یعنی ارواح المؤمنین تسبق ارواحهم إلى الجنة... و ارواح الكافرين إلى النار ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر] سبقت می گیرند.. و [نیز] ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

نامه عمل کافر، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود.

و أما من أوتى كتبه وراء ظهره... و يصلى سعيًا... بل الذين كفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین كفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان <من أوتى كتابه بیمینه> و <من أوتى كتابه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۶ - ۱،۶

۱ - کافران به اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک به آتش جهنم، گرفتار خواهند شد.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ

۶ - عذاب جهنم برای کافران، جاودانه و پایان ناپذیر است.

فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

کافران هنگام ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۳، ۵، ۸، ۴

۴ - باز شدن درب های دوزخ، هنگام نزدیک شدن کافران به آن

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابَهَا

۵ - درب های دوزخ، پیش از آمدن کافران بسته است.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابَهَا

۸ - کافران به هنگام رسیدن به درب های دوزخ، مورد سرزنش نگهبانان و دربانان قرار خواهند گرفت.

و قال لهم خزنتها ألم يأتكم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که همزه در <ألم يأتكم> برای استفهام توییخی می باشد.

۲۳ - اعتراف کافران به کفر خویش و سزاوار عذاب بودن خود ، در آستانه ورود به دوزخ

قالوا بلی و لکن

حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <لكن حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ> ادامه کلام کافران دوزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - کافران ، پس از توقفی چند در آستانه در های دوزخ برای پاسخ به پرسش های دربانان ، به ورود در آن فرمان خواهند یافت .

قال لهم خزنتها ألم يأتكم رسل .. قالوا بلى ... قيل ادخلوا أبواب جهنم

۲ - ورود کافران به دوزخ ، از درب های گوناگون خواهد بود .

قيل ادخلوا أبواب جهنم

کافران هنگام ورود در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۴

۴- اقرار گرفتن خداوند از کافران ، هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ ، درباره حقانیت تهدید های وحی

و یوم يعرض .. أليس هذا بالحقّ

به قرینه صدر آیه <هذا> اشاره به آتشی است که کافران در معرض آن قرار گرفته اند.

کم فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه کم فروشان است .

ويل للمطففين

>ویل < را برخی به معنای دره ای خاص در جهنم، یا یکی از درهای آن دانسته اند. (لسان العرب).

کوههای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۱۳

۱۳- > عن أبي الحسن موسى بن جعفر (ع) : ... قال عزَّوجلَّ : < فسوف يلتون غيًّا > و هو

جبل من صفر يدور في وسط جهنم ;

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده که .. خداوند عزوجل فرمود: " ... فسوف يلقون غياً" و آن [غی] کوهی است از مس زرد که در وسط جهنم می چرخد."

۱. تأویل الآيات الظاهرة، ص ۲۹۸؛

تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۸، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۷ - ۳

۳ - > عن النبي (ص) قال: الصعود جبل في النار يصعد فيه الكافر سبعين خريفاً ثم يهوى و هو كذلك فيه أبداً ;

از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: <صعود>، کوهی است در آتش جهنم که کافر به مدت هفتاد پاییز (در زمانی به مدت هفتاد سال) بر آن بالا می رود. سپس از آن بالا سقوط می کند و او در جهنم همیشه و تا ابد کارش همین است <.

کیفر تکذیب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - تکذیب همواره قیامت و جهنم ، موجب عذابی سخت است .

ذوقوا عذاب النار الذي كنتم به تكذبون

کیفر مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۷ - ۴

۴ - عذاب جهنم ، کیفر تکذیب کنندگان آن

ثم يقال هذا الذي كنتم به تكذبون

کیفیت القای کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۱

۱ دو فرشته موکل بر کافران معاند ، مأمور افکندن آنان به دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

دو فرشته ای که مخاطب

<ألقيا> قرار می گیرند؛ یا <رقيب> و <عتيد> ند که در دنیا همراه انسان بودند و یا <سائق> و <شهيد> اند که در صحنه قیامت آدمی را همراهی خواهند کرد.

کیفیت ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۷۸،۹

۷ جهنمیان به صورت امتهایی مجزا از یکدیگر وارد دوزخ می شوند.

کَلِمَا دَخَلَتْ أُمَّه لَعْنَتٌ أَخْتَهَا

۸ ورود دوزخیان به جهنم، تدریجی و گروه گروه خواهد بود.

کَلِمَا دَخَلَتْ أُمَّه لَعْنَتٌ أَخْتَهَا

۹ ورود رهبران اغواگر در دوزخ، قبل از پیروانشان

کَلِمَا دَخَلَتْ أُمَّه .. قَالَتْ أَخْرِيهِمْ لِأُولِيهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا

مراد از <أمت آخری> به دلیل سخن آنان (ربنا هؤلاء أضلونا) گروه پیرو هستند. در نتیجه مراد از <اولی> سران شرک و کفر خواهد بود. و تعبیر از آن دو طایفه به <اولی> و <آخری> می تواند به لحاظ تقدیم و تأخیر آنان در ورود به جهنم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۱

۱ کافران معاند با پیامبر (ص)، در قیامت به روافقان به سوی جهنم برده شده و به آن افکنده خواهند شد.

الذین کفروا .. الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد.

و وضع الكتب . . . و وفيت كل نفس ما عملت ... و سيق الذين كفروا إلى جهنم زمراً

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه

و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده؛ آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبواب جهنم

کیفیت ورود ظالمان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۳

۳- خداوند ، ستم پیشگان را در جهنم ، به صورت زنان بر زمین زده ، رها خواهد ساخت .

و نذر الظلمین فیها حیثًا

<حیثی> یعنی، بر زنانوشستگان، این گونه نشستن، نمودی از دلهره و حقارت و ناتوانی است.

کیفیت ورود کافران به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۲

۲ - کافران ، فوج فوج و دسته دسته به دوزخ افکنده خواهند شد .

كَلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فُوج سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا

کیفیت ورود کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۱ ، ۲

۲- سوق داده شدن کافران به سوی دوزخ ، به تدریج و همراه با سرزنش و توبیخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار أذهبتم طیبتکم

از این که کافران نخست بر آتش عرضه می شوند و همراه با آن زشت کاری گذشته شان به رخ آنان کشیده می شود، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۱- عرضه کافران بر آتش ، همراه با سرزنش

و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلّت بار آنان *

یوم یعرض .. أذهبتم طیبتکم فی الحیاتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفت بار آنان باشد.

کیفیت ورود گناهکاران به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۲

۲- زبونی و خواری مجرمان در قیامت ، به هنگام رانده شدن به طرف دوزخ

و نسوق المجرمین إلی جهنم وردًا

<نسوق> و <وردًا> در این آیه، در مقابل <نحشر> و <وفدًا> در آیه پیشین است. تعبیرات یاد شده در آن آیه حکایت از احترام و تجلیل داشت و در این آیه (به قرینه مقابله و بیان حالت تشنگی مجرمان و نیز تعبیر <نسوق>) حکایت از ذلت و زبونی آنها در صحنه قیامت دارد.

کیفیت ورود گناهکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز کشانده شدن مجرمان بر صورت هاشان در آتش دوزخ

یوم یسحبون فی النار علی وجوههم

<سحب> (مصدر مجهول <یسحبون>) به معنای کشانده شدن است.

۲ - کشیده شدن مجرمان ، با صورت در آتش به منظور چشیدن هرچه بیشتر طعم عذاب

یوم یسحبون فی النار علی وجوههم ذوقوا مسّ سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۴

۴ - پاها و موهای جلوی سر مجرمان ، در چنگ مأموران قیامت (برای افکندن در دوزخ)

فیوخذ بالنوصی و الأقدام

کیفیت ورود مشرکان

به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۱،۳

۱- مجرمان شرک پیشه ، در قیامت لب تشنه و عطشان به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و نسوق المجرمین إلی جهنم وردًا

از جمله معانی بیان شده برای <ورد< عطش است (لسان العرب). <ورداً< در این آیه با تأویل به مشتق حال برای <المجرمین< است؛ یعنی، مجرمان را در حالی که تشنه اند، به جهنم می رانیم. برخی از اهل لغت و تفسیر <ورد< را به معنای گروهی که بر لب آب می روند، گرفته و آن را کنایه از تشنه کامی آنان دانسته اند.

۳- رانده شدن ذلیلانه مشرکان به سوی دوزخ ، نمودی از بی ثمر بودن شرک و ضدیت معبودهایشان با آنهاست .

و یکونون علیهم ضداً . . یوم نحشر ... و نسوق المجرمین

در آیات پیشین، سخن از بی ثمر بودن پرستش های شرک آلود مشرکان و تأثیر منفی آن بر فرجام اخروی آنان بود؛ در این آیه نیز می تواند بیان مصداقی از همان معنا باشد؛ خصوصاً اگر <یوم< در <یوم نحشر< متعلق به <یکونون< باشد.

گزرهای آهنین جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - گرزهای آهنین ، یکی دیگر از ابزار شکنجه اهل دوزخ

و لهم مقمع من حدید

۲ - شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، سزاوار گرزهای آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید

<مقمعه< (مفرد <مقاع<) به معنای گرز است. پس <مقاع من حدید<؛ یعنی، گرزهای آهنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - دوزخیان هر وقت بر اثر التهاب و غلیان آتش ، از قعر دوزخ بالا- آورده شوند ، با گرز های آهنین دوباره به قعر آن بازگردانده خواهند شد .

و لهم مقمع من حديد . كلما أرادوا أن يخرجوا منها من غم أعيدوا فيها

۳ - وجود مأمورانی با گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حديد . كلما أرادوا... أعيدوا فيها

<اعيدوا> فعل مجهول و فاعل آن محذوف است و تقدير آن با توجه به آیه پیش (لهم مقامع من حديد) چنین می شود:
<كلما أرادوا أن يخرجوا.. اعادتهم الخزنه بالمقامع فيها> اهل دوزخ هر وقت خواستند از دوزخ بیرون آیند مأموران دوزخ با گرزهای آهنین، آنان را به داخل دوزخ بازمی گردانند.<

گرسنگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۳

۳ - اهل دوزخ (اصحاب شمال) ، برای رفع گرسنگی ناچار به تغذیه از درخت زقوم خواهند بود .

لأكلون من شجر من زقوم

آوردن <لام> تأکید، بیانگر آن است که تغذیه اهل دوزخ از <زقوم> تردیدناپذیر است زیرا آنان برای رفع گرسنگی چاره ای جز آن ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۳ - ۱

۱ - دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه < زقوم > می پردازند .

فمالون منها البطون

گشودن دربهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۴

۴ - باز شدن درب های دوزخ ، هنگام نزدیک شدن کافران

به آن

حَتَّى إِذَا جَاءَهَا فَتَحَتْ أَبْوَابَهَا

گمراهان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۱،۶

۱ دوزخ، جایگاه و فرجام گمراهان و فریب خوردگان از شیطان

أُولَئِكَ مَاوِيَهُم جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا

۶ ورود گمراهان و فریب خوردگان از شیطان به جهنم، حتمی است.

و ما يعدهم الشيطان الا غروراً. أُولَئِكَ مَاوِيَهُم جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا

بنابر اینکه جمله <لایجدون...> بیان و تأکید حقیقتی باشد که جمله <ماویهم جهنم> آن را افاده می کند. یعنی آنان که دارای صفات ذکر شده هستند، راهی جز ورود به جهنم ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۳

۳- جهنم، دارای هفت درکه (طبقات زیرین) است و هر گروهی از گمراهان در درکه مخصوص و طبقه مشخصی جای دارند.

لها سبعة أبواب لكل باب منهم جزء مقسوم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <أبواب> معنای کنایی آن باشد؛ زیرا هر دری، نوعاً به سوی مکانی خاص گشوده می شود و به جایی مستقل منتهی خواهد شد و مؤید این معنا، عبارت بعدی است که هر بابی، برای گروهی از گمراهان تعیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- مأوا و جایگاه گمراهان حق ناپذیر ، دوزخ است .

مأوهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۱،۵

۱ - قیامت روز نمودار شدن دوزخ برای گمراهان

و بَرَزَت الْجَحِيمِ لِلْغَاوِينَ

- دوزخ ، جایگاه گمراهان

و بَرَزت الجحیم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ - ۱

۱ - افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فکبکبوا فیها .. و جنود إبلیس أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۶ - ۱

۱ - مشاجره و دشمنی ، گمراهان (مشرکان) با یکدیگر در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

ضمیر فاعلی در <قالوا> و نیز ضمیر <هم>، به <غاوون> بازمی گردد. جمله <و هم فیها یختصمون> حال از ضمیر در <قالوا> و <اختصام> (مصدر <یختصمون>) به معنای جدال و ستیزه کردن است؛ یعنی، شرک پیشگان گمراه، در حالی که در دوزخ باهم ستیزه می کنند، به معبودهایشان خواهند گفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، تنها عامل تسلیم گمراهان لجوج در برابر حق

قالوا و هم فیها یختصمون . تالله إن کنا لفی ضلل مبین

برداشت یاد شده از آن جا است که اعتراف حق ستیزان، تنها در جهان آخرت و آن هم در داخل دوزخ صورت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ . وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءِ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱ - چشیدن عذاب آتش دوزخ ، فرجام نهایی تکذیب گران گمراه

و أمّا إن كان من المكذّبين الضالّين .. و تصلیه جحیم

<صَلِيٌّ> (مبدأ اشتقاق <تصلیه>) در معانی چشیدن، بریان شدن و افتادن به کار می رود. بنابراین <تصلیه جحیم> می تواند به معنای چشیدن آتش دوزخ، بریان شدن به وسیله آن و یا افتادن در آن باشد. برداشت بالا- ناظر به معنای اول <تصلیه> است.

گناهکاران در آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۲

۲ - آتش شعلهور و خالص ، عذاب و کیفر مجرمان در آخرت

إنّها لظی

واژه <ظی> هم در معنای آتش شعلهور و خالص به کار می رود و هم می تواند عَلم و اسم برای دوزخ باشد. برداشت یاد شده، براساس کاربرد نخست است.

گناهکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۵

۱۵ - گنهکاران در قیامت ، علاوه بر آتش دوزخ به عذاب های روحی نیز گرفتار خواهند شد .

و لایکلمهم الله یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۹

۹ زشت کرداران ، اهل دوزخ هستند و در آن جاودانه خواهند ماند .

و الذين كسبوا السيئات .. أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۴، ۵، ۶

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جَنِّي و اِنْسِي ، وعده اي حق و تخلف ناپذير

است .

و لكن حقّ القول منّي لأملأَنَّ جهنّم من الجِنَّه و الناس أجمعين

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لكن حقّ القول منّي لأملأَنَّ جهنّم من الجِنَّه و الناس

لام در <لأملأَنَّ> برای قسم است و حکایت از آن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

۱۴ - همه مجرمان جنّی و انسی ، در جهنم گرد می آیند .

لأملأَنَّ جهنّم من الجِنَّه و الناس أجمعين

قید <أجمعين> به قرینه این که کسانی وجود دارند که به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادی نیست، بلکه مفید عموم در نوع است. لازم به ذکر است که <ال> در <الجِنَّه> و <الناس> عهد بوده و اشاره به افرادی خاص که همانا مجرمان اند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أنّ المسرفين هم أصحاب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مسرفين> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۱

۱ - گناهکاران ، در عذاب جهنم ماندگاراند .

إنّ المجرمين في عذاب جهنم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۳

۳- کشانده شدن اجباری گنه کاران با خفت و خواری به سوی مرکز دوزخ

خذوه فاعتلوه إلى سواء الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ -

۱- مأموران دوزخ ، موظف به شکنجه گناه پیشگان در وسط دوزخ

ثُمَّ صَبُّوا

۴- گنه کاران دوزخی ، از درون و بیرون و از هر سو مبتلا به عذاب و شکنجه خواهند بود .

إِنَّ شَجَرَتِ الزَّقْوَمِ ... كَالْمُهْلِ يَغْلَى فِي الْبَطْنِ ... خَذُوهُ ... ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۱،۵

۱ - مجرمان ، در روز قیامت دچار سردرگمی و حیرت و گرفتار عذاب آتش برافروخته دوزخ

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَلٍ وَسَعَرٍ

آیه شریفه به دلیل ارتباط با قبل و بعد که در زمینه قیامت است نظر به وخامت حال مجرمان در آن روز دارد. گفتنی است که در برداشت بالا <سعر>، جمع <سعیر> (آتش ملتهب) گرفته شده است.

۵ - مجرمان ، گمراهان از راه حق در دنیا و مبتلا به شعله های آتش در قیامت *

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَلٍ وَسَعَرٍ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <فی ضلال>، نظر به گمراهی دنیوی و <سعر> نظر به عذاب اخروی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین ، از عوامل دوزخی شدن مجرمان

يَتَسَاءَلُونَ . عَنِ الْمَجْرِمِينَ . مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ

۲ - دوزخ ، جایگاه جرم پیشگان

عَنِ الْمَجْرِمِينَ . مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، جایگاه فاسقان و گنه پیشگان و کیفر کردار آنان است .

و إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

<فجور> یعنی، دریدن پرده

دیانت (مفردات راغب). از معانی دیگر <فجور>، فسق و عصیان است. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۴

۴ - طغیان گران و گناه کاران، در قیامت به جهنم و عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

ویل یومئذ للمکذبین... و ما یکذب به إلا کلّ معتد أثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کاران متجاوز، به حرارت شدید جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت.

ثمّ إنّهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال>) بوده است؛ یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَالَى بِالنَّارِ وَ صَالِيهَا صَالِيًا قَاسِي حَرِّهَا (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَالَى فَلَانٌ بِالنَّارِ يَصْلِيًا احْتِرَقَ (سوخت).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گویان و گناه کاران، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد.

ناصیه کذبہ خاطئه... سندع الزبانیه

گناهکاران و جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۱

۱ - معرفی دوزخ به مجرمان دوزخی، از روی استهزا و تمسخر

يعرف المجرمون بسيمهم... هذه جهنم

گواهی نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - اعتراف کافران در حضور نگهبانان و دربانان دوزخ ، به آمدن پیامبران تلاوت گر آیات خداوند و اندازگران الهی برای هدایت آنان

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءآیت ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

گیاه خاردار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - تنها خوراک موجود برای برخی از دوزخیان ، گیاه خاردار و بی ارزش و بدبوی جهنم است .

لیس لهم طعام إلا من ضریع

<ضریع> (از ریشه <مضارعه> به معنای <مشابهه>) خاری است که شتر آن را، از خارهای مشابه تشخیص نمی دهد و خوردن آن به او صدمه می زند و سودی نمی رساند (مجمع البیان). برخی آن را خار ساقه و تنه درخت خرما و برخی دیگر، گیاه بدبویی دانسته اند که بر اثر موج دریا بیرون می افتد. این کلمه به معنای پوشش نازک روی استخوان نیز استعمال شده است. (قاموس)

لجاجة مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - پافشاری مستمر تکذیب گران در دنیا ، بر انکار قیامت و عذاب دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <کنتم بها تکذّبون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که کافران تکذیب گر؛ هرگز حاضر نشده اند حقایق مربوط به جهان آخرت را بپذیرند؛ بلکه مصرانه آن را انکار می کنند.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) إنّ جهنم لها

سبعه أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنم ، و فوقها لظى و فوقها الحطمة فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظى، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۳

۳ - < لظى > (آتش شعله‌ور و خالص) ، از نام های دوزخ

إنها لظى

لعن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۵

۵ هر امتی پس از ورود به جهنم، امت هم مسلک خویش را لعنت می کند و بر او نفرین می فرستد.

كلما دخلت أمه لعنت أختها

مالک آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، مالک و صاحب اختیار آتشی است که در قیامت ، زراندوزان غیبت کننده و عیب جو را درهم می شکنند .

و ما أدريكم ما الحطمة . نار الله

< نار الله > ، خبر است برای ضمیر محذوف که به < الحطمة > برمی گردد.

مانعان خیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها

و تجاوزگران و شکاکان در حق ، محکوم به آتش دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلٌّ . . . مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مَعْتَدٌ مَرِيْبٌ

مبدأ آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۶

۶ - سوختن انسان در آتش جهنم ، از درون او آغاز خواهد شد .

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفْتِنَةِ

ریشه <اطلاع> (طاء و لام و عین)، بر ظهور و بروز دلالت دارد (مقایس اللغه). ظاهر شدن آتش جهنم بر قلب، حاکی از نقطه شروع آن است.

متجاوزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۸

۸ وارد نمودن تجاوزکاران و ستمگران به دوزخ و بریان کردن آنان ، کاری آسان برای خداوند

و من يفعل ذلك عدواناً و ظلماً . . . و كان ذلك على الله يسيراً

<صلی> از مصدر <صَلَّى>، و به معنای بریان کردن است. (القاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها و تجاوزگران و شکاکان در حق ، محکوم به آتش دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلٌّ . . . مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مَعْتَدٌ مَرِيْبٌ

متخلفان از جهاد در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه و فرجام نهایی منافقان متخلف از جهاد

مأویهم جهنم

متکبران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۴

۱۴ جهنم ، اقامتگاه شومی برای متکبران و مفسدان

اخذته العزّه بالاثم فحسبه جهنم و لبئس

مجرمان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۳، ۱

۱ مجرمان در احاطه آتش دوزخ، از زیر پا و فراز سر

لهم من جهنم مهاده و من فوقهم غواش

<مهاده> به معنای بستر گسترده است و <غواش> (جمع غاشیه) به معنی ساتر و روانداز، عطف بر <مهاده> است و <من فوقهم> حال برای آن. یعنی: لهم من جهنم غواش من فوقهم.

۳ دوزخ، محیطی بسته و خفقان زا برای مجرمان

لهم من جهنم مهاده و من فوقهم غواش

جمع آوردن کلمه <غواش> و مقید کردن آن به <من فوقهم> حکایت از برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۲

۲ - اندوه سنگین و یأس آلود مجرمان در جهنم

لا یفتّر عنهم و هم فیه مبلسون

<إبلاس> (مصدر <مبلسون>) به معنای اندوه ناشی از یأس است. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۱

۱ - جاودانگی مجرمان در دوزخ، نتیجه ظلم آنان به خودشان

و ما ظلمنهم

محدوده حرکت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۴

۴ - دوزخیان ، دارای توان و اختیاری محدود برای حرکت و جابه جایی در دوزخ *

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

محرومان از تخفیف گرمای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۴ - ۱

۱ - طغیان گران در دوزخ ، از هر گونه احساس خنکی و تخفیف حرارت سوزان جهنم ،

محروم خواهند بود .

لایدوقون فیها برّدا

<ذوق>؛ یعنی، درک مزه (مصباح)، این واژه در رابطه با اجسام به طور حقیقت و در مورد معنویات، به طور مجاز استعمال می شود. در آیه شریفه بین معنای حقیقی و مجازی آن جمع شده است؛ زیرا تعبیر چشیدن برای احساس سردی مجاز است. مراد از <بزد> به قرینه تقابل آن با نوشیدنی هر گونه احساس سردی است؛ هر چند با سایه و امثال آن باشد.

محیط جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۳

۳ دوزخ، محیطی بسته و خفقان زا برای مجرمان

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

جمع آوردن کلمه <غواش> و مقید کردن آن به <من فوقهم> حکایت از برداشت فوق دارد.

مخالفان دین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند، دارای مأمورانی سرسخت برای خشتی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانیه

<زَبَّيْه> (مفرد <زبانیه> از ریشه <زَبَّيْن> به معنای <دفع>)؛ به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس). اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

مدت توقف در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۴،۵

٤ - قال رسول الله : لا يخرج من النار من دخلها حتى يمكث فيها أحقاباً و الحقب بضع و ستون سنه و السنه ثلاثمائه و ستون يوماً كل يوم كالف سنه ممّا

تعدون فلا يتكلمن أحد أن يخرج من النار ؛

رسول خدا(ص) فرمود: کسی که داخل آتش جهنم شود از آن خارج نمی گردد؛ مگر این که چند <حُقب> در آن توقف کند. مراد از <حُقب> شصت و اندی سال می باشد. و سال ۳۶۰ روز است. هر روزی مثل هزار سالی است که شما آن را می شمارید. بنابراین کسی دل خوش نکند که [در نهایت] از آتش خارج خواهد شد.

۵ - < عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عزوجل > لا تبين فيها أحقاباً < قال : الأحقاب ثمانية أحقاب و الحقبُ ثمانون سنه و السنه ثلاثمائة و ستون يوماً و اليوم كألف سنه مما تعدون ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزوجل <لا تبين فيها أحقاباً> روایت شده است: احقاب هشت حُقب است و یک <حُقب> ۸۰ سال و سال ۳۶۰ روز و روز [آخرت]، مثل هزار سالی است که شما می شمارید.

مدت توقف طغیانگران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۱

۱ - درنگ طغیان گران در جهنم ، دارای دوره هایی پیاپی و زمانی طولانی است .

لبین فيها أحقاباً

<أحقاب>، جمع <حقب> بر وزن <فعل> است. برای <حقب> چندین معنا ذکر شده است؛ از قبیل: <دهر> و <یک سال> و <دو سال> و <هشتاد سال> (لسان العرب). مراد از <أحقاب> لزوماً زمان محدود نیست؛ بلکه با آمدن هر <حُقب> در پی دیگری تا بی نهایت نیز سازگار است که در آن صورت با خلود در آتش تنافی ندارد.

مراتب آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- آتش دوزخ، آتشی خاموش نشدنی و دارای نوسان و همواره فروزان است.

کَلَّمَا حَبْتَ زِدْنَهُمْ سَعِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۹

۹- آتش سهم گین و فراگیر، عذاب حاضر و آماده برای کافران، از جانب خداوند است.

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

نکره آوردن <ناراً> برای دلالت بر شدت و عظمت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۳

۳- آتش دوزخ، بسیار سوزان و دارای حرارتی شدید است.

نَارًا حَامِيَةً

<حامیه>؛ یعنی، دارای حرارت و چون آتش همواره دارای حرارت است، تصریح به این وصف، بیانگر غیر متعارف بودن آن حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۶

۶- تفاوت درجات آتش در جهنم

نَارًا تَلْظَى . لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى

حصر در این آیه، ممکن است ناظر به نوع آتشی باشد که در آیه قبل مطرح شد. بر این اساس، نکره بودن <ناراً> برای تنويع است؛ یعنی، نوع خاصی از آتش است که به شقی ترین افراد، اختصاص می یابد و باقی اشقیاء در انواع دیگر آن معذب اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - درجات آتش جهنم در قیامت ، براساس باور ها و نیت های انسان شکل می یابد .

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

<إِطَّلِعْ عَلَى الشَّيْءِ> یعنی، آن را دانست (لسان العرب). مفاد آیه شریفه براساس این معنا آگاهی آتش جهنم

از محتوای قلب ها است. این آگاهی، ممکن است کنایه از تفاوت وضع دوزخیان با یکدیگر باشد که آتش جهنم با هر کس، متناسب با محتوای قلب او رفتار خواهد کرد.

مراتب عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۵

۵ جهنم، دارای انواع عذاب هلاکت بار برای تکذیب کنندگان قیامت

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَحَدًّا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۹

۹ - عذاب دوزخ، دارای مراتب گوناگون و شدت و ضعف است.

أشدّ العذاب

مراتب عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۸

۸- عذاب های جهنم دارای تنوع و مراتب است.

يسقى من ماء صديد .. يأتیه الموت من كلّ مكان ... و من ورائه عذاب غليظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۵

۵- جهنم، دارای درکات و عذاب های متفاوت و شدید و ضعیف

لها سبعة أبواب لكلّ باب منهم جزء مقسوم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از <سبعه> در آیه، کنایه از کثرت و حاکی از شدت و ضعف و تفاوت عذابهای جهنم باشد نه بیان عدد مشخص.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۳

۳ - عذاب طغیان گران در دوزخ، بسیار شدید است .

و ءاخر من شکله أزواج

برداشت یاد شده از تنوع نوشابه و غذاهای ناگوار در دوزخ به دست

می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۵

۵- مراتب شدید و هلاکت بار عذاب دوزخ، متوجه گناه پیشگان مغرور و پیشوایان کفر و نه همه گناه کاران *

طعام الأثیم کالمهل... ثم صبوا فوق رأسه... ذق إنک أنت العزیز الکریم

از مبالغه نهفته در <الأثیم> و نیز وصف <العزیز الکریم>، این احتمال شکل می گیرد که عذاب های شدید مطرح شده در این آیات، برای هر گناه کاری نیست؛ بلکه مخصوص دارندگان اوصاف یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۱

۱ - حرارت آتش دوزخ و صدای ناخوشایند برخاسته از آن، در نهایت شدت و حدت است.

تکاد تمیز من الغیظ

تعبیر <تکاد تمیز من الغیظ> (چیزی نمانده است که از شدت غیظ پاره پاره شود) درباره دوزخ، تعبیری است تمثیلی و کنایی و بیانگر شدت و حدت آتش دوزخ و صدای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۵ - ۴

۴ - جهنم، دارای عذاب جسمی و شکنجه روحی

سیصلی ناراً.. و امرأته... فی جیدها جبل من مسد

آتش، عذاب جسمی و تحقیر با بستن ریسمان به گردن، عذاب روحی است.

مرتد در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱۸

١٨ جهنم ، جاىگاه مرتدان

و من يشاقق الرسول من بعد ما تبين له الهدى . . . نصله جهنم

جمله <من بعد ما تبين له الهدى>، با توجه به شأن نزول

آیه که درباره برخی از مسلمانان است، می تواند ناظر به ارتداد باشد.

مرفهان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۲۲

۲۲- رفاه مندانِ هواپرست ، در قیامت ، گرفتار آتشی فراگیر و آشامیدنی هایی ناگوارند .

و لا تطع من أغفلنا قلبه .. بس الشراب و ساءت مرتفقاً

نکته یاد شده از ارتباط دو آیه استفاده شده است.

مرگ در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۷،۱۱

۷- دوزخیان در دوزخ نخواهند مرد تا عذاب را درک نکنند و نه مانند زندگان خواهند بود .

فإنَّ له جهنم لا يموت فيها و لا يحيى

مراد از <حیاه> در <لایحیی> به قرینه <لایموت فیها> حیاتی است که بر مرگ ترجیح داشته باشد و حیات اهل دوزخ، چون مایه افزایش عذاب است، از مرگ که پایان دهنده عذاب است ناگوارتر و منفورتر می باشد.

۱۱ - > عن أبي سعيد الخدري : إنَّ رسول الله (ص) خطب فأتى على هذه آیه > إنَّه من يأت ربّه مجرمًا فإنَّ له جهنم لا يموت فيها و لا يحيى > فقال رسول الله (ص) : أمّا أهلها الذين هم أهلها ، فإنَّهم لا يموتون فيها و لا يحيون ، و أمّا الذين ليسوا بأهلها فإنَّ النار تميتهم إمامته ثمَّ يقوم الشفعاء فيشفعون ؛

از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا(ص) خطبه خواند، تا به این آیه رسید >إنَّه من يأت ربّه مجرمًا فإنَّ له جهنم لا يموت فيها و لا يحيى< . پس آن حضرت فرمود: ساکنان جهنم که سزاوار آن هستند

در آن جا نه می میرند و نه زندگی دارند. اما کسانی که سزاوار جهنم نیستند پس آتش، آنان را یک بار می میراند، آن گاه شفیعان به پاخاسته و آنان را شفاعت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱۰

۱۰ - مرگ و فنا، در دوزخ راه ندارد.

لیقض علینا ربّک... إنکم مکثون

مستضعفان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۸

۱۸ جهنم، جایگاه مستضعفانی که با داشتن توانایی هجرت در محیط کفر بمانند.

فاولئک مأویهم جهنم

بنابر اینکه سرزنش به جهت ترک هجرت باشد که خود از واجبات است، نه خصوص عمل نکردن به احکام دین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۱

۱ - وجود اختلاف میان مستضعفان و مستکبران، در آتش دوزخ و اقدام آنان به احتجاج و دلیل آوردن

و إذ یتحاجون فی النار فیقول الضعفوا للذین استکبروا

مستکبران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱

۱ - گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند.

حول جهنم . . . ثم لنحن أعلم ... بها صلياً

<صلياً> (از صِلَى يَصِلَى) تمیز برای <أولى> و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت <أعلم... صلياً> این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و

بریان شدن در آن. <اولویت> برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند؛ گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۱

۱ - وجود اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و اقدام آنان به احتجاج و دلیل آوردن

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۲

۲ - اظهار ناتوانی کردن مستکبران در دوزخ ، از برآوردن درخواست مستضعفان پیرو خود ، مبنی بر کاستن از عذاب آنان

فهل أنتم مغنون عنا نصيبًا من النار . قال الذين استكبروا إنا كلّ فيها

این که مستکبران می گویند: <ما و شما گرفتار عذابیم>، در واقع پاسخ منفی آنان به درخواست مستضعفان و اظهار ناتوانی کردن است؛ زیرا کسی که خود در آتش می سوزد، نمی تواند نجات دهنده دیگران از آن باشد و گرنه خود را نجات می داد.

مصرفان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أنّ المسرفين هم أصحاب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مصرفین> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

مسئولیت نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- مأموران دوزخ ، موظف به برخوردی قاطع ، سخت و قهرآمیز

با گناه پیشگان

خندوه فاعتلوه

<العتل> (مصدر <فاعتلوه>) به معنای کشاندن با زور و خشونت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۱

۱- مأموران دوزخ، موظف به شکنجه گناه پیشگان در وسط دوزخ

ثُمَّ صَبُّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۵

۵ - عذاب کردن دوزخیان، تنها وظیفه فرشتگان گماشته شده بر دوزخ

عليها تسعة عشر .. و ما جعلنا عدّتهم إلا فتنة للذين كفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <عدّه> به معنای جماعت (قاموس المحيط) و <فتنه> به معنای عذاب باشد؛ یعنی، <و ما جعلنا جماعتهم إلا عذاباً للذين كفروا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۵

۵ - مأموران الهی در جهنّم، عهده دار عذاب دوزخیان *

تسقی

مجهول بودن <تسقی>، بیانگر وجود یک یا چند مأمور عذاب در دوزخ است.

مسیحیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و ...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

مشرکان پیرو در جهنم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۳

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و ما هم بخرجین من النار

مشرکان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۵،۲۴

۱۵ ازدواج با مشرک ، زمینه ساز انحراف و دخول در جهنم است .

و لا تنکحوا .. اولئک یدعون الی النار

۲۴ لزوم پرهیز از معاشرتهایی که خطر کفر و انحراف دارد و مایه درآمدن به جهنم است .

و لا تنکحوا .. و لا تنکحوا ... اولئک یدعون الی النار

با توجه به عمومیت تعلیل: اولئک یدعون الی النار، و شمول آن نسبت به موارد غیر ازدواج.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ آتش دوزخ ، جایگاه مشرکان

انه من یشرک بالله .. مأویة النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، اهل دوزخ بوده و در آتش آن جاودانه خواهند ماند .

ما كان للمشركين . . . وفي النار هم خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۵

۵ دوزخی بودن مشرکان ، امری قطعی

و غیر قابل تغییر

للمشركين ... من بعد ما تبين لهم أنهم أصحاب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذين لا يرجون لقاءنا .. و الذين هم عن آيتنا غفلون. أولئك مأويهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و ...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و مورد نظر آن ، گروههای نامبرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۱

۱ تیره بختان صحنه قیامت (مشرکان و کافران به رسالت انبیا) روانه آتش دوزخ خواهند شد .

فأما الذين شقوا ففی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱۴، ۱۳

۱۳- مشرکان ، پیشگام در وارد شدن به آتش جهنم

لاجرم أن لهم النار و أنهم مفرطون

<مفرط> (از مصدر فرط) به معنای مقدم شدن، جلو افتادن، شتاب و سبقت گرفتن است.

۱۴- مشرکان مفتري، در جهنم به حال خود رها شده و مورد فراموشي قرار مي گيرند .

لاجرم أن لهم النار و أنهم مفرتون

<فرط> در لغت به

معنای ترک آمده و برداشت فوق بر اساس معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱۱- آتش دوزخ، فرجام حتمی مشرکان است.

و لاتجعل مع الله إلهًا آخر فتلقى في جهنم

۱۲- افکنده شدن مشرکان در دوزخ، همراه با ملامت، طرد و اهانت است.

فتلقى في جهنم ملومًا مدحورًا

<مدحورًا> به معنای <مطرود> است که در آن معنای اهانت و استخفاف اشراب شده است.

۱۳- مشرکان در جهنم، به عذاب جسمی و روحی مبتلا خواهند بود.

فتلقى في جهنم ملومًا مدحورًا

<القا در جهنم> دلالت بر جسمانی بودن عذاب می کند و <ملومًا> و <مدحورًا> که به معنای طرد و سرزنش است دلالت بر عذاب روحی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۴

۴- خلود مشرکان و معبودهایشان در آتش دوزخ

و کلُّ فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۱، ۲، ۳

۱- فریاد دردناک و زجرآلود مشرکان در جهنم

لهم فیها زفیر

<زفیر> به معنای پر شدن سینه از غم و اندوه است و نیز به معنای صدای نخست خران است (لسان العرب). در این جا به معنای فریاد دردناک و اندوهگین می باشد.

۲- عذاب و شکنجه مشرکان و معبودهایشان در جهنم شدید خواهد بود .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که ضمیر <لهم>

۳- محرومیت مشرکان از شنوایی در جهنم

و هم فیها لایسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج -

۶- برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند.

فالدین کفروا قَطَّعت لهم ثياب من نار

تکیر <نار> نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۲

۲- شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا، سزاوار گرزهای آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید

<مقمعه> (مفرد <مقامج>) به معنای گرز است. پس <مقامج من حدید>؛ یعنی، گرزهای آهنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۲

۲- اقرار ذلیلانه مشرکان در تنگنای دوزخ، به ربوبیت و پروردگاری خداوند

قالوا ربّنا غلبت .. قوماً ضالّین

<غلبه> (مصدر <غلبت>) به معنای چیره شدن است. <شقوه> معادل <شقاوه> و در مقابل سعادت است. در این جا مراد از شقاوت، عوامل و اسباب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۲ - ۳

۳- ناتوانی معبودهای مشرکان از نجات گمراهان، از دوزخ و دفاع از آنان در برابر عذاب

و برّزت الجحیم للغاوین . و قيل لهم أين ما كنتم تعبدون

پرسش از مکان معبودها به قرینه آیه قبل که سخن از رخ نمودن دوزخ برای گمراهان است پرسش از موقعیت آنها برای نجات

گمراهان از دوزخ و هرگونه دفاع از آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱ - نگون سار گشتن شرک پیشگان و معبودهایشان در دوزخ ، در پی اثبات پوچی هر معبودی جز خدا

هل ينصرونكم أو ينتصرون . فكبكبوا فيها هم و الغاون

<كبكبه> (مصدر مجهول <كبكبوا>) به معنای نگون سار گشتن و نیز افکنده شدن است. ضمیر <هم> نیز به معبودها بازمی گردد. بنابراین <فكبكبوا فيها هم...>؛ یعنی، گمراهان و معبودهایشان به صورت سرنگون در دوزخ افکنده خواهند شد.

۳ - معبود های دروغین ، جلودار مشرکان در سقوط به ورطه دوزخ

فكبكبوا فيها هم و الغاون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <هم> که به معبودهای باطل بازمی گردد مقدم بر <الغاوون> آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فكبكبوا فيها .. و جنود إبليس أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - مشاجره و دشمنی ، گمراهان (مشرکان) با یکدیگر در دوزخ

قالوا و هم فيها يختصمون

ضمیر فاعلی در <قالوا> و نیز ضمیر <هم>، به <غاوون> بازمی گردد. جمله <و هم فيها يختصمون> حال از ضمیر در <قالوا> و <اختصام> (مصدر <يختصمون>) به معنای جدال و ستیزه کردن است؛ یعنی، شرک پیشگان گمراه، در حالی که در دوزخ باهم ستیزه می کنند، به معبودهایشان خواهند گفت.

۲ - امکان سخن گفتن دوزخیان با معبودهایشان در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

مخاطب <قالوا> به قرینه آیه <إذ

نَسُوِيَكُم بِرَبِّ الْعَالَمِيْنَ >، معبودهای مشرکان است و ضمير <فيها> به <جحيم> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۶

۶ - چشیدن عذاب دوزخ برای مشرکان و سران آنان ، وعده حتمی و تخلف ناپذیر خداوند

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلَ رَبِّنَا إِنَّا لَذَاتِقُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که <حَقَّ> به معنای <ثَبَّتَ> و <لَزَمَ> است و ثابت و لازم بودن عذاب، حاکی از حتمی و تخلف ناپذیر بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ - مشرکان و معبودهایشان و پیروان گمراه آنان ، دوزخی اند .

إِلَّا مِنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - مشرکان و کافران در دوزخ ، از هر سو در محاصره آتش قرار خواهند داشت .

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظِلٌّ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظِلٌّ

مقصود از سایبان هایی از آتش بر فراز کافران و زیر آنان، آتش فراگیر است که از هر سو آنها را محاصره کرده است؛ چنان که در سوره دیگری از این حقیقت به صراحت یاد شده است: <يَوْمَ يَخْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ..>، (سوره عنكبوت (۲۹) آیه ۵۵).

۳ - شدت و فراوانی آتش جهنم ، در اطراف مشرکان و کافران

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظِلٌّ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظِلٌّ

مقصود از آیه شریفه هر چه باشد، این نکته را نیز می رساند که آتش دوزخ بسیار شدید و زیاد است.

- فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۴

۴ - منحرفان از راه توحید ، گرفتار آتش دوزخ خواهند بود .

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ .. أَفْمَن يَلْقَى فِي النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۵

۵ - معبود های دروغین مشرکان ، فاقد کارایی و تأثیر در نجات آنان از دوزخ

من ورائهم جهنم ولا یغنی .. و لا ما اتخذوا من دون الله اولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۳

۱۳ - جهنم ، مهیا شده از سوی خداوند برای منافقان و مشرکان

و أعدّ لهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۱

۱ مشرکان و عبادت کنندگان غیر خدا ، محکوم به آتش دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ .. الذی جعل مع الله إلهًا آخر

مصونیت از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۰ - ۱۶

۱۶ - مجرد انتساب به آیین الهی ، موجب مصونیت از آتش دوزخ نخواهد شد .

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدودة قل أتخذتم عند الله عهداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۵

۵- دور ماندن بهشتیان از ناگواری های جهنم ، در یرتو لطف و حمایت خداوند

و وقهم عذاب الجحیم

معبودان باطل در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۶،۷،۱

۱- کافران و معبود های دروغینشان ، آتش

گیره جهنم اند .

إِنَّكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ

<حصب> یعنی، هر آنچه در آتش افکنند و معنای غالبی آن هیزم است (لسان العرب).

۶- > جاء في الحديث إنَّ قوماً أتوا رسول الله (ص) فقالوا له :... أخبرنا عن قوله : > إِنَّكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ < إذا كان معبودهم معهم في النار فقد عبدوا المسيح (ع) أفقول : إنه في النار؟ فقال لهم رسول الله (ص) :... قال الله : > إِنَّكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ < يريد الأصنام التي عبدوها وهي لاتعقل و المسيح (ع) لايدخل في جملتها لأنه يعقل و لو قال : إِنَّكُمْ وَمَنْ تَعْبُدُونَ لَدَخَلَ الْمَسِيحُ (ع) فِي الْجُمْلَةِ فَقَالَ الْقَوْمُ : صدقت يا رسول الله (ص) >

در حدیث آمده که گروهی نزد رسول خدا(ص) آمده و به آن حضرت گفتند: ... ما را از گفتار خدا >إِنَّكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ...< با خبر ساز چنانچه معبودشان در آتش باشد، پس [این که] گروهی مسیح را عبادت کردند؛ آیا تو می گویی او در آتش است. رسول خدا به آنان فرمود:... خدا فرموده >إِنَّكُمْ وَمَاتَعْبُدُونَ< و بت هایی را که آنان می پرستیدند اراده کرده و بت ها غیر عاقل هستند و مسیح داخل در آنها نیست؛ زیرا او صاحب عقل است و اگر فرموده بود >إِنَّكُمْ وَمَنْ تَعْبُدُونَ< مسیح نیز داخل در آن جمله بود. آن گروه گفتند: راست گفتی ای رسول خدا.<

۷- > عن

أبي جعفر (ع) قال: لَمَّا نزلت هذه آية... قال ابن الزبيري: ... يا محمد أ رأيت آية التي قرأت آنفاً أفينا و في آلهتنا أم في الأمم الماضيه و آلهتهم؟ قال (ص): بل فيكم و في آلهتكم و في الأمم الماضيه إلا من استثنى الله فقال ابن الزبيري: ... أ لست تثنى على عيسى خيراً و قد عرفت أن النصارى يعبدون عيسى و أمه و أن طائفه من الناس يعبدون الملائكة أليس هؤلاء مع آلهه في النار؟ فقال رسول الله (ص): > لا... أما قلت: إلا من استثنى الله و هو قوله < إن الذين سبقت لهم منا الحسنی أولئك عن ها مبعدون > ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: آن گاه که این آیه نازل شد... ابن زبیری گفت: ... ای محمد! بگو بدانم آیه ای که به تازگی قرائت کردی در باره ما و معبودها ما است یا در مورد امت های گذشته و معبودهای آنها است فرمود: هم در باره شما و معبودهای شما و هم در باره امت های گذشته است؛ مگر کسی که خدا استثنا فرموده است. ابن زبیری گفت: آیا تو عیسی را به خوبی نمی ستایی و حال آن که می دانی نصارا عیسی و مادرش را عبادت می کنند و گروهی از مردم نیز فرشتگان را عبادت می کنند آیا آنان و معبودهای خود در آتش نیستند؟ پس رسول خدا(ص) فرمود: نه... آیا نگفتم مگر آنان که خدا استثنا فرموده است؟ و

آن استثنا همان سخن خدا است که: <إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۱،۴

۱- عجز و ناتوانی معبود های مشرکان در گریز از جهنم ، دلیل عدم الوهیت آنان است .

ماتعبدون من دون الله حسب جهنم .. لو كان هؤلاء ءالهه ما وردوها

۴- خلود مشرکان و معبودهایشان در آتش دوزخ

و كلُّ فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۲

۲- عذاب و شکنجه مشرکان و معبودهایشان در جهنم شدید خواهد بود .

لهم فيها زفير و هم فيها لا يسمعون برداشت یاد شده بنابر این نکته است که ضمیر <لهم>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۴ - ۱،۳

۱ - نگون سار گشتن شرک پیشگان و معبودهایشان در دوزخ ، در پی اثبات پوچی هر معبودی جز خدا

هل ينصرونكم أو يتتصرون . فكبكبوا فيها هم و الغاون

<كبكب> (مصدر مجهول <كبكبوا>) به معنای نگون سار گشتن و نیز افکنده شدن است. ضمیر <هم> نیز به معبودها بازمی گردد. بنابراین <فكبكبوا فيها هم...> یعنی، گمراهان و معبودهایشان به صورت سرنگون در دوزخ افکنده خواهند شد.

۳ - معبود های دروغین ، جلودار مشرکان در سقوط به ورطه دوزخ

فكبكبوا فيها هم و الغاون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <هم> که به معبودهای باطل بازمی گردد مقدم بر <الغاون> آمده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ -

۱ - افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فككبوا فيها .. و جنود إبليس أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۶ - ۲

۲ - امکان سخن گفتن دوزخیان با معبودهایشان در دوزخ

قالوا و هم فیها یختصمون

مخاطب <قالوا> به قرینه آیه <إذ نسوئکم برّب العالمین>، معبودهای مشرکان است و ضمیر <فیها> به <جحیم> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ - مشرکان و معبودهایشان و پیروان گمراه آنان ، دوزخی اند .

إلا من هو صال الجحیم

معرضان از اندازهای خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان هدایت ها و انداز های الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مخلدانند .

فأنذرتکم نارًا تلظى . لا یصلیها إلا ... الذی کذب و تولی

معرضان از خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- دوزخ جایگاه روی گردانان از دعوت خداوند است .

أُولَئِكَ .. مَاوِيَهُمْ جَهَنَّمُ

معروضان از هدایت‌های خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۲

۲- تکذیب کنندگان هدایت‌ها و انذارهای الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مغلطاند .

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى . لَا يَصْلِيهَا إِلَّا ... الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى

مغضوبان کار گزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۴

۴ - مأموران دورخ ، آکنده از خشم و نفرت نسبت به دوزخیان

كلّما أرادوا .. و ذوقوا عذاب الحریق

مفتریان به خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱۴

۱۴ - مشرکان مفتری ، در جهنم به حال خود رها شده و مورد فراموشی قرار می گیرند .

لاجرم أن لهم النار و أنهم مفرتون

<فرط> در لغت به معنای ترک آمده و برداشت فوق بر اساس معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممّن افتری علی الله .. أو كذب بالحقّ... أليس فی جهنّم مثوی للكفر

<ال> در <الكافرين> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممّن كذب علی الله و كذب بالصدق .. أليس فی جهنّم مثوی للكفرین

مفسدان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۴

۱۴ جهنم ، اقامتگاه شومی برای متکبران و مفسدان

اخذته العزّه بالاثم فحسبه جهنم و لبس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ آنان که در زمین فساد می کنند ، به سرایی شوم (دوزخ) گرفتار خواهند شد .

و الذین ... یفسدون فی الأرض ... لهم سوء الدار

مکان آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۳

۳- قسمت های درونی تر و مرکزی دوزخ ، مکان جوشش و جریان آب های داغ

فاعتلوهم إلى سواء الجحیم . ثم صبوا فوق رأسه من عذاب الحمیم

از ارتباط با آیه قبل که پس از کشانده شدن دوزخیان به قسمت های داخلی تر، فرمان ریختن آب های جوشان مطرح شده است استفاده می شود که رسیدن آنان به وسط جهنم ریختن آب جوشان را میسر می سازد.

مکان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۲

۲ بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ و با فاصله ای زیاد از آن

و نادى اصحاب النار اصحاب الجنة أن أفيضوا علينا

کلمه <افاضه> که به معنای ریزش است، حکایت از این دارد که بهشت در مکانی بالاتر از دوزخ قرار گرفته است. به کارگیری ندا (خواندن با صدای بلند)، اشاره به دوری بهشت و دوزخ از یکدیگر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۲

۲ - دوزخ ، در جایگاهی به دور از صحنه قیامت

فاهدوهم إلى صراط الجحیم

فرمان خدا مبنی بر راندن مشرکان به راهی که به دوزخ می انجامد (پس از محاکمه آنان) گویای مطلب یاد شده است.

مکذبان آیات خدا در

جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۲

۲ - کفر پیشگان و تکذیب کنندگان آیات الهی ، برای همیشه در دوزخ خواهند بود .

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۶

۶ - عذاب کافران منکر آیات خدا ، در جهنم قطعی است .

يستعجلونك بالعذاب وإن جهنم لمحيطه بالكفرین

جمله اسمیه "إن جهنم" و تأکید "إن" بر حتمیت عذاب، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۲

۲ - ورود و ماندگاری کافران و تکذیب گران آیات خدا و لقاء الله ، به عذاب ، به صورت جبری است .

و أما الذين كفروا .. في العذاب محضرون

به صورت مفعولی آورده شدن احضار افراد یاد شده به جهنم و یا حاضر بودن شان در آن، می تواند اشاره به نکته فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - کافران و تکذیب گران آیات الهی ، اهل دوزخ اند .

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك أصحاب الجحيم

۱۲ - دوزخ ، جایگاه ابدی کافران و تکذیب گران بوده و آنان هرگز از آن رهایی نخواهند یافت .

أولئك أصحاب الجحيم

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار و ملازم است. بنابراین <أصحاب الجحيم>؛ یعنی، کسانی که با دوزخ یار و ملازم بوده و هرگز از آن جدا نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳

۲ - گرفتاری به جهنم و عذاب الهی ، سرنوشت تکذیب کنندگان آیات الهی است .

ویل یومئذ للمکذبین

به قرینه <إذا تتلی علیه آیاتنا ..> در آیات بعد، عنوان <مکذبین>، تکذیب کنندگان آیات خداوند را در برمی گیرد.

مکذبان اسلام در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۱

۱ - کافران به اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک به آتش جهنم ، گرفتار خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ

مکذبان انبیا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۱

۱ تیره بختان صحنه قیامت (مشرکان و کافران به رسالت انبیا) روانه آتش دوزخ خواهند شد .

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فِي النَّارِ

مکذبان اندازهای خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان هدایت ها و اندازهای الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مخلداند .

فَأَنْذَرْتَكُمْ نَارًا تَلْظَى . لَا يَصْلِيهَا إِلَّا ... الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى

مکذبان جهنم

۲- تردید و ناباوری مشرکان صدراسلام نسبت به دوزخ و وجود درختی به نام زقوم در آن

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقْوَمِ

تأکید با <إِنَّ> و جمله اسمیه از تردید یا نکار مخاطبان نسبت به مضمون آن می کند آیه ۵۰ <إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ> مؤید برداشت می باشد.

مکذبان حق در

جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممن افترى على الله .. أو كذب بالحقّ... أليس فى جهنم مثوى للكفر

<ال> در <الكافرين> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

مکذبان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۱

۱ دوزخ جایگاه کفرپیشگان و تکذیب کنندگان آیات خداوند

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك اصحب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۳، ۱

۱ - قیامت روز رانده شدن تکذیب گران ، با شدت و خشونت به سوی آتش دوزخ

يوم يدعون إلى نار جهنم دعًا

<دع> (مصدر مجهول <یدعون>) به معنای رانده شدن همراه با تندى و خشونت است و ضمير <یدعون> به <مکذبین> بازمی گردد.

۳ - آتش دوزخ ، فرجام تکذیب کنندگان آن

فويل ... للمكذبین ... يوم يدعون إلى نار جهنم دعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - سخن ملامت بار و استهزا آمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <هذه النار..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا

بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۱

۱ - چشیدن عذاب آتش دوزخ، فرجام نهایی تکذیب گران گمراه

و أما إن كان من المكذبين الضالين... و تصليه جحيم

<صَلِيٌّ> (مبدأ اشتقاق <تصلیه>) در معانی چشیدن، بریان شدن و افتادن به کار می رود. بنابراین <تصلیه جحیم> می تواند به معنای چشیدن آتش دوزخ، بریان شدن به وسیله آن و یا افتادن در آن باشد. برداشت بالا- ناظر به معنای اول <تصلیه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود.

و جحیمًا

مکذبان دین در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - جهنم، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق... أليس في جهنم مثوى للكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۲

۲ - دوزخ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل يومئذ للمكذبين

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود

(لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۹ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

مکذبان ربوبیت خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۶

۶ - برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند .

فالدین کفروا قطع لهم ثياب من نار

تنکیر <نار> نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۲

۲ - شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، سزاوار گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حديد

<مقمعه> (مفرد <مقامج>) به معنای گرز است. پس <مقامج من حديد> یعنی، گرزهای آهنین.

مكذبان عذاب كم فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۵

۵ - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد.

ويل للمطففين .. ويل يومئذ للمكذبين

مراد از

<مکذبین> به قرینه آیه بعد تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه <ویل للمطفّین> بیان داشته است.

مکذبان قرآن در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - منکران قرآن و سنگ های دوزخ ، هیزم و آتشگیره های آتش جهنم .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجاره

<وقود> به هیزم و نیز به چیزی که با آن آتش روشن می کنند، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - جهنم ، جایگاه همیشگی و مجازات افترازنندگان بر خدا و تکذیب کنندگان قرآن و دین حق

فمن أظلم ممن كذب على الله و كذب بالصدق .. أليس في جهنم مثوى للكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۲

۲ - منکران حقانیت قرآن ، گرفتار آتش دوزخ در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ

برداشت یاد شده بر این اساس است که خبر <إِنَّ> در <إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا> به قرینه آیه قبل جمله <يلقى في النار> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفّین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کاران متجاوز ، به حرارت شدید جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم>، <صالون> (جمع <صال>) بوده است / یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت
آتش

را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَيَّلِي بالنار و صَلَّيْهَا صَلِيًّا قَاسِي حَرِّهَا (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَلَّيَ فَلَانٌ بالنار يَصْلِي صُلِيًّا احترق (سوخت).

مکذبان قیامت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذين لا يرجون لقاءنا .. و الذين هم عن آيتنا غفلون. أولئك مأويهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۴، ۵، ۲، ۱

۱ تکذیب کنندگان قیامت در حالی که به غل و زنجیر بسته شده اند ، به جایگاهی تنگ در دوزخ افکنده خواهند شد .

و إذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً مقرنين

<قرن> (ریشه <مقرنین>) در اصل به معنای ریسمانی است که چند شتر را به هم ببندند و ولی به قرینه آیه ۴۹ سوره ابراهیم (تری المجرمین یومئذ مقرنین فی الأصفاد) می توان گفت: مقصود غل و زنجیری است که به وسیله آن، منکران معاد را به هم می بندند. غل و زنجیر است.

۲ افکنده شدن منکران قیامت به جهنم ، همراه با تحقیر و اجبار است .

و إذا ألقوا منها

واژه <ألقوا> (به صیغه مجهول) به جای <ادخلوا>، حاکی از اجباری و تحقیر آمیز بودن ورود به جهنم است.

۴ آتش دوزخ برای منکران قیامت ، بسیار زجر آور و طاقت فرسا خواهد بود .

دعوا هنالك ثبوراً

درخواست هلاکت و مرگ در آتش دوزخ، حاکی از شدت دردناکی و طاقت سوزی آن آتش است.

۵ تکذیب کنندگان قیامت ، در اعماق دوزخ و

در دورترین مکان آتشین جای دارند .

دعوا هنالك ثورًا

برداشت یاد شده، از اسم اشاره <هنالك> که برای اشاره به مکان دور وضع شده است استفاده گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱،۴،۵

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لاتدعوا اليوم ثورًا وحدها و ادعوا ثورًا كثيرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است؛ نه مرگ و نابودی واقعی.

۴ تکذیب کنند قیامت ، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می شوند .

لاتدعوا اليوم ثورًا وحدها و ادعوا ثورًا كثيرًا

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: <درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند> یا به خاطر این است که آنان به دفعات زنده می شوند، و باز می میرند. پس باید برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عذاب الهی کافران متعدد و گوناگون است. پس باید آنان برای هر یک از آنها، درخواست مرگ کنند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

۵ جهنم ، دارای انواع عذاب هلاکت بار برای تکذیب کنندگان قیامت

لاتدعوا اليوم ثورًا وحدها و ادعوا ثورًا كثيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - بهشتیان ، هم نشینان

کافر دنیایی خود را ، در وسط دوزخ مشاهده خواهند کرد .

فراءه فی سواء الجحیم

<سواء> به معنای وسط است.

۴- دوزخ ، مجازات منکران قیامت

أءنا لمدينون .. فاطلع فراءه فی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵- یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ

هذه النار التي كنتم بها تكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۲

۲- تکذیب کنندگان قیامت ، ناتوان از توجیه تکذیب گری های خود به هنگام مشاهده آتش دوزخ

أفسح هذا أم أنتم لاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۱

۱- فرمان ملامت بار خداوند به تکذیب کنندگان قیامت ، برای چشیدن حرارت دوزخ و تحمل رنج آن

اصلوها

<صَلَّى النار>؛ یعنی، چشیدن حرارت آتش و تحمل رنج آن. عبارت <اصلوها> (نظیر آیه قبل) می تواند کلام خداوند و یا سخن مأموران الهی باشد. در برداشت بالا، احتمال اول مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حرکت تکذیب گران روز جزا به سوی دوزخ ، به فرمان الهی

انطلقوا إلى ما كنتم به تكذبون

طبق گفته مفسران، مقصود از تکذیب در این آیه، تکذیب دوزخ است. گفتنی است که در روز قیامت، به کافران فرمان داده می شود که به سوی آن حرکت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - احاطه همه جانبه دود برخاسته از آتش ، بر تکذیب گران روز جزا و نبودن هیچ راه گریزی از آن

انطلقوا إلى ظلّ ذي ثلث شعب

تعبیر <ثلاث شعب> به گفته مفسران می تواند اشاره به فراگیر و همه جانبه بودن دود برخاسته از آتش و گریزناپذیر بودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قیامت در آن روز ، گرفتار جهنم و عذاب الهی خواهند بود .

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل> به معنای عذاب و هلاکت است (لسان العرب). برخی آن را نام یکی از درب ها، یا درّه ای از جهنم می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان قرآن و قیامت و گناه کاران متجاوز ، به حرارت شدید جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

ثم إنهم لصالوا الجحیم

<صالوا> که قبل از اضافه به <جهیم> ، <صالون> (جمع <صال>) بوده است ، یعنی، کسانی که با رنج و مشقت حرارت آتش را می چشند و در آن می سوزند. در لسان العرب آمده است: صَالِيَ بالنار و صَالِيهَا صَالِيًا قَاسِي حَرِّهَا (حرارت آتش را با رنج و مشقت چشید) و صَالِيَ فَلَانٌ بالنار يَصْلِي صَالِيًا احترق (سوخت).

مکذبان معاد اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانو نشسته و به صورت نیم

خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

<جثیا> (جمع <جائی>) حال است و <جائی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثی> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

مکذبان معاد در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۲

۱۲ منکران قیامت ، به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

مکذبان هدایت‌های خدا در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان هدایت ها و انداز های الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مغلطاند .

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى . لَا يَصْلِيهَا إِلَّا ... الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى

ملائکه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۳

۳ - ملائکه موکل ، با تهکم تحقیر آمیز ، به کافران ، برای ورود به جهنم ، فرمان می دهند .

يَغْشِيهِمُ الْعَذَابُ ... وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

ضمير فاعلی <يقول> احتمال دارد به خداوند برگردد و احتمال دارد، منظور ملائکه باشد. برداشت بالا- بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - دوزخ ، دارای نگهبانان و گماشتگانی از فرشتگان است .

علیها ملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱،۵

۱ - نگهبانان دوزخ ، از فرشتگان اند .

علیها تسعه عشر . و ما جعلنا أصحاب النار إلا ملئکه

۵ - عذاب کردن دوزخیان ، تنها وظیفه فرشتگان گماشته شده بر دوزخ

علیها تسعه عشر .. و ما جعلنا عدّتهم إلا فتنة للذین كفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <عده> به معنای جماعت (قاموس المحيط) و <فتنه> به معنای عذاب باشد؛
یعنی، <و ما جعلنا جماعتهم إلا عذاباً للذین كفروا>.

ملائکه حاملان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - > [عن رسول الله في قوله تعالى < و جىء يومئذ بجهنم > انه] قال : يجىء بها سبعون ألف ملك يقودونها بسبعين
ألف زمام ؛

[از رسول خدا(ص) درباره قول خدای تعالی < و جىء يومئذ بجهنم > روایت شده که [فرمود: هفتاد هزار فرشته، جهنم را با
هفتاد هزار بند می کشند و می آورند].

منازعه در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ جهنم، جایگاهی آکنده از جدال و ستیز دوزخیان با یکدیگر

كلما دخلت .. قالت أخريهم لأوليهم ربنا

۱۱ دوزخیان پیرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران کفر و شرک، علیه آنان اقامه دعوا خواهند کرد.

حتى إذا ادركوا فيها جميعا قالت أخريهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

>حتى إذا ادركوا .

> یعنی تا آنگاه که امتها بر یکدیگر ملحق و مجتمع گردند. <ادارکوا> در اصل تدارکوا بوده و پس از ساکن کردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخريهم لأولیهم . . . و قالت أليهم لأخريهم فما كان

منافقان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۴، ۱۵

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنْفِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

۱۵ جهنم ، جایگاه و مجمع تمامی منافقان و کافران

إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنْفِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۵ - ۱

۱ جایگاه منافقان ، در پایین ترین و پست ترین طبقات آتش جهنم است .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ منافقان ، اهل دوزخند .

ألا في الفتنة سقطوا و إن جهنم لمحيطه بالكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۵

۵ منافقان ، مخلد در آتش دوزخند .

من يحادد الله و رسوله فان له نار جهنم خلدأ فيها

با توجه به اینکه آیات قبل و آیه بعد بیانگر خصلتهای منافقان است، برداشت فوق

استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد الله المنفقين و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۵

۵ جهنم ، جایگاه کافران و منافقان و فرجامی سخت و دردناک برای آنان

و مأویهم جهنم و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۳

۳ گریه های طولانی منافقان در آتش سوزان دوزخ

قل نار جهنم أشد .. و لیبکوا کثیراً

برداشت فوق با توجه به این است که <فلیضحکوا قليلاً و لیبکوا کثیراً> متفرع بر <قل نار جهنم أشد حراً> در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۲، ۱۳

۱۲ دوزخ ، جایگاه و فرجام نهایی منافقان متخلف از جهاد

مأویهم جهنم

۱۳ پلیدی منافقان و دوزخی بودن آنان ، نتیجه اعمال ناشایست و مستمر خود آنان است .

إنهم رجس و مأویهم جهنم جزاء بما كانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۳، ۱۰

۱۰ سقوط در آتش دوزخ ، فرجام منافقان کفرپیشه

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. فانهار به فی نار جهنم

۱۳ منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و

كفراً و تفریقاً .. و إِرصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۱۳

۱۳ - جهنم ، مهیا شده از سوی خداوند برای منافقان و مشرکان

و أعدّ لهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۳،۶،۷

۳ - آتش دوزخ ، اقامتگاه دائمی کافران و منافقان

مأویکم النار

<مأوی> به معنای مسکن می باشد. جمله اسمیه بیانگر دوام و ثبات است.

۶ - آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و منافقان

هی مولیکم

۷ - دوزخ ، جایگاه نهایی کافران و منافقان

فالیوم لایؤخذ منکم فدیة و لا من الذین کفروا. .. و بسّ المصیر

<مصیر> (معادل <مرجع>) و به جایگاهی گفته می شود که حرکت به آن جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۵،۶

۵ - منافقان ، اهل آتش دوزخ اند .

أولئک أصحاب النار

۶ - منافقان ، در آتش دوزخ جاودان خواهند ماند .

هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۳

۳ - کافران و منافقان همراز ایشان ، دارای فرجامی همگون در آتش دوزخ

فكان عقبتهما أنّهما في النار خلدین فیها

از تشبیه کافران و منافقان به شیطان و پیراون او در آیه قبل، برداشت یاد شده از این آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۸،۹

۸ - دوزخ ، جایگاه و مأوای کافران و منافقان است .

و مأویهم

۹ - جایگاه و سرنوشت منافقان و کافران ، در قیامت یکسان است .

و مأویهم جهنم

منحرفان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۶ - ۱،۲

۱- جباران منحرف ، علاوه بر هلاکت دنیوی ، در آخرت نیز گرفتار جهنم می شوند .

و خاب کلّ جبار عنید . من ورائه جهنم

۲- به جباران منحرف ، در جهنم ، آبی چرکین و متعفن نوشانده می شود .

من ورائه جهنم و یسقی من ماء صدید

<صدید> به معنای چرکی است که بین گوشت و پوست به وجود می آید. این واژه در نوشیدنیهای جهنمیان استعمال می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۱،۲

۱- جباران منحرف ، آب چرکین جهنم را جرعه جرعه با کراهت تمام خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . یتجرّعه و لایکاد یسیغه

<إسأغه> به معنای ریختن شراب در حلق است. بنابراین مراد از <لایکاد یسیغه> این است که آنان نمی خواهند به چنین نوشیدنی نزدیک شوند.

۲- تشنگی شدید جباران منحرف در جهنم به حدی است که علی رغم کراهت و بی میلی شدید ، از آب چرکین خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . یتجرّعه و لایکاد یسیغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۴

۴ - منحرفان از راه توحید ، گرفتار آتش دوزخ خواهند بود .

إِنَّ الَّذِينَ يَلْحَدُونَ .. أَفْمَن يَلْقَى فِي النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۱

۱ - ظالمان و منحرفان

از حق ، هیزم جهنم اند .

و أما القسطون فكانوا لجهنم حطباً

منشأ آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۱

۱ - پیدایش آتش جهنم و برافروخته شدن آن ، وابسته به خداوند و خواست مستقیم او است .

نار الله

استناد آتش جهنم به خداوند با آن که هر آتش دیگری نیز مخلوق او است نشانگر ظهور وابستگی آن به خداوند است؛ به گونه ای که تنها، به فرمان او برمی افروزد و می سوزاند.

منشأ دوری از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۳

۳- دوری عده ای از آتش جهنم ، براساس وعده نیک الهی به ایشان در دنیا است .

إنّ الذین سبقت .. مبعدون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که <الحسنی> صفت برای موصوفی محذوف چون <الوعده> باشد.

منشأ نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - اعتراف متقین به نقش اصلی ربوبیت خداوند ، در هدایت آنان به بهشت و نجات از دروخ

فکھین بما ءاتیهم ربهم و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

قید <بما آتاهم..> می رساند که پارسایان بهشتی، در عین برخورداری از نعمت ها، گرفتار غفلت نشده و مغرور به تقوای خود نمی باشند؛ بلکه توجه دارند که به هر نعمتی رسیده اند و از هر بلایی که رهیده اند جز در پرتو امداد و رهنمودهای رشد آفرین خداوند و الطاف او نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور

۱ - اذعان متقین در بهشت ، به نقش لطف الهی در رهایی آنان از عذاب دوزخ و ورود ایشان به بهشت

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

منظره جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۲،۵

۲ جهنم ، دارای منظره ای بس هول انگیز

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

مواد آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۹

۹ - گناهان همسر ابولهب ، در قیامت باری سنگین بر دوش او و برافروزاننده آتش جهنم خواهد بود .

حَمَّالَةَ الْحَطَبِ

مراد از <حطب> ، می تواند گناهان باشد که مانند هیزم آتش را شعلهور می سازد.

موانع جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۷ - ۳

۳ - مؤمنان نیک کردار ، گرفتار عذاب ابدی جهنم نخواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... فِي نَارِ جَهَنَّمَ... إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ

موانع جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۷

۷- رهایی از آتش دوزخ، در گرو ایمان به قرآن و تصدیق رسالت پیامبر (ص) است.

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل، به دست می آید.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ خوف از خداوند و یا معاد ، مانع ظلم و گناه و گرفتار آمدن به عذاب دوزخ

انی اخاف الله رب العلمین. انی ارید ان تبوا بائمی ... فتکون من اصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - توبه ، مانع عذاب جهنم است .

ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۸

۸ - ذکر نام خدا و روی آوردن به نماز ، نشانه پندپذیری از قرآن ، ترس از خداوند و مایه دوری از آتش دوزخ است .

سیدّکر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار ... قد أفلح من ... فصلی

موانع نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۲

۲۲ ستمکاران هیچ یآوری برای نجات از آتش دوزخ ندارند .

و ما للظلمین من انصار

موجبات جاودانگی در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۱

۱ جنبه گیری در برابر خدا و رسول (ص) و خصومت با آنان ، مستلزم خلود در آتش دوزخ است .

من يحادد الله و رسوله فان له نار جهنم خلداً فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۲۲

۲۲ - ظلم و ستمگری ، موجب جاودانگی انسان در آتش دوزخ

است .

ألا إنّ الظلمين فى عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۳

۳- اعراض و روی گردانی از پیام حق ، موجب جاودانگی در آتش جهنم

إنّکم مکثون . . . أكثرکم للحقّ کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۰

۲۰- بی تقوایی و هواپرستی ، منتهی به خلود در آتش دوزخ

زین له سوء عمله و اتّبعوا أهواءهم . . هو خلد فى النار

موجبات جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۸

۸- آتش دوزخ ، مهیا شده برای کفرپیشگان

أعدّت للكفرین

اعداد (مصدر اعدت) به معنای حاضر کردن و مهیا ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۶

۶- کفر به پیامبر (ص) و اسلام ، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد .

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . . من کسب سیئه . . هم فیها خلدون

آیه مورد بحث (من کسب ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أفتطمعون أن يؤمنوا لكم> (آیه ۷۵) به دست می آید - از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و

روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من كفر . . . ثم أضطره إلى عذاب النار

اضطرار؛ یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لايكلهم الله يوم القيامة . . . ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۵

۱۵ ازدواج با مشرک ، زمینه ساز انحراف و دخول در جهنم است .

و لا تنكحوا . . . اولئک يدعون الى النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱،۶

۱ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی ، عامل دخول و جاودانگی در آتش جهنم

و من يعص الله و رسوله و يتعدّ حدوده يدخله ناراً

۶ نافرمانی مستمر و تجاوز دایمی از حدود الهی ، موجب جاودانگی در آتش

و من يعص الله . . . و يتعدّ حدوده يدخله ناراً خالداً فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

آدمکشی از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم ... و من يفعل ذلك عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

در برداشت فوق <ذلك> اشاره به <قتل نفس> گرفته شده است.

۲ تصرف به ناحق در اموال دیگران از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم ... و من يفعل ذلك عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه <ذلك> اشاره به <لا تاكلوا> و یا مجموع <لا تاكلوا ... و لا تقتلوا> باشد.

۶ خودکشی ، تجاوز و ستمگری است و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ . *

و لا تقتلوا انفسکم ... و من يفعل ذلك ... فسوف نُصلیه ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۴

۱۴ شرک ، از گناهان کبیره و موجب گرفتاری به آتش دوزخ

ان الله لا يغفر ان يشرك به

امام صادق (ع) در معرفی و شمارش گناهان کبیره فرمود: ... و هنّ مِمّا اوجب الله عز و جلّ عليهن النار قال الله عزّ و جلّ:
<ان الله لا يغفر ان يشرك به ... >

عقاب الاعمال "مترجم" ، ص ۵۲۵ ، ح ۱ ، باب عقاب من اتى الكبائر / نورالثقلین ، ج ۱ ، ص ۴۸۸ ، ح ۲۹۲ .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۴،۶

۴ آرزو های شیطانی ، تحریم حلال های الهی و تغییر در آفرینش طبیعی و اولیه موجودات ، از عوامل ورود به جهنم

لامنینهم و الامرهم فليبتكنء اذان الانعم .. اولئك ماويهم جهنم

ورود گمراهان و فریب خوردگان از شیطان به جهنم ، حتمی است .

و ما یعدهم الشیطن الا غروراً. أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

بنابر اینکه جمله <لایجدون ..> بیان و تأکید حقیقتی باشد که جمله <ماویهم جهنم> آن را افاده می کند. یعنی آنان که دارای صفات ذکر شده هستند، راهی جز ورود به جهنم ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۲،۵،۶

۲ کفر ، گرایش به ادیان باطل و انجام کردار های ناروا ، راهی است به سوی دوزخ .

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ظرف و زمان هدایت در جمله <والیهدیهم ..> حیات دنیا باشد ؛ بر این مبنا مقصود از هدایت کافران به راه جهنم، فراهم سازی زمینه های کفرپیشگی و اعمال ناروا برای آنان است که سرانجام آن دوزخ خواهد بود.

۵ کفر و ظلم گروهی از اهل کتاب ، موجب خلود آنها در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا .. و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم خلدین فیها

با توجه به آیات قبل مصداق مورد نظر از آیه کافران اهل کتاب می باشند.

۶ کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، مایه خلود در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا .. خلدین فیها ابدأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۲

۲ کفر و تکذیب آیات الهی ، موجب گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و الذین کفروا و

كذبوا بايتنا أولئك اصحب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ قتل و برادر کشی ، ظلم و موجب ورود به آتش دوزخ

قال لاقتلنك قال .. و ذلك جزؤا الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۱،۲۷

۲۱ معتقدان به الوهیت مسیح (ع) محروم از بهشت و گرفتار به آتش دوزخ

قالوا إنّ الله هو المسيح .. فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار

۲۷ شرک ، بزرگترین گناه کبیره و موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

انه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار

از امام صادق(ع) روایت شده: .. اكبر الكبائر، الشرك بالله يقول الله عزوجل: > انه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة مأويه النار ... <

عيون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۳، ب ۲۸ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۶، ح ۷.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۸ - ۳

۳ تکبر، تمرد و اغواگری ابليس، موجب گرفتاری او به آتش دوزخ

ما منعك ألا تسجد .. لأملأن جهنم منكم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ اعراض و امتناع از پذیرش آیات الهی بر اثر کبرورزی و خودبرتربینی، در پی دارنده آتش دوزخ است.

و الذین کذبوا بآیتنا و استکبروا عنها أولئک أصحاب النار

استکبار به معنای کبرورزی و خودبرتربینی است، و چون این کلمه با حرف <عن> متعدی شده، متضمن

معنای اعراض و امتناع است. بنابراین <استکبروا عنها> یعنی اعرضوا عنها متکبرین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۱، ۱۰، ۹

۹ گرفتار شدن به دوزخ نمود زیانکاری تکذیب کنندگان آیات الهی است .

فأولئك هم الخسرون. و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

آیه مورد بحث می تواند توضیح زبانی باشد که در ذیل آیه قبل برای گمراهان بیان شده است.

۱۰ عالمان دینی دنیا دوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لكنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه .. و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

۱۱ جهنم فرجام انسان ها و جنیانی است که خود را از درک معارف و حقایق دین محروم ساخته اند .

و لقد ذرأنا لجهنم .. لهم قلوب لا يفقهون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۲ - ۱

۱ خداوند تکذیب کنندگان آیاتش را بتدریج به ورطه های سقوط می کشاند تا شایسته دوزخ شوند .

و الذين كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون

<استدرجه إلى كذا> یعنی او را بتدریج و گام به گام به چیزی نزدیک کرد. متعلق <سنستدرجهم>، به دلیل آیه ۱۷۹، جهنم است ؛ یعنی تکذیب کنندگان را بتدریج به جهنم نزدیک می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۵، ۴، ۲

۲ روی گردانان از جبهه نبرد جز برای اتخاذ تاکتیک های جدید مورد غضب الهی و مستحق جهنم

و من يولهم .. فقد

باء بغضب من الله و مأويه جهنم و بئس المصير

کلمه <بوء> چنانچه با حرف <باء> متعدی شود می تواند به معنای متحمل شدن باشد. بنابراین <باء بغضب من الله> یعنی خشم خداوند را بر خود هموار ساخت.

۴ جهنم ، جایگاه فراریان از جبهه نبرد

و من یولهم .. مأويه جهنم

۵ جهنم ، جایگاه مغضوبین در گاه خداوند

فقد باء بغضب من الله و مأويه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۶

۶ کفر و نفاق ، عامل دوزخی شدن انسان

جهنم الکفار و المنفقین .. و مأویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۸

۸ استمرار بر گناه ، مستلزم عذاب دوزخ و رنج طولانی

قل نار جهنم أشد .. جزاء بما كانوا یکسبون

<کانوا یکسبون> مفید استمرار است. زیرا فعل مضارع آن گاه که با <کان> و نظایر آن استعمال شود، بر استمرار دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۴

۱۴ قرار دادن پایگاه و امکانات در اختیار دشمن خدا و دین ، ظلم و موجب سقوط در آتش است .

و إرصاداً لمن حارب الله .. فانهار به فی نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۴

۱۴ استمرار و پافشاری بر کفر، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناک دوزخ است .

والذین کفروا لهم .. عذاب أليم بما كانوا يكفرون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸ - ۳

۳ بزهکاری و زشت کرداری ، عامل گرفتار شدن به آتش دوزخ

أولئك مأويهم النار بما كانوا يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ شك و شبهه در راستی و درستی قرآن ، مایه گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

فالنار موعده فلاتك في مريه منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۹۸ - ۷

۷ آتش دوزخ ، فرجام پیروی نکردن از رسولان الهی است .

و لقد أرسلنا موسى .. إلى فرعون و ملايه فاتبعوا أمر فرعون ... و بسئ الورد المور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۲،۴،۱۵

۲ تمایل به ستمگران و اتکای بر آنان ، موجب گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

و لا تتركوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار

۴ شرک و پرستش غیر خدا ، ظلم و درپی دارنده آتش دوزخ است .

و لا تتركوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار

از مصداقهای مورد نظر برای ظلم به قرینه آیات پیشین شرک‌ورزی و پرستش غیر خداست.

۱۵ > عن رسول الله (ص) : . . . من مدح سلطاناً جائراً و تخفّف و تضعف له طمعاً فيه كان قرينه إلى النار . . . قال الله

عزوجل : > و لا تتركوا إلى الذين ظلموا فتمسكم النار . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است: . . . کسی که سلطان ستمگری را به خاطر طمع داشتن به او، ستایش کند و در برابر

او کوچکی و تواضع نماید در آتش همنشین او گردد ... خداوند عزوجل فرمود: و لاترکنا ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۱۰

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

و لایزالون مختلفین .. و تمت کلمه ربک لأملأً جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربک ..) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأً ..) را به طور کامل محقق ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ آنان که در زمین فساد می کنند ، به سرایی شوم (دوزخ) گرفتار خواهند شد .

و الذین .. یفسدون فی الأرض ... لهم سوء الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۳

۳- سردمداران کفر و شرک عامل اصلی دوزخی کردن قوم خویشند .

أحلّوا قومهم دار البوار . جهنم یصلونها

برداشت فوق مبتنی بر این است که < جهنم یصلونها > بدل از < دار البوار > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۳ - ۳

۳- پیروی از ابلیس و گمراه شدن ، از عامل های گرفتار شدن به جهنم

اتبعك .. و إن جهنم لموعدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۸

۸- کفر ، عامل گرفتار شدن به عذاب ابدی جهنم

الکفرین .. فادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱۱، ۱۲

۱۱- بی شک کیفر مشرکان افترا زنده بر خدا ، آتش است .

لاجرم أن لهم النار

۱۲- افترا زدن به خداوند و دادن نسبت های ناروا به او ، در پی دارنده آتش جهنم است .

عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ . و يجعلون لله البنت ... و يجعلون لله ما يكرهون ... لاجرم أن ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۱

۱۱- ذلّت و شکست ، مجازات دنیوی فسادانگیزان و عذاب جهنم ، کیفر اخروی آنان است .

لتفسدنّ فی الأرض .. و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكفرین حصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۱

۱- دنیاطلبی ، عامل گرفتاری انسان به آتش دوزخ است .

من کان یرید العاجله .. جعلنا له جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٩٨ - ٢

٢- آتش همواره شعلهور هتّم ، كىفر كفر به آيات الهى و انكار روز رستاخيز

كلّما خبت زدنهم سعيرًا . ذلك جزاؤهم بأنهم كفروا بأيتنا و قالوا أءذا كنا عظم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - كهف - ١٨ - ٥٣ - ٤

٤- شرك ، جرم و

گناه است و آتش دوزخ را در پی دارد .

نادوا شركاءى . . و رءا المجرمون النار فظنوا أنهم مواقعوها

مصدق بارز جرم، در این آیه، به قرینه آیه قبل، شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۴

۴- کفر، زمینه ساز گرفتاری به دوزخ است .

و عرضنا جهنم يومئذ للكافرين عرضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- پذیرش ولایت غیر خدا، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أن يتخذوا عبادى من دونى أولياء إنا أعتدنا جهنم للكافرين نزلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۱،۴

۱- دوزخ، جزای کافران به آیات الهی و منکران معاد است .

ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا

مراد از کفر، به قرینه آیه قبل، کفر به آیات خدا و معاد است.

۴- استهزای آیات و پیامبران الهی، شیوه کافران و عامل دوزخی شدن و حبط عمل آنان است .

جزاؤهم جهنم بما كفروا واتخذوا آيتى و رسلى هزواً

<هزواً> و <هزءاً> به يك معنا است و مصدرى است كه حمل آن بر <آيات> و <رسل> برای مبالغه است. راغب، آن را <شوخی ناآشكار> و دیگران، آن را <تمسخر> معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۸،۱۱

۸- ظلم ، موجب استحقاق دوزخ است .

و نذر الظلمین فیها جئیا

تکیه بر عنوان <ظلم> برای باقی ماندگان در دوزخ، از نقش ظلم در استحقاق آن کیفر حکایت دارد.

۱۱- تقوا ، موجب

نجات از جهنم و پایداری بر ظلم ، موجب بقای در آن

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذِرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا

<اتقوا> فعل و نشان دهنده حدوث است؛ ولی <ظالمین> اسم و دال کننده بر ثبوت است بنا بر گفته برخی از مفسران، این تفاوت به جهت بیان رحمت گسترده الهی است که اگر کسی فعل تقوا به او منتسب گردد، نجات می یابد؛ ولی تا کسی به وصف ظلم متصف نگردد و عنوان <ظالم> بر او صدق نکند، در دوزخ ماندگار نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۶

۶- شرک‌ورزی و پرستش معبودهای باطل ، گناهی بزرگ و موجب دوزخی شدن است .

و نسوق المجرمین إلی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۲

۲ - کفر ، جرم و گناه است و کافران مجرم و دوزخی اند .

إِنَّهٗ مِنْ يَأْت رَبَّهُ مَجْرَمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ

لام در <له جهنم> بر استحقاق دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۷، ۴، ۱

۱- اگر فرشتگان ادعای الوهیت کنند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یقل منهم إتی إله من دونه فذلک نجزیه جهنم

۴- جهنم ، کیفر مدعیان دروغین الوهیت است .

و من یقل منهم إتی إله من دونه فذلک نجزیه جهنم

۷- جهنم ، کیفر تمامی ستمگران است .

نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۰ - ۹

۹- کفر ، موجب دخول ناگهانی در آتش فراگیر

الذین کفروا .. وجوههم النار ... تأتیهم بغته ... ولا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۵

۵- پرستش غیر خدا ، کفر و مستوجب جهنم است .

الذین کفروا .. إنکم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۵

۵- شرک ، گناهی بزرگ و مستوجب خلود در آتش جهنم است .

إنکم و ماتعبدون من دون الله حسب جهنم .. و کل فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۵،۳،۲

۲- شیطان ، عنصری است گمراهگر و دوزخی پرور .

کل شیطن مرید . کتب علیه... فانه یضله و یهدیه إلی عذاب السعیر.

۳- گمراه سازی و دوزخی پروری ، خمیره و سرشت تغییرناپذیر شیطان است .

کتب علیه.. فإنه یضله و یهدیه إلی عذاب السعیر

جمله <کتب علیه> (بر او نوشته شد) بیانگر این نکته است که شیطان، مخلوقی است که سرشت او با گمراه گری و کشاندن مردم به سوی دوزخ، آمیخته شده و غیر قابل تغییر است.

۵- گرفتار شدن به عذاب دوزخ ، سرنوشت محتوم و فرجام شوم کسی است که خود را در قلمرو ولایت شیطان قرار دهد و از او پیروی کند .

کتب علیه أنه من تولاه.. و یهدیه إلی عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ و عذاب سخت آن ، دستاورد خود انسان ها است .

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۵

۵ - شرک و انکار ربوبیت خدا ، گناهی نابخشودنی و گرفتار کننده به آتش دوزخ است .

فالذین كفروا قَطَّعت لهم ثياب من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱،۱۵

۱ - کفر به خدا و سرپیچی از عبادت او ، گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

إِنَّ الذین کفروا و یصدّون عن سبیل اللّٰه

مراد از <الطیب من القول> همان طور که در آیه پیش گفته شد کلمه توحید و <صراط حمید> عبادت خدای یگانه است. بنابراین با توجه به ارتباط این آیه با آیه پیش، می توان گفت: <کفروا> در <إِنَّ الذین کفروا> به تقدیر <کفروا بالطیب من القول> است و مراد از <سبیل اللّٰه> در <یصدون عن سبیل اللّٰه>، عبادت و پرستش خدای یگانه می باشد. قابل ذکر است که <الذین> اسم <إِنَّ> و خبر آن محذوف است و تقدیر آن به قرینه ذیل آیه چنین می شود: <إِنَّ الذین کفروا... نذیقهم من عذاب ألیم>.

۱۵ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفر هر نوع انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام

و من یرد فیه یالحاد بظلم نذقه من عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲،۸

۲ - عذاب دوزخ ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا فأولئک لهم عذاب مهین

۸ - استکبار در برابر خدا و آیات

او ، در پی دارنده عذاب ذلت بخش و خوار کننده دوزخ

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا .. عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۵

۵ - گرفتار شدن در تنگنای عذاب دوزخ ، فرجام ظلم و تجاوز

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِن عَدْنَا فَإِنَّا ظَلْمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۳

۳ - بینش غلط نسبت به هدف آفرینش (بازگشت به سوی خدا) ، ریشه انحرافات بشر و عامل دوزخی شدن وی

قالوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا .. أَفْحَسَبْتُمْ أَنَّمَا ... لَا تَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۳

۳ آتش بر افروخته و پراشتهای دوزخ ، کیفر تکذیب قیامت

و أَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا

<سعیر>، به معنای آتش پراشتهای و برافروخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۵،۸

۲ - به همراه بردن گناهان تا صحنه قیامت ، عامل دوزخی شدن انسان

و من جاء بالسَّيِّئَةِ فَكَيْتٌ وَجْهَهُمْ فِي النَّارِ

به کارگیری واژه <جاء> ممکن است اشاره به این داشته باشد که کردار بد، در صورتی زیان بخش است که انسان از آن

توبه نکند و با سنگینی بار گناه در عرصه قیامت حاضر شود.

۵- کیفرهای اخروی و آتش دوزخ، ظهور و بروز کردار بد خود آدمی

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

جزا دیدن انسان با نفس عمل خود (ما کنتم تعملون) بیانگر این معنا است که ماهیت عمل زشت، خود آتش است

که در قیامت برای انسان آشکار می شود.

۸- اصرار بر گناهان و بدی ها ، عامل اصلی چشیدن آتش دوزخ

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

تعبیر <کنتم تعملون> ماضی استمراری و بیانگر عمل مستمر است، نه عمل مقطعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۵

۵- هلاکت دنیوی و آتش دوزخ ، پی آمد حکومت های مستکبر ، ستمگر و فاسد (چونان فرعونیان)

إنهم كانوا قومًا فسقین .. إینه لا یفلح الظلمون ... و استکبر هو ... و جعلنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۶

۶- مجرمان و منکران قیامت ، به عذاب ابدی و پایان ناپذیر گرفتار خواهند شد .

و لو ترى إذ المجرمون .. و ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۲

۲- فسق ، عامل گرفتار شدن به آتش است .

و أما الذین فسقوا فمأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰، ۶

۶- دوزخ ، پی آمد پاسخ دادن به ندای شیطان و حرف شنوی از او است .

إنما یدعوا حزبه لیکونوا من أصحاب السعیر

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پراشتهای دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۵

۵ - عبادت نکردن خدای

یکتا و پیروی از شیطان ، موجب دوزخی شدن است .

ألم أعهد إليكم بيني و آدم أن لاتعبدوا الشيطان . .. و أن اعبدوني ... و لقد أضلّ م

برداشت یاد شده از ارتباط میان این آیه و آیات پیشین به دست می آید؛ یعنی، آیه شریفه بیانگر نتیجه و پی آمد عمل نکردن به توصیه های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۳

۳ - کفر مستمر ، سبب دوزخی شدن است .

اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون

<باء> در <بما> برای سببیت و فعل مضارع <تکفرون> به ویژه با آمدن فعل <کنتم> بیانگر استمرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۳

۳ - شرک و هم نشینی و هم فکری با مشرکان ستم پیشه ، عامل دخول در دوزخ

احشروا الذین . . . یعبدون . من دون الله فاهدوهم إلى صراط الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۲، ۱

۱ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی (دوزخ) در نظر سران شرک

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علينا قول ربّنا إنّنا لذائقون

۲ - روح طغیان و حق ناپذیری ، عامل دوزخی شدن و استحقاق کیفر الهی

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علينا قول ربّنا إنّنا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - عذاب دوزخ ، کيفر شرک و استکبار ، در مقابل کلمه

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا...> تعلیل برای جملات پیشین است که در آنها از دوزخی بودن کافران و مشرکان سخن به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۶ - ۴

۴ - انکار رسالت پیامبر اسلام (ص)، موجب عذاب دوزخ

فإنَّهم يومئذ في العذاب... و يقولون... لشاعر مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الأليم. و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۵۵ - ۳

۳ - منکران قیامت، در وسط دوزخ جای خواهند داشت.

فرءاه في سواء الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۶۹ - ۳

۳ - تقلید کورکورانه دوزخیان ستمگر در عقاید دینی و مبانی فکری از پدران خود، موجب دوزخی شدن آنان گردید.

ثم إنَّ مرجعهم لآلی الجحيم. إنَّهم ألقواء اباؤهم ضالین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إِنَّهُمْ أَلْفَوْا..> تعلیل برای جملات پیشین (عذاب شدن و دوزخی گشتن کافران) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۷۰ - ۴

۴ - دنباله روی کورکورانه دوزخیان در رفتار و کردار و مواضع فردی و اجتماعی خود از

پدران خویش ، موجب دوزخی شدن آنان گردید .

ثم إن مرجعهم لآلى الجحيم . إنهم ألقوا ... فهم على آثرهم يهرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۳

۳ - نقش اختیار و انتخاب انسان ، در بدفرجامی و دوزخی شدن خود

إلا من هو صال الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۳،۵

۳ - پیروان طاغیان ، آنان را عامل دوزخی شدن خود معرفی می کنند .

أنتم قدّمتموه لنا

۵ - طاغیان و پیروانشان ، درصدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لامرحبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا فبئس القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۱ - ۴

۴ - طاغیان ، به اعتقاد پیروانشان ، عامل دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذابًا ضعفًا فى النار

درخواست عذاب دوچندان برای طاغیان از سوی پیروان آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۵،۶

۵ - تکبر و خودبرتربینی ابلیس و تصمیم وی بر اغوا کردن انسان ها ، موجب گرفتار شدن او به آتش دوزخ

قال فبِعزَّتِكَ لأغوينهم .. قال فالحقّ ... لأملأَنَّ جهنّم منك

٦- پیروی از ابلیس ، موجب استحقاق عذاب دوزخ

لأملأَنَّ جهنّم منك و ممّن تبعك منهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٦ - زمر - ٣٩ - ٨ - ٢١

٢١ - شرک و ناسپاسی

خدا ، موجب گرفتاری به آتش جهنم

قل تمتع بكفرک قليلاً إِنَّكَ من أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۴

۴ - خسارت و از دست دادن سرمایه عمر و خانواده ، موجب آتش شدید و فراگیر دوزخ

الذین خسروا ... لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۷

۷ - تکبر ، عامل روسیاهی اخروی و استحقاق جهنم

أليس في جهنم مثوى للمتكبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ - کفر به خدا و انکار روز رستاخیز ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و لكن حَقَّتْ كلمه العذاب على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۳

۳ - تکذیب پیامبران و ستیزه جویی با آیات الهی ، موجب دوزخی شدن انسان ها

و كذلك حَقَّتْ كلمت ربك على الذين كفروا أَنَّهُمْ أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۲

۲ - کفر به خدا و شریک قرار دادن برای او ، عامل دوزخی شدن انسان

تدعوننی إلى النار . تدعوننی لأکفر بالله و أشرك به

جمله <تدعوننی لأکفر بالله..> بیان برای جمله <تدعوننی إلى النار> در آیه پیش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۹

۹ - اسراف و زیاده روی در گناه و حق ستیزی ،

موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۶،۷

۶ - پیروی کورکورانه از مستکبران و منحرفان ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ است .

وَ إِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضَّعِيفُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا

۷ - استکبار و به استضعاف کشیدن جامعه ، موجب گرفتاری در آتش دوزخ است .

وَ إِذْ يَتَحَاوُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضَّعِيفُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۵

۵ - مخالفت عمدی و ستیزه جویانه کافران با پیامبران ، موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب الهی

قَالُوا أَوْ لَمْ تُكْتَبْ تَأْتِيكُمْ رَسُولُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دَعْوُ الْكُفْرِ

اعتراف کافران دوزخی به این که به پیامبران و دلایل روشن آنان دست یافته بودند، نشان می دهد که مخالفت آنان با تعالیم آسمانی، از روی عمد و ستیزه جویانه بوده است و همین موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۹

۹ - ستم پیشگی ، موجب پذیرفته نشدن عذر آدمی از گناه ، محرومیت از رحمت خدا و جای گرفتن در سرای بد

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذرتهم و لهم اللعنه و لهم سوء الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۴،۵،۶،۹

۴ - آنان که از سر کبر و خودخواهی به عبادت

خدا نمی پردازند ، محکوم به دوزخ اند .

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

۵ - خودداری از عبادت خدا از سر تکبر و بزرگ منشی ، موجب دوزخی شدن است .

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

۶ - کسانی که از عبادت خداوند کبر میورزند ، با خواری و ذلت به دوزخ وارد خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

<داخرین> (از ماده <دَخَرَ>) مرادف <صغر و ذل> (کوچک و ذلیل شد) بوده و حال برای ضمیر <سیدخلون> است.

۹ - < فِي الصَّحِيفَةِ السَّجَّادِيَّةِ : وَ قُلْتُ : > ادعونی أستجب لكم إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخرین < فسمیت دعاءك عباده و تركه استكباراً و توعدت علی تركه دخول جهنم داخرین ... >

در صحیفه سجادیه آمده است: [خدایا] تو فرمودی مرا بخوانید تا شما اجابت کنم [و فرمودی] کسانی که از روی کبر از عبادت من روی برمی گردانند، به زودی با ذلت وارد دوزخ خواهند شد. پس خواندن خودت را عبادت نامیدی و ترک آن را استکبار خواندی و بر ترک آن وعده دخول ذلیلانه به جهنم را دادی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۶

۶ - شرکوری و تکذیب پیامبران الهی ، در پی دارنده آتش دوزخ است .

و یوم یحشر أعداء الله إلى النار

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد تکذیب پیامبران بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۳

۳ - کفر به قرآن و

وحی ، پس از مواجهه با آن [و درک حقانیت آن] مستلزم دوزخی شدن انسان است .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ

تعبیر <لَمَّا جَاءَهُمْ> بیانگر این است که اساساً کفر و انکار زمانی تحقق می یابد که انسان با کلام وحی روبه رو شده و آن را فهم کرده باشد. سپس به انکار آن پرداخته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۵

۵ - تقسیم انسان ها به بهشتی و دوزخی ، نتیجه برخورداری آنان از اختیار و حق انتخاب

فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ . و لو شاء الله لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَحِدَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ . و ما كان لهم من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۲

۲ - گناه پیشگی ، عامل ورود به جهنم و جاودانگی در عذاب

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۳،۴

۳ - انسان ، خود باعث دوزخی شدن خویش است ؛ نه خداوند .

و ما ظلمنهم و لكن كانوا هم الظالمين

۴ - گناه پیشگی و ظلم مستمر ، باعث دوزخی شدن انسان

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ . . . و لكن كانوا هم الظالمين

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لكل أفاك أئيم .. اتخذها هزواً ... عذاب مهين . من ورائهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ؛ و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقيا في جهنم كل كفار عنيد

وصف <كفار> و <عنيد> مشعر به علیت است ؛ یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق ؛ گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرزصون .. یوم هم علی النار یفتنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۴ - ۲

۲ - عذاب آتش دوزخ ، دستاورد خود کافران و منکران معاد

ذوقوا فتنکم

اضافه <فتنه> به <کم> ، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - کیفر دوزخ برای تکذیب کنندگان دین ، بازتاب قهری عملکرد مستمر خود آنان

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

۶ - آتش دوزخ ، تجسّم و عینیت اعمال ناروای خود کافران برای ایشان

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

تعبیر <تجزون ما> به جای <تجزون بما> بیانگر این معنا است که خود عمل، جزا واقع می شود و این در صورتی است که عمل ناروا تجسم پیدا کند.

۷- عذاب دوزخ، ستمی از سوی کافران به خویش و نه از جانب خداوند

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۸- اصرار و مداومت بر کفر و حق ناپذیری، در پی دارنده عذاب آتش دوزخ

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

فعل <کنتم تعملون>، ماضی استمراری و بیانگر اصرار و مداومت شخص، بر عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۴

۴- تکذیب قیامت و کیفر آن، از عوامل دوزخی شدن

هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون

از این که دوزخ به تکذیب گران آن معرفی می شود، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۵ - ۲،۳

۲- گذراندن زندگی دنیا همراه با بی پروایی، سرمست شدن به ثروت و مکنّت و بی رحمی و آدم کشی، در پی دارنده قطعی عذاب هولناک دوزخ

فی سموم و حمیم .. . إنهم كانوا قبل ذلك مترفین

۳- سرمستی، خوش گذرانی و فرو رفتن در ناز و نعمت، از عوامل مهم دوزخی شدن <اصحاب شمال>

و أصحاب الشمال .. . إنهم كانوا قبل ذلك مترفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۶ - ۲،۳،۴

۲ - اصرار و پافشاری < اصحاب الشمال > بر پیمان شکنی ، عامل دوزخی شدن آنها

و

كانوا يصرون على الحنث العظيم

۳- پافشاری و تداوم بخشی بر گناهان بزرگ ، در پی دارنده قطعی دوزخ

و كانوا يصرون على الحنث العظيم

۴- شرکوری ، گناهی بزرگ و نابخشودنی و باعث دوزخی شدن انسان

و كانوا يصرون على الحنث العظيم

برخی از مفسران برآنند که مراد از <حنث> در آیه شریفه، شکستن پیمان توحید است (پیمانی که خداوند فطرتاً و در عالم ذر از انسان ها گرفته است). بر این مبنا، مفاد آیه چنین می شود: اصحاب شمال به خاطر شکستن پیمان توحید و روی آوردن به شرک و اصرار بر آن، گرفتار عذاب دوزخ خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱،۲

۱- توصیه خداوند ، به مؤمنان ، مبنی بر خودسازی و صیانت خویش از عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ .. نَارًا

بنا به گفته مفسران، مقصود از محافظت خود از آتش، صیانت خویش از موجبات و عواملی است که منجر به آتش دوزخ می شود؛ مانند ترک واجبات و یا انجام محرمات.

۲- توصیه خداوند به مؤمنان ، مبنی بر مراقبت از اعضای خانواده خود در برابر عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن آنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا .. أَهْلِيكُمْ نَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۶ - ۲

۲- انکار صفت ربوبیت خداوند ، مساوی با کفر و موجب دوزخی شدن است .

و للذين كفروا برّهم عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کافران دوزخی ، از کسانی اند که پس از اتمام حجت و از روی عمد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکذیب دین پرداختند .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا

۵ - تکذیب عمدی دین ، عامل دوزخی شدن است .

قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۲

۲ - گوش دل نسپردن به سخنان پیامبران و تعقل نکردن درباره آنها ، عامل دوزخی شدن کافران

وقالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۴

۴ - حق گریزی ، از موجبات دوزخی شدن

تدعوا من أدبر و تولّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۴

۴ - زراندوزی ، از موجبات دوزخی شدن

و جمع فأوعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۳

۳ - ظلم و انحراف از مسیر حق ، از موجبات دوزخی شدن

و أما القسطون فكانوا لجهنم حطبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۳ - ۶

۶ - نافرمانی از خدا و رسول او ، موجب ابتلا به آتش دوزخ

و من يعص الله و رسوله فإن له نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۲

۲ - استکبار در برابر حقایق الهی و افترا

بر دین ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ است .

و استکبر . فقال إن هذا إلا سحر ... سأصليه سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۸ - ۴

۴ - دوزخ ، نتیجه و پیامد رفتار و کردار خود دوزخیان است .

سأصليه سقر .. كل نفس بما كسبت رهينه

با توجه به ارتباط میان این آیه و آیات قبل و بعد که درباره دوزخ است مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۳

۳ - جرم ، از موجبات دوزخی شدن انسان ها است .

عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۱،۴

۱ - ترک نماز ، از عوامل دوزخی شدن است .

ما سلککم فی سقر . قالوا لم نک من المصلین

۴ - > عن عقيل الخزاعي ، أن أمير المؤمنين (ع) . . . يقول : تعاهدوا الصَّلاة و حافظوا عليها و استكثروا منها و تقرَّبوا بها فإنَّها كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً و قد علم ذلك الكفَّارُ حين سُئِلوا ما سلککم فی سقر ؟ قالوا : لم نک من المصلین ;

از عقیل خزاعی روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: .. مواظب نماز باشید و بر آن محافظت نمایید و انجام آن را افزون کنید و با نماز به [خدا] تقرّب جوئید. چون نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است، این را کافران نیز می دانند، آن زمان که از آنان سؤال شود:

<چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟> گویند: ما از نماز گزاران نبودیم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۴ - ۱

۱ - اطعام نکردن به مساکین و بینوایان ، از عوامل دوزخی شدن

ما سلککم فی سقر . . . و لم نک نطعم المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۵ - ۱

۱ - به بطالت گذراندن عمر ، از عوامل دوزخی شدن

ما سلککم فی سقر . . . و کنا نخوض مع الخائضین

<خوض> (مصدر <نخوض>)، در اصل به معنای حرکت در آب است (لسان العرب). در این آیه مقصود، اشتغال فراوان به

کار باطل است. (قاموس المحيط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۱

۱ - تکذیب روز جزا ، از عوامل دوزخی شدن

ما سلککم فی سقر . . . و کنا نکذب بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب

در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۹ - ۲

۲ - تکذیب روز جزا ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

انطلقوا إلی ما کنتم به تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از

تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۵ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۷ - ۳

۳ - تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۹ - ۳

۳- تکذیب برپایی قیامت ، موجب عذاب دوزخ و هلاکت ابدی

ویل یومئذ للمکذبین

از آن جا که آیه شریفه، در میان آیات مربوط به قیامت قرار دارد، استفاده می شود که مقصود از تکذیب در آن، تکذیب روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۵

۵ - انکار معاد و حسابرسی قیامت ،

عامل طغیان گری و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

لِّلطَّغِينِ .. إِنَّهُمْ كَانُوا لَیْرَجُونَ حِسَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۶

۶ - تکذیب آیات الهی ، مایه گرفتاری به عذاب جهنم و محرومیت از لذت برودت و آشامیدن آب در آخرت

إِنَّ جَهَنَّمَ .. لَا یَذُوقُونَ ... وَ كَذَّبُوا بَیْتَنَا كَذَّابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۲

۲ - عذاب جهنم و افزایش آن ، نتیجه انکار معاد و تکذیب آیات الهی و عقوبتی متناسب با آن گناهان است .

فذوقوا فلن نزیدکم

<فاء> در <فذوقوا> و <فلن نزیدکم> دلالت می کند که چشیدن عذاب فراینده پیامدی مناسب برای گناهان بیان شده در آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۹ - ۲،۳

۲ - نادیده گرفتن مقام ربوبیت خداوند و زیاده روی در هواپرستی ، فرجامی جز آتش دوزخ ندارد .

فَأَمَّا مَنْ طَغَى .. فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى

از آن جا که مراد از طغیان در <من طغی> به قرینه <من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی> (در آیات بعد) بی اعتنایی به پروردگار و پیروی از هوای نفس است، تهدید به جحیم نیز، درباره کسانی است که این گونه باشند.

۳ - ترجیح دنیا بر آخرت ، مایه گرفتاری به آتش دوزخ

و ءاثر الحیوه الدنیا . فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۶

۶- ورود هر انسان

به بهشت یا جهنم ، سزای کردار او است .

و إذا الجحيم سعرت . و إذا الجنّه أزلقت . علمت نفس ما أحضرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۴

۴ - گرفتاری فاسقان به آتش جهنم ، کیفر فسق آنان است .

یصلونها یوم الدین

تصریح به <روز جزا> بودن قیامت، در بیان عذاب فاسقان، بیانگر آن است که عذاب قیامت جزای فسق آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۱ - ۲

۲ - تکذیب قیامت و کیفر و پاداش الهی ، مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

ویل یومئذ للمکذّبین . الذین یکذّبون بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۷ - ۴

۴ - عذاب جهنم ، کیفر تکذیب کنندگان آن

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۵

۵ - اعطای نامه عمل از پشت سر ، فریاد هلاکت خواهی در قیامت و گرفتاری به آتش جهنم ، برخاسته از استبعاد معاد است .

و أمّا من أوتی . . . إنّه ظنّ أن لن یحور

این آیه، می تواند بیانگر علت برای مطالب قبل باشد که از جمله آنها <أوتی کتابه وراء ظهره> بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - کسانی که در قیامت نامه عمل را از پشت سر دریافت کرده و به دوزخ گرفتار می شوند ، خود عامل پیدایش چنین

سرنوشتی اند .

أَمَا مِنْ أَوْتَى كُتْبِهِ .. وَ يَصْلَى سَعِيرًا ... بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱

۱ - شکنجه گران و سوزانندگان مردم با ایمان ، به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ فَتِنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ

<فتن> (مصدر <فتنوا>) در اصل به معنای داخل کردن طلا در آتش است؛ ولی در مورد داخل کردن انسان در آتش نیز استعمال دارد (مفردات راغب). <فتنه> در قرآن، گاهی به معنای تعذیب (شکنجه دادن) آمده است. (بصائر فیروزآبادی)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۶ - ۳

۳ - برتر دیدن زندگانی دنیا از آخرت ، دیدگاهی ناروا و مایه شقاوت و روی گردانی از تذکرات قرآن و گرفتاری به آتش دوزخ است .

و يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى . الَّذِي يَصْلَى النَّارَ ... بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَوَةَ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۳

۳ - گرفتاری به جهنم ، کیفر کردار های بی ارزش است .

و أَمَا مِنْ خَفَّتْ موزينه . فَأُمَّه هاويه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۴،۵

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جوینان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لَتَرْوَنَّ الْجَحِيمَ .. ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت‌ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از

طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

۵ - افتخار بر دیگران در امتیازات مادی، کفران نعمت و زمینه ساز گرفتاری به دوزخ پس از حسابرسی است.

ألهيكم التكاثر .. ثم لتستلنَّ يومئذ عن النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۳

۳ - نمازخواندن تکذیب کنندگان کیفرهای الهی، بی ثمر بوده و مایه استحقاق عذاب جهنم است.

أرءيت الذي يكذب بالدين ... فويل للمصلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۶ - ۵

۵ - خواندن نماز، برای خودنمایی نزد مردم، نکوهیده و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است.

فويل للمصلين .. الذين هم يراءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۱

۱ - کسانی که از عاریه دادن لوازم منزل، دریغ ورزیده، احتیاجات مردم را نادیده می گیرند، گرفتار نفرین خدایند و عذاب جهنم، فرجام آنان است.

فويل .. و يمنعون الماعون

<ماعون>، عنوان عامی برای اثاثیه منزل، از قبیل دیگ، تیر، و کاسه است (مصباح). این کلمه به معنای کار خیر و باران و آب و هر چیز نافع نیز می آید (قاموس). ریشه آن <معن> (چیزی که کم و آسان باشد) است و برخی اصل آن را <معونه> (ابزار کمک دهنده) دانسته اند. (صحاح اللغة)

موجبات جهنم منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۱۰ - ۲

۲ شك و تردید ، پرتگاهی كه

منافقان بنای شخصیت خویش را بر آن پی افکنده و از آن جا به دوزخ سقوط می کنند .

أَسَسَ بَنِيهِ عَلَى شِفا جَرَفِ هَارٍ .. لَا يَزَالُ بَنِيهِمُ الَّذِي بَنُوا رِيْبَهُ فِي قُلُوبِهِمْ

موجبات نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۷

۷ - اطاعت از خداوند و رسول او ، نجات بخش آدمی از آتش جهنم است .

يَوْمَ تَقَلَّبُ وِجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتُنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وِ أَطَعْنَا الرَّسُولَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۲ - ۴

۴ - پذیرش تذکرات قرآن و خشیت و هراس در برابر خداوند ، مایه رهایی از آتش دوزخ

سَيَذَكَّرُ مِنْ يَخْشَى . وِ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى . الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۹ - ۲

۲ - بذل مال بدون چشمداشت ، از عوامل دور ماندن از آتش جهنم است .

سَيَجْزِيهَا .. يَأْتِي مَالَهُ ... وِ مَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۲

۲ - بذل مال در صورتی نشانه برترین تقوا و مایه ترکیه نفس و نجات از آتش است که تنها به نیت دستیابی به لطف خداوند باشد .

الْآتَقَى . الَّذِي يَأْتِي مَالَهُ ... إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ

موجودیتِ جہنم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۷

۷ جہنم ، بالفعل موجود است . *

اولئک اعتدنا لهم عذاباً الیماً

با

توجه به ماضی آوردن کلمه <اعتدنا> (مهیا کرده ایم).

مؤمنان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۱ - ۷

۷- > عن جابر بن عبد الله قال : ... سمعت رسول الله (ص) يقول : لا يبقى برّ و لا فاجر إلا يدخلها فتكون على المؤمن برداً و سلاماً كما كانت على إبراهيم (ع) ;

از جابر بن عبد الله روایت شده که گفت: .. شنیدم که رسول خدا (ص) می فرمود: هیچ انسان نیکوکار یا زشت کاری نیست مگر این که داخل جهنم می شود؛ پس آتش برای مؤمن سرد و سلامت می گردد؛ همان گونه که برای ابراهیم (ع) شد.

ناگهانی بودن جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز به طور ناگهانی با آتش فراگیر روبه رو خواهند شد .

لا یكفون عن وجوههم النار . . بل تأتيهم بغتة

<بغت> به معنای امر ناگهانی و به دور از محاسبه و پیش بینی است.

نامهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۵

۵ جحیم ، از نام های دوزخ

اصحح الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴ - ۶

۶- سعیر ، از نام های دوزخ است .

إلى عذاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۶

۶ - جحیم ، از نام های دوزخ

أولئك أصحاب الجحيم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که برخی

نوشته اند: <جحیم> یکی از نام های آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۳

۳ - جحیم ، از نام های دوزخ

و بَرَزَتِ الْجَحِيمِ لِلْغَاوِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۳

۳ - <سعیر> ، از نام های جهنم است .

و أَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۱

۱۱ - سعیر ، از نام های دوزخ

أَصْحَابِ السَّعِيرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۷

۷ - جحیم ، از نام های دوزخ

صِرَاطِ الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۵

۵ - عذاب دوزخ از هر سوی منکران قیامت را فرا خواهد گرفت .

برداشت ياد شده از قرار داشتن كافران در وسط دوزخ و نه در حاشيه آن به دست مى آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۳

۳ - < جحيم > ، از نام هاى جهنم

الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۵

۵ - < جحيم > از نام هاى جهنم

الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۴

۲۴ - جحيم ، از نام هاى دوزخ

عذاب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۶

۲۶ - < سعیر > از نام های دوزخ

و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۸

۸ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۴

۴ - < جحیم > از نام های دوزخ

و تصلیه جحیم

برخی از مفسران، < جحیم > را عَلم برای دوزخ دانسته اند. برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۵

۱۵ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۸

۸ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

ما کنا فی أصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۴

۴ - < سعیر > ، از نام های دوزخ

لأصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۳

۳ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

ثمّ الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۵ - ۳

۳ - < لظى > (آتش شعلهور

و خالص) ، از نام های دوزخ

إِنَّهَا لَظَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۶ - ۳

۳ - < سقر > ، از نام های دوزخ

سَأْصَلِيهِ سَقْرُ

< سقر > ، اسم عَلَم برای جهنم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۷ - ۴

۴ - < سقر > ، از نام های دوزخ

و ما أدریک ما سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۴

۴ - < سقر > ، از نام های دوزخ

سقر

< سقر > ، اسم علم برای دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۳

۳ - < جحیم > ، از نام های جهنم

و بَرَزَتِ الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۲

۲ - < جحیم > ، از نام های جهنم است .

و إذا الجحیم سعرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۶ - ۳

۳ - < جحیم > ، از نام های جهنم است . *

ثم إنهم لصالوا الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۲

۲ - < سعیر > ، از نام های جهنم است .

سعیرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۵

۵ - < هاویه > از اسامی جهنم

فأُمَّه هاویه

<هاویه> گرچه منصرف است و نمی تواند علم باشد، ولی

می تواند وصفی باشد که بر جهنم اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۴

۴ - < جحیم > ، از نام های دوزخ

لترونّ الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۶

۶ - < حطمه > ، از نام های جهنم

الحطمه

نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱

۱ پندار باطل گروهی از اهل کتاب و برخی از مسلمانان در مورد نجات از جهنم و ورود به بهشت ، به صرف انتساب به ادیان

الهی

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب

مراد از اسم < لیس > با توجه به آیات گذشته، رهایی از جهنم و ورود به بهشت است یعنی لیس الجنة و المحیص عن النار ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱

۱ منافقان در صورت توبه ، اصلاح گذشته ، تمسک به خدا و اطاعت خالصانه ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ .. الا الذين تابوا و أصلحوا و اعتصموا بالله و أخلصوا دينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۶

۶ نجات از عذاب دردناک دوزخ، فلاح و رستگاری است.

لعلکم تفلحون. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ... لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بیان عذاب دردناک کافران در قیامت پس از راهنمایی مؤمنان به فلاح و رستگاری، حاکی از این است که رها شدن از عذاب،

رستگاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۲

۲۲ سزاواران خلود در جهنم ممکن است با مشیت خداوند از آن رهایی یابند.

خلدین فیها إلا ما شاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۷

۷ رهایی جهنمیان از آتش دوزخ، امری ممکن و محتمل است و به مشیت خداوند بستگی دارد.

خلدین فیها .. إلا ما شاء ربک

منظور از <ما> ی موصوله در <إلا ما شاء ربک> می تواند زمان و مدت باشد. در این صورت <مستثنی منه> مدت زمانی است که به خلود و دوام توصیف شد. بر این اساس حاصل معنای <خلدین فیها...> چنین می شود: دوزخیان در آتش برای همیشه ماندگارند، مگر آنکه خداوند همیشه بودن را ملغی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- آتش قیامت، همانند سراپرده ای فراگیر، راه گریز را بر کافران خواهد بست.

نارًا أحاط بهم سراقها

<سراق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۳،۵،۶

۳- مجرمان، در قیامت، به دوزخی بودن خود و نداشتن راه گریزی از آن، پی خواهند برد.

فظنوا أنّهم مواقعوها و لم يجدوا عنها مصرفًا

بیان دیدگاه مشرکان در مورد ورود به جهنم با فعل <ظَنَ >، حکایت از آن دارد که آنان، در آن شرایط، خود را دوزخی می بینند، ولی هنوز امیدهایی هر چند

واهی به نجات دارند. ولی به زودی درمی یابند که گریزگاهی برای آنان نیست. <مصرفاً> اسم مکان به معنای مکانی است که به آن روی آورند. جمله <لم یجدوا...> یعنی جایی را که بتوانند با پناه بردن به آن، از آتش رها شوند، نمی یابند.

۵- مشرکان ، در قیامت ، در پی یافتن راهی برای نجات خویش از آتش دوزخ اند .

فدعوهم فلم یستجیبوا لهم . . . و لم یجدوا عنها مصرفاً

در آیه قبل، بیان شد که مشرکان، با خواندن معبودان پنداری شان، در صدد نجات خود برخواهند آمد و این آیه، خبر از نافرجامی تلاش آنان داده است.

۶- مشرکان ، در قیامت ، راهی برای نجات خود از آتش نخواهند یافت .

فظنوا أنّهم مواقعوها و لم یجدوا عنها مصرفاً

<مواقععه> در مورد جنگ به کار می رود (مفردات راغب) و مفاد آیه، این است که مشرکان، برای دور ساختن آتش از خود و چیره شدن بر آن، تلاش می کنند ولی راه گریزی نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۱۳، ۱

۱- خداوند ، در پی ورود همگان به دوزخ ، تقواییشان را از آن نجات می دهد .

و إن منكم إلا واردها . . . ثم ننجي الذين اتقوا

۱۳- > عن رسول الله (ص) قال : يردّ الناس النار ثم يصدرون بأعمالهم فأولهم كلمع البرق ، ثم كمرّ الريح ، ثم كحضر الفرس ، ثم كالراكب ، ثم كشد الرجل ، ثم كمشيه ؛

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: مردم وارد آتش می شوند، آن گاه به میزان اعمالشان از آن خارج

می گردند، پس اولین گروه به سرعت تابش برق و گروه بعدی به سرعت وزش باد و گروه بعد مانند دویدن اسب و گروه دیگر مانند سواره و گروهی مانند دویدن مرد و دسته ای مانند راه رفتن مرد [از آتش خارج می شوند].<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۳

۳- کافران دوزخی ، از دفع و برگردانیدن عذاب الهی ، کاملاً ناتوان اند .

فلایستطیعون ردّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۷

۷ - > عن أبي بصير عن أبي عبدالله (ع) . . . وان أهل جهنّم إذا دخلوها هبوا فيما مسيره سبعين عاماً فإذا بلغوا أعلاها قمعوا بمقامع الحديد وأعيدوا في درکها هذه حالهم و هو قول الله عزّوجلّ > كلما أرادوا أن يخرجوا منها . . . ;

ابی بصیر از امام صادق(ع) روایت کرده است: .. اهل جهنم وقتی که داخل آن می شوند، به اندازه سیر هفتاد ساله در آن سقوط می کنند پس زمانی که به بالای آن بیایند، با گزرهای آتشین بر سر آنها کوبیده می شود و به ته جهنم برگردانده می شوند و این حال و وضعیت آنها است و این همان سخن خدا است که فرمود: <كلما أرادوا أن يخرجوا منها...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۲

۲ - یأس کافران از نجات و رهایی ، پس از قرار گرفتن در تنگنای عذاب جهنم

عذاب شدید إذا هم فيه ملبسون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۹

۹ - راه نجات از عذاب جهنم ، به روی تمامی کافران ستیزه جو بسته است .

و ما دعوا الكافرين إلا في ضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإما نريئك بعض الذي نعدهم أو نتوفئك فإلينا يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۵

۵ - راه نجات از عذاب جهنم ، بر روی ستمکاران و گمراه شدگان از سوی خدا ، مسدود است .

و من يضل الله فما له من سبيل

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه شریفه، ناظر به وضعیت گمراه شدگان در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۷

۷- سپاس گزاری متقین از خداوند ، به خاطر رهایی شان از عذاب باد های سوزان و کشنده دوزخ

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقِينَا عَذَابَ السَّمُومِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پرهیزکنندگان از طغیان ، گرچه بر جهنم و کمین کنندگان در آن عبور خواهند کرد ؛ ولی گرفتار آن نخواهند شد . *

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . لِلطَّغْيَانِ مَابًا

چنانچه <للطغیان> متعلق به <ماباً> باشد ، <مرصاداً> مطلق خواهد بود ؛ در این صورت مفاد دو آیه این است که جهنم برای همگان <مرصاد> است ؛ ولی <ماب> و بازگشتگاه همه نبوده و تنها طغیان گران گرفتار آن خواهند شد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۴

۴ - > قال رسول الله : لا يخرج من النار من دخلها حتى يمكث فيها أحقاباً و الحقب بضع و ستون سنه و السنه ثلاثمائة و ستون يوماً كل يوم كالف سنه مما تعدون فلا يتكلم أحد أن يخرج من النار ؛

رسول خدا(ص) فرمود: کسی که داخل آتش جهنم شود از آن خارج نمی گردد ؛ مگر این که چند <حُقب> در آن توقف کند . مراد از <حُقب> شصت و اندی سال می باشد . و سال ۳۶۰ روز است . هر روزی مثل هزار سالی است که شما آن را می شمارید . بنابراین کسی دل خوش نکند که [در نهایت] از آتش خارج خواهد شد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۲

۲ - امداد های ویژه الهی ، مایه دور ماندن اهل تقوا از آتش دوزخ است .

و سيجبها

فعل <يُجِبُّ> گرچه مجهول است ، ولی به قرینه <إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ> در آیات بعد ، این موهبت را خداوند در اختیار آنان می گذارد .

نعمت نجات از جهنم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۶،۷

۶ - رهایی از عذاب دوزخ در پرتو ربوبیت خداوند ، خود نعمتی بزرگ برای تقوایندگان

و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

۷ - بهشتیان ، مسرور و شادمان از لطف پروردگار خویش ، به خاطر رهایی از دوزخ

فکھین بما ءاتھم ربهم و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

نقش آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۲

۲ - نوشاندن آب جوشان و خونابه زخم به دوزخیان طغیان گر ، کیفری هم طراز با طغیان گری آنان است .

إِلَّا حَمِيمًا وَ غَسَاقًا . جزاء وفاقاً

چنانچه کلمه <جزاء> حال برای <حَمِيمًا وَ غَسَاقًا> باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

نقش آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۳ - ۲

۲ - مکان هلاکت باری که بین مشرکان و معبودان پنداری آنها فاصله می شود ، آتش دوزخ است .

و جعلنا بینهم موبقًا . و رءا المجرمون النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۵

۵ - آتش ، وسیله اصلی عذاب و کیفر زیانکاران در قیامت

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۴

۴ - آتش ، وسیله عذاب در دوزخ

یوم یدعون إلی نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۴،۶

۴ - آتش ، ابزار عذاب الهی در

دوزخ

مأویکم النار

۶- آتش دوزخ، تنها یاور کافران و منافقان

هی مولیکم

نقش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- بهشت، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذت جویی و فساد کافران

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . . . و الذین کفروا... النار مثوی لهم

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهند شد. اما کافران اهل رفاه و لذت جویی اند و در پی آن گرفتار آتش خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۸ - ۱۳

۱۳ - < جهنم >، نام محل عذاب در آخرت

حسبهم جهنم یصلونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۱ - ۱

۱ - جهنم، جای کمین مأموران عذاب است.

إنّ جهنم کانت مرصادًا

<مرصاد>، به معنای مکان نگاهبانان و کمین گاه مراقبان است (لسان العرب). برخی از مفسران، آن را مبالغه در <راصد>

می دانند. در این صورت مفاد آیه شریفه این است که جهنم خود در کمین مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۱

۱ - جهنم ، فرجام طغیان گران فرو رفته در گناه است .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ .. لِلطَّغْيَانِ مَابًا

<طغیان>؛ یعنی، بی اندازه در معصیت پیش رفتن (مفردات راغب). <مآب> اسم مکان و از <أوب> به معنای رجوع گرفته شده

است و فرجام هر کس را از آن جهت مآب و مرجع گویند که خود، از پیش آن را فراهم ساخته است.

نقش چرکابه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۲

۲ - نوشاندن آب جوشان و خونابه زخم به دوزخیان طغیان گر ، کیفری هم طراز با طغیان گری آنان است .

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا . جزاء وفاقاً

چنانچه کلمه <جزاء> حال برای <حَمِيمًا وَغَسَّاقًا> باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

نقش نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۶

۶ - برای عرض حاجت دوزخیان ، کسی جز نگهبانان دوزخ وجود ندارد .

و قال الذين في النار لخزنة جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يوماً من العذاب

از این که دوزخیان حاجت خود را تنها برای نگهبانان جهنم مطرح می کنند، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۵

۵ - جهنم ، دارای نگهبان و سرپرستی معین و مشخص

و نادوا يملكك ليقض علينا ربك

خطاب <يا مالک> از سوی جهنمیان، بیانگر این است که جهنم دارای نگهبان مشخصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۲

۲- جهنم ، دارای مأموران و محافظان

خزوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۴

۴ - پاها و موهای جلوی سر مجرمان ، در چنگ مأموران قیامت (برای افکندن

در دوزخ)

فیوخذ بالنوصی و الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۱۰

۱۰ - دوزخ ، دارای نگهبانان و گماشتگانی از فرشتگان است .

علیها ملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۰ - ۲

۲ - نگهبانان دوزخ ، متشکل از نوزده گروه

علیها تسعه عشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱

۱ - نگهبانان دوزخ ، از فرشتگان اند .

علیها تسعه عشر . و ما جعلنا أصحاب النار إلا ملئکه

نگهبانان جهنم در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۸

۸ - تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ ، از حقایق بازگو شده در کتاب های آسمانی پیشین

لیستین الذین أوتوا الكتب

مفسران درباره چگونگی یقین پیدا کردن اهل کتاب از تعداد ذکر شده در قرآن برای نگهبانان دوزخ، گفته اند: چون این

عدد در کتاب های آسمانی اهل کتاب نیز ذکر شده است، آنان به حقانیت و درستی قرآن پی برده اند و بر ایمانشان افزوده شده است.

نگهبانان دائمی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۲

۲ - دوزخ، دارای نگهبانانی دائمی

أصحاب النار

<صاحب> مفرد (<أصحاب>) به معنای ملازم است.

نهرهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۹ - ۱۴

۱۴- > عن أبي أمامه قال: ... قلت: [لرسول الله (ص)] و ما

غَيِّ وَاثَامَ؟ قَالَ: نَهْرَانِ فِي أَسْفَلِ جَهَنَّمَ يَسِيلُ فِيهِمَا صَدِيدُ أَهْلِ النَّارِ وَهُمَا اللَّتَانِ ذَكَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ < فُسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا > وَ
< مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا > ...;

از ابی امامه نقل شده که گفت:.. به رسول خدا(ص) عرض کردم: غَيِّ وَاثَامَ چیست؟ فرمود: دو نهر در پایین ترین مکان جهنم است که چرک و خون بدن جهنمیان در آنها جاری است و این دو، همان است که خداوند در قرآن فرموده است: <فُسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا> و <مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا>...<.

نیاز به آب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۲

۲ - دوزخیان ، گرفتار تشنگی و نیازمند نوشیدنی خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

ورود با صورت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۱

۱ - قیامت ، روز کشانده شدن مجرمان بر صورت هاشان در آتش دوزخ

یوم یسحبون فی النار علی وجوههم

<سحب> (مصدر مجهول <یسحبون>) به معنای کشانده شدن است.

ورود به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۵،۶ - ۳

۳ ورود به جهنم ، زیانی آشکار است .

فقد خسر خسراً مبیناً .. أولئك ماویهم جهنم

جمله <أولئك . . > می تواند بیان خسارتی باشد که در جمله <فقد خسر...> به آن تصریح شده است.

۵ هیچ راه نجات و گریزی از جهنم ، پس از ورود به آن نیست .

أولئك ماويهم جهنم ولايجدون عنها

جمله <لايجدون...> می تواند بیان و توصیف اهل جهنم پس از ورود به آن باشد. کلمه <محيص>، اسم مکان و به معنای گریزگاه است.

۶ ورود گمراهان و فریب خوردگان از شیطان به جهنم، حتمی است.

و ما يعدهم الشيطان الا غروراً. أولئك ماويهم جهنم و لايجدون عنها محيصاً

بنابر اینکه جمله <لايجدون...> بیان و تأکید حقیقتی باشد که جمله <ماويهم جهنم> آن را افاده می کند. یعنی آنان که دارای صفات ذکر شده هستند، راهی جز ورود به جهنم ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۱ - ۶، ۴، ۱

۱- تمامی آدمیان بدون استثنا، در روز قیامت به دوزخ وارد خواهند شد.

و إن منكم إلا واردها

استثنا در سیاق نفی، افاده حصر می کند. از این رو مفاد <إن منكم...> آن است که هیچ کس از ورود به جهنم معاف نخواهد بود. آیه بعد که نجات تقوایندگان از جهنم و باقی ماندن ظالمان در آن را بیان کرده است قرینه بر این است. ضمیر در <منكم>، خطاب به همه انسان ها است؛ نه فقط طیف ظالمان.

۴- ورود همه آدمیان به جهنم، مقتضای ربوبیت خداوند است.

كان على ربك حتماً مقضياً

۶- <عن أبي عبد الله (ع) في قوله: <و إن منكم إلا واردها> قال: أما تسمع الرجل يقول وردنا ماء بني فلان فهو الورد و لم يدخله؛

از امام صادق(ع) روایت شده که در باره (معنای ورود) در سخن خدا <و إن منكم إلا واردها> فرمود: آیا نشنیده ای که شخص می

گوید: بر آب فلان طائفه وارد شدیم؟ در این جا ورود انجام شده؛ در حالی که در آب داخل نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۱۳

۱۳- > عن رسول الله (ص) قال: يردّ الناس النار ثمّ يصدرون بأعمالهم فأولهم كلمع البرق، ثمّ كمّر الريح، ثمّ كحضر الفرس، ثمّ كالراكب، ثمّ كشد الرجل، ثمّ كمشيه؛

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: مردم وارد آتش می شوند، آن گاه به میزان اعمالشان از آن خارج می گردند، پس اولین گروه به سرعت تابش برق و گروه بعدی به سرعت وزش باد و گروه بعد مانند دویدن اسب و گروه دیگر مانند سواره و گروهی مانند دویدن مرد و دسته ای مانند راه رفتن مرد [از آتش خارج می شوند].

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۴ - ۵

۵ - > عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: ... > و تصليه جحيم < في الآخره؛

ابی بصیر گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: ... > تصلیه جحیم < در آخرت است.

ورود ظالمان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱،۱۱

۱ - ستم پیشگان متجاوز به حقوق مردم، عرضه شونده به دوزخ و نزدیک شونده به آن بدون هیچ اختیار

و تریهم يعرضون عليها خشعين من الذلّ ينظرون من طرف خفيّ

تعبیر < يعرضون عليها > به صیغه مجهول، ناگزیری و بی اختیاری

ظالمان در عرصه قیامت را می رساند.

۱۱ - عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و ترهیم يعرضون عليها .. و قال الذين ءامنوا إنّ الخسرین

ورود کافران به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش در آیند و به جمع دوزخیان پیوندند.

قال ادخلوا فی أمم .. فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۳، ۲، ۱

۱- فرمان خداوند به کافران ، برای وارد شدن به جهنم پس از مرگ آنان

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... فادخلوا أبواب جهنم

<فا> در <فادخلوا> عاطفه است و مسبب را بر سبب (توفی) عطف داده است.

۲- آگاهی خداوند از اعمال زشت کافران ، عامل فرمان او به آنها برای ورود به جهنم

الکفرین .. إنّ الله علیم بما کنتم تعملون. فادخلوا أبواب جهنم

<فا> در <فادخلوا> عاطفه است و مسبب را بر سبب (علم خدا) عطف کرده است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: حال

که خداوند چنین آگاهی از کردار شما دارد، پس وارد جهنم شوید.

۳- کافران ، از در های مختلفی وارد جهنم می شوند .

الکفرین .. فادخلوا أبواب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - فرمان تحقیر آمیز خداوند در قیامت به مجرمان و کافران برای رفتن به دوزخ

هذه جهنم .. اصلوها اليوم

امر <اصلوها> برای تحقیر و اهانت است.

ورود گمراهان

در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تریهم يعرضون عليها .. و قال الذين ءامنوا إِنَّ الخسرين

ورود متجاوزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱

۱ - ستم پیشگان متجاوز به حقوق مردم ، عرضه شونده به دوزخ و نزدیک شونده به آن بدون هیچ اختیار

و تریهم يعرضون عليها خشعين من الذلّ ينظرون من طرف خفی

تعبیر <يعرضون عليها> به صیغه مجهول، ناگزیری و بی اختیاری ظالمان در عرصه قیامت را می رساند.

ورود مجرمان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۱

۱ - فرمان تحقیر آمیز خداوند در قیامت به مجرمان و کافران برای رفتن به دوزخ

هذه جهنّم .. اصلوها اليوم

امر <اصلوها> برای تحقیر و اهانت است.

ورود مشرکان به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۸

۸- فرمان رفتن مشرکان به دوزخ پس از گرد آمدن آنان ، با سرعت و بدون درنگ صادر خواهد شد .

فاهدوهم إلى صراط الجحيم

برداشت یاد شده از <فاء> در <فاهدوهم..> که برای تفریع این جمله بر جمله <احشروا...> می باشد به دست می آید.

ورود مکذبان قیامت به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۱

۱ - فرمان حرکت به

تکذیب کنندگان روز جزا، به سوی ستون های دود برخاسته از آتش دوزخ

انطلقوا إلى ظلّ

بنا به گفته مفسران، مقصود از <ظلّ> (سایه)، دود غلیظ برخاسته از آتش دوزخ است که به صورت سایه نمایان می شود؛ مانند: <و ظلّ من یحموم؛ و سایه ای از دودی سخت سیاه>. (واقعه، آیه ۴۳)

وسط جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۲

۲ - بهشتیان، هم نشینان کافر دنیایی خود را، در وسط دوزخ مشاهده خواهند کرد.

فراءه فی سواء الجحیم

<سواء> به معنای وسط است.

وسعت آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۲

۲ - آتش آخرت، بسی دامنه دارتر و سوزاننده تر از آتش دنیا است.

النار الکبری

مراد از <النار الکبری> ممکن است تمام آتش های آخرت باشد. در این صورت سنجش آن با آتش دنیا، مورد نظر خواهد بود.

وسعت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۳

۳ - گنجایش و سیری ناپذیری دوزخ، تهدیدی برای کافران با همه انبوهی و کثرت آنان

یوم نقول لجهنم هل امتلأت و تقول هل من مزید

از این که خداوند، اشتهای سیری ناپذیر دوزخ را تذکر داده است، استفاده می شود که نباید کافران، کثرت وانبوهی خویش را مانعی در راه اجرای احکام و کیفرهای الهی بدانند، بلکه جهنم بیش از آنچه آنان تصور کنند، گنجایش و پذیرش دارد.

وعده نجات از جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴

۱۴- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إِنَّ الذِّينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَ الْحَسَنِ أَوْلَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

<الحسنی> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۷ - ۳

۳- وعده رهایی تقوایندگان از آتش دوزخ ، حتمی و تخلّف ناپذیر است .

سَيَجْزِيهَا الْأَتْقَى

حرف <سین> برای تأکید بر وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۸ - ۵

۵- دوری از آتش دوزخ ، وعده خداوند به اهل زکات و انفاق

و سَيَجْزِيهَا الْأَتْقَى . الذی یؤتی ماله یتزکی

ویژگی عذابهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۴

۴ - عذاب دوزخ ، عذابی خوار کننده و ذلت آور است .

لهم عذاب مهین

برداشت فوق، بر این اساس است که <مهین> وصف توضیحی برای عذاب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- عذاب و مجازات دوزخ ، سخت ، سوزان و رنج آور

من عذاب الحمیم

اضافه <عذاب> به <الحمیم>، از قبیل اضافه بیانیه است.

ویژگیهای آب داغ جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۸

۱۸- آب های دوزخی ، چهره کافران را سوزانده و بریان می سازد .

یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

ویژگیهای آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۲

۲ جهنمیان ، از شدت آتش همواره صدایشان به ناله و نعره بلند است .

لهم فیها زفیر و شهیق

<زفیر> و <شهیق> به صداهایی که از اشخاص محزون و غمگین برمی خیزد گفته می شود. با این تفاوت که شهیق ، بلندتر و طولانی تر است و لذا در برداشت <زفیر> به ناله و <شهیق> به نعره تفسیر و تعبیر گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۲

۲ جهنم و آتش آن ، همیشگی و پایدار است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سَرَادِقُهَا

<سرادق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۴

۱۴ - دوزخ ، دارای آتشی است در اوج حرارت و سوزاندگی .

عَذَابُ الْحَرِيقِ

برداشت فوق، بر

این اساس است که <ال> در <الحریق> <ال> کمالیه باشد. بنابراین <الحریق> یعنی، در اوج سوزاندگی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۶

۶ - آتش دوزخ، عنصری است بسیار گرم و سوزاننده.

ذوقوا عذاب الحریق

<حریق> به معنای سوزاننده است. به کارگیری آتش در وزن <فعلیل> که برای مبالغه است بیانگر گرمای بسیار زیاد آتش دوزخ و سوزاندگی شدید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۳

۳ آتش بر افروخته و پراشتهای دوزخ، کیفر تکذیب قیامت

و أعتدنا لمن كذب بالساعة سعيراً

<سعیر>، به معنای آتش پراشتهای و برافروخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۳

۳ آتش جهنم، دارای نوعی ادراک و احساس

إذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظاً وزفيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۴

۴ - دوزخ، دارای آتشی برافروخته و ملتهب

و برزت الجحيم

<جحیم> به آتش فروخته ای گفته می شود که سخت در التهاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۶

۶ - دوزخ ، دارای آتشی پر حرارت

صراط الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۶

۶ - < جحیم > از نام های جهنم

الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- صافات - ۳۷ - ۶۴ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، آتشی است پر حرارت و پر شعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، آتشی است پر حرارت و پر شعله .

الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحم>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۳،۴

۳ - آتش دوزخ همیشگی است و دشمنان خدا در آن جاودانه اند .

ذلك جزاء أعداء الله النار لهم فيها دار الخلد

۴ - آتش دوزخ ، دوزخیان را فرا گرفته و از هر سو آنان را احاطه خواهد کرد .

لهم فيها دار الخلد

مطلب بالا از کلمه <فیهما> که ظرفیت را افاده کرده و نوعی احاطه را می رساند و نیز از کلمه <دار> قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۹

۹ - آتش دوزخ ، سخت برافروخته و ملتهب

عذاب الجحیم

<جحمه> (مبدأ اشتقاق <جحیم>) به شدت افروختگی و التهاب آتش اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۲ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، سخت گرم و سوزان

فی سموم

برخی از مفسران <سموم> را به معنای حرارت سوزان آتش معنا کرده اند. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است زیرا در این صورت مراد، حرارت آتش دوزخ خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷

۱۴ - آتش دوزخ ، به شدت برافروخته و ملتهب است .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

<جحه> (مبدأ اشتقاق <جحیم>) به شدت التهاب و برافروختگی آتش گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - آتش دوزخ ، به شدت اندام دوزخیان را جدا کرده و پوست سر آنان را برمی کند .

نَزَّاعَهُ لِّلشَّوَى

<نَزَّاعَهُ> به چیزی می گویند که پی در پی جدا و قطع می کند. <شوی> در معنای دست ها، پاها، اطراف و هر عضوی از بدن که قطع آن موجب مرگ نشود، استعمال می شود و ممکن است جمع <شواه> (پوست سر) باشد.

۲ - اندام مجرمان ، در آتش دوزخ به شدت جدا و پوست سر آنان برکنده می شود .

نَزَّاعَهُ لِّلشَّوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند .

تَدْعُوا مِنْ أَدْبُرٍ وَتَوَلَّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و ثروت اندوزان را به سوی خود فرامی خواند .

تَدْعُوا مِنْ .. وَ جَمْعُ فَاوَعَى

<وعاء> (ماده <أوعی>) به معنای ظرف است و مقصود از <جمع فأوعی> اندوختن و ذخیره کردن مال و ثروت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - آتش دوزخ، آتشی است فراگیر و اثرگذار بر تمامی وجود انسان.

لاتبقی و لاتندر

مقصود از <لاتبقی> (باقی)

نمی گذارد) می تواند تمام اجزای بدن و ابعاد وجود انسان و یا فراگیر بودن آن نسبت به همه دوزخیان باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲- آتش دوزخ، فراگیر همه دوزخیان است و هیچ کس راه گریزی از آن ندارد.

لا تبقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۲ - ۱،۲

۱- شراره افکنی آتش دوزخ، به بلندی کاخ ها

إنها ترمی بشرر کالقصر

۲- آتش دوزخ، دارای منظره ای بس هولناک

إنها ترمی بشرر کالقصر

برداشت بالا، از تشبیه شراره های آتش به قصر، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۳ - ۲

۲- شراره های آتش دوزخ، بسیار انبوه، به هم پیوسته و پرجنبش است.

کأنه جملة صفر

برداشت یاد شده، از تشبیه شراره های آتش به انبوه شتران، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۲ - ۲

۲- آتش آخرت، بسی دامنه دارتر و سوزاننده تر از آتش دنیا است.

النار الکبری

مراد از <النار الکبری> ممکن است تمام آتش های آخرت باشد. در این صورت سنجش آن با آتش دنیا، مورد نظر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۵

۵ - آتش جهنم ، دوزخیان را در هم شکسته ، آنان را به شدت خرد خواهد کرد .

الحطمه

<حَطْم> (ریشه <حطمه>)، به معنای شکستن چیزی مانند همیزم است. این کلمه با گذشت زمان در مورد

ریز ریز کردن کامل استعمال شده است (مفردات). وزن <فُعَلَه>، برای مبالغه به کار می رود و دلالت دارد که کار، به صورت عادت در آمده است. (مجمع البیان)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۵ - ۱،۳

۱ - ویژگی های آتش جهنم و شدت آن، فراتر از حد تصور و بیان است.

و ما أدريک ما الحطمه

۳ - پیامبر (ص)، در شناخت و ویژگی های آتش جهنم، نیازمند تعلیم الهی است.

و ما أدريک ما الحطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۴

۴ - آتش جهنم، آتشی بی نظیر و شدیدتر از هر آتش دیگری است.

نار الله

توصیف خداوند به خالق و مالک آتش جهنم، بیانگر تفاوت آن، با دیگر آتش ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۱،۳،۴،۵،۶

۱ - آتش جهنم، بر قلب ها احاطه یافته، آن را خواهد سوزاند.

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفُتَّةِ

برخی از اهل لغت، اطلاع را به معنای بلوغ دانسته اند (لسان العرب). براین اساس، مفاد آیه این است که آتش، به قلب ها رسیده، آن را خواهد سوزاند. حرف <علی> بر احاطه کامل آتش دلالت دارد.

۳ - درجات آتش جهنم در قیامت، براساس باور ها و نیت های انسان شکل می یابد.

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفُتَّةِ

<إِطَّلِعْ عَلَى الشَّيْءِ> یعنی، آن را دانست (لسان العرب). مفاد آیه شریفه براساس این معنا آگاهی آتش جهنم از محتوای قلب ها است. این آگاهی،

ممکن است کنایه از تفاوت وضع دوزخیان با یکدیگر باشد که آتش جهنم با هر کس، متناسب با محتوای قلب او رفتار خواهد کرد.

۴ - احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جویان ، کیفری مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه .. الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

۵ - باطن و روح انسان نیز در قیامت ، از آتش جهنم در عذاب خواهد بود .

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

ممکن است در دنیا بدن کسی بسوزد ولی روح او رنج نبیند و از شکنجه در راه عقیده شادمان باشد اما این آیه، آتش جهنم را برای جان انسان که قلب کنایه از آن است نیز سوزاننده معرفی کرده است.

۶ - سوختن انسان در آتش جهنم ، از درون او آغاز خواهد شد .

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

ریشه <اطلاع> (طاء و لام و عین)، بر ظهور و بروز دلالت دارد (مقایس اللغه). ظاهر شدن آتش جهنم بر قلب، حاکی از نقطه شروع آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۳

۳ - غیبت ، عیب جویی و انباشتن ثروت ، زمینه محبوس ماندن در آتشی مسلط و فراگیر در جهنم

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّوَةٌ

حرف <علی> در <علیهم>، بر احاطه و سلطه دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۹ - ۲

۲ - زبانه های آتش جهنم ، به شکل ستون هایی بلند ، دوزخیان را در خود جای خواهد داد .

إِنَّهَا .. فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ

تعبیر <فی عمد>، ممکن است خبر دوم برای ضمیر <إنَّها> باشد. مفاد آیه در این

صورت، ترسیم آتش جهنم به شکل شعله هایی زبانه کشیده و بلند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۲

۲ - آتش دوزخ، دارای شعله ای عظیم و زبانه ای هولناک است .

نارًا ذات لهب

<لهب> یعنی، زبانه آتش و یا شعله ور شدن آن هر گاه از دود خالی باشد (قاموس). نکره بودن <لهب>، بر عظمت و هولناکی آن دلالت دارد.

ویژگیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۴،۳

۳ - آتش دوزخ طاقت فرسا و غیر قابل تحمل است .

فما أصبر هم علی النار

۴ - پندار تحمل آتش دوزخ و بی باک بودن در برابر آن، امری شگفت و نامعقول است .

فما أصبر هم علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۲

۲ جهنم و آتش آن، همیشگی و پایدار است .

خلدین فیها مادامت السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۱ - ۷

۷- دوزخ ، دارای آتشی برافروخته و شعله‌ور

أولئك أصحاب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۹ - ۲

۲ - دوزخ ، مکانی بس ناگوار و سخت

هذا فوج مقتحم معکم

برداشت یاد شده با توجه به معنای <مقتحم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۶،۷

۶ - دوزخ ، دارای درب های متعدد

فتحت أبوابها

۷ - دوزخ ، دارای نگهبان و

در بانان متعدد است .

و قال لهم خزنتها

<خازن> (مفرد <خزنه>) در اصل به کسی گویند که حافظ اشیایی باشد که در مکانی قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۳

۳- جهنم ، دارای عذاب های متفاوت و درکات گوناگون (طبقات زیرین) ، برای گروه های مختلف دوزخیان

ادخلوا أبواب جهنم

جمع آمدن <ابواب> می تواند به اعتبار طبقات متعدد دوزخ باشد؛ بدین معنا که هر طبقه ای از آن دارای دربی باشد. گفتنی است که در اصطلاح به طبقات دوزخ، <درکات> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱۰

۱۰- مرگ و فنا ، در دوزخ راه ندارد .

لیقض علينا ربك . .. إنکم مکثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۲

۲- جهنم ، دارای مأموران و محافظان

خذوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۴

۴ جهنم ، دربردارنده شکنجه های سخت برای مشرکان

ألقيا في جهنم .. فألقياه في العذاب الشديد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۵، ۲، ۱

۱ - جهنم ، در برگیرنده انبوه مجرمان و دارای اشتباهی سیری ناپذیر

یوم نقول لجهنم هل امتلأت و تقول هل من مزید

۲ - جهنم ، تقاضامند دریافت مجرمان هر چه بیشتر

و تقول هل من مزید

۵ - جهنم ، دارای نوعی ادراک در عالم قیامت *

یوم نقول لجهنم هل امتلأت و تقول هل من مزید

برداشت بالا

بدان احتمال است که گفتوگوی مطرح در آیه شریفه، گفتوگویی واقعی باشد و نه در مقام بیان نمادین حقیقت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۷ - ۶

۶ - وجود باد های داغ و سوزان در دوزخ

و وقینا عذاب السموم

<سموم> به باد داغ و سوزانی گفته می شود که همچون <سَم> در اجزای بدن تأثیر می گذارد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۲

۲ - وجود چشمه هایی بسیار داغ و سوزان در دوزخ

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

<حمیم> به آب داغ گفته می شود و <آنی> چیزی است که حرارت آن به نهایت رسیده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۲ - ۲

۲ - گریز از جهنم ، برای طغیان گران امکان پذیر نیست .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . لِلطَّغِينِ

<للتاغین> ممکن است به <مآب> تعلق داشته باشد و نیز می تواند متعلق به <مرصاداً> باشد. در صورت دوم مفاد آیه شریفه چنین می شود: جهنم برای طغیان گران مثل کمین است که رهایی از آن ممکن نیست. در این صورت <مآباً> نیز متعلق نظیر <للتاغین> داشته که به دلیل وجود قرینه، ذکر آن ضرورت نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۶ - ۲

۲ - جهنم ، مکانی بس داغ و سوزان و دارای آتشی برافروخته و متراکم

و بَرَزَت الْجَحِيمَ لَمَنْ يَرَى

<جحیم> به مکانی گفته می شود که حرارت شدیدی دارد. این کلمه بر آتش متراکم و

پرزبانه نیز اطلاق می گردد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۶ - ۲

۲ - جهنم ، دارای آتشی که به شدت برافروخته و شعله‌ور است .

لصالوا الجحیم

به آتشی که شعله های آن، سخت زیانه کشد و نیز به آتش عظیمی که در گودال برافروخته گردد و به مکانی که دارای حرارت شدید باشد، <جهیم> گفته می شود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۴

۴ - وجود چشمه جوشان در جهنم

تصلی نارًا حامیه . تسقی من عین ءانیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۲،۳

۲ - تنها خوراک موجود برای برخی از دوزخیان ، گیاه خاردار و بی ارزش و بدبوی جهنم است .

لیس لهم طعام إلا من ضریع

<ضریع> (از ریشه <مضارعه> به معنای <مشابهه>) خاری است که شتر آن را، از خارهای مشابه تشخیص نمی دهد و خوردن آن به او صدمه می زند و سودی نمی رساند (مجمع البیان). برخی آن را خار ساقه و تنه درخت خرما و برخی دیگر، گیاه بدبویی دانسته اند که بر اثر موج دریا بیرون می افتد. این کلمه به معنای پوشش نازک روی استخوان نیز استعمال شده است. (قاموس)

۳ - بی غذایی و تن در دادن دوزخیان به خوردن خار بی ارزش و صدمه زننده ، از شکنجه ها و عذاب های جهنم است .

لیس لهم طعام إلا من ضریع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۲۳ -

۵- قابلیت جهنم برای نقل و انتقال

و جایء یومئذ بجهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۹ - ۱

۱- احاطه ستون هایی امتداد یافته و بسیار بر آتش جهنم ، راه فرار را بر جهنمیان می بندد .

فی عمد ممدده

<عَمِيدٌ>، (جمع <عمود> (ستون) است. در صورتی که <فی عمد> متعلق به <مؤصده> باشد؛ مفاد آیه این خواهد بود که: آتش جهنم، در مجموعه ای از ستون های سر به فلک کشیده، قرار گرفته است و گریز از آن ستون ها، امکان پذیر نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۵ - ۴

۴- جهنم ، دارای عذاب جسمی و شکنجه روحی

سیصلی ناراً .. و امرأته ... فی جیدها جبل من مسد

آتش، عذاب جسمی و تحقیر با بستن ریسمان به گردن، عذاب روحی است.

ویژگیهای خوردنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۴

۴- > قال رسول الله (ص) : الضریع شیء یكون فی النار یشبه الشوک أمر من الصبر و أنتن من الجیفه و أشد حرّاً من النار ;

رسول خدا(ص) فرمود: ضریع چیزی است در آتش [جهنم] که به بوته خاردار شباهت دارد و تلخ تر از صبر (عصاره گیاهی تلخ) و متعفن تر از مردار و داغ تر از آتش است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - گیاه خوراکی دوزخیان ، فاقد انرژی است و از لاغری آنان نمی کاهد

لایسمن

<سِمن>، نقطه مقابل لاغری است. (مفردات راغب)

ویژگیهای دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۲

۲ - دود برخاسته از آتش دوزخ، دارای سه شعبه و قرار گرفته در سه جهت

ظَلّ ذی ثلث شعب

ویژگیهای سایه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۴ - ۱

۱ - سایه در دوزخ، نه خنک است و نه گوارا

و ظل من یحموم. لابلارد و لاکریم

<لابارد..> صفت برای <ظَلّ> است.

ویژگیهای شکنجه های جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۳

۲۳ - فانی نشدن کالبد دوزخیان و نمردن آنان، با وجود شکنجه ها و قطعه قطعه شدن

خلد فی النار .. فقطع أمعاءهم

ویژگیهای عذاب جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۳

۱۳ خلود در آتش جهنم ، موجب عادت کردن دوزخیان یا کاسته شدن از رنج و عذاب نیست . *

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم .. و لهم عذاب مقیم

تکرار <و لهم عذاب مقیم> پس از <نار جهنم> ممکن است در جهت دفع این توهم باشد که دوزخیان در اثر خلود، بدان انس می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۵ - ۲

۲ عذاب جهنم ، پیوسته و گریزناپذیر است .

إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

<گرام> به معنای عذاب، شرّ دائم و بلای گریزناپذیر است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۸ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، عذابی است دردناک .

إِنكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ

مقصود از <عذاب> در آیه شریفه، عذاب دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۴

۴ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به عذاب فراگیر و دائمی دوزخ تهدید کرد .

و يحلّ عليه عذاب مقیم

<علی> برای استیلا و تمکن است و می رساند که عذاب الهی دشمنان رسول خدا، فراگیر و گسترده است.

ویژگیهای ورود همسر ابو لهب به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۸

۸ - همسر ابولهب ، در حالی که خود همیشه آتش جهنم را بر دوش می کشد ، به دوزخ خواهد افتاد .

حَمَّالَةَ الْحَطَبِ

چنانچه <حَمَّالَةَ الْحَطَبِ> حال و هم زمان با <سیصلی> باشد؛ ناظر به حالت ام جمیل هنگام ورود به دوزخ خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۵ - ۱

۱ - در افتادن همسر ابولهب به آتش جهنم ، در حالتی خواهد بود که ریسمانی از الیاف به هم بافته در گردن دارد .

فی جیدها حبل من مسد

<جید> به معنای گردن یا محل گردنبند (قاموس) و <مسد> به معنای لیف ملایمی است که از درخت خرما گرفته می شود (العین). این آیه از آن جا که حال برای <امراته> و هم زمان با عامل خود (سیصلی) است، حالت ورود ام جمیل به جهنم را که به گردن او زنجیری از رشته های

به هم بافته، بسته شده است ترسیم می کند.

ویژگیهای وسط جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۸ - ۳

۳- قسمت های درونی تر و مرکزی دوزخ ، مکان جوشش و جریان آب های داغ

فاعتلوه إلى سواء الجحيم . ثم صبوا فوق رأسه من عذاب الحميم

از ارتباط با آیه قبل که پس از کشانده شدن دوزخیان به قسمت های داخلی تر، فرمان ریختن آب های جوشان مطرح شده است استفاده می شود که رسیدن آنان به وسط جهنم ریختن آب جوشان را میسر می سازد.

ویل جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۷

۱۷ - از رسول خدا (ص) درباره < فویل لهم مما کتبت أیدیهم > روایت شده که فرموده اند : < الویل جیل فی النار و هو الذی انزل فی الیهود لانهم حرفوا التوراه زادوا فیها ما احبوا و محوا منها ما یکرهون و محوا اسم محمد (ص) من التوراه >

<ویل کوهی است در جهنم که [در آیات قرآن] در مورد یهود نازل گشته است > زیرا آنان تورات را با افزودن آنچه دوست داشتند و از بین بردن آنچه ناخوشایند داشتند، تحریف کردند و نام حضرت محمد(ص) را از تورات محو نمودند.<

هاویه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۴

۲۴ - > عن أمير المؤمنين (ع) إن جهنم لها سبعة أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضها

فوق بعض فأسفلها جهنم ، و فوقها لظى و فوقها الحطمة فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. .. و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظى، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد.

همسر ابولهب در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۴،۹

۴ - سوختن در آتش ابدی دوزخ ، فرجام همسر ابولهب

و امرأته

۹ - گناهان همسر ابولهب ، در قیامت باری سنگین بر دوش او و برافروزاننده آتش جهنم خواهد بود .

حمّاله الحطب

مراد از <حطب>، می تواند گناهان باشد که مانند هیزم آتش را شعله‌ور می سازد.

همسر لوط (ع) در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

و قيل ادخلا النار مع الداخلين

همسر نوح (ع) در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

وقيل ادخلا النار مع الداخلين

همنشينان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - تكوير - ٨١ - ٧ - ٣

٣ - > عن نعمان بن بشير سمعت رسول الله (ص) يقول : > و إذا النفوس

زوّجت > قال : هما الرجلان يعملان العمل ، يدخلان الجنّة و النار ۱

از نعمان بن بشیر روایت شده که گفت: از رسول خدا(ص) شنیدم که این آیه را قرائت می فرمود: <و إذا النفوس زوّجت > و فرمود: آنان دو مردی هستند که هر دو یک عمل را انجام می دهند و همراه هم داخل بهشت یا جهنم می شوند.>

هواپرستان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۲۲

۲۲- رفاه مندانِ هواپرست ، در قیامت ، گرفتار آتشی فراگیر و آشامیدنی هایی ناگوارند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه .. بئس الشراب و ساءت مرتفقاً

نکته یاد شده از ارتباط دو آیه استفاده شده است.

هولناکی آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۳ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، دارای شعله ای عظیم و زبانه ای هولناک است .

نارًا ذات لهب

<لهب> یعنی، زبانه آتش و یا شعله ور شدن آن هر گاه از دود خالی باشد (قاموس). نکره بودن <لهب>، بر عظمت و هولناکی آن دلالت دارد.

هولناکی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۳، ۲

۲ جهنم ، دارای منظره ای بس هول انگیز

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحاب الجنة> در آیه قبل برگردانده

شود.

هیزم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۱

۱ - ظالمان و منحرفان از حق ، هیزم جهنم اند .

و أمّا القسطنون فكانوا لجهنم حطبًا

یقین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۷

۷ - حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است .

ثمّ لترونها .. ثمّ لتسئلنّ

یقین به رؤیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۲

۲ - سوگند مکرر خداوند ، بر حتمی بودن مشاهده جهنم در قیامت و پیدایش یقین برای ناظران آن

ثمّ لترونها عين اليقين

یهود در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك اصحب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و ...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

جهنمیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

جهنمیان

{جهنمیان}

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۸،۱۰

۸ - آتش دوزخ ، مهیا شده برای کفرپیشگان

أعدت للكفرین

اعداد (مصدر اعدت) به معنای حاضر کردن و مهیا ساختن است.

۱۰ - منکران قرآن و سنگ های دوزخ ، هیزم و آتشگیره های آتش جهنمند .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجارة

<وقود> به هیزم و نیز به چیزی که با آن آتش روشن می کنند، گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۲

۲ - کفر پیشگان و تکذیب کنندگان آیات الهی ، برای همیشه در دوزخ خواهند بود .

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۹

۹ - دوزخ ، فرجام کافران به رسالت پیامبر و سرپیچی کنندگان از احکام اسلام

إنا أرسلناك بالحق .. و لا تسئل عن أصحاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من كفر .. ثم أضطره إلى عذاب النار

اضطرار یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۶ - ۱۳،۱۶

۱۳ - مشرکان (سران آنان و پیروانشان) در قیامت به آتش

دوزخ گرفتار شده و در آن ماندگار خواهند بود .

و ما هم بخرجین من النار

۱۶ - منصور حازم می گوید : از امام صادق (ع) از آیه < و ما هم بخرجین من النار > سؤال کردم ، فرمود : < اعداء علی (ع) هم المخلدون فی النار أبداً أبداً و دهر الداهرین ;

دشمنان علی(ع) هستند که تا پایان روزگار و تا ابدیت در جهنم جاودانه هستند > .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۵

۱۵ - گنهکاران در قیامت ، علاوه بر آتش دوزخ به عذاب های روحی نیز گرفتار خواهند شد .

و لایکلمهم الله یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲،۶،۹

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذین اشتروا .. العذاب بالمغفره

۶ - عالمان بی تعهد و وظیفه شناس ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئك الذین اشتروا .. العذاب بالمغفره فما أصبر هم علی النار

۹ - ضلالت پیشگان و گنهکاران به عذاب طاقت فرسای قیامت گرفتار خواهند شد .

أولئك الذین اشتروا الضلله بالهدی .. فما أصبر هم علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لا يكلمهم الله يوم القيامة .. ذلك

بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الذّین کفروا .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۲،۶

۲ دوزخ ، فرجام پذیرندگان ولایت شیطان

و من یتخذ الشیطن ولیاً .. أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

۶ ورود گمراهان و فریب خوردگان از شیطان به جهنم ، حتمی است .

و ما یعدهم الشیطن الا غروراً. أولئک ماویهم جهنم و لایجدون عنها محیصاً

بنابر اینکه جمله <لایجدون ..> بیان و تأکید حقیقتی باشد که جمله <ماویهم جهنم> آن را افاده می کند. یعنی آنان که

دارای صفات ذکر شده هستند، راهی جز ورود به جهنم ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۱

۱ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اصحاب دوزخ هستند .

والذین کفروا و کذبوا .. أولئک اصحاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۳۱

۳۱ جایگاه قاتل یک انسان در جهنم ، همان جایگاه قاتل همه انسانهاست ، اگر چه عذابشان متفاوت است .

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع

من جهنم .. لو قتل الناس جميعا انما كان يدخل ذلك المكان قلت: فانه قتل آخر؟ قال: يضاعف عليه.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۰

۲۰ جایگاه ابدی جنیان اغواگر (شیطانها) و انسانهای پیرو ایشان آتش دوزخ است.

قال النار مثویکم خلدین فیها

<مثوی> اسم مکان و به معنی جایگاه و محل استقرار است. (راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۸ - ۲، ۳، ۵

۲ دوزخ، جایگاه حتمی ابلیس و پیروان او

لمن تبعک منهم لأملأن جهنم منکم أجمعین

۳ تکبر، تمرد و اغواگری ابلیس، موجب گرفتاری او به آتش دوزخ

ما منعک ألا تسجد .. لأملأن جهنم منکم أجمعین

۵ جهنم مملو از ابلیس و همه پیروانی که در زمره ابلیسیان درآمده باشند.

لمن تبعک منهم لأملأن جهنم منکم أجمعین

خطاب در <منکم> می تواند بیانگر این نکته باشد که آدمی به مجرد پیروی از ابلیس جایگاهی همانند او در جهنم نخواهد داشت، بلکه آن گونه پیروی چنین اقتضایی را دارد که آدمی را همسرخ ابلیس سازد؛ به گونه ای که بتوان ابلیس و پیروی کننده وی را با یک ضمیر مورد خطاب قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۱، ۳

۱ گرفتاری به آتش دوزخ فرجام منکران رسالت انبیا و تکذیب کنندگان آیات الهی (احکام و معارف نازل شده بر پیامبران)

و الذین کذبوا .. هم فیها خلدون

۳ آتش دوزخ ابدی است

و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۵، ۹، ۲، ۱

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش در آیند و به جمع دوزخیان پیوندند.

قال ادخلوا فی أمم . . . فی النار

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۹ ورود رهبران اغواگر در دوزخ، قبل از پیروانشان

كلما دخلت أمه . . . قالت أخرجهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

مراد از <أمت آخری> به دلیل سخن آنان (ربنا هؤلاء أضلونا) گروه پیرو هستند. در نتیجه مراد از <اولی> سران شرک و کفر خواهد بود. و تعبیر از آن دو طایفه به <اولی> و <آخری> می تواند به لحاظ تقدیم و تأخیر آنان در ورود به جهنم باشد.

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانشان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لكل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۴، ۲

۲ تکذیب کنندگان و اعراض کنندگان از آیات الهی در بستری از آتش جهنم و توده هایی آتشین بر فراز خویش، گرفتار خواهند شد.

لهم من جهنم مهاده و من فوقهم غواش

۴ گرفتار شدن ستمکاران به آتش دوزخ، سنت خداوند در کیفر آنان

و كذلك نجزي الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٩ - اعراف - ٧ - ٤٧ - ٩

٩ گرفتار شدن به آتش دوزخ ، سرنوشت

اقوام و ملت های ستمگر است .

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۰، ۱۱، ۹، ۱

۱ جهنم ، فرجام بسیاری از انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

۹ گرفتار شدن به دوزخ نمود زیانکاری تکذیب کنندگان آیات الهی است .

فأولئك هم الخسرون. و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

آیه مورد بحث می تواند توضیح زبانی باشد که در ذیل آیه قبل برای گمراهان بیان شده است.

۱۰ عالمان دینی دنیادوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لكنه أخلد إلى الأرض و اتبع هوه .. و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

۱۱ جهنم فرجام انسان ها و جنیانی است که خود را از درک معارف و حقایق دین محروم ساخته اند .

و لقد ذرأنا لجهنم .. لهم قلوب لا يفقهون بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۴، ۵

۴ جهنم ، جایگاه فراریان از جبهه نبرد

و من يولهم .. مأويه جهنم

۵ جهنم ، جایگاه مغضوبین درگاه خداوند

فقد باء بغضب من الله و مأويه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

والذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم

یغلبون > اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۴

۱۴ زراندوزان ، اهل جهنمند .

فبشرهم بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱۳، ۹

۹ احاطه همه جانبه آتش دوزخ بر کافران

و إن جهنم لمحیطه بالكفرین

۱۳ منافقان ، اهل دوزخند .

ألا فی الفتنة سقطوا و إن جهنم لمحیطه بالكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۵

۵ منافقان ، مخلد در آتش دوزخند .

من یحادد الله و رسوله فان له نار جهنم خلدأ فیها

با توجه به اینکه آیات قبل و آیه بعد بیانگر خصلت‌های منافقان است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم کفرپیشگان

وعد الله المنفقين و المنفقت و الكفار نار جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۵

۵ جهنم ، جایگاه کافران و منافقان و فرجامی سخت و دردناک برای آنان

و مأویهم جهنم و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۴، ۱۲

۱۲ دوزخ ،

جایگاه و فرجام نهایی منافقان متخلف از جهاد

مأویهم جهنم

۱۴ دوزخ، جایگاه و فرجام نهایی آنان که مظهر پلیدی اند.

إنهم رجس و مأویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۱۵، ۱۳، ۱۰

۱۰ سقوط در آتش دوزخ، فرجام منافقان کفرپیشه

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. فانهار به فی نار جهنم

۱۳ منافقان، زیان زننده به جامعه اسلامی، مروج کفر، تفرقه افکن میان مؤمنان، ظالم و دوزخی اند.

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً .. و إرصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

۱۵ بناکنندگان مسجد ضرار، از ظالمان و سقوط کنندگان در آتش دوزخند.

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. فانهار به فی نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۵

۵ دوزخی بودن مشرکان، امری قطعی و غیر قابل تغییر

للمشركین .. من بعد ما تبین لهم أنهم أصحاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۱

۱ دوزخ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذین لایرجون لقاءنا .. و الذین هم عن ءایتنا غفلون. أولئک مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۹

۹ زشت کرداران ، اهل دوزخ هستند و در آن جاودانه خواهند ماند .

و الذين كسبوا السيئات .. أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ کافران دنیا طلب و دل بسته به جلوه های آن ، در آخرت بهره ای جز آتش دوزخ نخواهند داشت .

من كان يريد الحيوة الدنيا و زينتها .. أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هر گروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و ...) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من يكفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و مورد نظر آن ، گروههای نامبرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱،۲،۳

۱ فرعون در روز قیامت ، پیشاپیش پیروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

قدم (مصدر يقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پیشاپیش حرکت کردن است.

۲ فرعون ، در روز قیامت پیروانش را به آتش دوزخ خواهد برد .

فأوردهم النار

ماضی آوردن فعل <أورد> با اینکه گزارشی از آینده است اشاره به حتمی بودن ورود آنان به آتش جهنم دارد.

۳ حرکت فرعونیان به سوی دوزخ به رهبری و پیشاهنگی فرعون ، نمود برنامه های ناصواب او در دنیا است .

و ما أمر فرعون برشيد. يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

جمله <يقدم قومه ..> بیانگر فرجام پیروی از فرعون است و

به منزله تفسیری برای <و ما أمر فرعون برشید> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۱

۱ تیره بختان صحنه قیامت (مشرکان و کافران به رسالت انبیا) روانه آتش دوزخ خواهند شد .

فأما الذين شقوا ففى النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱

۱ آتش دوزخ ، جایگاه ابدی تیره بختان صحنه قیامت است .

خلدين فيها مادامت السموت و الأرض

عبارت <مادامت السماوات و الأرض> (تا آن زمان که آسمانها و زمین وجود دارد) کنایه از دوام و همیشگی است و تأکید برای خلودی می باشد که از <خلدین> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۳

۳ ستم پیشگان ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

فتمسکم النار

جمله <فتمسکم النار> بیان می کند که اتکای بر ستمگران، درپی دارنده آتش است. این معنا می رساند که خود ستمگران نیز به آتش درخواهند افتاد. تعبیر <فتمسکم> می تواند اشاره به این نکته باشد که: ستمگران آتش هستند و با اعتماد و تکیه به آنان، آتش با شما تماس پیدا خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶،۷،۸

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأَنَّ جهنم من الجنه والناس أجمعين

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتهما بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد

به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

۷ خداوند ، دوزخ را از جنیان و انسان ها پر خواهد کرد .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربك لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

<تمت> یعنی، به طور کامل و بدون هیچ نقصی تحقق یافت. مفسران برآنند که مقصود از <کلمه ربك> که با جمله <لَأَمْلَأَنَّ...> تفسیر شده است همان سخنی است که خداوند در داستان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبَعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ> حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد. سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۲

۱۲ منکران قیامت ، به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ دوزخ جایگاه روی گردانان از دعوت خداوند است .

أُولَئِكَ .. مَاوِيَهُمْ جَهَنَّمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۱، ۱۲

۱۱ سرای شوم (دوزخ

(از آن کسانی است که پیمان های الهی را نقض کنند و پیوندهایی که خداوند به برقراری آنها فرمان داده ، نادیده انگارند .

والذین ینقضون عهد الله . . . و یقطعون ما أمر الله ... لهم سوء الدار

۱۲ آنان که در زمین فساد می کنند ، به سرایی شوم (دوزخ) گرفتار خواهند شد .

و الذین . . . یفسدون فی الأرض ... لهم سوء الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۹

۹ آتش دوزخ فرجام کافران است .

و عقبی الکفرین النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۶ - ۱

۱- جباران منحرف ، علاوه بر هلاکت دنیوی ، در آخرت نیز گرفتار جهنم می شوند .

و خاب کلّ جبار عنید . من ورائه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۱

۱- جهنم ، جایگاه رهبران ناسپاس و سردمداران فاسد و اغواگر

ألم تر إلی الذین . . . أحلّوا قومهم دار البوار . جهنم یصلونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۸

۸- دوزخ ، سرانجام تلاش برای ترویج آیین شرک و گمراه کردن مردم از مسیر خدا و یگانه پرستی

و جعلوا لله أندادًا لیضلّوا عن سبيله . . . فإن مصیرکم إلی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۳ - ۱

۱- جهنم ، وعده گاه همه پیروان گمراه ابلیس

و إن جهنم لموعدهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۹

۹- جایگاه متکبران ، جهنم است .

فادخلوا .. جهنم ... فلبئس مثوی المتکبرین

<بئس> فعل ذم است و مخصوص به ذم - که کلمه جهنم باشد - محذوف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱۱،۱۳

۱۱- آتش دوزخ ، فرجام حتمی مشرکان است .

و لاتجعل مع الله إلهًا اخر فتلقى فی جهنم

۱۳- مشرکان در جهنم ، به عذاب جسمی و روحی مبتلا خواهند بود .

فتلقى فی جهنم ملومًا مدحورًا

<القا در جهنم> دلالت بر جسمانی بودن عذاب می کند و <ملومًا> و <مدحورًا> که به معنای طرد و سرزنش است دلالت بر عذاب روحی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۵،۹

۵- دوزخ ، کیفر قطعی ابلیس و پیروان وی

فمن تبعک منهم فإن جهنم جزاؤکم

۹- دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنم جزاؤکم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- مأوا و جایگاه گمراهان حق ناپذیر ، دوزخ است .

مأوهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۲، ۱۰

۱۰- دوزخ ، از هم اکنون برای ظالمان آماده و مهیا است . *

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

۱۲- کافران به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحقّ من ربّکم .

.. و من شاء فليكفر إنا أعتدنا للظلمين ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۳ - ۳

۳- مجرمان ، در قیامت ، به دوزخی بودن خود و نداشتن راه گریزی از آن ، پی خواهند برد .

فَطَّوْا اَنْهَم مَوَاقِعُهَا و لَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرَفًا

بیان دیدگاه مشرکان در مورد ورود به جهنم با فعل <ظَنَّ>، حکایت از آن دارد که آنان، در آن شرایط، خود را دوزخی می بینند، ولی هنوز امیدهایی هر چند واهی به نجات دارند. ولی به زودی درمی یابند که گریزگاهی برای آنان نیست. <مصرفاً> اسم مکان به معنای مکانی است که به آن روی آورند. جمله <لم يجدوا...> یعنی جایی را که بتوانند با پناه بردن به آن، از آتش رها شوند، نمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۱

۱- خداوند ، جهنم را در صحنه قیامت بر کافران عرضه خواهد کرد .

و عرضنا جهنم يومئذ للكافرين عرضاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۳

۳- دوزخ ، فرجام کافرانی است که طاقت شنیدن آیات الهی را ندارند .

و عرضنا جهنم يومئذ للكافرين .. و كانوا لا يستطيعون سمعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۸،۹

۸- دوزخ ، منزل گاهی مهیّا شده ، برای کافران است .

إنا أعتدنا جهنم للكافرين نزلاً

<أعتدنا> از ماده <عتد> با <أعدنا> از ماده <عدد> به یک معنا است و در این که <آیا یکی اصل

دیگری است یا هر کدام لغت مستقلاً است؟>، اختلاف است. کلمه <نزل> در معانی <منزل>، <وسائل پذیرایی> و <ماوی دادن> استعمال شده است. در برداشت یاد شده معنای نخست لحاظ شده است.

۹- خداوند، از کافران حق ناپذیر، به وسیله شراره های دوزخ، پذیرایی می کند.

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

کلمه <نُزِّلَ> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تَهَكُّم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۳

۳- دوزخ، جزای آنانی است که در صحنه قیامت، بی توشه و تهیدست اند.

فَلانَقِيم لَهُم يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَزْنًا . ذَلِكْ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱

۱- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند.

حَوْلَ جَهَنَّمَ . . . ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ ... بِهَا صَلِيًّا

<صَلِيًّا> (از صَالِي يَصْلِي) تمیز برای <أولی> و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت <أعلم... صليًّا> این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. <أولویت> برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند؛ گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۲ - ۴،۹

۴- ستم کاران در حضيض ذلت و زبونی، گرفتار دوزخ خواهند

شد .

و نذر الظلمین فیها جئیًا

کاربرد فعل <نذر> در مواردی است که چیزی را به جهت بی اهمیتی و فرومایگی آن رها کنند. این مفهوم و نیز حالت نیم خیزبودن ظالمان، جملگی حکایت از ذلت، زبونی و سرگردانی آنان در دوزخ دارد.

۹- دوزخ ، گذرگاهی برای تقوایپیشگان و اقامت گاهی برای ستم کاران است .

ثم ننجی الذین اتقوا و نذر الظلمین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱،۲

۱ - آنان که با کفر به پروردگار خویش ، در قیامت حاضر شوند ، بی تردید اهل دوزخ خواهند بود .

إنه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

<جرم> در این آیه به قرینه آیه بعد به معنای کفر است؛ زیرا در آیه بعد آمده است: <و من یأته مؤمنًا . . .> .

۲ - کفر ، جرم و گناه است و کافران مجرم و دوزخی اند .

إنه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

لام در <له جهنّم> بر استحقاق دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۵

۵ - جایگاه کافران ، آتش است .

الذین کفروا .. مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۴ - ۲،۳

۲- دوزخ، فرجام مشترک گمراهان و معبودهایشان

فکبکبوا فیها هم و الغاون

۳- معبود های دروغین، جلودار مشرکان در سقوط به ورطه دوزخ

فکبکبوا فیها هم و الغاون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <هم> که به معبودهای باطل بازمی گردد

مقدم بر <الغاون> آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۵ - ۱

۱ - افکنده شدن همه سپاهیان ابلیس در دوزخ ، به همراه گمراهان مشرک و معبود های باطلشان

فکبکبوا فیها ... و جنود ابلیس أجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۲

۲ - پیشوایان شرک و گمراه کنندگان خلق ، مصداق های بارز و قطعی دوزخیان

قال الذین حقّ علیهم القول

خداوند در آغاز آفرینش آدم، در پاسخ ابلیس که گفته بود: <ربّ بما أغویتنی لأغوینهم أجمعین> فرمود: <لأملئن جهنّم منک و ممّن تبعک منهم أجمعین>. کلمه <القول> اشاره به همین سخن خداوند دارد. بنابراین <الذین حقّ علیهم القول>؛ یعنی، آنان که آن سخن خدا درباره ایشان مصداق و قطعیت یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۴، ۱۵، ۱۶

۵ - وعده خداوند به انباشتن دوزخ از مجرمان جنّی و انسی ، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است .

و لكن حقّ القول منی لأملئن جهنّم من الجنّه و الناس أجمعین

۶ - سوگند خداوند به انباشتن جهنم از مجرمان جنّی و انسی

و لكن حقّ القول منی لأملئن جهنّم من الجنّه و الناس

لام در <لأملئن> برای قسم است و حکایت از آن دارد که <القول> در فراز قبلی، سوگند است.

۱۴ - همه مجرمان جنّی و انسی ، در جهنم گرد می آیند .

لأملئن جهنّم من الجنّه و الناس أجمعین

قید <أجمعین> به قرینه این که کسانی وجود دارند که به جهنم نخواهد رفت، عموم افرادی نیست، بلکه مفید عموم در

نوع است. لازم به ذکر است که <ال> در <الجَنَّة> و <الناس> عهد بوده و اشاره به افرادی خاص که همانا مجرمان اند دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۶

۶ - مجرمان و منکران قیامت ، به عذاب ابدی و پایان ناپذیر گرفتار خواهند شد .

و لو ترى إذ المجرمون .. و ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱

۱ - جایگاه فسق پیشگان ، آتش جهنم است .

و أما الذين فسقوا فمأويهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۵

۵ - سخن گفتن در جهنم ، برای جهنمیان ، امری ممکن است .

يوم تقلب وجوههم في النار يقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۲

۲ - کافران ، محکوم به دوزخ اند .

و الذين كفروا لهم نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۱

۱- فرمان خداوند در قیامت ، مبنی بر راندن مشرکان ستم پیشه و هم فکران و معبود های آنان به راه دوزخ

احشروا الذین . . . یعبدون . من دون الله فاهدوهم إلى صراط الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۲

۲- بهشتیان ، هم نشینان کافر دنیایی خود را ، در وسط دوزخ مشاهده خواهند کرد .

فراءه فی سواء الجحیم

<سواء> به معنای

وسط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۴

۴ - مشرکان و معبودهایشان و پیروان گمراه آنان ، دوزخی اند .

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - کافران ، در ناگوارترین وضعیت و محکوم به آتش دوزخ در روز رستاخیز

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

کلمه <وویل> دلالت بر شدت بدی احوال می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۶ - ۲

۲ - طغیان گران ، از دوزخیان هستند .

إِنَّ لِلطَّغْيَانِ .. جَهَنَّمَ يَصْلُونَهَا

<یصلون> به معنای <یدخلون> (داخل می شوند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۹ - ۴

۴ - سوختن پیروان طاغیان در آتش دوزخ

إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- دوزخ، قرارگاه طغیان گران

للطغین لشّر مئاب .. فبئس القرار

<قرار> اسم مکان به معنای قرارگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - جهنم، مملو از شیطان‌ها و پیروان آنان خواهد شد.

لأملأَنَّ جهنمَ منک و ممن تبعک منهم أجمعین

بیشتر مفسران گفته‌اند: مقصود از <منک> <من جنسک> است؛ زیرا منطقی نیست که جهنم با آن عظمت، تنها با داخل شدن یک فرد (ابلیس) پر شود. پس مقصود، پر شدن دوزخ از مجموعه شیاطین (ابلیس و فرزندانش) و انسان‌ها خواهد بود.

- دوزخ ، سرنوشت مشترک شیطان ها و انسان های پیرو آنان

لَأْمَلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱

۱ - مشرکان و کافران در دوزخ ، از هر سو در محاصره آتش قرار خواهند داشت .

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ

مقصود از سایبان هایی از آتش بر فراز کافران و زیر آنان، آتش فراگیر است که از هر سو آنها را محاصره کرده است؛ چنان که در سوره دیگری از این حقیقت به صراحت یاد شده است: <یوم یخشاهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم..>، (سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۵۵).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۰ - ۵

۵ - جهنم ، جایگاه همیشگی متکبران

أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ

<مَثْوًى> (اسم مکان از ماده <ثواء>) به معنای اقامت توأم با استمرار است؛ یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱،۲

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وَضِعَ الْكُتُبَ .. و وَفَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ ... و سِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده؛ آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

۲ - کفر ،

دارای مراتب گوناگون است و کافران ، در درجات مختلف دوزخ جای دارند .

و سيق الذين كفروا إلى جهنم زمراً حتى إذا جاءوها فتحت أبوابها

تقسیم شدن کافران به چند دسته و گروه و نیز ورود آنان از درب های گوناگون جهنم ، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۸

۸ - جهنم ، جایگاه همیشگی متکبران

فبئس مثوی المتکبرین

<مثوی> (اسم مکان از ماده <ثواء>) به معنای اقامت توأم با استمرار است؛ یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶۸

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أنّ المسرفین هم أصحاب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مسرفین> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

۸ - فرعونیان ، محکوم به دوزخ

و أنّ المسرفین هم أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۶

۶ - به دوزخ افتادن خاندان فرعون در قیامت با فرمان الهی

و یوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشدّ العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۷

۷ - اشتراک مستضعفان پیرو و رهبران مستکبر آنان ، در عذاب شدن با آتش دوزخ

إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَد حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۰ -

۴- آنان که از سر کبر و خودخواهی به عبادت خدا نمی پردازند ، محکوم به دوزخ اند .

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۱

۱- دشمنان خدا در روز قیامت ، گردآوری شده ، دسته جمعی به سوی دوزخ روانه خواهند شد .

و يَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ

<حشر> (مصدر <يحشر>) به معنای جمع آوری است و چون در آیه با <إلى> متعدی شده، معنای سوق دادن و روانه ساختن در آن اشراب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ - ۱

۱- دوزخ ، جایگاه و محل استقرار دشمنان خدا است .

يَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ .. فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ

کلمه <مَثْوًى> اسم مکان و به معنای منزل و جایگاه اقامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- دوزخ ، پایان و فرجام شوم دشمنان خدا

و حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ

الف و لام در <القول> برای عهد ذهنی است و اشاره به سخنی دارد که در آن، وعده عذاب دوزخ داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، کیفر و سزای دشمنان خدا است .

ذَٰلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۴

۴ - منحرفان از راه توحید ، گرفتار آتش دوزخ خواهند بود .

إِنَّ

الذین یلحدون .. أفمن یلقى فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۲

۲ - منکران حقانیت قرآن ، گرفتار آتش دوزخ در قیامت

إِنَّ الذین کفروا بالذکر

برداشت یاد شده بر این اساس است که خیر <إِنَّ> در <إِنَّ الذین کفروا> به قرینه آیه قبل جمله <یلقى فی النار> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۲،۲۳

۲۲ - تقسیم انسان ها در قیامت ، به دو گروه بهشتی و دوزخی

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر

۲۳ - در قیامت جز ورود به جهنم و یا بهشت ، سرنوشت دیگری در انتظار انسان نخواهد بود .

فریق فی الجنّه و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۱۲

۱۲ - دوزخ ، سرنوشت نهایی ستم پیشگان

فریق فی السعیر .. و الظلمون ما لهم من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱،۷

۱ - ستم پیشگان متجاوز به حقوق مردم ، عرضه شونده به دوزخ و نزدیک شونده به آن بدون هیچ اختیار

و تریهم یعرضون علیها خشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

تعبیر <يعرضون عليها> به صیغه مجهول، ناگزیری و بی‌اختیاری ظالمان در عرصه قیامت را می‌رساند.

۷- نگاه ترس‌آلود و مضطرب ستمکاران به جهنم، در کنار آتش دوزخ

ينظرون من طرف خفيّ

نگاه زیر چشمی به جهنم، کنایه از ترس و وحشت است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۲

۲ - جاودانگی ظالمان و گمراهان ، در دوزخ ، نتیجه محرومیت آنان از ولایت خدا و تکیه بر ولایت غیر او است .

إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ . و ما كان لهم من أولياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۱

۱ - گناهکاران ، در عذاب جهنم ماندگاراند .

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱

۱- قرار گرفتن کافران ، در معرض آتش دوزخ در قیامت

و يوم يعرض الذين كفروا على النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ؛ و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

وصف <کفار> و <عنید> مشعر به علیت است ؛ یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق

ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق ؛ گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۱

۱ سدکنندگان راه ارزش ها و تجاوزگران و شکاکان در حق ، محکوم به آتش دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلِّ . . . مَنَّا لِلْخَيْرِ مَعْتَدٍ مَرِيْب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۱

۱ مشرکان و عبادت کنندگان

غیر خدا، محکوم به آتش دوزخ

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ .. الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۳ - ۳

۳ - آتش دوزخ، فرجام تکذیب کنندگان آن

فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ ... يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۷ - ۵

۵ - مجرمان، گمراهان از راه حق در دنیا و مبتلا به شعله های آتش در قیامت *

إِنَّ الْمَجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <فی ضلال>، نظر به گمراهی دنیوی و <سعر> نظر به عذاب اخروی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۴

۴ - > عن الزهري قال : سمعت علي بن الحسين (ع) يقول : ... > إذا وقعت الواقعة < يعني القيامة ليس لوقعتها كاذبه . >
< خافضه > خفضت و الله بأعداء الله إلى النار > رافعه < رفعت و الله أولياء الله إلى الجنة ... >

زهري گوید: از امام سجاد(ع) شنیدم که با استناد به آیه <إذا وقعت الواقعة> می فرمود: ... یعنی، هرگاه قیامت واقع شود، که در وقوع آن دروغ راه ندارد. [قیامت] <خافضه> است؛ به خداوند سوگند! دشمنان خدا را به زیر می کشد و به سوی جهنم [روانه می کند] و <رافعه> است؛ به خدا سوگند اولیای خدا را بالا می برد و به سوی بهشت [هدایت می کند]...<.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۷

۷ - دوزخ ، جایگاه نهایی کافران و منافقان

فالیوم لایؤخذ منکم فدیة و لا من الذین کفروا. .. و بس المصیر

<مصیر> (معادل <مرجع>) و به جایگاهی گفته می شود که حرکت به آن جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - کافران و تکذیب گران آیات الهی ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا أولئک أصحاب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۷ - ۵

۵ - منافقان ، اهل آتش دوزخ اند .

أولئک أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۱

۱ - کسانی که به کفر و تکذیب آیات الهی پردازند ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا أولئک أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۲، ۱

۱ - اعلام پذیرفته نشدن هیچ عذری از کافران دوزخی در قیامت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ

۲ - کافران دوزخی ، هیچ عذر موجه و قابل قبولی برای گزینش راه کفر خویش ندارند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ

برخی از مفسران نوشته اند: این که به کافران اعلان می شود که عذر نیاورید، به این سبب است که آنان هیچ عذر قابل قبول و منطقی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۸

۸ - دوزخ ، جایگاه و مأوای کافران

و منافقان است .

و مأویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

و قيل ادخلا النار مع الداخلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۶

۶ - پیامبران ، متهم به گمراهی شدید از سوی کافران محکوم به دوزخ

إن أنتم إلا في ضلال كبير

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم..> دنباله اعتراف های کافران باشد. گفتنی است که صفت <کبیر> (برای <ضلال>) اشاره به شدت و نهایت گمراهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه جرم پیشگان

عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۹ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۶ - ۴

۴ - کسانی که در قیامت از رحمت خداوند و درک ربوبیت او محروم باشند ، سرنوشتی جز دوزخ نخواهند داشت .

عن ربهم یومئذ لمحجوبون . ثم إنهم لصالوا الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۱

۱ - کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت می کنند ، به آتش برافروخته جهنم گرفتار شده و در آن خواهند سوخت .

و یصلی سعیراً

<صلی> یعنی، حرارت را چشید (مصباح). در لسان العرب آمده است: صَلَّیَ فُلَانٌ بِالنَّارِ یَصْلِی صُلِیًّا احترق (سوخت). راغب می گوید: <صَلَّیَ بِالنَّارِ> یعنی، به آتش مبتلا شد و از برخی اهل لغت نقل می کند که: <صلی النار>: دَخَلَ فِيهَا (درون

آتش رفت). <سعیر> (بر وزن فعیل) به معنای مفعول است، یعنی، داغ و برافروخته. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۸

۸ - مردم بی ایمان در قیامت، نامه عمل خویش را از

پشت سر دریافت کرده و به آتش جهنم گرفتار خواهند شد .

أَمَا مِنْ أُوْتِي كُتُبَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ... وَيَصْلِي سَعِيرًا ... فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ارتباط مجموع آیات این سوره، اقتضا می کند که مراد از ضمیر <هم> و تعبیر <الذین كفروا> (در آیات بعد) همان کسانی باشند که در آیه دهم، با تعبیر <مَنْ أُوْتِي كُتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ> از آنان یاد گردید. همان طور که مراد از <الذین آمنوا> (در آیات بعد)، همان <مَنْ أُوْتِي كُتَابَهُ بِيَمِينِهِ> در آیات پیشین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - شکنجه گران و سوزانندگان مردم با ایمان ، به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ

<فتن> (مصدر <فتنوا>) در اصل به معنای داخل کردن طلا در آتش است؛ ولی در مورد داخل کردن انسان در آتش نیز استعمال دارد (مفردات راغب). <فتنه> در قرآن، گاهی به معنای تعذیب (شکنجه دادن) آمده است. (بصائر فیروزآبادی)

۲ - شکنجه گران و سوزانندگان مؤمنان ، علاوه بر عذاب جهنم ، به عذاب سوزانی سخت تر از آن ، گرفتار خواهند شد .

فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ

جمله <و لهم عذاب الحریق> چنانچه تأکید قبل نباشد، بر وجود عذابی دیگر علاوه بر عذاب جهنم دلالت دارد. برخی آن را بر عذاب دوران برزخ و قیامت تطبیق داده اند. وصف حریق بودن، بیانگر شدت سوزندگی آن است؛ در حدی که اوصاف دیگر آن را تحت الشعاع قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۲ - ۳

۳ - فرجام شقاوتمندان ، گرفتاری به آتش دوزخ است .

و يتجنّبها الأشقی . الذی یصلی النار الکبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان هدایت ها و انداز های الهی و اعراض کنندگان از آن ، در آتش جهنم مغلداند .

فأنذرتکم نارًا تلظى . لا یصلیها إلا ... الذی کذب و تولّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۱

۱ - صاحبان اعمال بیوزن و ارزش ، در قیامت گرفتار جهنم و سقوط کننده در پرتگاه عمیق آن

فأُمَّه هاویه

<هاویه> که در این آیه بر <جهنم> تطبیق یافته است به معنای هر درّه و یا حفره ای است که عمق آن معلوم نباشد. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۳

۳ - عیب جویان ، غیبت کنندگان ، سخن چینان ، بدگویان ، تمسخرکنندگان مردم و زراندوزان ، در آتش جهنم افکنده خواهند شد .

لینبذن فی الحطمه

آیات بعد، بیانگر آن است که مراد از <حطمه>، آتش جهنم است.

آثار استمداد جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۹

۱۹- كمك خواهى دوزخيان ، افزايش دهنده عذاب و زمينه تحقير افزون تر ايشان است .

و إن يستغثوا يغاثوا بماء كالمهل يشوى الوجوه

فعل <يغاثوا> (فريادرسى مى شوند) استهزای دوزخيان است و <يشوى الوجوه> از سوزاندن و عذابى اضافه بر عذاب موجود خبر مى دهد.

آثار استهزاهای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۱،۲

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خدا ، به خاطر استهزای آنان نسبت به بندگان مؤمن در دنیا

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا .. و كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ

<إِتْخَاذٌ> (مصدر <أَتَّخَذْتُمْ>) به معنای گرفتن و <سَخِرَى> به معنای استهزا و ریشخند است. <إِنْسَاءٌ> (مصدر <أَنَسُوا>) نیز به معنای فراموشاندن و از خاطر بردن است. ضمیرهای خطاب مربوط به کافران و ضمیرهای غیبت مربوط به مؤمنان می باشد.

۲ - ردّ درخواست های دوزخیان از سوی خدا ، بازتاب استهزای آنان نسبت به مؤمنان در دنیا

قَالَ اخْسِئُوا فِيهَا .. إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي ... فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا

آثار ذکر حیرت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۳

۳ - توجه به سختی های دوزخ و حیرت و ناآرامی مداوم دوزخیان ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ ءَان . فَبَأَى ءِالَاءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در آیه قبل، سختی های دوزخ را به خلق یادآور شده و در این آیه، حیثیت ربوبیت و رشد دهی خویش را مطرح ساخته است.

آثار فریاد جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۴

۴- شدت عذاب ها و طنین فریاد ، مانع شنیدن مشرکان در جهنم خواهد شد .

لهم فيها زفير و هم فيها لا يسمعون برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که >لهم فيها

آرزوهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون

۳ - دوزخیان ، آرزومند رهایی از دوزخ و متعهد به صلاح و ایمان ، در صورت بازگشت به دنیا

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِن عَدْنَا فَإِنَّا ظَلْمُونَ

آرزوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۲

۲ دوزخیان ، همواره در پی خروج از آتش و در آرزوی رهایی از آن

یریدون ان یخرجوا من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۱

۱ - دوزخیان ، آرزومند بازگشت به دنیا ، حتی برای یک بار و قرار گرفتن در صف مؤمنان

فلو أنّ لنا كزّه فنكون من المؤمنین

حرف <لو> برای <تمنی> به کار می رود و <کزّه> به معنای (یک بار بازگشتن) است. بنابراین <لو أنّ لنا كزّه>؛ یعنی، ای کاش! برای ما هرچند برای یک بار هم که شده، فرصت بازگشتی می بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۹، ۴، ۳

۳ - دوزخیان ، عاجزانه در تمنای مرگ و نابودی ، برای رهایی یافتن از عذاب

كانوا هم الظلمین . و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

۴ - استقبال مجرمان از مرگ در جهنم ، نمایانگر شدت عذاب اخروی ایشان است .

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

۹ - تمنای دوزخیان برای رهایی از عذاب ، تمنایی بی جا و غیر قابل پذیرش

و نادوا .. اِنَّكُمْ مَكْتُون

۱۲ - > قال سيد بن طاوس ، اقول في الحديث . اِنَّ اهل النار اذا دخلوها و رأوا اُنكالها . . . فيومَلون . . . ليخفَّ عنهم

بعض العذاب ... فإذا يسوا من خزنة جهنم رجعوا إلى مالك مقدّم الخزان و أمّلوا أن يخلصهم من ذلك الهوان كما قال جلّ جلاله > و نادوا يا مالك ليقض علينا ربّك < قال : فيحبس عنهم الجواب أربعين سنه ثمّ يجيبهم كما قال الله في كتابه المكنون . > إنكم ماكنون < ... ;

سیدبن طاووس گوید: در حدیث است که دوزخیان زمانی که داخل آتش شده و عذاب های آن جا را می بینند .. آرزو می کنند ... تا مقداری از عذاب از آنان برداشته شود و وقتی از مأموران جهنم مایوس شدند، سراغ مالک دوزخ که [رتبه] او بر همه مأموران مقدم است، رفته و آرزو می کنند که او آنها را از این ذلت رهایی دهد؛ همان طور که خداوند می فرماید: > نادوا یا مالک لیقض علینا ربّک< . جواب آنان چهل سال داده نمی شود؛ سپس همان گونه که خدا در کتاب محفوظ خود فرموده چنین جواب می دهد: إنکم ماکنون<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۱

۱ - جهنمیان ، که در آرزوی هلاکت ناله سر می دهند ، روزگاری در کنار خویشاوندان خود ، دنیایی شاد و زندگی خرمی داشتند .

یدعوا ثبوراً .. إنه کان فی أهله مسروراً

آرزوی مرگ جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۲

۲ - برای اهل دوزخ ، مرگ مطلوب تر از وضع موجود آنان است .

ثمّ لایموت فیها

آشامیدنی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۳

۳ - نوشیدن اجباری مایع جوشان ، یکی از عذاب های دوزخیان است .

تسقی من عین ءانیه

آشامیدنهای اخروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۱

۱ - کسانی که در قیامت حضوری ذلت آمیز دارند ، به نوشیدن از چشمه ای جوشان وادار خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

فعل <تسقی> مجهول و بیانگر این است که آشامیدن از سوی فرد یا افرادی، بر دوزخیان تحمیل خواهد شد <أنی> (ریشه <آنیه>) در چندین معنا از جمله <رسیدن به چیزی> استعمال شده است (مقایس اللغه) و به قرینه سیاق آیه که نوشیدنی اهل دوزخ را بیان می کند مراد رسیدن چشمه، به نقطه نهایی حرارت است.

آینده جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۵

۵ - عذاب دوزخ جاودانه است و جهنمیان ، آینده جز افزایش عذاب ندارند . *

فلن نزیدکم إلاّ عذاباً

ابزار عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۱

۱ - گرز های آهنین ، یکی دیگر از ابزار شکنجه اهل دوزخ

و لهم مقمع من حديد

اتمام حجت بر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۴

۴ - خداوند ، حجتش را بر دوزخیان در دنیا تمام کرده است .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون

احتجاج جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ -

۲۲ عن أبي جعفر (ع) (في حديث طويل): .. >قالت أخرجهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا...< و قوله: >كلما دخلت امه لعنت أختها...< برء بعضهم من بعض و لعن بعضهم بعضا يريد بعضهم ان يحج بعضا رجاء الفلج فيفلتوا من عظيم ما نزل بهم

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از تلاوت آیه >قالت أخرجهم لأوليهم...< فرمود: گروهی از آنان (جهنمیان)، از گروه دیگر بیزارى جسته و به آنان نفرین می کنند، شاید بر گروه دیگر در احتجاج پیروز شوند و از عذاب بزرگی که به آن گرفتار شده اند رهایی یابند

احساس جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۲

۲- شهود حسی دوزخیان در قیامت ، نسبت به حقایق مورد تشکیک خود در دنیا

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

ادعای جهنمیان علیه رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ اغواگری سران کفر و شرک و واداشتن دیگران به ضلالت، ادعای دوزخیان پیرو علیه رهبران خویش در پیشگاه خداوند

قالت أخرجهم لأوليهم ربنا هؤلاء أضلونا

اراده جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۷

۷- نوعی اراده و توان محدود ، برای دوزخیان وجود دارد .

كَلِّمُوا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا

ازدياد عذاب جهنميان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نبأ - ٧٨ - ٨ - ٧

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نبأ - ٧٨ -

۳ - افزایش مداوم عذاب ، هشدار خداوند به جهنمیان

فلن نزيدكم إلا عذاباً

۵ - عذاب دوزخ جاودانه است و جهنمیان ، آینده جز افزایش عذاب ندارند . *

فلن نزيدكم إلا عذاباً

استغاثه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱

۱ - فریاد و استغاثه کافران ، برای خروج از دوزخ به منظور تصحیح رفتار خود و انجام اعمال نیک

و هم یصطرخون فیها ربنا أخرجنا نعمل صلحاً غیر الذی کنا نعمل

<استراخ> (مصدر <یسترخون>) به معنای فریاد شدید است که غالباً در مورد کمک طلبی به کار می رود.

استغفار برای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۶

۶ شرک و دوزخی بودن ، مانع تأثیر استغفار مؤمنان برای مشرکان و دوزخیان

ما کان للنبی و الذین ءامنوا أن یتغفروا للمشرکین .. أنهم أصحاب الجحیم

استمداد جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۵

۱۵ - کافران در خیمه آتشین دوزخ ، با استغاثه و اظهار تشنگی ، از مأموران عذاب ، یاری می طلبند .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء

<غوث> یعنی: <یاری کردن> و <غیث> یعنی: <باران>. مراد از <استغاثه> می تواند طلب یاری و یا طلب باران (آب) باشد. پاسخی که به استغاثه دوزخیان داده می شود، گویای آن است که یاری خواستن دوزخیان، همان آب خواهی آنان است.

استمهال جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۲،۳،۴

۲ - التجای دوزخیان به ربوبیت الهی ،

برای اعطای فرصتی دوباره به آنان

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا

<إخراج> (مصدر <أخرجنا>) به معنای بیرون بردن و <عود> (مصدر <عدنا>) به معنای بازگشتن است.

۳- دوزخیان، آرزومند رهایی از دوزخ و متعهد به صلاح و ایمان، در صورت بازگشت به دنیا

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِن عَدْنَا فَإِنَّا ظَلْمُونَ

۴- دوزخیان، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان، بعد از فرصت داده شده

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِن عَدْنَا فَإِنَّا ظَلْمُونَ

استهزای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۱

۱- معرفی دوزخ به مجرمان دوزخی، از روی استهزا و تمسخر

يعرف المجرمون بسيمهم .. هذه جهنم

اشرافگیری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۲

۲- زورمداری، برتری جویی و اشرافی گری در دنیا، از ویژگی های عمده گنه کاران دوزخی

ذق إنك أنت العزيز الكريم

تحقیر، تمسخر و توبیخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزيز> و <الکريم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیر شوندگان، از جمله کسانی اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

اصحاب اعراف و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱۱ اعرافیان با نگاهی ناخواسته منظره ناخوشایند دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> اصحاب اعراف باشد.

۱۲ مشاهده منظره ناهنجار دوزخیان ، برانگیزنده اعرافیان به دعا به درگاه خداوند برای دور ماندن از ابتلا

به سرنوشت آنها

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمين

۱۳ دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در نظر اعرافیان

ربنا لاتجعلنا مع القوم الظلمين

افکندن جهنمیان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، در تأکید برافکنده شدن دوزخیان در آتش جهنم

لینبذن

حرف <لام> در <لینبذن>، نشانگر قسم محذوف است.

اقرار جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۴

۴ اعتراف دوزخیان در برابر بهشتیان ، به تحقق تهدید های الهی درباره ایشان

فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً قالوا نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۳، ۲

۲ - اقرار ذلیلانه مشرکان در تنگنای دوزخ ، به ربوبیت و پروردگاری خداوند

قالوا ربنا غلبت .. قوماً ضالین

<غلبه> (مصدر <غلبت>) به معنای چیره شدن است. <شقوه> معادل <شقاوه> و در مقابل سعادت است. در این جا مراد

از شقاوت، عوامل و اسباب آن است.

۳- اعتراف دوزخیان به استیلاي شقاوت و گمراهی، بر سراسر زندگی دنیوی آنان

قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قومًا ضالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۱

۱- اعتراف دوزخیان به کوتاه بودن مدت حیات دنیوی خویش در مقایسه با حیات اخروی

قالوا لبثنا أو بعض یوم

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مراد از <فی الأرض> در آیه قبل، زندگی دنیوی باشد. در این صورت تعبیر <یوماً أو بعض یوم> بدان جهت

است که دوزخیان زندگی چند دهه ای دنیا را، در مقایسه با حیات طولانی اخروی، بسیار ناچیز می بینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۴

۴ - پیشوایان شرک در عرصه قیامت ، به دوزخی بودن خویش و این که مستحق کیفر الهی اند ، اعتراف خواهند کرد .

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا اِذَا لَدَيْنَا مَوْتٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۵

۵ - اعتراف مستضعفان در آتش دورخ ، به پیروی کامل خویش از مستکبران در دنیا

فَيَقُوْلُ الضَّعِیْفُوْا لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا

آمدن <تبعاً> (به صورت مصدر) مفید مبالغه است؛ یعنی، تابعیت محض و پیروی کامل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۲

۲ - اعتراف دوزخیان ، به گسیل شدن رسولان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن به سوی آنان

قَالُوْا اَوْ لَمْ تَكُنْ تَاْتِيْكُمْ رَسُوْلُكُمْ بِالْبَيِّنٰتِ قَالُوْا بَلٰی

اقسام جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠- > عن النبي (ص) في قوله < لكلّ باب منهم جزء مقسوم > قال : إن من أهل النار من تأخذه النار إلى كعبيه ، وإن منهم من تأخذه النار إلى

حجزته ، و منهم من تأخذه إلى تراقيه منازل بأعمالهم ، فذلك قوله : < ... لكل باب منهم جزء مقسوم > . . . ؛

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <لکل باب منهم جزء مقسوم> روایت شده است که فرمود: بعضی از اهل آتش کسانی اند که آتش تا غوزکهای آنان را فرا می گیرد و بعضی را تا کمر (جای کمر بند) و بعضی را تا گلو. اینها منازل و مراتبی است که به اختلاف اعمال اهل آتش بستگی دارد و این است قول خدا: ... لکل باب منهم جزء مقسوم...>.

۱۱- > قال رسول الله (ص) في قوله تعالى : < لكل باب منهم جزء مقسوم > : جزء أشركوا بالله ، و جزء شكوا في الله و جزء غفلوا عن الله ؛

رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند متعال <لکل باب منهم جزء مقسوم> فرمود: گروهی به خدا شرک ورزیده و گروهی در خدا شک آورده و گروهی از خدا غافل بوده اند [اینان گروههای تقسیم شده برای درهای جهنم اند].

التجای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۲

۲ - التجای دوزخیان به ربوبیت الهی ، برای اعطای فرصتی دوباره به آنان

ربنا أخرجنا منها

<إخراج> (مصدر <أخرجنا>) به معنای بیرون بردن و <عود> (مصدر <عدنا>) به معنای بازگشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۱

۱ - التجای دوزخیان به نگهبانان دوزخ ، برای وساطت میان ایشان و پروردگار

و نادوا يملك ليقض علينا ربك

امیدواری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۲

۲ - امید و انتظار دوزخیان ، به شفاعت نگهبانان جهنم به درگاه خداوند برای تخفیف اندکی از عذاب آنان

و قال الذین فی النار لخنه جهنم ادعوا ربکم یخفف عنا یومًا من العذاب

انذار جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - آمدن نذیر و هشدار دهنده از جانب خداوند در دنیا ، برای کافران محکوم به دوزخ

و جاء کم النذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۷ - ۳

۳ - خطر گرفتاری به جهنم ، به تمام دوزخیان گوشزد شده و به آنان هشدار کافی داده شده است .

ثم ینال هذا الذی کنتم به تکذبون

بدن جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۳

۲۳ - فانی نشدن کالبد دوزخیان و نمردن آنان ، با وجود شکنجه ها و قطعه قطعه شدن

خلد فی النار .. فقطع أمعاءهم

برتری طلبی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- زورمداری، برتری جویی و اشرافی‌گری در دنیا، از ویژگی‌های عمده گنه‌کاران دوزخی

ذق إنك أنت العزيز الكريم

تحقیر، تمسخر و توبیخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزيز> و <الکريم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیرشوندگان، از جمله کسانی‌اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

بریانی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ -

۲- بریان شدن گوشت بدن دوزخیان در آتش دوزخ

و تصلیه جحیم

بریانی صورت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۸

۱۸- آب های دوزخی ، چهره کافران را سوزانده و بریان می سازد .

یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

بوی پیراهن جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۰ - ۶

۶- > عن أبي عبدالله (ع) : ... إن جبرئيل جاء إلى رسول الله (ص) ... قال : ... لو أن سربالاً من سراويل أهل النار علّق بين السماء والأرض لمت أهل الأرض من ريحه ووهجه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که جبرئیل نزد رسول خدا(ص) آمد . . . و گفت: ... اگر پیراهنی از پیراهنهای اهل آتش بین آسمان و زمین آویزان شود، اهل زمین از بوی بد و شعله آن می میرند.<

بهشتیان و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۳، ۲، ۱

۱ بهشتیان پس از ورود به بهشت با فریادی رسا دوزخیان را مخاطب قرار داده و با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الجنة اصحاب النار

>نداء< به معنای فریاد زدن و کسی را با صدایی بلند خواندن است.

۲ اعلان تحقق وعده های الهی (بهشت و مواهب آن) ، به اهل ایمان گزارشی از سوی بهشتیان به گرفتاران در آتش دوزخ

و نادى . . . أن قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً

۳ بهشتیان برای ملامت و

سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادى . . . فهل وجدتم ما وعد ربكم حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۸، ۵، ۴، ۳

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحاب الجنة> در آیه قبل برگردانده شود.

۴ مشاهده دوزخیان از سوی بهشتیان ، مشاهده ای ناخواسته و بدون اختیار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار

مجهول آوردن فعل <صرفت> حکایت از برداشت فوق دارد.

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

۸ دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در دیدگاه بهشتیان

ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمین

راهیان بهشت خواسته خویش مبنی بر گرفتار نشدن به آتش دوزخ را با درخواست دوری از ستمکاران بیان داشتند و این می رساند که بهشتیان در روز قیامت از ستمکاران نیز متنفر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۷

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفیضوا علینا . . . قالوا إن الله حرمهما علی الکفرین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۱۶

۱۶ - > عن أبي عبد الله

(ع) قال: ... یوم التغابن، یوم یَعْبُنُ أَهْلَ الْجَنَّةِ أَهْلَ النَّارِ ... ۱

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: ... <یوم التغابن> روزی است که بهشتیان، جهنمیان را مغبون می سازند...<.

بی ارزشی تلاش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - گرفتاران پستی و خواری در قیامت، برای رهایی خود تلاش کرده، خویش را به سختی و زحمت خواهند انداخت.

عامله ناصبه

مراد از <عمل> در قیامت به قرینه آیه قبل تلاش دوزخیان برای رهایی از محمصه ای است که آنان را به خشوع و ذلت افکنده است. <نَصَبٌ> به معنای تعب است. (مفردات راغب)، بنابراین <ناصبه> به معنای کسانی است که خود را به رنج و سختی می اندازند. به قرینه <یومئذ> در آیه قبل می توان گفت که این دو وصف مربوط به آخرت است.

۳ - اهل دوزخ، تلاش های پرمشقت خود در دنیا را بی نتیجه دیده و برای رهایی از پستی و ذلت در قیامت، از آن بهره ای نخواهند برد.

وجوه یومئذ خشعه . عامله ناصبه

چنانچه دو وصف <عامله> و <ناصبه>، مربوط به تلاش و رنج در دنیا باشد، مراد این خواهد بود که صاحبان <وجوه خاشعه> تا زمانی که در دنیا بودند، کارهای پرزحمت انجام می دادند، ولی اکنون در قیامت از آن بی بهره اند. گفتنی است که جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که در وصف گروه مقابل این افراد است با این احتمال سازگارتر است.

بی ارزشی جهنمیان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۱

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، موجوداتی بی ارزش در پیشگاه الهی

هذا نزلهم

<نزل> چیزی است که میزبان برای پذیرایی مهمان آماده می کند و معمولاً بهترین خوردنی و نوشیدنی است که میزبان در خانه دارد. این تعبیر در مورد غذا و آب دوزخیان، تعبیری استهزاآمیز و بیانگر بی ارزش بودن آنان در پیشگاه خداوند است.

بی تأثیری استغاثه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۹

۹ - استغاثه و فریادخواهی کافران ، در دوزخ بی نتیجه است .

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذَا مَرْتَبًا... أَوْلَم نَعْمَرِكُمْ مَا يَنْدُرُ فِیهِ مِنْ تَدَكَّرٍ

بی تأثیری استمداد جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۸

۸ - استمداد بی ثمر مستضعفان از رهبران مستکبر خود در دوزخ ، برای کاستن بخشی از عذاب آنان (آتش) به پاس پیروی شان از آنها در دنیا

إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مَغْنُونٌ مَعَنَا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ

بی تأثیری خوردنیهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۲

۲ - گیاه خوراکی دوزخیان ، فاقد انرژی است و از لاغری آنان نمی کاهد .

<سَمَن>، نقطه مقابل لاغری است. (مفردات راغب)

بی تأثیری دعای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۸

۸ - بی اثر بودن دعاها و درخواست های کافران در دوزخ

و ما دعوا الکفرین إلاّ

<ضلال> (مرادف <ضیاع>) به معنای تباهی است و مقصود از آن در آیه شریفه، بی ثمر بودن دعای کافران می باشد.

بی ثمری جزع جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۴

۲۴- > النبی (ص) ... فی قوله : > سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص < قال : يقول أهل النار : هلموا ، فلنصبر ، فيصبرون خمسمائة عام فلما رأوا ذلك لا ينفعهم قالوا : هلموا فلنجزع ... فيكون خمسمائة عام فلما رأوا ذلك لا ينفعهم قالوا > سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص < ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا >سواء علينا أجزعنا..< روایت شده است که فرمود: اهل آتش [به یکدیگر] می گویند: بیایید صبر کنیم؛ پس پانصد سال صبر می کنند. آن گاه که دیدند این صبر سودی برایشان نداشت، گویند: بیایید بی تابی کنیم ... پس پانصد سال می گریند. آن گاه که دیدند این گریه [هم] سودی نبخشید، می گویند: سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص <.

بی ثمری صبر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۴

۲۴- > النبی (ص) ... فی قوله : > سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص < قال : يقول أهل النار : هلموا ، فلنصبر ، فيصبرون خمسمائة عام فلما رأوا ذلك لا ينفعهم قالوا : هلموا فلنجزع ... فيكون خمسمائة عام فلما رأوا ذلك لا ينفعهم قالوا >

سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص < ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <سواء علينا أجزعنا..> روایت شده است که فرمود: اهل آتش [به یکدیگر] می گویند: بیایید صبر کنیم؛ پس پانصد سال صبر می کنند. آن گاه که دیدند این صبر سودی برایشان نداشت، گویند: بیایید بی تابی کنیم... پس پانصد سال می گریند. آن گاه که دیدند این گریه [هم] سودی نبخشید، می گویند: سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص <.

بی یاروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۴ - ۷

۷ - محکومان به آتش دوزخ ، محروم از یار و مددکار در قیامت

و مأویکم النار و ما لکم من نصیرین

بی یاروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۳ - ۱۳

۱۳ گرفتاران به آتش دوزخ ، نجات دهنده ای نخواهند داشت و از طرف هیچ کس یاری نخواهند شد .

ثم لاتنصرون

بینش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - اهل دوزخ در دنیا ، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إنه ظنّ أن لن يحور

<خور>، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمه <حاء> به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل <یحور> از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

۲ - دوزخیان ، در دنیا در این

گمان به سر می برند که هرگز پس از مرگ ، حیات دوباره نخواهند یافت .

إِنَّ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

<حَيُّور>، تعبیری دیگر از <حشر> است و به هلاکت یا نقص و انحطاطی نظر دارد که در آخرت، نصیب منکران معاد خواهد شد.

پاسخ استغاثه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقایس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

پذیرایی از جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۵

۵ - درخت زقوم ، وسیله پذیرایی و خوراک دوزخیان

أم شجرة الزقوم

<زقوم> نوعی از گیاه زهرداری است که در بادیه ها می روید (قاموس المحيط)، ولی برخی از مفسران ویژگی های دیگری برای این درخت برشمرده و گفته اند: درختی با برگ ریز و بدبو است و شیره ای از آن می تراود که بدن به محض تماس با آن آماس می کند. این درخت در سرزمین های خشک می روید (روح المعانی (آلوسی)، ذیل آیه شریفه).

پرسش از جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پرسش خداوند از دوزخیان ، نسبت به مدت زندگی آنان در دنیا

قل

کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

ضمیر فاعل در <قال> با توجه به آیات قبل، به خداوند باز می گردد. <کم> برای استفهام از مقدار و <لبث> (مصدر <لبثتم>) به معنای درنگ کردن است.

۳ - پرسش خداوند از دوزخیان ، پیرامون درنگ آنان در عالم برزخ

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

با توجه به پاسخ سؤال یاد شده در آیه بعد <لبثنا یوماً أو بعض یوم..>، یک روز یا پاره ای از یک روز <می توان گفت که مراد، درنگ آنها در عالم برزخ است.>

۴ - < قال رسول الله (ص) إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَدْخَلَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَأَهْلَ النَّارِ النَّارَ قَالَ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ : > کم لبثتم فی الأرض عدد سنین ؟ قالوا : لبثنا یوماً أو بعض یوم قال لنعم ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم رحمتی و رضوانی و جنتی أَسکنوا فیها خالدین مخلدین ثم یقول : یا أهل النار > کم لبثتم فی الأرض عدد سنین قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم < فیقول : بئس ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم ناری و سخطی أمکثوا فیها خالدین ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم

لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا يوماً أو بعض يوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتنی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۱

۱ - پرسش نگهبانان جهنم از دوزخیان ، درباره آمدن فرستادگان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن برای ایشان

قالوا أَوْ لِمَ تَكُ تَأْتِيكُمْ رَسَلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

پشیمانی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۳

۳ - پشیمانی دوزخیان از کرده های ناشایست خویش و حسرت شدید آنان برای انجام اعمال صالح

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلْ

آهنگ سخن دوزخیان، به گونه ای است که نشانگر ندامت شدید آنان بر گذشته های خود و حسرتشان برای انجام اعمال نیک است.

پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ - جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحن>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

۳ - بدمنظری دوزخیان ، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

تباھی عمر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - دوزخیان، در سراسر عمرشان، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین پرداخته اند و عمر خود را به بطالت و تکذیب روز جزا گذرانده اند.

قالوا لم نك من المصلين .. و كنا نكذب بيوم الدين . حتى أتينا اليقين

مقصود از <یقین> مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپذیر برای تمامی انسان ها است. آمدن فعل های <لم نك>، <نخوض> و <نكذب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

تبری از جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ لزوم پرهیز محبت و دلسوزی نسبت به مشرکانی که دوزخی بودنشان حتمی است .

ما كان للنبي .. أن يستغفروا للمشركين ... أنهم أصحاب الجحيم

تبری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲۲

۲۲ عن أبي جعفر(ع) (في حديث طويل): .. <قالت أخرجهم لأولهم ربنا هؤلاء اضلونا...> و قوله: <كلما دخلت امه لعنت أختها...> برء بعضهم من بعض و لعن بعضهم بعضا يريد بعضهم ان يحج بعضا رجاء الفلج فيفلتوا من عظيم ما نزل بهم ...

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از تلاوت آیه <قالت أخرجهم لأولهم ربنا هؤلاء اضلونا...> فرمود: گروهی از آنان (جهنمیان)، از گروه دیگر بیزارى جسته و به آنان نفرین می کنند، شاید بر گروه دیگر در احتجاج پیروز شوند و از عذاب بزرگی که به آن گرفتار شده اند رهایی یابند

تجزیه

۱ - آتش دوزخ ، به شدت اندام دوزخیان را جدا کرده و پوست سر آنان را برمی کند .

نَزَاعَه لِلشَّوَى

<نَزَاعَه> به چیزی می گویند که پی در پی جدا و قطع می کند. <شوی> در معنای دست ها، پاها، اطراف و هر عضوی از بدن که قطع آن موجب مرگ نشود، استعمال می شود و ممکن است جمع <شواه> (پوست سر) باشد.

۲ - اندام مجرمان ، در آتش دوزخ به شدت جدا و پوست سر آنان برکنده می شود .

نَزَاعَه لِلشَّوَى

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمی میرند .

نَزَاعَه لِلشَّوَى

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

۵ - آتش جهنم ، دوزخیان را در هم شکسته ، آنان را به شدت خرد خواهد کرد .

الحطمه

<حَطْمٌ> (ریشه <حطمه>)، به معنای شکستن چیزی مانند هیزم است. این کلمه با گذشت زمان در مورد ریز ریز کردن کامل استعمال شده است (مفردات). وزن <فَعْلَه>، برای مبالغه به کار می رود و دلالت دارد که کار، به صورت عادت در آمده است. (مجمع البیان)

تحریم آب بر جهنمیان

۶ خداوند آب و دیگر مواهب بهشت را بر دوزخیان تحریم کرده است .

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۶

۶ - > و فی الحدیث أنّ أهل النار إذا دخلوها ... > فقالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و كُنّا قومًا ضالّین ، ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنا ظالمون < فيقفون أربعين سنة ذلّ الهوان لا يجابون ... ، ثم يجيبهم الله جلّ جلاله > اخسئوا فیها و لا تكلمون < قال : فعند ذالك یأسون من كلّ فرج و راحه و یغلق أبواب جهنّم علیهم ... >

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند]: .. > فقالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و كُنّا قومًا ضالّین... < پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: > اخسئوا فیها و لا تكلمون <. امام (ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ - حقارت و ذلت شدید کافران در دوزخ

قال اخسئوا فیها

> إخسأ < کلمه ای است که برای دور کردن سگک به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۳

۳ - ملائکه موکّل ، با تهکّم تحقیر آمیز ، به کافران ، برای ورود به جهنم ، فرمان می دهند .

یغشیهم العذاب .

.. و يقول ذوقوا ما كنتم تعملون

ضمير فاعلی <يقول> احتمال دارد به خداوند برگردد و احتمال دارد، منظور ملائکه باشد. برداشت بالا= بنا بر احتمال دوم است.

تداوم تشنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۲

۲- نوشیدن آب داغ در دوزخ، هر چند زیاد باشد از دوزخیان (اصحاب الشمال) رفع تشنگی نمی کند.

فشربون شرب الهیم

برخی <هیم> (جمع <هیماء>) را به معنای ریگ گرفته اند؛ زیرا در زمین ریگ زار هر چه آب ریخته شود، بلعیده می شود و هرگز از آب پر نمی گردد. تشبیه دوزخیان تشنه به ریگ زار، حاکی از سیری ناپذیری از آن آب می باشد.

ترك نماز جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۱

۱- دوزخیان، در سراسر عمرشان، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین پرداخته اند و عمر خود را به بطالت و تکذیب روز جزا گذرانده اند.

قالوا لم نك من المصلين... و كنا نكذب بيوم الدين. حتى أتينا اليقين

مقصود از <یقین> مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپذیر برای تمامی انسان ها است. آمدن فعل های <لم نك>، <نخوض> و <نكذب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

تشبیه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۵ - ۱

۱ - دوزخیان (اصحاب شمال) ، آب داغ و جوشان دوزخ را همچون شتری تشنه ،

با حرص و ولع خواهند نوشید .

فشربون شرب الهیم

<هیم> جمع <هیماء> است و <هیماء> به شتر تشنه گفته می شود. تشبیه حالت دوزخیان به هنگام نوشیدن از آب داغ جهنم به شتر تشنه، بیانگر مطلب یاد شده است.

تشنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۲

۲- تشنگی شدید جباران منحرف در جهنم به حدی است که علی رغم کراهت و بی میلی شدید ، از آب چرکین خواهند نوشید .

یسقی من ماء صدید . يتجرّعه و لایکاد یسیغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۵

۱۵- کافران در خیمه آتشین دوزخ ، با استغاثه و اظهار تشنگی ، از مأموران عذاب ، یاری می طلبند .

و إن یستغیثوا یغاثوا بماء

<غوث> یعنی: <یاری کردن> و <غیث> یعنی: <باران>. مراد از <استغاثه> می تواند طلب یاری و یا طلب باران (آب) باشد. پاسخی که به استغاثه دوزخیان داده می شود، گویای آن است که یاری خواستن دوزخیان، همان آب خواهی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۷ - ۲

۲ - دوزخیان ستمگر ، بر اثر خوردن غذای <زقوم> به تشنگی شدید دچار خواهند گشت .

شجره الزقوم .. فمالئون منها البطون . ثم إن لهم علیها لشویاً من حمیم

برداشت یاد شده از تعبیر <علیها> (به معنای <بعدها>)، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۷ - ۳

۳ - اهل دوزخ ، گرفتار تشنگی شدید

هذا فلیذوقوه

حمیم و عساق

نوشیدن آب داغ و یا خونابه چرکین، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۲

۲ - دوزخیان ، گرفتار تشنگی و نیازمند نوشیدنی خواهند شد .

تسقی من عین ءانیه

تعجب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۲

۲ - اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانرى رجلاً کنا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا..> برای تعجب و تحسر است.

تقلید جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۹ - ۲

۲ - تقلید دوزخیان ستمگر از پدران خود در عقاید دینی و مبانی فکری ، تقلیدی کورکورانه بود .

إنّهم ألفوا ءاباءهم ضالّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۰ - ۱

۱ - دوزخیان ستمگر ، بدون تعقل و بی اختیار از رفتار و کردار پدران خود ، تقلید کرده و پیروی می کردند .

فهم علی ءاثرهم یهرعون

مقصود از <آثار> رفتار و کردار و <اهراع> (ماده <یهرعون>) به معنای با سرعت دویدن است. این کنایه از بی تأمل اقدام کردن و بی اختیار عمل کردن است.

تکذیبگری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۱

۱ - دوزخیان ، در سراسر عمرشان ، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین نپرداخته اند و عمر خود را به بطلت و

تکذیب روز جزا گذرانده اند .

قالوا لم نك من المصلين .. و كنا نكذب بيوم الدين . حتى أتينا اليقين

مقصود از <یقین> مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپذیر برای تمامی انسان ها است. آمدن فعل های <لم نك>، <نخوض> و <نكذب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۲

۲ - طغیان گران دوزخی ، حسابرسی قیامت را انکار کرده و احتمال حقانیت آن را نیز مردود می دانستند .

إنهم كانوا لا يرجون حساباً

نفی <امید>، بیانگر این است که انکار قیامت از سوی دوزخیان، به حدی شدید بود که آنان احتمال آن را نیز نمی دادند و حتی اندک امیدی به آن نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۱

۱ - طغیان گران دوزخی ، آیات الهی را دروغ شمرده و بر تکذیب آن اصرار میورزیدند .

و كذبوا بايتنا كذاباً

<كذاباً> (مصدر باب <تفعیل>)، مفعول مطلقى است که بر تأکید دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۱۷ - ۲

۲ - مأموران الهی ، با به رخ کشیدن تکذیب گری ها و ناباوری های جهنمیان ، آنان را بر آن موضع گیری ، سرزنش خواهند کرد .

ثمّ يقال هذا الذى كنتم به تكذبون

تکلم جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن دائمی

در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن توانا هستند .

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا

تلاش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۳

۳ - تلاش دوزخیان برای انداختن بارِ گناه خویش بر دوش دیگران

و ما أضلنا إلا المجرمون

تلاش دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۵

۵ - اهل دوزخ ، از تلاش های خویش در دنیا ، جز رنج و تعب در آخرت سودی نخواهند برد .

عامله ناصبه

جمله <لسعها راضیه> (در آیات بعد) که ناظر به گروه مقابل اهل دوزخ است از سعی آنها در دنیا و رضایتشان در آخرت سخن گفته است. در نتیجه این آیه، ناظر به عمل دوزخیان در دنیا و <نَصَبٌ> (تعب) آنان در آخرت خواهد بود.

تلاشی روده های جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۲

۲۲ - متلاشی شدن درون دوزخیان ، با نوشیدن آب های گدازنده

و سقوا ماء حمیمًا فقطع أمعاءهم

ثروت اندوزی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۲

۲ - زراندوزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

و جمع فاعلی

جاودانان جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۱

۱ - اهل دوزخ ، هرگز از آن خارج نخواهند شد .

كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا

<إرادہ> (مصدر <أرادوا>) در این جا کنایه از نزدیک شدن است. ضمیرهای

<منها> و <فيها> به <نار> بازمی گردد. <غم> نیز مصدر و به معنای ستر و پوشیدن است که مضاف الیه آن حذف شده و تقدیرش <غمها> می باشد. <من غمها> نیز در این جا بدل اشمال از ضمیر <منها> است؛ یعنی، دوزخیان هر وقت که بخواهند از پوشش آتش خارج شوند، به آن بازگردانده خواهند شد.

جاودانگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۵

۱۵ کافران، اهل آتش و ماندگار در آن برای همیشه

اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۹

۹ هیچکس دوزخیان را از عذاب الهی نجات نخواهد داد.

ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته و ما للظالمين من انصار

مراد از <انصار> به قرینه <من تدخل النار>، یاری در جهت رهاسازی از عذاب دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۹

۹ جاودانه ساختن دوزخ و دوزخیان، امری سهل و آسان برای خداوند

الا طريق جهنم خلدین فيها ابدًا و كان ذلك علی الله يسيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فتكون من اصحاب النار و ذلك جزؤا الظالمين

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۱،۲۲

۲۱ خلود و عدم

خلود دوزخیان وابسته به مشیت خداوند است.

خلدین فیها إلا ما شاء الله

۲۲ سزاواران خلود در جهنم ممکن است با مشیت خداوند از آن رهایی یابند.

خلدین فیها إلا ما شاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۸

۸ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلداً فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۶

۶ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۶

۶- اهل جهنم دچار مرگ و میر نمی شوند .

يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ

اگرچه مورد آیه کافران جبار است، اما با توجه به آیات دیگر، که عذاب جهنم و جهنمیان را جاودانی می داند، می توان حکم آیه را عام و شامل گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۵

۵ - خلود دوزخیان در جهنم

یصلونها

فعل <یصلون> در نظر زجاج از ریشه <صلاه> (ملازم شدن) است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۲ - ۳

۳ - خلود دوزخیان در جهنم

و یصلی سعیرًا

<صلاه> (ریشه <یصلی> در نظر زجاج) در اصل بر ملازمت دلالت دارد (لسان العرب). بنابراین فعل <یصلی>، بر جاودانگی دلالت خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۱

۱ - گرفتاران آتش دوزخ

، هرگز نخواهند مرد .

ثم لا يموت فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲ - ۴

۴ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۲

۲ - خلود دوزخیان در آتش جهنم

تصلی نارًا

فعل <تصلی> از ریشه <صلاه> به معنای ملازم و همراه بودن است. (لسان العرب به نقل از زجاج)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۱

۱ - راه خروج از آتش جهنم ، بر دوزخیان بسته خواهد بود .

إنها عليهم مؤصده

<وصیده> به اتافی گفته می شود که برای نگه داری اموال، در کوه ایجاد می کنند. فعل <آصده> یعنی، درب آن را بستم و محکم ساختم (مفردات)؛ بنابراین <مؤصده>، به معنای مکان بسته و غیر قابل خروج است.

جاودانگی عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۵

۵ - عذاب دوزخ جاودانه است و جهنمیان ، آینده جز افزایش عذاب ندارند . *

فلن نزيدكم إلا عذابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۳،۴

۳ - اهل دوزخ ، هرگز لذت زندگی را نخواهند چشید .

و لایحیی

مراد از نفی حیات به قرینه <لایموت> نفی حیات مطلوب است.

۴ - باقی ماندن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زندگی نامیده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر است .

ثم لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثم> ، برای تراخی رتبی

است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجه تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۱

۱ - چشیدن آتش سوزان و گرفتاری به رنج و مشقت آن، فرجام کسانی است که حضورشان در صحنه قیامت، همراه با خفت و خواری است.

وجوه یومئذ خشعه .. تصلی نارًا حامیه

<صلی النار> یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید (قاموس).

جاودانگی گرسنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۳

۳ - خوردن گیاه <ضریع>، دوزخیان را از گرسنگی نجات نخواهد داد.

و لایغنی من جوع

جاودانگی لاغری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۲

۲ - گیاه خوراکی دوزخیان، فاقد انرژی است و از لاغری آنان نمی کاهد.

لایسمن

<سِمن>، نقطه مقابل لاغری است. (مفردات راغب)

جایگاه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - جایگاه دوزخیان ، دور از محل استقرار نگهبانان دوزخ

و نادوا

کاربرد واژه <ندا> به جای <قول>، می تواند اشاره به این نکته باشد که دوزخیان با فاصله بسیار تقاضای وساطت مالک دوزخ را دارند.

جدایی پوست سر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - آتش دوزخ ، به شدت اندام دوزخیان را جدا کرده و پوست سر آنان را برمی کند .

نَزَاعَهُ لِلشَّوْی

<نَزَاعَهُ>

به چیزی می گویند که پی در پی جدا و قطع می کند. <شوی> در معنای دست ها، پاها، اطراف و هر عضوی از بدن که قطع آن موجب مرگ نشود، استعمال می شود و ممکن است جمع <شواه> (پوست سر) باشد.

۲- اندام مجرمان، در آتش دوزخ به شدت جدا و پوست سر آنان برکنده می شود.

نزاعه للشوی

جهل جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲۰

۲۰ دوزخیان، از شدت عذاب یکدیگر بی خبرند.

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

جهنمیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱

۱ دوزخیان در صحنه قیامت دارای موقعیتی بسیار شوم و دشوار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

هدف از بیان ناخوشایندی بهشتیان از مشاهده دوزخیان و بیان دعای آنان پس از مشاهده ناخواسته ترسیم موقعیت دشوار و شوم دوزخیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- جهنم یان در آخرت یکدیگر را شناخته و حوادث دنیا را به خاطر خواهند آورد.

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۴

۴ - دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴

۲- وجود نیاز های جسمانی برای دوزخیان در قیامت *

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقْوَمِ . طَعَامَ الْأَثِيمِ

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر <طعام>، حاکی از نیاز دوزخیان به غذا باشد؛ نه خوردن اجباری به آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - گرفتاران پستی و خواری در قیامت، برای رهایی خود تلاش کرده، خویش را به سختی و زحمت خواهند انداخت.

عامله ناصبه

مراد از <عمل> در قیامت به قرینه آیه قبل تلاش دوزخیان برای رهایی از مخصصه ای است که آنان را به خشوع و ذلت افکنده است. <نَصَبٌ> به معنای تعب است. (مفردات راغب)، بنابراین <ناصبه> به معنای کسانی است که خود را به رنج و سختی می اندازند. به قرینه <یومئذ> در آیه قبل می توان گفت که این دو وصف مربوط به آخرت است.

۳ - اهل دوزخ، تلاش های پرمشقت خود در دنیا را بی نتیجه دیده و برای رهایی از پستی و ذلت در قیامت، از آن بهره ای نخواهند برد.

وجوه یومئذ خشعه . عامله ناصبه

چنانچه دو وصف <عامله> و <ناصبه>، مربوط به تلاش و رنج در دنیا باشد؛ مراد این خواهد بود که صاحبان <وجوه خشعه> تا زمانی که در دنیا بودند، کارهای پرزحمت انجام می دادند؛ ولی اکنون در قیامت از آن بی بهره اند. گفتنی است که جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که در وصف گروه مقابل این افراد است با این احتمال سازگارتر است.

جهنمیان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ قرار نگرفتن در کنار دوزخیان ستمگر ، دعای رهروان بهشت به درگاه خداوند

و إذا صرفت .. قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمین

۸ دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در دیدگاه بهشتیان

ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمین

راهیان بهشت خواسته خویش مبنی بر گرفتار نشدن به آتش دوزخ را با درخواست دوری از ستمکاران بیان داشتند و این می رساند که بهشتیان در روز قیامت از ستمکاران نیز متنفر هستند.

جهنمیان و بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۴

۴ اعتراف دوزخیان در برابر بهشتیان ، به تحقق تهدید های الهی درباره ایشان

فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً قالوا نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۱،۵

۱ دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن برایشان فروریزند .

و نادى اصحاب النار .. أن أفيضوا علينا من الماء أو مما زركم الله

۵ دوزخیان با خودداری بهشتیان از پذیرش درخواستشان ، از دستیابی به آب و دیگر مواهب بهشت ناکام خواهند شد .

أن أفيضوا علينا .. قالوا إن الله حرمهما على الكفرین

جهنمیان و درخواست آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن برایشان فروریزند .

و نادى اصحب النار .. ان أفضوا علينا من

الماء او مما زرقكم الله

۵ دوزخیان با خودداری بهشتیان از پذیرش درخواستشان ، از دستیابی به آب و دیگر مواهب بهشت ناکام خواهند شد .

أن أفيضوا علينا .. قالوا إن الله حرمهما على الكافرين

جهنمیان و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۶

۶- اهل جهنم دچار مرگ و میر نمی شوند .

يأتيه الموت من كل مكان و ما هو بميت

اگرچه مورد آیه کافران جبار است، اما با توجه به آیات دیگر، که عذاب جهنم و جهنمیان را جاودانی می داند، می توان حکم آیه را عام و شامل گرفت.

جهنمیان و نعمتهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۶،۷

۶ خداوند آب و دیگر مواهب بهشت را بر دوزخیان تحریم کرده است .

إن الله حرمهما على الكافرين

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أن أفيضوا علينا .. قالوا إن الله حرمهما على الكافرين

حالات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۲

۲ - دوزخیان هر وقت بر اثر التهاب و غلیان آتش ، از قعر دوزخ بالا- آورده شوند ، با گرز های آهنین دوباره به قعر آن بازگردانده خواهند شد .

و لهم مقمع من حديد . كلما أرادوا أن يخرجوا منها من غم أعيدوا فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۲

۲ - قیامت

و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان ، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۳ - ۲،۴

۲ - برای اهل دوزخ ، مرگ مطلوب تر از وضع موجود آنان است .

ثمّ لایموت فیها

۴ - باقی ماندن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زندگی نامیده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر است .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثمّ>، برای تراخی رتبی است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجه تر است.

حتمیت دشمنی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - تخاصم و ستیزه جویی طاغیان در دوزخ ، امری حتمی و واقع شدنی

إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمِ أَهْلِ النَّارِ

<حَقٌّ> در مقابل باطل و غیر واقع به معنای راست و واقعیت دار است و مقصود از آن حتمی بودن وقوع و تحقق چنین امری در قیامت است؛ مثل آیه شریفه <إِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ، حساب و جزا حتماً واقع می شود>، (الذاریات (۵۱) (۶۱).

۲ - تأکید خداوند ، بر وقوع تخاصم و ستیزه جویی میان طغیان گران در دوزخ

إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمِ أَهْلِ النَّارِ

حتمیت ذلت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - اهل دوزخ ، تلاش های پرمشقت خود در دنیا را بی نتیجه دیده و برای رهایی از پستی و ذلت در قیامت ، از

آن بهره ای نخواهند برد .

وجوه یومئذ خشعه . عامله ناصبه

چنانچه دو وصف <عامله> و <ناصبه>، مربوط به تلاش و رنج در دنیا باشد؛ مراد این خواهد بود که صاحبان <وجوه خشعه> تا زمانی که در دنیا بودند، کارهای پرزحمت انجام می دادند؛ ولی اکنون در قیامت از آن بی بهره اند. گفتنی است که جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که در وصف گروه مقابل این افراد است با این احتمال سازگارتر است.

حتمیت عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۳

۳ - دوزخیان ، هیچ راه نجاتی از عذاب و آتش دوزخ ندارند .

علیها تسعه عشر . و ما جعلنا أصحاب النار إلا ملئکه

از این که دوزخ، دارای نگهبانانی است که به طور دائم حضور دارند، می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۵

۵ - عذاب دوزخ جاودانه است و جهنمیان ، آینده جز افزایش عذاب ندارند . *

فلن نزیدکم إلا عذابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۱،۳

۱ - گرفتاران پستی و خواری در قیامت ، برای رهایی خود تلاش کرده ، خویش را به سختی و زحمت خواهند انداخت .

عامله ناصبه

مراد از <عمل> در قیامت به قرینه آیه قبل تلاش دوزخیان برای رهایی از مخمصه ای است که آنان را به خشوع و ذلت افکنده است. <نَصَب> به معنای تعب است. (مفردات راغب)، بنابراین <ناصبه> به معنای کسانی است

که خود را به رنج و سختی می اندازند. به قرینه <یومئذ> در آیه قبل می توان گفت که این دو وصف مربوط به آخرت است.

۳- اهل دوزخ، تلاش های پرمشقت خود در دنیا را بی نتیجه دیده و برای رهایی از پستی و ذلت در قیامت، از آن بهره ای نخواهند برد.

وجوه یومئذ خشعه . عامله ناصبه

چنانچه دو وصف <عامله> و <ناصبه>، مربوط به تلاش و رنج در دنیا باشد، مراد این خواهد بود که صاحبان <وجوه خشعه> تا زمانی که در دنیا بودند، کارهای پرزحمت انجام می دادند ولی اکنون در قیامت از آن بی بهره اند. گفتنی است که جمله <لسعیها راضیه> (در آیات بعد) که در وصف گروه مقابل این افراد است با این احتمال سازگارتر است.

حتمیت منازعه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۱،۲

۱ - تخصم و ستیزه جویی طاغیان در دوزخ، امری حتمی و واقع شدنی

إِنَّ ذَٰلِكَ لِحَقٌّ لِّتَخَاصُمِ أَهْلِ النَّارِ

<حق> در مقابل باطل و غیر واقع به معنای راست و واقعیت دار است و مقصود از آن حتمی بودن وقوع و تحقق چنین امری در قیامت است، مثل آیه شریفه <إِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ، حساب و جزا حتماً واقع می شود>، (الذاریات (۵۱) (۶۱)).

۲ - تأکید خداوند، بر وقوع تخصم و ستیزه جویی میان طغیان گران در دوزخ

إِنَّ ذَٰلِكَ لِحَقٌّ لِّتَخَاصُمِ أَهْلِ النَّارِ

حجاب بهشتیان و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۱،۲

۱ وجود حجاب

و فاصله میان بهشتیان و دوزخیان

و بینهما حجاب

۲ مردانی بلند مرتبه (أصحاب اعراف) ، بر بلندای حجاب حایل بین دوزخیان و بهشتیان حضور خواهند داشت .

و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال

<عرف> به قسمتهای بالا- و رویین هر چیز بلند و مرتفع گفته می شود و جمع آن <اعراف> است. (لسان العرب). ال در <الاعراف> جانشین مضاف إليه است، یعنی: و علی اعراف الحجاب رجال.

حسرت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ عن النبی (ص) فی قوله: <یا حسرتنا> قال: یری أهل النار منازلهم من الجنة فیقولون: <یا حسرتنا>.

رسول خدا(ص) درباره قول خداوند <یا حسرتنا> فرمود: جهنمیان جایگاه خودشان را در بهشت می بینند آنگاه می گویند: <ای افسوس>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تالله إن کنا لفی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۳

۳ - پشیمانی دوزخیان از کرده های ناشایست خویش و حسرت شدید آنان برای انجام اعمال صالح

ربنا أخرجنا نعمل صلحا غیر الذی کنا نعمل

آهنگ سخن دوزخیان، به گونه ای است که نشانگر ندامت شدید آنان بر گذشته های خود و حسرتشان برای انجام اعمال

نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۲

۲ - اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ،

از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانرى رجالاً كنا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا..> برای تعجب و تحسر است.

حق ناپذیری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خداوند ، به خاطر حق ناپذیری های گذشته آنان

ألم تكن آيتي تتلى عليكم .. تكذبون

استفهام در آیه فوق، استفهام توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزانند .

و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۳

۳ - حق گریزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

يودّ المجرم .. تدعوا من أدبر و تولّى

حیات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۳

۳- دوزخیان ، در عین سوختن دائمی در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن توانا هستند .

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفوا للذين استكبروا

خواسته های جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۵۰ - ۱،۷

۱ دوزخیان با فریادی بلند از بهشتیان تقاضا می کنند که از آب های بهشت یا دیگر مواهب آن بر ایشان فروریزند .

و نادى اصحاب النار .. أن أفيضوا علينا من الماء او مما زرقكم الله

۷- تحریم روزی های بهشت بر اهل

دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به ایشان

أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا .. قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَمَهُمَا عَلَى الْكُفْرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل

<مهمل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقایس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۴،۶

۴ - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عَدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

۶ - > و فِي الْحَدِيثِ أَنَّ أَهْلَ النَّارِ إِذَا دَخَلُوهَا ... > فقالوا رَبَّنَا غلبت علينا شقوتنا و كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ، رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عَدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ > فيقفون أربعين سنة ذلَّ الهوان لا يجابون ... ، ثم يجيبهم الله جلَّ جلاله > اخسئوا فيها و لا تكلمون > قال : فعند ذلك يبأسون من كل فرج و راحة و يغلق أبواب جهنم عليهم ... ;

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند:] .. > فقالوا رَبَّنَا غلبت علينا شقوتنا و كُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ... > پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند،

در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: <اٰخسثوا فیهما و لا تکلمون>. امام (ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مایوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۳

۳ تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً مقرّنين دعوا هنالك ثبوراً

<ثبوراً> به معنای هلاکت است و <دعا> (ریشه <دعوا>) به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از <دعوا> این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۷

۷ - درخواست نجات از سوی دوزخیان ، به منظور انجام اعمال صالح ، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه خواهند داد .

فما للظلمين من نصير . إنّ الله علم غيب السموت و الأرض إنّهُ علیم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند پس از نفی وجود یاور برای کافران می تواند پاسخی به این سؤال باشد که چرا و کجا آنان بی ناصراند؟ پاسخ این است که: چون خداوند به راز دل ها آشنا است، می داند که آنان هرگز ایمان نمی آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره مند نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۷

۷ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: ... < يوم التناد > يوم ينادى أهل النار أهل الجنة أن أفيضوا علينا من الماء أو مما رزقكم الله ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده فرمود: <يوم التناد> روزی است که دوزخیان بهشتیان را صدامی زنند که از فیض آب ها یا آنچه را خدا به شما عطا فرموده ما را مستفیض کنید..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۱

۱ - درخواست دوزخیان از نگهبانان جهنم ، مبنی بر شفاعت کردن نزد خداوند جهت تخفیف اندکی از عذابشان حتی به مقدار یک روز

و قال الذين فى النار لخنزيره جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يومًا من العذاب

خوردنیهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۸ - ۱

۱ - انواع نوشیدنی ها و غذا های دیگری مشابه آب داغ و خونابه چرکین ، به طغیان گران خورنده می شود .

فلیندوقوه حمیم و غساق . وء اخر من شكله أزوج

>شكل < به معنای مثل و مانند و <أزواج > به معنای انواع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۲،۳

۲ - تنها خوراک موجود برای برخی از دوزخیان ، گیاه خاردار و بی ارزش و بدبوی جهنم است .

لیس لهم طعام إلا من ضریع

<ضریع> (از ریشه <مضارعه> به معنای <مشابهه>) خاری است که شتر آن را، از خارهای مشابه تشخیص نمی دهد و

خوردن

آن به او صدمه می زند و سودی نمی رساند (مجمع البیان). برخی آن را خار ساقه و تنه درخت خرما و برخی دیگر، گیاه بدبویی دانسته اند که بر اثر موج دریا بیرون می افتد. این کلمه به معنای پوشش نازک روی استخوان نیز استعمال شده است. (قاموس)

۳- بی غذایی و تن در دادن دوزخیان به خوردن خار بی ارزش و صدمه زننده، از شکنجه ها و عذاب های جهنم است.

لیس لهم طعام إلا من ضریع

درخواست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ دوزخیان پیرو، به دلیل اغواگری سرانشان، از خداوند تقاضای عذابی مضاعف برای آنان خواهند کرد.

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا

دروغگویی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۷

۷- درخواست نجات از سوی دوزخیان، به منظور انجام اعمال صالح، صادقانه نبوده و آنان باز به رفتار زشت خود ادامه خواهند داد.

فما للظلمین من نصیر . إنّ الله علم غیب السموت و الأرض إنّّه علیم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند پس از نفی وجود یاور برای کافران می تواند پاسخی به این سؤال باشد که چرا و کجا آنان بی ناصرانند؟ پاسخ این است که: چون خداوند به راز دل ها آشنا است، می داند که آنان هرگز ایمان نمی آورند و در نتیجه از نصرت و یاری کسی بهره مند نخواهند شد.

دشمنی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ -

۱۳ دوزخیان پیرو، به دلیل اغواگری سرانشان، از خداوند تقاضای عذابی مضاعف برای آنان خواهند کرد.

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۵

۵ کینه توزی و دشمنی دوزخیان نسبت به یکدیگر

فأتهم عذابا ضعفا من النار .. فما كان لكم علينا من فضل

دگرگونی پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۹ - ۱

۱ - آتش دوزخ، پوست های بدن دوزخیان را به شدت دگرگون می سازد.

لَوَّاحِه لِّلْبَشْرِ

<لَوَّاحِه> صیغه مبالغه و از ماده <لوح> (تغییر و دگرگونی) است و <بشر>، جمع <بشره> به معنای ظاهر پوست بدن است.

دندانهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۳

۳ - بدمنظری دوزخیان، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

دنیا طلبی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۴

۴ - دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قالوا لبثنا يومًا أو بعض يوم

ذکر اختلاف جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۲

۲ - پدید آمدن اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و احتجاج و دلیل آوردن هر یک از آنان

، حادثه ای شایسته یاد و یادآوری

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفوا للذين استكبروا

<إذ> متعلق به فعل محذوف (أذكر) می باشد.

ذلت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۲ - ۱،۲

۱ خداوند هر کس را در آتش بیفکند ، او را به ذلّت و خواری کشانده است .

ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيتہ

۲ خذلان و خواری گرفتاران به آتش دوزخ

ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيتہ و ما للظالمين من انصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۸

۸ همنشینی و مؤانست بهشتیان در بهشت و تنهایی جهنمیان در جهنم *

خالدین فیها .. خالداً فیها

جمع آوردن <خالدین> برای بهشتیان و مفرد بودن <خالداً> برای جهنمیان، می تواند گویای مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۲

۲ - اقرار ذلیلانه مشرکان در تنگنای دوزخ ، به ربوبیت و پروردگاری خداوند

قالوا ربنا غلبت .. قوماً ضالّین

<غلبه> (مصدر <غلبت>) به معنای چیره شدن است. <شقوه> معادل <شقاوه> و در مقابل سعادت است. در این جا مراد

از شقاوت، عوامل و اسباب آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ - حقارت و ذلت شدید کافران در دوزخ

قال احسبوا فیها

>إخسأ< کلمه ای است که برای دور کردن سگ به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۱

گرفتاران پستی و خواری در قیامت، برای رهایی خود تلاش کرده، خویش را به سختی و زحمت خواهند انداخت.

عامله ناصبه

مراد از <عمل> در قیامت به قرینه آیه قبل تلاش دوزخیان برای رهایی از مخمصه ای است که آنان را به خشوع و ذلت افکنده است. <نَصَب> به معنای تعب است. (مفردات راغب)، بنابراین <ناصبه> به معنای کسانی است که خود را به رنج و سختی می اندازند. به قرینه <یومئذ> در آیه قبل می توان گفت که این دو وصف مربوط به آخرت است.

ذوب پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۱

۱ - گداخته شدن پوست و امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ، یکی دیگر از عذاب های مقرر برای آنان

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

<صِیْهْر> (مصدر مجهول <یُصْهَر>) به معنای گداخته شدن است. ضمیر <به> به <حمیم> بازمی گردد و <ما> در عبارت <ما فی بطونهم> کنایه از امعا و احشا است؛ یعنی، با آن آب داغ که بر سرشان ریخته می شود پوست و آنچه در میان شکم آنان است، گداخته خواهد شد.

ذوب دل و روده جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۱

۱ - گداخته شدن پوست و امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ، یکی دیگر از عذاب های مقرر برای آنان

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

<صِیْهْر> (مصدر مجهول <یُصْهَر>) به معنای گداخته شدن است. ضمیر <به> به <حمیم> بازمی گردد و <ما> در

عبارت <ما فی بطونهم> کنایه از امعا و احشا است؛ یعنی، با آن آب داغ که بر سرشان ریخته می شود پوست و آنچه در میان شکم آنان است، گداخته خواهد شد.

رد استغاثه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۱

۱ استغاثه و درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای رهایی از آتش جهنم نتیجه بخش نبوده و عذابشان ادامه خواهد یافت .

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَحَدًّا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از درخواست هلاکت، در حقیقت کنایه از نجات از وضع بسیار سخت دوزخ است؛ نه مرگ و نابودی واقعی.

رد استمداد جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۷

۷ - پاسخ منفی و یأس آور نگهبانان جهنم ، به استمداد دوزخیان مبنی بر درخواست تخفیف در عذاب آنان از خداوند

قَالَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يَخْفَفْ عَنَّا .. قَالُوا فَادْعُوا وَ مَا دَعُوا الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِى ضَلٰلٍ

رد استمهال جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۱

۱ - پاسخ منفی خداوند به فرصت خواهی دوزخیان

رَبَّنَا اٰخِرٰنَا مِنْهَا .. قَالِ اٰخِسْتُوْا فِيْهَا

<حَسْبًا> (مصدر <اٰخِسْتُوْا>) به معنای طرد کردن است. <اٰخِسْتُوْا> معادل بروید، گم شوید و... می باشد. ضمیر <فِيْهَا> به دوزخ باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۹ - ۱

۱ - یادآوری برخورد های مستکبرانه کافران با مؤمنان در دنیا ، در پی نجات خواهی

آنان از دوزخ و رد آن از سوی خداوند

ربنا أخرجنا منها .. قال اخسثوا ... إنه كان فريق من عبادي

رنج اخروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۳ - ۵

۵ - اهل دوزخ ، از تلاش های خویش در دنیا ، جز رنج و تعب در آخرت سودی نخواهند برد .

عامله ناصبه

جمله <لسعها راضیه> (در آیات بعد) که ناظر به گروه مقابل اهل دوزخ است از سعی آنها در دنیا و رضایتشان در آخرت سخن گفته است. در نتیجه این آیه، ناظر به عمل دوزخیان در دنیا و <نَصَبُ> (تعب) آنان در آخرت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۱

۱ - چشیدن آتش سوزان و گرفتاری به رنج و مشقت آن ، فرجام کسانی است که حضورشان در صحنه قیامت ، همراه با خفت و خواری است .

وجوه یومئذ خشعه .. تصلی نارًا حامیه

<صلی النار>؛ یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید (قاموس).

روابط جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ جهنم، جایگاهی آکنده از جدال و ستیز دوزخیان با یکدیگر

كلما دخلت .. قالت أخريهم لأوليهم ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ کینه توزی و دشمنی دوزخیان نسبت به یکدیگر

فَأْتَهُمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ .. فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ

رؤیت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- صفات - ۳۷ - ۵۶ - ۱،۲

۱ - سخن گفتن بهشتیان با هم نشینان کافر دنیایی خویش ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فراءه فی سواء الجحیم . قال تالله إن کدت

۲ - امکان برقراری ارتباط و سخن گفتن بهشتیان با دوزخیان ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فراءه فی سواء الجحیم . قال تالله إن کدت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - عرضه گمراهان و ستمکاران بر دوزخ ، در برابر دید اهل ایمان و قابل مشاهده برای آنان

و تریهم يعرضون علیها . . . و قال الذین ءامنوا إن الخسرین

رؤیت جهنمیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۴،۵،۳

۳ راهیان بهشت در صحنه قیامت منظره شوم و هول انگیز دوزخیان را مشاهده خواهند کرد .

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> به <اصحاب الجنة> در آیه قبل برگردانده شود.

۴ مشاهده دوزخیان از سوی بهشتیان ، مشاهده ای ناخواسته و بدون اختیار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار

مجهول آوردن فعل <صرفت> حکایت از برداشت فوق دارد.

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

زشتی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۳

۳ - بدمنظری دوزخیان ، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و

آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فيها كالحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

زمینه تحقیر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۹

۱۹- کمک خواهی دوزخیان ، افزایش دهنده عذاب و زمینه تحقیر افزون تر ایشان است .

و إن يستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

فعل <یغاثوا> (فریادرسی می شوند) استهزای دوزخیان است و <یشوی الوجوه> از سوزاندن و عذابی اضافه بر عذاب موجود خبر می دهد.

زمینه گمراهی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۱

۱ - گمراه گری مشرکان و معبودهایشان ، تنها در کسانی مؤثر خواهد بود که راه دوزخ را برگزینند .

ما أنتم علیه بفتنین . إلا من هو صال الجحیم

<صال> اسم فاعل و به معنای <لازم> است (اصل آن <صالی> می باشد)؛ یعنی، کسی که ملازم و هم راه دوزخ است و دست از این راه دوزخی برنمی دارد. گفتنی است: صیغه اسم فاعل هرگاه درمورد موجود عاقل به کار رود، به مفهوم انجام کاری از روی اختیار و انتخاب است.

زندگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۴

۴ تکذیب کنند قیامت ، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می شوند

لاتدعوا اليوم ثبورا وحدا و ادعوا ثبورا كثيرا

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: <درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند> یا به خاطر این

است که آنان به دفعات زنده می شوند، و باز می میرند. پس باید برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عذاب الهی کافران متعدد و گوناگون است. پس باید آنان برای هر یک از آنها، درخواست مرگ کنند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

زندگی دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۲

۲ - ناتوانی دوزخیان از برآورد دقیق مدت زندگی دنیوی خود، در مقایسه با حیات اخروی

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم فسل العادین

<عَدَّ و تعداد> (مصدر <عادین>) به معنای حساب نمودن و شماره کردن است.

زیانکاری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۸

۸ زیان حقیقی انسان به دوزخی شدن اوست .

فيجعلہ فی جہنم أولئک ہم الخسرون

سختی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۳ - ۴

۴ - باقی ماندن جهنمیان، در حالتی که نه مرگ است و نه زندگی نامیده می شود، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر است .

ثمّ لایموت فیها و لایحیی

حرف <ثمّ>، برای تراخی رتبی است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجه تر است.

سختی زندگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۱

۱ - زندگی انسان های بهشتی با انواع نعمت ها (همچون نهر ها ،

تخت ها ، شراب و همسران زیبا) قابل مقایسه با زندگی پردرد و رنج دوزخیان نیست .

أذلك خير نزلًا أم شجرة الزقوم

خوب بودن زندگی بهشتیان و بدی زندگی دوزخیان امری روشن و آشکار است. بر این اساس سؤال از بهتر بودن زندگی بهشتیان نسبت به دوزخیان می تواند برای بیان شدت تفاوت این دو زندگی و قابل قیاس نبودن آنها می باشد.

سرزنش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۳

۳ بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادى .. فهل وجدتم ما وعد ربكم حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنم ، شیطان آنان را سرزنش می کند و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد .

وقال الشیطن لَمَّا قَضَى الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ وَعْدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَعَدْتُكُمْ

مفسران، از جمله احتمالاتی که برای <قضى الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنم چنین خطابی خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خداوند ، به خاطر حق ناپذیری های گذشته آنان

ألم تكن آيتي تتلى عليكم .. تكذبون

استفهام در آیه فوق، استفهام توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۲ - وجود عذاب های روحی (چون سرزنش) ، برای دوزخیان

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۷ - ۲

۲ - مأموران الهی ، با به رخ کشیدن تکذیب گری ها و ناباوری های جهنمیان ، آنان را بر آن موضع گیری ، سرزنش خواهند کرد .

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ

سرور دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۱

۱ - جهنمیان ، که در آرزوی هلاکت ناله سر می دهند ، روزگاری در کنار خویشاوندان خود ، دنیایی شاد و زندگی خرمی داشتند .

يَدْعُوا ثُبُورًا .. إِنَّهٗ كَانَ فِيْ اَهْلِهٖ مُسْرُوْرًا

سوگند جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ

شدت ضعف جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - دوزخیان، همواره ضعیف و لاغر مانده و در شدت گرسنگی به سر خواهند برد .

لایسمن و لایغنی من جوع

کلمه <جوع>، نکره است و چون کلام منفی است، بر عموم دلالت دارد. بنابراین هر گونه گرسنگی که به تصور می آید، درباره دوزخیان مصداق خواهد داشت.

شدت گرسنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - دوزخیان، همواره ضعیف و لاغر مانده و در شدت گرسنگی به سر خواهند برد .

لایسمن و لایغنی من جوع

کلمه <جوع>، نکره است و چون کلام منفی است، بر عموم دلالت دارد. بنابراین هر گونه گرسنگی که به تصور می آید، درباره دوزخیان مصداق خواهد داشت.

شدت لاغری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۱

۱ - دوزخیان، همواره ضعیف و لاغر مانده و در شدت گرسنگی به سر خواهند برد .

لایسمن و لایغنی من جوع

کلمه <جوع>، نکره است و چون کلام منفی است، بر عموم دلالت دارد. بنابراین هر گونه گرسنگی که به تصور می آید، درباره دوزخیان مصداق خواهد داشت.

شرک جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۲

۲ شرک، سرآمد پلیدی ها و بارزترین جرم دوزخیان *

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ .. الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

تعبیر <الذی جعل...> در پی اوصاف متعدد دوزخیان می نماید که همه آن اوصاف، در شرک نهفته است و جدا آمدن <الذی جعل...>، می تواند اشاره به اهمیت آن داشته باشد.

شقاوت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۴

۱۴ شقاوت و تیره بختی ساکنان دوزخ

فمن زحزح عن النار و ادخل الجنه فقد فاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۳

۳ - اعتراف دوزخیان به استیلای شقاوت و گمراهی ، بر سراسر زندگی دنیوی آنان

قالوا ربنا غلبت

علینا شقوتنا و کنا قومًا ضالّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۶

۶ - > و فی الحدیث أنّ أهل النار إذا دخلوها . . . > فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنا قومًا ضالّین ، ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنا ظالمون < فوقفون أربعین سنه ذلّ الهوان لایجابون . . . ، ثم یجیبهم الله جلّ جلاله > اخسئوا فیها و لاتکلمون < قال : فعند ذالک یأسون من کلّ فرج و راحه و یغلق أبواب جهنّم علیهم . . .

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند]: .. > فقالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا و کنا قومًا ضالّین... < پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: > اخسئوا فیها و لاتکلمون <. امام (ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود... <.

شکنجه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۷

۷ شکنجه دوزخیان با طلا و نقره گداخته ، از عذاب های دردناک جهنم است .

و الذین یکتزون الذهب . . فبشرهم بعذاب ألیم. یوم یحمی علیها فی نار جهنم

شکنجه های روحی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۱

۱- وجود شکنجه روحی برای دوزخیان ،

افزون بر عذاب های شدید جسمی

ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ .. ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ

تعبیر <ذُقْ إِنَّكَ..>، بیانگر اوج تحقیر و تمسخر آنان است که این خود نوعی شکنجه روحی می باشد.

شومی تکیه گاه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۲۱

۲۱- آتش دوزخ، تکیگاهی ناپسند و شوم برای دوزخیان است.

يغاثوا بماء كالمهبل .. و ساءت مرتفقا

<مرتفق> به مکانی گفته می شود که آدمی، در آن، مرفق و آرنج خود را بر زمین نهد و با ساق دست خود اهرمی بسازد و سر بر آن گذارده، استراحت کند. یاد کردن از جایگاه دوزخیان با این تعبیر، به منظور ریش خند کردن آن ها است.

صدای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۳

۳- از اهل دوزخ، ناخوشایندترین صداها برمی خیزد.

لها شهيقا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که صدای برخاسته از دوزخ، به اعتبار اهل آن باشد، نه از خود آتش؛ چنان که در آیه ۱۰۶ سوره <هود> بدان تصریح شده است.

صفات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۰

۱۰- ستمگری، ویژگی مشترک همه دوزخیان است.

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - ملك - ٦٧ - ١٠ - ٤

٤ - كافران دوزخى ، مردمى لجوج و حق گريزانند .

و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما

كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۳

۳ - حق گریزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

يُودِ الْمَجْرِمِ .. تَدْعُوا مِنْ أَدْبُرٍ وَ تَوَلَّى

صورت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۱،۲

۱ - صورت زیان کاران دوزخی ، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار

<لَفْحٌ> (مصدر <تلفح>) به معنای سوزاندن است؛ یعنی، <آتش، چهره های آنها را می سوزاند>. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های آتش دوزخ می باشد.

۲ - جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحن>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۷

۷ - > عن حذیفة ان النبی قال : إِنَّ اللَّهَ إِذَا قَالَ لِأَهْلِ النَّارِ > اٰخَسُّوْا فِیْهَا و لَا تَكَلِّمُوْنَ > عادت وجوههم قطعه لحم لیس فیها أفواه ولا مناخیر تردّد النفس فی أجوافهم ؛

حذیفة از رسول خدا(ص) روایت کرده [که آن حضرت فرمود:] آن گاه که خداوند به اهل آتش می گوید: >اٰخَسُّوْا فِیْهَا و لَا تَكَلِّمُوْنَ<. صورت های آنان به قطعه گوشتی تبدیل می شود که در آن دهان و بینی نیست و نفس در درون آنان تردد می

کند <.

ظلم جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

۷ گرفتاران به آتش دوزخ ، دارای پیشینه ستمکاری در دنیا

رَبَّنَا إِنَّكَ مِنْ تَدخُلِ النَّارِ فَقَدْ اخزيتَه و ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ انصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ ستمگری ، ویژگی مشترک همه دوزخیان است .

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لاتجعلنا مع القوم الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۴

۴ - ظلم ، مهم ترین مشخصه دوزخیان

احشروا الذين ظلموا.. فاهدوهم إلى صراط الجحيم

توصیف مشرکان دوزخی به ستم پیشگان، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۲

۲- زورمداری ، برتری جویی و اشرافی گری در دنیا ، از ویژگی های عمده گنه کاران دوزخی

ذق إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

تحقیر، تمسخر و تویخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزیز> و <الکریم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیر شوندگان، از جمله کسانی اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

عجز جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - ناتوانی دوزخیان از برآورد دقیق مدت زندگی دنیوی خود، در مقایسه با حیات اخروی

قالوا لبثنا يوماً أو بعض يوم فسل العادین

<عَدَّ و تعداد> (مصدر <عادین>) به معنای حساب نمودن و شماره کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۱

۱ - طاغیان و دوزخیان،

در جهنم از دیدن بهشتیان ناتوان خواهند بود .

و قالوا ما لنا لانرى رجالاً كنا نعدهم من الأشرار

مقصود از <رجال> در آیه شریفه، مؤمنان و تقوایبندگان اند که در بهشت جای دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۳ - ۲

۲ - طاغیان در دوزخ ، خود را از دیدن بهشتیان و مؤمنان ناتوان خواهند دید .

أم زاغت عنهم الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۱

۱ - کافران و مشرکان دوزخی ، ناتوان از دفاع از خود در برابر عذاب الهی

أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب يوم القيامة

<إتقاء> (مصدر <يتقى>) به معنای سپر گرفتن جهت حفظ و دفاع از خود در برابر گزند است. دفاع از خود در برابر عذاب الهی به وسیله صورت در حالی که اصولاً انسان ها برای دفاع از خود از دست و پا استفاده می کنند تا گزندی به صورتشان نرسد بیانگر اوج ناتوانی دوزخیان از دفع عذاب از خویش است.

عدم تساوی جهنمیان با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۰ - ۱

۱ - نابرابری ، فرجام اخروی دوزخیان و بهشتیان

لايستوى أصحاب النار و أصحاب الجنة

عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۸

۸ رنج و عذاب دائمی دوزخیان

كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۳

۳ عذاب دوزخ ، همواره

دردناک و ناخوشایند برای دوزخیان

یریدون ان یخرجوا من النار و ما هم بخرجین منها

تصمیم مستمر برای خروج، که از فعل مضارع <یریدون ان یخرجوا> به دست می آید، نشانه رنج دیدن دایمی دوزخیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲۲، ۲۰

۲۰ دوزخیان، از شدت عذاب یکدیگر بی خبرند.

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

۲۲ عن أبي جعفر (ع) (فی حدیث طویل): ... <قالت أخرجهم لأولیهم ربنا هؤلاء اضلونا...> و قوله: <كلما دخلت امه لعنت أختها...> برء بعضهم من بعض و لعن بعضهم بعضا یرید بعضهم ان یحج بعضا رجاء الفلج فیفلتوا من عظیم ما نزل بهم

از امام باقر (ع) روایت شده که پس از تلاوت آیه <قالت أخرجهم...> فرمود: گروهی از آنان (جهنمیان)، از گروه دیگر بیزارى جسته و به آنان نفرین می کنند، شاید بر گروه دیگر در احتجاج پیروز شوند و از عذاب بزرگی که به آن گرفتار شده اند رهایی یابند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۳

۱۳ خلود در آتش جهنم، موجب عادت کردن دوزخیان یا کاسته شدن از رنج و عذاب نیست . *

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم ... و لهم عذاب مقیم

تکرار <و لهم عذاب مقیم> پس از <نار جهنم> ممکن است در جهت دفع این توهم باشد که دوزخیان در اثر خلود، بدان انس می گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۲

۲ - وجود عذاب روحی برای

دوزخیان ، افزون بر عذاب های جسمی

تلفح وجوههم النار . . . کلحون . ألم تکن ءایتی تتلی علیکم

سرزنش اهل دوزخ از سوی خداوند، به خاطر حق ناپذیری های گذشته شان، خود نوعی عذاب روحی برای آنان به شمار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۷

۷ - > عن حذیفه ان النبی قال : إِنَّ اللَّهَ إِذَا قَالَ لِأَهْلِ النَّارِ > اخسئوا فیها و لا تکلمون > عادت وجوههم قطعه لحم لیس فیها أفواه و لا مناخیر تردّد النفس فی أجوافهم ;

حذیفه از رسول خدا(ص) روایت کرده [که آن حضرت فرمود:] آن گاه که خداوند به اهل آتش می گوید: > اخسئوا فیها و لا تکلمون<. صورت های آنان به قطعه گوشتی تبدیل می شود که در آن دهان و بینی نیست و نفس در درون آنان تردد می کند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۲

۲ - درخت زقوم ، منبع تغذیه اهل دوزخ (اصحاب شمال)

لأکلون من شجر من زقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۳

۳ - عذاب دوزخ ، خوردنی و آشامیدنی آن (میوه زقوم و آب داغ) جزای دوزخیان (اصحاب شمال)

هذا نزلهم یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۵

۵ - عذاب کردن دوزخیان ، تنها وظیفه فرشتگان گماشته شده بر دوزخ

علیها تسعه عشر . . و ما جعلنا عدّتهم إلا فتنة للذین كفروا

برداشت یاد شده، مبتنی بر

این احتمال است که <عده> به معنای جماعت (قاموس المحيط) و <فتنه> به معنای عذاب باشد، یعنی، <و ما جعلنا جماعتهم إلا عذاباً للذین کفروا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - عذاب دوزخیان و اعطای نامه عمل به آنان از پشت سرشان، نظام جزایی آگاهانه و مدبرانه خداوند است.

و أمّا من أوتی کتبه .. و یصلی سعیراً ... بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

حرف <بلی> ممکن است به تمام مشخصات دسته دوم (و أمّا من أوتی ..) ارتباط داشته باشد. در این صورت پندار رجوع نکردن را، پنداری باطل و حوادث پیش آمده (أوتی کتبه وراء ظهره ... یصلی سعیراً) را، رخدادی ثابت معرفی می کند. جمله <إنّه ...> بیانگر این است که آن حادثه ها، برخاسته از ربوبیت و بصیرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۵ - ۳،۵

۳ - نوشیدن اجباری مایع جوشان، یکی از عذاب های دوزخیان است.

تسقی من عین ءانیه

۵ - مأموران الهی در جهنّم، عهده دار عذاب دوزخیان *

تسقی

مجهول بودن <تسقی>، بیانگر وجود یک یا چند مأمور عذاب در دوزخ است.

عذاب روحی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۲

۲ - وجود عذاب روحی برای دوزخیان، افزون بر عذاب های جسمی

تلفح وجوههم النار .. کلحون . ألم تکن ءیتی تتلی علیکم

سرزنش اهل دوزخ از سوی خداوند، به خاطر حق ناپذیری های گذشته شان، خود نوعی عذاب روحی برای

آنان به شمار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۶ - ۳

۳ - وجود عذاب روحی علاوه بر شکنجه جسمی برای دوزخیان

و هم فیها یختصمون

فعل مضارع (یختصمون) دلالت بر استمرار منازعه دوزخیان دارد که می تواند نوعی عذاب روحی برای آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۲

۲ - وجود عذاب های روحی (چون سرزنش) ، برای دوزخیان

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ

عذابهای جسمی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۱

۱- وجود شکنجه روحی برای دوزخیان ، افزون بر عذاب های شدید جسمی

ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ... ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ

تعبیر <ذُقْ إِنَّكَ...>، بیانگر اوج تحقیر و تمسخر آنان است که این خود نوعی شکنجه روحی می باشد.

عذابهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۲

۲ - دوزخیان ، هرگز از آتش دوزخ جدا نشده و پیوسته در آن خواهند سوخت .

<صلا> در اصل به معنای لزوم است. از این رو <اصلوها> به معنای <الزموها> (باید ملازم و هم راه عذاب دوزخ باشید) خواهد بود (لسان العرب و مجمع البيان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۴

۴ - آتش ، مهم ترین خصوصیت دوزخ و اصلی ترین عذاب دوزخیان است .

جهنم يصلونها . .. إنهم صالوا النار ... فزده عذاباً ضعفاً فی النار ... تخاصم أه

از

تعبیرهای به کار رفته درباره دوزخ؛ مانند ورود به آتش (صالوا النار) و عذاب دوچندان آتش (عذاباً ضعفاً فی النار) و اهل آتش، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۳

۳ - بی غذایی و تن در دادن دوزخیان به خوردن خار بی ارزش و صدمه زننده، از شکنجه ها و عذاب های جهنم است.

لیس لهم طعام إلا من ضریع

عصیان جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۵

۵ - بی باکی در برابر خدا و سرکشی در مقابل وحی، ویژگی دوزخیان

لا یستوی أصحاب النار و... لو أنزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خشعاً

با استفاده از ارتباط این آیه و آیه قبل، و تعریضی که این آیه نسبت به تأثیرناپذیران از آیات وحی دارد، برداشت یاد شده به دست می آید.

عطش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۵ - ۲

۲ - طغیان گران در دوزخ، گرفتار عطش شدید و طاقت فرسا خواهند بود.

إلا حمیمًا و غساقًا

<إلا> برای استثنای <حمیم> و <غساق> از <شراباً> است؛ بنابراین دوزخیان این دو مایع را خواهند آشامید. تن دادن به این نوشیدنی ها، نشانه شدت تشنگی آنان است.

عقیده جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲۱

۲۱ ربوبیت خداوند مورد پذیرش و اذعان دوزخیان قرار خواهد گرفت.

قالت .. ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۸

۸ عذاب آخرت، بازتاب عمل انسان، حتی در باور دوزخیان

قالت .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۸

۸ - گستره قدرت الهی در جهان واپسین ، مورد باور تمامی انسان ها حتی دوزخیان

و نادوا يملك ليقض علينا ربك

از این که جهنمیان نجات خود را به دست خداوند می دیدند و فرشتگان را به شفاعت می طلبیدند، استفاده می شود که حتی دوزخیان نیز در قیامت به قدرت الهی باور دارند.

علايق جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۴

۴ - طاغیان و دوزخیان ، مشتاق دیدن مؤمنان و مطلع گشتن از سرنوشت آنان هستند .

و قالوا ما لنا لانی رجلاً

علم اخروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۲

۲ - دوزخیان در قیامت ، به حاکمیت اراده خداوند بر آتش جهنم ، به روشنی پی خواهند برد .

نار الله

استناد <نار> به <الله>، بیانگر آن است که، استناد آتش جهنم به خداوند، بر کسی پوشیده نخواهد ماند، گرچه درباره آتش های دنیا، این حقیقت مخفی مانده و استناد آن به اسباب و علل مادی، انسان را از آن غافل ساخته باشد.

علم جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۳

۳ - تمامی دوزخیان از هر ملتی در همه اعصار از فرستادگان الهی برخوردار بوده و به دلایل

و برهان های آنان آگاه شدند .

قالوا أَوْ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رَسَلِكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۷ - ۷

۷ - دوزخیان ، آگاه به مقام ویژه موکل دوزخ در پیشگاه خداوند

و نادوا يملكك ليقتض علينا ربك

از درخواست وساطت جهنمیان از فرشته موکل دوزخ و نیز به کار بردن عبارت <ربكك>، مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل ازدیاد عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۹

۱۹- كمك خواهی دوزخیان ، افزایش دهنده عذاب و زمینه تحقیر افرون تر ایشان است .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل يشوي الوجوه

فعل <يغاثوا> (فریادرسی می شوند) استهزای دوزخیان است و <يشوي الوجوه> از سوزاندن و عذابی اضافه بر عذاب موجود خبر می دهد.

عوامل رد استمهال جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۲

۲ - ردّ درخواست های دوزخیان از سوی خدا ، بازتاب استهزای آنان نسبت به مؤمنان در دنیا

قال اخسئوا فيها .. إنّه كان فريق من عبادي ... فأتخذتموهم سخرياً

عوامل سرزنش جهنمیان

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خدا ، به خاطر استهزای آنان نسبت به بندگان مؤمن در دنیا

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا .. و كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ

<إِتْخَاذٌ> (مصدر <أَتَّخَذْتُمْ>) به معنای گرفتن و <سَخِرِيٌّ> به معنای استهزا و ریشخند است. <إِنْسَاءٌ> (مصدر <أَنَسُوا>) نیز به معنای فراموشاندن و از خاطر بردن است. ضمیرهای خطاب مربوط به

کافران و ضمیرهای غیبت مربوط به مؤمنان می باشد.

عوامل شدت تشنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۴ - ۱

۱ - عارض شدن تشنگی بسیار شدید بر دوزخیان (اصحاب شمال) ، به محض فارغ شدن از خوردن میوه < زقوم >

لأكلون من شجر من زقوم .. فشربون علیه من الحميم

به کارگیری <فا> در <فشاربون> و نیز قید <علیه>، می رساند که نوشیدن آب بعد از خوردن از <زقوم>، بی درنگ و بلافاصله انجام خواهد گرفت و این حکایت از تشنگی شدید دوزخیان دارد که با خوردن <زقوم> بر ایشان عارض خواهد شد.

عوامل گمراهی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنم ، شیطان آنان را سرزنش می کند و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد .

وقال الشیطن لَمَّا قَضَى الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ

مفسران، از جمله احتمالاتی که برای <قضى الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنم چنین خطابی خواهد کرد.

غذای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۲ - ۲،۳

۲ - درخت زقوم ، منبع تغذیه اهل دوزخ (اصحاب شمال)

لأكلون من شجر من زقوم

۳- اهل دوزخ (اصحاب شمال) ، برای رفع گرسنگی ناچار به تغذیه از درخت زقوم خواهند بود .

لأكلون من شجر من زقوم

آوردن <لام> تأکید، بیانگر آن

است که تغذیه اهل دوزخ از <زقوم> تردیدناپذیر است؛ زیرا آنان برای رفع گرسنگی چاره ای جز آن ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۳ - ۱

۱ - دوزخیان از فرط گرسنگی به پر کردن شکم خود از میوه < زقوم > می پردازند .

فمالون منها البطون

غضب بر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۴

۴ - مأموران دوزخ ، آکنده از خشم و نفرت نسبت به دوزخیان

كلما أرادوا . . . و ذوقوا عذاب الحریق

فرجام اخروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۰ - ۱

۱ - نابرابری ، فرجام اخروی دوزخیان و بهشتیان

لا یستوی أصحاب النار و أصحاب الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۴ - ۱

۱ - چشیدن آتش سوزان و گرفتاری به رنج و مشقت آن ، فرجام کسانی است که حضورشان در صحنه قیامت ، همراه با خفت و خواری است .

وجوه یومئذ خشعه . . . تصلی نارًا حامیه

<صلی النار> یعنی، حرارت آتش را به سختی چشید (قاموس).

فرجام جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ هیچ کس حتی پیامبر (ص) قادر به تغییر سرنوشت شوم (دوزخی بودن) مشرکان نیست .

ما كان للنبي .. من بعد ما تبين لهم أصحاب الجحيم

از اینکه نام پیامبر (ص) به خصوص ذکر شده است، استفاده می شود که نه تنها

دعای سایر مؤمنان در حق مشرکان بی نتیجه است بلکه حتی پیامبر(ص) هم نمی تواند سرنوشت آنان را با استغفار تغییر دهد.

فرجام شوم جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - دوزخ ، جایگاهی بد برای دوزخیان

و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۹

۱۹- فرجام نیک متقین بهشتی ، غیرقابل قیاس با فرجام سخت دوزخیان

مثل الجنة التي وعد المتقون .. كمن هو خلد في النار

فلسفه عجز جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۳

۳- طاغیان و دوزخیان ، در جستجوی علل و چرایی ناتوانی شان از دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانرى رجالاً

لام در <لنا> متضمن معنای علت است و <ما لنا..> یعنی، به چه علت ما نمی توانیم مؤمنان را ببینیم؟ به سخن دیگر مقصود آیه شریفه، این نکته است که دوزخیان از علل و چرایی ناتوانی شان از دیدن بهشتیان پرسش می کنند؛ نه از خود دیدن.

قبض روح جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲۲

٢٢- > عن أمير المؤمنين (ع) :... انه ليس أحد من الناس تفارق روحه جسده حتى يعلم إلى أي المنزليين يصير ، إلى الجنة أم النار... إن كان عدواً لله فتحت له أبواب النار... و نظر إلى ما أعدّ الله له فيها... كلّ

هذا يكون عند الموت... قال الله تعالى... > الذين تتوفاهم الملائكة ظالمي أنفسهم... فادخلوا أبواب جهنم... <...؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است:.. روح از بدن هیچ یک از مردم جدا نمی شود تا اینکه بدانند به سوی کدام یک از دو جایگاه می رود: بهشت یا آتش...؟! اگر دشمن خدا باشد، درهای آتش برای او باز می شود... و به آنچه خدا در آن جا برایش آماده کرده است، نگاه می کند... این همه هنگام مرگ خواهد بود... خدای تعالی فرمود: الذین تتوفاهم الملائكة ظالمي أنفسهم... فادخلوا أبواب جهنم...<.

قدرت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۷

۷ - نوعی اراده و توان محدود، برای دوزخیان وجود دارد.

كلما أرادوا أن يخرجوا منها أُعيدوا فيها

کثرت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۴

۴ - جهنم، در شگفت از کثرت و انبوهی کافران و دوزخیان *

و تقول هل من مزيد

برداشت یاد شده بدان احتمال است که سؤال <هل من مزيد> از روی انکار و اعجاب باشد؛ یعنی، آن قدر کافران را در خود جای داده که به شگفتی آمده و می پرسد: آیا به راستی هنوز هم کافرانی افزون تر وجود دارند؟!

کفر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۵

۵ انحراف و کفر انسان های دوزخی، ناشی از سوء اختیار خود

آنان است؛ نه معلول عوامل جبری .

و قد قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ

تعبیر <قد قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ> بدان معنا است که بر گمراهان، قبلاً اتمام حجت شده است و دیگر مجالی برای جدال و تخاصم نیست. لازمه اتمام حجت و مجرم بودن فرد، این است که او مجبور نبوده و به سوء اختیار خود، علیه حجت الهی اقدام کرده است.

کیفر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۸،۹

۸ عذاب دوزخیان ، هرگز ستمی از سوی خداوند بر آنها نیست .

ذوقوا عذاب الحریق . . . و انّ الله لیس بظلام للعبيد

بنابر اینکه <انّ الله . . . >، خبر برای مبتدایی محذوف باشد (الأمر و الشأن انّ الله لیس . . .)، بر این مبنا، مراد از ستم نکردن خداوند به قرینه <ذلک بما قَدِّمْتُ ایدیکم > این است که خداوند در کیفر دادن ستم نمی کند.

۹ عذاب دوزخیان ، هرگز فروتر از اقتضای عملکرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحریق . ذلک بما قَدِّمْتُ ایدیکم و انّ الله لیس بظلام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۵

۳۵ آتش ، وسیله ای برای عذاب دوزخیان

فقنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۴،۵،۸،۹،۱۴

۴ رویش پوست جدید بر بدن ، پس از بریان شدن و سوختن آن در آتش جهنم

كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا

۵ پوست ، واسطه عذاب آدمی در جهنم

كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ

با

توجه به اینکه <لیدوقوا> متعلق به <بدلناهم> است، برداشت فوق استفاده شده است.

۸ رنج و عذاب دائمی دوزخیان

كَلَّمَا نَضَجَتْ جُلُودَهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُقُوا الْعَذَابَ

۹ رویش مجدد پوست ، وسیله تداوم چشاندن عذاب به دوزخیان

كَلَّمَا نَضَجَتْ جُلُودَهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُقُوا الْعَذَابَ

۱۴ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

بنابر اینکه جمله <إِنَّ اللَّهَ .. > ، بیان علتی برای <سوف نصليهم ناراً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فَتَكُونُ مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۴

۴ - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عَدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۶ - ۱

۱- جوشش زقوم ، در درون دوزخیان ، چونان جوشش آب های داغ

۱ - جهنمیان به میزان کردار خویش ، کیفر خواهند شد .

جزاء وفاقاً

<جزاء> مصدر است و نصب آن، یا براساس مفعول مطلق بودن آن است، یعنی، <یجزون جزاء> و یا با تأویل به مشتق رفتن، حال برای <حمیم> و <غساق>

است. در صورت اول، مراد این است که کیفر آنان، کیفری مناسب و به میزان گناه آنان خواهد بود و در صورت دوم، همان <حمیم> و <غَسَّاق> کیفر مناسب آنان است. هر یک از دو احتمال، می تواند مبنای برداشت یاد شده باشد. <وفاقاً> گرچه مصدر است؛ ولی چون صفت می باشد، به معنای <موافقاً> خواهد بود.

کیفیت آشامیدن جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۱

۱- جباران منحرف ، آب چرکین جهنم را جرعه جرعه با کراهت تمام خواهند نوشید .

يسقى من ماء صديد. يتجرّعه ولايكاد يسيغه

<إساعه> به معنای ریختن شراب در حلق است. بنابراین مراد از <لایکاد یسیغه> این است که آنان نمی خواهند به چنین نوشیدنی نزدیک شوند.

کیفیت عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۵

۵- <عن النبي (ص) قال: > **إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَّا سِيقَ إِلَيْهَا أَهْلُهَا تَلَقْتَهُمْ بَعَثَ** ، **فَلَفَحْتَهُمْ لَفْحَةً فَلَمْ تَدَعْ لِحْمًا عَلَى عَظْمٍ إِلَّا أَلْقَتْهُ عَلَى الْعِرْقُوبِ** ;

از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که فرمود: آن هنگام که اهل جهنم را به سوی آن سوق دهند، آتش جهنم با سرعت با آنان روبه رو خواهد شد. پس آنان را به گونه ای خواهند سوزاند که گوشتی بر استخوانی باقی نخواهد گذاشت؛ مگر این که بر پاشنه پاهایشان می ریزد.

کیفیت ورود جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۹

۹- <عن أبي عبد الله (ع) عن أبيه ، عن

جَدَّه (ع) قال : للنار . . . باب يدخل منه فرعون و هامان و قارون و باب يدخل منه المشركون و الكفار . . . و باب يدخل منه بنو أمية . . . و باب يدخل منه مبغضونا و محاربونا و خاذلونا و انه لأعظم الأبواب و أشدها حرّاً ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است که فرمود: برای آتش . . . دری است که فرعون، هامان و قارون از آن داخل می شوند و دری است که مشرکان و کافران از آن داخل می شوند . . . و دری است که بنی امیه از آن داخل می شوند . . . و دری است که از آن داخل می شوند کسانی که بغض ما را در دل دارند و با ما در ستیزند و ما را یاری نمی کنند و این بزرگ ترین و سوزنده ترین آن درهاست . . . <

کینه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۵

۵ کینه توزی و دشمنی دوزخیان نسبت به یکدیگر

فأتهم عذاباً ضعفاً من النار . . . فما كان لكم علينا من فضل

گرسنگی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۶ - ۳

۳ - دوزخیان ستمگر ، در حال گرسنگی شدید به سر خواهند برد .

فمالتون منها البطون

پر کردن شکم از خوراکی های بسیار ناگوار، نشانه شدت گرسنگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۶ - ۱،۳

۱ - دوزخیان ، گرفتار گرسنگی و نیازمند غذا خواهند شد .

لیس لهم طعام

غذایی و تن در دادن دوزخیان به خوردن خار بی ارزش و صدمه زننده ، از شکنجه ها و عذاب های جهنم است .

ليس لهم طعام إلا من ضريع

گروههای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۷۸

۷ جهنمیان به صورت امتهایی مجزا از یکدیگر وارد دوزخ می شوند.

كلما دخلت أمه لعنت أختها

۸ ورود دوزخیان به جهنم، تدریجی و گروه گروه خواهد بود.

كلما دخلت أمه لعنت أختها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الكتب . . . و وقیت كل نفس ما عملت ... و سيق الذین كفروا إلى جهنم زمراً

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده ، آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

گفتگوی بهشتیان با جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۴

۴ دوزخیان ، از داخل جهنم ، توانا بر گفتگو با بهشتیان و بهشتیان نیز قادر بر سخن گفتن با دوزخیان هستند .

و نادى اصحاب النار اصحاب الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۱،۲

۱ - سخن گفتن بهشتیان با هم نشینان کافر دنیایی خویش ، به وقت مشاهده آنان

در دوزخ

فراءه فی سواء الجحیم . قال تالله ان کدت

۲ - امکان برقراری ارتباط و سخن گفتن بهشتیان با دوزخیان ، به وقت مشاهده آنان در دوزخ

فراءه فی سواء الجحیم . قال تالله ان کدت

گفتگوی جهنمیان با بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۴

۴ دوزخیان ، از داخل جهنم ، توانا بر گفتگو با بهشتیان و بهشتیان نیز قادر بر سخن گفتن با دوزخیان هستند .

و نادى اصحاب النار اصحاب الجنة

گفتگوی خدا با جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۶

۶ - سخن گفتن خداوند ، با جهنمیان در آخرت

فذوقوا فلن نزيدكم إلا عذابا

خطاب <فذوقوا> ممکن است در آخرت صادر شود و این آیه حاکی از آن باشد و نیز ممکن است در همین دنیا و با مفروض گرفتن مخاطبانی حاضر، القا شده باشد که شیوه ای مبالغه آمیز در تهدید است. برداشت یاد شده براساس اولین احتمال است.

گلایه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۱

۱ - شکوه دوزخیان از نقش اصلی پیشوایان مجرم خویش در گمراهی آنان

و ما أضلنا إلا المجرمون

گمراهی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۳

۳ - اعتراف دوزخیان به استیلاى شقاوت و گمراهی ، بر سراسر زندگی دنیوی آنان

قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا و كنا قوماً ضالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ -

۶ - > و فی الحدیث أنّ أهل النار إذا دخلوها ... > فقالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و کنا قومًا ضالّین ، ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنا ظالمون < فیقفون أربعین سنه ذلّ الهوان لایجابون ... ، ثم یجیبهم الله جلّ جلاله > اخسئوا فیها و لاتکلمون < قال فعند ذالک یأسون من کلّ فرج و راحه و یغلق أبواب جهنّم علیهم ... >

در حدیث آمده است که جهنمیان آن گاه که وارد آتش می شوند [می گویند:.. > فقالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا و کنا قومًا ضالّین... < پس چهل سال با ذلت و خواری توقف می کنند، در حالی که پاسخ داده نمی شوند... سپس خداوند جلّ جلاله جواب آنان را چنین می دهد: > اخسئوا فیها و لاتکلمون<. امام(ع) فرمود: در این هنگام است که آنان از هر گونه گشایش و راحتی، مأیوس می گردند و درب های جهنم به روی آنها بسته می شود...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۴

۴ کسانی که در قیامت به روافتان به سوی جهنم سوق داده می شوند ، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیراند .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم أولئک شرّ مکائنا و أضلّ سبیلًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <الذین > مبتدا و <أولئک > خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ،

به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۵

۵ انحراف و کفر انسان های دوزخی ، ناشی از سوء اختیار خود آنان است ؛ نه معلول عوامل جبری .

و قد قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ

تعبیر <قد قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ> بدان معنا است که بر گمراهان، قبلاً اتمام حجت شده است و دیگر مجالی برای جدال و تخاصم نیست. لازمه اتمام حجت و مجرم بودن فرد، این است که او مجبور نبوده و به سوء اختیار خود، علیه حجت الهی اقدام کرده است.

گناه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۳

۳ - دروغ شمردن آیات الهی ، اساسی ترین جرم دوزخیان

أَلَمْ تَكُنْ أَيْتِي تَتْلِيَّ . . . بِهَا تَكْذِبُونَ

لباس جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۶۸

۶ - برای شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، در دوزخ جامه هایی از آتشی ویژه می برند و بر آنان می پوشانند .

فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ

تنکیر <نار> نشانگر این نکته است که جامه هایی که برای اهل شرک خواهند برید از جنس آتشی به خصوص خواهد بود نه از هر آتشی .

۸ جامه های آتشین در دوزخ ، جامه هایی است بسیار آزار دهنده و سخت سوزاننده .

قَطَعَتْ لَهُمْ ثِيَابَ مِنْ نَارٍ

تنکیر <نار> علاوه بر این که بیانگر نوعی خاص از آتش است نشاندهنده شدت سوزانندگی و آسیب رسانی آن نیز می تواند باشد.

لبهای جهنمیان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ - جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحنون>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

۳ - بدمنظری دوزخیان ، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

لجاجة جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزانند .

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر

محرمات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۷

۷ تحریم روزی های بهشت بر اهل دوزخ ، دلیل خودداری بهشتیان از اهدای آب و دیگر مواهب درخواستی دوزخیان به

ایشان

أن أفیضوا علینا .. قالوا إن الله حرهما علی الکفرین

محرومیت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۶

۶- کافران دوزخی ، از هر گونه لطف و رحمت خداوند محروم اند .

و لا هم ینظرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد و از ماده <نظره> باشد که به معنای رحمت است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۶ - دوزخیان ، محروم از گفتوگوی مستقیم با خداوند *

و نادوا یملک لیقض علینا

از این که جهنمیان برای رفع عذاب از خود، نگهبانان جهنم را واسطه قرار می دهند، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۳۴ - ۷

۷ - محکومان به آتش دوزخ ، محروم از یار و مددکار در قیامت

و مأویکم النار و ما لکم من نصیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحقاً لأصحاب السعیر

<سحق> به معنای <بُعد> است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۳ - ۳

۳ - درنگ دوزخیان در جهنم ، همراه با بی نوایی و محرومیت از خواسته ها است .

لبشین فیها أحقاباً

تمام مشتقات <حقب>، به یک اصل و ریشه برمی گردد که به معنای حبس است. درباره سالی که باران در آن بند آمده باشد، گفته می شود: <حقب العام> (مقایس اللغه). <أحقاب> چنان که زمخشری گفته ممکن است جمع <حقب> باشد؛ یعنی، کسی که به کمیابی خیرات و رزق گرفتار شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۴

۴ - محرومیت دوزخیان از هوای مطبوع و آب ، عقوبتی مناسب

لا یدوقون فیها بردًا و لا شرابًا .. إثمهم کانوا لایرجون حسابًا

کیفر دوزخیان در آیات پیشین، به دو صورت نفی و اثبات بیان شده است؛ آنان از هوای سرد و نوشیدنی، محروم اند (نفی) و به نوشیدن <حمیم> و <غساق> مجبور خواهند بود (اثبات). <جزاء وفاقاً> آن را کیفری مناسب با کردار آنان که آن هم به صورت نفی و اثبات بوده بیان کرده است؛ آنها معاد را باور نداشتند (نفی) و آیات خدا را تکذیب می کردند (اثبات). آیه <جزاء وفاقاً> دلالت دارد که محرومیت، کیفری مناسب با بی اعتقادی است و نوشیدن مایع داغ و چرکین، کیفر مناسب تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۴ - ۴

۴ - آرمیدن متقین در سایه بوستان ها و می گساری آنان ، در برابر محرومیت جهنمیان از خنکی و نوشیدنی ، انعکاسی از تقابل آثار طغیان گری و تقوا است .

لا یدوقون فیها بردًا و لا شرابًا .. حدائق و أعتبا ... و كأسًا دهاقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۲

۲ - دوزخیان در آخرت ، از حضور شادمانه نزد خویشاوندان خود محروم خواهند بود .

إنه کان فی أهله مسرورًا

مقایسه دو تعبیر <ینقلب إلى أهله> (در آیات پیشین) و <کان فی أهله>، گویای این است که گرفتاران دوزخ، از لذت همنشینی با خویشاوندان خود بهره ای نمی برند.

مدت زندگی دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۲ - ۴

۴ - < قال رسول الله)

ص) إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَدخَلَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَ النَّارِ النَّارَ قَالَ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ : < كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ؟ قَالُوا : لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ لَنَعْمَ مَا أَتَجَرْتُمْ فِي يَوْمٍ أَوْ بَعْضِ يَوْمٍ رَحْمَتِي وَ رِضْوَانِي وَ جَنَّتِي أُسْكِنُوا فِيهَا خَالِدِينَ مَخْلُودِينَ ثُمَّ يَقُولُ : يَا أَهْلَ النَّارِ < كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ > بِئْسَ مَا أَتَجَرْتُمْ فِي يَوْمٍ أَوْ بَعْضِ يَوْمٍ نَارِي وَ سَخَطِي أَمْكَنُوا فِيهَا خَالِدِينَ ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا يوماً أو بعض يوم>. خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می دهند: <لبثنا يوماً أو بعض يوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۳

۳ - دوزخیان تعیین دقیق مدت درنگ در دنیا را ، به فرشتگان حسابگر ارجاع خواهند داد .

قالوا لبثنا .. فسئل العادین

مراتب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۲،۵

۲- تفاوت مراتب مستکبران و عصیان گران در استحقاق آتش دوزخ

علی الرحمن عتیًّا . ثم لنحن أعلم بالذین هم أولى بها صلیًّا

۵- خداوند از هر کسی ، به مرتبه و میزان استحقاق دوزخ برای هر یک از مستکبران و عصیان گران داناتر است .

ثم لنحن أعلم بالذین هم أولى بها صلیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۷

۷- وجود طبقات مختلف برای دوزخیان

لیکونا من الأسفلین

برداشت یاد شده بر این پایه است که مراد از <أسفلین> افراد درکات پایین تر دوزخ باشد؛ نه این که صرفاً به تحقیر و ذلیل شدن اغواگران اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۲

۲- وجود تفاوت درجات ، در بهشت برای مؤمنان و در دوزخ برای کافران *

و لکلّ درجت مّمّا عملوا

برداشت بالا- بنا بر این است که <لکلّ> به معنای هر یک از مؤمنان و هر یک از کافران باشد که در آیات پیشین به عنوان <مسلم> و <منکر معاد> از آنان یاد شد.

مرگ جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۴ - ۴

۴ تکذیب کنند قیامت ، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می شوند

لاتدعوا اليوم ثبورا وحدا و ادعوا ثبورا كثيرا

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: <درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند> یا به خاطر این است که آنان

به دفعات زنده می شوند، و باز می میرند. پس باید برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عذاب الهی کافران متعدد و گوناگون است. پس باید آنان برای هر یک از آنها، درخواست مرگ کنند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

مسئولیت گریزی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۳

۳ - تلاش دوزخیان برای انداختن بار گناه خویش بر دوش دیگران

و ما أضلنا إلا المجرمون

مشکلات اخروی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱

۱ دوزخیان در صحنه قیامت دارای موقعیتی بسیار شوم و دشوار

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

هدف از بیان ناخوشایندی بهشتیان از مشاهده دوزخیان و بیان دعای آنان پس از مشاهده ناخواسته ترسیم موقعیت دشوار و شوم دوزخیان است.

مشکلات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۱، ۱۲، ۵

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ، به دعا خواهند پرداخت

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

۱۱ اعرافیان با نگاهی ناخواسته منظره ناخوشایند دوزخیان را مشاهده خواهند کرد.

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ضمیر <ابصرهم> و <قالوا> اصحاب اعراف باشد.

۱۲ مشاهده منظره ناهنجار دوزخیان ، برانگیزنده اعرافیان به دعا به درگاه خداوند برای دور ماندن از ابتلا به سرنوشت آنها

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب

النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمين

معارفه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- جهنم یان در آخرت یکدیگر را شناخته و حوادث دنیا را به خاطر خواهند آورد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا فهل أنتم مغن

ممنوعیت استغفار برای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۳ - ۷

۷ استغفار برای آنان که دوزخی بودنشان قطعی است ، ممنوع می باشد .

ما كان .. أن يستغفروا ... من بعد ما تبين لهم أنهم أصحاب الجحيم

منازعه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ جهنم، جایگاهی آکنده از جدال و ستیز دوزخیان با یکدیگر

كلما دخلت .. قالت أخريهم لأوليهم ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۲

۲ زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۰ - ۵

۵ - طاغیان و پیروانشان ، درصدد تبرئه خود و مقصر دانستن دیگری در دوزخی شدن آنان هستند .

قالوا بل أنتم لامرئبًا بكم أنتم قدّمتموه لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۴ - ۳

۳- اهل دوزخ، به عذاب تخاصم و ستیزه جویی گرفتار خواهند شد.

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقَّ تَخَاصُمِ أَهْلِ النَّارِ

منشأ عذاب جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۶

۶- علم خداوند، ضامن و پشتوانه تعیین دقیق میزان و مرتبه استحقاق هر کس برای دوزخ

لنحن أعلم بالذین هم أولى بها

بیان داناتربودن خداوند نسبت به اولویت ها، صرفاً به منظور نشان دادن برتری آگاهی خداوند نیست؛ بلکه به نظر می رسد مقصود، بیان اجرا و سازمان یافتن عذاب ها، براساس اولویت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۴

۴ - عذاب کافران در دوزخ، به اراده خدا و تحت فرمان او است.

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۴

۴ - عذاب دوزخیان در قیامت، در اختیار خداوند و به دست او است.

موانع شنوایی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۰ - ۴

۴- شدت عذاب ها و طنین فریاد ، مانع شنیدن مشرکان در جهنم خواهد شد .

لهم فیها زفیر و هم فیها لایسمعون برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که >لهم فیها

موانع فرار جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۹ - ۱،۳

۱ - احاطه

ستون هایی امتداد یافته و بسیار بر آتش جهنم ، راه فرار را بر جهنمیان می بندد .

فی عمد ممدّه

<عَمِدٌ>، (جمع <عمود> (ستون) است. در صورتی که <فی عمد> متعلق به <مؤصده> باشد؛ مفاد آیه این خواهد بود که: آتش جهنم، در مجموعه ای از ستون های سر به فلک کشیده، قرار گرفته است و گریز از آن ستون ها، امکان پذیر نیست.

۳- جهنمیان ، در عمودهایی بلند به بند کشیده شده ، راه فراری نخواهند داشت . *

فی عمد ممدّه

مراد از <عمد>، ممکن است عمودهایی باشد که نظیر <غُلُّ>، برای بستن جهنمیان به کار خواهد رفت.

مهمترین گناه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۸ - ۳

۳- شرک ، عمده ترین گناه دوزخیان و ریشه همه تباهی ها

إِنَّ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . إِذْ نَسُوْكُمْ رَبِّ الْعَلَمِيْنَ

از این که دوزخیان گمراه، از میان همه تبه کاری های خود، تنها به گناه شرکشان پرداخته اند؛ احتمالاً بدین منظور باشد که شرک را بزرگ ترین خطای خود شمرده و یا منشأ سایر خطاها دانسته اند.

ناله جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۲

۲ جهنمیان ، از شدت آتش همواره صدایشان به ناله و نعره بلند است .

لهم فيها زفير و شهيق

<زفير> و <شهيق> به صداهایی که از اشخاص محزون و غمگین برمی خیزد گفته می شود؛ با این تفاوت که شهيق ، بلندتر و طولانی تر است و لذا در برداشت <زفير> به ناله و <شهيق> به نعره تفسیر و تعبیر گردید.

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۱

۱ - جهنمیان ، که در آرزوی هلاکت ناله سر می دهند ، روزگاری در کنار خویشاوندان خود ، دنیایی شاد و زندگی خرمی داشتند .

یدعوا ثبورًا .. إنَّه کان فی أهله مسرورًا

نامه عمل جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۲

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

نجات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۲

۲۲ سزاواران خلود در جهنم ممکن است با مشیت خداوند از آن رهایی یابند.

خلدین فیها إلا ما شاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۷،۸

۷ رهایی جهنمیان از آتش دوزخ ، امری ممکن و محتمل است و به مشیت خداوند بستگی دارد .

خلدین فیها .. إلا ما شاء ربک

منظور از <ما> ی موصوله در <إلا ما شاء ربك> می تواند زمان و مدت باشد. در این صورت <مستثنی منه> مدت زمانی است که به خلود و دوام توصیف شد. بر این اساس حاصل معنای <خالدین فیها...> چنین می شود: دوزخیان در آتش برای همیشه ماندگارند، مگر آنکه خداوند همیشه

بودن را ملغی کند.

۸ خداوند ، برخی از دوزخیان را از آتش دوزخ رهایی می بخشد و از عذاب نجات می دهد .

خالدین فیها .. إلا ما شاء ربك

برداشت فوق، بر این اساس است که مراد از <ما> در <إلا ما شاء ربك> افراد و اشخاص باشد. بر این مبنا <مستثنی منه> ضمیر مستتر در <خالدین> می باشد و حاصل معنای <خالدین فیها...> چنین خواهد بود: دوزخیان در آتش مخلد هستند، مگر افرادی را که خداوند بخواهد که در آن جا خالد نباشند. وصف <فعال لما یريد> به این نکته اشاره دارد که خداوند با اعمال مشیت خویش، برخی دوزخیان را رهایی خواهد بخشید.

نشانه های جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۵

۵ امت ها و گروه های موجود در صحنه قیامت ، چه بهشتی و چه دوزخی ، هر کدام دارای علایمی مخصوص به خویش

و علی الاعراف رجال یعرفون کلاً بسیمهم

کلمه <سیمما> به معنای علامت و نشانه است.

نعره جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۶ - ۲

۲ جهنمیان ، از شدت آتش همواره صدایشان به ناله و نعره بلند است .

لهم فیها زفیر و شهیق

<زفیر> و <شهیق> به صداهایی که از اشخاص محزون و غمگین برمی خیزد گفته می شود؛ با این تفاوت که شهیق ، بلندتر و طولانی تر است و لذا در برداشت <زفیر> به ناله و <شهیق> به نعره تفسیر و تعبیر گردید.

نفرت از استماع سخن جهنمیان

۳ - خداوند ، بیزار و خشمگین از سخن گفتن دوزخیان با او

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا .. قَالَ اخْسِئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون

نفرت از جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۸،۱۴

۸ دوزخیان ستمگر ، انسانهایی منفور در دیدگاه بهشتیان

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

راهیان بهشت خواسته خویش مبنی بر گرفتار نشدن به آتش دوزخ را با درخواست دوری از ستمکاران بیان داشتند و این می رساند که بهشتیان در روز قیامت از ستمکاران نیز متنفر هستند.

نقش جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۲

۲- بدن دوزخیان ، ماده آتش زای آتش جهنم است .

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ

از این که خود کافران و معبودهایشان هیزم و آتش گیره جهنم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۶ - ۹

۹ - دوزخیان و سنگ های دوزخ ، سوخت آتش جهنم است .

نَارًا وَقُودًا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ

<وقود> به معنای چیزی است که به آن آتش روشن می کنند، یعنی، ماده سوختی و قابل اشتعال.

نیازهای جسمانی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۴ - ۲

۲- وجود نیازهای جسمانی برای دوزخیان در قیامت *

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقْوَمِ . طَعَامَ الْأَثِيمِ

برداشت بالا بدان احتمال است که تعبیر <طعام>، حاکی از نیاز دوزخیان به غذا باشد، نه خوردن اجباری به آنان.

نیازهای جهنمیان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۳

۳ آب ، بالاترین نیاز و مهمترین تقاضای دوزخیان

أَنْ أَفِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ

ذکر به خصوص آب و نیز تقدیم آن بر دیگر مواهب، حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۸ - ۳

۳ - نیاز دوزخیان به تغذیه و نوشیدن

فَأِنَّهُمْ لِأَكْلُونَ مِنْهَا .. عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ . ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لِإِلَى الْجَحِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۶

۶ - برای عرض حاجت دوزخیان ، کسی جز نگهبانان دوزخ وجود ندارد .

و قَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَلَيْنَا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ

از این که دوزخیان حاجت خود را تنها برای نگهبانان جهنم مطرح می کنند، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

ویژگیهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۴

۴ - ظلم ، مهم ترین مشخصه دوزخیان

احشروا الذين ظلموا.. فاهدوهم إلى صراط الجحيم

توصیف مشرکان دوزخی به ستم پیشگان، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۹ - ۱

۱ - تقلید از پدران و اجداد در عقاید دینی باطل و مبانی فکری غلط ، از ویژگی های دوزخیان ستمگر

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ

مفسران بر آنند که در این جا ظاهر آیه شریفه (کافران پدران شان را گمراه یافتند) مراد نیست بلکه این خداوند

است که آنان را گمراه خوانده است و کافران تنها پدران خود را بر آیینی یافتند و بی تأمل و اندیشه از آنان تقلید کردند. مفاد این آیه، مانند مفاد آیه ۲۳ سوره زخرف است که می فرماید: <إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ آثَارِهِم مَّقْتَدُونَ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۲

۲- زورمداری، برتری جویی و اشرافی گری در دنیا، از ویژگی های عمده گنه کاران دوزخی

ذق إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

تحقیر، تمسخر و توبیخ شدن دوزخیان، با تعابیر <العزیز> و <الکریم>، اشعار به این نکته دارد که تحقیر شوندگان، از جمله کسانی اند که در دنیا برای خویش عزت و جایگاهی رفیع قائل بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۵

۵ - بی باکی در برابر خدا و سرکشی در مقابل وحی، ویژگی دوزخیان

لايستوى أصحاب النار و... لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيت حشعًا

با استفاده از ارتباط این آیه و آیه قبل، و تعریضی که این آیه نسبت به تأثیرناپذیران از آیات وحی دارد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۲

۲ - زراندوزی، از ویژگی های مجرمان دوزخی

و جمع فأوعى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۱

۱ - دوزخیان، در سراسر عمرشان، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین نپرداخته اند و عمر خود را به بطالت

و تکذیب روز جزا گذرانده اند .

قالوا لم نك من المصلين .. و كنا نكذب بيوم الدين . حتى أتينا اليقين

مقصود از <یقین> مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپذیر برای تمامی انسان ها است. آمدن فعل های <لم نك>، <نخوض> و <نكذب> به صورت فعل مضارع اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

ویژگیهای خوردنیهای جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۷ - ۳

۳ - خوردن گیاه <ضریع> ، دوزخیان را از گرسنگی نجات نخواهد داد .

و لایغنی من جوع

هشدار به جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۳

۳ - افزایش مداوم عذاب ، هشدار خداوند به جهنمیان

فلن نزیدکم إلا عذاباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۴

۴ - تعهد خداوند به هدایت انسان ها ، دلیل هشدار های او به آنان درباره خطر گرفتاری به آتش جهنم است .

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى .. فَأَنْذِرْتَكُمْ نَارًا تَلْظَى

حرف <فاء> در <فأَنْذِرْتَكُمْ>، آن را بر <إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى> تفریع کرده است؛ یعنی، حال که هدایت بر عهده ما است، پس انذار کرده و بیم می دهیم.

همنشین جهنمیان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۷ - ۴

۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله > و إذا النفوس زوجت < قال : أميا أهل الجنه فزوجوا الخيرات و الحسان و أمّا أهل النار

فمع

كُلِّ اِنْسَانٌ مِنْهُمْ شَيْطَانٌ ۚ

از امام باقر(ع) در تفسیر قول خداوند <وَ اِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ > روایت شده که فرمود: اهل بهشت با زنان زیبا و نیکو خلق ازدواج می کنند و اما اهل آتش، با هر انسانی از آنان شیطانی [قرین] است.

هولناکی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۵

۵ راهیان بهشت پس از مشاهده وضعیت نابهنجار دوزخیان و منظره هولناک دوزخ ، به دعا خواهند پرداخت

وَ اِذَا صُرِفَتْ اَبْصُرُهُمْ تَلَقَّاءُ اَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا

یأَسُ جَهَنْمِیَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۲

۲ - یأس کافران از نجات و رهایی ، پس از قرار گرفتن در تنگنای عذاب جهنم

عذاب شدید إذا هم فیہ مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۹ - ۳

۳ - ناامیدی دوزخیان از نجات کامل خود از عذاب جهنم و یا تخفیف و بخشش عمده آن

ادعوا ربکم یخفف عنا یومًا من العذاب

دوزخیان، از نگهبانان جهنم درخواست تخفیف تنها یک روز و اندکی از عذاب خود را دارند. از این نکته می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

